

سَلَامٌ عَلَيْهَا  
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال  
www.noorfatemah.org

# قوانین کیفری

قوانین و مقررات کشور

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# قوانین کیفری ( قوانین و مقررات کشور )

نویسنده:

واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

## فهرست

۵	فهرست
۲۵	قوانین کیفری ( قوانین و مقررات کشور )
۲۵	مشخصات کتاب
۲۵	قوانین کیفری
۲۵	۱- مجازات و دادرسی
۲۵	۱- قانون مجازات اسلامی
۲۵	۱- کتاب اول کلیات
۲۵	باب اول - مواد عمومی
۲۶	باب دوم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی
۲۶	فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی ( ماده ۱۲ تا ۲۱ )
۲۷	فصل دوم - تخفیف مجازات ( ماده ۲۲ تا ۲۴ )
۲۸	فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات ( ماده ۲۵ تا ۳۷ )
۲۹	فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان ( ماده ۳۸ تا ۴۰ )
۲۹	باب سوم - جرایم
۲۹	فصل اول - شروع به جرم ( ماده ۴۱ )
۳۰	فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم ( ماده ۴۲ تا ۴۵ )
۳۰	فصل سوم - تعدد جرم ( ماده ۴۶ و ۴۷ )
۳۰	فصل چهارم - تکرار جرم ماده ۴۸ )
۳۱	باب چهارم - حدود مسؤولیت جزایی ( ماده ۴۹ تا ۶۲ )
۳۲	۲- کتاب دوم - حدود
۳۲	باب اول - حد زنا
۳۲	فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا
۳۳	فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

۳۳	فصل سوم - اقسام حد زنا
۳۴	فصل چهارم - کیفیت اجرای حد
۳۵	باب دوم - حد لواط
۳۵	فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط
۳۵	فصل دوم - راههای ثبوت لواط در دادگاه
۳۵	باب سوم - مساحقه
۳۶	باب چهارم - قوادی
۳۶	باب پنجم - قذف
۳۷	باب ششم - حد مسکر
۳۷	فصل اول - موجبات حد مسکر
۳۷	فصل دوم - شرایط حد مسکر
۳۸	فصل سوم - کیفیت اجرای حد
۳۸	فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن
۳۸	باب هفتم - محاربه و افساد فی الارض
۳۸	فصل اول - تعاریف
۳۹	فصل دوم - راههای ثبوت محاربه و افساد فی الارض
۳۹	فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض
۳۹	باب هشتم - حد سرقت
۳۹	فصل اول - تعریف و شرایط
۴۰	فصل دوم - راههای ثبوت سرقت
۴۰	فصل سوم - شرایط اجرای حد
۴۰	فصل چهارم - حد سرقت
۴۰	۳- کتاب سوم - قصاص
۴۰	باب اول - قصاص نفس

۴۰	فصل اول - قتل عمد
۴۱	فصل دوم - اکراه در قتل
۴۱	فصل سوم - شرکت در قتل
۴۱	فصل چهارم - شرایط قصاص
۴۲	فصل پنجم - شرایط دعوی قتل
۴۲	فصل ششم - راههای ثبوت قتل
۴۲	اشاره
۴۲	مبحث اول - اقرار
۴۳	مبحث دوم - شهادت
۴۳	مبحث سوم - قسامه
۴۴	فصل هفتم - کیفیت استیفای قصاص
۴۵	باب دوم - قصاص عضو
۴۵	فصل اول - تعاریف و موجبات قصاص عضو
۴۶	فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو
۴۷	۴- کتاب چهارم - دیات
۴۷	باب اول - تعریف دیه و موارد آن
۴۷	باب دوم - مقدار دیه قتل نفس
۴۸	باب سوم - مهلت پرداخت دیه
۴۸	باب چهارم - مسؤول پرداخت دیه
۴۹	باب پنجم - موجبات ضمان
۵۰	باب ششم - اشتراک در جنایت
۵۱	باب هفتم - تسبیب در جنایت
۵۲	باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب
۵۳	باب نهم - دیه اعضاء

۵۳	.....	اشاره
۵۳	.....	فصل اول - ديه مو
۵۳	.....	فصل دوم - ديه چشم
۵۳	.....	فصل سوم - ديه بينی
۵۴	.....	فصل چهارم - ديه گوش
۵۴	.....	فصل پنجم - ديه لب
۵۴	.....	فصل ششم - ديه زبان
۵۵	.....	فصل هفتم - ديه دندان
۵۵	.....	فصل هشتم - ديه گردن
۵۵	.....	فصل نهم - ديه فك
۵۶	.....	فصل دهم - ديه دست و پا
۵۶	.....	فصل يازدهم - ديه ناخن
۵۶	.....	فصل دوازدهم - ديه ستون فقرات
۵۶	.....	فصل سيزدهم - ديه نخاع
۵۶	.....	فصل چهاردهم - ديه بيضه
۵۷	.....	فصل پانزدهم - ديه دنده
۵۷	.....	فصل شانزدهم - ديه استخوان زير گردن
۵۷	.....	فصل هفدهم - ديه نشيمن گاه
۵۷	.....	فصل هجدهم - ديه استخوانها
۵۷	.....	فصل نوزدهم - ديه عقل
۵۸	.....	فصل بيستم - ديه حس شنوايي
۵۸	.....	فصل بيست و يكم - ديه بينايي
۵۸	.....	فصل بيست و دوم - ديه حس بويائي
۵۹	.....	فصل بيست و سوم - ديه چشايي



۵۹	فصل بیست و چهارم - دیه صوت و گویایی
۵۹	فصل بیست و پنجم - دیه زوال منافع
۵۹	باب دهم - دیه جراحات
۵۹	فصل اول - دیه جراحات سر و صورت
۶۰	فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می‌شود
۶۰	فصل سوم - دیه جراحی که در اعضای انسان فرومی‌رود
۶۰	باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می‌شود
۶۰	باب دوازدهم - دیه سقط جنین
۶۱	باب سیزدهم - دیه جنایتی که بر مرده واقع می‌شود
۶۱	۵- کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده
۶۱	فصل اول جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور
۶۳	فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی
۶۳	فصل سوم - سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی
۶۳	فصل چهارم - تهیه و ترویج سکه قلب
۶۴	فصل پنجم - جعل و تزویر
۶۶	فصل ششم - محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی
۶۶	فصل هفتم - فرار محبوسین قانونی و اخفای مقصرین
۶۷	فصل هشتم - غصب عناوین و مشاغل
۶۸	فصل نهم - تخریب اموال تاریخی فرهنگی
۶۹	فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی
۷۰	فصل یازدهم - ارتشاء و ربا و کلاهبرداری
۷۱	فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانونی
۷۲	فصل سیزدهم - تعدیات مأمورین دولتی نسبت به دولت
۷۳	فصل چهاردهم - تمرد نسبت به مأمورین دولت

۷۳	فصل پانزدهم - هتك حرمت اشخاص
۷۳	فصل شانزدهم - اجتماع و تبانی برای ارتكاب جرایم
۷۳	فصل هفدهم - جرایم علیه اشخاص و اطفال
۷۵	فصل هجدهم - جرایم ضد عفت و اخلاق عمومی
۷۶	فصل نوزدهم جرایم بر ضد حقوق و تكالیف خانوادگی
۷۷	فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشای سر
۷۷	فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر
۷۸	فصل بیست و دوم - تهدید و اكراه
۷۹	فصل بیست و سوم - ورشكستگی
۷۹	فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت
۷۹	فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات
۸۰	فصل بیست و ششم - هتك حرمت منازل و املاك غیر
۸۱	فصل بیست و هفتم - افترا و توهین و هتك حرمت
۸۲	فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الكلی و قماربازی و ولگردی
۸۳	فصل بیست و نهم - جرایم ناشی از تخلفات رانندگی
۸۴	۲- قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب
۸۵	باب اول كشف جرم و تحقیقات مقدماتی
۸۵	فصل اول ضابطین دادگستری و تكالیف آنان
۸۶	فصل دوم اختیارات دادرس دادگاه و قاضی تحقیق
۸۶	مبحث اول - شروع به رسیدگی و فرار بازداشت
۸۸	مبحث دوم - رد دادرسان و قضات تحقیق
۸۸	مبحث سوم - صلاحیت دادگاه
۸۹	مبحث چهارم - احاله
۸۹	مبحث پنجم - شروع و کیفیت تحقیقات

۹۰	مبحث ششم - معاینه محل و تحقیقات محلی
۹۲	فصل سوم تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم
۹۳	فصل چهارم بازجویی و اخذ تأمین
۹۳	مبحث اول - احضار و بازجویی متهم
۹۴	مبحث دوم - قرار تأمین
۹۶	فصل پنجم شاهد، شهادت جرح و تعدیل شهود
۹۶	مبحث اول - احضار شهود تحقیق و مطلعین
۹۷	مبحث دوم - جرح و تعدیل شهود
۹۸	فصل ششم مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده
۹۸	باب دوم کیفیت محاکمه
۹۸	فصل اول اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات
۹۹	فصل دوم وکالت در دادگاهها
۱۰۰	فصل چهارم رأی غیابی
۱۰۰	فصل پنجم ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال
۱۰۲	باب سوم تجدید نظر احکام
۱۰۲	فصل اول کلیات
۱۰۳	فصل دوم کیفیت رسیدگی در دادگاههای تجدیدنظر استان
۱۰۵	فصل سوم دیوان عالی کشور و هیأت عمومی
۱۰۶	باب چهارم اعاده دادرسی
۱۰۷	باب پنجم اجرای احکام
۱۰۷	فصل اول احکام لازم الاجرا
۱۰۷	فصل دوم ترتیب اجرای احکام
۱۰۹	باب ششم هزینه دادرسی
۱۰۹	۳- قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ( مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱ )

- ۴- آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ( مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی ) ..... ۱۱۷
- ۵- قوانین و مقررات چک ..... ۱۲۱
- قانون چکهای تضمین شده ..... ۱۲۱
- لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها ..... ۱۲۱
- قانون صدور چک ( مصوب ۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ ) ..... ۱۲۱
- آیین نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بان ..... ۱۲۴
- ۶- قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می دهند و یا تملک می کنند و مجازات آنها ..... ۱۲۵
- ۷- قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص ..... ۱۲۵
- ۸- لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص بشوند ..... ۱۲۶
- ۹- قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه ..... ۱۲۶
- ۱۰- قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست ..... ۱۲۶
- ۱۱- قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانهها و پانسیونها ..... ۱۲۸
- ۱۲- قانون اطلاع ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ ..... ۱۲۸
- ۱۳- قانون تعریف محکومیتهای مؤثر در قوانین جزایی ..... ۱۲۸
- ۱۴- قانون لغو مجازات شلاق ..... ۱۲۹
- ۱۵- قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی ..... ۱۲۹
- ۱۶- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره الحاقی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی ..... ۱۲۹
- ۱۷- آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو ..... ۱۲۹
- ۱- فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب ..... ۱۲۹
- ۲- فصل دوم در نحوه اجرای احکام قطع یا نقص عضو ..... ۱۳۱
- ۱۸- قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱/۳/۱۳۶۸ ..... ۱۳۲
- ۱- فصل اول - محاکم کیفری ..... ۱۳۲
- ۱- مبحث اول - در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها ..... ۱۳۲
- ۲- مبحث دوم - در شروع رسیدگی ..... ۱۳۴

- ۳- مبحث سوم - در تجدیدنظر - ۱۳۵
- ۴- فصل دوم - دیوان عالی کشور - ۱۳۵
- ۱۹- قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر - ۱۳۶
- ۲۰- لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید - ۱۳۷
- ۲۱- قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می‌نمایند - ۱۳۷
- ۲۲- لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی - ۱۳۷
- ۲۳- قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی - ۱۳۹
- ۲۴- آئین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیت‌های مالی - ۱۴۰
- ۱- بخش اول جزای نقدی - ۱۴۰
- ۲- بخش دوم سایر محکومیت‌های مالی - ۱۴۱
- ۲۵- تصویب‌نامه درخصوص تأمین خسارت‌های بدنی برای پرونده‌های واصل شده از صندوق دیه بیت‌المال در سال جاری - ۱۴۲
- ۲۶- قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۸۸ - ۱۴۲
- ۲۷- متن کامل لایحه پیشنهادی قانون ابین دادرسی کیفری - ۱۴۲
- ۲- مواد مخدر و قاچاق - ۱۴۳
- قانون مبارزه با موادمخدر - ۱۴۳
- قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن - ۱۴۷
- لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال - ۱۵۳
- قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴/۲/۱۳۳۹ - ۱۵۶
- فصل اول - شرایط استرداد - ۱۵۶
- فصل دوم - ترتیب استرداد - ۱۵۷
- نحوه تنظیم اوراق لازم برای استرداد متهمین - ۱۵۹
- نحوه تقاضای استرداد مجرمین - ۱۵۹
- قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ) - ۱۵۹
- آیین نامه اجرایی قانون مبارزه با موادمخدر - ۱۶۱

- ۱۶۳ ..... آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با موادمخدر و الحاق موادی به آن
- ۱۶۷ ..... آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین مواد مخدر که در اجرای مصوبه ۳/۸/۶۷ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام
- ۱۶۸ ..... آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی
- ۱۶۸ ..... فصل اول : تشکیلات و روش کار
- ۱۶۹ ..... فصل دوم : مناسبت‌های عفو و بخشودگی
- ۱۶۹ ..... فصل سوم : شرایط و سیاست های عفو و تخفیف در مجازات
- ۱۶۹ ..... فصل چهارم : موارد شمول عفو و تخفیف
- ۱۷۰ ..... آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به موادمخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد
- ۱۷۲ ..... آیین‌نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح
- ۱۷۲ ..... ۳- تخلفات صنفی و تعزیرات
- ۱۷۲ ..... قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام
- ۱۷۲ ..... فصل اول - تخلفات و تعزیرات مربوطه
- ۱۷۵ ..... فصل دوم - تخلفات بخش دولتی
- ۱۷۶ ..... فصل سوم - تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی
- ۱۷۶ ..... آیین‌نامه سازمان تعزیرات حکومتی
- ۱۷۶ ..... فصل اول - تشکیلات
- ۱۷۸ ..... فصل دوم - نحوه رسیدگی
- ۱۷۹ ..... قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳
- ۱۷۹ ..... قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲
- ۱۷۹ ..... فصل اول - تعاریف
- ۱۸۰ ..... فصل دوم - فرد صنفی
- ۱۸۱ ..... فصل سوم - اتحادیه‌ها
- ۱۸۵ ..... فصل چهارم - مجمع امور صنفی
- ۱۸۷ ..... فصل پنجم - شورای اصناف کشور

۱۸۸	فصل ششم - کمیسیون نظارت
۱۸۹	فصل هفتم - هیات عالی نظارت
۱۹۰	فصل هشتم - تخلفات و جریمه ها
۱۹۳	فصل نهم - سایر مقررات
۱۹۵	قانون تشدید مجازات محترکان و گرانفروشان - مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷
۱۹۶	قانون مجازات نانوایان و قصابان متخلف - مصوب ۲۲/۴/۵۴
۱۹۷	قانون شمول قانون مجازات اخلاص کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلاص کنندگان در عرضه و توزی
۱۹۷	قانون منع خرید و فروش کوپن های کالاهای اساسی - مصوب ۲۳/۱/۶۷
۱۹۸	قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام
۱۹۸	فصل اول - تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی و درمانی
۱۹۹	فصل دوم تعزیرات توزیع و فروش دارو و شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی
۱۹۹	بخش ۱ - دارو
۲۰۱	بخش ۲ - شیر خشک و غذای کودک
۲۰۱	بخش ۳ - لوازم و ملزومات پزشکی و دندان پزشکی و آزمایشگاهی
۲۰۲	بخش ۴ - شرکتهای توزیع کننده دارو ، شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی
۲۰۲	فصل سوم - تعزیرات تولید ، توزیع ، فروش مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی
۲۰۴	فصل چهارم - سایر مقررات
۲۰۴	آیین نامه راجع به وظایف واحد رسیدگی به شکایات و تجدیدنظر در احکام کمیسیون های تعزیرات حکومتی بخش دول
۲۰۶	آیین نامه اجرایی نحوه فروش کالاهای قاچاق مکشوفه موضوع قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچا
۲۰۷	لایحه قانونی مجازات واحدهای تولیدی داخلی و وارداتی متخلف
۲۰۷	آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز
۲۱۳	آیین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی
۲۱۶	آیین نامه اجرایی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات - مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران
۲۱۸	قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

- اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۱/۴/۱۳۷۹ ..... ۲۲۰
- اصلاحیه آیین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۳/۴/۱۳۸۳ ..... ۲۲۰
- اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مص ..... ۲۲۰
- اصلاح تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ..... ۲۲۱
- اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - م ..... ۲۲۱
- اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز ..... ۲۲۲
- ۴- پزشکی و بهداشتی ..... ۲۲۳
- قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی - مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۱۸) ..... ۲۲۳
- قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب تیرماه ۱۳۷۲ (ماده ۱ تا ۱۱) ..... ۲۲۶
- قانون راجع به اطباء خارجی - مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ (ماده ۱ تا ۶) ..... ۲۲۷
- قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی ..... ۲۲۷
- فصل اول - موسسات پزشکی (ماده ۱ تا ۵) ..... ۲۲۷
- فصل دوم - آزمایشگاه تشخیص (ماده ۶ الی ۹) ..... ۲۲۹
- فصل سوم - مقررات مربوط به اشتغال پزشکان بیگانه (ماده ۱۰ تا ۱۲) ..... ۲۳۰
- فصل چهارم - شرایط ساخت و ورود دارو و فرآورده های بیولوژیک و فرآورده های آزمایشگاهی (ماده ۱۳ تا ۱۴) ..... ۲۳۰
- قانون مایه کوبی عمومی و اجباری - مصوب مهرماه ۱۳۲۲ (ماده ۱ تا ۴) ..... ۲۳۴
- قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران ..... ۲۳۵
- فصل اول - تعریف ، اهداف (ماده ۱ تا ۲) ..... ۲۳۵
- فصل دوم - وظایف و اختیارات (ماده ۳) ..... ۲۳۵
- فصل سوم - شرایط عضویت (ماده ۴) ..... ۲۳۶
- فصل چهارم - ارکان و واحدهای تابعه (ماده ۵ تا ۱۴) ..... ۲۳۶
- فصل پنجم - انتخابات (ماده ۱۶ تا ۲۳) ..... ۲۳۸
- فصل ششم - موارد متفرقه (ماده ۲۴ تا ۳۱) ..... ۲۳۹
- قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری های سرطانی - مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ (ماده واحده) ..... ۲۴۱



- قانون انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس - مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ ( ماده ۱ تا ۷) ----- ۲۴۱
- قانون اجازه تاسیس آزمایشگاههای تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیص آفات و بیماریهای گیاهی توسط بخش ----- ۲۴۲
- قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار ----- ۲۴۳
- فصل اول - بیماریهای آمیزشی ( ماده ۱ تا ۱۵) ----- ۲۴۳
- فصل دوم - بیماریهای واگیردار ( ماده ۱۶ تا ۲۴) ----- ۲۴۴
- قانون سازمان دامپزشکی کشور - مصوب خرداد ۱۳۵۰ ( ماده ۱ تا ۲۱) ----- ۲۴۵
- آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ----- ۲۴۷
- فصل اول - تعاریف ، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای ( ماده ۱ تا ۲۸) ----- ۲۴۷
- فصل دوم - مجازاتهای انتظامی ( ماده ۲۹ تا ۳۱) ----- ۲۴۹
- فصل سوم - رسیدگی به تخلفات (ماده ۳۲ تا ۵۰) ----- ۲۴۹
- فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۵۱ تا ۵۶) ----- ۲۵۱
- آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ ( ماده ۱ تا ۲۰) ----- ۲۵۱
- آیین نامه مقررات بهداشتی مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷ ----- ۲۵۳
- فصل اول - بهداشت فردی ( ماده ۱ تا ۸) ----- ۲۵۳
- فصل دوم - وضع ساختمانی اماکن عمومی و مراکز تهیه و تولید - توزیع - نگهداری و فروش مواد غذایی ( ماده ----- ۲۵۴
- فصل سوم - وسایل و لوازم کار ( ماده ۳۶ تا ۴۳) ----- ۲۵۵
- فصل چهارم - طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول مواد این آیین نامه ( ماده ۴۴) ----- ۲۵۶
- قانون سقط درمانی - مصوب ۱۳۸۴ ----- ۲۵۶
- الحاق یک تبصره به ماده (۴۰) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۸۴ ----- ۲۵۶
- ۵- مطبوعات و رسانه ها ----- ۲۵۷
- قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب دی ماه ۱۳۴۸ ----- ۲۵۷
- فصل اول - تعاریف ( ماده ۱ تا ۲) ----- ۲۵۷
- فصل دوم - حقوق پدیدآورنده ( ماده ۳ تا ۱۱) ----- ۲۵۷
- فصل سوم - مدت حمایت از حق پدید آورنده و حمایت‌های قانونی دیگر ( ماده ۱۲ تا ۲۲) ----- ۲۵۸

- فصل چهارم - تخلفات و مجازات ها ( ماده ۲۳ تا ۳۳ ) ..... ۲۵۹
- آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب ۱۳۵۰ هیات وزیران ..... ۲۵۹
- فصل اول - مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر ..... ۲۵۹
- فصل دوم - مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر ( ماده ۲ ) ..... ۲۶۰
- فصل سوم - مرجع ثبت و اقدامات ثبتی ( ماده ۳ تا ۷ ) ..... ۲۶۱
- قانون هیات منصفه - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ ( ماده ۱ تا ۱۵ ) ..... ۲۶۱
- قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ و اصلاح آن - مصوب سال ۱۳۷۹ ..... ۲۶۳
- فصل اول - تعریف مطبوعات ( ماده ۱ ) ..... ۲۶۳
- فصل دوم - رسالت مطبوعات ( ماده ۲ ) ..... ۲۶۳
- فصل سوم - حقوق مطبوعات ( ماده ۳ تا ۵ ) ..... ۲۶۳
- فصل چهارم - حدود مطبوعات ( ماده ۶ تا ۷ ) ..... ۲۶۴
- فصل پنجم - شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه ( ماده ۸ تا ۲۲ ) ..... ۲۶۴
- فصل ششم - جرایم ( ماده ۲۳ تا ۳۵ ) ..... ۲۶۷
- فصل هفتم - هیات منصفه مطبوعات ( ماده ۳۶ تا ۴۴ ) ..... ۲۶۸
- فصل هشتم - موارد متفرقه ( ماده ۴۵ تا ۴۸ ) ..... ۲۷۰
- قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی - مصوب دیماه ۱۳۵۲ - ( ماده ۱ تا ۱۲ ) ..... ۲۷۰
- قانون معافیت موسسات انتشاراتی و کتاب فروشان از پرداخت مالیات ( ماده واحده ) ..... ۲۷۱
- قانون ممنوعیت وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی از چاپ و انتشار نشریات غیر ضرور - مصوب ۲۹/۷/۱۳ ..... ۲۷۱
- قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی ، عناوین و اصطلاحات بیگانه ( ماده واحده ) ..... ۲۷۲
- لایحه قانونی مطبوعات - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱ ..... ۲۷۳
- فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ( ماده ۱ تا ۱۲ ) ..... ۲۷۳
- فصل دوم - حق جوابگویی آیین نامه های مطبوعاتی ( ماده ۱۳ تا ۱۴ ) ..... ۲۷۴
- فصل سوم جرایم مطبوعاتی ( ماده ۱۵ تا ۲۹ ) ..... ۲۷۴
- فصل چهارم - تخلفات ( ماده ۳۰ تا ۳۳ ) ..... ۲۷۶

- قانون محل دفاتر روزنامه و مجله ( ماده واحده ) ..... ۲۷۶
- قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ ( ماده ۱ تا ۱۱ ) ..... ۲۷۷
- قانون هیات منصفه مصوبه دهم خردادماه ۱۳۱۰ ( ماده ۱ تا ۱۴ ) ..... ۲۷۸
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲ ..... ۲۷۹
- لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴ ..... ۲۸۰
- فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ( ماده ۱ تا ۸ ) ..... ۲۸۰
- فصل دوم - حق جوابگویی - آیین نامه های مطبوعاتی ( ماده ۹ تا ۱۰ ) ..... ۲۸۲
- فصل سوم - جرایم ( ماده ۱۱ تا ۲۵ ) ..... ۲۸۲
- فصل چهارم تخلفات ( ماده ۲۶ تا ۲۹ ) ..... ۲۸۴
- فصل پنجم - دادرسی مطبوعات - هیات منصفه ( ماده ۳۰ تا ۴۲ ) ..... ۲۸۴
- لایحه قانونی مطبوعات - ۱۳۵۸ ( ماده ۱ تا ۳۸ ) ..... ۲۸۷
- آیین نامه محل تاسیس دفاتر مطبوعات ( ماده ۱ تا ۶ ) ..... ۲۹۱
- آیین نامه هیات منصفه - مصوب ۱۳۷۴ ..... ۲۹۱
- آیین نامه اجرایی قانون ( ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ) - ( ماده ۱ تا ۱۴ ) ..... ۲۹۲
- آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات - مصوب اسفندماه ۱۳۶۴ ..... ۲۹۳
- فصل اول - تعریف و مشخصات مطبوعات - ( ماده ۱ تا ۱۰ ) ..... ۲۹۳
- فصل دوم - شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه ( ماده ۱۱ تا ۲۱ ) ..... ۲۹۴
- فصل سوم - مواردی که مطبوعات ( صاحبان پروانه و مدیران مسئول ) موظف به رعایت آن می باشند ( ماده ۲۲ تا ..... ۲۹۵
- فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۲۹ تا ۳۰ ) ..... ۲۹۵
- آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران - مصوب ۱۳۵۴ ..... ۲۹۶
- فصل اول - تعریف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگار ( ماده ۱ تا ۳ ) ..... ۲۹۶
- فصل دوم - شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۴ تا ۶ ) ..... ۲۹۶
- فصل سوم - مدت اعتبار پروانه های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۷ تا ۱۲ ) ..... ۲۹۶
- فصل چهارم - وظایف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۱۳ تا ۱۶ ) ..... ۲۹۷

- فصل پنجم - مقررات مختلف ( ماده ۱۷ تا ۱۹ ) ..... ۲۹۷
- اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن ..... ۲۹۸
- آیین نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۲۹۸
- قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیتهای غیرمجاز می نمایند - مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۸۶ ..... ۳۰۰
- ۶- هوایی، دریایی و مرزی ..... ۳۰۲
- قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما - مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵ ..... ۳۰۲
- ماده واحده ..... ۳۰۲
- کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما ..... ۳۰۲
- فصل اول - قلمرو اجرای کنوانسیون ( ماده ۱ تا ۲ ) ..... ۳۰۲
- فصل دوم - صلاحیت ( ماده ۳ تا ۴ ) ..... ۳۰۳
- فصل سوم - اختیارات فرمانده هواپیما ( ماده ۵ تا ۱۰ ) ..... ۳۰۳
- فصل چهارم - تصرف غیر قانونی هواپیما ( ماده ۱۱ ) ..... ۳۰۴
- فصل پنجم - اختیارات و وظایف دول ( ماده ۱۲ تا ۱۵ ) ..... ۳۰۴
- فصل ششم - سایر مقررات ( ماده ۱۶ تا ۱۸ ) ..... ۳۰۵
- فصل هفتم - مقررات نهایی ( ماده ۱۹ تا ۲۶ ) ..... ۳۰۶
- قانون گذرنامه - مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ با اصلاحات بعدی ..... ۳۰۶
- فصل اول - کلیات ( ماده ۱ تا ۶ ) ..... ۳۰۷
- فصل دوم - انواع گذرنامه ( ماده ۷ تا ۹ ) ..... ۳۰۷
- فصل سوم - گذرنامه های سیاسی و خدمت ( ماده ۱۰ تا ۱۳ ) ..... ۳۰۷
- فصل چهارم - گذرنامه عادی ( ماده ۱۴ تا ۲۰ ) ..... ۳۰۹
- فصل پنجم - همراهان ( ماده ۲۱ تا ۲۳ ) ..... ۳۱۰
- فصل ششم - اعتبار گذرنامه عادی ( ماده ۲۴ تا ۲۷ ) ..... ۳۱۱
- فصل هفتم - گذرنامه جمعی ( ماده ۲۸ ) ..... ۳۱۱
- فصل هشتم - پروانه گذر ( ماده ۲۹ تا ۳۰ ) ..... ۳۱۱

- فصل نهم - برگ گذر بیگانگان ( ماده ۳۱ تا ۳۲ ) ..... ۳۱۲
- فصل دهم - آیین نامه های اجرایی ( ماده ۳۳ ) ..... ۳۱۲
- فصل یازدهم - مجازاتها ( ماده ۳۴ تا ۴۳ ) ..... ۳۱۲
- مواد جزایی از لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۵/۴/۱۳۵۹ شورا ..... ۳۱۳
- مواد مرتبط با امور جزایی از قانون هواپیمایی کشوری - مصوب تیرماه ۱۳۲۸ ( ماده ۱ تا ۳۵ ) ..... ۳۱۳
- قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان ..... ۳۱۵
- فصل اول - دریای سرزمینی ( ماده ۱ تا ۱۱ ) ..... ۳۱۵
- فصل دوم - منطقه نظارت ( ماده ۱۲ تا ۱۳ ) ..... ۳۱۶
- فصل سوم - منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ( ماده ۱۴ تا ۲۱ ) ..... ۳۱۷
- فصل چهارم - مواد نهایی ( ماده ۲۲ تا ۲۳ ) ..... ۳۱۷
- قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه هواپیمایی کشوری ..... ۳۱۸
- قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب تیرماه ۴۹ و اصلاحیه سال ۷۹ ..... ۳۱۸
- قانون تشدید مجازات کبوترپرانی - خردادماه ۱۳۵۱ ..... ۳۱۹
- قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور - مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷ ..... ۳۲۰
- قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن - مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ ( ماده ۱ تا ۲۴ ) ..... ۳۲۰
- آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه - مصوب ۱۸/۷/۱۳۶۳ هیات وزیران ( ماده ۱ تا ۱۴ ) ..... ۳۲۳
- ۷- منابع و محیط زیست ..... ۳۲۳
- قانون شکار و صید - مصوب خردادماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی ( ماده ۱ تا ۳۳ ) ..... ۳۲۳
- قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران - مصوب شهریور ماه ۷۴ ( ماده ۱ تا ۲۳ ) ..... ۳۲۷
- قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور - مصوب مهرماه ۱۳۷۱ ( مواد ۱ تا ۳ ) ..... ۳۲۹
- قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ ( ماده ۱ تا ۲۱ ) ..... ۳۳۰
- لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها - مصوب خرداد ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب ( ماده ۱ تا ۸ ) ..... ۳۳۳
- قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۴ ..... ۳۳۴
- فصل اول - کلیات ( ماده ۱ تا ۳ ) ..... ۳۳۴

- فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری ( ماده ۴ تا ۱۱ ) ..... ۳۳۴
- فصل سوم - کارخانجات و کارگاهها و نیروگاهها ( ماده ۱۲ تا ۲۱ ) ..... ۳۳۵
- فصل چهارم - منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه ( ماده ۲۲ تا ۲۷ ) ..... ۳۳۷
- فصل پنجم - مجازاتها ( ماده ۲۸ تا ۳۲ ) ..... ۳۳۷
- فصل ششم - مقررات مختلف ( ماده ۳۳ تا ۳۶ ) ..... ۳۳۸
- آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی ..... ۳۳۸
- قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۳۳۹
- اصلاح تبصره ماده(۱) آیین‌نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی - مصوب ۱ ..... ۳۳۹
- قانون اصلاح ماده ۳۳ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶ ..... ۳۴۰
- آیین‌نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور - مصوب ۱۳۸۷ ..... ۳۴۱
- فصل اول - کلیات، تعاریف و اصطلاحات ( ماده ۱ ) ..... ۳۴۱
- فصل دوم - نحوه نظارت ( ماده ۱ تا ۱۱ ) ..... ۳۴۲
- فصل سوم - نحوه رسیدگی به پرونده‌های واگذاری اراضی موضوع تبصره (۲) قانون ( ماده ۱۲ تا ۱۶ ) ..... ۳۴۴
- فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۱۷ تا ۲۱ ) ..... ۳۴۵
- پیوست ..... ۳۴۵
- ۸- زندان و عفو ..... ۳۴۹
- آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ..... ۳۴۹
- بخش یک کلیات ..... ۳۴۹
- فصل اول - تعاریف ( ماده ۱ تا ۱۹ ) ..... ۳۴۹
- فصل دوم - وظایف سازمان و مسوولین زندان ، بازداشتگاه و سایر مراکز وابسته به سازمان ( ماده ۲۰ تا ۴۱ ) ..... ۳۵۱
- بخش دوم - مقررات عمومی ..... ۳۵۵
- فصل اول - پذیرش تشخیص و طبقه بندی ( ماده ۴۲ تا ۶۵ ) ..... ۳۵۵
- فصل دوم - امور داخلی ، برنامه های روزانه ، تغذیه و بهداشت ( ماده ۶۶ تا ۱۱۷ ) ..... ۳۵۸
- فصل سوم - اشتغال و حرفه آموزی ( ماده ۱۱۸ تا ۱۳۰ ) ..... ۳۶۲

- فصل چهارم - فعالیتهای آموزشی ، فرهنگی و تربیتی ( ماده ۱۳۱ تا ۱۵۲ ) ..... ۳۶۳
- فصل پنجم - روابط عمومی ( ماده ۱۵۳ تا ۱۶۰ ) ..... ۳۶۵
- فصل ششم - تخلفات و تنبیهات داخل زندان ( ماده ۱۶۱ تا ۱۷۳ ) ..... ۳۶۶
- آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۸ ..... ۳۶۷
- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت - مصوب مهرماه ۱۳۴۷ ..... ۳۶۸
- فصل اول - سازمان قانون اصلاح و تربیت ( مواد ۱ تا ۱۰ ) ..... ۳۶۸
- فصل دوم - وظایف مسئولین قانون اصلاح و تربیت ..... ۳۶۹
- فصل سوم - مقررات انضباطی ، تشویقی و پایان دوره نگاهداری اطفال ( ماده ۲۵ تا ۳۱ ) ..... ۳۷۱
- فصل چهارم - مقررات مربوط به مشاورین دادگاههای اطفال و مددکاران اجتماعی ( ماده ۳۲ تا ۴۰ ) ..... ۳۷۱
- آیین نامه انجمنهای حمایت زندانیان - مصوب اسفندماه ۱۳۶۰ ..... ۳۷۲
- فصل اول - تشکیلات ( ماده ۱ تا ۳ ) ..... ۳۷۲
- فصل دوم - اختیارات و وظایف مدیر عامل ، مسئولین دفتری و متصدیان ( ماده ۴ تا ۱۴ ) ..... ۳۷۳
- موارد متفرقه ( ماده ۱۵ تا ۱۹ ) ..... ۳۷۳
- آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی - مصوب آذرماه ۱۳۷۳ ..... ۳۷۴
- فصل اول - تشکیلات و روش کار ( ماده ۱ تا ۷ ) ..... ۳۷۴
- فصل دوم - مناسباتهای عفو و بخشودگی ( ماده ۸ ) ..... ۳۷۵
- فصل سوم - شرایط و سیاستهای عفو و تخفیف در مجازاتها ( ماده ۹ تا ۱۵ ) ..... ۳۷۵
- قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به ( سازمان زندانها و اقدامات تام ..... ۳۷۶
- آیین نامه سجل قضایی - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ هیات وزیران ( مواد ۱ تا ۳۰ ) ..... ۳۷۷
- اصلاحیه مواد ۲۰۶ و ۲۱۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۲۶/۴/۱۳۸۰ ..... ۳۷۹
- بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگس ..... ۳۷۹
- آئین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۳۸۰
- آیین نامه سجل قضایی - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۳۹۶
- اصلاحیه آئین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۳۹۹

- بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۰ ..... ۴۰۰
- ۹- مقررات مختلفه ..... ۴۰۰
- ماده واحده مربوط به تغییر و اصلاح مجازاتهای خلافی - مصوب ۱۳۵۳ ..... ۴۰۰
- قانون مبارزه با قاچاق انسان ..... ۴۰۱
- قانون راجع به حفظ آثار ملی - مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ ( ماده ۱ تا ۲۰ ) ..... ۴۰۲
- لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری - مصوب آذرماه ۱۳۵۸ ( ماده ۱ تا ۵ ..... ۴۰۴
- قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران - مصوب مهر ماه ۱۳۳۶ ( ماده ۱ تا ۱۸ ..... ۴۰۴
- قانون مجازات افشای سوالات امتحانی - مصوب خردادماه ۱۳۴۹ ..... ۴۰۶
- تصویب نامه راجع به ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳- مصوب ۱ ..... ۴۰۶
- قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری - مصوب ۱۳۸۴ ..... ۴۰۶
- قانون مبارزه با پولشویی - مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ ..... ۴۰۸



## قوانین کیفری ( قوانین و مقررات کشور )

### مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰ عنوان و نام پدیدآور: قوانین کیفری ( قوانین و مقررات کشور ) / واحد تحقیقات مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان. گرد آوری مطالب از کلیه سایت های حقوقی و قضائی ایران صورت گرفته است. مشخصات نشر دیجیتالی: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان ۱۳۹۰. مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه ، رایانه و کتاب موضوع: قوانین و مقررات

### قوانین کیفری

#### ۱- مجازات و دادرسی

##### ۱- قانون مجازات اسلامی

##### ۱- کتاب اول کلیات

#### باب اول - مواد عمومی

ماده ۱- قانون مجازات اسلامی راجع است به تعیین انواع جرایم و مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی که درباره مجرم اعمال می شود. ماده ۲- هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد جرم محسوب می شود. ماده ۳- قوانین جزایی درباره کلیه کسانی که در قلمرو حاکمیت زمینی دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند اعمال می گردد مگر آنکه به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۴- هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود و یا قسمتی از جرم در ایران و یا در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل شود در حکم جرم واقع شده در ایران است ماده ۵- هر ایرانی یا بیگانه ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم ذیل شود و در ایران یافت شود و یا به ایران مسترد گردد طبق قانون مجازات جمهوری اسلامی ایران مجازات می شود: ۱- اقدام علیه حکومت جمهوری اسلامی ایران و امنیت داخلی و خارجی و تمامیت ارضی یا استقلال کشور جمهوری اسلامی ایران ۲- جعل فرمان یا دستخط یا مهر یا امضای مقام رهبری و یا استفاده از آن ۳- جعل نوشته رسمی رییس جمهور یا رییس مجلس شورای اسلامی و یا شورای نگهبان و یا رییس مجلس خبرگان یا رییس قوه قضاییه یا معاونان رییس جمهور یا رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور یا هر یک از وزیران یا استفاده از آنها. ۴- جعل اسکناس رایج ایران یا اسناد بانکی ایران مانند براتهای قبول شده از طرف بانکها یا چکهای صادر شده از طرف بانکها و یا اسناد تعهدآور بانکها و همچنین جعل اسناد خزانه و اوراق قرضه صادره و یا تضمین شده از طرف دولت یا شبیه سازی و هرگونه تقلب در مورد مسکوکات رایج داخل ماده ۶- هر جرمی که اتباع بیگانه که در خدمت دولت جمهوری اسلامی ایران هستند و یا مستخدمان دولت به مناسبت شغل و وظیفه خود در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب می شوند و همچنین هر جرمی که ماموران سیاسی و کنسولی و فرهنگی دولت ایران که از مصونیت سیاسی استفاده می کنند مرتکب گردند، طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات می شوند. ماده ۷- علاوه بر موارد مذکور در مواد ۵ و ۶ هر ایرانی که در خارج ایران مرتکب جرمی شود و در ایران یافت شود طبق قوانین جزایی جمهوری اسلامی ایران مجازات خواهد

شد. ماده ۸- در مورد جرایمی که به موجب قانون خاص یا عهد بین‌المللی مرتکب در هر کشوری که بدست آید محاکمه می‌شود اگر در ایران دستگیر شد طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات خواهد شد. ماده ۹- مجرم باید مالی را که در اثر ارتکاب جرم تحصیل کرده است اگر موجود باشد عیناً و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن را به صاحبش رد کند و از عهده خسارات وارده نیز برآید. ماده ۱۰- بازپرس یا دادستان در صورت صدور قرار منع تعقیب یا موقوف شدن تعقیب باید تکلیف اشیا و اموال کشف شده را که دلیل یا وسیله جرم بوده و یا از جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده است تعیین کند تا مسترد یا ضبط یا معدوم شود، در مورد ضبط دادگاه تکلیف اموال و اشیا را تعیین خواهد کرد. همچنین بازپرس و یا دادستان مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع با رعایت شرایط زیر دستور رد اموال و اشیا مذکور در فوق را صادر نماید: ۱- وجود تمام یا قسمتی از آن اشیا و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد. ۲- اشیا و اموال بلامعارض باشد. ۳- در شمار اشیا و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم گردد. در کلیه امور جزایی دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن اعم از اینکه مبنی بر محکومیت یا براءت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به اشیا و اموالی که وسیله جرم بوده یا در اثر جرم تحصیل شده یا حین ارتکاب استعمال و یا برای استعمال اختصاص داده شده حکم مخصوص صادر و تعیین نماید که آنها باید مسترد یا ضبط یا معدوم شود. تبصره ۱- متضرر از قرار بازپرس یا دادستان یا قرار یا حکم دادگاه می‌تواند از تصمیم آنان راجع به اشیا و اموال مذکور در این ماده شکایت خود را طبق مقررات در دادگاههای جزایی تعقیب و درخواست تجدیدنظر نماید؛ هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر جزایی قابل شکایت نباشد. تبصره ۲- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب برای دولت بوده یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن گردد و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع‌الفساد حسب مورد به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته شده و وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری خواهد شد. ماده ۱۱- در مقررات و نظامات دولتی مجازات و اقدامات تامینی و تربیتی باید به موجب قانونی باشد که قبل از وقوع جرم مقرر شده باشد و هیچ فعل یا ترک فعل را نمی‌توان به عنوان جرم به موجب قانون متأخر مجازات نمود لیکن اگر بعد از وقوع جرم قانونی وضع شود که مبنی بر تخفیف یا عدم مجازات بوده و یا از جهات دیگر مساعدتر به حال مرتکب باشد نسبت به جرایم سابق بر وضع آن قانون تا صدور حکم قطعی موثر خواهد بود. در صورتی که به موجب قانون سابق حکم قطعی لازم‌الاجرا صادر شده باشد به ترتیب زیر عمل خواهد شد: ۱- اگر عملی که در گذشته جرم بوده به موجب قانون لاحق جرم شناخته نشود در این صورت حکم قطعی اجرا نخواهد شد و اگر در جریان اجرا باشد موقوف‌الاجرا خواهد ماند و در این دو مورد و همچنین در موردی که حکم قبلاً اجرا شده باشد هیچ‌گونه اثر کیفری بر آن مترتب نخواهد بود. این مقررات در مورد قوانینی که برای مدت معین و موارد خاصی وضع گردیده است اعمال نمی‌گردد. ۲- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق تخفیف یابد محکوم‌علیه می‌تواند تقاضای تخفیف مجازات تعیین شده را بنماید و در این صورت دادگاه صادرکننده حکم و یا دادگاه جانشین با لحاظ قانون لاحق مجازات قبلی را تخفیف خواهد داد. ۳- اگر مجازات جرمی به موجب قانون لاحق به اقدام تامینی و تربیتی تبدیل گردد فقط همین اقدامات مورد حکم قرار خواهد گرفت

## باب دوم - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی

### فصل اول - مجازاتها و اقدامات تأمینی و تربیتی (ماده ۱۲ تا ۲۱)

ماده ۱۲- مجازاتهای مقرر در این قانون پنج قسم است ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازاتهای بازدارنده ماده ۱۳- حد، به مجازاتی گفته می‌شود که نوع و میزان و کیفیت آن در شرع تعیین شده است ماده ۱۴- قصاص کیفری است که جانی به آن

محکوم می‌شود و باید با جنایت او برابر باشد. ماده ۱۵ - دیه مالی است که از طرف شارع برای جنایت تعیین شده است ماده ۱۶ - تعزیر، تادیب و یا عقوبتی است که نوع و مقدار آن در شرع تعیین نشده و به نظر حاکم واگذار شده است از قبیل حبس و جزای نقدی و شلاق که میزان شلاق بایستی از مقدار حد کمتر باشد. ماده ۱۷ - مجازات بازدارنده تادیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس جزای نقدی تعطیل محل کسب لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن ماده ۱۸ - مدت کلیه حبس‌ها از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا محبوس شده باشد. تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد دادگاه پس از تعیین تعزیر، از مقدار تعزیر تعیین شده یا مجازات بازدارنده به میزان بازداشت قبلی وی کسر می‌کند. ماده ۱۹ - دادگاه می‌تواند کسی را که به علت ارتکاب جرم عمدی به تعزیر یا مجازات بازدارنده محکوم کرده است به عنوان متمیم حکم تعزیری یا بازدارنده مدتی از حقوق اجتماعی محروم و نیز از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع یا به اقامت در محل معین مجبور نماید. تبصره - نقاط اقامت اجباری محکومین با توجه به نوع جرایم آنان توسط دادگاهها تعیین می‌شود. آیین نامه اجرایی مربوط توسط وزارت دادگستری با هماهنگی وزارت کشور تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می‌رسد. ماده ۲۰ - محرومیت از بعضی یا همه حقوق اجتماعی و اقامت اجباری در نقطه معین یا ممنوعیت از اقامت در محل معین باید متناسب با جرم و خصوصیات مجرم در مدت معین باشد. در صورتی که محکوم به تبعید یا اقامت اجباری در نقطه‌ای یا ممنوعیت از اقامت در نقطه معین در اثنای اجرای حکم محل را ترک کند و یا به نقطه ممنوعه بازگردد، دادگاه می‌تواند با پیشنهاد دادسرای مجری حکم مجازات مذکور را تبدیل به جزای نقدی و یا زندان نماید. ماده ۲۱ - ترتیب اجرای احکام جزایی و کیفیت زندانها به نحوی است که قانون آیین دادرسی کیفری و سایر قوانین و مقررات تعیین می‌نماید.

### فصل دوم - تخفیف مجازات ( ماده ۲۲ تا ۲۴ )

ماده ۲۲ - دادگاه می‌تواند در صورت احراز جهات مخففه مجازات تعزیری و یا بازدارنده را تخفیف دهد و یا تبدیل به مجازات از نوع دیگری نماید که مناسبتر به حال متهم باشد، جهات مخففه عبارتند از: ۱ - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی ۲ - اظهارات و راهنمایی‌های متهم که در شناختن شرکا و معاونان جرم و یا کشف اشیایی که از جرم تحصیل شده است موثر باشد. ۳ - اوضاع و احوال خاصی که متهم تحت تاثیر آنها مرتکب جرم شده است از قبیل رفتار و گفتار تحریک آمیز مجنی علیه یا وجود انگیزه شرافتمندانه در ارتکاب جرم ۴ - اعلام متهم قبل از تعقیب و یا اقرار او در مرحله تحقیق که موثر در کشف جرم باشد. ۵ - وضع خاص متهم و یا سابقه او. ۶ - اقدام یا کوشش متهم به منظور تخفیف اثرات جرم و جبران زیان ناشی از آن تبصره ۱ - دادگاه مکلف است جهات تخفیف مجازات را در حکم صریحا قید کند. تبصره ۲ - در مورد تعدد جرم نیز دادگاه می‌تواند جهات مخففه را رعایت کند. تبصره ۳ - چنانچه نظیر جهات مخففه مذکور در این ماده در مواد خاصی پیش‌بینی شده باشد دادگاه نمی‌تواند به موجب همان جهات دوباره مجازات را تخفیف دهد. ماده ۲۳ - در جرایمی که با گذشت متضرر از جرم تعقیب یا رسیدگی یا اجرای حکم موقوف می‌گردد گذشت باید منجز باشد و به گذشت مشروط و معلق ترتیب اثر داده نخواهد شد، همچنین عدول از گذشت مسموع نخواهد بود. هرگاه متضررین از جرم متعدد باشند تعقیب جزایی با شکایت هر یک از آنان شروع می‌شود ولی موقوفی تعقیب رسیدگی و مجازات موکول به گذشت تمام کسانی که شکایت کرده‌اند، است تبصره - حق گذشت به وراثت قانونی متضرر از جرم منتقل و در صورت گذشت همگی وراثت تعقیب رسیدگی و اجرای مجازات موقوف می‌گردد. ماده ۲۴ - عفو یا تخفیف مجازات محکومان در حدود موازین اسلامی پس از پیشنهاد رییس قوه قضاییه با مقام رهبری است

**فصل سوم - تعلیق اجرای مجازات ( ماده ۲۵ تا ۳۷ )**

ماده ۲۵ - در کلیه محکومیت های تعزیری و بازدارنده حاکم می تواند اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را با رعایت شرایط زیر از دو تا پنجم سال معلق نماید: الف - محکوم علیه سابقه محکومیت قطعی به مجازاتهای زیر نداشته باشد: ۱ - محکومیت قطعی به حد. ۲ - محکومیت قطعی به قطع یا نقص عضو. ۳ - محکومیت قطعی به مجازات حبس به بیش از یک سال در جرایم عمدی ۴ - محکومیت قطعی به جزای نقدی به مبلغ بیش از دو میلیون ریال ۵ - سابقه محکومیت قطعی دو بار یا بیشتر به علت جرمهای عمدی با هر میزان مجازات ب - دادگاه با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق زندگی محکوم علیه و اوضاع و احوالی که موجب ارتکاب جرم گردیده است اجرای تمام یا قسمتی از مجازات را مناسب نداند. تبصره - در محکومیتهای غیر تعزیری و بازدارنده تعلیق جایز نیست مگر در مواردی که شرعا و قانونا تعیین شده باشد. ماده ۲۶ - در مواردی که جزای نقدی با دیگر تعزیرات همراه باشد جزای نقدی قابل تعلیق نیست ماده ۲۷ - قرار تعلیق اجرای مجازات ضمن حکم محکومیت صادر خواهد شد و مجرمی که اجرای حکم مجازات حبس او تماما معلق شده اگر بازداشت باشد به دستور دادگاه فوراً آزاد می گردد. ماده ۲۸ - دادگاه جهات و موجبات تعلیق و دستورهایی که باید محکوم علیه در مدت تعلیق از آن تبعیت نماید در حکم خود تصریح و مدت تعلیق را نیز برحسب نوع جرم و حالات شخصی مجرم و با رعایت مدت مذکور در ماده ۲۵ تعیین می نماید. ماده ۲۹ - دادگاه با توجه به اوضاع و احوال محکوم علیه و محتویات پرونده می تواند اجرای دستور یا دستورهای ذیل را در مدت تعلیق از محکوم علیه بخواهد و محکوم علیه مکلف به اجرای دستور دادگاه می باشد: ۱ - مراجعه به بیمارستان یا درمانگاه برای درمان بیماری یا اعتیاد خود. ۲ - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین ۳ - اشتغال به تحصیل در یک مؤسسه فرهنگی ۴ - خودداری از تجاهر به ارتکاب محرمات و ترک واجبات یا معاشرت با اشخاصی که دادگاه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد. ۵ - خودداری از رفت و آمد به محلهای معین ۶ - معرفی خود در مدتهای معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند. تبصره - اگر مجرمی که مجازات او معلق شده است در مدت تعلیق بدون عذر موجه از دستور دادگاه موضوع این ماده تبعیت ننماید برحسب درخواست دادستان پس از ثبوت مورد در دادگاه صادر کننده حکم تعلیق برای بار اول به مدت تعلیق مجازات او یک سال تا دو سال افزوده می شود و برای بار دوم حکم تعلیق لغو و مجازات معلق به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۳۰ - اجرای احکام جزایی زیر قابل تعلیق نیست ۱ - مجازات کسانی که به وارد کردن و یا ساختن و یا فروش مواد مخدر اقدام و یا به نحوی از انحا با مرتکبین اعمال مذکور معاونت می نمایند. ۲ - مجازات کسانی که به جرم اختلاس یا ارتشا یا کلاهبرداری یا جعل و یا استفاده از سند مجعول یا خیانت در امانت یا سرقتی که موجب حد نیست یا آدم ربایی محکوم می شوند. ۳ - مجازات کسانی که به نحوی از انحاء با انجام اعمال مستوجب حد، معاونت می نمایند. ماده ۳۱ - تعلیق اجرای مجازاتی که با حقوق الناس همراه است تأثیری در حقوق الناس نخواهد داشت و حکم مجازات در این موارد یا پرداخت خسارت به مدعی خصوصی اجراء خواهد شد. ماده ۳۲ - هرگاه محکوم علیه از تاریخ صدور قرار تعلیق اجرای مجازات در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ نشود، محکومیت تعلیقی بی اثر محسوب و از سجل کیفری او محو می شود. برای کلیه محکومین به مجازاتهای معلق باید بلافاصله پس از قطعیت حکم از طرف دادسرای مربوط برگ سجل کیفری تنظیم و به مراجع صلاحیت دار ارسال شود و در هر مورد که در مدت تعلیق تغییری داده شود یا حکم تعلیق مجازات الغاء گردد، باید مراتب فوراً ثبت در سجل کیفری محکوم علیه به مراجع صلاحیت دار مربوط اعلام شود. تبصره - در مواردی که به موجب قوانین استخدامی حکمی موجب انفصال است شامل احکام تعلیقی نخواهد بود مگر آنکه در قوانین و یا حکم دادگاه قید شده باشد. ماده ۳۳ - اگر کسی که اجرای حکم مجازات او معلق شده در مدتی که از طرف دادگاه مقرر شده مرتکب جرم جدیدی که مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ است بشود به محض قطعی شدن دادگاهی که حکم

تعلیق مجازات سابق را صادر کرده است یا دادگاه جانشین باید الغای آنرا اعلام دارد تا حکم معلق نیز درباره محکوم علیه اجراء گردد. ماده ۳۴ - هرگاه بعد از صدور قرار تعلیق معلوم شود که محکوم علیه دارای سابقه محکومیت به جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ بوده و دادگاه بدون توجه به آن اجرای مجازات را معلق کرده است دادستان به استناد سابقه محکومیت از دادگاه تقاضای لغوتعلیق مجازات را خواهد نمود و دادگاه پس از احراز وجود سابقه قرار تعلیق را الغاء خواهد کرد. ماده ۳۵ - دادگاه هنگام صدور قرار تعلیق آثار عدم تبعیت از دستورهای صادره را صریحاً قید و اعلام می کند که اگر در مدت تعلیق مرتکب یکی از جرایم مستوجب محکومیت مذکور در ماده ۲۵ شود علاوه بر مجازات جرم اخیر مجازات معلق نیز درباره او اجراء خواهد شد. ماده ۳۶ - مقررات مربوط به تعلیق مجازات درباره کسانی که به جرایم عمدی متعدد محکوم می شوند قابل اجراء نیست و همچنین اگر درباره یک نفر احکام قطعی متعددی در مورد جرایم عمدی صادر شده باشد که در بین آنها محکومیت معلق نیز وجود داشته باشد، دادستان مجری حکم موظف است فسخ قرار یا قرارهای تعلیق را از دادگاه صادر کننده بخواهد، دادگاه نسبت به فسخ قرار یا قرارهای مزبور اقدام خواهد نمود. ماده ۳۷ - هرگاه محکوم به حبس که در حال تحمل کیفر است قبل از اتمام مدت حبس مبتلا به جنون شود با استعلام از پزشک قانونی در صورت تأیید جنون محکوم علیه به بیمارستان روانی منتقل می شود و مدت اقامت او در بیمارستان جزء مدت محکومیت او محسوب خواهد شد. در صورت عدم دسترسی به بیمارستان روانی به تشخیص دادستان در محل مناسبی نگهداری می شود.

#### فصل چهارم - آزادی مشروط زندانیان ( ماده ۳۸ تا ۴۰ )

ماده ۳۸ - هر کس برای بار اول به علت ارتکاب جرمی به مجازات حبس محکوم شده باشد و نصف مجازات را گذرانده باشد دادگاه صادر کننده دادنامه محکومیت قطعی می تواند در صورت وجود شرایط زیر حکم به آزادی مشروط صادر نماید: ۱ - هرگاه در مدت اجرای مجازات مستمرا حسن اخلاق نشان داده باشد. ۲ - هرگاه از اوضاع و احوال محکوم پیش بینی شود که پس از آزادی دیگر مرتکب جرمی نخواهد شد. ۳ - هرگاه تا آنجا که استطاعت دارد ضرر و زیانی که در مورد حکم دادگاه یا مورد موافقت مدعی خصوصی واقع شده بپردازد یا قرار پرداخت آن را بدهد و در مجازات حبس توأم با جزای نقدی مبلغ مزبور را بپردازد یا با موافقت رییس حوزه قضایی ترتیبی برای پرداخت داده شده باشد. تبصره ۱ - مراتب مذکور در بندهای ۱ و ۲ باید مورد تأیید رییس زندان محل گذران محکومیت و قاضی ناظر زندان یا رییس حوزه قضایی محل قرار گیرد و مراتب مذکور در بند ۳ باید به تأیید قاضی مجری حکم برسد. تبصره ۲ - در صورت انحلال دادگاه صادر کننده حکم صدور حکم آزادی مشروط از اختیارات دادگاه جانشین است تبصره ۳ - دادگاه ترتیبات و شرایطی را که فرد محکوم باید در مدت آزادی مشروط رعایت کند از قبیل سکونت در محل معین یا خودداری از سکونت در محل معین یا خودداری از اشتغال به شغل خاص یا معرفی نوبه ای خود به مراکز تعیین شده و امثال آن در متن حکم قید می کند که در صورت تخلف وی از شرایط مذکور یا ارتکاب جرم مجدد بقیه محکومیت وی به حکم دادگاه صادر کننده حکم به مرحله اجرا درمی آید. ماده ۳۹ - صدور حکم آزادی مشروط منوط به پیشنهاد سازمان زندانها و تأیید دادستان یا دادیار ناظر خواهد بود. ماده ۴۰ - مدت آزادی مشروط بنا به تشخیص دادگاه کمتر از یک سال و زیادتر از پنج سال نخواهد بود.

#### باب سوم - جرایم

#### فصل اول - شروع به جرم ( ماده ۴۱ )

ماده ۴۱ - هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود. تبصره ۱ - مجرد قصد ارتکاب جرم و عملیات و اقداماتی که فقط مقدمه جرم بوده و ارتباط مستقیم با وقوع جرم نداشته باشد شروع به جرم نبوده و از این حیث قابل مجازات نیست تبصره ۲ - کسی که شروع به جرمی کرده است به میل خود آن را ترک کند و اقدام انجام شده جرم باشد از موجبات تخفیف مجازات برخوردار خواهد شد.

### فصل دوم - شرکاء و معاونین جرم ( ماده ۴۲ تا ۴۵ )

ماده ۴۲ - هر کس عالما و عامدا با شخص یا اشخاص دیگر در یکی از جرایم قابل تعزیر یا مجازاتهای بازدارنده مشارکت نماید و جرم مستند به عمل همه آنها باشد خواه عمل هر یک به تنهایی برای وقوع جرم کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت شریک در جرم محسوب و مجازات او مجازات فاعل مستقل آن جرم خواهد بود. در مورد جرایم غیر عمدی (خطایی که ناشی از خطای دو نفر یا بیشتر باشد مجازات هر یک از آنان نیز مجازات فاعل مستقل خواهد بود. تبصره - اگر تاثیر مداخله و مباشرت شریکی در حصول جرم ضعیف باشد دادگاه مجازات او را به تناسب تاثیر عمل او تخفیف می دهد. ماده ۴۳ - اشخاص زیر معاون جرم محسوب و با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و تادیب از وعظ و تهدید و درجات تعزیر، تعزیر می شوند: ۱ - هر کس دیگری را تحریک یا ترغیب یا تهدید یا تطمیع به ارتکاب جرم نماید و یا به وسیله دسیسه و فریب و نیرنگ موجب وقوع جرم شود. ۲ - هر کس با علم و عمد وسایل ارتکاب جرم را تهیه کند و یا طریق ارتکاب آن را با علم به قصد مرتکب ارایه دهد. ۳ - هر کس عالما، عامدا وقوع جرم را تسهیل کند. تبصره ۱ - برای تحقق معاونت در جرم وجود وحدت قصد و تقدم و یا اقتران زمانی بین عمل معاون و مباشر جرم شرط است تبصره ۲ - در صورتی که برای معاونت جرمی مجازات خاص در قانون یا شرع وجود داشته باشد همان مجازات اجرا خواهد شد. ماده ۴۴ - در صورتی که فاعل جرم به جیتی از جهات قانونی قابل تعقیب و مجازات نباشد و یا تعقیب و یا اجرای حکم مجازات او به جیتی از جهات قانونی موقوف گردد، تاثیری در حق معاون جرم نخواهد داشت ماده ۴۵ - سردستگی دو یا چند نفر در ارتکاب جرم اعم از اینکه عمل آنان شرکت در جرم یا معاونت در جرم باشد از علل مشدده مجازات است

### فصل سوم - تعدد جرم ( ماده ۴۶ و ۴۷ )

ماده ۴۶ - در جرایم قابل تعزیر هر گاه فعل واحد دارای عناوین متعدده جرم باشد مجازات جرمی داده می شود که مجازات آن اشد است ماده ۴۷ - در مورد تعدد جرم هر گاه جرایم ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از جرایم مجازات جداگانه تعیین شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات تعیین می گردد و در این قسمت تعدد جرم می تواند از علل مشدده کیفر باشد و اگر مجموع جرایم ارتكابی در قانون عنوان جرم خاصی داشته باشد مرتکب به مجازات مقرر در قانون محکوم می گردد. تبصره - حکم تعدد جرم در حدود و قصاص و دیات همان است که در ابواب مربوطه ذکر شده است

### فصل چهارم - تکرار جرم ماده ۴۸ )

ماده ۴۸ - هر کس به موجب حکم دادگاه به مجازات تعزیری و یا بازدارنده محکوم شود، چنانچه بعد از اجرای حکم مجددا مرتکب جرم قابل تعزیر گردد دادگاه می تواند در صورت لزوم مجازات تعزیری یا بازدارنده را تشدید نماید. تبصره - هرگاه حین صدور حکم محکومیتهای سابق مجرم معلوم نباشد و بعدا معلوم شود، دادستان مراتب را به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می کند در این صورت اگر دادگاه محکومیتهای سابق را محرز دانست می تواند طبق مقررات این ماده اقدام نماید.

**باب چهارم - حدود مسؤلیت جزایی ( ماده ۴۹ تا ۶۲ )**

ماده ۴۹ - اطفال در صورت ارتکاب جرم میری از مسؤلیت کیفری هستند و تربیت آنان با نظر دادگاه به عهده سرپرست اطفال و عندالاقضا کانون اصلاح و تربیت اطفال می باشد. تبصره ۱ - منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. تبصره ۲ - هرگاه برای تربیت اطفال بزهکار تنبیه بدنی آنان ضرورت پیدا کند تنبیه بایستی به میزان و مصلحت باشد. ماده ۵۰ - چنانچه غیر بالغ مرتکب قتل و جرح و ضرب شود عاقله ضامن است لکن در مورد اتلاف مال اشخاص، خود طفل ضامن است و ادای آن از مال طفل به عهده ولی طفل می باشد. ماده ۵۱ - جنون در حال ارتکاب جرم به هر درجه که باشد رافع مسؤلیت کیفری است تبصره ۱ - در صورتی که تادیب مرتکب موثر باشد به حکم دادگاه تادیب می شود. تبصره ۲ - در جنون ادواری شرط رفع مسؤلیت کیفری جنون در حین ارتکاب جرم است ماده ۵۲ - هرگاه مرتکب جرم در حین ارتکاب مجنون بوده و یا پس از حدوث جرم مبتلا به جنون شود چنانچه جنون و حالت خطرناک مجنون با جلب نظر متخصص ثابت باشد به دستور دادستان تا رفع حالت مذکور در محل مناسبی نگاهداری خواهد شد و آزادی او به دستور دادستان امکان پذیر است شخص نگاهداری شده و یا کسانش می توانند به دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به اصل جرم را دارد مراجعه و به این دستور اعتراض کنند، در این صورت دادگاه در جلسه اداری با حضور معترض و دادستان و یا نماینده او موضوع را با جلب نظر متخصص خارج از نوبت رسیدگی کرده و حکم مقتضی در مورد آزادی شخص نگاهداری شده یا تایید دستور دادستان صادر می کند. این رای قطعی است ولی شخص نگاهداری شده یا کسانش هرگاه علایم بهبودی را مشاهده کردند حق اعتراض به دستور دادستان را دارند. ماده ۵۳ - اگر کسی بر اثر شرب خمر، مسلوب الاراده شده لکن ثابت شود که شرب خمر به منظور ارتکاب جرم بوده است مجرم علاوه بر مجازات استعمال شرب خمر به مجازات جرمی که مرتکب شده است نیز محکوم خواهد شد. ماده ۵۴ - در جرایم موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده هرگاه کسی بر اثر اجبار یا اکراه که عادتاً قابل تحمل نباشد مرتکب جرمی گردد مجازات نخواهد شد. در این مورد اجبارکننده به مجازات فاعل جرم با توجه به شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب از وعظ و توبیخ و تهدید و درجات تعزیر محکوم می گردد. ماده ۵۵ - هر کس هنگام بروز خطر شدید از قبیل آتش سوزی سیل و توفان به منظور حفظ جان یا مال خود یا دیگری مرتکب جرمی شود مجازات نخواهد شد مشروط بر اینکه خطر را عمداً ایجاد نکرده و عمل ارتكابی نیز با خطر موجود متناسب بوده و برای رفع آن ضرورت داشته باشد. تبصره - دیه و ضمان مالی از حکم این ماده مستثنی است ماده ۵۶ - اعمالی که برای آنها مجازات مقرر شده است در موارد زیر جرم محسوب نمی شود: ۱ - در صورتی که ارتکاب عمل به امر آمر قانونی بوده و خلاف شرع هم نباشد. ۲ - در صورتی که ارتکاب عمل برای اجرای قانون اهم لازم باشد. ماده ۵۷ - هرگاه به امر غیرقانونی یکی از مقامات رسمی جرمی واقع شود آمر و مامور به مجازات مقرر در قانون محکوم می شوند ولی ماموری که امر آمر را به علت اشتباه قابل قبول و به تصور اینکه قانونی است اجراء کرده باشد، فقط به پرداخت دیه یا ضمان مالی محکوم خواهد شد. ماده ۵۸ - هرگاه در اثر تقصیر یا اشتباه قاضی در موضوع یا در تطبیق حکم بر مورد خاص ضرر مادی یا معنوی متوجه کسی گردد در مورد ضرر مادی در صورت تقصیر مقصر طبق موازین اسلامی ضامن است و در غیر این صورت خسارت به وسیله دولت جبران می شود و در موارد ضرر معنوی چنانچه تقصیر یا اشتباه قاضی موجب هتک حیثیت از کسی گردد باید نسبت به اعاده حیثیت او اقدام شود. ماده ۵۹ - اعمال زیر جرم محسوب نمی شود: ۱ - اقدامات والدین و اولیای قانونی و سرپرستان صغار و محجورین که به منظور تادیب یا حفاظت آنها انجام شود مشروط به اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف تادیب و محافظت باشد. ۲ - هر نوع عمل جراحی یا طبی مشروع که با رضایت شخص یا اولیا یا سرپرستان یا نمایندگان قانونی آنها و رعایت موازین فنی و علمی و نظامات دولتی انجام شود.

در موارد فوری اخذ رضایت ضروری نخواهد بود. ۳- حوادث ناشی از عملیات ورزشی مشروط بر اینکه سبب آن حوادث نقض مقررات مربوط به آن ورزش نباشد و این مقررات هم باموازیین شرعی مخالفت نداشته باشد. ماده ۶۰- چنانچه طبیب قبل از شروع درمان یا اعمال جراحی از مریض یا ولی او براءت حاصل نموده باشد ضامن خسارت جانی یا مالی یا نقص عضو نیست و در موارد فوری که اجازه گرفتن ممکن نباشد طبیب ضامن نمی‌باشد. ماده ۶۱- هر کس در مقام دفاع از نفس یا عرض و یا ناموس و یا مال خود یا دیگری و یا آزادی تن خود یا دیگری در برابر هرگونه تجاوز فعلی و یا خطر قریب‌الوقوع عملی انجام دهد که جرم باشد در صورت اجتماع شرایط زیر قابل تعقیب و مجازات نخواهد بود: ۱- دفاع با تجاوز و خطر متناسب باشد. ۲- عمل ارتكابی بیش از حد لازم نباشد. ۳- توسل به قوای دولتی بدون فوت وقت عملاً ممکن نباشد و یا مداخله قوای مذکور در رفع تجاوز و خطر موثر واقع نشود. تبصره- وقتی دفاع از نفس و یا ناموس و یا عرض و یا مال و یا آزادی تن دیگری جایز است که او ناتوان از دفاع بوده و نیاز به کمک داشته باشد. ماده ۶۲- مقاومت در برابر قوای تأمینی و انتظامی در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند، دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه قوای مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و حسب ادله و قراین موجود خوف آن باشد که عملیات آنان موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا ناموس گردد، در این صورت دفاع جایز است ماده ۶۲ مکرر - محکومیت قطعی کیفری در جرایم عمدی به شرح ذیل محکوم علیه را از حقوق اجتماعی محروم می‌نماید و پس از انقضای مدت تعیین شده و اجرای حکم رفع اثر می‌گردد: ۱- محکومان به قطع عضو در جرایم مشمول حد، پنج سال پس از اجرای حکم ۲- محکومان به شلاق در جرایم مشمول حد، یک سال پس از اجرای حکم ۳- محکومان به حبس تعزیری بیش از سه سال دو سال پس از اجرای حکم تبصره ۱- حقوق اجتماعی عبارتست از حقوقی که قانونگذار برای اتباع کشور جمهوری اسلامی ایران و سایر افراد مقیم در قلمرو حاکمیت آن منظور نموده و سلب آن به موجب قانون یا حکم دادگاه صالح می‌باشد از قبیل الف - حق انتخاب شدن در مجالس شورای اسلامی خبرگان و عضویت در شورای نگهبان و انتخاب شدن به ریاست جمهوری ب - عضویت در کلیه انجمنها و شوراهای جمعیتهایی که اعضای آن به موجب قانون انتخاب می‌شوند. ج - عضویت در هیاتهای منصفه و اماناء. د - اشتغال به مشاغل آموزشی و روزنامه نگاری ه - استخدام در وزارتخانه‌ها، سازمانهای دولتی شرکتها، موسسات وابسته به دولت شهرداریها، موسسات مامور به خدمات عمومی ادارات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان و نهادهای انقلابی و - وکالت دادگستری و تصدی دفاتر اسناد رسمی و ازدواج و طلاق و دفترباری ز - انتخاب شدن به سمت داوری و کارشناسی در مراجع رسمی ح - استفاده از نشان و مدالهای دولتی و عناوین افتخاری تبصره ۲- چنانچه اجرای مجازات اعدام به جهتی از جهات متوقف شود در این صورت آثار تبعی آن پس از انقضای هفت سال از تاریخ توقف اجرای حکم رفع می‌شود. تبصره ۳- در مورد جرایم قابل گذشت در صورتی که پس از صدور حکم قطعی با گذشت شاکی یا مدعی خصوصی اجرای مجازات موقوف شود اثر محکومیت کیفری زایل می‌گردد. تبصره ۴- عفو مجرم موجب زوال آثار مجازات نمی‌شود مگر اینکه تصریح شده باشد. تبصره ۵- در مواردی که عفو مجازات آثار کیفری را نیز شامل می‌شود، همچنین در آزادی مشروط آثار محکومیت پس از گذشت مدت مقرر از زمان آزادی محکوم علیه رفع می‌گردد.

## ۲- کتاب دوم - حدود

### باب اول - حد زنا

#### فصل اول - تعریف و موجبات حد زنا

ماده ۶۳- زنا عبارت است از جماع مرد با زنی که بر او ذاتا حرام است گرچه در دبر باشد، در غیر موارد وطی به شبهه ماده ۶۴- زنا



در صورتی موجب حد می شود که زانی یا زانیه بالغ و عاقل و مختار بوده و به حکم و موضوع آن نیز آگاه باشد. ماده ۶۵ - هرگاه زن یا مردی حرام بودن جماع با دیگری را بداند و طرف مقابل از این امر آگاه نباشد و گمان کند ارتکاب این عمل برای او جایز است فقط طرفی که آگاه بوده است محکوم به حد زنا می شود. ماده ۶۶ - هرگاه مرد یا زنی که با هم جماع نموده اند ادعای اشتباه و نا آگاهی کند در صورتی که احتمال صدق مدعی داده شود، ادعای مذکور بدون شاهد و سوگند پذیرفته می شود و حد ساقط می گردد. ماده ۶۷ - هرگاه زانی یا زانیه ادعا کند که به زنا اکراه شده است ادعای او در صورتی که یقین برخلاف آن نباشد قبول می شود.

### فصل دوم - راههای ثبوت زنا در دادگاه

ماده ۶۸ - هرگاه مرد یا زنی در چهار بار نزد حاکم اقرار به زنا کند محکوم به حد زنا خواهد شد و اگر کمتر از چهار بار اقرار نماید تعزیر می شود. ماده ۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف بلوغ عقل اختیار و قصد باشد. ماده ۷۰ - اقرار باید صریح یا به طوری ظاهر باشد که احتمال عقلایی خلاف در آن داده نشود. ماده ۷۱ - هرگاه کسی اقرار به زنا کند و بعد انکار نماید در صورتی که اقرار به زنا یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود. ماده ۷۲ - هرگاه کسی به زنا یا رجم که موجب قتل یا رجم است با انکار بعدی حد رجم و قتل ساقط می شود، در غیر این صورت با انکار بعد از اقرار حد ساقط نمی شود. ماده ۷۳ - زنی که همسر ندارد به صرف باردار شدن مورد حد قرار نمی گیرد، مگر آنکه زنا یا رجم او با یکی از راههای مذکور در این قانون ثابت شود. ماده ۷۴ - زنا چه موجب حد جلد باشد و چه موجب حد رجم با شهادت چهار مرد عادل یا سه مرد عادل و دو زن عادل ثابت می شود. ماده ۷۵ - در صورتی که زنا فقط موجب حد جلد باشد به شهادت دو مرد عادل همراه با چهار زن عادل نیز ثابت می شود. ماده ۷۶ - شهادت زنان به تنهایی یا به انضمام شهادت یک مرد عادل زنا را ثابت نمی کند بلکه در مورد شهود مذکور حد قذف طبق احکام قذف جاری می شود. ماده ۷۷ - شهادت شهود باید روشن و بدون ابهام و مستند به مشاهده باشد و شهادت حدسی معتبر نیست ماده ۷۸ - هرگاه شهود خصوصیات مورد شهادت را بیان کنند این خصوصیات باید از لحاظ زمان و مکان و مانند آنها اختلاف نداشته باشند. در صورت اختلاف بین شهود علاوه بر اینکه زنا ثابت نمی شود شهود نیز به حد قذف محکوم می گردند. ماده ۷۹ - شهود باید بدون فاصله زمانی یکی پس از دیگری شهادت دهند، اگر بعضی از شهود شهادت بدهند و بعضی دیگر بلافاصله برای ادای شهادت حضور پیدا نکنند، یا شهادت ندهند زنا ثابت نمی شود، در این صورت شهادت دهنده مورد حد قذف قرار می گیرد. ماده ۸۰ - حد زنا جز در موارد مذکور در مواد آتی باید فوراً جاری گردد. ماده ۸۱ - هرگاه زن یا مرد زانی قبل از اقامه شهادت توبه نماید، حد از او ساقط می شود و اگر بعد از اقامه شهادت توبه کند حد ساقط نمی شود.

### فصل سوم - اقسام حد زنا

ماده ۸۲ - حد زنا در موارد زیر قتل است و فرقی بین جوان و غیر جوان و محصن و غیر محصن نیست الف - زنا با محارم نسبی ب - زنا با زن پدر که موجب قتل زانی است ج - زنا با غیر مسلمان با زن مسلمان که موجب قتل زانی است د - زنا با عتق و اکراه که موجب قتل زانی اکراه کننده است ماده ۸۳ - حد زنا در موارد زیر رجم است الف - زنا با مرد محصن یعنی مردی که دارای همسر دائمی است و با او در حالی که عاقل بوده جماع کرده و هر وقت نیز بخواهد می تواند با او جماع کند. ب - زنا با زن محصنه با مرد بالغ زن محصنه زنی است که دارای شوهر دائمی است و شوهر در حالی که زن عاقل بوده با او جماع کرده است و امکان جماع با شوهر را نیز داشته باشد. تبصره - زنا با زن محصنه با نابالغ موجب حد تازیانه است ماده ۸۴ - بر پیرمرد یا پیرزن زانی که دارای

شرایط احصان باشند، قبل از رجم حد جلد جاری می‌شود. ماده ۸۵- طلاق رجعی قبل از سپری شدن ایام عده مرد یا زن را از احصان خارج نمی‌کند ولی طلاق باین آنها را از احصان خارج می‌نماید. ماده ۸۶- زنای مرد یا زنی که هر یک همسر دائمی دارد ولی به واسطه مسافرت یا حبس و مانند آنها از عذرهای موجه به همسر خود دسترسی ندارد، موجب رجم نیست ماده ۸۷- مرد متاهلی که قبل از دخول مرتکب زنا شود به حد جلد و تراشیدن سر و تبعید به مدت یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۸۸- حد زنا یا مردی که واجد شرایط احصان نباشند صد تازیانه است ماده ۸۹- تکرار زنا قبل از اجرای حد در صورتی که مجازاتها از یک نوع باشد موجب تکرار حد نمی‌شود ولی اگر مجازاتها از یک نوع نباشد مانند آنکه بعضی از آنها موجب جلد بوده و بعضی دیگر موجب رجم باشد، قبل از رجم زانی حد جلد بر او جاری می‌شود. ماده ۹۰- هرگاه زن یا مردی چند بار زنا کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود. ماده ۹۱- در ایام بارداری و نفاس زن حد قتل یا رجم بر او جاری نمی‌شود، همچنین بعد از وضع حمل در صورتی که نوزاد کفیل نداشته باشد و بیم تلف شدن نوزاد برود حد جاری نمی‌شود، ولی اگر برای نوزاد کفیل پیدا شود حد جاری می‌گردد. ماده ۹۲- هرگاه در اجرای حد جلد بر زن باردار یا شیرده احتمال بیم ضرر برای حمل یا نوزاد شیرخوار باشد اجرای حد تا رفع بیم ضرر به تاخیر می‌افتد. ماده ۹۳- هرگاه مریض یا زن مستحاضه محکوم به قتل یا رجم شده باشند حد بر آنها جاری می‌شود ولی اگر محکوم به جلد باشند اجرای حد تا رفع بیماری و استحاضه به تاخیر می‌افتد. تبصره - حیض مانع اجرای حد نیست ماده ۹۴- هرگاه امید به بهبودی مریض نباشد یا حاکم شرع مصلحت بداند که در حال مرض حد جاری شود یک دسته تازیانه یا ترکه که مشتمل بر صد واحد باشد، فقط یک بار به او زده می‌شود هر چند همه آنها به بدن محکوم نرسند. ماده ۹۵- هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود. ماده ۹۶- حد جلد را نباید در هوای بسیار سرد یا بسیار گرم جاری نمود. ماده ۹۷- حد را نمی‌شود در سرزمین دشمنان اسلام جاری کرد.

### فصل چهارم - کیفیت اجرای حد

ماده ۹۸- هرگاه شخصی محکوم به چند حد شود اجرای آنها باید به ترتیبی باشد که هیچ کدام از آنها زمینه دیگری را از بین نبرد، بنابراین اگر کسی به جلد و رجم محکوم شود اول باید حد جلد و بعد حد رجم را جاری ساخت ماده ۹۹- هرگاه زنای شخصی که دارای شرایط احصان است با اقرار او ثابت شده باشد هنگام رجم اول حاکم شرع سنگ می‌زند بعدا دیگران و اگر زانی او به شهادت شهود ثابت شده باشد اول شهود سنگ می‌زنند بعدا حاکم و سپس دیگران تبصره - عدم حضور یا اقدام حاکم و شهود برای زدن اولین سنگ مانع اجرای حد نیست و در هر صورت حد باید اجرا شود. ماده ۱۰۰- حد جلد مرد زانی باید ایستاده و در حالی اجرای گردد که پوشاکی جز ساتر عورت نداشته باشد. تازیانه به شدت به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود. تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباسهای او به بدنش بسته باشد. ماده ۱۰۱- مناسب است که حاکم شرع مردم را از زمان اجرای حد آگاه سازد و لازم است عده‌ای از مؤمنین که از سه نفر کمتر نباشند در حال اجرای حد حضور یابند. ماده ۱۰۲- مرد را هنگام رجم تا نزدیکی کمر و زن را تا نزدیکی سینه در گودال دفن می‌کنند آنگاه رجم می‌نمایند. ماده ۱۰۳- هرگاه کسی که محکوم به رجم است از گودالی که در آن قرار گرفته فرار کند در صورتی که زانی او به شهادت ثابت شده باشد برای اجرای حد بر گردانده می‌شود اما اگر به اقرار خود او ثابت شده باشد بر گردانده نمی‌شود. تبصره - اگر کسی که محکوم به جلد باشد فرار کند در هر حال برای اجرای حد جلد بر گردانده می‌شود. ماده ۱۰۴- بزرگی سنگ در رجم نباید به حدی باشد که با اصابت یک یا دو عدد، شخص کشته شود. همچنین کوچکی آن نباید به اندازه‌ای باشد که نام سنگ بر آن صدق نکند. ماده ۱۰۵- حاکم شرع می‌تواند در حق الله و حق الناس به علم خود عمل کند و حد الهی را جاری نماید و لازم است مستند علم را ذکر کند. اجرای حد در حق الله متوقف به درخواست کسی نیست ولی در حق الناس اجرای حد موقوف به درخواست صاحب حق

می‌باشد. ماده ۱۰۶ - زنا در زمانهای متبرکه چون اعیاد مذهبی و رمضان و جمعه و مکانهای شریف چون مساجد علاوه بر حد، موجب تعزیر است ماده ۱۰۷ - حضور شهود هنگام اجرای حد رجم لازم است ولی با غیبت آنان حد ساقط نمی‌شود اما با فرار آنها حد ساقط می‌شود.

## باب دوم - حد لواط

### فصل اول - تعریف و موجبات حد لواط

ماده ۱۰۸ - لواط وطی انسان مذکر است چه به صورت دخول باشد یا تفضیذ. ماده ۱۰۹ - فاعل و مفعول لواط هر دو محکوم به حد خواهند شد. ماده ۱۱۰ - حد لواط در صورت دخول قتل است و کیفیت نوع آن در اختیار حاکم شرع است ماده ۱۱۱ - لواط در صورتی موجب قتل می‌شود که فاعل و مفعول بالغ و عاقل و مختار باشند. ماده ۱۱۲ - هرگاه مرد بالغ و عاقل با نابالغی لواط کند فاعل کشته می‌شود و مفعول اگر مکره نباشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۱۳ - هرگاه نابالغی نابالغ دیگر را وطی کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند مگر آنکه یکی از آنها اکراه شده باشد.

### فصل دوم - راههای ثبوت لواط در دادگاه

ماده ۱۱۴ - حد لواط با چهار بار اقرار نزد حاکم شرع نسبت به اقرار کننده ثابت می‌شود. ماده ۱۱۵ - اقرار کمتر از چهار بار موجب حد نیست و اقرار کننده تعزیر می‌شود. ماده ۱۱۶ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرار کننده بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۱۷ - حد لواط با شهادت چهار مرد عادل که آن را مشاهده کرده باشند ثابت می‌شود. ماده ۱۱۸ - با شهادت کمتر از چهار مرد عادل لواط ثابت نمی‌شود و شهود به حد قذف محکوم می‌شوند. ماده ۱۱۹ - شهادت زنان به تنهایی یا به ضمیمه مرد، لواط را ثابت نمی‌کند. ماده ۱۲۰ - حاکم شرع می‌تواند طبق علم خود که از طرق متعارف حاصل شود، حکم کند. ماده ۱۲۱ - حد تفضیذ و نظایر آن بین دو مرد بدون دخول برای هر یک صد تازیانه است تبصره - در صورتی که فاعل غیرمسلمان و مفعول مسلمان باشد حد فاعل قتل است ماده ۱۲۲ - اگر تفضیذ و نظایر آن سه بار تکرار و بعد از هر بار حد جاری شود در مرتبه چهارم حد آن قتل است ماده ۱۲۳ - هرگاه دو مرد که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت در زیر یک پوشش به طور برهنه قرار گیرند هر دو تا ۹۹ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند. ماده ۱۲۴ - هرگاه کسی دیگری را از روی شهوت بیوسد تا ۶۰ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۲۵ - کسی که مرتکب لواط یا تفضیذ و نظایر آن شده باشد اگر قبل از شهادت شهود توبه کند حد از او ساقط می‌شود و اگر بعد از شهادت توبه نماید حد از او ساقط نمی‌شود. ماده ۱۲۶ - اگر لواط و تفضیذ و نظایر آن با اقرار شخص ثابت شده باشد و پس از اقرار توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید.

## باب سوم - مساحقه

ماده ۱۲۷ - مساحقه همجنس بازی زنان است با اندام تناسلی ماده ۱۲۸ - راههای ثبوت مساحقه در دادگاه همان راههای ثبوت لواط است ماده ۱۲۹ - حد مساحقه برای هر یک از طرفین صد تازیانه است ماده ۱۳۰ - حد مساحقه درباره کسی ثابت می‌شود که بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. تبصره - در حد مساحقه فرقی بین فاعل و مفعول و همچنین فرقی بین مسلمان و غیرمسلمان نیست ماده ۱۳۱ - هرگاه مساحقه سه بار تکرار شود و بعد از هر بار حد جاری گردد در مرتبه چهارم حد آن قتل است ماده ۱۳۲ - اگر

مساحقه کننده قبل از شهادت شهود توبه کند حد ساقط می شود اما توبه بعد از شهادت موجب سقوط حد نیست ماده ۱۳۳ - اگر مساحقه با اقرار شخص ثابت شود و وی پس از اقرار توبه کند قاضی می تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید. ماده ۱۳۴ - هرگاه دو زن که با هم خویشاوندی نسبی نداشته باشند بدون ضرورت برهنه زیر یک پوشش قرار گیرند به کمتر از صد تازیانه تعزیر می شوند. در صورت تکرار این عمل و تکرار تعزیر در مرتبه سوم به هر یک صد تازیانه زده می شود.

### باب چهارم - قوادی

ماده ۱۳۵ - قوادی عبارتست از جمع و مرتبط کردن دو نفر یا بیشتر برای زنا یا لواط ماده ۱۳۶ - قوادی با دو بار اقرار ثابت می شود به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۳۷ - قوادی با شهادت دو مرد عادل ثابت می شود. ماده ۱۳۸ - حد قوادی برای مرد هفتاد و پنج تازیانه و تبعید از محل به مدت ۳ ماه تا یک سال است و برای زن فقط هفتاد و پنج تازیانه است

### باب پنجم - قذف

ماده ۱۳۹ - قذف نسبت دادن زنا یا لواط است به شخص دیگری ماده ۱۴۰ - حد قذف برای قذف کننده مرد یا زن هشتاد تازیانه است تبصره ۱ - اجرای حد قذف منوط به مطالبه مقذوف است تبصره ۲ - هرگاه کسی امری غیر از زنا یا لواط مانند مساحقه و سایر کارهای حرام را به شخصی نسبت دهد به شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهد شد. ماده ۱۴۱ - قذف باید روشن و بدون ابهام بوده و نسبت دهنده به معنای لفظ آگاه باشد، گرچه شنونده معنای آن را نداند. ماده ۱۴۲ - هرگاه کسی به فرزند مشروع خود بگوید تو فرزند من نیستی محکوم به حد قذف می شود. همچنین اگر کسی به فرزند مشروع دیگری بگوید تو فرزند او نیستی محکوم به حد قذف خواهد شد. تبصره - در موارد ماده فوق هرگاه قرینه ای در بین باشد که منظور، قذف نیست حد ثابت نمی شود. ماده ۱۴۳ - هرگاه کسی به شخصی بگوید که تو با فلان زن زنا کرده ای یا با فلان مرد لواط نموده ای نسبت به مخاطب قذف خواهد بود و گوینده محکوم به حد قذف می شود. ماده ۱۴۴ - هرگاه کسی به قصد نسبت دادن زنا به شخصی مثلاً چنین گوید (زن قحبه یا خواهر قحبه یا مادر قحبه نسبت به کسی که زنا را به او نسبت داده است محکوم به حد قذف می شود و نسبت به مخاطب که به واسطه این دشنام اذیت شده است تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود. ماده ۱۴۵ - هر دشنامی که باعث اذیت شنونده شود و دلالت بر قذف نکند مانند اینکه کسی به زنی بگوید تو باکره نبودی موجب محکومیت گوینده به شلاق تا ۷۴ ضربه می شود. ماده ۱۴۶ - قذف در مواردی موجب حد می شود که قذف کننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد و قذف شونده نیز بالغ و عاقل و مسلمان و عقیف باشد. در صورتی که قذف کننده و یا قذف شونده فاقد یکی از اوصاف فوق باشند حد ثابت نمی شود. ماده ۱۴۷ - هرگاه نابالغ ممیز کسی را قذف کند به نظر حاکم تادیب می شود و هرگاه یک فرد بالغ و عاقل شخص نابالغ یا غیرمسلمان را قذف کند تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می شود. ماده ۱۴۸ - اگر قذف شونده به آنچه به او نسبت داده شده است تظاهر نماید قذف کننده حد و تعزیر ندارد. ماده ۱۴۹ - هرگاه خویشاوندان یکدیگر را قذف کنند محکوم به حد می شوند. تبصره - اگر پدر یا جد پدری فرزندش را قذف کند تعزیر می شود. ماده ۱۵۰ - هرگاه مردی همسر متوفی خود را قذف کند و آن زن جز فرزند همان مرد وارثی نداشته باشد حد ثابت نمی شود. اما اگر آن زن وارثی غیر از فرزند همان مرد داشته باشد، حد ثابت می شود. ماده ۱۵۱ - هرگاه شخصی چند نفر را به طور جداگانه قذف کند در برابر قذف هر یک جداگانه حد بر او جاری می شود خواه همگی با هم مطالبه حد کنند، خواه به طور جداگانه ماده ۱۵۲ - هرگاه شخصی چند نفر را به یک لفظ قذف نماید اگر هر کدام از آنها جداگانه خواهان حد

شوند برای قذف هر یک از آنها حد جداگانه‌ای جاری می‌گردد ولی اگر با هم خواهان حد شوند فقط یک حد ثابت می‌شود. ماده ۱۵۳ - قذف با دو بار اقرار یا با شهادت دو مرد عادل اثبات می‌شود. ماده ۱۵۴ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ و عاقل و مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۵۵ - تازیانه بر روی لباس متعارف و به طور متوسط زده می‌شود. ماده ۱۵۶ - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت قذف کننده زد. ماده ۱۵۷ - هرگاه کسی چند بار اشخاص را قذف کند و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه چهارم کشته می‌شود. ماده ۱۵۸ - هرگاه قذف کننده بعد از اجرای حد بگوید آنچه گفتم حق بود تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شود. ماده ۱۵۹ - هرگاه یک نفر را چند بار به یک سبب مانند زنا قذف کند فقط یک حد ثابت می‌شود. ماده ۱۶۰ - هرگاه یک نفر را به چند سبب مانند زنا و لواط قذف کند چند حد ثابت می‌شود. ماده ۱۶۱ - حد قذف در موارد زیر ساقط می‌شود: ۱ - هرگاه قذف شونده قذف کننده را تصدیق نماید. ۲ - هرگاه شهود با نصاب معتبر آن به چیزی که مورد قذف است شهادت دهند. ۳ - هرگاه قذف شونده یا همه ورثه او قذف کننده را عفو نمایند. ۴ - هرگاه مردی زنش را پس از قذف لعان کند. ماده ۱۶۲ - هرگاه دو نفر یکدیگر را قذف کنند خواه قذف آنها همانند و خواه مختلف باشد حد ساقط و هر یک تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌شوند. ماده ۱۶۳ - حد قذف اگر اجرا یا عفو نشود به وراث منتقل می‌گردد. ماده ۱۶۴ - حق مطالبه حد قذف به همه وارثان بجز زن و شوهر منتقل می‌شود و هر یک از ورثه می‌توانند آن را مطالبه کنند هر چند دیگران عفو کرده باشند.

### باب ششم - حد مسکر

#### فصل اول - موجبات حد مسکر

ماده ۱۶۵ - خوردن مسکر موجب حد است اعم از آنکه کم باشد یا زیاد، مست کند یا نکند، خالص یا مخلوط باشد به حدی که آن را از مسکر بودن خارج نکند. تبصره ۱ - آب جو در حکم شراب است گرچه مست کننده نباشد و خوردن آن موجب حد است تبصره ۲ - خوردن آب انگوری که خود به جوش آمده یا بوسیله آتش یا آفتاب و مانند آن جوشانیده شده است حرام است اما موجب حد نمی‌باشد.

#### فصل دوم - شرایط حد مسکر

ماده ۱۶۶ - حد مسکر بر کسی ثابت می‌شود که بالغ و عاقل و مختار و آگاه به مسکر بودن و حرام بودن آن باشد. تبصره ۱ - در صورتی که شراب خورده مدعی جهل به حکم یا موضوع باشد و صحت دعوی وی محتمل باشد محکوم به حد نخواهد شد. تبصره ۲ - هرگاه کسی بداند که خوردن شراب حرام است و آن را بخورد محکوم به حد خواهد شد گرچه نداند که خوردن آن موجب حد می‌شود. ماده ۱۶۷ - هرگاه کسی مضطر شود که برای نجات از مرگ یا جهت درمان بیماری سخت به مقدار ضرورت شراب بخورد محکوم به حد نخواهد شد. ماده ۱۶۸ - هرگاه کسی دو بار اقرار کند که شراب خورده است محکوم به حد می‌شود. ماده ۱۶۹ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده بالغ عاقل مختار و دارای قصد باشد. ماده ۱۷۰ - در صورتی که طریق اثبات شرب خمر شهادت باشد، فقط با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. ماده ۱۷۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت دهد که شخصی شراب خورده و دیگری شهادت دهد که او شراب قی کرده است حد ثابت می‌شود. ماده ۱۷۲ - در شهادت به شرب مسکر لازم است از لحاظ زمان یا مکان و مانند آن اختلافی نباشد ولی در صورتی که یکی به شرب اصل مسکر و دیگری به شرب نوعی خاص از آن شهادت دهد حد ثابت می‌شود. ماده ۱۷۳ - اقرار یا شهادت در صورتی موجب حد می‌شود که احتمال عقلا-یی بر معذور بودن خورنده مسکر در بین نباشد. ماده ۱۷۴ - حد شرب مسکر برای مرد و یا زن هشتاد تازیانه است تبصره - غیر مسلمان

فقط در صورت تظاهر به شرب مسکر به هشتاد تازیانه محکوم می‌شود. ماده ۱۷۵ - هر کس به ساختن تهیه خرید، فروش حمل و عرضه مشروبات الکلی مبادرت کند به ۶ ماه تا ۲ سال حبس محکوم می‌شود و یا در اثر ترغیب یا تطمیع و نیرنگ وسایل استفاده از آن را فراهم نماید در حکم معاون در شرب مسکرات محسوب می‌گردد و به تازیانه تا ۷۴ ضربه محکوم می‌شود.

### فصل سوم - کیفیت اجرای حد

ماده ۱۷۶ - مرد را در حالی که ایستاده باشد و پوشاکی غیر از ساتر عورت نداشته باشد و زن را در حالی که نشسته و لباسهایش به بدن او بسته باشد تازیانه می‌زنند. تبصره - تازیانه را نباید به سر و صورت و عورت محکوم زد. ماده ۱۷۷ - حد وقتی جاری می‌شود که محکوم از حال مستی بیرون آمده باشد. ماده ۱۷۸ - هرگاه کسی چند بار مسکر بخورد و حد بر او جاری نشود برای همه آنها یک حد کافی است ماده ۱۷۹ - هرگاه کسی چند بار شرب مسکر بنماید و بعد از هر بار حد بر او جاری شود در مرتبه سوم کشته می‌شود. ماده ۱۸۰ - هرگاه محکوم به حد دیوانه یا مرتد شود حد از او ساقط نمی‌شود.

### فصل چهارم - شرایط سقوط حد مسکر یا عفو از آن

ماده ۱۸۱ - هرگاه کسی که شراب خورده قبل از اقامه شهادت توبه نماید حد از او ساقط می‌شود ولی توبه بعد از اقامه شهادت موجب سقوط حد نیست ماده ۱۸۲ - هرگاه کسی بعد از اقرار به خوردن مسکر توبه کند قاضی می‌تواند از ولی امر تقاضای عفو نماید یا حد را بر او جاری کند.

## باب هفتم - محاربه و افساد فی الارض

### فصل اول - تعاریف

ماده ۱۸۳ - هر کس که برای ایجاد رعب و هراس و سلب آزادی و امنیت مردم دست به اسلحه ببرد محارب و مفسد فی الارض می‌باشد. تبصره ۱ - کسی که به روی مردم سلاح بکشد ولی در اثر ناتوانی موجب هراس هیچ فردی نشود محارب نیست تبصره ۲ - اگر کسی سلاح خود را با انگیزه عداوت شخصی به سوی یک یا چند نفر مخصوص بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد محارب محسوب نمی‌شود. تبصره ۳ - میان سلاح سرد و سلاح گرم فرقی نیست ماده ۱۸۴ - هر فرد یا گروهی که برای مبارزه با محاربان و از بین بردن فساد در زمین دست به اسلحه برند محارب نیستند. ماده ۱۸۵ - سارق مسلح و قطاع الطريق هرگاه با اسلحه امنیت مردم یا جاده را بر هم بزنند و رعب و وحشت ایجاد کند محارب است ماده ۱۸۶ - هر گروه یا جمعیت متشکل که در برابر حکومت اسلامی قیام مسلحانه کند مادام که مرکزیت آن باقی است تمام اعضاء و هواداران آن که موضع آن گروه یا جمعیت یا سازمان را می‌دانند و به نحوی در پیشبرد اهداف آن فعالیت و تلاش موثر دارند محاربند اگرچه در شاخه نظامی شرکت نداشته باشند. تبصره - جبهه متحدی که از گروهها و اشخاص مختلف تشکیل شود، در حکم یک واحد است ماده ۱۸۷ - هر فرد یا گروه که طرح براندازی حکومت اسلامی را بریزد و برای این منظور اسلحه و مواد منفجره تهیه کند و نیز کسانی که با آگاهی و اختیار، امکانات مالی موثر و یا وسایل و اسباب کار و سلاح در اختیار آنها بگذارند محارب و مفسد فی الارض می‌باشند. ماده ۱۸۸ - هر کس در طرح براندازی حکومت اسلامی خود را نامزد یکی از پستهای حساس حکومت کودتا نماید و نامزدی او در تحقق کودتا به نحوی موثر باشد، «محارب و مفسد فی الارض است»

**فصل دوم - راههای ثبوت محاربه و افساد فی الارض**

ماده ۱۸۹ - محاربه و افساد فی الارض از راههای زیر ثابت می شود: الف - با یک بار اقرار به شرط آنکه اقرار کننده بالغ و عاقل و اقرار او با قصد و اختیار باشد. ب - با شهادت فقط دو مرد عادل تبصره ۱ - شهادت مردمی که مورد تهاجم محاربان قرار گرفته اند به نفع همدیگر پذیرفته نیست تبصره ۲ - هرگاه عده ای مورد تهاجم محاربان قرار گرفته باشند شهادت اشخاصی که بگویند به ما آسیبی نرسیده نسبت به دیگران پذیرفته است تبصره ۳ - شهادت اشخاصی که مورد تهاجم قرار گرفته اند اگر به منظور اثبات محارب بودن مهاجمین باشد و شکایت شخصی نباشد، پذیرفته است

**فصل سوم - حد محاربه و افساد فی الارض**

ماده ۱۹۰ - حد محاربه و افساد فی الارض یکی از چهار چیز است ۱ - قتل ۲ - آویختن به دار ۳ - اول قطع دست راست و سپس پای چپ ۴ - نفی بلد. ماده ۱۹۱ - انتخاب هر یک از این امور چهارگانه به اختیار قاضی است خواه محارب کسی را کشته یا مجروح کرده یا مال او را گرفته باشد و خواه هیچ یک از این کارها را انجام نداده باشد. ماده ۱۹۲ - حد محاربه و افساد فی الارض با عفو صاحب حق ساقط نمی شود. ماده ۱۹۳ - محاربه که تبعید می شود باید تحت مراقبت قرار گیرد و با دیگران معاشرت و مراوده نداشته باشد. ماده ۱۹۴ - مدت تبعید در هر حال کمتر از یک سال نیست اگرچه بعد از دستگیری توبه نماید و در صورتی که توبه ننماید همچنان در تبعید باقی خواهد ماند. ماده ۱۹۵ - مصلوب کردن مفسد و محارب به صورت زیر انجام می گردد: الف - نحوه بستن موجب مرگ او نگردد. ب - بیش از سه روز بر صلیب نماند ولی اگر در اثنای سه روز بمیرد می توان او را پایین آورد. ج - اگر بعد از سه روز زنده بماند نباید او را کشت ماده ۱۹۶ - بریدن دست راست و پای چپ مفسد و محارب به همان گونه ای است که در «حد سرق عمل می شود».

**باب هشتم - حد سرقت****فصل اول - تعریف و شرایط**

ماده ۱۹۷ - سرقت عبارت است از ربودن مال دیگری به طور پنهانی ماده ۱۹۸ - سرقت در صورتی موجب حد می شود که دارای کلیه شرایط و خصوصیات زیر باشد: ۱ - سارق به حد بلوغ شرعی رسیده باشد. ۲ - سارق در حال سرقت عاقل باشد. ۳ - سارق با تهدید و اجبار وادار به سرقت نشده باشد. ۴ - سارق قاصد باشد. ۵ - سارق بداند و ملتفت باشد که مال غیر است ۶ - سارق بداند و ملتفت باشد که ربودن آن حرام است ۷ - صاحب مال را در حرز قرار داده باشد. ۸ - سارق به تنهایی یا با کمک دیگری هتک حرز کرده باشد. ۹ - به اندازه نصاب یعنی ۵/۴ نخود طلای مسکوک که به صورت پول معامله می شود یا ارزش آن به آن مقدار باشد در هر بار سرقت شود. ۱۰ - سارق مضطر نباشد. ۱۱ - سارق پدر صاحب مال نباشد. ۱۲ - سرقت در سال قحطی صورت نگرفته باشد. ۱۳ - حرز و محل نگهداری مال از سارق غصب نشده باشد. ۱۴ - سارق مال را به عنوان دزدی برداشته باشد. ۱۵ - مال مسروق در حرز متناسب نگهداری شده باشد. ۱۶ - مال مسروق از اموال دولتی و وقف و مانند آنکه مالک شخصی ندارد نباشد. تبصره ۱ - حرز عبارت است از محل نگهداری مال به منظور حفظ از دستبرد. تبصره ۲ - بیرون آوردن مال از حرز توسط دیوانه یا طفل غیرمتمیز و حیوانات و امثال آن در حکم مباشرت است تبصره ۳ - هرگاه سارق قبل از بیرون آوردن مال از حرز دستگیر شود حد بر او جاری نمی شود. تبصره ۴ - هرگاه سارق پس از سرقت مال را تحت ید مالک قرار داده باشد موجب حد نمی شود.

**فصل دوم - راههای ثبوت سرقت**

ماده ۱۹۹ - سرقتی که موجب حد است با یکی از راههای زیر ثابت می‌شود: ۱ - شهادت دو مرد عادل ۲ - دو مرتبه اقرار سارق نزد قاضی به شرط آنکه اقرارکننده بالغ و عاقل و قاصد و مختار باشد. ۳ - علم قاضی تبصره - اگر سارق یک مرتبه نزد قاضی اقرار به سرقت کند، باید مال را به صاحبش بدهد، اما حد بر او جاری نمی‌شود.

**فصل سوم - شرایط اجرای حد**

ماده ۲۰۰ - در صورتی حد سرقت جاری می‌شود که شرایط زیر موجود باشد: ۱ - صاحب مال از سارق نزد قاضی شکایت کند. ۲ - صاحب مال پیش از شکایت سارق را نبخشیده باشد. ۳ - صاحب مال پیش از شکایت مال را به سارق نبخشیده باشد. ۴ - مال مسروق قبل از ثبوت جرم نزد قاضی از راه خرید و مانند آن به ملک سارق در نیاید. ۵ - سارق قبل از ثبوت جرم از این گناه توبه نکرده باشد. تبصره - حد سرقت بعد از ثبوت جرم با توبه ساقط نمی‌شود و عفو سارق جایز نیست

**فصل چهارم - حد سرقت**

ماده ۲۰۱ - حد سرقت به شرح زیر است الف - در مرتبه اول قطع چهار انگشت دست راست سارق از انتهای آن به طوری که انگشت شست و کف دست او باقی بماند. ب - در مرتبه دوم قطع پای چپ سارق از پایین برآمدگی به نحوی که نصف قدم و مقداری از محل مسح او باقی بماند. ج - در مرتبه سوم حبس ابد. د - در مرتبه چهارم اعدام ولو سرقت در زندان باشد. تبصره ۱ - سرقت‌های متعدد تا هنگامی که حد جاری نشده حکم یک بار سرقت را دارد. تبصره ۲ - معاون در سرقت موضوع ماده ۱۹۸ این قانون به یک سال تا سه سال حبس محکوم می‌شود. ماده ۲۰۲ - هرگاه انگشتان دست سارق بریده شود و پس از اجرای این حد، سرقت دیگری از او ثابت گردد که سارق قبل از اجرا حد مرتکب شده است پای چپ او بریده می‌شود. ماده ۲۰۳ - سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اخلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود. تبصره - معاونت در سرقت موجب حبس از شش ماه تا سه سال می‌باشد.

**۳ - کتاب سوم - قصاص****باب اول - قصاص نفس****فصل اول - قتل عمد**

ماده ۲۰۴ - قتل نفس بر سه نوع است عمد، شبه عمد، خطاء. ماده ۲۰۵ - قتل عمد برابر مواد این فصل موجب قصاص است و اولیای دم می‌توانند با اذن ولی امر قاتل را با رعایت شرایط مذکور در فصول آتیه قصاص نمایند و ولی امر می‌تواند این امر را به رییس قوه قضاییه یا دیگری تفویض نماید. ماده ۲۰۶ - قتل در موارد زیر قتل عمدی است الف - مواردی که قاتل با انجام کاری قصد کشتن شخص معین یا فرد یا افرادی غیر معین از یک جمع را دارد خواه آن کار نوعا کشنده باشد خواه نباشد ولی در عمل سبب قتل شود. ب - مواردی که قاتل عمدا کاری را انجام دهد که نوعا کشنده باشد هر چند قصد کشتن شخص را نداشته باشد. ج - مواردی که



قاتل قصد کشتن را ندارد و کاری را که انجام می دهد نوعاً کشنده نیست ولی نسبت به طرف بر اثر بیماری و یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و امثال آنها نوعاً کشنده باشد و قاتل نیز به آن آگاه باشد. ماده ۲۰۷ - هرگاه مسلمانی کشته شود قاتل قصاص می شود و معاون در قتل عمد به سه سال تا ۱۵ سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۰۸ - هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. تبصره - در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال می باشد. ماده ۲۰۹ - هرگاه مرد مسلمانی عمداً زن مسلمانی را بکشد محکوم به قصاص است لیکن باید ولی زن قبل از قصاص قاتل نصف دیه مرد را به او بپردازد. ماده ۲۱۰ - هرگاه کافر ذمی عمداً کافر ذمی دیگر را بکشد قصاص می شود اگرچه پیرو دو دین مختلف باشند و اگر مقتول زن ذمی باشد باید ولی او قبل از قصاص نصف دیه مرد ذمی را به قاتل بپردازد.

### فصل دوم - اکراه در قتل

ماده ۲۱۱ - اکراه در قتل و یا دستور به قتل دیگری مجوز قتل نیست بنابراین اگر کسی را وادار به قتل دیگری کنند یا دستور به قتل رساندن دیگری را بدهند مرتکب قصاص می شود و اکراه کننده و آمر، به حبس ابد محکوم می گردند. تبصره ۱ - اگر اکراه شونده طفل غیرممیز یا مجنون باشد فقط اکراه کننده محکوم به قصاص است تبصره ۲ - اگر اکراه شونده طفل ممیز باشد نباید قصاص شود بلکه باید عاقله او دیه را بپردازد و اکراه کننده نیز به حبس ابد محکوم است

### فصل سوم - شرکت در قتل

ماده ۲۱۲ - هرگاه دو یا چند مرد مسلمان مشترکاً مرد مسلمانی را بکشند ولی دم می تواند با اذن ولی امر همه آنها را قصاص کند و در صورتی که قاتل دو نفر باشند باید به هر کدام از آنها نصف دیه و اگر سه نفر باشند باید به هر کدام از آنها دو ثلث دیه و اگر چهار نفر باشند باید به هر کدام از آنها سه ربع دیه را بپردازد و به همین نسبت در افراد بیشتر. تبصره ۱ - ولی دم می تواند برخی از شرکای در قتل را با پرداخت دیه مذکور در این ماده قصاص نماید و از بقیه شرکا نسبت به سهم دیه اخذ نماید. تبصره ۲ - در صورتی که قاتلان و مقتول همگی از کفار ذمی باشند همین حکم جاری است ماده ۲۱۳ - در هر مورد که باید مقداری از دیه را به قاتل بدهند و قصاص کنند باید پرداخت دیه قبل از قصاص باشد. ماده ۲۱۴ - هرگاه دو یا چند نفر جراحی بر کسی وارد سازند که موجب قتل او شود چه در یک زمان و چه در زمانهای متفاوت چنانچه قتل مستند به جنایت همگی باشد همه آنها قاتل محسوب می شوند و کیفر آنان باید طبق مواد دیگر این قانون با رعایت شرایط تعیین شود. ماده ۲۱۵ - شرکت در قتل زمانی تحقق پیدا می کند که کسی در اثر ضرب و جرح عده ای کشته شود و مرگ او مستند به عمل همه آنها باشد، خواه عمل هر یک به تنهایی برای قتل کافی باشد خواه نباشد و خواه اثر کار آنها مساوی باشد خواه متفاوت ماده ۲۱۶ - هرگاه کسی جراحی به شخصی وارد کند و بعد از آن دیگری او را به قتل برساند قاتل همان دومی است اگر چه جراحی سابق به تنهایی موجب مرگ می گردید و اولی فقط محکوم به قصاص طرف یا دیه جراحی است که وارد کرده مگر مواردی که در قصاص جراحی خطر مرگ باشد که در این صورت فقط محکوم به دیه می باشد. ماده ۲۱۷ - هرگاه جراحی که نفر اول وارد کرده مجروح را در حکم مرده قرار داده و تنها آخرین رمق حیات در او باقی بماند و در این حال دیگری کاری را انجام دهد که به حیات او پایان بخشد اولی قصاص می شود و دومی تنها دیه جنایت بر مرده را می پردازد. ماده ۲۱۸ - هرگاه ایراد جرح هم موجب نقص عضو شود و هم موجب قتل چنانچه با یک ضربت باشد قصاص قتل کافی است و نسبت به نقص عضو قصاص یا دیه نیست

### فصل چهارم - شرایط قصاص

ماده ۲۱۹ - کسی که محکوم به قصاص است باید با اذن ولی دم او را کشت پس اگر کسی بدون اذن ولی دم او را بکشد مرتکب قتلی شده که موجب قصاص است ماده ۲۲۰ - پدر یا جد پدری که فرزند خود را بکشد قصاص نمی شود و به پرداخت دیه قتل به ورثه مقتول و تعزیر محکوم خواهد شد. ماده ۲۲۱ - هرگاه دیوانه یا نابالغی عمدا کسی را بکشد خطا محسوب و قصاص نمی شود بلکه باید عاقله آنها دیه قتل خطا را به ورثه مقتول بدهند. تبصره - در جرایم قتل نفس یا نقص عضو اگر جرم ارتكابی عمدی باشد و مرتکب صغیر یا مجنون باشد و پس از بلوغ یا افاقه مرتکب ، مجنی علیه در اثر سرایت فوت شود مستوجب قصاص نمی باشد. ماده ۲۲۲ - هرگاه عاقل دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. ماده ۲۲۳ - هرگاه بالغ نابالغی را بکشد قصاص می شود. ماده ۲۲۴ - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلا برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود. ماده ۲۲۵ - هرگاه کسی در حال خواب یا بی‌هوشی شخصی را بکشد قصاص نمی شود فقط به دیه قتل به ورثه مقتول محکوم خواهد شد. ماده ۲۲۶ - قتل نفس در صورتی موجب قصاص است که مقتول شرعا مستحق کشتن نباشد و اگر مستحق قتل باشد قاتل باید استحقاق قتل او را طبق موازین در دادگاه اثبات کند.

### فصل پنجم - شرایط دعوی قتل

ماده ۲۲۷ - مدعی باید حین اقامه دعوی عاقل و بالغ باشد و چنانچه دعوی مستلزم امر مالی گردد رشد نیز شرط است اما نسبت به مدعی علیه هیچ یک از موارد مذکور شرط نمی باشد. ماده ۲۲۸ - مدعی باید نسبت به مورد دعوی جازم باشد و با احتمال و ظن نمی توان علیه کسی اقامه دعوی کرد لکن با وجود اماره و آثار جرم دعوی بدون جزم نیز مسموع است ماده ۲۲۹ - مدعی علیه باید معلوم و مشخص یا محصور در میان عده‌ای معین باشد. ماده ۲۳۰ - مورد دعوی باید معلوم باشد و مدعی قتل باید نوع آن را از لحاظ عمد یا غیرعمد بیان کند و اگر اصل قتل ثابت شود و نوع آن اثبات نشود باید با صلح میان قاتل و اولیای مقتول و عاقله دعوی را خاتمه داد.

### فصل ششم - راههای ثبوت قتل

#### اشاره

ماده ۲۳۱ - راههای ثبوت قتل در دادگاه عبارتند از: ۱ - اقرار ۲ - شهادت ۳ - قسامه ۴ - علم قاضی

#### مبحث اول - اقرار

ماده ۲۳۲ - با اقرار به قتل عمد گرچه یک مرتبه هم باشد قتل عمد ثابت می شود. ماده ۲۳۳ - اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده دارای اوصاف زیر باشد: ۱ - عقل ۲ - بلوغ ۳ - اختیار ۴ - قصد. بنابراین اقرار دیوانه و مست و کودک و مجبور و اشخاصی که قصد ندارند مانند ساهی و هازل و نائم و بی‌هوش نافذ نیست ماده ۲۳۴ - اقرار به قتل عمد از کسی که به سبب سفاهت یا افلاس مجبور باشد نافذ و موجب قصاص است ماده ۲۳۵ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار نماید و دیگری به قتل عمدی یا خطایی همان مقتول اقرار کند ولی دم در مراجعه به هر یک از این دو نفر مخیر است که برابر اقرارش عمل نماید و نمی تواند

مجازات هر دو را مطالبه کند. ماده ۲۳۶ - اگر کسی به قتل عمدی شخصی اقرار کند و پس از آن دیگری به قتل عمدی همان مقتول اقرار نماید در صورتی که اولی از اقرارش برگردد قصاص یا دیه از هر دو ساقط است و دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود و این در حالی است که قاضی احتمال عقلایی ندهد که قضیه توطئه‌آمیز است تبصره - در صورتی که قتل عمدی برحسب شهادت شهود یا قسامه یا علم قاضی قابل اثبات باشد قاتل به تقاضای ولی دم قصاص می‌شود.

### مبحث دوم - شهادت

ماده ۲۳۷ - الف - قتل عمد با شهادت دو مرد عادل ثابت می‌شود. ب - قتل شبه عمد یا خطا با شهادت دو مرد عادل یا یک مرد عادل و دو زن عادل یا یک مرد عادل و قسم مدعی ثابت می‌شود. ماده ۲۳۸ - هرگاه یکی از دو شاهد عادل گواهی دهد که متهم اقرار به قتل عمدی نمود و دیگری گواهی دهد که متهم اقرار به قتل کرد و به قید عمد گواهی ندهد اصل قتل ثابت می‌شود و متهم مکلف است نوع قتل را بیان کند. اگر اقرار به عمد نمود قصاص می‌شود و چنانچه منکر قتل عمد باشد و قسم یاد کند قصاص از او ساقط است

### مبحث سوم - قسامه

ماده ۲۳۹ - هرگاه بر اثر قراین و اماراتی و یا از هر طریق دیگری از قبیل شهادت یک شاهد یا حضور شخصی همراه با آثار جرم در محل قتل یا وجود مقتول در محل تردد یا اقامت اشخاص معین و یا شهادت طفل ممیز مورد اعتماد و یا امثال آن حاکم به ارتکاب قتل از جانب متهم ظن پیدا کند مورد از موارد لوث محسوب می‌شود و در صورت نبودن بینه از برای مدعی قتل یا جرح یا نوع آنها به وسیله قسامه و به نحو مذکور در مواد بعدی ثابت می‌شود. ماده ۲۴۰ - هرگاه ولی دم مدعی قتل عمد شود و یکی از دو شاهد عادل به قتل عمد و دیگری به اصل قتل شهادت دهد و متهم قتل عمد را انکار کند در صورتی که موجب ظن برای قاضی باشد این قتل از باب لوث محسوب می‌شود و مدعی باید قتل عمد را با اقامه قسامه ثابت کند. ماده ۲۴۱ - هرگاه یکی از دو مرد عادل شهادت به قتل بوسیله متهم دهد و دیگری به اقرار متهم به قتل شهادت دهد قتل ثابت نمی‌شود و چنانچه موجب ظن برای قاضی باشد، مورد از موارد لوث خواهد بود. ماده ۲۴۲ - در صورتی که قراین و نشانه‌های ظنی معارض یکدیگر باشند مورد از موارد لوث محسوب نمی‌گردد. ماده ۲۴۳ - مدعی ممکن است مرد یا زن باشد و در هر حال باید از وراثت فعلی مقتول محسوب شود. ماده ۲۴۴ - اگر مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه منکر باشد و قراینی که موجب ظن به وقوع قتل توسط وی گردد وجود نداشته باشد لوث محسوب نمی‌شود. مگر اینکه مدعی بینه‌ای بر حضور او هنگام قتل در محل واقعه اقامه کند و موجب ظن به وقوع قتل توسط او گردد در این صورت لوث ثابت می‌شود و مدعی باید اقامه قسامه کند و در صورت امتناع از اقامه قسامه می‌تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه کند در این صورت مدعی علیه باید به منظور برائت خود به ترتیب مذکور در ماده (۲۴۷) عمل نماید. در این حالت اگر مدعی علیه از اقامه قسامه ابا نماید محکوم به پرداخت دیه می‌شود. تبصره - در موارد قسامه چنانچه برائت مدعی علیه ثابت شود و قاتل مشخص نباشد، دیه مقتول از بیت‌المال پرداخت می‌شود. ماده ۲۴۵ - در صورت نبودن قراین موجب ظن به انتساب قتل صرف حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه از مصادیق لوث محسوب نمی‌شود و مدعی علیه با ادای یک سوگند تبرئه می‌گردد. ماده ۲۴۶ - هرگاه مدعی علیه برای تبرئه خود بینه اقامه کند لوث محقق نمی‌شود و تبرئه می‌گردد. ماده ۲۴۷ - هرگاه مدعی اقامه قسامه نکند می‌تواند از مدعی علیه مطالبه قسامه نماید؛ در این صورت مدعی علیه باید برای برائت خود به ترتیب مذکور در ماده ۲۴۸ به قسامه عمل نماید و چنانچه ابا کند محکوم به پرداخت دیه می‌شود. ماده ۲۴۸ - در موارد لوث قتل عمد با قسم پنجاه نفر مرد ثابت می‌شود و قسم خورندگان باید از خویشان و بستگان نسبی مدعی باشند. تبصره ۱ - مدعی و مدعی علیه می‌توانند

حسب مورد یکی از قسم خورندگان باشند. تبصره ۲ - چنانچه تعداد قسم خورندگان مدعی علیه کمتر از پنجاه نفر باشند، هر یک از قسم خورندگان مرد می توانند بیش از یک قسم بخورند به نحوی که پنجاه قسم کامل شود. تبصره ۳ - چنانچه مدعی علیه نتواند کسی از خویشان و بستگان نسبی خود را برای قسم حاضر کند، می تواند پنجاه قسم بخورد و تبرئه شود. ماده ۲۴۹ - قاضی باید برای قبول تکرار قسم مطمئن شود که مدعی علیه پنجاه نفر خویشان و بستگان نسبی ندارد و یا خویشان و بستگان نسبی او پنجاه نفر یا بیشتر هستند ولی حاضر به قسم خوردن نمی باشند. همچنین قاضی باید خویشاوندی نسبی قسم خوردگان را با مدعی علیه احراز نماید. ماده ۲۵۰ - هر یک از قسم خورندگان باید قاتل و مقتول را بدون ابهام معین و انفراد یا اشتراک و یا معاونت قاتل یا قاتلان را صریحا ذکر و نوع قتل را بیان کنند. تبصره - در صورتی که قاضی احتمال بدهد که قسم خورنده یا قسم خورندگان در تشخیص نوع قتل که عمد یا شبه عمد یا خطاء است دچار اشتباه می باشند باید در مورد نوع قتل از آنها تحقیق نماید. ماده ۲۵۱ - قسم خورندگان باید علم به ارتکاب قتل داشته باشند و از روی جزم قسم بخورند و قسم از روی ظن کفایت نمی کند. تبصره - در صورتی که قاضی احراز نماید که تمام یا بعضی از قسم خورندگان از روی ظن قسم می خورند قسمهای مذکور اعتبار ندارد. ماده ۲۵۲ - در موارد لوث چنانچه مدعی متعدد باشد، قسم پنجاه نفر کفایت می کند ولی در صورت تعدد مدعی علیه هر یک از آنان می بایست برای براءت خود اجرای قسامه کند و با نداشتن عدد قسامه طبق تبصره (۳) ماده (۲۴۸) هر یک از مدعی علیه پنجاه قسم خورده و تبرئه می شوند. ماده ۲۵۳ - نصاب قسامه در قتل شبه عمد و خطای محض بیست و پنج نفر می باشد و نحوه انجام آن مطابق ماده (۲۴۸) و تبصره های آن است ماده ۲۵۴ - در جراحات قصاص با قسامه ثابت نمی شود و فقط موجب پرداخت دیه می گردد و نصاب قسامه در جراحات به شرح زیر است الف - در جراحاتی که موجب دیه کامل است مجروح با پنج نفر دیگر قسم می خورند. ب - در جراحاتی که موجب سه چهارم دیه کامل است مجروح با چهار نفر دیگر قسم می خورند. ج - در جراحاتی که موجب دو سوم دیه کامل است مجروح با سه نفر دیگر قسم می خورند. د - در جراحاتی که موجب یک دوم دیه کامل است مجروح با دو نفر دیگر قسم می خورند. ه - در جراحاتی که موجب یک سوم دیه کامل است مجروح با یک نفر دیگر قسم می خورند. و - در جراحاتی که موجب یک ششم دیه کامل است مجروح به تنهایی قسم می خورد. تبصره ۱ - در مورد هر یک از بندهای فوق الذکر در صورت نبودن نفرات لازم مجنی علیه می تواند به همان عدد قسم را تکرار کند. تبصره ۲ - در مورد هر یک از بندهای یاد شده در فوق، چنانچه مقدار دیه بیش از کسر مقرر در آن بند و کمتر از کسر مقرر در بند قبلی بوده باشد، در مقدار قسم نصاب بیشتر لازم است مثلا - اگر دیه جراحت به مقدار یک چهارم و یا یک پنجم دیه کامل باشد، برای اثبات آن نصاب یک سوم یعنی دو قسم لازم است ماده ۲۵۵ - هرگاه شخصی در اثر ازدحام کشته شود و یا جسد مقتولی در شارع عام پیدا شود و قراین ظنی برای قاضی بر نسبت قتل او به شخص یا جماعتی نباشد، حاکم شرع باید دیه او را از بیت المال بدهد و اگر شواهد ظنی نزد حاکم اقامه شود که آن قتل به شخص یا اشخاص معین منسوب است مورد از موارد لوث خواهد بود. ماده ۲۵۶ - هرگاه کسی را در محلی کشته بیابند و ولی مقتول مدعی شود که شخص معینی از ساکنان آن محل وی را به قتل رسانده است مورد از موارد لوث می باشد در این صورت چنانچه حضور مدعی علیه هنگام قتل در محل واقعه ثابت شود دعوی ولی با قسامه پذیرفته می شود. تبصره - چنانچه مدعی علیه حضور خود را هنگام قتل در محل واقعه انکار نماید ادعای او با سوگند پذیرفته می شود.

### فصل هفتم - کیفیت استیفای قصاص

ماده ۲۵۷ - قتل عمد موجب قصاص است لیکن با رضایت ولی دم و قاتل به مقدار دیه کامله یا به کمتر یا زیادتر از آن تبدیل می شود. ماده ۲۵۸ - هرگاه مردی زنی را به قتل رساند ولی دم حق قصاص قاتل را با پرداخت نصف دیه دارد و در صورت رضایت قاتل می تواند به مقدار دیه یا کمتر یا بیشتر از آن مصالحه نماید. ماده ۲۵۹ - هرگاه کسی که مرتکب قتل موجب قصاص شده است

بمیرد قصاص و دیه ساقط می‌شود. ماده ۲۶۰- هرگاه کسی که مرتکب قتل عمد شده است فرار کند و تا هنگام مردن به او دسترسی نباشد پس از مرگ قصاص تبدیل به دیه می‌شود که باید از مال قاتل پرداخت گردد و چنانچه مالی نداشته باشد از اموال نزدیکترین خویشان او به نحو «الاقرب فالاقرب» پرداخت می‌شود و چنانچه نزدیکانی نداشته باشد یا آنها تمکن نداشته باشند دیه از بیت‌المال پرداخت می‌گردد. ماده ۲۶۱- اولیای دم که قصاص و عفو در اختیار آنهاست همان ورثه مقتولند، مگر شوهر یا زن که در قصاص و عفو و اجراء اختیاری ندارند. ماده ۲۶۲- زن حامله که محکوم به قصاص است نباید قبل از وضع حمل قصاص شود و پس از وضع حمل چنانچه قصاص موجب هلاکت طفل باشد باید به تاخیر افتد تا خطر مرگ از طفل برطرف گردد. ماده ۲۶۳- قصاص با آلت کند و غیربرنده که موجب آزار مجرم باشد ممنوع است و مثله او نیز جرم است ماده ۲۶۴- در صورتی که ولی دم متعدد باشد موافقت همه آنها در قصاص لازم است چنانچه همگی خواهان قصاص قاتل باشند قاتل قصاص می‌شود و اگر بعضی از آنها خواهان قصاص و دیگران خواهان دیه خواهان قصاص می‌توانند قاتل را قصاص کنند لکن باید سهم دیه سایر اولیای دم را که خواهان دیه هستند پردازند و اگر بعضی از اولیای دم بطور رایگان عفو کنند دیگران می‌توانند بعد از پرداخت سهم عفو کنندگان به قاتل او را قصاص نمایند. ماده ۲۶۵- ولی دم بعد از ثبوت قصاص با اذن ولی امر می‌تواند شخصا قاتل را قصاص کند و یا وکیل بگیرد. ماده ۲۶۶- اگر مجنی علیه ولی نداشته باشد و یا شناخته نشود و یا به او دسترسی نباشد ولی دم او ولی امر مسلمین است و رییس قوه قضاییه با استیذان از ولی امر و تفویض اختیار به دادستانهای مربوطه نسبت به تعقیب مجرم و تقاضای قصاص یا دیه حسب مورد اقدام می‌نماید. ماده ۲۶۷- هرگاه شخص یا اشخاصی محکوم به قصاص را رهایی دهند موظف به تحویل دادن وی می‌باشند و هرگاه به تشخیص قاضی رسیدگی کننده در انجام وظیفه کوتاهی نماید و حبس وی موثر در الزام یا احضار باشد تا زمان معرفی محکوم به حبس می‌گردد. تبصره - چنانچه قاتل قبل از تحویل بمیرد یا به نحو دیگری تحویل وی متعذر شود فرد فراری دهنده ضامن دیه مقتول است ماده ۲۶۸- چنانچه مجنی علیه قبل از مرگ جانی را از قصاص نفس عفو نماید، حق قصاص ساقط می‌شود و اولیای دم نمی‌توانند پس از مرگ او مطالبه قصاص نمایند.

## باب دوم - قصاص عضو

### فصل اول - تعاریف و موجبات قصاص عضو

ماده ۲۶۹- قطع عضو و یا جرح آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید. تبصره ۱- مجازات معاون جرم موضوع این ماده سه ماه حبس تا یک سال است تبصره ۲- در مورد این جرم چنانچه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۲۷۰- قطع عضو یا جرح آن سه نوع است عمد، شبه عمد، خطاء که احکام دو نوع اخیر در فصل دیات خواهد آمد. ماده ۲۷۱- قطع عضو یا جرح آن در موارد زیر عمدی است الف- وقتی که جانی با انجام کاری قصد قطع عضو یا جرح آن را دارد چه آن کار نوعا موجب قطع یا جرح باشد یا نباشد. ب- وقتی که جانی عمدا کاری انجام دهد که نوعا موجب قطع یا جرح عضو باشد هر چند قصد قطع یا جرح نداشته باشد. ج- وقتی که جانی قصد قطع عضو یا جرح را ندارد و عمل او نوعا موجب قطع یا جرح نمی‌باشد ولی نسبت به مجنی علیه بر اثر بیماری یا پیری یا ناتوانی یا کودکی و مانند اینها نوعا موجب قطع یا جرح باشد و جانی به آن آگاهی داشته باشد.

## فصل دوم - شرایط و کیفیت قصاص عضو

ماده ۲۷۲ - در قصاص عضو علاوه بر شرایط قصاص نفس شرایط زیر باید رعایت شود: ۱- تساوی اعضا در سالم بودن ۲- تساوی در اصلی بودن اعضا. ۳- تساوی در محل عضو مجروح یا مقطوع ۴- قصاص موجب تلف جانی یا عضو دیگر نباشد. ۵- قصاص بیشتر از اندازه جنایت نشود. ماده ۲۷۳ - در قصاص عضو، زن و مرد برابرنند و مرد مجرم به سبب نقص عضو یا جرمی که به زن وارد نماید به قصاص عضو مانند آن محکوم می‌شود، مگر اینکه دیه عضوی که ناقص شده ثلث یا بیش از ثلث دیه کامل باشد که در آن صورت زن هنگامی می‌تواند قصاص کند که نصف دیه آن عضو را به مرد بپردازد. ماده ۲۷۴ - عضو سالم در برابر عضو ناسالم قصاص نمی‌شود و فقط دیه آن عضو پرداخت می‌شود لکن عضو ناسالم در برابر عضو سالم قصاص می‌شود. ماده ۲۷۵ - در قصاص عضو تساوی محل معتبر است و باید در مقابل قطع عضو طرف راست عضو همان طرف و در مقابل طرف چپ عضو همان طرف جانی قصاص شود. تبصره - در صورتی که مجرم دست راست نداشته باشد دست چپ او و چنانچه دست چپ هم نداشته باشد پای او قطع خواهد شد. ماده ۲۷۶ - جرحی که به عنوان قصاص وارد می‌کنند باید از حیث طول و عرض مساوی با جنایت باشد و در صورت امکان رعایت تساوی در عمق نیز لازم است تبصره - در جراحی موضعه و سمحاق، تساوی در عمق شرط نیست و مماثلت عرفی کافی است ماده ۲۷۷ - هرگاه در قصاص جرح رعایت تساوی ممکن نباشد مانند بعضی از جراحات‌های عمیق یا در موارد شکسته شدن استخوانها یا جابجا شدن آنها به طوری که قصاص موجب تلف جانی یا زیاده از اندازه جنایت گردد باید دیه آن داده شود چه مقدار آن دیه شرعا معین باشد یا با حکم حاکم شرع معین گردد. ماده ۲۷۸ - قصاص عضو را می‌شود فوراً اجرا نمود و لازم نیست صبر کنند تا وضع جرح روشن شود، پس اگر قصاص اجرا شود و جرح منجر به مرگ مجنی علیه گردد در صورتی که جنایت عمدی باشد جانی به قصاص نفس محکوم می‌شود لکن قبل از اجرای قصاص نفس باید دیه جرحی که قبلاً به عنوان قصاص عضو بر جانی وارد شده به او پرداخت شود. ماده ۲۷۹ - برای رعایت تساوی قصاص با جنایت باید حدود جراحی کاملاً اندازه‌گیری شود و هر چیزی که مانع از استیفای قصاص یا موجب ازدیاد آن باشد باید برطرف گردد. ماده ۲۸۰ - اگر در اثر حرکت جانی قصاص بیش از جنایت شود قصاص کننده ضامن نیست و اگر بدون حرکت مجرم قصاص بیش از جنایت شود در صورتی که این زیاده عمدی باشد قصاص کننده نسبت به مقدار زاید قصاص می‌شود و در صورتی که عمدی نباشد دیه یا ارزش مقدار زاید به عهده قصاص کننده می‌باشد. ماده ۲۸۱ - اگر گرمی یا سردی هوا موجب سرایت زخم بشود باید قصاص در هوای معتدل انجام گیرد. ماده ۲۸۲ - ابزار قصاص باید تیز و غیرمسموم و مناسب با اجرای قصاص و قطع و جرح مخصوص باشد و ایدای جانی بیش از مقدار جنایت او ممنوع است ماده ۲۸۳ - هرگاه شخصی یک چشم کسی را کور کند یا در آورد قصاص می‌شود گرچه جانی بیش از یک چشم نداشته باشد و چیزی به‌عنوان دیه به او داده نمی‌شود. ماده ۲۸۴ - هرگاه شخصی که دارای دو چشم است چشم کسی را که فقط دارای یک چشم است در آورد مجنی علیه می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و نصف دیه کامل را هم دریافت نماید، یا از قصاص یک چشم جانی منصرف شود و دیه کامل بگیرد مگر در صورتی که مجنی علیه یک چشم خود را قبلاً در اثر قصاص یا جنایتی که استحقاق دیه آن را داشته است از دست داده باشد که در این مورد می‌تواند یک چشم جانی را قصاص کند و یا با رضایت جانی نصف دیه کامل دریافت نماید. ماده ۲۸۵ - هرگاه شخصی بدون آسیب به حدقه چشم دیگری بینایی آن را از بین ببرد فقط بینایی چشم جانی مورد قصاص قرار می‌گیرد و اگر بدون آسیب به حدقه چشم جانی ممکن نباشد جانی باید دیه آن را بپردازد. ماده ۲۸۶ - چشم سالم در برابر چشم‌هایی که از لحاظ دیدن متعارف نیستند قصاص می‌شود. ماده ۲۸۷ - هرگاه شخصی مقداری از گوش کسی را قطع کند و مجنی علیه قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد قصاص ساقط نمی‌شود و اگر جانی بعد از آنکه مقداری از گوش او به عنوان قصاص بریده شد آن قسمت جدا شده را به گوش خود پیوند دهد هیچ‌کس نمی‌تواند آن را دوباره برای حفظ اثر قصاص قطع کند. ماده ۲۸۸ - قطع لاله گوش که موجب زوال شنوایی بشود دو

جنایت محسوب می‌شود. ماده ۲۸۹ - هرگاه شخصی بینی کسی را قطع کند مجنی علیه می‌تواند قصاص نماید گرچه بینی مجنی علیه دارای حس بویایی نباشد. ماده ۲۹۰ - هرگاه شخصی زبان یا لب کسی را قطع نماید با رعایت تساوی مقدار و محل مورد قصاص قرار می‌گیرد. تبصره - در صورتی که فرد گویا، زبان فرد لال را قطع کند قصاص جایز نیست و تبدیل به دیه می‌شود. ماده ۲۹۱ - هرگاه شخصی دندان کسی را بشکند یا بکند با رعایت شرایط قصاص عضو قصاص می‌شود. تبصره - در صورتی که مجنی علیه قبل از قصاص دندان درآورد اگر دندان جدید معیوب باشد جانی به پرداخت ارش محکوم می‌گردد و اگر سالم باشد تا ۷۴ ضربه شلاق تعزیر می‌گردد. ماده ۲۹۲ - اگر مجنی علیه طفل باشد باید به مدت متعارف صدور حکم به تأخیر افتد. در صورتی که کودک دندان جدید درآورد مجرم محکوم به ارش و گرنه محکوم به قصاص است ماده ۲۹۳ - اگر مورد جنایت عضو زاید باشد و جانی عضو زاید مشابه نداشته باشد، محکوم به دیه است

#### ۴- کتاب چهارم - دیات

##### باب اول - تعریف دیه و موارد آن

ماده ۲۹۴ - دیه مالی است که به سبب جنایت بر نفس یا عضو به مجنی علیه یا به ولی یا اولیای دم او داده می‌شود. ماده ۲۹۵ - در موارد زیر دیه پرداخت می‌شود: الف - قتل یا جرح یا نقص عضو که به‌طور خطای محض واقع می‌شود و آن در صورتی است که جانی نه قصد جنایت نسبت به مجنی علیه را داشته باشد و نه قصد فعل واقع شده بر او را، مانند آنکه تیری را به قصد شکاری رها کند و به شخصی برخورد نماید. ب - قتل یا جرح یا نقص عضو که به‌طور خطای شبیه عمد واقع می‌شود، و آن در صورتی است که جانی قصد فعلی را که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود داشته باشد و قصد جنایت را نسبت به مجنی علیه نداشته باشد مانند آنکه کسی را به قصد تادیب به نحوی که نوعاً سبب جنایت نمی‌شود بزند و اتفاقاً موجب جنایت گردد یا طبیعی مباشر تا بیماری را به طور متعارف معالجه کند و اتفاقاً سبب جنایت بر او شود. ج - مواردی از جنایت عمدی که قصاص در آنها جایز نیست تبصره ۱ - جنایتهای عمدی و شبه عمدی دیوانه و نابالغ به منزله خطای محض است تبصره ۲ - در صورتی که شخصی کسی را به اعتقاد قصاص یا به اعتقاد مهدورالدم بودن بکشد و این امر بر دادگاه ثابت شود و بعداً معلوم گردد که مجنی علیه مورد قصاص و یا مهدورالدم نبوده است قتل به منزله خطای شبیه عمد است و اگر ادعای خود را در مورد مهدورالدم بودن مقتول به اثبات برساند قصاص و دیه از او ساقط است تبصره ۳ - هرگاه بر اثر بی‌احتیاطی یا بی‌مبالاتی یا عدم مهارت و عدم رعایت مقررات مربوط به امری قتل یا ضرب یا جرح واقع شود به نحوی که اگر آن مقررات رعایت می‌شد حادثه‌ای اتفاق نمی‌افتاد قتل و یا ضرب و یا جرح در حکم شبه عمد خواهد بود. ماده ۲۹۶ - در مواردی هم که کسی قصد تیراندازی به کسی یا شیئی یا حیوانی را داشته باشد و تیر او به انسان بی‌گناه دیگری اصابت کند عمل او خطای محض محسوب می‌شود.

##### باب دوم - مقدار دیه قتل نفس

ماده ۲۹۷ - دیه قتل مرد مسلمان یکی از امور ششگانه ذیل است که قاتل در انتخاب هر یک از آنها مخیر می‌باشد و تلفیق آنها جایز نیست ۱ - یکصد شتر سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۲ - دویست گاو سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۳ - یکهزار گوسفند سالم و بدون عیب که خیلی لاغر نباشند. ۴ - دویست دست لباس سالم از حله‌های یمن ۵ - یکهزار دینار مسکوک سالم و

غیرمغشوش که هر دینار یک مثقال شرعی طلا به وزن ۱۸ نخود است ۶- ده هزار درهم مسکوک سالم و غیرمغشوش که هر درهم به وزن ۶/۱۲ نخود نقره می‌باشد. تبصره - قیمت هر یک از امور ششگانه در صورت تراضی طرفین و یا تعذر همه آنها پرداخت می‌شود. ماده ۲۹۸ - دیه قتل عمد در مواردی که قصاص ممکن نباشد و یا ولی مقتول به دیه راضی شود یکی از امور ششگانه فوق خواهد بود لکن در کلیه مواردی که شتر به عنوان دیه تعیین می‌شود لازم است که سن آن از پنج سال گذشته و داخل در سال ششم شده باشد. ماده ۲۹۹ - دیه قتل در صورتی که صدمه و فوت هر دو در یکی از چهار ماه حرام (رجب ذیقعدہ ذیحجه محرم و یا در حرم مکه معظمه واقع شود علاوه بر یکی از موارد ششگانه مذکور در ماده ۲۹۷ به عنوان تشدید مجازات باید یک سوم هر نوعی که انتخاب کرده است اضافه شود و سایر امکانه و ازمنه هر چند متبرک باشند دارای این حکم نیستند. تبصره - حکم فوق در مواردی که مقتول از اقارب قاتل باشد جاری نمی‌گردد. ماده ۳۰۰ - دیه قتل زن مسلمان خواه عمدی و خواه غیرعمدی نصف دیه مرد مسلمان است ماده ۳۰۱ - دیه زن و مرد یکسان است تا وقتی که مقدار دیه به ثلث دیه کامل برسد در آن صورت دیه زن نصف دیه مرد است

### باب سوم - مهلت پرداخت دیه

ماده ۳۰۲ - مهلت پرداخت دیه در موارد مختلف از زمان وقوع قتل به ترتیب زیر است الف - دیه قتل عمد باید در ظرف یک سال پرداخت شود. ب - دیه قتل شبیه عمد در ظرف دو سال پرداخت می‌شود. ج - دیه قتل خطای محض در ظرف سه سال پرداخت می‌شود. تبصره ۱ - تاخیر از این مهلت‌ها بدون تراضی طرفین جایز نیست تبصره ۲ - دیه قتل جنین و نیز دیه نقص عضو یا جرح به ترتیب فوق پرداخت می‌شود. ماده ۳۰۳ - اگر قاتل در شبیه عمد در مدت معین قادر به پرداخت نباشد به او مهلت مناسب داده می‌شود.

### باب چهارم - مسؤول پرداخت دیه

ماده ۳۰۴ - در قتل عمد و شبه عمد مسؤول پرداخت دیه خود قاتل است ماده ۳۰۵ - در قتل خطای محض در صورتی که قتل با بینه یا قسامه یا علم قاضی ثابت شود پرداخت دیه به عهده عاقله است و اگر با اقرار قاتل یا نکول او از سوگند یا قسامه ثابت شد به عهده خود اوست ماده ۳۰۶ - در خطای محض دیه قتل و همچنین دیه جراحت (موضحه و دیه جنایتهای زیادتیر از آن به عهده عاقله می‌باشد و دیه جراحتهای کمتر از آن به عهده خود جانی است تبصره - جنایت عمد و شبه عمد نابالغ و دیوانه به منزله خطای محض و بر عهده عاقله می‌باشد. ماده ۳۰۷ - عاقله عبارت است از بستگان ذکور نسبی پدر و مادری یا پدری به ترتیب طبقات ارث به طوری که همه کسانی که حین الفوت می‌توانند ارث ببرند به صورت مساوی عهده‌دار پرداخت دیه خواهند بود. تبصره - کسی که با عقد ضمان جریره دیه جنایت دیگری را به عهده گرفته است نیز عاقله محسوب می‌شود. ماده ۳۰۸ - نابالغ و دیوانه و معسر جزء عاقله محسوب نمی‌شود و عهده‌دار دیه قتل خطایی نخواهد بود. ماده ۳۰۹ - هرگاه قتل خطایی با گواهی شهود عادل ثابت شود عاقله عهده‌دار دیه خواهد بود ولی اگر با اقرار جانی ثابت شود خود جانی ضامن است ماده ۳۱۰ - هرگاه اصل قتل با شهادت شهود عادل ثابت شود و قاتل مدعی گردد که خطا انجام شده و عاقله منکر خطایی بودن آن باشد در صورتی که عاقله سوگند یاد کند قول عاقله مقدم بر قول جانی می‌باشد. ماده ۳۱۱ - عاقله فقط عهده‌دار پرداخت خسارتهای حاصل از جنایتهای خطایی محض از قتل ناموضحه است و در موارد ذیل عاقله ضامن نمی‌باشد: الف - جنایتهای خطایی که شخص بر خودش وارد آورد. ب - اتلاف مالی



که به طور خطای محض حاصل شود. ماده ۳۱۲- هرگاه جانی دارای عاقله نباشد یا عاقله او نتواند دیه را در مدت سه سال بپردازد دیه از بیت‌المال پرداخت می‌شود. ماده ۳۱۳- دیه عمد و شبه عمد بر جانی است لکن اگر فرار کند از مال او گرفته می‌شود و اگر مال نداشته باشد از بستگان نزدیک او بارعایت الاقرب فالاقرب گرفته می‌شود و اگر بستگانی نداشته یا تمکن نداشته باشد دیه از بیت‌المال داده می‌شود. ماده ۳۱۴- در موارد قتل خطایی محض دادگاه مکلف است در حین رسیدگی عاقله را دعوت کند تا از خود دفاع نماید ولی عدم دسترسی به عاقله یا عدم حضور آن پس از احضار موجب توقف رسیدگی نخواهد شد. ماده ۳۱۵- اگر دو نفر متهم به قتل باشند و هر کدام ادعا کند که دیگری کشته است و علم اجمالی بر وقوع قتل توسط یکی از آن دو نفر باشد و حجت شرعی بر قاتل بودن یکی اقامه نشود و نوبت به دیه برسد با قید قرعه دیه از یکی از آن دو نفر گرفته می‌شود.

### باب پنجم - موجبات ضمان

ماده ۳۱۶- جنایت اعم از آنکه به مباشرت انجام شود یا به تسبیب یا به اجتماع مباشر و سبب موجب ضمان خواهد بود. ماده ۳۱۷- مباشرت آنست که جنایت مستقیماً توسط خود جانی واقع شده باشد. ماده ۳۱۸- تسبیب در جنایت آنست که انسان سبب تلف شدن یا جنایت علیه دیگری را فراهم کند و خود مستقیماً مرتکب جنایت نشود به طوری که اگر نبود جنایت حاصل نمی‌شد مانند آنکه چاهی بکند و کسی در آن بیفتد و آسیب ببیند. ماده ۳۱۹- هرگاه طیبی گرچه حاذق و متخصص باشد در معالجه‌هایی که شخصاً انجام می‌دهد یا دستور آن را صادر می‌کند، هر چند با اذن مریض یا ولی او باشد، باعث تلف جان یا نقص عضو یا خسارت مالی شود ضامن است ماده ۳۲۰- هرگاه ختنه‌کننده در اثر بریدن بیش از مقدار لازم موجب جنایت یا خسارت شود ضامن است گرچه ماهر بوده باشد. ماده ۳۲۱- هرگاه بیطار و دامپزشک گرچه متخصص باشد، در معالجه حیوانی هر چند با اذن صاحب او باشد موجب خسارت شود ضامن است ماده ۳۲۲- هرگاه طبیب یا بیطار و مانند آن قبل از شروع به درمان از مریض یا ولی او یا از صاحب حیوان برائت حاصل نماید، عهده‌دار خسارت پدید آمده نخواهد بود. ماده ۳۲۳- هرگاه کسی در حال خواب بر اثر حرکت و غلطیدن موجب تلف یا نقص عضو دیگری شود جنایت او به منزله خطای محض بوده و عاقله او عهده‌دار خواهد بود. ماده ۳۲۴- هرگاه کسی چیزی را همراه خود یا با وسیله نقلیه و مانند آن حمل کند و به شخص دیگری برخورد نموده موجب جنایت گردد، در صورت عمد یا شبه عمد ضامن می‌باشد و در صورت خطای محض، عاقله او عهده‌دار می‌باشد. ماده ۳۲۵- هرگاه کسی به روی شخصی سلاح بکشد یا سگی را به سوی او برانگیزد یا هر کار دیگری که موجب هراس او گردد انجام دهد، مانند فریاد کشیدن یا انفجار صوتی که باعث وحشت می‌شود، و بر اثر این ارباب آن شخص بمیرد اگر این عمل نوعاً کشنده باشد یا با قصد قتل انجام شود گرچه نوعاً کشنده نباشد، قتل عمد محسوب شده و موجب قصاص است و اگر این عمل نه نوعاً کشنده و نه با قصد قتل انجام بگیرد قتل شبه عمد محسوب شده و دیه آن بر عهده قاتل است ماده ۳۲۶- هرگاه کسی دیگری را بترساند و موجب فرار او گردد و آن شخص در حال فرار خود را از جای بلندی پرت کند یا به درون چاهی بیفتد و بمیرد، در صورتی که آن ترساندن موجب زوال اراده و اختیار و مانع تصمیم او گردد ترساننده ضامن است ماده ۳۲۷- هرگاه کسی خود را از جای بلندی پرت کند و بر روی شخصی بیفتد و سبب جنایت گردد، در صورتی که قصد انجام جنایت را داشته باشد قتل عمد بوده و قصاص دارد و در صورتی که قصد قتل نداشته ولی قصد پرت شدن را داشته باشد و معمولاً با آن قتل انجام نمی‌شود، قتل شبه عمد بوده دیه در مال او خواهد بود و همچنین است اگر با وجود قصد پرت شدن بی اختیار پرت شود. ولی اگر در اثر لغزش یا علل قهری دیگر و بی اختیار به جایی پرت شود و موجب جنایت گردد خودش ضامن است نه عاقله‌اش ماده ۳۲۸- هرگاه کسی به دیگری صدمه وارد کند و یا کسی را پرت کند و او بمیرد یا مجروح گردد، در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد نموده است نوعاً سبب جنایت

باشد، شبه عمد محسوب و عهده‌دار دیه آن خواهد بود. ماده ۳۲۹- هرگاه کسی دیگری را بر روی شخص ثالث پرت کند و آن شخص ثالث بمیرد یا مجروح گردد، در صورتی که نه قصد جنایت داشته باشد و نه کاری را که قصد کرده است نوعاً سبب جنایت باشد، شبه عمد محسوب و عهده‌دار دیه می‌باشد. ماده ۳۳۰- هرگاه کسی در ملک خود یا در مکان و راهی که توقف در آن مجاز است توقف کرده یا وسیله نقلیه خود را متوقف کرده باشد و دیگری به او برخورد نماید و مصدوم گردد آن شخص متوقف عهده‌دار هیچ‌گونه خسارتی نخواهد بود. ماده ۳۳۱- هر کس در محل‌هایی که توقف در آنجا جایز نیست متوقف شده یا شیئی و یا وسیله‌ای را در این قبیل محل‌ها مستقر سازد و کسی اشتباهاً و بدون قصد، با شخص و یا شیئی یا وسیله مزبور برخورد کند و بمیرد، شخص متوقف یا کسی که شیئی یا وسیله مزبور را در محل مستقر ساخته عهده‌دار پرداخت دیه خواهد بود، و نیز اگر توقف شخص مزبور با استقرار شیئی و وسیله مورد نظر موجب لغزش راه‌گذر و آسیب کسی شود، مسوول پرداخت دیه صدمه یا آسیب وارده است مگر آنکه عابر با وسعت راه و محل عمداً قصد برخورد داشته باشد که در این صورت نه فقط خسارتی به او تعلق نمی‌گیرد بلکه عهده‌دار خسارت وارده نیز می‌باشد. ماده ۳۳۲- هرگاه ثابت شود که مأمور نظامی یا انتظامی در اجرای دستور آمر قانونی تیراندازی کرده و هیچ‌گونه تخلف از مقررات نکرده است ضامن دیه مقتول نخواهد بود و جزء مواردی که مقتول و یا مصدوم مهدورالدم نبوده دیه به عهده بیت‌المال خواهد بود. ماده ۳۳۳- در مواردی که عبور عابر پیاده ممنوع است اگر عبور نماید و راننده‌ای که با سرعت مجاز و مطمئن در حرکت بوده و وسیله نقلیه نیز نقص فنی نداشته است و در عین حال قادر به کنترل نباشد و با عابر برخورد نموده منجر به فوت یا مصدوم شدن وی گردد راننده ضامن دیه و خسارت وارده نیست

### باب ششم - اشتراک در جنایت

ماده ۳۳۴- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد کشته شوند، هر دو سوار باشند یا پیاده یا یکی سواره و دیگری پیاده باشد، در صورت شبه عمد نصف دیه هر کدام از مال دیگری پرداخت می‌شود و در صورت خطای محض نصف دیه هر کدام بر عاقله دیگری است ماده ۳۳۵- هرگاه دو نفر با یکدیگر برخورد کنند و در اثر برخورد یکی از آنها کشته شود در صورت شبه عمد نصف دیه مقتول بر دیگری است و در صورت خطای محض نصف دیه مقتول بر عاقله دیگری است تبصره - هرگاه کسی اتفاقاً و بدون قصد به شخصی برخورد کند و موجب آسیب او شود خطای محض می‌باشد. ماده ۳۳۶- هرگاه در اثر برخورد دو سوار، وسیله نقلیه آنها مانند اتومبیل خسارت ببیند، در صورتی که تصادم و برخورد به هر دو نسبت داده شود و هر دو مقصر باشند یا هیچ‌کدام مقصر نباشند، هر کدام نصف خسارت و وسیله نقلیه دیگری را ضامن خواهد بود خواه آن دو وسیله از یک نوع باشند یا نباشند و خواه میزان تقصیر آنها مساوی یا متفاوت باشد و اگر یکی از آنها مقصر باشد فقط مقصر ضامن است تبصره - تقصیر اعم است از بی‌احتیاطی بی‌مبالاتی عدم مهارت عدم رعایت نظامات دولتی ماده ۳۳۷- هرگاه دو وسیله نقلیه در اثر برخورد با هم باعث کشته شدن سرنشینان گردند در صورت شبه عمد، راننده هر یک از دو وسیله نقلیه ضامن نصف دیه تمام سرنشینان خواهد بود و در صورت خطای محض عاقله هر کدام عهده‌دار نصف دیه تمام سرنشینان می‌باشد و اگر برخورد یکی از آن دو شبه عمد و دیگری خطای محض باشد ضامن بر حسب مورد پرداخت خواهد شد. تبصره - در صورتی که برخورد دو وسیله نقلیه خارج از اختیار راننده‌ها باشد مانند آنکه در اثر ریزش کوه یا توفان و دیگر عوامل قهری تصادم حاصل شود هیچ‌گونه ضمانتی در بین نیست ماده ۳۳۸- هرگاه شخصی را که شبانه از منزلش خوانده و بیرون برده‌اند مفقود شود دعوت کننده ضامن دیه اوست مگر اینکه ثابت کند که دیگری او را کشته است و نیز اگر ثابت شود که به مرگ عادی یا علل قهری در گذشته چیزی بر عهده دعوت کننده نیست ماده ۳۳۹- هرگاه کسی در معبر عام یا هر جای دیگری که تصرف در آن مجاز نباشد چاهی بکند یا سنگ یا چیز لغزنده‌ای بر سر راه

عابران قرار دهد یا هر عملی که موجب آسیب یا خسارت عابران گردد انجام دهد عهده‌دار دیه یا خسارت خواهد بود؛ ولی اگر این اعمال در ملک خود یا در جایی که تصرفش در آن مجاز است واقع شود عهده‌دار دیه یا خسارت نخواهد بود.

### باب هفتم - تسبیب در جنایت

ماده ۳۴۰ - هرگاه کسی در ملک دیگری با اذن او یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و موجب آسیب یا خسارت شخص ثالث شود عهده‌دار دیه یا خسارت نمی‌باشد. ماده ۳۴۱ - هرگاه در معبر عام عملی به مصلحت عابران انجام شود که موجب وقوع جنایت یا خسارتی گردد، مرتکب ضامن دیه و خسارت نخواهد بود. ماده ۳۴۲ - هرگاه کسی یکی از کارهای مذکور ماده ۳۳۹ را در منزل خود انجام دهد و شخصی را که در اثر ناپیایی یا تاریکی آگاه به آن نیست به منزل خود بخواند، عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود و اگر آن شخص بدون اذن صاحب منزل یا با اذنی که قبل از انجام اعمال مذکور از صاحب منزل گرفته است وارد شود و صاحب منزل مطلع نباشد، عهده‌دار هیچ گونه دیه یا خسارت نمی‌باشد. ماده ۳۴۳ - هرگاه در اثر یکی از عوامل طبیعی مانند سیل و غیره یکی از چیزهای فوق حادث شود و موجب آسیب و خسارت گردد هیچ کس ضامن نیست گرچه تمکن برطرف کردن آنها را داشته باشد؛ و اگر سیل یا مانند آن چیزی را به همراه آورد و کسی آن را به جایی مانند محل اول یا بدتر از آن قرار دهد، عهده‌دار دیه و خسارت‌های وارده خواهد بود و اگر آن را از وسط جاده بردارد و به گوشه‌ای برای مصلحت عابرین قرار دهد عهده‌دار چیزی نمی‌باشد. ماده ۳۴۴ - هرگاه کسی در ملک دیگری عدوانا یکی از کارهای مذکور در ماده ۳۳۹ را انجام دهد و شخص ثالثی که عدوانا وارد آن ملک شده آسیب بیند عامل عدوانی عهده‌دار دیه و خسارت می‌باشد. ماده ۳۴۵ - هرگاه کسی کالایی را که به منظور خرید و فروش عرضه می‌شود یا وسیله نقلیه‌ای را در معبر عام قرار دهد و موجب خسارت گردد عهده‌دار آن خواهد بود مگر آنکه مصلحت عابران ایجاب کرده باشد که آنها را موقتا در معبر قرار دهد. ماده ۳۴۶ - هرگاه کسی چیز لغزنده‌ای را در معبر بریزد که موجب لغزش رهگذر گردد عهده‌دار دیه و خسارت خواهد بود مگر آنکه رهگذر بالغ عاقل یا ممیز عمدا با اینکه می‌تواند روی آن پا نگذارد به روی آنها پا بگذارد. ماده ۳۴۷ - هرگاه کسی چیزی را بر روی دیوار خود قرار دهد و در اثر حوادث پیش‌بینی نشده به معبر عام بیفتد و موجب خسارت شود عهده‌دار نخواهد بود مگر آنکه آن را طوری گذاشته باشد که عادتاً ساقط می‌شود. ماده ۳۴۸ - هرگاه ناودان یا بالکن منزل و امثال آنکه قرار دادن آن در شارع عام مجاز نبوده و در اثر سقوط موجب آسیب یا خسارت شود مالک آن منزل عهده‌دار خواهد بود و اگر نصب و قرار دادن آن مجاز بوده و اتفاقاً سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت گردد مالک منزل عهده‌دار آن نخواهد بود. ماده ۳۴۹ - هرگاه کسی در ملک خود یا ملک مباح دیگری دیواری را با پایه محکم بنا کرده لکن در اثر حادثه پیش‌بینی نشده مانند زلزله سقوط کند و موجب خسارت گردد صاحب آن عهده‌دار خسارت نمی‌باشد و همچنین اگر آن دیوار را به سمت ملک خود بنا نموده که اگر سقوط کند طبعاً در ملک او سقوط خواهد کرد لکن اتفاقاً به سمت دیگری سقوط کند و موجب آسیب یا خسارت شود صاحب آن عهده‌دار چیزی نخواهد بود. ماده ۳۵۰ - هرگاه دیواری را در ملک خود به طور معتدل و بدون میل به یک طرف بنا نماید لکن تدریجاً میل به سقوط به سمت ملک دیگری شود، اگر قبل از آنکه صاحب دیوار تمکن اصلاح آن را پیدا کند ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد چیزی بر عهده صاحب دیوار نیست و اگر بعد از تمکن از اصلاح با سهل‌انگاری سقوط کند و موجب خسارت شود مالک آن ضامن می‌باشد. ماده ۳۵۱ - هرگاه کسی دیوار دیگری را منحرف و میل به سقوط نماید آنگاه دیوار ساقط شود و موجب آسیب یا خسارت گردد آن شخص عهده‌دار خسارت خواهد بود. ماده ۳۵۲ - هرگاه کسی در ملک خود به مقدار نیاز یا زاید بر آن آتش روشن کند و بداند که به جایی سرایت نمی‌کند و عادتاً نیز سرایت نکند لکن اتفاقاً به جای دیگر سرایت کند و موجب تلف یا

خسارت شود ضامن نخواهد بود. ماده ۳۵۳- هرگاه کسی در ملک خود آتش روشن کند که عادتاً به محل دیگر سرایت می‌نماید یا بداند که به جای دیگر سرایت خواهد کرد و در اثر سرایت موجب تلف یا خسارت شود عهده‌دار آن خواهد بود گرچه به مقدار نیاز خودش روشن کرده باشد. ماده ۳۵۴- هرگاه کسی در ملک خود آتشی روشن کند و آتش به جایی سرایت نماید و سرایت به او استناد داشته باشد ضامن تلف و خسارتهای وارده می‌باشد گرچه به مقدار نیاز خود روشن کرده باشد. ماده ۳۵۵- هرگاه کسی در ملک دیگری بدون اذن صاحب آن یا در معبر عام بدون رعایت مصلحت رهگذر آتشی را روشن کند که موجب تلف یا خسارت گردد ضامن خواهد بود گرچه او قصد اتلاف یا اضرار را نداشته باشد. تبصره- در کلیه مواردی که روشن‌کننده آتش عهده‌دار تلف و آسیب اشخاص می‌باشد باید راهی برای فرار و نجات آسیب‌دیدگان نباشد و گرنه روشن‌کننده آتش عهده‌دار نخواهد بود. ماده ۳۵۶- هرگاه کسی آتشی را روشن کند و دیگری مال شخصی را در آن بیندازد و بسوزاند عهده‌دار تلف یا خسارت خواهد بود و روشن‌کننده آتش ضامن نیست ماده ۳۵۷- صاحب هر حیوانی که خطر حمله و آسیب رساندن آن را می‌داند باید آن را حفظ نماید و اگر در اثر اهمال و سهل‌انگاری موجب تلف یا خسارت گردد صاحب حیوان عهده‌دار می‌باشد و اگر از حال حیوان که خطر حمله و زیان رساندن به دیگران در آن هست آگاه نباشد یا آنکه آگاه باشد ولی توانایی حفظ آن را نداشته باشد و در نگهداری او کوتاهی نکند عهده‌دار خسارتش نیست ماده ۳۵۸- هرگاه حیوانی به کسی حمله کند و آن شخص به عنوان دفاع از خود به مقدار لازم او را دفع نماید و همین دفاع موجب مردن یا آسیب دیدن آن حیوان شود شخص دفاع‌کننده ضامن نمی‌باشد و همچنین اگر آن حیوان را از هجوم به نفس یا مال محترم به عنوان دفاع به مقدار لازم بازدارد و همین کار موجب تلف یا آسیب او شود عهده‌دار نخواهد بود. تبصره- هرگاه در غیر مورد دفاع یا در مورد دفاع بیش از مقدار لازم به آن آسیب وارد شود شخص آسیب‌رساننده ضامن می‌باشد. ماده ۳۵۹- هرگاه با سهل‌انگاری و کوتاهی مالک حیوانی به حیوان دیگر حمله کند و آسیب برساند مالک آن عهده‌دار خسارت خواهد بود و هر گونه خسارتی بر حیوان حمله‌کننده و مهاجم وارد شود کسی عهده‌دار آن نمی‌باشد. ماده ۳۶۰- هرگاه کسی با اذن وارد خانه کسی بشود و سگ خانه به او آسیب برساند صاحب خانه ضامن می‌باشد خواه آن سگ قبلاً در خانه بوده یا بعداً وارد شده باشد و خواه صاحب خانه بداند که آن حیوان او را آسیب می‌رساند و خواه نداند. ماده ۳۶۱- هرگاه کسی که سوار حیوان است حیوان را در جایی متوقف نماید ضامن تمام خسارتهایی است که آن حیوان وارد می‌کند. ماده ۳۶۲- هرگاه کسی حیوانی را بزند و آن حیوان در اثر زدن خسارتی وارد نماید آن شخص زنده عهده‌دار خسارتهای وارد خواهد بود.

### **باب هشتم - اجتماع سبب و مباشر یا اجتماع چند سبب**

ماده ۳۶۳- در صورت اجتماع مباشر و سبب در جنایت مباشر ضامن است مگر اینکه سبب اقوی از مباشر باشد. ماده ۳۶۴- هرگاه دو نفر عدواناً در وقوع جنایتی به نحو سبب دخالت داشته باشند کسی که تاثیر کار او در وقوع جنایت قبل از تاثیر سبب دیگری باشد ضامن خواهد بود مانند آنکه یکی از آن دو نفر چاهی حفر نماید و دیگری سنگی را در کنار آن قرار دهد و عابر به سبب برخورد با سنگ به چاه افتد کسی که سنگ را گذارده ضامن است و چیزی به عهده حفرکننده نیست و اگر عمل یکی از آن دو عدوانی و دیگری غیرعدوانی باشد فقط شخص متعدی ضامن خواهد بود. ماده ۳۶۵- هرگاه چند نفر با هم سبب آسیب یا خسارتی شوند به طور تساوی عهده‌دار خسارت خواهند بود. ماده ۳۶۶- هرگاه بر اثر ایجاد سببی دو نفر تصادم کنند و به علت تصادم کشته شوند یا آسیب بینند سبب ضامن خواهد بود.

**باب نهم - دیه اعضاء****اشاره**

ماده ۳۶۷- هر جنایتی که بر عضو کسی وارد شود و شرعا مقدار خاصی به عنوان دیه برای آن تعیین نشده باشد جانی باید ارزش بردارد.

**فصل اول - دیه مو**

ماده ۳۶۸- هرگاه کسی موی سر یا صورت مردی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید عهده‌دار دیه کامل خواهد بود و اگر دوباره بروید نسبت به موی سر ضامن ارش است و نسبت به ریش ثلث دیه کامل را عهده‌دار خواهد بود. ماده ۳۶۹- هرگاه کسی موی سر زنی را طوری از بین ببرد که دیگر نروید، ضامن دیه کامل زن می‌باشد و اگر دوباره بروید عهده‌دار مهرالمثل خواهد بود و در این حکم فرقی میان کوچک و بزرگ نیست تبصره- اگر مهرالمثل بیش از دیه کامل باشد فقط به مقدار دیه کامل پرداخت می‌شود. ماده ۳۷۰- هرگاه مقداری از موهای از بین رفته دوباره بروید و مقدار دیگر نروید، نسبت مقداری که نمی‌روید با تمام سر ملا-حظه می‌شود و دیه به همان نسبت دریافت می‌گردد. ماده ۳۷۱- تشخیص رویدن مجدد مو و نرویدن آن با خبره است و اگر طبق نظر خبره دیه یا ارش پرداخت شده و بعد از آن دوباره روید باید مقدار زاید بر ارش به جانی مسترد شود. ماده ۳۷۲- دیه موهای مجموع دو ابرو در صورتی که هرگز نروید پانصد دینار است و دیه هر کدام دویست و پنجاه دینار و دیه هر مقدار از یک ابرو به همان نسبت خواهد بود و اگر دوباره رویده شود در همه موارد ارش است و اگر مقداری از آن دوباره رویده شود و مقدار دیگر هرگز نروید نسبت به آن مقدار که مجددا رویده شود ارش است و نسبت به آن مقدار که رویده نمی‌شود دیه با احتساب مقدار مساحت تعیین می‌شود. ماده ۳۷۳- از بین بردن موهای پلک چشم موجب ارش است خواه دوباره بروید خواه نروید و خواه تمام آن باشد و خواه بعضی آن ماده ۳۷۴- از بین بردن مو در صورتی موجب دیه یا ارش می‌شود که به تنهایی باشد نه با از بین بردن عضو یا کندن پوست و مانند آن که در این موارد فقط دیه عضو قطع شده یا مانند آن پرداخت می‌گردد.

**فصل دوم - دیه چشم**

ماده ۳۷۵- از بین بردن دو چشم سالم موجب دیه کامل است و دیه هر کدام از آنها نصف دیه کامل خواهد بود. تبصره- تمام چشم‌هایی که بینایی دارند در حکم فوق یکسانند گرچه از لحاظ ضعف و بیماری و شبکوری و لوچ بودن با یکدیگر فرق داشته باشند. ماده ۳۷۶- چشمی که در سیاهی آن لکه سفیدی باشد اگر مانع دیدن نباشد دیه آن کامل است و اگر مانع مقداری از دیدن باشد به طوری که تشخیص ممکن باشد به همان نسبت از دیه کاهش می‌یابد و اگر به طور کلی مانع دیدن باشد در آن ارش است نه دیه ماده ۳۷۷- دیه چشم کسی که دارای یک چشم سالم و بینا باشد و چشم دیگرش نابینای مادرزاد بوده یا در اثر بیماری یا علل غیرجنایی از دست رفته باشد دیه کامل است و اگر چشم دیگرش را در اثر قصاص یا جنایتی از دست داده باشد دیه آن نصف دیه است ماده ۳۷۸- کسی که دارای یک چشم بینا و یک چشم نابینا است دیه چشم نابینای او ثلث دیه کامل است خواه چشم او مادرزاد نابینا بوده است یا در اثر جنایت نابینا شده باشد. ماده ۳۷۹- دیه مجموع چهار پلک دو چشم دیه کامل خواهد بود و دیه پلکهای بالا ثلث دیه کامل و دیه پلکهای پایین نصف دیه کامل است

**فصل سوم - دیه بینی**

ماده ۳۸۰- از بین بردن تمام بینی دفعتاً یا نرمة آن که پایین قصب و استخوان بینی است موجب دیه کامل است و از بین بردن مقداری از نرمة بینی موجب همان نسبت دیه می‌باشد. ماده ۳۸۱- از بین بردن مقداری از استخوان بینی بعد از بریدن نرمة آن موجب دیه کامل و ارش می‌باشد. ماده ۳۸۲- اگر با شکستن یا سوزاندن یا امثال آن بینی را فاسد کنند در صورتی که اصلاح نشود موجب دیه کامل است و اگر بدون عیب جبران شود موجب یکصد دینار می‌باشد. ماده ۳۸۳- فلج کردن بینی موجب دو ثلث دیه کامل است و از بین بردن بینی فلج موجب ثلث دیه کامل می‌باشد. ماده ۳۸۴- از بین بردن هر یک از سوراخهای بینی موجب ثلث دیه کامل است و سوراخ کردن بینی به طوری که هر دو سوراخ و پرده فاصل میان آن پاره شود یا آنکه آن را سوراخ نماید در صورتی که باعث از بین رفتن آن نشود موجب ثلث دیه کامل است و اگر جبران و اصلاح شود موجب خمس دیه می‌باشد. ماده ۳۸۵- دیه از بین بردن نوک بینی که محل چکیدن خون است نصف دیه کامل می‌باشد.

### فصل چهارم - دیه گوش

ماده ۳۸۶- از بین بردن مجموع دو گوش دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام نصف دیه کامل و از بین بردن مقداری از آن موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام گوش خواهد بود. ماده ۳۸۷- از بین بردن نرمة گوش ثلث دیه آن گوش را دارد و از بین بردن قسمتی از آن موجب دیه به همان نسبت خواهد بود. ماده ۳۸۸- پاره کردن گوش ثلث دیه دارد. ماده ۳۸۹- فلج کردن گوش دو ثلث دیه و بریدن گوش فلج ثلث دیه را دارد. تبصره - هرگاه آسیب رساندن به گوش به حس شنوایی سرایت کند و به آن آسیب رساند یا موجب سرایت به استخوان و شکستن آن شود برای هر کدام دیه جداگانه‌ای خواهد بود. ماده ۳۹۰- گوش سالم و شنوا و گوش کر در احکام مذکور در موارد فوق یکسانند.

### فصل پنجم - دیه لب

ماده ۳۹۱- از بین بردن مجموع دو لب دیه کامل دارد و از بین بردن هر کدام از لبها نصف دیه کامل و از بین بردن هر مقداری از لب موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام لب خواهد بود. ماده ۳۹۲- جنایتی که لبها را جمع کند و در اثر آن دندانها را نپوشاند موجب مقداری است که حاکم آن را تعیین می‌نماید. ماده ۳۹۳- جنایتی که موجب سست شدن لبها بشود به طوری که با خنده و مانند آن از دندانها کنار نرود موجب دو ثلث دیه کامل می‌باشد. ماده ۳۹۴- از بین بردن لبهای فلج و بی‌حس ثلث دیه دارد. ماده ۳۹۵- شکافتن یک یا دو لب به طوری که دندانها نمایان شوند موجب ثلث دیه کامل است و در صورت اصلاح و خوب شدن خمس دیه کامل خواهد بود.

### فصل ششم - دیه زبان

ماده ۳۹۶- از بین بردن تمام زبان سالم یا لال کردن انسان سالم یا ضربه مغزی و مانند آن دیه کامل دارد و بریدن تمام زبان لال ثلث دیه کامل خواهد بود. ماده ۳۹۷- از بین بردن مقداری از زبان لال موجب دیه همان مقدار با رعایت نسبت به تمام زبان خواهد بود ولی دیه قسمتی از زبان سالم به نسبت از دست دادن قدرت ادای حروف خواهد بود. ماده ۳۹۸- تعیین مقدار دیه جنایتی که بر زبان وارد شده و موجب از بین رفتن حروف نشود لکن باعث عیب گردد با تعیین حاکم خواهد بود. ماده ۳۹۹- هرگاه مقداری از زبان را کسی قطع کند که باعث از بین رفتن قدرت ادای مقداری از حروف باشد و دیگری مقدار دیگر را که باعث از بین رفتن مقداری از باقی حروف گردد دیه به نسبت از بین رفتن قدرت ادای حروف می‌باشد. ماده ۴۰۰- بریدن زبان کودک قبل از حد سخن گفتن موجب دیه کامل است ماده ۴۰۱- بریدن زبان کودکی که به حد سخن گفتن رسیده ولی سخن نمی‌گوید ثلث دیه

دارد و اگر بعدا معلوم شود که زبان او سالم و قدرت تکلم داشته دیه کامل محسوب و بقیه از جانی گرفته می شود. ماده ۴۰۲ - هرگاه جنایتی موجب لال شدن گردد و دیه کامل از جانی گرفته شود و دوباره زبان به حال اول برگردد و سالم شود دیه مسترد خواهد شد.

### فصل هفتم - دیه دندان

ماده ۴۰۳ - از بین بردن تمام دندانهای بیست و هشتگانه دیه کامل دارد و به ترتیب زیر توزیع می شود: ۱ - هر یک از دندانهای جلو که عبارتند از پیش و چهارتایی و نیش که از هر کدام دو عدد در بالا دو عدد در پایین می روید و جمعا دوازده تا خواهد بود پنجاه دینار و دیه مجموع آنها ششصد دینار می شود. ۲ - هر یک از دندانهای عقب که در چهار سمت پایانی از بالا و پایین در هر کدام یک ضاحک و سه ضرس قرار دارد و جمعا شانزده تا خواهد بود بیست و پنج دینار و دیه مجموع آنها چهارصد دینار می شود. ماده ۴۰۴ - دندانهای اضافی به هر نام که باشد و به هر طرز که رویده شود دیه ای ندارد و اگر در کندن آنها نقصی حاصل شود تعیین مقدار ارش آن با قاضی است و اگر هیچ گونه نقصی حاصل نشود ارش نخواهد داشت ولی به نظر قاضی تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۴۰۵ - هرگاه دندانها از بیست و هشت تا کمتر باشد به همان نسبت از دیه کامل کاهش می یابد خواه خلقتا کمتر باشد یا در اثر عارضه ای کم شده باشد. ماده ۴۰۶ - فرقی میان دندانهایی که دارای رنگهای گوناگون می باشد نیست و اگر دندانی در اثر جنایت سیاه شود و نیفتد دیه آن دو ثلث دیه همان دندان است که سالم باشد و دیه دندانی که قبلا سیاه شده ثلث همان دندان سالم است ماده ۴۰۷ - شکاف (اشقاق) دندان که بدون کندن و از بین بردن آن باشد تعیین جریمه مالی آن با حاکم است ماده ۴۰۸ - شکستن آن مقدار از دندان که نمایان است با بقاء ریشه دیه کامل آن دندان را دارد و اگر بعد از شکستن مقدار مزبور کسی بقیه را از ریشه بکند جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود خواه کسی که بقیه را از ریشه کنده همان کسی باشد که مقدار نمایان دندان را شکسته یا دیگری ماده ۴۰۹ - کندن دندان شیری کودک که دیگر به جای آن دندان نروید دیه کامل آن را دارد و اگر به جای آن دندان بروید دیه هر دندان شیری که کنده شد یک شتر می باشد. ماده ۴۱۰ - دندانی که کنده شود دیه کامل دارد گرچه همان را در محلش قرار دهند و دوباره مانند سابق شود. ماده ۴۱۱ - هرگاه دندان دیگری به جای دندان اصلی کنده شده قرار گیرد و مانند دندان اصلی شود کندن آن دیه کامل دارد.

### فصل هشتم - دیه گردن

ماده ۴۱۲ - شکستن گردن به طوری که گردن کج شود دیه کامل دارد. ماده ۴۱۳ - جنایتی که موجب کج شدن گردن شود و همچنین جنایتی که مانع فروبردن غذا گردد جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود. ماده ۴۱۴ - هرگاه جنایتی که موجب کج شدن گردن و همچنین مانع فرو بردن غذا شده اثر آن زایل گردد دیه ندارد فقط باید ارش پرداخت شود گرچه بعد از برطرف شدن اثر آن با دشواری بتواند گردن را مستقیم نگه بدارد یا غذا را فرو ببرد.

### فصل نهم - دیه فک

ماده ۴۱۵ - از بین بردن مجموع دو فک دیه کامل دارد و دیه هر کدام آنها پانصد دینار می باشد و از بین بردن مقداری از هر یک موجب دیه مساحت همان مقدار است و دیه از بین بردن یک فک با مقداری از فک دیگر نصف دیه با احتساب دیه مساحت فک دیگر خواهد بود. ماده ۴۱۶ - دیه فک مستقل از دیه دندان می باشد و اگر فک با دندان از بین برود دیه هر یک جداگانه محسوب می گردد. ماده ۴۱۷ - جنایتی که موجب نقص فک شود یا باعث دشواری و نقص جویدن گردد تعیین جریمه مالی آن با نظر حاکم

است

**فصل دهم - دیه دست و پا**

ماده ۴۱۸ - از بین بردن مجموع دو دست تا مفصل مچ دیه کامل دارد و دیه هر کدام از دست‌ها نصف دیه کامل است خواه مجنی علیه دارای دو دست باشد یا یک دست و دست دیگر را خلقتا یا در اثر سانحه‌ای از دست داده باشد. ماده ۴۱۹ - دیه قطع انگشتان هر دست تنها یا تا مچ پانصد دینار است ماده ۴۲۰ - جریمه مالی بریدن کف دست که خلقتا بدون انگشت بوده و یا در اثر سانحه‌ای بدون انگشت شده است با نظر حاکم تعیین می‌شود. ماده ۴۲۱ - دیه قطع دست تا آرنج پانصد دینار است خواه دارای کف باشد و خواه نباشد و همچنین دیه قطع دست تا شانه پانصد دینار است خواه آرنج داشته باشد خواه نداشته باشد. ماده ۴۲۲ - دیه دستی که دارای انگشت است اگر بیش از مفصل مچ قطع شود و یا بالاتر از آرنج قطع گردد پانصد دینار است به اضافه‌ارش که با در نظر گرفتن مساحت تعیین می‌شود. ماده ۴۲۳ - کسی که از مچ یا آرنج یا شانه‌اش دو دست داشته باشد دیه دست اصلی پانصد دینار است و نسبت به دست زاید قاضی به هرنحو که مصلحت بداند نزاع را خاتمه می‌دهد. تشخیص دست اصلی و زاید به نظر خبره خواهد بود. ماده ۴۲۴ - دیه ده انگشت دو دست و همچنین دیه ده انگشت دو پا دیه کامل خواهد بود، دیه هر انگشت عشر دیه کامل است ماده ۴۲۵ - دیه هر انگشت به عدد بندهای آن انگشت تقسیم می‌شود و بریدن هر بندی از انگشت‌های غیر شست ثلث دیه انگشت سالم و در شست نصف دیه شست سالم است ماده ۴۲۶ - دیه انگشت زاید ثلث دیه انگشت اصلی است و دیه بندهای زاید ثلث دیه بند اصلی است ماده ۴۲۷ - دیه فلج کردن هر انگشت دو ثلث دیه انگشت سالم است و دیه قطع انگشت فلج ثلث دیه انگشت سالم است ماده ۴۲۸ - احکام مذکور در مواد این فصل در پا نیز جاری است

**فصل یازدهم - دیه ناخن**

ماده ۴۲۹ - کندن ناخن به طوری که دیگر نروید یا فاسد و سیاه بروید ده دینار و اگر سالم و سفید بروید پنج دینار است

**فصل دوازدهم - دیه ستون فقرات**

ماده ۴۳۰ - شکستن ستون فقرات دیه کامل دارد خواه اصلا درمان نشود یا بعد از علاج به صورت کمان و خمیدگی درآید یا آنکه بدون عصا نتواند راه برود یا توانایی جنسی او از بین برود یا مبتلا به سلس و ریزش ادرار گردد و نیز دیه جنایتی که باعث خمیدگی پشت شود یا آنکه قدرت نشستن یا راه رفتن را سلب نماید دیه کامل خواهد بود. ماده ۴۳۱ - هرگاه بعد از شکستن یا جنایت وارد نمودن بر ستون فقرات معالجه موثر شود و اثری از جنایت نماند جانی باید یکصد دینار بپردازد. ماده ۴۳۲ - هرگاه شکستن ستون فقرات باعث فلج شدن هر دو پا شود برای شکستن دیه کامل و برای فلج دو پا دو ثلث دیه کامل منظور می‌گردد.

**فصل سیزدهم - دیه نخاع**

ماده ۴۳۳ - قطع تمام نخاع دیه کامل دارد و قطع بعضی از آن به نسبت مساحت خواهد بود. ماده ۴۳۴ - هرگاه قطع نخاع موجب عیب عضو دیگر شود اگر آن عضو دارای دیه معین باشد بر دیه کامل قطع نخاع افزوده می‌گردد و اگر آن عضو دارای دیه معین نباشد ارش آن بر دیه کامل قطع نخاع افزوده خواهد شد.

**فصل چهاردهم - دیه بیضه**



ماده ۴۳۵ - قطع دو بیضه دفعتاً دیه کامل و قطع بیضه چپ دو ثلث دیه و قطع بیضه راست ثلث دیه دارد. تبصره - فرقی در حکم مذکور بین جوان و پیر و کودک و بزرگ و عنین و سالم و مانند آن نیست ماده ۴۳۶ - دیه ورم کردن دو بیضه چهارصد دینار است و اگر تورم مانع راه رفتن مفید شود دیه آن هشتصد دینار خواهد بود.

#### فصل پانزدهم - دیه دنده

ماده ۴۳۷ - دیه هر یک از دنده‌هایی که در پهلو چپ واقع شده و محیط به قلب می‌باشد بیست و پنج دینار و دیه هر یک از سایر دنده‌ها ده دینار است

#### فصل شانزدهم - دیه استخوان زیر گردن

ماده ۴۳۸ - شکستن مجموع دو استخوان ترقوه دیه کامل دارد و شکستن هر کدام از آنها که درمان نشود یا با عیب درمان شود نصف دیه کامل است و اگر به خوبی درمان شود چهل دینار می‌باشد.

#### فصل هفدهم - دیه نشیمن‌گاه

ماده ۴۳۹ - شکستن استخوان نشیمن‌گاه (دنبالچه که موجب شود مجنی علیه قادر به ضبط مدفوع نباشد دیه کامل دارد و اگر قادر به ضبط مدفوع باشد و قادر به ضبط باد نباشد ارش پرداخت خواهد شد. ماده ۴۴۰ - ضربه‌ای که به حد فاصل بیضه‌ها و دبر واقع شود و موجب عدم ضبط ادرار یا مدفوع گردد دیه کامل دارد و همچنین اگر ضربه‌ای به محل دیگری وارد آید که در اثر آن ضبط ادرار و مدفوع در اختیار مجنی علیه نباشد. ماده ۴۴۱ - از بین بردن بکارت دختر با انگشت که باعث شود او نتواند ادرار را ضبط کند علاوه بر دیه کامل زن مهرالمثل نیز دارد.

#### فصل هجدهم - دیه استخوانها

ماده ۴۴۲ - دیه شکستن استخوان هر عضوی که برای آن عضو دیه معینی است خمس آن می‌باشد و اگر معالجه شود و بدون عیب گردد دیه آن چهار پنجم دیه شکستن آن است و دیه کوبیدن آن ثلث دیه آن عضو و در صورت درمان بدون عیب چهار پنجم دیه خرد شدن استخوان می‌باشد. ماده ۴۴۳ - در جدا کردن استخوان از عضو به طوری که آن عضو بی‌فایده گردد دو ثلث دیه همان عضو است و اگر بدون عیب درمان شود، دیه آن چهار پنجم دیه اصل جدا کردن می‌باشد.

#### فصل نوزدهم - دیه عقل

ماده ۴۴۴ - هر جنایتی که موجب زوال عقل گردد دیه کامل دارد و اگر موجب نقصان آن شود ارش دارد. ماده ۴۴۵ - از بین بردن عقل یا کم کردن آن موجب قصاص نخواهد شد. ماده ۴۴۶ - هرگاه در اثر جنایتی مانند ضربه مغزی و شکستن سر یا بریدن دست عقل زایل شود برای هر کدام دیه جداگانه خواهد بود و تداخل نمی‌شود. ماده ۴۴۷ - هرگاه در اثر جنایتی عقل زایل شود و دیه کامل از جانی دریافت شود و دوباره عقل برگردد دیه مسترد می‌شود و ارش پرداخت خواهد شد. ماده ۴۴۸ - مرجع تشخیص زوال عقل یا نقصان آن دو نفر خبره عادل می‌باشد و اگر در اثر اختلاف رای خبرگان زوال یا نقصان عقل ثابت نشود قول جانی با سوگند مقدم است

**فصل بیستم - دیه حس شنوایی**

ماده ۴۴۹- از بین بردن حس شنوایی مجموع دو گوش دیه کامل و از بین بردن حس شنوایی یک گوش نصف دیه کامل دارد گرچه شنوایی یکی از آن دو قوی تر از دیگری باشد. ماده ۴۵۰- هرگاه کسی فاقد حس شنوایی یکی از گوش ها باشد کر کردن گوش سالم او نصف دیه دارد. ماده ۴۵۱- هرگاه معلوم باشد که حس شنوایی بر نمی گردد یا دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که بر نمی گردد دیه مستقر می شود و اگر اهل خبره امید به برگشت آن را پس از گذشت مدت معینی داشته باشد و با گذشتن آن مدت شنوایی برنگردد دیه استقرار پیدا می کند و اگر شنوایی قبل از دریافت دیه بر گردد ارش ثابت می شود و اگر بعد از دریافت آن بر گردد دیه مسترد نمی شود و اگر مجنی علیه قبل از دریافت دیه بمیرد دیه ثابت خواهد بود. ماده ۴۵۲- هرگاه با بریدن هر دو گوش شنوایی از بین برود دو دیه کامل لازم است و هرگاه با بریدن یک گوش حس شنوایی به طور کلی از بین برود یک دیه کامل و نصف دیه لازم می شود اگر با جنایت دیگری حس شنوایی از بین برود هم دیه جنایت لازم است و هم دیه شنوایی تبصره - هرگاه دو نفر عادل اهل خبره گواهی دهند که شنوایی از بین نرفته ولی در مجرای آن نقصی رخ داده که مانع شنوایی است همان دیه شنوایی ثابت است ماده ۴۵۳- هرگاه کودکی که زبان باز نکرده در اثر کر شدن نتواند سخن بگوید جانی علاوه بر دیه شنوایی به پرداخت ارش محکوم می شود. ماده ۴۵۴- هرگاه در اثر جنایتی حس شنوایی و گویایی از بین برود دو دیه کامل دارد. ماده ۴۵۵- اگر کسی سبب پاره شدن پرده گوش دیگری شود محکوم به پرداخت ارش است ماده ۴۵۶- در صورت اختلاف جانی و مجنی علیه هرگاه با نظر خبره معتمد موضوع روشن نشود مورد از باب لوث است و مجنی علیه با قسامه دیه را دریافت خواهد کرد.

**فصل بیست و یکم - دیه بینایی**

ماده ۴۵۷- از بین بردن بینایی هر دو چشم دیه کامل دارد و از بین بردن بینایی یک چشم نصف دیه کامل دارد. تبصره - فرقی در حکم مذکور بین چشم تیزبین یا لوچ یا شب کور و مانند آن نمی باشد. ماده ۴۵۸- هرگاه با کندن حدقه چشم بینایی از بین برود دیه آن بیش از دیه کندن حدقه نخواهد بود و اگر در اثر جنایت دیگر مانند شکستن سر، بینایی از بین برود هم دیه جنایت یا ارش آن لازم است و هم دیه بینایی ماده ۴۵۹- در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه با گواهی دو مرد خبره عادل یا یک خبره مرد و دو زن خبره عادل به اینکه بینایی از بین رفته و دیگر بر نمی گردد یا اینکه بگویند امید به برگشت آن هست ولی مدت آن را تعیین نکنند دیه ثابت می شود و همچنین اگر برای برگشت آن مدت متعارفی تعیین نمایند و آن مدت سپری شود و بینایی برنگردد دیه ثابت خواهد بود. و هرگاه مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت تعیین شده بمیرد دیه استقرار می یابد و همچنین اگر دیگری حدقه او را بکند دیه بینایی برجانی اول ثابت خواهد بود. و هرگاه بینایی بر گردد و شخص دیگری آن چشم را بکند، بر جانی اول فقط ارش لازم می باشد. ماده ۴۶۰- هرگاه مجنی علیه مدعی شود که بینایی هر دو چشم یا یک چشم او کم شده به ترتیب با آزمایش و سنجش با همسالان یا با مقایسه با چشم دیگرش به نسبت تفاوت دیه پرداخت می شود و در صورتی که از طریق آزمایش علم حاصل نشود از طریق قسامه اقدام می شود. ماده ۴۶۱- هرگاه مجنی علیه ادعا کند که بینایی او زایل شده و شهادتی از متخصصان در بین نباشد حاکم او را با قسامه سوگند می دهد و به نفع او حکم صادر می کند. تبصره - قسامه برای کوری دو چشم شش قسم و برای کوری یک چشم سه قسم و برای کم شدن بینایی به نسبت کم شدن آن می باشد اعم از اینکه مدعی به تنهایی قسم یاد کند یا با افراد دیگر.

**فصل بیست و دوم - دیه حس بویایی**

ماده ۴۶۲- از بین بردن حس بویایی هر دو مجرای بینی دیه کامل دارد و در صورت از بین بردن بویایی یک مجری نصف دیه است

و قاضی در مورد اخیر قبل از صدور حکم باید به طرفین تکلیف صلح بنماید. ماده ۴۶۳ - در صورت اختلاف بین جانی و مجنی علیه هرگاه با آزمایش یا با مراجعه به دو متخصص عادل از بین رفتن حس بویایی یا کم شدن آن ثابت نشود با قسامه (طبق تبصره ماده ۴۶۱) به نفع مدعی حکم می شود. ماده ۴۶۴ - هرگاه حس بویایی قبل از پرداخت دیه برگردد ارش آن پرداخت خواهد شد و اگر بعد از آن برگردد باید مصالحه نمایند و اگر مجنی علیه قبل از سپری شدن مدت انتظار برگشت بویایی بمیرد دیه ثابت می شود. ماده ۴۶۵ - هرگاه در اثر بریدن بینی حس بویایی از بین برود دیه لازم می شود و اگر در اثر جنایت دیگر بویایی از بین رفت دیه جنایت بر دیه بویایی افزوده می شود و اگر آن جنایت دیه معین نداشته باشد ارش آن بر دیه بویایی اضافه خواهد شد.

### فصل بیست و سوم - دیه چشایی

ماده ۴۶۶ - از بین بردن حس چشایی موجب ارش است ماده ۴۶۷ - هرگاه با بریدن زبان حس چشایی از بین برود بیش از دیه زبان نخواهد بود و اگر با جنایت دیگری حس چشایی از بین برود دیه یا ارش آن جنایت بر ارش حس چشایی افزوده می گردد. ماده ۴۶۸ - در صورتی که حس چشایی برگردد ارش مسترد می شود. ماده ۴۶۹ - اگر با مراجعه به دو نفر کارشناس عادل مقدار جنایت روشن شود طبق آن عمل می شود و گرنه در صورت لوث با قسامه مدعی حسب مورد حکم به نفع او صادر خواهد شد.

### فصل بیست و چهارم - دیه صوت و گویایی

ماده ۴۷۰ - از بین بردن صوت شخص به طور کامل که نتواند صدایش را آشکار کند دیه کامل دارد گرچه بتواند با اخفات و آهسته صدایش را برساند. ماده ۴۷۱ - از بین بردن گویایی به طور کامل که نتواند اصلاً سخن بگوید نیز دیه کامل دارد. ماده ۴۷۲ - در جنایتی که موجب نقصان صوت شود ارش است ماده ۴۷۳ - ارش جنایتی که باعث از بین رفتن صوت نسبت به بعضی از حروف شود باید با مصالحه معلوم گردد.

### فصل بیست و پنجم - دیه زوال منافع

ماده ۴۷۴ - جنایتی که موجب سلس و ریزش ادرار شود به ترتیب زیر ارش دارد: الف - در صورت دوام آن در کلیه ایام تا پایان هر روز دیه کامل دارد. ب - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا نیمی از هر روز دو ثلث دیه دارد. ج - در صورت دوام آن در کلیه روزها تا هنگام برآمدن روز ثلث دیه دارد. تبصره - هرگاه سلس و ریزش ادرار در بعضی از روزها بود و بعداً خوب شود جریمه آن با نظر حاکم تعیین می شود. ماده ۴۷۵ - اعمال ارتکابی زیر باعث ارش است الف - باعث از بین رفتن انزال شود. ب - قدرت تولید مثل و بارداری را از بین ببرد. ج - لذت مقاربت را از بین ببرد. ماده ۴۷۶ - جنایتی که باعث از بین رفتن توان مقاربت به طور کامل شود دیه کامل دارد. ماده ۴۷۷ - در هر جنایتی که موجب زوال یا نقص بعضی از منافع گردد مانند خواب لمس یا موجب پدید آمدن بعضی از بیماریها شود و دیه آن معین نشده باشد ارش تعیین می شود. ماده ۴۷۸ - هرگاه آلت رجولیت مرد از محل ختنه گاه و یا بیشتر قطع شود دیه کامل دارد و کمتر از ختنه گاه به نسبت مساحت ختنه گاه احتساب می گردد و به همان نسبت از دیه پرداخت خواهد شد. ماده ۴۷۹ - هرگاه آلت زنانه کلاً قطع شود دیه کامل دارد و هرگاه یک طرف آن قطع شود نصف دیه دارد.

### باب دهم - دیه جراحات

#### فصل اول - دیه جراحات سر و صورت

ماده ۴۸۰ - دیه جراحات سر و صورت به ترتیب زیر است ۱ - حارصه خراش پوست بدون آنکه خون جاری شود - یک شتر. ۲ - دامیه خراشی که از پوست بگذرد و مقدار اندکی وارد گوشت شود و همراه با جریان خون باشد کم یا زیاد - دو شتر. ۳ - متلاحمه جراحی که موجب بریدگی عمیق گوشت شود لکن به پوست نازک روی استخوان نرسد - سه شتر. ۴ - سمحاق: جراحی که از گوشت بگذرد و به پوست نازک روی استخوان برسد - چهار شتر. ۵ - موضحه جراحی که از گوشت بگذرد و پوست نازک روی استخوان را کنار زده و استخوان را آشکار کرده - پنج شتر. ۶ - هاشمه عملی که استخوان را بشکند گرچه جراحی را تولید نکرده باشد - ده شتر. ۷ - منقله جراحی که درمان آن جز با جابجا کردن استخوان میسر نباشد - پانزده شتر. ۸ - مأمومه جراحی که به کیسه مغز برسد ثلث دیه کامل و یا ۳۳ شتر دیه دارد. ۹ - دامغه جراحی که کیسه مغز را پاره کند غیر از ثلث دیه کامل ارش بر او افزوده می گردد. تبصره - دیه جراحات گوش و بینی و لب در حکم جراحات سر و صورت می باشد. ماده ۴۸۱ - هرگاه یکی از جراحیهای مذکور در بندهای ۱ تا ۵ در غیر سر و صورت واقع شود در صورتی که آن عضو دارای دیه معین باشد باید نسبت دیه آن را با دیه کامل سنجید آنگاه به مقدار همان نسبت دیه جراحیهای فوق را که در غیر سر و صورت واقع می شود تعیین کرد و در صورتی که آن عضو دارای دیه معین نباشد دادن ارش لازم است تبصره - جراحات وارده به گردن در حکم جراحات بدن می باشد.

### فصل دوم - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود

ماده ۴۸۲ - دیه جراحی که به درون بدن انسان وارد می شود به ترتیب زیر است الف - جائفه جراحی که با هر وسیله و از هر جهت به شکم یا سینه یا پشت و یا پهلوی انسان وارد شود ثلث دیه کامل است ب - هرگاه وسیله ای از یک طرف بدن فرورفته و از طرف دیگر بیرون آمده باشد دو ثلث دیه کامل دارد. تبصره - وسیله وارد کننده جراحی اعم از سلاح سرد و گرم است

### فصل سوم - دیه جراحی که در اعضای انسان فرومی رود

ماده ۴۸۳ - هرگاه نیزه یا گلوله یا مانند آن در دست یا پا فرو رود در صورتی که معنی علیه مرد باشد دیه آن یکصد دینار و در صورتی که زن باشد دادن ارش لازم است

### باب یازدهم - دیه جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست یا تورم می شود

ماده ۴۸۴ - دیه ضربتی که در اثر آن رنگ پوست متغیر گردد به قرار زیر است الف - سیاه شدن صورت بدون جراحی و شکستگی شش دینار. ب - کبود شدن صورت سه دینار. ج - سرخ شدن صورت یک دینار و نیم د - در سایر اعضای بدن در صورت سیاه شدن سه دینار و در صورت کبود شدن یک دینار و نیم و در صورت سرخ شدن سه ربع دینار است تبصره ۱ - فرقی در حکم مذکور بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست و همچنین فرقی میان تغییر رنگ تمام صورت یا قسمتی از آن و نیز فرقی بین آنکه اثر جنایت مدتی بماند یا زایل گردد نمی باشد. تبصره ۲ - جنایتی که باعث تغییر رنگ پوست سر شود دادن ارش لازم است ماده ۴۸۵ - جنایتی که موجب تورم شود دادن ارش لازم است و اگر موجب تورم و تغییر رنگ شود ارش آن بر دیه که قبلاً بیان شد افزوده می شود. ماده ۴۸۶ - دیه فلج کردن هر عضوی که دیه معین دارد دو ثلث دیه همان عضو است و دیه قطع کردن عضو فلج ثلث دیه همان عضو است

### باب دوازدهم - دیه سقط جنین

ماده ۴۸۷ - ديه سقط جنين به ترتيب زير است ۱ - ديه نطفه که در رحم مستقر شده بيست دينار. ۲ - ديه علقه که خون بسته است چهل دينار. ۳ - ديه مضغه که به صورت گوشت درآمده است شصت دينار. ۴ - ديه جنين در مرحله‌ای که به صورت استخوان درآمده و هنوز گوشت نروبيده است هشتاد دينار. ۵ - ديه جنين که گوشت و استخوان بندي آن تمام شده و هنوز روح در آن پيدا نشده يکصد دينار. تبصره - در مراحل فوق هيچ فرقی بين دختر و پسر نمی باشد. ۶ - ديه جنين که روح در آن پيدا شده است اگر پسر باشد ديه کامل و اگر دختر باشد نصف ديه کامل و اگر مشتبّه باشد سه ربع ديه کامل خواهد بود. ماده ۴۸۸ - هرگاه در اثر کشتن مادر، جنين بميرد و يا سقط شود ديه جنين در هر مرحله‌ای که باشد بايد بر ديه مادر افزوده شود. ماده ۴۸۹ - هرگاه زنی جنين خود را سقط کند ديه آن را در هر مرحله‌ای که باشد بايد پردازد و خود از آن ديه سهمی نمی برد. ماده ۴۹۰ - هرگاه چند جنين در يک رحم باشند به عدد هر يک از آنها ديه جداگانه خواهد بود. ماده ۴۹۱ - ديه اعضای جنين و جراحات آن به نسبت ديه همان جنين است ماده ۴۹۲ - ديه سقط جنين در موارد عمد و شبه عمد بر عهده جانی است و در موارد خطای محض بر عاقله اوست خواه روح پيدا کرده باشد و خواه نکرده باشد. ماده ۴۹۳ - اگر در اثر جنایت چیزی از زن ساقط شود که منشا انسان بودن آن طبق نظر پزشک متخصص ثابت نباشد ديه و ارش ندارد لکن اگر در اثر آن صدمه‌ای بر مادر وارد شده باشد برحسب مورد جانی محکوم به پرداخت ديه يا ارش خواهد بود.

### باب سيزدهم - ديه جنایتي که بر مرده واقع می شود

ماده ۴۹۴ - ديه جنایتي که بر مرده مسلمان واقع می شود به ترتيب زير است الف - بریدن سر يکصد دينار. ب - بریدن هر دو دست يا هر دو پا يکصد دينار و بریدن يک دست يا يک پا پنجاه دينار و بریدن يک انگشت از دست يا يک انگشت از پا ده دينار و قطع يا نقص ساير اعضا و جوارح به همين نسبت ملحوظ می گردد. تبصره - ديه مذکور در اين ماده به عنوان ميراث به ورثه نمی رسد بلکه مال خود ميت محسوب شده و بدهی او از آن پرداخت می گردد و در راههای خير صرف ميشود. ماده ۴۹۵ - در کلیه مواردی که به موجب مقررات اين قانون ارش منظور گردیده با در نظر گرفتن ديه کامله انسان و نوع و کیفیت جنایت میزان خسارت وارده طبق نظر کارشناس تعيين می شود. ماده ۴۹۶ - در اين قانون مواردی از دیات که ديه برحسب دينار يا شتر تعيين شده است شتر و دينار موضوعیت ندارد و منظور نسبت مشخص از ديه کامله است و جانی در انتخاب نوع آن مخير می باشد. ماده ۴۹۷ - کلیه قوانینی که با اين قانون مغاير باشند ملغی است موضوع «مجازات اسلامی مشتمل بر چهارصد و نود و هفت ماده و يکصد و سه تبصره که طبق اصل هشتاد و پنجم قانون اساسی در جلسه روز سه شنبه هشتم مرداد ماه يک هزار و سيصد و هفتاد کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی به تصويب رسیده و در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ هجدهم ديماه يک هزار و سيصد و شصت و نه با پنج سال مدت اجرای آزمایشی آن موافقت گردیده و ماده ۵ آن مورد اختلاف مجلس و شورای نگهبان قرار گرفته در اجرای اصل يکصد و دوازدهم قانون اساسی در جلسه روز پنجشنبه مورخ هفتم آذرماه يک هزار و سيصد و هفتاد مجمع تشخيص مصلحت نظام بررسی و ماده پنج لایحه فوق الذکر عينا به تصويب مجمع تشخيص مصلحت نظام رسیده است

### ۵- کتاب پنجم تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده

### فصل اول جرایم ضد امنیت داخلی و خارجی کشور

ماده ۴۹۸ - هر کس با هر مرامی دسته جمعیت یا شعبه جمعیتی بیش از دو نفر در داخل یا خارج از کشور تحت هر اسم یا عنوانی تشکیل دهد یا اداره نماید که هدف آن برهم زدن امنیت کشور باشد و محارب شناخته نشود به حبس از دو تا ده سال محکوم می شود. ماده ۴۹۹ - هر کس در یکی از دسته‌ها یا جمعیت‌ها یا شعب جمعیت‌های مذکور در ماده (۴۹۸) عضویت یابد، به سه ماه تا پنج سال حبس محکوم می گردد مگر اینکه ثابت شود از اهداف آن بی اطلاع بوده است ماده ۵۰۰ - هر کس علیه نظام جمهوری اسلامی ایران یا به نفع گروهها و سازمان‌های مخالف نظام به هر نحو فعالیت تبلیغی نماید به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم خواهد شد. ماده ۵۰۱ - هر کس نقشه‌ها یا اسرار یا اسناد و تصمیمات راجع به سیاست داخلی یا خارجی کشور را عالما و عامدا در اختیار افرادی که صلاحیت دسترسی به آنها را ندارند قرار دهد یا از مفاد آن مطلع کند به نحوی که متضمن نوعی جاسوسی باشد، نظر به کیفیات و مراتب جرم به یک تا ده سال حبس محکوم می شود. ماده ۵۰۲ - هر کس به نفع یک دولت بیگانه و به ضرر دولت بیگانه دیگر در قلمرو ایران مرتکب یکی از جرایم جاسوسی شود به نحوی که به امنیت ملی صدمه وارد نماید به یک تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۵۰۳ - هر کس به قصد سرقت یا نقشه برداری یا کسب اطلاع از اسرار سیاسی یا نظامی یا امنیتی به مواضع مربوطه داخل شود و همچنین اشخاصی که بدون اجازه مامورین یا مقامات ذیصلاح در حال نقشه برداری یا گرفتن فیلم یا عکسبرداری از استحکامات نظامی یا اماکن ممنوعه دستگیر شوند به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شوند. ماده ۵۰۴ - هر کس نیروهای رزمنده یا اشخاصی را که به نحوی در خدمت نیروهای مسلح هستند تحریک موثر به عصیان فرار، تسلیم یا عدم اجرای وظایف نظامی کند در صورتی که قصد براندازی حکومت یا شکست نیروهای خودی در مقابل دشمن را داشته باشد محارب محسوب می شود والا چنانچه اقدامات وی موثر واقع شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به شش ماه تا سه سال حبس محکوم می شود. ماده ۵۰۵ - هر کس با هدف برهم زدن امنیت کشور به هر وسیله اطلاعات طبقه بندی شده را با پوشش مسوولین نظام یا مامورین دولت یا به نحو دیگر جمع آوری کند چنانچه بخواهد آن را در اختیار دیگران قرار دهد و موفق به انجام آن شود به حبس از دو تا ده سال و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود. ماده ۵۰۶ - چنانچه مامورین دولتی که مسوول امور حفاظتی و اطلاعاتی طبقه بندی شده می باشند و به آنها آموزش لازم داده شده است در اثر بی مبالاتی و عدم رعایت اصول حفاظتی توسط دشمنان تخلیه اطلاعاتی شوند به یک تا شش ماه حبس محکوم می شوند. ماده ۵۰۷ - هر کس داخل دستجات مفسدین یا اشخاصی که علیه امنیت داخلی یا خارجی کشور اقدام می کنند بوده و ریاست یا مرکزیتی نداشته باشد و قبل از تعقیب قصد جنایت و اسامی اشخاصی را که در فتنه و فساد دخیل هستند، به مامورین دولتی اطلاع دهد و یا پس از شروع به تعقیب با مامورین دولتی همکاری موثری به عمل آورد از مجازات معاف و در صورتی که شخصا مرتکب جرم دیگری شده باشد فقط به مجازات آن جرم محکوم خواهد شد. ماده ۵۰۸ - هر کس یا گروهی با دول خارجی متخاصم به هر نحو علیه جمهوری اسلامی ایران همکاری نماید، در صورتی که محارب شناخته نشود به یک تا ده سال حبس محکوم می گردد. ماده ۵۰۹ - هر کس در زمان جنگ مرتکب یکی از جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی موضوع این فصل شود به مجازات اشد همان جرم محکوم می گردد. ماده ۵۱۰ - هر کس به قصد برهم زدن امنیت ملی یا کمک به دشمن، جاسوسانی را که مامور تفتیش یا وارد کردن هر گونه لطمه به کشور بوده اند شناخته و مخفی نماید یا سبب اخفای آنها بشود به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می شود. تبصره - هر کس بدون آنکه جاسوسی کند و یا جاسوسان را مخفی نماید، افرادی را به هر نحو شناسایی و جذب نموده و جهت جاسوسی علیه امنیت کشور به دولت خصم یا کشورهای بیگانه معرفی نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می شود. ماده ۵۱۱ - هر کس به قصد برهم زدن امنیت کشور و تشویش اذهان عمومی تهدید به بمب گذاری هواپیما، کشتی و وسایل نقلیه عمومی نماید یا ادعا نماید که وسایل مزبور بمب گذاری شده است علاوه بر جبران خسارات وارده به دولت و اشخاص به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می گردد. ماده ۵۱۲ - هر کس مردم را به قصد برهم زدن امنیت کشور به جنگ و کشتار با یکدیگر اغوا یا تحریک کند صرف نظر از اینکه

موجب قتل و غارت بشود یا نشود به یک تا پنج سال حبس محکوم می گردد. تبصره - در مواردی که احراز شود متهم قبل از دستیابی نظام توبه کرده باشد مشمول مواد (۵۰۸) و (۵۰۹) و (۵۱۲) نمی شود.

### فصل دوم - اهانت به مقدسات مذهبی و سوء قصد به مقامات داخلی

ماده ۵۱۳ - هر کس به مقدسات اسلام و یا هر یک از انبیای عظام یا ائمه طاهرین (ع یا حضرت صدیقه طاهره (س) اهانت نماید اگر مشمول حکم ساب النبی باشد اعدام می شود و در غیر این صورت به حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۴ - هر کس به حضرت امام خمینی بنیانگذار جمهوری اسلامی رضوان ... علیه و مقام معظم رهبری به نحوی از انحا اهانت نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۵ - هر کس به جان رهبر و هر یک از روسای قوای سه گانه و مراجع بزرگ تقلید، سوء قصد نماید چنانچه محارب شناخته نشود به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد.

### فصل سوم - سوء قصد به مقامات سیاسی خارجی

ماده ۵۱۶ - هر کس به جان رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن در قلمرو ایران سو قصد نماید به مجازات مذکور در ماده (۵۱۵) محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز نسبت به ایران معامله متقابل بشود والا اگر مجازات خفیف تر اعمال گردد به همان مجازات محکوم می شود. تبصره - چنانچه سو قصد منتهی به قتل یا جرح یا ضرب شود علاوه بر مجازات مزبور به قصاص یا دیه مطابق ضوابط و مقررات مربوط محکوم خواهد شد. ماده ۵۱۷ - هر کس علنا نسبت به رئیس کشور خارجی یا نماینده سیاسی آن که در قلمرو خاک ایران وارد شده است توهین نماید به یک تا سه ماه حبس محکوم می شود مشروط به اینکه در آن کشور نیز در مورد مذکور نسبت به ایران معامله متقابل بشود. تبصره - اعمال مواد این فصل منوط به تقاضای دولت مربوطه یا نماینده سیاسی آن دولت یا مطالبه مجنی علیه یا ولی او است و در صورت استرداد تقاضا تعقیب جزایی نیز موقوف خواهد شد.

### فصل چهارم - تهیه و ترویج سکه قلب

ماده ۵۱۸ - هر کس شبیه هر نوع مسکوک طلا یا نقره داخلی یا خارجی از قبیل سکه بهار آزادی سکه های حکومت های قبلی ایران لیره و نظایر آن را از پولها و ارزهای دیگر که مورد معامله واقع می شود، بسازد یا عالما داخل کشور نماید یا مورد خرید و فروش قرار دهد یا ترویج سکه قلب نماید به حبس از یک تا ده سال محکوم می شود. ماده ۵۱۹ - هر کس به قصد تقلب به هرنحو از قبیل تراشیدن بریدن و نظایر آن از مقدار مسکوکات طلا یا نقره ایرانی یا خارجی بکاهد یا عالما عمدا در ترویج این قبیل مسکوکات شرکت یا آن را داخل کشور نماید به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود. ماده ۵۲۰ - هر کس شبیه مسکوکات رایج داخلی یا خارجی غیر از طلا و نقره را بسازد یا عالما عمدا آنها را داخل کشور نماید یا در ترویج آنها شرکت کند یا مورد خرید و فروش قرار دهد به حبس از یک تا سه سال محکوم می شود. ماده ۵۲۱ - هرگاه اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) می شوند قبل از کشف قضیه مامورین تعقیب را از ارتکاب جرم مطلع نمایند یا در ضمن تعقیب به واسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سایرین را فراهم آورند یا مامورین دولت را به نحو موثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کنند بنا به پیشنهاد رئیس حوزه قضایی مربوط و موافقت دادگاه و یا با تشخیص دادگاه در مجازات آنان تخفیف متناسب داده می شود و

حسب مورد از مجازات حبس معاف می‌شوند مگر آن که احراز شود قبل از دستگیری توبه کرده‌اند که در این صورت از کلیه مجازاتهای مذکور معاف خواهند شد. ماده ۵۲۲ - علاوه بر مجازاتهای مقرر در مواد (۵۱۸) و (۵۱۹) و (۵۲۰) کلیه اموال تحصیلی از طریق موارد مذکور نیز به عنوان تعزیر به نفع دولت ضبط می‌شود.

### فصل پنجم - جعل و تزویر

ماده ۵۲۳ - جعل و تزویر عبارتند از: ساختن نوشته یا سند یا ساختن مهر یا امضای اشخاص رسمی یا غیر رسمی خراشیدن یا تراشیدن یا قلم بردن یا الحاق یا محو یا اثبات یا سیاه کردن یا تقدیم یا تاخیر تاریخ سند نسبت به تاریخ حقیقی یا الصاق نوشته‌ای به نوشته دیگر یا بکار بردن مهر دیگری بدون اجازه صاحب آن و نظایر اینها به قصد تقلب ماده ۵۲۴ - هر کس احکام یا امضا یا مهر یا فرمان یا دستخط مقام رهبری و یا روسای سه قوه را به اعتبار مقام آنان جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال نماید، به حبس از سه تا پانزده سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۵ - هر کس یکی از اشیای ذیل را جعل کند یا با علم به جعل یا تزویر استعمال کند یا داخل کشور نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از یک تا ده سال محکوم خواهد شد: ۱. احکام یا امضا یا مهر یا دستخط معاون اول رئیس جمهور یا وزرا یا مهر یا امضای اعضای شورای نگهبان یا نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا مجلس خبرگان یا قضات یا یکی از روسا یا کارمندان و مسوولین دولتی از حیث مقام رسمی آنان ۲. مهر یا تمبر یا علامت یکی از شرکتها یا موسسات یا ادارات دولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی ۳. احکام دادگاهها یا اسناد یا حواله‌های صادره از خزانه دولتی ۴. منگنه یا علامتی که برای تعیین عیار طلا یا نقره بکار می‌رود. ۵. اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی تبصره - هر کس عمداً و بدون داشتن مستندات و مجوز رسمی داخلی و بین‌المللی و به منظور القای شبهه در کیفیت تولیدات و خدمات از نام و علائم استاندارد ملی یا بین‌المللی استفاده نماید به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۶ - هر کس اسکناس رایج داخلی یا خارجی یا اسناد بانکی نظیر برات‌های قبول شده از طرف بانک‌ها یا چک‌های صادره از طرف بانک‌ها و سایر اسناد تعهدآور بانکی و نیز اسناد یا اوراق بهادار یا حواله‌های صادره از خزانه را به قصد اخلال در وضع پولی یا بانکی یا اقتصادی یا برهم زدن نظام و امنیت سیاسی و اجتماعی جعل یا وارد کشور نماید یا با علم به مجعول بودن استفاده کند، چنانچه مفسد و محارب شناخته نشود به حبس از پنج تا بیست سال محکوم می‌شود. ماده ۵۲۷ - هر کس مدارک اشتغال به تحصیل یا فارغ‌التحصیلی یا تاییدیه یا ریز نمرات تحصیلی دانشگاه‌ها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی داخل یا خارج از کشور یا ارزشنامه‌های تحصیلات خارجی را جعل کند یا با علم به جعلی بودن آن را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مرتکب یکی از کارکنان وزارتخانه‌ها یا سازمانها و موسسات وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا نهادهای انقلاب اسلامی باشد یا به نحوی از انحاء در امر جعل یا استفاده از مدارک و اوراق جعلی شرکت داشته باشد به حداکثر مجازات محکوم می‌گردد. ماده ۵۲۸ - هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از ادارات یا موسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی مانند شهرداری‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۲۹ - هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکت‌های غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۰ - هر کس مهر یا تمبر یا علامت ادارات یا شرکت‌ها یا تجارتخانه‌های مذکور در مواد قبل را بدون مجوز بدست آورد و به طریقی که به حقوق و منافع آنها ضرر وارد آورد استعمال کند یا سبب استعمال آن گردد علاوه بر جبران خسارت وارده به دو ماه تا دو سال حبس محکوم



خواهد شد. ماده ۵۳۱- اشخاصی که مرتکب جرایم مذکور در مواد قبل شده‌اند هرگاه قبل از تعقیب به دولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسایل دستگیری آنها را فراهم نمایند حسب مورد در مجازات آنان تخفیف داده می‌شود و یا از مجازات معاف خواهند شد. ماده ۵۳۲- هر یک از کارمندان و مسوولان دولتی که در اجرای وظیفه خود در احکام و تقریرات و نوشته‌ها و اسناد و سجلات و دفاتر و غیر آنها از نوشته‌ها و اوراق رسمی تزویر کند اعم از اینکه امضا یا مهری را ساخته یا امضا یا مهر یا خطوط را تحریف کرده یا کلمه‌ای الحاق کند یا اسامی اشخاص را تغییر دهد علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا به پرداخت شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد.

ماده ۵۳۳- اشخاصی که کارمند یا مسوول دولتی نیستند هرگاه مرتکب یکی از جرایم مذکور در ماده قبل شوند علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۴- هر یک از کارکنان ادارات دولتی و مراجع قضایی و مامورین به خدمات عمومی که در تحریر نوشته‌ها و قراردادهای راجع به وظایفشان مرتکب جعل و تزویر شوند اعم از اینکه موضوع یا مضمون آن را تغییر دهند یا گفته و نوشته یکی از مقامات رسمی مهر یا تقریرات یکی از طرفین را تحریف کنند یا امر باطلی را صحیح یا صحیحی را باطل یا چیزی را که بدان اقرار نشده است اقرار شده جلوه دهند، علاوه بر مجازاتهای اداری و جبران خسارت وارده به حبس از یک تا پنج سال یا شش تا سی میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۵- هر کس اوراق مجعول مذکور در مواد (۵۳۲) و (۵۳۳) و (۵۳۴) را با علم به جعل و تزویر مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا سه سال یا به سه تا هجده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۶- هر کس در اسناد یا نوشته‌های غیر رسمی جعل یا تزویر کند یا با علم به جعل و تزویر آنها را مورد استفاده قرار دهد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۷- عکسبرداری از کارت شناسایی اوراق هویت شخصی و مدارک دولتی و عمومی و سایر مدارک مشابه در صورتی که موجب اشتباه با اصل شود باید ممهور به مهر یا علامتی باشد که نشان دهد آن مدارک رونوشت یا عکس می‌باشد، در غیر این صورت عمل فوق جعل محسوب می‌شود و تهیه‌کنندگان این گونه مدارک و استفاده‌کنندگان از آنها بجای اصلی عالما عامدا، علاوه بر جبران خسارت به حبس از شش ماه تا دو سال و یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۵۳۸- هر کس شخصا یا توسط دیگری برای معافیت خود یا شخص دیگری از خدمت دولت یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به دادگاه گواهی پزشکی به اسم طبیب جعل کند به حبس از شش ماه تا یکسال یا به سه تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۳۹- هرگاه طبیب تصدیق نامه برخلاف واقع درباره شخصی برای معافیت از خدمت در ادارات رسمی یا نظام وظیفه یا برای تقدیم به مراجع قضایی بدهد به حبس از شش ماه تا دو سال یا به سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. و هرگاه تصدیق نامه مزبور به واسطه اخذ مال یا وجهی انجام گرفته علاوه بر استرداد و ضبط آن به عنوان جریمه به مجازات مقرر برای رشوه گیرنده محکوم می‌گردد. ماده ۵۴۰- برای سایر تصدیق نامه‌های خلاف واقع که موجب ضرر شخص ثالثی باشد یا آن که خسارتی بر خزانه دولت وارد آورد مرتکب علاوه بر جبران خسارت وارده به شلاق تا (۷۴) ضربه یا به دویست هزار تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۱- هر کس به جای داوطلب اصلی هر یک از آزمون‌ها اعم از کنکور ورودی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دانشسراها، مراکز تربیت معلم اعزام دانشجو به خارج از کشور یا امتحانات داخلی و نهایی واحدهای مزبور یا امتحانات دبیرستانها، مدارس راهنمایی و هنرستانها و غیره در جلسه امتحان شرکت نماید حسب مورد مرتکب و داوطلب علاوه بر مجازات اداری و انتظامی به دویست هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۲- مجازات شروع به جعل و تزویر در این فصل حداقل مجازات تعیین شده همان مورد خواهد بود.

**فصل ششم - محو یا شکستن مهر و پلمپ و سرقت نوشته‌ها از اماکن دولتی**

ماده ۵۴۳- هرگاه محلی یا چیزی بر حسب امر مقامات صالح رسمی مهر یا پلمپ شده باشد و کسی عالماً و عامداً آنها را بشکند یا محو نماید یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود مرتکب به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. در صورتی که مستحفظ آن مرتکب شده باشد به حبس از یک تا دو سال محکوم می‌شود و اگر ارتکاب به واسطه اهمال مستحفظ واقع گردد مجازات مستحفظ یک تا شش ماه حبس یا حداکثر (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود. ماده ۵۴۴- هرگاه بعضی یا کل نوشته‌ها یا اسناد یا اوراق یا دفاتر یا مطالبی که در دفاتر ثبت و ضبط دولتی مندرج یا در اماکن دولتی محفوظ یا نزد اشخاصی که رسماً مأمور حفظ آنها هستند سپرده شده باشد، ربوده یا تخریب یا برخلاف مقررات معدوم شود، دفتردار و مباشر ثبت و ضبط اسناد مذکور و سایر اشخاص که به واسطه اهمال آنها جرم مذکور وقوع یافته است به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۴۵- مرتکبین هریک از انواع و اقسام جرم‌های مشروح در ماده فوق به حبس از سه تا شش سال محکوم گردید و اگر امانت‌دار یا مستحفظ مرتکب یکی از جرایم فوق‌الذکر شود به سه تا ده سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۶- در صورتی که مرتکب به عنف مهر یا پلمپ را محو نماید یا بشکند یا عملی مرتکب شود که در حکم محو یا شکستن پلمپ تلقی شود یا نوشته یا اسناد را برباید یا معدوم کند حسب مورد به حداکثر مجازات‌های مقرر در مواد قبل محکوم خواهد شد و این مجازات مانع از اجرای مجازات جرایمی که از قهر و تشدد حاصل شده است نخواهد بود.

**فصل هفتم - فرار مجوسین قانونی و اخفای مقصرین**

ماده ۵۴۷- هر زندانی که از زندان یا بازداشتگاه فرار نماید به شلاق تا (۷۴) ضربه یا سه تا شش ماه حبس محکوم می‌شود و اگر برای فرار درب زندان را شکسته یا آن را خراب کرده باشد، علاوه بر تأمین خسارت وارده به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره- زندانیانی که مطابق آیین‌نامه زندانها به مرخصی رفته و خود را در موعد مقرر بدون عذر موجه معرفی ننمایند فراری محسوب و به مجازات فوق محکوم می‌گردند. ماده ۵۴۸- هرگاه مأموری که موظف به حفظ یا ملازمت یا مراقبت متهم یا فرد زندانی بوده در انجام وظیفه مسامحه و اهمالی نماید که منجر به فرار وی شود به شش ماه تا سه سال حبس یا جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۴۹- هرکس مأمور حفظ یا مراقبت یا ملازمت زندانی یا توقیف شده‌ای باشد و مساعدت در فرار نماید یا راه فرار او را تسهیل کند یا برای فرار وی تبانی و مواضعه نماید به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: الف اگر توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است و یا زندانی به یکی از این مجازات‌ها محکوم شده باشد به سه تا ده سال حبس و اگر محکومیت محکوم علیه حبس از ده سال به بالا باشد و یا توقیف شده متهم به جرمی باشد که مجازات آن حبس از ده سال به بالا است به یک تا پنج سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا اتهام توقیف شده غیر از موارد فوق‌الذکر باشد به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. ب اگر زندانی محکوم به قصاص یا توقیف شده متهم به قتل مستوجب قصاص باشد، عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند و چنانچه متهم غیاباً محاکمه و براءت حاصل کند و یا قتل شبه عمد یا خطئی تشخیص داده شود عامل فرار به مجازات تعیین شده در ذیل بند (الف) محکوم خواهد شد و اگر فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود چنانچه محکوم به قصاص باشد فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد. ج اگر متهم یا محکومی که فرار کرده محکوم به امر مالی یا دیه باشد، عامل فرار علاوه بر مجازات تعیین شده در ذیل بند الف ضامن پرداخت دیه و مال محکوم به نیز خواهد

بود. ماده ۵۵۰- هر یک از مستخدمین و مامورین دولتی که طبق قانون مامور دستگیری کسی بوده و در اجرای وظیفه دستگیری مسامحه و اهمال کرده باشد به پرداخت یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مسامحه و اهمال به قصد مساعدت بوده که منجر به فرار وی شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۱- اگر عامل فرار از مامورین مذکور در ماده (۵۴۹) نباشد و عامدا موجبات فرار اشخاصی که قانونا زندانی یا دستگیر شده‌اند را فراهم آورد به طریق ذیل مجازات خواهد شد. الف چنانچه زندانی محکوم به اعدام یا حبس دایم یا رجم یا صلب بوده مجازات او یک تا سه سال حبس و اگر زندانی متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا رجم یا صلب است مجازات از شش ماه تا دو سال حبس و چنانچه محکومیت زندانی و یا مجازات قانونی توقیف شده غیر از موارد فوق الذکر باشد مجازات او سه ماه تا یک سال حبس خواهد بود: ب اگر زندانی محکوم به قصاص باشد عامل فرار موظف به تحویل دادن وی می‌باشد و در صورت عدم تحویل زندانی می‌شود و تا تحویل وی در زندان باقی می‌ماند. چنانچه فراری فوت کند و یا تحویل وی ممتنع شود فراری دهنده به پرداخت دیه به اولیای دم مقتول محکوم خواهد شد: ماده ۵۵۲- هر کس به شخص زندانی یا توقیف شده برای مساعدت به فرار اسلحه بدهد به حبس از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۳- هر کس شخصی را که قانونا دستگیر شده و فرار کرده یا کسی را که متهم است به ارتکاب جرمی و قانونا امر به دستگیری او شده است مخفی کند یا وسایل فرار او را فراهم کند به ترتیب ذیل مجازات خواهد شد: چنانچه کسی که فرار کرده محکوم به اعدام یا رجم یا صلب یا قصاص نفس و اطراف و یا قطع ید بوده مجازات مخفی کننده یا کمک کننده او در فرار، حبس از یک تا سه سال است و اگر محکوم به حبس دایم یا متهم به جرمی بوده که مجازات آن اعدام یا صلب است محکوم به شش ماه تا دو سال حبس خواهد شد و در سایر حالات مجازات مرتکب یک ماه تا یک سال حبس خواهد بود. تبصره - در صورتی که احراز شود فرد فراری دهنده و یا مخفی کننده یقین به بی گناهی فرد متهم یا زندانی داشته و در دادگاه نیز ثابت شود از مجازات معاف خواهد شد. ماده ۵۵۴- هر کس از وقوع جرمی مطلع شده و برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت مساعدت کند از قبیل اینکه برای او منزل تهیه کند یا ادله جرم را مخفی نماید یا برای تبرئه مجرم ادله جعلی ابراز کند حسب مورد به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. تبصره - در موارد مذکور در ماده (۵۵۳) و این ماده در صورتی که مرتکب از اقارب درجه اول متهم باشد مقدار مجازات در هر مورد از نصف حداکثر تعیین شده بیشتر نخواهد بود.

### فصل هشتم - غصب عناوین و مشاغل

ماده ۵۵۵- هر کس بدون سمت رسمی یا اذن از طرف دولت خود را در مشاغل دولتی اعم از کشوری یا لشگری و انتظامی که از نظر قانون مربوط به او نبوده است دخالت دهد یا معرفی نماید به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد و چنانچه برای دخالت یا معرفی خود در مشاغل مزبور، سندی جعل کرده باشد مجازات جعل را نیز خواهد داشت ماده ۵۵۶- هر کس بدون مجوز و به صورت علنی لباسهای رسمی ماموران نظامی یا انتظامی جمهوری اسلامی ایران یا نشانها، مدالها یا سایر امتیازات دولتی را بدون تغییر یا با تغییر جزئی که موجب اشتباه شود مورد استفاده قرار دهد در صورتی که عمل او به موجب قانون دیگری مستلزم مجازات شدیدتری نباشد به حبس از سه ماه تا یک سال و یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد. و در صورتی که از این عمل سوء استفاده کرده باشد به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. تبصره - استفاده از البسه و اشیای مذکور در این ماده در اجرای هنرهای نمایشی مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. ماده ۵۵۷- هر کس علنی و به صورت غیر مجاز لباسهای رسمی یا متحدالشکل ماموران کشورهای بیگانه یا نشانها یا مدالها یا سایر امتیازات دولتهای خارجی در ایران را مورد استفاده قرار دهد به شرط معامله متقابل و یا در صورتی که موجب اختلال در نظم عمومی

گردد مشمول مقررات ماده فوق است

### فصل نهم - تخریب اموال تاریخی فرهنگی

ماده ۵۵۸ - هر کس به تمام یا قسمتی از ابنیه اماکن محوطه‌ها و مجموعه‌های فرهنگی - تاریخی یا مذهبی که در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده است یا تزیینات ملحقات تاسیسات، اشیا و لوازم و خطوط و نقوش منصوب یا موجود در اماکن مذکور، که مستقلا نیز واجد حیثیت فرهنگی - تاریخی یا مذهبی باشد، خرابی وارد آورد علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از یک الی ده سال محکوم می‌شود. ماده ۵۵۹ - هر کس اشیاء و لوازم و همچنین مصالح و قطعات آثار فرهنگی - تاریخی را از موزه‌ها و نمایشگاه‌ها، اماکن تاریخی و مذهبی و سایر اماکن که تحت حفاظت یا نظارت دولت است سرقت کند یا با علم به مسروقه بودن اشیای مذکور را بخرد یا پنهان دارد در صورتی که مشمول مجازات حد سرقت نگردد علاوه بر استرداد آن به حبس از یک تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۰ - هر کس بدون اجازه از سازمان میراث فرهنگی کشور، یا با تخلف از ضوابط مصوب و اعلام شده از سوی سازمان مذکور در حریم آثار فرهنگی - تاریخی مذکور در این ماده مبادرت به عملیاتی نماید که سبب تزلزل بنیان آنها شود، یا در نتیجه آن عملیات به آثار و بناهای مذکور خرابی یا لطمه وارد آید، علاوه بر رفع آثار تخلف و پرداخت خسارات وارده به حبس از یک تا سه سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۱ - هرگونه اقدام به خارج کردن اموال تاریخی - فرهنگی از کشور هر چند به خارج کردن آن نینجامد قاچاق محسوب و مرتکب علاوه بر استرداد اموال به حبس از یک تا سه سال و پرداخت جریمه معادل دو برابر قیمت اموال موضوع قاچاق محکوم می‌گردد. تبصره - تشخیص ماهیت تاریخی - فرهنگی به عهده سازمان میراث فرهنگی کشور می‌باشد. ماده ۵۶۲ - هرگونه حفاری و کاوش به قصد بدست آوردن اموال تاریخی - فرهنگی ممنوع بوده و مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و ضبط اشیای مکشوفه به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور و آلات و ادوات حفاری به نفع دولت محکوم می‌شود. چنانچه حفاری در اماکن و محوطه‌های تاریخی که در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است یا در بقاع متبرکه و اماکن مذهبی صورت گیرد علاوه بر ضبط اشیای مکشوفه و آلات و ادوات حفاری مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود. تبصره ۱ - هر کس اموال تاریخی - فرهنگی موضوع این ماده را حسب تصادف بدست آورد و طبق مقررات سازمان میراث فرهنگی کشور نسبت به تحویل آن اقدام ننماید به ضبط اموال مکشوفه محکوم می‌گردد. تبصره ۲ - خرید و فروش اموال تاریخی - فرهنگی حاصله از حفاری غیر مجاز ممنوع است و خریدار و فروشنده علاوه بر ضبط اموال فرهنگی مذکور، به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می‌شوند. هرگاه فروش اموال مذکور تحت هر عنوان از عناوین به‌طور مستقیم یا غیر مستقیم به اتباع خارجی صورت گیرد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر محکوم می‌شود. ماده ۵۶۳ - هر کس به اراضی و تپه‌ها و اماکن تاریخی و مذهبی که به ثبت آثار ملی رسیده و مالک خصوصی نداشته باشد تجاوز کند به شش ماه تا دو سال حبس محکوم می‌شود مشروط بر آن که سازمان میراث فرهنگی کشور قبلا - حدود مشخصات این قبیل اماکن و مناطق را در محل تعیین و علامتگذاری کرده باشد. ماده ۵۶۴ - هر کس بدون اجازه سازمان میراث فرهنگی و برخلاف ضوابط مصوب اعلام شده از سوی سازمان مذکور به مرمت یا تعمیر، تغییر، تجدید و توسعه ابنیه یا تزیینات اماکن فرهنگی تاریخی ثبت شده در فهرست آثار ملی مبادرت نماید، به حبس از شش ماه تا دو سال و پرداخت خسارت وارده محکوم می‌گردد. ماده ۵۶۵ - هر کس برخلاف ترتیب مقرر در قانون حفظ آثار ملی اموال فرهنگی - تاریخی غیر منقول ثبت شده در فهرست آثار ملی را با علم و اطلاع از ثبت آن به نحوی به دیگران انتقال دهد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. ماده ۵۶۶ - هر کس نسبت به تغییر نحوه استفاده از ابنیه اماکن و محوطه‌های مذهبی - فرهنگی و تاریخی که در فهرست آثار ملی ثبت شده‌اند، برخلاف شئون اثر و بدون مجوز از سوی سازمان میراث فرهنگی کشور، اقدام نماید علاوه

بررفع آثار تخلف و جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یکسال محکوم می شود. ماده ۵۶۷ - در کلیه جرایم مذکور در این فصل سازمان میراث فرهنگی یا سایر دوایر دولتی برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی محسوب می شود. ماده ۵۶۸ - در مورد جرایم مذکور در این فصل که بوسیله اشخاص حقوقی انجام شود هریک از مدیران و مسوولان که دستور دهنده باشند، برحسب مورد به مجازات های مقرر محکوم می شوند. تبصره - اموال فرهنگی - تاریخی حاصله از جرایم مذکور در این فصل تحت نظر سازمان میراث فرهنگی کشور توقیف و در کلیه مواردی که حکم به ضبط و استرداد اموال وسایل تجهیزات و خسارات داده می شود به نفع سازمان میراث فرهنگی کشور مورد حکم قرار خواهد گرفت ماده ۵۶۹ - در کلیه موارد این فصل در صورتی که ملک مورد تخریب ملک شخصی بوده و مالک از ثبت آن به عنوان آثار ملی بی اطلاع باشد از مجازات های مقرر در مواد فوق معاف خواهد بود.

### فصل دهم - تقصیرات مقامات و مأمورین دولتی

ماده ۵۷۰ - هریک از مقامات و مأمورین دولتی که برخلاف قانون آزادی شخصی افراد ملت را سلب کند یا آنان را از حقوق مقرر در قانون اساسی محروم نماید علاوه بر انفصال از خدمت و محرومیت سه تا پنج سال از مشاغل دولتی به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۷۱ - هرگاه اقداماتی که برخلاف قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران می باشد برحسب امضای ساختگی وزیر یا مأمورین دولتی به عمل آمده باشد، مرتکب و کسانی که عالماً آن را به کار برده باشند به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۲ - هرگاه شخصی برخلاف قانون حبس شده باشد و درخصوص حبس غیر قانونی خود شکایت به ضابطین دادگستری یا مأمورین انتظامی نموده و آنان شکایت او را استماع نکرده باشند و ثابت نمایند که تظلم او را به مقامات ذیصلاح اعلام و اقدامات لازم را معمول داشته اند به انفصال دائم از همان سمت و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت سه تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۳ - اگر مسوولین و مأمورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها بدون اخذ برگ بازداشت صادره از طرف مراجع و مقامات صلاحیتدار، شخصی را به نام زندانی بپذیرند به دو ماه تا دو سال حبس محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۴ - اگر مسوولین و مأمورین بازداشتگاهها و ندامتگاهها ارایه دادن یا تسلیم کردن زندانی به مقامات صالح قضایی یا از ارایه دادن دفاتر خود به اشخاص مزبور امتناع کنند یا از رسانیدن تظلمات محبوسین به مقامات صالح ممانعت یا خودداری نمایند مشمول ماده قبل خواهند بود مگر اینکه ثابت نمایند که به موجب امر کتبی رسمی از طرف رییس مستقیم خود، مأمور به آن بوده اند که در این صورت مجازات مزبور درباره آمر مقرر خواهد شد. ماده ۵۷۵ - هرگاه مقامات قضایی یا دیگر مأمورین ذیصلاح برخلاف قانون توقیف یا دستور بازداشت یا تعقیب جزایی یا قرار مجرمیت کسی را صادر نمایند به انفصال دائم از سمت قضایی و محرومیت از مشاغل دولتی به مدت پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۶ - چنانچه هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مأمورین دولتی و شهرداریها در هر رتبه و مقامی که باشد از مقام خود سوء استفاده نموده و از اجرای اوامر کتبی دولتی یا اجرای قوانین مملکتی و یا اجرای احکام یا اوامر مقامات قضایی یا هرگونه امری که از طرف مقامات قانونی صادر شده باشد جلوگیری نماید به انفصال از خدمات دولتی از یک تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۵۷۷ - چنانچه مستخدمین و مأمورین دولتی اعم از استانداران و فرمانداران و بخشداران یا معاونان آنها و مأمورین انتظامی در غیر موارد حکمیت در اموری که در صلاحیت مراجع قضایی است دخالت نمایند و با وجود اعتراض متداعین یا یکی از آنها یا اعتراض مقامات صلاحیتدار قضایی رفع مداخله نمایند به حبس از دو ماه تا سه سال محکوم خواهند شد. ماده ۵۷۸ - هریک از مستخدمین و مأمورین قضایی یا غیر قضایی دولتی برای اینکه متهمی را مجبور به اقرار کند او را اذیت و آزار بدنی نماید علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم می گردد و چنانچه کسی در این خصوص دستور داده باشد فقط دستور دهنده به مجازات حبس مذکور محکوم خواهد شد و اگر متهم بواسطه اذیت و

آزار فوت کندمباشر مجازات قاتل و آمر مجازات آمر قتل را خواهد داشت ماده ۵۷۹ - چنانچه هریک از مامورین دولتی محکومی را سخت تر از مجازاتی که مورد حکم است مجازات کند یا مجازاتی کند که مورد حکم نبوده است به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و چنانچه این عمل به دستور فرد دیگری انجام شود فقط آمر به مجازات مذکور محکوم می شود و چنانچه این عمل موجب قصاص یا دیه باشد مباشر به مجازات آن نیز محکوم می گردد و اگر اقدام مزبور متضمن جرم دیگری نیز باشد مجازات همان جرم حسب مورد نسبت به مباشر یا آمر اجرا خواهد شد. ماده ۵۸۰ - هریک از مستخدمین و مامورین قضایی یا غیر قضایی یا کسی که خدمت دولتی به او ارجاع شده باشد بدون ترتیب قانونی به منزل کسی بدون اجازه و رضای صاحب منزل داخل شود به حبس از یک ماه تا یک سال محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت نماید به امر یکی از روسای خود که صلاحیت حکم را داشته است مکره به اطاعت امر او بوده اقدام کرده است که در این صورت مجازات مزبور در حق آمر اجرا خواهد شد و اگر مرتکب یا سبب وقوع جرم دیگری نیز باشد مجازات آن را نیز خواهد دید و چنانچه این عمل در شب واقع شود مرتکب یا آمر به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۱ - هریک از صاحب منصبان و مستخدمین و مامورین دولتی که با سوء استفاده از شغل خود به جبر و قهر مال یا حق کسی را بخرد یا بدون حق بر آن مسلط شود یا مالک را اکراه به فروش به دیگری کند علاوه بر رد عین مال یا معادل نقدی قیمت مال یا حق به مجازات حبس از یک سال تا سه سال یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد. ماده ۵۸۲ - هریک از مستخدمین و مامورین دولتی مراسلات یا مخابرات یا مکالمات تلفنی اشخاص را در غیر مواردی که قانون اجازه داده حسب مورد مفتوح یا توقیف یا معدوم یا بازرسی یا ضبط یا استراق سمع نماید یا بدون اجازه صاحبان آنها مطالب آنها را افشا نماید به حبس از یک سال تا سه سال و یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۳ - هر کس از مقامات یا مامورین دولتی یا نیروهای مسلح یا غیر آنها بدون حکمی از مقامات صلاحیتدار در غیر مواردی که در قانون جلب یا توقیف اشخاص را تجویز نموده شخصی را توقیف یا حبس کند یا عنفا در محلی مخفی نماید به یک تا سه سال حبس یا جزای نقدی از شش تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۴ - کسی که با علم و اطلاع برای ارتکاب جرم مذکور در ماده فوق مکانی تهیه کرده و بدین طریق معاونت با مرتکب نموده باشد به مجازات حبس از سه ماه تا یک سال یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۵ - اگر مرتکب یا معاون قبل از آن که تعقیب شود شخص توقیف شده را رها کند یا اقدام لازم جهت رها شدن وی به عمل آورد در صورتی که شخص مزبور را زیاده از پنج روز توقیف نکرده باشد مجازات او حبس از دو تا شش ماه خواهد بود. ماده ۵۸۶ - هرگاه مرتکب برای ارتکاب جرایم مذکور در ماده ۵۸۳ اسم یا عنوان مجعول یا اسم و علامت مامورین دولت یا لباس منتسب به آنان را به تزویر اختیار کرده یا حکم جعلی ابراز نموده باشد علاوه بر مجازات ماده مزبور به مجازات جعل یا تزویر محکوم خواهد شد. ماده ۵۸۷ - چنانچه مرتکب جرایم مواد قبل توقیف شده یا محبوس شده یا مخفی شده را تهدید به قتل نموده یا شکنجه و آزار بدنی وارد آورده باشد علاوه بر قصاص یا پرداخت دیه حسب مورد به یک تا پنج سال حبس و محرومیت از خدمات دولتی محکوم خواهد شد.

### فصل یازدهم - ارتشاء و ربا و کلاهبرداری

ماده ۵۸۸ - هریک از داوران و میزبان و کارشناسان اعم از اینکه توسط دادگاه معین شده باشد یا توسط طرفین چنانچه در مقابل اخذ وجه یا مال به نفع یکی از طرفین اظهار نظر یا اتخاذ تصمیم نماید به حبس از شش ماه تا دو سال یا مجازات نقدی از سه تا دوازده میلیون ریال محکوم و آنچه گرفته است به عنوان مجازات مودی به نفع دولت ضبط خواهد شد. ماده ۵۸۹ - در صورتی که حکام محاکم به واسطه ارتشاء حکم به مجازاتی اشد از مجازات مقرر در قانون داده باشند علاوه بر مجازات ارتشاء حسب مورد به

مجازات مقدار زایدی که مورد حکم واقع شده محکوم خواهند شد. ماده ۵۹۰- اگر رشوه به صورت وجه نقد نباشد بلکه مالی بلاعوض یا به مقدار فاحش ارزان تر از قیمت معمولی یا ظاهراً به قیمت معمولی و واقعا به مقدار فاحشی کمتر از قیمت به مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری به طور مستقیم یا غیر مستقیم منتقل شود یا برای همان مقاصد، مالی به مقدار فاحشی گران تر از قیمت از مستخدمین یا مامورین مستقیم یا غیر مستقیم خریداری گردد، مستخدمین و مامورین مزبور مرتشی و طرف معامله را شی محسوب می شود. ماده ۵۹۱- هرگاه ثابت شود که راشی برای حفظ حقوق حقه خود ناچار از دادن وجه یا مالی بوده تعقیب کیفری ندارد و وجه یا مالی که داده به او مسترد می گردد. ماده ۵۹۲- هرکس عالماً و عامداً برای اقدام به امری یا امتناع از انجام امری که از وظایف اشخاص مذکور در ماده (۳) قانون تشدید مجازات مرتکبین ارتشا، اختلاس و کلاهبرداری مصوب ۱۳۶۷/۹/۱۵ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد وجه یا مالی یا سند پرداخت وجه یا تسلیم مالی را مستقیم یا غیر مستقیم بدهد در حکم راشی است و به عنوان مجازات علاوه بر ضبط مال ناشی از ارتشا به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره - در صورتیکه رشوه دهنده برای پرداخت رشوه مضطر بوده و یا پرداخت آن را گزارش دهد یا شکایت نماید از مجازات حبس مزبور معاف خواهد بود و مال به وی مسترد می گردد. ماده ۵۹۳- هرکس عالماً و عامداً موجبات تحقق جرم ارتشا از قبیل مذاکره جلب موافقت یا وصول و ایصال وجه یا مال یا سند پرداخت وجه را فراهم نماید به مجازات راشی بر حسب مورد محکوم می شود. ماده ۵۹۴ مجازات شروع به عمل ارتشا در هر مورد حداقل مجازات مقرر در آن مورد است ماده ۵۹۵- هر نوع توافق بین دو یا چند نفر تحت هر قراردادی از قبیل بیع قرض صلح و امثال آن جنسی را با شرط اضافه با همان جنس مکیل و موزون معامله نماید و یا زاید بر مبلغ پرداختی دریافت نماید ربا محسوب و جرم شناخته می شود. مرتکبین اعم از ربا دهنده ربا گیرنده و واسطه بین آنها علاوه بر رد اضافه به صاحب مال به شش ماه تا سه سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و نیز معادل مال مورد ربا به عنوان جزای نقدی محکوم می گردند. تبصره ۱- در صورت معلوم نبودن صاحب مال مورد ربا از مصادیق اموال مجهول المالک بوده و در اختیار ولی فقیه قرار خواهد گرفت تبصره ۲- هرگاه ثابت شود ربا دهنده در مقام پرداخت وجه یا مال اضافی مضطر بوده از مجازات مذکور در این ماده معاف خواهد شد. تبصره ۳- هرگاه قرارداد مذکور بین پدر و فرزند یا زن و شوهر منعقد شود یا مسلمان از کافر ربا دریافت کند مشمول مقررات این ماده نخواهد بود. ماده ۵۹۶- هرکس با استفاده از ضعف نفس شخصی یا هوی و هوس او یا حوایج شخصی افراد غیر رشید به ضرر او نوشته یا سندی اعم از تجاری یا غیر تجاری از قبیل برات سفته چک حواله قبض و مفاصا حساب و یا هرگونه نوشته ای که موجب التزام وی یا برائت ذمه گیرنده سند یا هر شخص دیگر می شود به هر نحو تحصیل نماید علاوه بر جبران خسارات مالی به حبس از شش ماه تا دو سال و از یک میلیون تا ده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود و اگر مرتکب ولایت یا وصایت یا قیمومت بر آن شخص داشته باشد مجازات وی علاوه بر جبران خسارات مالی از سه تا هفت سال حبس خواهد بود.

### فصل دوازدهم - امتناع از انجام وظایف قانونی

ماده ۵۹۷- هر یک از مقامات قضایی که شکایت و تظلمی مطابق شرایط قانونی نزد آنها برده شود و با وجود اینکه رسیدگی به آنها از وظایف آنان بوده به هر عذر و بهانه اگرچه به عذر سکوت یا اجمال یا تناقض قانون از قبول شکایت یا رسیدگی به آن امتناع کند یا صدور حکم را برخلاف قانون به تاخیر اندازد یا برخلاف صریح قانون رفتار کند دفعه اول از شش ماه تا یکسال و در صورت تکرار به انفصال دائم از شغل قضایی محکوم می شود و در هر صورت به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

**فصل سیزدهم - تعديات مأمورین دولتی نسبت به دولت**

ماده ۵۹۸- هریک از کارمندان و کارکنان ادارات و سازمانها یا شوراهای یا شهرداریها و موسسات و شرکتهای دولتی و یا وابسته به دولت و یا نهادهای انقلابی و بنیادها و موسساتی که زیر نظر ولی فقیه اداره می‌شوند و دیوان محاسبات و موسساتی که به کمک مستمر دولت اداره می‌شوند و یا دارندگان پایه قضایی و به طور کلی اعضا و کارکنان قوای سه گانه و همچنین نیروهای مسلح و مأمورین به خدمات عمومی اعم از رسمی و غیر رسمی وجوه نقدی یا مطالبات یا حوالجات یا سهام و سایر اسناد و اوراق بهادار یا سایر اموال متعلق به هر یک از سازمانها و موسسات فوق الذکر یا اشخاصی که برحسب وظیفه به آنها سپرده شده است را مورد استفاده غیر مجاز قرار دهد بدون آن که قصد تملک آنها را به نفع خود یا دیگری داشته باشد، متصرف غیر قانونی محسوب و علاوه بر جبران خسارات وارده و پرداخت اجرت المثل به شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و در صورتی که منتفع شده باشد علاوه بر مجازات مذکور به جزای نقدی معادل مبلغ انتفاعی محکوم خواهد شد و همچنین است در صورتی که به علت اهمال یا تفریط موجب تضییع اموال و وجوه دولتی گردد و یا آن را به مصارفی برساند که در قانون اعتباری برای آن منظور نشده یا در غیر مورد معین یا زاید بر اعتبار مصرف نموده باشد. ماده ۵۹۹- هر شخصی عهده‌دار انجام معامله یا ساختن چیزی یا نظارت در ساختن یا امر به ساختن آن برای هریک از ادارات و سازمانها و موسسات مذکور در ماده (۵۹۸) بوده است به واسطه تدلیس در معامله از جهت تعیین مقدار یا صفت یا قیمت بیش از حد متعارف مورد معامله یا تقلب در ساختن آن چیز نفعی برای خود یا دیگری تحصیل کند علاوه بر جبران خسارات وارده به حبس از شش ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۰- هریک از مسوولین دولتی و مستخدمین و مأمورینی که مأمور تشخیص یا تعیین یا محاسبه یا وصول وجه یا مالی به نفع دولت است برخلاف قانون یا زیاده بر مقررات قانونی اقدام و وجه یا مالی اخذ یا امر به اخذ آن نماید به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. مجازات مذکور در این ماده در مورد مسوولین و مأمورین شهرداری نیز مجری است و در هر حال آنچه برخلاف قانون و مقررات اخذ نموده است به ذیحق مسترد می‌گردد. ماده ۶۰۱- هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود اشخاص را اجیر یا استخدام کرده یا مباشرت حمل و نقل اشیایی را نموده باشد و تمام یا قسمتی از اجرت اشخاص یا اجرت حمل و نقل را که توسط آنان به عمل آمده است به حساب دولت آورده ولی نپرداخته باشد به انفصال موقت از سه ماه تا سه سال محکوم می‌شود و همین مجازات مقرر است درباره مستخدمینی که اشخاص را به بیگاری گرفته و اجرت آنها را خود برداشته و به حساب دولت منظور نموده است و در هر صورت باید اجرت ماخوذه را به ذیحق مسترد نماید. ماده ۶۰۲- هریک از مستخدمین و مأمورین دولتی که برحسب مأموریت خود حق داشته است اشخاصی را استخدام و اجیر کند و بیش از عده‌ای که اجیر یا استخدام کرده است به حساب دولت منظور نماید یا خدمه شخصی خود را جزء خدمه دولت محسوب نماید و حقوق آنها را به حساب دولت منظور بدارد به شلاق تا (۷۴) ضربه و تادیبه مبلغی که به ترتیب فوق به حساب دولت منظور داشته است محکوم خواهد گردید. ماده ۶۰۳- هریک از کارمندان و کارکنان و اشخاص عهده‌دار وظیفه مدیریت و سرپرستی در وزارتخانه‌ها و ادارات و سازمانهای مذکور در ماده (۵۹۸) که بالمباشره یا به واسطه در معاملات و مزایده‌ها و مناقصه‌ها و تشخیصات و امتیازات مربوط به دستگاه متبوع تحت هر عنوانی اعم از کمیسیون یا حق الزحمه و حق العمل یا پاداش برای خود یا دیگری نفعی در داخل یا خارج کشور از طریق توافق یا تفاهم یا ترتیبات خاص یا سایر اشخاص یا نمایندگان و شعب آنها منظور دارد یا بدون مأموریت از طرف دستگاه متبوعه برعهده آن چیزی بخرد یا بسازد یا در موقع پرداخت وجوهی که حسب وظیفه به عهده او بوده یا تفریغ حسابی که باید به عمل آورد برای خود یا دیگری نفعی منظور دارد به تادیبه دو برابر وجوه و منافع حاصله از این طریق محکوم می‌شود و در صورتی که عمل وی موجب تغییر در مقدار یا کیفیت مورد معامله یا افزایش قیمت تمام شده آن گردد به حبس از شش ماه تا پنج سال و یا مجازات نقدی از سه تا سی میلیون ریال نیز محکوم



خواهد شد. ماده ۶۰۴- هر یک از مستخدمین دولتی اعم از قضایی و اداری نوشته‌ها و اوراق و اسنادی که حسب وظیفه به آنان سپرده شده یا برای انجام وظایفشان به آنها داده شده است را معدوم یا مخفی نماید یا به کسی بدهد که به لحاظ قانون از دادن به آن کس ممنوع می‌باشد علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۵- هر یک از مأمورین ادارات و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸) که از روی غرض و برخلاف حق درباره یکی از طرفین اظهار نظر یا اقدامی کرده باشد به حبس تا سه ماه یا مجازات نقدی تا مبلغ یک میلیون و پانصد هزار ریال و جبران خسارت وارده محکوم خواهد شد. ماده ۶۰۶- هر یک از رؤسا یا مدیران یا مسوولین سازمانها و موسسات مذکور در ماده ۵۹۸) که از وقوع جرم ارتشاء یا اختلاس یا تصرف غیر قانونی یا کلاهبرداری یا جرایم موضوع مواد ۵۹۹) و ۶۰۳) در سازمان یا موسسات تحت اداره یا نظارت خود مطلع شده و مراتب را حسب مورد به مراجع صلاحیتدار قضایی یا اداری اعلام ننماید علاوه بر حبس از شش ماه تا دو سال به انفسال موقت از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

### فصل چهاردهم - تمرد نسبت به مأمورین دولت

ماده ۶۰۷- هرگونه حمله یا مقاومتی که با علم و آگاهی نسبت به مأمورین دولت در حین انجام وظیفه آنان به عمل آید تمرد محسوب می‌شود و مجازات آن به شرح ذیل است ۱. هرگاه متمرده به قصد تهدید اسلحه خود را نشان دهد، حبس از شش ماه تا دو سال ۲. هرگاه متمرده در حین اقدام دست به اسلحه برد، حبس از یک تا سه سال ۳. در سایر موارد حبس از سه ماه تا یک سال تبصره - اگر متمرده در هنگام تمرد مرتکب جرم دیگری هم بشود به مجازات هر دو جرم محکوم خواهد شد.

### فصل پانزدهم - هتک حرمت اشخاص

ماده ۶۰۸- توهین به افراد از قبیل فحاشی و استعمال الفاظ رکیک چنانچه موجب حد قذف نباشد به مجازات شلاق تا (۷۴) ضربه و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی خواهد بود. ماده ۶۰۹- هرکس با توجه به سمت یکی از روسای سه قوه یا معاونان رئیس جمهور یا وزرا یا یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی یا نمایندگان مجلس خبرگان یا اعضای شورای نگهبان یا قضات یا اعضای دیوان محاسبات یا کارکنان وزارتخانه‌ها و مؤسسات و شرکتهای دولتی و شهرداریها در حال انجام وظیفه یا به سبب آن توهین نماید به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق و یا پنجاه هزار تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شود.

### فصل شانزدهم - اجتماع و تبانی برای ارتکاب جرایم

ماده ۶۱۰- هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی نمایند که جرایمی برضد امنیت داخلی یا خارج کشور مرتکب شوند یا وسایل ارتکاب آن را فراهم نمایند در صورتی که عنوان محارب بر آنان صادق نباشد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهند شد. ماده ۶۱۱- هرگاه دو نفر یا بیشتر اجتماع و تبانی بنمایند که علیه اعراض یا نفوس یا اموال مردم اقدام نمایند و مقدمات اجرایی را هم تدارک دیده باشند ولی بدون اراده خود موفق به اقدام نشوند حسب مراتب به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهند شد.

### فصل هفدهم - جرایم علیه اشخاص و اطفال

ماده ۶۱۲- هرکس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و یا بهر علت قصاص نشود در صورتی که اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد دادگاه مرتکب را به حبس از سه تا ده سال محکوم می نماید. تبصره- در این مورد معاونت در قتل عمد موجب حبس از یک تا پنج سال خواهد بود. ماده ۶۱۳- هرگاه کسی شروع به قتل عمد نماید ولی نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد به شش ماه تا سه سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۴- هرکس عمداً به دیگری جرح یا ضربی وارد آورد که موجب نقصان یا شکستن یا از کار افتادن عضوی از اعضا یا منتهی به مرض دائمی یا فقدان یا نقص یکی از حواس یا منافع یا زوال عقل مجنی علیه گردد در مواردی که قصاص امکان نداشته باشد چنانچه اقدام وی موجب اخلال در نظم و صیانت و امنیت جامعه یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد به دو تا پنج سال حبس محکوم خواهد شد و در صورت درخواست مجنی علیه مرتکب به پرداخت دیه نیز محکوم می شود. تبصره- در صورتی که جرح وارده منتهی به ضایعات فوق نشود و آلت جرح اسلحه یا چاقو و امثال آن باشد مرتکب به سه ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۵- هرگاه عده‌ای با یکدیگر منازعه نمایند هر یک از شرکت کنندگان در نزاع حسب مورد به مجازات زیر محکوم می شوند: ۱- در صورتی که نزاع منتهی به قتل شود به حبس از یک تا سه سال ۲- در صورتی که منتهی به نقص عضو شود به حبس از شش ماه تا سه سال ۳- در صورتی که منتهی به ضرب و جرح شود به حبس از سه ماه تا یک سال تبصره ۱- در صورتی که اقدام شخص دفاع مشروع تشخیص داده شود مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره ۲- مجازاتهای فوق مانع اجرای مقررات قصاص یا دیه حسب مورد نخواهد شد. ماده ۶۱۶- در صورتی که قتل غیر عمد به واسطه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا اقدام به امری که مرتکب در آن مهارت نداشته است یا به سبب عدم رعایت نظامات واقع شود مسبب به حبس از یک تا سه سال و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم خواهد شد مگر اینکه خطای محض باشد. تبصره- مقررات این ماده شامل قتل غیر عمد در اثر تصادف رانندگی نمی گردد. ماده ۶۱۷- هرکس به وسیله چاقو و یا هر نوع اسلحه دیگر تظاهر یا قدرت نمایی کند یا آن را وسیله مزاحمت اشخاص یا اخاذی یا تهدید قرار دهد یا با کسی گلاویز شود در صورتی که از مصادیق محارب نباشد به حبس از شش ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۸- هرکس با هیاهو و جنجال یا حرکات غیر متعارف یا تعرض به افراد موجب اخلال نظم و آسایش و آرامش عمومی گردد یا مردم را از کسب و کار باز دارد به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۱۹- هرکس در اماکن عمومی یا معابر متعرض یا مزاحم اطفال یا زنان بشود یا با الفاظ و حرکات مخالف شوون و حیثیت به آنان توهین نماید به حبس از دو تا شش ماه و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۲۰- هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۱۶) و (۶۱۷) و (۶۱۸) در نتیجه توطئه قبلی و دسته جمعی واقع شود هر یک از مرتکبین به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۶۲۱- هرکس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصاً یا توسط دیگری شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس از پنج تا پانزده سال محکوم خواهد شد. در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد یا ربودن توسط وسایل نقلیه انجام پذیرد یا به مجنی علیه آسیب جسمی یا حیثیتی وارد شود مرتکب به حداکثر مجازات تعیین شده محکوم خواهد شد و در صورت ارتکاب جرایم دیگر به مجازات آن جرم نیز محکوم می گردد. تبصره- مجازات شروع به ربودن سه تا پنج سال حبس است ماده ۶۲۲- هر کس عالماً عامداً به واسطه ضرب یا اذیت و آزار زن حامله موجب سقط جنین وی شود علاوه بر پرداخت دیه یا قصاص حسب مورد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۲۳- هر کس به واسطه دادن ادویه یا وسایل دیگری موجب سقط جنین زن گردد به شش ماه تا یک سال حبس محکوم می شود و اگر عالماً و عامداً زن حامله‌ای را دلالت به استعمال ادویه یا وسایل دیگری نماید که جنین وی سقط گردد به حبس از سه تا شش ماه محکوم خواهد شد مگر اینکه ثابت شود این اقدام برای حفظ حیات مادر

می‌باشد و در هر مورد حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط داده خواهد شد. ماده ۶۲۴- اگر طیب یا ماما یا دارو فروش و اشخاصی که به عنوان طبابت یا مامایی یا جراحی یا دارو فروشی اقدام می‌کنند وسایل سقط جنین فراهم سازند و یا مباشرت به اسقاط جنین نمایند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و حکم به پرداخت دیه مطابق مقررات مربوط صورت خواهد پذیرفت

ماده ۶۲۵- قتل و جرح و ضرب هرگاه در مقام دفاع از نفس یا عرض یا مال خود مرتکب یا شخص دیگری واقع شود با رعایت مواد ذیل مرتکب مجازات نمی‌شود مشروط براینکه دفاع متناسب با خطری باشد که مرتکب را تهدید می‌کرده است تبصره - مقررات این ماده در مورد دفاع از مال غیر در صورتی قابل اجرا است که حفاظت مال غیر به عهده دفاع کننده بوده یا صاحب مال استمداد نماید.

ماده ۶۲۶- در مورد هر فعلی که مطابق قانون جرم بر نفس یا عرض یا مال محسوب می‌شود ولو اینکه از مامورین دولتی صادر گردد، هرگونه مقاومت برای دفاع از نفس یا عرض یا مال جایز خواهد بود. ماده ۶۲۷- دفاع در مواقعی صادق است که الف - خوف برای نفس یا عرض یا ناموس یا مال مستند به قراین معقول باشد. ب - دفاع متناسب با حمله باشد. ج - توسل به قوای دولتی یا هرگونه وسیله آسان تری برای نجات میسر نباشد. ماده ۶۲۸- مقاومت در مقابل نیروهای انتظامی و دیگر ضابطین دادگستری در مواقعی که مشغول انجام وظیفه خود باشند دفاع محسوب نمی‌شود ولی هرگاه اشخاص مزبور از حدود وظیفه خود خارج شوند و بر حسب ادله و قراین موجود خوف آن باشد که عملیات آنها موجب قتل یا جرح یا تعرض به عرض یا مال گردد در این صورت دفاع در مقابل آنها نیز جایز است ماده ۶۲۹- در موارد ذیل قتل عمدی به شرط آن که دفاع متوقف به قتل باشد مجازات نخواهد داشت الف - دفاع از قتل یا ضرب و جرح شدید یا آزار شدید یا دفاع از هتک ناموس خود و اقارب ب - دفاع در مقابل کسی که در صدد هتک عرض و ناموس دیگری به اکراه و عنف برآید. ج - دفاع در مقابل کسی که در صدد سرقت و ربودن انسان یا مال او برآید. ماده ۶۳۰- هرگاه مردی همسر خود را در حال زنا با مرد اجنبی مشاهده کند و علم به تمکین زن داشته باشد می‌تواند در همان حال آنان را به قتل برساند و در صورتی که زن مکره باشد فقط مرد رامی‌تواند به قتل برساند. حکم ضرب و جرح در این مورد نیز مانند قتل است

ماده ۶۳۱- هرکس طفلی را که تازه متولد شده است بدزدد یا مخفی کند یا او را بجای طفل دیگری یا متعلق به زن دیگری غیر از مادر طفل قلمداد نماید به شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و چنانچه احراز شود که طفل مزبور مرده بوده مرتکب به یکصد هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۲- اگر کسی از دادن طفلی که به او سپرده شده است در موقع مطالبه اشخاصی که قانوناً حق مطالبه دارند امتناع کند به مجازات از سه ماه تا شش ماه حبس یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۳- هرگاه کسی شخصاً یا به دستور دیگری طفل یا شخصی را که قادر به محافظت خود نمی‌باشد در محلی که خالی از سکنه است رها نماید به حبس از شش ماه تا دو سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال محکوم خواهد شد و اگر در آبادی و جایی که دارای سکنه باشد رها کند تا نصف مجازات مذکور محکوم خواهد شد و چنانچه این اقدام سبب وارد آمدن صدمه یا آسیب یا فوت شود رها کننده علاوه بر مجازات فوق حسب مورد به قصاص یا دیه یا ارش نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۴- هرکس بدون مجوز مشروع نبش قبر نماید به مجازات حبس از سه ماه و یک روز تا یکسال محکوم می‌شود و هرگاه جرم دیگری نیز با نبش قبر مرتکب شده باشد به مجازات آن جرم هم محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۵- هرکس بدون رعایت نظامات مربوط به دفن اموات جنازه‌ای را دفن کند یا سبب دفن آن شود یا آن را مخفی نماید به جزای نقدی از یکصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۳۶- هرکس جسد مقتولی را با علم به قتل مخفی کند یا قبل از اینکه به اشخاصی که قانوناً مامور کشف و تعقیب جرایم هستند خبر دهد آن را دفن نماید به حبس از سه ماه و یک روز تا یک سال محکوم خواهد شد.

ماده ۶۳۷- هرگاه زن و مردی که بین آنها علقه زوجیت نباشد، مرتکب روابط نامشروع یا عمل منافی عفت غیر از زنا از قبیل تقبیل یا مضاجعه شوند، به شلاق تا نود و نه ضربه محکوم خواهند شد و اگر عمل با عفت و اکراه باشد فقط اکراه کننده تعزیر می شود. ماده ۶۳۸- هرکس علناً در انظار و اماکن عمومی و معابر تظاهر به عمل حرامی نماید علاوه بر کیفر عمل به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب عملی شود که نفس آن عمل دارای کیفر نمی باشد ولی عفت عمومی را جریحه دار نماید فقط به حبس از ده روز تا دو ماه یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. تبصره - زنانی که بدون حجاب شرعی در معابر و انظار عمومی ظاهر شوند به حبس از ده روز تا دو ماه و یا از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۶۳۹- افراد زیر به حبس از یک تا ده سال محکوم می شوند و در مورد بند «الف» علاوه بر مجازات مقرر، محل مربوطه به طور موقت با نظر دادگاه بسته خواهد شد: الف - کسی که مرکز فساد و یا فحشا دایر یا اداره کند. ب - کسی که مردم را به فساد یا فحشا تشویق نموده یا موجبات آن را فراهم نماید. تبصره - هرگاه بر عمل فوق عنوان قوادی صدق نماید علاوه بر مجازات مذکور به حد قوادی نیز محکوم می گردد. ماده ۶۴۰- اشخاص ذیل به حبس از سه ماه تا یک سال و جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا شش میلیون ریال و تا (۷۴) ضربه شلاق یا به یک یا دو مجازات مذکور محکوم خواهند شد: ۱- هرکس نوشته یا طرح گراور، نقاشی تصاویر، مطبوعات اعلانات اعلامی فیلم نوار سینما و یا به طور کلی هر چیزی که عفت و اخلاق عمومی را جریحه دار نماید برای تجارت یا توزیع به نمایش و معرض انظار عمومی گذارد یا بسازد یا برای تجارت و توزیع نگاه دارد. ۲- هرکس اشیای مذکور را به منظور اهداف فوق شخصاً یا به وسیله دیگری وارد یا صادر کند و یا به نحوی از انحاء متصدی یا واسطه تجارت و یا هر قسم معامله دیگر شود یا از کرایه دادن آنها تحصیل مال نماید. ۳- هرکس اشیای فوق را به نحوی از انحاء منتشر نماید یا آنها را به معرض انظار عمومی بگذارد. ۴- هرکس برای تشویق به معامله اشیای مذکور در فوق و یا ترویج آن اشیاء به نحوی از انحاء اعلان و یا فاعل یکی از اعمال ممنوعه فوق و یا محل به دست آوردن آن را معرفی نماید. تبصره ۱- مفاد این ماده شامل اشیایی نخواهد بود که با رعایت موازین شرعی و برای مقاصد علمی یا هر مصلحت حلال عقلایی دیگر تهیه یا خرید و فروش و مورد استفاده متعارف علمی قرار می گیرد. تبصره ۲- اشیای مذکور ضبط و محو آثار می گردد و جهت استفاده لازم به دستگاه دولتی ذیربط تحویل خواهد شد. ماده ۶۴۱- هرگاه کسی به وسیله تلفن یا دستگاههای مخابراتی دیگر برای اشخاص ایجاد مزاحمت نماید علاوه بر اجرای مقررات خاص شرکت مخابرات مرتکب به حبس از یک تا شش ماه محکوم خواهد شد.

### فصل نوزدهم جرایم بر ضد حقوق و تکالیف خانوادگی

ماده ۶۴۲- هرکس با داشتن استطاعت مالی نفقه زن خود را در صورت تمکین ندهد یا از تادیه نفقه سایر اشخاص واجب النفقه دادگاه او را از سه ماه و یک روز تا پنج ماه حبس محکوم می نماید. ماده ۶۴۳- هرگاه کسی عالماً زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای مردی عقد نماید، به حبس از شش ماه تا سه سال یا از سه میلیون تا هیجده میلیون ریال جزای نقدی و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود و اگر دارای دفتر ازدواج و طلاق یا اسناد رسمی باشد برای همیشه از تصدی دفتر ممنوع خواهد گردید. ماده ۶۴۴- کسانی که عالماً مرتکب یکی از اعمال زیر شوند به حبس از شش ماه تا دو سال و یا از سه تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شوند: ۱- هرزنی که در قید زوجیت یا عده دیگری است خود را به عقد دیگری در آورد در صورتی که منجر به وقوع نگردد. ۲- هرکسی که زن شوهردار یا زنی را که در عده دیگری است برای خود تزویج نماید در صورتی که منتهی به وقوع نگردد. ماده ۶۴۵- به منظور حفظ کیان خانواده ثبت واقعه ازدواج دائم طلاق و رجوع طبق مقررات الزامی است

چنانچه مردی بدون ثبت در دفاتر رسمی مبادرت به ازدواج دائم طلاق و رجوع نماید به مجازات حبس تعزیری تا یکسال محکوم می‌گردد. ماده ۶۴۶- ازدواج قبل از بلوغ بدون اذن ولی ممنوع است چنانچه مردی با دختری که به حد بلوغ نرسیده برخلاف مقررات ماده (۱۰۴۱) قانون مدنی و تبصره ذیل آن ازدواج نماید به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد. ماده ۶۴۷- چنانچه هریک از زوجین قبل از عقد ازدواج طرف خود را به امور واهی از قبیل داشتن تحصیلات عالی تمکن مالی موقعیت اجتماعی شغل و سمت خاص مجرد و امثال آن فریب دهد و عقد بر مبنای هریک از آنها واقع شود مرتکب به حبس تعزیری از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد.

### فصل بیستم - قسم و شهادت دروغ و افشای سر

ماده ۶۴۸- اطبا و جراحان و ماماها و دارو فروشان و کلیه کسانی که به مناسبت شغل یا حرفه خود محرم اسرار می‌شوند هرگاه در غیر از موارد قانونی اسرار مردم را افشا کنند به سه ماه و یک روز تا یک سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می‌شوند. ماده ۶۴۹- هر کس در دعوی حقوقی یا جزایی که قسم متوجه او شده باشد سوگند دروغ یاد نماید به شش ماه تا دو سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۰- هر کس در دادگاه نزد مقامات رسمی شهادت دروغ بدهد به سه ماه و یک روز تا دو سال حبس و یا به یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد. تبصره- مجازات مذکور در این ماده علاوه بر مجازاتی است که در باب حدود و قصاص و دیات برای شهادت دروغ ذکر گردیده است

### فصل بیست و یکم - سرقت و ربودن مال غیر

ماده ۶۵۱- هرگاه سرقت جامع شرایط حد نباشد ولی مقرون به تمام پنج شرط ذیل باشد مرتکب از پنج تا بیست سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌گردد: ۱- سرقت در شب واقع شده باشد. ۲- سارقین دو نفر یا بیشتر باشند. ۳- یک یا چند نفر از آنها حامل سلاح ظاهر یا مخفی بوده باشند. ۴- از دیوار بالا- رفته یا حرز را شکسته یا کلید ساختگی به کار برده یا اینکه عنوان یا لباس مستخدم دولت را اختیار کرده یا برخلاف حقیقت خود را مامور دولتی قلمداد کرده یا در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا توابع آن است سرقت کرده باشند. ۵- در ضمن سرقت کسی را آزار یا تهدید کرده باشند. ماده ۶۵۲- هرگاه سرقت مقرون به آزار باشد و یا سارق مسلح باشد به حبس از سه ماه تا ده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود و اگر جرحی نیز واقع شده باشد علاوه بر مجازات جرح به حداکثر مجازات مذکور در این ماده محکوم می‌گردد. ماده ۶۵۳- هر کس در راهها و شوارع به نحوی از انحاء مرتکب راهزنی شود در صورتی که عنوان محارب بر او صادق نباشد به سه تا پانزده سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می‌شود. ماده ۶۵۴- هرگاه سرقت در شب واقع شده باشد و سارقین دو نفر یا بیشتر باشند و لااقل یک نفر از آنان حامل سلاح ظاهر یا مخفی باشد در صورتی که بر حامل اسلحه عنوان محارب صدق نکند جزای مرتکب یا مرتکبان حبس از پنج تا پانزده سال و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد. ماده ۶۵۵- مجازات شروع به سرقت‌های مذکور در مواد قبل تا پنج سال حبس و شلاق تا (۷۴) ضربه می‌باشد. ماده ۶۵۶- در صورتی که سرقت جامع شرایط حد نباشد و مقرون به یکی از شرایط زیر باشد مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می‌شود: ۱- سرقت در جایی که محل سکنی یا مهیا برای سکنی یا در توابع آن یا در محل‌های عمومی از قبیل مسجد و حمام و غیر اینها واقع شده باشد. ۲- سرقت در جایی واقع شده باشد که به واسطه درخت و یا بوته یا پرچین یا نرده محرز بوده و سارق حرز را شکسته باشد. ۳- در صورتی که سرقت در شب واقع شده باشد. ۴- سارقین دو نفر

یا بیشتر باشند. ۵- سارق مستخدم بوده و مال مخدوم خود را دزدیده یا مال دیگری را در منزل مخدوم خود یا منزل دیگری که به اتفاق مخدوم به آنجا رفته یا شاگرد یا کارگر بوده و یا در محلی که معمولاً محل کار وی بوده از قبیل خانه دکان کارگاه کارخانه و انبار سرقت نموده باشد. ۶- هرگاه اداره کنندگان هتل و مسافرخانه و کاروانسرا و کاروان و به طور کلی کسانی که به اقتضای شغل اموالی در دسترس آنان است تمام یا قسمتی از آن را مورد دستبرد قرار دهند. ماده ۶۵۷- هرکس مرتکب ربودن مال دیگری از طریق کیفزنی جیب بری و امثال آن شود به حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۸- هرگاه سرقت در مناطق سیل یا زلزله زده یا جنگی یا آتش سوزی یا در محل تصادف رانندگی صورت پذیرد و حایز شرایط حد نباشد مرتکب به مجازات حبس از یک تا پنج سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۵۹- هرکس وسایل و متعلقات مربوط به تاسیسات مورد استفاده عمومی که به هزینه دولت یا با سرمایه دولت یا سرمایه مشترک دولت و بخش غیر دولتی یا به وسیله نهادها و سازمانهای عمومی غیر دولتی یا موسسات خیریه ایجاد یا نصب شده مانند تاسیسات بهره برداری آب و برق و گاز و غیره را سرقت نماید به حبس از یک تا پنج سال محکوم می شود و چنانچه مرتکب از کارکنان سازمانهای مربوطه باشد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۰- هرکس بدون پرداخت حق انشعاب و اخذ انشعاب آب و برق و گاز و تلفن مبادرت به استفاده غیر مجاز از آب و برق و تلفن و گاز نماید علاوه بر جبران خسارت وارده به تحمل تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۱- در سایر موارد که سرقت مقرون به شرایط مذکور در مواد فوق نباشد مجازات مرتکب حبس از سه ماه و یک روز تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق خواهد بود. ماده ۶۶۲- هر کس با علم و اطلاع یا با وجود قراین اطمینان آور به اینکه مال در نتیجه ارتکاب سرقت بدست آمده است آن را به نحوی از انحاء تحصیل یا مخفی یا قبول نماید یا مورد معامله قرار دهد به حبس از شش ماه تا سه سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. در صورتیکه متهم معامله اموال مسروقه را حرفه خود قرار داده باشد به حداکثر مجازات در این ماده محکوم می گردد. ماده ۶۶۳- هرکس عالماً در اشیای و اموالی که توسط مقامات ذیصلاح توقیف شده است و بدون اجازه دخالت یا تصرفی نماید که منافعی با توقیف باشد ولو مداخله کننده یا متصرف مالک آن باشد به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۴- هرکس عالماً عمداً برای ارتکاب جرمی اقدام به ساخت کلید یا تغییر آن نماید یا هر نوع وسیله ای برای ارتکاب جرم بسازد، یا تهیه کند به حبس از سه ماه تا یک سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۵- هرکس مال دیگری را بر بایند و عمل او مشمول عنوان سرقت نباشد به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه این کار صدمه ای به مجنی علیه وارد شده باشد به مجازات آن نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۶- در صورت تکرار جرم سرقت مجازات سارق حسب مورد حداکثر مجازات مقرر در قانون خواهد بود. تبصره - در تکرار جرم سرقت در صورتی که سارق سه فقره محکومیت قطعی به اتهام سرقت داشته باشد دادگاه نمی تواند از جهات مخففه در تعیین مجازات استفاده نماید. ماده ۶۶۷- در کلیه موارد سرقت و ربودن اموال مذکور در این فصل دادگاه علاوه بر مجازات تعیین شده سارق یا رباینده را به رد عین و در صورت فقدان عین به رد مثل یا قیمت مال مسروقه یا ربوده شده و جبران خسارت وارده محکوم خواهد نمود.

### فصل بیست و دوم - تهدید و اکراه

ماده ۶۶۸- هرکس با جبر و قهر یا با اکراه و تهدید دیگری را ملزم به دادن نوشته یا سند یا امضا و یا مهر نماید و یا سند و نوشته ای که متعلق به او یا سپرده به او می باشد را از وی بگیرد به حبس از سه ماه تا دو سال و تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۶۶۹- هرگاه کسی دیگری را به هر نحو تهدید به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی و یا به افشای سری نسبت به خود یا بستگان او نماید، اعم از اینکه به این واسطه تقاضای وجه یا مال یا تقاضای انجام امر یا ترک فعلی را نموده یا ننموده باشد به مجازات شلاق

تا (۷۴) ضربه یا زندان از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

### فصل بیست و سوم - ورشکستگی

ماده ۶۷۰ - کسانی که به عنوان ورشکستگی به تقلب محکوم می شوند به مجازات حبس از یک تا پنج سال محکوم خواهند شد.  
ماده ۶۷۱ - مجازات ورشکسته به تقصیر از شش ماه تا دو سال حبس است ماده ۶۷۲ - هرگاه مدیر تصفیه در امر رسیدگی به ورشکستگی بین طلبکاران و تاجر ورشکسته مستقیماً یا مع‌الواسطه از طریق عقد قرارداد یا به طریق دیگر تبانی نماید به شش ماه تا سه سال حبس و یا به جزای نقدی از سه تا هجده میلیون ریال محکوم می گردد

### فصل بیست و چهارم - خیانت در امانت

ماده ۶۷۳ - هرکس از سفید مهر یا سفید امضایی که به او سپرده شده است یا به هر طریق بدست آورده سو استفاده نماید به یک تا سه سال حبس محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۴ - هرگاه اموال منقول یا غیر منقول یا نوشته‌هایی از قبیل سفته و چک و قبض و نظایر آن به عنوان اجاره یا امانت یا رهن یا برای وکالت یا هر کار با اجرت یا بی اجرت به کسی داده شده و بنابراین بوده است که اشیای مذکور مسترد شود یا به مصرف معینی برسد و شخصی که آن اشیای نزد او بوده آنها را به ضرر مالکین یا متصرفین آنها استعمال یا تصاحب یا تلف یا مفقود نماید به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد.

### فصل بیست و پنجم - احراق و تخریب و اتلاف اموال و حیوانات

ماده ۶۷۵ - هرکس عمداً عمارت یا بنا یا کشتی یا هواپیما یا کارخانه یا انبار و به طور کلی هر محل مسکونی یا معد برای سکنی یا جنگل یا خرمن یا هر نوع محصول زراعی یا اشجار یا مزارع یا باغهای متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از دو تا پنج سال محکوم می شود. تبصره ۱ - اعمال فوق در این فصل در صورتی که به قصد مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت تبصره ۲ - مجازات شروع به جرایم فوق شش ماه تا دو سال حبس می باشد. ماده ۶۷۶ - هرکس سایر اشیای منقول متعلق به دیگری را آتش بزند به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۷ - هرکس عمداً اشیای منقول یا غیر منقول متعلق به دیگری را تخریب نماید یا به هر نحو کلا - یا بعضاً تلف نماید و یا از کار اندازد به حبس از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۷۸ - هرگاه جرایم مذکور در مواد (۶۷۶) و (۶۷۷) به وسیله مواد منفجره واقع شده باشد مجازات مرتکب دو تا پنج سال حبس است ماده ۶۷۹ - هرکس به عمد و بدون ضرورت حیوان حلال گوشت متعلق به دیگری یا حیواناتی که شکار آنها توسط دولت ممنوع اعلام شده است را بکشد یا مسموم یا تلف یا ناقص کند به حبس از نود و یک روز تا شش ماه یا جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار ریال تا سه میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۰ - هرکس برخلاف مقررات و بدون مجوز قانونی اقدام به شکار یا صید حیوانات و جانوران وحشی حفاظت شده نماید به حبس از سه ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از یک و نیم میلیون ریال تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۱ - هرکس عالماً دفاتر و قباله‌ها و سایر اسناد دولتی را بسوزاند یا به هر نحو دیگری تلف کند به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۲ - هرکس عالماً هر نوع اسناد یا اوراق تجارتي و غیر تجارتي غیر دولتی را که اتلاف آنها موجب ضرر غیر است بسوزاند یا به هر نحو دیگر تلف کند به حبس از سه ماه تا دو سال

محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۳- هر نوع نهب و غارت و اتلاف اموال و اجناس و امتعه یا محصولات که از طرف جماعتی بیش از سه نفر به نحو قهر و غلبه واقع شود چنانچه محارب شناخته نشوند به حبس از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد. ماده ۶۸۴- هر کس محصول دیگری را بچراند یا تاکستان یا باغ میوه یا نخلستان کسی را خراب کند یا محصول دیگری را قطع و درو نماید یا به واسطه سرقت یا قطع آبی که متعلق به آن است یا با اقدامات و وسایل دیگر خشک کند یا باعث تضییع آن بشود یا آسیاب دیگری را از استفاده بیندازد به حبس از شش ماه تا سه سال و شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم می شود. ماده ۶۸۵- هر کس اصله نخل خرما را به هر ترتیب یا هر وسیله بدون مجوز قانونی از بین ببرد یا قطع نماید به سه تا شش ماه حبس یا از یک میلیون و پانصد هزار تا سه میلیون ریال جزای نقدی یا هردو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۶- هر کس درختان موضوع ماده یک قانون گسترش فضای سبز را عالماً عامداً و برخلاف قانون مذکور قطع یا موجبات از بین رفتن آنها را فراهم آورد علاوه بر جبران خسارت وارده حسب مورد به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و یا جزای نقدی از سه میلیون تا هجده میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۶۸۷- هر کس در وسایل و تاسیسات مورد استفاده عمومی از قبیل شبکه های آب و فاضلاب برق، نفت گاز، پست و تلگراف و تلفن و مراکز فرکانس و ماکروویو (مخابرات و رادیو و تلویزیون و متعلقات مربوط به آنها اعم از سد و کانال و انشعاب لوله کشی و نیروگاه های برق و خطوط انتقال نیرو و مخابرات (کابلهای هوایی یا زمینی یا نوری و دستگاههای تولید و توزیع و انتقال آنها که به هزینه یا سرمایه دولت یا با سرمایه مشترک دولت و بخش غیردولتی یا توسط بخش خصوصی برای استفاده عمومی ایجاد شده و همچنین در علایم راهنمایی و رانندگی و سایر علایمی که به منظور حفظ جان اشخاص یا تامین تاسیسات فوق یا شوارع و جاده ها نصب شده است مرتکب تخریب یا ایجاد حریق یا از کار انداختن یا هر نوع خرابکاری دیگر شود بدون آن که منظور او اختلال در نظم و امنیت عمومی باشد به حبس از سه تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱- در صورتی که اعمال مذکور به منظور اختلال در نظم و امنیت جامعه و مقابله با حکومت اسلامی باشد مجازات محارب را خواهد داشت تبصره ۲- مجازات شروع به جرایم فوق یک تا سه سال حبس است ماده ۶۸۸- هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود از قبیل آلوده کردن آب آشامیدنی یا توزیع آب آشامیدنی آلوده دفع غیر بهداشتی فضولات انسانی و دامی و مواد زاید، ریختن مواد مسموم کننده در رودخانه ها، زباله در خیابان ها و کشتار غیر مجاز دام استفاده غیر مجاز فاضلاب خام یا پس آب تصفیه خانه های فاضلاب برای مصارف کشاورزی ممنوع می باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجازات شدیدتری نباشند به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد. تبصره ۱- تشخیص اینکه اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می شود و نیز غیر مجاز بودن کشتار دام و دفع فضولات دامی و همچنین اعلام جرم مذکور حسب مورد بر عهده وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی سازمان حفاظت محیط زیست و سازمان دامپزشکی خواهد بود. تبصره ۲- منظور از آلودگی محیط زیست عبارتست از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد تغییر دهد. ماده ۶۸۹- در تمام موارد مذکور در این فصل هرگاه حرق و تخریب و سایر اقدامات انجام شده منتهی به قتل یا نقص عضو یا جراحت و صدمه به انسانی شود مرتکب علاوه بر مجازاتهای مذکور حسب مورد به قصاص و پرداخت دیه و در هر حال به تادیه خسارات وارده نیز محکوم خواهد شد.

### فصل بیست و ششم - هتک حرمت منازل و املاک غیر

ماده ۶۹۰- هر کس به وسیله صحنه سازی از قبیل پی کنی دیوارکشی تغییر حد فاصل امحای مرز، کرت بندی نهرکشی حفرچاه غرس اشجار و زراعت و امثال آن به تهیه آثار تصرف در اراضی مزروعی اعم از کشت شده یا در آیش زراعی جنگل ها و مراتع



ملی شده کوهستان‌ها، باغ‌ها، قلمستان‌ها، منابع آب چشمه‌سارها، انهار طبیعی و پارک‌های ملی تاسیسات کشاورزی و دامداری و دامپروری و کشت و صنعت و اراضی موات و بایر و سایر اراضی و املاک متعلق به دولت یا شرکت‌های وابسته به دولت یا شهرداری‌ها یا اوقاف و همچنین اراضی و املاک و موقوفات و محبوسات و اثلاث باقیه که برای مصارف عام‌المنفعه اختصاص یافته یا اشخاص حقیقی یا حقوقی به منظور تصرف یا ذیحق معرفی کردن خود یا دیگری مبادرت نماید یا بدون اجازه سازمان حفاظت محیط زیست یا مراجع ذیصلاح دیگر مبادرت به عملیاتی نماید که موجب تخریب محیط زیست و منابع طبیعی گردد یا اقدام به هرگونه تجاوز و تصرف عدوانی یا ایجاد مزاحمت یا ممانعت از حق در موارد مذکور نماید به مجازات یک ماه تا یک سال حبس محکوم می‌شود. دادگاه موظف است حسب مورد رفع تصرف عدوانی یا رفع مزاحمت یا ممانعت از حق یا اعاده وضع به حال سابق نماید. تبصره ۱- رسیدگی به جرایم فوق‌الذکر خارج از نوبت به عمل می‌آید و مقام قضایی با تنظیم صورت مجلس دستور متوقف ماندن عملیات متجاوز را تا صدور حکم قطعی خواهد داد. تبصره ۲- در صورتی که تعداد متهمان سه نفر یا بیشتر باشد و قراین قوی بر ارتکاب جرم موجود باشد قرار بازداشت صادر خواهد شد، مدعی می‌تواند تقاضای خلع ید و قلع بنا و اشجار و رفع آثار تجاوز را بنماید. ماده ۶۹۱- هرکس به قهر و غلبه داخل ملک شود که در تصرف دیگری است اعم از آن که محصور باشد یا نباشد یا در ابتدای ورود به قهر و غلبه نبوده ولی بعد از اخطار متصرف به قهر و غلبه مانده باشد علاوه بر رفع تجاوز حسب مورد به یک تا شش ماه حبس محکوم می‌شود. هرگاه مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهند شد. ماده ۶۹۲- هرگاه کسی ملک دیگری را به قهر و غلبه تصرف کند علاوه بر رفع تجاوز به حبس از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۳- اگر کسی به موجب حکم قطعی محکوم به خلع ید از مال غیر منقولی یا محکوم به رفع مزاحمت یا رفع ممانعت از حق شده باشد، بعد از اجرای حکم مجدداً مورد حکم را عدوانا تصرف یا مزاحمت یا ممانعت از حق نماید علاوه بر رفع تجاوز به حبس از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۴- هرکس در منزل یا مسکن دیگری به عنف یا تهدید وارد شود به مجازات از شش ماه تا سه سال حبس محکوم خواهد شد و در صورتی که مرتکبین دو نفر یا بیشتر بوده و لااقل یکی از آنها حامل سلاح باشد به حبس از یک تا شش سال محکوم می‌شوند. ماده ۶۹۵- چنانچه جرایم مذکور در مواد (۶۹۲) و (۶۹۳) در شب واقع شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات محکوم می‌شود. ماده ۶۹۶- در کلیه مواردی که محکوم علیه علاوه بر محکومیت کیفری به رد عین یا مثل مال یا ادای قیمت یا پرداخت دیه و ضرر و زیان ناشی از جرم محکوم شده باشد و از اجرای حکم امتناع نماید در صورت تقاضای محکوم له دادگاه با فروش اموال محکوم علیه بجز مستثنیات دین حکم را اجرا یا تا استیفای حقوق محکوم له محکوم علیه را بازداشت خواهد نمود. تبصره - چنانچه محکوم علیه مدعی اعسار شود تا صدور حکم اعسار و یا پرداخت به صورت تقسیط بازداشت ادامه خواهد داشت

### فصل بیست و هفتم - افترا و توهین و هتک حرمت

ماده ۶۹۷- هرکس به وسیله اوراق چاپی یا خطی یا به وسیله درج در روزنامه و جراید یا نطق در مجامع یا به هر وسیله دیگر، به کسی امری را صریحا نسبت دهد یا آنها را منتشر نماید که مطابق قانون آن امر جرم محسوب می‌شود و نتواند صحت آن اسناد را ثابت نماید جز در مواردی که موجب حد است به یک ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق یا یکی از آنها حسب مورد محکوم خواهد شد. تبصره - در مواردی که نشر آن امر اشاعه فحشا محسوب گردد هرچند بتواند صحت اسناد را ثابت نماید مرتکب به مجازات مذکور محکوم خواهد شد. ماده ۶۹۸- هرکس به قصد اضرار به غیر یا تشویش اذهان عمومی یا مقامات رسمی به وسیله نامه یا شکواییه یا مراسلات یا عرایض یا گزارش یا توزیع هرگونه اوراق چاپی یا خطی یا امضا یا بدون امضا اکاذیبی را

اظهار نماید یا با همان مقاصد اعمالی را برخلاف حقیقت راسا یا به عنوان نقل قول به شخص حقیقی یا حقوقی یا مقامات رسمی تصریحا یا تلویحا نسبت دهد اعم از اینکه از طریق مزبور به نحوی از انحاء ضرر مادی یا معنوی به غیر وارد شود یا نه علاوه بر اعاده حیثیت در صورت امکان باید به حبس از دو ماه تا دو سال و یا شلاق تا (۷۴) ضربه محکوم شود. ماده ۶۹۹- هرکس عالما عامدا به قصد متهم نمودن دیگری آلات و ادوات جرم یا اشیایی را که یافت شدن آن در تصرف یک نفر موجب اتهام او می گردد بدون اطلاع آن شخص در منزل یا محل کسب یا جیب یا اشیایی که متعلق به اوست بگذارد یا مخفی کند یا به نحوی متعلق به او قلمداد نماید و در اثر این عمل شخص مزبور تعقیب گردد، پس از صدور قرار منع تعقیب و یا اعلام براءت قطعی آن شخص مرتکب به حبس از شش ماه تا سه سال و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۷۰۰- هرکس با نظم یا نثر یا به صورت کتبی یا شفاهی کسی را هجو کند و یا هجویه را منتشر نماید، به حبس از یک تا شش ماه محکوم می شود.

### فصل بیست و هشتم - تجاهر به استعمال مشروبات الکلی و قماربازی و ولگردی

ماده ۷۰۱- هرکس متجاهرا و به نحو علن در اماکن و معابر و مجامع عمومی مشروبات الکلی استعمال نماید، علاوه بر اجرای حد شرعی شرب خمر به دو تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می شود. ماده ۷۰۲- هرکس مشروبات الکلی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به سه تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۷۰۳- هرکس مشروبات الکلی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و تا (۷۴) ضربه شلاق و از یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی یا یک یا دومورد از آنها محکوم می شود. ماده ۷۰۴- هرکس محلی را برای شرب خمر دایر کرده باشد یا مردم را به آنجا دعوت کند به سه ماه تا دو سال حبس و (۷۴) ضربه شلاق و یا از یک میلیون و پانصد هزار تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو آنها محکوم خواهد شد و در صورتی که هر دو مورد را مرتکب شود به حداکثر مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۷۰۵- قماربازی با هر وسیله ای ممنوع و مرتکبین آن به یک تا شش ماه حبس و یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند و در صورت تجاهر به قماربازی به هر دو مجازات محکوم می گردند. ماده ۷۰۶- هرکس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بخرد یا حمل یا نگهداری کند به یک تا سه ماه حبس یا تا پانصد هزار تا یک میلیون و پانصد هزار ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۷۰۷- هرکس آلات و وسایل مخصوص به قماربازی را بسازد یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد یا از خارج وارد کند یا در اختیار دیگری قرار دهد به سه ماه تا یک سال حبس و یک میلیون و پانصد هزار تا شش میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۷۰۸- هرکس قمارخانه دایر کند یا مردم را برای قمار به آنجا دعوت نماید به شش ماه تا دو سال حبس و یا از سه میلیون تا دوازده میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۷۰۹- تمام اسباب و نقود متعلق به قمار حسب مورد معدوم یابه عنوان جریمه ضبط می شود. ماده ۷۱۰- اشخاصی که در قمارخانه ها یا اماکن معد برای صرف مشروبات الکلی موضوع مواد (۷۰۱) و (۷۰۵) قبول خدمت کنند یا به نحوی از انحاء به دایر کننده این قبیل اماکن کمک نمایند معاون محسوب می شوند و مجازات مباشر در جرم را دارند ولی دادگاه می تواند نظر به اوضاع و احوال و میزان تاثیر عمل معاون مجازات را تخفیف دهد. ماده ۷۱۱- هرگاه یکی از ضابطین دادگستری و سایر مامورین صلاحیت دار از وجود اماکن مذکور در مواد (۷۰۴) و (۷۰۵) و (۷۰۸) یا اشخاص مذکور در ماده (۷۱۰) مطلع بوده و مراتب را به مقامات ذیصلاح اطلاع ندهند یا برخلاف واقع گزارش نمایند در صورتی که به موجب قانونی دیگر مجازات شدیدتری نداشته باشند به سه تا شش ماه حبس یا تا (۷۴) ضربه شلاق محکوم می شوند. ماده ۷۱۲- هرکس تکدی یا کلاشی را پیشه خود قرار داده باشد و از این راه امرار معاش نماید یا ولگردی نماید به حبس از یک تا سه ماه محکوم خواهد شد و چنانچه با وجود توان مالی مرتکب عمل فوق شود علاوه بر مجازات مذکور

کلیه اموالی که از طریق تکدی و کلاشی بدست آورده است مصادره خواهد شد. ماده ۷۱۳- هر کس طفل صغیر یا غیر رشیدی را وسیله تکدی قرار دهد یا افرادی را به این امر بگمارد به سه ماه تا دو سال حبس و استرداد کلیه اموالی که از طریق مذکور به دست آورده است محکوم خواهد شد.

### فصل بیست و نهم - جرایم ناشی از تخلفات رانندگی

ماده ۷۱۴- هر گاه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت راننده (اعم از وسایط نقلیه زمینی یا آبی یا هوایی یا متصدی وسیله موتوری منتهی به قتل غیر عمدی شود مرتکب به شش ماه تا سه سال حبس و نیز به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه اولیای دم محکوم می شود. تبصره - اظهار نظر کارشناسی در خصوص تشخیص بی احتیاطی یا بی موالاتی یا عدم رعایت نظامات دولتی یا عدم مهارت در مورد سوانح مربوط به وسایل نقلیه زمینی، آبی و هوایی حسب مورد اداره راهنمایی و رانندگی، شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، سازمان بنادر و کشتیرانی و سازمان هواپیمایی کشوری می باشد. ماده ۷۱۵- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب مرض جسمی یا دماغی که غیر قابل علاج باشد و یا از بین رفتن یکی از حواس یا از کار افتادن عضوی از اعضای بدن که یکی از وظایف ضروری زندگی انسان را انجام می دهد یا تغییر شکل دائمی عضو یا صورت شخص یا سقط جنین شود مرتکب به حبس از دو ماه تا یک سال و به پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود. ماده ۷۱۶- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود که باعث نقصان یا ضعف دائم یکی از منافع یا یکی از اعضای بدن شود و یا باعث از بین رفتن قسمتی از عضو مصدوم گردد، بدون آن که عضو از کار بیفتد یا باعث وضع حمل زن قبل از موعد طبیعی شود مرتکب به حبس از دو ماه تا شش ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم خواهد شد. ماده ۷۱۷- هر گاه یکی از جهات مذکور در ماده (۷۱۴) موجب صدمه بدنی شود مرتکب به حبس از یک تا پنج ماه و پرداخت دیه در صورت مطالبه از ناحیه مصدوم محکوم می شود. ماده ۷۱۸- در مورد مواد فوق هر گاه راننده یا متصدی وسایل موتوری در موقع وقوع جرم مست بوده یا پروانه نداشته یا زیادتر از سرعت مقرر حرکت می کرده است یا آن که دستگاه موتوری را با وجود نقص و عیب مکانیکی موثر در تصادف به کار انداخته یا در محل هایی که برای عبور پیاده رو علامت مخصوص گذارده شده است مراعات لازم ننماید و یا از محل هایی که عبور از آن ممنوع گردیده است رانندگی نموده به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد فوق محکوم خواهد شد. دادگاه می تواند علاوه بر مجازات فوق مرتکب را برای مدت یک تا پنج سال از حق رانندگی یا تصدی وسایل موتوری محروم نماید. تبصره - اعمال مجازات موضوع مواد (۷۱۴) و (۷۱۸) این قانون از شمول بند (۱) ماده (۳) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۲۸/۱۲/۱۳۷۳ مجلس شورای اسلامی مستثنی می باشد. ماده ۷۱۹- هر گاه مصدوم احتیاج به کمک فوری داشته و راننده با وجود امکان رساندن مصدوم به مراکز درمانی و یا استمداد از مأمورین انتظامی از این کار خودداری کند و یا به منظور فرار از تعقیب محل حادثه را ترک و مصدوم را رها کند حسب مورد به بیش از دو سوم حداکثر مجازات مذکور در مواد (۷۱۴) و (۷۱۵) و (۷۱۶) محکوم خواهد شد. دادگاه نمی تواند در مورد این ماده اعمال کیفیت مخففه نماید. تبصره ۱- راننده در صورتی می تواند برای انجام تکالیف مذکور در این ماده وسیله نقلیه را از صحنه حادثه حرکت دهد که برای کمک رسانیدن به مصدوم توسط به طریق دیگر ممکن نباشد. تبصره ۲- در تمام موارد مذکور هر گاه راننده مصدوم را به نقاطی برای معالجه و استراحت برساند و یا مأمورین مربوطه را از واقعه آگاه کند و یا به هرنحوی موجبات معالجه و استراحت و تخفیف آلام مصدوم را فراهم کند دادگاه مقررات تخفیف را درباره او رعایت خواهد نمود. ماده ۷۲۰- هر کس در ارقام و مشخصات پلاک و وسایل نقلیه موتوری زمینی آبی یا کشاورزی تغییر دهد و یا پلاک وسیله

نقلیه موتوری دیگری را به آن الصاق نماید یا برای آن پلاک تقلبی بکار برد یا چنین وسایلی را با علم به تغییر و یا تعویض پلاک تقلبی مورد استفاده قرار دهد و همچنین هر کس به نحوی از انحاء در شماره‌شاسی موتور یا پلاک وسیله نقلیه موتوری و یا پلاکهای موتور و شاسی که از طرف کارخانه سازنده حکک یا نصب شده بدون تحصیل مجوز از راهنمایی و رانندگی تغییر دهد و آن را از صورت اصلی کارخانه خارج کند به حبس از شش ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۱- هر کس بخواهد وسیله نقلیه موتوری را اوراق کند مکلف است مراتب را با تعیین محل توقف وسیله نقلیه به راهنمایی و رانندگی محل اطلاع دهد، راهنمایی و رانندگی محل باید ظرف مدت یک هفته اجازه اوراق کردن وسیله نقلیه را بدهد و اگر به دلایلی با اوراق کردن موافقت ندارد تصمیم قطعی خود را ظرف همان مدت با ذکر دلیل به متقاضی ابلاغ نماید، هرگاه راهنمایی و رانندگی هیچگونه اقدامی در آن مدت نکرد اوراق کردن وسیله نقلیه پس از انقضای مدت مجاز است تخلف از این ماده برای اوراق کننده موجب محکومیت از دو ماه تا یک سال حبس خواهد بود. ماده ۷۲۲- چنانچه وسیله موتوری یا پلاک آن سرقت یا مفقود شود، شخصی که وسیله در اختیار و تصرف او بوده است اعم از آن که مالک بوده یا نبوده پس از اطلاع مکلف است بلافاصله مراتب را به نزدیکترین مرکز نیروی انتظامی اعلام نماید، متخلف از این ماده به جزای نقدی از پانصد هزار تا یک میلیون ریال محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۳- هر کس بدون گواهینامه رسمی اقدام به رانندگی و یا تصدی وسایل موتوری که مستلزم داشتن گواهینامه مخصوص است بنماید و همچنین هر کس به موجب حکم دادگاه از رانندگی وسایل نقلیه موتوری ممنوع باشد به رانندگی وسایل مزبور مبادرت ورزد برای بار اول به حبس تعزیری تا دو ماه یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال و یا هر دو مجازات و در صورت ارتکاب مجدد به دو ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۴- هر راننده وسیله نقلیه‌ای که در دستگاه ثبت سرعت وسیله نقلیه عمداً تغییری دهد که دستگاه سرعتی کمتر از سرعت واقعی نشان دهد و یا با علم به اینکه چنین تغییری در دستگاه مزبور داده شده با آن وسیله نقلیه رانندگی کند برای بار اول به حبس از ده روز تا دو ماه و یا جزای نقدی از پنجاه هزار تا پانصد هزار ریال و یا هر دو مجازات و در صورت تکرار به دو تا شش ماه حبس محکوم خواهد شد. ماده ۷۲۵- هر یک از مأمورین دولت که متصدی تشخیص مهارت و دادن گواهینامه رانندگی هستند اگر به کسی که واجد شرایط رانندگی نبوده پروانه بدهند به حبس تعزیری از شش ماه تا یک سال و به پنج سال انقصال از خدمات دولتی محکوم خواهند شد و پروانه صادره نیز ابطال می‌گردد. ماده ۷۲۶- هر کس در جرایم تعزیری معاونت نماید حسب مورد به حداقل مجازات مقرر در قانون برای همان جرم محکوم می‌شود. ماده ۷۲۷- جرایم مندرج در مواد ۵۵۸، ۵۵۹، ۵۶۰، ۵۶۱، ۵۶۲، ۵۶۳، ۵۶۴، ۵۶۵، ۵۶۶ قسمت اخیر ماده ۵۹۶، ۶۰۸، ۶۰۹، ۶۱۰، ۶۱۱، ۶۱۲، ۶۱۳، ۶۱۴، ۶۱۵، ۶۱۶، ۶۱۷، ۶۱۸، ۶۱۹، ۶۲۰، ۶۲۱، ۶۲۲، ۶۲۳، ۶۲۴، ۶۲۵، ۶۲۶، ۶۲۷، ۶۲۸، ۶۲۹، ۶۳۰، ۶۳۱، ۶۳۲، ۶۳۳، ۶۳۴، ۶۳۵، ۶۳۶، ۶۳۷، ۶۳۸، ۶۳۹، ۶۴۰، ۶۴۱، ۶۴۲، ۶۴۳، ۶۴۴، ۶۴۵، ۶۴۶، ۶۴۷، ۶۴۸، ۶۴۹، ۶۵۰، ۶۵۱، ۶۵۲، ۶۵۳، ۶۵۴، ۶۵۵، ۶۵۶، ۶۵۷، ۶۵۸، ۶۵۹، ۶۶۰، ۶۶۱، ۶۶۲، ۶۶۳، ۶۶۴، ۶۶۵، ۶۶۶، ۶۶۷، ۶۶۸، ۶۶۹، ۶۷۰، ۶۷۱، ۶۷۲، ۶۷۳، ۶۷۴، ۶۷۵، ۶۷۶، ۶۷۷، ۶۷۸، ۶۷۹، ۶۸۰، ۶۸۱، ۶۸۲، ۶۸۳، ۶۸۴، ۶۸۵، ۶۸۶، ۶۸۷، ۶۸۸، ۶۸۹، ۶۹۰، ۶۹۱، ۶۹۲، ۶۹۳، ۶۹۴، ۶۹۵، ۶۹۶، ۶۹۷، ۶۹۸، ۶۹۹، ۷۰۰ جز با شکایت شاکی خصوصی تعقیب نمی‌شود و در صورتی که شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند در مجازات مرتکب تخفیف دهد و یا با رعایت موازین شرعی از تعقیب مجرم صرف‌نظر نماید. ماده ۷۲۸- قاضی دادگاه می‌تواند با ملا-حظه خصوصیات جرم و مجرم و دفعات ارتکاب جرم در موقع صدور حکم و در صورت لزوم از مقررات مربوط به تخفیف تعلیق و مجازاتهای تکمیلی و تبدیلی از قبیل قطع موقت خدمات عمومی حسب مورد استفاده نماید. ماده ۷۲۹- کلیه قوانین مغایر با این قانون از جمله قانون مجازات عمومی مصوب سال ۱۳۰۴ و اصلاحات و الحاقات بعدی آن ملغی است قانون فوق مشتمل بر دو بیست و سی و دو ماده و چهل و چهار تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ دوم خردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۳۷۵/۳/۶ به تایید شورای نگهبان رسیده است لازم به ذکر است که شماره مواد مصوبه مجلس تحت عنوان کتاب پنجم - تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده به دنبال مواد قانون مجازات اسلامی که قبلاً به تصویب رسیده از شماره ۴۹۸ تا ۷۲۹ تدوین گردیده است

**باب اول کشف جرم و تحقیقات مقدماتی****فصل اول ضابطین دادگستری و تکالیف آنان**

ماده ۱۵ - ضابطین دادگستری مامورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام می نمایند و عبارتند از: ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ۲ - رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان ۳ - مامورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند. ۴ - سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند. ۵ - مقامات و مامورینی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می شوند. [۱۹] تبصره - گزارش ضابطین در صورتی معتبر است که موثق و مورد اعتماد قاضی باشد. ماده ۱۶ - ضابطین دادگستری مکلفند دستورات مقام قضایی را اجرا کنند. در صورت تخلف به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمت دولت و یا از یک تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد. [۱۹] ماده ۱۷ - ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با رییس حوزه قضایی است ماده ۱۸ - ضابطین دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم در جرایم غیر مشهود مراتب را جهت کسب تکلیف و اخذ دستور لازم به مقام ذی صلاح قضایی اعلام می کنند و در خصوص جرایم مشهود تمامی اقدامات لازم را به منظور حفظ آلایت و ادوات و آثار و علائم و دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم و یا تبانی معمول و تحقیقات مقدماتی را انجام و بلافاصله به اطلاع مقام قضایی می رسانند. [۲۰، ۲۳] ماده ۱۹ - تحقیقات مقدماتی مجموعه اقداماتی است که برای کشف جرم و حفظ آثار و ادله وقوع آن و تعقیب متهم از بدویگرد قانونی تا تسلیم به مرجع قضایی صورت می گیرد. ضابطین دادگستری حق اخذ تأمین از متهم را ندارند. ماده ۲۰ - ضابطین دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که مقام قضایی تعیین می نماید نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام کنند. چنانچه به هر علت اجرای دستور و یا تکمیل میسر نگردد موظفند در پایان هر ماه گزارش آن را با ذکر علت به مقام قضایی ذی ربط ارسال نمایند. متخلف از این امر به مجازات مقرر در ماده (۱۶) این قانون محکوم خواهد شد. ماده ۲۱ - جرم در موارد زیر مشهود محسوب می شود: ۱ - جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مامورین یاد شده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند. ۲ - در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید. ۳ - بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحی یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یاد شده به متهم محرز شود. ۴ - در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار یا فوری پس از آن دستگیر شود. ۵ - در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم ورود مامورین را به خانه خود تقاضا نماید. ۶ - وقتی که متهم ولگرد باشد. [۲۳] ماده ۲۲ - هرگاه علائم و امارات وقوع جرم مشکوک بوده و یا اطلاعات ضابطین دادگستری از منابع موثق نباشد قبل از اطلاع به مقامات قضایی تحقیقات لازم را بدون این که حق دستگیری یا ورود به منزل کسی را داشته باشند به عمل آورده و نتیجه را به مقامات یاد شده اطلاع می دهند. [۲۱] ماده ۲۳ - در مورد جرایم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت مقام قضایی محل خارج است مقام قضایی محل مکلف است کلیه اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و هر تحقیقی که برای کشف جرم لازم بداند به عمل آورده و نتیجه اقدامات خود را سریعاً به مقام قضایی صالح اعلام نماید. [۲۳ مکرر] تبصره - در مورد اشخاصی که رسیدگی به جرایم آنان در صلاحیت دادگاههای مرکز می باشد ضمن اعلام مراتب منحصرآ آثار و دلایل جرم

جمع آوری و بلافاصله به مرکز ارسال خواهد گردید. ماده ۲۴ - ضابطین دادگستری نتیجه اقدامات خود را به اطلاع مرجع قضایی صالح می‌رسانند، در صورتی که مرجع مذکور اقدامات انجام شده را کافی نیافت می‌تواند تکمیل آن را بخواهد، در این مورد ضابطین مکلفند به دستور مقام قضایی تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، لیکن نمی‌توانند متهم را در بازداشت نگهدارند و چنانچه در جرایم مشهود بازداشت متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد موضوع اتهام باید با ذکر دلایل بلافاصله کتبا به متهم ابلاغ شود و حداکثر تا مدت ۲۴ ساعت می‌توانند متهم را تحت نظر نگهداری نموده و در اولین فرصت باید مراتب را جهت اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع مقام قضایی برسانند. مقام قضایی در خصوص ادامه بازداشت و یا آزادی متهم تعیین تکلیف می‌نماید. همچنین تفتیش منازل اماکن و اشیا و جلب اشخاص در جرایم غیر مشهود باید با اجازه مخصوص مقام قضایی باشد هر چند اجرای تحقیقات به طور کلی از طرف مقام قضایی به ضابط ارجاع شده باشد. [۲۴] ماده ۲۵ - ضابطین دادگستری پس از ورود مقام قضایی تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به وی تسلیم نموده و دیگر حق مداخله ندارند، مگر به دستور مقام قضایی و یا ماموریت جدیدی که از طرف وی به آنان ارجاع می‌شود. [۲۶]

## فصل دوم اختیارات دادرسی دادگاه و قاضی تحقیق

### مبحث اول - شروع به رسیدگی و قرار بازداشت

ماده ۲۶ - در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل شده باشد، پرونده‌ها و شکایات واصله توسط رییس حوزه قضایی به شعب ارجاع می‌شود. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نماید. در غیاب رییس حوزه قضایی یا معاون وی و فوریت امر روسای شعب دیگر به ترتیب تقدم عهده‌دار ارجاع پرونده خواهند بود. ماده ۲۷ - رییس یا دادرسی هر شعبه مکلف است تحقیقات لازم را شخصا انجام دهد. این امر مانع از آن نیست که با لحاظ موازین شرعی و مقررات قانونی پاره‌ای از تحقیقات و تصمیمات به دستور و زیر نظر قاضی دادگاه وسیله قضات تحقیق یا ضابطین دادگستری به عمل آید. تعیین قاضی تحقیق با رییس حوزه قضایی یا معاون وی خواهد بود. [۳۳] ماده ۲۸ - قاضی تحقیق زیر نظر قاضی دادگاه انجام وظیفه خواهد نمود و می‌تواند پاره‌ای از اقدامات و تحقیقات را مطابق مقررات ماده قبل از ضابطین دادگستری بخواهد، در این صورت نتیجه به قاضی تحقیق اعلام می‌شود. ماده ۲۹ - مقامات و اشخاص رسمی موظفند به هنگام برخورد با امر جزایی در حوزه کاری خود مراتب را به رییس حوزه قضایی یا معاون وی اطلاع دهند. [۳۴] ماده ۳۰ - قاضی دادگاه می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یابد و بر نحوه تحقیقات نظارت نماید. [۳۶] ماده ۳۱ - قاضی تحقیق در موقع تحقیقات دستورات دادگاه را اجرا نموده و نتیجه آن را در صورت مجلس قید می‌کند و چنانچه در جریان اجرای دستور دادگاه دچار اشکالی شود به نحوی که انجام آن مقدور نباشد برای رفع اشکال مراتب را به قاضی دادگاه اعلام و طبق نظر دادگاه اقدام می‌نماید. [۳۷] ماده ۳۲ - در موارد زیر هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید، صدور قرار بازداشت موقت جایز است الف - جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام رجم صلب و قطع عضو باشد. ب - جرایم عمدی که حداقل مجازات قانونی آن سه سال حبس باشد. ج - جرایم موضوع فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی د - در مواردی که آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و دلایل جرم شده و یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعین واقعه گردیده و یا سبب شود که شهود از ادای شهادت امتناع نمایند، همچنین هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگری نتوان از آن جلوگیری نمود. ه - در قتل عمد با تقاضای اولیای دم برای اقامه بینه حداکثر به مدت شش روز. تبصره ۱ - در جرایم منافی عفت چنانچه جنبه شخصی نداشته باشد در صورتی بازداشت متهم جایز است که آزاد بودن وی موجب افساد شود. تبصره ۲ - رعایت مقررات بند (د) در بندهای (الف)، (ب) و (ج) نیز الزامی است ماده ۳۳ - قرار بازداشت موقت

توسط قاضی دادگاه صادر و به تایید رییس حوزه قضایی محل یا معاون وی می‌رسد و قابل تجدیدنظرخواهی در دادگاه تجدیدنظر استان ظرف مدت ده‌روز می‌باشد. رسیدگی دادگاه تجدیدنظر خارج از نوبت خواهد بود. در هر صورت ظرف مدت یک‌ماه باید وضعیت متهم روشن شود و چنانچه قاضی مربوطه ادامه بازداشت موقت متهم را لازم بداند به ترتیب یاد شده اقدام خواهد نمود. [۳۸]

تبصره - در صورتی که قرار بازداشت توسط رییس حوزه قضایی صادر شود و یا محل فاقد رییس حوزه قضایی و معاون باشد با اعتراض متهم پرونده به دادگاه تجدیدنظر ارسال خواهد شد. در صورتی که دادگاه تجدیدنظر اعتراض متهم را وارد تشخیص دهد قرار بازداشت متهم را فسخ و پرونده به منظور اخذ تامین مناسب دیگر به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌گردد. ماده ۳۴ - قاضی تحقیق می‌تواند در تمام مراحل تحقیقات قرار بازداشت متهم و یا قرار اخذ تامین و یا تبدیل تامین را صادر نماید، در مورد قرار بازداشت و یا قرار تامینی که منتهی به بازداشت متهم شود مکلف است حداکثر ظرف مدت (۲۴) ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد قاضی دادگاه ارسال کند. در صورت موافقت دادگاه با قرار بازداشت موقت و اعتراض متهم برابر ماده (۳۳) اقدام می‌شود. در مورد سایر قرارها در صورتی که قاضی دادگاه با آن موافق نباشد راسا مبادرت به صدور قرار متناسب می‌نماید. [۳۸] تبصره - تبدیل قرار تامین مذکور در این ماده در خصوص قرارهایی است که قاضی تحقیق راسا صادر کرده باشد. ماده ۳۵ - در موارد زیر با رعایت قیود ماده (۳۲) این قانون و تبصره‌های آن هرگاه قراین و امارات موجود دلالت بر توجه اتهام به متهم نماید صدور قرار بازداشت موقت الزامی است و تا صدور حکم بدوی ادامه خواهد یافت مشروط بر این که مدت آن از حداقل مدت مجازات مقرر قانونی جرم ارتكابی تجاوز ننماید. الف - قتل عمد، آدم ربایی اسیدپاشی و محاربه و افساد فی الارض ب - در جرایمی که مجازات قانونی آن اعدام یا حبس دایم باشد. ج - جرایم سرقت کلاهبرداری اختلاس ارتشاء، خیانت در امانت جعل و استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم حداقل یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره یا بیشتر سابقه محکومیت غیرقطعی به علت ارتكاب هر یک از جرایم مذکور را داشته باشد. د - در مواردی که آزادی متهم موجب فساد باشد. ه - در کلیه جرایمی که به موجب قوانین خاص مقرر شده باشد. [۱۳۰ مکرر] ماده ۳۶ - در حقوق الناس جواز بازداشت متهم منوط به تقاضای شاکی است ماده ۳۷ - کلیه قرارهای بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده و مستند قانونی و دلایل آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود. همچنین قاضی مکلف است در کلیه موارد پس از مهلت یک‌ماه در صورت ضرورت با ذکر دلایل و مستندات قرار بازداشت موقت را تجدید و در غیر این صورت با قرار تامین مناسب متهم را آزاد نماید. ماده ۳۸ - دادرسان دادگاه و قضات تحقیق هنگامی اقدام به تحقیقات مقدماتی می‌نمایند که طبق قانون این حق را داشته باشند. [۴۳] ماده ۳۹ - دادرسان و قضات تحقیق باید در نهایت بی‌طرفی تحقیقات را انجام داده و در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است بی‌طرفی کامل را رعایت نمایند. [۴۴] ماده ۴۰ - دادرسان و قضات تحقیق مکلفند اقدامات فوری برای جلوگیری از امحای آثار و علایم جرم به عمل آورده و در تحصیل و جمع‌آوری اسباب و دلایل جرم به هیچ وجه نباید تاخیر نمایند. [۴۵] ماده ۴۱ - دادرسان و قضات تحقیق بر تحقیقات و اقدامات ضابطین دادگستری نظارت دارند و چنانچه تکمیل تحقیقات و اقدامات انجام شده را ضروری بدانند تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نمایند. [۴۶] ماده ۴۲ - مقامات رسمی و ضابطین دادگستری موظفند دستورات دادرسان و قضات تحقیق را فوری به موقع اجرا گذارند، متخلف از این ماده به مجازات مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. [۴۷ و ۴۸] ماده ۴۳ - در غیر موارد منافی عفت دادرسان و قضات تحقیق می‌توانند اجرای تفتیش یا تحقیق از شهود و مطلعین یا جمع‌آوری اطلاعات و دلایل و امارات جرم و یا هر اقدام دیگری را که برای کشف جرم لازم بدانند با تعلیمات لازم به ضابطین ارجاع کنند. این اقدامات ارزش اماره قضایی دارد. تبصره - تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است مگر در مواردی که جرم مشهود باشد و یا دارای شاکی خصوصی بوده که در مورد اخیر توسط قاضی دادگاه انجام می‌گیرد. ماده ۴۴ - هرگاه در برابر دادرسان و قضات تحقیق هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، دادرسان و قضات تحقیق می‌توانند از قوای نظامی و انتظامی استفاده کنند. قوای یاد شده مکلف به انجام آن هستند. [۴۹] ماده ۴۵ - دادرسان قضات

تحقیق و ضابطین نمی توانند به عذر این که متهم مخفی شده یا معین نیست و یا دسترسی به او مشکل است تحقیقات خود را متوقف سازند. [۵۲]

### مبحث دوم - رد دادرسان و قضات تحقیق

ماده ۴۶ - دادرسان و قضات تحقیق در موارد زیر باید از رسیدگی و تحقیق امتناع نمایند و طرفین دعوا نیز می توانند آنان را رد کنند: الف - وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس یا قاضی تحقیق با یکی از طرفین دعوا یا اشخاصی که در امر جزایی دخالت دارند. ب - دادرس یا قاضی تحقیق قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور قاضی یا همسر او باشد. ج - دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزند آنان وارث یکی از اشخاصی باشد که در امر جزایی دخالت دارند. د - دادرس یا قاضی تحقیق در همان امر جزایی قبلاً اظهار نظر ماهوی کرده و یا شاهد یکی از طرفین باشد. ه - بین دادرس یا قاضی تحقیق و یکی از طرفین یا همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و - دادرس یا قاضی تحقیق یا همسر یا فرزندان آنان نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند. [۳۳۲]

ماده ۴۷ - رد دادرس یا قاضی تحقیق در صورت وجود جهت یا جهاتی که در ماده قبل مذکور است باید قبل از صدور رای یا انجام تحقیقات باشد مگر این که جهت رد بعد از صدور رای کشف شود که در این صورت مورد از جهات تجدیدنظر خواهد بود. [۳۳۳]

ماده ۴۸ - اظهار رد به دادرس دادگاه تسلیم می شود. هرگاه دادرس آن را بپذیرد از رسیدگی امتناع می کند و رسیدگی به دادرس علی البدل یا به شعبه دیگر ارجاع می شود و در صورت نبودن دادرس علی البدل یا شعبه دیگر، پرونده جهت رسیدگی به نزدیکترین دادگاه هم عرض فرستاده می شود. [۳۳۴] ماده ۴۹ - هرگاه دادرس اظهار رد را قبول ننماید مکلف است ظرف سه روز نظر خود را با صدور قرار لازم اعلام و به رسیدگی ادامه دهد، قرار مذکور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل درخواست تجدیدنظر در دادگاه تجدید نظر استان است به این درخواست خارج از نوبت رسیدگی خواهد شد. [۳۳۴] ماده ۵۰ - شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم می توانند به جهت یا جهاتی که موجب رد قاضی می باشد قاضی تحقیق را رد و موضوع را به صورت کتبی به دادرس دادگاه اعلام نمایند، در صورت قبول ایراد، دادرس دادگاه می تواند شخصا تحقیقات را انجام یا مراتب را جهت تعیین قاضی تحقیق دیگری به نظر رییس شعبه اول برساند. [۳۳۵]

### مبحث سوم - صلاحیت دادگاه

ماده ۵۱ - دادگاهها فقط در حوزه قضایی محل مأموریت خود ایفای وظیفه نموده و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق و رسیدگی می کنند: الف - جرم در حوزه قضایی آن دادگاه واقع شده باشد. ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده ولی در حوزه قضایی آن دادگاه کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد. ج - جرم در حوزه دادگاه دیگری واقع ولی متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه آن دادگاه مقیم باشد. [۵۳، ۵۴] ماده ۵۲ - در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی دادگاه واقع شده ولی در حوزه آن کشف یا مرتکب در حوزه آن دستگیر شده باشد و همچنین در مواردی که دادگاه محل وقوع جرم صلاحیت محلی برای رسیدگی نداشته باشد، دادگاه تحقیقات مقتضی را به عمل آورده و پرونده را همراه با متهم (در صورت دستگیری نزد دادگاه صالح ارسال می دارد). [۵۵] ماده ۵۳ - چنانچه جرمی در محلی کشف شود ولی محل وقوع آن معلوم نباشد دادگاه به تحقیقاتی که شروع کرده ادامه می دهد تا وقتی که تحقیقات ختم و یا محل وقوع جرم معلوم شود، چنانچه محل وقوع جرم مشخص نگردد، دادگاه رسیدگی را ادامه داده و اقدام به صدور رای می نماید. [۵۶] ماده ۵۴ - متهم در دادگاهی محاکمه می شود که جرم در حوزه آن واقع شده است و اگر شخصی مرتکب چند جرم در جاهای مختلف بشود در دادگاهی رسیدگی



خواهد شد که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده و چنانچه جرایم ارتكابی از حیث مجازات در یک درجه باشد دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده رسیدگی می‌نماید و در صورتی که جرایم متهم در حوزه‌های قضایی مختلف واقع شده باشد و متهم دستگیر نشده دادگاهی که ابتدائاً شروع به تعقیب موضوع نموده صلاحیت رسیدگی به کلیه جرایم مذکور را دارد. [۱۹۹] ماده ۵۵ - هر کس متهم به ارتكاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه عمومی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهمترین اتهام را دارد محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام خواهد شد. در صورتی که اتهامات از حیث کیفر مساوی باشد متهم حسب مورد به ترتیب در دادگاه انقلاب و نظامی و عمومی محاکمه می‌شود. [۱۹۷] ماده ۵۶ - شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد. [۱۹۸] ماده ۵۷ - هرگاه یکی از اتباع ایرانی در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است [۲۰۰] ماده ۵۸ - حل اختلاف در صلاحیت در امور کیفری طبق قواعد مذکور در کتاب آیین دادرسی در (امور مدنی خواهد بود. ماده ۵۹ - چنانچه تحقیق از متهم یا استماع شهادت شهود و یا معاینه محل بازرسی از منزل جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در محلی که خارج از حوزه قضایی دادگاه است لازم شود، دادگاه رسیدگی کننده با اعطای نیابت قضایی انجام آن را با ذکر صریح موارد از دادگاه آن محل تقاضای نماید. دادگاه اقدامات و تحقیقات مورد تقاضا را انجام داده و اوراق تنظیمی را پس از امضا با سایر مدارک به دست آمده نزد دادگاه نیابت‌دهنده اعاده می‌کند. [۵۷] تبصره - در مواردی که اقرار متهم و یا شهادت شاهد و یا شهادت بر شهادت شاهد، مستند رای دادگاه می‌باشد، استماع آن توسط قاضی صادرکننده رای الزامی است ماده ۶۰ - هنگامی که دادگاه درخواست تحقیق از متهمی را از دادگاه دیگری نماید، می‌تواند نوع تامین را معین کرده و یا آن را به نظر دادگاهی که تحقیق از آن درخواست شده است واگذار نماید. در مواردی که دادگاه تقاضاکننده نظری در مورد تامین اظهار نکرده باشد و یا برای دادگاهی که تحقیق از آن درخواست شده احراز شود که تامین اخذ نشده و یا آن را نامتناسب تشخیص دهد، به نظر خود تامین متناسبی اخذ خواهد کرد. [۵۷ مکرر] تبصره - دادگاه مجری نیابت می‌تواند انجام مورد نیابت را به قاضی تحقیق محول نماید. ماده ۶۱ - تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع از انجام تحقیقات نمی‌شود. [۵۸]

### مبحث چهارم - احاله

ماده ۶۲ - در امور کیفری احاله پرونده از حوزه‌ای به حوزه دیگر یک استان به درخواست رییس حوزه مبدأ و موافقت شعبه اول دادگاه تجدیدنظر همان استان و از حوزه یک استان به استان دیگر به درخواست رییس حوزه قضایی و موافقت دیوان عالی کشور صورت می‌گیرد. [۲۰۵] ماده ۶۳ - موارد احاله عبارت است از: الف - بیشتر متهمین در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند. ب - محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیکی بودن به محل واقعه بهتر بتواند رسیدگی نماید. [۲۰۶] ماده ۶۴ - علاوه بر موارد مذکور در دو ماده فوق، به منظور حفظن نظم و امنیت هرگاه رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور تشخیص دهد، پس از موافقت دیوان عالی کشور پرونده به مرجع قضایی دیگر احاله خواهد شد. [۲۰۷]

### مبحث پنجم - شروع و کیفیت تحقیقات

ماده ۶۵ - جهات قانونی برای شروع به تحقیقات و رسیدگی به قرار زیر است الف - شکایت شاکی ب - اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود. ج - جرایم مشهود در صورتی که قاضی ناظر وقوع آن باشد. د - اظهار و اقرار متهم [۲۰۹] تبصره - شروع به تحقیقات و رسیدگی منوط به ارجاع رییس حوزه قضایی می‌باشد. ماده ۶۶ - هرگاه کسی اعلام

نماید که خود، ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور دارای جنبه عمومی باشد، این اظهار برای شروع به رسیدگی کافی است هر چند دلایل دیگری برای انجام تحقیقات نباشد ولی اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده به صرف اعلام نمی توان شروع به تحقیق نمود مگر این که دلایل صحت ادعا موجود باشد. [۶۱] ماده ۶۷ - گزارشها و نامه‌هایی را که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست نمی توان مبنای شروع به رسیدگی قرار داد مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کند که موجب اخلال در نظم و امنیت عمومی است یا دارای قراینی باشد که به نظر قاضی برای شروع به تحقیق کفایت نماید. [۶۲] ماده ۶۸ - شکایت برای شروع به رسیدگی کافی است قاضی دادگاه نمی تواند از انجام آن خودداری نماید. [۶۳] ماده ۶۹ - شاکی و مدعی خصوصی می تواند شخصا یا توسط وکیل شکایت کند. در شکواییه موارد زیر باید قید شود: الف - نام نام خانوادگی نام پدر و نشانی دقیق شاکی ب - موضوع شکایت و ذکر تاریخ و محل وقوع جرم ج - ضرر و زیان مالی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است د - مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان ه - ادله و اسامی و مشخصات و نشانی شهود و مطلعین در صورت امکان [۲۱۱، ۲۱۰، ۶۴] تبصره ۱ - در حوزه‌هایی که شعب دادگاه متعدد باشد عرضحال شاکی در دفتر کل ثبت و توسط رییس حوزه قضایی به یکی از شعب ارجاع می شود. تبصره ۲ - چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی توسط دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاکی می رسد. [۲۱۲، ۶۵] ماده ۷۰ - هرگاه شاکی نتواند متهم را معین نماید یا دلایل اقامه دعوا کافی نباشد و یا شاکی از شکایت خود صرف نظر نموده ولی موضوع از جرایم غیرقابل گذشت باشد، دادگاه تحقیقات لازم را انجام می دهد. [۲۱۳] ماده ۷۱ - قضات ذی ربط و ضابطین دادگستری موظفند شکایت کتبی یا شفاهی را همه وقت قبول نمایند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضای شاکی می رسد، اگر شاکی نتواند امضا کند یا سواد نداشته باشد مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت شفاهی با مندرجات صورت مجلس تصدیق می شود. [۲۱۲] ماده ۷۲ - در مواردی که تعقیب امر جزایی منوط به شکایت شاکی خصوصی است و متضرر از جرم محجور (صغیر، غیر رشید یا مجنون بوده و دسترسی به ولی یا قیم او نباشد یا مجنی علیه ولی یا قیم نداشته باشد و نصب قیم موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادگاه شخص دیگری را به عنوان قیم موقت تعیین می کند و یا خود، امر جزایی را تعقیب نموده و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری دلایل جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. [۶۶ مکرر] تبصره - در خصوص غیر رشید فقط در دعاوی غیرمالی ترتیب مذکور در این ماده لازم الرعایه می باشد. ماده ۷۳ - شاکی حق دارد هنگام تحقیقات شهود خود را معرفی و دلایل خود را اظهار نماید و نیز از صورت جلسه تحقیقات مقدماتی که منافی با محرمانه بودن تحقیقات نباشد پس از پرداخت هزینه رونوشت بگیرد. [۶۷] ماده ۷۴ - شاکی می تواند تامین ضرر و زیان خود را از دادگاه تقاضا کند، در صورتی که تقاضای شاکی مبتنی بر دلایل قابل قبول باشد دادگاه قرار تامین خواسته را صادر می نماید، این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض است [۶۸] ماده ۷۵ - در صورتی که خواسته شاکی عین معین نبوده و یا عین معین بوده لکن توقیف آن ممکن نباشد، دادگاه معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی متهم توقیف می کند و اگر تقاضای تبدیل توقیف اموال متهم به ضامن بشود، دادگاه طبق مقررات آیین دادرسی مدنی عمل می نماید. قرار تامین به محض ابلاغ به موقع اجرا گذاشته می شود. [۶۸ مکرر] ماده ۷۶ - در صورتی که ثابت شود شاکی تعددا اقدام به طرح شکایت خلاف واقع نموده به پرداخت خسارات طرف شکایت طبق نظر دادگاه محکوم خواهد شد. [۶۹] ماده ۷۷ - چنانچه ضمن تحقیق قاضی دادگاه جرم دیگری را کشف نماید که به جرم اول مربوط نیست در صورتی که شعبه دادگاه منحصر به فرد باشد به آن جرم نیز رسیدگی می نماید و چنانچه شعب دادگاه متعدد باشد اقدامات لازم را موافق قوانین برای حفظ آثار و امارات جرم مکشوف و جلوگیری از فرار متهم به عمل آورده و مراتب را به رییس حوزه قضایی اطلاع می دهد. [۷۲]

ماده ۷۸- معاینه محل توسط قاضی دادگاه و یا قاضی تحقیق و یا به دستور آنان توسط ضابطین دادگستری و یا اهل خبره مورد وثوق قاضی انجام می شود. هنگام معاینه محل اشخاصی که در امر جزایی شرکت دارند می توانند حاضر شوند لکن عدم حضور آنان مانع انجام معاینه نخواهد بود. [۷۳] ماده ۷۹- معاینه محل در روز به عمل می آید، مگر در مواردی که فوریت دارد. [۷۴] ماده ۸۰- هنگام تحقیق و معاینه محل تمامی آثار و علائم مشهوده و مکشوفه که به نحوی در قضیه موثر است در صورت مجلس قید میشود. [۷۵] ماده ۸۱- برای حضور در معاینه و تحقیق محلی علاوه بر شهود واقعه از مطلعین نیز دعوت می شود. در موارد فوری قاضی می تواند اشخاصی را که حضور آنان ضروری است به محل احضار نماید. [۷۶] ماده ۸۲- اشخاصی که برای حضور در معاینه و تحقیق محلی دعوت شده اند و حضور آنان ضروری باشد چنانچه در جرایم محل امنیت و خلاف نظم عمومی بوده و بدون عذر موجه حاضر نشوند به دستور قاضی جلب خواهند شد. [۷۷] ماده ۸۳- از اهل خبره هنگامی دعوت به عمل می آید که اظهار نظر آنان از جهت علمی یا فنی و یا معلومات مخصوص لازم باشد از قبیل پزشک داروساز، مهندس ارزیاب و دیگر صاحبان حرف چنانچه در جرایم محل امنیت و یا خلاف نظم عمومی اهل خبره بدون عذر موجه حضور نیابد و من به الکفایه هم نباشد، به حکم قاضی جلب خواهد شد. [۷۸، ۲۵۷] ماده ۸۴- قاضی مکلف است پرسشهای لازم را از اهل خبره به صورت کتبی و یا شفاهی به عمل آورده و آن را در صورت مجلس قید نماید. در صورتی که بعضی از آثار از نظر قاضی حایز اهمیت در کشف حقیقت باشد ولی به نظر خبره این اهمیت را نداشته باشد، خبره مکلف است به درخواست قاضی نسبت به آن اظهار نظر نماید. [۸۰] ماده ۸۵- هنگام تحقیق توسط اهل خبره چنانچه قاضی لازم بداند میتواند حضور یابد. [۷۹] ماده ۸۶- اگر رسیدگی براساس شکایت شاکی باشد و شاهدی را معرفی نماید که دادگاه علم به شاهد گرفتن او در هنگام وقوع جرم داشته باشد و یا احقاق حق متوقف به شهادت شاهد باشد که دادگاه علم به شاهد بودن وی دارد و یا تحقیق به جهت ارتباط جرم با امنیت و نظم عمومی باشد، احضار شاهد جایز است ماده ۸۷- هرگاه در عقاید اهل خبره اختلافی حاصل شود یا عقیده آنان به نظر قاضی مشکوک باشد قاضی میتواند از خبرگان دیگری دعوت نماید و یا نظریه آنان را نزد متخصصین علم یافن مربوط ارسال و عقیده آنان را استعلام نماید. [۸۱] ماده ۸۸- برای معاینه اجساد و جراحتهای آثار و علائم ضرب و صدمه های جسمی و آسیبهای روانی و سایر معاینه ها و آزمایشهای پزشکی، قاضی از پزشک قانونی معتمد دعوت می نماید و اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جای پزشک قانونی نباشد پزشک معتمد دیگری دعوت میشود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد قاضی می تواند از پزشک متخصص دعوت به عمل آورد. [۸۲] ماده ۸۹- قاضی میتواند در صورت لزوم به یک پزشک اکتفا کرده و از چند پزشک دعوت کند. پزشک معالج مستثنا خواهد بود. [۸۳] ماده ۹۰- قاضی تا زمان حضور پزشک اقدامات لازم را برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت و غیره به عمل می آورد. [۸۴] ماده ۹۱- شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند می توانند به نظریه اهل خبره اعتراض نمایند. مراتب اعتراض در صورت مجلس قید می شود. [۸۵] ماده ۹۲- پزشک باید نظریه خود را حداکثر ظرف سه روز به قاضی اعلام نماید مگر در مواردی که اظهار نظر مستلزم مدت بیشتری باشد. [۸۶] ماده ۹۳- در صورت اختلاف نظر پزشکان و یا تناقض نظر پزشک با اوضاع و احوال واقعه قاضی نظر پزشک را نزد پزشکانی که تخصص بیشتری دارند میفرستد، اشخاص یاد شده نظر خود را در صورت لزوم پس از اخذ توضیح از پزشکی که معاینه نموده و یا با معاینه مستقیم به طور کتبی به قاضی اعلام میکنند. [۸۷] ماده ۹۴- هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد قاضی علائم و مشخصات جسد و اثر انگشت او را به طور دقیق در صورت مجلس قید می نماید و در صورت امکان دستور عکسبرداری از آن میدهد، سپس برای تشخیص هویت متوفی به هر وسیله ای که مقتضی بداند اقدام مینماید. [۸۸] ماده ۹۵- هرگاه قاضی تحقیق در جریان تحقیقات متوجه شود که متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده است تحقیقات لازم را از کسان و نزدیکان او و سایر مطلعین به عمل آورده و نظریه پزشک متخصص را در این مورد تحصیل مراتب را در صورت مجلس قید کرده

پرونده را به دادگاه ارسال می دارد. دادگاه پس از بررسی پرونده هرگاه تحقیقات قاضی تحقیق و اهل خبره را کافی دید و از صحت آن مطمئن شد از نظر جزایی قرار موقوفی تعقیب صادر و در مورد دیه یا خسارات مالی در صورت مطالبه حکم مقتضی صادر مینماید، و چنانچه اطمینان به صحت تحقیقات حاصل نکرد، به تحقیق و جلب نظر اهل خبره تا حصول نتیجه ادامه میدهد. شخص مجنون با اذن ولی و یا در صورت ضرورت به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل خواهد شد. [۸۹]

### فصل سوم تفتیش و بازرسی منازل و اماکن و کشف آلات و ادوات جرم

ماده ۹۶ - تفتیش و بازرسی منازل اماکن و اشیا در مواردی به عمل می آید که حسب دلایل ظن قوی به کشف متهم یا اسباب و آلات و دلایل جرم در آن محل وجود داشته باشد. [۹۱] ماده ۹۷ - چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص مزاحمت نماید، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد. ماده ۹۸ - تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی و شهود تحقیق و در غیاب وی در حضور ارشد حاضرین به عمل می آید. تفتیش و بازرسی اماکن نیز حتی المقدور با حضور صاحبان یا متصدیان آنها انجام می شود. [۹۲، ۲۵۳] تبصره - هرگاه در محلی که از آن تفتیش و بازرسی به عمل می آید کسی نباشد و تفتیش و بازرسی نیز فوریت داشته باشد، قاضی می تواند با قید مراتب در صورت جلسه دستور باز کردن محل را بدهد. ماده ۹۹ - اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند می توانند در موقع تفتیش و بازرسی حاضر باشند ولی سایر اشخاص نمی توانند داخل شوند مگر با اجازه متصرف قانونی [۹۳، ۲۵۳] ماده ۱۰۰ - تفتیش و بازرسی منازل در روز به عمل می آید و هنگام شب در صورتی انجام می گیرد که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را قاضی باید در صورت مجلس قید نماید. [۹۴، ۲۵۴] ماده ۱۰۱ - در صورت لزوم قاضی می تواند ورود و خروج به محل بازرسی را ممنوع نماید و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی استفاده کند. [۹۵] ماده ۱۰۲ - در صورتی که متصرفین قانونی اماکن یا متصدیان آنها دستور قاضی را در باز کردن محلها و اشیا بسته اجرا ننمایند، قاضی می تواند دستور باز کردن را بدهد ولی مکلف است حتی المقدور از اقداماتی که باعث ورود خسارت می شود احتراز نماید. [۹۶] ماده ۱۰۳ - از اوراق و نوشته ها و سایر اشیا متعلق به متهم فقط آنچه که راجع به واقعه جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارایه می شود و قاضی مکلف است در مورد سایر نوشته ها و اشیا متعلق به متهم با کمال احتیاط رفتار نموده و موجب افشای مضمون و محتوای آنها که ارتباط به جرم ندارد نشود. [۹۷] ماده ۱۰۴ - در مواردی که ملا-حظه تفتیش و بازرسی مراسلات پستی مخابراتی صوتی و تصویری مربوط به متهم برای کشف جرم لازم باشد قاضی به مراجع ذی ربط اطلاع می دهد که اشیا فوق را توقیف نموده نزد او بفرستند، بعد از وصول آن را در حضور متهم ارایه کرده و مراتب را در صورت مجلس قید نموده و پس از امضای متهم آن را در پرونده ضبط می نماید. استتکاف متهم از امضا در صورت مجلس قید می شود و چنانچه اشیا مزبور حایز اهمیت نبوده و ضبط آن ضرورت نداشته باشد با اخذ رسید به صاحبش مسترد می شود. [۹۹] تبصره - کنترل تلفن افراد جز در مواردی که به امنیت کشور مربوط است و یا برای احقاق حقوق اشخاص به نظر قاضی ضروری تشخیص داده شود، ممنوع است ماده ۱۰۵ - مقامات و مامورین وزارتخانه ها، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت و نهادها و شهرداریها و ماموران به خدمات عمومی و بانکها و دفاتر اسناد رسمی و دستگاههایی که شمول قانون در مورد آنها مستلزم ذکر نام است مکلفند اسباب و دلایل جرم و اطلاعات و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری که مراجعه به آنها برای تحقیق امر جزایی لازم است به درخواست مرجع قضایی رسیدگی کننده ابراز نموده و در دسترس آنها بگذارند. مگر در مورد اسناد سری دولتی که در این صورت باید با اجازه رییس قوه قضاییه باشد، متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از شش ماه تا یک سال خواهد شد. [۱۰۱] ماده ۱۰۶ - هرگاه متهم نوشته های خود را که مؤثر در کشف جرم است به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد قاضی می تواند آنها را

حسب مورد در حضور و کیل یا آن شخص بررسی نماید و در صورت استتکاف از ارایه آنها، مستتکف به مجازات مقرر برای خلاصی متهم از محاکمه محکوم خواهد شد. [۱۰۲] ماده ۱۰۷ - آلات و ادوات جرم از قبیل حربه اسلحه اسناد ساختگی سکه تقلبی و کلیه اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و می تواند موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد باید ضبط شده و در صورت مجلس هریک از اشیای مزبور تعریف و توصیف شود. [۱۰۳] ماده ۱۰۸ - آلات و ادوات جرم را باید شماره گذاری و ممهور و حفظ نمود و آنچه را که قاضی تحصیل می کند باید با ذکر مشخصات به صاحبش رسید بدهد. [۱۰۴] ماده ۱۰۹ - هرگاه دلایل جرم چیزی باشد که نتوان از محل جدا و خارج نمود (مثل خونی که ریخته، در این صورت قاضی باید نسبت به حفظ دلایل یاد شده اقدام نماید و اگر لازم باشد محل را قفل و مهر و موم کرده حفاظت آن را به نیروی انتظامی یا مستحفظ مخصوص بسپارد. [۱۰۵] ماده ۱۱۰ - از مایعاتی که قابل تجزیه است باید به قدر لزوم تحصیل و در ظرفی ریخته مهر و موم شود به طوری که ضایع یا تفریط نگردد. از مایعات باید حداقل سه ظرف به عنوان نمونه برداشته شود. [۱۰۶] ماده ۱۱۱ - اموال مسروقه یا اشیایی که به واسطه ارتکاب جرم تحصیل شده و یا هر نوع مالی که در جریان تحقیقات توقیف شده باید به دستور قاضی به کسی که مال از او سرقت رفته و یا اخذ شده مسترد شود. مگر این که وجود تمام یا قسمتی از آنها در موقع تحقیق یا دادرسی لازم باشد که در این صورت پس از رفع احتیاج به دستور قاضی مسترد می شود. اشیایی که برابر قانون باید ضبط یا معدوم شود از حکم این ماده مستثنا است [۱۰۷]

## فصل چهارم بازجویی و اخذ تأمین

### مبحث اول - احضار و بازجویی متهم

ماده ۱۱۲ - احضار متهم به وسیله احضارنامه به عمل می آید. احضارنامه در دو نسخه فرستاده می شود، یک نسخه را متهم گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مامور احضار رد می کند. [۲۱۸، ۱۰۸] ماده ۱۱۳ - در احضارنامه اسم و شهرت احضار شده و تاریخ و علت احضار و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. تبصره - در جرایمی که مصلحت اقتضا نماید، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نخواهد شد. [۲۱۹، ۱۰۹] ماده ۱۱۴ - هرگاه احضار شده سواد نداشته باشد، مضمون احضارنامه در حضور دو نفر شاهد ابلاغ می شود. ترتیبات ابلاغ احضارنامه به گونه مقرر در فصل مربوط به آیین دادرسی مدنی خواهد بود. [۱۱۰] ماده ۱۱۵ - هرگاه در امر جزایی ابلاغ احضاریه به واسطه معلوم نبودن محل اقامت ممکن نشود و به طریق دیگری هم ابلاغ احضاریه ممکن نگردد با تعیین وقت رسیدگی متهم یک نوبت وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا محلی احضار و در صورت عدم حضور، قاضی رسیدگی و با لحاظ مواد (۲۱۷) و (۲۱۸) این قانون اظهار عقیده می نماید. تاریخ نشر آگهی تا روز دادرسی کمتر از یک ماه نباید باشد. [۱۱۱] ماده ۱۱۶ - متهم موظف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام نماید. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود: ۱ - نرسیدن احضارنامه یا دیر رسیدن به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود. ۲ - مرضی که مانع از حرکت است ۳ - فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم ۴ - ابتلا به حوادث مهم از قبیل حریق و امثال آن ۵ - عدم امکان تردد به واسطه حوادث قهری مانند طغیان رودخانه و امراض مسری از قبیل وبا و طاعون ۶ - در توقیف بودن [۱۱۲]، [۱۱۳] ماده ۱۱۷ - اشخاصی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشند به دستور قاضی جلب می شوند. [۲۲۲، ۱۱۴] ماده ۱۱۸ - قاضی می تواند در موارد زیر بدون این که بدوا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر نماید: الف - در جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص اعدام و قطع عضو می باشد. ب - متهمینی که محل اقامت یا شغل و کسب آنها معین نبوده و اقدامات قاضی برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد. [۱۱۵] ماده ۱۱۹ - جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می آید. برگ جلب که مضمونش مضمون احضاریه است باید به متهم ابلاغ شود. [۱۱۶] ماده ۱۲۰ - مامور جلب پس از ابلاغ

برگ جلب متهم را دعوت می نماید که با او نزد قاضی حاضر شود. چنانچه متهم امتناع نماید او را جلب و تحت الحفظ به مرجع قضایی تسلیم خواهد نمود و در صورت نیاز می تواند از سایر ماموران استمداد نماید. کسانی که در امتناع متهم به او کمک نمایند تحت تعقیب قانونی قرار خواهند گرفت [۱۱۷] ماده ۱۲۱ - جلب متهم به استثنای موارد فوری باید در روز به عمل آید. [۱۱۸] ماده ۱۲۲ - در صورتی که متهم غایب باشد برگ جلب در اختیار ضابطین دادگستری قرار می گیرد تا هر جا متهم را یافتند جلب و تحویل مقام قضایی نمایند. [۱۱۹] تبصره - در صورت ضرورت قاضی می تواند برگ جلب را در اختیار شاکی قرار دهد تا به معرفی او، ضابطین متهم را جلب و تحویل مرجع قضایی نمایند. ماده ۱۲۳ - متهم از هنگام ابلاغ برگ جلب تا حضور نزد قاضی تحت نظر و محافظت خواهد بود. [۱۲۰] تبصره - مامورین مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله تحویل مقام قضایی دهند و در صورتی می توانند وی را بازداشت نمایند که بیم تبانی و خوف فرار و امحای آثار جرم باشد و در هر صورت حق نگهداری وی را بیش از (۲۴) ساعت بدون اجازه مقام قضایی ندارند. ماده ۱۲۴ - قاضی نباید کسی را احضار یا جلب کند، مگر این که دلایل کافی برای احضار یا جلب موجود باشد. [۱۲۱] ماده ۱۲۵ - هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری نتواند نزد قاضی حاضر شود در صورت اهمیت و فوری بودن امر جزایی قاضی نزد او رفته و بازجویی لازم را به عمل می آورد و یا منتظر رفع مانع می شود. [۱۲۲] ماده ۱۲۶ - در مواردی که مصلحت اقتضا نماید، قاضی می تواند تحقیقات را شخصا با حضور در محل افرادی که تحقیق از آنها لازم است انجام دهد. ماده ۱۲۷ - قاضی مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم تحقیقات را شروع و در صورت عدم امکان حداکثر ظرف (۲۴) ساعت مبادرت به تحقیق نماید. در غیر این صورت بازداشت غیر قانونی تلقی و مرتکب به مجازات مقرر قانونی محکوم خواهد شد. [۱۲۳، ۱۲۴] ماده ۱۲۸ - متهم می تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می شود. [تبصره ۱۱۲] تبصره - در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیر متهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور، حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. ماده ۱۲۹ - قاضی ابتدا هویت و مشخصات متهم (اسم پدر، شهرت فامیل سن شغل عیال اولاد و تابعیت و همچنین آدرس (شهر، بخش دهستان روستا، خیابان کوچه و شماره منزل او را دقیقاً سوال نموده به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق به آسانی مقدور باشد و متذکر می شود که مواظب اظهارات خود باشد و سپس موضوع اتهام و دلایل آن را به صورت صریح به متهم تفهیم می کند آن گاه شروع به تحقیق می نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی یا اغفال یا اکراه و اجبار متهم ممنوع است چنانچه متهم از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس قید می شود. [۱۲۵] تبصره ۱ - قاضی در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می کند، محل اقامت قانونی اوست و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل اقامت جدید را به گونه ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند، در غیر این صورت احضاریه ها به محل اقامت سابق فرستاده خواهد شد. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و طفره و تعلقل به گونه ای که ابلاغ اوراق متعسر باشد پذیرفته نیست و کلیه اوراق به همان محل سابق ابلاغ خواهد شد. تشخیص این موضوع با مقامی است که رسیدگی می نماید. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی لازم است تبصره ۲ - تخلف مامورین ابلاغ در انجام وظایف خود و یا گزارش خلاف واقع آنان در امور مربوط به وظایفشان مشمول مجازات مقرر قانونی خواهد بود. ماده ۱۳۰ - از متهمین جز در مورد مواجهه به صورت انفرادی بازجویی به عمل می آید و نباید با همدیگر وارد در گفتگو و مواضعه شوند. رعایت موازین شرعی در مورد متهمین زن ضروری می باشد. [۱۲۶] ماده ۱۳۱ - پاسخ سوالات همان طوری که بیان می شود باید بدون تغییر و تبدیل یا تحریف نوشته شود. متهمین با سواد می توانند شخصا پاسخ سوالات را بنویسند. [۱۲۷]

ماده ۱۳۲ - به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی در موارد لزوم و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن یا تبانی با دیگری قاضی مکلف است پس از تفهیم اتهام به وی یکی از قرارهای تامین کیفری زیر را صادر نماید: ۱ - التزام به حضور با قول شرف ۲ - التزام به حضور با تعیین وجه التزام تا ختم محاکمه و اجرای حکم و در صورت استنکاف تبدیل به وجه الکفاله ۳ - اخذ کفیل با وجه الکفاله ۴ - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیر منقول ۵ - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر در این قانون [۱۲۹] تبصره - قاضی مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه به کفیل یا وثیقه گذار (چنانچه وثیقه گذار غیر از متهم باشد) تفهیم نماید، در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه گذار نسبت به وصول وجه الکفاله و ضبط وثیقه طبق مقررات این قانون اقدام خواهد شد. ماده ۱۳۳ - با توجه به اهمیت و دلایل جرم دادگاه می تواند علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل قرار عدم خروج متهم را از کشور صادر نماید. مدت اعتبار این قرار شش ماه است و چنانچه دادگاه لازم بداند می تواند هر شش ماه یک بار آن را تمدید نماید. این قرار پس از ابلاغ ظرف مدت بیست روز قابل اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان می باشد. تبصره - در صورت فسخ قرار توسط مرجع صادر کننده یا نقض آن توسط مرجع تجدید نظر و یا صدور قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا براءة متهم دادگاه بدوی مکلف است مراتب را بلافاصله به مراجع ذی ربط اطلاع دهد. ماده ۱۳۴ - تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و از بین رفتن آثار جرم و سابقه متهم و وضعیت مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد. [۱۳۰] ماده ۱۳۵ - کفالت شخصی پذیرفته می شود که اعتبار او به تشخیص قاضی صادر کننده قرار برای پرداخت وجه الکفاله محل تردید نباشد. در صورت فرار متهم یا عدم دسترسی به او در مواردی که حضور متهم ضروری تشخیص داده شود کفیل ملزم به پرداخت وجه الکفاله خواهد بود. [۱۳۱] ماده ۱۳۶ - مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله یا وجه التزام نباید در هر حال کمتر از خسارتهایی باشد که مدعی خصوصی درخواست می کند. [۱۳۲] ماده ۱۳۷ - قاضی در خصوص قبول وثیقه یا کفیل قرار صادر نموده و پس از امضای کفیل یا وثیقه گذار، خود نیز امضا می نماید و در صورت درخواست رونوشت آن را به کفیل یا وثیقه گذار می دهد. [۱۳۳] ماده ۱۳۸ - متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده، در صورت عجز از معرفی کفیل یا تودیع وثیقه بازداشت خواهد شد. [۱۳۵] ماده ۱۳۹ - هرگاه متهم در مواعد مقرر حاضر شده یا بعد از آن حاضر و عذر موجه خود را ثابت نماید و یا پرونده مختومه شده باشد، وثیقه مسترد و یا کفیل از مسوولیت مبرا می شود. [۱۳۶] تبصره ۱ - کفیل یا وثیقه گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحویل متهم می تواند درخواست رفع مسوولیت و یا آزادی وثیقه خود را بنماید. تبصره ۲ - هرگاه متهم یا محکوم علیه در مواعد مقرر حاضر شده باشد به محض شروع اجرای حکم جزایی و یا قطعی شدن قرار تعلیق اجرای مجازات قرار تامین ملغی الاثر می شود. ماده ۱۴۰ - هرگاه متهمی که التزام یا وثیقه داده در موقعی که حضور او لازم بوده بدون عذر موجه حاضر نشود وجه التزام به دستور رییس حوزه قضایی از متهم اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد. اگر شخصی از متهم کفالت نموده یا برای او وثیقه سپرده و متهم در موقعی که حضور او لازم بوده حاضر نشده به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می شود ظرف بیست روز متهم را تسلیم نماید. در صورت عدم تسلیم و ابلاغ واقعی اخطاریه به دستور رییس حوزه قضایی وجه الکفاله اخذ و وثیقه ضبط خواهد شد. [۱۳۶ مکرر] ماده ۱۴۱ - چنانچه ثابت شود کفیل یا وثیقه گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اخطاریه نشانی حقیقی خود را به مرجع قبول کننده کفالت اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده ابلاغ قانونی اخطاریه برای وصول وجه الکفاله و یا ضبط وثیقه کافی است ماده ۱۴۲ - خواستن متهم از کفیل یا وثیقه گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات یا محاکمه یا اجرای حکم ضرورت دارد ممنوع است [تبصره ۱۳۶ مکرر] ماده ۱۴۳ - متهم کفیل و وثیقه گذار می تواند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور رییس حوزه قضایی در مورد پرداخت وجه التزام یا وجه الکفاله یا ضبط وثیقه به دادگاه تجدید نظر شکایت نماید: الف - در صورتی که بخواهند ثابت نمایند متهم در موعد مقرر حاضر

شده یا او را حاضر نموده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر نموده است ب - هرگاه بخواهند ثابت نمایند به جهات یاد شده در ماده (۱۱۶) این قانون متهم نتوانسته حاضر شود و یا کفیل به یکی از آن جهات نتوانسته او را حاضر کند. ج - هرگاه بخواهند ثابت نمایند متهم قبل از موعد فوت کرده‌است د - در صورتی که بخواهند ثابت نمایند پس از صدور قرار قبول کفالت یا التزام معسر شده‌اند. [تبصره ۱۳۶ مکرر] تبصره - دادگاه در تمام موارد نسبت به شکایت خارج از نوبت و بدون تشریفات دادرسی رسیدگی کرده مادام که عملیات اجرایی را موقوف نموده یا حکم به نفع کفیل یا وثیقه‌گذار یا متهم صادر نکرده عملیات یاد شده ادامه خواهد داشت و در صورت صدور حکم به نفع معترض وجوه و اموال اخذ و ضبط شده بازگردانده می‌شود. ماده ۱۴۴ - چنانچه قرار منع پیگرد یا موقوفی تعقیب یا براءت متهم صادر شود یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود قرارهای تامین صادره ملغی‌الاثرا خواهد بود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تامین وثیقه رفع اثر نماید. ماده ۱۴۵ - در مواردی که متهم حضور نیافته و محکوم شده محکوم به یا ضرر و زیان مدعی خصوصی از تامین گرفته شده پرداخت خواهد شد و زاید بر آن به نفع دولت ضبط می‌شود. ماده ۱۴۶ - در صورتی که محکوم علیه علاوه بر حبس به جزای نقدی یا ضرر و زیان مدعی خصوصی محکوم شده باشد و مجموعه محکوم به کمتر از تامین گرفته شده باشد فقط تامین محکومیت وی از وثیقه تودیعی یا وجه‌الکفاله یا وجه التزام پرداخت خواهد شد و زاید بر آن بازگردانده می‌شود و در این صورت حکم اجرا شده تلقی می‌شود. ماده ۱۴۷ - قرار تامین باید به متهم ابلاغ شود. در صورتی که قرار صادره منتهی به بازداشت وی گردد نوع قرار در برگ اعزام درج می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی بازداشت شده باشد این جهت نیز در برگ اعزام قید می‌گردد. تبصره - در صورتی که قرار صادره قابل اعتراض باشد صادرکننده قرار مکلف است قابل اعتراض بودن قرار را به متهم تفهیم و در پرونده قید نماید.

### فصل پنجم شاهد، شهادت جرح و تعدیل شهود

#### مبحث اول - احضار شهود تحقیق و مطلعین

ماده ۱۴۸ - قاضی اشخاصی را که به تشخیص خود یا به معرفی شاکی یا اعلام مقامات ذی ربط یا به تقاضای متهم برای روشن شدن اتهام لازم بداند، برابر اصول مقرر احضار می‌نماید. [۱۳۹] ماده ۱۴۹ - شهود تحقیق و مطلعین به دستور قاضی توسط ضابطین یا مامورین ابلاغ و یا به هر طریقی که قاضی مقتضی بداند با رعایت مفاد ماده (۸۶) این قانون احضار می‌شوند. [۱۴۰] ماده ۱۵۰ - در صورتی که یکی از شهود تحقیق یا مطلعین از تابعین نیروهای مسلح باشد، باید حداقل ۲۴ ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رئیس او دعوت شود. فرمانده و یا رئیس مربوط مکلف است پس از وصول دستور دادگاه شخص احضار شده را در موقع مقرر اعزام نماید. [۱۴۲] ماده ۱۵۱ - قاضی از هریک از شهود و مطلعین جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می‌نماید و اظهاراتشان را نوشته به امضا یا اثر انگشت آنان می‌رساند. تحقیق مجدد و مواجهه آنان در صورت ضرورت بلامانع است [۱۴۳] ماده ۱۵۲ - تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعین قبل از محاکمه غیرعلنی است [۱۴۴] ماده ۱۵۳ - شهود تحقیق و مطلعین قبل از اظهار اطلاعات خود باید به شرح زیر سوگند یاد نمایند: «به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان نمایم. [۱۴۵] تبصره - در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت شاهد عادل باشد و شاهد از اتیان سوگند استنکاف نماید بدون سوگند شهادت وی استماع خواهد شد. ماده ۱۵۴ - قاضی قبل از شروع به تحقیق نام نام خانوادگی اسم پدر، شغل محل اقامت میزان سواد، درجه قرابت سببی یا نسبی و خادم یا مخدوم بودن شاهد یا مطلع را نسبت به طرفین پرونده و سابقه کیفری او سوال کرده و در صورت مجلس قید می‌نماید. [۱۴۵] ماده ۱۵۵ - در مواردی که قاضی به شهادت شاهد به عنوان دلیل شرعی استناد می‌نماید لازم است شاهد دارای شرایط زیر باشد: ۱ - بلوغ ۲ - عقل ۳ - ایمان ۴ - طهارت مولد ۵ - عدالت ۶ - عدم وجود انتفاع شخصی برای شاهد



یا رفع ضرر از وی ۷- عدم وجود دشمنی بین شاهد و طرفین دعوا ۸- عدم اشتغال به تکدی و ولگردی تبصره ۱- در مورد عداوت دنیوی چنانچه شهادت شاهد به نفع طرف باشد پذیرفته می‌شود. تبصره ۲- در حقوق الناس شهادت در صورتی پذیرفته خواهد بود که به دستور دادگاه صورت گیرد. تبصره ۳- کسی که سابقه فسق یا اشتهار به فساد دارد چنانچه به منظور ادای شهادت توبه کند تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی شهادتش پذیرفته نمی‌شود. ماده ۱۵۶- در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط شهادت نباشند بدون یاد کردن سوگند اظهارات ایشان برای اطلاع بیشتر استماع می‌شود. [۱۴۶] ماده ۱۵۷- پس از این که ابراز شهادت یا اظهار اطلاعات به اتمام رسید متن آن قرائت و به امضای شاهد یا مطلع می‌رسد. هرگاه شاهد یا مطلع فاقد امضا باشد انگشت می‌زند و اگر از امضا یا زدن انگشت امتناع ورزد یا قادر به امضا و زدن انگشت نباشد مراتب در برگ تحقیق قید می‌شود، در این صورت تمامی اوراق تحقیق باید به امضای قاضی و منشی برسد. [۱۴۷] ماده ۱۵۸- در اوراق بازجویی نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات به کلی ممنوع است اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد باید بر روی آن خطی نازک کشیده و این موضوع قید شود و قاضی و شخصی که از وی تحقیق می‌شود آن را امضا نمایند، همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شود باید اشخاص یاد شده زیر آن را امضا نمایند و هرگاه این ترتیب رعایت نشود کلمات مزبور از درجه اعتبار ساقط است [۱۵۰] ماده ۱۵۹- هریک از شهود تحقیق و مطلعین باید در موعد مقرر حاضر شوند، در صورت عدم حضور برای بار دوم احضار می‌گردند، چنانچه بدون عذر موجه حضور نیابند به دستور دادگاه جلب خواهند شد. رعایت مفاد ماده (۸۶) الزامی است [۱۵۱، ۱۵۲، ۲۲۵، ۲۲۶] ماده ۱۶۰- در صورتی که شهود یا مطلعین برای حضور در دادگاه مدعی ضرر و زیانی از حیث شغل و کار خود شوند و یا درخواست هزینه ایاب و ذهاب نمایند دادگاه پس از تشخیص ورود ضرر، میزان آن را تعیین می‌نماید و متقاضی احضار مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌باشد. هرگاه متقاضی احضار، توانایی پرداخت هزینه یاد شده را به تشخیص مرجع احضار کننده نداشته باشد و یا احضار به دستور مرجع رسیدگی کننده باشد از بیت‌المال پرداخت خواهد شد. [۱۵۳]، [۲۲۹] تبصره- دادگاه می‌تواند برای تعیین میزان ضرر و زیان از نظر کارشناس استفاده نماید. ماده ۱۶۱- در صورتی که شاهد یا مطلع بیمار بوده و نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود و مطلعین زیاد بوده و در یک محل مقیم باشند مانند کارگران یک کارخانه قاضی به محل اقامت آنان رفته تحقیق می‌کند. [۱۵۴، ۱۵۵، ۲۲۷] ماده ۱۶۲- چنانچه مطلعین خارج از حوزه ماموریت قاضی و در حوزه دادگاه دیگر ساکن باشند قاضی به دادگاه محل سکونت آنان نیابت می‌دهد تا اظهارات مطلعین را صورت جلسه نموده اوراق تحقیق را برای دادگاه ارسال کند. [۱۵۶ و ۲۲۷] ماده ۱۶۳- در مواردی که دادگاه از قاضی حوزه دیگری درخواست تحقیق و تفحص نماید در صورت تعدد قاضی با ارجاع رییس حوزه یا معاون وی هریک از آنان می‌توانند اقدام نموده نتیجه تحقیقات خود را به دادگاه درخواست کننده ارسال کنند. [۱۵۶] ماده ۱۶۴- هرگاه برای کشف جرم و روشن شدن موضوع و نکات لازم در مورد شغل و خصوصیات اخلاقی متهم و سوابق زندگی او تحقیقات محلی ضرورت داشته باشد و همچنین در مواردی که متهم یا شاکی به اطلاعات اهل محل استناد نمایند و یا قاضی تحقیق از اهل محل را ضروری بداند اقدام به تحقیقات محلی می‌نماید. [۱۵۷] ماده ۱۶۵- هرگاه حضور متهم در محل تحقیقات ضروری باشد یا متهم تقاضای حضور در محل را داشته و در بازداشت باشد به دستور قاضی تحت‌الحفظ در محل حاضر خواهد شد. [۱۵۸] ماده ۱۶۶- قاضی بعد از ورود به محل برابر مقررات یاد شده در فصل مربوط به تحقیقات محلی در بخش آیین دادرسی مدنی اقدام خواهد کرد. [۱۵۹] ماده ۱۶۷- در مورد اشخاصی که تحقیقات از ایشان به عمل می‌آید رعایت مقررات ماده (۱۵۳) این قانون لازم است. [۱۶۰]

### مبحث دوم - جرح و تعدیل شهود

ماده ۱۶۸- جرح عبارت است از ادعای فقدان یکی از شرایطی که قانون برای شاهد مقرر کرده است و از ناحیه طرفین دعوا صورت

می‌گیرد. ماده ۱۶۹ - جرح شاهد باید قبل از ادای شهادت به عمل آید مگر این که موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود و در هر حال دادگاه موظف است به موضوع جرح رسیدگی و اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۱۷۰ - در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست بلکه گواهی مطلق به تعدیل یا جرح کفایت می‌کند. تبصره ۱ - در شهادت به جرح یا تعدیل علم به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر برای احراز کافی نیست مگر این که کاشف از عدالت باشد. تبصره ۲ - چنانچه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است مگر این که حالت سابقه شاهد احراز شده باشد. ماده ۱۷۱ - چنانچه دادگاه شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد شهادت آنان را می‌پذیرد در غیر این صورت رد می‌کند و اگر از وضعیت آنها اطلاع نداشته باشد تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن دادگاه حسب مورد اتخاذ تصمیم می‌نماید. ماده ۱۷۲ - در صورت رد شاهد از طرف دادگاه یا ایراد جرح توسط مدعی علیه مدعی می‌تواند برای اثبات صلاحیت شاهد، اقامه دلیل نماید در این صورت دادگاه مکلف است به درخواست وی رسیدگی کند.

### فصل ششم مرور زمان در مجازاتهای بازدارنده

ماده ۱۷۳ - در جرایمی که مجازات قانونی آن از نوع مجازات بازدارنده یا اقدامات تامینی و تربیتی باشد و از تاریخ وقوع جرم تا انقضای مواعد مشروحه ذیل تقاضای تعقیب نشده باشد و یا از تاریخ اولین اقدام تعقیبی تا انقضای مواعد مذکوره به صدور حکم منتهی نشده باشد تعقیب موقوف خواهد شد: الف - حداکثر مجازات مقرر بیش از سه سال حبس یا جزای نقدی بیش از یک میلیون ریال با انقضای مدت ده سال ب - حداکثر مجازات کمتر از سه سال حبس یا جزای نقدی تا یک میلیون ریال با انقضای مدت پنج سال ج - مجازات غیر از حبس یا جزای نقدی با انقضای مدت سه سال تبصره - در مواردی که مجازات قانونی جرم حبس یا جزای نقدی یا شلاق یا هر سه باشد مدت حبس ملاک احتساب خواهد بود. ماده ۱۷۴ - در موارد مذکور در ماده قبل هرگاه حکم صادر گردیده ولی اجرا نشده باشد پس از انقضای مواعد مقرر در همان ماده از تاریخ قطعیت حکم اجرای آن موقوف می‌گردد و در هر حال آثار تبعی حکم به قوت خود باقی خواهد بود. تبصره - احکام دادگاههای خارج از کشور نسبت به اتباع ایرانی در حدود مقررات و موافقتنامه‌های قانونی مشمول مقررات این ماده می‌باشد. ماده ۱۷۵ - موقوفی تعقیب و توقف اجرای حکم مانع استیفای حقوق شاکی و مدعی خصوصی نخواهد بود. ماده ۱۷۶ - قضات ضابطین دادگستری و سایر مأمورینی که به موجب قانون موظف به تعقیب رسیدگی و اجرای حکم می‌باشند چنانچه در انجام وظیفه خود مرتکب فعل یا ترک فعلی شوند که نتیجه آن عدم تعقیب یا اجرای حکم صادره باشد حسب مورد تحت تعقیب کیفری انتظامی و اداری قرار خواهند گرفت

### باب دوم کیفیت محاکمه

#### فصل اول اقدامات قاضی پس از ختم تحقیقات

ماده ۱۷۷ - پس از ارجاع پرونده به شعبه دادگاه و عدم نیاز به تحقیق و یا اقدام دیگر دادگاه به شرح زیر عمل می‌نماید: الف - چنانچه اتهامی متوجه متهم نبوده یا عمل انتسابی به وی جرم نباشد دادگاه اقدام به صدور رای برائت و یا قرار منع تعقیب می‌نماید. ب - در غیر موارد فوق چنانچه اصحاب دعوا حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند و یا دادگاه استمهال ۴ استمهال را موجه

تشخیص ندهد و یا در خصوص حقوق الناس مدعی درخواست ترک محاکمه را ننماید با تشکیل جلسه رسمی مبادرت به رسیدگی و صدور رای می نماید. ج - در صورت عدم حضور اصحاب دعوا یا درخواست مهلت برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان دادگاه ضمن تعیین جلسه رسیدگی مراتب را به اصحاب دعوا اعلام می نماید. تبصره ۱ - در صورت درخواست مدعی مبنی بر ترک محاکمه دادگاه قرار ترک تعقیب صادر خواهد کرد. این امر مانع از طرح شکایت مجدد نمی باشد. تبصره ۲ - فاصله بین ابلاغ احضاریه و موعد احضار حداقل سه روز است و هرگاه موضوع فوریت داشته باشد می توان متهم را زودتر احضار کرد. ماده ۱۷۸ - در مواردی که فصل خصومت یا اثبات دعوا با قسم شرعی محقق می شود هریک از اصحاب دعوا می توانند از حق قسم خود استفاده کنند. ماده ۱۷۹ - چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی به پرونده تشخیص دهد که به لحاظ گذشت شاکی خصوصی در مواردی که دعوا قابل گذشت می باشد یا به جهت دیگری متهم قابل تعقیب نیست یا دادگاه صالح به رسیدگی نمی باشد یا ایراد رد دادرسی شده است حسب مورد رای به موقوفی تعقیب یا عدم صلاحیت یا رد یا قبول ایراد، صادر می نماید. ماده ۱۸۰ - در مواردی که به متهم دسترسی نبوده و یا به علت شناخته نشدن در محل اقامت احضار و جلبش مقدور نباشد وقت رسیدگی با ذکر نوع اتهام (در صورت مصلحت و عدم وجود منع شرعی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار یا محلی برای یک نوبت درج می شود. تاریخ انتشار آنگهی تا روز محاکمه نباید کمتر از یک ماه باشد. در صورت عدم حضور متهم در وقت مقرر و یا عدم ارسال لایحه دفاعیه و یا عدم معرفی وکیل دادگاه در حقوق الناس و حقوق عمومی به صورت غیابی اقدام به رسیدگی نموده و رای مقتضی صادر می نماید. رای صادره پس از ابلاغ ظرف ده روز قابل واخواهی در همان دادگاه می باشد. در حقوق الله رسیدگی غیابی جایز نیست دادگاه در صورت ظن قوی بر وقوع جرم تا دستیابی به متهم پرونده را مفتوح می گذارد. ماده ۱۸۱ - هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود وکیل هم نفرستد در صورتی که دادگاه حضور متهم را لازم بداند وی را جلب خواهد نمود و چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق اللهی نداشته باشد بدون حضور وی رسیدگی و حکم مقتضی صادر می نماید. ماده ۱۸۲ - هرگاه متهم از دادگاه بدوی یا تجدیدنظر تقاضای تخفیف یا تبدیل تامین کند دادگاه به درخواست وی رسیدگی و قرار مقتضی صادر می نماید. قرار دادگاه در این مورد قطعی است مطرح بودن پرونده در دیوان عالی کشور مانع از آن نخواهد بود که دادگاه نسبت به این تقاضا رسیدگی نماید. [۱۶۹] ماده ۱۸۳ - به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه نسبت به اتهاماتی که مهیا برای صدور حکم است تصمیم می گیرد. [تبصره ۱۹۷] ماده ۱۸۴ - هرگاه پس از صدور حکم معلوم گردد محکوم علیه دارای محکومیت های قطعی دیگری بوده که مشمول مقررات تعدد جرم می باشند و در میزان مجازات قابل اجرا موثر است به شرح زیر اقدام می گردد: الف - هرگاه احکام صادره از دادگاه های بدوی به لحاظ عدم تجدیدنظرخواهی قطعی شده باشد پرونده به آخرین شعبه دادگاه بدوی صادرکننده حکم ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید. ب - در صورتی که حداقل یکی از احکام در دادگاه تجدیدنظر استان صادر شده باشد پرونده ها به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال تا پس از نقض کلیه احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم حکم واحد صادر نماید. ج - در صورتی که حداقل یکی از احکام در دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفته باشد، پرونده ها اعم از این که در دادگاه بدوی یا تجدیدنظر باشد به دیوان عالی کشور ارسال می گردد تا احکام را نقض و جهت صدور حکم واحد به دادگاه بدوی صادرکننده آخرین حکم ارجاع کند.

### فصل دوم وکالت در دادگاهها

ماده ۱۸۵ - در کلیه امور جزایی طرفین دعوا می توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را انتخاب و معرفی نمایند، وقت دادرسی به متهم

شاکی مدعی خصوصی و وکلای مدافع آنان ابلاغ خواهد شد. در صورت تعدد وکیل حضور یکی از وکلای هریک از طرفین برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است [۲۴۲] ماده ۱۸۶ - متهم می‌تواند از دادگاه تقاضا کند و کیلی برای او تعیین نماید، چنانچه دادگاه تشخیص دهد متهم توانایی انتخاب وکیل را ندارد از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیکترین حوزه مجاور و کیلی برای متهم تعیین خواهد نمود و در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله نماید دادگاه حق الزحمه را متناسب با کار تعیین خواهد کرد و در هر حال حق الوکاله تعیینی نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله یادشده از ردیف مربوط به بودجه دادگستری پرداخت خواهد شد. [۳۰۹] تبصره ۱ - در جرایمی که مجازات آن به حسب قانون قصاص نفس اعدام رجم و حبس ابد می‌باشد چنانچه متهم شخصا وکیل معرفی نماید تعیین وکیل تسخیری برای او الزامی است مگر در خصوص جرایم منافی عفت که متهم از حضور یا معرفی وکیل امتناع ورزد. تبصره ۲ - در کلیه امور جزایی به استثنای جرایم مذکور در تبصره ۱) این ماده و یا مواردی که حکم غیابی جایز نیست هرگاه متهم وکیل داشته باشد ابلاغ وقت دادرسی به وکیل کافی است مگر این که دادگاه حضور متهم را لازم بداند. [۳۱۳] ماده ۱۸۷ - تقاضای تغییر وکیل تسخیری از طرف متهم جز در موارد زیر پذیرفته نیست الف - قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین وکیل تسخیری با یکی از اصحاب دعوا وجود داشته باشد. ب - وکیل تسخیری قیم یا مخدوم یکی از طرفین باشد و یا یکی از طرفین مباشر یا متکفل امور وی یا همسر او باشد. ج - وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او وارث یکی از اصحاب دعوا باشد. د - وکیل تسخیری سابقا در موضوع دعوی اقامه شده به عنوان دادرس یا داور یا کارشناس یا گواه اظهار نظر کرده باشد. ه - بین وکیل تسخیری و یکی از طرفین و یا همسر یا فرزند او دعوی حقوقی یا جزایی مطرح باشد و یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور حکم قطعی دو سال نگذشته باشد. و - وکیل تسخیری یا همسر یا فرزند او دارای نفع شخصی در موضوع مطروح باشند. [۳۱۰]

### فصل چهارم رأی غیابی

ماده ۲۱۷ - در کلیه جرایم مربوط به حقوق الناس و نظم عمومی که جنبه حق الهی ندارند هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده و یا لایحه نفرستاده باشند دادگاه رأی غیابی صادر می‌نماید، این رأی پس از ابلاغ واقعی ظرف ده روز قابل واخواهی در دادگاه صادرکننده رأی می‌باشد و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر قانون تجدید نظر احکام دادگاهها قابل تجدید نظر است [۲۷۳] تبصره ۱ - آرای غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشده باشد، پس از انقضای مدت واخواهی و تجدید نظر به اجرا گذارده خواهد شد. هرگاه رأی صادره ابلاغ قانونی شده باشد در هر حال محکوم علیه می‌تواند ظرف ده روز از تاریخ اطلاع از دادگاه صادرکننده رأی تقاضای واخواهی نماید. در این صورت دادگاه اجرای رأی را به صورت موقت متوقف و در صورت اقتضا نسبت به اخذ تامین یا تجدید نظر در تامین قبلی اقدام می‌نماید. تبصره ۲ - در جرایمی که جنبه حق الهی دارد چنانچه محتویات پرونده مجرمیت متهم را ثابت نماید و تحقیق از متهم ضروری نباشد دادگاه می‌تواند غیابا رأی بر براءت صادر نماید. ماده ۲۱۸ - دادگاه پس از رسیدن تقاضای واخواهی بلافاصله وارد رسیدگی می‌شود و دلایل و مدافعات محکوم علیه را بررسی، چنانچه موثر در رأی نباشد رأی غیابی را تایید می‌نماید و در صورتی که موثر در رأی تشخیص دهد و یا بررسی مدارک و مدافعات مستلزم تحقیق بیشتر باشد با تعیین وقت رسیدگی طرفین را دعوت می‌نماید. در این صورت عدم حضور شاکی یا مدعی خصوصی مانع ادامه رسیدگی نخواهد بود.

### فصل پنجم ترتیب رسیدگی به جرایم اطفال

ماده ۲۱۹- در هر حوزه قضایی و در صورت نیاز یک یا چند شعبه از دادگاههای عمومی برای رسیدگی به کلیه جرایم اطفال اختصاص داده می شود. تبصره ۱- منظور از طفل کسی است که به حد بلوغ شرعی نرسیده باشد. تبصره ۲- در حوزههایی که چنین دادگاهی تشکیل نشده باشد دادگاه عمومی برابر مقررات این فصل به جرایم اطفال نیز رسیدگی خواهد کرد. ماده ۲۲۰- در هنگام رسیدگی به جرایم اطفال دادگاه مکلف است به ولی یا سرپرست قانونی طفل اعلام نماید در دادگاه شخصا حضور یابد یا برای او وکیل تعیین کند. چنانچه ولی یا سرپرست قانونی اقدام به تعیین وکیل ننماید و خود نیز حضور نیابد دادگاه برای طفل وکیل تسخیری تعیین خواهد کرد. تبصره- به کلیه جرایم اشخاص بالغ کمتر از ۱۸ سال تمام نیز در دادگاه اطفال طبق مقررات عمومی رسیدگی می شود. ماده ۲۲۱- در جرایم اطفال رسیدگی مقدماتی اعم از تعقیب و تحقیق با رعایت مفاد تبصره ماده (۴۳) توسط دادرس و یا به درخواست او توسط قاضی تحقیق انجام می گیرد. دادگاه کلیه وظایفی را که برابر قانون بر عهده ضابطین می باشد راسا به عمل خواهد آورد. ماده ۲۲۲- چنانچه درباره وضعیت روحی و روانی طفل یا ولی یا سرپرست قانونی او یا خانوادگی و محیط معاشرت طفل تحقیقاتی لازم باشد دادگاه می تواند به هر وسیله ای که مقتضی بداند آن را انجام دهد و یا نظر اشخاص خبره را جلب نماید. ماده ۲۲۳- احضار طفل برای انجام تحقیقات مقدماتی و رسیدگی در هر مورد از طریق ولی یا سرپرست او به عمل می آید، در صورت عدم حضور برابر مقررات این قانون جلب خواهند شد. این امر مانع از احضار و جلب طفل توسط دادگاه نمی باشد. ماده ۲۲۴- در جریان تحقیقات چنانچه ضرورتی به نگهداری طفل نباشد، برای امکان دسترسی به او و جلوگیری از فرار یا پنهان شدن وی با توجه به نوع و اهمیت جرم و دلایل آن حسب مورد، با رعایت مقررات مذکور در مبحث دوم از فصل چهارم باب اول این قانون یکی از تصمیمات زیر اتخاذ خواهد شد: الف- التزام ولی یا سرپرست قانونی طفل یا شخص دیگری به حاضر کردن طفل در موارد لزوم با تعیین وجه التزام اعتبارافراد مذکور باید احراز گردد. ب- ولی یا سرپرست طفل یا شخص دیگری برای آزادی طفل وثیقه مناسب (به نظر دادگاه بسپارد. تبصره ۱- در صورتی که نگهداری طفل برای انجام تحقیقات یا جلوگیری از تبانی نظر به اهمیت جرم ضرورت داشته باشد یا طفل ولی یا سرپرست نداشته یا ولی و سرپرست او حاضر به التزام یا دادن وثیقه نباشد و شخص دیگری نیز به نحوی که فوقا اشاره شده التزام یا وثیقه ندهد، طفل متهم تا صدور رای و اجرای آن در کانون اصلاح و تربیت به صورت موقت نگهداری خواهد شد. تبصره ۲- اگر در حوزه دادگاه کانون اصلاح و تربیت وجود نداشته باشد به تشخیص دادگاه در محل مناسب دیگری نگهداری خواهد شد. ماده ۲۲۵- رسیدگی به جرایم اطفال علنی نخواهد بود، در دادگاه فقط اولیا و سرپرست قانونی طفل و وکیل مدافع و شهود و مطلعین و نماینده کانون اصلاح و تربیت که دادگاه حضور آنان را لازم بداند حاضر خواهند شد. انتشار جریان دادگاه از طریق رسانه های گروهی و یا فیلمبرداری و تهیه عکس و افشای هویت و مشخصات طفل متهم ممنوع و متخلف به مجازات قانونی مندرج در ماده ۶۴۸ قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. ماده ۲۲۶- در صورتی که مصلحت طفل اقتضا نماید رسیدگی در قسمتی از مراحل دادرسی در غیاب متهم انجام خواهد گرفت و در هر حال رای دادگاه حضوری محسوب می شود. ماده ۲۲۷- دادگاه به دادخواست مدعی خصوصی برابر مقررات رسیدگی کرده و حکم مقتضی صادر می نماید، حضور طفل در دادگاه ضروری نیست ماده ۲۲۸- در صورتی که یک یا چند طفل با مشارکت یا معاونت اشخاص دیگر مرتکب جرم شده باشند به جرایم اطفال در دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال رسیدگی خواهد شد. ماده ۲۲۹- دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال حسب گزارشهایی که از وضع اطفال و تعلیم و تربیت آنان از کانون اصلاح و تربیت دریافت می کند می تواند در تصمیمات قبلی خود یک بار تجدید نظر نماید، به این طریق که مدت نگهداری را تا یک چهارم تخفیف دهد. ماده ۲۳۰- آرای دادگاه رسیدگی کننده به جرایم اطفال برابر مقررات مربوط قابل تجدید نظر می باشد. ماده ۲۳۱- اختصاصی بودن بعضی از شعب دادگاههای عمومی مانع از ارجاع سایر پرونده ها به آن شعب نمی باشد.

## باب سوم تجدید نظر احکام

## فصل اول کلیات

ماده ۲۳۲ - آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری قطعی است مگر در موارد ذیل که قابل درخواست تجدید نظر می باشد: الف - جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم است ب - جرایمی که به موجب قانون مشمول حد یا قصاص نفس و اطراف می باشد. ج - ضبط اموال بیش از یک میلیون ریال و مصادره اموال د - جرایمی که طبق قانون مستلزم پرداخت دیه بیش از خمس دیه کامل است ه - جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن بیش از سه ماه حبس یا شلاق یا جزای نقدی بیش از پانصد هزار ریال باشد. و - محکومیتهای انفصال از خدمت تبصره - منظور از آرای قابل درخواست تجدیدنظر در موارد فوق اعم از محکومیت براءت منع تعقیب یا موقوفی تعقیب است ماده ۲۳۳ - مرجع تجدیدنظر آرای دادگاههای عمومی و انقلاب هر حوزه قضایی دادگاه تجدیدنظر همان استان است مگر در موارد ذیل که مرجع تجدیدنظر آنها دیوان عالی کشور خواهد بود: الف - جرایمی که مجازات قانونی آنها اعدام یا رجم باشد. ب - جرایمی که مجازات قانونی آنها قطع عضو، قصاص نفس یا اطراف باشد. ج - جرایمی که مجازات قانونی آنها حبس بیش از ده سال باشد. د - مصادره اموال ماده ۲۳۴ - در مواردی که رای دادگاه راجع به جنبه کیفری و دعوی ضرر و زیان تواما صادر شده چنانچه یکی از جنبه های مذکور قابل درخواست تجدیدنظر باشد جنبه دیگر رای نیز به تبع آن قابل درخواست تجدیدنظر بوده و صلاحیت مرجع تجدیدنظر نیز بر همین مبنا خواهد بود. ماده ۲۳۵ - نسخ شده است ماده ۲۳۶ - مهلت درخواست تجدیدنظر برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ یا انقضای مدت واخواهی است مگر در موارد مذکور در بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۲۳۵) و بند (د) ماده (۲۴۰) این قانون ماده ۲۳۷ - در صورتی که در مهلت مقرر دادخواست یا درخواست تجدیدنظر به دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نشده باشد، درخواست کننده با ذکر دلیل و بیان عذر خود تقاضای تجدیدنظر را به دادگاه صادر کننده رای تقدیم می نماید. دادگاه مکلف است ابتدا به عذر عنوان شده که موجب عدم درخواست تجدیدنظر در مهلت مقرر بوده رسیدگی و در صورت موجه شناختن عذر نسبت به پذیرش درخواست یا دادخواست تجدیدنظر اقدام نماید. ماده ۲۳۸ - جهات زیر عذر موجه محسوب می شود: الف - ابتلای به مرضی که مانع از حرکت است ب - در توقیف یا در سفر بودن ج - عدم امکان تردد و ارتباط به علت حوادث و بلایای غیر مترقبه تبصره - هرگاه محکوم علیه مدعی عدم اطلاع از مفاد رای شود که نتوانسته در مهلت مقرر درخواست تجدیدنظر خود را تقدیم دارد ظرف یک هفته از تاریخ اطلاع درخواست خود رابه دادگاه صادر کننده رای تقدیم می کند، در صورت اثبات ادعای عذر موجه محسوب می گردد. ماده ۲۳۹ - اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر دارند: الف - محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او. ب - شاکی خصوصی یا وکیل یا نماینده قانونی او. ج - رییس حوزه قضایی در خصوص جرایمی که به موجب قانون تعقیب آنها به عهده او گذارده شده است [۳۵۱] ماده ۲۴۰ - جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است الف - ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود و یا دروغ بودن شهادت آنها. ب - ادعای مخالف بودن رای با قانون ج - ادعای عدم توجه قاضی به دلایل ابرازی د - ادعای عدم صلاحیت قاضی یا دادگاه صادر کننده رای تبصره - اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد در صورت وجود جهات دیگر مرجع تجدیدنظر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید. ماده ۲۴۱ - مرجع تجدیدنظر فقط نسبت به آنچه مورد تجدیدنظرخواهی است و در مرحله نخستین مورد حکم قرار گرفته رسیدگی می نماید. [۳۴۵] ماده ۲۴۲ - تجدیدنظرخواهی طرفین نسبت به جنبه کیفری رای به موجب درخواست کتبی و با ابطال تمبر هزینه دادرسی مقرر صورت می گیرد. تبصره ۱ - تجدیدنظرخواهی مدعی خصوصی نسبت به رای صادره در مورد ضرر و

زیان ناشی از جرم مستلزم تقدیم دادخواست طبق مقررات آیین دادرسی مدنی است تبصره ۲ - تجدیدنظرخواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری خود و ضرر و زیان ناشی از جرم مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نسبت به امر حقوقی نمی باشد. ماده ۲۴۳ - چنانچه تجدیدنظر خواه مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر شود، دادگاه صادرکننده به این ادعا طبق مقررات رسیدگی خواهد نمود. تبصره ۱ - هرگاه تجدیدنظر خواه زندانی باشد از پرداخت هزینه دادرسی مرحله تجدیدنظر نسبت به امری که به موجب آن بازداشت است معاف خواهد بود. تبصره ۲ - رییس حوزه قضایی یا معاون او می تواند با توجه به وضعیت تجدیدنظر خواه او را از پرداخت هزینه تجدیدنظرخواهی در امر کیفری معاف نماید. ماده ۲۴۴ - تجدیدنظر خواه باید حسب مورد درخواست یادادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رای یا بازداشتگاهی که در آنجا توقیف است تسلیم نماید. دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام تجدیدنظر خواه و طرف دعوای او و تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر درج نماید. دفتر بازداشتگاه مکلف است پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رای ارسال دارد. تبصره - چنانچه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر مستقیماً به دادگاه تجدیدنظر یا دیوان عالی کشور تقدیم گردد دفتر مرجع مذکور با قید تاریخ وصول آن را جهت اقدام لازم به دفتر دادگاه صادرکننده رای ارسال می کند. ماده ۲۴۵ - هرگاه درخواست یا دادخواست تجدیدنظر فاقد یکی از شرایط مقرر قانونی باشد مدیر دفتر ظرف دو روز نقایص آن را به درخواست کننده یا تقدیم کننده دادخواست اخطار می نماید تا در مدت ده روز از تاریخ ابلاغ نقایص مذکور را رفع نماید. در صورتی که در مهلت مقرر رفع نقص به عمل نیآورد و یا درخواست و دادخواست تجدیدنظر خود را خارج از مهلت مقرر قانونی به دفتر دادگاه یا به دفتر بازداشتگاه تسلیم نماید، دفتر موظف است آن را به نظر دادگاه برساند. دادگاه حسب مورد تصمیم مقتضی اتخاذ می نماید. ماده ۲۴۶ - در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق تجدیدنظرخواهی خود را ساقط کرده باشند، تجدیدنظرخواهی آنان مسموع نخواهد بود. ماده ۲۴۷ - چنانچه هریک از طرفین دعوا درخواست یادادخواست تجدیدنظر خود را مسترد نمایند مرجع تجدیدنظر حسب مورد قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست تجدیدنظر را صادر خواهد نمود. ماده ۲۴۸ - آرای که در مرحله تجدیدنظر صادر می شود به جز در خصوص رای اصراری قابل درخواست تجدیدنظر مجدد نمی باشد. تبصره - چنانچه ادعای عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای شده باشد در این صورت این ادعا طبق مقررات مربوط قابل رسیدگی در دیوان عالی کشور خواهد بود. ماده ۲۴۹ - چنانچه رای توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی نداشته صادر شده باشد مرجع تجدیدنظر آن را نقض و به مرجع صالح ارجاع می نماید و در صورتی که از دادگاهی که صلاحیت محلی نداشته صادر شود و هریک از طرفین دعوادر تجدیدنظرخواهی خود به این موضوع ایراد نمایند، مرجع تجدیدنظر آن را نقض و به دادگاه صالح ارجاع می نماید. تبصره ۱ - در مواردی که رسیدگی به جرمی فقط در صلاحیت دادگاههای تهران است چنانچه در دادگاه محل دیگری رسیدگی و رای صادر شده باشد مرجع تجدیدنظر رای را نقض و پرونده را به دادگاه صالح ارسال خواهد نمود. تبصره ۲ - صلاحیت مراجع قضایی دادگستری نسبت به مراجع غیر دادگستری و صلاحیت دادگاههای عمومی نسبت به دادگاه انقلاب و دادگاههای نظامی همچنین صلاحیت دادگاه بدوی نسبت به مراجع تجدیدنظر از جمله صلاحیتهای ذاتی آنان است ماده ۲۵۰ - اگر رای تجدیدنظر خواسته از نظر احتساب محکوم به یا خسارت یا تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون یا نقایصی نظیر آنها متضمن اشتباهی باشد که به اساس رای لطمه وارد نسازد مرجع تجدیدنظر که در مقام تجدیدنظر رسیدگی می نماید ضمن تایید رای آن را تصحیح خواهد نمود.

### فصل دوم کیفیت رسیدگی در دادگاههای تجدیدنظر استان

ماده ۲۵۱- پس از وصول پرونده به دادگاه تجدیدنظر استان در صورت تعدد شعب ابتدا توسط رییس شعبه اول به یکی از شعب دادگاه تجدیدنظر ارجاع می‌شود. شعبه مرجوع‌الیه به نوبت رسیدگی می‌نماید مگر در مواردی که به موجب قانون و یا به تشخیص رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۲۵۲- هرگاه دادگاه تجدیدنظر تحقیقات انجام شده در مرحله بدوی را ناقص تشخیص دهد یا بررسی اظهارات و مدافعات و سایر دلایل ابرازی را مستلزم احضار اشخاص ذی ربط بداند یا تعیین وقت آنان را احضار می‌نماید. طرفین شکایت می‌توانند شخصا حاضر شده و یا وکیل معرفی نمایند، در هر حال عدم حضور یا عدم معرفی وکیل مانع از رسیدگی نخواهد بود. ماده ۲۵۳- احضار، جلب رسیدگی به دلایل و سایر ترتیبات در دادگاه تجدیدنظر، مطابق قواعد و مقررات مرحله بدوی است ماده ۲۵۴- قرار تحقیق و معاینه محل در دادگاه تجدیدنظر توسط رییس دادگاه یا به دستور او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرا می‌شود و چنانچه محل اجرای قرار در شهر دیگر همان استان باشد دادگاه تجدیدنظر می‌تواند اجرای قرار را از دادگاه آن محل درخواست نماید و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگری باشد با اعطای نیابت قضایی به دادگاه محل درخواست اجرای قرار را خواهد نمود. رعایت مفاد تبصره ماده ۵۹) این قانون لازم‌الرعایه می‌باشد. ماده ۲۵۵- هرگاه دادگاه تجدیدنظر استان حضور متهمی را که در حبس است لازم بداند دستور اعزام او را به مسوول زندان یا بازداشتگاه صادر می‌نماید. چنانچه زندان یا بازداشتگاه در محل دیگری باشد متهم به دستور دادگاه موقتا به نزدیکترین زندان تحویل داده خواهد شد. ماده ۲۵۶- هرگاه از حکم صادره درخواست تجدیدنظر شود و از متهم تأمین اخذ نشده باشد و یا متناسب با جرم و ضرر و زیان شاکی خصوصی نباشد دادگاه تجدیدنظر با توجه به دلایل موجود می‌تواند تأمین متناسب اخذ نماید. ماده ۲۵۷- دادگاه تجدیدنظر در مورد آرای تجدیدنظر خواسته به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف- اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تایید آن پرونده را به دادگاه صادرکننده رای اعاده می‌نماید. ب- هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت یا بدون رعایت تشریفات قانونی و یا بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین صادر شده و عدم رعایت موارد مذکور به درجه‌ای از اهمیت بوده که موجب عدم اعتبار قانونی رای مذکور گردد و یا مخالف شرع یا مغایر قانون صادر شده باشد رای صادره رانقض و به شرح زیر اقدام می‌نماید: ۱- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت جرم نبوده و یا به لحاظ شمول عفو عمومی یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد و یا دادگاه تجدیدنظر به هر دلیل برائت متهم را احراز نماید حکم بدوی نقض و رای مقتضی را صادر می‌نماید هر چند محکوم علیه درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و چنانچه محکوم علیه در حبس باشد فوراً آزاد خواهد شد. ۲- اگر رای صادره به صورت قرار باشد و به هر علت نقض شود جهت ادامه رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می‌گردد و دادگاه مکلف به رسیدگی می‌باشد. ۳- اگر رای به علت عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده آن نقض شود دادگاه تجدیدنظر پرونده را به مرجع صالح ارجاع می‌نماید. ۴- اگر دادگاه تجدیدنظر حکم بدوی را مخالف موازین شرعی یا قانونی تشخیص دهد با ذکر مبانی استدلال و اصول قانونی آن را نقض و پس از رسیدگی ماهوی مبادرت به انشای رای می‌نماید. رای صادره جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این قانون قطعی می‌باشد. ماده ۲۵۸- دادگاه تجدیدنظر نمی‌تواند مجازات تعزیری مقرر در حکم بدوی را تشدید نماید مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم بدوی کمتر از میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد اعتراض شاکی تجدیدنظر خواه و یا مقامات مذکور در ماده (۲۳۵) این قانون قرار گیرد که در این موارد مرجع تجدیدنظر با تصحیح حکم بدوی نسبت به مجازاتی که قانون مقرر داشته اقدام خواهد نمود. [۳۴۸] ماده ۲۵۹- دادگاه تجدیدنظر پس از ختم رسیدگی مکلف است مبادرت به صدور رای نماید مگر این که انشا متوقف بر تمهید مقدماتی باشد که در این صورت در اولین فرصت حداکثر ظرف یک هفته انشای رای می‌نماید. ماده ۲۶۰- در مواردی که رای دادگاه تجدیدنظر بر محکومیت متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشند رای دادگاه تجدیدنظر ظرف مدت ۲۰ روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان



دادگاه تجدیدنظر می‌باشد، رای صادره قطعی است

### فصل سوم دیوان عالی کشور و هیأت عمومی

ماده ۲۶۱ - پس از وصول پرونده به دیوان عالی کشور رییس دیوان یا یکی از معاونین وی پرونده را با رعایت نوبت و ترتیب وصول به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌نماید. شعبه مرجوع‌الیه به نوبت رسیدگی می‌کند مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رییس دیوان عالی کشور یا رییس شعبه رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. ماده ۲۶۲ - پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد مگر به تجویز قانون تبصره - رعایت مفاد این ماده در مورد رسیدگی سایر دادگاهها نیز الزامی است ماده ۲۶۳ - رییس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسی و گزارش آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه ارجاع می‌نماید. عضو مذکور گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل در خصوص تجدیدنظرخواهی و جهات قانونی آن باشد به صورت مستدل تهیه و به رییس شعبه تسلیم می‌نماید. تبصره - رییس یا عضو شعبه مکلف است حین تنظیم گزارش چنانچه از هریک از قضاتی که در آن پرونده دخالت داشته‌اند تخلف از مواد قانونی یا اعمال غرض و یا بی‌اطلاعی از مبانی قضایی مشاهده نماید آن را به‌طور مشروح و با استدلال در گزارش خود تذکردهد و به‌دستور رییس شعبه رونوشتی از گزارش یاد شده به دادگاه عالی انتظامی قضات ارسال خواهد شد. ماده ۲۶۴ - رسیدگی در دیوان عالی کشور شکلی است و اطراف دعوا یا وکلای آنها جهت رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آن که شعبه رسیدگی کننده حضور آنها را لازم بداند. عدم حضور احضارشوندگان موجب تاخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نمی‌گردد. ماده ۲۶۵ - در موقع رسیدگی عضو ممیز گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌نماید و طرفین یا وکلای آنان در صورت احضار می‌توانند با اجازه رییس شعبه مطالب خود را اظهار نمایند. همچنین نماینده دادستان کل در موارد قانونی نظر خود را اظهار می‌نماید سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و اظهارات اشخاص ذی ربط و نماینده دادستان کل طبق نظر اکثریت به شرح زیر اتخاذتصمیم می‌نماید: الف - اگر رای مطابق قانون و دلایل موجود در پرونده باشد ضمن تایید آن پرونده را به دادگاه صادرکننده رای اعاده می‌نماید. ب - هرگاه رای از دادگاه فاقد صلاحیت یا بدون رعایت تشریفات قانونی و بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین صادر شده و عدم رعایت موارد مذکور به درجه‌ای از اهمیت بوده که موجب عدم اعتبار قانونی رای مذکور و یا مخالف شرع یا مغایر قانون صادر شده باشد، رای صادره نقض و به شرح زیر اقدام می‌نماید: ۱ - اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده است به فرض ثبوت جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی قابل تعقیب نباشد رای صادره نقض بلاارجاع می‌شود. ۲ - اگر رای صادره به صورت قرار باشد و یا حکم به علت نقص تحقیقات نقض شود پس از نقض برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رای ارجاع می‌شود. ۳ - اگر رای به علت عدم صلاحیت دادگاه نقض شود پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور صالح تشخیص می‌دهد ارسال و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی می‌باشد. ۴ - در سایر موارد پس از نقض پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می‌شود. تبصره - در مواردی که دیوان عالی کشور حکم را به علت نقص تحقیقات نقض می‌نماید موظف است کلیه موارد نقص تحقیقات را مشروحا ذکر نماید. ماده ۲۶۶ - مرجع رسیدگی پس از نقض رای در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌نماید: الف - در صورت نقض قرار در دیوان عالی کشور باید از نظر دیوان متابعت نموده و رسیدگی ماهوی نماید. ب - در صورت نقض حکم به علت نقص تحقیقات موارد اعلامی را طبق نظر دیوان انجام داده سپس مبادرت به انشای حکم می‌نماید. ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می‌تواند حکم اصراری صادر نماید. چنانچه این حکم مورد تجدیدنظرخواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را تایید می‌کند، در غیر این

صورت پرونده در هیات عمومی شعب کیفری مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد تایید قرار گرفت حکم صادره نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد. دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر می نماید. این حکم جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این قانون قطعی است ماده ۲۶۷- در مواردی که دادستان کل کشور طبق مقررات تقاضای تجدید نظر نماید، می تواند حضور در شعبه دیوان عالی کشور و اظهار نظر نسبت به موضوع را به یکی از دادیاران دادرسی دیوان عالی کشور به عنوان نماینده خود محول نماید. ماده ۲۶۸- نسخ شده است ماده ۲۶۹- دفتر دادستان کل کشور درخواست نقض را مطابق ماده قبل دریافت و در صورت تکمیل بودن آن از جهت ضمایم و مستندات و هزینه دادرسی برابر مقررات آن را ثبت و به نظر دادستان کل کشور می رساند، دادستان کل کشور پس از بررسی چنانچه ادعای مزبور را در خصوص مخالفت بین رای باموازیین شرع یا قانون مقرون به صحت تشخیص دهد با ذکر استدلال از دیوان عالی کشور درخواست نقض آن را می نماید دیوان عالی کشور در صورت نقض حکم پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه هم عرض ارسال می دارد. تبصره ۱- چنانچه درخواست تقدیمی ناقص باشد دفتر دادستان کل کشور به تقدیم کننده ابلاغ می نماید که ظرف ده روز از آن رفع نقص کند. در صورت عدم اقدام در مهلت مذکور ترتیب اثری به آن داده نخواهد شد. تبصره ۲- درخواست نقض حکم دادستان کل از دیوان عالی کشور موجب توقف اجرای حکم تا پایان رسیدگی دیوان عالی کشور خواهد بود. تبصره ۳- آرای صادره ناشی از اعمال دو ماده فوق جز در موارد مذکور در ماده (۲۳۵) این قانون قابل اعتراض و تجدید نظر نمی باشد. ماده ۲۷۰- هرگاه در شعب دیوان عالی کشور و یا هر یک از دادگاهها نسبت به موارد مشابه اعم از حقوقی کیفری و امور حسبی با استنباط از قوانین آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور به هر طریقی که آگاه شوند، مکلفند نظر هیات عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. همچنین هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها نیز می توانند با ذکر دلایل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور نظر هیات عمومی را در خصوص موضوع کسب کنند. هیات عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون کلیه شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم نماید. رای اکثریت که مطابق موازین شرعی باشد ملاک عمل خواهد بود. آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور نسبت به احکام قطعی شده بی اثر است ولی در موارد مشابه تبعیت از آن برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها لازم می باشد. ماده ۲۷۱- آرای هیات عمومی دیوان عالی کشور قابل تجدید نظر نبوده و فقط به موجب قانون بی اثر می شوند.

### باب چهارم اعاده دادرسی

ماده ۲۷۲- موارد اعاده دادرسی از احکام قطعی دادگاهها اعم از این که حکم صادره به مرحله اجرا گذاشته شده یا نشده باشد به قرار زیر است ۱- در صورتی که کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده لیکن زنده بودن شخص در آن زمان محرز شود و یا ثابت شود که در حال حیات است ۲- در صورتی که چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شوند و ارتکاب جرم به گونه ای است که نمی تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد. ۳- در صورتی که شخصی به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکمی از مرجع قضایی دیگر به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم صادره بی گناهی یکی از آن دونفر محکوم احراز شود. ۴- جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم صادر شده بوده است ثابت گردد. ۵- در صورتی که پس از صدور حکم قطعی واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا دلایل جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی گناهی محکوم علیه باشد. ۶- در صورتی که به علت اشتباه قضایی کیفر مورد حکم متناسب با جرم نباشد. ۷- در صورتی که قانون لا-حق مبتنی بر تخفیف مجازات نسبت به قانون سابق باشد که در این صورت پس از اعاده

دادرسی مجازات جدید نباید از مجازات قبلی شدیدتر باشد. [۴۶۶] تبصره - گذشت شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از صدور حکم قطعی موجب اعاده دادرسی نخواهد بود. ماده ۲۷۳ - اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند: ۱ - محکوم علیه یا وکیل یا قائم مقام قانونی او و در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه همسر و وراث قانونی و وصی او. ۲ - دادستان کل کشور. ۳ - رییس حوزه قضایی [۴۶۷] ماده ۲۷۴ - تقاضای اعاده دادرسی به دیوان عالی کشور تسلیم می شود، مرجع یاد شده پس از احراز انطباق با یکی از موارد مندرج در ماده (۲۷۲) رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می نماید. [۴۶۸] ماده ۲۷۵ - رای دیوان عالی کشور در خصوص پذیرش اعاده دادرسی اجرای حکم را در صورت عدم اجرا تا اعاده دادرسی و صدور حکم مجدد به تعویق خواهد انداخت لیکن به منظور جلوگیری از فرار یا مخفی شدن محکوم علیه چنانچه تامین متناسب از متهم اخذ نشده باشد یا تامین ماخوذه منتفی شده باشد تامین لازم اخذ می شود. [۴۶۹] تبصره - مرجع صدور قرار تامین دادگاهی است که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می نماید. ماده ۲۷۶ - پس از شروع به محاکمه ثانوی هرگاه دلایلی که محکوم علیه اقامه می نماید قوی باشد آثار و تبعات حکم اولی فوری متوقف و تخفیف لازم نسبت به حال محکوم علیه مجرا می شود ولی تخفیف یاد شده نباید باعث فرار محکوم علیه از محاکمه یا مخفی شدن او بشود. [۴۷۰] ماده ۲۷۷ - هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت بعد از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر نماید محکوم علیه می تواند با استناد به استرداد شکایت از دادگاه صادرکننده حکم قطعی درخواست کند که در میزان مجازات تجدیدنظر نماید، در این مورد دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی نموده و مجازات را در صورت اقتضا در حدود قانون تخفیف خواهد داد. این رای قطعی است

## باب پنجم اجرای احکام

### فصل اول احکام لازم الاجرا

ماده ۲۷۸ - احکام لازم الاجرا عبارتند از: الف - حکم قطعی دادگاه بدوی ب - حکم دادگاه بدوی که در مهلت مقرر در قانون نسبت به آن اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نشده باشد و یا اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به آن رد شده باشد. ج - حکم دادگاه بدوی که مورد تایید مرجع تجدیدنظر قرار گرفته باشد. د - حکمی که دادگاه تجدیدنظر پس از نقض رای بدوی صادر می نماید. [۴۷۳] ماده ۲۷۹ - هرگاه حکم صادره راجع به چند نفر باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان به حکم اعتراض و یا درخواست تجدیدنظر کرده باشند نسبت به بقیه پس از انقضای مهلت اعتراض و یا تجدیدنظرخواهی لازم الاجرا خواهد بود. [۴۷۴] ماده ۲۸۰ - اعتراض یا درخواست تجدیدنظر نسبت به یک قسمت از حکم مانع اجرای آن نسبت به سایر موارد نمی باشد. [۴۷۵]

### فصل دوم ترتیب اجرای احکام

فصل دوم ترتیب اجرای احکام فصل دوم ترتیب اجرای احکام ماده ۲۸۱ - اجرای حکم در هر حال با دادگاه بدوی صادرکننده حکم یا قائم مقام آن به شرح مواد آتی می باشد. [۴۷۶] ماده ۲۸۲ - در مواردی که اجرای حکم می بایست توسط ماموران یا سازمانهای دولتی یا عمومی به عمل آید دادگاه ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجرا و آموزش لازم نظارت کامل بر چگونگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل می آورد. [۴۷۷، ۴۷۸] ماده ۲۸۳ - عملیات اجرای حکم پس از صدور دستور

دادگاه شروع و به هیچ وجه متوقف نمی شود مگر در مواردی که دادگاه صادرکننده حکم در حدود مقررات دستور توقف اجرای حکم را صادر نماید. ماده ۲۸۴ - کلیه ضابطین دادگستری و نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا موسسات عمومی در حدود وظایف خود مکلفند دستورات مراجع قضایی را در مقام اجرای احکام رعایت کنند. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می باشد. ماده ۲۸۵ - رفع ابهام و اجمال از حکم با دادگاه صادرکننده حکم است لیکن رفع اشکالات مربوط به اجرای حکم توسط دادگاهی که حکم زیر نظر آن اجرا می شود به عمل خواهد آمد. [۴۷۹] ماده ۲۸۶ - اجرای احکام راجع به هزینه دادرسی تأدیه خسارات و ضرر و زیان مدعیان خصوصی برابر مقررات مندرج در فصل اجرای احکام مدنی به عمل می آید. [۴۸۰، ۴۹۰] ماده ۲۸۷ - هرگاه رای به برائت یا منع تعقیب یا موقوفی تعقیب متهم صادر شود، رای بلافاصله توسط دادگاه اجرا می شود و چنانچه متهم به علت دیگری بازداشت نباشد فوری از وی رفع بازداشت خواهد شد. [۴۸۳] ماده ۲۸۸ - مجازات شلاق تعزیری در موارد زیر تا رفع مانع اجرا نمی شود: الف - زنی که در ایام بارداری یا نفاس یا استحاضه باشد. ب - زن شیرده در ایامی که طفل وی شیرخوار است حداکثر به مدت دو سال ج - بیماری که به تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد دادگاه اجرای حکم موجب تشدید بیماری یا تاخیر در بهبودی او شود. در این مورد چنانچه امیدی به بهبودی بیمار نباشد یا دادگاه مصلحت بداند یک دسته تازیانه یا ترکه مشتمل بر تعداد شلاق که مورد حکم قرار گرفته است تهیه و یک بار به محکوم علیه زده می شود. د - در مواردی که تبدیل مجازاتی به مجازات دیگر برابر قانون لازم باشد مجازات اولی تا اتخاذ تصمیم از طرف دادگاه اجرا نخواهد شد. [۴۸۴] ماده ۲۸۹ - جنون بعد از صدور حکم و فرار محکوم علیه در حین اجرای حکم موجب سقوط مجازات تعزیری نمی باشد. ماده ۲۹۰ - محل و چگونگی اجرای حکم شلاق به تشخیص دادگاه با رعایت موازین شرعی و حفظ نظم عمومی و سایر مقررات مربوط در حکم تعیین می شود. ماده ۲۹۱ - بیماری محکوم علیه موجب توقف اجرای مجازات حبس نمی شود مگر این که به تشخیص دادگاه اجرای حکم موجب شدت بیماری و تاخیر در بهبودی محکوم علیه باشد که در این صورت دادگاه با تشخیص پزشک قانونی یا پزشک معتمد و اخذ تأمین متناسب اجازه معالجه در خارج از زندان را صادر می نماید و اگر محکوم علیه تأمین ندهد به تشخیص پزشک و دستور دادگاه در زندان یا بیمارستان تحت نظر ضابطین دادگستری معالجه می شود. تبصره - در صورت جنون محکوم علیه تا بهبودی در بیمارستان روانی نگهداری می شود. ایام توقف در بیمارستان جزو محکومیت وی محاسبه می شود. ماده ۲۹۲ - چگونگی پرداخت دیه و مهلت آن به ترتیبی است که در قانون مجازات اسلامی و قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی پیش بینی شده است ماده ۲۹۳ - قبل از اجرای حکم اعدام یا قصاص نفس یا رجم یا صلب مراسم مذهبی توسط اشخاصی که صلاحیت دارند نسبت به محکوم علیه انجام می گیرد و هنگام اجرای حکم اعدام باید رییس دادگاه صادرکننده حکم یا نماینده او، رییس نیروی انتظامی محل یا نماینده وی رییس زندان پزشک قانونی یا پزشک معتمد محل و منشی دادگاه حاضر باشند. وکیل محکوم علیه نیز می تواند حضور یابد. پس از حاضر کردن محکوم علیه در محل رییس دادگاه یا نماینده او دستور اجرای حکم را صادر و منشی دادگاه حکم را با صدای رسا قرائت می نماید، سپس حکم اجرا و صورت مجلس تنظیمی به امضای حاضران می رسد. [۴۸۵] تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده و همچنین چگونگی اجرای حکم شلاق ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۲۹۴ - اشخاصی که محکوم به حبس هستند، با اعلام نوع جرم و میزان محکومیت برای تحمل کیفر به زندان معرفی می شوند. [۴۸۶] ماده ۲۹۵ - مدت تمامی کیفرهای حبس از روزی شروع می شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی قابل اجرا حبس شود. [۴۸۷] تبصره - چنانچه محکوم علیه قبل از صدور حکم لازم الاجرا به علت اتهام یا اتهاماتی که در پرونده امر مطرح بوده بازداشت شده باشد مدت بازداشت قبلی از مقدار حبس او کسر خواهد شد. ماده ۲۹۶ - کودک شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده نباید جدا کرد مگر این که مادر با رضایت او را به پدر یا نزدیکان دیگرش بسپارد. [۴۸۸] ماده ۲۹۷ - اشخاصی که به تبعید محکوم شده اند، به محل

اعزام و مراتب به دادگاه و نیروی انتظامی محل ابلاغ می‌شود. [۴۸۹] تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف مدت سه ماه توسط وزارتخانه‌های دادگستری و کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۹۸ - حکم براءت متهم در صورت درخواست او و با هزینه خودش در جرایم کثیرالانتشار اعلام می‌شود. [۴۹۱] ماده ۲۹۹ - در اجرای حکم به جزای نقدی میزان محکوم به باید به حساب خزانه دولت واریز و برگ رسید آن پیوست پرونده شود. ماده ۳۰۰ - اجرای حدود شرعی برابر مقررات مندرج در قانون مجازات اسلامی خواهد بود.

### باب ششم هزینه دادرسی

ماده ۳۰۱ - شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر مقررات هنگام شکایت تادیه نماید. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می‌نماید باید هزینه دادرسی را مطابق مقررات مربوط به امور مدنی بپردازد. هرگاه مدعی خصوصی متمکن نبوده و استطاعت تادیه هزینه دادرسی را نداشته باشد و از دادگاه تقاضای معافیت نماید، دادگاه می‌تواند پس از اظهار نظر رییس حوزه قضایی یا معاون وی در این خصوص مدعی را از تادیه هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعاست به طور موقت معاف نماید. تاخیر رسیدگی به امر جزایی به علت عدم تادیه هزینه دادرسی از سوی مدعی خصوصی جایز نیست و احراز عدم تمکن با نظر دادگاه است [۴۹۲] تبصره - پس از صدور حکم و در هنگام اجرای آن مسوول اجرای احکام مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفا نماید. ماده ۳۰۲ - متهم و مدعی خصوصی بابت هزینه‌های ایاب و ذهاب گواهان و حق الزحمه کارشناسان و مترجمان و پزشکان و غیره که به دستور مقامات قضایی احضار می‌شوند وجهی نمی‌پردازند ولی چنانچه درخواست احضار یا کسب نظر آنان به درخواست متهم یا مدعی خصوصی باشد درخواست کننده باید هزینه مربوط را بپردازد. [۴۹۳] تبصره - مقدار هزینه‌ها به موجب تعرفه‌ای است که توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید و دادگاه برابر همان تعرفه هزینه‌ها را معین کرده و در حکم قید می‌کند. [۴۹۴] ماده ۳۰۳ - هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آن برابر مقررات قانونی خواهد بود. [۴۹۶] ماده ۳۰۴ - در صورت تعدد محکوم علیه‌های دادرسی میان آنان تقسیم می‌شود و دادگاه در این تقسیم به مقصر اصلی و فرعی توجه نموده و سهم هریک را با توجه به تناسب دخالت آنان در وقوع جرم تعیین می‌نماید. [۴۹۹] ماده ۳۰۵ - شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند در هر مرحله از دادرسی تمامی هزینه‌های دادرسی را که پرداخت کرده از مدعی علیه مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی مکلف است هنگام صدور حکم نسبت به پرداخت آن دستور لازم را صادر نماید. [۴۹۷] ماده ۳۰۶ - در حکم دادگاه باید مسوول پرداخت هزینه‌های دادرسی معین شود و همچنین صورت هزینه‌هایی که مصرف شده است ضمن صدور حکم به صورت تفصیلی تعیین شود. [۵۰۳] ماده ۳۰۷ - چنانچه هنگام اجرای حکم محکوم علیه فوت نموده باشد هزینه دادرسی از ماترک وی وصول می‌شود. [۵۰۵] ماده ۳۰۸ - از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون دادگاه‌های عمومی و انقلاب فقط براساس این قانون عمل نموده و قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۲۹۰ و اصلاحات بعدی آن و همچنین کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون نسبت به دادگاه‌های عمومی و انقلاب لغو می‌گردد.

### ۳- قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب ( مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱ )

مصوب تیرماه ۱۳۷۳ با اصلاحات ۲۸/۷/۱۳۸۱ ماده ۱ - به منظور رسیدگی و حل و فصل کلیه دعاوی و مراجعه مستقیم به قاضی و ایجاد مرجع قضایی واحد، دادگاه‌هایی با صلاحیت عام به شرح مواد آتی تشکیل می‌شوند. ماده ۲ - تاسیس دادگاه‌های عمومی در هر حوزه قضایی و تعیین قلمرو محلی و تعداد شعب دادگاه‌های مزبور به تشخیص رییس قوه قضاییه است ماده ۳ - در حوزه قضایی هر شهرستان یک دادسرا نیز در معیت دادگاه‌های آن حوزه تشکیل می‌گردد. تشکیلات حدود صلاحیت وظایف و اختیارات

دادرسی مذکور که «دادرسی عمومی و انقلاب نامیده می شود تا زمان تصویب آیین نامه دادرسی مربوطه طبق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس شورای اسلامی و مقررات مندرج در این قانون به شرح ذیل می باشد: الف - دادرسی که عهده دار کشف جرم تعقیب متهم به جرم اقامه دعوی از جنبه حق الهی و حفظ حقوق عمومی و حدود اسلامی اجرای حکم و همچنین رسیدگی به امور حسبه وفق ضوابط قانونی است به ریاست دادستان می باشد و به تعداد لازم معاون دادیار، بازپرس و تشکیلات اداری خواهد داشت اقدامات دادرسی در جرایمی که جنبه خصوصی دارد باشکایت شاکی خصوصی شروع می شود. در حوزه قضایی بخش وظیفه دادستان را دادرسی علی البدل برعهده دارد. ب - ریاست و نظارت بر ضابطین دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط برعهده دارند با دادستان است ج - مقامات و اشخاص رسمی در مواردی که باید امر جزایی را تعقیب نمود، موظفند مراتب را فوراً به دادستان اطلاع دهند. د - بازپرس وقتی اقدام به تحقیقات مقدماتی می نماید که قانوناً این حق را داشته باشد. جهات قانونی برای شروع به تحقیقات بازپرس عبارت است از: ۱ - ارجاع دادستان ۲ - شکایت یا اعلام جرم به بازپرس در مواقعی که دسترسی به دادستان ممکن نیست و رسیدگی به آن فوریت داشته باشد. ۳ - در جرایم مشهود در صورتی که بازپرس شخصاً ناظر وقوع آن باشد. ه - دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می شود حق نظارت و دادن تعلیمات لازم را خواهد داشت و در صورتی که تحقیقات بازپرس را ناقص ببیند می تواند تکمیل آن را بخواهد و لو این که بازپرس تحقیقات خود را کامل بداند. بازپرس در جریان تحقیقات تقاضای قانونی دادستان را اجرائی کرده مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هرگاه مواجه با اشکال شود به نحوی که انجام آن مقدور نباشد مراتب را به دادستان اعلام و منتظر حل مشکل می شود. و - تحقیقات مقدماتی کلیه جرایم برعهده بازپرس می باشد. در جرایمی که در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان نیست دادستان نیز دارای کلیه وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس مقرر می باشد. در مورد جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است دادستان تا قبل از حضور و مداخله بازپرس اقدامات لازم را برای حفظ و جمع آوری دلایل و آثار جرم به عمل می آورد و در مورد سایر جرایم استان می تواند انجام بعضی از تحقیقات و اقدامات را از بازپرس درخواست نماید بدون این که رسیدگی امر را به طور کلی به آن بازپرس ارجاع کرده باشد. ز - کلیه قرارهای دادیار بایستی با موافقت دادستان باشد و در صورت اختلاف نظر بین دادستان و دادیار، نظر دادستان متبع خواهد بود. ح - بازپرس راساً و یا به تقاضای دادستان می تواند در تمام مراحل تحقیقاتی در موارد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی قرار بازداشت موقت متهم و همچنین قرار اخذ تامین و تبدیل تامین را صادر نماید. در صورتی که بازپرس راساً قرار بازداشت موقت صادر کرده باشد مکلف است ظرف بیست و چهار ساعت پرونده را برای اظهار نظر نزد دادستان ارسال نماید. هرگاه دادستان با قرار بازداشت به عمل آمده موافق نباشد، نظر دادستان متبع است و چنانچه علتی که موجب بازداشت بوده است مرتفع شده و موجب دیگری برای ادامه بازداشت نباشد بازداشت با موافقت دادستان رفع خواهد شد و همچنین در موردی که دادستان تقاضای بازداشت کرده و بازپرس با آن موافق نباشد حل اختلاف حسب مورد با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. هرگاه متهم موجبات بازداشت را مرتفع ببیند می تواند از بازپرس درخواست رفع بازداشت خود را بنماید که در این صورت بازپرس مکلف است ظرف ده روز از تاریخ تسلیم درخواست نظر خود را جهت اتخاذ تصمیم نزد دادستان ارسال نماید. به هر حال متهم نمی تواند در هر ماه بیش از یک مرتبه از این حق استفاده کند. در صورت حدوث اختلاف بین بازپرس و دادستان در خصوص صلاحیت محلی و ذاتی و همچنین نوع جرم حسب مورد حل اختلاف با دادگاه عمومی یا انقلاب محل خواهد بود. ط - هرگاه در جرایم موضوع صلاحیت دادگاه کیفری استان تا چهار ماه و در سایر جرایم تا دو ماه به علت صدور قرار تامین، متهم در بازداشت به سر برد و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادرسی نشده باشد، مرجع صادر کننده قرار مکلف به فک یا تخفیف قرار تامین متهم می باشد مگر آن که جهات قانونی یا علل موجهی برای بقا قرار تامین صادر شده وجود داشته

باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقا می‌شود و متهم حق دارد از این تصمیم ظرف مدت ۱۰ روز از تاریخ ابلاغ به وی حسب مورد به دادگاه عمومی یا انقلاب محل شکایت نماید. فک قرار بازداشت متهم از طرف بازپرس با موافقت دادستان به عمل می‌آید و در صورت حدوث اختلاف بین دادستان و بازپرس حل اختلاف با دادگاه خواهد بود. چنانچه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این بند حسب مورد هر چهار ماه یا هر دو ماه اعمال می‌شود. به هر حال مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز نماید. ی - درخواست دادستان و بازپرس را باید ضابطین مقامات رسمی و ادارات فوراً اجرا نمایند. بازپرس می‌تواند به تحقیقات ضابطین دادگستری رسیدگی نموده و هرگاه تغییری در اقدامات آنان یا تکمیلی در تحقیقات لازم باشد به عمل آورد. تخلف از مقررات این بند علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی برابر قانون مربوط مستوجب تعقیب کیفری نیز خواهد بود. ک - پس از آن تحقیقات پایان یافت بازپرس آخرین دفاع متهم را استماع نموده با اعلام ختم تحقیقات و اظهار عقیده خود، پرونده را نزد دادستان می‌فرستد. در صورتی که به عقیده بازپرس عمل متهم متضمن جرمی نبوده یا اصولاً جرمی واقع نشده و یا دلایل کافی برای ارتکاب جرم وجود نداشته باشد قرار منع تعقیب و در صورت عقیده بازپرس بر تقصیر متهم قرار مجرمیت درباره ایشان صادر می‌نماید و چنانچه متهم در آخرین دفاع دلیل مؤثری بر کشف حقیقت ابراز نماید بازپرس مکلف به رسیدگی می‌باشد. دادستان نیز مکلف است ظرف پنج روز از تاریخ وصول پرونده را ملاحظه نموده و نظر خود را اعلام دارد. ل - هرگاه دادستان با نظر بازپرس در مورد مجرمیت متهم موافق باشد کیفرخواست صادر، پرونده را از طریق بازپرسی به دادگاه صالحه ارسال می‌نماید و در صورت توافق بازپرس و دادستان با منع یا موقوفی تعقیب متهم بازپرس دستور ابلاغ قرار صادره به شاکی خصوصی را می‌دهد و در مورد اخیر چنانچه متهم زندانی باشد فوراً آزاد می‌شود. هرگاه بین بازپرس و دادستان توافق عقیده نباشد (یکی عقیده به مجرمیت یا موقوفی و یا منع تعقیب متهم و دیگری عقیده عکس آن را داشته باشد) رفع اختلاف حسب مورد در دادگاه عمومی و انقلاب محل به عمل می‌آید و موافق تصمیم دادگاه رفتار می‌شود. م - در کیفرخواست باید نکات ذیل تصریح شود: ۱ - نام و نام خانوادگی نام پدر، سن شغل محل اقامت متهم با سواد است یا نه مجرد است یا متأهل ۲ - نوع قرار تامین با قید این که متهم بازداشت است یا آزاد. ۳ - نوع اتهام ۴ - دلایل اتهام ۵ - مواد قانونی مورد استناد. ۶ - سابقه محکومیت کیفری در صورتی که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری باشد. ۷ - تاریخ و محل وقوع جرم ن - قرارهای بازپرس که دادستان با آنها موافق باشد، در موارد ذیل قابل اعتراض در دادگاه صالحه بوده و نظر دادگاه که در جلسه اداری خارج از نوبت و بدون حضور دادستان به عمل می‌آید قطعی خواهد بود: ۱ - اعتراض به قرارهای منع تعقیب و موقوفی تعقیب به تقاضای شاکی خصوصی ۲ - اعتراض به قرارهای عدم صلاحیت بازداشت موقت تشدید تامین و تامین خواسته به تقاضای متهم ۳ - اعتراض به قرار اناطه به تقاضای شاکی خصوصی و دادستان اعتراض به قرارهای مذکور در بالا - ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آن می‌باشد. اعتراض به قرارها باعث توقف جریان تحقیقات و مانع اجرای قرار نبوده و کلیه اقدامات بازپرسی تا اخذ تصمیم دادگاه به قوت خود باقی خواهد بود و چنانچه نتیجه قرار صادره آزادی متهم زندانی باشد فوراً اجرا می‌شود. هرگاه به علت عدم کفایت دلیل قرار منع تعقیب متهم صادر و قعی شده باشد دیگر نمی‌توان به همین اتهام او را تعقیب کرد، مگر بعد از کشف دلایل جدید که در این صورت فقط برای یک مرتبه می‌توان به درخواست دادستان وی را تعقیب نمود. هرگاه دادگاه تعقیب مجدد متهم را تجویز کند بازپرس رسیدگی و قرار مقتضی صادر می‌نماید. این امر مانع از رسیدگی به درخواست ضرر و زیان مدعی خصوصی نمی‌باشد. تبصره ۱ - حوزه قضایی عبارت است از قلمرو یک بخش یا شهرستان و یا نقاط معینی از شهرهای بزرگ تبصره ۲ - رسیدگی جرایم داخل صلاحیت دادگاههای نظامی از شمول این قانون خارج است و در دادسرا و دادگاه نظامی انجام می‌شود. تبصره ۳ - پرونده‌هایی که موضوع آنها جرایم مشمول حد زنا و لواط است همچنین جرایمی که مجازات قانونی آنها فقط تا سه ماه حبس و یا جزای نقدی تا یک میلیون (۱۰۰۰۰۰۰) ریال می‌باشد و جرایم اطفال مستقیماً در دادگاههای مربوط مطرح می‌شود، مگر آن که به تشخیص دادستان

تحقیقات راجع به سایر جهات ضرورت داشته باشد. تبصره ۴- جرایمی که تا تاریخ اجرای این قانون مستقیماً در دادگاه مطرح شده است در همان دادگاه بدون نیاز به کیفرخواست و رسیدگی دادسرا رسیدگی خواهد شد و چنانچه نیاز به انجام تحقیقات و یا اقداماتی جهت کشف جرم باشد دادگاه باید راساً نسبت به انجام آن اقدام کند. تبصره ۵- با ارجاع دادستان یا در غیاب وی معاون دادسرا یا دادیار، عهده دار انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات قانونی دادستان خواهد بود. تبصره ۶- در حوزه قضایی بخشها، رییس یا دادرس علی‌البدل دادگاه در جرایمی که رسیدگی به آنها در صلاحیت دادگاه کیفری استان است به جانشینی بازپرس تحت نظارت دادستان مربوطه اقدام می‌نماید و در سایر جرایم مطابق قانون رسیدگی و اقدام به صدور رای خواهد نمود. ماده ۴- هر حوزه قضایی که دارای بیش از یک شعبه دادگاه عمومی باشد آن شعب به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. دادگاههای حقوقی صرفاً به امور حقوقی و دادگاههای جزایی فقط به امور کیفری رسیدگی خواهند نمود. تخصیص شعبی از دادگاههای حقوقی و کیفری برای رسیدگی به دعاوی حقوقی یا جزایی خاص مانند امور خانوادگی و جرایم اطفال با رعایت مصالح و مقتضیات از وظایف و اختیارات رییس قوه قضاییه است در صورت ضرورت ممکن است به شعبه جزایی پرونده حقوقی و یا به شعبه حقوقی پرونده جزایی ارجاع شود. تبصره- رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا قصاص عضو یا رجم یا صلب یا اعدام یا حبس ابد است و همچنین رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی به نحوی که در مواد بعدی ذکر می‌شود در دادگاههای کیفری استان به عمل خواهد آمد. رسیدگی به کلیه اتهامات اعضا تشخیص مصلحت نظام شورای نگهبان نمایندگان مجلس شورای اسلامی وزرا و معاونین آنها، معاونان و مشاوران رؤسای سه قوه سفراء، دادستان و رییس دیوان محاسبات دارندگان پایه قضایی، استانداران فرمانداران و جرایم عمومی افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر و مدیران کل اطلاعات استانها در صلاحیت دادگاه کیفری استان تهران می‌باشد به استثناء مواردی که در صلاحیت سایر مراجع قضایی است ماده ۵- به تعداد مورد نیاز، دادگاههای انقلاب در مرکز هراستان و مناطقی که ضرورت تشکیل آن را رییس قوه قضاییه تشخیص می‌دهد تحت نظارت و ریاست اداری حوزه قضایی تشکیل می‌گردد و به جرایم ذیل رسیدگی می‌نماید: ۱- کلیه جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی و محاربه یا افساد فی الارض ۲- توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری ۳- توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه و ترور و تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام ۴- جاسوسی به نفع اجانب ۵- کلیه جرایم مربوط به قاچاق و مواد مخدر. ۶- دعاوی مربوط به اصل ۴۹ قانون اساسی ماده ۶- طرفین دعوا در صورت توافق می‌توانند برای احقاق حق و فصل خصومت به قاضی تحکیم مراجعه نمایند. ماده ۷- احکام دادگاههای عمومی و انقلاب قطعی است مگر در مواردی که در این قانون قابل نقض و تجدیدنظر پیش‌بینی شده است ماده ۸- قضات دادگاهها و دادرهای عمومی و انقلاب مکلفند به دعاوی و شکایات و اطلاعات موافق قوانین موضوعه و اصل یکصد و شصت و هفتم (۱۶۷) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران رسیدگی کنند و تصمیم قضایی را اتخاذ نمایند. ماده ۹- قرارها و احکام دادگاهها باید مستدل بوده و مستند به قانون یا شرع و اصولی باشد که بر مبنای آن حکم صادر شده است تخلف از این امر و انشای رای بدون استناد موجب محکومیت انتظامی خواهد بود. ماده ۱۰- هر حوزه قضایی به تعداد لازم شعبه دادگاه دادرس علی‌البدل دفتر دادگاه واحد ابلاغ و اجرای احکام و در صورت لزوم یک واحد ارشاد و معاضدت قضایی خواهد داشت و در صورت تعدد شعب دارای یک دفتر کل نیز خواهد بود. تبصره- ترتیب تشکیل این واحدها، تعداد اعضای هرواحد، طریقه انتخاب و شرایط آن میزان صلاحیت و اختیار هرواحد یا هر یک از اعضای آن و نحوه اقدامات و تصمیم‌گیریها به موجب آیین‌نامه‌ای است که به پیشنهاد و تهیه وزیر دادگستری به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۱۱- رییس شعبه اول دادگاههای عمومی در هر حوزه قضایی رییس حوزه قضایی است و با تصویب رییس قوه قضاییه می‌تواند به تعداد لازم معاون داشته باشد. ماده ۱۲- در شهرستان رییس دادگستری رییس حوزه قضایی و رییس شعبه اول دادگاه بر دادگاهها ریاست اداری دارد و در مرکز استان رییس کل دادگستری استان رییس کل دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان است و بر کلیه دادگاهها



و دادرها و دادگستری‌های حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت همچنین رییس دادگستری هر حوزه بر دادرهای آن حوزه نظارت و ریاست اداری دارد. ماده ۱۳ - برای تامین کادر قضایی دادرها، رییس قوه قضاییه از قضات تحقیق فعلی و دادرسان علی‌البدل دادگاهها و سایر قضاتی که مقتضی بداند استفاده خواهد نمود و شعبی از دادگاهها را که با تاسیس دادرها غیرلازم تشخیص دهد منحل خواهد کرد و حتی الامکان حذف شعب اضافی از آخرین شعب دادگاهها انجام خواهد شد. تبصره ۱ - گروه شغلی «دادستانها» برابر گروه شغلی «رییس دادگستری شهرستان و گروه شغلی «دادستان تهران برابر گروه شغلی «رییس کل دادگستری استان تهران خواهد بود. تبصره ۲ - گروه شغلی «معاون دادستان و بازپرس برابر گروه شغلی «رییس شعبه دادگاه عمومی و گروه شغلی «دادیار» برابر گروه شغلی «ادرس علی‌البدل دادگاه خواهد بود. تبصره ۳ - به جز موارد ضروری به تشخیص رییس قوه قضاییه رییس کل دادگستری استان باید حداقل دارای ده سال سابقه کار قضایی رییس دادگاه تجدیدنظر حداقل هشت سال و دادستان و رییس دادگستری شهرستان حداقل شش سال سابقه کار قضایی داشته باشند. ماده ۱۴ - الف - دادگاههای عمومی حقوقی با حضور رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل تشکیل می‌شود و تمام اقدامات و تحقیقات به وسیله رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل وفق قانون آیین دادرسی مربوط انجام می‌گردد و اتخاذ تصمیم قضایی و انشای رای با قاضی دادگاه است ب - دادگاههای خانواده حتی المقدور با حضور مشاور قضایی زن که دارای پایه قضایی است اقدام به رسیدگی نموده و نظر مشورتی آنان قبل از صدور حکم توسط رییس دادگاه اخذ خواهد شد. ج - دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب با حضور رییس دادگاه یا دادرس علی‌البدل و دادستان یا معاون او یا یکی از داریاران به تعیین دادستان تشکیل می‌گردد و فقط به جرایم مندرج در کیفرخواست وفق قانون آیین دادرسی مربوط رسیدگی می‌نماید و انشای رای پس از استماع نظریات و مدافعات دادستان یا نماینده او وفق قانون برعهده قاضی دادگاه است تبصره ۱ - هرگاه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نموده یا انجام اقدامی را لازم بداند خود تکمیل می‌نماید و نیز می‌تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادرهای مربوط درخواست کند. تبصره ۲ - هرگاه تحقیق یا اقدامی در حوزه دادگاه دیگری لازم باشد یا اطلاعاتی از حوزه قضایی آن دادگاه باید جمع آوری شود دادگاه رسیدگی کننده می‌تواند با اعطای نیابت قضایی از دادگاه آن حوزه انجام آن تحقیقات و اقدامات یا جمع آوری اطلاعات را بخواهد. ماده ۱۵ - دادرسان علی‌البدل عهده دار انجام کلیه اموری هستند که از طرف روسای دادگاهها در چارچوب قوانین به آنان ارجاع می‌شود و در غیاب رییس شعبه دادگاه حسب تعیین رییس کل دادگاهها شعبه بلامتصدی را تصدی و اداره می‌نمایند. ماده ۱۶ - ترتیب رسیدگی در دادگاهها طبق مقررات مزبور در آیین دادرسی مربوط به دادگاهها خواهد بود. ماده ۱۷ - قاضی دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی ظرف یک هفته مکلف به انشای رای می‌باشد. ماده ۱۸ - آرای غیر قطعی و قابل تجدیدنظر یا فرجام همان می‌باشد که در قوانین آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مدنی مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی و ۲۱/۱/۱۳۷۹ مجلس شورای اسلامی ذکر گردیده است در مورد آرای قابل تجدیدنظر یا فرجام تجدیدنظر و فرجام خواهی بر طبق مقررات آیین دادرسی مربوط انجام می‌شود. در مورد آرای قطعی جز از طریق اعاده دادرسی و اعتراض ثالث به نحوی که در قوانین مربوط مقرر است نمی‌توان رسیدگی مجدد نمود مگر اینکه رای خلاف بین قانون یا شرع باشد که در آن صورت به درخواست محکوم علیه (چه در امور مدنی و چه در امور کیفری و یا دادستان مربوط) در امور کیفری ممکن است مورد تجدیدنظر واقع شود. تبصره ۱ - مراد از خلاف بین این است که رای بر خلاف نص صریح قانون و یا در موارد سکوت قانون مخالف مسلمات فقه باشد. تبصره ۲ - درخواست تجدیدنظر نسبت به آرای قطعی مذکور در این ماده اعم از اینکه رای در مرحله نخستین صادر شده و به علت انقضای مهلت تجدیدنظر خواهی قطعی شده باشد یا قانوناً قطعی باشد و یا از مرجع تجدیدنظر صادر گردیده باشد باید ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ رای به شعبه یا شعبی از دیوان عالی کشور که «شعبه تشخیص نامیده می‌شود تقدیم گردد. شعبه تشخیص از پنج نفر از قضات دیوان مذکور به انتخاب رییس قوه قضاییه تشکیل می‌شود. در صورتی که شعبه تشخیص وجود خلاف بین را احراز نماید، رای را نقض و

رای مقتضی صادر می نماید. چنانچه وجود خلاف بین را احراز نکند، قرار رد درخواست تجدیدنظرخواهی را صادر خواهد نمود. تصمیمات یاد شده شعبه تشخیص در هر صورت قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد، مگر آنکه رییس قوه قضاییه در هر زمانی و به هر طریقی رای صادره را خلاف بین شرع تشخیص دهد که در این صورت جهت رسیدگی به مرجع صالح ارجاع خواهد شد. تبصره ۳ - خواهان تجدیدنظر باید هزینه تجدیدنظرخواهی را وفق قانون پرداخت کند و چنانچه ظرف ۱۰ روز پس از اخطار دفتر شعبه تشخیص بدون عذر، هزینه را پرداخت ننماید، شعبه تشخیص قرار رد درخواست او را صادر خواهد نمود. این قرار قطعی و غیرقابل اعتراض می باشد. اگر تجدیدنظرخواهی از سوی دادستان مربوط باشد، دادستان از پرداخت هزینه دادرسی معاف است این معافیت شامل سایر مواردی هم که دادستان تقاضای تجدیدنظر نماید می باشد. تبصره ۴ - جز در مورد اختیار ذیل تبصره ۲ این ماده از هیچ حکم قطعی یا قطعیت یافته بیش از یک بار نمی توان به عنوان خلاف بین درخواست تجدیدنظر نمود. تبصره ۵ - در مواردی که برحسب قانون دیوان عالی کشور باید اعاده دادرسی را تجویز کند، این امر با شعبه تشخیص مذکور در تبصره ۲ این ماده خواهد بود. ماده ۱۹ - نسخ شده است ماده ۲۰ - به منظور تجدیدنظر در آرای دادگاههای عمومی و انقلاب در مرکز هر استان دادگاه تجدیدنظر به تعداد مورد نیاز مرکب از یک نفر رییس و دو عضو مستشار تشکیل می شود. جلسه دادگاه با حضور دو نفر عضو رسمیت یافته پس از رسیدگی ماهوی رای اکثریت که به وسیله رییس یا عضو مستشار انشا می شود قطعی و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو یا اعدام یا اعدام یا رجم یا صلب و یا حبس ابد باشد و نیز رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی ابتدایا در دادگاه تجدیدنظر استان به عمل خواهد آمد و در این مورد، دادگاه مذکور «دادگاه کیفری استان نامیده می شود. دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص نفس یا اعدام یا رجم یا صلب یا حبس دایم باشد از پنج نفر (رییس و چهار مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان و برای رسیدگی به جرایمی که مجازات قانونی آنها قصاص عضو و جرایم مطبوعاتی و سیاسی باشد از سه نفر (رییس و دو مستشار یا دادرس علی البدل دادگاه تجدیدنظر استان تشکیل می شود. تشکیلات ترتیب رسیدگی کیفیت محاکمه و صدور رای این دادگاه تاتصویب قانون آیین دادرسی مناسب مطابق مقررات این قانون و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. دادگاه کیفری استان در رسیدگی به جرایم مطبوعاتی و سیاسی و با حضور هیات منصفه تشکیل خواهد شد. تبصره ۲ - در مرکز هر استان حسب نیاز، شعبه یا شعبی از دادگاه تجدیدنظر به عنوان «دادگاه کیفری استان برای رسیدگی به جرایم مربوط اختصاص می یابد. تعداد شعبه یا شعبی که برای این امر اختصاص می یابد به تشخیص رییس قوه قضاییه خواهد بود. دادستان شهرستان مرکز استان یا معاون او یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان وظایف دادستان را در دادگاه کیفری استان انجام می دهد. قبل از استماع اظهارات شاکی و متهم اظهارات دادستان یا نماینده وی و شهود و اهل خبره ای که دادستان معرفی کرده بیان می شود. تبصره ۳ - برای تسهیل یا تسریع در امر دادرسی رییس قوه قضاییه می تواند موقتا امر به تشکیل دادگاه کیفری استان در شهرستان محل وقوع جرم بدهد. در این صورت دادستان همان محل یا معاون او یا یکی از دادیاران آن حوزه وظایف دادستان را در دادگاه مذکور به عهده خواهند داشت دادگاه کیفری استان با حضور رییس و تمامی مستشاران رسمیت می یابد. تبصره ۴ - دادگاه کیفری استان پس از ختم رسیدگی با استعانت از خداوند سبحان و وجدان مشاوره نموده و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای می نماید و نظر اکثریت اعضای دادگاه مناط اعتبار است این رای ظرف مهلت مقرر قابل تجدیدنظرخواهی در دیوان عالی کشور می باشد. ترتیب رسیدگی همان است که در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مقرر شده است تبصره ۵ - اشخاص ذیل می توانند از رای دادگاه کیفری استان تقاضای تجدیدنظر نمایند. الف - محکوم علیه یا نماینده قانونی وی ب - دادستان ج - مدعی خصوصی یا نماینده قانونی وی از حیث ضرر و زیان تبصره ۶ - اجرای احکام کیفری «دادگاه کیفری استان

توسط دادسرای شهرستان مرکز استان وفق مقررات مربوط در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی خواهد بود. تبصره ۷- در شهرستان مرکز استان رییس کل دادگستری استان رییس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر استان می باشد و رییس شعبه اول دادگاههای عمومی مرکز استان رییس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود و در غیر مرکز استان رییس هر حوزه قضایی رییس شعبه اول دادگاه عمومی آن حوزه قضایی است ماده ۲۱- مرجع تجدیدنظر آرا قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی حقوقی و جزایی و انقلاب دادگاه تجدیدنظر استانی است که آن دادگاهها در حوزه قضایی آن استان قرار دارند. آراء دادگاههای کیفری استان و آن دسته از آراء دادگاههای تجدیدنظر استان که قابل فرجام باشد ظرف مهلت مقرر برای تجدیدنظر خواهی قابل فرجام در دیوان عالی کشور است ماده ۲۲- رسیدگی دادگاه تجدیدنظر استان به درخواست تجدیدنظر از احکام قابل تجدیدنظر دادگاههای عمومی جزایی و انقلاب وفق مقررات قانونی آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی با حضور دادستان یا یکی از دادیاران یا معاونان وی به عمل می آید و در مورد آراء حقوقی وفق قانون آیین دادرسی مربوط خواهد بود. تبصره ۱- اگر در دادگاه تجدیدنظر متهم بی گناه شناخته شود حکم بدوی فسخ و متهم تبرئه می گردد، هر چند که درخواست تجدیدنظر نکرده باشد و در این صورت اگر متهم در زندان باشد فوراً آزاد می شود. تبصره ۲- هرگاه دادگاه تجدیدنظر پس از رسیدگی محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند ضمن تایید حکم بدوی مستدلاً می تواند مجازات او را تخفیف دهد، هر چند که محکوم علیه تقاضای تجدیدنظر نکرده باشد. تبصره ۳- در امور کیفری موضوع مجازاتهای تعزیری یا بازدارنده مرجع تجدیدنظر نمی تواند مجازات مقرر در حکم بدوی را تشدید کند، مگر اینکه دادستان یا شاکی خصوصی درخواست تجدیدنظر کرده باشد. تبصره ۴- اگر حکم تجدیدنظر خواسته از نظر محاکمه محکوم به یا خسارات یا تعیین مشخصات طرفهای دعوا یا تعیین نوع و میزان مجازات و تطبیق عمل با قانون متضمن اشتباهی باشد که به اساس حکم لطمه ای وارد نسازد، مرجع تجدیدنظر با اصلاح حکم آن را تایید می نماید و تذکر لازم رابه دادگاه بدوی خواهد داد. ماده ۲۳- نسخ شده است ماده ۲۴- مرجع رسیدگی پس از نقض در دیوان عالی کشور به شرح ذیل اقدام می نماید: الف- در صورت نقض قرار در دیوان عالی کشور، باید از نظر دیوان متابعت نماید و وارد رسیدگی ماهوی شود. ب- در صورت نقض حکم به علت نقض تحقیقات باید تحقیقات مورد نظر دیوان را انجام دهد سپس مبادرت به انشای حکم نماید. ج- در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور دادگاه می تواند اصراری صادر نماید. اگر یکی از کسانی که حق درخواست تجدیدنظر دارد تقاضای تجدیدنظر نماید پرونده مجدداً در دیوان عالی کشور مورد بررسی قرار می گیرد، هرگاه شعبه دیوان عالی کشور استدلال دادگاه را بپذیرد حکم را ابرام می نماید و در غیر این صورت پرونده در هیات عمومی شعب حقوقی یا کیفری دیوان عالی کشور حسب مورد مطرح و چنانچه نظر شعبه دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفت حکم نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع خواهد شد دادگاه مرجوع الیه با توجه به استدلال هیات عمومی دیوان عالی کشور حکم مقتضی صادر و این حکم قطعی است تبصره- قطعیت حکم در صورتی است که از موارد سه گانه مذکور در ماده ۱۸ نباشد. ماده ۲۵- جهات درخواست تجدیدنظر به قرار زیر است ۱- ادعای عدم اعتبار مدارک استنادی دادگاه یا دروغ بودن شهادت شهود یا فقدان شرایط قانونی شهادت در شهود. ۲- ادعای مخالف بودن رای با قانون ۳- ادعای عدم صلاحیت دادگاه یا عدم صلاحیت قاضی صادرکننده رای ۴- ادعای عدم توجه قاضی به دلایل یا مدافعات تبصره- اگر درخواست تجدیدنظر به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد مرجع تجدیدنظر در صورت وجود جهتی دیگر می تواند به آن جهت هم رسیدگی نماید. ماده ۲۶- در موارد مذکور در این قانون اشخاص زیر حق درخواست تجدیدنظر را دارند: ۱- در مورد احکام حقوقی هر یک از طرفین دعوا یا نماینده قانونی یا قائم مقام آنان مانند وراث وصی انتقال گیرنده که از رای دادگاه متضرر می شود. ۲- در مورد احکام کیفری الف- محکوم علیه یا نماینده قانونی او. ب- شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او. ۳- در مورد قرارها: هر یک

از طرفین دعوا که قرار دادگاه به ضرر او صادر شده باشد یا نماینده قانونی آنان ج - دادستان از حکم برایت یا محکومیت غیرقانونی متهم ماده ۲۷ - مهلت درخواست تجدیدنظر در موارد مذکور در ماده ۱۹ برای اشخاص ساکن ایران بیست روز و برای کسانی که خارج از کشور می باشند دو ماه از تاریخ ابلاغ رای می باشد. ماده ۲۸ - متقاضی تجدیدنظر باید دادخواست و یا درخواست خود را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه صادر کننده رای و یا دفتر بازداشتگاهی که در آن جا توقیف است تسلیم نماید. مدیر دفتر دادگاه یا بازداشتگاه باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی و طرف دعوا و تاریخ تسلیم و ذکر شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و در روی کلیه برگه های دادخواست یا درخواست تجدیدنظر همان تاریخ را قید نماید. این تاریخ تاریخ تجدیدنظرخواهی محسوب می گردد. دفتر بازداشتگاه مکلف است که پس از ثبت تقاضای تجدیدنظر بلافاصله آن را به دادگاه صادر کننده رای ارسال نماید. دفتر دادگاه صادر کننده رای در صورتی که تقاضای تجدیدنظر در مهلت قانونی باشد پس از تکمیل پرونده بلافاصله آن را به مرجع تجدیدنظر ارسال می دارد. تبصره ۱ - دادگاه باید در ذیل رای خود قابل تجدیدنظر بودن یا نبودن رای و مرجع تجدیدنظر آن را معین نماید. تبصره ۲ - هرگاه نزد دادگاه تجدیدنظر ثابت شود که به علت قوه قهریه امکان استفاده از حق تجدیدنظرخواهی در مهلت های مقرر نبوده است ابتدای مهلت از تاریخ رفع قوه قهریه خواهد بود. تبصره ۳ - متقاضی تجدیدنظر در آرای کیفری باید مبلغ ده هزار ریال بابت هزینه دادرسی بپردازد و در آرای حقوقی هزینه دادرسی برابر مقررات آیین دادرسی مدنی خواهد بود. ماده ۲۹ - متقاضی تجدیدنظر باید تمام علل و جهات تقاضای خود را در دادخواست یا درخواست تجدیدنظر تصریح نماید مگر این که آن جهت بعدا حادث شده باشد که در صورت اخیر می تواند برابر مقررات اعاده دادرسی اقدام کند. ماده ۳۰ - در صورتی که تقاضای تجدیدنظر ظرف مهلت مقرر داده شده باشد چنانچه بر اجرای حکم در امور کیفری فساد مترتب باشد، تا اتخاذ تصمیم مرجع تجدیدنظر اجرای حکم متوقف خواهد شد. ماده ۳۱ - نسخ شده است ماده ۳۲ - تشخیص صلاحیت یا عدم صلاحیت هر دادگاه نسبت به دعوی مطروحه با همان دادگاهی است که قانونا مکلف به رسیدگی به پرونده بوده است ماده ۳۳ - در صورتی که دادگاه رسیدگی کننده خود را صالح به رسیدگی نداند با صدور قرار عدم صلاحیت پرونده را به دادگاه ذی صلاح ارسال می نماید، چنانچه دادگاه مرجوع الیه ادعای عدم صلاحیت را نپذیرد پرونده جهت حل اختلاف توسط دادگاه مرجوع الیه به دادگاه تجدیدنظر استان ارسال می شود. تبصره - در صورتی که اختلاف صلاحیت بین دادگاه های دوحوزه قضایی از دو استان باشد مرجع حل اختلاف دیوان عالی کشور خواهد بود. ماده ۳۴ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون رییس قوه قضاییه مکلف است حداکثر ظرف مدت پنج سال با تشکیل تدریجی دادگاه های عمومی و انحلال دادرهای عمومی و انقلاب و اتخاذ تصمیمات ضروری در زمینه تعلیم و تربیت نیروی قضایی واجد شرایط موجبات اجرای این قانون را در سراسر کشور فراهم نماید. ماده ۳۵ - دادگستری مجاز است به منظور تکمیل اعضای دفتری دادگاه های عمومی و انقلاب نسبت به استخدام کارمنداناری به تعداد لازم اقدام کند. اجازه مذکور صرفا برای تشکیلات مربوط به دادگاه های عمومی است ماده ۳۶ - دولت مکلف است در اسرع وقت امکان تهیه وسایل و تجهیزات لازم دادگاه های عمومی از قبیل محل استقرار، ملزومات و وسایل نقلیه و دیگر لوازم و وسایل فراهم کند و اعتبار لازم مربوطه برای این وسایل و تجهیزات را در اختیار دادگستری قرار دهد. ماده ۳۷ - آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه توسط وزیر دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۳۸ - دولت مکلف است در قالب قانون بودجه سالانه اعتبارات لازم را برای تهیه وسایل و تجهیزات لازم و به کارگیری نیروی انسانی جهت اجرای این قانون تامین نماید. ماده ۳۹ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون مواد (۲۳۵) و (۲۶۸) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی و مواد (۳۲۶)، (۴۱۱) و (۴۱۲) قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۲۱/۱/۱۳۷۹ نسخ می گردد. همچنین از تاریخ اجرای این قانون در هر حوزه قضایی کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون در آن قسمت که مغایرت دارد در همان حوزه ملغی می شود.

#### ۴- آیین نامه اصلاحی قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب ( مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی )

مصوب ۱۵/۳/۱۳۷۳ و اصلاحات بعدی ر.ک شماره ۱۶۸۸۰ - ۱۵/۱۱/۸۱ روزنامه رسمی با استناد به قانون اصلاح پاره‌ای از مواد قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱ مجلس شورای اسلامی که از این پس به اختصار قانون نامیده می‌شود، آیین نامه قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۲۵/۴/۷۳ به شرح زیر اصلاح می‌گردد. ماده ۱ - در هر حوزه قضایی که بیش از یک شعبه دادگاه عمومی وجود دارد، به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف وی شعب دادگاه بر اساس نیاز و به نسبت تراکم کار به حقوقی و جزایی تقسیم می‌شوند. همچنین تعیین شعبه یا شعبی از دادگاههای تجدیدنظر استان به دادگاه کیفری استان و تشکیل شعبه یا شعب تشخیص دیوانعالی کشور بر اساس نیاز و تراکم کار با تصویب رئیس قوه قضائیه خواهد بود. ماده ۲ - از تاریخ تخصیص شعب دادگاههای عمومی و انقلاب به دادگاههای حقوقی و جزایی رسیدگی به دعاوی و شکایات مطابق مقررات قانون خواهد بود. لکن هر شعبه به پرونده‌هایی که قبلاً به آن ارجاع شده است صرفظراً از نوع آنها رسیدگی خواهد کرد. ماده ۳ - از تاریخ تخصیص شعبی از دادگاههای تجدیدنظر به دادگاههای کیفری استان دادگاههای تجدیدنظر استان کلیه پرونده‌هایی را که در مرحله تجدیدنظر مطرح بوده است کماکان مورد رسیدگی قرار داده و اتخاذ تصمیم خواهند نمود هر چند موضوع این پرونده‌ها در صلاحیت رسیدگی دادگاه کیفری استان باشد. ماده ۴ - به پیشنهاد رئیس کل دادگستری استان و تصویب رئیس قوه قضائیه شعب دادگاههای عمومی حقوقی و عمومی جزایی و دادسرا در هر حوزه قضایی به تناسب امکانات و ضرورت جهت انجام تحقیقات و رسیدگی به جرایم و دعاوی خاص تخصیص می‌یابند از قبیل الف - دادسراها و دادگاههای عمومی جزایی شامل - جرایم اطفال - سرقت و آدم ربایی - صدور چک پرداخت نشدنی - جرایم صنفی (خوراکی بهداشتی دارویی و سایر صنوف - جرایم مربوط به مفساد اجتماعی - جعل و کلاهبرداری - جرایم کارکنان دولت ب - دادگاههای عمومی حقوقی شامل - دعاوی تجاری - امور حسبی - دعاوی ثبتی مالکیت‌های معنوی و صنعتی - اعتراض به تصمیمات مراجع غیردادگستری - دعاوی خانواده - دعاوی موجر و مستاجر - دعاوی بین‌المللی ماده ۵ - موارد ضرورت مقید در ماده ۴ قانون عبارتند از: الف - دعاوی حقوقی ناشی از جرم ب - دعاوی جزایی مرتبط با دعاوی خانوادگی ج - محدود بودن شعب حوزه قضایی به نحوی که به لحاظ جهات رد و معذوریت امکان رسیدگی نباشد. د - سایر موارد به تشخیص رئیس قوه قضائیه یا مقامات مجاز از طرف ایشان ماده ۶ - حوزه قضایی بخش شهرستان و استان با رعایت ضوابط و مقررات تقسیمات کشوری خواهد بود. تبصره - هرگاه مرکز بخش فاقد دادگاه باشد، رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین دادگاه همان استان یا حوزه قضایی شهرستان مربوط است همچنین چنانچه در شهرستان دادگاه یا دادسرا تشکیل نشده باشد رسیدگی به امور قضایی آن به عهده نزدیکترین حوزه قضایی شهرستان تابع همان استان خواهد بود. ماده ۷ - رئیس کل دادگستری استان رئیس شعبه اول دادگاه تجدیدنظر و رئیس دادگاههای کیفری استان است و بردادگاههای تجدیدنظر، کیفری استان و کلیه دادگستری‌ها، دادگاهها و دادسراهای حوزه آن استان نظارت و ریاست اداری خواهد داشت رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان رئیس کل دادگاههای آن شهرستان خواهد بود. در غیر مرکز استان رئیس شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان مرکز استان است و بر دادگاهها و دادسراهای مربوط و همچنین دادگاههای مستقر در بخش نظارت و ریاست اداری دارد. در صورت تعدد شعب دادگاههای عمومی در حوزه قضایی مستقر در مرکز بخش رئیس شعبه اول دادگاه عمومی بر شعب دیگر نظارت و ریاست اداری خواهد داشت ماده ۸ - با تصویب رئیس قوه قضائیه رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان می‌تواند تمام یا بخشی از اختیارات خود را در خصوص دادگاههای انقلاب به رئیس شعبه اول آن دادگاهها تفویض نماید. در این صورت رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی در سمت معاون وی انجام وظیفه خواهد کرد. در صورتی که در شهرستان غیر مرکز استان دادگاه انقلاب شعب متعدد داشته باشد، رئیس

دادگستری آن شهرستان نیز می‌تواند به ترتیبی که ذکر شد اقدام نماید. تبصره - سرپرستان مجتمع‌های قضایی به عنوان معاون رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان انجام وظیفه خواهند نمود. ماده ۹ - روسای کل دادگستری استانها، رئیس کل دادگاههای شهرستان مرکز استان روسای دادگستری شهرستانها و سرپرستان حوزه قضایی نقاط معینی از شهرهای بزرگ می‌توانند با تصویب رئیس قوه قضائیه به تعداد لازم معاون داشته باشند. ماده ۱۰ - از تاریخ اجرای قانون در هر حوزه قضایی اختیارات دادستان که در اجرای قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب ۱۳۷۳ به رئیس حوزه قضایی تفویض شده بود مجدداً به دادستان محول می‌گردد. ماده ۱۱ - در صورت ضرورت یکی از معاونان دادستان شهرستان مرکز استان وظایف وی را در رابطه با جرایمی که در صلاحیت دادگاه انقلاب اسلامی است به عهده خواهد گرفت معاون دادستان در امور دادگاههای انقلاب به تعداد لازم بازپرس دادیار و کارمند اداری در اختیار خواهد داشت ماده ۱۲ - ارجاع شکایات درخواستها و گزارشهای ضابطین به شعب بازپرسی و دادیاری و سایر امور مربوط به دادسرا با دادستان است معاون دادستان یا دادیاران به ترتیب تقدم در غیاب وی عهده‌دار در انجام تمام یا برخی از وظایف و اختیارات دادستان خواهند بود. ماده ۱۳ - ارجاع پرونده به بازپرس و یا دادیار در حدود صلاحیت و اختیارات قانونی آنها به تناسب اهمیت موضوع تجربه تبحر و سابقه کار خواهد بود. ماده ۱۴ - به جز اتهام مقامات موضوع تبصره ماده ۴ قانون که تحقیقات مقدماتی تعقیب و اقامه دعوی نسبت به آنها منحصراً توسط دادسرای تهران صورت خواهد گرفت تعقیب بقیه مقامات موضوع تبصره ۱ ماده ۸ لایحه قانونی تشکیل دادگاههای عمومی مصوب ۱۰/۷/۱۳۵۸ شورای انقلاب اسلامی و اصلاحیه‌های بعدی آن توسط دادسرای شهرستان مرکز استان مربوط به عمل خواهد آمد. ماده ۱۵ - در موارد مقرر قانونی که پرونده مستقیماً در دادگاه کیفری استان مطرح می‌گردد، کلیه تحقیقات توسط و تحت‌الأمر دادگاه خواهد بود در این صورت کلیه ضابطین نسبت به انجام دستورات و تکمیل موارد خواسته شده مکلف خواهند بود. لکن در مواردی که پرونده با کیفرخواست در دادگاه مزبور مطرح گردیده است چنانچه دادگاه نقصی در تحقیقات مشاهده نماید یا انجام اقدامی را لازم بداند می‌تواند رفع نقص و تکمیل پرونده را با ذکر موارد نقص از دادسرای مربوط درخواست کند. ماده ۱۶ - تعقیب متهم تحقیقات مقدماتی و اقامه دعوی در خصوص جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان توسط دادسرای حوزه قضایی صلاحیت دار به عمل خواهد آمد. دادگاه عمومی جزایی دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب به جرایم مندرج در کیفرخواست و نیز جرایمی که در اجرای تبصره ۳ ماده ۳ قانون مستقیماً در دادگاه مطرح می‌شود، رسیدگی می‌نماید، دفاع از کیفرخواست در دادگاه کیفری استان و دادگاه انقلاب توسط دادستان شهرستان مرکز استان و یا معاون او و یا یکی از دادیاران به تعیین دادستان به عمل خواهد آمد، مگر اینکه دادگاههای مذکور در شهرستانهای غیر مرکز تشکیل شود که در این صورت وظیفه فوق را دادستان همان شهرستان به عهده خواهد گرفت در دادگاه عمومی مستقر در شهرستان وظیفه فوق با دادستان همان شهرستان است ماده ۱۷ - تحقیقات مقدماتی جرایم مشمول صلاحیت دادگاه کیفری استان که محل ارتکاب آنها حوزه قضایی بخش است به عهده رئیس یا دادرس علی‌البدل دادگاه می‌باشد که پس از صدور قرار نهایی پرونده را نزد دادستان شهرستان حوزه قضایی مربوط ارسال می‌نمایند تا عنداللزوم با تنظیم کیفرخواست به دادگاه کیفری استان ذیربط ارسال نماید. ماده ۱۸ - شروع به رسیدگی در دادگاه عمومی جزایی در موارد و جهات مقرر قانونی حسب مورد منوط به ارجاع رئیس حوزه قضایی و یا معاون وی می‌باشد. شروع به رسیدگی در دادگاه انقلاب با ارجاع رئیس حوزه قضایی و یا رئیس شعبه اول خواهد بود. ماده ۱۹ - امر ارجاع در دادگاههای تجدیدنظر و کیفری استان باریس کل دادگستری استان است رئیس کل دادگستری استان می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونین خود تفویض نماید. ماده ۲۰ - از تاریخ تشکیل دادگاه کیفری استان دادگاههای عمومی و انقلاب استان مربوط صلاحیت رسیدگی به جرایم موضوع تبصره ۴ قانون را نخواهند داشت تبصره ۱ - پرونده‌های موضوع تبصره فوق‌الذکر که تا قبل از تشکیل دادگاه کیفری استان در دادگاههای عمومی و انقلاب مطرح رسیدگی بوده است مورد رسیدگی و اتخاذ تصمیم قرار می‌گیرند. تبصره ۲ - مرجع تجدیدنظر آراء موضوع پرونده‌های

فوق، دیوانعالی کشور است مگر در مورد جرایم مربوط به مواد مخدر که مرجع تجدیدنظر آنها مطابق مقررات قانونی دادستان کل کشور و رئیس دیوانعالی کشور می‌باشد. ماده ۲۱ - با تصویب رئیس قوه قضائیه شعب تشخیص به تعداد لازم در دیوانعالی کشور تشکیل می‌شود. هر شعبه تشخیص مرکب از یک رئیس و چهار مستشار دیوانعالی کشور است رسمیت جلسات با حضور کلیه اعضاء و تصمیمات آن با اکثریت آراء خواهد بود. تبصره - شعب تشخیص به تعداد لازم عضو معاون خواهند داشت که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه برای شعب تشخیص منصوب می‌گردند. عضو معاون می‌تواند وظایف هر یک از اعضاء شعبه تشخیص را عهده دار شود. ماده ۲۲ - شعب تشخیص به کیفری و حقوقی تقسیم خواهند شد. ماده ۲۳ - هر شعبه تشخیص یک دفتر با تعداد لازم کارمند دفتری خواهد داشت در راس دفاتر شعب تشخیص یک دفتر کل وجود دارد که مدیر کل این دفتر از بین قضات دیوانعالی کشور با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد. ماده ۲۴ - تجدیدنظر خواه مکلف است حسب مورد در امور کیفری و مدنی هزینه تجدیدنظر خواهی را به مأخذ تجدیدنظر خواهی در دیوان عالی کشور پرداخت نمایند. ماده ۲۵ - در خواست تجدیدنظر باید منضم به رای قطعی و حاوی نکات زیر باشد: ۱ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خواه یا وکیل یا نماینده قانونی او. ۲ - نام و نام خانوادگی و اقامتگاه و سایر مشخصات تجدیدنظر خوانده ۳ - تاریخ ابلاغ رای قطعی ۴ - دادگاه صادر کننده رای قطعی ۵ - دلایل تجدیدنظر خواهی ماده ۲۶ - با وصول تقاضا، دفتر کل شعب تشخیص آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام متقاضی طرف او و تاریخ تقدیم تقاضا با شمار ثبت به تجدیدنظر خواه تسلیم نموده و بر روی کلیه اوراق، تاریخ تقدیم درخواست را قید می‌نماید. تاریخ مزبور تاریخ تجدیدنظر خواهی محسوب می‌شود. ماده ۲۷ - در خواستی که برابر مقررات یاد شده تقدیم نشده و یا هزینه دادرسی آن پرداخت نگردیده باشد به جریان نمی‌افتد. مدیر دفتر شعبه تشخیص ظرف دو روز از تاریخ وصول درخواست نقایص آن را مطابق با قانون آیین دادرسی مدنی مصوب ۱۳۷۹ و آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۷۸ به درخواست دهنده اخطار می‌دهد و از روز ابلاغ ۱۰ روز به او مهلت می‌دهد که نقایص را رفع کند. در صورتی که درخواست خارج از مهلت داده شده باشد یا در مدت یاد شده تکمیل نشود به موجب قرار شعبه تشخیص رد می‌شود. این قرار قطعی و غیر قابل اعتراض می‌باشد. ماده ۲۸ - ارجاع پرونده‌ها به شعب تشخیص توسط رئیس دیوان عالی کشور و یا معاون وی در شعب تشخیص که با ابلاغ رئیس قوه قضائیه منصوب می‌گردد، صورت می‌گیرد. شعبه مرجوع الیه به نوبت رسیدگی می‌نماید مگر در مواردی که به موجب قانون یا به تشخیص رئیس دیوان عالی کشور یا رئیس شعبه رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد. رئیس شعبه پرونده‌های ارجاعی را شخصا بررسی و گزارش آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضاء شعبه ارجاع می‌نماید. عضو مذکور گزارشی از پرونده را که متضمن جریان دادرسی و نیز بررسی کامل جهات قانونی تجدیدنظر خواهی است به صورت مستند و مستدل تهیه می‌نماید. صرف درخواست تجدیدنظر در شعب تشخیص مانع از اجرای حکم نیست لکن چنانچه عضو مذکور در گزارش خود پیشنهاد توقف اجرای حکم را بدهد، در صورتی اجرای حکم متوقف خواهد شد که در جلسه فوق العاده پیشنهاد یاد شده به تصویب اکثریت اعضاء شعبه برسد. ماده ۲۹ - رسیدگی و اتخاذ تصمیم در شعب تشخیص و وظایف دفاتر شعب مزبور مطابق قواعد مقرر در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری و مدنی مصوب ۱۳۷۸ و ۱۳۷۹) در حدی که قابل انطباق با وظایف و اختیارات این شعب باشد به عمل خواهد آمد. ماده ۳۰ - شعب تشخیص می‌توانند در صورت ضرورت از اصحاب دعوی دعوت به عمل آورند. ماده ۳۱ - نسبت به پرونده‌های موضوع مواد ۲۳۵ و ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری و مواد ۳۲۶ و ۳۸۷ و ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون آیین دادرسی مدنی به ترتیب زیر اقدام خواهد شد. الف - پرونده‌هایی که با اعلام اشتباه توسط مقامات مذکور در مواد یاد شده به مراجع مربوط ارسال گردیده است در همان مرجع مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ب - پرونده‌هایی که تقاضای اعمال مواد مذکور در مورد آنها پذیرفته شده و هنوز به مراجع مربوطه ارسال نشده است جهت رسیدگی و اتخاذ تصمیم عینا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد. ج - پرونده‌هایی که در اجرای ماده ۲۶۸ قانون آیین دادرسی دادگاههای

عمومی و انقلاب در امور کیفری و ماده ۳۸۷ قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی در دادسرای دیوانعالی کشور مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اعلام اشتباه نگردیده پس از تهیه گزارش در صورت تشخیص اشتباه به دیوانعالی کشور ارسال خواهد شد. د - پرونده هایی که در اجرای مواد ۲۳۵، ۳۲۶، ۴۱۱ و ۴۱۲ قانون مارالذکر در مراجع مذکور در این مواد مطرح گردیده و هنوز در خصوص آنها اظهارنظر به عمل نیامده است پس از تهیه گزارش و در صورت تشخیص اشتباه عینا در اجرای ماده ۲ قانون وظایف و اختیارات رئیس قوه قضائیه مصوب ۱۳۷۸ به قوه قضائیه ارسال خواهد شد تا پس از بررسی و اعلام نظر در صورت اقتضا به مراجع قانونی مربوط حسب مورد دادگاه تجدیدنظر یا دیوانعالی کشور ارسال گردد. ماده ۳۲ - در حوزه هایی که پس از لازم الاجرا شدن قانون دادرسی تشکیل نگردیده است چنانچه رئیس حوزه قضایی حکم کیفری را خلاف بین قانون یا شرع تشخیص دهد، جهت رسیدگی به شعب تشخیص ارسال می گردد. ماده ۳۳ - در صورتی که رئیس قوه قضائیه رای صادره از شعبه تشخیص را خلاف بین شرع تشخیص دهد پرونده را برای ارجاع به شعبه هم عرض شعبه تشخیص نزد رئیس دیوانعالی کشور ارسال می نماید. ماده ۳۴ - هر حوزه قضایی شهرستان دارای واحد اجرای احکام کیفری و مدنی است و واحد اجرای احکام مدنی به تعداد لازم مدیر اجراء، دادورز و متصدی دفتری و واحد احکام کیفری به تعداد لازم دادیار، مدیر اجراء، متصدی دفتری و مامور اجراء خواهد داشت رئیس واحد اجرای احکام مدنی رئیس حوزه قضایی یا معاون وی و رئیس اجرای احکام کیفری دادستان یا معاون و یا یکی از دادیاران می باشد. در حوزه های قضایی بخش اجرای احکام مدنی و کیفری توسط رئیس حوزه قضایی یا دادرس علی البدل خواهد بود. واحد اجرای احکام مدنی تحت نظر دادگاه صادر کننده رای بدوی مطابق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و سایر قوانین و مقررات مربوط اقدام می نماید. ماده ۳۵ - در حوزه قضایی شهرهای بزرگ با تصویب رئیس قوه قضائیه دارای مجتمع های جزایی مستقل می باشند. اجرای احکام مدنی صادره از دادگاه عمومی جزایی به عهده واحد اجرای احکام مدنی مستقر در این مجتمع ها و تحت ریاست دادگاه صادر کننده حکم است ماده ۳۶ - اجرای احکام کیفری دادگاه کیفری استان یا دادسرای شهرستان مرکز استان است اجرای احکام حقوقی آن در خصوص ضرر و زیان ناشی از جرم وفق قانون اجرای احکام مدنی مصوب ۱۳۵۶ و قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور مدنی مصوب ۱۳۷۹ با واحد اجرای مدنی شهرستان مرکز استان خواهد بود. اجرای احکام کیفری شعبه تشخیص دیوانعالی کشور با دادسرای عمومی و انقلاب حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رای بدوی و اجرای احکام حقوقی آن با واحد اجرای احکام مدنی حوزه قضایی دادگاه صادر کننده رای بدوی است ماده ۳۷ - با اجرای قانون ادامه اجرای احکام باقیمانده دادگاههای عمومی و انقلاب در هر حوزه قضایی شهرستان با دادستان خواهد بود. ماده ۳۸ - در مواردی که اجرای حکم باید توسط ماموران یا سازمانهای دولتی به عمل آید مسئول اجرای حکم ضمن ارسال رونوشت حکم و صدور دستور اجراء و آموزش لازم نظارت کامل بر چگونگی اجرای حکم و اقدامات آنان به عمل خواهد آمد. ماده ۳۹ - کلیه ضابطین دادگستری نیروهای انتظامی و نظامی و روسای سازمانهای دولتی و وابسته به دولت و یا مؤسسات عمومی در حدود وظایف خود دستورات صادره از مراجع قضایی را در مقام اجرای حکم رعایت خواهند کرد. تخلف از مقررات این ماده علاوه بر تعقیب اداری و انتظامی مستوجب تعقیب کیفری برابر قانون مربوط می باشد. ماده ۴۰ - صدور اجرائیه با رعایت مقررات ماده ۵ قانون اجرای احکام مدنی با شعبه بدوی صادر کننده رای خواهد بود هر چند حکم مورد اجراء از مرجع تجدیدنظر صادر شده باشد. ماده ۴۱ - هر حوزه قضایی دارای یک یا چند واحد ابلاغ خواهد بود. رئیس واحد ابلاغ توسط رئیس حوزه قضایی از میان قضات یا کارمندان اداری تعیین می گردند. واحد ابلاغ به تعداد لازم مامور ابلاغ و متصدی دفتری خواهد داشت ماده ۴۲ - در صورت لزوم هر حوزه قضایی واحدهای ارشاد و معاضدت قضایی و صلح و سازش زیر نظر رئیس حوزه قضایی یا دادستان جهت ارشاد و راهنمایی مراجعین و انجام صلح و سازش با تعداد لازم قاضی کارشناس و کارمند تشکیل می شود. ماده ۴۳ - روسای کل دادگستریها در امر جابجایی نیروها، مرخصی و سایر امور اداری مربوط به دادرسی مکلفند حسب مورد، نظر دادستان محل را جلب نمایند. این آیین نامه



مشمول بر ۴۳ ماده و ۵ تبصره در تاریخ ۹/۱۱/۱۳۸۱ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسید و پس از ابلاغ لازم الاجراء می باشد.

## ۵- قوانین و مقررات چک

### قانون چکهای تضمین شده

ماده ۱ - به بانک ملی ایران اجازه داده می شود به تقاضای مشتریان چکهایی به نام چکهای تضمین شده که پرداخت وجه آنها از طرف بانک تعهد شده باشد در دسترس صاحبان حساب بگذارد. ماده ۲ - صادرکننده و پشت نویسان حق ندارند پرداخت وجه چک تضمین شده را منع کنند یا تقاضای مسدود کردن آن را بنمایند. ماده ۳ - فوت و حجر و ورشکستگی صادرکننده چک تضمین شده خللی به حقوق دارنده چک وارد نخواهد ساخت طلبکاران صادرکننده نیز حق توقیف وجه این نوع چک را در صورتی که به نفع دیگری صادر یا پشت نویسی شده باشد نخواهند داشت ماده ۴ - سایر بانکها حق ندارند چکهایی به ترتیب مذکور در ماده یک به جریان بگذارند. ماده ۵ - وزارتین دارایی و دادگستری مأمور اجرای این قانون می باشند. قانون فوق که مشتمل بر پنج ماده است در جلسه یکشنبه بیست و دوم تیرماه یکهزار و سیصد و سی هفت به تصویب مجلس شورای ملی رسید.

### لایحه قانونی ممنوعیت خروج بدهکاران بانکها

مصوب ۲۰/۲/۵۹ شورای انقلاب ماده واحده - به بانک مرکزی ایران اجازه داده می شود به منظور جلوگیری از خروج اشخاصی که به بانکهای کشور بدهکار بوده و اسامی آنان از طرف بانکها به بانک مرکزی ایران اعلام شده است و همچنین واردکنندگان و صادرکنندگانی که به تعهدات خود عمل ننموده اند، از طریق دادسرای عمومی تهران خواستار ممنوعیت خروج آنان از کشور گردد. خروج اشخاص مزبور از کشور منوط به اجازه بانک مرکزی ایران می باشد.

### قانون صدور چک ( مصوب ۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ )

مصوب ۱۱/۸/۱۳۷۲ با اصلاحات ۲/۶/۱۳۸۲ ماده ۱ - انواع چک عبارت است از: ۱ - چک عادی چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و دارنده آن تضمینی جز اعتبار صادر کننده آن ندارد. ۲ - چک تایید شده چکی است که اشخاص عهده بانکها به حساب جاری خود صادر و توسط بانک محال علیه پرداخت وجه آن تایید می شود. ۳ - چک تضمین شده چکی است که توسط بانک به عهده همان بانک به درخواست مشتری صادر و پرداخت وجه آن توسط بانک تضمین می شود. ۴ - چک مسافرتی چکی است که توسط بانک صادر و وجه آن در هر یک از شعب آن بانک یا توسط نمایندگان و کارگزاران آن پرداخت می گردد. ماده ۲ - چکهای صادر عهده بانکهایی که طبق قوانین ایران در داخل کشور دایر شده و یا می شوند، همچنین شعب آنها در خارج از کشور، در حکم اسناد لازم الاجراست و دارنده چک در صورت مراجعه به بانک و عدم دریافت تمام یا قسمتی از وجه آن به علت نبودن محل و یا به هر علت دیگری که منتهی به برگشت چک و عدم پرداخت گردد، می تواند طبق قوانین و آیین نامه های مربوط به اجرای اسناد رسمی وجه چک یا باقیمانده آن را از صادرکننده وصول نماید. برای صدور اجراییه دارنده چک باید عین چک و گواهی نامه مذکور در ماده ۴ و یا گواهی نامه مندرج در ماده ۵ را به اجرای ثبت اسناد محل تسلیم نماید. اجرای ثبت در صورتی دستور اجرا صادر می کند که مطابقت امضای چک با نمونه امضای صادرکننده در بانک از طرف بانک گواهی شده باشد. دارنده چک اعم است از کسی که چک در وجه او صادر گردیده یا به نام او پشت نویسی شده یا حامل چک (در

مورد چکهای در وجه حامل یا قائم مقام قانونی آنان تبصره - دارند چک می تواند محکومیت صادر کننده رانست به پرداخت کلیه خسارات و هزینه های وارد شده که مستقیما و به طور متعارف در جهت وصول طلب خود از ناحیه وی متحمل شده است اعم از آن که قبل از صدور حکم یا پس از آن باشد، از دادگاه تقاضا نماید، در صورتی که دارند چک جبران خسارت و هزینه های مزبور را پس از صدور حکم درخواست کند، باید درخواست خود را به همان دادگاه صادر کننده حکم تقدیم نماید. ماده ۳ - صادر کننده چک باید در تاریخ مندرج در آن معادل مبلغ مذکور در بانک محال علیه وجه نقد داشته باشد و نباید تمام یا قسمتی از وجهی را که به اعتبار آن چک صادر کرده به صورتی از بانک خارج نماید یا دستور عدم پرداخت وجه چک را بدهد و نیز نباید چک را به صورتی تنظیم نماید که بانک به عللی از قبیل عدم مطابقت امضا یا قلم خوردگی در متن چک یا اختلاف در مندرجات چک و امثال آن از پرداخت وجه چک خودداری نماید. هرگاه در متن چک شرطی برای پرداخت ذکر شده باشد بانک به آن شرط ترتیب اثر نخواهد داد. ماده ۳ مکرر - چک فقط در تاریخ مندرج در آن یا پس از تاریخ مذکور قابل وصول از بانک خواهد بود. ماده ۴ - هرگاه وجه چک به علتی از علل مندرج در ماده ۳ پرداخت نگردد بانک مکلف است در برگ مخصوصی که مشخصات چک و هویت و نشانی کامل صادر کننده در آن ذکر شده باشد، علت یا علل عدم پرداخت را صریحا قید و آن را امضا و مهر نموده و به دارند چک تسلیم نماید. در برگ مزبور باید مطابقت امضای صادر کننده با نمونه امضای موجود در بانک (در حدود عرف بانکداری و یا عدم مطابقت آن از طرف بانک تصدیق شود. بانک مکلف است به منظور اطلاع صادر کننده چک فوراً نسخه دوم این برگ را به آخرین نشانی صاحب حساب که در بانک موجود است ارسال دارد. در برگ مزبور باید نام و نام خانوادگی و نشانی کامل دارند چک نیز قید گردد. ماده ۵ - در صورتی که موجودی حساب صادر کننده چک نزد بانک کمتر از مبلغ چک باشد، به تقاضای دارند چک بانک مکلف است مبلغ موجود در حساب را به دارند چک بپردازد و دارند چک با قید مبلغ دریافت شده در پشت چک و تسلیم آن به بانک گواهی نامه مشتمل بر مشخصات چک و مبلغی که پرداخت شده از بانک دریافت می نماید. چک مزبور نسبت به مبلغی که پرداخت نگردیده بی محل محسوب و گواهی نامه بانک در این مورد برای دارند چک جانشین اصل چک خواهد بود. در مورد این ماده نیز بانک مکلف است اعلامیه مذکور در ماده قبل را برای صاحب حساب ارسال نماید. ماده ۶ - بانکها مکلفند در روی هر برگ چک نام و نام خانوادگی صاحب حساب را قید نمایند. ماده ۷ - هر کس مرتکب بزه صدور چک بلامحل گردد به شرح ذیل محکوم خواهد شد: الف - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک کمتر از ده (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد به حبس تا حداکثر شش ماه محکوم خواهد شد. ب - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال باشد از شش ماه تا یک سال حبس محکوم خواهد شد. ج - چنانچه مبلغ مندرج در متن چک از پنجاه میلیون (۵۰۰۰۰۰۰۰) ریال بیشتر باشد به حبس از یک سال تا دو سال و ممنوعیت از داشتن دسته چک به مدت دو سال محکوم خواهد شد و در صورتی که صادر کننده چک اقدام به اصدار چکهای بلامحل نموده باشد، مجموع مبالغ مندرج در متون چکها ملاک عمل خواهد بود. تبصره - این مجازاتها شامل مواردی که ثابت شود چکهای بلامحل بابت معاملات نامشروع و یا بهره رجوی صادر شده، نمی باشد. ماده ۸ - چکهایی که در ایران عهده بانکهای واقع در خارج کشور صادر شده و منتهی به گواهی عدم پرداخت شده باشند، از لحاظ کیفری مشمول مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹ - در صورتی که صادر کننده چک قبل از تاریخ شکایت کیفری وجه چک را نقدا به دارند آن پرداخته یا با موافقت شاکی خصوصی ترتیبی برای پرداخت آن داده باشد، یا موجبات پرداخت آن را در بانک محال علیه فراهم نماید، قابل تعقیب کیفری نیست در مورد اخیر بانک مذکور مکلف است تا میزان وجه چک حساب صادر کننده را مسدود نماید و به محض مراجعه دارند چک وجه آن را بپردازد. ماده ۱۰ - هر کس با علم به بسته بودن حساب بانکی خود مبادرت به صدور چک نماید، عمل وی در حکم صدور چک بی محل خواهد بود و به حداکثر مجازات مندرج در ماده ۷ محکوم خواهد شد و مجازات تعیین شده غیر قابل تعلیق است ماده ۱۱ - جرایم مذکور در این قانون بدون شکایت

دارنده چک قابل تعقیب نیست و در صورتی که دارنده چک تا شش ماه از تاریخ صدور چک برای وصول آن به بانک مراجعه نکند، یا ظرف شش ماه از تاریخ صدور گواهی عدم پرداخت شکایت ننماید، دیگر حق شکایت کیفری نخواهد داشت منظور از دارنده چک در این ماده شخصی است که برای اولین بار چک را به بانک ارائه داده است برای تشخیص این که چه کسی اولین بار برای وصول وجه چک به بانک مراجعه کرده است بانکها مکلفند به محض مراجعه دارنده چک هویت کامل و دقیق او را در پشت چک با ذکر تاریخ ذکر نمایند. کسی که چک پس از برگشت از بانک به وی منتقل گردیده حق شکایت کیفری نخواهد داشت مگر آن که انتقال قهری باشد. در صورتی که دارنده چک بخواهد چک را به وسیله شخص دیگری به نمایندگی از طرف خود وصول کند و حق شکایت کیفری او در صورت بی محل بودن چک محفوظ باشد، باید هویت و نشانی خود را با تصریح نمایندگی شخص مذکور در ظهر چک قید نماید، و در این صورت بانک اعلامیه مذکور در ماده ۴ و ۵ را به نام صاحب چک صادر می کند و حق شکایت کیفری او محفوظ خواهد بود. تبصره - هرگاه بعد از شکایت کیفری شاکی چک را به دیگری انتقال دهد یا حقوق خود را نسبت به چک به هر نحو به دیگری واگذار نماید، تعقیب کیفری موقوف خواهد شد. ماده ۱۲ - هرگاه قبل از صدور حکم قطعی شاکی گذشت نماید و یا این که متهم وجه چک و خسارت تاخیر تادیه را نقداً به دارنده آن پرداخت کند، یا موجبات پرداخت وجه چک و خسارات مذکور را فراهم کند یا در صندوق دادگستری یا اجرای ثبت تودیع نماید، مرجع رسیدگی قرار موقوفی تعقیب صادر خواهد کرد. صدور قرار موقوفی تعقیب در دادگاه کیفری مانع از آن نیست که آن دادگاه نسبت به سایر خسارات مورد مطالبه رسیدگی و حکم صادر کند. هرگاه پس از صدور حکم قطعی شاکی گذشت کند و یا این که محکوم علیه به ترتیب فوق موجبات پرداخت وجه چک و خسارات تاخیر تادیه و سایر خسارات مندرج در حکم را فراهم نماید، اجرای حکم موقوف می شود و محکوم علیه فقط ملزم به پرداخت مبلغی معادل یک سوم جزای نقدی مقرر در حکم خواهد بود که به دستور دادستان به نفع دولت وصول خواهد شد. تبصره - میزان خسارت و نحوه احتساب آن بر مبنای قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون اصلاح موادی از قانون صدور چک - مصوب ۱۰/۳/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام - خواهد بود. ماده ۱۳ - الف - در صورتی که ثابت شود چک سفید امضاء داده شده باشد. ب - هرگاه در متن چک، وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی شده باشد. ج - چنانچه در متن چک قید شده باشد که چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. د - هرگاه بدون قید در متن چک ثابت شود که وصول وجه آن منوط به تحقق شرطی بوده یا چک بابت تضمین انجام معامله یا تعهدی است. ه - در صورتی که ثابت گردد چک بدون تاریخ صادر شده و یا تاریخ واقعی صدور چک مقدم بر تاریخ مندرج در متن چک باشد. ماده ۱۴ - صادرکننده چک یا ذی نفع یا قائم مقام قانونی آنها با تصریح به این که چک مفقود یا سرقت یا جعل شده و یا از طریق کلاهبرداری یا خیانت در امانت یا جرایم دیگری تحصیل گردیده می تواند کتبا دستور عدم پرداخت وجه چک را به بانک بدهد. بانک پس از احراز هویت دستوردهنده از پرداخت وجه آن خودداری خواهد کرد و در صورت ارایه چک بانک گواهی عدم پرداخت را با ذکر علت اعلام شده صادر و تسلیم می نماید. دارنده چک می تواند علیه کسی که دستور عدم پرداخت داده شکایت کند و هرگاه خلاف ادعایی که موجب عدم پرداخت شده ثابت گردد، دستوردهنده علاوه بر مجازات مقرر در ماده ۷ این قانون به پرداخت کلیه خسارات وارده به دارنده چک محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - ذی نفع در مورد این ماده کسی است که چک به نام او صادر یا ظهرنویسی شده یا چک به او واگذار گردیده باشد (یا چک در وجه حامل به او واگذار گردیده). در موردی که دستور عدم پرداخت مطابق این ماده صادر می شود بانک مکلف است وجه چک را تا تعیین تکلیف آن در مرجع رسیدگی یا انصراف دستوردهنده در حساب مسدودی نگهداری نماید. تبصره ۲ - دستوردهنده مکلف است پس از اعلام به بانک شکایت خود را به مراجع قضایی تسلیم و حداکثر ظرف مدت یک هفته گواهی تقدیم شکایت خود را به بانک تسلیم نماید در غیر این صورت پس از انقضای مدت مذکور بانک از محل موجودی به تقاضای دارنده چک وجه آن را پرداخت کند. تبصره ۳ - پرداخت چکهای تضمین شده و مسافرتی رانمی توان

متوقف نمود مگر آن که بانک صادر کننده نسبت به آن ادعای جعل نماید. در این مورد نیز حق دارنده چک راجع به شکایت به مراجع قضایی طبق مفاد قسمت اخیر ماده (۱۴) محفوظ خواهد بود. ماده ۱۵ - دارنده چک می تواند وجه چک و ضرر و زیان خود را در دادگاه کیفری مرجع رسیدگی مطالبه نماید. ماده ۱۶ - رسیدگی به کلیه شکایات و دعاوی جزایی و حقوقی مربوط به چک در دادسرا و دادگاه تا خاتمه دادرسی فوری و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۱۷ - وجود چک در دست صادر کننده دلیل پرداخت وجه آن و انصراف شاکی از شکایت است مگر این که خلاف این امر ثابت گردد. ماده ۱۸ - مرجع رسیدگی کننده جرائم مربوط به چک بلامحل، از متهمان در صورت توجه اتهام طبق ضوابط مقرر در ماده (۱۳۴) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی - حسب مورد یکی از قرارهای تأمین کفالت یا وثیقه (اعم از وجه نقد یا ضمانتنامه بانکی یا مال منقول و غیرمنقول) اخذ می نماید. ماده ۱۹ - در صورتی که چک به وکالت یا نمایندگی از طرف صاحب حساب اعم از شخص حقیقی یا حقوقی صادر شده باشد، صادر کننده چک و صاحب حساب متضامنا مسوول پرداخت وجه چک بوده و اجراییه و حکم ضرر و زیان بر اساس تضامن علیه هر دو صادر می شود. بعلاوه امضاکننده چک طبق مقررات این قانون مسوولیت کیفری خواهد داشت مگر این که ثابت نماید که عدم پرداخت مستند به عمل صاحب حساب یا وکیل یا نماینده بعدی اوست که در این صورت کسی که موجب عدم پرداخت شده از نظر کیفری مسوول خواهد بود. ماده ۲۰ - مسوولیت مدنی پشت نویسان چک طبق قوانین و مقررات مربوط کماکان به قوت خود باقی است ماده ۲۱ - بانکها مکلفند کلیه حسابهای جاری اشخاصی را که بیش از یک بار چک بی محل صادر کرده و تعقیب آنها منتهی به صدور کیفرخواست شده باشد، بسته و تا سه سال به نام آنها حساب جاری دیگر باز نمایند. مسوولین شعب هر بانکی که به تکلیف فوق عمل نمایند حسب مورد با توجه به شرایط و امکانات و دفعات و مراتب جرم به یکی از مجازاتهای مقرر در ماده ۹ قانون رسیدگی به تخلفات اداری توسط هیات رسیدگی به تخلفات اداری محکوم خواهند شد. تبصره ۱ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است سوابق مربوط به اشخاصی را که مبادرت به صدور چک بلامحل نموده اند، به صورت مرتب و منظم ضبط و نگهداری نماید و فهرست اسامی این اشخاص را در اجرای مقررات این قانون در اختیار کلیه بانکهای کشور قرار دهد. تبصره ۲ - ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و نحوه پاسخ به استعلامات بانکها به موجب آیین نامه ای خواهد بود که ظرف مدت سه ماه توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران تنظیم و به تصویب هیات دولت می رسد. ماده ۲۲ - در صورتی که به متهم دسترسی حاصل نشود، آخرین نشانی متهم در بانک محال علیه اقامتگاه قانونی او محسوب است و هر گونه ابلاغی به نشانی مزبور به عمل می آید. هرگاه متهم حسب مورد به نشانی بانکی یا نشانی تعیین شده شناخته نشود یا چنین محلی وجود نداشته باشد گواهی مامور به منزله ابلاغ اوراق تلقی می شود و رسیدگی بدون لزوم احضار متهم به وسیله مطبوعات ادامه خواهد یافت ماده ۲۳ - قانون صدور چک مصوب خرداد ۱۳۴۴ نسخ می شود.

### آیین نامه تعیین ضوابط و مقررات مربوط به محرومیت اشخاص از افتتاح حساب جاری و چگونگی پاسخ استعلام بان

موضوع تبصره ۲ ماده ۲۱ قانون صدور چک مصوب ۲۵/۸/۱۳۷۳ هیأت وزیران ماده ۱ - بانکها مکلفند هنگام افتتاح حساب جاری برای اشخاص مشخصات کامل شناسنامه (نام و نام خانوادگی، شماره شناسنامه محل صدور، نام پدر، تاریخ تولد) و نشانی کامل آنان را دریافت و در کارتهای مربوط درج نمایند. ماده ۲ - بانکها مکلفند در صورت درخواست دارنده چک گواهی عدم پرداخت را بر اساس ماده (۴) قانون صدور چک با مشخصات کامل صادر کننده چک و سایر موارد مندرج در ماده یاد شده تنظیم و به دارنده چک تسلیم نمایند. تبصره - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران موظف است رویه موجود بانکها در مورد واریز وجوه چک از طریق بانکی را منطبق با این ماده اصلاح نماید. ماده ۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مکلف است با دریافت فهرست

مشخصات اشخاصی که تعقیب آنان در رابطه با صدور چک بلامحل منتهی به صدور کیفرخواست شده است فهرست اسامی و مشخصات اشخاص مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک را تهیه کرده و در پایان هر ماه طی بخشنامه‌ای به بانک‌های کشور ابلاغ نماید. تبصره - وزارت دادگستری مکلف است ترتیبی اتخاذ نماید تا در اجرای این ماده مراجع قضایی اطلاعات یادشده را بلافاصله پس از صدور کیفرخواست به بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران ارسال نمایند. ماده ۴ - بانکها مکلفند حساب جاری اشخاصی را که اسامی آنان در فهرست اشخاص مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک درج است بسته و از افتتاح حساب جاری و دادن دسته چک در مدت قانونی به آنها خودداری نمایند. ماده ۵ - در مواردی که اشخاص مشمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک از ناحیه مراجع قضایی حکم براثت یا قرار منع یا موقوفی تعقیب اخذ نمایند به ترتیبی که از شمول ماده (۲۱) اصلاحی قانون صدور چک خارج شده باشند، مراتب از سوی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای حذف نام آنان از فهرست موضوع ماده ۳) این آیین‌نامه به بانکهای کشور ابلاغ خواهد شد.

### ۶- قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می‌دهند و یا تملک می‌کنند و مجازات آنها

ماده اول - اگر کسی اقرار نمود یا محقق شد که مال شخص ثالثی را بدون مجوز قانونی به نحوی از انحاء عینا و یا منفعه نقل به غیر نموده و به تصرف او داده است توقیف و حبس خواهد شد تا این که عین و یا عوض مال و همچنین خسارات وارده بر مالک و مشتری را رد نماید. ماده دوم - اگر کسی اقرار نمود و یا محقق شد که مال ثالثی را با علم به مستحق‌الغیر بودن آن بدون مجوز قانونی به نحوی از انحاء تملک کرده و به تصرف خود در آورده است توقیف و حبس خواهد شد تا عین مال یا عوض آن را با خسارات وارده بر مالک رد نماید. ماده سوم (اصلاحی ۶/۴/۱۳۴۴) - در مورد دو ماده فوق مزور جزاء تعقیب و به مجازاتی که کمتر از یک سال حبس نباشد محکوم خواهد شد.

### ۷- قانون تشدید مجازات ربایندگان اشخاص

مصوب اسفندماه ۱۳۵۳ ماده ۱ - هر کس به قصد مطالبه وجه یا مال یا به قصد انتقام یا به هر منظور سوء دیگر به عنف یا تهدید یا حيله یا به هر نحو دیگر شخصی را برباید یا مخفی کند به حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال محکوم خواهد شد در صورتی که سن مجنی علیه کمتر از ۱۵ سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود. ماده ۲ - هر گاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب‌های وارده فوت کند یا ناپدید شود یا به او صدمه جسمی یا روانی برسد که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد مجازات مرتکب اعدام است ماده ۳ - هر گاه سن مجنی علیه کمتر از پانزده سال تمام باشد و با او لواط شده یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن مجنی علیه کمتر از دوازده سال تمام باشد مجازات مرتکب اعدام است ماده ۴ - هر گاه سن مجنی علیه پانزده سال تمام یا بیشتر باشد و به سبب ربودن یا اخفاء یا آسیب‌های وارده فوت کند یا ناپدید شود مجازات مرتکب اعدام است اگر به او صدمه جسمانی یا روانی وارد شود که منجر به مرض دائم یا زوال عقل یا فقدان یکی از حواس یا از کار افتادن یکی از اعضای اصلی بدن او گردد و یا با لواط شده و یا هتک ناموس او شده باشد مجازات مرتکب حبس دائم است ماده ۵ - هر گاه به مجنی علیه صدمه جسمی دیگر یا حیثیتی وارد شود در صورتی که سن او کمتر از پانزده سال تمام باشد مجازات مرتکب حبس دائم است و اگر سن او پانزده سال تمام یا بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال است ماده ۶ - در مورد ناپدید شدن مجنی علیه حکم اعدام تا احراز این موضوع که مجنی علیه در اثر جرم ارتكابی فوت نموده است اجرا نخواهد شد و محکوم علیه در حبس باقی می‌ماند و هر گاه پس از صدور حکم قطعی دلیلی بر زنده بودن مجنی

علیه بدست آید اعاده دادرسی به عمل خواهد آمد. ماده ۷- هر کس اعمال مذکور در ماده یک را توسط دیگری انجام دهد به همان مجازات مباشر جرم محکوم می‌شود و در این مورد ترتیب تخفیف مجازات همان است که درباره مباشر مقرر گردیده است. ماده ۸- در صورتی که مرتکب قبل از دستگیری مجنی علیه را به کسان او و یا ضابطین دادگستری تحویل نماید و یا موجبات تسلیم او را فراهم کند، دادگاه می‌تواند مجازات مرتکب را تا دو درجه تخفیف دهد و هرگاه مرتکب تا قبل از صدور حکم قطعی مجنی علیه را تحویل دهد و یا موجبات تسلیم او را فراهم نماید و یا شاکی خصوصی گذشت نماید دادگاه می‌تواند فقط یک درجه مجازات را تخفیف دهد. ماده ۹- در صورتی که مرتکب جرایم مندرج در این قانون بیش از پانزده سال و کمتر از هجده سال تمام داشته و مجازات اصلی جرم اعدام یا حبس ابد باشد دادگاه می‌تواند او را با رعایت ماده ۳۳ قانون مجازات عمومی تا پانزده سال حبس محکوم نماید. ماده ۱۰- وزارت دادگستری مجاز است محکومین به اعدام یا حبس در کانون اصلاح و تربیت را که سن آنان در موقع اجرای حکم یا در حین آن از هجده سال تجاوز نماید برای اجرای تمام یا باقیمانده مدت محکومیت به زندانهای عمومی منتقل نماید. ماده ۱۱- در صورتی که برای اعمال مذکور در ماده یک این قانون به موجب قوانین دیگری مجازات مقرر شده باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. ماده ۱۲- مقررات مواد ۲۰۲ و ۲۰۳ قانون مجازات عمومی لغو می‌شود.

#### ۸- لایحه قانونی راجع به تشدید مجازات سارقین مسلح که وارد منزل یا مسکن اشخاص بشوند

مصوب ۹/۴/۱۳۳۳ با اصلاحات بعدی ماده واحده - هرگاه یک یا چند نفر برای سرقت وارد منزل یا مسکن اشخاص شوند اگرچه یک نفر آنها حامل سلاح باشد و یا در موقع سرقت در مقام هتک ناموس برآیند و هیچ یک از آنها هم مسلح نباشد در دادگاههای نظامی محاکمه و به مجازات مقرر در بند الف ماده ۴۰۸ قانون دادرسی و کیفراتش محکوم خواهند شد. تبصره ۱- در صورتی که ساکنین محل مزبور در مقام مدافعه از مال یا جان یا ناموس و یا جلوگیری از بردن مال در محل سرقت مرتکب قتل یا جرح و یا ضرب سارقین بشوند، از مجازات معاف خواهند بود و همچنین اگر متهم یا متهمین به اخطار مأمورین انتظامات تسلیم نشوند و در نتیجه فرار آنها و تیراندازی مأمورین مجروح یا مقتول گردند مأمورین انتظامی از مجازات معاف می‌باشند. تبصره ۲- مأمورینی که به سارقین در ارتکاب سرقت به نحوی از انحا معاونت کرده و یا وسایل فرار آنها را فراهم آورند مشمول مقررات این قانون بوده و به حبس جنایی درجه یک از ده الی پانزده سال محکوم خواهند گردید. تبصره ۳- منسوخ شده است

#### ۹- قانون مربوط به تشدید مجازات سرقت مسلحانه

مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۳۸ ماده واحده - هرگاه دو یا چند نفر با اجتماع و مواضعه قبلی به بانکها یا صرافیها و یا جواهرفروشیها و به طور کلی به هر محلی که در آن وجوه نقد یا اوراق بهادار یا سایر اشیای قیمتی معمولاً وجود دارد به قصد سرقت و ربودن اموال مسلحانه حمله ببرند (هرچند فقط یک نفر از آنها مسلح باشد) هر یک از مرتکبین در صورت وقوع سرقت یا ربودن مال به حبس دایم و در صورت وقوع قتل به اعدام محکوم خواهد شد و در صورتی که سرقت یا ربودن مال یا قتل واقع نشده باشد هرگاه اراده مرتکبین در آن تاثیر نداشته مجازات هر یک از مرتکبین حبس جنایی درجه یک از ده تا پانزده سال و اگر اراده مرتکبین در آن تاثیر داشته مجازات آنان حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال خواهد بود و در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست

#### ۱۰- قانون تأمین زنان و کودکان بی سرپرست

مصوب ۲۴/۸/۱۳۷۱ ماده ۱- به پیروی از تعالیم عالیه اسلام در جهت حفظ شوون و حقوق اجتماعی زن و کودک بی سرپرست و

زدودن آثار فقر از جامعه اسلامی و به منظور اجرای قسمتی از اصل بیست و یکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران زنان و کودکان بی سرپرستی که تحت پوشش قوانین حمایتی دیگری نیستند از حمایت‌های مقرر در این قانون بهره‌مند خواهند شد. ماده ۲ -

مشمولان این قانون عبارتند از: ۱ - زنان بیوه - بیوه به زنانی اطلاق می‌شود که به عقد ازدواج (دایم یا منقطع درآمده و سپس به یکی از دلایل طلاق، فوت شوهر، فسخ عقد، صدور حکم موت فرضی بذل مدت و یا انقضای مدت در نکاح منقطع شوهر خود را از دست داده باشند. ۲ - زنان پیر و سالخورده - زنان بی سرپرست و مسنی هستند که قادر به تامین معاش خود نباشند. ۳ - سایر زنان و دختران بی سرپرست - به زنان و دخترانی اطلاق می‌شود که بنا به عللی از قبیل مفقودالاثر شدن یا از کار افتادگی سرپرست به طور دایم یا موقت بدون سرپرست (نان آور) می‌مانند. ۴ - کودکان بی سرپرست - به کودکانی اطلاق می‌شود که بنا به هر علت و به طور دایم یا موقت سرپرست خود را از دست داده باشند. تبصره ۱ - پسران موضوع بند ۴ این ماده تا رسیدن به حداقل سن قانونی (مندرج در قانون کار) و دختران تا زمانی که ازدواج نمایند مشمول این قانون باقی خواهند ماند مگر این که تحت سرپرستی قرار گیرند یا به نحوی تمکن مالی بیابند. تبصره ۲ - پسرانی که ادامه تحصیل دهند به شرط وجود اعتبار تا پایان تحصیل مشمول مفاد این قانون می‌باشند. ماده ۳ - زنان و کودکان بی سرپرست که به هر نحو از مستمری‌های بازنشستگی از کار افتادگی و بازماندگان بهره‌مند می‌شوند و یا از تمکن مالی برخوردار باشند از شمول مقررات این قانون خارج هستند. ماده ۴ - حمایت‌های موضوع این قانون عبارتند از: ۱ - حمایت‌های مالی شامل تهیه وسایل و امکانات خودکفایی یا مقرری نقدی و غیرنقدی به صورت نوبتی یا مستمر. ۲ - حمایت‌های فرهنگی اجتماعی شامل ارائه خدماتی نظیر خدمات آموزشی (تحصیلی، تربیتی، کاریابی آموزش حرفه و فن جهت ایجاد اشتغال خدمات مشاوره‌ای و مددکاری جهت رفع مسایل و مشکلات زندگی مشمولان و به وجود آوردن زمینه ازدواج و تشکیل خانواده ۳ - نگهداری روزانه یا شبانه‌روزی کودکان و زنان سالمند بی سرپرست در واحدهای بهزیستی یا واگذاری سرپرستی این گونه کودکان و زنان به افراد واجد شرایط تبصره - کلیه مشمولان واجد شرایط که از سلامت جسمی و روانی برخوردارند به تشخیص مددکاران ذی ربط جهت شرکت در دوره‌های آموزش حرفه‌ای و کاریابی معرفی می‌شوند. ماده ۵ - میزان و مدت پرداخت مقرری ماهیانه طبق آیین‌نامه‌ای تعیین می‌گردد که بنا به پیشنهاد سازمان بهزیستی کشور به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره - پرداخت مقرری نقدی و غیرنقدی تا احراز موارد مندرج در ماده (۶) این قانون ادامه خواهد یافت ماده ۶ - در موارد زیر مقرری مشمولان قطع خواهد شد: ۱ - در صورت ازدواج رجوع یا تحت تکفل قرار گرفتن ۲ - یافتن تمکن مالی ۳ - خودداری از شرکت در دوره‌های آموزشی (تحصیلی و آموزش حرفه‌ای بدون عذر موجه ۴ - امتناع از قبول شغل مناسب پیشنهادی تبصره - در صورت محکومیت کیفری که منجر به بازداشت و زندان شود، مقرری مربوط در مدت محکومیت قطع خواهد شد. ماده ۷ - هر کس بر اساس اسناد و گواهی‌های خلاف یا با توسل به عناوین تقلبی از مزایای مقرر در این قانون به نفع خود استفاده نماید به رد عین یا معادل کمک‌های نقدی و غیرنقدی دریافتی و نیز تا دو برابر آن جریمه محکوم می‌شود و چنانچه موجبات استفاده اشخاص ثالث را من غیرحق فراهم نماید به جزای نقدی تا سه برابر مزبور محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - کلیه خسارات و وجوه حاصله از جرایم نقدی مقرر در این قانون جزء درآمد اختصاصی سازمان بهزیستی و در یک ردیف درآمد و هزینه مستقل همه ساله در قانون بودجه منظور و طبق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید هزینه می‌گردد. تبصره ۲ - سازمان بهزیستی می‌تواند از هدایا و کمک‌های اشخاص حقیقی و حقوقی در جهت اجرای این قانون استفاده نماید. ماده ۸ - چنانچه مشمولان این قانون اشتغال ازدواج یا رجوع خود را مکتوم داشته و مقرری دریافت دارند، برابر ماده ۷ این قانون مورد پیگرد قرار خواهند گرفت ماده ۹ - سازمان بهزیستی کشور مجری این قانون خواهد بود و موظف است آیین‌نامه‌های اجرایی مربوط را ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قانون با هماهنگی کلیه نهادها و دستگاه‌های ذیربط تهیه و جهت تصویب به هیات وزیران تقدیم نماید. تبصره - اجرای این قانون مانع از انجام وظائف قانونی و موارد پیش‌بینی شده در اساسنامه کمیته‌امداد امام خمینی (ره) نمی‌باشد و کمیته مزبور در چارچوب وظائف قانونی خویش

کماکان نسبت به ارائه خدمات مربوط ادامه خواهد داد. ماده ۱۰ - کلیه وزارتخانه‌ها، سازمان‌های دولتی و وابسته به دولت موسسات عمومی و سازمان‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام می‌باشد موظفند همکاریهای لازم را در زمینه اجرای این قانون با سازمان بهزیستی کشور معمول دارند. قانون فوق مشتمل بر ۱۰ ماده و ۸ تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۷/۸/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### ۱۱- قانون راجع به بدهی واردین به مهمانخانه‌ها و پانسیونها

مصوب ۱ شهریور ماه ۱۳۱۲ ماده اول - صاحبان مهمانخانه و پانسیون و جاهای مانند آن حق دارند مادام که وارد یا مسافر بدهی خود را از بابت کرایه منزل و قیمت غذا و سایر چیزهایی که مصرف کرده‌اند نپردازد از خروج اشیاء و اثاثیه متعلق به او معادل بدهی او جلوگیری کرده و در شهرها از مامورین نظمی و در خارج از شهرها از مامورین امنیه توقیف اشیاء مذکور را تقاضا کنند. هرگاه معلوم شود که اشخاص فوق بدون حق مانع خروج اسباب یا اثاثیه شده و یا توقیف آن را تقاضا کرده‌اند علاوه بر جبران خسارات مالی مسافر یا وارد به جزای نقدی از پنجاه تا هزار ریال محکوم خواهند شد. تبصره - حق استفاده از این ماده مخصوص کسانی است که قبلاً کرایه منزل و قیمت غذا و غیره را اعلان و در محلی که هر وارد بتواند آن را ببیند الصاق کرده باشند. ماده دوم - هر کس در مهمانخانه یا رستوران و جاهای مانند آن وارد شده و پس از بیتوته یا صرف غذا و غیره به استناد نداشتن مالی از تادیه کرایه منزل یا قیمت چیزهایی که مصرف کرده خودداری نماید علاوه بر محکومیت حقوقی به حبس تادیه‌ای از ۸ روز تا ۱۵ روز محکوم خواهد شد.

### ۱۲- قانون اطلاع ماده ۱۲۸ قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸

مجلس شورای اسلامی در تاریخ ۲۹/۶/۱۳۸۲ به پایان می‌رسد، لذا ماده (۱۲۸) قانون مذکور و تبصره آن به شرح ذیل ابقاء می‌شود: ماده ۱۲۸ - متهم می‌تواند یک نفر وکیل همراه خود داشته باشد. وکیل متهم می‌تواند بدون مداخله در امر تحقیق پس از خاتمه تحقیقات، مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قوانین لازم بداند به قاضی اعلام نماید. اظهارات وکیل در صورت جلسه منعکس می‌شود. تبصره - در مواردی که موضوع جنبه محرمانه دارد یا حضور غیرمتهم به تشخیص قاضی موجب فساد گردد و همچنین در خصوص جرایم علیه امنیت کشور حضور وکیل در مرحله تحقیق با اجازه دادگاه خواهد بود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهارم شهریور ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و هشتاد و یک مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۳/۱۳۸۲ با اصلاحاتی به تصویب مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است. رئیس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

### ۱۳- قانون تعریف محکومیت‌های مؤثر در قوانین جزایی

مصوب ۲۶/۷/۱۳۶۶ ماده واحده - مراد از محکومیت‌های مؤثر کیفری مذکور در قوانین جزایی مصوب مجلس شورای اسلامی عبارت است از: الف - محکومیت به حد. ب - محکومیت به قطع یا نقص عضو. ج - محکومیت لازم‌الاجرا به مجازات حبس از یک سال به بالا در جرایم عمدی د - محکومیت به جزای نقدی به مبلغ دو میلیون ریال و بالاتر. ه - سابقه محکومیت لازم‌الاجرا دوبار یا بیشتر به علت جرم‌های عمدی مشابه با هر میزان مجازات جرم‌های سرقت کلاهبرداری اختلاس ارتشا، خیانت در امانت جزو جرم‌های مشابه محسوب می‌شوند.



**۱۴- قانون لغو مجازات شلاق**

مصوب تیرماه ۱۳۴۴ ماده واحده - الف (در مورد اصلاح تبصره ماده ۱۷۳ قانون مجازات عمومی می باشد) ب - مجازات تازیانه از ماده ۳ قانون راجع به اشخاصی که مال غیر را انتقال می دهند یا تملیک می کنند مصوب دوم جوزا ۱۳۰۲ و همچنین مجازات شلاق مذکور در ماده ۲۷۳ مکرر قانون مجازات عمومی حذف می شود. ج - درباره کسانی که به اتهام ارتکاب جرح یا قتل به وسیله چاقو یا هر نوع اسلحه دیگر مورد تعقیب قرار گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت بر توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و تا صدور حکم ادامه خواهد داشت

**۱۵- قانون تمدید مدت اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی**

مصوب اسفندماه ۱۳۷۵ ماده واحده - اجرای آزمایشی قانون مجازات اسلامی مصوب هشتم مردادماه یکهزار و سیصد و هفتاد هجری شمسی کمیسیون امور قضایی و حقوق مجلس شورای اسلامی به مدت ده سال تمدید می شود. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دوازدهم اسفندماه یکهزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۶/۱۲/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

**۱۶- آیین نامه اجرایی قانون اصلاح تبصره الحاقی ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی**

مصوب دی ماه سال ۱۳۷۸ مجلس شورای اسلامی ماده ۱ - دادگاه با توجه به علل و جهات ارتکاب جرم و شخصیت متهم نوع جرم میزان محکومیت دوری و نزدیکی محل اقامت اجباری با محل ارتکاب جرم امکان اشتغال یا عدم امکان اشتغال محکوم علیه در محل و همچنین با در نظر گرفتن نقاطی که از طرف وزارت کشور برای اقامت اجباری مناسب تشخیص داده نشده اند شهری را به عنوان محل اقامت اجباری محکوم علیه معین می نمایند. ماده ۲ - وزارت کشور می تواند نقاطی را که به لحاظ شرایط سیاسی امنیتی اجتماعی و غیره برای اقامت اجباری مناسب نمی باشند هر سال یک بار تهیه و از طریق وزارت دادگستری به قوه قضاییه جهت ابلاغ دادگاهها ارسال نماید. ماده ۳ - چنانچه وزارت کشور تغییر محل اقامت اجباری محکومی را به لحاظ شرایط سیاسی امنیتی اجتماعی و غیره لازم تشخیص دهد مستدلاً مراتب از طریق دادگستری به قوه قضاییه جهت ابلاغ به دادگاه اعلام می شود. ماده ۴ - نقطه نظرات مقامات محلی در مورد آثار و تبعات حضور محکومان در محل از طرف آن مستقیماً به وزارت کشور ارسال می شود تا در هنگام تعیین نقاط اقامت اجباری مورد توجه قرار گیرند. ماده ۵ - دادگاه با بررسی مشکلات ناشی از اجرای حکم چنانچه تغییر محل اقامت اجباری را لازم بداند نسبت به تعیین محل دیگر اتخاذ تصمیم می نماید. ماده ۶ - نظارت بر اجرای صحیح حکم اقامت اجباری توسط دادگاه صادر کننده رای از طریق مرجع مجری حکم به عمل می آید. ماده ۷ - وزرای دادگستری و کشور به منظور رفع معضلات اجرایی ناشی از تعیین اقامت اجباری محکومان حداقل یک بار در سال جلسه ای تشکیل خواهند داد. ماده ۸ - این آیین نامه در اجرای قانون اصلاح تبصره الحاقی به ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۲۷/۱۰/۱۳۷۸ در ۸ ماده توسط وزارت دادگستری با هماهنگی وزارت کشور تهیه و در تاریخ ۲۷/۳/۱۳۸۰ به تصویب رئیس قوه قضاییه رسیده است

**۱۷- آیین نامه نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو****۱- فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب**

موضوع تبصره یک ماده ۲۸ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۰ قوه قضائیه فصل اول در نحوه اجرای احکام اعدام رجم و صلب ماده ۱ - در هر مورد که حکم اعدام رجم و یا صلب توسط دادگاه صادرکننده حکم قطعی تشخیص گردد، رییس دادگاه رونوشتی از حکم صادره را برای اجرا با تصریحات لازمه به دادستان حوزه مربوطه ابلاغ می کند. هرگاه اطلاعات مصرحه در حکم کافی نباشد، فتوکپی از صورت مجالس رسیدگی و محاکمه را نیز به ضمیمه آن ارسال می نماید. تبصره ۱ - چنانچه محکوم علیه دادستان و یا دادیار مجری حکم نسبت به حکم تقاضای تجدیدنظر نمایند، اجرای آن تا اتخاذ تصمیم قضایی مرجع بررسی و نقض متوقف می ماند. تبصره ۲ - در صورتی که رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور در مقام اعمال اختیار مذکور در ماده ۳۵ قانون تشکیل دادگاههای کیفری یک و دو، حکم صادره را ولو این که در مقام تجدیدنظر صادر شده باشد، قابل تجدیدنظر تشخیص دهند اجرای حکم تا رسیدگی بعدی متوقف می ماند. تبصره ۳ - چنانچه محکوم علیه در فاصله صدور حکم لازم الاجرا و اجرای آن درخواست عفو نماید، اجرای حکم تا اعلام نتیجه از طرف کمیسیون فوق العاده عفو و بخشودگی به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۲ - دادستان هر محل پس از وصول حکم قطعی و صدور دستور اجرای آن توسط دادگاه صادرکننده حکم با رعایت مفاد تبصره های فوق مکلف به اجرای حکم بوده و درباره نحوه اجرای آن دستورات لازم را داده و در صحت اجرا، عدم تعویق و تعطیل آن نظارت خواهد کرد. ماده ۳ - هرگاه محکوم زن حامله بوده یا تازه وضع حمل کرده باشد، اجرای حکم تا سه ماه بعد از وضع حمل به تعویق می افتد. تبصره - در مورد زنانی که اطفال رضیع خود را شیر می دهند، چنانچه به تجویز پزشک و تایید قاضی صادرکننده حکم یا دادستان کل اجرای مجازات موجب لطمه به سلامتی طفل به سبب قطع شیر مادر باشد، اجرای مجازاتهای فوق تا رسیدن طفل به سن دو سالگی به تعویق خواهد افتاد. ماده ۴ - در مورد محکوم علیه مریض چنانچه طبق نظر و تجویز پزشک و تایید قاضی صادرکننده حکم یا دادستان کل مرض وی مانع از اجرای مجازات باشد اجرای حکم تا رفع مانع به تاخیر می افتد. ماده ۵ - دادستان مجری حکم حداقل ۴۸ ساعت قبل از زمان اجرای حکم مراتب را به مراجع و اشخاص ذیل اطلاع می دهد: الف - رییس نیروهای انتظامی محل یا نماینده وی برای برقراری و حفظ نظم در محل اجرای حکم در صورتی که محل اجرای حکم خارج از محوطه زندان باشد. ب - رییس اداره زندان برای تهیه مقدمات اجرای حکم و حفظ نظم در داخل محوطه زندان ج - پزشک قانونی یا پزشک معتمد (اگر در محل پزشک قانونی نباشد) برای معاینه محکوم و اعلام نظر راجع به وضعیت جسمانی وی د - یکی از روحانیون برای انجام تشریفات دینی و مذهبی اگر محکوم پیرو یکی از ادیان رسمی شناخته شده باشد، روحانی همان دین چنانچه در محل موجود باشد، دعوت می گردد. ه - منشی دادگاه برای قرائت حکم قبل از اجرا. و - وکیل محکوم علیه و اولیای دم مقتول ز - پلیس قضایی یا مسوول اجرای احکام دادگاه برای اعزام مامورین جهت همکاری در تهیه مقدمات اجرای حکم تبصره - در موارد مصرحه در قانون که حضور حاکم شرع الزامی است دادستان مراتب را به وی نیز اطلاع خواهد داد. ماده ۶ - قبل از اجرای حکم دادستان و پزشک قانونی (یا پزشک معتمد) به محبس محکوم رفته و پزشک او را معاینه و اعلام نظر می نماید. در صورتی که از نظر جسمی مانعی برای اجرای حکم نباشد، دادستان به محکوم اطلاع می دهد چنانچه تقاضای ملاقات اشخاصی را دارد، اظهار نماید و در صورت تقاضای ملاقات دستور احضار آنان را می دهد مشروط بر این که قبول تقاضا موجب تاخیر اجرای حکم نشود. ماده ۷ - پس از حضور فرد یا افراد مورد تقاضا، رییس زندان یا نماینده وی ترتیب ملاقات محکوم با آنان را می دهد. محکوم حق دارد هرگونه مطلبی را در حضور دادستان یا بدون حضور وی به ملاقات کنندگان کتبا یا شفاهاً اظهار کند. فقط رییس زندان یا نماینده وی باید در حین بیان اظهارات حاضر باشد. در صورت ضرورت از یک نفر مترجم نیز استفاده خواهد شد. ماده ۸ - مامورین انتظامی یا زندان مکتوبات و وصایای محکوم را پس از ملا حظه دادستان و اعلام بلا مانع بودن آن بدون تاخیر به مقصدی که محکوم تعیین کرده است می رسانند. ماده ۹ - قبل از خروج محکوم از زندان آداب مذهبی لازم بر طبق مقررات دین و مذهب محکوم به عمل خواهد آمد. ماده ۱۰ - اجرای حکم با حضور دادستان رییس زندان

رییس نیروهای انتظامی یا نماینده او و منشی دادگاه و سایر افرادی که حق حضور دارند، در محل مخصوص در زندان و یا محل دیگری که در حکم معین گردیده به عمل می آید. ماده ۱۱- در مواردی که محکوم را برای اجرای حکم از زندان خارج می کنند، صورت مجلس تهیه و به امضای دادستان رییس زندان پزشک حاضر در محل منشی دادگاه و رییس نیروهای انتظامی یا نماینده وی می رسد. رییس زندان هویت زندانی را از حیث تطبیق مشخصات وی با آنچه در حکم دادگاه آمده تایید و ذیل آن را امضا خواهد کرد. ماده ۱۲- قبل از اجرای حکم اگر محکوم خوردنی یا آشامیدنی تقاضا کند، مامورین مکلفند برای او تهیه نمایند مگر این که تقاضای مشارالیه فقط برای تأخیر اجرای حکم باشد (تشخیص این امر با دادستان است. ماده ۱۳- موقع اجرای حکم اول طلوع آفتاب خواهد بود مگر این که دادگاه دستور خاصی را صادر کرده باشد. ماده ۱۴- تأمین امنیت محل اجرای حکم در خارج از محوطه زندان به عهده نیروهای انتظامی است ماده ۱۵- قبل از اجرای حکم اعدام یا صلب باید چوبه دار یا صلیب و طناب و سایر آلات و ادوات اجرا معاینه و از صحت استحکام آنها اطمینان حاصل شده و در مورد اجرای حکم رجم توجه شود که مقدمات اجرای حکم بر طبق ضوابط شرعی و قانونی فراهم شده باشد. ماده ۱۶- پس از انجام تشریفات فوق، زندانی تحت الحفظ به پای چوبه دار یا صلیب یا محل اجرای حد رجم آورده می شود. سپس با اجازه دادستان منشی دادگاه حکم را با صدای بلند قرائت می کند و پس از آن بلافاصله به دستور دادستان حکم طبق مفاد رای و توسط مامورین اجرا می شود. ماده ۱۷- کلیه عملیات اجرایی باید با کمال آرامش و بدون خشونت انجام شود. ماده ۱۸- محکوم به اعدام چنانچه در حکم ترتیب خاصی مقرر نشده باشد، به دار کشیده می شود و به مدت یک ساعت در بالای دار می ماند مگر این که اطمینان به مرگ وی حاصل شود. سپس از دار به پایین آورده می شود. ماده ۱۹- پس از معاینه جسد و اطمینان از مرگ چنانچه کسان محکوم جسد را مطالبه نمایند به تشخیص و دستور دادستان تسلیم آنان می شود و الاً بر طبق مراسم معموله دفن خواهد شد. در این صورت کلیه مخارج به عهده دولت خواهد بود. ماده ۲۰- از اجرای حکم صورت مجلس تهیه شده و به امضای افراد مذکور در ماده ۱۰ می رسد و در پرونده مربوطه ضبط می گردد. ماده ۲۱- از مراسم اجرای حکم توسط مسوولین زندان یا مامورین انتظامی (حسب مورد) عکس برداری شده و عکسها در پرونده محکوم بایگانی می شود. خبر اجرای حکم با ذکر نوع جرم و خلاصه رای دادگاه در روزنامه ها منتشر می گردد. در موارد استثنایی که به تشخیص ریاست قوه قضاییه مصالحی ایجاب کند عکس محکوم در حال اجرای حکم توسط رسانه های گروهی برای اطلاع عمومی انتشار می یابد. ماده ۲۲- در صورتی که بنا به جهاتی حضور تماشاچی یا طبقات و افراد خاصی در محل اجرای حکم به مصلحت نباشد، به دستور دادستان مامورین انتظامی از ورود آنان به محل جلوگیری می نمایند. ماده ۲۳- قبل از اجرای حکم رجم به محکوم دستور داده می شود تا با آب سرد و کافور خالص به ترتیب غسل نماید سپس به همان کیفیت و با رعایت سایر شرایط شرعی و قانونی اجرای حد می گردد. ماده ۲۴- پس از اجرای حکم رجم و مرگ محکوم، جسد را از چاله خارج نموده مراسم نماز میت را به جا می آورند و بدون غسل مجدد با همان کفن دفن می نمایند و چنانچه محکوم قبل از اجرای حد غسل نکرده باشد، با انجام تشریفات غسل کفن و دفن می شود. تبصره- در صورتی که مراسم رجم در حالت پوشش کفن انجام شده باشد، تعویض کفن آلوده به خون ضروری نیست ماده ۲۵- در اجرای حد صلب محکوم را به چوبه دار که شبیه صلیب تهیه شده است در حالتی که پشت به صلیب و روی به قبله بوده و پاهایش مقداری از زمین فاصله داشته باشد آویزان کرده دستهای وی را به دو چوب افقی و پاهایش را عمودی می بندند و به مدت سه روز به همان حال رها می کنند. ماده ۲۶- پس از انقضای سه روز او را از چوبه دار پایین می آورند و اگر فوت کرده باشد پس از انجام مراسم مذهبی دفن والا رها می کنند. تبصره- چنانچه فوت مصلوب زودتر از سه روز محرز گردد، پایین آوردن جسد برای انجام مراسم مذهبی و کفن و دفن قبل از انقضای سه روز بلامانع است

## ۲- فصل دوم در نحوه اجرای احکام قطع یا نقص عضو

ماده ۲۷- در قصاص عضو علاوه بر رعایت شرایط و ضوابط مقرر در ماده ۵۸ به بعد قانون حدود و قصاص حضور پزشک به منظور تشخیص و اجرای مفاد مواد ۶۲ و ۶۳ و ۶۵ و ۶۸ قانون مذکور، ضروری است هرگاه دادستان پس از کسب نظر پزشک اجرای حکم را به کیفیت و میزان معینه غیر مقدر یافت با خودداری از اجرای حکم پرونده را برای تعیین تکلیف به دادگاه صادرکننده حکم ارسال می‌دارد. ماده ۲۸- اجرای قصاص عضو نسبت به محکومین بیمار با خوف صدمه اضافی برای بیماری وی تارفع خوف به تعویق می‌افتد. تشخیص این امر به عهده پزشک قانونی یا پزشک معتمد منتخب از سوی دادستان خواهد بود. چنانچه به سبب مادام‌العمر تشخیص شدن این امر، امکان اجرای قصاص نباشد، به پیشنهاد دادستان و حکم دادگاه تبدیل به دیه خواهد شد. تبصره - در کلیه مواردی که مسوولیتی به عهده دادستان مقرر گردیده است در غیاب وی یکی از داد یاران وظایف محوله را انجام خواهد داد.

## ۱۸- قانون تشکیل دادگاههای کیفری ۱ و ۲ و شعب دیوان عالی کشور مصوب ۳۱/۳/۱۳۶۸

### ۱- فصل اول - محاکم کیفری

#### ۱- مبحث اول - در تشکیل دادگاهها و صلاحیت آنها

ماده ۱- دادگاههای کیفری به ترتیب مقرر در این قانون تشکیل و به جرایمی که مطابق قوانین دارای مجازات زیر بوده و در صلاحیت دادگاههای دیگری نباشند رسیدگی و حکم مقتضی صادر می‌نمایند: ۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازات‌های بازدارنده ماده ۲- دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری ۱ و دادگاههای کیفری ۲ تقسیم می‌شوند. در معیت دادگاههای کیفری ۱ و ۲ دادسرای عمومی انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۳- دادگاههای کیفری ۱ و ۲ تشکیل می‌شود از یک نفر رییس یا عضو علی‌البدل ماده ۴- هرگاه رییس یا عضو علی‌البدل نسبت به مواردی از رییس کل دادگاهها یا رییس دادگستری حوزه متبوعه درخواست مشاور کند، رییس مکلف به اعزام مشاور است در این صورت قبل از اتخاذ تصمیم دادگاه مشاور مکلف است پرونده را دقیقاً مطالعه و بررسی نموده نظر مشروح و مستدل خود را در اسرع وقت و کتبا اعلام نماید. تخلف مشاور از این امر موجب محکومیت انتظامی تا درجه ۳ خواهد بود. تبصره ۱- چنانچه پس از خاتمه رسیدگی مشاور حداکثر ظرف مدت ۵ روز نظر مشورتی خود را به دادگاه تسلیم نکند، قاضی دادگاه رأساً اتخاذ تصمیم می‌نماید. تبصره ۲- چنانچه قاضی دادگاه به تشخیص شورای عالی قضایی مجتهد جامع‌الشرایط باشد پس از خاتمه رسیدگی بدون این که منتظر نظر مشورتی بماند می‌تواند اتخاذ تصمیم نماید. ماده ۵- دادگاه کیفری ۱ در مراکز استانها و شهرهایی که شورای عالی قضایی تاسیس آن را لازم بداند تشکیل می‌شود و حسب مورد می‌تواند دارای شعب متعدد باشد، تخصیص هر شعبه به هریک از انواع جرایم با شورای عالی قضایی است تبصره هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۱ تشکیل نشده باشد، رسیدگی به جرایم آن محل که در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ است با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ حوزه قضایی همان استان خواهد بود. ماده ۶- دادگاه کیفری ۲ در شهرهایی که شورای عالی قضایی لازم بداند تشکیل می‌شود و حسب مورد می‌تواند دارای شعب متعدد باشد. تخصیص هر شعبه به هریک از انواع جرایم با شورای عالی قضایی است ماده ۷- دادگاههای کیفری ۱ با رعایت ماده ۱ این قانون به جرایم زیر رسیدگی می‌نمایند: الف- جرمی که کیفر آن اعدام رجم صلب و نفی بلد به عنوان حد باشد. ب- جرمی که کیفر آن قطع یا نقص عضو باشد. ج- جرمی که کیفر آن به حسب قانون ۱۰ سال زندان و بالاتر باشد. د- جرمی که کیفر آن به حسب قانون بیش از دویست هزار تومان جزای نقدی باشد. ه- جرمی که کیفر آن نصف دیه کامل هر یک از موارد ششگانه و یا بالاتر باشد اعم از عمد یا شبهه عمد و یا خطای محض تبصره ۱-

هرگاه جرمی که ادعا شده احتمال ترتب یکی از کیفرهای مذکور بر آن باشد و پس از ختم دادرسی معلوم شود که کیفر آن کمتر از امور مذکوره است دادگاه کیفری ۱ مبادرت به انشای حکم خواهد کرد. تبصره ۲- هرگاه در محلی دادگاه کیفری ۲ تشکیل نشده و یا تشکیل شده ولی پرونده‌هایش متراکم است و یا دادگاه فاقد قاضی باشد و نیز در صورتی که قاضی دادگاه کیفری ۲ مطابق قانون صلاحیت رسیدگی به پرونده‌ای را ندارد، دادگاه کیفری ۱ می‌تواند بر حسب ارجاع رییس کل به پرونده‌هایی که در صلاحیت کیفری ۲ است نیز رسیدگی نماید. ماده ۸- رسیدگی به جرم‌هایی که مجازاتش غیر کیفرهای مذکور در ماده قبل و تبصره‌های آن باشد، به عهده دادگاه کیفری ۲ می‌باشد. ماده ۹- در نقاطی که تشکیل دو شعبه دادگاه حقوقی و کیفری میسر نباشد یک شعبه دادگاه حقوقی ۱ یا کیفری ۱ به کلیه دعاوی حقوقی و جرایم رسیدگی خواهد کرد. هرگاه دادگاه واحد از نوع دادگاه حقوقی ۲ یا کیفری ۲ باشد به دعاوی حقوقی و جرایم در حد صلاحیت دادگاه حقوقی و کیفری ۲ رسیدگی خواهد نمود. تبصره - در این موارد هرگاه دادسرا در محل تشکیل نشده باشد وظایف دادسرا به عهده رییس دادگاه یا عضو علی‌البدل می‌باشد. ماده ۱۰- در جاهایی که دادگستری تشکیل نشده است یک دادگاه حقوقی ۲ می‌تواند تشکیل و به دعاوی و شکایاتی که در صلاحیت حقوقی ۲ و کیفری ۲ می‌باشد رسیدگی نماید و چنانچه یک دادگاه کافی نباشد دو دادگاه یکی حقوقی ۲ و یکی کیفری ۲ تشکیل و طبق صلاحیتهای خود عمل می‌کنند. ماده ۱۱- هرگاه کسی مرتکب جرمی شود در دادگاهی رسیدگی می‌شود که جرم در حوزه آن وقوع یافته است و اگر شخصی مرتکب چندین جرم در جاهای مختلف بشود، در دادگاهی به آن جرایم رسیدگی می‌شود که مهمترین جرم در حوزه آن واقع شده است و هرگاه جرایم ارتكابی از یک درجه باشد، دادگاهی که متهم در حوزه آن دستگیر شده به آن رسیدگی می‌نماید. در این صورت دادسرای هر محل تحقیقات لازمه را موافق تکالیف خود به عمل آورده به دادستان دادگاهی که باید رسیدگی نماید نتیجه تحقیقات را ارسال می‌دارد. تبصره - در مواردی که قانون ترتیب دیگری را پیش‌بینی کرده است مشمول این ماده نمی‌شود. ماده ۱۲- هرگاه کسی متهم به ارتکاب چندین جرم از انواع مختلف باشد با رعایت صلاحیت ذاتی در دادگاهی محاکمه می‌شود که صلاحیت رسیدگی به مهمترین جرم را دارد. تبصره - به اتهامات متعدد متهم باید توأماً و یکجا رسیدگی شود لیکن اگر رسیدگی به تمام آنها موجب تعویق باشد دادگاه می‌تواند نسبت به اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل باشد حکم یا قرار مقتضی صادر کند. ماده ۱۳- در کلیه جرایمی که متهمین متعدد باشند و یا معاون و شریک داشته باشند و در صورتی که به یک یا چند نفر از آنها دسترسی نباشد و تفکیک ممکن باشد دادگاه باید رسیدگی را تفکیک و تکلیف متهمین حاضر را معین نماید و پرونده نسبت به غایبین مفتوح خواهد ماند. ماده ۱۴- شرکا و معاونین جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام مجرم اصلی را دارد. ماده ۱۵- هرگاه یکی از اتباع ایران در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرمی شده و در ایران دستگیر شود در دادگاهی محاکمه می‌شود که در حوزه آن دستگیر شده است ماده ۱۶- در مواردی که دادگاه به ضرر و زیان ناشی از جرم رسیدگی می‌کند نصاب خاصی برای زیان وارده نمی‌باشد و حکم صادره مشمول مقررات حاکم بر همان دادگاه است تبصره - در صورتی که دعوی جزایی در دادگاه کیفری منتهی به صدور حکم براءت متهم یا قرار موقوفی تعقیب شود دادگاه مزبور مکلف است به دعوی حقوقی در صورتی که در دادگاه کیفری مطرح شده باشد رسیدگی کرده و رأی صادر نماید. ماده ۱۷- حل اختلاف در صلاحیت بین دادگاههای کیفری طبق قواعد دادگاههای حقوقی است تبصره ۱ - مرجع حل اختلاف بین دادگاههای انقلاب و نظامی و نیز بین هر یک از دادگاههای مزبور با دیگر دادگاههای دادگستری دیوان عالی کشور است تبصره ۲- حل اختلاف بین دادسراها تابع قواعد حل اختلاف دادگاههای همان دادسراهاست ماده ۱۸- در شهرهایی که شعب متعدد کیفری و حقوقی و مدنی خاص تشکیل شده باشد رییس شعبه اول ریاست کل دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص را دارا بوده و پرونده‌های واصله رابه شعب مربوطه ارجاع می‌کند. تبصره - روسای دادگستریها به تعداد مورد نیاز با تصویب شورای عالی قضایی از بین قضات می‌توانند معاون داشته باشند. ماده ۱۹- رییس کل دادگاههای هر شهرستان به

عنوان رییس دادگستری آن شهرستان بر کلیه دادگاههای حقوقی و کیفری و مدنی خاص و دادرسی عمومی محل نظارت و ریاست اداری دارد. همچنین رییس دادگستری شهرستان مرکز استان ریاست اداری و نظارت بر امور دادگستریهای شهرستان حوزه آن استان را خواهد داشت تبصره ۱ - روسای دادگستری مکلفند در امور اداری دادرسیها موافقت دادستان محل را جلب نمایند. تبصره ۲ - تصدی امور اداری در غیاب رییس دادگستری با دادستان همان شهرستان است ماده ۲۰ - شورای عالی قضایی می تواند به منظور جلوگیری از تراکم پرونده ها و جهت تسریع در رسیدگی و جلوگیری از تعویق پرونده ها قضات دادگاه حقوقی اعم از ۱ یا ۲ و یا مدنی خاص را با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده های کیفری انقلاب و یا قضات دادگاههای کیفری را حسب ضرورت فوق با حفظ سمت مامور رسیدگی به پرونده های حقوقی نماید. ماده ۲۱ - به شورای عالی قضایی اجازه داده می شود افراد واجد شرایط قضا را با صدور ابلاغ قضایی برای مدت معین به هر نقطه ای از کشور ماموریت بدهند و میزان صلاحیت رسیدگی آنان را در ابلاغ تعیین نمایند. قضات مذکور نسبت به تصمیمات متخذه در قبال دادگاه انتظامی قضات مسوول می باشند و در صورتی که قاضی محل مشغول رسیدگی به پرونده ای شده باشد با رضایت وی قاضی مامور مجاز رسیدگی به پرونده مربوط خواهد بود.

## ۲- مبحث دوم - در شروع رسیدگی

ماده ۲۲ - دادگاههای کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می نمایند: ۱ - اقامه دعوی و شکایت شاکی یا مدعی خصوصی به واسطه وقوع جرم یا ضرر و زیانی که از جرم به آنان وارد آمده است ۲ - در مورد جرایم مشهودی که جنبه عمومی دارد و یا جرایمی که زمینه را به تشخیص قاضی برای جرایم عمومی فراهم می آورد. ۳ - اعلام و اخبار ضابطین دادگستری یا اشخاصی که از قولشان اطمینان حاصل شود (در جرایمی که دارای جنبه عمومی است). ۴ - تقاضانامه و یا کیفرخواست دادرسی. ۵ - حکم دادگاه کیفری ۲ در تعقیب امر جزایی در مقام حل اختلاف عقیده بین بازپرس و دادستان ۶ - سایر مواردی که در قوانین مصوب مجلس شورای اسلامی پیش بینی شده باشد. ماده ۲۳ - مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل شکایت نمایند. ماده ۲۴ - در مواردی که شکات و مدعیان خصوصی شخصا یا توسط وکیل مستقیما به دادگاههای کیفری شکایت و اقامه دعوی می نمایند باید در عرضحال خود موارد زیر را مشروحا قید کنند: ۱ - نام و نام خانوادگی و نام پدر و نشانی دقیق خود. ۲ - موضوع شکایت و ذکر این که در چه تاریخی و در کجا واقع شده است ۳ - ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است ۴ - ذکر مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون ۵ - ذکر اسامی و مشخصات و نشانی مطلعین و سایر ادله تبصره - چنانچه عرضحال ناقص یا شفاهی باشد مراتب در صورت جلسه تنظیمی وسیله دفتر دادگاه منعکس و به امضا یا اثر انگشت شاکی می رسد و اگر نتواند امضا کند یا انگشت بزند مراتب قید می شود. ماده ۲۵ - هرگاه طرف مدعی غیرمعین بوده یا دلایل اقامه دعوی کافی نباشد و موضوع مهم و صرف نظر از شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب و رسیدگی باشد، دادگاه کیفری تحقیقات لازم را از ضابطین دادگستری می خواهد. ماده ۲۶ - ضابطین دادگستری هرگاه جرایمی را کشف نمایند که راجع به دادگاههای کیفری است و صرف نظر از وجود یا فقد مدعی یا شاکی قابل تعقیب باشد به محاکم کیفری با ذکر موارد زیر اطلاع می دهند: ۱ - محل و تاریخ وقوع جرم ۲ - مشخصات مظنون ۳ - دلایل جرم ۴ - شاکی دارد یا خیر. ۵ - مشخصات شهود. ۶ - نشانی کامل طرفین پرونده و مطلعین تبصره - در موارد زیر ضابطین دادگستری ضمن اعلام جرم می توانند متهم را به دادگاههای کیفری معرفی نمایند: ۱ - هرگاه مرتکب در حین ارتکاب جرم دستگیر شده و محل اقامت او معین نیست و نمی توان اطمینان به اظهار او در باب اسم و محل اقامت او حاصل نمود. ۲ - در صورتی که عمل مرتکب مستلزم مجازات حبس یا قصاص یا دیه یا حد است و احتمال می رود که آثار عمل ارتکاب خود را معدوم نماید یا فرار کند. ماده ۲۷ - قاضی دادگاه کیفری در کلیه جرایم نظر به اوضاع و احوال قضیه و موضوع می تواند تعقیب و محاکمه متهم را

بلافاصله و مستقیماً در دادگاه آغاز نماید. چنانچه محاکمه نیاز به تحقیقات مقدماتی داشته باشد می‌تواند تحقیقات را رأساً انجام دهد یا انجام آن را از دادسرا یا ضابطین دادگستری بخواهد و در آن نظارت نماید. در این صورت پس از انجام تحقیقات و اقدامات مورد نظر پرونده به دادگاه ارسال می‌شود. تبصره - در موارد فوق اخذ تامین لازم از متهم به عهده دادگاه خواهد بود. ماده ۲۸ - رییس یا عضو علی‌البدل دادگاههای کیفری اعم از ۱ یا ۲ پس از رسیدگی و محاکمه و مطالعه پرونده و نظریه مشاور (در صورتی که دادگاه دارای مشاور باشد) رأساً مبادرت به انشای حکم می‌نماید. حکم مزبور جز در موارد تجدیدنظر مذکور در این قانون و در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷ قطعی است تبصره ۱ - نحوه اجرای احکام اعدام رجم صلب قطع یا نقص عضو مطابق آیین‌نامه‌ای است که توسط شورای عالی قضایی تهیه و تصویب خواهد شد. تبصره ۲ - پرونده‌هایی که در تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون منتهی به ابراز نظر و استنباط شده پس از اظهار نظر دیوان عالی کشور دادگاه کیفری یک با لحاظ نظر دیوان عالی کشور به تشخیص خود مبادرت به انشای حکم خواهد نمود. ماده ۲۹ - احکام دادگاههای کیفری باید مستدل و موجه بوده مستند به مواد قانونی و اصولی باشد که براساس آن حکم صادر شده است دادگاهها مکلفند حکم هر قضیه را در قوانین مدونه بیابند و اگر قانونی نباشد، با استناد به منابع فقهی معتبر یا فتاوی معتبر حکم قضیه را صادر نمایند و دادگاهها نمی‌توانند به بهانه سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه از رسیدگی به شکایات و دعاوی و صدور حکم امتناع ورزند. تبصره - در صورتی که قاضی مجتهد جامع‌الشرایط باشد و فتاوی فقهی او مخالف قانون مدون باشد پرونده جهت رسیدگی به قاضی دیگر محول می‌شود. ماده ۳۰ - در جرایم و اموری که جنبه حق الهی دارند محاکمه باید با حضور متهم صورت گیرد و در چنین مواردی دادگاه‌های کیفری مجاز به محاکمه و صدور حکم غیابی نسبت به جنبه حق الهی نمی‌باشند ولی جهت حق الناسی آنها در غیاب متهم قابل رسیدگی است

### ۳- مبحث سوم - در تجدیدنظر

ماده ۳۱ - موارد تجدیدنظر نسبت به احکام و قرارهای دادگاههای کیفری و چگونگی رسیدگی به آن و مرجع تجدیدنظر به استثنای مواردی که در این قانون تصریح گردیده به نحوی است که در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها پیش‌بینی شده است ماده ۳۲ - در مواردی که دادگاه کیفری ۱ به پرونده‌هایی که در صلاحیت دادگاه کیفری ۲ است رسیدگی می‌نماید، رسیدگی تجدیدنظر نسبت به حکم یا قرار صادره به عهده شعبه دیگر دادگاه کیفری ۱ همان حوزه قضایی می‌باشد و در صورت وحدت شعبه رسیدگی مزبور با نزدیکترین دادگاه کیفری ۱ خواهد بود. ماده ۳۳ - هرگاه در تطبیق عمل ارتكابی با مواد قانونی و احتساب مدت مجازات و محاسبه جریمه و جزای نقدی و ضرر و زیان مدعی خصوصی و یا ذکر اسم و مشخصات متهم و مدعی خصوصی و مانند آن از طرف دادگاه صادرکننده حکم اشتباهی رخ داده باشد دادگاه صادرکننده حکم حق اصلاح اشتباه موارد فوق را دارد و هرگاه پرونده در مرجع تجدیدنظر مطرح شده باشد مرجع مزبور بدون این که اساس حکم را نقض نماید، اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح می‌نماید. ماده ۳۴ - شاکی یا مدعی خصوصی نسبت به حکم برائت متهم در صورت وجود جهات تجدیدنظر مذکور در قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها و نحوه رسیدگی آنها مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷ حق تجدیدنظر دارد. ماده ۳۵ - طبق ماده ۱۸ قانون تجدیدنظر آرای دادگاهها مصوب ۱۷ مرداد ۱۳۷۲ لغو شده است

### ۴- فصل دوم - دیوان عالی کشور

ماده ۳۶- دیوان عالی کشور در تهران تشکیل می‌شود اگر شورای عالی قضایی مصلحت بداند می‌تواند در شهرستانهای دیگر نیز شعبی تشکیل دهد. ماده ۳۷- شعب دیوان عالی کشور به حسب مقدار نیاز متعدد خواهد بود و ریاست دیوان عالی کشور به عهده رئیس شعبه اول است و پرونده‌ها به دستور او به شعب دیگر ارجاع می‌شود و می‌تواند اختیارات خود را در خصوص ارجاع پرونده‌ها و ریاست جلسات هیات عمومی به رئیس یکی از شعب دیگر و یا معاون قضایی خود محول نماید. تبصره - معاون قضایی باید واجد شرایط مذکور در ماده ۳۹ باشد. ماده ۳۸- هریک از شعب دیوان عالی کشور از دو نفر قاضی واجد شرایط که یکی از آنها رئیس و دیگری مستشار است تشکیل می‌شود. تبصره - دیوان عالی کشور به تعداد لازم برای شعب عضو معاون خواهد داشت و عضو معاون می‌تواند وظایف هریک از دو عضو شعب را عهده‌دار گردد. تعداد معاونین که نباید بیشتر از تعداد شعب باشد طبق نظر شورای عالی قضایی تعیین می‌شود. ماده ۳۹- رئیس مستشار و عضو معاون باید یا مجتهد باشند و یا ۱۰ سال تمام در درس خارج شرکت نموده باشند و یا دارای ۱۰ سال سابقه کار قضایی و یا وکالت بوده و آشنایی کامل به قوانین مدون اسلامی داشته باشند. تبصره - تشخیص دارا بودن شرایط فوق به عهده شورای عالی قضایی است ماده ۴۰- هریک از اعضای شعب دیوان عالی کشور موظف است پرونده ارجاعی را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده پس از مشاوره کافی به طور مستدل اظهار نظر نماید. تبصره - پرونده‌ها کلاً به نوبت رسیدگی می‌شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رئیس رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد. ماده ۴۱- در صورت اختلاف نظر بین دو عضو شعبه عضو معاون و یا یکی از قضات شعب دیگر به آنان ضمیمه و نظر اکثریت ملاک خواهد بود. ماده ۴۲- متداعیین یا وکلای آنان برای رسیدگی احضار نمی‌شوند مگر آن که شعبه دیوان عالی کشور حضور آنان را برای ادای توضیحات لازم بداند که در این صورت کسانی که حضورشان لازم است احضار می‌گردند و پس از استماع توضیحات آنها و اظهار عقیده دادستان کل کشور یا نماینده او شعبه مبادرت به صدور رای می‌نماید ولی عدم حضور احضار شدگان بدون عذر موجه صدور رای را به تاخیر نمی‌اندازد. تبصره - دادستان کل کشور یا نماینده او ضمن اظهار عقیده راجع به رای دادگاه می‌تواند به یک یا چند جهت پیش‌بینی شده برای تجدیدنظر نسبت به مواردی که دارای جنبه عمومی است یا مورد اعتراض ذی حق قرار گرفته تقاضای تجدیدنظر نماید. ماده ۴۳- کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون لغو می‌گردد.

## ۱۹- قانون مجازات راجع به انتقال مال غیر

مصوب پنجم فروردین ماه ۱۳۰۸ شمسی کمیسیون عدلیه مجلس شورای ملی ماده ۱- کسی که مال غیر را با علم به این که مال غیر است به نحوی از انحا عیناً یا منفعه بدون مجوز قانونی به دیگری منتقل کند کلاهبردار محسوب و مطابق ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. و همچنین است انتقال گیرنده‌ای که در حین معامله عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده باشد. اگر مالک از وقوع معامله مطلع شده و تا یک ماه پس از حصول اطلاع اظهاریه برای ابلاغ به انتقال گیرنده و مطلع کردن او از مالکیت خود به اداره ثبت اسناد یا دفتر بدایت یا صلحیه یا یکی از دوایر دیگر دولتی تسلیم ننماید معاون مجرم محسوب خواهد شد. هر یک از دوایر و دفاتر فوق مکلفند در مقابل اظهاریه مالک رسید داده آن را بدون فوت وقت به طرف برسانند. ماده ۲- نسبت به انتقالی که به طریق فوق قبل از اجرای این قانون واقع شده است هر یک از انتقال دهنده و انتقال گیرنده یا مالک باید به ترتیب ذیل عمل نماید: انتقال دهنده مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون یا مالک را وادار به تنفیذ انتقال نموده و یا خسارات وارده بر انتقال گیرنده و مالک را جبران کند. انتقال گیرنده‌ای که در حین وقوع انتقال عالم به عدم مالکیت انتقال دهنده بوده مکلف است در ظرف سه ماه مذکور خسارات وارده بر مالک را جبران نماید. مالکی که از انتقال مال خود مطلع بوده یا بشود مکلف است در ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون در صورتی که قبل از این قانون مطلع شده باشد و از تاریخ حصول اطلاع در



صورتی که بعد از اجرای این قانون مطلع شود انتقال گیرنده یا قائم مقام قانونی او را به طریق مذکور در ماده فوق از مالکیت خود مستحضر نماید. ماده ۳- متخلف از مقررات ماده ۲ اگر انتقال دهنده یا انتقال گیرنده باشد کلاهبردار و اگر مالک باشد معاون مجرم محسوب و مطابق مقررات قانون مجازات عمومی محکوم خواهد شد. ماده ۴- با توجه به قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی منسوخ است ماده ۵- قسمت اول ماده موضوعاً منتفی و قسمت اخیر آن با توجه به ماده ۸ قانون آیین دادرسی کیفری منسوخ است ماده ۶- نسبت به انتقالاتی که قبل از این قانون واقع شده هرگاه قبل از شروع به تعقیب جزایی حق دعوا حقوقی مالک یا انتقال گیرنده به واسطه مرور زمان یا صدور سند رسمی مالکیت ساقط شده باشد مقررات این قانون مجری نخواهد بود. ماده ۷- مجازات اشخاصی که پس از تاریخ اجرای این قانون به موجب قانون سوم مردادماه ۱۳۰۷ راجع به تبانی یا به موجب همین قانون در نتیجه انتقال عین یا منافع اموال غیرمنقول و یا در نتیجه تبانی در دعوی مربوط به عین یا منافع اموال مزبوره حکم محکومیت آنها صادر می شود مشمول ماده ۴۵ قانون مجازات عمومی نخواهند بود. ماده ۸- کسانی که معاملات تقلبی مذکوره در مواد فوق را به وسیله اسناد رسمی نموده یا بنمایند جاعل در اسناد رسمی محسوب و مطابق قوانین مربوط به این موضوع مجازات خواهند شد. ماده ۹- این قانون از اول اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ به موقع اجرا گذاشته می شود.

## ۲۰- لایحه قانونی مربوط به مجازات پاشیدن اسید

مصوب ۱۶ اسفند ماه ۱۳۳۷ ماده واحده - هر کس عمداً با پاشیدن اسید یا هر نوع ترکیبات شیمیایی دیگر موجب قتل کسی بشود به مجازات اعدام و اگر موجب مرض دائمی یا فقدان علیه گردد به حبس جنایی درجه یک و اگر موجب قطع یا نقصان یا از کار افتادن عضوی از اعضا بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال و اگر موجب صدمه دیگری بشود به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا پنج سال محکوم خواهد شد. مجازات شروع به پاشیدن اسید به اشخاص حبس جنایی درجه ۲ از دو سال تا پنج سال است در کلیه موارد مذکور در این ماده در صورت اجرای ماده ۴۴ قانون کیفر عمومی بیش از یک درجه تخفیف جایز نیست

## ۲۱- قانون مجازات اشخاصی که مال غیر را به عوض مال خود معرفی می نمایند

مصوب ۳۱ اردیبهشت ماه ۱۳۰۸ شمسی کمیسیون قوانین عدلیه ماده ۱- هرگاه محکوم علیه یا مدیون یا کفیلی مال غیر را مال خود معرفی نماید و همچنین اگر مدعی علیه برای تامین مدعی به مال متعلق به غیر را مال خود معرفی کند و برای وصول حق محکوم له یا داین و یا تامین مدعی به عملیاتی نسبت به آن مال شود محکوم له یا داین و یا طرفی که مدعی به او تامین شده مسوول خسارات وارده بر صاحب مال نخواهد بود و صاحب مال می تواند برای جبران خسارات خود به کسی که مال او را مال خود معرفی کرده است مراجعه کند. تبصره - اشخاصی که از ابتدای ۱۳۰۳ تا تاریخ اجرای این قانون در موارد مذکوره در ماده فوق مال غیر را مال خود معرفی کرده اند نیز مشمول ماده فوق خواهند بود. ماده ۲- محکوم علیه یا مدیون یا ضامن یا کفیلی که بدون مجوز قانونی و با علم به این که مال متعلق به او نیست مال غیر را مال خود معرفی کرده و عملیاتی نسبت به آن مال شده باشد مطابق قسمت اخیر ماده ۲۳۸ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد. ماده ۳- این قانون از ۱۵ خرداد ۱۳۰۸ به موقع اجرا گذارده می شود.

## ۲۲- لایحه قانونی حفظ امنیت اجتماعی

مصوب ۲۲/۱۲/۱۳۳۵ با اصلاحات بعدی تذکر: با توجه به اصل سی و شش قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که مقرر می دارد: «حکم به مجازات و اجرای آن باید تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون باشد» کمیسیون امنیت اجتماعی منتفی است و جرایم داخل در صلاحیت آن کمیسیون که ذیلاً درج می گردد مطابق قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب در دادگاه

عمومی باید رسیدگی شود و مرجع تجدیدنظر از احکام آن دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد. ماده ۱- (اصلاحی ۱۳۴۹/۱۰/۱۳) برای حفظ نظم و امنیت عمومی در هر حوزه فرمانداری کمیسیونی به نام (کمیسیون امنیت اجتماعی مرکب از فرماندار - رییس دادگاه شهرستان و در صورت نبودن رییس دادگاه شهرستان رییس دادگاه بخش - دادستان - رییس شهربانی و رییس ژاندارمری و نماینده نخست وزیری به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود. اگر در حوزه فرمانداری دادگاه شهرستان یا شهربانی تاسیس نشده باشد دادرسی علی‌البدل دادگاه بخش به جای دادستان و نماینده شهربانی استان یا فرمانداری کل به جای رییس شهربانی در کمیسیون شرکت خواهند کرد. ماده ۲- وظایف کمیسیون مزبور عبارت است از: الف - رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که در شهرها و دهات مردم را به ضدیت با یکدیگر تحریک نمایند به نحوی که موجبات سلب آسایش و اختلال در نظم و آرامش را عملاً فراهم سازند. ب (اصلاحی ۱۴/۱۱/۴۷ و ۱۳/۱۰/۴۹) - رسیدگی به عمل شخص یا اشخاصی که کشاورزان را به امتناع از عمل کشت یا جلوگیری از ورود مالک به ملک خود یا ممانعت از مداخلات و عملیات اودر ملک مطابق حق مالکیت یا به قسمی که مانع از انجام وظیفه مامورین دولت باشد وادار نمایند و همچنین رسیدگی به عمل کسانی که به نحوی از انحا در امر وارد کردن و خرید و فروش مواد مخدر دخالت نموده یا در پیشرفت مقاصد خلاف قانون اشخاص مذکور کمک کنند. در صورتی که عمل اشخاص مذکور مستلزم مجازات شدیدتری از اقامت اجباری باشد کماکان طبق قوانین مربوط در مراجع قضایی به اتهام آنان رسیدگی خواهد شد. کسانی که به عمل قاچاق کالاهای گمرکی و همچنین کسانی که با تهیه وسایل و ایجاد امکانات به همکاری با مرتکبین قاچاق این نوع کالاها شهرت و معروفیت داشته باشند در صورتی که مشمول مقررات جزایی دیگری نباشند مشمول مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۳- (اصلاحی ۱۴/۱۱/۴۷) - در موارد مذکور در ماده «۲» کمیسیون امنیت اجتماعی فوراً رسیدگی و متخلف را پس از ثبوت تقصیر طبق ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی به اقامت اجباری در محلی که کمیسیون تعیین کند به استثنای نقاط بدآب و هوا محکوم می‌نماید. کمیسیون می‌تواند نظر به اهمیت تقصیر و تاثیر آن در اختلال نظم عمومی محل قرار اجرای موقت صادر نماید. قرار اجرای موقت در حوزه فرمانداریهای کل و فرمانداریهای مستقل با تایید وزارت کشور و در حوزه فرمانداریهای تابعه استانداریها با تایید استاندار به موقع عمل گذاشته می‌شود. هرگاه در مدت اجرای مجازات اعم از این که قبل و یا بعد از اجرای این قانون مورد حکم قرار گرفته باشد، کمیسیون امنیت اجتماعی محل وقوع بزه تشخیص دهد که اعمال و رفتار متخلف حاکی از ادامه ارتکاب بزه پس از اتمام مجازات است کمیسیون به ترتیب مذکور در این قانون مجدداً رسیدگی می‌نماید و می‌تواند و متخلف را برای دفعات بعدی تا حداکثر مدت مقرر در ماده ۱۶ قانون کیفر عمومی محکوم نماید. در این صورت حکم مزبور بلافاصله پس از خاتمه مجازات اولیه اجرا خواهد شد در موارد فوق کمیسیون امنیت اجتماعی محل اجرای مجازات احاله نماید. تبصره ۱- (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) - کسانی که به موجب حکم مراجع قضایی یا کمیسیون مذکور در ماده یک این قانون مکلف به اقامت در نقطه معین شده یا از اقامت در نقطه یا نقاط معین ممنوع شده‌اند هرگاه قبل از خاتمه مدت محکومیت از محل مزبور خارج یا به محل ممنوع بروند پس از اعلام مراتب از طرف مراجع انتظامی و ثبوت تخلف به حکم مرجع صادر کننده حکم اولی تمام یا قسمتی از بقیه مدت محکومیت آنان تبدیل به بازداشت خواهد شد و در این صورت مدت بازداشت مزبور که برای هر بار تخلف محکوم علیه از مقررات این تبصره نباید از سه ماه تجاوز کند جزو مدت محکومیت آنان به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط معین محسوب می‌شود و به هر صورت مدت بازداشت نباید بیش از بقیه مدت توقف اجباری باشد. این قبیل بازداشتها که قابل تبدیل به جزای نقدی نخواهد بود آثار تبعی کیفری ندارد. رای مرجع قضایی یا تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مبنی بر بازداشت متهم طبق ماده ۴، قابل اعتراض و رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان است حکم دادگاه استان در این مورد قطعی خواهد بود. در صورتی که رای مرجع قضایی یا تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی مورد تایید دادگاه استان قرار نگیرد متهم فوراً آزاد می‌شود و بقیه مدت محکومیت درباره او اجرا خواهد شد در این صورت مدتی که متهم بازداشت بوده جزو محکومیت او به اقامت اجباری یا ممنوعیت از اقامت در نقطه یا نقاط

معین احتساب می شود. تبصره ۲ - (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) - طرز اجرای حکم و نحوه اعزام این نوع محکومین و مراقبت آنان در محل اجرا و تامین هزینه های مربوط به موجب آیین نامه ای که به تصویب وزارتین دادگستری و کشور خواهد رسید تعیین می شود. ماده ۴ - تصمیمات کمیسیون باید فوراً به محکوم علیه ابلاغ شود و محکوم علیه حق دارد در ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ از تصمیم کمیسیون امنیت اجتماعی به دادگاه استانی که عمل در حوزه آن واقع شده شکایت نماید. دادگاه استان فوراً خارج از نوبت با حضور متهم به شکایت مزبور رسیدگی کرده رای مقتضی صادر خواهد نمود. طرز رسیدگی دادگاه استان در این مورد مطابق مقررات عمومی خواهد بود. رای دادگاه استان قطعی و لازم الاجراست تبصره - (الحاقی ۱۳/۱۰/۴۹) - در صورتی که به علت صدور دستور اجرای موقت و اعزام متهم به نقاط مورد حکم حضور او در دادگاه متعسر باشد دادگاه استان به وسایل مقتضی به مشارالیه اخطار می کند که ظرف مدت ده روز از تاریخ رؤیت اخطاریه نسبت به تعیین و معرفی و کیل یا ارسال لایحه دفاعیه خود اقدام نماید و هرگاه پس از مدت سی روز از تاریخ رویت اخطاریه پاسخ متهم نسبت به معرفی و کیل یا لایحه دفاعیه او به دادگاه واصل نشد دادگاه با توجه به محتویات پرونده رای مقتضی صادر خواهد کرد. ماده ۵ - محکومین به حکم قطعی لازم الاجرا پس از انقضای ربع مدت محکومیت می توانند تقاضای بخشودگی نمایند. در این صورت پرونده امر به دادگاه استان که مرجع رسیدگی پژوهشی است ارجاع می شود رای دادگاه استان قطعی است ماده ۶ - وزارتین دادگستری و کشور مأمور اجرای این قانون می باشند.

### ۲۳- قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی

مصوب آبانماه ۱۳۷۷ ماده ۱ - هر کس به موجب حکم دادگاه در امر جزایی به پرداخت جزای نقدی محکوم گردد و آن را نپردازد و یا مالی غیر از مستثنیات دین از او به دست نیاید به دستور قاضی صادرکننده حکم به ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می گردد. در صورتی که محکومیت مذکور توأم با مجازات حبس باشد، بازداشت بدل از جزای نقدی از تاریخ اتمام مجازات حبس شروع می شود و از حداکثر مدت حبس مقرر در قانون برای آن جرم بیشتر نخواهد شد و در هر حال حداکثر مدت بدل از جزای نقدی نباید از پنج سال تجاوز نماید. تبصره - مبلغ مذکور در این ماده به تناسب تورم هر سه سال یک بار به پیشنهاد وزیر دادگستری و تصویب رییس قوه قضاییه تعدیل و در خصوص احکامی که در آن سال صادر می گردد لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۲ - هر کس محکوم به پرداخت مالی به دیگری شود، چه به صورت استرداد عین یا قیمت یا مثل آن و یا ضرر و زیان ناشی از جرم یا دیه و آن را تادیه ننماید دادگاه او را الزام به تادیه نموده و چنانچه مالی از او در دسترس باشد آن را ضبط و به میزان محکومیت از مال ضبط شده استیفا می نماید و در غیر این صورت بنا به تقاضای محکوم له ممتنع را در صورتی که معسر نباشد تا زمان تادیه حبس خواهد کرد. تبصره - چنانچه موضوع این ماده صرفاً دین بوده و در ذمه مدیون باشد دادگاه در حکم خود مستثنیات دین را منظور خواهد داشت و در مورد استرداد عین در صورتی مقررات فوق اعمال می شود که عین موجود نباشد به جز در بدل حیلولة که برابر مقررات مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۳ - هرگاه محکوم علیه مدعی اعسار شود (ضمن اجرای حبس به ادعای وی خارج از نوبت رسیدگی و در صورت اثبات اعسار از حبس آزاد خواهد شد و چنانچه متمکن از پرداخت به نحو اقساط شناخته شود دادگاه متناسب با وضعیت مالی وی حکم بر تقسیط محکوم به را صادر خواهد کرد. تبصره - در صورتی که محکوم علیه موضوع این ماده بیمار باشد به نحوی که حبس موجب شدت بیماری و یا تاخیر درمان وی شود، اجرای حبس تا رفع بیماری به تاخیر خواهد افتاد. ماده ۴ - هر کس به قصد فرار از ادای دین و تعهدات مالی موضوع اسناد لازم الاجرا و کلیه محکومیت های مالی مال خود را به دیگری انتقال دهد به نحوی که باقی مانده اموالش برای پرداخت بدهی او کافی نباشد عمل او جرم تلقی و مرتکب به چهارماه تا دو سال حبس تعزیری محکوم خواهد شد و در صورتی که انتقال گیرنده نیز با علم به موضوع اقدام کرده باشد شریک جرم محسوب می گردد و در این صورت اگر مال در ملکیت انتقال گیرنده باشد عین آن و در غیر این صورت قیمت یا مثل آن از

اموال انتقال گیرنده بابت تادیه دین استیفا خواهد شد. ماده ۵- مفاد این قانون در خصوص محکومین سازمان تعزیرات حکومتی نیز مجری خواهد بود. ماده ۶- آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت سه ماه توسط وزارت دادگستری تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۷- این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا بوده و حکم مندرج در ماده (۱) شامل کلیه آرای صادره قبل از لازم الاجرا شدن این قانون نیز می گردد و کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن از جمله قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۳۵۱ و قانون منع توقیف اشخاص در قبال تخلف از انجام تعهدات و الزامات مالی مصوب ۱۳۵۲ لغو می گردد.

## ۲۴- آیین نامه اجرایی قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی

### ۱- بخش اول جزای نقدی

ماده ۱- چنانچه محکوم علیه پس از لازم الاجرا شدن حکم جزای نقدی را نپردازد و اظهار نماید مالی برای پرداخت آن ندارد و برای مرجع مجری حکم هم خلاف این اظهار مسلم نباشد، طبق دستور مرجع صادر کننده حکم در ازای هر پنجاه هزار ریال یا کسر آن یک روز بازداشت می شود. تبصره - منظور از مرجع صادر کننده حکم در این آیین نامه در هر حال مرجع بدوی است که حکم زیر نظر او اجرا می شود. ماده ۲- هرگاه محکوم علیه برای پرداخت جزای نقدی مهلت بخواهد، مرجع اجرا کننده حکم می تواند مهلت مناسبی که بیش از یک ماه نباشد به او بدهد. مرجع صادر کننده حکم می تواند به درخواست محکوم علیه و پیشنهاد مرجع مجری حکم با در نظر گرفتن شرایط و وضعیت محکوم علیه و میزان جزای نقدی و سایر اوضاع و احوال موثر، این مهلت را حداکثر تا دو ماه دیگر تمدید کند. ماده ۳- چنانچه محکوم علیه جزای نقدی مقرر در حکم را نپردازد اما مالی (منقول یا غیرمنقول غیر از مستثنیات دین از او به دست آید که بتوان تمام یا قسمتی از جزای نقدی را استیفا نمود به دستور مرجع مجری حکم به ترتیب ذیل عمل می شود: الف اگر مال مورد نظر وجه نقد باشد معادل جزای نقدی از آن ضبط و به حساب مربوط واریز می شود. ب در مورد اموال منقول یا غیرمنقول چنانچه بدون معارض باشد معادل جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی فوراً توقیف و مطابق مقررات این آیین نامه به فروش می رسد و جزای نقدی و هزینه های مربوط استیفا می شود. ماده ۴- پس از توقیف مال برای استیفاء جزای نقدی نظریه دو نفر کارشناس به تعیین مرجع مجری حکم در مورد ارزش آن مال تحصیل می شود سپس روز و ساعت محل انجام مزایده تعیین و با الصاق آگهی در معابر اصلی محل انجام مزایده به اطلاع عموم می رسد و به بالاترین قیمت پیشنهادی که نباید کمتر از قیمت کارشناسی باشد فروخته می شود. تبصره - اگر ارزش کارشناسی مال از سی میلیون ریال بیشتر باشد آگهی مزایده یک نوبت در روزنامه محلی و در صورت نبودن آن در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار نیز درج می شود. ماده ۵- هرگاه مال مورد نظر خریدار نداشته یا مبلغ پیشنهادی کمتر از قیمت کارشناس باشد، حسب مورد تمام یا قسمتی از آن مال مطابق ارزیابی کارشناس به دستور مرجع رسیدگی کننده حکم در ازای جزای نقدی به تملک دولت در می آید و در اختیار سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی قرار می گیرد تا براساس مقررات مربوطه عمل نمایند. ماده ۶- اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، همچنین مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب یا موجب خراب یا کسر فاحش قیمت آن است و نیز مالی که ارزش آن کمتر از سی میلیون ریال است بدون انجام مزایده و با نظر کارشناس به فروش می رسد. ماده ۷- چنانچه مالی از محکوم علیه معرفی شود یا مرجع مجری حکم با قراین قویه احتمال دهد محکوم علیه مالی غیر از مستثنیات دین دارد که می توان با فروش آن جزای نقدی را استیفا نمود تحقیقات لازم در این خصوص به عمل می آید. ماده ۸- اگر محکوم علیه در ازای جزای نقدی بازداشت شود و در جریان اجرای حکم مالی از او به دست آید که بتوان باقی مانده جزای نقدی را استیفا نمود مال مذکور توقیف و اقدامات اجرایی در این خصوص معمول و از محکوم علیه رفع بازداشت می شود. ماده ۹- هرگاه اموال محکوم علیه متناسب با میزان محکومیت او به جزای

نقدی نباشد و نتوان از این طریق جزای نقدی را استیفا نمود و تفاوت ارزش آن اموال با میزان محکومیت فاحش باشد محکوم علیه در ازای جزای نقدی بازداشت می شود و اقدامات اجرایی برای فروش و استیفاء قسمتی از جزای نقدی ادامه خواهد یافت ماده ۱۰ - هرگاه قبل از فروش مال توقیف شده جزای نقدی مقرر در حکم و هزینه های اجرایی پرداخت شود از مال مذکور رفع توقیف به عمل می آید. ماده ۱۱ - در کلیه مواردی که برای پرداخت جزای نقدی مهلت داده می شود یا استیفاء جزای نقدی از اموال محکوم علیه مستلزم اقداماتی است که اجرای حکم را به تاخیر می اندازد، چنانچه قبلاً از محکوم علیه تامین گرفته نشده باشد، مرجع اجرای حکم متناسب با میزان محکومیت او مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری قرار تامین صادر می کند و هرگاه این تامین منتهی به بازداشت محکوم علیه شود از میزان محکومیت او کسر خواهد شد. ماده ۱۲ - حقوق و مزایا و عواید احتمالی و آتی محکوم علیه و مطالبات او از شخص ثالث در ازای جزای نقدی قابل توقیف نیست و مانع بازداشت او نمی باشد. ماده ۱۳ - در کلیه مواردی که صدور سند انتقال به نام خریدار ضرورت داشته باشد مرجع اجراکننده حکم پس از بررسی و احراز صحت جریان فروش و اقدامات اجرایی دستور تنظیم سند انتقال را صادر خواهد نمود. ماده ۱۴ - از وجوه حاصل از فروش اموال توقیف شده جهت استیفاء جزای نقدی بدو هزینه های ضروری اجرای حکم از قبیل هزینه کارشناسی و نگهداری مال و نظایر آن پرداخت می شود. ماده ۱۵ - فروش اموال توقیف شده جهت استیفاء جزای نقدی با حضور نماینده مرجع مجری به عمل می آید. ماده ۱۶ - در مواردی که طبق این آیین نامه مقررات خاصی وضع نشده مطابق قانون اجرای احکام مدنی عمل می شود.

## ۲- بخش دوم سایر محکومیتهای مالی

ماده ۱۷ - الزام به تادیه محکومیتهای مالی موضوع ماده ۲ قانون مستلزم صدور اجرائیه مطابق قانون اجرای احکام مدنی است به جز محکومیتهایی که به تبع امر کیفری بدون تقدیم دادخواست حاصل شده که در این صورت دستور مرجع صادرکننده حکم به منزله الزام به تادیه است ماده ۱۸ - هرگاه محکوم علیه محکوم به را تادیه ننماید به طریق ذیل عمل می شود: الف چنانچه موضوع محکومیت استرداد عین مال باشد آن مال عیناً اخذ و به ذی نفع تحویل می شود و اگر رد آن ممکن نباشد بدل آن (مثل یا قیمت از اموال محکوم علیه بدون رعایت مستثنیات دین استیفا می گردد. ب در مورد سایر محکومیتهای مالی با رعایت مستثنیات دین مطابق مقررات قانون اجرای احکام مدنی مال وی جهت استیفاء محکوم به توقیف و به فروش می رسد. ج چنانچه استیفاء محکوم به به نحو مذکور ممکن نباشد محکوم علیه به درخواست ذی نفع و به دستور مرجع صادرکننده حکم تا تادیه محکوم به یا اثبات اعسار حبس می شود. ماده ۱۹ - به دعوی اعسار محکوم علیه مطابق مقررات اعسار در مرجع بدوی رسیدگی می شود. تبصره - چنانچه در رسیدگی به دعوی اعسار ثابت شود محکوم علیه قادر نیست محکوم به را یکجا بپردازد ولی متمکن از پرداخت به نحو اقساط می باشد، مرجع رسیدگی متناسب با وضعیت مالی او حکم به تقسیط محکوم به صادر می کند. ماده ۲۰ - در مواردی که محکوم علیه به علت محکومیتهای مالی متعدد حبس شده است دعوی اعسار باید علی حده مطرح شود مگر در مورد محکومیتهایی که محکوم له آنها یکی است که در این صورت حکم اعسار شامل همه آن محکومیتهای می شود. ماده ۲۱ - در مواردی که حکم به تقسیط محکوم به صادر می شود چنانچه محکوم علیه در زمان مقرر قسط را نپردازد به درخواست ذی نفع تا پرداخت قسط معوقه و یا اثبات اعسار او از پرداخت باقی مانده محکوم به حبس می شود. ماده ۲۲ - صدور حکم اعسار یا تقسیط مانع استیفاء حقوق محکوم له از اموالی که بعداً از محکوم علیه به دست می آید نخواهد بود. ماده ۲۳ - مرجع تشخیص بیماری موضوع تبصره ماده ۳ قانون پزشکی قانونی و در صورت نبودن آن پزشک معتمد است ماده ۲۴ - این آیین نامه در ۲۴ ماده و ۳ تبصره در اجرای ماده ۶ قانون نحوه اجرای محکومیتهای مالی مصوب ۱۰/۸/۷۷ مجلس شورای اسلامی توسط وزارت دادگستری تهیه و در تاریخ ۲۶/۲/۷۸ به تصویب رییس قوه قضاییه رسید.

## ۲۵- تصویب نامه در خصوص تأمین خسارت های بدنی برای پرونده های واصل شده از صندوق دیه بیت المال در سال جاری

وزارت امور اقتصادی و دارایی - وزارت دادگستری هیئت وزیران در جلسه مورخ ۷/۱۱/۱۳۸۶ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: ۱- صندوق تأمین خسارت های بدنی مجاز است برای پرونده های واصل شده از صندوق دیه بیت المال در سال جاری، معادل سقف دوهزار نفر دیه کامل بر مبنای ارزش ریالی ارزاترین نوع دیه در سال جاری، از محل درآمد بندهای «ب» و «پ» ماده (۱) آیین نامه منابع درآمد صندوق تأمین خسارت های بدنی موضوع ماده (۱۱) قانون بیمه اجباری مسؤولیت مدنی دارندگان وسایل نقلیه موتوری زمینی در مقابل شخص ثالث با معرفی وزارت دادگستری برای پرداخت دیه قربانیان سوانح رانندگی پرداخت نماید. ۲- نحوه اقدام به موجب موافقتنامه منعقدشده بین وزارت دادگستری و بیمه مرکزی ایران حداکثر ظرف ده روز پس از ابلاغ این تصویب نامه تعیین خواهد شد. معاون اول رئیس جمهور - پرویز داودی

## ۲۶- قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۸۸

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران عطف به نامه شماره ۱۵۴۴۶۳/۳۸۷۹۶ مورخ ۲۴/۹/۱۳۸۶ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) که با عنوان لایحه دو فوریتی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۶۰۵۱۴ ۹/۱۰/۱۳۸۶ وزارت دادگستری قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۵۳۷۱۰/۷۷۴ مورخ ۱/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون تمدید مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون مهلت اجراء آزمایشی قانون آئین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۸۴ - برای مدت یک سال تمدید می گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ بیست و هفتم آذرماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل

## ۲۷- متن کامل لایحه پیشنهادی قانون آئین دادرسی کیفری

ماده ۱-۱۱۱: قانون مجازات اسلامی مجموعه مقررات کیفری حاکم بر جرایم و مجازات های شرعی است که بر جرایم خاص مقرر شده (حدود، قصاص، دیات) همچنین مجازات های تعزیری و بازدارنده و اقدامات تأمینی و تربیتی است که در قانون بر عموم جرایم مقرر گردیده است. ماده ۲-۱۱۱: جرم عبارت است از فعل یا ترک فعلی که قانون آن را ممنوع کرده و برای آن مجازات در نظر گرفته باشد و از طرف شخص مسئول ارتکاب یابد. شرایط و موانع مسؤولیت را قانون مشخص می کند. ماده ۳-۱۱۱: تقصیر مبنای مسؤولیت کیفری است که از فاعل مختار سر می زند و این مسؤولیت شخصی است و مسؤولیت جزایی به خاطر عمل دیگری در صورتی ثابت است که شخص مسؤول اعمال دیگری باشد یا نوعی تقصیر و سهل انگاری در رابطه با عمل ارتکابی از او سر زده باشد. مبحث دوم: قلمرو اجراء قانون مجازات در مکان ماده ۱-۱۱۲: قوانین جزایی درباره تمامی کسانی که در قلمرو حاکمیت

زمینی، دریایی و هوایی جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند، اعمال می‌گردد؛ مگر آن که به موجب قانون ترتیب دیگری مقرر شده باشد. ماده ۲-۱۱۲: هرگاه قسمتی از جرم در ایران واقع و نتیجه آن در خارج از قلمرو حاکمیت ایران حاصل شود یا قسمتی از جرم در خارج و نتیجه آن در ایران حاصل گردد، در حکم جرم واقع شده در ایران است. ماده ۳-۱۱۲: هر ایرانی یا بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم زیر و یا جرایمی که در قوانین خاص مقرر شده است، گردد، صرف نظر از قوانین کشور محل ارتکاب جرم، طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران محاکمه و مجازات می‌شود و هرگاه رسیدگی به این جرایم در خارج از ایران به صدور حکم محکومیت و اجرای آن منجر شده باشد، دادگاه ایران در تعیین مجازات‌های تعزیری و بازدارنده میزان محکومیت اجرا شده را به این طریق احتساب می‌کند:

## ۲- مواد مخدر و قاچاق

### قانون مبارزه با مواد مخدر

مصوب ۳/۸/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه های بعدی ماده ۱- اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود: ۱- کشت خشخاش مطلقاً و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر. ۲- وارد کردن، صادر کردن و تولید انواع مواد مخدر. ۳- نگهداری، حمل، خرید، توزیع، و فروش مواد مخدر. ۴- دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر. ۵- استعمال مواد مخدر به هر شکل و طرق دیگر مگر در مواردی که قانون مستثنی کرده باشد. ۶- تولید آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال مواد مخدر. ۷- فرار دادن یا پناه دادن متهمان، مجرمان مواد مخدر که تحت تعقیب اند و یا دستگیر شده اند. ۸- محو و یا اخفا ادله جرم مجرمان. ماده ۲- هر کس مبادرت به کشت خشخاش کند و یا برای تولید مواد مخدر به کشت شاهدانه پردازد. علاوه بر امحای کشت، در هر بار بر حسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱- بار اول، یک تا ده میلیون ریال جریمه نقدی. ۲- بار دوم، پنج تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق. ۳- بار سوم، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس. ۴- بار چهارم، اعدام. تبصره - هر گاه ثابت شود کشت خشخاش یا شاهدانه به دستور مالک یا مالکان و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می‌شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به یک تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۳- هر کس بذر یا گرز خشخاش یا سر شاخه های گلدار و یا به میوه نشسته شاهدانه را نگهداری و یا مخفی و یا حمل کند به صد هزار تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد سرشاخه های گلدار و یا به میوه نشسته شاهدانه قصد تولید مواد مخدر از آنها باید احراز شود. ماده ۴- هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، و سوخته تریاک را وارد کشور یا صادر کند یا تولید یا توزیع و یا خرید و فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا پانصد هزار ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا پنج سال حبس. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. ۵- هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده است. دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین

زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می نماید. ماده ۵- هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا دوست هزار ریال جریمه نقدی و تا سی ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، سه تا هفت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا شصت ضربه شلاق و شش ماه تا سه سال زندان. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، هفت میلیون تا سی میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم سی تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا بیست و پنج سال حبس و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. ماده ۶- مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱، ۲، ۳ و ۴ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم به دو برابر میزان مقرر در هر بند و در مرتبه های بعد به ترتیب دو و نیم و سه و سه و نیم برابر مجازات مذکور در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است. در موارد مذکور در فوق چنانچه در نتیجه تکرار جرم مجموع مواد مخدر به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا می گردد. ماده ۷- در صورتی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۴ و ۵ از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و موسسات و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد قبل برای بار اول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود. ماده ۸- هر کس هروئین، مرفین، کوکائین، متادون و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین و کوکائین و نیز عصاره شیمیایی حشیش و روغن حشیش را وارد کشور کند یا تولید یا توزیع یا صادر کند یا خرید یا فروش کند و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری، مخفی و یا حمل کند با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱- تا پنج سانتی گرم، از دوست تا پانصد هزار ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم، از یک میلیون تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و سه تا هفتاد ضربه شلاق. ۳- بیش از یک گرم تا چهار گرم، از چهار میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق. ۴- بیش از چهار گرم تا پانزده گرم، از ده تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و سه تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق. ۵- بیش از پانزده گرم تا سی گرم، از بیست میلیون تا سی میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق. ۶- بیش از سی گرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. تبصره ۱- هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده است. دادگاه وی را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده اش محکوم می نماید. تبصره ۲- در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتهای و یا موسسات وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد. ماده ۹- مجازات مرتکب به جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می باشد. در مرتبه چهارم چنانچه مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا- عام اجرا خواهد یافت. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به بیست تا سی میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۱۰- معتادان به مواد مخدر مذکور در ماده ۸ که تا یک گرم از آنها را حمل یا نگهداری کنند به مجازاتهای مواد ۸ و ۹ محکوم نخواهند شد. ماده ۱۱- مجازات اقدام به قاچاق مواد



مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملا عام اجرا خواهد یافت . ماده ۱۲ - هر کس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دائم از مشاغل دولتی نیز محکوم می شود. هر گاه در اثر سهل انگاری و مسامحه مأموران مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب ، به مجازات : الف : تنزل درجه ب : انفصال موقت . ج : انفصال دائم محکوم می شوند. ماده ۱۳ - هر گاه کسی واحد صنعتی ، تجاری ، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن ، تولید و یا توزیع مواد مخدر معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هر گاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد. ماده ۱۴ - هر کس به منظور استعمال مواد مخدر مکانی را دایر و یا اداره کند به پانصد هزار تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا چهار سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود. مجازات تکرار این جرم ، دو تا چهار برابر مجازات اول خواهد بود. تبصره - در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده ، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد تولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می افتد و در صورت تکرار جرم ، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می شود. ماده ۱۵ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون : الف - کلیه معتادان به مواد مخدر مذکور در ماده ۸ موظفند ظرف شش ماه اقدام به ترک اعتیاد نمایند و ستاد موظف است از همین تاریخ مطابق برنامه و با رعایت اولویتهای معتادان مذکور را به مراکز ترک اعتیاد معرفی کند. ب - کلیه معتادان به مواد مذکور در ماده ۴ که سن آنها کمتر از شصت سال باشد موظفند ظرف مدت شش ماه اقدام به ترک اعتیاد نمایند. چنانچه پس از انقضای مهلت مقرر ترک اعتیاد نکرده باشند داسرا آنها را به مراکز بازپروری اعزام می کند و این افراد تا ترک کامل اعتیاد در مرکز باقی خواهند ماند. انجام این امر و برنامه ریزی مربوط بر عهده ستاد است . ماده ۱۶ - پس از انقضای مهلت ماده فوق معتادان به مواد مخدر در ماده ۸ به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: ۱ - بار اول به پانصد هزار تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و چهار تا دوازده ماه حبس . ۲ - بار دوم به یک میلیون تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا سه سال حبس و در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد علاوه بر جریمه نقدی و حبس ، انفصال دائم از خدمات دولتی . ۳ - بار سوم به بعد، دو تا چهار برابر مجازات بند ۲ و پنجاه ضربه شلاق ماده ۱۷ - مجازات معتاد به مواد مخدر مذکور در ماده ۴ موضوع بند ب ماده ۱۵ که پس از بازپروری در مراکز مربوط مجددا معتاد گردد به شرح زیر است : ۱ - بار اول پانصد هزار تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و چهار تا دوازده ماه حبس . ۲ - بار دوم ، یک میلیون تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا سه سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی . ۳ - بار سوم به بعد، دو تا چهار برابر مجازات مقرر در بند ۲ و پنجاه ضربه شلاق . ماده ۱۸ - هر گاه محرز شود که شخصی با انگیزه و به قصد معتاد کردن دیگری باعث اعتیاد وی به مواد مذکور در ماده ۸ شده است برای بار اول به پنج تا ده سال حبس و برای بار دوم به ده تا بیست سال حبس و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و یا شرکتهای دولتی یا وابسته به دولت باشد در همان بار اول علاوه بر مجازات حبس به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم می شود. تبصره ۲ - در صورتی که مرتکب عضو خانواده خود یا دانش آموز یا دانشجو یا افراد نیروهای نظامی و انتظامی را معتاد کند بار اول به ده تا بیست سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی و بار دوم به اعدام محکوم خواهد شد. ماده ۱۹ - افراد غیر معتادی که مواد مخدر مذکور در ماده ۴ را استعمال نمایند به تناسب به ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق یا پنج هزار ریال تا سی و هفت هزار ریال جریمه و افراد غیرمعتادی که مواد مذکور در ماده ۸ را استعمال کنند به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق یا ده هزار ریال تا سی و هفت هزار ریال جریمه محکوم

می شوند. ماده ۲۰- هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر را تولید کند به پرداخت پنج برابر قیمت آلات و ادوات مزبور و یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۲۱- هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب است پناه یا فرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن رافرار یا پناه داده است محکوم می شود. مگر آنکه در انجام این اعمال سو نیتی نداشته باشد. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس محکوم می شود. تبصره - در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می شود. ماده ۲۲- هر کس متهم موضوع این قانون را در حین دستگیری و یا پس از دستگیری و نیز محکوم موضوع این قانون را پناه یا فرار دهد و یا در فرار آنها همکاری کند به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس محکوم می شود. تبصره ۱- در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفصال دائم از خدمات دولتی خواهد بود. تبصره ۲- اگر مرتکب جرایم مذکور این قانون که هنوز تحت تعقیب قرار نگرفته است فراریا پناه داده شود پناه یا فرار دهنده به یک دهم تا یک پنجم مجازات مرتکب اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به دو تا چهار سال و چهار تا هشت سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۳- هر کس با قصد، به محو یا اخفا ادله جرم مواد مخدر اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۴- هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتبا به دهدار و نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری یا کمیته انقلاب اسلامی اطلاع دهد. روسای پاسگاه یا کمیته موظفند فوراً و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر در بخش یا شهرستان و استان به اتفاق دهدار یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحا و صورتجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی بفرستند. تبصره - در صورتی که خشخاش یا شاهدانه در حوزه های شهری کشت شده باشد مأموران شهرداری و شهربانی، کمیته و اعضا بسیج موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیکترین پاسگاه انتظامی و یا کمیته انقلاب اسلامی یا پایگاه بسیج منطقه اطلاع دهند و مسوولان مربوط به اتفاق نماینده دادستان باید وفق مقررات این ماده اقدام نمایند. ماده ۲۵- اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می شوند. ماده ۲۶- هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. ماده ۲۷- هر گاه شخصی، دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح، تعمداً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرایم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۲۸- کلیه اموالی که از راه قاچاق به دست آمده باشد به نفع دولت ضبط می شود. تفسیر ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام موضوع (تفسیر ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) در جلسه مورخ ۲۱/۹/۱۳۶۸ مجمع مورد بررسی قرار گرفت و ماده واحده ذیل به تصویب رسید: ماده واحده: اموال موضوع ماده ۲۸ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۳/۸/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام جزو درآمدهای ستاد مبارزه با مواد مخدر است و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. ماده ۲۹- (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) جریمه ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون به حساب متمرکزی که در وزارت امور اقتصادی

و دارائی افتتاح می شود واریز می گردد. این وجوه با تصویب ستاد مذکور در ماده ۳۳ و تأیید رییس جمهور هزینه می شود. ماده ۳۰ - (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) وسایط نقلیه حامل مواد مخدر به نفع دولت ضبط می شوند و با تصویب ستاد مذکور در ماده ۳۳ و تأیید رئیس جمهور مورد استفاده قرار می گیرند به استثنا موردی که این امر بدون اطلاع و اجازه مالک اجازه انجام یافته است. در صورتی که راننده با اطلاع و اجازه یا بدون اطلاع و اجازه مالک اجازه جاسازی و یا حامل مواد مخدر را بدهد به تناسب به یک دهم تا یک دوم مجازات مرتکب اصلی و در مورد حبس ابد و اعدام به ترتیب به دو تا ده سال و چهار تا بیست سال حبس محکوم می شود و علاوه بر آن گواهینامه رانندگی او به مدت یک تا ده سال ضبط می شود و در صورتی که راننده مذکور هنگام حمل مواد فاقد گواهینامه معتبر باشد علاوه بر مجازات بالا به دو برابر مجازات رانندگی بدون گواهینامه نیز محکوم خواهد شد. رانندگان در صورت تکرار این جرم برای همیشه از داشتن گواهینامه محروم می شوند. ماده ۳۱ - محکومانی که قادر به پرداخت همه یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند، باید به ازای هر هزار تومان ده روز در زندانهای نیمه باز یا باز و یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی اقامت نمایند. در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز، این مدت تا سه روز در ازای هر هزار تومان قابل تقلیل است. ماده ۳۲ - احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می شود پس از تأیید رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجرا است. در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آنکه قاضی صادر کننده حکم صالح نیست، رییس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست. ماده ۳۲ - مکرر (الحاقی ۱۰/۵/۶۸) آن دسته از دادیاران و دادستانها و سرپرستان دادسراهایی که رئیس قوه قضائیه آنها را اصلاح بداند می توانند در خصوص اتهامات موضوع مواد ۱۶ و ۱۷ رسیدگی و بر اساس مواد مذکور حکم صادر نمایند. ماده ۳۳ - (اصلاحی ۱۰/۵/۶۸) به منظور مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل، و مبارزه با تولید و خرید و فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است، ستادی به ریاست رییس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی در این ستاد متمرکز می شود. اعضای ستاد به شرح زیرند: ۱- رییس جمهور که رئیس ستاد خواهد بود و می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه بامواد مخدر یکی از معاونان خود را به نمایندگی تعیین نماید. ۲- دادستان کل کشور. ۳- وزیر کشور. ۴- وزیر اطلاعات. ۵- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی. ۶- مدیرعامل صدا و سیما. ۷- فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران (اصلاحی ۲/۷/۷۱). ۸- دادستان انقلاب اسلامی تهران (۲/۷/۷۲). ۹- سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی. ۱۰- وزیر آموزش و پرورش. تبصره - به موجب ماده واحده قانونی اصلاحی، ماده ۲۲ قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب ۲/۷/۶۷ حذف شده است. ماده ۳۴ - ستاد موظف است آیین نامه های اجرایی، مالی، استخدامی و تشکیلات و شرح وظایف ستاد واحدهای خود را حداکثر ظرف دو ماه از تاریخ ابلاغ به تصویب ستاد برساند و شروع به اجرای قانون نماید. ماده ۳۵ - (اصلاحی ۲۲/۹/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام) با لازم الاجرا شدن این قانون اجرای کلیه قوانین مغایر متوقف می شود و امر مبارزه با مواد مخدر منحصر با ستاد خواهد بود.

### قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

مصوب ۱۷/۸/۱۳۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام با اصلاحیه های بعدی ماده ۱ - اعمال زیر جرم است و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می شود: ۱ - کشت خشخاش و کوکا مطلقا و کشت شاهدانه به منظور تولید مواد مخدر. ۲ - وارد کردن، ارسال، صادر کردن و تولید و ساخت انواع مواد مخدر. ۳ - نگهداری، حمل، خرید، توزیع، اخفا، ترانزیت، عرضه و فروش مواد مخدر. ۴ - دایر کردن یا اداره کردن مکان برای استعمال مواد مخدر. ۵ - استعمال مواد مخدر به هر شکل و طریق مگر در

مواردی که قانون مستثنی کرده باشد. ۶- تولید، ساخت، خرید، فروش، نگهداری آلات و ادوات و ابزار مربوط به ساخت و استعمال موادمخدر. ۷- فرار دادن یا پناه دادن متهمین، محکومین موادمخدر که تحت تعقیب اند و یا دستگیر شده اند. ۸- امحا یا اخفا ادله جرم مجرمان. ۹- قرار دادن مواد مخدر یا آلات و ادوات استعمال در محلی به قصد متهم کردن دیگری. تبصره - منظور از مواد مخدر در این قانون، کلیه موادی است که در تصویب نامه راجع به فهرست مواد مخدر مصوب ۱۳۳۸ و اصلاحات بعدی آن احصا یا توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان مخدر شناخته و اعلام می گردد. ماده ۲- هر کس مبادرت به کشت خشخاش یا کوکا کند و یا برای تولید موادمخدر به کشت شاهدانه پردازد علاوه بر امحای کشت، برحسب میزان کشت به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱- بار اول، ده تا صد میلیون ریال جریمه نقدی. ۲- بار دوم، پنجاه تا پانصد میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق. ۳- بار سوم، صد میلیون تا یک میلیارد ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس. ۴- بار چهارم، اعدام. تبصره - هر گاه ثابت شود کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه به دستور مالک و یا مستاجر ملک و یا قائم مقام قانونی آنها صورت گرفته است، شخص دستور دهنده که سبب بوده است به شرط آن که اقوی از مباشر باشد، به مجازاتهای مقرر در این ماده محکوم می شود و مباشر که متصدی کشت بوده است، به ۱۰ تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و پانزده تا چهل ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۳- هر کس بذری یا گرز خشخاش یا بذری یا برگ کوکا و یا بذری شاهدانه را نگهداری، مخفی و یا حمل کند به یک میلیون تا ۳۰ میلیون ریال جریمه نقدی و یک تا هفتاد ضربه شلاق محکوم خواهد شد، در مورد بذری شاهدانه قصد تولید مواد مخدر از آنها باید احراز شود. ماده ۴- هر کس بنگ، چرس، گراس، تریاک، شیر، سوخته و یا تفاله تریاک را به هرنحوی به کشور وارد یا به هر طریقی صادر و ارسال نماید یا مبادرت به تولید، ساخت، توزیع یا فروش کند یا در معرض فروش قرار دهد با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد مذکور به مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا چهار میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، از چهار میلیون تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و در صورتی که دادگاه لازم بداند تا سه سال حبس. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، از پنجاه میلیون تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و سه تا پانزده سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم، اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. تبصره - هرگاه محرز شود مرتکبین جرایم موضوع بند ۴ این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آنها هم نشده و مواد، بیست کیلو یا کمتر باشد دادگاه با جمع شروط مذکور آنها را به حبس ابد و هفتاد و چهار ضربه شلاق و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده آنها محکوم می نماید. در اوزان بالای بیست کیلوگرم مرتکبین تحت هر شرایطی اعدام می شوند. ماده ۵- هر کس تریاک و دیگر مواد مذکور در ماده ۴ را خرید، نگهداری، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد و تبصره ذیل همین ماده به مجازاتهای زیر محکوم می شود: ۱- تا پنجاه گرم، تا سه میلیون ریال جریمه نقدی و تا پنجاه ضربه شلاق. ۲- بیش از پنجاه گرم تا پانصد گرم، پنج تا پانزده میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا هفتاد و چهار ضربه شلاق. ۳- بیش از پانصد گرم تا پنج کیلوگرم، پانزده میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و چهل تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا پنج سال حبس. ۴- بیش از پنج کیلوگرم تا بیست کیلوگرم، شصت تا دویست میلیون ریال جریمه نقدی و پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و پنج تا ده سال حبس و در صورت تکرار برای بار دوم علاوه بر مجازاتهای مذکور، به جای جریمه مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم، و برای بار سوم اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. ۵- بیش از بیست کیلوگرم تا یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات مقرر در بند ۴ به ازای هر کیلوگرم دو میلیون ریال به مجازات جزای نقدی مرتکب اضافه می گردد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثنای هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم. ۶- بیش از یکصد کیلوگرم، علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق مقرر در بندهای ۴ و ۵

حبس ابد و در صورت تکرار اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره - مرتکبین جرایم فوق چنانچه به صورت زنجیره ای عمل کرده باشند و مواد برای مصرف داخل باشد مشمول مجازاتهای ماده ۴ خواهند بود و چنانچه یکی از دو شرط موجود نباشد به مجازاتهای این ماده محکوم می گردند. ماده ۶- مرتکبین جرایم مذکور در هر یک از بندهای ۱، ۲ و ۳ دو ماده ۴ و ۵ در صورت تکرار جرم مذکور در همان بند یا هر یک از بندهای دیگر برای بار دوم به یک برابر و نیم ، برای بار سوم به دو برابر و در مرتبه های بعد به ترتیب دو و نیم ، سه ، سه و نیم و... برابر مجازات جرم جدید محکوم خواهند شد. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه است . چنانچه در نتیجه تکرار جرایم موضوع بندهای مذکور از ماده ۴ میزان مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد مرتکب به مجازات اعدام و مصادره اموال محکوم می شود و چنانچه در نتیجه تکرار جرایم مذکور از دو ماده ۴ و ۵ یا بندهای مذکور در ماده ۵ مواد به بیش از پنج کیلوگرم برسد به دو برابر مجازات بند ۴ از ماده ۵ محکوم خواهد شد. ماده ۷- در صورتی که مرتکب جرایم مذکور در مواد ۴ و ۵ از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و موسسات و سازمانها و شرکتهای وابسته به دولت باشد و مطابق قوانین استخدامی مشمول انفصال از خدمات دولتی نگردد علاوه بر مجازاتهای مذکور در مواد قبل برای بار اول به شش ماه انفصال و برای بار دوم به یک سال انفصال و برای بار سوم به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می شود. ماده ۸- هر کس هروئین ، مرفین ، کوکائین ، و دیگر مشتقات شیمیائی مرفین و کوکائین را وارد کشور کند، یا مبادرت به ساخت ، تولید، توزیع ، صدور، ارسال ، خرید و فروش نماید و یا در معرض فروش قرار دهد و یا نگهداری ، مخفی یا حمل کند با رعایت تناسب و با توجه به میزان مواد به شرح زیر مجازات خواهد شد: ۱- تا پنج سانتی گرم ، از دو پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا پنجاه ضربه شلاق . ۲- بیش از پنج سانتی گرم تا یک گرم ، از دو میلیون تا شش میلیون ریال جریمه نقدی و سی تا هفتاد ضربه شلاق . ۳- بیش از یک گرم تا چهار گرم ، از هشت میلیون تا بیست میلیون ریال جریمه نقدی و دو تا پنج سال حبس و سی تا هفتاد ضربه شلاق . ۴- بیش از چهار گرم تا پانزده گرم ، از بیست میلیون تا چهل میلیون ریال جریمه نقدی و پنج تا هشت سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۵- بیش از پانزده گرم تا سی گرم ، از چهل میلیون تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی و ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق . ۶- بیش از سی گرم ، اعدام و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم . تبصره ۱- هر گاه محرز شود مرتکب جرم موضوع بند (۶) این ماده برای بار اول مرتکب این جرم شده و موفق به توزیع یا فروش آن هم نشده در صورتی که میزان مواد بیش از یکصد گرم نباشد با جمع شروط مذکور یا عدم احراز قصد توزیع یا فروش در داخل کشور با توجه به کیفیت و مسیر حمل ، دادگاه به حبس ابد و مصادره اموال به استثناء هزینه تأمین زندگی متعارف برای خانواده محکوم ، حکم خواهد داد. تبصره ۲- در کلیه موارد فوق چنانچه متهم از کارکنان دولت یا شرکتهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور در این ماده به انفصال دائم از خدمات دولتی نیز محکوم خواهد شد. ماده ۹- مجازاتهای مرتکبین جرایم مذکور در بندهای ۱ تا ۵ ماده ۸ برای بار دوم یک برابر و نیم مجازات مذکور در هر بند و برای بار سوم دو برابر میزان مقرر در هر بند خواهد بود. مجازات شلاق برای بار دوم به بعد، حداکثر هفتاد و چهار ضربه می باشد. چنانچه در مرتبه چهارم مجموع مواد مخدر در اثر تکرار به سی گرم برسد مرتکب در حکم مفسد فی الارض است و به مجازات اعدام محکوم می شود. حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی محکوم و در ملا عام اجرا خواهد شد. چنانچه مجموع مواد مخدر در مرتبه چهارم در اثر تکرار به سی گرم نرسد مرتکب به چهل تا شصت میلیون ریال جریمه نقدی ده تا پانزده سال حبس و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. ماده ۱۰- حذف شد. ماده ۱۱- مجازات اقدام به قاچاق مواد مخدر موضوع این قانون به طور مسلحانه اعدام است و حکم اعدام در صورت مصلحت در محل زندگی مرتکب در ملا عام اجرا خواهد شد. ماده ۱۲- هر کس مواد مخدر را به داخل زندان یا بازداشتگاه یا اردوگاه بازپروری و نگهداری معتادان وارد نماید، حسب مورد به اشد مجازاتهای مذکور در مواد ۴ تا ۹ محکوم می

گردد و در صورتی که مرتکب از مأموران دولت باشد به انفصال دایم از مشاغل دولتی نیز محکوم می شود. هر گاه در اثر سهل انگاری و مسامحه مأموران، مواد مخدر به داخل این مراکز وارد شود مأموران خاطی به تناسب، به مجازات: الف: تنزل درجه. ب: انفصال موقت. ج: انفصال دایم محکوم می شوند. ماده ۱۳- هر گاه کسی واحد صنعتی، تجاری، خدماتی و یا محل مسکونی خود را برای انبار کردن، تولید و یا توزیع مواد مخدر معد سازد و یا مورد استفاده قرار دهد و یا بدین منظور آنها را در اختیار دیگری بگذارد و نیز هر گاه نماینده مالک با اطلاع یا اجازه وی مرتکب این امور شود. موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد صنعتی یا جواز کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط لغو و واحد یا واحدهای مذکور در این ماده به نفع دولت ضبط می گردد.

ماده ۱۴- هر کس به منظور استعمال مواد مخدر مکانی را دایر و یا اداره کند به پنج میلیون تا ده میلیون ریال جریمه نقدی و بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک تا دو سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شود. مجازات تکرار این جرم، دو تا چهار برابر مجازات بار اول خواهد بود. تبصره- در صورتی که مکان مذکور در این ماده واحد تولیدی یا تجاری و یا خدماتی باشد علاوه بر مجازات مقرر در این ماده، موافقت اصولی و پروانه بهره برداری واحد تولیدی و نیز پروانه کسب واحد تجاری و خدماتی مربوط به مدت یک سال از اعتبار می افتد و در صورت تکرار جرم، واحد مذکور به نفع دولت ضبط می شود. ماده ۱۵- اعتیاد جرم است. ولی به کلیه معتادان اجازه داده می شود، به مراکز مجازی که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی مشخص می گردد مراجعه و نسبت به درمان و بازپروری خود اقدام نمایند. تبصره ۱- معتادان مذکور در طول مدت درمان و بازپروری از تعقیب کیفری جرم اعتیاد معاف می باشند. تبصره ۲- هزینه های تشخیص، درمان، دارو و بازپروری توسط شخص معتاد بر اساس تعرفه های مصوب به واحدهای ذیربط پرداخت می شود و هزینه های مربوط به معتادان بی بضاعت هر ساله توسط دولت تأمین خواهد شد. تبصره ۳- دولت مکلف است برای احیا و ایجاد اردوگاه های باز پروری معتادین به مواد مخدر اقدام لازم را به عمل آورد. ماده ۱۶- معتادان به مواد مخدر مذکور در دو ماده ۴ و ۸ به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و تاسی ضربه شلاق محکوم، در صورت تکرار برای هر مرتبه هر بار تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت یا موسسات و یارگانه های دولتی یا وابسته به دولت باشد علاوه بر مجازات جریمه نقدی و شلاق، به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شود. ولی چنانچه ثابت شد که محکوم ترک اعتیاد کرده است مجددا می تواند مراحل استخدام را طی کرده و مشغول خدمت در دستگاه های دولتی شود. ماده ۱۷- حذف شد. ماده ۱۸- حذف شد. ماده ۱۹- افراد غیر معتادی که مواد مخدر استعمال نمایند، بر حسب نوع مواد به شرح ذیل مجازات می شوند: ۱- استعمال مواد مذکور در ماده ۴ به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی. ۲- استعمال مواد مذکور در ماده ۸ به پنجاه تا هفتاد و چهار ضربه شلاق و دو تا ده میلیون ریال جزای نقدی. ماده ۲۰- هر کس آلات و ادوات مخصوص تولید یا استعمال مواد مخدر را وارد کند، بسازد، خرید یا فروش کند علاوه بر ضبط آنها به یک میلیون تا پنج میلیون ریال جزای نقدی و ده تا پنجاه ضربه شلاق محکوم می شود. مرتکبین نگهداری، اخفا یا حمل آلات و ادوات استعمال مواد مخدر، علاوه بر ضبط آنها به ازای هر عدد صد تا پانصد هزار ریال جزای نقدی یا پنج تا بیست ضربه شلاق محکوم می شوند. عتایق از شمول این ماده مستثنی می باشند. ماده ۲۱- هر کس متهم موضوع این قانون را که تحت تعقیب یا در حین دستگیری است عالماً و عامداً پناه یا فرار دهد و یا در پناه دادن یا فرار دادن او همکاری کند در هر مورد، به یک پنجم تا یک دوم مجازات جرمی که متهم به آن را فرار یا پناه داده است محکوم می شود. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به چهار تا ده سال حبس و ده تا پانزده سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره ۱- مجازات اقبای درجه یک متهم در هر حال بیش از یک دهم مجازات متهم اصلی نخواهد بود. تبصره ۲- در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد، علاوه بر مجازات مذکور، از خدمات دولتی نیز منفصل می شود. ماده ۲۲- هر کس متهم موضوع این قانون را پس از دستگیری و نیز محکوم موضوع این قانون

را پناه یا فرار دهد و یا در فرار آنها همکاری و مشارکت نماید، به نصف مجازات متهم یا مجرم اصلی محکوم خواهد شد. در مورد حبس ابد و اعدام مرتکب به ترتیب به ده سال و بیست سال حبس و از سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شود. تبصره ۱ - در صورتی که مرتکب از مأموران انتظامی و امنیتی و یا مأموران زندان و یا از مأموران قضایی باشد به مجازات متهم یا مجرم اصلی و نیز انفصال از خدمات دولتی محکوم می شود به استثنای مورد اعدام که مجازات مأمور، بیست و پنج سال حبس و انفصال دایم از خدمات دولتی خواهد بود. تبصره ۲ - در موارد مشمول دو ماده ۲۱ و ۲۲ در صورتی که متهم اصلی پس از دستگیری تبرئه شود اجرای احکام بلافاصله نسبت به ترخیص او اقدام و همچنین چنانچه متهم اصلی به جرم خفیف تری محکوم گردد در هر صورت محکومیت فرار یا پناه دهنده وفق ماده ۳۲ این قانون قابل تجدیدنظر می باشد. ماده ۲۳ - هر کس عالماً و عامداً به امحا یا اخفا ادله جرم مواد مخدر اقدام کند به یک پنجم تا نصف مجازات متهم اصلی محکوم می شود. در مورد حبس ابد مرتکب به چهار تا ده سال و در مورد اعدام به هشت تا بیست سال حبس محکوم می شود. ماده ۲۴ - هر یک از اعضای شورای اسلامی روستا موظف است به محض آگاهی از کشت خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه روستا مراتب را کتبا به دهدار و نزدیکترین پاسگاه یا حوزه انتظامی اطلاع دهد. فرماندهان پاسگاهها و حوزه های انتظامی موظفند فوراً و همزمان با گزارش موضوع به فرمانده بالاتر خود، به اتفاق دهدار و یا بخشدار و نماینده شورای اسلامی روستا در محل کشت حاضر شوند و آن را امحا و صورتجلسه امر را تهیه کنند و همراه متهم یا متهمین به مراجع ذیصلاح قضایی تحویل نمایند. تبصره - در صورتی که خشخاش یا کوکا یا شاهدانه در حوزه های شهری کشت یاروئیده شده باشد مأمورین (نیروی انتظامی، شهرداری، نیروی مقاومت بسیج منطقه) حسب مورد موظفند به محض آگاهی مراتب را به نزدیکترین پاسگاه انتظامی و یا پایگاه نیروی مقاومت بسیج منطقه اطلاع دهند و مسوولان مربوطه به اتفاق نماینده مرجع قضایی ذیصلاح وفق مقررات این ماده اقدام نمایند. ماده ۲۵ - اشخاص مذکور در ماده ۲۴ و تبصره آن در صورتی که بدون عذر موجه از انجام وظیفه خودداری یا کوتاهی کنند بار اول به شش ماه تا یک سال محرومیت از مشاغل دولتی و بار دوم به انفصال دایم از خدمات دولتی محکوم می شوند. اعضای شورای اسلامی نیز بار اول به شش ماه تا یک سال و بار دوم برای همیشه از عضویت شوراهای اسلامی محروم می شوند. ماده ۲۶ - هر کس به قصد متهم کردن دیگری، مواد مخدر و یا آلات و ادوات استعمال آن را در محلی قرار دهد به حداکثر مجازات همان جرم محکوم خواهد شد. ماده ۲۷ - هر گاه شخصی، دیگری را به منظور تعقیب در مراجع ذیصلاح، تعمداً و به خلاف واقع متهم به یکی از جرایم موضوع این قانون نماید به بیست تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ - کلیه اموالی که از راه قاچاق مواد مخدر تحصیل شده و نیز اموال متهمان فراری موضوع این قانون در صورت وجود ادله کافی برای مصادره، به نفع دولت ضبط و مشمول اصل ۵۳ قانون اساسی در خصوص اموال دولتی نمی باشد. تبصره - وسایل نقلیه ای که در درگیری مسلحانه از قاچاقچیان مواد مخدر به دست می آید دادگاه آن را به نفع سازمان عمل کننده ضبط می کند. ماده ۲۹ - (اصلاحی ۲۶/۸/۱۳۸۰ روزنامه رسمی شماره ۱۶۶۸۹ مورخ ۲۹/۳/۱۳۸۱) دستگاههای ذیربط مکلفند جریمه ها و دیگر وجوه حاصل از اجرای این قانون را به حساب درآمد عمومی واریز نمایند، به منظور تأمین اهداف طرح ملی مبارزه با مواد مخدر، دولت اعتبار مورد نیاز برای اجرای برنامه های مصوب ستاد مبارزه با مواد مخدر را تحت همین عنوان، سالانه در لایحه بودجه کل کشور منظور می نماید. تبصره - (الحاقی ۲۶/۸/۱۳۸۰) اعتبارات مصوب هر یک از دستگاههای موضوع این ماده، پس از تنظیم به شرح طرحها و فعالیتهای اجرایی و تصویب ستاد، توسط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور اختصاص و مبادله موافقتنامه صورت خواهد پذیرفت. ماده ۳۰ - وسائط نقلیه ای که حامل مواد مخدر شناخته می شوند به نفع دولت ضبط و باتصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر در اختیار سازمان کاشف قرار می گیرد. چنانچه حمل مواد مخدر بدون اذن و اطلاع مالک و وسیله نقلیه صورت گرفته باشد وسیله نقلیه به مالک آن مسترد می شود. تبصره - کلیه افرادی که به هر نحو اقدام به ساخت یا تعبیه جاسازی جهت حمل مواد مخدر در وسائط نقلیه می نمایند، در صورت وقوع جرم به عنوان معاون در جرم ارتكابی و در غیر آن از

سه ماه تا شش ماه حبس و حسب مورد از ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جریمه نقدی محکوم می شوند. ماده ۳۱- محکومانی که قادر به پرداخت تمام یا بخشی از جریمه نقدی مورد حکم نباشند باید به ازای روزی ده هزار ریال در زندانهای نیمه باز و بازو یا مراکز اشتغال و حرفه آموزی اقامت نمایند، در صورتی که طرز کار و رفتار محکومان در مدت اقامت مذکور شایسته باشد بنا به تقاضا و تشخیص مسئولان اداره مراکز و موافقت اجرای احکام ، مبلغ فوق به ازای روزی بیست تا پنجاه هزار ریال محاسبه می شود. تبصره ۱- تقسیط جزای نقدی مورد حکم پس از اجرای مدت حبس توسط اجرای احکام ، منوط است به اخذ وثیقه ای معادل آن و تضمین معتبر از طرف شخص ثالث که مدت آن بیش از سه سال نباشد. تبصره ۲- طول مدت حبس بدل از جزای نقدی به هر حال بیشتر از ده سال نخواهد بود. ماده ۳۲- احکام اعدامی که به موجب این قانون صادر می شود پس از تأیید رییس دیوانعالی کشور و دادستان کل کشور قطعی و لازم الاجراست . در سایر موارد چنانچه حکم به نظر رییس دیوانعالی کشور و یا دادستان کل کشور در مظان آن باشد که بر خلاف شرع یا قانون است و یا آن که قاضی صادر کننده حکم صالح نیست ، رییس دیوان عالی کشور و یا دادستان کل کشور حق تجدید نظر و نقض حکم را دارند لکن وجود این حق مانع قطعیت و لازم الاجرا بودن حکم نیست . ماده ۳۳- به منظور پیشگیری از اعتیاد و مبارزه با قاچاق مواد مخدر از هر قبیل ، اعم از تولید، توزیع ، خرید، فروش و استعمال آنها و نیز موارد دیگری که در این قانون ذکر شده است ، ستادی به ریاست رئیس جمهور تشکیل و کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در این ستاد متمرکز خواهد بود، اعضای ستاد به شرح زیر می باشند: ۱- رییس جمهور ۲- دادستان کل کشور ۳- وزیر کشور ۴- وزیر اطلاعات ۵- وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ۶- وزیر آموزش و پرورش ۷- رییس سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ۸- فرمانده نیروی انتظامی ۹- سرپرست دادگاه انقلاب اسلامی تهران ۱۰- سرپرست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی ۱۱- فرمانده نیروی مقاومت بسیج ۱۲- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی تبصره ۱- رییس جمهور می تواند برای اداره جلسات ستاد مبارزه با مواد مخدر یک نفر نماینده از جانب خود تعیین نماید. تبصره ۲- برای پیشگیری از ارتکاب جرایم مواد مخدر، دولت موظف است هر سال بودجه ای برای این امر اختصاص و به دستگاههای ذیربط موضوع همین ماده ابلاغ نماید. ماده ۳۴- به ستاد مبارزه با مواد مخدر اجازه داده می شود که بر اساس ضرورت به تهیه و تدوین آیین نامه های اجرایی مورد نیاز اقدام نماید. ماده ۳۵- حذف شد. ماده ۳۶- در کلیه مواردی که در این قانون ، مرتکبین ، علاوه بر مجازاتهای مقرر به مصادره کلیه اموال به استثنای هزینه تأمین متعارف برای خانواده محکوم می شوند، دادگاه مکلف است مشخصات دقیق اموال مصادره شده را به انضمام ریز اموالی که حسب نظر کارشناس یا خبره جز مستثنیات محسوب شده دقیقاً در حکم یا در حکم اصلاحی قید نماید. تخلف از مقررات مذکور موجب تعقیب انتظامی و محکومیت از درجه ۴ به بالایی باشد. تبصره - محاکم موظفند، رونوشت کلیه احکام صادر شده را پس از قطعیت به ستاد مبارزه با مواد مخدر ارسال دارند. ماده ۳۷- طول مدت بازداشت موقت به هر حال بیش از ۴ ماه نخواهد بود، چنانچه در مدت مذکور پرونده اتهامی منتهی به صدور حکم نشده باشد مرجع صادر کننده قرار، مکلف به فک و تخفیف قرار تأمین فوق می باشد مگر آنکه جهات قانونی یا علل موجهی برای ابقا قرار بازداشت وجود داشته باشد که در این صورت با ذکر علل و جهات مزبور قرار ابقامی شود. ماده ۳۸- دادگاه می تواند در صورت وجود جهات مخففه مجازاتهای تعزیری مقرر در این قانون را تا نصف حداقل مجازات آن جرم تخفیف دهد در صورتی که مجازاتی فاقد حداقل باشد همان مجازات تا نصف تخفیف می یابد. میزان تخفیف در احکام حبس ابد ۱۵ سال خواهد بود و در مورد مجازات اعدام تقاضای عفو و تخفیف مجازات به کمیسیون عفو ارسال خواهد شد. تبصره - کلیه محکومینی که پس از صدور حکم به نحوی با نیروی انتظامی یا سازمان عمل کننده همکاری نمایند و اقدام آنها منجر به کشف شبکه ها گردد دادگاه صادر کننده رأی می تواند با تقاضای نیروی انتظامی و یا سازمان عمل کننده بر اساس اسناد مربوطه ، مجازات وی را ضمن اصلاح حکم سابق الصدور تا نصف تخفیف دهد. ماده ۳۹ (الحاقی) - در تشدید مجازات بر اثر تکرار جرم در کلیه موارد مصرح در این قانون



محکومیت ها یا سوابق بعد از اجرای قانون مبارزه با مواد مخدر سال ۱۳۶۷ منوط اعتبار است . ماده ۴۰ (الحاقی) - هر کس عالماً عامداً به قصد تبدیل یا تولید مواد مخدر، مبادرت به ساخت، خرید، فروش، نگهداری، حمل، ورود، صدور و عرضه مواد صنعتی و شیمیائی از قبیل ایندريداستیک، اسید انتراتیلیک، اسید فنیل استیک، کلور استیل و سایر مواد مندرج در جدول یک و دو ضمیمه به ماده ۱۲ کنوانسیون مبارزه با قاچاق مواد مخدر و داروهای روان گردان مصوب ۱۹۸۸ میلادی و اصلاحات و الحاقات بعدی آن بنماید، همچنین نسبت به ورود، خرید، فروش، ساخت، مصرف و نگهداری یا صدور کدئین و متادون اقدام نماید بارعایت تناسب و با توجه به مقدار مواد حسب مورد به مجازاتهای مقرر در ماده ۵ قانون مبارزه با مواد مخدر محکوم خواهد شد.

ماده ۴۱ - ساخت، تولید، خرید، فروش، ارسال، نگهداری، ورود، صدور، مصرف و حمل مواد ممنوع حسب مورد برای مصارف پزشکی، تحقیقاتی و صنعتی با مجوز وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از شمول این قانون مستثنی است . ماده ۴۲ - به قوه قضائیه اجازه داده می شود که بخشی از محکومان مواد مخدر را به جای زندان در اردوگاههای خاص (با شرایط سخت و عادی) نگهداری نماید. دولت موظف است اعتبارات و تسهیلات و مقررات لازم را برای تهیه و اداره این اردوگاه ها در ظرف مدت یک سال تأمین کند. تبصره ۱ - اداره این اردوگاهها به عهده قوه قضائیه است . تبصره ۲ - دادگاهها می توانند به جای کیفر حبس کیفر توقف در اردوگاهها را برای محکومین معین نمایند. قانون فوق مشتمل بر ۴۲ ماده و ۲۵ تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسات متعدد مجمع مطرح و در تاریخ ۱۷/۸/۱۳۷۶ به تصویب نهایی مجمع تشخیص مصلحت نظام رسیده است .

### لایحه قانونی تشدید مجازات مرتکبین جرایم مواد مخدر و اقدامات تأمینی و درمانی به منظور مداوا و اشتغال

مصوب ۱۹/۳/۱۳۵۹ ماده ۱ - مواد مخدر که فهرست کامل آن به موجب تصویب نامه مورخ دوم مرداد ماه ۱۳۳۸ به تفکیک تعیین شده است دو دسته تقسیم می شود: ۱ - مواد افیونی که شامل تریاک و سوخته تریاک و شیر و سایر ترکیباتی می شود که دارای مواد مذکور می باشد. ۲ - سایر ادویه مخدر (اعم از مشتقات تریاک) مانند مرفین و هروئین و کوکائین و مواد مخدر صنعتی و شیمیایی که در فهرست مواد مخدر سازمان ملل تعیین شده و سازمان بهداشت جهانی مراقبت در مصرف آن را ضروری می شناسد. تبصره - حشیش و ترکیبات دیگر از قبیل بنگ و بنگاب و چرس و مشابه آنها از نظر مقررات این قانون در ردیف مواد افیونی محسوب می شود. ماده ۲ - هر کس مبادرت به کشت خشخاش نماید علاوه بر امحای کشت برای بار اول به مجازات حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. تبصره - هرگاه ثابت شود که کشت خشخاش به دستور مالک یا مستاجر و یا قائم مقام قانونی آنها به عمل آمده باشد در این صورت اشخاص مذکور به حداکثر مجازات مقرر در ماده فوق و زارع به حبس جنائی درجه دو از دو الی پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ - در هر محلی که کشت خشخاش به عمل آید کدخدا مکلف است فوراً مراتب را به نزدیکترین پاسگاه ژاندارمری اطلاع دهد، رئیس پاسگاه ژاندارمری محل یا جانشین او موظف است بلافاصله پس از اعلام کدخدا به محل عزیمت و با حضور کدخدا و روحانی و دو نفر معتمد محل و شخصی که متهم به کشت خشخاش می باشد کشت را محو نموده و صورت مجلسی که متضمن مراتب فوق باشد تنظیم و پس از انجام تحقیقات مقدماتی پرونده امر را همراه متهم و یا متهمان قضیه به نزدیکترین دادگاه صلح و یا دادسرا یا مراجع صالحه دیگر ارسال دارد. عدم حضور متهم موجب تاخیر یا مانع اجرای این امر نخواهد بود. ماده ۴ - در هر محل که خشخاش کشت شود اعم از آن که قبل و یا بعد و یا در موقع برداشت محصول کشف گردد کدخدای محل در صورتی که با وجود علم به کشت خشخاش مراتب را به پاسگاه ژاندارمری اطلاع نداده باشد و رئیس پاسگاه ژاندارمری در صورتی که پس از اعلام کدخدا نسبت به امحای کشت خشخاش و تشکیل پرونده مقدماتی و ارسال آن به مراجع قضایی اقدام ننموده باشد هر یک به دو الی پنج سال حبس جنایی

درجه دو محکوم خواهند شد. به علاوه رییس پاسگاه به انفصال ابد از خدمت دولتی محکوم می گردد. تبصره - کدخدایان و بخشداران و رؤسای پاسگاههای ژاندارمری مکلفند مستمرا برای کشف کشت خشخاش مراقبتهای لازمه را معمول دارند. در صورت مسامحه و کشف مزرعه خشخاش در حوزه خدمت آنان، کدخدا برای همیشه از سمت کدخدایی محروم و بخشدار و رییس پاسگاه ژاندارمری نیز از سمت خود برکنار و به علت مسامحه در انجام وظیفه در دادگاه اداری و یا انتظامی تحت تعقیب واقع و به مجازات های مقرر محکوم خواهند شد. ماده ۵ - هرکس بذر و یا گرز خشخاش را نگاهداری یا مخفی یا حمل کند به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۶ - هرکس تریاک و سایر مواد افیونی مندرج در شق یکم از ماده اول این قانون را وارد کرده یا بسازد و یا بفروشد و یا در معرض فروش بگذارد و یا بیش از یک کیلوگرم از مواد مذکور نگهداری و یا مخفی و یا حمل کند در صورتی که ثابت شود عالما و عامدامرتکب شده به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. هرگاه مقدار مواد افیونی مکشوفه از یک کیلوگرم کمتر و از پنجاه گرم بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از دو الی ده سال خواهد بود و اگر مقادیر مکشوفه کمتر از پنجاه گرم باشد مرتکب به حبس جنحه ای از یک تا سه سال محکوم می گردد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس، حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مجازات مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترک فعل متهم مؤثر باشد) بدهد. ماده ۷ - هرکس سایر مواد مخدر مندرج در شق دوم از ماده اول این قانون اعم از مرفین و هروئین و کوکائین و مواد مخدر صنعتی و شیمیایی و انیدرید استیک و کلرور استیل وارد کرده و یا بسازد و یا بفروشد یا در معرض فروش قرار دهد و یا بیش از پنج گرم از مواد مذکور را به طور غیرمجاز نگاهداری و یا مخفی و یا حمل کند در صورتی که ثابت شود عالما و عامدا مرتکب شده به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. هرگاه میزان مواد مکشوفه از پنج گرم کمتر و از یک گرم بیشتر باشد مجازات مرتکب حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال خواهد بود. اگر مقدار مواد مکشوفه کمتر از یک گرم باشد مرتکب به حبس جنایی درجه دو از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس، حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مجازات مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترک فعل متهم مؤثر باشد) بدهد. تبصره ۱ - مصارف پزشکی و صنعتی مواد مذکور در این ماده از شمول این قانون مستثنی است. تبصره ۲ - در هر مورد اگر ثابت شود که حامل مواد مندرج در مواد ۶ و ۷ این قانون صاحب آن نبوده و متصدی حمل از طرف دیگری است در صورت احراز علم وی به مخدر بودن محموله معاون جرم محسوب و مباشر جرم صاحب مال می باشد که به مجازات مجرم اصلی محکوم خواهد شد. ماده ۸ - هرکس مواد مخدر مذکور در این قانون را بدون مجوز طبی استعمال نماید و یا معتاد و لگردد بوده، توسط ماموران دستگیر شود، و یا به وسیله خویشاوندان و همسایگان معرفی شده باشد و ابتلای به استعمال مواد مخدر مورد تأیید پزشکی قانونی قرار گیرد، تحت تعقیب واقع و به شش ماه تا سه سال حبس جنحه ای و در صورتی که هروئین و مرفین و امثال آن (مواد مخدر مندرج در بند دوم ماده اول) استعمال نموده باشد به یک تا سه سال حبس جنحه ای محکوم خواهد شد، ولی دادگاه می تواند به جای مجازات حبس حکم به جزای نقدی متناسب با میزان مقرر یا تنبیه بدنی (هر کدام در ترک فعل متهم مؤثر باشد) بدهد. تبصره - مجازات اشخاص فوق را با توجه به این که در مدت حبس برای رفع اعتیاد کامل تحت مداوا قرار خواهند گرفت نمی توان از حداقل مجازات مندرج در ماده فوق تقلیل داد. ماده ۹ - هرکس یکی از مواد مخدر را بدون لزوم و مجوز طبی به دیگری تزریق کند به حبس جنایی درجه دو از سه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۰ - ساختن و وارد کردن و نگهداری و اختفا و خرید و فروش آلات و ادوات مربوط به استعمال مواد افیونی به کلی ممنوع است. متخلف به دو الی سه سال حبس جنحه ای محکوم می گردد. ضمنا آلات و ادوات مذکور پس از کشف به وسیله مأمورین انتظامی معدوم خواهد شد. ماده ۱۱ - هرکس محلی را برای استعمال مواد مخدر دایر کند یا به نحوی از انحا سهیم در منافع محل باشد و یا با مرتکب اصلی شرکت نماید برای بار اول به حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال و در صورت تکرار به اعدام محکوم خواهد شد. هرکس به نحوی از انحا معاونت در جرم مذکور نماید به دو سال تا ده سال حبس جنایی درجه دو محکوم خواهد

شد. مجازات کسانی که در محل مذکور قبول خدمت نمایند شش ماه تا سه سال حبس جنحه ای می باشد. ماده ۱۲ - محل استعمال مواد مخدر پس از کشف بلافاصله به دستور دادستان شهرستان یا امین صلح بسته خواهد شد. چنانچه محل مذکور یک قسمت از خانه مسکونی باشد که اشخاص دیگر در آن سکونت داشته باشند فقط قسمتی که محل استعمال مواد مخدر بوده بسته خواهد شد در صورتی که دایر کننده ، مالک محل استعمال باشد ملک مذکور به نفع دولت ضبط و مصادره خواهد شد و چنانچه محل مذکور اجاره ای باشد اجاره منفسخ و باحضور نماینده دادستان ، ملک تحویل موجر خواهد شد و در صورتی که موجر با علم و اطلاع محل مذکور را بعدا برای استعمال مواد مخدر اجاره دهد و یا واگذار نماید به مجازات معاون جرم محکوم خواهد شد. تبصره - در مورد محل فروش مواد مخدر پروانه کسب مزبور بلافاصله توقیف و در صورت محکومیت متهم اموال و سرقفلی آن به نفع دولت مصادره خواهد شد. ماده ۱۳ - هرکس اماکن عمومی از قبیل مهمانخانه و قهوه خانه و امثال آن را برای استعمال مواد افیونی در معرض استفاده قرار دهد به حبس جنایی درجه یک از سه تا ۱۵ سال و در صورت تکرار به مجازات اعدام محکوم خواهد شد. ماده ۱۴ - کلیه اموال منقول و غیرمنقول اشخاصی که به علت ارتکاب جرایم مندرج در مواد ۲ و ۶ و ۷ و ۱۱ و ۱۳ این قانون تحت تعقیب قرار گیرند به دستور دادستان ضبط و پس از صدور حکم قطعی به نفع دولت مصادره خواهد شد و وسائط نقلیه حامل مواد مخدر نیز پس از صدور حکم قطعی در اختیار سازمان کاشف جرم به منظور استفاده در امر مبارزه با قاچاق مواد مخدر قرار خواهد گرفت . تبصره ۱ - در صورتی که اشخاص فوق الذکر عایله تحت تکفل داشته باشند دادگاه صادر کننده حکم پس از وضع قسمتی از اموال محکوم اعم از محل سکنی و غیره به منظور تأمین مسکن و معیشت متعارف عایله تحت تکفل وی حکم به مصادره بقیه اموال به نفع دولت خواهد نمود. تبصره ۲ - اشخاصی که معتاد به استعمال مواد مخدر بوده و بیش از پنجاه گرم تریاک و مواد افیونی دیگر و یا یک گرم هروئین و مشابه آن از آنان کشف نشده باشد همچنین متهمان به ارتکاب جرایم مندرج در ماده ۱۵ از مصادره اموال مصون خواهند بود. ماده ۱۵ - هرکس به قصد متهم کردن غیر و یا رهایی خود از مجازات شخصا یا به هروسيله مواد مخدر مذکور در این قانون را در محلی قرار دهد که موجب شود دیگری تحت تعقیب واقع شود و در جریان تحقیقات و رسیدگی بی گناهی وی احراز شود توطئه کننده به حداکثر مجازات جرم موضوع توطئه محکوم خواهد شد و همچنین اگر یکی از جرایم مندرج در این قانون را برخلاف واقع و یا سوئیت به دیگری نسبت دهد مفتری به سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ - کسانی که مأمور تعقیب جرایم مذکور در این قانون می باشند با علم به اینکه جرایم مندرج در این قانون از طرف اشخاص ارتکاب یافته است از انجام وظیفه ای که برای تعقیب و کشف دارند خودداری نمایند به مجازاتی که برای مرتکبین معین شده محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - برای کلیه کسانی که به اتهام ارتکاب جرایم مذکور در مواد دو، شش، هفت، هشت، نه و یازده، سیزده و پانزده و شانزده این قانون تحت تعقیب قرار می گیرند چنانچه دلایل و قرائن موجود دلالت کافی به توجه اتهام به آنان نماید قرار بازداشت صادر خواهد شد و در صورت ادامه بازداشت متهم تا تاریخ شروع دادرسی با صدور حکم براءت ازدادگاه جزائی آزاد خواهد شد و رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون خارج از نوبت به عمل می آید. ماده ۱۸ - کلیه کسانی که به اتهام استعمال و اعتیاد به مواد مخدر و همچنین اختفا و نگهداری و حمل مواد مذکور تحت تعقیب قرار گرفته و بازداشت گردیده اند مشروط به اینکه میزان مواد مکشوفه بیش از پنجاه گرم مواد افیونی و یک گرم هروئین و مواد مخدر مشابه آن نبوده و این اشخاص نیز معتاد به استعمال مواد مخدر باشند پس از صدور قرار بازداشت به جای زندان به منظور معالجه و رفع کامل اعتیاد و اشتغال آنان به کار در حین مداوا و پیدا کردن تخصص حرفه ای در صورت لزوم به مراکزی که به وسیله دولت ایجاد خواهد شد اعزام و از آنان نگهداری خواهد شد. مدت معالجه جز مدت مجازات آنان محسوب خواهد شد. چنانچه مدت معالجه بیش از مدت محکومیت به حبس باشد مادام که نسبت به مجرم رفع اعتیاد به عمل نیامده باشد در مرکز مذکور از متهم معتاد نگهداری شده و در حکم دادگاه نیز این معنی ذکر خواهد گردید. ماده ۱۹ - دولت مکلف است مراکز مجهزی برای نگهداری و مداوای مجرمین معتاد به وجود آورده و در

مراکز مذکور کارگاههای صنعتی و مزارع کشاورزی و غیره به منظور اشتغال معتادان به کار و آشنایی آنان به حرفه تخصصی و امکان اشتغال و تحصیل درآمد پس از خروج از زندان ایجاد نماید. اداره این مراکز به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب وزارتخانه های : دادگستری و بهداری و بهزیستی خواهد رسید. ماده ۲۰ - به کلیه اشخاص معتاد به استعمال مواد مخدر از تاریخ تصویب این قانون شش ماه مهلت داده می شود که به منظور معالجه خود به درمانگاه یا بیمارستانهایی که وزارت بهداری تعیین خواهد کرد مراجعه نمایند والا پس از انقضای مدت مذکور تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۲۱ - از تاریخ تصویب این قانون مقررات راجع به پرداخت سهمیه تریاک به معتادان ملغی و کارتهای سهمیه باطل خواهد بود. وزارت بهداری مکلف است وسائل و امکانات کافی برای ترک اعتیاد و معالجه معتادان مجاز فراهم نماید. ماده ۲۲ - دادگاه می تواند حکم نگاهداری اشخاصی را که به موجب مواد دوم و ششم و هفتم و یازدهم و سیزدهم این قانون به حبسهای جنایی محکوم شده اند (به استثنای اشخاص مندرج در ماده هیجده این قانون) در تبعیدگاه صادر کند. نگاهداری در تبعیدگاه جانشین مجازات حبس خواهد بود. محکومین به تبعید در کارگاههای صنعتی و مزارع کشاورزی و یاردوگاههای کار و غیره اشتغال خواهند داشت. دولت مکلف است ظرف سه سال در نقاط مختلف کشور تبعیدگاه های مذکور را برای مجرمین مواد مخدر و سایر مجرمین بعدادت و خطرناک برای جامعه تأسیس نماید. آیین نامه تبعیدگاههای مذکور به وسیله وزارت دادگستری تهیه و تصویب خواهد شد. تبصره - چون در بسیاری از زندانهای موجود من جمله زندان قزل حصار که اختصاص به محکومین به حبسهای طولانی دارد امکان اشتغال به کار زندانیان در کارگاه های صنعتی و مزارع کشاورزی موجود می باشد لذا دادگاهها ضمن صدور حکم مجازات، اشتغال به کار محکومین به زندان را طبق مقررات بنگاه تعاون زندان تصریح خواهند نمود. ماده ۲۳ - ازدواج، مسافرت به خارج از کشور، استخدام دولتی و غیردولتی، اشتغال کارگران در کارخانجات، اخذ پروانه شغل، کارت بازرگانی، گواهی نامه رانندگی و سائط نقلیه موتوری، منوط به ارائه گواهی عدم اعتیاد به مواد مخدر می باشد. وزارت بهداری مکلف است ظرف شش ماه مراکز برای صدور گواهی مذکور تعیین و اعلام دارد. ماده ۲۴ - رسیدگی به جرایم مندرج در این قانون به عهده مراجع دادگستری و یا مراجع صالح دیگر - طبق قوانین موضوعه - می باشد. ماده ۲۵ - کلیه قوانین و مقررات مربوط به منع کشت خشخاش و استعمال مواد مخدر و مجازات مرتکبین جرایم راجع به مواد مذکور به استثنای تصویب نامه مورخ مرداد ماه ۱۳۳۸ راجع به فهرست مواد مخدر از تاریخ اجرای این قانون ملغی می باشد.

### قانون راجع به استرداد مجرمین مصوب ۱۴/۲/۱۳۳۹

#### فصل اول - شرایط استرداد

ماده ۱ - در مواردی که بین دولت ایران و دول خارجه قرارداد استرداد منعقد شده استرداد طبق شرایط مذکور در قرارداد به عمل خواهد آمد و چنانچه قراردادی منعقد نشده ویا اگر منعقد گردیده حاوی تمام نکات لازم نباشد استرداد طبق مقررات این قانون به شرط معامله متقابل به عمل خواهد آمد. ماده ۲ - استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع خواهد گردید که شخص مورد تقاضا به اتهام یکی از جرایم مذکور در این قانون مورد تعقیب کیفری قرار گرفته یا محکوم شده باشد. ماده ۳ - دولت ایران می تواند بنا بر درخواست دول خارجه افراد غیر ایرانی را که در قلمرو دولت ایران اقامت دارند در صورت وجود شرایط زیر به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید: ۱ - جرم ارتكابی در قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد. ۲ - جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله اتباع آن دولت واقع شده باشد. ۳ - جرم ارتكابی در خارج از قلمرو دولت تقاضاکننده به وسیله شخصی غیر از اتباع آن دولت واقع شده باشد. مشروط بر اینکه جرم ارتكابی مضر به مصالح عمومی کشور تقاضاکننده باشد. ماده

۴- درخواست رد یا قبول استرداد با رعایت مقررات مذکور در مادتين دوم و سوم این قانون فقط در مورد جرایم زیر ممکن است :

۱- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنایی باشد. ۲- در مورد هر عملی که طبق قوانین دولت تقاضاکننده مستلزم مجازات جنحه باشد مشروط بر اینکه حداکثر مجازات مقرر در قانون کمتر از یک سال حبس نباشد. در مورد کسانی که محکومیت یافته اند استرداد در صورتی ممکن است که مدت محکومیت بیشتر از ۲ ماه حبس باشد. در تمام موارد مذکور در این ماده استرداد وقتی مورد قبول دولت ایران واقع می شود که عمل ارتكابی طبق قوانین ایران نیز مستلزم مجازاتهای جنایی و یا جنحه ای باشد. ماده ۵- در مواردی که شخص مورد تقاضا مرتکب چند جرم شده هرگاه حداکثر مجازاتی که طبق قانون دولت تقاضاکننده برای مجموع جرایم ارتكابی پیش بینی شده کمتر از یک سال حبس نباشد استرداد امکان پذیر خواهد بود. ماده ۶- هرگاه شخص مورد تقاضا قبلاً به علت ارتكاب یکی از جرایم عمومی به بیش از ۲ ماه حبس محکوم شده و بعداً مرتکب جنحه یا جنایتی شود استرداد امکان پذیر است هرچند مجازاتی که به موجب قانون برای جرم بعدی مقرر گردیده کمتر از یک سال حبس باشد و یا محکومیتی که به سبب ارتكاب جرم بعدی یافته کمتر از ۲ ماه حبس باشد. ماده ۷- شروع به ارتكاب جرم از لحاظ استرداد، مشمول مقررات مذکور در این قانون خواهد بود. ماده ۸- در موارد زیر استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد: ۱- هرگاه شخص مورد تقاضا ایرانی باشد. ۲- هرگاه جرم ارتكابی از جرایم سیاسی بوده و یا از اوضاع و احوال قضیه معلوم شود که استرداد به منظورهای سیاسی به عمل آمده است. در مورد اختلافات و جنگهای داخلی استرداد مورد قبول واقع نخواهد شد مگر آنکه اعمالی که ارتكاب یافته وحشیانه و یا مخالف مقررات جنگ باشد که در این صورت استرداد پس از خاتمه جنگهای داخلی قابل قبول خواهد بود. سو قصد به حیات افراد در هیچ مورد جرم سیاسی محسوب نخواهد شد. ۳- هرگاه جرم ارتكابی در داخل قلمرو دولت ایران ارتكاب یافته و یا اگر در خارج آن واقع شده مرتکب در ایران مورد تعقیب و یا محکوم گردیده باشد. ۴- هرگاه جرم ارتكابی از جرایم نظامی باشد. ۵- هرگاه طبق قانون دولت ایران یا قانون دولت تقاضاکننده تعقیب یا مجازات مشمول مرور زمان شده و یا به جهتی از جهات قانونی شخص مورد تقاضا طبق قانون دولت تقاضاکننده قابل تعقیب یا مجازات نباشد. ماده ۹- هرگاه چند دولت تقاضای رد مجرمی را به علت ارتكاب عمل واحدی بنمایند شخص مورد تقاضا به دولتی تسلیم می شود که جرم در قلمرو آن دولت یا علیه مصالح عمومی آن کشور ارتكاب یافته است. ماده ۱۰- هرگاه تقاضای رد از طرف چند دولت و به سبب ارتكاب جرایم متعددی شده باشد شخص مورد تقاضا به دولتی که حق تقدم خواهد داشت تسلیم می شود. تبصره - حق تقدم در ماده ۹ و ۱۰ با توجه به اهمیت جرم و محل وقوع آن و تاریخ تقاضای رد و تعهدی که دول تقاضاکننده نسبت به رد مجدد مجرم می نمایند معین خواهد شد. ماده ۱۱- هرگاه شخص مورد تقاضا در ایران مورد تعقیب قرار گرفته و یا محکوم شده باشد استرداد وقتی به عمل می آید که تعقیب کیفری یا اجرا مجازات خاتمه یافته باشد معاهدات دولت ایران می تواند شخص مورد تقاضا را موقتاً به دولت تقاضاکننده تسلیم نماید مشروط بر اینکه دولت تقاضاکننده متعهد شود پس از خاتمه رسیدگی او را به دولت ایران تسلیم نماید. احکام مذکور در این ماده در موردی نیز جاری است که شخص مورد تقاضا به علت امتناع از تادیه دین توقیف شده است .

### فصل دوم - ترتیب استرداد

ماده ۱۲- تقاضای رد باید از طریق سیاسی از دولت ایران به عمل آید. تقاضانامه مزبور باید متضمن حکم محکومیت یا قرار جلب به محاکمه یا توقیف یا دستور جلب یا هرگونه اسناد دیگری که دارای اعتبار مدارک مذکور است باشد و جریان اتهام و تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه در آن قید گردد به علاوه دولت تقاضاکننده باید رونوشت مواد مورد استناد را ضمیمه تقاضانامه استرداد نماید. ماده ۱۳- تقاضانامه استرداد از طریق وزارت امور خارجه به وزارت دادگستری ارسال خواهد شد در صورتی که وزارت دادگستری استرداد را منطبق با مقررات این قانون تشخیص دهد پرونده امر را به دادسرای شهرستان محلی که شخص مورد تقاضا در

آن محل سکونت دارد و یا اگر شخص مورد تقاضا محل سکونت معلومی نداشته باشد به دادسرای شهرستان تهران ارجاع خواهد نمود که در جلب و بازداشت او اقدام نمایند. ماده ۱۴ - دادستان ظرف ۲۴ ساعت از تاریخ بازداشت، تحقیقات لازمه را از شخص مورد تقاضا به عمل آورده، پس از تعیین هویت او و اعلام علت بازداشت، پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنحه ارسال می نماید. ماده ۱۵ - دادگاه در جلسه ای خارج از نوبت موضوع را مورد رسیدگی قرار داده و پس از استماع اظهارات دادستان و مدافعات شخص مورد تقاضا رای خود را مبنی بر قبول و یا عدم قبول استرداد صادر و مراتب را به وزارت دادگستری و دادستان اعلام خواهد نمود. چنانچه رای دادگاه بر رد استرداد باشد شخص بازداشت شده فوراً آزاد خواهد شد. شخص بازداشت شده می تواند در موقع طرح پرونده در دادگاه وکیل یا مترجم برای خودانتخاب کرده و یا از دادگاه بخواهد که برای او وکیل یا مترجمی انتخاب نماید. ماده ۱۶ - رای دادگاه از طرف دادستان و شخص مورد تقاضا ظرف ده روز قابل پژوهش است. ماده ۱۷ - رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان در جلسه اداری و خارج از نوبت به عمل می آید مگر آنکه دادگاه حضور دادستان و یا شخص مورد تقاضا را برای ادا توضیحات لازم بداند. رای دادگاه استان بر تأیید و یا فسخ رای دادگاه جنحه قطعی و غیر قابل فرجام است و پس از صدور به وزارت دادگستری اعلام خواهد شد تا طبق مفاد آن اقدام شود. ماده ۱۸ - چنانچه رای قطعی مبنی بر قبول استرداد صادر شود وزارت دادگستری دستور اجرا آن را به دادستان صادر نموده و مراتب را به اطلاع وزارت امور خارجه خواهد رساند تا به دولت تقاضاکننده اعلام گردد. چنانچه ظرف یک ماه از تاریخ اعلام وزارت امور خارجه از طرف مقامات دولت تقاضاکننده اقدامی در تحویل گرفتن شخص مورد تقاضا به عمل نیاید نامبرده فوراً آزاد شده و دیگر استرداد او به جهاتی که قبلاً تقاضا شده قبول نخواهد شد. ماده ۱۹ - هرگاه شخص مورد تقاضا انصراف خود را از استفاده از مقررات این قانون اعلام نموده و رضایت دهد که به دولت تقاضاکننده تسلیم شود مراتب در پرونده امر قید و وزارت دادگستری نسبت به استرداد اقدام مقتضی به عمل خواهد آورد. ماده ۲۰ - در موارد فوری دادستان شهرستان می تواند بنا بر درخواست مستقیم مراجع قضائی دولت تقاضاکننده، شخص مورد تقاضا را بازداشت نماید مشروط بر اینکه ضمن تقاضای مزبور قید شده باشد که اوراق استرداد طبق ماده ۱۲ این قانون تنظیم و ارسال خواهد گردید. تقاضای استرداد و ارسال اوراق باید از طریق سیاسی و در همان موقعی که درخواست بازداشت می شود به عمل آید. ماده ۲۱ - در مواردی که دادستان طبق مقررات ماده ۲۰ اقدام به بازداشت شخص مورد تقاضا می نماید باید مراتب را فوراً به وزارت دادگستری اطلاع دهد. ماده ۲۲ - چنانچه از تاریخ بازداشت شخص مورد تقاضا ظرف مدتهای مذکور در این ماده اوراق استرداد واصل نشود شخص بازداشت شده طبق دستور دادستان آزاد خواهد شد و چنانچه بعداً اوراق استرداد واصل شود مطابق مقررات این قانون عمل خواهد شد. مدتهای مذکور برای ممالک همجوار ایران یک ماه و برای سایر ممالک دو ماه خواهد بود. ماده ۲۳ - شخصی را که استرداد او مورد قبول واقع شده نمی توان به اتهام جرم دیگری که قبل از تاریخ استرداد مرتکب گردیده مورد تعقیب قرارداد یا مجازات نمود مگر با جلب رضایت دولت مستردکننده. دولت ایران می تواند بنا به درخواست دولت تقاضاکننده رضایت خود را نسبت به تعقیب و یا اجرا مجازات اعلام نماید هرچند جرم ارتكابی از جرایم مذکور در ماده ۴ این قانون نباشد. ماده ۲۴ - در موارد مذکور در ماده قبل درخواست اعلام رضایت باید به ترتیب مذکور در ماده ۱۲ این قانون به عمل آید. رسیدگی به درخواست در دادگاهی که نسبت به استرداد اظهار نظر نموده به عمل خواهد آمد. دادگاه پس از رسیدگی به مدارک رای خود را مبنی بر موافقت یا عدم موافقت با درخواست اعلام می نماید رای دادگاه در این مورد قطعی بوده و به ترتیب مذکور در این قانون به دولت درخواست کننده اعلام خواهد شد. ماده ۲۵ - چنانچه دولتی بخواهد شخصی را که از دولت دیگر استرداد نموده به طور ترانزیت از کشور ایران عبور دهد باید بدواً از طریق سیاسی از دولت ایران تحصیل اجازه نماید. اجازه عبور از طرف وزارت امور خارجه به شرط معامله متقابله داده خواهد شد. ماده ۲۶ - هزینه استرداد و عبور به طور ترانزیت با دولت تقاضاکننده است. ماده ۲۷ - وزارت دادگستری مأمور اجرا این قانون است.

**نحوه تنظیم اوراق لازم برای استرداد متهمین**

بخشنامه شماره ۵۲۹/ح- ۴/۲/۱۳۳۵-۳۲۹۸/ وزیر دادگستری در مواردی که استرداد متهمین ضرورت دارد در نحوه تهیه و تنظیم اوراق و اسناد راجع به استرداد از طرف دادرها نواقصی مشاهده می شود که موجب تاخیر در امر استرداد و باعث آن می گردد که توقیف متهمین بیش از مدت مقرر در قراردادهای استرداد در خارج کشور متعاهد ادامه یابد که در نتیجه منجر به رفع توقیف از آنان می گردد. لزوماً متذکرمی گردد که شعب بازپرسی با دخالت دادستان باید اوراقی که حاوی مشخصات هر متهم (نام و نام خانوادگی نام پدر، سن، مشخصات و علائم از هیکل و چهره لدی الاقتضا، ضمیمه نمودن عکس و اثر انگشت متهم) شغل، اقامتگاه متهم در ایران سکونت فعلی در کشور بیگانه (در حدود امکان مشخصات کامل محل از قبیل شهر و خیابان و غیره)، بیان نوع جرم و تاریخ و محل وقوع آن ذکر ماده قانونی که در کشور ایران جرم منطبق با آن است متن قرار توقیف با ذکر موافقت دادستان که به امضا و مهر بازپرس و دادستان مربوطه رسیده باشد به انضمام رونوشت مصدق هرگونه اسناد و مدارکی که وقوع جرم و یا انتساب آن را به متهم محرز می دارد از قبیل صورت جلسات معاینه اجساد و گزارش ضابطین عدلیه و گواهی گواهان و نحوه آن را هر یک در سه نسخه تهیه نموده و به اداره حقوقی وزارت دادگستری ارسال گردد تا از طریق وزارت امور خارجه اقدام لازم به عمل آید. عدم رعایت مراتب فوق موجب تخلف است.

**نحوه تقاضای استرداد مجرمین**

بخشنامه شماره ۲۶۸۹/۷ - ۱۷/۴/۱۳۴۸ - وزیر دادگستری پیرو بخشنامه شماره ۵۲۹/ح- ۳۲۹۸ مورخه ۴/۲/۱۳۳۵ درباره نحوه تقاضای استرداد مجرمین ملاحظه می شود که بعضی از مراجع قضایی برای استرداد متهمین مستقیماً به پلیس بین المللی مراجعه می نمایند با توجه به قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ مراجعه به پلیس بین المللی جز برای کشف هویت و محل سکونت متهم یا مجرمین در خارج از کشور وجهه قانونی ندارد. تقاضای استرداد با کشورهای که قراردادی منعقد شده در حدود آن قرارداد و الا بر اساس اقدام متقابل به شرح قانون استرداد مجرمین مصوب سال ۱۳۳۹ به عمل خواهد آمد. در صورت اخیر باید طبق ماده ۱۲ قانون مذکور مدارک زیر ماشین شده و در سه نسخه به اداره حقوقی ارسال گردد. ۱- حکم محکومیت (در مود محکومان) یا قرار جلب به محاکمه یا قرار بازداشت متهم که به موافقت دادستان رسیده باشد. ۲- خلاصه جامع و کاملی که از جریان اتهام و دلایل موجود به امضای دادرس مربوط شامل تاریخ وقوع جرم و کیفیات قضیه و نشانی و مشخصات کامل متهم یا محکوم در کشور خارجی و در صورت امکان عکس او. ۳- رونوشت مواد استنادی از روی قانون مجازات عمومی یا قوانین دیگر. مدارک بالا- پس از ترجمه رسمی از طریق وزارت امور خارجه تسلیم کشور محل اقامت متهم یا محکوم خواهد شد.

**قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکوتروپ)**

مصوب ۸/۲/۱۳۵۴ ماده ۱- مواد روان گردان به موادی گفته می شود که در فهرستهای چهارگانه ضمیمه این قانون مندرج است. وزارت بهداشتی در صورت توصیه کمیسیون مواد مخدر سازمان ملل متحد می تواند در فهرستهای چهارگانه مذکور با تصویب هیأت وزیران تجدیدنظر نموده و مراتب را وسیله روزنامه رسمی کشور و جراید کثیرالانتشار اعلام نماید این تغییرات پس از انقضای پانزده روز از تاریخ انتشار لازم الرعایه خواهد بود. ماده ۲- وزارت بهداشتی مجاز است مواد مندرج در فهرست شماره یک ضمیمه این قانون را منحصرراً برای تحقیقات علمی و یا مصارف پزشکی تهیه و یا وارد نموده و طبق آیین نامه ای که به تصویب کمیسیونهای بهداشتی مجلسین خواهد رسید به مقادیر محدود فقط در اختیار سازمان های تحقیقی و پزشکی دولتی و یا وابسته به

دولت و یا سازمانهای تحقیقی و پزشکی دیگری که صلاحیت آنها از طرف دولت تایید شده باشد قرار دهد. ماده ۳- هرکس مواد مندرج در فهرست شماره یک را بسازد یا بفروشد یا برای فروش عرضه کند و یا بدون اجازه وزارت بهداشتی عالما وارد یا نگاهداری یا حمل نماید حسب مورد به مجازاتهای زیر محکوم خواهد شد: الف- برای ساختن ، حبس دائم . ب- برای فروختن یا به معرض فروش گذاردن ، حبس جنائی درجه یک از سه تا پانزده سال . ج- برای وارد کردن بیش از ده (۱۰) گرم ، حبس دائم و برای ده (۱۰) گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال . د- برای نگاهداری و یا حمل غیرمجاز بیش از مقدار ده (۱۰) گرم حبس جنایی درجه یک از سه تا پانزده سال و برای ده (۱۰) گرم یا کمتر حبس جنایی درجه دو از دو تا ده سال . تبصره - مواد مذکور ولو این که با مواد دیگری مخلوط یا محلول باشد از نظر مجازات خالص محسوب می شود مشروط به این که به همان صورت قابل مصرف باشد. ماده ۴- هرکس مواد مندرج در فهرست های شماره ۲ و ۳ و ۴ ضمیمه این قانون را بدون اجازه وزارت بهداشتی بسازد یا وارد یا صادر نماید علاوه بر ضبط مواد مزبور به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۵- سازنده یا واردکننده مجاز مواد مذکور در ماده ۴ این قانون مکلف است قبل از فروش برچسبی روی بسته بندی هایی که به دست مصرف کننده می رسد (شیشه ، لوله ، جعبه و نظایر آن) الصاق نماید که به فارسی نوشته شده باشد (فروش بدون نسخه پزشک ممنوع است). عمده فروشان دارو و داروخانه ها مجاز به عرضه بسته بندیهای مذکور بدون داشتن برچسب نمی باشند و در صورتی که بسته بندیهای فوق بدون برچسب مذکور خارج از محوطه انبار دیده شود وسیله وزارت بهداشتی ضبط خواهد شد. ماده ۶- فروش مواد مذکور در ماده ۴ این قانون جز به موسسات درمانی و عمده فروشی دارو و داروخانه و لابراتوار یا موسسه داروسازی ممنوع است در صورت تخلف علاوه بر ضبط مواد مزبور مرتکب به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۷- فروش مواد مذکور در ماده ۴ این قانون به مصرف کننده فقط باید از طریق داروخانه انجام گیرد و داروخانه منحصر در مقابل نسخه پزشک می تواند مواد مزبور را به مصرف کننده بفروشد متخلف به حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۸- نگاهداری مواد مذکور در ماده ۴ این قانون وسیله افراد غیرمجاز ممنوع است و در صورت تخلف علاوه بر ضبط مواد مذکور مرتکب به حبس جنحه ای تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۹- فرآورده های دارویی که ماده اصلی آنها محتوی یک یا چند ماده مندرج در فهرست های شماره ۲ و ۳ و ۴ ضمیمه این قانون باشند مشمول کلیه مقررات ناظر بر ماده مزبور خواهد بود. تبصره - وارد یا خارج کردن از کشور یا نگاهداری یا حمل مواد مذکور در ماده ۴ این قانون در صورتی که به مقادیر متناسب یا مصارف درمانی شخصی باشد از شمول کلیه مقررات این قانون معاف خواهد بود. ماده ۱۰- انتشار آگهی تبلیغاتی در مورد مواد روان گردان جز در نشریات پزشکی و دارویی بدون اجازه وزارت بهداشتی ممنوع است مرتکب به جزای نقدی از پنج هزار و یک ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۱- موادی که به موجب این قانون ضبط می شود در اختیار وزارت بهداشتی قرارخواهد گرفت تا در صورت قابل مصرف بودن به مصرف رایگان بیماران برسانند و در غیراین صورت معدوم نماید. ماده ۱۲- آیین نامه اجرایی این قانون وسیله وزارت بهداشتی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. فهرست شماره ۱ دی . آی . تی .

۳- (dimethyl-۱,۲,heptyl)-۱, N, N-diethyltryptamine Hydroxy-I D.E.T. N, دی . ام . اچ . پی . D.M.H.P.

۶H-dibenzo (b,d) pyranne tetrahydro ۷,۸,۹,۱۰ trimethyl-۶,۶,۹ دی . ام . تی . - D.M.T. N, N, dimethyltryptamine. (+)-N, N-diethyllysergamide -LYSERGIDE LSD, (diethyl-amide de l'

۲۵ . Trimethoxy-۳,۴,۵, phenethyl-amine دی . اس . دی . وال . اس . دی . اس . LSD-۲۵ dextro-lysergique.

مسکالین ۶H-dibenzo (b,d) pyranne ۷,۸,۹,۱۰ trimethyl-۶,۶,۹ tetrahydro-۳-hexyl-In-hydroxy Mescaline Hydroxy-In-hexyl-۳-۷,۸,۹,۱۰ trimethyl-۶,۶,۹ Parahexyl

۶H-dibenzo (b,d) pyranne . پسیلوسین . پسیلوتسین (۴-indol-۳-hydroxyl-۲-ethyl-dimethylamino-۲)

۲- Psilocybine dihydrogenophosphate Psilocine, Psilocin (dimethyl-amino-۲)





شخص معتاد باشد که در این صورت مواد مکشوفه ضبط و متهم در اجرای ماده ۱۵ به مراکز ترک اعتیاد اعزام می شود. لکن اگر ثابت شود که حمل و نگهداری به منظور مصرف شخص نیست به مجازاتهای مقرر در موارد ۸- ۹ محکوم خواهد شد. ماده ۹- در اجرای ذیل ماده ۱۳ و تبصره ماده ۱۴ طبق تبصره ۳۵ قانون بودجه سال ۱۳۶۷ عمل شود دادسراها یک نسخه از تصویر حکم دادگاه را جهت اطلاع و انجام اقدامات لازم به ستاد ارسال خواهند نمود. ماده ۱۰- چون کشت شاهدانه به طور کلی ممنوع نیست مأمورین در صورتی مجاز به امحا آن می باشند که قصد از آن تولید مواد مخدر باشد و این قصد به دلایل و شواهد و یا اظهارات متهم احراز شود. ماده ۱۱- کلیه اموال مجرمینی که باید به نفع دولت ضبط شود و نیز مستثنیات آنها برای تامین زندگی متعارف و لوازم و وسایل زندگی خانواده آنان که با نظر کارشناس یا خبره محلی تعیین می شود باید با ذکر مشخصات در کیفرخواست و حکم دادگاه قید شود و یک نسخه از حکم نیز برای ستاد جهت اطلاع و اقدام لازم ارسال گردد. ماده ۱۲- در خصوص کلیه وجوه ریالی - ارزی همچنین مسکوکات شمش طلا- وجواهرات وجوه حاصله از جرایم و دیگر اجناس و اموالی که در اجرای این قانون توقیف یا ضبط می گردد دادسرا موظف است در اجرای ماده ۲۹ قانون و با رعایت تبصره ۳۵ بودجه سال ۱۳۶۷ کشور، اقداماتی را معمول دارند تا جریمه ها و دیگر وجوه حاصله به حساب متمرکزی که در وزارت امور اقتصادی و دارایی و به نام ستاد مبارزه با مواد مخدر افتتاح می شود واریز نمایند. ماده ۱۳- در کلیه مواردی که آرا صادره منجر به ضبط یا مصادره اموال می گردد چنانچه پس از صدور حکم قطعی نیز، اموالی از محکوم علیه شناسایی شود مجدداً از طریق دادسرا به موضوع رسیدگی و مراتب جهت صدور رای تکمیلی به دادگاه ارجاع خواهد شد. ماده ۱۴- کلیه پرونده هایی که به صدور حکم اعدام منتهی می گردد. پس از یک برگ شماری و لاک و مهر به قید فوریت به دستور دادستان یا جانشین وی به انضمام فرم تکمیل مشخصات محکوم جهت اجرای صدر ماده ۳۲ قانون به دفتر دادستان کل کشور ارسال می شود. ماده ۱۵- چنانچه حکم اعدام صادره، مورد تأیید ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قرار گیرد پرونده جهت اجرا به دادسرا اعاده خواهد شد. ماده ۱۶- در صورت عدم تأیید حکم اعدام، رای صادره نقض و پرونده جهت رسیدگی مجدد نزد دادگاه صادر کننده حکم اعاده می شود. دادگاه مجدداً به پرونده رسیدگی و حکم مقتضی به جز اعدام صادر می نماید. ماده ۱۷- چنانچه دادگاه صادر کننده حکم به رای قبلی خود باقی باشد پرونده را با ذکر مستندات نظریه خود به شعبه دیگری ارجاع می نماید و اگر شعبه دیگری در آن شهرستان دائر نباشد پرونده را به نزدیکترین دادگاه انقلاب اسلامی ارسال می نماید. دادگاه اخیرالذکر می تواند حکم مقتضی به جز اعدام صادر نماید و چنانچه نظر وی بر اعدام باشد پرونده را با ذکر دلیل و بدون انشا رای به دادستانی کل می فرستد. تبصره - هرگاه در حوزه قضایی مربوطه چند شعبه دادگاه انقلاب دائر باشد پرونده توسط ریاست شعبه اول دادگاهها به یکی از شعب ارجاع خواهد شد. ماده ۱۸- چنانچه دادستان یا جانشین وی به رای صادره معترض باشند و یا اعتراض محکوم علیه را موجه تشخیص دهند مستندا و مستدلاً موارد ایراد را به قاضی صادر کننده رای تذکر می دهند در صورت قبول اشتباه و نیز مواردی که قاضی رأساً به اشتباه قانونی یا شرعی خود واقف شود ضمن صدور دستور توقف اجرای حکم پرونده به انضمام نظریه مزبور جهت اقدام مقتضی به دفتر دادستان کل کشور ارسال می شود. چنانچه ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور ایرادات وارده را تأیید و تجدیدنظر در حکم صادره را تجویز نمایند پرونده مربوطه به دادگاه صادر کننده اعاده تا اقدامات لازم به عمل آورند. تبصره - در صورتی که قاضی صادر کننده رای ایرادات را وارد ندانسته و همچنان حکم صادره را تأیید و بر آن باقی باشد دادسرا جهت اجرا ذیل ماده ۳۲ موظف به اجرای حکم صادره بوده و پرونده را جهت ملاحظه و اقدام لازم به دفتر دادستان کل کشور ارسال خواهد نمود. ماده ۱۹- در صورتی که احکام صادره به جز اعدام توسط ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور بنا به دلایل مندرج در ماده ۳۲ قانون نقض شود پرونده جهت اقدام لازم به دادسرای محل اعاده خواهد شد و دادسرا ضمن توقف اجرا حکم پرونده را در اسرع وقت به دادگاه صادر کننده رای ارجاع خواهد نمود تا به ترتیب مقرر در مواد ۱۶ و ۱۷ این آیین نامه عمل نمایند. ماده ۲۰- با توجه به نظر حضرت امام مدظله العالی

در پاسخ به مجمع تشخیص مصلحت نظام و شورای نگهبان که قوانین مصوبه مجمع مادام المصلحه به قوت خود باقی است ، مصوبات مجمع حاکم بر قوانین مغایر است ، علیهذا قانون تعیین موارد تجدیدنظر احکام دادگاهها... مصوب مجلس شورای اسلامی ناظر بر احکام دادگاههای انقلاب اسلامی در رابطه با مواد مخدر نخواهد بود. ماده ۲۱ - رسیدگی به جرایم ارتكابی مندرج در این قانون از سوی نیروهای نظامی و انتظامی برعهده دادرها و دادگاههای انقلاب اسلامی است و در سایر مراجع قابل رسیدگی نیست .

### آیین نامه اجرایی قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن

مصوب ۲۲/۱۰/۱۳۷۷ ستاد مبارزه با مواد مخدر این آیین نامه در اجرای ماده ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷/۸/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام تهیه و ابلاغ می گردد: ماده ۱ - تعاریف و اصطلاحات : الف - قانون : منظور از کلمه (قانون) در این آیین نامه قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۷/۸/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام می باشد. ب - ستاد مبارزه با مواد مخدر که از این پس ستاد نامیده می شود: منظور (ستاد مبارزه با مواد مخدر) است که در اجرای ماده ۳۳ قانون فوق الذکر کلیه عملیات اجرایی و قضایی و برنامه های پیشگیری و آموزش عمومی و تبلیغ علیه مواد مخدر در آن متمرکز گردیده است . ج - شورای هماهنگی مبارزه با مواد مخدر که از این پس شورای هماهنگی نامیده می شود: شوراهای استانی موضوع ماده هشت تشکیلات و شرح وظایف ستاد که به موجب مصوبه یازدهمین جلسه ستاد مورخ ۹/۱۲/۶۷ که مستقیماً زیر نظر مرکز فعالیت می کنند تاسیس شده است . د - سازمان کاشف : سازمانی است که مأمورین آن مستقیماً در اولین عملیات کشف جرم و توقیف متهمین شرکت داشته و در صورت جلسه بدوی نام آنها ذکر شده باشد. ه - کمیسیون فروش : منظور کمیسیونهای موضوع ماده (۱) کلیات آیین نامه اجرایی فروش اموال منقول و غیر منقول موضوع قانون مبارزه با مواد مخدر مصوب سی امین جلسه ستاد مورخ ۲۳/۹/۶۸ می باشد. و - کمیته شناسایی اموال : کمیته ای است که به موجب مصوبه پنجاه و دومین جلسه ستاد مورخ ۴/۴/۷۵ متشکل از نمایندگان دادگاه انقلاب اسلامی ، نیروی انتظامی و وزارت اطلاعات به منظور شناسایی اموال منقول و غیر منقول قاچاقچیان مواد مخدر تاسیس و زیر نظر شورای هماهنگی فعالیت می نماید. ز - مأمورین تعقیب : کلیه ضابطین قانونی که به موجب مقررات در کشف جرایم مواد مخدر و شناسایی و دستگیری متهمین اقدام می نمایند. ماده ۲ - مرتکبین جرایم مواد مخدر که قبل از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون (۳۱/۶/۷۷) مرتکب جرم شده اند با لحاظ ماده ۱۱ قانون مجازات اسلامی ، در صورتی به استناد این قانون محکوم می شوند که مجازات پیش بینی شده در این قانون ، اخف از مجازات سابق باشد. در غیر این صورت ، به مجازات مقرر در قانون سابق محکوم خواهند شد. ماده ۳ - در مواد ۶ و ۹ قانون ، که تکرار جرم مبنای تشدید مجازات قرار می گیرد، رعایت تناسب و توجه به مقدار مواد مخدر الزامی است . ماده ۴ - در اجرای ماده ۱۵ قانون : الف : زمانی قرار موقوفی تعقیب صادر می شود، که متهم قبلاً خود را به مراکز درمانی مقرر در این قانون معرفی کرده باشد. ب : کلیه مراکز درمانی ، پزشکان و کلینیکهای خصوصی که دارای اجازه ترک اعتیاد معتادین از سوی وزارت بهداشت و درمان می باشند می توانند نسبت به درمان معتادین اقدام نمایند. ج : دستورالعمل اجرایی این ماده ، ظرف یک ماه توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تهیه و پس از تصویب ستاد جهت اجرا ابلاغ می گردد. ماده ۵ - در مورد معتادان مشمول ماده ۱۶ قانون ، چنانچه اجرای مجازات منجر به بازداشت نگردد، دادگاه می تواند برای جلوگیری از تکرار جرم ، مفاد ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی و قانون اقدامات تامینی را اعمال نماید. ماده ۶ - اقربای درجه یک متهم ، مذکور در تبصره ۱ ماده ۲۱ قانون ، همان است که در مواد ۱۰۳۱ تا ۱۰۳۳ قانون مدنی آمده و شامل اقربای درجه یک سببی و نسبی خواهد بود. ماده ۷ - در اجرای ماده ۲۴ قانون ، با توجه به مفاد ماده ۲ این قانون ، احراز قصد تولید مواد مخدر برای امحای کشت شاهدانه ضروری است . ماده ۸ - دادگاه در

صورت لزوم قبل از صدور حکم ، نظر آزمایشگاه را در خصوص نوع موادمخدر اخذ می نماید. تبصره - مجازات مقرر در حکم ، برمبنای میزان دقیق موادمخدر مکشوفه (بدون لفاف و پوشش ) تعیین خواهد شد. ماده ۹ - در مواردی که مجازات جرم انتسابی مصادره اموال است دادگاه می تواند با عنایت به ماده ۲۷ آیین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب ضمن صدور قرار توقیف اموال ، در اسرع وقت از طریق مامورین تعقیب «کاشف» ، کمیته های شناسایی اموال یا به هر نحو مقتضی ، نسبت به شناسایی و توقیف کلیه اموال غیر منقول ، منقول (وجوه ریالی و ارز، حسابهای بانکی داخلی و خارجی ، اشیای قیمتی ، طلاجات و جواهرات ، سهام و اسناد اعتباری ، چکها و غیره ) با اعلام ممنوعیت معامله به اداره ثبت و انسداد حسابهای بانکی به اداره نظارت بر امور بانکها اقدام و ضمن دستور به تهیه لیست دقیق آنها و بررسی اسناد، ترتیب سپردن به امین یا توقیف یا لاک و مهر آنها را حسب مورد فراهم نماید. مفاد این ماده شامل متهمین متواری نیز خواهد بود. تبصره ۱ - در مورد جرایم سنگین ، دادگاه معادل جریمه را پس از شناسایی اموال توقیف می نماید. تبصره ۲ - دادگاه ظرف مدت حداکثر یک هفته لیست اموال توقیف شده را در اختیار شورای هماهنگی قرار خواهد داد. ماده ۱۰ - در مورد متهمین دستگیر شده یا متهمین متواری در صورتی که دادگاه احراز نماید متهم به منظور فرار از اجرای قانون و پرداخت جرایم متعلقه ، اموال منقول و غیر منقول خود را به هر نحوی به دیگران من جمله همسر و فرزندان خود منتقل نموده است در اجرای ماده ۲۸ آیین نامه دادگاهها و دادرهای انقلاب ، دستور توقیف اموال مذکور را صادر و عندالاقضا براساس ماده ۴ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی ، حکم به ابطال نقل و انتقالات صوری صادر خواهد نمود. ماده ۱۱ - در صورت امتناع محکوم علیه از تادیه جزای نقدی ، در حالی که به تشخیص دادگاه صادر کننده حکم قادر به پرداخت آن باشد دادگاه مزبور حکم به فروش اموال مازاد بر مستثنیات و وصول عایدات دولت به میزان جزای نقدی مقرر صادر خواهد نمود. ماده ۱۲ - دادگاه موظف است قبل از اتخاذ تصمیم و صدور حکم به ضبط و مصادره اموال ، اسناد و مدارک مربوط به مالکیت اموال مزبور اعم از عادی یا رسمی ، همچنین ادعای مالکیت شخص ثالث را نسبت به اموال فوق الاشعار، مورد بررسی قرار داده و آنگاه اتخاذ تصمیم نماید. اعتراض اشخاص ثالث نسبت به ضبط و مصادره ، با رعایت مفاد قانون آیین دادرسی مدنی با تقدیم دادخواست ، در دادگاه صادر کننده حکم قابل پذیرش است . در خصوص وسائط نقلیه که مالکیت غیر نسبت به آن ثابت شده صرفا در صورت علم و اطلاع مالک از حمل موادمخدر با وسیله مزبور قابل ضبط است . تبصره ۱ - دیون و تعهدات مالی محکوم علیه که صحت آن به تایید دادگاه برسد از شمول حکم مصادره خارج بوده و پس از کسر دیون ، حکم به مرحله اجرا در می آید. تبصره ۲ - اجرای مفاد ماده فوق ، مانع وصول جزای نقدی از محل وجوه نقدی موجود نخواهد بود. ماده ۱۳ - تعیین مستثنیات اموال مصادره شده به منظور تامین هزینه متعارف زندگی برای خانواده محکوم علیه ، عرفا باید به گونه ای باشد که خانواده محکوم علیه در عسر و حرج قرار نگیرد و مشتمل بر توجه لازم به مسکن و امرار معاش ، تعداد فرزندان ، هزینه های زندگی ، درمانی و تحصیلی آنها باشد. ماده ۱۴ - در کلیه مواردی که آرای صادره منجر به ضبط یا مصادره اموال می گردد، چنانچه پس از صدور حکم قطعی نیز اموالی از محکوم علیه شناسایی شود که منشأ مالکیت آن قبل از محکومیت باشد، دادگاه صادر کننده رای بدوی مجدداً به موضوع رسیدگی و رای اصلاحی صادر خواهد نمود. ماده ۱۵ - هرگونه بهره برداری و استفاده از اموال منقول و غیر منقول به ویژه خودروهایی توقیفی ، اعم از حامل مواد یا غیر آن ، برای کلیه اشخاص حقیقی یا حقوقی تا قبل از صدور حکم قطعی ممنوع است . مرتکب حسب مورد طبق موازین قانونی تحت تعقیب قرار خواهد گرفت . ستاد یا شورای هماهنگی یا ذینفع وظیفه تعقیب را برمبنای حقوق خود به عهده دارند. تبصره ۱ - اموال توقیف شده تحت نظارت دادگاه مربوطه جهت حفظ و نگهداری در اختیار ستاد یا شورای هماهنگی قرار خواهد گرفت . دبیرخانه ستاد مکلف است ، ظرف مدت یک ماه دستورالعمل نگهداری و سرپرستی اموال را تدوین و پس از تصویب ستاد، امکانات لازم را برای نگهداری اموال مزبور فراهم نماید. تبصره ۲ - چنانچه حکم مصادره اموال غیر منقول ، مبتنی بر تخلیه ملک به غیر از مستثنیات و حقوق افراد ثالث باشد، اجرای احکام دادگاه ملزم به تخلیه آن می باشد. تبصره ۳ - پس از تعیین

تکلیف قطعی اموال ، ستاد موظف است حداکثر ظرف مدت ده روز نسبت به تصرف اموال اقدام نماید. ماده ۱۶ - فروش اموال قبل از صدور حکم قطعی یا تنفیذ احکام مشمول صدر ماده ۳۲ ( اعدام و مصادره اموال ) ممنوع است . مگر آن که اموال یاد شده مشمول تبصره ۲ ماده ۱۰ قانون مجازات اسلامی باشد. در این صورت اموال توسط کمیسیون فروش اموال پس از هماهنگی با دادگاه صادرکننده حکم از طریق مزایده عمومی به فروش رسیده و وجه حاصل از فروش تا تعیین تکلیف قطعی و صدور حکم توسط دادگاه به حساب امانی دادگاه انقلاب اسلامی واریز می گردد. ماده ۱۷ - وسایل نقلیه ای که در اجرای ماده ۳۰ قانون به نفع دولت (ستاد) ضبط و باتصویب ستاد در اختیار سازمان کاشف قرار داده می شود، بایستی براساس شرایطی که ستاد تعیین نموده مورد استفاده قرار گیرد. تبصره ۱ - در صورتی که بنابه تشخیص بالاترین مسوول سازمان کاشف استان و موافقت دبیرخانه ستاد خودرو مزبور واجد کارایی لازم در امر مبارزه نباشد، از طریق کمیسیون فروش با حضور نماینده سازمان کاشف و با رعایت مقررات مربوطه ، از طریق مزایده به فروش رسیده و وجوه حاصله صرفاً جهت تجهیز و تقویت دوایر و واحدهای سازمان کاشف و حمایت از خانواده معزز شهدا و جانبازان امر مبارزه در آن استان هزینه خواهد شد. تبصره ۲ - دستورالعمل نحوه فروش خودروهای موضوع ماده ۳۰ قانون و چگونگی هزینه کردن وجوه حاصله ، با رعایت قوانین و مقررات مربوطه ظرف مدت یک ماه توسط دبیرخانه ستاد و با همکاری سازمانهای کاشف تنظیم و به تصویب ستاد خواهد رسید. ماده ۱۸ - در صورت براءت متهم یا نقض حکم مصادره یا ضبط ، عین مال و در صورت موجود نبودن ، قیمت کارشناسی رسمی زمان اجرای حکم ( یوم الادا ) از محل اعتبارات ستاد تادیبه می گردد. تبصره - در موارد فوق چنانچه مورد مصادره ، وسیله نقلیه موضوع ماده ۳۰ بوده و به فروش رسیده باشد. قیمت کارشناسی روز توسط ستاد از محل بیست درصد حق السهم سازمان کاشف محل پرداخت می گردد. ماده ۱۹ - به منظور تسهیل و تسریع در پرداخت حق الکشف مامورین کاشف و حق السهم قوه قضاییه ، دادگاه مکلف است لیست وصول فیشهای جرایم دریافتی از محکومین را به ضمیمه رونوشت آنها، در پایان هر ماه به دبیرخانه ستاد و سازمان کاشف ارسال نماید. دبیرخانه ستاد نیز مکلف است ، گزارش سه ماهه مالی مربوط به پرداخت حق الکشف را در اسرع وقت به سازمان ذیربط ارسال دارد. ماده ۲۰ - در اجرای آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی مصوب ۱۹/۹/۱۳۷۳ برای محکومین مواد مخدر، اخذ نظریه دبیر ستاد یا نماینده تام الاختیار وی ضروری است . دبیرستاد مکلف است در هر شهرستان نماینده تام الاختیار خود را به دادگاه انقلاب اسلامی مربوطه معرفی نماید. ماده ۲۱ - در اجرای تبصره ۱ ماده ۳۱ قانون و به منظور حصول اطمینان از پرداخت به موقع اقساط جریمه ، اجرای احکام ملزم است با اخذ وثیقه معادل مبلغ جریمه با تضمین شخص معتبر که ملاتت وی محرز گردیده ، نسبت به ترخیص زندانی اقدام کند. مفاد وثیقه نامه یا قراردادهای تنظیمی ، باید به نحوی باشد که در صورت تخلف ، ضبط مورد وثیقه یا اخذ وجه الضمان و اعتبارنامه بانکی توسط اجرای احکام سریعاً انجام و وجه حاصله به حساب ستاد واریز و اموال ضبط شده به کمیسیون فروش اموال تحویل گردد. تبصره - عدم پرداخت سه قسط متوالی یا غیرمتوالی ، کلیه اقساط باقیمانده را تبدیل به حال کرده و از موارد رجوع به وثیقه گذار یا تضمین کنندگان فوق است . مفاد این تبصره در قرارداد مربوط به اخذ وثیقه درج می گردد. ماده ۲۲ - در اجرای اصل ۳۵ قانون اساسی ، و رای وحدت رویه شماره ۱۵ - ۲۸/۶/۶۳ هیات عمومی دیوان عالی کشور و نیز ماده واحده مصوب ۱۱/۷/۱۳۷۰ مجمع تشخیص مصلحت نظام ، دادگاه مکلف است ، در کلیه جرایم مقیده در قانون که مجازات آنها حبس ابد یا اعدام است : الف ( بدواً به متهم ابلاغ تا نسبت به تعیین وکیل برای دفاع از خود اقدام نماید. ب ) در صورت عجز متهم از تعیین وکیل نسبت به تعیین وکیل تسخیری اقدام گردد. تبصره ۱ - حضور وکلای تعیینی یا تسخیری ، حداقل در یک جلسه دادرسی الزامی است . بعلاوه باید قبل از محاکمه ، فرصت لازم جهت مطالعه پرونده و تهیه لایحه دفاعیه در اختیار وکیل مدافع قرار گیرد. تبصره ۲ - در سایر موارد، در صورت درخواست متهم ، دادگاه مکلف به تعیین وکیل تسخیری است . تبصره ۳ - تعیین یک وکیل تسخیری ، برای دو یا چند متهم در یک پرونده ، به لحاظ تعارض دفاع از موکلین ممنوع است . تبصره ۴ - به منظور حفظ امنیت منابع و مخبرین ، هویت آنان

صرفاً در اختیار قاضی رسیدگی کننده به پرونده قرار خواهد گرفت. تبصره ۵- متخلف از موارد فوق، تحت تعقیب انتظامی قرار می گیرد. ماده ۲۳- کلیه پرونده هایی که منتهی به صدور حکم اعدام می گردد، پس از تکمیل فرمهای رایانه ای، برگ شماری و لاک و مهر شده، توسط دادگاه صادر کننده رای در اجرای ماده ۳۲ قانون به دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال می شود. ماده ۲۴- هرگاه حکم اعدام، مورد تایید ریاست دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور قرار گیرد، پرونده جهت اجرا، به دادگاه صادر کننده رای اعاده می گردد. تبصره- اجرای احکام دادگاه، مکلف است، پس از اجرای حکم اعدام، بلافاصله مراتب را به انضمام فرم تکمیل شده مشخصات محکوم علیه به دادستانی کل کشور و ستاد ارسال و اعلام نماید. ماده ۲۵- در فرض عدم تایید حکم اعدام و نقض رای صادره، پرونده به دادگاه صادر کننده حکم اعاده تا در صورت تبعیت از رای مرجع عالی، با تجدید دادرسی و رسیدگی مجدد، حکم مقتضی به جز اعدام صادر نماید. تبصره ۱- چنانچه دادگاه صادر کننده حکم، به عقیده خود باقی باشد پرونده را با نظر مستدل جهت ارجاع به شعبه دیگر، نزد ریاست شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی ارسال می نماید (در صورت عدم استقرار شعبه هم عرض در حوزه قضایی، پرونده به نزدیکترین دادگاه محل ارجاع می شود) دادگاه مرجوع الیه می تواند حکم مقتضی غیر اعدام صادر نماید و چنانچه به رای منقوض اصرار ورزد و عقیده بر اعدام داشته باشد، پرونده را بدون انشای رای مستدلاً به دادستانی کل کشور عودت می دهد. هر یک از دو مقام مندرج در ماده ۳۲ قانون در صورت قبول استدلال دادگاه ثانوی، ضمن تایید نظر، پرونده را جهت انشای رای به دادگاه عودت می دهند. در غیر این صورت رأساً نسبت به انشای حکم اقدام یا به شعبه خاص جهت رسیدگی و صدور حکم ارسال می نمایند. تبصره ۲- نسبت به احکام غیر اعدام نیز به ترتیب تبصره یک عمل می شود. تبصره ۳- در صورتی که هر یک از دو مقام مذکور در ماده ۳۲ قانون، عقیده به رفع نقص از پرونده داشته باشند، موارد نقص را صریحاً اعلام و دادگاه مکلف است در وقت فوق العاده نسبت به رفع نقص اقدام و پرونده را عودت دهد. ماده ۲۶- قاضی اجرای احکام دادگاه در صورتی که حکم صادره را خلاف موازین شرعی یا قانونی یا فاقد دلایل کافی تشخیص دهد، یا اعتراض محکوم علیه یا وکیل مدافع وی، همچنین اعتراض شخص ثالث نسبت به مصادره یا ضبط مال را وارد بدانند، موظف است در هر مورد، اعتراض خود را مستنداً و مستدلاً به قاضی صادر کننده رای اعلام و متذکر گردد. در این صورت، چنانچه پاسخ دادگاه قانع کننده باشد، حکم به مرحله اجرا در خواهد آمد. در غیر این صورت یا در مواردی که دادگاه شخصاً پی به اشتباه خود ببرد، پرونده را در اجرای قسمت اخیر ماده ۳۲ قانون به دبیرخانه دادستانی کل کشور ارسال می دارد. تبصره ۱- اقدامات قاضی اجرای احکام، نافی اختیارات رییس دادگستری یا رییس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی نخواهد بود. تبصره ۲- در چنین مواردی که پرونده به دادستانی کل کشور ارسال می شود، اجرای حکم شلاق تا تعیین تکلیف نهایی متوقف خواهد شد. ماده ۲۷- چنانچه بر اثر سهو قلم از قبیل ذکر مشخصات دقیق محکوم علیه، دادگاه مرتکب اشتباهی گردد که به اساس حکم خللی وارد نسازد می تواند مبادرت به تصحیح حکم نماید. حکم تصحیح شده در دادنامه اصلاحی به محکوم علیه ابلاغ خواهد شد. ماده ۲۸- چنانچه فعل ارتكابی از ناحیه محکوم علیه بر فرض ثبوت، جرم نباشد و یا مشمول عفو عمومی شده باشد یا به جهتی دیگر از جهات قانونی، قابل تعقیب نبوده و یا فاقد دلیل باشد، رای صادره، توسط مرجع عالی، نقض بلا ارجاع می گردد. در این صورت، به طرق مقتضی، مراتب فوراً به دادگاه اعلام، تا نسبت به آزادی بلا قید محکوم اقدام نماید. ماده ۲۹- در اجرای ماده ۳۳ قانون، کمیته های تخصصی تحت عناوین آموزش عمومی، پیشگیری و درمان و بازپروری، تبلیغات و مقابله با عرضه و ... توسط دبیرخانه ستاد ایجاد خواهد گردید. ترکیب اعضا و شرح وظایف کمیته ها، با توجه به اختیارات قانونی آن، توسط دبیر ستاد مشخص و به تصویب ستاد می رسد. ماده ۳۰- با توجه به مفاد ماده ۳۷ قانون، اگر مجازات جرمی متضمن حبس یا اعدام باشد با رعایت مواد ۱۳۰ و ۱۳۰ مکرر قانون آیین دادرسی کیفری قرار بازداشت موقت صادر می گردد. ماده ۳۱- در اجرای قسمت ذیل ماده ۳۸ قانون، چنانچه رییس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، شخصاً یا بر حسب تقاضای محکمه، محکوم علیه را مستحق عفو تشخیص دهند، اجرای حکم تا

اظهار نظر کمیسیون عفو قوه قضاییه و قبول یا رد پیشنهاد عفو از طرف مقام معظم رهبری ، متوقف خواهد شد. در این موارد، دادگاه پرونده را از طریق هیات عفو سریعاً به کمیسیون عفو قوه قضاییه ارسال می نماید. تبصره - نحوه اجرای تبصره ماده ۳۸ قانون ، نسبت به محکومین اعدام و حبس ابد همان است که در صدر ماده فوق آمده است . ماده ۳۲ - نظر به ذکر اسامی تعداد ۲۲ قلم مواد صنعتی و شیمیایی ، در جداول شماره ۱ و ۲ ماده ۱۲ کنوانسیون ۱۹۸۸، در ماده ۴۰ قانون ، اسامی دقیق این مواد به ترتیب عبارتند از: ۱ - انیدریداستیک ، ۲ - استون ، ۳ - اسیدان ، ۴ - استیل انتراتیلیک ، ۵ - اتیل اتو ، ۶ - هیدروکلریک اسید ، ۷ - ایزوسافرول ، ۸ - اسید لیسرژیک ، ۹ - متیل دی اکی - فنیل ۳ و ۴ پروپال ۲ ، ۱۰ - متیل اتیل کتون ، ۱۱ - اسید فنیل استیک ، ۱۲ - (۱ فنیل ۲ پروپان ) ، ۱۳ - پیرونیال ، ۱۴ - پرمنگنات پتاسیم ، ۱۵ - سافرول ، ۱۶ - اسید سولفوریک ، ۱۷ - تولوئن ، ۱۸ - افدرین ، ۱۹ - ارگومترین ، ۲۰ - ارگوتامین ، ۲۱ - پپیریدین ، ۲۲ - سوداندرین . تبصره ۱ - چون تعدادی از مواد مذکور، به جهات مصارف خاص ، در دسترس عموم است ، در کلیه موارد کشف مواد مذکور، سونیت مرتکب با توجه به میزان مواد و سایر عوامل ملاک احراز جرم توسط دادگاه است . تبصره ۲ - ذکر داروهای روان گردان در ماده ۴۰ قانون متاثر از عنوان کنوانسیون ۱۹۸۸ بوده و منصرف از قانون مربوط به مواد روان گردان (پسیکو تروپ) مصوب ۱۳۵۴ می باشد که در کنوانسیون ۱۹۷۱ تصویب شده است . تبصره ۳ - وزارت بهداشت و درمان و آموزش پزشکی مکلف است آیین نامه اجرایی مربوط به مواد روان گردان را حداکثر ظرف مدت دو ماه تهیه و پس از تصویب ستاد به اجرا بگذارد. ماده ۳۳ - شوراها ی هماهنگی موظفند بالحاظ تقسیمات کشوری (شهرستان - شهر بخش ) نسبت به تاسیس شوراهای فرعی مبارزه با مواد مخدر اقدام نمایند. تبصره - کمیسیونهای فروش اموال مصادره ای ، صرفاً در مراکز استانها و تهران تشکیل می گردد. ماده ۳۴ - این آیین نامه در ۳۴ ماده و ۲۸ تبصره در تاریخ ۲۲/۱۰/۷۷ به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسید و آیین نامه های مغایر با این آیین نامه از درجه اعتبار ساقط است .

### آیین نامه عفو و تخفیف مجازات محکومین مواد مخدر که در اجرای مصوبه ۳/۸/۶۷ مجمع محترم تشخیص مصلحت نظام

مصوب ۲/۱۲/۱۳۶۹ ستاد مبارزه با مواد مخدر ماده ۱ - ستاد پیشنهاد عفو تخفیف مجازات محکومینی که مجازات در روحیه آنان موثر واقع و موجب تنبه ایشان شده و به راه صلاح بازگشت باشند را با رعایت بندها و موارد ذیل پذیرفته و مشمول عفو تخفیف قرار خواهند داد به استثنا کسانی که : الف ) سابقه محکومیت موثر در زمینه مواد مخدر داشته باشند. ب ) اشتهار به فعالیت در جهت تهیه و توزیع و مصرف مواد مخدر داشته باشند. ج ) درگیری مسلحانه با نیروی نظامی و انتظامی د ) از اعضا شبکه های تهیه و توزیع مواد مخدر باشند. ه ) از عناصر اصلی شبکه های تهیه و توزیع مواد مخدر باشند. و ) سابقه فرار داشته و یا اقدام به تشکیل شبکه های مخفی به منظور اجرای طرح فرار و ورود مواد مخدر به داخل زندان نموده باشند. ز ) زندانیان را تحریک به اغتشاش نموده و یا اشتهار به فساد و شرارت داشته باشند. بند ۱ - محکومینی که حکم محکومیت آنان اعدام باشد قبل از اجرای حکم با درخواست مقام قضایی مربوطه و پیشنهاد قوه قضاییه پس از موافقت ستاد با یک درجه تخفیف از اعدام به حبس ابد تقلیل می یابد در این صورت اجرای حکم تا اعلام نتیجه متوقف خواهند ماند. بند ۲ - محکومینی که حکم محکومیت آنان حبس ابد یا بیش از ۱۵ سال باشد با یک درجه تخفیف به ۱۵ سال حبس تقلیل می یابد مشروط بر اینکه محکومین حبس ابد حداقل ۱۵ سال و در سایر موارد تا ۱۰ سال از محکومیت اولیه خود را گذرانده باشند. بند ۳ - محکومینی که حبس آنان بیش از ۱۰ الی ۱۵ سال باشد محکومیت آنان به نصف تقلیل می یابد مشروط بر اینکه ۵ سال از مدت محکومیت خود را سپری کرده باشند. بند ۴ - محکومینی که حبس آنان بیش از ۵ الی ۱۰ سال باشد محکومیت آنان به نصف تقلیل می یابد مشروط بر اینکه حداقل ۲ سال از مدت محکومیت مقرر در حکم اولیه راسپری کرده باشند. بند ۵ - محکومینی که حبس آنان ۵ سال و کمتر باشد پس از تحمل نصف مدت محکومیت مقرر در حکم اولیه مشمول عفو خواهند شد. بند ۶ - محکومینی که در اجرای ماده ۳۱ قانون مبارزه با مواد مخدر

به جای پرداخت جریمه تحمل حبس می نمایند با احتساب بندهای فوق جریمه آنها مشمول عفو تخفیف خواهد شد. بند ۷ - محکومینی که حبس و جزای نقدی داشته باشند پس از اتمام مدت محکومیت حبس از طریق تحمل حبس یا با استفاده از عفو در خصوص جزای نقدی مشمول بند ۶ خواهند شد. ماده ۲ - ستاد لیست پیشنهادی عفو یا تخفیف مجازات را جهت بررسی و اعلام نظر از قوه قضائیه دریافت خواهد کرد. ماده ۳ - درخواست عفو مجدد در مورد محکومین ماده ۱ منوط به سپری کردن ثلث محکومیت باقی مانده پس از عفو می باشد. ماده ۴ - در موارد خاص با صلاحدید ستاد عفو یا تخفیف مجازات مشمول شرایط و بندهای فوق نخواهد شد. ماده ۵ - دفتر هماهنگی ، بازرسی و پیگیری امور قضایی ستاد موظف است پس از احراز شرایط مندرج در ماده یک بر اساس این آیین نامه نظر ستاد را در خصوص عفو یا تخفیف به قوه قضائیه منعکس نمایند. تبصره - در صورت وجود اختلاف نظر بین مقام قضایی پیشنهاد دهنده عفو یا تخفیف و نیروی انتظامی عمل کننده ، دفتر قضایی ستاد از طریق دعوت به تشکیل کمیسیونی مرکب از: معاون قضایی دادستان کل کشور، مسئول امور قوه قضائیه ، مسئول دفتر قضایی ستاد، کمیته انقلاب اسلامی و نماینده سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی حل اختلاف خواهند نمود. این کمیسیون زیر نظر ستاد خواهد بود. ماده ۶ - این آیین نامه مشتمل بر ۶ ماده ۷ بند و ۱ تبصره در جلسه مورخ ۲/۱۲/۶۹ ستاد به تصویب رسید.

### آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی

#### فصل اول : تشکیلات و روش کار

ماده ۱ - کمیسیون عفو و بخشودگی از پنج نفر اشخاص آشنا به احکام شرع انور و قانون و تشکیلات قوه قضائیه تشکیل می گردد که توسط رئیس محترم قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری مدظله العالی پیشنهاد شده و پس از تأیید معظم له از سوی رئیس محترم قوه قضائیه برای سه سال انتخاب می شوند. تبصره ۱ - اعضا از بین خود یک نفر را به عنوان رئیس و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می نمایند. تبصره ۲ - جلسات کمیسیون با حضور حداقل سه نفر از اعضا رسمیت خواهد یافت و اتخاذ تصمیم با اکثریت اعضا حاضر در جلسه خواهد بود. ماده ۲ - کمیسیون عفو و بخشودگی در حد نیاز و تشخیص در مراکز استانها و شهرستانها هیاتی مرکب از رئیس دادگستری ، قاضی تحقیق زندان و رئیس زندان را برای بررسی وضعیت متقاضیان عفو اعلام نظر به کمیسیون تشکیل خواهد داد ریاست هیات با رئیس دادگستری خواهد بود. تقاضاهای رسیدگی به کمیسیون عفو از ناحیه محکومین و خانواده آنان جهت بررسی و اعلام نظر به کمیسیون عفو به روسای هیات های مذکور در این ماده ارسال خواهد شد. ماده ۳ - هیات های مذکور پس از انجام تحقیقات لازم و اخذ نظریه اداره اطلاعات در رابطه با گروهک ها و محکومین امنیتی و نظریه ستاد مواد مخدر در رابطه با محکومین مواد مخدر و نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با محکومین نظامی گزارش کاملی از وضعیت محکومین استان را به طور مستدل و مستند همراه با جمع بندی و پیشنهاد به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال می نمایند. ماده ۴ - کمیسیون عفو به طور مرتب تشکیل جلسه داده و پیشنهادات واصله از هیاتها را بررسی و در صورت تصویب فهرست اسامی این قبیل محکومین توسط رئیس کمیسیون عفو تقدیم ریاست محترم قوه قضائیه خواهد شد. ماده ۵ - ریاست قوه قضائیه در صورت تأیید مصوبات کمیسیون عفو فهرست اسامی مورد تصویب کمیسیون را حداقل ۱۵ روز قبل از یکی از مناسبتهای مقرر به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و نتیجه را جهت اجرا به ریاست کمیسیون عفو اعلام می نماید. ماده ۶ - ریاست کمیسیون عفو بلافاصله پس از دریافت فرمان عفو فهرست اسامی عفو شدگان را به اداره عفو و بخشودگی جهت ابلاغ به دادرهای مجری حکم ارسال می دارد. ماده ۷ - کمیسیون عفو در اجرای منویات مقام معظم رهبری و رسیدگی دقیق و تامین مصالح فردی و اجتماعی محکومین و جلوگیری از سو استفاده احتمالی و اینکه اعمال عفو، اجرای کیفر را بی هدف جلوه ندهد و درک واقعی و عمیق مسائل مبتلی به



محکومین و خانواده آنان و اطلاع از موقعیتهای اجتماعی و سیاسی و بافت مناطق و احراز ضرورت یا عدم ضرورت اعمال عفو در نقاط مختلف کشور، موظف است در موارد لازم به شهرستانها و استانها عزیمت و با همکاری هیاتهای مذکور در ماده ۲ وضعیت محکومین را بررسی و اعلام نظر نماید. تبصره - هزینه های کمیسیون و فوق العاده اعضا و کارکنان و هیاتها و تهیه امکانات از قبیل اتومبیل و... از محل بودجه خارج از شمول محاسبات عمومی که ریاست محترم قوه قضائیه در اختیار ریاست کمیسیون عفو قرار خواهند داد تأمین خواهد شد، ترتیب و نحوه پرداخت طبق دستورالعملی خواهد بود که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه می رسد.

### فصل دوم : مناسبتهای عفو و بخشودگی

ماده ۸- مناسبت های عفو و بخشودگی به شرح زیر می باشد: ۱- مبعث حضرت رسول اکرم (ص) ۲۷ رجب ۲- ولادت حضرت رسول اکرم (ص) ۱۷ ربیع الاول ۳- ولادت حضرت امیرالمؤمنین (ع) ۱۳ رجب ۴- ولادت امام حسین (ع) ۳ شعبان ۵- ولادت حضرت قائم (عج) ۱۵ شعبان ۶- عید سعید فطراول شوال ۷- عید سعید قربان ۱۰ ذی الحجه ۸- عید سعید غدیر ۱۸ ذی الحجه ۹- سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۰- سالروز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین ۱۱- عید نوروز اول فروردین تبصره - در صورت لزوم ریاست قوه قضائیه با کسب نظر از مقام معظم رهبری می تواند دستور تشکیل کمیسیون را به مناسبتهای دیگر به رئیس کمیسیون بدهند.

### فصل سوم : شرایط و سیاست های عفو و تخفیف در مجازات

ماده ۹- در پیشنهادات عفو و تخفیف مجازاتها، رعایت شرایط و نکات زیر برای کمیسیون عفو و بخشودگی ضروری و لازم الاتباع می باشد: ۱- اصلاح مجرم و توجه به شخصیت محکوم و خانواده وی . ۲- توجه به ضرورتها و مصالح اجتماعی ، سیاسی ، جغرافیایی . ۳- مستثنی نمودن حق الناس از شمول عفو، خصوصاً قتل های عمد. ۴- شمول عفو نسبت به محکومینی که به علت عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان بسر می برند خصوصاً برای محکومینی که تا سقف یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده و به لحاظ ناتوانی از پرداخت آن زندانی هستند. ۵- توجه به سوابق اجتماعی محکوم و لحاظ نمودن سوابق کیفری وی از جهت تکرار جرم و همچنین تعدد جرم . ۶- اخذ نظر صریح مسئولین و مراج ذیربط در خصوص محکومین از قبیل وزارت اطلاعات ، سازمان قضایی و... ۷- مستثنی نمودن جرایم خاص از قبیل جاسوسی ، ارتشا، زنا، به عنف ، آدم ربایی ، سرقت مسلحانه از شمول عفو و بخشودگی . ۸- تنافی نداشتن عفو اعطایی با امر قضا با کیفیتی که احکام صادره بی مفهوم و بی معنا جلوه ننماید. ۹- سری بودن تمام مراحل عفو . ۱۰- توجه به رهنمودها و تدابیر و منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقاطع اعطای عفو

### فصل چهارم : موارد شمول عفو و تخفیف

ماده ۱۰- تقاضا و پیشنهاد عفو و تخفیف برای محکومین ذیل پذیرفته می شود: ۱- کلیه محکومین اعدام (به استثناء قصاص نفس) حبس و جزای نقدی و شلاق که از ناحیه مراجع قضایی (دادگاههای عمومی - انقلاب - نظامی - ویژه روحانیت) و قانونی صادر شده است . ۲- کلیه محکومین محرومیت از حقوق اجتماعی یا اقامت و یا ممنوعیت از اقامت در محل معین . ۳- کلیه محکومین تکمیلی و تبعی صادره از مراجع قضایی و قانونی . ۴- کلیه محکومین اضافی خدمت سربازی و یا تنزیل درجه پرسنل نیروهای مسلح . تبصره ۱- در مورد احکام اعدام (به استثنای قصاص نفس) چنانچه پس از صدور حکم قطعی محکوم به

اعدام و یا خانواده وی درخواست عفو نماید حسب مورد رئیس هیات یادادستان موظف به ارسال تقاضای محکوم علیه و پرونده مربوطه با اظهار نظر صریح به ریاست کمیسیون عفو می باشند، کمیسیون عفو فوراً در وقت فوق العاده و حداکثر تا دو ماه از تاریخ دریافت تقاضا در خصوص مورد رسیدگی نموده و اعلام نظر می نماید اجرای حکم تا اعلام نتیجه وسیله رئیس کمیسیون عفو به تأخیر خواهد افتاد. تبصره ۲- در صورت موافقت با عفو محکوم به اعدام کمیسیون حق ندارد بیش از دودرجه تخفیف برای وی منظور و مجازات را کمتر از ۱۵ سال حبس تعیین نماید مگر بنا به فرمان مقام معظم رهبری. تبصره ۳- برای محکومانی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون عفو رد شده است، پیشنهاد مجدد عفو در صورتی بلامانع است که علت رد منتفی شده باشد. ماده ۱۱- اداره عفو و بخشودگی موظف است کلیه پیشنهادات و تقاضاها را به ترتیب تاریخ وصول ثبت و به کمیسیون ارسال دارد. تبصره- ریاست کمیسیون می تواند در صورت تشخیص ضرورت پرونده هایی را خارج از نوبت در کمیسیون مطرح نمایند. ماده ۱۲- در خصوص دستورات ریاست کمیسیون جهت تکمیل تقاضا و پیشنهادات و یا هرگونه اطلاعاتی که برای اتخاذ تصمیم کمیسیون ضرورت دارد کلیه مراجع قانونی موظف به ارسال پاسخ به کمیسیون عفو می باشند. ماده ۱۳- در پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات امور زیر درج می شود. ۱- مشخصات محکوم علیه شامل: نام و نام خانوادگی، شهرت، نام پدر، سن، تاهل، سواد، اولاد و تابعیت ۲- تاریخ شروع به اجرا مجازات و مدتی که محکوم علیه قبل از شروع به اجرا در زندان بوده است. ۳- تعداد عائله محکوم علیه و وضع معیشت آنها ۴- میزان تاثیر مجازات در روحیه محکوم علیه ۵- رونوشت کیفرخواست، دادنامه قطعی مورد اجرا سوابق کیفری ۶- مدارک لازم مبنی بر رضایت شاکی و یا مدعی خصوصی. ۷- موجبات پیشنهاد عفو به شرح ماده ۱۰ ماده ۱۴- مقررات این آیین نامه نافذ اختیارات قانونی ریاست قوه قضائیه نخواهد بود. ماده ۱۵- این آیین نامه در ۱۵ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۷۳ توسط ریاست قوه قضائیه به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و مورد تصویب معظم له قرار گرفت.

### آیین نامه پیشگیری از اعتیاد، درمان معتادان به مواد مخدر و حمایت از افراد در معرض خطر اعتیاد

ماده ۱- در اجرای مواد ۳۳ و ۳۴ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر و الحاق موادی به آن مصوب ۱۸/۷/۷۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام و به منظور: ۱- پیشگیری از اعتیاد به مواد مخدر و داروهای روان گردان، ۲- درمان و بازپروری معتادان، ۳- تمهیدات لازم پس از آزادی، ۴- اتخاذ تدابیر مناسب به منظور مصون سازی افراد در معرض خطر و انجام اقدامات فرهنگی، ارشادی، تبلیغی و معاضدتی جهت کاهش تقاضای مواد مخدر، اعضای ستاد مبارزه با مواد مخدر و سایر وزارتخانه ها، سازمانها و موسسات دولتی و غیر دولتی ضمن جلب حمایت مردمی موظفند به شرح مواد آتی اقدام نمایند. ماده ۲- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است با هماهنگی دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر نسبت به انجام موارد ذیل اقدام نماید: ۱- توسعه و تجهیز مراکز تخصصی برای درمان معتادان خود معرف و ارایه تسهیلات ویژه درمانی به منظور ترغیب بخش خصوصی به ایجاد مراکز ترک اعتیاد ۲- فراهم آوردن تسهیلات و امکانات لازم (از جمله داروهای مورد نیاز) برای فعال کردن شبکه بهداشتی و درمانی کشور به منظور ترک اعتیاد معتادین. ۳- تامین و تربیت کادر تخصصی مراکز درمانی و بازپروری و ایجاد واحدهای درسی و تخصصی ویژه در چارچوب آموزشهای دانشگاهی برای پزشکان، روانپزشکان، روانشناسان و مددکاران اجتماعی در زمینه آسیب شناسی روانی و بهبود وضعیت معتادان؛ ۴- ادغام برنامه های پیشگیری و درمان اعتیاد در نظام بهداشتی و درمانی کشور؛ ۵- طراحی و اجرای منطقه ای برنامه های جامع پیشگیری از اعتیاد؛ ۶- انجام تمهیدات لازم برای نهادینه کردن آموزش دانشجویان رشته های پزشکی و پیراپزشکی و بازآموزی مداوم روانپزشکان، پزشکان و کادر پیراپزشکی؛ ۷- برقراری دوره های آموزش تکمیلی و روانپزشکی اعتیاد و رشته های تخصصی باگرایش اعتیاد برای رشته های مربوطه پیراپزشکی، روانشناسی و جامعه شناسی؛ ۸- تولید مجموعه های آموزشی و برگزاری دوره های آموزشی برای گروههای مختلف هدف شامل: کودکان و نوجوانان،

کادر آموزش و پرورش، والدین، مریبان و رابطین بهداشت؛ ۱۰- گسترش کمی و کیفی مراکز مشاوره ای و حمایتی برای گروههای در معرض خطر و خطوط تلفنی مداخله در بحران برای اعتیاد؛ ۱۱- طراحی برنامه های آزمایش تصادفی اعتیاد برای مراکز دولتی و کارگاههای تابع قانون کار؛ ۱۲- تمهید اقدامات لازم برای گسترش مشارکتهای مردمی در امر پیشگیری و درمان اعتیاد بویژه گروههای خودیاری معتادان با هماهنگی وزارت کشور؛ ۱۳- انجام اقدامات لازم برای اجرای کنوانسیون ۱۹۶۱، ۱۹۷۱ و ۱۹۸۸ در خصوص نظارت بر مواد و داروهای اعتیادآور؛ ۱۴- فراهم نمودن امکان درمان معتادان در کلیه درمانگاههای عمومی و امکان بستری معتادان نیازمند به درمان به شیوه بستری، گسترش مراکز خاص درمان و بازتوانی معتادان و تمهید تسهیلات لازم برای راه اندازی کلینیک های خصوصی ترک اعتیاد، تامین داروها و کیت های تشخیصی مورد نیاز؛ ۱۵- فراهم نمودن امکانات لازم برای کاهش آسیبهای بهداشتی ناشی از اعتیاد؛ ۱۶- ایجاد بانک اطلاعات اعتیاد و اجرای برنامه های سالانه همه گیرشناسی اعتیاد؛ ۱۷- ارتباط با سازمانهای بین المللی مرتبط با کاهش تقاضای مواد مخدر و تمهید دریافت امکانات و کمکهای مربوطه از آنان با هماهنگی ستاد؛ تبصره ۱- وزارت بهداشت موظف است در فاصله زمانی یکسال با هماهنگی سازمان امور استخدامی نسبت به ایجاد تشکیلات مناسب به نحوی که بتواند مرجعیت و تمرکز اقدامات کاهش تقاضا در کشور و اهداف پیش بینی شده در این آیین نامه را تامین نماید، اقدام و به تصویب هیأت وزیران برساند. تبصره ۲- دستورالعمل اجرایی ماده ۲ و تبصره های مربوطه طبق جدول زمان بندی توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تدوین و پس از تصویب وزیر متبوع جهت اجراء ابلاغ خواهد شد. ماده ۳- کمیته امداد امام خمینی (ره) در بودجه سالانه خود اعتبار لازم جهت اعطای پوشش مناسب مالی و حمایتی، برای خانواده های معدومین (کودکان، همسران و افراد تحت تکفل) با کمک مؤسسات خیریه، عام المنفعه و افراد نیکوکار پیش بینی می نماید. تبصره - آیین نامه مربوط به طرز تامین بودجه و نحوه اختصاص آن به خانواده های تحت پوشش و نیز افراد مشمول این ماده توسط کمیته امداد امام خمینی (ره) با هماهنگی دبیرخانه ستاد تدوین و به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر خواهد رسید. ماده ۴- دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر موظف است با کمک وزارت امور خارجه نسبت به جذب کمکهای آموزشی و مالی از سازمانهای بین المللی، منطقه ای و سایر کشورها جهت پیشگیری، درمان و آموزش عمومی اقدام نماید. ماده ۵- وزارت آموزش و پرورش موظف است با اتخاذ تدابیر لازم نسبت به اجرای موارد ذیل در وزارتخانه و ادارات تابعه اقدام نماید. ۱) ارائه و اجرای طرحهایی به منظور پیشگیری از اعتیاد و آلودگی به مواد مخدر و افزایش آگاهیهای پرسنل (اداری و آموزشی)، دانش آموزان و انجمن اولیاء و مریبان. ۲) شناسایی دانش آموزان در معرض آسیب (دانش آموزانی که سرپرست یا والدین آنها قاچاقچی، معتاد، زندانی یا فراری هستند) و اتخاذ تدابیر مقتضی نسبت به معرفی آنان به مراجع پیشگیری و حمایتی و در صورت لزوم انجام مشاوره و آموزشهای لازم برای این نوع دانش آموزان. ۳) شناسایی دانش آموزان معتاد، مصرف کننده یا توزیع کننده مواد مخدر و اتخاذ تدابیر لازم جهت اقدامات درمانی، حمایتی، تامینی و قانونی برای آنها. تبصره - انجام موارد مذکور باید به نحوی صورت پذیرد تا آسیب روانی و اجتماعی به اینگونه دانش آموزان وارد نیآورد. ۴) فراهم آوردن زمینه اجرای برنامه های آموزشی، فرهنگی، تبلیغاتی از طریق مقتضی. ۵) اجرای برنامه های فرهنگی و تجهیز کتابخانه های مدارس و نیز گسترش مراکز مشاوره برای اوقات فراغت دانش آموزان. ۶) تهیه و انتشار بروشورهای تبلیغی به منظور آگاهی دانش آموزان و خانواده آنها از اثرات و مضرات اعتیاد. ماده ۶- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است نسبت به موارد ذیل اقدام نماید: ۱) اتخاذ تدابیر لازم برای آموزش عمومی (از جمله درج آگاهی های آموزشی با تخفیف ویژه) از طریق رسانه های نوشتاری (مجلات / روزنامه ها / کتب و...) و ایجاد زمینه مناسب جهت تسهیل انتشار کتب آموزشی مربوطه. ۲) فراهم آوردن زمینه مناسب جهت ساخت فیلمهای کوتاه و بلند مدت سینمایی، آموزشی یا هشدار دهنده و کمک به اجرای تئاترهای مختلف و انجام برنامه های هنری و تشویق هنرمندان متعهد و مجرب کشور جهت شرکت در برنامه های پیشگیری ۳) تخصیص بخشی از اقلام فرهنگی با یارانه به متقاضیان بخش خصوصی و دولتی

فعال در امر پیشگیری با هماهنگی دبیرخانه ستاد مبارزه با مواد مخدر. ماده ۷- سازمان صدا و سیما مکلف است با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر درصدی از برنامه های خود را در قالب فیلم ، سریال ، پیامهای آموزشی و هشدار دهنده و آموزشهای تخصصی از شبکه سراسری و شبکه های استانی در زمینه پیشگیری و درمان اعتیاد اختصاص دهد. ماده ۸- سازمان تبلیغات اسلامی موظف است با توجیه مبلغین اعزامی به اقصی نقاط کشور تمهیدات لازم را برای فراگیر کردن امر پیشگیری از اعتیاد و... فراهم آورد. ماده ۹- بکارگیری و استخدام معتادین اصلاح شده در صورتی که منع قانونی دیگری برای اشتغال نداشته باشند بلامانع است . وزارت کار و امور اجتماعی ، سازمان امور اداری و استخدامی ، هیأت های گزینش و هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری مکلف است تدابیر لازم را در این خصوص اتخاذ نماید. ماده ۱۰- از آنجا که عمده فعالیت های عمرانی شهرداریها تاثیر مستقیمی در پیشگیری از وقوع بزه و بویژه اعتیاد دارد، لذا به منظور جهت دهی این اقدامات برای پیشبرد امر پیشگیری از اعتیاد، شهرداران سراسر کشور به عنوان اعضای شوراهای هماهنگی استانها و شهرستانها در جلسات مذکور شرکت خواهند نمود. ماده ۱۱- ستاد کل نیروهای مسلح و کلیه وزارتخانه ها، ارگانها، نهادها، موسسات و شرکتهای دولتی موظفند با هماهنگی ستاد مبارزه با مواد مخدر ضمن تخصیص و بخشی از فعالیت های تبلیغی و فرهنگی خود با برگزاری جلسات آموزشی درون سازمانی ، پرسنل ذیربط و خانواده آنها را از لحاظ اقدامات کاهش تقاضا تحت پوشش قرار داده و تسهیلات لازم را نیز جهت ترک اعتیاد پرسنل معتاد فراهم نمایند. ماده ۱۲- سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی با هماهنگی و همکاری وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و سازمان تربیت بدنی موظف است با انجام فعالیت های فرهنگی ، تبلیغی ، آموزشی و ورزشی و ارائه خدمات مشاوره ای درمانی و مددکاری در زندانها و سایر مراکز مربوط نسبت به بهبود وضعیت جسمی و روحی معتادان زندانی اقدامات لازم را به عمل آورد. ماده ۱۳- وزارتخانه های کار و امور اجتماعی ، کشاورزی ، جهاد سازندگی و نیرو مکلندبا همکاری سازمان زندانها نسبت به گسترش امکانات لازم جهت کارآموزی در داخل و خارج از زندان برای معتادان فاقد تخصص یا شغل معین اقدام نمایند. ماده ۱۴- این آیین نامه در ۱۴ ماده و چهار تبصره در جلسه مورخ ۲۰/۱۱/۷۷ به تصویب ستاد مبارزه با مواد مخدر رسیده و کلیه آیین نامه ها مغایر با آن ملغی اعلام می گردد.

### آیین نامه اجرایی تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح

مصوب ۱۰/۱۱/۱۳۵۳ وزارت جنگ در اجرای تبصره ۲ ماده ۱ قانون تشدید مجازات قاچاق اسلحه و مهمات و قاچاقچیان مسلح بدین وسیله انواع اسلحه سرد جنگی و شکاری را به شرح زیر اعلام می دارد: الف- انواع اسلحه سرد جنگی ۱- انواع سرنیزه های قابل نصب به تفنگ ۲- انواع کاردهای سنگری متداول در نیروهای مسلح یا مشابه آنها. ب- انواع اسلحه شکاری ۱- انواع تفنگهای ساچمه زنی ۲- انواع تفنگهای مخصوص بیهوش کردن جانداران ۳- انواع تفنگهای مخصوص شکار حیوانات آبری

### ۳- تخلفات صنفی و تعزیرات

#### قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

#### فصل اول - تخلفات و تعزیرات مربوطه

مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام ماده ۱- با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر فعالیت های اقتصادی و لزوم اجرای مقررات قیمت گذاری و ضوابط توزیع متخلفین از اجرای مقررات براساس مواد این قانون تعزیر می شوند. فصل اول - تخلفات و تعزیرات مربوطه ماده ۲- گران فروشی عبارت است از عرضه کالا- یا خدمات به بهای بیش از نرخهای تعیین شده توسط مراجع

رسمی به طور علیالحساب یا قطعی و عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام هر نوع اقدامات دیگر که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمات برای خریدار گردد. تعزیرات گرانفروشی براساس میزان و مراتب تخلف واحدها به شرح زیر می باشد: الف

گرانفروشی تا مبلغ بیست هزار ریال مرتبه اول - تذکر کتبی تشکیل پرونده مرتبه دوم - اخطار شدید، اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تخلف و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف اول) - مرتبه سوم - جریمه از پنج هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) - مرتبه چهارم - جریمه از ده هزار ریال تا ده برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم) - مرتبه پنجم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه چهارم تعطیل موقت از یک تا شش ماه و نصب پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه ششم - تعطیل و لغو پروانه واحد. ب

گرانفروشی از مبلغ بیش از بیست هزار ریال تا مبلغ دویست هزار ریال مرتبه اول - جریمه معادل مبلغ گرانفروشی و اخطار کتبی مرتبه دوم - جریمه از یک تا دو برابر میزان گرانفروشی و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف اول) مرتبه سوم - جریمه از یک تا پنج برابر میزان گرانفروشی اخطار قطع خدمات دولتی و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) - مرتبه چهارم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه سوم قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم) مرتبه پنجم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه سوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه و نصب پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه ششم - تعطیل و لغو پروانه واحد. ج

گرانفروشی از مبلغ بیش از دویست هزار ریال تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه اول - جریمه از یک تا دو برابر میزان گرانفروشی اخذ تعهد کتبی مبنی بر عدم تخلف و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف اول) - مرتبه دوم - جریمه از دو تا پنج برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) مرتبه سوم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه نصب پارچه به عنوان گرانفروش و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم) - مرتبه چهارم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی (د) گرانفروشی بیش از یک میلیون ریال مرتبه اول - جریمه از دو تا پنج برابر میزان گرانفروشی اخطار کتبی و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف اول) - مرتبه دوم - جریمه از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از یک تا شش ماه و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف دوم) - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل موقت واحد از یک تا شش ماه نصب پارچه به عنوان گرانفروش و ممهور نمودن پروانه واحد به مهر (تخلف سوم) - مرتبه چهارم - علاوه بر اخذ جریمه طبق مرتبه دوم تعطیل و لغو پروانه واحد و لغو کارت بازرگانی تبصره - در صورت تکرار تخلف اعمال تعزیرات متناسب با مبلغ و مراتب تخلف خواهد بود. ماده ۳ - کمفروشی و تقلب عبارت است از عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی یا کیفی که مبنای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است تعزیرات کمفروشی و تقلب به میزان و مراتب آن عینا مطابق تعزیرات گرانفروشی می باشد. ماده ۴ - احتکار: عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مرجع ذیصلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گرانفروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه توسط دولت تعزیرات احتکار به شرح زیر می باشد: مرتبه اول - الزام به فروش کالا و اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش کالا. مرتبه دوم - فروش کالا توسط دولت و اخذ جریمه از بیست تا صد در صد ارزش کالا. مرتبه سوم - فروش کالا توسط دولت اخذ جریمه از یک تا سه برابر ارزش کالا، قطع تمام یا قسمتی از سهمیه و خدمات دولتی تا شش ماه و نصب پارچه در محل واحد به عنوان محکوم. مرتبه چهارم - علاوه بر مجازات مرتبه سوم لغو پروانه واحد و معرفی از طریق رسانه های گروهی به عنوان محکوم. تبصره - در صورتی که نگهداری کالا با اطلاع مراجع ذیصلاح باشد مشمول احتکار نیست ماده ۵ - عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا برخلاف ضوابط توزیع و شبکه های تعیین شده وزارت بازرگانی و سایر وزارتخانه های ذی ربط تعزیرات عرضه خارج از شبکه نسبت به مقدار کالای به فروش رفته به شرح زیر می باشد: مرتبه اول - تذکر کتبی و قطع سهمیه به مدت سه ماه مرتبه دوم - اخذ

جریمه تا دو برابر مبلغ فروش خارج از شبکه مرتبه سوم - اخذ جریمه از سه تا پنج برابر مبلغ فروش خارج از شبکه تبصره - چنانچه کالا به فروش نرفته باشد، علاوه بر الزام به عرضه کالا در شبکه اخذ جریمه معادل ده درصد ارزش رسمی کالا. ماده ۶ - عدم درج قیمت عبارت است از عدم درج قیمت کالاها یا خدمات مشمول به نحوی که برای مراجعین قابل رویت باشد به صورت نصب برچسب یا اتیکت یا به صورت نصب تابلوی نرخ در محل واحد. تعزیرات عدم درج قیمت به شرح زیر می باشد: مرتبه اول - تذکر کتبی درج در پرونده واحد. مرتبه دوم - اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه سوم - اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا شش ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به عنوان متخلف تبصره - در مواردی که قیمت رسمی برای کالا و خدمات تعیین شده باشد درج قیمت براساس قیمت رسمی خواهد بود. ماده ۷ - اخفا و امتناع از عرضه کالا: عبارت است از خودداری از عرضه کالای دارای نرخ رسمی به قصد گران فروشی یا تبعیض در فروش تعزیرات اخفا و امتناع از عرضه کالا به شرح زیر می باشد: مرتبه اول - تذکر کتبی درج در پرونده واحد و عرضه کالا به نرخ رسمی مرتبه دوم - عرضه کالا به نرخ رسمی و اخذ جریمه از دو تا پنج برابر ارزش رسمی کالا. مرتبه سوم - علاوه بر مجازات های مرتبه دوم قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا شش ماه ماده ۸ - عدم صدور فاکتور: عبارت است از خودداری از صدور فاکتور مطابق فرم ها و ضوابط تعیین شده وزارت امور اقتصادی و دارایی و صدور فاکتور خلاف واقع در مورد ارقام مشمول تعزیرات عدم صدور فاکتور به شرح زیر می باشد: مرتبه اول - تذکر کتبی درج در پرونده واحد. مرتبه دوم - اخذ جریمه از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه سوم - اخذ جریمه از پنجاه هزار ریال تا صد هزار ریال قطع تمام یا برخی خدمات دولتی از سه تا شش ماه و در صورت مصلحت نصب پارچه به عنوان متخلف ماده ۹ - عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع عبارت است از عدم مراجعه و ارایه مدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه و بیش از مدت سه ماه از تاریخ ترخیص کالای وارداتی یا تولید محصولات داخلی ارقام مشمول تعزیرات عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به شرح زیر می باشد: مرحله اول - اخطار کتبی و تمدید مهلت حداکثر یک هفته مرحله دوم - جریمه از یک تا پنج برابر ارزش رسمی کالا و تمدید مهلت حداکثر یک هفته مرحله سوم - علاوه بر مجازات طبق مرحله دوم قطع سهمیه یا خدمات دولتی به مدت سه ماه و لغو کارت بازرگانی به مدت یک سال تبصره - مراحل فوق در مورد هر کالا - مستقلا اعمال خواهد شد. ماده ۱۰ - عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است از تخلف از ضوابط و مقررات تعیین شده دولت در مورد واردات که منجر به عدم اجرای تعهدات و یا کاهش کمی یا کیفی کالا - و یا خروج ارز از کشور گردد. تعزیرات عدم اجرای تعهدات واردکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیر می باشد: جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار و یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات تعلیق کارت بازرگانی از شش ماه تا یک سال و در صورت تکرار از یک سال تا ابطال و در صورت وقوع سواستفاده علاوه بر مجازات های فوق جریمه تا پنج برابر مبلغ سواستفاده تبصره - در صورتی که کالای وارده از نوع مجاز باشد پس از اعمال مجازات های فوق به صاحب آن مسترد می گردد. ماده ۱۱ - عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی عبارت است از عدم تولید و عرضه محصول طبق قرارداد و برنامه تعیین شده دولت از قبیل نوع مقدار، قیمت، استاندارد، شرایط تحویل و ... بدون عذر موجه تعزیرات عدم اجرای تعهدات تولیدکنندگان در قبال دریافت ارز و خدمات دولتی به شرح زیر می باشد: تذکر کتبی ضمن درج در پرونده واحد، اعلام مراتب به وزارتخانه یا موسسه ذی ربط جریمه معادل تفاوت نرخ ارز با نرخ رایج در بازار یا اعاده عین ارز نسبت به مقدار کسری یا عدم انجام تعهدات و در صورت تکرار علاوه بر مجازات فوق جریمه از یک تا سه برابر مبلغ سواستفاده تبصره - در صورتی که واحدهای تولیدی مبادرت به واردات مواد اولیه و یا کالای تجاری نمایند مشمول ماده ۱۰ خواهند بود. ماده ۱۲ - نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی عبارت است از عدم اخذ پروانه بدون عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط هیات عالی نظارت بر شورای مرکزی اصناف

تعیین و اعلام می‌گردد. تعزیرات نداشتن پروانه کسب واحدهای صنفی متناسب با نوع واحدها به شرح زیر می‌باشد: الف در مورد واحدهای صنفی تولیدی مرحله اول - اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت شش ماه مرحله دوم - قطع تمام یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا صد هزار ریال و تمدید مهلت تا سه ماه مرحله سوم - تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ب در مورد واحدهای صنفی خدماتی مرحله اول - اخطار کتبی و تمدید مهلت تا سه ماه مرحله دوم - قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا دویست هزار ریال و تمدید مهلت تا مدت سه ماه مرحله سوم - تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ج در مورد واحدهای صنفی خدماتی توزیعی مرحله اول - اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت دو ماه مرحله دوم - قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا پانصد هزار ریال و تمدید مهلت تا مدت یک ماه مرحله سوم - تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه کسب ماده ۱۳ - نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی عبارت است از عدم اخذ پروانه بهره‌برداری بدون عذر موجه ظرف مهلت و ضوابط و مقرراتی که توسط وزارتخانه‌های تولیدی (حسب مورد) تعیین و اعلام می‌گردد. تعزیرات نداشتن پروانه بهره‌برداری واحدهای تولیدی به شرح زیر می‌باشد: مرحله اول - اخطار کتبی و تمدید مهلت تا مدت شش ماه مرحله دوم - قطع سهمیه یا برخی خدمات دولتی تا مدت سه ماه اخذ جریمه تا مبلغ دویست هزار ریال و تمدید مهلت تا مدت سه ماه مرحله سوم - تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه بهره‌برداری تبصره - در مورد واحدهای فاقد گواهی از موسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی (در مورد اقلام مشمول استاندارد اجباری که تولیدات آنها از نظر ایمنی مضر باشد بلافاصله نسبت به تعطیل واحد تا زمان اخذ پروانه اقدام می‌گردد. ماده ۱۴ - فروش ارزی ریالی عبارت است از فروش کالا یا خدمات در مقابل دریافت ارز یا واریزنامه ارز صادراتی بابت تمام یا قسمتی از بهای کالا یا خدمات در داخل کشور برخلاف مقررات قانون و مصوبات دولت تعزیرات فروش ارزی ریالی به شرح زیر می‌باشد: اخذ کلیه ارز یا واریزنامه‌های دریافتی یا معادل ریالی آنها به نرخ بازار و در صورت تکرار علاوه بر مجازات فوق، حسب مورد قطع سهمیه و خدمات دولتی یا لغو کارت بازرگانی از سه تا شش ماه ماده ۱۵ - فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری کالا به همراه کالای دیگر در سطح عمده‌فروشی یا خرده‌فروشی تعزیرات فروش اجباری به شرح زیر می‌باشد: جریمه از یک تا دو برابر ارزش کالای تحمیلی ماده ۱۶ - عدم اعلام موجودی کالا: عبارت است از عدم اظهار صحیح واحدهای عمده‌فروشی نسبت به مقدار موجودی کالاهای دارای نرخ رسمی که ضرورت اعلام آن توسط دولت تعیین می‌شود. تعزیرات عدم اعلام موجودی کالا - عینا مطابق تعزیرات اخفا و امتناع از عرضه کالا می‌باشد. ماده ۱۷ - در مواردی که کالا - برخلاف ضوابط و مقررات توزیع یا قیمت به صورت عمده در اختیار اشخاص غیر واجد شرایط جهت فروش قرار گیرد، علاوه بر مجازات فروشندگان اشخاص حقیقی یا حقوقی خریدار کالا نیز به پرداخت جریمه معادل یک تا سه برابر در آمد من غیر حق محکوم می‌گردند. تبصره - در صورتی که کالا توسط خریدار به فروش نرفته باشد ضمن استرداد عین کالا، کلیه هزینه‌های جنبی به عهده خریدار می‌باشد.

### فصل دوم - تخلفات بخش دولتی

ماده ۱۸ - در صورتی که تخلفات فصل اول در وزارتخانه‌ها و شرکتها و موسسات دولتی و تحت پوشش دولت و نهادهای انقلاب اسلامی و ملی شده واقع شود تعزیرات مربوطه به شرح زیر خواهد بود: الف در صورتی که درآمد حاصل از تخلفات در جهت منافع و مصالح شرکت یا دستگاه ذی ربط منظور شده باشد: مرتبه اول - اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه مرتبه دوم - اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه برکناری متخلف از سمت خود به طور دائم و انفصال از خدمات دولتی به مدت شش ماه مرتبه سوم - اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه و انفصال دائم از خدمات دولتی ب در صورتی که در نتیجه تخلفات ارتكابی درآمد من غیر حق عاید فرد یا افراد در داخل یا خارج شرکت یا دستگاه شده باشد، انفصال دائم از خدمات دولتی اخذ درآمد حاصل از تخلفات و واریز آن به حساب خزانه و در صورتی که میزان اختلاس تا پنجاه

هزار ریال باشد، شش ماه تا سه سال حبس و هر گاه بیش از این مبلغ باشد، دو تا ده سال حبس و در هر مورد جریمه معادل دو برابر مبلغ اختلاس ج در صورتی که در نتیجه تخلفات هیچ گونه درآمدی عاید نشده باشد: مرتبه اول - برکناری متخلف از سمت خود از یک تا شش ماه مرتبه دوم - انفصال موقت از خدمات دولتی از سه ماه تا یک سال مرتبه سوم - انفصال دائم از خدمات دولتی تبصره - در صورتی که تخلفات در شرکتها و دستگاههای موضوع ماده ۱۷ توسط فرد یا افراد به صورت مستمر یا مکرر و به صورت تشکیل شبکه انجام گرفته باشد مشمول تعزیرات حکومتی شبکه خواهد بود و متخلفین از انجام خدمات دولتی محروم خواهند شد.

### فصل سوم - تشکیلات تعزیرات حکومتی بخش دولتی

مواد ۱۹ تا ۳۷ - منسوخ گردیده است ماده ۳۸ - برای تخفیف و تعلیق مجازات های مقرر در این قانون علاوه بر شرایط لازم طبق قوانین جاری ، موافقت دادگاه صادر کننده حکم و دادستان مربوطه نیز ضروری می باشد. مواد ۳۹ تا ۴۷ - منسوخ گردیده است ماده ۴۸ - در صورتی که تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی به صورت مستمر و یا مکرر و یا تشکیل شبکه انجام شده باشد متخلفان به اشد تعزیرات تعیین شده در هریک از جرایم ارتكابی و در مرتبه مربوطه محکوم می گردند. تبصره - در صورتی که تشکیل شبکه به قصد اختلال در نظام اقتصادی صورت گرفته باشد علاوه بر محکومیت به تعزیرات فوق توسط مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی ، موضوع توسط دادگاه انقلاب پیگیری می شود. ماده ۴۹ - در مواردی که در این قانون مراتب متعدد برای مجازات تعیین شده است چنانچه تکرار جرم با فاصله بیش از مدت دو سال از تاریخ قطعیت اولین حکم صورت گیرد، مرتبه اول تلقی می شود. ماده ۵۰ - در مواردی که در این قانون لغو پروانه و تعطیل واحد پیش بینی شده است اشتغال مجدد متخلفان در همان واحد پس از گذشت یک سال از تاریخ لغو پروانه موکول به تحصیل پروانه جدید با رعایت مقررات قانون مربوطه خواهد بود. ماده ۵۱ - در مواردی که تخلفاتی از انواع مختلف توسط متخلف صورت گیرد برای هریک از جرایم مجازات جداگانه تعیین می شود. ماده ۵۲ - تخلفاتی که در این قانون پیش بینی نشده اند تابع قوانین و مقررات جاری کشور می باشند و هر گاه برای تخلفات مذکور در این قانون در سایر قوانین کیفر شدیدتری مقرر شده باشد مرتکب به کیفر اشد محکوم خواهد شد. ماده ۵۳ - در مواردی که به علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی خسارتی متوجه شرکتها و دستگاههای موضوع ماده ۱۹ این قانون شده باشد مراجع صدور احکام تعزیرات حکومتی ضمن صدور احکام تعزیرات عامل ورود خسارت را مکلف به جبران خسارت می نماید. ماده ۵۴ - در کلیه مواردی که به علت وقوع تخلفات مشمول تعزیرات حکومتی متوجه اشخاص اعم از حقیقی یا حقوقی شده باشد حق شکایت برای آنها محفوظ خواهد بود. ماده ۵۵ - چنانچه محکوم از پرداخت جریمه تعیین شده خودداری کند مبلغ جریمه از اموال وی تأمین می شود لکن مستثنیات دین و وسایل تأمین حداقل معیشت متعارف مستثنی خواهد بود. ماده ۵۶ - کلیه قوانین و مقررات مغایر با این قانون با رعایت ماده ۵۲ از تاریخ اجرا متوقف می گردد.

### آیین نامه سازمان تعزیرات حکومتی

#### فصل اول - تشکیلات

ماده ۱ - در اجرای تبصره ۲ ماده واحده لایحه اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۹/۷/۷۳ و ماده ۳ آیین نامه شماره ۵۲۰۲ - ۷۳ م مصوب ۲۰/۷/۷۳ هیأت دولت سازمان ( تعزیرات حکومتی ) که در آیین نامه به اختصار سازمان نامیده می شود زیر نظر وزیر دادگستری تشکیل و براساس مقررات مندرج در این آیین نامه انجام وظیفه می نماید. ماده ۲ - رییس سازمان معاون وزیر دادگستری می باشد و توسط وزیر دادگستری منصوب خواهد شد و به تعداد مورد نیاز



معاون خواهد داشت ماده ۳- امور اجرایی سازمان به عهده رییس آن بوده و کلیه وظایف قانونی را که در این آیین نامه و مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام مشخص شده ایفا خواهد کرد. ماده ۴- در مراکز استانها اداره کل و در شهرستانها اداره تعزیرات حکومتی تشکیل می گردد. تبصره - تشکیل دفتر تعزیرات حکومتی در سایر شهرها به پیشنهاد رییس سازمان و تصویب وزیر دادگستری خواهد بود. ماده ۵- رییس شعبه اول تعزیرات حکومتی در تهران معاون رییس سازمان و رییس شعبه اول مراکز استانها مدیر کل استان و رییس شعبه اول شهرستان و سایر شهرها رییس اداره و دفتر مذکور خواهد بود. ماده ۶- انجام کلیه امور اداری و مالی و خدماتی و پشتیبانی سازمان در تهران و مراکز استانها و شهرستانها و سایر شهرها با معاونت اداری و مالی می باشد. ماده ۷- معاونین سازمان به پیشنهاد رییس سازمان و ابلاغ وزیر دادگستری و مدیران کل روسای ادارات پس از تایید وزیر دادگستری و با ابلاغ رییس سازمان منصوب می گردند. ماده ۸- به منظور رسیدگی و صدور رای راجع به تخلفات موضوع قانون تعزیرات حکومتی در مراکز استانها و شهرستانها شعبی تحت عنوان شعب رسیدگی به تعزیرات حکومتی تشکیل خواهد شد. شعب مزبور شامل شعب بدوی و تجدیدنظر می باشد. تبصره ۱- شعب بدوی با حضور یک نفر رییس تشکیل می گردد. تبصره ۲- شعب تجدیدنظر با حضور یک نفر رییس و دو نفر عضو تشکیل می گردد، جلسه شعبه با حضور دو نفر رسمیت یافته و آرای صادره با دو رای موافق معتبر و لازمالاجرا خواهد بود. ماده ۹- روسا و اعضای شعبه بدوی و تجدیدنظر به پیشنهاد مدیر کل استان و ابلاغ رییس سازمان منصوب می شوند. ماده ۱۰- روسا و اعضای شعبه بدوی و تجدیدنظر می توانند از بین قضات کارمندان شاغل یا بازنشسته روحانیون و نیروهای مسلح بوده یا از بین فارغ التحصیلان رشته های حقوق، الهیات، علوم سیاسی و علوم اداری و بازرگانی و علوم اجتماعی که دارای حسن شهرت و عامل به احکام اسلام باشند، انتخاب شوند. ماده ۱۱- پرسنل مورد نیاز سازمان از بین کارکنان شاغل و بازنشسته دولت و نهادهای عمومی که به صورت مامور به خدمت یا خارج از وقت اداری در اختیار سازمان قرار خواهند گرفت تامین می شود و در صورت نیاز می تواند نیروهای لازم را استخدام نماید. مسوولین نهادهای دولتی و شرکتهای وابسته به دولت، و شهرداری ها موظف به همکاری و مساعدت می باشند. ماده ۱۲- تعداد شعب بدوی و تجدیدنظر و تشکیلات تفصیلی سازمان و شرح وظایف آنها به تصویب وزیر دادگستری که به تایید رییس جمهور می رسد خواهد بود. ماده ۱۳- به منظور رسیدگی به تخلفات مامورین سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت شعب ویژه ای در مراکز استانها اختصاص خواهد یافت روسای این شعب بنا به پیشنهاد وزیر دادگستری و تایید رییس جمهور توسط وزیر دادگستری منصوب خواهد شد. تبصره ۱- مجازات متخلفین موضوع این ماده طبق قوانین موضوعه خواهد بود. تبصره ۲- چنانچه اخبار و اطلاعات پرونده ها و موارد اتهامی اشخاص قبل از صدور حکم قطعی توسط مامورین سازمانهای بازرسی و نظارت یا تعزیرات حکومتی از رسانه های گروهی منعکس شود مامورین سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی متخلف محسوب و مشمول مجازاتهای مقرر در قوانین موضوعه خواهند شد. ماده ۱۴- اعتبارات مورد نیاز سازمان از طرف دولت در اختیار سازمان قرار می گیرد تا طبق تشخیص وزیر دادگستری و افراد مجاز از طرف ایشان هزینه شود و در سنوات آتی در بودجه کل کشور ذیل ردیف جداگانه پیش بینی خواهد شد. ماده ۱۵- امور مالی معاملاتی استخدامی و نظام پرداخت و تشکیلات سازمان منحصراتابع این آیین نامه و آیین نامه هایی است که به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب هیأت دولت می رسد و از شمول قوانین محاسبات عمومی و استخدام کشوری مستثنی می باشد و تابع قانون نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات عمومی خواهد بود. ماده ۱۶- محل استقرار واحدهای سازمان و لوازم مورد نیاز آنها از محل امکانات دولتی با همکاری کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات استانها تامین می گردد و در صورت ضرورت از محل بودجه سازمان تهیه و تامین خواهد شد. تبصره - مسوولین سازمانهای دولتی و وابسته به دولت در صورت اعلام نیاز سازمان موظف به همکاری می باشند. ماده ۱۷- کلیه ضابطین دستگاه قضایی و مامورین سازمان بازرسی و نظارت ضابط سازمان تعزیرات حکومتی می باشند و سازمان نسبت به اجرای دستورات مسوولین تعزیرات حکومتی اقدام می نماید.

## فصل دوم - نحوه رسیدگی

ماده ۱۸ - شعب بدوی تعزیرات حکومتی در موارد ذیل شروع به رسیدگی می نمایند: الف گزارش مامورین سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات ب گزارش سازمان بازرسی کل کشور و سایر مراجع قضایی و دولتی و انتظامی ج شکایت اشخاص حقیقی و حقوقی د) اعلام اطلاعات ، اخبار، گزارشهای مردمی و اشخاص تبصره - همزمان با شروع رسیدگی در شعب بدوی یک نسخه از گزارشات بند ب و ج به سازمان نظارت و بازرسی ارجاع سازمان اخیرالذکر حداکثر ظرف مدت پانزده روز نظرات کارشناسی خود را جهت ملاحظه در صدور رای به شعبه مربوطه تسلیم می نماید. ماده ۱۹ - مدیران کل استانها و روسای ادارات شهرستانها می توانند تعدادی از شعب را به صورت سیار اختصاص دهند و در صورت لزوم در معیت این شعب بازرسان و مامورین سازمان بازرسی و نظارت انجام وظیفه خواهند نمود. همچنین افراد واجد شرایط مذکور در ماده ۱۰ این آیین نامه با ابلاغ از سوی مسوولین سازمانهای تعزیرات حکومتی و نظارت و بازرسی می توانند مسوولیت هر دو سازمان را به صورت سیار انجام دهند. ماده ۲۰ - آرای شعب بدوی و تجدیدنظر باید مستند به مواد قانون و مقررات مربوطه باشد و مواد استنادی ذکر گردد. مقدمه آرا نیز باید حاوی گزارش کار و شرح تفصیلی تخلفات باشد. ماده ۲۱ - هیچ یک از اعضای شعب رسیدگی را نمی توان در رابطه با آرای صادره از سوی آنان تحت تعقیب قضایی قرار داد مگر در صورت اثبات غرض مجرمانه ماده ۲۲ - آرای شعب بدوی در مواردی که مجازات پیش بینی شده در قانون برای هر بار تا یک میلیون ریال جریمه باشد قطعی و از ناحیه محکوم علیه نسبت به مازاد آن قابل تجدیدنظرخواهی است ماده ۲۳ - اشخاص ذیل نیز حق تجدیدنظرخواهی از کلیه آرای شعب بدوی را دارند: الف شاکی خصوصی پرونده در صورت برایت متهم ب اعضای کمیسیون هماهنگی امور تعزیرات در استان و شهرستان مربوطه ج روسای سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت تبصره - هرگاه محکوم علیه و یا روسای سازمانهای تعزیرات حکومتی و بازرسی و نظارت آرای قطعی شعب تعزیرات را خلاف قانون بدانند می توانند با ذکر دلیل از وزیر دادگستری تقاضای رسیدگی مجدد نمایند. چنانچه وزیر دادگستری تقاضا را وارد تشخیص دهد و یا راسا رای را غیرقانونی بداند پرونده را جهت رسیدگی به شعبه عالی تجدیدنظر که به همین منظور در مرکز تشکیل می گردد ارجاع خواهد داد. رای این شعبه قطعی است و اقدامات موضوع این تبصره مانع اجرای حکم تجدیدنظر خواسته نخواهد بود. ماده ۲۴ - مهلت تجدیدنظرخواهی برای محکوم علیه و شاکی ده روز از تاریخ ابلاغ و نسبت به سایر اشخاص تا سه ماه پس از تاریخ صدور حکم خواهد بود. ماده ۲۵ - شعب تجدیدنظر در صورتی که آرای شعب بدوی را کمتر از مجازات مقرر قانونی بدانند می توانند آن را تشدید نمایند. ماده ۲۶ - هرگاه تخلف اشخاص عنوان یکی از جرایم مندرج در قوانین جزایی را نیز داشته باشد شعب تعزیرات حکومتی مکلفند به تخلف رسیدگی و رای قانونی صادر نمایند و مراتب را برای رسیدگی به آن جرم به دادگاه صالح اعلام دارند، هرگونه تصمیم مراجع قضایی مانع اجرای مجازاتهای تعزیرات حکومتی نخواهد بود. ماده ۲۷ - رسیدگی و صدور رای در شعب بدوی پس از استماع دفاعیات متهم صورت خواهد گرفت دفاع ممکن است ضمن حضور در جلسه رسیدگی بوده و یا طی ارسال لایحه دفاعیه صورت گیرد. ماده ۲۸ - چنانچه متهم پس از اخطار از ناحیه شعبه رسیدگی کننده ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ اخطاریه در وقت مقرر حضور نیابد یا لایحه ای ارسال ندارد غیابا درباره وی رسیدگی خواهد شد. ماده ۲۹ - به تخلفات شرکا و معاونین در شعبه ای رسیدگی می شود که صلاحیت رسیدگی به پرونده متخلف اصلی را دارد. ماده ۳۰ - به تخلفات متعدد متخلف توأما و یکجا رسیدگی شده و چنانچه در چند حوزه مرتکب تخلف گردد در حوزه ای رسیدگی می شود که تخلف اشد در آن حوزه انجام شده است ، و چنانچه تخلفات از یک درجه باشد در محل اقامت متخلف یا محل اشتغال وی به پرونده رسیدگی خواهد شد. ماده ۳۱ - چنانچه یک نفر مرتکب چند تخلف گردد به مجازات همه آنها محکوم خواهد گردید. ماده ۳۲ - محکوم علیه موظف است پس از قطعیت رای و ابلاغ به وی حداکثر تا ده روز از تاریخ ابلاغ نسبت به پرداخت جریمه متعلقه و

اجرای رای اقدام نماید، در غیر این صورت جریمه از محل فروش اموال وی به نرخ رسمی اعلام شده (غیر از مستثنیات دین وصول خواهد شد. ماده ۳۳ - محل کسب یا فعالیت مستنکف از پرداخت جریمه تا وصول آن به رای شعبه رسیدگی کننده تعطیل و در موارد لزوم مستنکف بازداشت خواهد شد. ماده ۳۴ - کلیه جرایم به حساب خاصی که به همین منظور نزد خزانه‌داری کل افتتاح می‌شود واریز خواهد شد. ماده ۳۵ - کلیه سازمانهای دولتی از قبیل سازمان ثبت اسناد و سازمان زندانها، نیروی انتظامی، واحدهای ابلاغ و اجرای دادگستری و بانکها موظف به همکاری بوده و همانند آرای قطعی محاکم عمومی و انقلاب موجبات اجرای آرای شعب تعزیرات حکومتی را فراهم خواهند آورد. ماده ۳۶ - این آیین‌نامه در ۳۶ ماده و ۶ تبصره در تاریخ ۱/۸/۷۳ به پیشنهاد وزیر دادگستری به تصویب رسیده و لازمالاجرا می‌باشد.

### قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳

مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام مصوب ۱۹/۷/۱۳۷۳ ماده واحده - با توجه به ضرورت نظارت و کنترل دولت بر امور اقتصادی و لزوم هماهنگی مراجع قیمت‌گذاری و توزیع کالا - و اجرای مقررات و ضوابط مربوط به آن کلیه امور تعزیرات حکومتی بخش دولتی و غیردولتی اعم از امور بازرسی و نظارت رسیدگی و صدور حکم قطعی و اجرای آن به دولت (قوه مجریه محول می‌گردد تا براساس جرایم و مجازات های مقرر در قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ اقدام نماید. تبصره ۱ - مراتب تعزیری تذکر، اخطار و اخذ تعهد کتبی حذف می‌گردد. تبصره ۲ - سازمان تشکیلات و عوامل نظارت و بازرسی رسیدگی صدور حکم و اجرای آن تجدیدنظر و رسیدگی به شکایات و شرح وظایف آنها، نحوه رسیدگی و ضوابط اجرایی، مالی و استخدامی به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب هیات دولت می‌رسد و آن قسمت از فصلهای سوم و چهارم قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۶۷ که مغایر این قانون است و تشکیلات موضوع آن لغو و وظایف و اختیارات تشکیلات و مراجع مقرر در آنها برعهده عوامل و سازمانها و مراجعی است که در آیین‌نامه مصوب هیات وزیران معین می‌شود. تبصره ۳ - برای وصول به اهداف مقرر در این قانون دولت می‌تواند در موارد لزوم تصمیمات مراجع قیمت‌گذاری و تعیین شبکه‌های توزیع را هماهنگ و اصلاح نماید. تبصره ۴ - دادگستری و نیروی انتظامی و کلیه دستگاههای اجرایی و شرکتهای تحت پوشش دولت و ملی شده و نهادهای انقلابی و موسسات عمومی غیردولتی و شرکتهای سازمانهای تابعه و سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و زندانها موظف هستند نسبت به اجرای احکام تعزیراتی موضوع این قانون اقدام نمایند. تبصره ۵ - کلیه درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب ویژه‌های واریز می‌شود تا باتصویب هیات وزیران برای اجرای قانون و ساماندهی امر توزیع به مصرف برسد. تبصره ۶ - از تاریخ ابلاغ این قانون مصوبه مورخ ۲۷/۹/۱۳۶۹ مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تعزیرات حکومتی بخش دولتی و سایر قوانین و مقررات مغایر لغو می‌گردد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و شش تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه فوق العاده روز سه‌شنبه مورخ نوزدهم مهرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و سه مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و به تصویب رسیده است

### قانون نظام صنفی کشور - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲

#### فصل اول - تعاریف

ماده ۱ - نظام صنفی قواعد و مقرراتی است که امور مربوط به سازمان، وظایف، اختیارات، حدود و حقوق افراد و واحدهای صنفی را طبق این قانون تعیین می‌کند. ماده ۲ - فرد صنفی: هر شخص حقیقی یا حقوقی که در یکی از فعالیت‌های صنفی اعم از

تولید، تبدیل خرید، فروش توزیع خدمات و خدمات فنی سرمایه گذاری کند و به عنوان پیشه‌ور و صاحب حرفه و شغل آزاد، خواه به شخصه یا با مباشرت دیگران محل کسبی دایر یا وسیله کسبی فراهم آورد و تمام یا قسمتی از کالا، محصول یا خدمات خود را به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم و به‌صورت کلی یا جزیی به مصرف‌کننده عرضه دارد، فرد صنفی شناخته می‌شود. تبصره - صنفی که قانون خاص دارند، از شمول این قانون مستثنی هستند. ماده ۳- واحد صنفی: هر واحد اقتصادی که فعالیت آن در محل ثابت یا وسیله سیار باشد و توسط فرد یا افراد صنفی با اخذ پروانه کسب دایر شده باشد، واحد صنفی شناخته می‌شود. تبصره ۱- فعالیت واحدهای صنفی سیار در محل ثابت با اخذ پروانه کسب برای همان محل بلامانع است تبصره ۲- اماکنی که طبق ضوابط مصوب کمیسیونهای نظارت واجد شروط لازم جهت استقرار چند واحد صنفی باشند، می‌توانند به عنوان محل ثابت کسب به وسیله یک یا چند فرد صنفی، پس از اخذ پروانه کسب از اتحادیه یا اتحادیه‌های ذی‌ربط، مورد استفاده قرار گیرند. تبصره ۳- دفاتری که خدماتی به واحدهای صنفی سیار می‌دهند، واحد صنفی محسوب می‌شوند. ماده ۴- صنف: آن گروه از افراد صنفی که طبیعت فعالیت آنان از یک نوع باشد، تشکیل یک صنف را می‌دهند. صنوف مشمول این قانون با توجه به نوع فعالیت آنها به چهار گروه تولیدی، خدمات فنی، توزیعی یا خدماتی تقسیم می‌شوند. ماده ۵- پروانه کسب: مجوزی است که طبق مقررات این قانون به منظور شروع و ادامه کسب و کار یا حرفه به فرد یا افراد صنفی برای محل مشخص یا وسیله کسب معین داده می‌شود. ماده ۶- پروانه تخصصی و فنی گواهینامه‌ای است که بر داشتن مهارت انجام دادن کارهای تخصصی یا فنی دلالت دارد و به وسیله مراجع ذی‌صلاح صادر می‌شود. ماده ۷- اتحادیه: شخصیتی حقوقی است که از افراد یک یا چند صنف که دارای فعالیت یکسان یا مشابه‌اند، برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌گردد. ماده ۸- مجمع امور صنفی: مجمعی است که از نمایندگان منتخب اعضای هیات مدیره اتحادیه‌های صنفی هر شهرستان برای انجام دادن وظایف و مسوولیت‌های مقرر در این قانون تشکیل می‌شود. ماده ۹- شورای اصناف کشور: شورایی است که از نمایندگان هیات رییسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور با هدف تقویت مبانی نظام صنفی در تهران تشکیل می‌گردد. ماده ۱۰- کمیسیون نظارت: کمیسیونی است که به‌منظور برقراری ارتباط و ایجاد هماهنگی بین اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی با سازمانها و دستگاههای دولتی در راستای وظایف و اختیارات آنها و همچنین نظارت بر اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی هر شهرستان تشکیل می‌شود. ماده ۱۱- هیات عالی نظارت: هیاتی است که به منظور تعیین برنامه‌ریزی هدایت ایجاد هماهنگی و نظارت بر کلیه اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی شورای اصناف کشور و کمیسیونهای نظارت تشکیل می‌گردد و بالاترین مرجع نظارت بر امور اصناف کشور است

## فصل دوم - فرد صنفی

ماده ۱۲- افراد صنفی موظفند قبل از تاسیس هر نوع واحد صنفی یا اشتغال به کسب و حرفه نسبت به اخذ پروانه کسب اقدام کنند. تبصره ۱- آیین‌نامه صدور پروانه کسب طبق مفاد این قانون ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر وزارتخانه‌های کشور، بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اداره کل نظارت بر اماکن عمومی ناجا و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲- کلیه دستگاههایی که اتحادیه‌ها برای صدور پروانه کسب از آنها استعلام میکنند، موظفند ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت استعلام نظر قطعی و نهایی خود را اعلام دارند. عدم اعلام نظر در مهلت مقرر به منزله نظر مثبت است تبصره ۳- صدور بیش از یک پروانه کسب برای هر فرد صنفی واجد شروط قانونی برای یک یا چند محل کسب بلامانع است تبصره ۴- در صورتیکه چند نفر، یک واحد صنفی را به صورت مشترک اداره کنند، به‌طور مشترک مسوولیت امور واحد را عهده‌دار خواهند بود. تبصره ۵- تمدید اعتبار پروانه کسب هر ده سال یکبار الزامی است ماده ۱۳- صدور پروانه کسب برای مشاغل تخصصی و فنی مستلزم اخذ پروانه تخصصی و فنی از مراجع ذی‌ربط به وسیله

متقاضی است اگر متقاضی واجد شروط لازم برای اخذ پروانه تخصصی و فنی نباشد، حضور یک نفر شاغل دارنده پروانه تخصصی و فنی در واحد صنفی برای صدور پروانه کسب مشروط، به نام متقاضی کافی است تبصره - انواع مشاغل تخصصی و فنی به شرح آیین نامه ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با هماهنگی وزارتخانه ها و سازمانهای ذیربط و نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۱۴ - افراد صنفی مکلفند در هر سال عوارض کسب و پیشه حق عضویت اتحادیه (در صورت عضویت و مالیات خود را بپردازند. ماده ۱۵ - افراد صنفی عرضه کننده کالاها و خدمات مکلفند با الصاق برچسب روی کالا، یا نصب تابلو در محل کسب یا حرفه قیمت واحد کالا یا دستمزد خدمت را به طور روشن و مکتوب و به گونه ای که برای همگان قابل رویت باشد، اعلام کنند. تبصره ۱ - هر فرد صنفی در مقابل دریافت بها، اجرت یا دستمزد باید صورتحسابی شامل نام و نشانی واحد صنفی، تاریخ، مبلغ دریافتی و نوع و مشخصات کالاها فروخته شده یا خدمات انجام شده را به مشتری تسلیم دارد. تبصره ۲ - مجمع امور صنفی میتواند با تصویب کمیسیون نظارت مرکز استان بعضی از صنوف یا مشاغل را تا مبلغی معین یا برخی دیگر را که دادن صورتحساب برای آنها مشکل است از دادن صورتحساب معاف کند. تبصره ۳ - افراد صنفی که کالاها خود را به صورت کلی عرضه میدارند باید از صورتحسابهای چاپ شده استفاده کنند و مشخصات خریدار را نیز در آن بنویسند. تبصره ۴ - فرد صنفی، مسوول انطباق کیفیت و کمیت هر نوع کالای عرضه شده یا خدمت ارائه گردیده با وجه یا اجرت دریافتی مندرج در صورتحساب است ماده ۱۶ - صاحبان اماکن عمومی به تشخیص مجمع امور صنفی و تصویب کمیسیون نظارت مکلفند: الف - فهرست قیمت غذا و مواد غذایی را که برای مصرف مشتریان ارائه میشود در برگه های مخصوص تهیه و در دسترس مشتریان قرار دهند و بر مبنای آن صورتحساب به مشتری تسلیم دارند. ب - نرخ اغذیه و مواد غذایی خود را در تابلو مخصوص در محل کسب به قسمی که در معرض دید همگان باشد نصب کنند. ماده ۱۷ - افراد صنفی مکلفند قوانین و مقررات جاری کشور، از جمله قوانین و مقررات صنفی، انتظامی، بهداشتی، ایمنی، حفاظت فنی و زیباسازی محیط کار و دستورالعمل های مربوط به نرخ گذاری کالاها و خدمات را که از سوی مراجع قانونی ذیربط ابلاغ میگردد، رعایت و اجرا کنند. تبصره ۱ - افراد صنفی مکلفند پیش از به کارگیری کسانی که برای انجام دادن خدمات به منازل و اماکن مراجعه میکنند، مراتب را به اتحادیه اطلاع دهند تا اتحادیه پس از اخذ نظر نیروی انتظامی، نسبت به صدور کارت شناسایی عکس دار با درج تخصص اقدام لازم را به عمل آورد. تبصره ۲ - افراد صنفی مجاز نیستند برای جلب مشتری درباره محصولات کالاها یا خدمات برخلاف واقع تبلیغ کنند. در غیر این صورت طبق ماده ۶۸) این قانون با آنها رفتار خواهد شد. ماده ۱۸ - در صورتیکه دارنده پروانه کسب بخواهد پروانه خود را به دیگری واگذار کند، باید درخواست کتبی خود را به اتحادیه تسلیم دارد. اتحادیه در صورت واجد شروط قانونی بودن فرد معرفی شده و با رعایت سایر مقررات پروانه کسب متقاضی را باطل و پروانه جدیدی به نام فرد معرفی شده صادر میکند. ماده ۱۹ - در صورتیکه دارنده پروانه کسب محجور شود، قیم میتواند با رعایت غبطه محجور و طبق مقررات این قانون نسبت به اداره یا انتقال واحد صنفی اقدام کند. ماده ۲۰ - در صورت فوت صاحب پروانه کسب حقوق متعارف ناشی از واحد صنفی متعلق به ورثه است چنانچه ورثه یا نماینده قانونی آنها مایل باشند، در صورت دارا بودن شروط فردی، میتوانند ظرف مدت دو سال نسبت به اخذ پروانه کسب با رعایت مقررات اقدام کنند. پس از انقضای مهلت مقرر پروانه متوفی از درجه اعتبار ساقط است

### فصل سوم - اتحادیه ها

ماده ۲۱ - در هر شهرستان که واحدهای صنفی با فعالیت های شغلی مشابه یا همگن وجود داشته باشد، افراد صنفی با رعایت این قانون مبادرت به تشکیل اتحادیه می کنند. تبصره ۱ - اتحادیه دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می یابد. تبصره ۲ - حدنصاب تعداد واحدهای صنفی برای تشکیل یک اتحادیه در کشور به شرح زیر است الف -

در تهران ۳۰۰ واحد ب - در شهرستانهای با بیش از دو میلیون نفر جمعیت ۲۰۰ واحد ج - در شهرستانهای دارای بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر جمعیت ۱۵۰ واحد د - در شهرستانهای دارای بیش از پانصد هزار نفر و کمتر از یک میلیون نفر جمعیت ۱۰۰ واحد ه - در شهرستانهای با کمتر از پانصد هزار نفر جمعیت ۵۰ واحد تبصره ۳ - کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون نسبت به ادغام اتحادیه‌هایی که تعداد واحدهای صنفی تحت پوشش آنها کمتر از نصابهای تعیین شده است اقدام کند. تبصره ۴ - اگر تشکیل اتحادیه واحد برای تمامی شهرها یا بخشهای هر شهرستان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان ممکن نباشد، شیوه اداره امور واحدهای صنفی آن شهرها یا بخشها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۵ - اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی یک شهرستان که تعدادشان به نصاب مقرر جهت تشکیل اتحادیه نرسیده است به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، در صورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای با همان تعداد واحدهای موجود تشکیل خواهد شد. تبصره ۶ - اگر تشکیل اتحادیه‌ای در مرکز استان از واحدهای صنفی موجود در شهرستانهای همان استان به تشخیص کمیسیون نظارت مرکز استان لازم باشد، در صورت تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌ای در مرکز استان تشکیل خواهد شد. این اتحادیه مانند سایر اتحادیه‌های موضوع این ماده تلقی خواهد شد. تبصره ۷ - اگر تشکیل اتحادیه‌ای از واحدهای صنفی سراسر کشور لازم باشد، با تایید وزیر بازرگانی اتحادیه کشوری تشکیل خواهد شد. این اتحادیه نیز مانند دیگر اتحادیه‌های موضوع این ماده خواهد بود. ماده ۲۲ - اتحادیه‌ها توسط هیات مدیره منتخب اعضای اتحادیه اداره می‌شوند. تعداد اعضای این هیات پنج نفر اصلی و دو نفر علی‌البدل برای اتحادیه‌های دارای کمتر از هزار واحد صنفی عضو و هفت نفر اصلی و سه نفر علی‌البدل برای اتحادیه‌های دارای بیش از هزار واحد صنفی عضو خواهد بود. تبصره ۱ - مدت خدمت و مسئولیت اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها از تاریخ انتخاب چهار سال تمام خواهد بود. اعضای هیات مدیره با رای مخفی و مستقیم اعضای اتحادیه انتخاب می‌شوند. انتخاب مجدد افراد عضو هیات مدیره در ادوار بعد بلامانع است تبصره ۲ - کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است شش ماه قبل از پایان هر دوره هیات مدیره مقدمات برگزاری انتخابات را فراهم آورد. تبصره ۳ - انتخابات اتحادیه‌ها در دور اول با حضور حداقل یک سوم اعضا و در دور دوم با حضور حداقل یک چهارم اعضا رسمیت می‌یابد. در صورت برگزار نشدن انتخابات در دور دوم تا انتخاب هیات مدیره جدید، کمیسیون نظارت مکلف است با تشکیل هیات سرپرستی از بین اعضای همان صنف که توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند، افراد واجد شروط قانونی را برای اداره امور اتحادیه به طور موقت منصوب کند. آیین‌نامه انتخابات اتحادیه‌ها توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها ظرف دو ماه از تاریخ تصویب این قانون تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۴ - در صورتی که بر اثر استعفا، عزل فوت بیماری حجر یا محرومیت از حقوق اجتماعی عضو یا اعضایی از هیات مدیره با وجود جایگزینی اعضای علی‌البدل آن هیات از نصاب این ماده خارج شود، کمیسیون نظارت مکلف است ظرف شش ماه نسبت به برگزاری انتخابات برای تعیین اعضای جایگزین اقدام کند. تا انجام انتخابات افرادی از اعضای همان صنف که واجد شروط قانونی برای اداره امور اتحادیه باشند، توسط مجمع امور صنفی معرفی می‌گردند تا پس از تصویب کمیسیون نظارت به‌عنوان اعضای جایگزین به عضویت اصلی یا علی‌البدل هیات مدیره منصوب شوند. اگر کمتر از دو سال از مدت مأموریت هیات مدیره مانده باشد، مدت مأموریت اعضای جایگزین تا پایان مدت مأموریت هیات مدیره ادامه خواهد یافت تبصره ۵ - افراد منصوب شده موضوع تبصره‌های (۳) و (۴) این ماده دارای کلیه اختیارات حقوق و تکالیف هیات مدیره به استثنای عضویت در هیات ریسه مجمع امور صنفی خواهند بود. ماده ۲۳ - هیات مدیره اتحادیه‌ها از میان خود یک نفر را به عنوان رییس یک نفر را به عنوان نایب رییس یک نفر را به عنوان بازرس یک نفر را به عنوان خزانه‌دار و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد این افراد بلامانع خواهد بود. رییس هیات مدیره علاوه بر دعوت از اعضا، اداره جلسات و ابلاغ مصوبات به‌عنوان نماینده اتحادیه در

مجمع امور صنفی شهرستان نیز شناخته می‌شود. رییس هیات مدیره بالا-ترین مقام اجرایی اتحادیه محسوب می‌گردد. در غیاب رییس نایب رییس وظایف و اختیارات وی را برعهده می‌گیرد. تبصره - در اتحادیه‌هایی که تعداد اعضای هیات مدیره آن هفت نفر است دو نفر نایب رییس و دو نفر بازرس خواهند بود. ماده ۲۴ - هیات مدیره هر اتحادیه مکلف است از خدمات یک نفر، که دارای حداقل مدرک کارشناسی باشد، به صورت تمام وقت به عنوان مدیر اجرایی استفاده کند. در شهرستانهای دارای کمتر از یک میلیون نفر جمعیت به کارگیری افراد دیپلمه به‌عنوان مدیر اجرایی بلامانع است مدیر اجرایی معجری مصوبات هیات مدیره و منتخب آن است و با جایگزین شدن هیات مدیره جدید مستعفی تلقی می‌گردد. استفاده از خدمات همان مدیر در ادوار بعد بلامانع است ماده ۲۵ - در صورت نیاز، کمیسیون نظارت مرکز استان بنا به درخواست اکثریت نسبی اتحادیه‌های صنفی شهرستانهای همان استان با نظرخواهی از مجمع امور صنفی مرکز استان نسبت به تشکیل مجمع استانی برای اتحادیه‌های آن استان اقدام خواهد کرد. این مجمع متشکل از نمایندگان هیات مدیره اتحادیه‌های شهرستانها خواهد بود و به منظور تبادل نظر در خصوص مشکلات و امور صنفی ارایه پیشنهاد و برقراری ارتباط و هماهنگی‌های لازم با مراجع و مراکز ذی‌ربط تشکیل می‌شود. تبصره - تعداد نمایندگان هر شهرستان به ازای هر پنج اتحادیه یک نفر خواهد بود که با رای روسای اتحادیه‌ها انتخاب خواهند شد. مدت ماموریت اعضای هیات مدیره مجمع استانی دو سال است ماده ۲۶ - هرگاه شخصی بخواهد فعالیت صنفی را آغاز کند، ابتدا باید به اتحادیه ذی‌ربط مراجعه و تقاضای کتبی خود را تسلیم و رسید دریافت دارد. اتحادیه مکلف است در چارچوب مقررات نظر خود را مبنی بر رد یا قبول تقاضا حداکثر ظرف پانزده روز با احتساب ایام غیرتعطیل رسمی به صورت کتبی به متقاضی اعلام کند. عدم اعلام نظر در مدت یاد شده به منزله پذیرش تقاضا محسوب می‌گردد. در صورت قبول تقاضا توسط اتحادیه متقاضی باید از آن تاریخ ظرف حداکثر سه ماه مدارک مورد نیاز اتحادیه را تکمیل کند و به اتحادیه تسلیم دارد. در غیر این صورت متقاضی جدید محسوب خواهد گردید. اتحادیه موظف است پس از دریافت تمام مدارک لازم و با رعایت ضوابط ظرف پانزده روز نسبت به صدور پروانه کسب و تسلیم آن به متقاضی اقدام کند. همچنین متقاضی پروانه کسب موظف است از تاریخ دریافت پروانه کسب ظرف شش ماه نسبت به افتتاح محل کسب اقدام کند. تبصره ۱ - چنانچه اتحادیه درخواست متقاضی پروانه کسب را رد کند یا از صدور پروانه کسب استنکاف ورزد، باید مراتب را با ذکر دلایل مستند به‌طور کتبی به متقاضی اعلام کند. در صورتی که متقاضی به آن معترض باشد، می‌تواند اعتراض کتبی خود را ظرف بیست روز از تاریخ دریافت پاسخ به مجمع امور صنفی ذی‌ربط تسلیم دارد. مجمع امور صنفی مکلف است طی پانزده روز به اعتراض متقاضی رسیدگی و نظر نهایی خود را برای اجرا به اتحادیه مربوط اعلام کند. تبصره ۲ - در صورتی که اتحادیه یا متقاضی به نظر مجمع امور صنفی معترض باشند می‌توانند ظرف بیست روز از زمان ابلاغ نظر مجمع امور صنفی اعتراض خود را نسبت به نظر مجمع مذکور به کمیسیون نظارت منعکس کنند. کمیسیون نظارت مکلف است ظرف یک ماه نظر خود را اعلام دارد. نظر کمیسیون نظارت در این مورد معتبر و قابل اجرا است مگر آن که هیات عالی نظارت نظر کمیسیون نظارت را ظرف یک ماه پس از دریافت اعتراض نقض کند. در این صورت نظر هیات عالی نظارت قطعی و لازمالاجرا است در صورت اعتراض هر یک از طرفین می‌توانند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کنند. تبصره ۳ - برای صنوفی که تعداد آنها به حد نصاب نرسیده است یا فاقد اتحادیه هستند، پروانه کسب از طریق اتحادیه همگن بنا به تشخیص کمیسیون نظارت صادر خواهد شد. تبصره ۴ - واحدهای صنفی که به‌عنوان آلاینده یا مزاحم نقل مکان داده می‌شوند، همچنان عضو اتحادیه‌ای که بوده‌اند خواهند ماند، حتی اگر در محدوده جغرافیایی جدیدی قرار گیرند. ماده ۲۷ - محل دایر شده به‌وسیله هر شخص حقیقی یا حقوقی که پروانه کسب دایم یا موقت برای آن صادر نشده باشد، با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی پلمب می‌گردد. تبصره ۱ - قبل از پلمب محل دایر شده از ده تا بیست روز به دایرکننده مهلت داده می‌شود تا کالاهای موجود در محل را تخلیه کند. تبصره ۲ - کسانی که پلمب یا لا-ک و مهر محل‌های تعطیل شده در اجرای این قانون را بشکنند و محل‌های مزبور را به نحوی از انحا برای

کسب مورد استفاده قرار دهند، به مجازات‌های مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. تبصره ۳ - پرداخت عوارض توسط اشخاص موضوع این ماده موجب احراز هیچ یک از حقوق صنفی نخواهد شد. ماده ۲۸ - واحد صنفی تنها در موارد زیر پس از گذراندن مراحل مندرج در آیین‌نامه‌ای که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، به‌طور موقت از یک هفته تا شش ماه تعطیل می‌گردد: الف - اشتغال به شغل یا مشاغل دیگر در محل کسب غیر از آنچه در پروانه کسب قید گردیده یا کمیسیون نظارت مجاز شمرده است ب - تعطیل محل کسب بدون دلیل موجه حداقل به مدت پانزده روز برای آن دسته از صنوفی که به تشخیص هیات عالی نظارت موجب عسر و حرج برای مصرف‌کننده می‌شود. تبصره - تشخیص موجه بودن دلیل با مجمع امور صنفی است ج - عدم پرداخت حق عضویت به اتحادیه براساس ضوابطی که در آیین‌نامه مصوب کمیسیون نظارت تعیین شده است د - عدم اجرای مصوبات و دستورات قانونی هیات عالی و کمیسیون نظارت که به‌وسیله اتحادیه‌ها به واحدهای صنفی ابلاغ شده است تبصره - تشخیص عدم اجرا بر عهده مجمع امور صنفی است ه - عدم اجرای تکالیف واحدهای صنفی به موجب این قانون تبصره ۱ - تعطیل موقت واحد صنفی با اعلام اتحادیه راسا از طریق نیروی انتظامی به عمل می‌آید. تبصره ۲ - هر فرد صنفی که واحد کسب وی تعطیل می‌شود می‌تواند به کمیسیون نظارت شکایت کند. نظر کمیسیون نظارت که حداکثر ظرف دو هفته اعلام خواهد شد، لازمالاجرا است در صورت اعتراض فرد صنفی می‌تواند به مراجع ذی صلاح قضایی مراجعه کند. تبصره ۳ - جبران خسارات وارد شده به واحد صنفی در اثر تعطیل غیرموجه با مجوز اتحادیه یا مراجع دیگر، به‌استناد نظر کمیسیون نظارت بر عهده دستوردهنده است ماده ۲۹ - اتحادیه‌ها می‌توانند وصول مالیات، عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت را طبق مقررات و قوانین جاری عهده‌دار شوند و مبالغ وصول شده بابت مالیات عوارض یا هزینه خدمات را ظرف یک هفته به حساب قانونی دستگاه مربوطه واریز کنند. مبلغ کارمزد توافق شده از سوی طرف توافق به حساب اتحادیه‌ها واریز می‌گردد. ماده ۳۰ - وظایف و اختیارات اتحادیه‌ها عبارت است از: الف - ارائه پیشنهاد برای تهیه تنظیم یا تغییر ضوابط صدور پروانه کسب و انواع پروانه‌های لازم برای مشاغل به مجمع امور صنفی ب - اجرای مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت که در چارچوب این قانون به اتحادیه‌ها ابلاغ می‌گردد. تبصره - مجمع امور صنفی موظف است مصوبات و بخشنامه‌های هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت را ظرف پنج روز از تاریخ دریافت به اتحادیه‌ها ابلاغ کند. پس از انقضای این مهلت دبیرخانه هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت می‌تواند بی‌واسطه مصوبات و بخشنامه‌های خود را به اتحادیه‌ها برای اجرا ابلاغ کند. ج - ارائه پیشنهاد درباره امور اصناف به مجمع امور صنفی د - صدور پروانه کسب با دریافت تقاضا و مدارک متقاضیان با رعایت قوانین و مقررات مربوط ه - ابطال پروانه کسب و تعطیل محل کسب طبق مقررات این قانون و اعلام آن به کمیسیون نظارت و جلوگیری از ادامه فعالیت واحدهای صنفی که بدون پروانه کسب دایر می‌شوند یا پروانه آنها به عللی باطل می‌گردد. و - تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا آخر دی‌ماه هر سال به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب ز - تنظیم ترازنامه سالانه و تسلیم آن تا پایان خردادماه هر سال به مجمع امور صنفی برای رسیدگی و تصویب ح - ایجاد تسهیلات لازم برای آموزشهای مورد نیاز افراد صنفی به‌طور مستقل یا با کمک سازمانهای دولتی یا غیردولتی ط - تشکیل کمیسیونهای رسیدگی به شکایات، حل اختلاف، بازرسی واحدهای صنفی، فنی و آموزشی و کمیسیونهای دیگر مصوب هیات عالی نظارت تبصره ۱ - اعضای کمیسیونهای مذکور بین سه تا پنج نفرند که از میان اعضای دارای پروانه کسب به پیشنهاد اتحادیه و تصویب مجمع امور صنفی ذی‌ربط تعیین می‌شوند. تبصره ۲ - آیین‌نامه اجرایی این بند توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۳ - در صورت بروز اختلاف صنفی بین افراد صنفی و اتحادیه مراتب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و صدور رای ارجاع می‌شود. طرف معترض نسبت به رای صادرشده می‌تواند ظرف بیست روز اعتراض خود را به کمیسیون نظارت تسلیم دارد. نظر کمیسیون نظارت قطعی و لازمالاجرا خواهد بود. در صورت اعتراض هر یک از طرفین می‌تواند به مراجع ذی‌صلاح قضایی مراجعه



کنند. ی - وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات به نمایندگی از طرف وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت ک - هماهنگی با شهرداری و شورای شهر به منظور ایجاد شهرکهای صنفی و تمرکز تدریجی کالاها و معاملات عمده‌فروشی در میدین و مراکز معین شهری متناسب با احتیاجات شهر طبق مقررات و ضوابطی که به تصویب کمیسیون نظارت برسد. ل - رایه پیشنهاد به منظور تعیین نرخ کالا و خدمات حدود صنفی تعداد واحدهای صنفی مورد نیاز در هر سال جهت صدور پروانه کسب به مجمع امور صنفی جهت رسیدگی و تصویب کمیسیون نظارت م - سایر مواردی که در این قانون پیش‌بینی شده است تبصره - در بخشها و شهرهای تابعه مرکز شهرستان که بنا به اعلام اتحادیه‌ها و تصویب هیات‌عالی نظارت انجام خدمات صنفی از طریق اتحادیه مقدور نمی‌باشد. ادارات دولتی شهرداریها، سازمانهای وابسته حسب مورد مجاز به انجام خدمات مذکور می‌باشند. ماده ۳۱ - منابع مالی هر اتحادیه عبارتند از: الف - حق عضویت افراد صنفی در اتحادیه ب - وجوه دریافتی در ازای رایه خدمات اعم از فنی و آموزشی به اعضای صنف ج - کمکهای دریافتی از اشخاص حقیقی یا حقوقی د - کارمزد وصول مالیات عوارض و هزینه خدمات وزارتخانه‌ها، شهرداریها و سازمانهای وابسته به دولت تبصره ۱ - میزان و نحوه وصول وجوه موضوع این ماده متناسب با وضعیت اتحادیه نوع شغل و شهر، صرفا و انحصارا در چارچوب آیین‌نامه‌ای مجاز خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ - اتحادیه‌ها موظفند بیست درصد (۲۰٪) مبالغ دریافتی به موجب این ماده را به حساب مجمع امور صنفی واریز کنند.

#### فصل چهارم - مجمع امور صنفی

ماده ۳۲ - مجامع امور صنفی از نمایندگان اتحادیه‌ها با ترکیب زیر تشکیل می‌گردد: الف - مجمع امور صنفی صنوف تولیدی - خدمات فنی ب - مجمع امور صنفی صنوف توزیعی - خدماتی ج - مجمع امور صنفی مشترک صنوف تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تبصره ۱ - مجمع امور صنفی دارای شخصیت حقوقی و غیرانتفاعی است و پس از ثبت در وزارت بازرگانی رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ - حداقل تعداد واحدهای صنفی دارای پروانه کسب در هر شهرستان برای تشکیل دو مجمع جداگانه بیست هزار واحد صنفی است هیات عالی نظارت می‌تواند بنا به پیشنهاد کمیسیون نظارت مراکز استانها نصاب مذکور را جهت شهرستان‌های تابعه آن استان تغییر دهد و نسبت به تشکیل ادغام یا تفکیک مجمع یا مجامع امور صنفی اتخاذ تصمیم کند. تبصره ۳ - در صورت ادغام مجامع امور صنفی کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات مجامع قبلی با نظارت کمیسیون نظارت به مجمع امور صنفی مشترک منتقل می‌گردد. تبصره ۴ - در صورت تفکیک مجمع امور صنفی مشترک کلیه اموال دارایی‌ها، حقوق و تعهدات آن به نسبت تعداد اعضا با نظارت کمیسیون نظارت به مجامع جدید منتقل می‌گردد. ماده ۳۳ - تعداد اعضای هیات ریسه مجمع امور صنفی مشترک پنج نفر به شرح زیر است: الف - یک نفر رییس ب - دو نفر نایب رییس ج - یک نفر دبیر. د - یک نفر خزانه‌دار. تعداد اعضای هیات ریسه به نسبت تعداد اتحادیه‌های مربوط به صنوف تولیدی - خدمات فنی و توزیعی - خدماتی تعیین خواهد شد. تبصره - تعداد اعضای هیات ریسه مجامع امور صنفی تولیدی - خدمات فنی یا توزیعی - خدماتی هر کدام سه نفر مشتمل بر رییس نایب رییس و دبیر است ماده ۳۴ - جلسات مجامع امور صنفی با حضور حداقل دو سوم اعضا تشکیل می‌شود و رسمیت می‌یابد و تصمیمات متخذه با اکثریت نصف به علاوه یک آرا حاضران در جلسه معتبر خواهد بود. تبصره - مدت ماموریت نماینده هر اتحادیه در مجمع امور صنفی ذی‌ربط تا پایان مدت ماموریت او در هیات‌مدیره اتحادیه است در صورت فوت بیماری محرومیت از حقوق اجتماعی، استعفا، حجر یا عزل هر نماینده اتحادیه وفق مواد (۲۲) و (۲۳) این قانون نسبت به معرفی نماینده دیگری برای مدت باقیمانده به مجمع امور صنفی اقدام می‌کند. ماده ۳۵ - مجمع امور صنفی در اولین جلسه هر دوره هیات ریسه مجمع را برای مدت دو سال انتخاب می‌کند. انتخاب مجدد اعضای مذکور در ادوار بعدی بلامانع است ماده ۳۶ - ترتیب انتخاب هیات ریسه

مجامع امور صنفی وظایف هیات ریسه، طرز تشکیل جلسات و تعداد کمیسیون های آن و سایر مقررات مربوط به اداره مجامع و حق الزحمه خدمات آنها طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با کسب نظر از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۳۷- وظایف و اختیارات مجامع امور صنفی به شرح زیر است الف- ایجاد هماهنگی بین اتحادیه ها، نظارت بر عملکرد آنها و راهنمایی صنوف ب- تنظیم و تصویب آیین نامه های مالی استخدامی اداری آموزشی و تشکیلاتی اتحادیه ها و تغییرات آنها. ج- اظهار نظر در مورد ضوابط خاص داخلی اتحادیه های تحت پوشش برای صدور پروانه کسب جهت بررسی و تصویب کمیسیون نظارت د- نظارت بر حسن اجرای اقدامات اتحادیه ها در خصوص صدور پروانه کسب از جهت تطبیق با مقررات این قانون و آیین نامه های آن ه- تأیید، انتخاب و معرفی نمایندگان اتحادیه ها به اداره های امور مالیاتی هیاتهای حل اختلاف مالیاتی و سایر مراجعی که به موجب قانون معرفی نماینده از طرف صنوف به عمل می آید. و- اجرای مصوبات هیات عالی نظارت و کمیسیون نظارت ز- نظارت بر اجرای مقررات فنی بهداشتی ایمنی انتظامی حفاظتی بیمه گزاری زیباسازی و سایر مقررات مربوط به واحدهای صنفی که از طرف مراجع ذی ربط وضع می شود. همچنین همکاری با ماموران انتظامی در اجرای مقررات تبصره - چنانچه افراد صنفی در انجام دادن ضوابط انتظامی که در موارد خاص تعیین و از طریق مجمع امور صنفی ابلاغ می گردد، و نیز در اجرای مقررات بهداشتی، ایمنی یا زیباسازی با مخالفت مالک ملک مواجه شوند، می توانند با جلب موافقت مجمع امور صنفی و با هزینه خود اقدام مقتضی را به عمل آورند. ح- رسیدگی به اعتراض افراد صنفی نسبت به تصمیمات اتحادیه ها. ط- انتخاب و معرفی یک نفر نماینده از بین اعضا هیات ریسه به کمیسیون نظارت برای نظارت بر حسن اجرای انتخابات هیات مدیره اتحادیه ها. ی- پیشنهاد تشکیل اتحادیه جدید یا ادغام اتحادیه ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت ک- تعیین نوع و نرخ کالاها و خدماتی که افراد هر صنف می توانند برای فروش عرضه یا ارایه کنند و پیشنهاد آن برای اتخاذ تصمیم به کمیسیون نظارت و اعلام مصوبه کمیسیون به اتحادیه ها برای ابلاغ به افراد صنفی با هدف جلوگیری از تداخل صنفی ل- جمع آوری اطلاعات و آمار لازم با وسایل مقتضی برای تعیین حدود و تعداد واحدهای صنفی متناسب با جمعیت و نیازها و ارایه آن به کمیسیون نظارت جهت تصمیم گیری م- تنظیم ساعات کار و ایام تعطیل واحدهای صنفی با توجه به طبیعت و نوع کار آنان و ارایه برنامه برای اتخاذ تصمیم به وسیله کمیسیون نظارت ن- همکاری و معاضدت با سایر مجامع امور صنفی و اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون س- تصویب بودجه ترازنامه و صورتهای مالی اتحادیه ها پس از رسیدگی به آنها و نظارت بر عملیات مالی اتحادیه ها. ع- درجه بندی واحدهای صنفی در موارد لزوم طبق ضوابط و مقرراتی که توسط وزارت بازرگانی و با کسب نظر نیروی انتظامی و اتحادیه های ذی ربط تهیه می شود و به تصویب کمیسیون نظارت می رسد. ف- اجرای برنامه های علمی آموزشی و پژوهشی مورد نیاز برای ارتقا سطح آگاهی های هیات مدیره اتحادیه ها با همکاری دستگاههای دولتی ذی ربط در چارچوب مقررات ص- تنظیم ترازنامه و صورتهای مالی سالانه و تسلیم آن ظرف دو ماه بعد از پایان هر سال مالی به کمیسیون نظارت برای رسیدگی و تصویب تبصره - کمیسیون نظارت مکلف است ترازنامه و صورتهای مالی را ظرف یک ماه رسیدگی کند و نتیجه را به مجمع امور صنفی اعلام دارد. تأیید ترازنامه به منزله مفاصا حساب دوره عملکرد مجمع امور صنفی خواهد بود. ق- تنظیم بودجه سال بعد و تسلیم آن تا اول بهمن ماه هر سال به کمیسیون نظارت برای تصویب و نظارت بر اجرای آن ر- سایر مواردی که در این قانون پیش بینی شده است تبصره ۱- اداره امور مجامع امور صنفی و همچنین پیگیری و اجرای مصوبات اجلاس مجامع امور صنفی و نیز مسوولیت پیگیری و اجرای بندهای (الف)، (د)، (ه)، (ز)، (ح)، (ط)، (ل)، (ن)، (ع) و (ف) این ماده به هیات ریسه مجامع امور صنفی و سایر وظایف و اختیارات محوله به اجلاس عمومی اعضای مجامع امور صنفی واگذار می گردد. تبصره ۲- مجامع امور صنفی با وزارت آموزش و پرورش در مورد آموزش مهارت های شاخه کار دانش همکاری لازم را به عمل خواهند آورد. تبصره ۳- مجامع امور صنفی مجازند برای تشکیل بانک اصناف موسسه اعتباری، صندوق

قرض الحسنه ، شرکت تعاونی اعتبار و دیگر موسسات پولی ، بانکی ، مالی و اعتباری ، طبق قوانین و مقررات جاری کشور اقدام کنند. ماده ۳۸ - در شهرستانهایی که برخی از اتحادیه‌ها به علت نداشتن امکانات و توانایی های لازم نتوانند صدور پروانه کسب را عهده‌دار شوند، به پیشنهاد آن اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب به طور موقت به مجمع امور صنفی واگذار می گردد. در صورت رفع مشکل بنابه پیشنهاد همان اتحادیه و تصویب کمیسیون نظارت مسوولیت صدور پروانه کسب برعهده اتحادیه قرار خواهد گرفت ماده ۳۹ - وظایف کمیسیون بازرسی مجامع امور صنفی به قرار زیر است الف - بازرسی امور مربوط به اتحادیه‌ها به منظور حصول اطمینان از رعایت ضوابط و مقررات صنفی و تنظیم گزارش های لازم تبصره - کمیسیون موظف است نتیجه بررسی و گزارشهای خود را از طریق هیات ریسه مجمع امور صنفی جهت بررسی کمیسیون نظارت تسلیم دارد. ب - بازرسی و رسیدگی به شکایات و اعتراضاتی که به مجمع امور صنفی می رسد و ارایه گزارش لازم به مجمع ماده ۴۰ - مسوولان مجامع امور صنفی و اتحادیه‌ها مکلفند تسهیلات لازم را برای انجام دادن وظایفی که طبق این قانون به کمیسیون بازرسی محول شده است فراهم کنند.

### فصل پنجم - شورای اصناف کشور

ماده ۴۱ - به منظور تقویت مبانی نظام صنفی ، شورایی به نام شورای اصناف کشور با هماهنگی دبیرخانه هیات عالی نظارت در تهران تشکیل می گردد. ماده ۴۲ - شورای اصناف کشور متشکل از نمایندگان هیات ریسه مجامع امور صنفی شهرستانهای کشور است نمایندگان به ترتیب زیر، با نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان و رای مخفی اعضای هیات ریسه مجامع امور صنفی آن استان انتخاب و به دبیرخانه هیات عالی نظارت معرفی می گردند : الف - استانهایی که جمعیت آنها تا یک میلیون نفر باشد، تعداد دو نفر. ب - استانهایی که جمعیت آنها بیش از یک میلیون نفر و کمتر از دو میلیون نفر باشد، تعداد چهار نفر. ج - استانهایی که جمعیت آنها بیش از دو میلیون نفر و کمتر از سه میلیون نفر باشد، تعداد شش نفر. د - استانهایی که جمعیت آنها بیش از سه میلیون نفر باشد، تعداد هشت نفر. ه - استان تهران دوازده نفر. تبصره ۱ - نیمی از نمایندگان در هر مورد همواره از صنوف تولیدی - خدمات فنی و نیم دیگر از صنوف توزیعی - خدماتی خواهند بود. تبصره ۲ - اعضای شورای اصناف کشور به غیر از مبالغ دریافتی به شرح مندرج در آیین نامه موضوع ماده (۴۶) این قانون ، دریافتی دیگری نخواهند داشت ماده ۴۳ - هیات ریسه شورای اصناف کشور مرکب از هفت نفر است که سه نفر از صنوف تولیدی - خدمات فنی و سه نفر از صنوف توزیعی - خدماتی هستند و با رای مخفی اعضای شورای اصناف کشور انتخاب می شوند. یک نفر دیگر به پیشنهاد وزارت بازرگانی و با تصویب هیات عالی نظارت از بین افراد صنفی متعهد و آگاه به مسایل صنفی حداکثر برای مدت دو سال تعیین می گردد. تبصره ۱ - مدت مسوولیت هیات ریسه شورای اصناف کشور نمی تواند بیش از مدت باقیمانده از عضویت آنها در هیات ریسه مجامع امور صنفی باشد. با پایان یافتن مدت مسوولیت هر عضو، عضو دیگری با رعایت مفاد همین ماده جایگزین خواهد شد. تبصره ۲ - نحوه بررسی صلاحیت و برگزاری انتخابات هیات ریسه شورای اصناف کشور به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۴ - پس از تعیین هیات ریسه شورای اصناف کشور، دبیرخانه هیات عالی نظارت موظف است ظرف پانزده روز از هیات ریسه منتخب دعوت به عمل آورد تا در جلسه ای نسبت به انتخاب یک نفر رییس ، دو نفر نایب رییس ، یک نفر دبیر و یک نفر خزانه دار از بین خود اقدام کنند. تشکیل جلسه های ادواری شورای اصناف کشور در محل دبیرخانه هیات عالی نظارت یا هر مکان دیگری خواهد بود که به وسیله دبیرخانه تعیین می شود. ماده ۴۵ - وظایف و اختیارات شورای اصناف کشور، در محدوده این قانون ، طبق آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف شش ماه پس از تصویب این قانون به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۶ - شیوه اداره مصارف وجوه شورای اصناف کشور و بازپرداخت هزینه های

قابل قبول ناشی از عضویت اعضا در شورا، به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۴۷ - منابع مالی شورای اصناف کشور شامل حق عضویت و کمکهای دریافتی از مجامع امور صنفی کشور و حق ارایه خدمات فنی و آموزشی حسب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت و با نظرخواهی از مجامع امور صنفی مراکز استانها تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. | Advertisement | بستن سایر امکانات اولین های حقوقی تماس با ما مراجع قضایی تهران راهنمای قوانین منوی اصلی صفحه اصلی قوانین حقوقی اساسی و مدنی دادرسی و احرا امورحسبی و خانواده وکالت و کارشناسی مسکن و اجاره تجارت کار و تامین اجتماعی بیمه اوقاف قوانین متفرقه قوانین کیفری مجازات و دادرسی مواد مخدر و قاچاق تخلفات صنفی و تعزیرات پزشکی و بهداشتی مطبوعات و رسانه ها هوایی، دریایی و مرزی منابع و محیط زیست زندان و عفو مقررات مختلفه ثبتی و اراضی ثبت اسناد و املاک دفاتر اسناد رسمی اجرای اسناد ثبت شرکت ها ثبت علائم و اختراعات ثبت احوال اوقاف اراضی و املاک کارشناسان، دلالان و مشاورین راهنمایی و رانندگی وزارت کشور شهرداری تهران سازمان حمل و نقل شرکت واحد تاکسیرانی ترمینال مسافری اداره راهنمایی رانندگی قطار شهری تهران جرائم تخلفات رانندگی قوانین متفرقه معاینه فنی شهرداری شهرداری و شورا قوانین شهرسازی مصوبات شورایعالی معماری اراضی و املاک مقررات مالی مقررات استخدامی صنوف و اماکن عمومی حمل و نقل و ترافیک فضای سبز نیروهای مسلح جزا و دادرسی مقررات وزارت دفاع مقررات ارتش مقررات نیروی انتظامی مقررات سپاه مقررات بسیج مقررات نظام وظیفه مقررات عمومی قوانین بین الملل منشور سازمان ملل و ... خصوصی عمومی صلاحیت محاکم فن آوری اطلاعات آرای وحدت رویه آرای حقوقی آرای کیفری بخشنامه های قوه قضائیه

### فصل ششم - کمیسیون نظارت

ماده ۴۸ - کمیسیون نظارت در شهرستانهای مراکز استانها و در سایر شهرستانهای هر استان با ترتیب زیر تشکیل میگردد: الف - در شهرستانهای مراکز استانها - مدیران کل یا روسای سازمانهای زیر: بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. - رییس شورای شهر. - شهردار. - روسای مجامع امور صنفی. - نماینده مطلع و تام الاختیار استانداری. ب - در سایر شهرستان های هر استان - روسای ادارات: بازرگانی (رییس کمیسیون امور اقتصادی و دارایی. بهداشت درمان و آموزش پزشکی. دادگستری. نیروی انتظامی. - رییس شورای شهر. - شهردار. - روسای مجامع امور صنفی. - نماینده مطلع و تام الاختیار فرمانداری یا بخشداری. تبصره ۱ - جلسات کمیسیون های یادشده با حضور حداقل هفت نفر از اعضا رسمیت میابد و تصمیمات با اکثریت مطلق آرای حاضران معتبر خواهد بود. تبصره ۲ - کمیسیون نظارت میتواند از افراد ذیصلاح و صاحب نظر و نیز نماینده دستگاههای دولتی یا عمومی ذی مدخل بدون داشتن حق رای برای حضور در جلسات دعوت به عمل آورد. تبصره ۳ - در تهران، هیات عالی نظارت وظایف کمیسیون نظارت را انجام خواهد داد و میتواند تمام یا قسمتی از وظایف مزبور را به کمیسیون یا کمیسیون هایی مرکب از نمایندگان خود اعم از اعضا هیات یا افراد دیگر واگذار کند. ماده ۴۹ - وظایف و اختیارات کمیسیون نظارت به شرح زیر است: الف - ادغام اتحادیه‌ها یا تقسیم یک اتحادیه به دو یا چند اتحادیه و موافقت با تشکیل اتحادیه جدید. تبصره - وضعیت اموال دارایی ها، حقوق و تعهدات اتحادیه ای که به دو یا چند اتحادیه تقسیم میگردد به موجب آیین‌نامه‌ای تعیین میشود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ب - نظارت بر انتخابات اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی. ج - رسیدگی و بازرسی عملکرد اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی و تطبیق دادن اقدامات انجام شده آنها با قوانین و مقررات د - رسیدگی به بودجه ترازنامه و صورتهای مالی مجامع امور صنفی و تصویب آنها. ه - سایر مواردی که در این قانون پیش بینی شده است تبصره ۱ - کمیسیون نظارت موظف به اجرای تصمیمات هیات عالی نظارت در حدود

وظایف و اختیارات قانونی است تبصره ۲ - کمیسیون نظارت هر شهرستان موظف است براساس امکانات و به منظور رعایت مصالح عمومی و حفظ حقوق دیگران در ابتدای هر سال براساس دستورالعمل تعیین شده از سوی هیات عالی نظارت تعداد واحدهای مورد نیاز هر صنف را در هر شهرستان مشخص و جهت صدور پروانه کسب به اتحادیه‌های صنفی مربوط ابلاغ کند. ماده ۵۰ - مسوولیت ایجاد هماهنگی و همکاریهای لازم بین کمیسیونهای نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی استان برعهده رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان است رییس کمیسیون نظارت شهرستان مرکز استان موظف است با تشکیل جلسات و گردهمایی ها و اتخاذ تدابیر لازم، زمینه انجام دادن امور را فراهم آورد. ماده ۵۱ - کمیسیون نظارت مکلف است انواع کالاها و خدمات واحدهای صنفی را که تعیین نرخ برای آنها از نظر کمیسیون ضرورت دارد، مشخص و نرخ آنها را برای مدت معین تعیین کند و به مجمع امور صنفی ذیربط اعلام دارد. نرخ کالاها و خدماتی که از طرف مجلس شورای اسلامی، دولت یا شورای اقتصاد تعیین میشود، برای کمیسیون لازم الرعایه است مجمع امور صنفی مکلف است مراتب را از طریق رسانه های گروهی برای اطلاع عموم آگهی و از طریق اتحادیه‌ها به افراد و واحدهای صنفی اعلام کند. کلیه افراد و واحدهای صنفی ملزم به رعایت نرخهای تعیین شده از طرف کمیسیون نظارت هستند. ماده ۵۲ - کمیسیون نظارت برای نظارت بر نرخ گذاری کالاها و خدمات موظف است ناظرانی از بین معتمدان خود و مصرف کنندگان انتخاب و معرفی کند. گزارش ناظران برای مراجع قانونی ذیصلاح موضوع ماده ۷۲ قابل پیگیری است برای ناظران از سوی کمیسیون نظارت کارت شناسایی صادر میگردد. تبصره - کلیه امور ناظران اعم از عزل و نصب آنها برعهده وزارت بازرگانی است

### فصل هفتم - هیات عالی نظارت

ماده ۵۳ - هیات عالی نظارت با ترکیب زیر تشکیل می‌شود: الف - وزیر بازرگانی (رییس هیات ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ج - وزیر کشور د - وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ه - وزیر دادگستری و - وزیر امور اقتصادی و دارایی ز - وزیر صنایع و معادن ح - فرماندهی نیروی انتظامی کشور. ط - شهردار تهران ی - رییس شورای اصناف کشور ک - رؤسای مجامع امور صنفی شهرستان تهران تبصره ۱ - جلسات هیات عالی نظارت با حضور اکثریت نسبی اعضا رسمیت می‌یابد. تبصره ۲ - وزیران دیگر، براساس دستور جلسه، با داشتن حق رای در جلسات حضور خواهند یافت تبصره ۳ - هیات عالی نظارت می‌تواند از افراد ذی صلاح و صاحب نظر برای حضور بدون داشتن حق رای در جلسات خود دعوت به عمل آورد. ماده ۵۴ - هیات عالی نظارت دارای دبیرخانه ای است که در وزارت بازرگانی مستقر است دبیرخانه بازوی اجرایی هیات عالی نظارت به شمار می‌آید و علاوه بر هماهنگ کردن امور، وظایف تهیه و تدوین مکتوبات مورد نیاز جهت تصویب هیات و ارائه پیشنهاد را برعهده دارد. تشکیلات اداری و امور مالی و نحوه اداره دبیرخانه به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۵۵ - وظایف و اختیارات هیات عالی نظارت به شرح زیر است الف - تشخیص ضرورت برقراری حدود صنفی و تعیین سقف تعدادی برای صنوف و صدور دستورالعمل در این زمینه‌ها. ب - ابطال انتخابات یا عزل هیات‌ریسه اتحادیه‌ها یا مجامع امور صنفی شهرستانها به پیشنهاد کمیسیون نظارت ج - ابطال انتخابات یا عزل هیات ریسه شورای اصناف کشور. د - رسیدگی به اختلاف بین کمیسیون نظارت و مجامع امور صنفی یا شورای اصناف کشور. ه - تعیین دستورالعمل نظارت بر چگونگی صدور پروانه کسب در سطح کشور. و - تعیین دستورالعمل نظارت بر حسن انجام وظایف قانونی و ایجاد هماهنگی بین کمیسیون های نظارت اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی کشور و شورای اصناف کشور و نظارت بر فعالیت آنها در حدود مفاد این قانون ز - ارائه راهکارهای اجرایی مناسب برای صدور کالاها و خدمات واحدهای صنفی با رعایت قوانین و مقررات جاری کشور. ح - سایر مواردی که به موجب این قانون به هیات عالی نظارت محول گردیده است ماده ۵۶ - هیات عالی نظارت می‌تواند قسمتی از وظایف خود را به کمیسیون یا

کمیسیونهایی مرکب از نمایندگان خود تفویض کند

## فصل هشتم - تخلفات و جریمه ها

ماده ۵۷ - گران فروشی : عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت به بهایی بیش از نرخ های تعیین شده به وسیله مراجع قانونی ذی ربط ، عدم اجرای مقررات و ضوابط قیمت گذاری و انجام دادن هر نوع عملی که منجر به افزایش بهای کالا یا خدمت به زیان خریدار گردد. جریمه گران فروشی ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل مبلغ گران فروشی ، در صورتی که جریمه نقدی کمتر از پنجاه هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل پنجاه هزار (۵۰۰۰۰) ریال خواهد بود. ب - چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج - در صورتی که کل مبلغ جریمه های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت سه ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۸ - کم فروشی عبارت است از عرضه یا فروش کالا یا ارایه خدمت کمتر از میزان یا معیار مقرر شده جریمه کم فروشی با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل دو برابر مبلغ کم فروشی در صورتی که جریمه نقدی کمتر از مبلغ یکصد هزار ریال باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب - چنانچه کل مبلغ جریمه های نقدی پس از سومین مرتبه تخلف به بیش از دومیلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت ده روز نصب خواهد شد. ج - در صورتی که کل مبلغ جریمه های نقدی پس از چهارمین مرتبه تخلف به بیش از بیست میلیون ریال برسد، پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی نصب و محل کسب به مدت چهار ماه تعطیل خواهد شد. ماده ۵۹ - تقلب عبارت است از عرضه یا فروش کالا - یا ارایه خدمتی که از لحاظ کیفیت یا کمیت منطبق با مشخصات کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی نباشد. جریمه تقلب با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - مرتبه اول - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل چهار برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده ، در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یکصد هزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ب - مرتبه دوم - جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی به میزان هشت برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده ، در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ دو صد هزار ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل دو صد هزار ریال خواهد بود. ج - مرتبه سوم - جبران خسارت وارد شده به خریدار، جریمه نقدی معادل دوازده برابر مابه التفاوت ارزش کالا یا خدمت ابرازی یا درخواستی و کالای عرضه یا فروخته شده یا خدمت ارایه داده شده و نصب پارچه یا تابلو بر سر در محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه در صورتی که جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون ریال کمتر باشد، جریمه نقدی معادل یک میلیون ریال خواهد بود. تبصره ۱ - در صورت تقاضای خریدار مبنی بر استرداد کالای مورد تقلب فروشنده علاوه بر تحمل مجازاتهای مقرر، مکلف به قبول کالا و استرداد وجه دریافتی به خریدار خواهد بود. تبصره ۲ - در صورتی که در قوانین دیگر برای عمل متقلبانانه مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد، فرد متقلب به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۰ - احتکار : عبارت است از نگهداری کالا به صورت عمدی با تشخیص مراجع ذی صلاح و امتناع از عرضه آن به قصد گران فروشی یا اضرار به جامعه پس از اعلام ضرورت عرضه از طرف وزارت بازرگانی یا سایر مراجع قانونی ذی ربط . جریمه احتکار، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - مرتبه اول - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنجاه درصد (۵۰٪) قیمت

روز کالاهای احتکار شده ب - مرتبه دوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج - مرتبه سوم - الزام محکوم به عرضه و فروش کل کالاهای احتکار شده و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالاهای احتکار شده و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۱ - عرضه خارج از شبکه عبارت است از عرضه کالا یا ارایه خدمت برخلاف ضوابط و شبکه‌های تعیین شده از طرف وزارت بازرگانی یا دستگاه اجرایی ذی ربط جریمه عرضه خارج از شبکه با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر است الف - مرتبه اول - الزام به عرضه کالا یا ارایه خدمت ، در شبکه و جریمه نقدی معادل دو برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف ب - مرتبه دوم - الزام به عرضه کالا یا ارایه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل چهار برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف ج - مرتبه سوم - الزام به عرضه کالا - یا ارایه خدمت در شبکه و جریمه نقدی معادل شش برابر ارزش روز کالا یا خدمت خارج شده از شبکه در زمان تخلف و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ماده ۶۲ - عرضه و فروش کالای قاچاق حمل و نقل نگهداری عرضه و فروش کالای قاچاق توسط واحدهای صنفی ممنوع است و متخلف با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال به شرح زیر جریمه می گردد: الف - مرتبه اول - جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت روز کالای قاچاق و ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت ب - مرتبه دوم - جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی به مدت یک ماه ج - مرتبه سوم - جریمه نقدی معادل ده برابر قیمت روز کالای قاچاق ، ضبط کالای قاچاق موجود به نفع دولت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت شش ماه د - چنانچه در قوانین دیگر برای عرضه و فروش کالای قاچاق مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد متخلف به مجازات مزبور محکوم خواهد شد. ماده ۶۳ - عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع عبارت است از عدم ارایه مدارک لازم جهت اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع به مراجع قانونی بدون عذر موجه ظرف سه ماه از تاریخ ترخیص کالا - یا خدمت وارداتی یا در اختیار گرفتن تولید داخلی برای آن دسته از کالاها و خدماتی که توسط مراجع قانونی ذی ربط مشمول قیمت گذاری می گردند. تبصره - تشخیص موجه بودن عذر با وزارت بازرگانی است جریمه عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع ، با عنایت به دفعات تکرار در طول هر سال تخلف ، به شرح زیر است الف - مرتبه اول - جریمه نقدی معادل نصف قیمت رسمی کالا یا خدمت ب - مرتبه دوم - جریمه نقدی معادل دو برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت ج - مرتبه سوم - جریمه نقدی معادل چهار برابر قیمت رسمی کالا یا خدمت و نصب پارچه یا تابلو بر سردر محل کسب به عنوان متخلف صنفی و تعطیل محل کسب به مدت یک ماه ماده ۶۴ - فروش اجباری عبارت است از فروش اجباری یک یا چند نوع کالا یا خدمت به همراه کالا یا خدمت دیگر. جریمه فروش اجباری به شرح زیر است الف - برای فروش اجباری کالا، الزام فروشنده به پس گرفتن کالا و جریمه نقدی معادل پنج برابر قیمت فروش کالای تحمیلی ب - برای فروش اجباری خدمت جبران خسارت وارد شده به خریدار و جریمه نقدی معادل پنج برابر مبلغ خدمت اجباری ماده ۶۵ - عدم درج قیمت عبارت است از نصب نکردن برچسب قیمت بر کالا، استفاده نکردن از تابلو نرخ دستمزد خدمت در محل کسب یا حرفه یا درج قیمت به نحوی که برای مراجعه کنندگان قابل رویت نباشد. جریمه عدم درج قیمت در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۶ - عدم صدور صورتحساب عبارت است از خودداری از صدور صورتحسابی که با ویژگی های مندرج در ماده ۱۵) این قانون منطبق باشد. جریمه عدم صدور صورتحساب در هر بار تخلف دویست هزار ریال است ماده ۶۷ - چنانچه بر اثر وقوع تخلف های مندرج در این قانون ، خسارتی به اشخاص ثالث وارد شود ، به درخواست شخص خسارت دیده ، فرد صنفی متخلف علاوه بر جریمه های مقرر در این قانون ، به جبران زیانهای وارد شده به خسارت دیده نیز محکوم خواهد شد. ماده ۶۸ - عدم رعایت مفاد ماده (۱۶)، تبصره (۴) ماده (۱۷) و بندهای

ک) و (م ماده (۳۷) و همچنین دستورالعمل های بهداشتی موضوع ماده (۱۷) این قانون از سوی فرد صنفی تخلف محسوب می شود و متخلف باید جریمه نقدی از دویست هزار ریال تا پانصد هزار ریال را در هر بار تخلف بپردازد. ماده ۶۹ - فروش کالا - از طریق قرعه کشی ممنوع است مرتکبین علاوه بر جبران خسارت وارده به جریمه ای معادل سه برابر مبالغ دریافتی محکوم خواهند شد. ماده ۷۰ - اگر اشخاص حقیقی یا حقوقی با فروش فوق العاده یا فروش اقساطی به اشخاص خسارت وارد آورند، علاوه بر جبران خسارت وارد شده به خریدار، به پرداخت جریمه نقدی معادل مبلغ دریافتی یا قیمت روز کالا یا خدمت عرضه شده ملزم خواهند شد. تبصره - آیین نامه اجرایی موضوع این ماده ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۱ - به منظور تسهیل داد و ستد و ثبت و مستندسازی فعالیت های اقتصادی افراد صنفی عرضه کننده کالا - و یا ارایه دهنده خدمت مکلفند حداکثر ظرف مدت سه سال از تصویب این قانون در شهرستان های بیش از سیصد هزار نفر جمعیت و ظرف مدت پنج سال در سایر شهرستانها به تناسب از صندوق مکانیزه فروش (Posse) و یا دستگاه توزین دیجیتالی و یا هر دو برای فروش کالا یا ارایه خدمت خود با رعایت شرایط مندرج در تبصره (۱) ماده (۱۵) استفاده نمایند. تبصره ۱ - تعیین صنوف مشمول این ماده و ضوابط نحوه استفاده و پلمب دستگاه توسط مراجع ذی ربط تابع آیین نامه ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت ظرف مدت شش ماه تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۲ - از تاریخ اتمام مهلت مقرر، در صورت عدم استفاده از صندوق مکانیزه فروش و یا دستگاه توزین دیجیتالی واحد صنفی مشمول این ماده برای هر ماه تاخیر معادل یک میلیون ریال جریمه خواهد شد. ماده ۷۲ - خریداران و مصرف کنندگان می توانند شکایت خود را در مورد تخلف های موضوع این قانون به اتحادیه های ذی ربط و یا ناظران و بازرسان موضوع ماده (۵۲) این قانون تسلیم ارسال یا اعلام دارند. همچنین بازرسان و ناظران موضوع این قانون نیز گزارش تخلفات موضوع این قانون یا شکایت دریافتی را حداکثر ظرف ده روز به هیات رسیدگی بدوی و یا اتحادیه های ذی ربط، تسلیم می دارند. اتحادیه ها موظفند حداکثر ظرف مدت ده روز شکایت یا گزارش تخلف دریافتی را مورد بررسی قرار دهند و در صورت احراز عدم تخلف فرد صنفی، یا انصراف شاکی، با اعلام مراتب، پرونده را مختومه نمایند. در غیر این صورت و یا اعتراض شاکی، بازرس یا ناظر ظرف مدت ده روز از تاریخ اعلام مختومه شدن، پرونده برای بررسی به هیات رسیدگی بدوی ارسال خواهد گردید. هیات یا هیاتهای رسیدگی بدوی در هر شهرستان مرکب از سه نفر نمایندگان اداره یا سازمان بازرگانی، دادگستری با حکم رییس قوه قضاییه و مجمع امور صنفی ذی ربط است که ظرف دو هفته در جلسه ای با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها به پرونده رسیدگی و طبق مفاد این قانون رای صادر می کنند. عدم حضور هر یک از طرفین مانع از رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. هر یک از طرفین می تواند در صورت معترض بودن به رای صادره اعتراض کتبی خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ رای به هیات تجدید نظر تسلیم دارد. هیات یا هیاتهای تجدید نظر در هر شهرستان مرکب از سه نفر، رییس اداره یا سازمان بازرگانی یا یکی از معاونان وی رییس دادگستری یا نماینده معرفی شده وی و رییس یا یکی از اعضا هیات ریسه مجمع امور صنفی ذی ربط است که ظرف یک ماه به درخواست طرف معترض می تواند با دعوت از طرفین یا نمایندگان آنها رسیدگی و رای صادر کند. این رای قطعی و لازم الاجرا است عدم حضور هر یک از طرفین مانع رسیدگی و اتخاذ تصمیم نخواهد بود. جلسه های هیاتهای رسیدگی بدوی و تجدید نظر با حضور هر سه نفر اعضا رسمی است و آرا صادره با دو رای موافق معتبر و لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۱ - در صورت عدم امکان تشکیل هیات رسیدگی در هر شهرستان، یکی از هیاتهای رسیدگی شهرستان همجوار استان یا مرکز استان وظایف مقرر شده را عهده دار خواهد شد. تبصره ۲ - اداره امور مراجع رسیدگی بدوی و تجدید نظر و مسوولیت تشکیل جلسه های رسیدگی بر عهده اداره یا سازمان بازرگانی شهرستان یا استان است همچنین مسوولیت هماهنگی و رسیدگی به تخلفات هیاتها، صدور رای و ابلاغ آن و آموزش بازرسان و ناظران به عهده وزارت بازرگانی می باشد نحوه نظارت و بازرسی، تهیه گزارش و اجرای رای تجدید نظر و رسیدگی به شکایات و



تخلفات موضوع این قانون و دستورالعمل اجرایی و مالی آن به موجب این قانون خواهد بود. تبصره ۳- درآمدهای ناشی از جریمه‌های دریافتی به حساب خزانه واریز خواهد گردید. معادل این مبلغ در بودجه‌های سنواتی منظور خواهد شد تا توسط وزارت بازرگانی برای اجرای این قانون به مصرف برسد. تبصره ۴- دادگستری و نیروی انتظامی کلیه وزارتخانه‌ها و دستگاههای اجرایی، موسسات، سازمانها، شرکتهای دولتی، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است موسسات عمومی غیردولتی و سازمان‌های تابعه سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و بانکها موظفند نسبت به امور مربوط به رسیدگی و اجرای احکام تخلفات موضوع این قانون همکاری نمایند. ماده ۷۳- از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، رسیدگی به تخلفات افراد صنفی و تعیین جریمه‌های آنها تنها به موجب احکام این قانون صورت خواهد پذیرفت قوانین و مقررات مغایر با این قانون از جمله مصوبات مجمع تشخیص مصلحت نظام درخصوص تعزیرات حکومتی مربوط به اصناف و واحدهای صنفی موضوع این قانون لغو می‌گردد. ماده ۷۴- میزان جریمه‌های نقدی تعیین شده در این فصل هر سه سال یک بار و براساس نرخ تورم سالانه بنا به پیشنهاد وزارت بازرگانی و تایید هیات وزیران قابل تعدیل است

### فصل نهم - سایر مقررات

ماده ۷۵- اتحادیه‌ها و مجامع امور صنفی می‌توانند برای خدمات اعضای هیات مدیره یا هیات ریسه خود، برحسب آیین‌نامه‌ای که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید، مبالغی را از محل درآمدهای خود در بودجه سالانه خود پیش‌بینی و پرداخت کنند. تبصره- اعضای موضوع این ماده با توجه به ماهیت کار خود، بابت دریافتی‌های یاد شده مشمول قوانین و مقررات کار و تامین اجتماعی نخواهند بود. ماده ۷۶- هر یک از اعضای هیات مدیره اتحادیه‌ها و هیات ریسه مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور نسبت به وجوه و اموال اتحادیه، مجمع امور صنفی و شورای اصناف کشور و وجوهی که در اجرای این قانون و سایر قوانین و مقررات در اختیار آنان قرار می‌گیرد، امین محسوب می‌شوند. ماده ۷۷- به منظور حمایت از بافندگان فرش دستباف به کمیسیونهای نظارت مراکز استانها اجازه داده می‌شود، به تشخیص خود، در هر استان نسبت به تشکیل اتحادیه استانی بدون رعایت مفاد ماده (۲۱) این قانون جهت بافندگان مزبور اقدام کنند. این اتحادیه‌ها تحت نظارت کمیسیون نظارت مرکز استان خود خواهند بود. ماده ۷۸- به منظور تقویت صنوف تولیدی و توسعه صادرات غیرنفتی کشور، به پیشنهاد کمیسیون نظارت و تصویب هیات عالی نظارت اتحادیه‌های صادراتی در شهرهای مرکز استان یا تهران به صورت استانی یا کشوری تشکیل خواهد شد. فعالیت این اتحادیه‌ها تابع آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۷۹- وزارت بازرگانی مکلف است با رعایت بند (ه) ماده (۵۵) این قانون نسبت به صدور پروانه کسب برای افرادی که نام برده می‌شوند، در صورتی که دارای محل کسب ملکی یا اجاره‌ای باشند، اقدام کند: الف- جانباز، همسر جانباز، یکی از فرزندان جانباز متوفی و یکی از فرزندان جانباز از کارافتاده ب- آزاده همسر آزاده یکی از فرزندان آزاده متوفی و یکی از فرزندان آزاده از کار افتاده ج- کلیه اعضای خانواده شهدا اعم از همسر، فرزند، والدین خواهر و برادر. آیین‌نامه اجرایی این ماده به وسیله دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری بنیاد شهید، بنیاد جانبازان انقلاب اسلامی و ستاد آزادگان تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره ۱- صدور پروانه کسب پس از دریافت معرفی‌نامه از نهاد ذی‌ربط و احراز شروط لازم تنها برای یک بار خواهد بود. تبصره ۲- اتحادیه‌ها موظفند دارنده پروانه کسب را به‌عنوان فرد صنفی بپذیرند. همچنین کلیه سازمانهای ذی‌ربط موظفند نسبت به اعطای تسهیلات و امکانات همسان با سایر افراد صنفی عضو آن اتحادیه برای دارنده پروانه کسب اقدام کنند. تبصره ۳- افراد صنفی موضوع این ماده نمی‌توانند شغل دیگری داشته باشند، یا از وزارتخانه‌های دیگر موافقت اصولی یا پروانه تاسیس دریافت کرده باشند، مگر آن که موضوع موافقت اصولی یا پروانه تاسیس مرتبط با موضوع فعالیت باشد که برای آن

درخواست پروانه کسب کرده‌اند. تبصره ۴- افراد صنفی موضوع این ماده می‌توانند در صورت منتقل شدن به شهرستان یا استان دیگر، به شرط ابطال پروانه کسب قبلی در محل جدید با رعایت مفاد این ماده پروانه کسب معوض دریافت دارند. ماده ۸۰- صدور پروانه کسب برای اماکن با کاربری اداری یا کارگاهی بلامانع است ماده ۸۱- نیروی انتظامی کشور موظف است در اجرای این قانون همکاری لازم را با اتحادیه‌ها، مجامع امور صنفی و شورای اصناف کشور معمول دارد. نحوه همکاری به موجب آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت با همکاری وزارت کشور و نیروی انتظامی تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۲- اگر یک فرد صنفی به سبب تغییر الگوی مصرف یا نیازها، یا رویدادهای پیش‌بینی نشده تحمیلی امکان ادامه فعالیت صنفی خود را از دست بدهد، می‌تواند با کسب نظر مالک و تایید کمیسیون نظارت و با حفظ کاربری محل کسب به فعالیت صنفی دیگری در همان محل پردازد. ماده ۸۳- شهرداریها موظفند در صورت تخریب محلهای کسب در اجرای طرحهای مصوب ، از دریافت هزینه‌های مترتب بر صدور پروانه ساخت محل جدید خودداری ورزند. اگر معوضی از طرف شهرداریها پیشنهاد شود، ارزش روز آن نباید از ارزش روز محل کسب تخریب شده کمتر باشد. ماده ۸۴- حراج‌های فردی یا جمعی فصلی یا غیرفصلی واحدها یا افراد صنفی طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی می‌رسد. برگزاری حراج بدون رعایت ضوابط مندرج در آن آیین‌نامه ، واحد صنفی را مشمول مجازات مندرج در ماده (۶۸) این قانون خواهد کرد. ماده ۸۵- برگزاری روز بازارهای جمعی واحدها یا افراد صنفی براساس آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. ماده ۸۶- فعالیت فروشگاههای بزرگ چندمنظوره یا زنجیره‌ای و نحوه نظارت بر آنها، طبق آیین‌نامه‌ای خواهد بود که توسط دبیرخانه هیات عالی نظارت تهیه و به تصویب وزیر بازرگانی خواهد رسید. تبصره - مرجع صدور مجوز فعالیت فروشگاههای موضوع این ماده وزارت بازرگانی است ماده ۸۷- افراد صنفی که در بازارهای مجازی فعالیت می‌کنند، ملزم به ارایه مدارک مورد استفاده در آن بازارها هستند. ماده ۸۸- دبیرخانه هیات عالی نظارت مکلف است با همکاری دبیرخانه شورای عالی مناطق آزاد تجاری صنعتی نسبت به تهیه آیین‌نامه اجرایی حاکم بر تشکیل و فعالیت تشکلهای صنفی در مناطق آزاد کشور اقدام کند تا پس از تصویب وزیر بازرگانی به اجرا درآید. ماده ۸۹- کلیه واردکنندگان کالا که به صورت تجاری به واردات کالا اقدام می‌کنند و قصد توزیع یا فروش کالاهای وارداتی خود را دارند، در صورتی که به عرضه مستقیم کالا به مصرف‌کننده مبادرت ورزند، ملزم به اخذ پروانه کسب طبق مقررات این قانون خواهند بود. ماده ۹۰- وزارتخانه‌ها، موسسات سازمانها یا شرکتهای دولتی سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است و نهادهای عمومی غیردولتی ، که طبق قوانین جاری ملزم یا مجاز به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف‌کنندگان هستند، اعم از این که از طریق اماکن و تاسیسات متعلق به خود یا دیگر اشخاص به این کار مبادرت ورزند، از شمول این قانون مستثنی هستند. اما رعایت سایر قوانین و مقررات جاری و نرخهای تعیین شده برای کالاها و خدمات توسط مراجع قانونی ذی‌ربط ، الزامی است دستگاه دولتی یا نهاد عمومی غیردولتی متبوع در حیطه وظایف و اختیارات قانونی خود، مسوولیت نظارت و کنترل و سایر امور مربوط به اداره اماکن را برعهده دارد. در صورتی که این قبیل فعالیت‌ها به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار گردد یا انجام دادن آنها با مشارکت بخش خصوصی صورت پذیرد، مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهد بود. ماده ۹۱- اشخاص حقیقی یا حقوقی که طبق قوانین جاری موظف به اخذ مجوز فعالیت یا پروانه تاسیس بهره‌برداری یا اشتغال از وزارتخانه‌ها ، موسسات ، سازمان‌ها یا شرکتهای دولتی ، سایر دستگاههای دولتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر یا تصریح نام است یا نهادهای عمومی غیردولتی هستند، چنانچه به عرضه مستقیم کالاها یا خدمات به مصرف‌کنندگان مبادرت ورزند، مکلفند علاوه بر دریافت مجوز فعالیت یا پروانه ، نسبت به اخذ پروانه کسب از اتحادیه مربوط اقدام کنند. اشخاص مذکور مشمول قانون نظام صنفی و مقررات آن خواهند بود. تبصره - اخذ پروانه کسب از اتحادیه مانع اعمال نظارت مقرر در قوانین جاری از سوی هر یک از دستگاههای دولتی یا نهادهای

عمومی غیردولتی یاد شده بر آنها نخواهد بود. ماده ۹۲ - سازمان تامین اجتماعی فقط در صورت شکایت هر یک از کارکنان واحدهای صنفی مبنی بر عدم پرداخت حق بیمه در مدت همکاری توسط افراد صنفی می تواند به نظر بازرس یا مندرجات دفاتر قانونی فرد صنفی استناد و حق بیمه را دریافت کند. این مبلغ در صورت احراز تخلف فرد صنفی، معادل حق بیمه پرداخت نشده شاکی شاغل و جریمه ای به مبلغ دو برابر آن خواهد بود. چنانچه مبلغ جریمه کمتر از یکصد هزار ریال باشد جریمه نقدی معادل یکصد هزار ریال خواهد بود. ماده ۹۳ - مجمع امور صنفی منحل نمی شود مگر در مواردی که در انجام وظایف محوله تسامح ورزد، یا برخلاف مصالح عمومی و وظایف مقرر رفتار کند. در این صورت کمیسیون نظارت مراتب را با ذکر دلایل کافی به هیات عالی نظارت اعلام می دارد. اگر هیات عالی نظارت پس از رسیدگی به دلایل طرفین، انحلال را لازم بداند مراتب را جهت تصویب به وزیر بازرگانی اعلام می دارد. اتحادیه ها موظفند ظرف یک ماه از تاریخ انحلال مجمع، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد مجمع امور صنفی معرفی کنند. انحلال شورای اصناف کشور نیز به پیشنهاد هیات عالی نظارت و تصویب وزیر بازرگانی خواهد بود. مجامع امور صنفی موظفند ظرف یک ماه از تاریخ انحلال شورای اصناف، نمایندگان خود را جهت تشکیل مجدد شورای اصناف کشور معرفی کنند. در صورت اعتراض هر یک از طرفین می توانند به مراجع ذیصلاح قضایی مراجعه کنند. ماده ۹۴ - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۹، بند (ی ماده ۳۰) و تبصره ۳ (ماده ۳۷) این قانون به پیشنهاد وزارتخانه های امور اقتصادی و دارایی و بازرگانی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۹۵ - وزارت بازرگانی موظف است گزارش عملکرد این قانون را سالانه به کمیسیونهای اقتصادی و برنامه و بودجه و محاسبات مجلس شورای اسلامی ارسال نماید. ماده ۹۶ - از تاریخ لازم الاجرا شدن این قانون قانون نظام صنفی مصوب ۱۳/۴/۱۳۵۹ شورای انقلاب و کلیه اصلاحات و الحاقات بعدی آن و قانون ایجاد تسهیلات لازم جهت صدور پروانه کسب برای جانبازان، اسرای آزاد شده و خانواده محترم شهدا مصوب ۱۳/۱۲/۱۳۶۸ و نیز سایر قوانین مغایر لغو و بلا اثر می گردد. قانون فوق مشتمل بر نود و شش ماده و نود و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۱۲/۱۳۸۲ به تایید شورای نگهبان رسید.

### قانون تشدید مجازات محترمان و گرانفروشان - مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷

مصوب ۲۳/۱/۱۳۶۷ ماده ۱ - تعاریف الف - احتکار - عبارت است از جمع و نگهداری ارزاق مورد نیاز و ضروری عامه مردم ( گندم ، جو ، کشمش ، خرما ، روغن حیوانی و نباتی ) به قصد افزایش قیمت ب - گرانفروشی - عبارت است از عرضه کالا به بیش از نرخ متعارف ، و در مورد کالاهایی که به دست دولت توزیع می شود به بیش از نرخ تعیین شده توسط دولت ماده ۲ - هر کس مواد غذایی موضوع بند الف ماده ۱ را احتکار نماید محسوب شده و با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به مجازاتی از دو برابر تا ده برابر قیمت کالای احتکار شده و شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم می گردد. ماده ۳ - هر کس کالاهای زیاده بر مصرف سالانه خود را که مورد احتیاج ضروری عامه است به قصد افزایش قیمت یا امتناع از فروش به مردم و یا خودداری از فروش به دولت پس از اعلام نیاز دولت حبس و امساک نماید در حکم محترمان است و مجازات محترمان را خواهد داشت مدت اجرای این ماده از تاریخ لازم الاجرا بودن پنج سال است تبصره ۱ - علاوه بر مجازاتهای مندرج در مواد ۲ و ۳ دادگاه صاحب کالاهای موضوع این مواد را الزام به فروش به قیمت عادله می نماید و در صورت امتناع محکمه قیمت کالا را معین نموده و در اختیار مصرف کنندگان قرار می دهد. تبصره ۲ - تولید کنندگان محصولات کشاورزی که طبق سنت و روال محلی بخشی از تولیدات خود را به منظور عرضه تدریجی یا تامین بذور سال بعد نگهداری می نمایند مشمول این ماده نمی باشند. ماده ۴ - معاون و شریک در جرایم فوق مجازات محترمان را خواهد داشت و در صورتی که اشخاص کارمند دولت و یا شرکتهای دولتی باشند به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهند شد. ماده ۵ - هر کسی که مرتکب هریک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت

امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از دو تا پنج برابر و برای مرتبه دوم از پنج تا ده برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیر صنفی از ده تا بیست برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفی علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهند شد. ۱- فروش مصنوعات یا فرآورده های گرانتر از نرخ مقرر. ۲- دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زاید بر میزان مقرر. ۳- معامله صوری به نرخ مقرر و به کار بردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود. ۴- استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه کیفیت کالا- یا مصنوعات یا فرآورده ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می آورد. ۵- عرضه نان معمولی با پخت نامرغوب ۶- تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری ۷- انتقال غیر مجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر و منطقه دیگر و فروش آن به اشخاص دیگر. ۸- خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا- یا مصنوعات و یا فرآورده ها یا خدمات برخلاف مقررات صنفی ۹- امتناع فرد صنفی از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع ماده ۶- چنانچه اعمال فوق به عنوان مقابله با حکومت صورت گیرد و مرتکب مصداق محارب باشد به مجازات آن محکوم می شود. ماده ۷- چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را بایگانی می نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

#### قانون مجازات نانوایان و قصابان متخلف - مصوب ۲۲/۴/۵۴

مصوب ۲۲/۴/۵۴ ماده واحده - در هریک از دکانهای نانوایی و یا قصابی که نان و گوشت گرانتر از نرخي که دولت تعیین نموده به فروش برسد و یا ظاهراً به نرخ مقرر ولی عملاً گرانتر از آن به فروش برسد و یا از حیث وزن و مقدار کمتر تحویل مشتری بشود و یا با به کار بردن مواد دیگر یا آرد پست تر از آرد سهمیه نانوایی نوع نان از لحاظ کیفیت پایین آورده شود و یا مقدار نان و گوشت که برای فروش عرضه می گردد کمتر از میزان متناسب سهمیه ای باشد که با نرخ دولتی در اختیار نانوایی و یا قصابی قرار گرفته است متخلف به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال یا به پرداخت جزای نقدی از ۵۰۰۱ ریال تا دویست هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد و در صورت تکرار جرم در همان دکان دادگاه علاوه بر کیفر مقرر حکم به ابطال پروانه نانوایی یا قصابی نیز خواهد داد. تبصره ۱- رسیدگی به جرم فوق خارج از نوبت در دادگاه جنحه انجام و احکام صادره از حیث پژوهش و فرجام تابع مقررات عمومی است تبصره ۲- برای هر دکان نانوایی یک نفر مسوول که ممکن است سرمایه گذار یا مالک نانوایی نیز باشد، به اتحادیه نانوایان محل معرفی می شود که در مورد تخلفات مذکور در فوق چنانچه مالک و مسوول یک نفر باشد به تنهایی و در صورتی که دو نفر باشند متخلف مسوول تخلفات مذکور در فوق را به عهده خواهد داشت شرایط احراز صلاحیت و مراحل صدور پروانه مسوولیت نانوایی به موجب آیین نامه مذکور در تبصره ۴ تعیین می شود. تبصره ۳- در صورتی که از دادگاه جنحه حکم ابطال پروانه نانوایی صادر شده باشد دکان نانوایی در تهران وسیله شرکت تعاونی نانوایان تهران و حومه در شهرستانها و بخشها تا تشکیل شرکت تعاونی نانوایان مربوط تحت نظر فرمانداری یا بخشداری آن محل اداره خواهد شد. تبصره ۴- در صورت صدور حکم ابطال پروانه قصابی از طرف دادگاه جنحه طبق نظر وزارت کشاورزی و منابع طبیعی حسب مورد اداره قصابی به وسیله سازمان گوشت کشور یا شرکت تعاونی فروشندگان گوشت و یا تحت نظر فرمانداری و بخشداری صورت خواهد گرفت نحوه نظارت به کار و اداره دکان نانوایی و یا قصابی و تعیین مسوول نانوایی موضوع این قانون به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به پیشنهاد وزارتخانه های دادگستری و کار و امور اجتماعی و بازرگانی و کشاورزی و منابع طبیعی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. تبصره ۵- دارندگان پروانه های نانوایی که از اجرای مقررات قانون کار درباره کارگران خودداری نمایند چنانچه

حداکثر ظرف یک ماه پس از ابلاغ رای هیات حل اختلاف وزارت کار و امور اجتماعی نسبت به پرداخت مزایای قانونی کارگران اقدام نمایند علاوه بر مجازاتهای مقرر در قانون کار پروانه ناوایی آنان طبق مقررات این قانون ابطال خواهد گردید و به ترتیب مقرر در تبصره ۳ این قانون عمل خواهد شد.

### قانون شمول قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت درباره اخلال کنندگان در عرضه و توزی

مصوب اردیبهشت ۱۳۵۴ ماده واحده - از تاریخ تصویب این قانون مقررات قانون مجازات اخلال کنندگان در عرضه دام و توزیع گوشت مصوب اردیبهشت ماه سال ۱۳۵۳ شامل افرادی که به نحوی از انحا از راه ایجاد مضیقه و موانع موجبات اخلال در عرضه و توزیع گندم و آرد و قند و شکر و برنج و روغن و سایر مواد ارزاق عمومی را که دولت تعیین و اعلام خواهد نمود فراهم نمایند و یا با اقدام خود موجب کمیابی و گرانی مواد مزبور شوند نیز خواهد بود.

### قانون منع خرید و فروش کوپن های کالاهای اساسی - مصوب ۲۳/۱/۶۷

مصوب ۲۳/۱/۶۷ ماده ۱ - کلیه کوپنهای کالاهای اساسی و سوخت و دیگر کوپنهایی که مایحتاج مردم به وسیله آن تامین می شود، در حکم اوراق بهادار است و جعل و دخل و تصرف و دزدی و خرید و فروش و سواستفاده کوپنهای مربوط به وزارتخانه ها ، سازمان ها و نهادهای انقلابی و شهرداری ها و شرکت ها و کلیه موسسات دولتی یا غیر دولتی که از سهمیه استفاده می کنند و نیز کوپنهای مربوط به وسایط نقلیه عمومی که از سهمیه استفاده می کنند، تخلف محسوب می شود و متخلف به مجازاتهای مذکور در مواد آتی محکوم می گردد. ماده ۲ - هرکس به جعل و یا چاپ غیر قانونی کوپن اقدام کند و یا در مدارک و صورت جلسات امحا و تحویل و تحول ، دخل و تصرف نماید علاوه بر استرداد وجوه حاصله از این اعمال به زندان از یک تا پنج سال و به شلاق از ده تا هفتاد و چهار ضربه محکوم می شود. تبصره - در صورتی که مجرم کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال از یک سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳ - هرکس خرید و فروش کوپن را حرفه خود قرار دهد و یا به عمده فروشی پردازد و یا این عمل را تکرار کند، علاوه بر استرداد وجوه حاصل از فروش به مجازات زندان از یک تا پنج سال محکوم می شود و کلیه کوپنها به وسیله دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که مجرم فرد صنفی باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق از دریافت کلیه سهمیه های دولتی از یک تا ده سال محروم خواهد شد. تبصره ۲ - چنانچه مجرم کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ باشد، علاوه بر مجازاتهای فوق به انفصال از یک ماه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ماده ۴ - کسانی که اقدام به سرقت کوپنهای مذکور در ماده ۱ می نمایند، علاوه بر تحویل کلیه کوپنهای مسروقه موجود به دولت به مجازاتهای زیر محکوم می شوند: الف - پرداخت دو تا ده برابر معادل قیمت فروش غیر قانونی کوپنهایی که مسترد نشده است ب - یک تا ده سال زندان ج - در صورتی که مرتکب کارمند یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ بوده و از موقعیت شغلی خود سواستفاده کرده باشد، علاوه بر مجازاتهای مذکور به انفصال از ۱ تا ۱۰ سال محکوم می شود. تبصره - چنانچه سرقت واجد شرایط اجرای حد سرقت باشد به جای مجازاتهای فوق حد سرقت جاری خواهد شد. ماده ۵ - چنانچه متقاضیان کوپن با ارایه اسناد غیرواقعی به بانکها اقدام به دریافت کوپن نمایند به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه محکوم خواهند شد. ماده ۶ - حواله هایی که به واحدهای دولتی یا سازمانها و موسسات دولتی و غیر دولتی داده می شود در حکم اوراق بهادار است و مشمول عناوین مواد این قانون خواهد بود. ماده ۷ - اشخاصی که از سهمیه اختصاصی کالاهای مشمول این قانون سو استفاده کنند و یا آنها رادر غیر موارد تعیین شده مصرف کنند، مجرم بوده و به مجازاتهای ذیل محکوم می شوند: الف - پرداخت دو تا ده برابر معادل قیمت فروش غیر قانونی کالاهای مذکور مسترد نشده ب - شلاق تا ۷۴ ضربه تبصره - سهمیه اختصاصی خانوارها از شمول این ماده مستثنی است ماده ۸ - رعایت شرایط و

امکانات خطای و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب در مجازاتهای مواد فوق الزامی است ماده ۹ - اجرای این مجازاتها نسبت به کلیه کارمندان یکی از عناوین مذکور در ماده ۱ مانع از اجرای قانون تخلفات اداری نخواهد بود. ماده ۱۰ - چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید، یا اخذ تعهد تادیب خواهد شد، با اعمال یکی از موارد تادیب فوق پرونده را بایگانی می نماید. دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.

## قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی - مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام

### فصل اول - تعزیرات حکومتی خدمات تشخیصی و درمانی

ماده ۱ - ایجاد موسسات پزشکی غیر مجاز توسط اشخاص فاقد صلاحیت از نظر تخصصی جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - تعطیل موسسه و ضبط کلیه ملزومات موسسه به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و اعلام نام در جرایم. مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم زندان از شش ماه تا یک سال ماده ۲ - ایجاد موسسه پزشکی توسط افراد متخصص بدون پروانه کار جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - تعطیل موسسه توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا یک میلیون ریال مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان یک میلیون تا ده میلیون ریال و ضبط اموال موسسه به نفع دولت ماده ۳ - خودداری بیمارستانها از پذیرش و ارایه خدمات اولیه لازم به بیماران اورژانس جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - جریمه نقدی از یکصد هزار تا پانصد هزار ریال توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - جریمه نقدی پانصد هزار تا یک میلیون ریال ، لغو پروانه مسوول فنی موسسه ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه سوم - جریمه نقدی از مبلغ یک میلیون تا پنج میلیون ریال لغو پروانه مسوول فنی موسسه لغو پروانه تاسیس توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی ماده ۴ - ایجاد و یا ارایه خدمات مازاد بر احتیاج به منظور سودجویی یا دخل و تصرف در صورتحساب و دریافت اضافه از نرخهای اعلام شده از ناحیه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - جریمه نقدی به میزان دو برابر اضافه دریافتی از بیماران ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - جریمه نقدی به میزان پنج برابر اضافه دریافتی از بیماران ، لغو پروانه مسوول فنی ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه سوم - جریمه نقدی به میزان ده برابر اضافه دریافتی از بیماران ، لغو پروانه مسوول فنی ، لغو پروانه تاسیس ، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی تبصره - میزان حق العلاج بیماران از طریق وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام خواهد شد. ماده ۵ - به کارگیری کلیه متخصصین و صاحبان حرفه های پزشکی و پیراپزشکی که فاقد مجوز قانونی کار، صادره از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشند، در موسسات پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می شود: مرتبه اول - جریمه نقدی به میزان یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، لغو پروانه مسوول فنی مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، لغو پروانه تاسیس صاحبان حرفه های پزشکی و پیراپزشکی فاقد مجوزهای قانونی کار مندرج در ماده ۵ که درمحل غیر مجاز به کار مشغول شده اند به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: مرتبه اول - درج تخلف در پرونده پزشکی و اعزام به محل کار قانونی مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا پنج میلیون ریال به تناسب مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، محکومیت به اضافه خدمت در محل کار قانونی حداکثر تا دو برابر مدت قانونی ماده ۷ - به کارگیری افراد فاقد صلاحیت حرفه ای

در موسسات پزشکی جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم خواهد شد: مرتبه اول - جریمه نقدی به میزان پانصد هزار تا یک میلیون ریال، توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول لغو پروانه مسوول فنی مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم لغو پروانه تاسیس تبصره - افراد فاقد صلاحیت شاغل نیز به مراجع ذی صلاح قضایی جهت برخورد قانونی معرفی خواهند گردید. ماده ۸ - ترک موسسه‌ی پزشکی توسط مسوول فنی و پزشک کشیک و سایر کادرهای تخصصی در ساعت مقرر، تعطیل غیر موجه مطب و یا موسسه پزشکی بدون اطلاع سازمان نظام پزشکی و نپذیرفتن درصدی از بیماران بیمه که وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تعیین می نماید، جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - توبیخ کتبی و درج در پرونده پزشکی مرتبه دوم - علاوه بر مجازات مرتبه اول جریمه نقدی به میزان یکصد هزار تا پانصد هزار ریال مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم لغو پروانه مسوول فنی تبصره - در صورت لغو پروانه مسوول فنی و یا لغو پروانه تاسیس در مورد موسسات پزشکی مشمولین مواد ۳ و ۴ و ۵ و ۷ و ۸ جهت تعیین تکلیف قانونی برای انتخاب مسوول فنی جدید و هیات موسس جدید مراتب به کمیسیون قانونی تشخیص امور پزشکی ارجاع می گردد و ضمناً تعیین تکلیف نهایی از طریق کمیسیون فوق از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مسوول فنی موقت برای اداره‌ی موسسه منصوب و به کار گماشته خواهد شد. ماده ۹ - چنانچه اعمال خلاف مندرج در مواد ۱ و ۳ و ۴ و ۷ سبب ورود خسارت جانی و مالی به افراد شود، مجازاتهای مندرج مانع رسیدگی و پیگرد قانونی موسسه و یا افراد متخلف و اعمال مجازاتهای مربوط توسط مراجع ذی صلاح قضایی نخواهد گردید. ماده ۱۰ - چنانچه تخلفات متعددی در واحدهای موضوع این قانون صورت پذیرد، در هر مورد مجازاتهای مربوط اعمال خواهد شد. ماده ۱۱ - در مورد جرایم موضوع این قانون کمیسیونی مرکب از سرپرست نظام پزشکی و مرکز و یا استان برحسب مورد و مدیرعامل سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان استان و نماینده وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی موضوع را بدوا رسیدگی نموده و در صورت تشخیص وقوع جرم در مورد موسسات دولتی به کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی و در موارد غیر دولتی به دادرسی انقلاب اسلامی جهت تعیین مجازات معرفی می نماید. ماده ۱۲ - کلیه درآمدهای حاصل از مجازاتهای این قانون به خزانه واریز می شود و وزارت امور اقتصادی و دارایی موظف است اعتبارات مورد نیاز جهت اجرای این قانون را مطابق تشخیص وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی از محل وجوه جرایم در اختیار وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی قرار دهد.

### فصل دوم تعزیرات توزیع و فروش دارو و شیر خشک و ملزومات پزشکی، دندان پزشکی و آزمایشگاهی

#### بخش ۱ - دارو

ماده ۱۳ - دارو باید دارای پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد و عرضه و فروش داروی فاقد پروانه ساخت یا مجوز ورود از طرف داروخانه جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی و جمع آوری داروهای غیر مجاز. مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و انعکاس مراتب در پرونده مرتبه سوم - قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم - تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ماده ۱۴ - داروخانه باید دارای پروانه تاسیس از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشد و تخلف از آن جرم محسوب شده و محل مذکور بلافاصله تعطیل می گردد. ماده ۱۵ - عرضه و فروش دارو باید با حضور مسوول فنی انجام گیرد و تخلف از آن جرم محسوب شده و محل مذکور بلافاصله تعطیل می گردد. ماده ۱۶ - مسوول فنی باید در ساعات مقرر در داروخانه حضور داشته باشد و تخلف از آن جرم

محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ دویست هزار ریال مرتبه چهارم - لغو موقت پروانه مسوولیت فنی تا مدت سه ماه ماده ۱۷ - داروخانه باید دارو را از شبکه‌های توزیع تعیین شده از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی (شرکتهای توزیع کننده دارو) تهیه و تدارک نماید. عدم رعایت ضوابط این ماده جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد: مرتبه اول - اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم - تعطیل موقت داروخانه تا مدت یک سال تبصره - مبادله دارو در حد متعارف مصرف یک روز بین داروخانه‌های یک شهر مشمول ضوابط فوق نخواهد بود. ماده ۱۸ - دارو باید در مقابل نسخه پزشک ارایه شود و ارایه آن بدون نسخه پزشک جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - تذکر کتبی مرتبه دوم - اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه چهارم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه پنجم - قطع سهمیه دارویی تا مدت یک ماه تبصره - لیست اقلامی که ارایه آنها بدون نسخه پزشک مجاز می‌باشد از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌گردد. ماده ۱۹ - دارو باید طبق قیمت رسمی برای مصرف کننده به متقاضی ارایه شود و قیمت هر قلم از داروهای ارایه شده در نسخه درج شود و نسخه نیز به مهر داروخانه ممهور گردد و در مورد نسخ بیمه خدمات درمانی کپی نسخه (نسخه دوم پس از درج قیمت مهر گردد. تخلف از این ماده جرم محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌گردد: الف - گرانفروشی مرتبه اول - جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و نصب پارچه به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال و قطع سهمیه دارویی به مدت یک ماه مرتبه چهارم - تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ب - عدم درج قیمت در نسخ بیماران و ممهور نمودن آنها: مرتبه اول - تذکر کتبی مرتبه دوم - اخطار کتبی مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پنجاه هزار ریال مرتبه چهارم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال ماده ۲۰ - نگهداری و یا عرضه و یا فروش داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته که بایستی معدوم شوند، جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف - عرضه و نگهداری مرتبه اول - تذکر کتبی و جمع‌آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و جمع‌آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه سوم - قطع سهمیه دارویی تا مدت سه ماه مرتبه چهارم - تعطیل موقت تا شش ماه ب - فروش چنانچه در سایر قوانین مجازاتهای شدیدتری پیش‌بینی نشده باشد، علاوه بر جبران خسارت وارده به بیمار: مرتبه اول - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و جمع‌آوری داروهای فاسد و یا تاریخ گذشته مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال و قطع سهمیه دارویی تا مدت یک ماه مرتبه سوم - تعطیل داروخانه تا مدت یک سال ماده ۲۱ - در داروخانه نباید غیر از دارو، لوازم بهداشتی و آرایشی، شیر خشک، غذای کودک و لوازم مصرفی پزشکی مجاز، کالای دیگری به فروش برسد. تخلف از ضوابط این ماده جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - تذکر کتبی مرتبه دوم - اخطار کتبی و درج در پرونده مرتبه سوم - جمع‌آوری کالاهای غیر مجاز. مرتبه چهارم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال و ضبط کالاهای غیر مجاز به نفع دولت ماده ۲۲ - چنانچه داروخانه لوازم بهداشتی و آرایشی، شیر خشک، غذای کودک و لوازم مصرفی پزشکی مجاز را بیش از قیمت‌های تعیین شده عرضه نماید گرانفروشی محسوب شده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف - گرانفروشی تا مبلغ دو هزار ریال مرتبه اول - جریمه نقدی معادل مبلغ ده هزار ریال و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی معادل مبلغ ده هزار ریال نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ب - گرانفروشی از مبلغ بیش از دو هزار ریال تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به



عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ج - گرانفروشی از مبلغ بیش از پانصد هزار ریال تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش د - گرانفروشی بیش از پنج میلیون ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ماده ۲۳ - داروخانه موظف است کلیه کالاهای خریداری شده را مستمرا تا اتمام موجودی عرضه نماید و در صورت خودداری از عرضه به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - اخطار کتبی با درج در پرونده و الزام به عرضه کالاها با قیمت تعیین شده مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه سوم - قطع سهمیه تا مدت سه ماه مرتبه چهارم - تعطیل موقت تا یک سال ماده ۲۴ - داروخانه موظف است طبق ساعات تعیین شده خدمات مربوطه را ارایه نماید مگر به دلیل موجه و یا با اطلاع کتبی و نظر سازمان منطقه‌ای بهداشت و درمان محل و در غیر این صورت متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - تذکر. مرتبه دوم - اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه سوم - جریمه نقدی تا بیست هزار ریال مرتبه چهارم - جریمه نقدی تا پنجاه هزار ریال تبصره ۱ - در صورتی که داروخانه قبل از پایان ساعات تعیین شده از ارایه خدمات دارویی خودداری نماید، مرتبه اول تذکر، مرتبه دوم اخطار کتبی و درج در پرونده مرتبه سوم جریمه نقدی تا پنجاه هزار ریال و مرتبه چهارم جریمه نقدی تا یکصد هزار ریال تبصره ۲ - داروخانه‌های شبانه‌روزی در صورت عدم رعایت مفاد این ماده علاوه بر تعزیرات ذکر شده در مرتبه پنجم تا یک سال تعطیل خواهند شد. ماده ۲۵ - در مناطقی که داروخانه منحصر به فرد باشد و داروخانه برطبق مواد این قانون تا یک سال به تعطیل موقت تعزیر شود، پروانه تاسیس از متخلف سلب و به فرد واجد شرایط دیگری واگذار می‌گردد و متخلف تا پنج سال حق گرفتن مجدد پروانه تاسیس داروخانه را نخواهد داشت و به هر حال داروخانه نباید تعطیل گردد.

### بخش ۲ - شیر خشک و غذای کودک

ماده ۲۶ - شیر خشک شیرخواران باید دارای مجوز ورود از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی بوده و از طریق شبکه‌های توزیع کننده مورد تایید این وزارت در اختیار داروخانه‌ها قرار گیرد و داروخانه نیز بایستی آن را در ازای دریافت کوپن معتبر و با قیمت رسمی به متقاضی ارایه نماید (شیر خشک‌های رژیمی صرفاً بایستی با نسخه پزشک و با قیمت رسمی به مصرف کننده عرضه شود). تخلف از این امور جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف - در صورت عدم عرضه شیر خشک مجازاتهای مذکور در ماده ۲۳ این قانون ب - در صورت گرانفروشی، مجازاتهای مذکور در بند الف ماده ۱۹ این قانون ج - در صورت عرضه شیر خشک‌های رژیمی بدون نسخه پزشک مجازاتهای مذکور در ماده ۱۸ این قانون د - در صورت تهیه و عرضه و فروش شیر خشک شیرخواران بدون مجوز، مجازاتهای مذکور در ماده ۱۳ این قانون

### بخش ۳ - لوازم و ملزومات پزشکی و دندان پزشکی و آزمایشگاهی

ماده ۲۷ - لوازم و ملزومات پزشکی و دندانپزشکی و آزمایشگاهی که برای تولید و یا وارد کردن آنها از ارز دولتی استفاده شده

باشد باید براساس ضوابطی که وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تعیین می نماید، در مقابل ارایه فاکتور و با قیمت رسمی در اختیار متقاضی قرار گیرد و تخلف از این امور جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می شود: مرتبه اول - اخطار کتبی و یا جریمه نقدی تا یکصد هزار ریال و یا هردو مجازات مرتبه دوم - جریمه نقدی تا یک میلیون ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا پنج میلیون ریال در صورت گرانفروشی متخلف به ترتیب مذکور در ماده ۲۲ این قانون مجازات می شود. تبصره - شرکتهای توزیع کننده اقلام مذکور در صورتی که در تخلف از ضوابط فوق با تولیدکننده و یا واردکننده مشارکت و یا معاونت داشته باشند متخلف محسوب و به مجازاتهای زیر محکوم خواهند شد: مرتبه اول - اخطار کتبی و ضبط کالا به نفع دولت و پرداخت بهای آن به قیمت رسمی به شرکت مذکور مرتبه دوم - ضبط کالا به نفع دولت مرتبه سوم - جریمه نقدی تا یک میلیون ریال و ضبط کالا به نفع دولت

### **بخش ۴ - شرکتهای توزیع کننده دارو ، شیر خشک و ملزومات پزشکی ، دندان پزشکی و آزمایشگاهی**

ماده ۲۸ - این گونه شرکتهای موظفند کالاهای موضوع این قانون را در صورتی که با ارزش دولتی تولید و یا وارد شده باشند، منحصراً از شرکتهای تولیدی و یا وارداتی مجاز دریافت نمایند، تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می شود: مرتبه اول - اخطار کتبی و ضبط کالا - به نفع دولت و پرداخت بهای آن به قیمت رسمی مرتبه دوم - ضبط کالا به نفع دولت مرتبه سوم - جریمه نقدی تا یک میلیون ریال و ضبط کالا به نفع دولت ماده ۲۹ - شرکتهای توزیعی موظفند اقلام توزیعی خود را برطبق ضوابط اعلام شده در اختیار واحدهای مجاز و یا متقاضیان قرار دهند. تخلف از ضوابط این ماده جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می شود: مرتبه اول - اخطار کتبی مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پنج میلیون ریال ماده ۳۰ - شرکتهای توزیعی موظفند با ارایه فاکتور و به قیمت رسمی کالا را تحویل نمایند. تخلف از این ماده جرم بوده و در صورت گرانفروشی ، متخلف به ترتیب مذکور در ماده ۲۲ این قانون مجازات می شود و در غیر این صورت مرتبه اول - اخطار کتبی مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ سیصد هزار ریال

### **فصل سوم - تعزیرات تولید ، توزیع ، فروش مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی**

ماده ۳۱ - تولید مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی که با علامت و بسته بندی مشخص به صورت بازرگانی عرضه می گردد طبق فهرست ماده ۱ آیین نامه اجرایی ماده ۸ و ۹ قانون مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی منوط به اخذ پروانه ساخت از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می باشد و تخلف از آن جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می شود: مرتبه اول - تعطیل واحد تولیدی غیر مجاز بلافاصله و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازات های مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال با توجه به حجم تولید غیر مجاز مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، ضبط لوازم تولیدی به نفع دولت چنانچه واحد تولیدی مجاز بدون کسب پروانه ساخت اقدام به تولید کالایی نماید: مرتبه اول - تعطیل خط تولید و ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال با توجه به حجم تولید مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم تعطیل واحد تولیدی تا مدت شش ماه ماده ۳۲ - تولید مواد غذایی ، آرایشی و بهداشتی باید با حضور مسوول فنی انجام گیرد، در صورت تخلف مرتبه اول - تعطیل تولید تا حضور مسوول فنی و اخطار کتبی با درج در پرونده مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ضبط کالای تولیدی به نفع دولت مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه چهارم - تعطیل واحد تولیدی تا یک سال ماده ۳۳ - حضور

مسوول فنی در کلیه مراحل تولید الزامی بوده و مسوول فنی باید نظارت دائم در امر تولید داشته باشد تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - اخطار کتبی و درج در پرونده‌ی مسوول فنی مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ یکصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه چهارم - تعلیق پروانه مسوول فنی تا شش ماه ماده ۳۴ - کلیه تولیدکنندگان موظفند برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های تولیدی خود الصاق نمایند و شماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف (تاریخ مصرف را نیز روی محصولات ، حسب مورد ، درج نمایند تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ دوست هزار ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال ماده ۳۵ - تولیدکنندگان مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی ملزم به رعایت فرمول تایید شده در پروانه ساخت می‌باشند تخلف از مفاد این ماده در صورتی که عدم رعایت فرمول ساخت براساس کاهش مصرف مواد متشکله آن باشد ، از مصادیق کم فروشی و یا گرانفروشی محسوب گردیده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف - گرانفروشی تا مبلغ دو هزار ریال مرتبه اول - جریمه نقدی تا مبلغ ده هزار ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ ده هزار ریال و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ ده هزار ریال نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ب - گرانفروشی از مبلغ بیش از دو هزار ریال تا مبلغ پانصد هزار ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از مبلغ ده هزار ریال تا پنج برابر میزان گرانفروشی نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش ج - گرانفروشی از مبلغ بیش از پانصد هزار ریال تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از پنج تا هشت برابر میزان گرانفروشی ، نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش د - گرانفروشی بیش از پنج میلیون ریال مرتبه اول - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی مرتبه دوم - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی و نصب پارچه در محل واحد به عنوان گرانفروش مرتبه سوم - جریمه نقدی از هشت تا ده برابر میزان گرانفروشی ، نصب پارچه در محل واحد و معرفی از رسانه‌های گروهی به عنوان گرانفروش در صورتی که مواد اولیه به کار رفته در فرمول ساخت از مواد غیر مجاز و یا سمی باشد، متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - ضبط کالای تولیدی و در صورت سمی و یا زیان آور بودن ، معدوم نمودن کالا مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی تا پنج میلیون ریال مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، تعطیل واحد تولیدی تا یک سال ماده ۳۶ - شرکتهای پخش ، فروشگاه ها ، سوپرمارکت ها ، تعاونی ها و سایر اماکن که حق فروش یا توزیع کالای خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی را دارند مجاز به عرضه و فروش آن دسته از کالاهای مشمول قانون مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی می‌باشند که دارای پروانه ساخت معتبر و یا مجوز ورود از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشند تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود: الف - شرکتهای پخش و تعاونی های بزرگ مرتبه اول - اخطار و ضبط کالا به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول ، جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال با توجه به حجم کالا مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه دوم ، محکومیت مدیر عامل شرکت به زندان از یک تا شش ماه ب - فروشگاهها و سوپرمارکتها و سایر اماکن مرتبه اول - اخطار و ضبط کالا به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازات های مرتبه اول ، جریمه نقدی تا یکصد هزار ریال مرتبه سوم - علاوه بر مجازاتهای مرتبه اول جریمه نقدی تا پانصد هزار ریال در صورت تکرار - تعطیل واحد از یک تا شش ماه ماده ۳۷ - فروشگاهها ، سوپرمارکتها ، تعاونیها و سایر اماکن باید از عرضه و تحویل کالای غیربهداشتی خودداری نمایند عرضه و

تحويل کالا با علم به غیر بهداشتی بودن آن تخلف محسوب شده و متخلف به مجازات‌های زیر محکوم می‌شود: مرتبه اول - اخطار کتبی و ضبط کالا - به نفع دولت مرتبه دوم - علاوه بر مجازات‌های مرتبه اول جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال به تناسب حجم کالا - مرتبه سوم - علاوه بر مجازات‌های مرتبه دوم تعطیل واحد از یک تا شش ماه ماده ۳۸ - سازمانها و شرکتهای واردکننده و تولیدکننده مواد اولیه غذایی ، آرایشی و بهداشتی در صورتی می‌توانند کالای خود را به تولیدکنندگان موضوع ماده ۳۱ این قانون عرضه نمایند که واحدهای مذکور دارای مجوز و یا پروانه ساخت معتبر از وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی باشند و متخلفین از مفاد این ماده به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند: الف - واردکنندگان مرتبه اول - اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال و لغو کارت بازرگانی به مدت یک سال ب - تولیدکنندگان مرتبه اول - اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی از یک میلیون تا پنج میلیون ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی تا ده میلیون ریال ماده ۳۹ - متصدیان و مسوولین کارخانجات و کارگاهها و مراکز تهیه و توزیع مواد خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی ، بهداشتی ، اماکن عمومی ، مراکز بهداشتی درمانی ، مراکز آموزشی و پرورشی ، محلهای نگهداری و پرورش دام و طیور و کشتارگاه ها ملزم به رعایت ضوابط و مقررات بهداشت محیطی در محل فعالیت خود می‌باشند متخلفین از مفاد این ماده به ازای هر مورد نقص بهداشتی ، به مجازات‌های زیر محکوم می‌شوند: مرتبه اول - جریمه نقدی از مبلغ یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی از مبلغ دو هزار ریال تا یکصد هزار ریال مرتبه سوم - جریمه نقدی از مبلغ چهار هزار تا دویست هزار ریال مرتبه چهارم - علاوه بر مجازات مرتبه سوم ، زندان از یک تا شش ماه تبصره - در صورت عدم رفع نقایص بهداشتی در پایان مهلت مقرر ، با لغو پروانه کسب متصدی و یا مسوولین ، محل تعطیل خواهد شد و ادامه کار منوط به اخذ پروانه جدید و رفع نقص می‌باشد ماده ۴۰ - در کلیه مراحل مربوط به مواد این قانون در صورتی که تخلف در بخش غیر خصوصی انجام گرفته باشد ، حسب مورد مقام مجاز دستور دهنده و یا مباشر و یا هر دو متخلف محسوب و به مجازات‌های زیر محکوم می‌گردند: مرتبه اول - اخطار کتبی و جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال مرتبه دوم - جریمه نقدی تا مبلغ پنج میلیون ریال مرتبه سوم - تعلیق از خدمت به مدت سه تا شش ماه مرتبه چهارم - زندان از یک تا شش ماه

### فصل چهارم - سایر مقررات

ماده ۴۱ - گزارش تخلفات مندرج در این قانون به وسیله ناظرین و بازرسین ویژه ای که توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و یا مدیران عامل سازمانهای منطقه‌ای بهداشت ، درمان تعیین می‌شوند ، تهیه می‌گردد. ماده ۴۲ - کلیه گزارشات تخلفات مندرج در این قانون باید به تایید ناظرین و بازرسین ویژه برسد. ماده ۴۳ - وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی موظف است به طور منظم اسامی کالاهای مجاز و غیر مجاز (خوردنی ، آشامیدنی ، آرایشی و بهداشتی ) را جهت اطلاع عموم به نحو مقتضی اعلام نماید. ماده ۴۴ - اعمال تعزیرات حکومتی موضوع این قانون مانع اجرای مجازات‌های قانونی دیگر نخواهد بود.

### آیین نامه راجع به وظایف واحد رسیدگی به شکایات و تجدیدنظر در احکام کمیسیون های تعزیرات حکومتی بخش دول

منظور از ( واحد رسیدگی به شکایات ) در این آیین نامه واحد موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی است که عهده دار وظایف زیر می‌باشد: ۱- رسیدگی به شکایات از احکام و قرارهای بازداشت صادره از کمیسیون مرکزی و تجدیدنظر در آنها. ۲- رسیدگی به شکایات از احکام و قرارهای بازداشت صادره از کمیسیونهای استانی و تجدیدنظر در آنها. ۳- رسیدگی به تخلفات مجریان تعزیرات حکومتی بخش دولتی به کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی بخش دولتی و هر یک از کمیسیونهای استانی در این آیین نامه به اختصار ( کمیسیون ) اطلاق می‌شود. ماده ۱ - واحد بررسی شکایات در تهران تشکیل می‌شود و چنانچه رییس جمهور و

رییس دیوانعالی کشور مصلحت بدانند می‌توانند در شهرستان دیگری نیز شعبه تشکیل دهد. ماده ۲ - هر یک از احکام و قرارهای صادره از سوی کمیسیون که در موعد مقرر مورد اعتراض محکوم علیه یا متهم و یا نماینده قانونی آنان قرار گرفته باشد برابر آیین نامه قابل تجدیدنظر است تبصره - وزرا یا بالاترین مقام مسوول که موسسه ذی ربط تحت پوشش وی اداره می‌شود در صورتی که حکم صادره را موجب خسارت و ضرر و زیان دستگاه خود بدانند می‌توانند با دلایل کافی به حکم صادره اعتراض و درخواست تجدیدنظر نمایند. ماده ۳ - واحد رسیدگی به شکایات موظف است اعتراضات محکوم علیهم و پرونده‌های محوله را با حفظ نوبت و کمال دقت مطالعه و بررسی نموده و پس از مشاوره کامل به طور مستدل اظهار نظر نماید. تبصره - پرونده‌ها کلاً به نوبت رسیدگی می‌شود مگر در موارد فوری که به تشخیص رییس واحد، رسیدگی خارج از نوبت به عمل خواهد آمد و رسیدگی به شکایات از قرار بازداشت در خارج از نوبت انجام می‌شود. ماده ۴ - متقاضی تجدیدنظر باید درخواست خود را حداقل در دو نسخه تنظیم و نسخه‌ای را به واحد رسیدگی به شکایات و یا به کمیسیون صادر کننده حکم تسلیم نماید. کمیسیون موظف است نسخه دریافتی را در اسرع وقت به واحد رسیدگی به شکایات ارسال دارد. ماده ۵ - چنانچه واحد رسیدگی به شکایات ضمن بررسی به اعتراض محکوم علیه یا نماینده قانونی وی تشخیص دهد که دلایل استنادی کمیسیون در اثبات ادعا موثر نمی‌باشد و یا حکم برخلاف قانون صادر شده حکم را نقض و حکم مقتضی را انشا و صادر خواهد نمود و چنانچه اعتراض را وارد نداند حکم کمیسیون را تایید می‌نماید. در هر صورت پس از خاتمه رسیدگی پرونده را جهت اجرا به کمیسیون ذی ربط ارجاع خواهد نمود، حکم واحد رسیدگی به شکایات قطعی و لازم الاجرا است ماده ۶ - هر گاه واحد رسیدگی در حین بررسی به پرونده‌ای متوجه اشتباه کمیسیون در استناد به ماده قانونی بشود لکن این اشتباه تغییری در نوع تخلف و میزان مجازات حاصل ننماید در این صورت واحد رسیدگی اشتباه را رفع نموده و حکم را تصحیح و تایید می‌کند. ماده ۷ - تجدیدنظر در احکام صادره کمیسیون از سوی واحد رسیدگی به شکایات فقط یکبار بعمل می‌آید مگر این که جهت آن غیر از جهت تقاضای تجدیدنظر اول باشد. ماده ۸ - واحد رسیدگی به شکایات در صورت لزوم می‌تواند محکوم علیه، شهود و یا کسانی را که حضورشان برای ادای توضیحات لازم است احضار نماید لکن عدم حضور احضار شدگان مانع رسیدگی نمی‌باشد. تبصره - احضار اشخاص برابر مقررات قانونی انجام خواهد شد. ماده ۹ - هر گاه واحد رسیدگی به شکایات در رسیدگی به آرا صادره از سوی کمیسیون‌ها اختلاف رویه‌ای را در موارد مشابه مشاهده نماید می‌تواند نسبت به آن در جهت همسانی اتخاذ نظر کند، نظر و رای مذکور برای کلیه کمیسیونها در موارد مشابه لازم الاتباع است ماده ۱۰ - هر گاه متهمی که به سبب بیم فرار و یا تبانی از سوی کمیسیون بازداشت شده است بیش از ۲۴ ساعت در توقیفگاه بماند و از وی تحقیق نشود، متهم حق شکایت خواهد داشت و واحد رسیدگی به شکایات موظف است به تخلفات اجرایی مامورین تعزیرات در این خصوص رسیدگی و تکلیف متهم را معین نماید. ماده ۱۱ - چنانچه هر یک از مجریان تعزیرات و مامورین انتظامی، مامورین بازداشتگاهها و مستخدمین دولتی در خصوص بازداشت غیر قانونی، عدم استماع تظلمات و ارجاع آن را به مقامات ذی صلاح عدول از اجرای قانون و آیین نامه تعزیرات حکومتی بخش دولتی و یا جلوگیری از اجرای حکم و اوامر کتبی مقامات صالحه و آزار و اذیت متهم و یا ورود به مراکز و کارگاهها و منازل اشخاص بدون ترتیبات قانونی و دیگر تقصیرات، مرتکب تخلفاتی شوند، واحد رسیدگی به شکایات موظف است به تخلفات آنان رسیدگی نماید و در صورتیکه موضوع تخلف از جرایم عمومی و یا سواستفاده مالی باشد پرونده آنان را نظیر موارد مندرج در ماده ۳۵ قانون تعزیرات حکومتی به دادگاههای انقلاب ارجاع خواهد نمود. ماده ۱۲ - وزارتخانه‌ها، سازمانها و موسسات دولتی و وابسته به دولت، مسوولین نهادها، بانکها، شرکتهای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی، و نیز کلیه واحدهای انتظامی مسوولین ژاندارمری‌ها و دیگر ضابطین موضوع ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی موظف به همکاری در اجرای اوامر صادره واحد رسیدگی به شکایات خواهند بود. ماده ۱۳ - واحد رسیدگی به شکایات ضمن هماهنگی با دادستانی کل کشور می‌تواند بر حسن اجرای آیین نامه و مقررات زندانها مصوب

۲۹/۳/۱۳۶۸ دیوان عالی کشور در قبال متهمین و محکومین تعزیرات حکومتی بخش دولتی که در زندان بسر می‌برند نظارت نماید. ماده ۱۴ - واحد رسیدگی به شکایات می‌تواند در حدود موازین اسلامی و در چارچوب ضوابط آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی پیشنهاد خود را برای بخشودگی محکومین تعزیرات حکومتی بخش دولتی تنظیم و از طریق قوه قضاییه به مقام معظم رهبری تسلیم نماید. این آیین نامه مشتمل بر ۱۵ ماده و ۳ تبصره در اجرای تبصره ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۳/۱۲/۱۳۶۷ مجمع تشخیص مصلحت نظام اسلامی در ۲۶/۶/۶۹ به تصویب رسید.

### آیین نامه اجرایی نحوه فروش کالاهای قاچاق مکشوفه موضوع قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچا

مصوب آبان ماه ۱۳۷۴ ماده ۱ - در این آیین نامه واژه های زیر بجای عبارتهای مشروح مربوط به کار می‌رود: الف - قانون قانون (نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام . ب - اداره های مامور وصول درآمدهای دولت هر اداره یا سازمان یا موسسه دولتی که به موجب قوانین با شرح وظایف مصوب سازمانی خود موظف به وصول درآمدهای دولت باشند ، مانند گمرک ، دخانیات و شیلات . ج - سازمان کاشف سازمانی است که وظیفه مبارزه با قاچاق و کشف کالای قاچاق را به عهده دارد. د - کمیسیون مرکزی کمیسیون مرکزی قیمت گذاری و نظارت بر فروش متشکل از نمایندگان وزارتین بازرگانی و کشور ، سازمان تعزیرات حکومتی ، گمرک جمهوری اسلامی ایران ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی که با مسوولیت ریاست سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی در مرکز تشکیل خواهد شد. ه - کمیسیون استان کمیسیون قیمت گذاری و نظارت بر فروش که در هر استان تشکیل می‌گردد و متشکل از نمایندگان وزارت بازرگانی ، سازمان تعزیرات حکومتی ، گمرک جمهوری اسلامی ایران ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و با مسوولیت سازمان مذکور می‌باشد. و - خریداران سازمانها و فروشگاه های زنجیره ای و اتحادیه های تعاونی مصرف که می‌توانند در خرید کالا شرکت نمایند، از جمله فروشگاههای زنجیره‌ای رفاه ، شهر و روستا ، سازمان اتکا ، فروشگاههای سپه ، اتحادیه های امکان ، فرهنگیان ، کارکنان دولت . ز - پایه بهای کالا: مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق وارداتی عبارت اند از ارزش سیف بر اساس قیمت ارز صادراتی (بر مبنای اعلام بانک مرکزی و مبالغ سود بازرگانی مندرج در ماده ۱۵ مقررات صادرات و واردات و عوارض مربوط به همان کالا است و مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق خروجی عبارت از قیمت صادراتی همین کالا است ح - قیمت کارشناسی کالا : قیمتی است که کمیسیونهای استانها با استفاده از کارشناسان خبره و باتوجه به پایه بهای کالاها تعیین می‌نمایند. ماده ۲ - دبیرخانه کمیسیون مرکزی قیمت گذاری و نظارت بر فروش موظف است حداقل در هر ماه یک بار جلسه کمیسیون مرکزی را تشکیل و عملکرد کمیسیونهای استانها را مورد ارزیابی قرار دهد. کمیسیون مذکور قیمت پایه کالاها را بر اساس بند (ز) ماده ۱ هر سه ماه یک بار تعیین و به کمیسیونهای استانها ابلاغ خواهد نمود. ضمناً این کمیسیون موظف است دستورالعمل های اجرایی این آیین نامه را تهیه و ابلاغ نماید و نظرات کمیسیون مرکزی برای کمیسیون های استانها لازم الاجرامی باشد. ماده ۳ - اداره های مامور وصول درآمدهای دولت موظفند طبق قوانین مربوطه بلافاصله پس از ضبط کالا- نسبت به اعلام مشخصات کامل کالاهای مکشوفه به دبیرخانه کمیسیون استان اقدام نمایند. ماد ۴ - دبیرخانه کمیسیون قیمت گذاری و نظارت بر فروش استانها موظفند هفته ای یک بار (حداکثر دو هفته ای یک بار) نسبت به تشکیل جلسات کمیسیون در محل سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی استان اقدام و در خصوص تمام گزارشات واصله برابر مواد آتی تصمیم نماید. کمیسیون با حضور نصف به علاوه یک نفر اعضا رسمیت می‌یابد. تبصره ۱ - در استانهایی که سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی نماینده مقیم نداشته باشد جلسات در محل اداره های کل امور اقتصادی و دارایی تشکیل می‌شوند. تبصره ۲ - تصمیم گیری در مورد قیمت گذاری و فروش کالاهای دخانی و شیلاتی با دعوت از نمایندگان ذی ربط در کمیسیون صورت

خواهد گرفت و در صورت عدم حضور نمایندگان مذکور در جلسه تصمیم گیری لازم انجام خواهد شد. ماده ۵ - کمیسیون‌های استانها با توجه به نرخهای ابلاغی از سوی کمیسیون مرکزی موضوع ( ماده ۳ ) نسبت به تعیین بهای کارشناسی کالاهای هر پرونده با استفاده از کارشناسان خبره و بر حسب نوع و کیفیت کالا- اقدام و صورتجلسه ای مشتمل بر تعداد پرونده‌های مطروحه و تصمیمات متخذه در آن جلسه جهت اجرا تنظیم می‌نمایند. ماده ۶ - دبیرخانه کمیسیون‌های استانها موظفند حداکثر ظرف مدت دو روز از تاریخ تنظیم صورتجلسه نسبت به دعوت خریداران برای شرکت در جلسه فروش اقدام و تاریخ برگزاری جلسات فروش حداکثر سه روز از تاریخ دعوت نامه می‌باشد. ماده ۷ - کمیسیونهای استانها کالاهای سریع الفساد از جمله مواد غذایی و نوشیدنی فاسد شدنی را حداکثر ظرف مدت سه روز تعیین تکلیف و نسبت به فروش به خریداران (بند (و) ماده ۱) اقدام و گزارش آن را به کمیسیون مرکزی ارسال دارند. تبصره - کمیسیون مرکزی دستورالعمل اجرایی برای فروش سایر کالاهایی را که سریعاً ضایع می‌گردد از جمله احشام و میوه جات را به کمیسیون استانها ابلاغ خواهد کرد. ماده ۸ - جلسات فروش با حضور حداقل سه خریدار رسمی خواهد شد و در صورتی که تعداد خریداران به حد نصاب نرسد جلسه بعدی بدون رعایت حد نصاب فوق‌الذکر حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت تجدید خواهد شد. ماده ۹ - دبیرخانه کمیسیون استانها اطلاعات مربوط به زمان و مکان فروش را به اطلاع خریداران خواهند رساند. ماده ۱۰ - در هر مورد از فروش کالا، متناسب با ارزش کالای موجود و تعداد خریداران شرکت کننده، سهمیه ای (از انواع کالاهای موجود) برای هر یک از خریداران (با اولویت در پیشنهاد قیمت ونحوه پرداخت از سوی کمیسیون استان تعیین می‌گردد

#### لایحه قانونی مجازات واحدهای تولیدی داخلی و وارداتی متخلف

مصوب دی ماه ۱۳۵۸ ماده ۱ - مرکز بررسی قیمتها مکلف است جداولی جهت تعیین قیمت تمام شده کالاهای تولیدی داخلی و وارداتی در اختیار واحدهای تولیدی و وارداتی کالاهای قرار دهد. مدیران عامل و مالی یا مسوولان ذی صلاح واحدهای مذکور که دارای امضای مجاز هستند مکلفند ظرف مهلت تعیین شده از طرف مرکز بررسی قیمتها نسبت به تکمیل و اعلام پاسخ صحیح و مدلل به پرسشهای مندرج در این جدول اقدام نمایند. ماده ۲ - هرگاه مدیران عامل و مالی و یا مسوولان ذیصلاح واحدهای وارداتی و تولیدی ظرف مهلت تعیین شده نسبت به تکمیل جداول و ارسال آن به مرکز بررسی قیمتها اقدام ننمایند متخلف محسوب و به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردند. ماده ۳ - هرگاه در اثر بررسی و رسیدگی مرکز بررسی قیمتها مشخص گردد اشخاص مذکور در ماده ۲ برخلاف واقع نسبت به تکمیل جداول اقدام نموده و اطلاعات نادرست و غیر واقعی اعلام کرده باشند متخلف محسوب و با توجه به نوع و اهمیت و ارزش کالا- و مابه التفاوت قیمت اعلام شده از طرف واحدهای تولیدی و وارداتی با قیمت محاسبه شده توسط مرکز بررسی قیمتها که مبتنی بر ارقام واقعی بوده و به تصویب شورای عالی قیمتها رسیده باشد براساس حجم تولید یا فروش سالانه به شرح زیر محکوم می‌گردند: الف - هرگاه مابه التفاوت تا مبلغ ۵۰۰/۰۰۰ ریال باشد متخلف به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یکسال محکوم می‌گردد. ب - هرگاه مابه‌التفاوت از مبلغ ۵۰۰/۰۰۱ ریال به بالا باشد متخلف به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا دو سال محکوم می‌گردد. تبصره ۱ - متخلف علاوه بر مجازاتهای مقرر در این ماده به پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر مابه‌التفاوت قیمت محاسبه شده توسط مرکز بررسی قیمتها با قیمت اعلام شده محکوم می‌گردد. تبصره ۲ - در صورتی که متخلف ظرف یکسال از تاریخ قطعیت حکم مجدداً مرتکب یکی از تخلفات مذکور در مواد ۲ و ۳ گردد به اشد مجازات محکوم خواهد شد. تبصره ۳ - نحوه محاسبه قیمت اعلام شده توسط آیین‌نامه اجرایی که به وسیله وزارت بازرگانی تهیه و به تصویب شورای عالی قیمتها خواهد رسید تعیین می‌گردد.

آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

ماده ۱- در این آیین نامه اصطلاحات و واژه های اختصاری زیر به جای عبارتهای مشروح مربوط به کار می رود: الف- قانون قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴- مجمع تشخیص مصلحت نظام ب- اداره های مامور وصول درآمدهای دولت هر اداره یا سازمان یا شرکت دولتی که به موجب قوانین یا شرح وظایف مصوب سازمانی موظف به وصول درآمدهای دولت می باشد مانند گمرک جمهوری اسلامی ایران ، بانک مرکزی ، شرکت دخانیات ایران ، شرکت سهامی شیلات ایران و وزارت امور اقتصادی و دارایی پ- سازمانهای شاکی سازمانهایی هستند که به موجب قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز - مصوب ۱۲/۲/۱۳۷۴- موظف به وصول جریمه و اعلام شکایت و طرح دعوی علیه مرتکبان قاچاق کالا- و ارز می باشند. ت- سازمان کاشف سازمانی است که به موجب قوانین و مقررات جاری کشور وظیفه مبارزه با قاچاق کالا و ارز را به عهده دارد. تبصره - گمرک جمهوری اسلامی ایران حسب مورد کاشف تلقی می گردد. ث- مخبر: شخصی است که محل اختفا یا نگهداری کالا و ارز قاچاق یا ارتکاب عمل قاچاق یا شروع به آن را به سازمان کاشف با شرایط زیر گزارش نماید: ۱- گزارش به نحوی باشد که ماموران کشف بتوانند با پیگیری مفاد گزارش اطلاعات لازم را برای شروع عملیات تحصیل نمایند. ۲- گزارش پیش از کشف و یا شروع عملیات به سازمان کاشف واصل و ثبت دفتر مربوط شده باشد. ۳- پیگیری موضوع گزارش منتج به نتایج مثبتی در جهت کشف قاچاق گردیده باشد. ۴- هویت مخبر خواه به صورت ذکر نام و مشخصات و خواه به صورت اعلام قراردادی محرمانه (مانند کد عملیاتی ، شماره رمز ، نام مستعار و...) برای سازمان کاشف با درج در صورتجلسه بدوی کشف مشخص باشد. ۵- در صورت درخواست مخبر یا اقتضای شرایط عملیاتی سازمان کاشف مکلف است هویت مخبر را مکتوم نگاه دارد. ج- کاشف مامور سازمان کاشف است که راسا یا بر اثر دریافت خبر کالا یا ارز قاچاق یا وقوع و ارتکاب عمل قاچاق را کشف نموده و نام و مشخصات آنان در صورتجلسه بدوی کشف قید شده باشد. چ- مامور انتظامی مامور نیروی انتظامی و مامور سایر نیروهای مسلح ( تحت امر ناجا ) و ماموران وزارت اطلاعات (در ارتباط با کشف ارز قاچاق ) ح- بازجو: فرد یا افرادی می باشند که بعد از کشف کالا یا ارز قاچاق مبادرت به جمع آوری اطلاعات لازم و تکمیل پرونده ارتکاب عمل قاچاق ، شناسایی هویت متهمان و میزان دخالت هر یک از آنان در ارتکاب جرم می نمایند. تبصره - در صورتی که ادامه بازجویی منجر به کشفیات جدید شود صورتجلسه ثانوی تنظیم و شخص بازجو در این مرحله به عنوان کاشف محسوب می شود. خ- عوامل ستادی نیروهایی که در تهیه طرحها ، برنامه ریزی ، هدایت و نظارت امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز در سازمان کاشف موثر بوده و توسط سازمان ذی ربط معرفی می شوند. د- عوامل اطلاعاتی فرد یا افرادی از سازمان کاشف که پس از کسب خبر از عوامل ذی ربط مبادرت به جمع آوری و پرورش اطلاعات در زمینه کشف کالا یا ارز قاچاق نموده و نسبت به شناسایی متهم و محل نگهداری و اختفای کالا یا ارز اقدام می نمایند. ذ- صورتجلسه کشف صورتجلسه ای است که حین الکشف و یا در اولین فرصت ممکن پس از کشف تنظیم و به امضای کاشف یا کاشفان و نیز صاحبان کالا و ارز قاچاق و یا عاملان حمل می رسد و شامل نوع و مقدار کالا یا مبلغ ارز قاچاق ، زمان و چگونگی کشف یا عملیات منتهی به کشف و مشخصات وسیله حمل می باشد. تبصره - در مواردی که صاحبان کالا و ارز و یا عاملان حمل از امضای صورتجلسه خودداری نمایند مراتب استنکاف آنان در صورتجلسه قید و به گواهی حداقل دو نفر از کاشفان می رسد. ماده ۲- نحوه تعیین بهای کالا- و ارز قاچاق : الف - کالای قاچاق ورودی مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق ورودی عبارت است از: ارزش سیف بر اساس قیمت ارز واریزنامه ای صادراتی در بورس ، حقوق گمرکی به علاوه سود بازرگانی و عوارض موضوع ماده (۱۵) قانون مقررات صادرات و واردات آن کالاها در زمان کشف که توسط گمرک محاسبه می شود. ب- کالای قاچاق خروجی مبنای محاسبه بهای کالاهای قاچاق خروجی ، قیمت عمده فروشی کالا در نزدیکترین بازار داخلی در زمان کشف می باشد. پ- ارز قاچاق : مبنای محاسبه معادل ریالی قاچاق ، قیمت ارز واریزنامه ای صادراتی در بورس در زمان کشف ارز



قاچاق می‌باشد. ماده ۳- در مواردی که بهای کالا یا ارزش قاچاق در زمان کشف معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد سازمان کاشف فقط به ضبط کالا- و ارزش به نفع دولت اکتفا می‌کند و عین کالا و ارزش مکشوفه را با تنظیم صورتجلسه کشف به اداره مربوط مامور وصول درآمدهای دولت تحویل می‌دهد. بدیهی است در صورتی که اعمال ارتكابی واجد سایر عناوین جزایی باشد سازمان کاشف اقدامات قانونی را اعمال خواهد نمود. تبصره - اختیار یاد شده در مواردی است که اسناد مثبته دال بر واردات یا صادرات قانونی کالا و ارزش از سوی مالک یا حامل ارایه نگردد. ماده ۴- چنانچه سازمان کاشف بهای کالا- و ارزش قاچاق را بیش از ده میلیون ریال تشخیص دهد عین کالا و ارزش مکشوفه را ظرف حداکثر ۲۴ ساعت پس از کشف به همراه مالک یا حامل آن، حسب مورد، به اداره مربوط مامور وصول درآمدهای دولت تحویل می‌دهد. تبصره - اداره‌های مامور وصول درآمدهای دولت موظفند ظرف حداکثر ۵ روز اداری از تاریخی کشف یک نسخه از پرونده کالاهای قاچاق مکشوفه را جهت سیر مراحل فروش به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل نمایند. ماده ۵- در مناطقی که گمرک وجود ندارد انجام کلیه امور مربوط به قاچاق کالا ( رسیدگی، ارزیابی و قیمت گذاری، اعلام جرم، تحویل و نگهداری کالا و...) برعهده نزدیکترین گمرک محل می‌باشد. تبصره - در مناطقی که اداره‌های مامور وصول درآمدهای دولت تشکیل نشده باشد، اداره‌های یاد شده می‌توانند به سازمان کاشف تفویض اختیار نمایند تا نسبت به تشکیل پرونده و اعلام جرم علیه متهمان اقدام کند. ماده ۶- در موارد موضوع بند ب ماده ۲ قانون، در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه تعیین شده باشد جریمه دریافت و در صورتی که در بازداشت باشد بلافاصله آزاد می‌شود و در مواردی که متهم حاضر به پرداخت جریمه تعیین شده باشد ولی امکان پرداخت فوری آن را نداشته باشد سازمان شاکی می‌تواند از مرجع رسیدگی کننده درخواست اخذ تامین مناسب بنماید. ماده ۷- در صورت استتکاف متهم یا متهمان از پرداخت جریمه سازمان شاکی مکلف است ظرف حداکثر ۵ روز اداری از تاریخ کشف کالا- و ارزش قاچاق، پرونده متشکله را تکمیل و حسب مورد به مراجع قضایی یا محاکم تعزیرات حکومتی اعزام نماید. ماده ۸- در مناطقی که محاکم قضایی ( شامل دادگاه انقلاب و عمومی ) برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارد تا ایجاد تشکیلات قضایی سازمان تعزیرات حکومتی مکلف است بنا به درخواست سازمانهای شاکی و ابلاغ ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق نسبت به تشکیل محاکم تعزیرات حکومتی، اقدام و طبق قوانین و مقررات رسیدگی نماید. ماده ۹- در مورد پرونده‌هایی که از سوی سازمانهای شاکی به مراجع قضایی ارجاع می‌شود مراجع یاد شده مکلفند ظرف یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به سازمان شاکی مربوط اعلام کنند. تبصره - سازمان شاکی هنگام ارجاع پرونده قاچاق کالا برای رسیدگی قضایی در صورتی که حقوق و عوارض گمرکی کالا نیز پرداخت نشده باشد موظف است با توجه به ماده ۲۹ قانون امور گمرکی، موضوع عدم پرداخت حقوق و عوارض گمرکی را به عنوان یکی از جهات تلقی قاچاق در پرونده درج نماید. ماده ۱۰- در صورتی که مراجع قضایی، ظرف مهلت مقرر در قانون (یک ماه از تاریخ وصول پرونده، مبادرت به صدور حکم ننمایند و سازمان شاکی از سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی نماید در این صورت سازمان تعزیرات حکومتی پرونده را از شعبه رسیدگی کننده یا سازمان شاکی مطالبه می‌نماید و شعبه و سازمان شاکی نیز موظف به تحویل آن به سازمان مذکور می‌باشد و در هر حال مرجع قضایی مجاز به ادامه رسیدگی و صدور حکم نخواهد بود. تبصره - در صورت اخذ پرونده از مرجع قضایی سازمان تعزیرات حکومتی می‌تواند پرونده را از ابتدا یا در هر مرحله که باشد رسیدگی نماید. ماده ۱۱- در کلیه مواردی که سازمان تعزیرات حکومتی صالح به رسیدگی می‌باشد شعب تعزیرات حکومتی دارای همان اختیاری خواهند بود که مراجع قضایی در رسیدگی به پرونده‌های مزبور دارند. ماده ۱۲- متهمان به قاچاق کالا و ارزش در موارد بند الف و قسمت اول بند ب ماده ۲ قانون در صورت اعتراض می‌توانند ظرف حداکثر دو ماه از تاریخ ضبط کالا و ارزش حسب مورد به مراجع قضایی صالح یا محاکم تعزیرات حکومتی که در محل صلاحیت رسیدگی به جرم قاچاق را دارن دشکایت نمایند در صورت براءت، عین کالا- و در صورت موجود نبودن کالا-، قیمت آن (به نرخ روز صدور حکم و معادل ریالی ارزش بر)

اساس نرخ واریزنامه ای صادراتی در بورس به علاوه عین مبلغ جریمه پرداختی طبق حکم محکمه ، از محل موجودی حساب (۷۱۲) یا (۸۱۵) خزانه و به نسبت‌های مقرر در ماده ۲۵ این آیین نامه از سهمیه های ذی ربط تامین و از طریق دستگاه اجرایی مربوط به ذی نفع حسب مورد مسترد و یا پرداخت می گردد. تبصره ۱- مراجع یا محاکم یاد شده به شکایات و اعتراضاتی که بعد از مهلت مقرر در صدر این ماده واصل می شود ترتیب اثر نخواهند داد. تبصره ۲- در صورتی که مبالغ قابل استرداد - با محاسبه قیمت کالا به نرخ روز صدور حکم (موضوع این ماده بیش از حاصل فروش کالا- باشد مابه التفاوت از محل بند الف ماده ۲۵ این آیین نامه تامین خواهد شد. تبصره ۳- چنانچه قیمت کالای قابل استرداد (به نحو مقرر در این ماده از قیمت فروش کالا کمتر باشد، تفاوت آن از محل مقرر شده در تبصره ماده ۲۵ این آیین نامه به صاحب کالا پرداخت خواهد گردید. ماده ۱۳- کلیه جریمه های دریافتی مربوط به قاچاق کالا منحصررا به حساب ویژه ۷۱۲ خزانه و جریمه های ریالی دریافتی مربوط به قاچاق ارز به حساب ویژه ۸۱۵ خزانه واریز می گردد. تبصره - خزانه مکلف است بر اساس درخواست وزارت دادگستری ( سازمان تعزیرات حکومتی ) به منظور نگهداری وجوه امانی و استرداد سپرده های نقدی موضوع آرای صادره از محاکم قضایی و شعب تعزیرات حکومتی ، حسابهای سپرده و رد سپرده در سازمان یاد شده و ادارات کل تابعه در مراکز استانها افتتاح نماید. استرداد وجوه مذکور به اشخاص ذی نفع با امضای بالاترین مقام مسوول یا مقام مجاز از طرف وی در مرکز و استانها ضمن رعایت موازین قانونی صورت خواهد پذیرفت ماده ۱۴- ضبط کالا و ارز قاچاق در مرحله اداری بر اساس بندهای الف و ب ماده ۲ قانون صورت می گیرد و اعتراض متهم یا متهمان مانع اجرای عملیات ضبط ، دریافت جریمه ، فروش کالا و واریز وجوه و سایر اقداماتی که در این مرحله به موجب قانون صورت می گیرد نخواهد بود. ماده ۱۵- آرای صادره از شعب تعزیرات حکومتی در خصوص پرونده های کالا- و ارز قطعی است و محکوم علیه می تواند در صورت وجود هر یک از جهات ذیل ، ظرف مدت یک ماه از تاریخ ابلاغ رای از رییس سازمان تعزیرات حکومتی درخواست رسیدگی مجدد نماید. ۱- ادعای مخالف بودن رای با قانون ۲- ادعای عدم توجه شعبه رسیدگی کننده به دلایل یا مدافعات ۳- ادعای عدم صلاحیت شعبه ۴- ادعای عدم توجه اتهام به محکوم علیه رییس سازمان در صورتی که دلیل را موجه تشخیص دهد رای صادره را نقض و پرونده را جهت رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر ارسال خواهد نمود. رایی که شعبه تجدید نظر صادر می نماید قطعی و لازم الاجرا است تبصره ۱- رییس سازمان تعزیرات حکومتی در صورت وقوع یکی از موارد ذیل راسا رای را نقض و پرونده را برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر ارجاع می نماید. رای شعبه مزبور قطعی و لازم الاجرا است ۱- رییس شعبه صادر کننده رای متوجه اشتباه رای خود شود. ۲- رییس شعبه دیگری پی به اشتباه رای صادره ببرد به نحوی که اگر به رییس شعبه صادر کننده رای تذکر دهد متنبه گردد. ۳- ثابت شود رییس شعبه صادر کننده رای صلاحیت رسیدگی و انشای رای را نداشته است تبصره ۲- رای صادره از شعب بدوی تعزیرات حکومتی در صورتی که مبنی بر براءت متهم باشد با درخواست سازمان شاکی پرونده از سوی رییس سازمان تعزیرات حکومتی برای رسیدگی مجدد به یکی از شعب تجدیدنظر تعزیرات حکومتی ارسال خواهد شد. رای شعبه تجدیدنظر قطعی و لازم الاجرا است ماده ۱۶- صدور قرار بازداشت و سایر قرارهای تامینی در مواردی که برای امکان وصول جریمه ضرورت دارد با پیشنهاد سازمان شاکی برعهده محکمه صالحه می باشد. ماده ۱۷- سیستم بانکی کشور موظف است با هماهنگی بانک مرکزی معادل ریالی ارزهای مکشوفه را - پس از ضبط قطعی - به قیمت ارز صادراتی واریزنامه ای در بورس به حساب ویژه مربوط به خزانه واریز نماید. ماده ۱۸- حمل کالای قاچاق جرم تلقی شده و حامل ( چنانچه قرآینی نظیر جاسازی کالا- در وسیله حمل حکایت از آگاهی حامل از حمل کالای قاچاق یا شرکت وی در این امر داشته باشد) مستقل از مجازات مقرر برای مالک یا دارنده کالای قاچاق به جزای نقدی تا معادل دو برابر بهای کالای قاچاق محکوم خواهد گردید. تبصره ۱- وسیله حمل کالای قاچاق به عنوان وسیله ارتکاب جرم توقیف و در صورت عدم پرداخت جریمه ظرف مدت دو ماه به حکم مرجع رسیدگی کننده به فروش رفته و از محل فروش جریمه تعیین شده پرداخت خواهد شد. تبصره ۲- در صورت

وحدت حامل و مالک کالای قاچاق مجازات متهم منحصر به حکم صادره برای مالک کالای قاچاق خواهد بود. ماده ۱۹ - محکوم علیه موظف است از تاریخ ابلاغ رای ظرف مدت ۲۰ روز نسبت به پرداخت جریمه اقدام نماید، در غیر این صورت از محل وثیقه های سپرده شده یا فروش اموال وی با رعایت مقررات قانون اجرای احکام نسبت به وصول جریمه مقرر اقدام خواهد شد. تبصره ۱ - فروش کالاهای قاچاق مکشوفه خروجی، کالاهای سریع الفساد، کالاهای انهدامی (دارای مصرف ثانویه، کالاهای سریع الاشتعال، احشام و طیور و کالاهایی که در آنها تغییر کمی و کیفی ایجاد شده باشد و همچنین کالاهایی که در مزایده به فروش نرسیده است به قیمت پایه کارشناسی بر اساس ضوابط جاری سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی خواهد بود. تبصره ۲ - گمرک جمهوری اسلامی ایران موظف است برای تعیین قیمت کالای قاچاق مکشوفه میانگین نرخ ارز واریزنامه صادراتی مورد معامله در بازار بورس را در پایان هر فصل شمسی از بانک مرکزی اخذ و ملاک محاسبه در فصل بعدی سال قرار دهد. تبصره ۳ - کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی و شیلاتی تحویل شرکتهای دخانیات و شیلات می شوند و شرکتهای یاد شده مکلفند بلافاصله پس از ضبط کالاهای قاچاق تحویلی را وفق مقررات به فروش رسانیده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز و مراتب را به سازمانهای کاشف شاکی ذی ربط اعلام نمایند. تبصره ۴ - آن دسته از اموال و اشیایی که دارای ارزش فرهنگی، تاریخی و ملی هستند به سازمان میراث فرهنگی تحویل می شوند. تبصره ۵ - فرآورده های نفتی و جنگلی به ترتیب تحویل شرکت ملی پالایش و پخش فرآورده های نفتی ایران و وزارت جهاد سازندگی می شود. شرکت و وزارتخانه یاد شده موظفند ضمن تحویل گرفتن کالای مکشوفه وفق مقررات و بر اساس قیمت های داخلی به فروش رساننده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ واریز و مراتب را به سازمان کاشف اعلام نمایند. ماده ۲۰ - اداره های مامور وصول درآمدهای دولت مکلفند بلافاصله پس از ضبط کالاهای قاچاق، بدل پرونده را به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تحویل دهند. سازمان یاد شده کالاهای مکشوفه را بر مبنای پایه قیمت تعیین شده توسط گمرک جمهوری اسلامی ایران بر اساس ارز واریزنامه ای در بورس از طریق مزایده به فروش رساننده و وجوه حاصل از فروش را به حساب ویژه خزانه (۷۱۲) موضوع تبصره (۵) ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز و مراتب را به ادارات ذی ربط مامور وصول درآمدهای دولت و به سازمان شاکی مربوط اعلام می نماید. ماده ۲۱ - سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلف است تمامی وجوه حاصل از فروش کالاهای موضوع قاچاق را پس از کسر میزان مقرر در ماده ۹ قانون تاسیس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی بابت کارمزد فروش به حساب خزانه موضوع ماده (۷) قانون واریز نماید. میزان مبالغ واریز شده به حساب تمرکز درآمد سازمان درخزانه منظور خواهد شد. ماده ۲۲ - خلاصه صورتمجلس فروش کالاهای قاچاق مکشوفه در هر ماه توسط نمایندگیهای سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی تهیه و به کمیسیون مبارزه با قاچاق استان و نیز توسط سازمان مذکور به ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق به شرح ذیل ارسال می گردد: الف - نسخه ای برای احتساب حق الکشف پرونده های ذی ربط به اداره های مامور وصول درآمدهای دولت در استان ب - نسخه ای جهت پرداخت سهم کاشفان هر پرونده به سازمان کاشف ذی ربط پ - نسخه ای به منظور بهره برداری در دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق. ماده ۲۳ - اداره های مامور وصول درآمدهای دولت و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلفند بلافاصله پس از فروش کالا - و یا اخذ جریمه و واریز وجوه به حساب ویژه خزانه ۷۱۲ (بدون تنظیم فهرست تقسیم حق السهم) نسبت به درخواست واریز ۵۰ درصد حق السهم کاشفان و سازمانهای کاشف به حسابهای مربوط به انضمام مشخصات پیکره وجوه واریزی به حساب ویژه خزانه حساب ۷۱۲ اقدام و یک رونوشت تقاضای مذکور را به سازمان کاشف ذی ربط ارسال نمایند. ماده ۲۴ - خزانه مکلف است در هر استان یک حساب بانکی با درخواست اداره های مامور وصول درآمدهای دولت افتتاح نماید. هر یک از اداره های یاد شده و نیز هر یک از محاکم و شعب قضایی و تعزیرات حکومتی، سازمانهای کاشف و شاکی و سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی مکلفند تمامی وجوه حاصل

از فروش و جریمه کالاهای قاچاق را به حساب مذکور واریز نمایند. این حسابها غیر قابل برداشت بوده و موجودی آنها توسط بانک در پانزدهم و پایان هر ماه باید به حساب ویژه ۷۱۲ موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۲۰/۷/۱۳۷۳ - نزد خزانه واریز و رونوشت اعلامیه واریز وجوه به سازمانهای کاشف ذی ربط ارسال گردد. ماده ۲۵ - خزانه موظف است بر اساس فرم درخواست وجوه درخواست کننده ظرف حداکثر یک هفته نسبت به واریز وجوه درخواستی به حساب مربوط به شرح زیر اقدام نماید: الف - ۴۰ درصد به حساب درآمدهای عمومی کشور. ب - ۳۰ درصد به حساب حق الکشف ماموران کاشف نزد سازمان ذی ربط پ - ۲۰ درصد به حساب سازمان کاشف ت - ۱۰ درصد به حساب اختصاصی ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق. تبصره - ۱۰ درصد از مبلغ حق الکشف موضوع بند ب فوق برای تامین موارد یاد شده در تبصره ۳ ماده ۱۲ این آیین نامه اختصاص می یابد. ماده ۲۶ - کلیه صورتهای تقسیم حق الکشف قاچاق طبق صورتجلسات بدوی کشف توسط سازمانهای کشف تنظیم و بر اساس اسامی مقید در فهرست تقسیم نسبت به پرداخت حق الکشف اقدام می شود و در مورد هر پرونده به شرح زیر خواهد بود: الف - سهم عوامل اطلاعات مخبران و کاشفان ۲۰۳۰ ب - سهم ماموران انتظامی و بازجو ۷۳۰ پ - سهم عوامل ستادی ۳۳۰ تبصره ۱ - در صورتی که کشف و ضبط کالا و ارز قاچاق بدون دخالت ماموران انتظامی صورت پذیرد سهم ماموران یاد شده بین عوامل اطلاعاتی، مخبر و کاشف تقسیم و چنانچه در کشف کالای مزبور مخبر و عوامل اطلاعاتی شرکت نداشته باشند سهم آنان به کاشف پرداخت خواهد شد. تبصره ۲ - در صورت وحدت عوامل اطلاعاتی، مخبر، کاشف، ماموران انتظامی و بازجو، حق السهم عوامل یاد شده به عامل واحد تعلق خواهد گرفت تبصره ۳ - چنانچه افراد ذی نفع چند نفر باشند، حق السهم مربوط به نسبت مساوی بین آنان تقسیم خواهد شد. ماده ۲۷ - سهم حق الکشف کاشفان مخبران و عوامل اطلاعاتی از مبلغ ده میلیون ریال و سهم بازجو و ماموران انتظامی از مبلغ ۷ هفت میلیون ریال و سهم نیروهای وظیفه از مبلغ پنج میلیون ۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال در هر پرونده نباید تجاوز نماید. تبصره ۱ - سهم نیروها اعم از کادر و وظیفه، که در عملیات منجر به درگیری موفق به کشف کالای قاچاق می شوند تا سقف پنجاه میلیون ۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال قابل پرداخت خواهد بود. تبصره ۲ - چنانچه هر یک از نیروها در حین عملیات منجر به درگیری به افتخار شهادت نایل شود از محل ۲۰ درصد سهم سازمان کاشف با نظر فرماندهی سازمان کاشف مبلغ پنجاه میلیون ۵۰/۰۰۰/۰۰۰) ریال به وراث شرعی و قانونی وی طبق مقررات قانونی پرداخت خواهد شد و در صورت جانبازی افراد با توجه به تعیین درصد جانبازی پاداشی را به نسبت حداکثر سقف مبلغ مذکور برای یک بار قابل پرداخت خواهد بود. تبصره ۳ - سازمان کاشف رقم ریالی مازاد از پرداخت حق الکشف کاشفان و محل هزینه آن را هر شش ماه یک بار به دبیرخانه سازمان مرکزی مبارزه با قاچاق گزارش می نماید. ماده ۲۸ - وجوه مربوط به ۲۰ درصد سهم سازمان کاشف (به استثنای موارد مندرج در تبصره ۲ ماده ۲۷ این آیین نامه صرفاً برای تهیه تجهیزات و امکانات به منظور تقویت امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز هزینه خواهد شد. خزانه مکلف است وجوه مربوط به هر سازمان را به حساب سازمان ذی ربط واریز نماید و سازمان کاشف نیز موظف است گزارش ادواری شش ماهه این وجوه را به دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارایه نماید. ماده ۲۹ - از محل ۱۰ درصد وجوه واریزی به حساب ویژه (موضوع تبصره ۵ ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی - مصوب ۲۰/۷/۱۳۷۳ برای اجرای طرحها و برنامه های تقویت امر مبارزه با قاچاق کالا - و ارز، اداره دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و نیز تشویق مامورانی که در امر مبارزه با قاچاق و وصول و واریز وجوه دخالت داشته اند و از مصادیق سازمانهای کاشف و کاشفان نمی باشند مبالغی به شرح زیر تخصیص و پرداخت خواهد شد: الف - ۵۰ درصد از وجوه موضوع این ماده به طرحها و پیشنهادهایی که از سوی دستگاههای ذی ربط به دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق ارایه می گردد و با پیشنهاد دبیرخانه یاد شده به تایید وزیر کشور می رسد اختصاص خواهد یافت ب - ۵۰ درصد از وجوه موضوع این ماده برای تشویق نیروهایی که به نحوی در امر مبارزه و اثبات بزه قاچاق و واریز وجوه مربوط دخالت داشته اند و کارکنان سازمانهای کاشف نمی باشند تخصیص می یابد. روسای دستگاههای ذی ربط فهرست افراد

مشمول استفاده از مزیت یاد شده نوع خدمت و میزان پاداش پیشنهادی را هر شش ماه یک بار برای دبیرخانه ستاد مذکور ارایه م نمایند. حداکثر پاداش متعلق به هر یک از نیروها مبلغ پانزده میلیون (۱/۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال در سال تعیین می شود. مبالغ یاد شده در این بند بنا به پیشنهاد ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق و تایید وزیر کشور اختصاص می یابد. تبصره - وزیر کشور به عنوان مسوول ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق مسوول مجاز تخصیص وجوه پیشنهاد شده می باشد. خزانه کلیه وجوه موضوع این ماده را با موافقت وی و درخواست ذی حساب مربوط به حساب ذی ربط واریز می نماید. ماده ۳۰ - به منظور برنامه ریزی، هدایت، سیاستگذاری هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ستادی تحت عنوان ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق متشکل از وزیر کشور (رییس ستاد)، وزیر اطلاعات، وزیر امور اقتصادی و دارایی، وزیر بازرگانی، وزیر راه و ترابری، رییس کل بانک مرکزی، فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران رییس کل گمرک، مدیرعامل شرکت دخانیات ایران، رییس سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی، رییس سازمان تعزیرات حکومتی، یا نمایندگان تام الاختیار هر یک از آنها و نماینده تام الاختیار قوه قضاییه تشکیل می گردد. تبصره ۱ - در صورت لزوم از سایر دستگاهها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهد شد. تبصره ۲ - دبیرخانه ستاد در وزارت کشور مستقر خواهد بود و تشکیلات سازمانی آن توسط وزیر کشور به تصویب خواهد رسید. تبصره ۳ - کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی، رییس کل دادگستری، مدیران کل اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، گمرک، دخانیات و سازمان تعزیرات حکومتی هر ماهه تشکیل می گردد. ماده ۳۱ - وزارت کشور مسوول امور مبارزه با قاچاق کالا می باشد. ماده ۳۲ - وزارت اطلاعات مسوول امر مبارزه با قاچاق ارز بوده و با همکاری سازمانهای ذی ربط اقدام های لازم را به عمل خواهد آورد. ماده ۳۳ - وزیر کشور گزارشهای ادواری ششماهه در خصوص امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز را حداکثر چهار ماه بعد از انقضای هر دوره در چارچوب شاخصهای ذیل به رییس جمهور ارایه خواهد داد: ۱ - مطابقت اقدامات و عملیات با قوانین، مقررات و ضوابط مربوط (حاوی اجرا، عدم اجرا، و یانقض آنها) ۲ - بررسی و تجزیه و تحلیل نتایج حاصل از امر مبارزه با قاچاق کالا - و ارز ۳ - استخراج نقایص، مشکلات و ضرورتهای جدید ۴ - پیشنهاد راهکارهای مناسب برای رفع مسایل و یا بهینه سازی موارد مذکور در بند ۳ بالا ماده ۳۴ - دبیرخانه ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق موظف است گزارشهای ادواری ششماهه مورد نیاز وزیر کشور را ظرف حداکثر دو ماه بعد از انقضای هر دوره ارایه دهد. ماده ۳۵ - این آیین نامه جانشین آیین نامه ها و دستورالعمل هایی می باشد که تا کنون در اجرای قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا - و ارز به تصویب هیأت وزیران و نمایندگان ویژه رییس جمهور رسیده است با لازم الاجرا شدن این آیین نامه سایر مقررات مربوط نیز در قسمتهای مغایر ملغی می شوند.

### آیین نامه نحوه رسیدگی کمیسیون تعزیرات حکومتی بخش دولتی

ماده ۱ - در این آیین نامه کمیسیون مرکزی تعزیرات حکومتی و یا کمیسیون تعزیرات حکومتی استانها در بخش دولتی به اختصار (کمیسیون) نامیده می شوند و منظور از واحد رسیدگی به شکایات، واحد موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی است که عهده دار رسیدگی به شکایات از احکام صادره کمیسیون مرکزی و کمیسیونهای استانها و تجدیدنظر در آنها و نیز رسیدگی به تخلفات مجریان تعزیرات حکومتی بخش دولتی است ماده ۲ - در هر مورد که کمیسیون بنا به شکایات اشخاص و یا گزارش کتبی بازرسی خود و یا ضابطین موضوع ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی از وقوع یکی از تخلفات موضوع فصل اول قانون تعزیرات حکومتی مطلع شود و یا بنا به تشخیص خود کنترل و رسیدگی به عملکرد مدیر یا مدیران هر یک از واحدهای اقتصادی بخش دولتی موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی را لازم بداند ضمن تشکیل جلسه امر به تحقیقات مقدماتی و شروع به رسیدگی می دهد. ماده ۳ - منظور از تحقیقات مقدماتی اخذ و جمع آوری اطلاعات و اسناد و دلایل از طریق درخواست نماینده و یا اعزام بازرس به مرکز

تولید و فروش و انبارها و اماکن اداری و اجرایی و بررسی اسناد و دفاتر و مذاکره با مطلعین است تبصره - تحقیقات و رسیدگی ها نباید به هیچ وجه موجب بروز وقفه و یا کندی در فعالیت جاری موسسه گردد. ماده ۴ - کمیسیون در تمام مراحل تحقیقاتی می تواند با توجه به دلایل کافی قرار توقیف متهم و نیز قرار اخذ تامین و یا تبدیل تامین را صادر نماید، لکن مراتب باید قبلا به وزیر و یا بالاترین رده سازمانی که شرکت و یا موسسه مزبور تحت پوشش وی قرار دارد اطلاع داده شود. تبصره - کمیسیون موظف است نتایج تصمیمات هر یک از جلسات خود را در این موارد بلافاصله به واحد رسیدگی به شکایات گزارش نماید. ماده ۵ - کمیسیون مکلف است قرار توقیف اشخاص را در همان ساعات اولیه توقیف با قید حق شکایت ده روز به وی ابلاغ و رونوشتی از آن را به توفیگاه ارسال کند و در صورت شکایت متخلف از قرار فوق الذکر شکایت وی را حداکثر ظرف مدت سه روز از تاریخ اعلام با رعایت بعد مسافت ( به از هر ۲۰۰ کیلومتر یک روز) به واحد رسیدگی به شکایات ارسال نماید. ماده ۶ - وزارتخانه ها و سازمانهای دولتی و موسسات و شرکتهای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی موظف به همکاری لازم با کمیسیون تعزیرات حکومتی و ارائه کالاها و اشیا و اطلاعات و اسناد اعم از عادی و محرمانه بوده و متخلف از این ماده محکوم به انفصال موقت از خدمات دولتی از ۳ تا ۶ ماه خواهد بود. ماده ۷ - کمیسیون می تواند با توجه به دلایل کافی اجازه ورود و تفحص در وزارتخانه ها و مراکز موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی و منازل متهمین را صادر نماید. ماده ۸ - تفحص در مواردی به عمل می آید که به موجب دلایل کافی بتوان تصور نمود که شخص متخلف و یا اسناد و کالاها و اشیا موضوع تخلف را می توان در محلی کشف نمود. ماده ۹ - تفحص در حضور بالاترین مقام یا مقامات مربوطه و صاحبان منازل و شهود تحقیق به عمل می آید. ماده ۱۰ - کمیسیون در صورت ضرورت می تواند با دلایل کافی دخول و خروج به محل تفحص را ممنوع نماید و برای اجرای این حکم از ضابطین یا اشخاص دیگر محافظ بگمارد. ماده ۱۱ - کمیسیون در صورت ضرورت می تواند با دلایل کافی حکم باز کردن محل ها و اشیا بسته را بدهد. ماده ۱۲ - تجسس در منازل اشخاص در روز به عمل می آید و در شب فقط در موردی که ضرورت اقتضا کند. جهت ضرورت را کمیسیون باید در صورت مجلس قید کند. ماده ۱۳ - کلیه اشیا و کالاهایی که در حین تجسس بدست آمده و موجب کشف تخلفات و یا موجب اقرار متخلف به تخلف خود خواهد بود باید ضبط و در صورت مجلس تعریف و توصیف شود. ماده ۱۴ - هر گاه دلایل تخلف چیزی باشد که نمی توان آن را از محل خارج نمود باید اقدامات لازم را جهت حفظ و نگهداری دلایل مزبور به عمل آورده و در صورت ضرورت محل را قفل و مهر و موم کرده و نظارت آن را به ضابطین مربوطه سپرد. ماده ۱۵ - کمیسیون موظف است در مقابل کالاها و اشیا و اسناد و دفاتری که در جریان تجسس و تحقیق تحصیل و یا ضبط می شود به مسوولین واحد ذی ربط رسید دهد. بدیهی است کالاها و اشیا و اسناد مذکور پس از رفع احتیاج به مسوولین و مقامات ذی ربط و یا افراد ذی نفع مسترد می گردد. ماده ۱۶ - احضار اشخاص متهم در بخش دولتی در غیر مواردی که بیم فرار آنان می رود و نیز شهود با ارسال احضار نامه به عمل می آید و احضار نامه در دو نسخه فرستاده شده یک نسخه را متخلف و یا شاهد گرفته و نسخه دیگر را امضا کرده به مامور احضار رد می کند. ماده ۱۷ - در احضار نامه اسم و شهرت احضار شده علت احضار و تاریخ و محل حضور و نتیجه عدم حضور باید قید شود. ماده ۱۸ - هر گاه احضار شده بیسواد باشد مضمون احضار نامه در حضور دو نفر شاهد تحقیق ابلاغ می شود. ماده ۱۹ - جهات ذیل عذر موجه محسوب می شود: ۱- نرسیدن احضار نامه یا دیر رسیدن به صورتی که مانع از حضور در وقت مقرر شود. ۲- مرضی که مانع از حرکت است ۳- فوت یکی از والدین یا زوج یا زوجه یا اولاد. ۴- ابتلای بزرگی از قبیل حریق و امثال آن ۵- در توقیف یا حبس بودن ماده ۲۰ - در صورت عدم حضور و یا بیم فرار متهم کمیسیون می تواند حکم به جلب وی بدهد. ماده ۲۱ - جلب متهم به موجب ورقه جلب به عمل می آید ورقه جلب که مضمونش مضمون ورقه احضار است باید به متخلف ابلاغ شود. ماده ۲۲ - جلب متهم به استثنای موارد فوری که کمیسیون تعیین می کند در روز به عمل می آید. ماده ۲۳ - کمیسیون موظف است بعد از توقیف متخلف حداکثر ظرف مدت ۲۴ ساعت نسبت به انجام تحقیقات اقدام نماید در غیر این

صورت متخلف حق شکایت به واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی را خواهد داشت ماده ۲۴ - کسانی که تحت تعقیب هستند نباید از حوزه قضایی که کمیسیون معین می کند بدون اجازه خارج شوند. ماده ۲۵ - برای جلوگیری از فرار یا پنهان شدن متخلف کمیسیون می تواند یکی از قرارهای تامین راصادر نماید: ۱ - التزام عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف ۲ - التزام عدم خروج با تعیین وجه التزام تا ختم رسیدگی و اجرای حکم ۳ - اخذ کفیل در صورتی که متخلف تقاضا نماید به جای کفیل وجه نقد بدهد کمیسیون مکلف به قبول آن است ۴ - اخذ وثیقه (وثیقه اعم است از وجه نقد یا مال غیر منقول ۵ - توقیف احتیاطی یا رعایت شرایط مقرر در ماده شش ماده ۲۶ - تامین باید با اهمیت جرم و شدت مجازات و دلایل و اسباب اتهام و احتمال فرار متهم و امحا آثار جرم و همچنین سابقه متهم و چگونگی مزاج و سن و حیثیت او متناسب باشد و با تحصیل دلایل جدید قرار ماخوذه قابل تخفیف یا تشدید است ماده ۲۷ - در مواردی که خروج متهم از حوزه قضایی منوط به اجازه کمیسیون است کمیسیون موظف است به درخواست متهم و یا بالاترین رده سازمانی ذی ربط مبنی بر خروج ضروری ظرف مدت یک هفته اثباتا یا نفیا پاسخ دهد و در صورت عدم موافقت کمیسیون با درخواست مذکور وزیر یا بالاترین مقام سازمان و یا موسسه ذی ربط می تواند تقاضای توجیهی خود را برای واحد رسیدگی به شکایات تکرار نماید و نظر این واحد برای کمیسیون قطعی و لازم الاجرا است ماده ۲۸ - ضمانت و کفالت وزیر یا بالاترین مقام اجرایی سازمان و نهادهایی که شرکت و یا مرکز مورد بررسی تحت پوشش وی قرار دارد معتبر و قابل قبول است لکن تشخیص اعتبار کفالت سایر اشخاص با کمیسیون است ماده ۲۹ - مبلغ وجه الضمانه یا ضمانت کفیل نباید کمتر از میزان تخلفات متهم باشد و در صورت عدم حضور و یا فرار متهم مبلغ مذکور از کفیل اخذ و بدوا خسارت اشخاص تادیه می شود. ماده ۳۰ - پس از صدور قرار کفالت و قبول آن از سوی متهم بر گه کفالت نامه توسط کمیسیون و کفیل و یا دهنده وجه الضمان امضا می شود و نسخه ای از آن به کفیل و یا دهنده وجه الضمان داده می شود. ماده ۳۱ - اقامه دعوی و تعقیب متخلف از حیث حقوق عمومی به عهده کمیسیون و از حیث ضرر و زیان اشخاص مطابق ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی در مراجع ذی صلاح بر عهده مدعی خصوصی است ماده ۳۲ - هر گاه کمیسیون ضمن رسیدگی به یکی از جرایم عمومی برخورد نماید، مکلف است موضوع را برای تعقیب به مراجع قضایی اعلام نماید. در هر صورت این امر و یا اتهامات متعدد مانع از رسیدگی به تخلفات در کمیسیون نخواهد بود. ماده ۳۳ - رسیدگی به تخلفاتی که محل وقوع آن در دو یا چند استان باشد در صلاحیت کمیسیون تعزیرات استان محل کار متخلف است در صورتی که متخلف پرونده های متعددی در استانهای مختلف داشته باشد رسیدگی در کمیسیون استانی به عمل می آید که مهمترین تخلف در حوزه آن واقع شده است ماده ۳۴ - کمیسیون موظف به رسیدگی به تخلفات متهمین متعدد و شرکا و معاونین مرتکبین به تخلفات تعزیرات حکومتی بخش دولتی است و عدم دسترسی به هر یک از آنان مانع از تعیین تکلیف و رسیدگی به تخلفات نمی باشد در این مورد پرونده باید تفکیک و تکلیف حاضرین روشن شود مگر اینکه امکان تفکیک پرونده ها و رسیدگی به تخلفات به هیچ وجه میسر نباشد. ماده ۳۵ - در صورت لزوم کمیسیون می تواند نسبت به احضار و تحقیق از شهود مطلعین به ویژه اشخاصی که در ضمن شکایت نامه نام برده می شوند و یا متخلف آنان را معرفی می نماید با رعایت ماده شانزده این آیین نامه و صفات شرعی شهود اقدام و دلیل کسب نماید. ماده ۳۶ - با ختم مراحل تحقیق و استماع اظهارات متهم و گزارش بازرسان و انجام سایر مراحل قانونی و احراز صحت شکلی و ماهوی رسیدگی در چارچوب ضوابط این آیین نامه پرونده جهت رسیدگی نهایی و صدور رای مقتضی از سوی رییس کمیسیون در دستور کار قرار می گیرد و حداقل یک هفته قبل نسخه ای از خلاصه پرونده جهت مطالعه کافی و مراجعه به پرونده در اختیار هر یک از اعضا کمیسیون قرار می گیرد. ماده ۳۷ - کمیسیون با اتمام مراحل رسیدگی و رعایت ماده سی و شش با استعانت از خداوند تبارک و تعالی و با توجه به محتویات پرونده مبادرت به صدور رای می نماید و مفاد رای باید توسط منشی عضو کمیسیون قرائت و ابتدا در دفتری ثبت و سپس به محکوم علیه تفهیم شود و نسخه ای نیز به وی ابلاغ و ارائه گردد. ماده ۳۸ - کمیسیون موظف است در

صورت رای بر محکومیت متهم خساراتی را که متوجه مراکز و دستگاههای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی شده باشد تعیین و حکم لازم صادر کند و عامل را مکلف به جبران خسارت نماید. ماده ۳۹ - در صورتی که رای بر برائت متهم باشد و چنانچه محدودیت و یا ممنوعیتی برای متهم به وجود آمده باشد کمیسیون موظف است بلافاصله آن را رفع نماید. ماده ۴۰ - در صورت محکومیت متهم و بنا به درخواست مدعی خصوصی موضوع ماده ۵۴ قانون تعزیرات حکومتی ، کمیسیون موظف است آن قسمت از پرونده را که مربوط به ضرر و زیان مدعی خصوصی است جهت اقدام به مرجع ذی صلاح ارسال دارد. ماده ۴۱ - چنانچه متهم به مجازات مالی و پرداخت جریمه محکوم شود به تشخیص کمیسیون قادر به تادیه آن کالا یا جزئا به صورت دفعتا واحده نباشد کمیسیون می تواند جریمه مذکور را با اخذ تضمین معتبر به اقساط دریافت نماید و چنانچه از پرداخت جریمه خودداری نماید برابر مفاد ماده ۵۵ قانون تعزیرات حکومتی مبلغ جریمه از اموال وی تامین خواهد شد. تبصره - مفاد این ماده در مورد خسارات موضوع ماده ۵۳ قانون تعزیرات حکومتی نیز جاری می گردد. ماده ۴۲ - اجرای احکام کمیسیون بر عهده رییس کمیسیون است که در چارچوب قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی و مفاد این آیین نامه و دیگر مقررات موضوعه انجام می شود. ماده ۴۳ - احکام و قرارهای صادره کمیسیون مرکزی و هر یک از کمیسیون استانها قابل تجدیدنظر است و محکوم علیه و یا قائم مقام قانونی وی در صورت اعتراض به احکام و قرارهای صادره می توانند ظرف مدت ده روز از تاریخ ابلاغ آنها از واحد رسیدگی به شکایات درخواست تجدید نظر نمایند. تبصره ۱ - کمیسیون موظف است مفاد این ماده را ذیل احکام و قرارهای صادره به روشنی درج و به محکوم علیه ابلاغ نماید. تبصره ۲ - هر یک از دستگاهها و مراکز موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی که در صدور حکم خسارتی متوجه آنان شده باشد حق اعتراض و درخواست تجدید نظر در موعد تعیین شده را خواهند داشت ماده ۴۴ - پس از صدور حکم یا قرار ، کمیسیون حق تغییر آن را ندارد مگر آنکه اشتباهی در حساب یا سهو قلم و از قلم افتادن نام یکی از اصحاب دعوی یا زیاد شدن نام رخ داده باشد، در این صورت مادامی که قرار یا حکم اجرا نشده است می تواند به درخواست متهم یا سازمان ذی ربط حکم یا قرار را اصلاح کند، تصحیح حکم و قرار پس از ابلاغ در مهلت مقرر قابل تجدید نظر خواهد بود. ماده ۴۵ - کمیسیون مرکزی و هر یک از کمیسیونهای استانها موظفند بلافاصله پس از صدور حکم نسخه ای از آن را برای واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی ارسال و در صورت شکایت و درخواست تجدید نظر از سوی محکوم علیه و یا قائم مقام قانونی وی و یا مراکز و دستگاههای موضوع ماده ۱۹ قانون تعزیرات حکومتی پرونده امر را همراه با خلاصه مفید و خوانا در اسرع وقت برای رسیدگی به واحد رسیدگی به شکایات موضوع ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی بخش دولتی ارسال دارند. ماده ۴۶ - چنانچه کمیسیون در بررسی های خود به نکات و مواردی بر خورد نماید که در این آیین نامه پیش بینی نشده باشد موظف است مراتب را به واحد رسیدگی به شکایات اعلام و تا صدور نظر واحد در این گونه موارد برابر مفاد قانون آیین دادرسی کیفری عمل نماید. ماده ۴۷ - کلیه واحدهای انتظامی و مسئولین بانکها و زندانها و ادارات ثبت اسناد سراسر کشور و سازمانها و موسسات و شرکت های دولتی که به موجب مفاد ماده ۲۶ قانون تعزیرات حکومتی موظف به اجرای احکام صادره از سوی کمیسیون مرکزی و یا کمیسیون تعزیرات استانها و واحد رسیدگی به شکایات گردیده اند وظایف قانونی خود را به موجب این آیین نامه انجام خواهند داد. ماده ۴۸ - این آیین نامه بر اساس ماده ۲۴ قانون تعزیرات حکومتی مشتمل بر چهل و هشت ماده و پنج تبصره در تاریخ ۱۵/۲/۱۳۶۹ به تصویب هیات موضوع تبصره ماده ۲۳ قانون تعزیرات حکومتی رسید.

### آیین نامه اجرائی سازمان بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات - مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران

مصوب ۱/۸/۷۳ هیات وزیران ماده ۱ - کلیات در اجرای مصوبه شماره ۳۸۹۰ / ق مورخ ۲۰/۷/۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام و تصویب نامه شماره ۵۲۰۲ - ۷۳/م مورخ ۲۰/۷/۱۳۷۳ هیات وزیران ، سازمان ( بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات ) که



من بعد در این آیین نامه به اختصار سازمان نامیده می شود، زیر نظر وزیر بازرگانی تشکیل و اداره می گردد. سازمان دارای شخصیت حقوقی مستقل می باشد. رییس سازمان توسط وزیر بازرگانی تعیین و به این سمت منصوب می گردد. رییس سازمان، معاون وزیر بازرگانی می باشد. مرکز سازمان در تهران بوده و در مراکز استانها اداره کل و در شهرستانها اداره خواهد داشت تبصره - سازمان از نظر مالی، معاملاتی، استخدامی و تشکیلاتی منحصراتاً تابع این آیین نامه بوده و به استناد تبصره ۶ مصوبه مذکور مجمع تشخیص مصلحت نظام از شمول قوانین و مقررات مربوط به دستگاههای دولتی و وابسته به دولت قانون استخدام کشوری و قانون محاسبات عمومی مستثنی بوده و تابع قانون ( نحوه هزینه کردن اعتبارات خارج از شمول قانون محاسبات عمومی و سایر مقررات مالی دولتی ) می باشد. ماده ۲ - هدف بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات ماده ۳ - وظایف و اختیارات ۳ - ۱) بازرسی و نظارت بر قیمت و توزیع کالا و خدمات مشمول در کلیه بخشها (دولتی، تعاونی و خصوصی و نیز نهادها) اعم از تولیدات و واردات آنها. ۳ - ۲) اعمال نظارت بر اجرای قیمتها در کلیه موارد از قبیل اعلام قیمتهای مصوب، صدور فاکتور، نصب برچسب و فروش ۳ - ۳) تدوین و اجرای روشهای کارآمد بازرسی و نظارت متناسب با نوع کالا و خدمات ۳ - ۴) نظارت بر برنامه تولید و شبکه توزیع کالا و خدمات مشمول واحدهای تولیدی ۳ - ۵) نظارت بر حسن اجرای ضوابط و مقررات توزیع کالا و خدمات ۳ - ۶) اخذ اطلاعات و آمار از کلیه واحدهای تولیدی توزیعی و واردکنندگان کالا و خدمات مشمول اعم از اشخاص حقیقی و حقوقی ۳ - ۷) دریافت شکایات و بازرسی تخلفات مربوط به قیمت و توزیع کالاهای تولیدی و وارداتی و نیز خدمات ۳ - ۸) تعیین اولویت نظارت و بازرسی به ویژه در برخورد با متخلفان ۳ - ۹) تنظیم گزارش تخلفات و اعلام آن به سازمان تعزیرات جهت اقدامات بعدی و پیگیری اخذ نتیجه اقدام طبق برنامه زمانی مصوب ۳ - ۱۰) آموزش ماموران بازرسی و نظارت ۳ - ۱۱) پیشنهاد اقلام کالا و خدمات جهت قیمت گذاری و نظارت ۳ - ۱۲) بازرسی و نظارت بر تخلفات مذکور در قانون تعزیرات حکومتی در موارد ذیل ۳ - ۱۲ - ۱) گرانفروشی ۳ - ۱۲ - ۲) کم فروشی و تقلب ۳ - ۱۲ - ۳) احتکار ۳ - ۱۲ - ۴) عرضه کالا خارج از شبکه توزیع تعیین شده ۳ - ۱۲ - ۵) اختفا و امتناع از عرضه کالا ۳ - ۱۲ - ۶) عدم اجرای ضوابط قیمت گذاری و توزیع ۳ - ۱۲ - ۷) عدم اجرای تعهدات واردکنندگان و تولیدکنندگان ۳ - ۱۲ - ۸) نداشتن پروانه کسب ۳ - ۱۲ - ۹) نداشتن پروانه بهره برداری واحدهای تولیدی ۳ - ۱۲ - ۱۰) فروش ارزی - ریالی ۳ - ۱۲ - ۱۱) فروش اجباری کالا همراه کالای دیگر ۳ - ۱۲ - ۱۲) عدم اعلام موجودی کالا ۳ - ۱۲ - ۱۳) سهل انگاری و عدم همکاری با ناظران و بازرسین ۳ - ۱۳) نظارت بر امور مربوط به تخصیص ارز و گشایش اعتبار کالاهای مشمول و زمان بندی گشایش اعتبارات ۳ - ۱۴) نظارت بر عملکرد کلیه مامورین و بازرسین سازمان و سازمان تعزیرات حکومتی و نیز دریافت شکایات مربوط به تخلفات آنان و اعلام به شعب ویژه رسیدگی به تخلفات ۳ - ۱۵) پیشنهاد اصلاح و تکمیل آیین نامه اجرائی سازمان تبصره - سازمان می تواند در جهت اجرای وظایف خود با انعقاد قرارداد از خدمات افراد و دستگاههای مورد نظر استفاده نماید. ماده ۴ - تشکیلات تشکیلات سازمان تفصیلی شرح وظایف معاونت ها، دفاتر و ادارات تحت پوشش آنها و پستهای مورد نیاز سازمان و ادارات کل و ادارات مربوطه با تصویب وزیر بازرگانی و تایید رییس جمهور خواهد بود. ماده ۵ - امور استخدامی ۵ - ۱) سازمان می تواند از کارکنان واجد صلاحیت کلیه وزارتخانهها و دستگاههای اجرائی، شرکتهای دولتی و وابسته به دولت، نهادهای انقلاب اسلامی و موسسات عمومی غیر دولتی و شهرداریها به صورت مامور استفاده نماید. تبصره - کلیه دستگاههای فوق الذکر مکلفند حسب درخواست سازمان در جهت مامور نمودن کارکنان، با این سازمان نهایت همکاری را به عمل آورند. ۵ - ۲) بازرسین سازمان، علاوه بر افراد مذکور در بند ۵ - ۱، از بین افراد ذیل نیز انتخاب می گردند: ۵ - ۲ - ۱) نیروهای بسیج مردمی ۵ - ۲ - ۲) حراستها ۵ - ۲ - ۳) انجمنها و شورای اسلامی ۵ - ۲ - ۴) جامعه اصناف ۵ - ۲ - ۵) معتمدین محلات ۵ - ۲ - ۶) کارکنان دولت و نهادهای انقلاب اسلامی (خارج از وقت اداری ۵ - ۲ - ۷) دانشجویان دانشگاهها و مراکز آموزش عالی ۵ - ۳) ضوابط استخدامی و نظام پرداختهای سازمان با پیشنهاد سازمان و تصویب وزیر بازرگانی و تایید رییس جمهور خواهد بود. ماده ۶ - چگونگی تشخیص

صلاحیت ۶- ۱) بازرسین بایستی واجد شرایط مذکور در ذیل باشند: الف حداقل سن ۲۳ سال ب متدین به دین مبین اسلام عامل به احکام آن و معتقد و متعهد به نظام جمهوری اسلامی ایران واصل ولایت فقیه ج دارای حداقل مدرک تحصیلی دیپلم متوسطه د: نداشتن سوء پیشینه ۶- ۲) تشخیص صلاحیت بازرسین سازمان با وزیر بازرگانی و یا نمایندگان مجاز از طرف ایشان می باشد. ۶- ۳) تشخیص صلاحیت بازرسین دستگاههایی که با سازمان همکاری می نمایند، توسط همان دستگاه، صورت می گیرد. ۶- ۴) دستورالعمل اجرایی این ماده با پیشنهاد سازمان و تصویب وزیر بازرگانی می باشد. ماده ۷- بودجه سازمان با پیشنهاد وزارت بازرگانی و تصویب هیات وزیران، از محل اعتبارات مربوطه خواهد بود. ماده ۸- تخلفات و مجازاتها: ۸- ۱) گزارش بازرسین و مامورین سازمان به منزله گزارش ضابطین سازمان تعزیرات می باشد. ۸- ۲) تمرد، مقاومت و اهانت نسبت به بازرسین و مامورین سازمان از مصادیق جرایم علیه مامورین دولتی محسوب گردیده و مشمول مقررات قانون مجازات اسلامی می باشد. ۸- ۳) بازرسین و مامورین واجد شرایط سازمان و سازمان تعزیرات حکومتی با ابلاغ از سوی مسوولین مربوطه می توانند مسوولیت هر دو سازمان را انجام دهند. ۸- ۴) سازمان نظرات کارشناسی خود را پیرامون تخلفاتی که توسط سایر مراجع مذکور در آیین نامه اجرایی سازمان تعزیرات حکومتی به آن سازمان اعلام گردیده، جهت ملاحظه در صدور رأی ظرف مدت پانزده روز از تاریخ دریافت پرونده تنظیم و ارسال می دارد. ماده ۹- سایر: ۹- ۱) بازرسین بایستی دارای کارت شناسایی معتبر که قبلا توسط سازمان از طریق رسانه های همگانی به رویت عموم رسیده، باشند. ۹- ۲) کلیه واحدهای تولیدی، توزیعی و خدماتی و نیز واردکنندگان اعم از اشخاص حقیقی و یا حقوقی موظفند حسب درخواست سازمان آمار و اطلاعات مربوط به تولید، توزیع، واردات و موجودی کالاهای مشمول طرح را تهیه و ارسال دارند. ۹- ۳) کلیه دستگاههای ذی ربط در تنظیم برنامه، تهیه گزارش و نیز آمار و اطلاعات موضوع بندهای مختلف ماده ۳ مکلفند بلافاصله پس از تهیه این قبیل موارد، یک نسخه از آن را جهت استفاده مقتضی به سازمان ارسال دارند. ۹- ۴) هیچ یک از مامورین و بازرسین سازمان را نمی توان در رابطه با اجرای وظایف محوله تحت تعقیب قضایی قرار داد، مگر در صورت اثبات غرض مجرمانه ۹- ۵) تا قبل از تشکیل ادارات کل سازمان، وزیر بازرگانی می تواند انجام وظایف موضوع این آیین نامه را به ادارات و ادارات کل بازرگانی، ارجاع نماید. ماده ۱۰- این آیین نامه در ۱۰ ماده و ۳ تبصره در تاریخ ۱/۸/۱۳۷۳ به پیشنهاد وزیر بازرگانی به تصویب رسیده و لازم الاجرا می باشد

### قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون در مورد کلیه امور مربوط به مبارزه با قاچاق کالا و ارز موضوع قانون مجازات اخلا لگران در نظام اقتصادی کشور مصوب ۱۹/۹/۱۳۶۹، قانون مجازات مرتکبین قاچاق مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۱۲، و اصلاحیه بعدی آن مصوب ۲۹/۱۲/۱۳۵۳، و اصلاح ماده ۱ قانون مزبور مصوب ۱۲/۱۱/۷۳ و این قانون به شرح مواد آتی عمل خواهد شد. ماده ۲- به منظور تسریع در رسیدگی و تعیین تکلیف قطعی پرونده های مربوط به کشفیات قاچاق اعم از کالا- و ارز، اداره های مامور وصول درآمدهای دولت یا سازمانهایی که به موجب قانون مبارزه با قاچاق، شاکی محسوب می شوند، در صورت احراز کالا و یا ارز قاچاق مکلفند، حداکثر ظرف پنج روز نسبت به تکمیل پرونده اقدام و بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون به ترتیب ذیل عمل نمایند: الف- در مواردی که بهای کالا و ارز موضوع قاچاق معادل ده میلیون ریال یا کمتر باشد، ادارات و سازمانهای ذی ربط به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد فقط به ضبط کالا و ارز به نفع دولت اکتفا می کنند. ب- در مواردی که بهای کالا و ارز قاچاق از ده میلیون ریال تجاوز کند چنانچه متهم در مرحله اداری حاضر به پرداخت جریمه باشد با احتساب دو برابر بهای آن به عنوان جزای نقدی نسبت به وصول جریمه و ضبط کالا و ارز به ترتیبی که در آیین نامه اجرایی این قانون خواهد آمد اقدام و از تعقیب کیفری متهم از حیث عمل قاچاق و شکایت علیه وی صرف نظر می شود. کلیه متخلفین

مذکور در بندهای الف و ب در صورت اعتراض می‌توانند حداکثر ظرف مدت دو ماه به مراجع صالح قضایی شکایت نمایند در صورت برائت، اصل کالا یا قیمت آن به نرخ روز صدور حکم و معادل ریالی ارز به نرخ رسمی و جزای پرداختی مسترد می‌گردد. در هر حال اعتراض صاحبان کالا و ارز قاچاق مانع از عملیات اجرایی نسبت به ضبط و اخذ جریمه و فروش و واریز وجوه و سایر اقدامات نخواهد بود. در صورتی که متهم حاضر به پرداخت جریمه در مرحله بند ب نباشد پرونده متهم جهت تعقیب کیفری و وصول جریمه حداکثر ظرف پنج روز از تاریخ کشف به مرجع قضایی ارسال می‌گردد. در صورت اثبات جرم علاوه بر حبس متهم و ضبط کالا- یا ارز، جریمه متعلقه که به هر حال از دو برابر بهای کالای قاچاق یا ارز کمتر نخواهد بود، دریافت می‌گردد. ماده ۳- حمل کالای قاچاق جرم محسوب شده و مرتکب به شرح ذیل مجازات می‌شود: - هر گاه اموالی که به موجب قانون قاچاق تلقی می‌شود، با هر نوع وسیله نقلیه‌ای حمل شود چنانچه قرائنی از قبیل (جاسازی یا مقدار کالای قاچاق) حاکی از اطلاع حامل کالای قاچاق وجود داشته باشد وسیله نقلیه توقیف و با حکم مراجع قضایی، حامل به پرداخت جریمه‌ای تا معادل دو برابر قیمت کالا محکوم خواهد شد. چنانچه ظرف مدت دو ماه از تاریخ صدور حکم جریمه پرداخت نشود از محل فروش وسیله نقلیه برداشت خواهد شد. ماده ۴- مراجع قضایی مکلفند پس از دریافت شکایت حداکثر ظرف مدت یک ماه نسبت به صدور حکم اقدام و مراتب را به گمرک یا سایر اداره‌های ذی ربط اعلام نمایند. تبصره ۱- رسیدگی به پرونده‌های موضوع این قانون تابع تشریفات آیین دادرسی و تجدید نظر نبوده و از جهت ایجاد وحدت رویه در نحوه رسیدگی محاکم قضایی دستورالعمل مربوطه به وسیله قوه قضاییه ظرف مدت دو هفته پس از تصویب این قانون تهیه و به مراجع ذی ربط ابلاغ خواهد شد. تبصره ۲- در صورت عدم رسیدگی یا تطویل دادرسی و عدم تعیین تکلیف قطعی پرونده در مدت فوق‌الذکر، سازمان تعزیرات حکومتی موضوع ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۲۰/۷/۱۳۷۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام یا سازمان جداگانه‌ای که دولت تعیین خواهد کرد با درخواست سازمان شاکی می‌تواند همان پرونده را از محاکم قضایی یا سازمان شاکی مطالبه و طبق جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و این قانون اقدام نماید. در مناطقی که محاکم قضایی (شامل دادگاههای انقلاب و یا دادگاههای عمومی برای رسیدگی به پرونده‌های قاچاق وجود ندارند تا ایجاد تشکیلات قضایی، سازمان تعزیرات حکومتی بر اساس جرایم و مجازاتهای مقرر در قوانین مربوط و مفاد این قانون مجاز به رسیدگی به پرونده‌های فوق‌الذکر می‌باشند. ماده ۵- سازمان فروش اموال تملیکی مکلف است با دریافت اعلام و قطعیت و قابلیت فروش کالا از طرف اداره‌های اجرایی ذی ربط حداکثر ظرف مدت دو ماه نسبت به فروش و یا تحویل کالا حسب مورد طبق ضوابط اجرایی مصوب اقدام نماید. ماده ۶- حدود و مقررات استفاده از ارز را دولت تعیین می‌کند، خرید و فروش، حمل یا حواله ارز غیر مجاز برای خروج از کشور ممنوع و در حکم قاچاق می‌باشد. عین ارز مکشوفه از متخلف یا متخلفین اخذ و به بانک مرکزی یا شعباتی که آن بانک تعیین خواهد کرد به نرخ مصوب دولت فروخته شده و وجوه ریالی به حساب موضوع ماده ۷ همین قانون واریز می‌شود و با متخلف یا متخلفین بر اساس مفاد این قانون و قوانین موضوعه رفتار خواهد شد. ماده ۷- کلیه اموال و وجوه موضوع قاچاق و کلیه اموالی که از طریق تخلفات مزبور به دست آمده و یا برای ارتکاب آن تخلفات مورد استفاده باشد (اعم از منقول و غیر منقول پس از تعیین تکلیف قطعی مطابق آیین‌نامه‌ای که به تصویب هیات وزیران می‌رسد فروخته و ۵۰٪ از وجوه حاصل از اجرای قانون مزبور برای کاشفین و سازمانهای کاشف (بر طبق قانون و ۴۰٪ به حساب خزانه دولت و ۱۰٪ نیز به امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز اختصاص خواهد یافت وجوه حاصل از فروش اموال مزبور و نیز جریمه‌های نقدی که محکومین تخلفات اقتصادی پرداخت می‌نمایند به حساب ویژه موضوع تبصره (۵) ماده واحده قانون اصلاح قانون تعزیرات حکومتی واریز می‌شود. نحوه و موارد مصرف وجوه فوق از جمله هزینه‌های جاری عملیاتی مبارزه با قاچاق ارز و کالا و تامین هزینه‌های جاری برای فروش کالاهای مکشوفه و نیز حق‌الکشف مامورین و سازمانهای کاشف و رد قیمت یا اموالی که به حکم محکمه برائت گرفته‌اند توسط هیات وزیران تعیین می‌گردد. ماده ۸- اجرای این قانون شامل کلیه

مبادی ورودی و خروجی کشور ، اعم از عادی و ویژه ( نیروهای مسلح ) خواهد بود. ماده ۹- مفاد این قانون شامل کلیه پرونده‌های موجود نیز می‌باشد. ماده ۱۰- از تاریخ لازم الاجرا شدن قانون فوق ، کلیه قوانین مغایر این قانون لغو می‌شود. قانون فوق مشتمل بر ده ماده و دو تبصره در اجرای بند هشتم اصل یکصد و دهم قانون اساسی در جلسه فوق العاده روز سه شنبه مورخ دوازدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار مجمع تشخیص مصلحت نظام مطرح و به تصویب نهایی رسیده است

### اصلاحیه آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۱/۴/۱۳۷۹

۱- تبصره زیر به ماده (۱۴) اضافه می‌گردد: تبصره - تحویل کالاهای موضوع این ماده به جز کالاهای سریع الفساد ، کالاهای انهدامی دارای مصرف ثانویه ، کالاهای سریع الاشتعال احشام و طیور به سازمان جمع آوری و فروش اموال تملیکی و فروش آنها موکول به قطعیت ضبط و اعلام این امر از طرف اداره‌های اجرایی ذی ربط خواهد بود. ۲- در ماده ۲۰ بعد از عبارت سازمان یاد شده عبارت ( مکلف است با دریافت اعلام قطعیت و قابلیت فروش کالا از طرف اداره های اجرایی ذی ربط ) اضافه می‌شود. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### اصلاحیه آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۳/۴/۱۳۸۳

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۳/۴/۱۳۸۳ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۸۵۲ مورخ ۱۶/۲/۱۳۸۲ وزارت صنایع و معادن و به استناد ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام - تصویب نمود: متن ذیل به انتهای تبصره (۳) ماده (۲۰) آئین نامه اجرائی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۹/ت/۲۰۷۰۸ هـ مورخ ۱۱/۴/۱۳۷۹ و اصلاحات بعدی آن اضافه می‌گردد: (وجوه حاصل از فروش کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی توسط شرکت دخانیات ایران طبق روال قبلی بعد از کسر ۱۰ درصد حق العمل به حساب مربوط واریز خواهد شد.) معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مص

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۷/۳/۱۳۸۳ به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۳۷۴- مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نمود: ۱- ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز ، موضوع تصویب نامه شماره ۳۳۵۷۸/ت/۲۶۵۰۴ هـ مورخ ۱۵/۷/۱۳۸۱ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۳۰- به منظور سیاستگذاری، برنامه ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا و ارز ، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با مسئولیت نماینده ویژه رئیس جمهور و متشکل از معاونان (نمایندگان تام الاختیار) وزرای کشور ، اطلاعات ، امور اقتصادی و دارایی ، بازرگانی ، راه و ترابری ، صنایع و معادن ، جهاد کشاورزی ، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح ، نماینده یا نمایندگان تام الاختیار رئیس قوه قضاییه و فرمانده نیروی انتظامی ، رییس سازمان تعزیرات حکومتی ، رییس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران ، قائم مقام رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران و معاون ذی ربط سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور تشکیل می‌گردد. در صورت لزوم از سایر دستگاهها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهد شد. تبصره ۱- اختیارات و وظایفی که در امر قاچاق در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز و سایر قوانین بر عهده هیئت وزیران محول شده ( از جمله ساماندهی مبادلات تجاری ، تنظیم بازار کالا و ساماندهی شبکه های توزیع در حدودی که مربوط به مبارزه با قاچاق می‌گردد) در آن قسمت که مستلزم صدور

تصویب نامه یا وضع آیین نامه و اساسنامه باشد براساس اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی به کمیسیون مرکب از وزرای وزارتخانه های مندرج در این ماده تفویض می گردد تا نسبت به پیشنهادهای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق که به تایید نماینده ویژه رئیس جمهور در مبارزه با قاچاق رسیده است، تصمیم گیری نمایند. وزیر کشور و نماینده ویژه رئیس جمهور به ترتیب، ریاست کمیسیون یادشده و دبیری آن را به عهده خواهند داشت. ملاک تصویب کمیسیون یادشده موافقت اکثریت وزرای عضو می باشد ومصوبات آن پس از تایید رییس جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور خواهد بود. اتخاذ سایر تصمیمات در موضوعات یاد شده، با استفاده از اختیارات رییس جمهور و هیئت وزیران برعهده نماینده ویژه رییس جمهور در مبارزه با قاچاق خواهد بود. تبصره ۲- نماینده ویژه رییس جمهور در امر مبارزه با قاچاق برای اتخاذ تصمیمات اجرایی موضوع ماده (۳۰) این آیین نامه و قسمت اخیر تبصره (۱) آن مراتب را در ستاد موضوع ماده (۳۰) مطرح می نماید و در نهایت جمع بندی نماینده ویژه ملاک تنظیم متن تصمیمات مزبور خواهد بود. تبصره ۳- ستاد و کمیسیون موضوع تبصره (۱)، دارای دبیرخانه واحدی خواهند بود که در نهاد ریاست جمهوری مستقر است. تبصره ۴- کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی، رییس کل دادگستری، مدیرکل اطلاعات و مدیران کل یا روسای سازمانهای بازرگانی، صنایع و معادن، جهادکشاورزی، حمل و نقل و پایانه ها و تعزیرات حکومتی و ناظر گمرکات استان تشکیل می گردد. ۲- ماده (۳۱) آیین نامه اجرایی قانون یادشده، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۹/ت/۲۰۷۰۸ هـ مورخ ۱۱/۴/۱۳۷۹ به شرح زیر اصلاح می شود: ماده ۳۱- نماینده ویژه رییس جمهور مسئول امر مبارزه با قاچاق کالا- و ارز می باشد. ۳- عبارت ( وزیر کشور ) در آیین نامه یاد شده و اصلاحات بعدی آن به ( نماینده ویژه رییس جمهور در مبارزه با قاچاق ) اصلاح می شود. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### اصلاح تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۹/۳/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۱۰۱۶۴۱۸ مورخ ۱۲/۱۲/۱۳۸۳ وزارت صنایع و معادن و به استناد ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام - تصویب نمود: ۱- متن زیر به انتهای تبصره (۳) ماده (۲۰) آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز، موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۸۹۹/ت/۲۰۷۰۸ هـ مورخ ۱۱/۴/۱۳۷۹ و اصلاحات بعدی آن اضافه می شود: « ده درصد (۱۰٪) از وجوه حاصل از فروش کالاهای قاچاق مکشوفه دخانی جهت مبارزه با قاچاق کالاهای یادشده به شرکت دخانیات ایران اختصاص یافته و بقیه به حساب مربوط و در جهت اجرای مفاد ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز واریز خواهد شد. » ۲- تصویب نامه شماره ۶۵۸۴۸/ت/۳۲۱۹۰ هـ مورخ ۱۲/۱۱/۱۳۸۳ لغو می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - م

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۵/۵/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۴۵۶۰/۸۳/۱۱۰ مورخ ۹/۱۲/۱۳۸۳ اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز - مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام تصویب نمود: در ماده (۳۰) اصلاحی آیین نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز - مصوب ۱۳۷۹- موضوع تصویب نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت/۳۰۸۲۷ هـ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۳، رییس اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران به ترکیب اعضای ستاد مرکزی مبارزه با

قاچاق کالا- و ارز و رؤسای اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران در استانها به ترکیب کمیسیون مبارزه با قاچاق در استانها اضافه می‌شوند. معاون اول رئیس‌جمهور - محمدرضا عارف

### اصلاح ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا و ارز

وزرای عضو کمیسیون لوایح هیئت‌دولت، در جلسه مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۳۰ بنا به پیشنهاد شماره ۵۴۱۶/۲۹/س مورخ ۱۶/۴/۱۳۸۶ ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز و به استناد اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و ماده (۷) قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز - مصوب ۱۳۷۴ مجمع تشخیص مصلحت نظام - و با رعایت تصویب‌نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت/۳۷۳۳ هـ مورخ ۱۳۸۶/۱۰/۱۰ تصویب نمودند: وزارت دادگستری - وزارت کشور ۱- ماده (۳۰) اصلاحی آیین‌نامه اجرایی قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت/۳۰۸۲۷ هـ مورخ ۱۳۸۳/۳/۲۰ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۳۰- به منظور سیاستگذاری، برنامه‌ریزی، هماهنگی و نظارت در حوزه امور اجرایی مبارزه با قاچاق کالا- و ارز، ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز با مسئولیت نماینده ویژه رییس‌جمهور و متشکل از معاونان وزارت دادگستری، کشور، اطلاعات، امور اقتصادی و دارایی، بازرگانی، راه و ترابری، صنایع و معادن، جهاد کشاورزی، نفت، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح (به عنوان نمایندگان تام‌الاختیار وزیر مربوط)، نماینده تام‌الاختیار رییس قوه قضاییه، معاون سازمان بازرسی کل کشور، فرمانده نیروی انتظامی، رییس سازمان تعزیرات حکومتی، رییس کل گمرک جمهوری اسلامی ایران، قائم‌مقام رئیس کل بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، نماینده معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رییس‌جمهور، رییس مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، معاون ذی‌ربط سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران و رؤسای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن ایران و اتاق تعاون مرکزی جمهوری اسلامی ایران تشکیل می‌گردد. در صورت لزوم از سایر دستگاه‌ها و کارشناسان امر حسب مورد دعوت خواهد شد. تبصره ۱- اختیارات و وظایفی که در امر مبارزه با قاچاق در قانون نحوه اعمال تعزیرات حکومتی راجع به قاچاق کالا- و ارز و سایر قوانین مربوط بر عهده هیئت‌وزیران محول شده (از جمله ساماندهی مبادلات تجاری، تنظیم و انضباط بازار کالا- و ساماندهی شبکه‌های توزیع در حدودی که مربوط به مبارزه با قاچاق می‌گردد) در آن قسمت که مستلزم صدور تصویب‌نامه یا وضع آیین‌نامه و اساسنامه باشد، براساس اصل یکصدوسی و هشتم قانون اساسی به کمیسیون مرکب از وزرای وزارتخانه‌های مندرج در این ماده تفویض می‌گردد تا نسبت به پیشنهادهای ستاد مرکزی مبارزه با قاچاق کالا و ارز که به تأیید نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد یادشده رسیده است، تصمیم‌گیری نمایند. آقای غلامحسین الهام (وزیر دادگستری و نماینده ویژه رییس‌جمهور) ریاست کمیسیون یادشده را به عهده خواهد داشت. ملاک تصویب مصوبات کمیسیون یادشده موافقت اکثریت وزرای عضو می‌باشد و مصوبات آن پس از تأیید رییس‌جمهور با رعایت ماده (۱۹) آیین‌نامه داخلی هیئت دولت قابل صدور خواهد بود. اتخاذ سایر تصمیمات در موضوعات یادشده، با استفاده از اختیارات رییس‌جمهور و هیئت وزیران بر عهده نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز خواهد بود. تبصره ۲- نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز، برای اتخاذ تصمیمات اجرایی موضوع ماده (۳۰) این آیین‌نامه و قسمت اخیر تبصره (۱) آن مراتب را در ستاد موضوع ماده (۳۰) مطرح می‌نماید و در نهایت جمع‌بندی نماینده ویژه ملاک تنظیم متن تصمیمات مزبور خواهد بود. تبصره ۳- ستاد و کمیسیون موضوع تبصره (۱) این ماده، دارای دبیرخانه واحدی خواهند بود که در نهاد ریاست جمهوری مستقر است. دبیر ستاد که توسط رییس ستاد از میان افراد واجد صلاحیت انتخاب خواهد شد، دبیر کمیسیون مذکور نیز خواهد بود. تبصره ۴- کمیسیون مبارزه با قاچاق کالا و ارز در استان‌ها به ریاست استاندار یا معاون سیاسی و امنیتی وی و با عضویت فرمانده ناحیه انتظامی، رییس کل دادگستری، مدیرکل اطلاعات و مدیران کل یا رؤسای سازمان‌های بازرگانی، صنایع و معادن، جهاد

کشاورزی، مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران، صدا و سیما، راهداری و حمل و نقل جاده‌ای، تعزیرات حکومتی، ناظر گمرکات استان، یکی از روسای دانشگاه‌های علوم پزشکی در استان‌ها به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و نماینده یکی از سازمان‌های وابسته به وزارت نفت در استان به انتخاب وزیر نفت تشکیل می‌گردد. ۲- از نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز در موضوعات مرتبط در کمیسیون اقتصاد دولت و کمیسیون‌های تخصصی آن دعوت به عمل آید. ۳- ماده (۳۱) آیین‌نامه اجرایی قانون یادشده، موضوع تصویب‌نامه شماره ۱۳۹۴۰/ت/۳۰۸۲۷-هـ مورخ ۲۰/۳/۱۳۸۳ به شرح زیر اصلاح می‌شود: ماده ۳۱- نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد، مسئول امر مبارزه با قاچاق کالا و ارز می‌باشد. ۴- عبارت « وزیر کشور» در آیین‌نامه یاد شده و اصلاحات بعدی آن به « نماینده ویژه رییس‌جمهور در ستاد مبارزه با قاچاق کالا و ارز» اصلاح می‌شود. این تصویب‌نامه در تاریخ ۵/۱/۱۳۸۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

#### ۴- پزشکی و بهداشتی

#### قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی - مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی (ماده ۱ تا ۱۸)

مصوب تیرماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی ماده ۱- مرتکب هریک از اعمال زیر در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم خواهد شد: ۱- عرضه یا فروش جنسی به جای جنس دیگر. ۲- مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سو استفاده ۳- عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در مواردی که تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی باشد. ۴- فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنسی که موعده مصرف آن گذشته باشد. ۵- به کار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیر مجاز در مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی یا لوازم بازی کودکان ۶- (الحاقی) ساختن مواد تقلبی خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ماده ۲- (اصلاحی) ارتکاب هریک از اعمال مذکور در ماده یک حسب مورد مستوجب یکی از مجازاتهای زیر خواهد بود: ۱- در مواردی که مواد مذکور در ماده یک به دست مصرف کننده نرسیده یا اینکه مصرف آن موجب بیماری یا آسیبی نگردد مجازات مرتکب سه ماه تا یک سال حبس جنحه‌ای خواهد بود ولی در هر حال سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه ۲ از دو تا پنج سال محکوم خواهد شد. ۲- در صورتی که مصرف مواد مذکور موجب بیماری مصرف کننده یا آسیبی گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب شش ماه تا دو سال حبس جنحه‌ای خواهد بود و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد مجازات مرتکب یک سال تا سه سال حبس جنحه‌ای است و در هر دو مورد سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه یک از سه سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ۳- در صورتی که مصرف مواد مذکور موجب نقص یکی از اعضای مصرف کننده گردد مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص سه تا ده سال حبس جنایی درجه یک است و در این موارد سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده مواد تقلبی به حبس جنایی درجه یک از پنج سال تا پانزده سال محکوم می‌شود. ۴- در صورتی که مصرف مواد بهداشتی یا آرایشی موجب نقص زیبایی یا کراهت منظر شود مجازات مرتکب با توجه به میزان نقص یا کراهت یک تا سه سال حبس جنحه‌ای خواهد بود و در این مورد سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده آن با مواد خارجی به حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳- (اصلاحی) در صورتی که مصرف مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی منجر به فوت مصرف کننده گردد مجازات سازنده یا تهیه کننده یا مخلوط کننده اعدام است و در سایر موارد مذکور در ماده یک در صورتی که منجر به فوت شود مجازات مرتکب سه سال تا پانزده سال حبس جنایی درجه یک است تبصره ۱- (الحاقی) - مرتکب هریک از جرایم مذکور در این ماده و ماده ۲ این قانون علاوه بر کیفر مقرر جز در مورد اعدام به پرداخت جزای نقدی از بیست

هزار ریال تا پانصد هزار ریال و محرومیت از اشتغال به کسب یا کار مربوط به مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی یا یک تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ۲ - (الحاقی) - در تمام موارد مذکور در این قانون هرگاه معلوم شود که مواد تقلبی با علم و اطلاع مدیر یا صاحب موسسه یا کارگاه ساخته یا تهیه یا با مواد خارجی مخلوط شده است اشخاص مذکور به همان مجازاتی که برای مباشر عمل مقرر است محکوم خواهند شد. ماده ۴ - در هر مورد که در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مواد سمی به حد غیرمجاز باشد دادگاه مرتکب را برحسب مورد به حداکثر مجازاتهای مذکور در ماده ۲ محکوم خواهند نمود. ماده ۵ - رقابت مکارانه در مورد مواد موضوع این قانون از طرف هر کس مشمول بند الف ماده ۲۴۴ قانون کیفر عمومی خواهد بود. ماده ۶ - هرگاه در نتیجه بی احتیاطی یا بی مبالاتی یا عدم مهارت تهیه کننده یا سازنده یا فروشنده یا عرضه کننده یا هریک از عاملین آنها مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به صورتی درآید که مصرف آن موجب بیماری یا آسیبی گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات اشخاص مذکور برحسب مورد دو ماه تا شش ماه حبس جنجای خواهد بود و در صورتی که مدت معالجه زاید بر یک ماه باشد مرتکب به حداکثر مجازات حبس مذکور در این ماده و تادیه غرامت از پنج هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می شود. ماده ۷ - از تاریخ تصویب این قانون تاسیس هرگونه کارخانه یا کارگاه تهیه مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی منوط به تحصیل پروانه از وزارت بهداشتی در مورد کارخانه ها پروانه تاسیس نیز از وزارت اقتصاد است شرایط صدور پروانه و طرز کار و تولید و بهره برداری و اداره موسسات مزبور در آیین نامه ای که به وسیله وزارت بهداشتی تهیه می شود تعیین خواهد گردید. تبصره - مسوولیت فنی کارخانه های مواد خوردنی - آشامیدنی - آرایشی و بهداشتی به عهده افرادی خواهد بود که در فنون پزشکی - داروسازی - دام پزشکی - رشته های تغذیه - شیمی و علوم تجربی دارای درجه تحصیلی دانشگاهی از لیسانس به بالا باشند و با توجه به رشته های مربوط (مواد خوردنی - آشامیدنی - آرایشی و بهداشتی درجه تحصیلی رشته تخصصی و میزان تجربه لازم برای مسوولیت فنی موسسات فوق الذکر که به موجب آیین نامه ای که به وسیله وزارت بهداشتی تهیه می شود تعیین خواهد شد. ماده ۸ - وزارت بهداشتی جهت صدور پروانه ساخت هر نوع فرآورده که در کارخانجات تهیه می شود مبلغ پنج هزار ریال و جهت صدور پروانه ساخت هر نوع فرآورده هایی که در کارگاه های مشمول این قانون تهیه می شود مبلغ پانصد ریال دریافت خواهد داشت که منحصرأ به مصرف تاسیس و توسعه و تکمیل آزمایشگاه های مواد غذایی خواهد رسید. تبصره ۱ - کارگاههایی که فرآورده های خود را با علامت و بسته بندی مشخص به صورت بازرگانی عرضه می کنند مشمول این قانون خواهند بود. تبصره ۲ - هریک از آزمایشگاههای ذی صلاحیت وابسته به وزارت بهداشتی مجازند از اشخاص حقیقی یا حقوقی که تقاضای آزمایش مواد یا محصولات خود را می نماید به موجب تعرفه ای که از طرف وزارت بهداشتی پیشنهاد و به تصویب کمیسیون های دارایی مجلسین خواهد رسید حق آزمایش دریافت نمایند. درآمدهای حاصل از اجرای این ماده در حسابی در خزانه کل متمرکز شده و در هریک از موسسات به مصرف توسعه و تکمیل همان موسسه خواهد رسید. تبصره ۳ - فهرست کارخانجات و کارگاههای مشمول این قانون از طرف وزارت بهداشتی تهیه و پس از تصویب کمیسیونهای بهداشتی مجلسین آگهی خواهد شد. ماده ۹ - تهیه کنندگان و سازندگان و واردکنندگان مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی و آرایشی که نوع موسسات آنها در آگهی وزارت بهداشتی قید خواهد شد و در تاریخ تصویب این قانون و آیین نامه های اجرایی آن مشغول به کار هستند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ انتشار آگهی تقاضای پروانه بهداشتی از وزارت بهداشتی بنمایند به تقاضاهای رسیده در کمیسیون فنی مرکب از سه نفر از اشخاص صلاحیتدار به تعیین وزارت بهداشتی رسیدگی و ظرف شش ماه تصمیم کمیسیون بر رد یا قبول تقاضاها صادر خواهد شد. هرگاه در موعد مقرر تقاضای صدور پروانه نشود و یا کمیسیون تقاضای صاحب موسسه را رد نماید به دستور دادستان موسسه موقتا تعطیل خواهد گردید. از دستور مزبور تا ده روز پس از ابلاغ می توان به دادگاه شهرستان شکایت نمود و دادگاه خارج از نوبت به شکایت رسیدگی کرده و رای می دهد رای مزبور قطعی است تبصره - آیین نامه های اجرایی مواد ۸ و ۹ به وسیله وزارت بهداشتی تهیه و پس



از تصویب کمیسیونهای بهداری مجلسین به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۱۰- رد تقاضای صدور پروانه مانع از آن نیست که صاحب موسسه با رعایت مقررات ماده ۷ مجدداً تقاضای صدور پروانه بهداشتی و ساختن بنماید. ماده ۱۱- در موسسات داخلی که نوع آنها از طرف وزارت بهداری معین و صورت آن منتشر می گردد صاحبان آنها مکلفند طبق دستور وزارت بهداری مشخصات لازم را در مورد هر نوع فرآورده به خط فارسی خوانا روی بسته بندی یا ظرف محتوی جنس قید نمایند در مواردی که فرمول محصول با مواد ترکیبی طبق تقاضای سازنده فرمول بایستی محفوظ بماند باید فرمول محصول را قبلاً به وزارت بهداری تسلیم و شماره پروانه آن را روی بسته بندی ذکر نماید. متخلفین از مقررات این ماده به پرداخت غرامت از پنج هزار تا بیست هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۲- وزارت بهداری مکلف است فهرست رنگها و اسانسها و سایر مواد مجاز قابل افزودن به مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی و همچنین نوع جنس ظرف مورد استفاده در صنایع مواد خوردنی یا آشامیدنی و یا رنگهای مورد مصرف در اسباب بازی را آگهی نماید. افزودن موادی که در آگهی ذکر نشده باشد به مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و اسباب بازی بدون اجازه وزارت بهداری و همچنین به کار بردن مواد سمی به صورت و میزان غیرمجاز در سفید کردن و پاک کردن و شفاف کردن یا رنگ آمیزی ظروف غذایی یا پوشش و بسته بندی مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی ممنوع است و مجازات سازندگان یا تهیه کنندگان مواد موضوع این ماده در صورتی که مستلزم مجازات شدیدتری نباشد حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال خواهد بود. ماده ۱۳- مقررات بهداشتی طبق آیین نامه‌ای از طرف وزارت بهداری تعیین و برای اطلاع عموم به وسایل مقتضی آگهی می شود. تخلف از مقررات بهداشتی مذکور مستوجب مجازات خلافی است که برطبق آیین نامه مصوب وزارت دادگستری و وزارت بهداری تعیین خواهد شد. مأمورینی که از طرف وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر برای نظارت در مواد خوردنی و آشامیدنی و بهداشتی تعیین می شوند مکلفند متخلفین از مقررات بهداشتی را با ذکر مورد تخلف با تنظیم گزارش به مسوول بهداشت محل معرفی نمایند. مسوول بهداشت محل در صورت تایید گزارش مأمور نظارت متخلف را به دادگاه خلاف معرفی نموده و به مدیر موسسه نیز کتبا اخطار می نماید که در موعد مقرر که مدت آن در آیین نامه تعیین خواهد شد به رفع نواقص بهداشتی اقدام نماید. در صورتی که پس از انقضای مهلت مقرر نقایص مذکور رفع نشده باشد مأمور نظارت مکلف است مراتب را به مسوول بهداشت محل مجدداً گزارش دهد و مسوول مزبور پس از رسیدگی و تایید گزارش مأمور نظارت، محل تعیین شده را با دستور کتبی موقتاً تعطیل می کند. ادامه کار در صورتی اجازه داده خواهد شد که صاحب یا مدیر مسوول موسسه مسوول بهداشت محل را از اجرای مقررات مطمئن سازد. ماده ۱۴- کلیه مواد تقلبی یا فاسد یا موادی که مدت مصرف آنها منقضی شده باشد بلافاصله پس از کشف، توقیف می شود. هرگاه وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر گواهی نمایند که مواد مکشوفه برای برخی از مصارف انسانی یا حیوانی یا صنعتی قابل استفاده است ولی نگاهداری آنها امکان ندارد مواد مکشوفه به دستور دادستان شهرستان به اطلاع صاحب کالا و با حضور نماینده دادستان شهرستان به فروش می رسد و وجوه حاصل تا ختم دادرسی و صدور حکم قطعی در صندوق دادگستری تودیع خواهد شد و هرگاه گواهی شود که مواد مکشوفه قابلیت مصرف انسانی یا حیوانی یا صنعتی ندارد فوراً به دستور دادستان معدوم می شود. در کلیه موارد فوق و همچنین در مورد اسباب و ابزار و آلات جرم دادگاه طبق ماده ۵ قانون مجازات عمومی تعیین تکلیف می نماید و اگر قبلاً به فروش رسیده باشد در مورد وجوه حاصل از فروش نیز تعیین تکلیف خواهد کرد. درآمد حاصل از اجرای این ماده به مصرف تاسیس و توسعه و تکمیل آزمایشگاههای تحقیق و کنترل مواد غذایی خواهد رسید. ماده ۱۵- کسانی که مواد مذکور در ماده ۱۴ را خریداری می نمایند باید منحصرراً برای مصارفی که از طرف وزارت بهداری یا موسسات مسوول دیگر تعیین گردیده معامله نمایند یا بکار برند والا برحسب مورد به مجازاتهای مذکور در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۱۶- از تاریخ تصویب این قانون ترخیص مواد غذایی یا بهداشتی یا آرایشی از گمرک به هر شکل و کیفیت به منظور بازرگانی یا تبلیغاتی با رعایت مقررات عمومی علاوه بر دارا بودن گواهی

بهداشتی و قابلیت مصرف از کشور مبدا مستلزم تحصیل پروانه ورود از وزارت بهداشتی است و واردکننده نیز مکلف است برای تحصیل پروانه مزبور فرمول مواد و همچنین موادی که برای نگاهداری به آنها اضافه شده به وزارت بهداشتی تسلیم نماید. ماده ۱۷ - کلیه جرایم مندرج در این قانون از جرایم عمومی محسوب است ماده ۱۸ - دولت مأمور اجرای این قانون است

### قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب تیرماه ۱۳۷۲ ( ماده ۱ تا ۱۱ )

مصوب تیرماه ۱۳۷۲ ماده ۱ - به منظور انجام وظایف مشروح زیر سازمان پزشکی قانونی کشور که در این قانون به اختصار سازمان نامیده می شود زیر نظر رییس قوه قضاییه تشکیل می گردد. ۱ - اظهار نظر در امور پزشکی قانونی و کارشناسی آن کالبد شکافی و انجام امور آزمایشگاهی و پاراکلینیکی به دستور مراجع ذی صلاح قضایی ۲ - پاسخ به استعلامات ادارات و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه و سایر دستگاههای دولتی ۳ - اجرای برنامه های کارآموزی پزشکی قانونی و بررسی صلاحیت علمی داوطلبان خدمت پزشکی قانونی در سازمان ۴ - همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز دانشگاهها که برای پیشبرد اهداف سازمان و دانشگاهها مفید می باشد. ۵ - تبادل اطلاعات علمی مورد نیاز با مراکز آموزشی و پژوهشی داخل و خارج کشور. تبصره ۱ - اظهار نظر پزشکی قانونی باید مستدل روشن و متضمن شرح مشهودات و معاینات مبتنی بر مدارک و ملاحظات علمی و آزمایشگاهی و با استفاده از روشهای جدید و نتیجه گیری کافی باشد. تبصره ۲ - متخلفین از انجام دستورهای مقامات ذیصلاح قضایی مشمول حکم مندرج در قسمت اخیر ماده ۱۹ قانون آیین دادرسی کیفری خواهند بود. ماده ۲ - سازمان دارای استقلال مالی و اداری می باشد و بودجه سالانه آن ضمن بودجه کل کشور در ردیف جداگانه منظور می شود و طبق مقررات ، زیر نظر رییس سازمان به مصرف خواهد رسید. ماده ۳ - سازمان موظف است هزینه های خدمات پزشکی قانونی را بر اساس تعرفه هایی که به پیشنهاد سازمان به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد اخذ و به حساب در آمد عمومی کشور واریز نماید. همه ساله معادل در آمد واریزی مزبور از محل اعتباری که به همین منظور در قانون بودجه سال مربوط پیش بینی می شود در اختیار سازمان قرار خواهد گرفت تا جهت تجهیز مراکز پزشکی قانونی و امور تحقیقاتی و مطالعات پزشکی قانونی و انتشار مجله پزشکی به مصرف برسد. ماده ۴ - حقوق و مزایای پزشکان و کادر فنی سازمان حسب مورد معادل حقوق پزشکان و کادر فنی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. تبصره ۱ - کادر علمی و تحقیقاتی سازمان با تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مشمول مقررات استخدامی اعضای هیات علمی دانشگاه ها خواهند بود. تبصره ۲ - سایر کارکنان سازمان مشمول مقررات قانون استخدام کشوری می باشند. ماده ۵ - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و دانشگاههای علوم پزشکی مکلفند با اعلام ضرورت سازمان به استفاده از خدمات پزشکی و پیراپزشکی افراد تابعه آنان فوراً فرد مورد نیاز را پس از جلب رضایت او در مدت اعلامی سازمان به پزشکی قانونی مأمور نمایند. حق الزحمه فرد مورد نیاز در خارج از وقت اداری بر اساس تعرفه سازمان پرداخت می شود. تبصره - تعرفه پرداخت حق الزحمه پزشکان و پیراپزشکان مورد نیاز توسط رییس سازمان تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد. ماده ۶ - رییس سازمان توسط رییس قوه قضاییه از میان پزشکان واجد صلاحیت تعیین و منصوب می گردد. ماده ۷ - تشکیلات سازمان توسط رییس سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه می گردد و پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب رییس قوه قضاییه می رسد. ماده ۸ - مشمولین قانون مربوط به خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۳۰/۱/۱۳۶۷ که به خدمت سازمان در میابند در صورتی که حداقل مدت ده سال در مناطق غیر مجاز مذکور در قانون اصلاح موادی از قانون خدمت پزشکان و پیراپزشکان مصوب ۳۰/۱/۱۳۶۷ و حسب مورد مدت ۳ تا ۵ سال در مناطق مجاز در سازمان خدمت نمایند از انجام خدمت موضوع قانون مزبور معاف خواهند بود. آیین نامه اجرایی این ماده توسط سازمان با همکاری وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تدوین و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. ماده ۹ - به پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصان

علوم آزمایشگاهی ( دارای دکترای حرفه ای ) که به استخدام سازمان در میابند اجازه تاسیس مطب ، داروخانه و آزمایشگاه در شهر محل خدمت آنان داده خواهد شد و در صورت قطع رابطه استخدامی آنان با سازمان مشمول قانون اجازه تاسیس مطب مصوب ۱۳۶۲ و آیین نامه اجرایی آن خواهند بود. ماده ۱۰ - از تاریخ تصویب این قانون اموال غیر منقول متعلق به قوه قضاییه که مستقلا در اختیار پزشکی قانونی می باشد و کلیه اموال منقول مورد استفاده و کارکنان پزشکی قانونی و اداری شاغل در آن به سازمان منتقل می گردد. تبصره - اماکنی که مشترکا با دادگستری جمهوری اسلامی ایران مورد استفاده قرار گرفته تا تهیه مکان مستقل همچنان در اختیار آن سازمان خواهد بود. ماده ۱۱ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف ۶ ماه با هماهنگی سازمان و دادگستری جمهوری اسلامی ایران و وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تهیه و به تصویب رییس قوه قضاییه خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر یازده ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هفتم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۳/۵/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### قانون راجع به اطبای خارجی - مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ ( ماده ۱ تا ۶ )

مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ ماده اول - دولت می تواند به اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه اجازه بدهد که به شغل خود در ایران اشتغال ورزند مشروط بر اینکه علاوه بر دیپلم فراغ تحصیل از مدارس که به موجب نظامنامه از طرف وزارت معارف معین خواهد شد مدارکی ارایه دهند که لااقل پنج سال اشتغال آنها را مستقلا به شغل طبابت مدلل دارد. ماده دوم - اداره کل صحیه برطبق نظامنامه ای که به تصویب وزارت داخله خواهد رسید جواز و محل اشتغال داوطلب را در هر نقطه که صلاح باشد صادر و معین خواهد کرد. ماده سوم - اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه که قبل از این تاریخ در ایران اشتغال به مشاغل خود داشته اند نیز مشمول این قانون و دو نظامنامه مزبور خواهند بود ولی مدت مذکور در ماده یک در مورد آنها لازم الرعایه نخواهد بود. ماده چهارم - هروقت هیات وزرا عده اطبا و دواسازان و دندان سازان و قابله های اتباع خارجه را در ایران کافی بداند وزارت معارف از رسیدگی به دیپلم یا شهادتنامه آنان خودداری کرده و وزارت داخله جواز اشتغال نخواهد داد. ماده پنجم - علاوه بر مالیات جواز طبابت که کلیه اطبا و دندان سازها و قابله ها می دهند از اطبا و جراحان خارجی مبلغ دو هزار ریال و از دواسازها و دندان سازها و قابله های خارجی مبلغ یک هزار ریال در موقع صدور مجوز مذکور در ماده دوم اخذ خواهد شد. ماده ششم - وزارت معارف و وزارت داخله مامور اجرای این قانون می باشند.

### قانون مربوط به مقررات امور پزشکی و دارویی و مواد خوردنی و آشامیدنی

#### فصل اول - موسسات پزشکی ( ماده ۱ تا ۵ )

ماده ۱ - ایجاد هر نوع موسسه پزشکی نظیر بیمارستان - زایشگاه - تیمارستان - آسایشگاه - آزمایشگاه - پلی کلینیک - موسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی - هیدروتراپی - لابراتوار - کارخانه های داروسازی - داروخانه - درمانگاه - بخش تزریقات و پانسمان ، به هر نام و عنوان باید با اجازه وزارت بهداشت و اخذ پروانه مخصوص باشد. متصدیان موسسات مزبور ملزم به رعایت مقررات مذکور در آیین نامه های مربوط می باشند. تبصره ۱ - (الحاقی - برای هریک از وزارتخانه ها و موسسات و شرکتهای دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی به شرط داشتن مجوزهای قانونی توسط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی با رعایت مقررات پروانه صادر خواهد شد. تبصره ۲ - (الحاقی - برای درمانگاهها و بیمارستانهای موضوع ماده ۱۰ قانون تشکیل وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی که به صورت خیریه درخواست تاسیس می شوند و به تشخیص و تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش

پزشکی و پس از سپردن تعهد مبنی بر اینکه صرفاً غیرانتفاعی بوده و ملتزم به رعایت تعرفه‌های خاص بر مبنای ضوابط مالی اداری و فنی مذکور در آیین نامه مصوب وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی گردند پروانه مخصوص صادر خواهد شد. پروانه موسسات مذکور در صورت تخلف از تعهد راساً توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی لغو خواهد شد. ماده ۲ - امور فنی موسسات مصرح در ماده فوق باید به وسیله کسانی که به نام مسوول فنی معرفی شده‌اند انجام گیرد و همچنین کسانی که زیر نظر مسوولین مزبور خدمت می‌نمایند باید واجد صلاحیت فنی و پروانه رسمی بوده و قبلاً به وزارت بهداشتی معرفی شده باشند. تعویض و تغییر مسوولین فنی نیز باید با اطلاع وزارت بهداشتی باشد. ماده ۳ - هر کس بدون داشتن پروانه رسمی به امور پزشکی، داروسازی، دندان پزشکی، آزمایشگاهی، فیزیوتراپی و مامایی اشتغال ورزد یا بدون پروانه از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام به تاسیس یکی از موسسات پزشکی مصرح در ماده (۱) نماید یا پروانه خود را به دیگری واگذار یا پروانه دیگری را مورد استفاده قرار دهد بلافاصله محل کار آنها توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعطیل و به حبس تعزیری از شش ماه تا سه سال و پرداخت جریمه نقدی از پنج میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد و در صورت تکرار به حبس ازدو تا ده سال و پرداخت جریمه از پنج میلیون تا صد میلیون ریال یا دو برابر قیمت داروهای مکشوفه (هر کدام که بیشتر باشد) محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - واردات و صادرات و خرید و فروش دارو بدون اخذ مجوز از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی جرم محسوب شده و مرتکب به مجازات مقرر در ماده (۳) محکوم و داروهای مکشوفه به نفع دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۲ - در صورتی که هریک از مسوولین موضوع ماده (۳) و یا مسوولین مراکز ساخت تهیه، توزیع و فروش دارو، تجهیزات و ملزومات پزشکی مبادرت به خرید و فروش غیر قانونی موارد فوق نماید و یا از توزیع و ارایه خدمات خودداری و یا موجب اختلال در نظام توزیعی دارویی کشور شوند علاوه بر مجازات مقرر در ماده (۳) به محرومیت از اشتغال در امور دارویی محکوم خواهند شد. تبصره ۳ - کلیه فرآورده‌های تقویتی، تحریک کننده، ویتامین ها و غیره که فهرست آنها توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اعلام و منتشر می‌گردد جز اقلام دارویی است تبصره ۴ - در مواردی که موسس مرکز و موسسه پزشکی یک نفر باشد و شخص مزبور فوت نماید وراثت او می‌تواند با ارایه گواهی تسلیم دادخواست حصر وراثت و معرفی یک نفر به عنوان مسوول فنی واجد شرایط دریافت پروانه به وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی درخواست صدور پروانه مسوولیت فنی موقت نمایند اعتبار این پروانه به مدت دو سال خواهد بود. وراثت مکلفند ظرف مهلت یاد شده با ارایه دادنامه حصر وراثت نسبت به معرفی شخص واجد شرایط قانونی دریافت پروانه به عنوان موسس جدید اقدام کنند. در غیر این صورت موسسه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تعطیل خواهد شد. تبصره ۵ - مجازات‌های مربوط به جرایم مرتبط با داروهای انسانی در این ماده در مورد داروهای دامی هم معجزی خواهد بود. تبصره ۶ - به جرایم موضوع این قانون در دادگاه انقلاب اسلامی رسیدگی خواهد شد. ماده ۴ - هر موسسه پزشکی و دارویی که امور فنی آن به اتکای پروانه اشخاص ذی صلاحیت توسط افراد فاقد صلاحیت اداره شود از طرف وزارت بهداشتی تعطیل و صاحب پروانه برای بار اول تا یک سال و برای دفعات بعد هر دفعه تا دو سال حق افتتاح مجدد آن موسسه را حتی به نام دیگری نخواهد داشت و شخص یا اشخاص فاقد صلاحیت به مجازات مذکور در ماده ۳ محکوم خواهند شد. ماده ۵ - هیچ یک از موسسات پزشکی و دارویی و صاحبان فنون پزشکی و داروسازی و سایر موسسات مصرح در ماده اول این قانون حق انتشار آگهی تبلیغاتی که موجب گمراهی بیماران یا مراجعین به آنها باشد و یا به تشخیص وزارت بهداشتی برخلاف اصول فنی و شئون پزشکی یا عفت عمومی باشد ندارند و استفاده از عناوین مجعول و خلاف حقیقت روی تابلو و سرنسخه و یا طرق دیگر و دادن وعده‌های فریبنده ندارند و همچنین دخل و تصرف و یا تغییر در نسخه پزشکی به هر صورت که باشد بدون اجازه خود پزشک از طرف داروساز ممنوع می‌باشد. متخلفین برای بار اول به پرداخت پنج هزار ریال تا بیست هزار ریال دفعات بعد هر دفعه از بیست هزار ریال تا ۵۰ هزار ریال جزای نقدی و یا به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا چهار ماه و یا به هر دو مجازات محکوم

خواهند شد. تبصره ۱- دخالت داروسازان در امور مختص به طبابت جز در مورد کمکهای نخستین قبل از رسیدن پزشک مشمول ماده ۳ این قانون خواهد شد. تبصره ۲- هریک از متصدیان امور دارویی و یا داروخانه‌ها که مبادرت به تبدیل تاریخ مصرف دارو یا افزایش قیمت رسمی و یا تخلف در نرخ گذاری نسخه برآیند با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا یک میلیون ریال و یا به سه ماه تا شش ماه حبس محکوم خواهند شد. چنانچه سو استفاده بیش از یک میلیون ریال باشد جزای نقدی مرتکب دو برابر میزان سو استفاده خواهد بود. تبصره ۳- ارایه داروی هم فرمول از نظر مواد موثره به جای داروی تجویز شده در نسخه پزشک دخل و تصرف یا تغییر در نسخه پزشکی محسوب نمی شود لکن ارایه داروی غیر هم فرمول از نظر مواد موثره به جای داروی تجویز شده در نسخه پزشک دخل و تصرف یا تغییر در نسخه پزشکی محسوب و قابل تعقیب است مرجع تشخیص مواد موثره داروهای فوق الذکر وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می باشد.

### فصل دوم - آزمایشگاه تشخیص ( ماده ۶ الی ۹ )

ماده ۶- کسانی می توانند متصدی آزمایشگاه تشخیص طبی برای یک یا چند رشته گردند که دکتر در پزشکی یا داروسازی یا دامپزشکی و یا علوم شیمی و یا بیولوژی بوده و به علاوه دارای گواهینامه دوره تکمیلی آزمایشگاهی از دانشکده‌های پزشکی یا گواهینامه رسمی تخصصی در امور آزمایشگاهی از کشورهای خارجه که به تصدیق مراجع صلاحیتدار رسیده باشد. تبصره ۱- حداقل دو نفر از دارندگان مدارک علوم آزمایشگاهی بالینی با درجه دکتر یا پی - اچ - دی (در علوم آزمایشگاهی) یا تخصصی در رشته‌های ۱- بیوشیمی ۲- پاتوبیولوژی (قارچ شناسی یا میکرب شناسی یا انگل شناسی ۳- ایمنولوژی (ایمن شناسی یا سرم شناسی ۴- خون شناسی (هماتولوژی می توانند اقدام به تصدی فنی آزمایشگاه گروهی در رشته مربوط به خود نمایند بدیهی است برای تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی عمومی مشارکت هر چهار رشته فوق ضروری می باشد. تبصره ۲- (اصلاحی ۲۳/۱/۶۷)- افرادی که دارای دکترای گروه پزشکی در رشته‌های پزشکی ، داروسازی ، دامپزشکی بوده و مدرک آنها مورد تایید وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می باشد و دارای تخصص در یک رشته آزمایشگاهی یا افرادی که دارای پی اچ دی در یکی از رشته‌های علوم آزمایشگاهی بالینی بوده و فاقد تخصص در بقیه رشته های آزمایشگاهی بالینی هستند رشته‌های کمبود را در کلاسهایی که در دانشگاه علوم پزشکی تهران یا سایر دانشگاههای علوم پزشکی که امکان دارند می گذرانند و پس از انجام کارآموزی بیمارستانی و قبول شدن در آزمون تخصصی مجاز به تصدی فنی آزمایشگاه تشخیص طبی خواهند بود. آیین نامه کلاسها و کارآموزی و نحوه تامین بودجه آن را وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معین می کند. تبصره ۳- دارندگان مدارک تحصیلی ذکر شده در تبصره یک در مورد رشته‌های محدود نظیر ویروس شناسی یا هورمون شناسی با تصویب کمیسیون قانونی آزمایشگاهها می توانند اقدام به تصدی فنی آزمایشگاه تک رشته‌ای مربوط نمایند. تبصره ۴- در شهرستانهایی که متصدی فنی آزمایشگاه گروهی به علت عدم حضور افراد ذکر شده در این قانون موجود نباشد طبق مقررات می توانند (فقط برای همان رشته مورد درخواست اجازه تصدی فنی آزمایشگاه تک رشته‌ای دریافت نمایند. تبصره ۵- برای تصدی فنی آزمایشگاه آسیب شناسی تشریحی متقاضی باید علاوه بر داشتن دکترای در پزشکی دارای دیپلم تخصصی در رشته مزبور باشد ضمناً کسانی که دارای مدارک تحصیلی مشترک رشته علوم آزمایشگاهی بالینی و آسیب شناسی می باشند می توانند مستقلاً برای تصدی فنی آزمایشگاه در رشته های تخصصی اقدام نمایند. تبصره ۶- وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی موظف است لیست آزمایشاتی که هریک از متخصصین شاغل در آزمایشگاه تشخیص طبی صلاحیت انجام آن را دارند به تفکیک مشخص نموده و متخصصین مذکور در صورتی که مبادرت به انجام آزمایشاتی نمایند که در صلاحیت آنها نباشد متخلف محسوب می شوند و دادگاه به مجازات مذکور در تبصره ۲ ماده ۵ علیه آنها رای می دهد. ماده ۷- دارندگان آزمایشگاه نمی توانند غیر از رشته ای که

پروانه برای آن صادر گردیده به انجام آزمایشهای دیگری مبادرت ورزند مگر اینکه برای رشته‌های دیگر نیز تحصیل پروانه نموده باشند به هر حال یک نفر نمی‌تواند مسولیت بیش از یک آزمایشگاه را عهده‌دار باشد. ماده ۸- دارندگان آزمایشگاهها نمی‌توانند اقدام به خرید و فروش خون نموده و یا محصولاتی که عناصر اصلی آن از میکرب یا سرم یا خون است ساخته و به فروش رسانند مگر با اجازه مخصوص وزارت بهداشتی ماده ۹- متخلفین از مواد ۶- ۷- ۸ برای بار اول به پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد و برای دفعه دوم علاوه بر پرداخت جریمه نقدی موسسه مربوط نیز تعطیل خواهد شد.

### فصل سوم - مقررات مربوط به اشتغال پزشکان بیگانه ( ماده ۱۰ تا ۱۲ )

ماده ۱۰- اشتغال پزشکان بیگانه به هر نام و هر نوع کار فنی از هر حیث تابع مقررات قانون طبابت اتباع بیگانه مصوب شهریورماه ۱۳۱۲ و مستلزم داشتن پروانه از وزارت بهداشتی می‌باشد و در صورت تخلف مشمول مجازات مصرح در ماده سه خواهد بود به علاوه از تاریخ تصویب این قانون کلیه موسسات اعم از دولتی و ملی باید وزارت بهداشتی را قبلاً از استخدام پزشکان خارجی و شرایط استخدام آنها مطلع سازند. ماده ۱۱- از تاریخ تصویب این لایحه صدور پروانه برای طبابت آزاد به نام پزشکان خارجی برای تهران و مراکز استانها ممنوع است ماده ۱۲- پروانه های اشتغال به طبابت که برای پزشکان خارجی صادر شده و یا خواهد شد نهایت برای مدت پنج سال از تاریخ صدور معتبر بوده و پس از انقضای مدت مزبور صاحب پروانه باید تقاضای تجدید آن را بنماید. قبول این تقاضا در مورد طبابت آزاد برای وزارت بهداشتی الزامی نیست و متخلف از ادامه طبابت ممنوع خواهد شد. تبصره - پزشکان بیگانه به هیچ وجه حق دخالت در امور سیاسی ندارند و در صورت تخلف پروانه طبابت آنها فوراً لغو و مطابق مقررات مربوطه تحت تعقیب قرار خواهند گرفت

### فصل چهارم - شرایط ساخت و ورود دارو و فرآورده های بیولوژیک و فرآورده های آزمایشگاهی ( ماده ۱۳ تا ۱۴ )

ماده ۱۳- عنوان داروی اختصاصی شامل داروهایی می‌شود که به طور ساده و یا از اختلاط یا ترکیب چند دارو در نتیجه ابداع شخص یا شخصیت حقوقی معینی به دست آمده و با فرمول و اسم ثابت و علامت صنعتی مخصوصی مشخص به نام ابداع کننده در کشور ایران و یا کشورهای خارجی به ثبت رسیده باشد. تبصره ۱- برای ثبت اسامی و علائم تجارتي و صنعتی هر نوع دارو یا موسسات پزشکی و داروسازی و داروفروشی علاوه بر رعایت مقررات مربوط به ثبت علائم موافقت قبلی وزارت بهداشتی نیز برابر آیین نامه مخصوص ضروری است تبصره ۲- عنوان داروهای ژنتیک به داروهایی اطلاق می‌شود که با نام شیمیایی یا عمومی ( غیراختصاصی ) که توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تایید می‌گردد نامیده شوند. تبصره ۳- داروهای گیاهی به فرآورده های اطلاق می‌شود که در تهیه و ترکیب آنها کلا- یا اکثر آن، از اجزا و یا عصاره های گیاهی استفاده شده باشد، تشخیص داروی گیاهی تایید اثر درمانی و تعیین یا تایید نام آن با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است تبصره ۴- فرآورده های بیولوژیک به موادی اطلاق می‌شود که دارای منشا انسانی یا حیوانی بوده که برای تشخیص و پیشگیری و یا درمان بیماریها به کار می‌رود، تعیین نوع فرآورده های مذکور به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می‌باشد. تبصره ۵- فعالیت افراد موسسات و نمایندگی های شرکتهای دارویی و تجهیزات و ملزومات پزشکی، دندان پزشکی مشمول آیین نامه ای خواهد بود که حداکثر ظرف مدت سه ماه تهیه و به تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی برسد. ماده ۱۴- ورود هر نوع فرآورده بیولوژیک ( نظیر سرم و واکسن و فرآورده های آزمایشگاهی و مواد غذایی اطفال و هر نوع دارو و مواد اولیه دارویی و بسته بندی دارویی و قطعات و ماشین آلات مربوط به هر شکل و عنوان از خارج از کشور توسط بخش خصوصی و یا دولتی و نیز

ترخیص آنها از گمرک و همچنین ساخت هر نوع دارو یا فرآورده بیولوژیک و عرضه و فروش آنها در داخل کشور و یا صدور آن به خارج از کشور مستلزم اجازه قبلی از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی و اخذ پروانه و یا مجوز لازم می‌باشد. تبصره ۱ - اعتبار پروانه ورود یا ساخت اقلام مذکور در این ماده ۴ سال است تقاضای تجدید پروانه باید شش ماه قبل از انقضای مدت به عمل آید چنانچه در طول مدت اعتبار پروانه ورود یا ساخت، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ورود و یا تولید دارویی را غیر لازم و یا مضر به سلامت جامعه تشخیص دهد موظف است پروانه مربوط را با رای کمیسیون مذکور در ماده ۲۰ این قانون لغو نماید و میزان ورود و یا ساخت هر یک از فرآورده‌های مذکور نیز منوط به موافقت قبلی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی است تبصره ۲ - ساخت و یا ورود هر نوع مواد و ملزومات مصرفی و تجهیزات پزشکی و دندانپزشکی و یا مواد اولیه و بسته بندی آنها که لیست آن از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اعلام می‌گردد باید با اجازه قبلی و موافقت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی انجام گیرد، ترخیص اقلام مذکور از گمرک نیز باید با کسب اجازه و از وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی باشد. تبصره ۳ - شرکتهای توزیع کننده انواع دارو و مواد بیولوژیک اعم از دولتی و غیر دولتی و خصوصی باید از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی پروانه تاسیس اخذ نموده و با معرفی مسوول فنی واجد شرایط که صلاحیت آنها به تصویب کمیسیون قانونی مربوط در ماده ۲۰ این قانون خواهد رسید براساس آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی اقدام به توزیع دارو و مواد بیولوژیک در سطح کشور بنمایند. شرایط صلاحیت مسوول فنی مذکور در این تبصره عبارتند از:

- ۱ - داشتن دانشنامه دکترای داروسازی ۲ - نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. ۳ - عدم اشتغال به فساد در حرفه مربوطه تبصره ۴ - چنانچه شرکتهای توزیع کننده داروهای فاسد یا داروهای با تاریخ مصرف کوتاه و یا منقضی شده که مخالف آیین‌نامه مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی باشد توزیع نمایند و یا دارویی را بیش از قیمت رسمی به فروش برسانند با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب شرکت مربوطه علاوه بر جبران خسارات وارده به پرداخت جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم و پروانه مسوول فنی با توجه به رأی کمیسیون قانونی مربوطه از یک تا شش ماه به حالت تعلیق در خواهد آمد. تبصره ۵ - معرفی و ارایه اطلاعات علمی داروها و مواد بیولوژیک در سطح کشور با اجازه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد بود. آیین‌نامه اجرایی مربوط به تصویب وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. متخلف با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار تا ده میلیون ریال محکوم خواهد گردید. تبصره ۶ - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلف است تقاضای افراد یا موسساتی که داروی جدیدی را کشف یا ابداع می‌نمایند از طریق کمیسیون ساخت و ورود موضوع ماده ۲۰ این قانون رسیدگی و در صورت تایید و ضرورت تولید و ارایه آن با رعایت سایر مقررات پروانه لازم را صادر نماید کمیسیون مذکور و وزارت مزبور موظف به حفظ فرمول و اطلاعات داروی کشف شده از طرف متقاضی می‌باشد و اطلاعات مزبور فقط با اجازه کتبی متقاضی قابل انتقال به غیر می‌باشد. تبصره ۷ - داروساز مسوول فنی داروخانه می‌تواند داروهای دستوری تجویز شده در نسخه پزشک را بسازد و نیز داروی جالینوسی را با توجه به امکانات و شرایط لازم در داروخانه برای فرآورده‌هایی که ساخت آنها از طرف وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی در داروخانه مجاز است بسازد فهرست داروهای جالینوسی باید از طرف وزارت مذکور اعلام گردد. ماده ۱۵ - کسانی که بدون اجازه وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مواد دارویی و یا فرآورده‌های بیولوژیک مندرج در ماده ۱۴ را وارد نمایند و یا در داخل کشور بسازند با رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب به حکم دادگاه مواد مذکور به نفع وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ضبط و در صورت لزوم معدوم و مرتکبین در مرحله اول به جزای نقدی از ۵۰۰ هزار تا ۵ میلیون ریال و در مرحله دوم از ۵ میلیون ریال تا ۱۰ میلیون ریال و در صورت تکرار علاوه بر لغو پروانه به حداکثر مجازات نقدی در مرحله دوم محکوم خواهند شد. (چنانچه وارد کننده یا تولید کننده غیر مجاز موسسه یا شرکت باشد) با

رعایت شرایط و امکانات خا طی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب علاوه بر ضبط مواد به حکم دادگاه و در صورت لزوم معدوم نمودن آنها مدیرعامل موسسه یا شرکت در مرحله اول به جزای نقدی از ۵ میلیون تا ۱۰ میلیون ریال و در مرحله دوم از ۱۰ تا ۱۵ میلیون ریال و در صورت تکرار علاوه بر حداکثر مجازات نقدی مرحله دوم به حبس از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ - سازندگان داروها و مواد بیولوژیک موضوع این فصل پس از تحصیل پروانه حق ندارند فرمول و ترکیب و شکل و یا بسته بندی دارو یا فرآورده بیولوژیک خود را قبل از کسب اجازه مجدداً وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تغییر داده و یا دخل و تصرف در آن نمایند. در صورت ارتکاب به حسب مورد به مجازات مذکور در ماده ۱۵ محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - کسانی که متقاضی تاسیس واحدهای تولید دارو و مواد بیولوژیک هستند باید شرایط زیر را دارا باشند: ۱ - داشتن مجوز از وزارتخانه های صنایع و بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۲ - نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. ۳ - معرفی متصدی فنی واجد شرایط زیر هنگام بهره برداری الف - داشتن دانشنامه دکترا یا دیپلم عالی داروسازی ب - داشتن پروانه داروسازی برای کشور جمهوری اسلامی ایران ج - نداشتن سو پیشینه کیفری موثر. د - اخذ تایید صلاحیت از کمیسیون قانونی ساخت و ورود ماده ۲۰ این قانون ماده ۱۸ - اشخاصی که در تهیه مواد دارویی به هر کیفیتی مرتکب تقلب شوند از قبیل آنکه جنسی را به جای جنس دیگر قلمداد نمایند و یا آن را با مواد خارجی مخلوط سازند و همچنین با علم به فساد و تقلبی بودن آن مواد برای فروش آماده و یا عرضه بدارند و یا به فروش برسانند و یا دارویی را به جای داروی دیگر بدهند به مجازاتهای ذیل محکوم خواهند شد: الف - در صورتی که استعمال مواد دارویی منحصراً علت فوت باشد مجازات تهیه کننده اعدام است و در صورتی که یکی از علل فوت باشد مجازات تهیه کننده حبس دائم خواهد بود. ب - در صورتی که مواد مذکور منتهی به مرض دائم و یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضای مصرف کننده گردد مجازات تهیه کننده حبس دائم خواهد بود. ج - هرگاه استعمال مواد مزبور منتهی به صدمه ای گردد که معالجه آن کمتر از یک ماه باشد مجازات تهیه کننده یک سال تا سه سال حبس جنحه ای و هرگاه مدت معالجه بیشتر از یک ماه باشد دو سال تا ده سال حبس جنایی درجه دو خواهد بود. د - هرگاه مصرف مواد مزبور منتهی به صدمه ای نگردد مجازات تهیه کننده یک سال تا سه سال حبس جنحه ای خواهد بود. تبصره - در مورد بندهای الف ب ج د هر یک از آماده کننده و عرضه دارنده و فروشنده به مجازات معادل همان جرم محکوم خواهد شد. ه - هرگاه داروی تقلبی آماده و عرضه شده و یا به فروش رسیده ولی مصرف نشده باشد مجازات هر یک از تهیه کننده و عرضه دارنده و فروشنده از شش ماه تا دو سال حبس جنحه ای خواهد بود. و - هرکس داروی فاسد یا دارویی که مدت استعمال آن گذشته و یا دارویی را به جای داروی دیگر به فروش برساند و این عمل موجب بازماندن مصرف کننده از استعمال داروی اصلی باشد و در نتیجه معالجه نشدن منتهی به فوت گردد مجازات فروشنده حبس جنایی درجه دو از دو سال تا ده سال است و در صورتی که منتهی به فوت نگردد ولی منجر به مرض دائم یا فقدان و یا نقص یکی از حواس و یا اعضای مصرف کننده گردد مجازات فروشنده یک سال تا سه سال حبس جنحه ای خواهد بود. ز - در صورتی که داروی تقلبی «سرم یا «واکسن یا «آنتی بیوتیک و یا مواد غذایی مخصوص کودکان باشد مرتکب به حداکثر مجازات های فوق محکوم خواهد شد. ح - در موارد فوق مرتکبین علاوه بر کیفرهای مذکور به جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد و پنجاه هزار ریال و همچنین پرداخت کلیه خسارات وارده به مدعی خصوصی و محرومیت از اشتغال به کسب مواد دارویی محکوم خواهند شد. تبصره ۱ - تهیه کننده کسی است که خود تهیه و یا به دستور او داروی تقلبی ساخته می شود و مقصود از فروشنده متصدی مسوول است تبصره ۲ - کلیه کالاهای تقلبی پس از صدور حکم قطعی معدوم و کارگاهها و ابزار و اسباب و آلات تهیه مواد مزبور به نفع دولت ضبط خواهد شد. تبصره ۳ - تحقیقات متهمین مزبور به فوریت و محاکمه آنها خارج از نوبت به عمل می آید و بازپرس در صورت کشف داروی تقلبی مکلف است قرار توقیف متهم را صادر نماید و در مورد متهمین مشمول بندهای الف و ب متهم تا خاتمه بازپرسی در توقیف باقی خواهد ماند. حق اعتراض متهم به قرار توقیف خود طبق مقررات قانون آیین دادرسی کیفری محفوظ



می‌باشد. تبصره ۴- هریک از مأمورین دولتی و یا شهرداری و یا کسانی که برحسب وظیفه متصدی مراقبت در مواد دارویی هستند در صورتی که از انجام وظیفه خودداری نمایند و یا سهل‌انگاری در انجام وظیفه نمایند به انفسال موقت از یک ماه تا شش ماه از خدمات محکوم خواهند شد در صورتی که ثابت شود اشخاص فوق گزارشی به قصد اضرار بدهند که منتهی به بازداشت اشخاص شود در صورت برایت متهم و اثبات قصد اضرار علاوه بر جبران خسارات وارده به مدعی خصوصی به مجازات یک تا سه سال حبس جنحه‌ای محکوم خواهند شد. تبصره ۵- در صورتی که دادگاه موجباتی برای تخفیف مجازات ملاحظه نموده در مورد مجازاتهای جنایی یک درجه و در سایر موارد فقط تا نصف مجازات می‌تواند تخفیف دهد. تبصره ۶- کلیه جرایم مندرج در فوق از جرایم عمومی محسوب و بدون شکایت مدعی خصوصی قابل تعقیب خواهد بود. ماده ۱۹- مقررات ماده ۱۸ و تبصره‌های آن در مورد تهیه و فروش مواد خوردنی و آشامیدنی تقلبی یا فاسد با یک درجه تخفیف در اصل مجازاتها و با رعایت مقررات عمومی مربوط به بازداشت متهم جاری است تبصره ۱- رنگهایی که در مواد خوردنی و آشامیدنی مصرف می‌شود باید از نوع مخصوص مجاز باشد که فهرست آن از طرف وزارت بهداشتی آگهی خواهد شد همچنین موادی که برای سفیدگری و رنگ آمیزی ظروف غذایی و دارویی به کار برده می‌شود باید از نوع خالص و بدون سمیت باشد متخلفین به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره ۲- وزارت بهداشتی و شهرداریها مکلفند مراکزی که مواد دارویی و یا غذایی و یا آشامیدنی می‌سازند و یا می‌فروشند معاینه و در صورتی که مواد مزبور یا ظروف آنها موافق اصول بهداشتی نباشد به سازنده یا فروشنده اخطار نمایند که طبق اصول بهداشتی اقدام کنند. در صورت تخلف از دستور بهداشتی متخلف به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد و دادگاه ضمن حکم خود طبق تقاضای بهداشتی یا بهداشتی شهرداری دستور خواهد داد آنچه را که مخالف با دستورهای بهداشتی ساخته شده معدوم و یا ضبط نموده یا به مصرف معینی برسانند. ماده ۲۰- به منظور رسیدگی به صلاحیت کسانی که می‌خواهند در موسسات پزشکی و داروسازی مصرح در ماده یکم عهده‌دار مسوولیت فنی گردند و یا تقاضای صدور یکی از پروانه‌های مربوط به این قانون را بنمایند و رسیدگی به صلاحیت ورود و ساخت هر نوع دارو و مواد بیولوژیک کمیسیونهایی به نام کمیسیونهای تشخیص مرکب از اعضا زیر در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به ریاست معاون ذی ربط وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی برحسب رشته تشکیل می‌گردد و رأی اکثریت قطعی خواهد بود. بند ۱- برای کلیه امور پزشکی از اعضا هیأت علمی دانشکده‌های پزشکی یک نفر متخصص داخلی و یک نفر متخصص جراحی و یک نفر متخصص رشته‌ای که موضوع آن در کمیسیون مطرح است به انتخاب و معرفی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و یک نفر پزشک به انتخاب رییس نظام پزشکی و یک نفر از پزشکان آزاد به دعوت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بند ۲- برای ساخت و ورود هر نوع دارو و مواد بیولوژیک - یک نفر داروشناس (فارماکولوژیست از یکی از مراکز علمی به دعوت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی - دو نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده‌های داروسازی به انتخاب اعضای هیأت علمی دانشکده‌های داروسازی در صورت انتخاب اعضای هیأت علمی از شهرستانها به جای هریک یک نفر علی‌البدل از دانشگاههای علوم پزشکی مرکز انتخاب می‌شود که در غیاب عضو اصلی حق رأی خواهد داشت - یک نفر دکتر داروساز شاغل در صنعت داروسازی یا یک نفر متخصص در مواد بیولوژیک و یا یک نفر گیاه‌شناس برحسب مورد به دعوت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - یک نفر از اعضای هیأت علمی دانشکده‌های پزشکی برحسب مورد به انتخاب هیأت علمی دانشکده‌های پزشکی در صورت انتخاب اعضای هیأت علمی از شهرستانها به جای هریک یک نفر علی‌البدل از دانشگاههای علوم پزشکی مرکز انتخاب می‌شود که در غیاب عضو اصلی حق رأی خواهد داشت - مدیرعامل شرکت سهامی دارویی کشور. - مدیرکل آزمایشگاههای کنترل وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - مدیرکل امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی بند ۳- برای امور مربوط به داروخانه‌ها و شرکتهای توزیع کننده دارو: - مدیرکل امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - مدیرعامل شرکت سهامی دارویی کشور. -

یک نفر داروساز ذی صلاح از شرکتهای توزیع کننده دارو به دعوت وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - یک نفر داروساز آزاد برحسب مورد به دعوت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴ - برای امور آزمایشگاهی رییس یا معاون بنگاه پاستور - رییس یا معاون بنگاه رازی - استادان کرسیهای میکرب شناسی - انگل شناسی - سرم شناسی - آسیب شناسی و شیمی بیولوژی دانشکده پزشکی تهران هریک از استادان برای رشته مخصوص به خود (یک نفر از مدیران آزمایشگاههای آزاد به دعوت وزارت بهداشت) . تبصره ۱ - در مواردی که یکی از استادان دانشگاه نتواند در کمیسیونهای فوق حضور یابد دانشیار مربوط به جای او انجام وظیفه خواهد نمود. تبصره ۲ - وزارت بهداشتی برای پاداش استادان و پزشکان و داروسازان آزاد و مشاورینی که به کمیسیونهای مربوط دعوت می نمایند اعتبار لازم در بودجه خود منظور خواهد نمود. تبصره ۳ - قیمت گذاری هر نوع دارو و مواد بیولوژیک ساخت داخل کشور یا وارداتی توسط کمیسیونی مرکب از اعضای زیر تعیین می گردد: - معاونت امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی - مدیرعامل شرکت سهامی دارویی کشور. - یک نفر داروساز در صنعت داروسازی یا یک نفر متخصص در مواد بیولوژیک و یا یک نفر گیاه شناس برحسب مورد به دعوت وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی - یک نفر نماینده وزارت بازرگانی به معرفی وزارت مذکور. - مدیرکل امور دارویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تبصره ۴ - در صورتی که موسسات مذکور در این قانون و همچنین موسسین آنها از ضوابط و مقررات و نرخهای مصوب وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مذکور در آیین نامه های مربوط تخطی نمایند و یا فاقد صلاحیتهای مربوط تشخیص داده شوند وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مکلف است موضوع را در محاکم قضایی مطرح نماید. دادگاه پس از بررسی در صورت ثبوت تخلف با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تادیب پروانه تاسیس یا پروانه مسوولان فنی را موقتاً یا به طور دائم لغو می نماید. «چنانچه متهم برای اولین بار مرتکب یکی از اعمال مذکور در مواد فوق شده باشد و دادستان در موارد غیر مهم تشخیص دهد با وعظ یا توبیخ یا تهدید یا اخذ تعهد، تادیب خواهد شد، با اعمال یکی از موارد تادیب فوق، پرونده را بایگانی می نماید دادگاه نیز در صورت طرح پرونده در دادگاه حق اعمال مراتب بالا را به تشخیص خود دارد.» ماده ۲۱ - الف - وزارت بهداشتی موظف است برای هر پروانه که به موجب این قانون صادر می شود مبلغ ده هزار ریال تا پنجاه هزار ریال دریافت و به حساب خزانه داری کل نزد بانک مرکزی ایران واریز نماید. ب - سازمان برنامه و بودجه موظف است هر سال معادل مبلغ دریافتی سال قبل را در لایحه بودجه کل کشور ضمن ردیف خاص در وجه وزارت بهداشتی منظور نماید. پ - وزارت بهداشتی مکلف است مبلغ یاد شده را منحصراً به مصرف تشکیل تکمیل آزمایشگاههای کنترل دارو و مواد خوردنی و آشامیدنی برساند. ت - آیین نامه مربوط به دریافت وجه بابت هر پروانه مذکور در بند الف و همچنین نحوه اجرای این ماده بنا به پیشنهاد وزارت بهداشتی و تایید سازمان برنامه و بودجه وزارت امور اقتصادی و دارایی به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۲۲ - کسانی که تا قبل از تاریخ تصویب این قانون پروانه افتتاح یکی از موسسات پزشکی مصرح در ماده یک و یا پروانه ورود یا ساخت داروی اختصاصی از وزارت بهداشتی دریافت نموده اند مکلفند در ظرف مهلتی که بیشتر از سه ماه برای تهران و شش ماه برای شهرستانها نباشد و وزارت بهداشتی تعیین و اعلان خواهد کرد با رعایت مقررات این قانون تقاضای تجدید پروانه مزبور نمایند برای تجدید پروانه وجهی دریافت نخواهد شد. تبصره - اشخاصی که در موعد مقرر درخواست تجدید پروانه نموده اند مادام که از طرف وزارت بهداشتی تکلیف نهایی تعیین نشده می توانند از پروانه قبلی خود استفاده نمایند. ماده ۲۳ - از تاریخ تصویب این قانون ماده ۱۰ قانون طبابت مصوب ۱۲۹۰ و همچنین سایر قوانینی که با مواد این قانون مغایرت داشته باشد ملغی خواهد شد. ماده ۲۴ - وزارت بهداشتی مکلف است بلافاصله پس از تصویب این قانون آیین نامه های مربوطه را تهیه و به مورد اجرا بگذارد.

قانون مایه کوبی عمومی و اجباری - مصوب مهرماه ۱۳۲۲ ( ماده ۱ تا ۴ )

مصوب مهرماه ۱۳۲۲ ماده ۱- وزارت بهداشتی مجاز است برای پیشگیری و مبارزه بر ضد امراض همه گیر در مواقع لازمه در نقاطی که مقتضی بداند مایه کوبی عمومی و اجباری را اعلان نماید. و همچنین وزارت بهداشتی مجاز است در مواقع شیوع بیماریهای واگیر و همه گیر مبتلایان را اجباراً منفرد و در بیمارستانهای مربوطه بستری و تحت معالجه قرار دهد و نیز وزارت بهداشتی مجاز است منازل بیماران فوق را مطابق اصول فنی ضد عفونی نموده و صاحبان منازل باید با مامورین بهداشتی در این باب مساعدت و همکاری نمایند. ماده ۲- در نقاطی که به موجب ماده یکم مایه کوبی عمومی و اجباری از طرف وزارت بهداشتی اعلام می شود عموم ساکنین مکلف هستند مایه کوبی نمایند. تبصره - مایه کوبی عمومی و اجباری مجانی است و هیچ گونه تحمیلی نخواهد گردید. ماده ۳- متخلفین از این قانون طبق ماده ۲۲ قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیژی و واگیردار مصوب خرداد ۱۳۲۰ مورد تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۴- آیین نامه اجرای این قانون از طرف وزارت بهداشتی تدوین و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده می شود.

### قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران

#### فصل اول - تعریف ، اهداف ( ماده ۱ تا ۲ )

مصوب دی ماه ۱۳۷۴ فصل اول - تعریف ، اهداف : ماده ۱- سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون سازمان نامیده می شود سازمانی است مستقل دارای شخصیت حقوقی که به منظور تحقق بخشیدن به اهداف و انجام وظایف مقرر در این قانون تشکیل می گردد. ماده ۲- اهداف سازمان عبارتند از: ۱- تلاش در جهت تحقق بخشیدن به ارزشهای عالی اسلام در کلیه امور پزشکی ۲- تلاش در جهت ارتقا سطح دانش پزشکی ۳- تلاش در جهت حفظ و حمایت از حقوق بیماران در برابر شاغلان حرف پزشکی ۴- حفظ و حمایت از حقوق صنفی شاغلان حرف پزشکی ۵- تلاش در جهت پیشبرد و اصلاح امور پزشکی ۶- تلاش در جهت همکاری هر چه بیشتر شاغلین حرف پزشکی با دستگاههای اجرایی دولتی در رفع محرومیت های بهداشتی درمانی ۷- تلاش در جهت حسن اجرای موازین و مقررات و قوانین مربوط به امور پزشکی

#### فصل دوم - وظایف و اختیارات ( ماده ۳ )

ماده ۳- وظایف و اختیارات سازمان با توجه به اهداف فوق به شرح زیر می باشد: ۱- اظهار نظر مشورتی در تهیه و تدوین پیش نویس لوایح غیر فوری یا تصویب نامه ها، آیین نامه های مرتبط با امور پزشکی و پیراپزشکی و امور صنفی مربوط به مراجع ذی ربط ۲ - تنظیم دستورالعمل های تبلیغاتی و آگهی های دارویی و مواد خوراکی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی و امور پزشکی و اعلام به مراجع ذی ربط تبصره - سازمان نظام پزشکی موظف است حداکثر ظرف مدت پانزده روز از تاریخ وصول استعلامیه نظر خود را به مراجع ذی ربط اعلام نماید. ۳- تدوین مقررات و ضوابط خاص صنفی مربوط به استاندارد کردن تابلوها و سرنسخته های موسسات پزشکی و پزشکان و شاغلان حرف پزشکی و وابسته پزشکی ۴- همکاری در اجرای برنامه های بازآموزی و نوآموزی مستمر پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصین و دکترهای حرفه ای علوم آزمایشگاهی در جهت رشد و ارتقا دانش پزشکی منطبق با پیشرفتهای علمی روز به درخواست مراجع ذی ربط ۵- صادر نمودن کارت عضویت برای اعضا سازمان موضوع این قانون ۶- رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرف پزشکی که عنوان جرایم عمومی را نداشته باشد از طریق هیاتهای ذی ربط سازمان طبق مقررات مربوطه ۷- همکاری با مراجع ذی صلاح در جهت رسیدگی به تخلفات غیر صنفی و جرایم شاغلین به حرف پزشکی و وابسته به پزشکی و اظهار نظر های کارشناسی مشورتی در این رابطه به مراجع ذی ربط ۸- همکاری با مراجع

ذی صلاح در جهت حفظ احترام و شوون پزشکی در جامعه ۹- همکاری با مراجع ذی ربط در جهت گسترش فعالیتهای علمی و تحقیقاتی و تبعات پزشکی ۱۰- اظهار نظر و مشارکت فعال به هنگام تعیین یا تجدیدنظر در تعرفه‌های خدمات بهداشتی و درمانی و همکاری با مراجع ذی صلاح در اجرای آن ۱۱- اظهار نظر و مشارکت فعال به هنگام تعیین و یا تجدید نظر در میزان مالیات و عوارض مشاغل موسسات و شاغلان حرف پزشکی و همکاری با مراجع ذی صلاح در وصول آنها. ۱۲- انجام کلیه مسوولیتها، وظایف و اختیاراتی که تا کنون در قوانین مختلف از سوی مجلس شورای اسلامی به سازمان نظام پزشکی محول گردیده است ۱۳- همکاری با مراجع ذی ربط در ارائه خدمات امدادی، بهداشتی، درمانی به هنگام بروز حوادث و سوانح غیر مترقبه از طریق تشویق و بسیج اعضا سازمان ۱۴- کمک به رفع مشکلات رفاهی و مالی شاغلان حرف پزشکی کم درآمد و خسارت دیده از طریق صندوق تعاون و رفاه سازمان با پرداخت وام طبق آیین نامه ای که توسط سازمان تهیه می‌گردد. تبصره- اساسنامه‌های صندوق موضوع بند فوق توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه و اجرا خواهد شد.

### فصل سوم - شرایط عضویت ( ماده ۴ )

ماده ۴- کلیه اتباع ایرانی پزشک، دندان پزشک، دکتر داروساز و متخصصین و دکترای علوم آزمایشگاهی (حرفه ای و متخصص) تشخیص طبی و لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی می‌توانند عضو سازمان باشند. تبصره ۱- اعضا سازمان همه ساله مبلغی را به عنوان حق عضویت به سازمان پرداخت خواهند نمود. میزان و نحوه وصول حق عضویت اعضا مطابق دستورالعملی خواهد بود که توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه می‌گردد. تبصره ۲- برای پرداختن به حرفه پزشکی پس از اخذ پروانه اشتغال، عضویت در سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران الزامی است

### فصل چهارم - ارکان و واحدهای تابعه ( ماده ۵ تا ۱۴ )

ماده ۵- ارکان و واحدهای تابعه سازمان به شرح زیر می‌باشد: الف- ارکان ۱- شورای عالی نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که در این قانون شورای عالی خوانده می‌شود و دبیرخانه آن در سازمان مرکزی نظام پزشکی که در تهران است مستقر می‌باشد. ۲- هیات های انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته پزشکی ۳- نظام پزشکی شهرستانها. ب- واحدهای تابعه ۱- کمیسیونهای مشورتی ۲- صندوق تعاون و رفاه ماده ۶- اعضا شورای عالی عبارتند از: الف- بیست و دو نفر از کادر پزشکی به ترتیب ۱۲ نفر پزشک ۳ نفر دندان پزشک ۲ نفر از دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص)، ۳ نفر دکتر داروساز و ۲ نفر از لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی به انتخاب مجمع نمایندگان هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها با رای اکثریت نسبی آنها. ب- دو نفر از کادر پزشکی به معرفی کمیسیون بهداشتی و بهزیستی و انتخاب مجلس شورای اسلامی (به عنوان ناظر) و یک نفر از کادر پزشکی به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یک نفر از کادر پزشکی نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران به انتخاب ستاد فرماندهی کل قوا و رییس سازمان پزشکی قانونی کشور. تبصره ۱- هیات مدیره نظام پزشکی هر یک از شهرستانها یک نفر را به عنوان نماینده خود برای انتخاب ۲۲ نفر مذکور در بند الف معرفی می‌نماید. تبصره ۲- جلسات شورای عالی نظام پزشکی که حداقل هر سه ماه یکبار تشکیل می‌شود با حضور دو سوم اعضای شورا رسمی است و تصمیمات متخذه با اکثریت آرا معتبر و برای واحدهای تابعه ذی ربط لازم الاجرا است تبصره ۳- وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و معاونین ایشان و نیز افرادی که از طرف وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی تعیین می‌شوند می‌توانند در تمام جلسات شورای عالی و هیات مدیره نظام پزشکی ها با حق اظهار نظر و بدون حق رای شرکت نمایند. تبصره ۴- شورای عالی نظام

پزشكى داراى يك رييس ، دو نايب رييس و يك دبير خواهد بود كه از بين اعضا شورا با راي اكثريت نسبي اعضا رسمى شورا براى مدت ۲ سال انتخاب مى گردد. ماده ۷- رييس كل سازمان كه مسووليت اجراى مصوبات شوراي عالى و اداره كلي امور سازمان و واحدهاى تابعه آن را به عهده دارد يك نفر پزشك خواهد بود كه از بين افراد پيشنهادهى (حداقل ۳ نفر) از طرف شوراي عالى به رييس جمهور براى مدت ۴ سال انتخاب و با حكم رياست جمهورى منصوب مى گردد. عزل وى به عهده رياست جمهورى است تبصره - در صورتى كه رييس جمهور در بين افراد پيشنهادهى شوراي عالى فردى را براى رياست سازمان مناسب تشخيص نداد شوراي عالى موظف است حداكثر ظرف مدت يك هفته افراد ديگرى را به رييس جمهور پيشنهاده نمايد. ماده ۸- در هر شهرستان كه تعداد مشمولان ماده ۴ اين قانون در آن حداقل پنجاه نفر باشد نظام پزشكى شهرستان تشكيل خواهد شد. ماده ۹- هيات مديره نظام پزشكى شهرستان مركب از ۹ نفر به شرح زير مى باشد: ۱- پنج نفر از پزشكان به انتخاب پزشكان شهرستان ۲- يك نفر دندان پزشك به انتخاب دندان پزشكان شهرستان ۳- يك نفر دكتور داروساز به انتخاب دكترهاى داروساز شهرستان ۴- يك نفر دكتر اى علوم آزمایشگاهى (حرفه‌ای و متخصص ۵- يك نفر ليسانسيه پروانه دار گروه پزشكى تبصره - مادامى كه انتخاب افراد موضوع بندهاى ۲، ۳، ۴ و ۵ ماده فوق صورت نپذيرد ، به جاى آنها پزشك انتخاب مى گردد. ماده ۱۰- هيات مديره نظام پزشكى شهرستانهاى كه بيش از پانصد نفر پزشك دندان پزشك و داروساز و متخصص و دكتر حرفه‌ای علوم آزمایشگاهى داشته باشند مركب از هفده نفر به شرح زير مى باشد: ۱- يازده نفر پزشك به انتخاب پزشكان شهرستان مربوطه ۲- دو نفر دندان پزشك به انتخاب دندان پزشكان شهرستان مربوطه ۳- دو نفر داروساز به انتخاب دكترهاى داروساز شهرستان مربوطه ۴- يك نفر از متخصصين و دكترهاى علوم آزمایشگاهى تشخيص طبى (حرفه‌ای و متخصص ) به انتخاب دكترهاى علوم آزمایشگاهى تشخيص طبى آن شهرستان ۵- يك نفر ليسانسيه پروانه دار گروه پزشكى به انتخاب فارغ التحصيلان كارشناسى و بالاتر مامايى تبصره ۱- نظام پزشكى شهرستان مركز استان عهده دار وظيف نظام پزشكى شهرستانهاى تابعه استان كه در آن نظام پزشكى تشكيل نشده است نيز مى باشد. تبصره ۲- چنانچه مركز استان و شهرستانهاى تابعه فاقد نظام پزشكى باشد، مرجع رسيدگى به مسايل مربوط به آنها نظام پزشكى شهرستان يا مركز استانى خواهد بود كه از سوى شوراي عالى نظام پزشكى مشخص مى گردد. ماده ۱۱- دبير شوراي عالى مسوول تشكيل جلسات و اداره دبیرخانه شورا خواهد بود. اداره جلسات شورا به عهده رييس يا نواب رييس شورا خواهد بود. ماده ۱۲- رييس سازمان نظام پزشكى هر يك از شهرستانها كه يكى از اعضا هيات مديره خواهد بود با پيشنهادهى هيات مديره سازمان مربوطه و تايد و حكم رييس كل سازمان نظام پزشكى جمهورى اسلامى ايران منصوب مى گردد. عزل آنها نيز به عهده رييس كل سازمان خواهد بود. تبصره - روساى سازمانهاى نظام پزشكى شهرستانها همان وظيف و اختيارات رييس كل سازمان نظام پزشكى را در محدوده سازمان نظام پزشكى شهرستان مربوطه بر عهده خواهند داشت ماده ۱۳- بودجه سازمانهاى نظام پزشكى از محل حق عضويت اعضا و هدايا و كمكهاى اشخاص حقيقى و حقوقى تامين مى گردد. تبصره ۱- بودجه ساليانه نظام پزشكى هر شهرستان توسط هيات مديره همان شهرستان تهيه و تصويب شده و طبق آيين نامه مصوب شوراي عالى هزينه خواهد شد. تبصره ۲- ميزان و طرز وصول حق ثبت نام سالانه اعضا و ديگر مقررات ادارى و مالى سازمان و نحوه خرج بودجه پس از تصويب شوراي عالى به مرحله اجرا در خواهد آمد. ماده ۱۴- وظيف شوراي عالى نظام پزشكى به شرح زير مى باشد: ۱- اجراى دقيق وظيف مقرر در ماده ۳ اين قانون و نظارت مستمر بر حسن اجراى آنها از طريق رييس كل سازمان ۲- نظارت بر عملکرد نظام پزشكى شهرستانها. ۳- نظارت بر عملکرد صندوق تعاون و رفاه وابسته به نظام پزشكى ۴- رسيدگى به تخلفات انضباطى هيات مديره نظام پزشكى شهرستانها و برقرارى هماهنگى لازم بين نظام پزشكى شهرستانها و رسيدگى به اختلافات داخلى آنها. ۵- تهيه و تصويب دستورالعمل هاى اجرايى لازم در چهارچوب مواد اين قانون ۶- انحلال هيات مديره نظام پزشكى شهرستانها در چهارچوب مواد اين قانون تبصره - هيات مديره نظام پزشكى شهرستانها در موارد زير منحل مى گردند: ۱- عدول و تخلى از وظيف مقرر در

این قانون با تشخیص شورای عالی نظام پزشکی ۲- فوت یا استعفا و یا عدم شرکت غیر مجاز بیش از یک دوم اعضا هیات مدیره برای چهار جلسه متوالی ماده ۱۵- وظایف نظام پزشکی شهرستانها به شرح زیر است ۱- نظام پزشکی شهرستان کلیه اختیارات و وظایف سازمان نظام پزشکی را در محدوده شهرستان مربوطه دارا خواهد بود. ۲- اجرای مصوبات شورای عالی در سطح شهرستان

### فصل پنجم - انتخابات ( ماده ۱۶ تا ۲۳ )

ماده ۱۶- مدت عملکرد هر دوره هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی چهار سال تمام می باشد. تبصره ۱- شروع اولین دوره فعالیت هیاتهای مدیره مذکور حداکثر ده روز پس از اعلام قطعیت یافتن نتیجه انتخابات خواهد بود. تبصره ۲- شروع فعالیت دوره های بعد نظام پزشکی بلافاصله پس از پایان دوره قبلی می باشد و چنانچه در پایان دوره تشریفات انتخابات دوره بعد به نحوی از انحا پایان نیافته باشد، ارکان دوره قبلی تا قطعیت نتیجه انتخابات جدید به فعالیت خود ادامه خواهند داد و مبدا شروع کار دوره جدید از تاریخ قطعیت انتخابات خواهد بود. ماده ۱۷- انتخابات برای اولین دوره حداکثر سه ماه پس از تصویب این قانون و تجدید آن برای دوره های بعد سه ماه قبل از اتمام هر دوره با اعلام وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی و تشکیل هیات مرکزی نظارت بر انتخابات انجام خواهد شد. تبصره- انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانهایی که منحل گردیده و یا توسط هیات مرکزی نظارت انتخابات آنها ابطال گردیده است حداکثر ظرف مدت سه ماه با هماهنگی هیات نظارت و با رعایت سایر مواد قانونی انجام می پذیرد. ماده ۱۸- ترکیب هیات مرکزی نظارت بر انتخابات که برای مدت ۴ سال انتخاب می گردند به شرح زیر خواهد بود: ۱- یک نفر نماینده دادستان کل کشور. ۲- یک نفر نماینده وزارت کشور. ۳- دو نفر از کادر پزشکی به انتخاب و معرفی وزیر بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴- سه نفر کادر پزشکی به معرفی کمیسیون بهداری و بهزیستی با انتخاب مجلس شورای اسلامی تبصره ۱- هیات مرکزی نظارت می تواند برای هر شهرستان سه تا پنج نفر را جهت نظارت بر حسن اجرای انتخابات نظام پزشکی آن شهرستان تعیین نماید. تبصره ۲- تجدید انتخاب اعضا هیات مرکزی نظارت بر انتخابات برای دوره های بعدی بلاشکال است ماده ۱۹- هیات مرکزی نظارت وظایف زیر را دارا می باشد: ۱- عزل و نصب اعضا هیاتهای نظارت بر انتخابات نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی ۲- نظارت بر حسن انجام انتخابات در حوزه های انتخاباتی ۳- بررسی نهایی صلاحیت نامزدهای عضویت در هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و شورای عالی نظام پزشکی و ابلاغ نظر هیات مرکزی به هیاتهای اجرایی انتخابات مربوطه جهت اعلام عمومی ۴- رسیدگی به شکایات نامزدهایی که صلاحیت آنها به تایید هیاتهای نظارت نرسیده باشد و تجدیدنظر در آنها. ۵- رسیدگی به شکایات انتخاباتی در چهارچوب مواد قانونی و آیین نامه های مربوط ۶- توقف یا ابطال تمام و یا قسمتی از مراحل انجام انتخابات در چهارچوب مواد قانونی و دستورالعملهای مربوطه این قانون راسا و یا با پیشنهاد هیاتهای اجرایی یا هیاتهای نظارت حوزه های انتخاباتی ۷- تایید نهایی حسن انجام انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها و اعضا شورای عالی نظام پزشکی و امضا اعتبار نامه منتخبین ۸- رسیدگی به شکایت و اعتراضات کتبی افراد در مورد تایید صلاحیت نامزدهای عضویت در هیات مدیره نظام پزشکی ها و تجدیدنظر در آنها. تبصره- هیات مرکزی نظارت می تواند طبق دستورالعملی که تهیه می نماید تمام یا قسمتی از وظایف مقرر در این ماده را به هر یک از هیاتهای نظارت بر انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی شهرستانها تفویض نماید. ماده ۲۰- برگزاری انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی و اعضا شورای عالی نظام پزشکی به عهده هیاتهای اجرایی انتخابات مربوطه بوده که ترکیب و نحوه تشکیل و نحوه کار آنها و کیفیت و نحوه برگزاری انتخابات مربوطه طبق آیین نامه ای خواهد بود که توسط شورای عالی نظام پزشکی تهیه و به تصویب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی خواهد رسید. ماده ۲۱- شرایط انتخاب کنندگان عبارت است از: ۱- تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲- داشتن کارت عضویت در سازمان نظام پزشکی ۳- شاغل بودن در شهرستان منطقه انتخاباتی در زمان انتخابات به تایید نظام پزشکی آن شهرستان

یا شبکه بهداشت درمان شهرستان ماده ۲۲ - شرایط انتخاب شوندهای هیاتهای مدیره سازمانهای نظام پزشکی و شورای عالی نظام پزشکی به شرح زیر می باشد: ۱ - تابعیت دولت جمهوری اسلامی ایران ۲ - نداشتن فساد اخلاقی و مالی ۳ - داشتن حسن شهرت اجتماعی و شغلی و عمل به اجرای اصول پزشکی و رعایت اخلاق و شئون پزشکی ۴ - داشتن حسن شهرت در تعهد عملی به احکام دین مبین اسلام و وفاداری به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تبصره - اقلیت های مذهبی به رسمیت شناخته شده در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تابع احکام دین اعتقادی خود می باشند. ۵ - دارا بودن حداقل سه سال عضویت در نظام پزشکی تبصره ۱ - پزشکان ، دندان پزشکان ، دکترهای داروساز و دکترهای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه ای و متخصص و لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی که دارای مسوولیت های اجرایی می باشند و یا در نیروهای نظامی - انتظامی شاغلند جهت نامزدی در انتخابات و عضویت در ارکان سازمان نیازی به استعفا از سمت و شغل خود ندارند. تبصره ۲ - کسانی که طبق قانون از انتخاب شدن به عنوان نماینده مجلس شورای اسلامی محرومند ، حق نامزد شدن برای انتخاب در ارکان سازمان را ندارند به استثنای شرط سنی آن ماده ۲۳ - وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی مسوول برگزاری انتخابات هیات مدیره نظام پزشکی از طریق هیاتهای اجرایی انتخابات با رعایت مواد این قانون خواهد بود.

### فصل ششم - موارد متفرقه ( ماده ۲۴ تا ۳۱ )

ماده ۲۴ - به منظور رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی سازمان نظام پزشکی در مرکز و شهرستانها دارای هیات عالی انتظامی و هیاتهای بدوی انتظامی خواهد بود که مطابق مواد بعدی این قانون تشکیل می گردند. تبصره - عدم رعایت موازین شرعی و قانونی و مقررات و نظامات دولتی و صنفی و حرفه ای و عدم رعایت شئونات شغلی و صنفی و حرفه ای و سهل انگاری در انجام وظایف قانونی و اجحاف به بیماران و مراجعین به وسیله شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی تخلف محسوب و متخلفین با توجه به شدت و ضعف عمل ارتكابی و تعدد و تکرار آن حسب مورد به مجازاتهای زیر محکوم می گردند: الف - تذکر یا توبیخ شفاهی در حضور هیات مدیره نظام پزشکی محل ب - اخطار یا توبیخ کتبی با درج پرونده نظام پزشکی محل ج - توبیخ کتبی با درج در پرونده نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی و نشریه نظام پزشکی محل یا الصاق رای در تابلو اعلانات نظام پزشکی محل د - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در محل ارتكاب ه - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از سه ماه تا یک سال در تمام کشور. و - محرومیت از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته از بیش از یک سال تا پنج سال در تمام کشور. ز - محرومیت دائم از اشتغال به حرفه های پزشکی و وابسته در تمام کشور. مصادیق تخلفات مذکور و نوع و میزان مجازاتها در هر مورد و نحوه رسیدگی به آنها و اجرای احکام مربوطه به شرح آیین نامه ای خواهد بود که با رعایت موارد فوق ظرف مدت ۶ ماه پس از تشکیل شورای عالی نظام پزشکی توسط هیات عالی انتظامی سازمان تهیه و پس از تایید شورای عالی نظام پزشکی به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. مادامی که آیین نامه جدید فوق الذکر تهیه و تصویب نگردیده است آیین نامه های ذیربط در این رابطه به قوت خود باقی است و اجرا خواهد شد. ماده ۲۵ - هیاتهای بدوی انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای سازمانهای نظام پزشکی که مرجعی است صلاحیتدار با مسوولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای اعضا سازمان و تعیین مجازاتهای انتظامی مناسب برای آنها متشکل از ۹ نفر به شرح زیر خواهد بود: ۱ - یک نفر قاضی به معرفی ریاست قوه قضاییه برای تهران و با معرفی رییس دادگستری شهرستانها برای شهرستان مربوطه ۲ - مسوول پزشکی قانونی شهرستان مربوطه ۳ - سه نفر از پزشکان شهرستان مربوطه ۴ - یک نفر از دندان پزشکان شهرستان مربوطه ۵ - یک نفر از دکترهای داروساز شهرستان مربوطه ۶ - یک نفر از دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه ای و متخصص شهرستان مربوطه یا یک نفر لیسانسیه پروانه دار گروه پزشکی شهرستان مربوطه تبصره ۱ - افراد موضوع بندهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده فوق که از افراد مسلمان

و متدین و خوش سابقه شهرستان مربوطه با تجربه حداقل ۵ سال در حرفه مربوطه خواهند بود با پیشنهاد هیات مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوطه و تایید هیات عالی انتظامی سازمان نظام پزشکی در مرکز با حکم رییس هیات عالی انتظامی مرکز منصوب می گردند و عزل آنها بر عهده هیات عالی انتظامی خواهد بود. تبصره ۲- هریک از هیاتهای بدوی انتظامی شهرستانها علاوه بر این که مسوولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته به پزشکی را بر عهده دارند مراجعی هستند صلاحیتدار در امر اعلام نظر کارشناسی و تخصصی به مراجع ذی صلاح قضایی در رابطه با رسیدگی به تخلفات غیر صنفی و غیر حرفه‌ای و جرایم شاغلین به حرف پزشکی و وابسته پزشکی تبصره ۳- هریک از هیاتهای بدوی انتظامی می توانند در امر رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای موضوع ماده مذکور نظرات کارشناسی کمیسیونهای تخصصی مشورتی نظام پزشکی شهرستان مربوطه را درخواست نمایند. کمیسیونهای مذکور موظفند حداکثر ظرف مدت ۱۵ روز نظرات کارشناسی خود را در اختیار هیاتهای بدوی انتظامی قرار دهند. ماده ۲۶- به منظور رسیدگی به اعتراضات و شکایات اشخاص (حقیقی و حقوقی) از طرز کار هیاتهای بدوی انتظامی موضوع ماده (۲۵) این قانون نظارت عالی بر کار هیاتهای بدوی انتظامی و ایجاد هماهنگی بین آنها و تجدید نظر در احکام صادره از سوی هیاتهای بدوی انتظامی مذکور و عزل و نصب اعضای ذی ربط هیاتهای مذکور، هیاتی به نام هیات عالی انتظامی با ترکیب زیر در سازمان مرکزی نظام پزشکی تشکیل می گردد: ۱- یک نفر از قضات متدین و با تقوی و با تجربه به معرفی رییس قوه قضاییه ۲- رییس سازمان پزشکی قانونی کشور. ۳- پنج نفر از پزشکان متخصص مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل هفت سال در حرفه مربوطه ۴- یک نفر از دندان پزشکان مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل هفت سال در حرفه مربوطه ۵- یک نفر از دکترهای داروساز مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل هفت سال در حرفه مربوطه ۶- یک نفر از لیسانسیه های پروانه دار گروه پزشکی مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل ۷ سال در حرفه مربوطه ۷- یک نفر از متخصصین و دکترای علوم آزمایشگاهی تشخیص طبی (حرفه‌ای و متخصص مسلمان و متدین و خوش سابقه با تجربه کاری حداقل ۷ سال در حرفه مربوطه تبصره ۱- هیات عالی انتظامی موضوع ماده فوق می توانند مسوولیت رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای شاغلین حرف پزشکی و وابسته پزشکی چند شهرستان را به یک هیات بدوی انتظامی محول و واگذار نمایند. تبصره ۲- افراد مذکور در بندهای ۳، ۴، ۵، ۶ و ۷ ماده فوق با پیشنهاد رییس کل سازمان و تصویب شورای عالی نظام پزشکی با حکم رییس کل سازمان برای مدت ۲ سال منصوب می گردند، عزل آنها قبل از انقضای مدت ۲ سال با رییس کل سازمان خواهد بود و تجدید انتخاب آنها برای دوره‌های بعدی بلاشکال است تبصره ۳- در صورتی که کسی نسبت به رای نظام پزشکی شاکی باشد می تواند به دادگاه صالح شکایت کند. تبصره ۴- نحوه کار هیات عالی انتظامی و هیاتهای بدوی انتظامی موضوع مواد ۲۵ و ۲۶ این قانون و ترتیب تشکیل جلسات آنها طبق دستورالعملی خواهد بود که توسط هیات عالی انتظامی تهیه و به تایید رییس کل سازمان خواهد رسید. ماده ۲۷- هیاتهای بدوی انتظامی نظام پزشکی هریک از شهرستانها موظفند نظر مشورتی کارشناسی و تخصصی خود را نسبت به هریک از پرونده‌های مربوط به رسیدگی به اتهام بزه ناشی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی در اختیار دادگاههای شهرستان مربوطه قرار دهند. تبصره ۱- اعلام نظر کارشناسی و تخصصی و مشورتی هیاتهای بدوی انتظامی نظام پزشکی هریک از شهرستانها به دادگاههای ذیربط پیرامون پرونده‌های مربوط به رسیدگی به اتهام بزه ناشی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی نباید بیش از ۲۰ روز از تاریخی که دادرها و دادگاههای شهرستان مربوطه درخواست می نمایند بگذرد. تبصره ۲- دادگاههای جمهوری اسلامی ایران در هریک از شهرستانها مجازند حداقل ۲۴ ساعت قبل از احضار و جلب هریک از صاحبان مشاغل پزشکی به دادگاه بخاطر رسیدگی به اتهام بزه ناشی از حرفه صاحبان مشاغل پزشکی مراتب را به اطلاع هیاتهای بدوی انتظامی نظام پزشکی شهرستان مربوطه برسانند. ماده ۲۸- شورای عالی نظام پزشکی به منظور اجرا هرچه بهتر وظایف سازمان مقرر در این قانون می تواند کمیسیونهای تخصصی مشورتی تشکیل دهد که نوع کمیسیون و ترکیب و نحوه کار آنها طبق دستورالعملی



خواهد بود که توسط رییس کل سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی نظام پزشکی خواهد رسید. ماده ۲۹ - تمام و یا آن قسمت از قوانین که مغایر با این قانون است ملغی الاثر می‌باشد و آیین نامه‌ها و ضوابط قبلی که با این قانون مغایرت نداشته باشد تا تصویب آیین‌نامه‌ها و ضوابط جدید به قوت خود باقی است ماده ۳۰ - اعتبار مورد نیاز برای اجرای این قانون از محل ۱- اعتبارات و دارایی‌های موجود سازمانهای نظام پزشکی ۲ - حق عضویت سالانه اعضا سازمان نظام پزشکی ۳ - کمکهای اختیاری دولت و موسسات و افراد داوطلب تامین می‌گردد. ماده ۳۱ - شورای عالی نظام پزشکی موظف است پس از تصویب قانون ظرف مدت سه ماه با توجه به اهداف سازمان و لحاظ نمودن اهداف متعالی اسلام و حفظ شئون نظام پزشکی آرم جدید سازمان را تهیه و پس از تصویب و تایید ریاست جمهوری جایگزین آرم فعلی نماید.

### قانون راجع به ثبت و گزارش اجباری بیماری‌های سرطانی - مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ ( ماده واحده

مصوب ۵/۷/۱۳۶۳ ماده واحده - به منظور بررسی و تحقیقات اپیدمیولوژیک و پیشگیری منطقه‌ای و تنظیم آمار بیماریهای سرطانی ، کلیه موسسات درمانی ، آزمایشگاه‌های آسیب شناسی و تشخیص طبی اعم از دولتی و غیردولتی مکلفند در مناطق معینی از کشور که امکانات لازم موجود است هر بافت و نمونه‌ای را که به هر عنوان ( تشخیص ، درمان و تجسس ) از بدن انسان زنده نمونه برداری می‌شود ، مورد آزمایش قرار دهند و چنانچه به موارد سرطانی و یا مشکوک به سرطان برخورد نمودند ، نتیجه آزمایش و اطلاعات مورد لزوم را طبق ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد ، محرمانه به مراکز که وزارت بهداشت تعیین خواهد کرد، ارسال دارند. تبصره ۱ - متخلفین از این قانون از طریق نظام پزشکی تحت تعقیب قرار خواهند گرفت تبصره ۲ - تشخیص و تعیین مناطقی که این قانون در آنها به مورد اجرا گذاشته خواهد شد با وزارت بهداشت است تبصره ۳ - آیین نامه اجرایی این قانون حداکثر ظرف مدت سه ماه از تاریخ تصویب تهیه و پس از تایید وزیر بهداشت قابل اجرا است قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و سه تبصره در جلسه روز پنجشنبه پنجم مهرماه یکهزار و سیصد و شصت و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۷/۱۳۶۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### قانون انطباق امور اداری و فنی موسسات پزشکی با موازین شرع مقدس - مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ ( ماده ۱ تا ۷

مصوب ۱۰/۸/۱۳۷۷ ماده ۱ - موسسات پزشکی ، کلیه مراکز پزشکی و وابسته به پزشکی نظیر بیمارستان ، زایشگاه ، آسایشگاه ، آزمایشگاه ، پلی کلینیک ها ، مطب پزشکان و داروخانه ها و محل کار سایر اخصار پزشکی و موسسات فیزیوتراپی و الکتروفیزیوتراپی ، هیدروتراپی ، آزمایشگاههای تشخیص و پژوهشی ، درمانگاه ، رادیولوژی ، مراکز پزشکی هسته ای ، مراکز بهداشتی درمانی شهری و روستایی ، بخشهای تزریقات و پانسمان و یا هر تشکیلاتی که به هر نام و عنوان با اجازه وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ایجاد شده یا خواهد شد (اعم از بخش دولتی - خصوصی و خیریه و واحدهای مشابه در دانشگاههای علوم پزشکی و کلیه کارکنان فنی و اداری و خدماتی آنها مشمول این قانون می گردند. تبصره - کلیه وزارتخانه‌ها و سازمانها و موسساتی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است و به امر بهداشت و درمان می‌پردازند موظف به رعایت مقررات این قانون می‌باشند. ماده ۲ - در اجرای ماده (۳) قانون تشکیل وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی مصوب ۹/۷/۱۳۶۴ ، این وزارتخانه موظف است به منظور انطباق امور درمانی ، بهداشتی و آموزش پزشکی با موازین شرع مقدس اسلام ، سیاستگذاری و برنامه ریزی و تدوین آیین نامه اجرایی جهت عملی نمودن انطباق امور مذکور با موازین شرع مقدس را به انجام رساند. ماده ۳ - به منظور نیل به اهداف مندرج در مواد این قانون شورایی به نام شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به ریاست وزیر بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی تشکیل می‌گردد. اعضای این شورا به مدت دو سال به عضویت شورا منصوب می‌شوند عبارتند

از: ۱- معاون امور فرهنگی و دانشجویی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی به عنوان قائم مقام و دبیر شورا. ۲- معاون امور درمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۳- معاون امور پشتیبانی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۴- معاون امور آموزشی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۵- معاون امور بهداشتی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ۶- رییس نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها. ۷- یک نفر از اعضای کمیسیون بهداری و بهزیستی مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون مزبور و انتخاب مجلس ۸- یک نفر از اعضای کمیسیون امور زنان و جوانان و خانواده مجلس شورای اسلامی به عنوان ناظر به پیشنهاد کمیسیون مزبور و انتخاب مجلس ۹- رییس سازمان نظام پزشکی یا نماینده تام الاختیار وی ۱۰- مشاور وزیر بهداشت در امور زنان ۱۱- دو نفر از اعضای هیات علمی دانشگاههای علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ۱۲- دو نفر از روسای دانشگاههای علوم پزشکی کشور به انتخاب وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تبصره ۱- وزیر بهداشت، درمان و آموزش پزشکی می تواند نسبت به تشکیل کمیته های انطباق در استانها اقدام نماید. کمیته های موضوع این ماده موظف خواهند بود نتایج اقدامات خود را به شورای عالی انطباق در وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی گزارش نمایند. تبصره ۲- کمیته های انطباق استانی زیر نظر رییس دانشگاه علوم پزشکی تشکیل می شود و موظف به اجرای مصوبات شورای عالی انطباق می باشند. ماده ۴- اعتبارات موردنیاز این قانون در سال جاری کماکان از ردیف ۴۲۲۶۰۰ (بند (و) تبصره ۱۰)) تامین می گردد و در سال های آتی با توجه به امکانات وزارت مربوطه عمل خواهد شد. ماده ۵- وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی موظف است آیین نامه اجرایی این قانون را به گونه ای تنظیم نماید که با ارتقای کیفیت خدمات پزشکی همراه و بیمار در انتخاب پزشک مختار باشد و در ارائه خدمات اورژانس حفظ حیات بیمار بالاترین اولویت را داشته باشد. ماده ۶- روسای دانشگاه ها و دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی، مسوولین فنی و مدیران بیمارستانها و واحدهای بهداشتی درمانی مسوول حسن اجرای این قانون در استانها بوده و با بازرسی مستمر و نیز براساس شکایات وارده به مراجع ذی ربط به تخلفات رسیدگی می کنند. ماده ۷- آیین نامه اجرای این قانون حداکثر ظرف مدت شش ماه توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تهیه و پس از تصویب هیات وزیران لازم الاجرا می باشد و تا ابلاغ آیین نامه جدید، آیین نامه انطباق و اصلاحیه های بعدی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی کماکان به قوت خود باقی است قانون فوق مشتمل بر هفت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ دهم آبان ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۸/۱۳۷۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است > بع

### قانون اجازه تاسیس آزمایشگاههای تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیصی آفات و بیماریهای گیاهی توسط بخش

ماده واحده - به وزارت کشاورزی اجازه داده می شود در مواردی که تاسیس آزمایشگاه های خاک شناسی و تجزیه خاک و گیاه و آزمایشگاههای تشخیص آفات و بیماریهای گیاهی را ضروری بداند، مجوز تاسیس و فعالیت این گونه آزمایشگاهها را برای متقاضیان بخش تعاونی و خصوصی صادر نماید، نوع و مقدار نهاده های کشاورزی مربوط بر اساس نتایج این آزمایشگاهها توسط مراکز ترویج و تحقیقات وزارت کشاورزی تعیین می گردد. تبصره ۱- هر کس بدون داشتن مجوز نسبت به تاسیس آزمایشگاه های موضوع این قانون اقدام نماید علاوه بر تعطیل آزمایشگاه به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال با حکم محاکم قضایی محکوم خواهد شد. تبصره ۲- آیین نامه اجرایی این قانون مشتمل بر شرایط دریافت مجوز تاسیس و یا ادامه کار و ضوابط مربوط به فعالیت و تعیین تعرفه ها و نحوه نظارت بر آزمایشگاه های موضوع این قانون مقررات مربوط به متخلفین و لغو مجوز فعالیت و سایر موارد ضروری توسط وزارت کشاورزی تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول شهریور ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و یک مجلس شورای اسلامی

تصویب و در تاریخ ۸/۶/۱۳۷۱ به تایید شورای نگهبان رسیده است

## قانون طرز جلوگیری از بیماریهای آمیزشی و بیماریهای واگیردار

### فصل اول - بیماریهای آمیزشی ( ماده ۱ تا ۱۵ )

ماده ۱ - در نقاطی که وزارت کشور آگهی خواهد داد از تاریخ آگهی تا یک ماه مبتلایان به بیماریهای آمیزشی مکلفند اقدام به درمان خود کنند. تبصره - مقصود از بیماریهای آمیزشی - سوزاک - کوفت ( سفلیس ) آتشک ( شانکر نرم ) است در هر نقطه از بدن که واقع باشد. ماده ۲ - درمان و مداوای بیماریهای آمیزشی در کلیه بنگاههای بهداشتی در دوره واگیری بیماری برای همه و در دورههای دیگر برای اشخاص بی بضاعت رایگان است ماده ۳ - درمان نزد هر پزشکی که پروانه پزشکی در ایران دارد آزاد است اما در صورتی که بیمار در دوره واگیری بیماری از موعدی که پزشک معالج برای درمان او معین نموده تا ده روز از حضور نزد پزشک یا بنگاه دولتی غیبت کرد و پزشک دیگری تحت درمان بودن بیمار را به بنگاه یا پزشک اول خبر نداد نخستین پزشک درمان کننده مکلف است مراتب را با قید محرمانه به اطلاع بهداشتی برساند تا بیمار را ملزم به درمان نمایند. ماده ۴ - پزشکان یا متصدیان سایر فنون پزشکی که به وسیله تبلیغات بی اساس باعث گمراهی بیمار آمیزشی می شوند یا به وعده های دروغ بیمار را از درمان صحیح بازمی دارند مانند اینکه معین کنند در مدت چند روز بیمار را درمان کرده و یا با بستن پیمان یا انتشار آگهی هایی که مخالف اصل پزشکی است بیمار را فریب دهند به حبس جنحه ای از دو ماه تا یکسال و یا به پرداخت کیفر نقدی از ۲۰۰ تا ۲۰۰۰ ریال محکوم می شوند. کسانی که بدون پروانه پزشکی اقدام به درمان بیمارها نمایند به حبس جنحه ای از دو ماه تا شش ماه و یا به پرداخت کیفر نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می شوند. ماده ۵ - در مواردی که حالت بیمار و کیفیت واگیری بیماری موجب نگرانی باشد بهداشتی می تواند بیمار را ملزم کند که تا بر طرف شدن خطر واگیری در یکی از بیمارستانها تحت درمان قرار گیرد. ماده ۶ - ولی یا سرپرست صغیر یا سفیه یا دیوانه مکلف است که در درمان بیماریهای آمیزشی صغیر یا سفیه یا دیوانه که تحت سرپرستی آنها می باشند اقدام کند چنانچه ولی یا سرپرست در فراهم نمودن وسایل درمان مسامحه نماید و بیماری صغیر یا محجور به حال سرایت باقی بماند ولی یا سرپرست به حبس از هشت روز تا یک ماه و یا به کیفر نقدی از پنجاه تا پانصد ریال محکوم می شود. ماده ۷ - بهداشتی موظف است اشخاصی را که به مناسبت پیشه خود ممکن است باعث انتشار بیماریهای آمیزشی شوند مکلف کند که در روزهای معین در بنگاههای مخصوص بهداشتی یا نزد پزشکانی که بهداشتی معین می نماید برای معاینه حاضر شوند و در صورتی که تشخیص شود بیماری آنها در مرحله واگیری است از ادامه پیشه ممنوع و تا وقتی که گواهی نشده است که بیماری آنها قابل سرایت نیست چنانچه بدون تحصیل پروانه عدم امکان سرایت به پیشه خود ادامه دهند به هشت روز تا دو ماه حبس تادیبی و ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می شوند. ماده ۸ - اداره کل بهداشتی مکلف است برای مبارزه با انتشار بیماریهای آمیزشی بر طبق این قانون آیین نامه و مقررات لازم وضع نماید. ماده ۹ - هر کس بداند مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر بوده و یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و به واسطه آمیزش او طرف مقابل مبتلا شود و به مراجع قضایی شکایت کند مبتلا کننده به حبس جنحه ای از سه ماه تا یکسال محکوم می شود. تعقیب فقط در موقعی انجام می گیرد که خواهان خصوصی در بین باشد و در صورتی که خواهان خصوصی شکایت خود را مسترد دارد تعقیب و همچنین اجرای کیفر موقوف می شود. ماده ۱۰ - هر زنی که مبتلا به کوفت باشد در صورتی که بداند یا آنکه اوضاع و احوال شخصی او طوری باشد که بایستی حدس بزند که بیماری او واگیر است و کودک سالم شخص دیگری را با پستان خود شیر بدهد به حبس از دو تا هفت روز یا کیفر نقدی از پنج تا پنجاه ریال محکوم می شود. در صورتی که طفل بر اثر این عمل مبتلا

به کوفت شود مرتکب به یک تا سه ماه حبس جنحه ای و یا به پرداخت ۳۰۰ تا ۱۰۰۰ ریال و یا به هر دو کیفر محکوم خواهد شد همین کیفر درباره کسی نیز اجرا می شود که طفل مبتلا به کوفت را با علم به آن به زن سالمی بسپارد که از پستان خود او را شیر دهد و آن زن مبتلا به کوفت گردد. تعقیب بزه نامبرده در قسمت اخیر این ماده موکول به شکایت خواهان خصوصی است ماده ۱۱ - هر شخصی که می خواهد طفلی را به دایه بسپارد موظف است قبل از آنکه دایه پستان به دهن طفل بگذارد طفل و دایه را به وسایل مقتضی توسط پزشک امتحان نموده و گواهینامه بهداشتی بدست آورد که طفل یا دایه مبتلا به سفلیس نبوده خطری متوجه طفل یا دایه نیست در صورت تخلف به سه تا هفت روز حبس و یا ۵ تا ۵۰ ریال کیفر نقدی محکوم می شود و در صورت ابتلا طفل یا دایه کیفر متخلف حبس تادیبی از دو ماه تا ششماه خواهد بود. ماده ۱۲ - هرگاه بهداری بوجود کسی که مبتلا به بیماری آمیزشی واگیر است اطلاع یافت می تواند به وسایل مقتضی بازجویی کند که بیمار مشغول درمان می باشد یا نه و در صورت لزوم اخطار لازم بنماید تا اگر بیمار در ظرف مهلت مقرر به درمان پرداخت او را الزام به درمان نماید. ماده ۱۳ - پزشکان آزاد و کلیه بنگاههای بهداری که معاینه و درمان بیماریهای آمیزشی می نمایند موظفند در آخر هر ماه عده بیماری های آمیزشی را دیده اند و قبلا به پزشک دیگری مراجعه نموده اند بدون ذکر نام و مشخصات بیمار به بهداری بفرستند طریقه فرستادن شماره بیماران به موجب آیین نامه ایست که بهداری کل تعیین خواهد کرد. ماده ۱۴ - پزشکان آزاد و کلیه بنگاه های بهداری که معاینه و درمان بیماریهای آمیزشی را می نمایند باید حتی المقدور به وسیله پررش از بیمار کوشش نمایند کانون سرایت بیماری را معین نموده و در موقع مقتضی بدون ذکر نام و مشخصات بیمار اطلاعات کافی برای تجسس و برطرف کردن کانون انتشار بیماری به بهداری مربوط بفرستند که اقدام به عمل آید. ماده ۱۵ - وزارت کشور نقاطی را که این فصل قانون در آنجا باید اجرا شود معین خواهد کرد.

### فصل دوم - بیماریهای واگیردار ( ماده ۱۶ تا ۲۴ )

ماده ۱۶ - آبله کوبی در دوماه اول ولادت و تجدید آن در ۷ سالگی ۱۳ سالگی و ۲۱ سالگی مطابق آیین نامه مخصوص اجباری است و اولیای اطفال موظفند که برای آبله کوبی کودکان خود اقدام نمایند مدیران دبستان و دبیرستان و آموزشگاهها و دانشکدهها در موقع ورود دانش آموزان و در نقاطی که بهداری کل اعلام می نماید کلیه بنگاه های ملی و دولتی و بازرگانی در موقع استخدام کارمندان و شاگرد باید گواهی آبله کوبی مطالبه نمایند. متخلفین از این ماده و همچنین اولیای اطفال که تا یک ماه پس از آگهی بهداری به آبله کوبی طفلی که زیر سرپرستی آنهاست و یا به تجدید مایه کوبی اقدام ننمایند به سه الی هفت روز حبس و ۱۰ الی ۵۰ ریال کیفر نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۱۷ - در موقع شیوع بیماری آبله بهداری کل آبله کوبی عمومی و اجباری را اعلام می نماید و در این مورد کلیه پزشکان کشور موظفند اشخاصی را که برای این امر مراجعه می نمایند به رایگان آبله کوبی نمایند و پزشک متخلف از این ماده از یازده روز تا یک ماه حبس تادیبی محکوم خواهد شد. ماده ۱۸ - با مایه آبله انسانی آبله کوبی ممنوع است و متخلف به یازده روز تا یک ماه و پرداخت ۵۱ تا ۵۰۰ ریال و یا به یکی از این دو کیفر محکوم می شود. ماده ۱۹ - هر پزشک معالج مکلف است در موقع مشاهده یکی از بیماریهای واگیر نامبرده در زیر فوراً به بهداری محل اطلاع دهد: ۱ - وبا و اسهالهای وبایی شکل ۲ - طاعون ۳ - تب زرد. ۴ - مطبقه ( تیفوئید ). ۵ - محرقة ( تیفوس ) اگرانثیماتیک ۶ - آبله ۷ - مخملک ۸ - سرخجه ۹ - خناق ( دیفتری ) ۱۰ - اسهال خونی ۱۱ - سرسام واگیر ( مننژیت سربرواسپیتال ). ۱۲ - تب عرق گز (سویت می لی بر). ۱۳ - بیماریهای مالاریا ، فلج اطفال ، تب مالت همین وظیفه برای ماماها در مورد تب نفاسی و ورم ملتحمه نوزادان باید رعایت شود. رییس خانواده نسبت به اهل خانه و صاحب مهمانخانه هم درباره مسافرین همین وظیفه را عهده دارند بعلاوه کدخداها موظفند چنانچه در دهی در عرض یک هفته تلفات متعدد غیرعادی مشاهده نمودند فوراً بهداری را مطلع نمایند که اقدام مقتضی بنمایند. تبصره ۱ - علاوه بر بیماریهای نامبرده اگر بیماریهای زیر هم دراماکن پرجمعیت مانند مدارس کارخانجات و پرورشگاه کودکان و

زندان و غيره ديده شود بايد متصدیان آن مراکز و پزشک مسول آنجا بهدارى محل را مطلع نمايند. سياه سرفه - جذام - باد سرخ - ورم غده بناگوش - سل سينه - گريپ - ذات الریه ( پنومونى ) تراخم - سياه زخم - تب راجعه ( تيفوس و کورانت ) بيماريهائى آبله مرغان - هپاتيت هاى ويروسى ، مسموميت غذايى تبصره ۲ - در مناطقى که وسايل و امکانات لازم برای تشخيص سرطان فراهم باشد و از طرف وزارت بهدارى اعلام گردد کليه شاغلين رشته هاى پزشکى که به امر مداواى بيماران مى پردازند موظفند به مجرد مشاهده بيمار مبتلا به سرطان مراتب را کتبا و مشروحا به طور محرمانه به مقامات بهداشته محل اطلاع دهند. ماده ۲۰ - در مواقعى که تشکيل يک منطقه استحفاظى برای رعايت پاکيزگى آب مورد احتياج باشد مالکين آب و اراضى يا شهردارى آن منطقه موظفند که دستورهاى بهداشته را که مامورين مى دهند رعايت نمايند. آلوده نمودن آبهاى که به مصرف شرب مى رسد و ريختن زباله ها يا هر نوع کثافاتى در گذر هاى عمومى ممنوع است متخلفين از اين ماده مطابق آيين نامه اى که بهدارى تنظيم مى کند به کيفر خلافى محکوم مى شوند. ماده ۲۱ - اشخاصى که برخلاف دستورهاى بهدارى نسبت به محافظت مواد غذايى که در معرض فروش گذارده مى شود رفتار نموده يا اقدام بفروش مواد غذايى فاسد يا ناسالم نمايند از پانزده تا سى روز حبس جنحه اى و يا ۵۱ تا ۵۰۰ ريال کيفر نقدى محکوم مى شوند. ماده ۲۲ - اشخاصى که مانع اجراء مقررات بهداشته مى شوند يا در اثر غفلت باعث انتشار يکى از بيماريهائى واگير مى شوند به يازده روز تا دو ماه حبس جنحه اى و ۵۱ تا ۵۰۰ ريال و يا به يکى از اين دو کيفر محکوم مى شوند. ماده ۲۳ - کليه پزشکان و ماماها و داروسازان مکلفند که دستورات بهدارى کل را برای مبارزه با بيماريهائى واگير به موقع اجرا گذارند متخلفين به کيفر هاى خلافى طبق آيين نامه بهدارى محکوم مى شوند. ماده ۲۴ - آيين نامه اجراء اين قانون توسط اداره کل بهدارى تهيه و پس از تصويب وزارت دادگستري و وزارت كشور به موقع اجرا گذارده خواهد شد.

### قانون سازمان دامپزشكى كشور - مصوب خرداد ۱۳۵۰ ( ماده ۱ تا ۲۱ )

مصوب خرداد ۱۳۵۰ ماده ۱ - به منظور تامين بهداشت دام كشور و فرآورده هاى مربوط به آن و پيشگيرى و مبارزه با بيماريهائى دامى به موجب اين قانون سازمان دام پزشكى كشور وابسته به وزارت جهاد سازندگى تاسيس و جاىگزين اداره کل دامپزشكى مى گردد. سازمان دام پزشكى كشور که در اين قانون سازمان ناميده مى شود داراى شخصيت حقوقى است و وسيله يک نفر رييس از بين دام پزشکانى که داراى درجه دکترى باشند به انتخاب وزير کشاورزى اداره خواهد شد. تبصره - سازمان داراى ذى حسابى است که طبق مقررات قانون محاسبات عمومى تعيين خواهد شد. ماده ۲ - در اين قانون کلمه دام به حيوانات اهلى ، طيور ، ماهى ، زنبور عسل ، کرم ابريشم ، حيوانات ازمايشگاهى و حيوانات باغ وحش اطلاق مى شود و مقصود از کنترل بهداشته ، بازرسى و اقداماتى است که از لحاظ پيشگيرى و مبارزه با امراض دامى و بيماريهائى مشترک بين انسان و دام لازم و ضرورى مى باشد. ماده ۳ - وظايف سازمان به شرح زير است الف - بررسى بيماريهائى دامى شناسايى مناطق و منابع آلوده و راه سرايت و طرز انتشار بيماريها. ب - تامين بهداشت دام كشور از طريق پيشگيرى و مبارزه با بيماريهائى همه گير و قرنطينه اى دام ج - همکارى با وزارت بهدارى در امر مبارزه با بيماريهائى مشترک انسان و دام د - تاسيس پستهاى قرنطينه در نوار مرزى و داخل كشور به منظور جلوگيرى از سرايت بيماريهائى دامى ، همچنين کنترل بهداشته و ورود و خروج دام و فرآورده هاى خام دامى و نظارت در نقل و انتقال آنها و صدور گواهى بهداشته دام و فرآورده هاى خام دامى که به خارج صادر مى شود. ه - نظارت بهداشته چراگاه ها ، مراتع ، آبشخورها ، محل نگهدارى دام و ساير تاسيسات مربوط به پرورش دام ، همچنين نظارت بر کارخانه هاى توليد خوراک دام از لحاظ بهداشته و نظارت بهداشته کشتارگاهها و کارخانه هاى توليد و تهيه فرآورده هاى خام دامى ز - اظهار نظر و نظارت در مورد ساخت ، ورود و صدور و فروش انواع دارو ، واکسن ، سرم و مواد بيولوژيکى مخصوص دام ح - مشارکت در کنفرانسهاى بين المللى دام پزشکى و اعزام نماينده به اين کنفرانسها در حدود اعتبارات مصوب و پس از تاييد وزير جهاد سازندگى ، همچنين مبادله اطلاعات علمى با

مراکز و مراجع علمی دام پزشکی ط - تاسیس و توسعه شبکه‌های دام پزشکی همچنین تربیت کادر فنی در مناطق و مراکز دامداری کشور. ی - سایر اموری که در اجرای هدفهای مندرج در ماده یک از طرف وزارت جهاد سازندگی تعیین و برای اجرا به سازمان ابلاغ می‌شود. ماده ۴ - کلیه صاحبان و مسوولان نگاهداری دام و کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و مراکز تهیه و آماده کردن فرآورده‌های خام دامی اعم از اشخاص و موسسات و شرکتهای خصوصی و یا دولتی یا وابسته به دولت و یا هر نوع شرکت و سازمانی که به نحوی از انحا به پرورش یا نگاهداری دام و تهیه و آماده کردن فرآورده‌های خام دامی اشتغال دارند موظف به اجرای دستورهای بهداشتی و قرنطینه‌ای سازمان می‌باشند. ماده ۵ - سازمان مکلف است به منظور مبارزه با بیماریهای دامی و جلوگیری از سرایت و انتشار آنها با موافقت وزارت جهاد کشاورزی اقدامات زیر را به عمل آورد: الف - در هر نقطه از کشور که لازم بداند به تلقیحات و معالجات دامی و انجام عملیات بهداشتی و قرنطینه‌ای اقدام نماید. ب - برای جلوگیری از سرایت و انتشار بیماریهای دامی در نقاط مورد لزوم از عبور و مرور و نقل و انتقال دام و فرآورده‌های خام دامی ممانعت به عمل آورد و مراتب را قبلاً به نحوی که مقتضی بداند به اطلاع صاحبان دام و در صورت لزوم به اطلاع عموم برساند. ج - دام بیمار یا مظنون به ابتلای بیماری یا ناقل عامل بیماری را معدوم کند و اگر قابل مصرف تشخیص شد برای ذبح به کشتارگاه اعزام دارد و طبق ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد غرامت بپردازد. در صورتی که تمام یا هر قسمت از دام ذبح شده قابل مصرف تشخیص داده شود بهای آن از میزان غرامت مزبور کسر خواهد شد. د - اماکن و اشیا و لوازم و مواد آلوده را در صورت لزوم ضد عفونی نموده و در صورتی که غیر قابل ضد عفونی تشخیص گردید به نحوی که در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد با تادیه غرامت خراب یا معدوم نماید. ماده ۶ - اشخاصی که در مواقع بروز بیماریهای واگیر دامی و اعلام لزوم رعایت مقررات قرنطینه برخلاف دستور سازمان اقدامی نمایند که موجبات سرایت بیماری را از محلی به محل دیگر فراهم کند و یا مانع اجرای وظایف مقرر در ماده ۵ این قانون شوند به تقاضای سازمان مورد تعقیب قانونی قرار گرفته و به سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای و یا پرداخت جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۷ - ورود و صدور هر نوع دام زنده، تخم مرغ نطفه دار، اسپرم دام، فرآورده‌های خام دامی، داروها و واکسن‌ها و سرم‌ها و مواد بیولوژیکی و مواد ضد عفونی و سموم دامپزشکی و مواد غذایی متراکم و مکملهای غذای دام و داروهایی که برای ساختن مواد نامبرده مورد نیاز است باید با موافقت وزارت جهاد سازندگی صورت گیرد. ماده ۸ - هرگاه دام و فرآورده‌های خام دامی و مواد ذکر شده در ماده ۷ به علت آلودگی به بیماریها یا فساد قابل ترخیص نباشد در صورتی که به تشخیص سازمان بتوان آلودگی را از بین برد اقدامات لازم به هزینه صاحبان آنها انجام و اجازه ترخیص از طرف ماموران قرنطینه دام پزشکی داده خواهد شد و در غیر این صورت دام یا فرآورده یا مواد مورد بحث به وسیله صاحب آنها باید برگشت داده شود و الا نسبت به اعدام یا امحای آنها از طرف مامورین سازمان اقدام خواهد شد. ماده ۹ - اشتغال به کار تهیه و ترکیب و فروش داروهای ساده مرکب واکسینها، سرمها، مواد بیولوژیکی، مواد ضد عفونی، سموم و مواد دیگری که به اشکال مختلف مورد مصرف دام پزشکی قرار می‌گیرد مستلزم اخذ پروانه از سازمان است موسسات و شرکتهای و کارگاهها و کارخانه‌هایی که قبل از تصویب این قانون برای انجام کارهای بالا تاسیس شده‌اند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون پروانه لازم را تحصیل نمایند. ماده ۱۰ - تاسیس بیمارستان‌ها و درمانگاه‌های دام پزشکی همچنین اشتغال به مایه کوبی و درمان دام مستلزم اخذ پروانه از سازمان خواهد بود. درمانگاهها و بیمارستانهای وابسته به دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و تحقیقاتی مشمول این ماده نخواهند بود. بیمارستانها و درمانگاه‌های دامپزشکی که قبل از تصویب این قانون تاسیس شده‌اند و اشخاصی که اشتغال به مایه کوبی و درمان دام داشته‌اند مکلفند ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون پروانه لازم را تحصیل نمایند. ماده ۱۱ - در صورتی که اشخاص بدون اخذ پروانه از سازمان به مایه کوبی و درمان دام اشتغال ورزند به تقاضای سازمان مورد تعقیب قرار گرفته و به سه تا شش ماه حبس جنحه‌ای محکوم خواهند شد. ماده ۱۲ - در صورتی که اشخاصی اعم از حقیقی

یا حقوقی وظایف تعیین شده در مواد ۴ و ۶ و ۸ و ۹ و ۱۰ این قانون را رعایت نمایند ماموران انتظامی مکلفند به تقاضای سازمان به منظور اجرای مقررات مواد مذکور اقدام لازم معمول دارند و در صورت تقاضای سازمان از ادامه کار آنها جلوگیری کنند. ماده ۱۳ - سازمان مجاز است در صورت لزوم وسائل و لوازم فنی، داروها، واکسن ها، سرم ها، مواد بیولوژیکی، سموم و مواد ضد عفونی مربوط به مبارزه با بیماریهای دامی را از داخل و یا راسا از خارج کشور خریداری و به قیمت تمام شده یا مجاناً در اختیار متقاضیان مصرف کننده بگذارد. ماده ۱۴ - سازمان مجاز است در مقابل انجام خدمات دامپزشکی وجوه متناسبی با خدمات انجام شده دریافت نماید. وجوه حاصل از این بابت در حساب مخصوصی که در خزانه افتتاح خواهد شد جمع آوری و صرف هزینه های مربوط به مبارزه با بیماریهای دامی خواهد شد. تعیین خدمات و میزان وجوه طبق آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ماده ۱۵ - در صورت بروز بیماریهای واگیر دامی که به طور غیر مترقبه شایع شود و هزینه آن در بودجه سازمان منظور نگردیده باشد وزارت جهاد سازندگی با استفاده از اختیارات خود موظف به مبارزه فوری است و دولت نیز مکلف است اعتبار لازم را تامین و در اختیار وزارت جهاد سازندگی بگذارد. ماده ۱۶ - وزارت دارایی مکلف است اعتبارات هزینه های مربوط به پیشگیری و مبارزه با بیماریهای دامی مصوب در بودجه کل کشور را هر سال به اقساط چهارگانه در ابتدای هر فصل در اختیار سازمان بگذارد. ماده ۱۷ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه اموال و کارمندان و وظایف و مسئولیتها و اختیارات اداره کل دام پزشکی وزارت کشاورزی به سازمان منتقل می شود. ماده ۱۸ - بازرسی و معاینه بهداشتی گوشت در کشتارگاه های کشور از وظایف سازمان است و شهرداریها و سازمانهای ذی ربط مکلفند پرسنل، بودجه و اعتبار لازم را طبق آیین نامه اجرایی این قانون در اختیار سازمان بگذارند. ماده ۱۹ - وزارت کشاورزی مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون مقررات لازم برای برقراری نظام دامداری کشور را طی آیین نامه ای تدوین نموده و به مجلس تقدیم دارد. آیین نامه مزبور پس از تصویب کمیسیونهای مربوط مجلسین قابل اجرا خواهد بود. ماده ۲۰ - قانون تفتیش صحت حیوانات مصوب سال ۱۳۱۴ ملغی است ماده ۲۱ - آیین نامه های لازم برای اجرای مواد این قانون به وسیله وزارت کشاورزی تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذاشته می شود.

### آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته

#### فصل اول - تعاریف، شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای ( ماده ۱ تا ۲۸ )

قسمت اول تعاریف ماده ۱ - حرفه های وابسته به امور پزشکی موضوع ماده (۲۴) قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران که از این پس به اختصار (قانون نامیده می شود عبارتند از: فارغ التحصیلان کاردانی، کارشناسی و کارشناسی ارشد و بالاتر شاغل در رشته های علوم آزمایشگاهی، بیوتکنولوژی، رادیولوژی، بیورادیولوژی، رادیوتراپی، پرستاری، مامایی، اطاق عمل، هوشبری، داروسازی، تغذیه، مبارزه با بیماریها، بهداشت خانواده، بهداشت کار دهان و دندان، فارغ التحصیلان دانشکده بهداشت، رشته های مختلف توانبخشی، فیزیوتراپی، بیوشیمی پزشکی، خدمات اجتماعی و مددکاری و علوم پایه پزشکی، روانپزشکی بالینی، کایروپراکتیک و روانشناسی بالینی و کودکان استثنایی و ژنتیک پزشکی و سایر حرفه های وابسته به امور پزشکی که فعالیت آنان نیاز به اخذ مجوز از وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی دارد. تبصره - شاغلان پزشکی و حرفه های وابسته موضوع این ماده افرادی هستند که در یکی از مراکز تحقیقاتی درمانی، آموزشی و بهداشتی اعم از خصوصی، دولتی و تعاونی پزشکی، وابسته به دولت یا خیریه یا حسب مورد مطب یا دفتر کار اشتغال دارند و از این پس به اختصار ( شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته ) نامیده می شوند. قسمت دوم شرح وظایف و تخلفات صنفی و حرفه ای ماده ۲ - شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مکلفند بدون توجه به ملیت، نژاد، مذهب و موقعیت اجتماعی - سیاسی و اقتصادی بیماران حداکثر تلاش ممکن را در

حدود وظایف خود به کار برند. ماده ۳- شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته باید طبق موازین علمی، شرعی و قانونی و نظامات دولتی صنفی و حرفه‌ای انجام وظیفه کرده و از هر گونه سهل انگاری در انجام وظایف قانونی بپرهیزند. ماده ۴- شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته حق افشای اسرار و نوع بیماری، بیمار، مگر به موجب قانون را ندارند. ماده ۵- پزشکان و دندان پزشکان و متخصصان و دکترهای حرفه‌ای علوم آزمایشگاه، ماماها و کایروپراکتورها موظف به پذیرش آن تعداد بیمار هستند که بنا به تشخیص سازمان نظام پزشکی حسب مورد معاینه دقیق و انجام آزمایشهای آنها در یک زمان مناسب میسر باشد. ماده ۶- انجام امور خلاف شئون پزشکی توسط شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته ممنوع است و باید از ارتکاب کارهایی که موجب هتک حرمت جامعه پزشکی می‌شود خودداری کنند. ماده ۷- تحمیل مخارج غیر ضروری به بیماران ممنوع است ماده ۸- ایجاد رعب و هراس در بیمار با تشریح غیرواقعی وخامت بیماری یا وخیم جلوه دادن بیماری ممنوع است و پزشک می‌تواند به نحو مقتضی بیمار و بستگان را در جریان خطرات، وخامت و عواقب احتمالی بیماری قرار بدهد. ماده ۹- تجویز داروهای روان گردان و مخدر به گونه ای که به حالت اعتیاد در آید ممنوع است، مگر در مواردی که بیمار از بیماری روانی یا از دردهای شدید ناشی از بیماری های غیرقابل علاج رنج ببرد یا ضرورت پزشکی مصرف آنها را ایجاب کند. ماده ۱۰- شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته مکلفند تعرفه‌های خدمات درمانی مصوب ابلاغ شده از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی را رعایت کنند. ماده ۱۱- شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته مکلفند در مواقعی که به منظور پیشگیری از بیماریهای واگیر یا در هنگام بروز بحران و سوانح از سوی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا مراجع تعیین شده از طرف وزارت یاد شده به آنان اعلام می‌شود، همکاری ممکن و لازم را معمول دارند. ماده ۱۲- جذب بیمار از موسسات بهداشتی، درمانی، دولتی و وابسته به دولت و خیریه به مطب شخصی یا بخش خصوصی، بیمارستان و درمانگاه خصوصی و بالعکس به منظور استفاده مادی توسط شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته ممنوع است ماده ۱۳- شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته حق دریافت هیچ گونه وجه یا مالی را از بیماران علاوه بر وجوهی که توسط مسوولان موسسه درمانی ذی ربط طبق مقررات دریافت می‌شود ندارند. ماده ۱۴- جذب بیمار به صورتی که مخالف شئون حرفه پزشکی باشد و همچنین هر نوع تبلیغ گمراه کننده از طریق رسانه های گروهی و نصب آگهی در اماکن و معابر، خارج از ضوابط نظام پزشکی ممنوع است تبلیغ تجاری کالاهای پزشکی و دارویی از سوی شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته، همچنین نصب اعلانات تبلیغی که جنبه تجاری دارند، در محل کار آنها مجاز نیست ماده ۱۵- انتشار مقالات و گزارشهای پزشکی و تشریح مطالب فنی و حرفه‌ای که جنبه تبلیغاتی گمراه کننده داشته باشند ممنوع است ماده ۱۶- استفاده شاغلان حرفه‌های پزشکی و وابسته از عناوین علمی و تخصصی غیر تایید شده توسط وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ممنوع است ماده ۱۷- تجویز داروهای که از طرف وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی در فارماکویه (مجموعه دارویی کشور) اعلام نشده باشد توسط پزشک مگر از مجاری اعلام شده و بر اساس مقررات موجود ممنوع است ماده ۱۸- پزشک معالج مسوول ادامه درمان بیمار خود در حد توانایی و تخصص به استثنای موارد ضروری است مگر این که بیمار یا بستگان او مایل نباشند. تبصره- موارد اورژانس از شمول این ماده مستثنی است ماده ۱۹- در مواردی که مشاوره پزشکی لازم باشد انتخاب پزشک مشاور با پزشک معالج است در صورتی که بیمار یا بستگان او مشاوره پزشکی را لازم بدانند مشاوره پزشکی با نظر پزشک معالج به عمل می‌آید و چنانچه بیمار یا بستگان او بدون اطلاع پزشک معالج از پزشک دیگری برای درمان بیمار دعوت به عمل آورند در این صورت پزشک معالج اول می‌تواند از ادامه درمان بیمار خودداری نماید، مگر اینکه این دعوت در مواقع فوری و ضروری باشد. ماده ۲۰- تجویز داروهای مازاد بر نیاز بیمار یا غیر متجانس و خارج از ضوابط علمی و فنی ممنوع است ماده ۲۱- فروش دارو و ابزار پزشکی توسط پزشکان، مگر با مجوز رسمی وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی ممنوع است ماده ۲۲- مشخصات و طرز استفاده داروهای تجویز شده به بیمار باید توسط پزشک با خط خوانا و انشای قابل فهم در نسخه قید شود. تبصره ۱- صدور نسخه‌های همسان و



متحدالشکل ممنوع است تبصره ۲ - دکتر داروساز موظف به توضیح چگونگی تجویز دارو طبق نسخه پزشک است ماده ۲۳ - مسوولان فنی موظفند در تمام ساعات شبانه روز بر امور فنی موسسات پزشکی نظارت کنند. ماده ۲۴ - اندازه و سایر مشخصات سر نسخه ها ، تابلوها و چگونگی درج آگهی در رسانه ها باید طبق نمونه ای باشد که به تصویب شورای عالی نظام پزشکی می رسد. ماده ۲۵ - به کارگیری و استفاده از افراد غیر مجاز در امور پزشکی و حرفه های وابسته در موسسات پزشکی و مطب ممنوع است ماده ۲۶ - شاغلان حرفه های پزشکی مکلفند نشانی و تغییر نشانی مطب و موسسات پزشکی خود را به سازمان نظام پزشکی محل اطلاع دهند. ماده ۲۷ - شاغلان حرفه های پزشکی مکلفند در موارد فوریت های پزشکی اقدامات مناسب و لازم را برای نجات بیمار بدون فوت وقت انجام دهند. ماده ۲۸ - مسوولان فنی موسسات پزشکی اعم از دولتی ، وابسته به دولت ، خصوصی و خیریه مکلفند علاوه بر قوانین و مقررات موجود در آیین نامه های مصوب وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، همچنین ضوابط علمی و حرفه ای ذی ربط را رعایت کنند.

### فصل دوم - مجازات های انتظامی ( ماده ۲۹ تا ۳۱ )

ماده ۲۹ - مجازات های موضوع تبصره ماده (۲۴) قانون تشکیل سازمان نظام پزشکی - مصوب ۱۳۷۴ - به شرح زیر اعمال می شوند: الف - متخلفان از مواد (۲)، (۴)، (۵)، (۸)، (۱۸)، (۱۹)، (۲۲)، (۲۴) و (۲۶) این آیین نامه حسب مورد به مجازات های مقرر در بندهای (الف) و (ب) تبصره - متخلفان از مواد موضوع این بند به استثنای مواد (۲)، (۴)، (۸)، (۲۴) در صورت تکرار به مجازات های مقرر در بند (ج) و در مورد مواد (۲)، (۴)، (۸) و (۲۴) به مجازات های بندهای (ج) یا (د) ب - متخلفان از مواد (۹)، (۱۵)، (۱۶)، (۱۷)، (۲۰)، (۲۱)، (۲۳) حسب مورد به مجازات مقرر در بندهای (ب) یا (ج) یا (د) ب - متخلفان از مواد (۷)، (۱۰)، (۱۱)، (۱۲)، (۱۳)، (۱۴) و (۲۵) حسب مورد به مجازات های مقرر در بندهای (ج) یا (د) یا (ه) ت - متخلفان از مواد (۲۷) و (۲۸) حسب مورد به مجازات های مقرر در بندهای (ج) یا (د) یا (ه) یا (و). ث - متخلفان از مواد (۳) و (۶) به مجازات های مقرر در بندهای (ج) یا (د) یا (ه) یا (و) یا (ز). ماده ۳۰ - مفاد آرای قطعی هیات های انتظامی نظام پزشکی در مورد بندهای (پ) و (ث) در ماده (۲۹) این آیین نامه در نشریات محلی و کثیرالانتشار کشور درج می شود. ماده ۳۱ - در مواردی که رای قطعی به محرومیت از اشتغال به امور پزشکی و حرفه های وابسته صادر می شود اشتغال محکوم علیه به حرفه های یاد شده در مدت محرومیت در بخش های خصوصی ، عمومی ، دولتی و یا خیریه ممنوع است تبصره ۱ - محرومیت از اشتغال به حرفه پزشکی ، دندان پزشکی ، داروسازی و علوم آزمایشگاهی کارکنان نیروهای مسلح جمهوری اسلامی ایران محدود به حرفه های مربوط و خارج از خدمات سازمانی آنان است و ادامه اشتغال به کار آنان در موسسات وابسته به نیروهای مسلح ، مربوط به اختیارات و مقررات نیروهای یاد شده است تبصره ۲ - هیات های بدوی و عالی انتظامی در اسرع وقت موظف به رسیدگی به شکایات ارجاع شده از سوی مسوولان ذی ربط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی می باشند.

### فصل سوم - رسیدگی به تخلفات ( ماده ۳۲ تا ۵۰ )

قسمت اول مرجع رسیدگی و چگونگی شروع به امر رسیدگی ماده ۳۲ - مرجع رسیدگی به تخلفات انتظامی شاغلان حرفه های پزشکی در هر شهرستان هیات های بدوی انتظامی نظام پزشکی است ماده ۳۳ - هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی در موارد زیر مکلف به رسیدگی است الف - وصول شکایت از طرف شاکی خصوصی اعم از شخص حقیقی یا حقوقی . ب - اعلام تخلف از طریق مراجع قضایی یا مسوولان ذی ربط وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی یا موسسات و سازمان های دولتی پ - اعلام

تخلف از طرف شورای عالی یا هیات عالی انتظامی و رییس یا هیات مدیره نظام پزشکی شهرستان مربوط تبصره ۱- مراجع یاد شده در بندهای بالا حداکثر ظرف یک سال از تاریخ وقوع تخلف یا بروز عوارض می توانند به هیاتهای بدوی اعلام شکایت کنند. آغاز مرور زمان تخلفات انتظامی شاغلان حرفه‌های پزشکی تاریخ وقوع تخلف است و در مورد تخلف مستمر تاریخی است که استمرار قطع شده است تبصره ۲- در صورتی که پرونده منوط به تعیین تکلیف در دادگستری باشد مرور زمان متوقف می شود و مدتی که تعقیب متخلف به عللی معلق می ماند جزو مدت مرور زمان محسوب نمی شود، همچنین جریان مرور زمان با هر اقدام تعقیبی قطع می شود و مدت قبلی مرور زمانهایی که قطع شده محاسبه نمی شود. ماده ۳۴- شکایت باید با امضا و تاریخ و شامل نام و مشخصات و نشانی کامل شاکی و مشتکی عنه و تاریخ وقوع تخلف و محل وقوع تخلف باشد و به شکایات بدون امضا یا امضای مستعار ترتیب اثر داده نمی شود. ماده ۳۵- شکایت و اعلام تخلف از طریق دبیرخانه نظام پزشکی هر شهرستان به هیات بدوی انتظامی مربوط ارسال می شود. ماده ۳۶- رییس هیات بدوی انتظامی باید رسیدگی مقدماتی را به یکی از اعضای هیات به عنوان عضو محقق ارجاع کند. عضو محقق موظف است حداکثر ظرف یک ماه تحقیقات لازم را با رعایت قوانین و مقررات مربوط انجام دهد و گزارش آن را به هیات ارایه کند، دبیرخانه نظام پزشکی شهرستان موظف است رونوشت شکواییه یا اعلام تخلف و ضمائم را برای مشتکی عنه ارسال کند تا مشتکی عنه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، پاسخ کتبی خود را به ضمیمه دلایل و مدارک مورد استناد به دبیرخانه نظام پزشکی شهرستان تسلیم کند. ماده ۳۷- دبیرخانه پس از وصول پاسخ یا در صورتی که در مهلت مقرر پاسخی نرسد پرونده را به هیات بدوی ارسال می کند تا در صورت آماده بودن پرونده، هیات رای مقتضی را صادر کند. چنانچه راییه توضیحی از طرفها یا استماع شهادت شهود و مطلعان لازم باشد هیات باید وقت رسیدگی را معین و شخص یا اشخاص فوق را دعوت کند. ماده ۳۸- هر گاه مشتکی عنه یا شهود در حوزه دیگری باشند و به طور کلی نیاز به هر اقدام دیگری در محلی که خارج از حوزه هیات بدوی انتظامی است باشد، رییس هیات بدوی انتظامی که مشغول رسیدگی است پرونده را ارسال و دستورات لازم را در این مورد به رییس هیات بدوی انتظامی محلی که باید تحقیقات در آنجا به عمل آید می دهد. رییس هیات بدوی انتظامی آن محل بعد از انجام تحقیقات آن را امضا نموده نزد رییس هیات بدوی انتظامی اول ارسال می دارد. ماده ۳۹- هیات بدوی با حضور دو سوم اعضا رسمیت می یابد و آرای آن با اکثریت اعضای حاضر معتبر خواهد بود. ماده ۴۰- رای هیات بدوی باید موجه مدلل و مستند به مقررات قانونی باشد. ماده ۴۱- رای هیات بدوی توسط رییس هیات بدوی انتظامی نظام پزشکی محل باید به طرفها ابلاغ شود و رونوشت رای صادر شده برای رییس نظام پزشکی محل و هیات عالی انتظامی ارسال گردد. ماده ۴۲- اعضای هیاتهای بدوی یا هیات عالی انتظامی در موارد زیر در رسیدگی و صدور رای شرکت نمی کنند: الف- عضو هیات یا زوجه وی با متهم قرابت سببی یا نسبی تا درجه دوم از طبقه سوم داشته باشند. ب- عضو هیات با متهم دعوی حقوقی یا جزایی داشته باشد. پ- عضو هیات یا زوجه وی در دعوی طرح شده ذی نفع باشند. ماده ۴۳- موسسات درمانی و بهداشتی و سایر مراجع مربوط اعم از دولتی یا غیر دولتی، مکلفند اصل کلیه اوراق پرونده پزشکی بیمار یا فتوکپی ممهور به مهر موسسه درمانی و بهداشتی را که به امضای رییس آن واحد رسیده است در صورت مطالبه هیاتهای بدوی و عالی انتظامی ظرف ده روز پس از ابلاغ درخواست در اختیار هیاتهای یاد شده قرار دهند. تبصره- چنانچه در پرونده پزشکی بیمار اسناد طبقه بندی شده وجود داشته باشد و رسیدگی به تخلف منوط به اطلاع هیاتها از آنها باشد دسترسی به این قبیل اسناد با رعایت قوانین و مقررات مربوط امکان پذیر است ماده ۴۴- رسیدگی و اقدامات مراجع قضایی در هر حال مانع رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه‌ای متخلفان در هیاتهای بدوی و عالی انتظامی نیست ماد ۴۵- هر گاه هیاتهای بدوی انتظامی یا هیات عالی انتظامی در جریان رسیدگی به مواردی که جنبه جزایی داشته باشد برخورد نمایند مکلفند موضوع را به مراجع قضایی اعلام کنند. قسمت دوم تجدیدنظرخواهی ماده ۴۶- تجدیدنظرخواهی از آرای صادر شده حداکثر ظرف (۲۰) روز از تاریخ ابلاغ رای امکان پذیر است تجدیدنظر خواه باید در مدت یاد شده اعتراض خود را به صورت

کتبی به دبیرخانه هیات بدوی انتظامی صادر کننده رای یا دبیرخانه هیات عالی انتظامی تسلیم و رسید دریافت کند. ماده ۴۷ - تجدیدنظرخواهی در زمان مقرر موضوع ماده (۴۶) این آیین نامه مانع از اجرای رای هیات بدوی می شود و در صورت عدم دریافت درخواست تجدیدنظر رای صادر قطعی و از تاریخ انقضای مهلت تعیین شده لازم الاجرا است ماده ۴۸ - هیات بدوی مکلف است در صورت تسلیم اعتراضیه ظرف یک هفته لایحه اعتراضی و پرونده مربوط را به هیات عالی انتظامی ارسال کند. ماده ۴۹ - رییس هیات عالی انتظامی ، پرونده های واصله از هیات های بدوی را جهت رسیدگی به یکی از اعضای هیات عالی به عنوان عضو محقق ارجاع می نماید. عضو محقق پس از تحقیقات لازم حداکثر ظرف یک ماه پرونده را جهت صدور رای به هیات عالی تسلیم می نماید و چنانچه تحقیقات کافی نباشد و یا نیاز به بررسی بیشتر باشد عضو محقق مهلت یاد شده را با تصویب هیات عالی تمدید خواهد کرد. هیات عالی در صورتی که پرونده را تکمیل دانست رای مقتضی را صادر می نماید ولی چنانچه هیات انجام تحقیقات بیشتر و با اخذ توضیح دیگری را لازم بداند نسبت به ادامه رسیدگی اقدام و در صورت لزوم با تعیین وقت ، طرفها را جهت رسیدگی و اخذ توضیحات دعوت در نهایت رای صادر خواهد نمود. ماده ۵۰ - رای هیات عالی انتظامی قطعی و لازم الاجراست و توسط رییس هیات عالی انتظامی ابلاغ می شود.

### فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۵۱ تا ۵۶ )

ماده ۵۱ - در مورد تعدد تخلف هر گاه تخلفات ارتكابی مختلف باشد باید برای هر یک از تخلفات مجازات انتظامی جداگانه در نظر گرفته شود و اگر مختلف نباشد فقط یک مجازات انتظامی در نظر گرفته می شود و تعدد تخلف از علل تشدید مجازات خواهد بود. ماده ۵۲ - به تخلفات متعدد متخلف باید توأما رسیدگی شود. ماده ۵۳ - هر گاه کسی مرتکب تخلف حرفه ای شود در هیات های بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی رسیدگی می شود که تخلف در حوزه آن وقوع یافته اگر شخص مرتکب چندین تخلف در جاهای مختلف شود در هیات بدوی انتظامی سازمان نظام پزشکی که متخلف در آن به حرفه پزشکی اشتغال دارد یا داشته است رسیدگی می شود. ماده ۵۴ - ابلاغ آرا و سایر اوراق موضوع این آیین نامه از طریق پست سفارشی یا مامور ابلاغ سازمان نظام پزشکی یا حسب مورد دانشگاه یا دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی محل یا به وسیله مامورین ابلاغ وزارت دادگستری صورت می گیرد. تبصره ۱ - دانشگاه یا دانشکده های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی ، درمانی محل یا مامورین ابلاغ وزارت دادگستری حسب مورد مکلفند نتیجه ابلاغ را به هیات های رسیدگی کننده اعلام کنند تبصره ۲ - تشخیص صحت ابلاغ با هیات رسیدگی کننده است ماده ۵۵ - آرای قطعی هیات بدوی و آرای هیات عالی انتظامی - حسب مورد - توسط دانشگاه یا دانشکده علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی اجرا می شود. تبصره - مسؤلیت پیگیری اجرای احکام صادر شده با سازمان نظام پزشکی است ماده ۵۶ - آیین نامه انتظامی رسیدگی به تخلفات صنفی و حرفه ای شاغلان حرفه های پزشکی و وابسته (موضوع تصویب نامه شماره ۷۷۴۹/ت ۲۰۰ ه مورخ ۲۶/۵/۱۳۷۳) و اصلاحیه آیین نامه یاد شده ( موضوع تصویب نامه شماره ۲۹۹۳/ت ۱۴۸۷۹ ه مورخ ۱۷/۳/۱۳۷۴) لغو می شوند. معاون اول رییس جمهور - حسن حبیبی

### آیین نامه اجرایی قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور - مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ ( ماده ۱ تا ۲۰ )

به استناد ماده یازده قانون تشکیل سازمان پزشکی قانونی کشور ، مصوب ۲۷/۴/۱۳۷۲ مجلس شورای اسلامی آیین نامه اجرایی قانون فوق الذکر مشتمل بر ۲۰ ماده و ۲ تبصره به شرح زیر مورد تصویب قرار گرفت و از تاریخ ابلاغ لازم الاجرا می باشد. ماده ۱ - درخواستها و دستورات مراجع ذی صلاح قضایی به سازمان پزشکی قانونی کشور ( که منبعا در این آیین نامه سازمان نامیده می شود ) و واحدهای تابعه آن بایستی در چهارچوب وظایف قانونی سازمان ، روشن ، صریح و دربرگیرنده جهات کامل خواسته

های کارشناسی و تشخیص های پزشکی قانونی نسبت به موضوع ارجاعی بوده و به امضای مقامات قضایی ذی ربط رسیده باشد.

ماده ۲- درخواستها و دستورات مراجع قضایی که بر اساس ماده یک این آیین نامه صادر شده باشد توسط مسوول مربوط در سازمان و واحد های تابعه آن حسب مورد به افراد یا بخشهای ذی ربط ارجاع می گردد و سایر اقدامات تشخیصی لازم اعم از معاینات بالینی افراد و کالبد گشایی اجساد و سایر اقدامات پاراکلینیکی و امور آزمایشگاهی و در صورت لزوم ارجاع موضوع به کمیسیونهای پزشکی ، نتایج حاصله در مدتی متناسب با موضوع ارجاعی طی گزارشی حاوی نکات مورد درخواست مرجع قضایی و رعایت مفاد تبصره یک ماده یک قانون با امضای مدیران مربوطه یا مقامات مجاز از طرف آنها به مقام قضایی ذی ربط منعکس می گردد. ماده ۳- استعلامات ادارات و سازمانهای وابسته به قوه قضاییه و سایر دستگاههای دولتی از سازمان و واحدهای تابعه آن بایستی در چهارچوب وظایف قانونی سازمان و دستگاههای استعلام کننده ، مکتوب ، روشن ، صریح و بیان کننده دقیق ابعاد خواسته های کارشناسی مرجع استعلام کننده از سازمان و واحدهای تابعه آن بوده و به امضای مقامات مجاز دستگاه مربوط رسیده باشد. ماده ۴- برنامه ریزی ، تعیین مدت ، نحوه کارآموزی ، موضوعات مورد آموزش در مقاطع مختلف ، بررسی صلاحیت های علمی و صدور گواهینامه های مربوطه و نیز تنظیم برنامه و اجرای سایر امور آموزشی سازمان برای کلیه افرادی که لازم است دوره کارآموزی پزشکی قانونی را طی نمایند به موجب دستورالعمل اجرایی خواهد بود که به تصویب رییس سازمان خواهد رسید. ماده ۵- همکاری علمی و انجام امور آموزشی و پژوهشی مورد نیاز سازمان و دانشگاهها ، موضوع بند ۴ ماده یک قانون بر اساس مقاله نامه هایی که بر حسب مورد بین سازمان و دانشگاههای ذی ربط امضا و مبادله خواهد شد صورت می گیرد. ماده ۶- در اجرای بند ۵ ماده یک قانون ، سازمان می تواند ضمن برقراری ارتباط و مبادله اطلاعات روز علوم ذی ربط با مراکز آموزشی و پژوهشی داخل و خارج از کشور نسبت به برگزاری سمینارهای علمی و تخصصی و یا اعزام مدیران و کارشناسان خود جهت شرکت در کنفرانس ها و سمینارها و سمپوزیوم های داخلی و بین المللی اقدام نماید. همچنین سازمان می تواند به منظور بالا بردن سطح اطلاعات علمی و تجربی نیروهای تخصصی و فنی خود افرادی را جهت طی دوره های مختلف تخصصی و فوق تخصصی و یا بهره گیری از فرصتهای مطالعاتی به مراکز آموزشی و پژوهشی معتبر داخل و یا خارج از کشور اعزام کند. ماده ۷- مقامات قضایی ذی ربط می توانند به منظور اجرای صحیح تبصره ۲ ماده یک قانون از نظرات کارشناسی مقامات ذی صلاح پزشکی قانونی استفاده نمایند. ماده ۸- هزینه های خدمات پزشکی قانونی و انجام امور آموزشی و پژوهشی در حدود ماده سه قانون بر اساس تعرفه مصوب م ۱۸۸۳۱/۱ مورخ ۳/۶/۱۳۷۲ و اصلاحیه های بعدی آن وصول و به حساب درآمدهای عمومی کشور واریز و سپس بر اساس قانون بودجه هر سال و مفاد ماده ۹ این آیین نامه به مصرف خواهد رسید. ماده ۹- اعتباری که به موجب قسمت اخیر ماده سه قانون در بودجه هر سال در اختیار سازمان قرار می گیرد جهت تهیه و تامین ساختمان و وسایل و تجهیزات و بکارگیری نیروی انسانی مورد نیاز واحدهای تابعه سازمان ، انجام امور تحقیقاتی و مطالعات پزشکی قانونی و انتشار مجله پزشکی به مصرف خواهد رسید. ماده ۱۰- پزشکان و کادر فنی سازمان (که حقوق و مزایای آنها به استناد ماده ۴ قانون معادل حقوق و مزایای پزشکان و کادر فنی وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی خواهد بود) شامل افرادی از سازمان می شود که مشاغل آنها در یکی از رشته های شغلی مربوط به رشته بهداشتی و درمانی تخصصی یابد. ماده ۱۱- سازمان مکلف است به منظور حسن اجرای وظایف مندرج در ماده یک قانون به تعداد کافی پست سازمانی تحت عنوان عضو هیات علمی و محقق در مجموعه تشکیلاتی خود و واحدهای تابعه پیش بینی نموده و به تصویب مراجع ذی ربط برساند. ماده ۱۲- کادر علمی و تحقیقاتی مندرج در تبصره یک ماده ۴ قانون شامل کلیه کارکنانی از سازمان می شود که مشاغل و پستهای سازمانی آنها در مجموعه تشکیلاتی سازمان به عنوان عضو هیات علمی یا محقق به تصویب رسیده باشد. تبصره - اشخاص ذی صلاح به تشخیص رییس سازمان جهت بررسی و تایید درجات علمی آنها به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معرفی خواهند شد. ماده ۱۳- افرادی که به استناد ماده ۵ قانون با اعلام ضرورت سازمان جهت استفاده از خدمات پزشکی

و پیراپزشکی آنان از طرف وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی و یا دانشگاههای علوم پزشکی مامور خدمت در سازمان می شوند از نظر نوع ماموریت و همکاری با سازمان به دو گروه به شرح زیر تقسیم می شوند: الف - افرادی که برای خدمت تمام وقت به سازمان و واحدهای تابعه آن مامور می شوند و در طول مدت همکاری با سازمان هیچ گونه مسوولیت اجرایی در دستگاه اولیه و اصلی خود (دستگاه مامور دهنده ) ندارند و در این آیین نامه به آنان مامورین تمام وقت گفته می شود. ب - افرادی که برای خدمت پاره وقت به سازمان و واحدهای تابعه آن مامور می شوند و منبذ در این آیین نامه به آنها مامورین پاره وقت گفته می شود.

ماده ۱۴ - همکاری مامورین پاره وقت مندرج در بند ب ماده ۱۳ این آیین نامه با سازمان بر حسب ضرورت با رعایت قوانین موضوعه و مقررات استخدامی به یکی از طرق زیر انجام می شود: الف - مامورینی که همه روزه ساعاتی از اوقات اداری را با سازمان همکاری کنند و بقیه ساعات اداری روزانه را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت نمایند. ب - مامورینی که تعدادی از روزهای هفته یا ماه را در کل ساعات اداری با سازمان همکاری کنند و بقیه ایام کاری هفته یا ماه را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت نمایند. ج - مامورینی که ساعاتی از اوقات اداری تعدادی از روزهای کاری هر ماه را با سازمان همکاری نمایند و بقیه اوقات اداری را در دستگاه اولیه و محل کار سازمانی خود خدمت کنند. ماده ۱۵ - با توجه به مفاد قسمت اخیر ماده ۵ قانون حقوق و مزایای افرادی که به استناد ماده قانونی مذکور جهت همکاری در زمینه خدمات پزشکی و پیراپزشکی به سازمان مامور می شوند ( اعم از اینکه ماموریت آنها در سازمان تمام وقت باشد یا پاره وقت با توافق بالاترین مقام اجرایی دستگاه مامور دهنده و رییس سازمان یا سایر مقامات مجاز از دو دستگاه پرداخت خواهد شد. ماده ۱۶ - مامورین تمام وقت مندرج در بند الف ماده ۵ این آیین نامه در صورتی که در طول مدت ماموریت خود در سازمان به مشاغلی منصوب شوند که قانونا مزایایی بیشتر از مزایای آخرین شغل قبل از ماموریت آنها به سازمان داشته باشد و یا در نقاط و شهرستانهایی به کار گمارده شوند که مزایای منطقه ای بیشتری از نقاط محل خدمت قبلی آنها داشته باشد محق به دریافت ما به التفاوت مزایای مذکور خواهند بود و اگر دستگاه مامور دهنده پرداخت ما به التفاوت مزایای چنین مامورینی را به عهده نگیرد سازمان مکلف است از محل اعتبارات مصوب خود این گونه مزایا و مابه التفاوتها را به مامورین ذی نفع پرداخت کند. ماده ۱۷ - حق الزحمه افرادی که به استناد ماده ۵ قانون و موارد مندرج در مواد ۱۳ و ۱۴ این آیین نامه جهت همکاری در زمینه خدمات پزشکی و پیراپزشکی به سازمان مامور می شوند برای ساعات همکاری در خارج از وقت اداری بر اساس تعرفه ای که در اجرای تبصره ذیل ماده قانونی فوق به صورت جداگانه تهیه و به تصویب می رسد پرداخت خواهد شد. ماده ۱۸ - مدیران کل مراکز پزشکی قانونی استان ها توسط رییس سازمان و یا مقام مجاز از طرف و از میان پزشکان واجد صلاحیت انتخاب و به این سمت منصوب می گردند. ماده ۱۹ - روسای مراکز پزشکی قانونی شهرستانهای تابعه هر استان به پیشنهاد مدیر کل مرکز پزشکی قانونی استان مربوطه و با حکم رییس سازمان یا مقام مجاز از طرف وی از میان پزشکان واجد صلاحیت انتخاب و به این سمت منصوب می گردند. ماده ۲۰ - سازمان مکلف است پزشکان ، دندان پزشکان ، داروسازان و متخصصان علوم آزمایشگاهی را که به استخدام سازمان در می آیند و درخواست اجازه تاسیس مطب یا داروخانه و آزمایشگاه در شهر محل خدمت خود را دارند جهت اعمال ماده ۹ قانون و صدور پروانه مربوط به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی معرفی نماید. تبصره - در صورتی که رابطه استخدامی هر یک از مستخدمین مندرج در این ماده با سازمان قطع شود سازمان مکلف است در اسرع وقت مراتب را جهت لغو پروانه طبابت مشروط و یا ابطال اجازه تاسیس موسسه ، حسب قانون اجازه تاسیس مطب مصوب ۱۳۶۲ و آیین نامه اجرایی آن به وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اعلام کند.

آیین نامه مقررات بهداشتی مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷

فصل اول - بهداشت فردی ( ماده ۱ تا ۸ )

مصوب ۲۰/۱۱/۱۳۴۷ در اجرای ماده ۱۳ قانون مواد خوردنی - آشامیدنی - آرایشی و بهداشتی مصوب تیرماه ۱۳۴۶ این آیین نامه شامل ۴۴ ماده و ۱۱ تبصره را تصویب می نماید. فصل اول بهداشت فردی ماده ۱ - کلیه کارگران و اشخاصی که در اماکن عمومی و مراکز تهیه - توزیع - نگهداری و فروش مواد غذایی انجام وظیفه می نمایند موظفند که کارت معاینه پزشکی در محل کار خود داشته باشند. تبصره ۱ - کارفرمایان موظف هستند که قبل از استخدام اشخاص کارت معاینه پزشکی آنان را مطالبه و در محل کسب نگهداری نمایند. تبصره ۲ - کارت معاینه پزشکی منحصر از طرف ادارات بهداشتی هر محل صادر خواهد شد. نوع و مدت اعتبار کارت فوق را که از یک سال تجاوز نخواهد کرد وزارت بهداشت تعیین خواهد نمود. ماده ۲ - کارگران موظفند رعایت کامل بهداشت فردی مربوط به نظافت را نموده و به دستورهایی که از طرف دستگاههای مسوول وزارت بهداشتی داده می شود عمل نمایند. ماده ۳ - اشخاصی که در محل پخت و یا آشپزخانه کار می کنند باید ملبس به کلاه و روپوش سفید باشند و روپوش سایر اشخاص مصرح در ماده ۱ باید به رنگ روشن و تمیز باشد. ماده ۴ - صاحبان و متصدیان اماکن مشمول این آیین نامه موظفند جایگاه محفوظ مناسبی به منظور حفظ لباس کارگران خود تهیه نمایند. ماده ۵ - هر کارگر موظف به داشتن صابون و حوله تمیز اختصاصی می باشد. ماده ۶ - کارگرانی که به نحوی از انحا با طبخ و تهیه مواد غذایی سروکار دارند در حین کار حق دریافت بهای کالای فروخته شده را شخصا از مشتری نخواهند داشت ماده ۷ - در اماکن مذکور در این آیین نامه باید جعبه کمکهای اولیه در محل مناسبی نصب گردد. ماده ۸ - کارگران اماکنی که به موجب فصل دوم آیین نامه ملزم به داشتن دوش آب سرد و گرم می باشد و یا با پخت سروکار دارند موظفند هر روز قبل از شروع و بعد از خاتمه کار استحمام نمایند.

### فصل دوم - وضع ساختمانی اماکن عمومی و مراکز تهیه و تولید - توزیع - نگهداری و فروش مواد غذایی ( ماده )

ماده ۹ - کف باید شامل شرایط زیر باشد: الف - از جنس قابل شستشو باشد. ب - صاف و بدون فرورفتگی و شکاف و جنس آن طوری باشد که در اثر تردد گرد و غبار ایجاد ننماید. پ - دارای شیب مناسب به طرف فاضلاب باشد. ت - مجهز به کفشوی سیفون دار (شتر گلو) باشد. ماده ۱۰ - دیوارها باید دارای شرایط ذیل باشند: الف - ساختمان دیوار و مصالح آن طوری باشد که از ورود جوندگان و حشرات جلوگیری به عمل آورد. ب - وضع دیوارها باید متناسب با احتیاجات و لوازم مربوط به نوع کار باشد. پ - دیوارها باید صاف و بدون فرورفتگی و شکاف و درز و طاقچه باشد. ت - دیوارها باید به رنگ روشن باشد. ماده ۱۱ - سقفها باید صاف و حتی الامکان مسطح بدون ترک خوردگی و شکاف و همیشه تمیز باشد. ماده ۱۲ - وضع درها و پنجرهها: الف - درها و پنجرهها باید بدون ترک خوردگی و شکستگی بوده و قابل شستشو باشد. ب - درها و پنجرهها باید طوری باشد که از ورود حشرات به داخل جلوگیری نماید. ماده ۱۳ - آب مصرفی باید مورد تایید مقامات بهداشتی باشد. ماده ۱۴ - دارای سیستم فاضلاب بهداشتی باشد. ماده ۱۵ - وضع و تعداد مستراح و دستشویی بهداشتی و متناسب باشد. ماده ۱۶ - برای کارگران باید دستشویی و مستراح مجزا در محل مناسب و شرایط لازم ساخته شود. ماده ۱۷ - حمام باید دارای شرایط مندرج در مواد ۹ - ۱۰ - ۱۱ - ۱۲ - ۱۳ - ۱۴ این آیین نامه باشد. ماده ۱۸ - دستگاه سوخت و نوع مواد سوختنی باید طوری باشد که حتی الامکان احتراق به صورت کامل انجام گیرد. ماده ۱۹ - محل شستشو و نگهداری ظروف باید در مجاور محل پخت و مجزا و مستقل از آن باشد. ظروف کثیف از یک در یا دریچه به این محل وارد و ظروف تمیز از دریچه های جداگانه وارد آشپزخانه و سالن شود. ماده ۲۰ - ظروف باید در ظرفشویی سه مرحله ای شستشو ضد عفونی آبکشی یا توسط دستگاههای اتوماتیک شسته شود. تبصره ۱ - تعداد و ظرفیت هر ظرفشویی باید متناسب با تعداد ظروف باشد. تبصره ۲ - ظروف باید با وسیله تمیز و عاری از آلودگی خشک گردد. ماده ۲۱ - قفسه و ویتترین و گنجه ها باید تمیز و عاری از گرد و غبار و مجهز به در و شیشه باشد. تبصره ۱ - قفسه و ویتترین و گنجهها باید قابل نظافت باشد.

تبصره ۲- فاصله کف آنها از زمین از بیست سانتیمتر کمتر نباشد. ماده ۲۲- پیشخوان و میز کار باید سالم و روکش آن از جنس قابل شستشو باشد. ماده ۲۳- سبزی و میوه که در اماکن عمومی به صورت خام در اختیار مشتریان گذارده می شود باید در محل مخصوص شسته و با محلول گندزدایی ضد عفونی گردد و سپس با آب سالم و تمیز آبکشی شود. ماده ۲۴- انبار مواد غذایی باید قابل تمیز کردن بوده و وضع داخلی آن مطابق شرایط مواد ۹- ۱۰- ۱۱- ۱۲- ۲۱ این آیین نامه باشد. تبصره ۱- انبار مواد غذایی نباید مرطوب باشد. تبصره ۲- انبار آرد و شکر و سایر مواد غذایی که ایجاب می کند دارای انبار اختصاصی باشد باید مطابق نقشه تصویب شده مقامات بهداشتی احداث شود. ماده ۲۵- کلیه مواد غذایی فاسد شدنی باید در یخچال و یا در سردخانه متناسب نگهداری شود و همچنین در نگهداری آنها در یخچال زاید بر مدتی که معمولاً غذا در یخچال فاسد نمی شود خودداری گردد. ماده ۲۶- تهویه باید به نحوی صورت گیرد که همیشه هوای داخل اماکن سالم تازه و کافی و عاری از بو باشد. ماده ۲۷- در فصل گرما حداکثر درجه حرارت داخل اماکن نباید بیشتر از ۳۰ درجه سانتیگراد باشد. ماده ۲۸- نور طبیعی و یا مصنوعی باید طوری باشد که باعث ناراحتی چشم نگردد. ماده ۲۹- برای جلوگیری از حریق و انفجار و سایر خطرات احتمالی باید پیش بینی های لازم بشود. ماده ۳۰- زباله دان درپوش دار زنگ نزن قابل حمل به تعداد کافی موجود باشد. تبصره ۱- زباله دان بزرگ درپوش دار زنگ نزن قابل حمل متناسب با احتیاجات روزانه در محل مناسبی جهت جمع آوری و تخلیه زباله ها گذاشته شود. تبصره ۲- زباله دانها باید بعد از تخلیه شسته شود. ماده ۳۱- پشه - مگس - حشرات و جوندگان به هیچ وجه نباید در داخل اماکن دیده شوند. ماده ۳۲- نقشه ساختمانهای کلیه اماکن مصرح در آیین نامه به منظور انطباق با موازین بهداشتی قبل از اجرا باید به تصویب مقامات مسوول برسد. ماده ۳۳- اماکنی که اجازه قبول مسافر دارند علاوه بر رعایت کلیه موارد بهداشتی باید واجد شرایط زیر باشند: الف - در هر اتاق تعداد تختخوابها باید طوری باشد که برای هر تخت شش متر مربع منظور شود. ب - تعداد دوش هر طبقه از ساختمان باید مساوی تعداد مستراحها باشد. پ - پله باید دارای حفاظ بوده و لغزنده نباشد ارتفاع پله حداکثر ۱۸ سانتیمتر و عرض آن حداقل ۳۰ سانتیمتر باشد. ماده ۳۴- البسه (مانند حوله ، ملحفه ، پرده و امثال آنها ) باید با دستگاہهای اتوماتیک یا در رختشویخانه که مطابق نقشه استاندارد وزارت بهداشتی باشد شسته و خشک و اطو شود. ماده ۳۵- ایجاد هرگونه حوض یا حوضچه یا پاشوی که در آن آب به صورت راکد باشد ممنوع است

### فصل سوم - وسایل و لوازم کار ( ماده ۳۶ تا ۴۳ )

ماده ۳۶- ظروف مورد استفاده باید دارای شرایط زیر باشد: ۱- ظروف شکستنی باید تمیز بدون ترک خوردگی و لب پریدگی باشد. ۲- وسایل و ظروف فلزی که برای تهیه و نگهداری و مصرف مواد غذایی به کار می رود باید سالم صاف بدون زنگ باشد. ۳- استفاده از ظروفی که به وسیله وزارت بهداشتی غیر مجاز شناخته و آگهی می شود ممنوع است ۴- جدار داخلی ظروف مسی باید کاملاً سفیدکاری باشد. ۵- ظروف لعابی نباید دارای لب پریدگی باشد. ۶- وسایل و ظروف غذا باید پس از هر بار مصرف شسته و تمیز و ضد عفونی شود. ۷- استفاده از گوشت کوب و قاشق چوبی و سربی ممنوع است ۸- استفاده از قندان نمکدان و مشابه آن بدون سرپوش ممنوع است ۹- وسایل و ظروف غذاخوری و تهیه غذا باید در ویتترین یا گنجه مخصوص که محفوظ باشد نگهداری شود. ماده ۳۷- سطح میزها باید صاف ، تمیز ، سالم و بدون درز بوده و روکش آن از جنس قابل شستشو باشد. ماده ۳۸- صندلیها و نیمکتها باید سالم و تمیز باشد. ماده ۳۹- برای هر مسافر تازه وارد باید از ملحفه و شمد تمیز و سفید و سالم استفاده شود و تعویض آنها در هر سه روز یک بار اجباری است ماده ۴۰- استفاده از لحاف ، پتو ، تشک و بالش کثیف و مندرس و بدون ملحفه ممنوع است ماده ۴۱- استفاده از تختخواب هایی که دارای پارگی یا شکستگی و یا گود رفتگی فنر باشد ممنوع است ماده ۴۲- استفاده از کاغذهایی که تمیز نباشد و همچنین روزنامه و امثال آن جهت پیچیدن مواد غذایی ممنوع است ماده ۴۳- ظروف خمیرگیری باید

صاف و تمیز و بدون درز باشد. نصب شیر آب بالای ظرف خمیرگیری الزامی است تبصره ۱ - حتی الامکان کوشش شود که از دستگاههای خودکار برای تهیه خمیر استفاده گردد.

### فصل چهارم - طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول مواد این آیین نامه ( ماده ۴۴ )

ماده ۴۴ - طبقه‌بندی اماکن از لحاظ شمول این آیین نامه به شرح ذیل است ۱ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای ماده ۴۳ شامل هتل ، متل ، مهمانخانه و مسافرخانه و پانسیون و امثال آنها می‌باشد. ۲ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۶ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ لغایت ۲۵ و مواد ۳۳ و ۳۶ و ۳۹ لغایت ۴۳ شامل حمامها می‌گردد. ۳ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۵ لغایت ۱۷ - ۱۹ - ۲۰ - ۲۲ - ۲۳ لغایت ۲۵ - ۳۳ - ۳۶ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ شامل آرایشگاه ها می‌باشد. ۴ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۵ - ۲۰ - ۲۳ - ۲۵ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۶ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ شامل نانوایی ها می‌گردد. ۵ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۵ لغایت ۲۰ - ۲۳ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ و ۴۳ شامل محلهای فروش مواد غذایی ( از قبیل گوشت فروش میوه و سبزی فروش بقالی و عطاری و امثال آنها) می‌باشد. ۶ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای ماد ۱۵ - ۱۷ - ۲۳ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ شامل محلهای تهیه مواد غذایی ( از قبیل ماست بندی ، کشک سابی ، قندریزی شیرینی پزی و نظایر آنها) می‌باشد. ۷ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۷ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ شامل محلهای تهیه و فروش مواد غذایی که دارای محل پذیرایی از مشتری می‌باشد می‌شود. ۸ - کلیه مواد این آیین نامه به استثنای مواد ۱۵ لغایت ۱۷ - ۳۳ - ۳۴ - ۳۹ - ۴۰ - ۴۱ - ۴۲ شامل محلهای تهیه و فروش مواد غذایی که دارای محل پذیرایی مشتری نیستند می‌باشد.

### قانون سقط درمانی - مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجتالاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران طرح سقط درمانی که به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ ۱۰/۳/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال میگردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۹۶۵۱/۷/۴/۱۳۸۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی - وزارت دادگستری قانون سقط درمانی که در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ دهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۸۵۸۷۶/۲ مورخ ۳۱/۳/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ میگردد. رئیس جمهور - سید محمدخاتمی قانون سقط درمانی ماده واحده - سقط درمانی با تشخیص قطعی سه پزشک متخصص و تأیید پزشکی قانونی مبنی بر بیماری جنین که به علت عقب افتادگی یا ناقصالخلقه بودن موجب حرج مادر است و یا بیماری مادر که با تهدید جانی مادر توأم باشد قبل از ولوج روح (چهارماه) با رضایت زن مجاز میباشد و مجازات و مسؤولیتی متوجه پزشک مباشر نخواهد بود. متخلفین از اجرای مفاد این قانون به مجازاتهای مقرر در قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز سهشنبه مورخ دهم خرداد ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۵/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

### الحاق یک تبصره به ماده (۴۰) قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران - ۱۳۸۴

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران بازگشت به نامه شماره ۳۵۴۲۲ مورخ ۱۶/۶/۱۳۸۴



معاونت محترم حقوقی و امور مجلس رئیس جمهور و پیرو نامه شماره ۹۵۴۰۰ مورخ ۱۷/۹/۱۳۸۳ در مورد قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران، تبصره‌ای با متن ذیل به ماده (۴۰) مصوبه الحاق گردیده است که در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران ارسال می‌گردد. تبصره - آراء قطعی هیأت‌های بدوی، تجدیدنظر و هیأت عالی انتظامی نظام پزشکی، ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ، قابل تجدیدنظر در دادگاه تجدیدنظر استان می‌باشد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۴۰۳۷۶ ۲۵/۷/۱۳۸۴ وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی پیرو ابلاغیه قانون سازمان نظام پزشکی جمهوری اسلامی ایران به شماره ۵۴۵۹۴ مورخ ۲۵/۹/۱۳۸۳، به پیوست نامه شماره ۱۳۹۱۹۳ مورخ ۱۳/۷/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی درخصوص الحاق تبصره‌ای به ماده (۴۰) قانون یادشده، جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس‌جمهور - محمود احمدی‌نژاد

## ۵- مطبوعات و رسانه ها

### قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب دی ماه ۱۳۴۸

#### فصل اول - تعاریف ( ماده ۱ تا ۲ )

مصوب دی ماه ۱۳۴۸ فصل اول - تعاریف ماده ۱ - از نظر این قانون به مولف و مصنف و هنرمند ( پدیدآورنده ) و به آنچه از راه دانش یا هنر و یا ابتکار آنان پدید می‌آید بدون در نظر گرفتن طریقه یا روشی که در بیان و یا ظهور و یا ایجاد آن به کار رفته ( اثر ) اطلاق می‌شود. ماده ۲ - اثرهای مورد حمایت این قانون به شرح زیر است ۱ - کتاب و رساله و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و فنی و ادبی و هنری ۲ - شعر و ترانه و سرود و تصنیف که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۳ - اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه‌های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو یا تلویزیون که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۴ - اثر موسیقی که به هر ترتیب و روش نوشته یا ضبط یا نشر شده باشد. ۵ - نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته‌ها و خطهای تزئینی و هرگونه اثر تزئینی و اثر تجسمی که به هر طریق و روش به صورت ساده یا ترکیبی بوجود آمده باشد. ۶ - هرگونه پیکره (مجسمه) . ۷ - اثر معماری از قبیل طرح و نقشه ساختمان ۸ - اثر عکاسی که با روش ابتکاری و ابداع پدید آمده باشد. ۹ - اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالبی و گلیم ۱۰ - اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه ( فولکلور ) یا میراث فرهنگی و هنر ملی پدید آمده باشد. ۱۱ - اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد. ۱۲ - هرگونه اثر مبتکرانه دیگر که از ترکیب چند اثر از اثرهای نامبرده در این فصل پدید آمده باشد.

#### فصل دوم - حقوق پدیدآورنده ( ماده ۳ تا ۱۱ )

ماده ۳ - حقوق پدیدآورنده شامل حق انحصاری نشر و پخش و عرضه و اجرای اثر و حق بهره برداری مادی و معنوی از نام و اثر اوست ماده ۴ - حقوق معنوی پدیدآورنده محدود به زمان و مکان نیست و غیرقابل انتقال است ماده ۵ - پدیدآورنده اثرهای مورد حمایت این قانون می‌تواند استفاده از حقوق مادی خود را در کلیه موارد از جمله موارد زیر به غیر واگذار کند: ۱ - تهیه فیلمهای سینمایی و تلویزیونی و مانند آن ۲ - نمایش صحنه‌ای مانند تاتر و باله و نمایشهای دیگر. ۳ - ضبط تصویری یا صوتی اثر بر روی صفحه یا نوار یا وسیله دیگر. ۴ - پخش از رادیو و تلویزیون و وسایل دیگر. ۵ - ترجمه و نشر و تکثیر و عرضه اثر از راه چاپ و نقاشی و عکاسی و گراور و کلیشه و قالب ریزی و مانند آن ۶ - استفاده از اثر در کارهای علمی و ادبی و صنعتی و هنری و تبلیغاتی

۷- به کار بردن اثر در فراهم کردن یا پدید آوردن اثرهای دیگری که در ماده دوم این قانون درج شده است ماده ۶- اثری که با همکاری دو یا چند پدیدآورنده به وجود آمده باشد و کار یکایک آنان جدا و متمایز نباشد اثر مشترک نامیده می شود و حقوق ناشی از آن حق مشاع پدیدآورندگان است ماده ۷- نقل از اثرهایی که انتشار یافته است و استناد به آنها به مقاصد ادبی و علمی و فنی و آموزشی و تربیتی و به صورت انتقاد و تقریظ با ذکر ماخذ در حدود متعارف مجاز است تبصره - ذکر ماخذ در مورد جزوه هایی که برای تدریس در موسسات آموزشی توسط معلمان آنها تهیه و تکثیر می شود الزامی نیست مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد. ماده ۸- کتابخانه های عمومی و موسسات جمع آوری نشریات و موسسات علمی و آموزشی که به صورت غیرانتفاعی اداره می شوند می توانند طبق آیین نامه ای که به تصویب هیات وزیران خواهد رسید از اثرهای مورد حمایت این قانون از راه عکسبرداری یا طرق مشابه آن به میزان مورد نیاز و متناسب با فعالیت خود نسخه برداری کنند. ماده ۹- وزارت اطلاعات می تواند آثاری را که قبل از تصویب این قانون پخش کرده و یا انتشار داده است پس از تصویب این قانون نیز کماکان مورد استفاده قرار دهد. ماده ۱۰- وزارت آموزش و پرورش می تواند کتابهای درسی را که قبل از تصویب این قانون به موجب قانون کتابهای درسی چاپ و منتشر کرده است کماکان مورد استفاده قرار دهد. ماده ۱۱- نسخه برداری از اثرهای مورد حمایت این قانون مذکور در بند ۱ از ماده ۲ و ضبط برنامه های رادیویی و تلویزیونی فقط در صورتی که برای استفاده شخصی و غیرانتفاعی باشد مجاز است

### فصل سوم - مدت حمایت از حق پدید آورنده و حمایت های قانونی دیگر ( ماده ۱۲ تا ۲۲ )

ماده ۱۲- مدت استفاده از حقوق مادی پدیدآورنده موضوع این قانون که به موجب وصایت یا وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ پدید آورنده سی سال است و اگر وارثی وجود نداشته باشد یا بر اثر وصایت به کسی منتقل نشده باشد برای همان مدت به منظور استفاده عمومی در اختیار وزارت فرهنگ و هنر قرار خواهد گرفت تبصره - مدت حمایت اثر مشترک موضوع ماده ۶ این قانون سی سال بعد از فوت آخرین پدیدآورنده خواهد بود. ماده ۱۳- حقوق مادی اثرهایی که در نتیجه سفارش پدید می آید تا سی سال از تاریخ پدید آمدن اثر متعلق به سفارش دهنده است مگر آنکه برای مدت کمتر یا ترتیب محدودتری توافق شده باشد. تبصره - پاداش و جایزه نقدی و امتیازاتی که در مسابقات علمی و هنری و ادبی طبق شرایط مسابقه به آثار مورد حمایت این قانون موضوع این ماده تعلق می گیرد متعلق به پدیدآورنده خواهد بود. ماده ۱۴- انتقال گیرنده حق پدیدآورنده می تواند تا سی سال پس از واگذاری از این حق استفاده کند مگر این که برای مدت کمتر توافق شده باشد. ماده ۱۵- در مورد مواد ۱۳ و ۱۴ پس از انقضای مدت های مندرج در آن مواد استفاده از حق مذکور در صورت حیات پدیدآورنده متعلق به خود او و در غیر این صورت تابع ترتیب مقرر در ماده ۱۲ خواهد بود. ماده ۱۶- در موارد زیر حقوق مادی پدیدآورنده از تاریخ نشر یا عرضه به مدت سی سال مورد حمایت این قانون خواهد بود: ۱- اثرهای سینمایی یا عکاسی ۲- هرگاه اثر متعلق به شخص حقوقی باشد یا حق استفاده از آن به شخص حقوقی واگذار شده باشد. ماده ۱۷- نام و عنوان و نشان ویژه ای که معرف اثر است از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود و هیچ کس نمی تواند آنها را برای اثر دیگری از همان نوع یا مانند آن به ترتیبی که القای شبهه کند به کار برد. ماده ۱۸- انتقال گیرنده و ناشر و کسانی که طبق این قانون اجازه استفاده یا استناد یا اقتباس از اثری را به منظور انتفاع دارند باید نام پدیدآورنده را با عنوان و نشانه ویژه معرف اثر همراه اثر یا روی نسخه اصلی یا نسخه های چاپی یا تکثیر شده به روش معمول و متداول اعلام و درج نمایند مگر این که پدیدآورنده به ترتیب دیگری موافقت کرده باشد. ماده ۱۹- هرگونه تغییر یا تحریف در اثرهای مورد حمایت این قانون و نشر آن بدون اجازه پدیدآورنده ممنوع است ماده ۲۰- چاپخانه ها و بنگاه های ضبط صوت و کارگاهها و اشخاصی که به چاپ یا نشر یا پخش یا ضبط یا تکثیر اثرهای مورد حمایت این قانون می پردازند باید شماره دفعات چاپ و تعداد نسخه کتاب یا ضبط یا تکثیر یا پخش یا انتشار و شماره مسلسل روی صفحه موسیقی و صدا را بر تمام نسخه هایی که پخش می شود با ذکر

تاریخ و نام چاپخانه یا بنگاه و کارگاه مربوط بر حسب مورد درج نمایند. ماده ۲۱ - پدیدآورندگان می‌توانند اثر و نام و عنوان و نشانه ویژه اثر خود را در مراکزی که وزارت فرهنگ و هنر با تعیین نوع آثار آگهی می‌نمایند به ثبت برسانند. آیین نامه چگونگی و ترتیب انجام یافتن تشریفات ثبت و همچنین مرجع پذیرفتن درخواست ثبت به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. ماده ۲۲ - حقوق مادی پدیدآورنده موقعی از حمایت این قانون برخوردار خواهد بود که اثر برای نخستین بار در ایران چاپ یا پخش یا نشر یا اجرا شده باشد و قبلا در هیچ کشوری چاپ یا نشر یا پخش یا اجرا نشده باشد.

### فصل چهارم - تخلفات و مجازات ها ( ماده ۲۳ تا ۳۳ )

ماده ۲۳ - هرکس تمام یا قسمتی از اثر دیگری را که مورد حمایت این قانون است به نام خود یا به نام پدیدآورنده بدون اجازه او و یا عالما عامدا به نام شخص دیگری غیر از پدیدآورنده نشر یا پخش یا عرضه کند به حبس جنحه ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۴ - هرکس بدون اجازه ترجمه دیگری را به نام خود یا دیگری چاپ و پخش و نشر کند به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۵ - متخلفین از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۲۶ - نسبت به متخلفان از مواد ۱۷ - ۱۸ - ۱۹ - ۲۰ این قانون در مواردی که به سبب سپری شدن مدت حق پدیدآورنده استفاده از اثر با رعایت مقررات این قانون برای همگان آزاد است وزارت فرهنگ و هنر عنوان شاکی خصوصی را خواهد داشت ماده ۲۷ - شاکی خصوصی می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم نهایی درخواست کند که مفاد حکم در یکی از روزنامه‌ها به انتخاب و هزینه او آگهی شود. ماده ۲۸ - هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسوول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد و در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال مرتکب جرم جبران می‌شود. ماده ۲۹ - مراجع قضایی می‌توانند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه آثار مورد شکایت و ضبط آن دستور لازم به ضابطین دادگستری بدهند. ماده ۳۰ - اثرهایی که پیش از تصویب این قانون پدید آمده از حمایت این قانون برخوردار است اشخاصی که بدون اجازه از اثرهای دیگران تا تاریخ تصویب این قانون استفاده یا بهره برداری کرده‌اند حق نشر یا پخش یا تکثیر یا ارایه مجدد یا فروش آن آثار را ندارند مگر با اجازه پدیدآورنده یا قائم مقام او با رعایت این قانون متخلفین از حکم این ماده و همچنین کسانی که برای فرار از کیفر به تاریخ مقدم بر تصویب این قانون اثر را به چاپ رسانند یا ضبط یا تکثیر یا از آن بهره برداری کنند به کیفر مقرر در ماده ۲۳ محکوم خواهند شد. دعاوی و شکایاتی که قبل از تصویب این قانون در مراجع قضایی مطرح گردیده به اعتبار خود باقی است ماده ۳۱ - تعقیب بزه‌های مذکور در این قانون با شکایت شاکی خصوصی شروع و با گذشت او موقوف می‌شود. ماده ۳۲ - مواد ۲۴۵ و ۲۴۶ و ۲۴۷ و ۲۴۸ قانون مجازات عمومی ملغی است ماده ۳۳ - آیین‌نامه‌های اجرایی این قانون از طرف وزارت فرهنگ و هنر و وزارت دادگستری و وزارت اطلاعات تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

### آیین نامه اجرایی قانون حمایت حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان - مصوب ۱۳۵۰ هیات وزیران

#### فصل اول - مقررات عمومی تنظیم اظهارنامه ثبت اثر

ماده اول - ثبت اثر طبق درخواست نامه چاپی که از طرف وزارت فرهنگ و هنر تهیه و در اختیار درخواست کننده ثبت اثر گذارده می‌شود به عمل می‌آید و باید در دو نسخه به زبان فارسی نوشته و امضا شده و حاوی نکات زیر باشد: الف - نام و نام خانوادگی و

تابعیت و اقامتگاه و شماره و محل صدور شناسنامه و تاریخ تولد پدید آورنده و یا شخصی که به اعتبار قانون فوق الذکر قائم مقام پدید آورنده اصلی اثر می باشد و هرگاه درخواست کننده شخص حقوقی باشد نام و شماره ثبت و اقامتگاه قانونی شخص حقوقی ب - در صورتی که درخواست نامه از طرف وکیل یا نماینده قانونی اشخاص مذکور در بند الف داده شود علاوه بر مشخصات موکل نام و نام خانوادگی و تابعیت و اقامتگاه وکیل پ - تاریخ پدید آمدن اثر با قید روز و ماه و سال به نحوی که اثر برای چاپ یا نشر یا پخش و یا اجرا آماده شده باشد. ت - در صورتی که اثر مشترک باشد ذکر مشخصات پدید آورندگان و کلیه اشخاص حقیقی و صاحب حقوقی مادی و معنوی به ترتیب مذکور در بند الف این ماده ث - در صورتی که ثبت نام یا عنوان یا علامت ویژه اثر نیز مورد تقاضا باشد در مورد نام و عنوان ذکر کلمه یا عبارت مورد تقاضا و در مورد علامت یا نشانه ویژه توصیف کامل آن به انضمام سه نسخه نمونه یا عکس در اندازه و رنگ اصلی و کلیشه آن ج - تعیین نوع اثر و اعلام آن که اثر مشمول کدام یک از انواع آثار مذکور در ماده ۲ قانون می باشد.

### فصل دوم - مقررات اختصاصی تقاضای ثبت اثر ( ماده ۲ )

ماده دوم - درخواست کننده ثبت اثر علاوه بر تنظیم درخواست نامه به شرح مندرج در فصل اول باید اطلاعات و مدارکی را که به اعتبار نوع اثر در این فصل تعیین می شود همراه درخواست نامه تسلیم نماید: الف - در مورد کتاب و رساله و گزارش پژوهشی و جزوه و نمایشنامه و هر نوشته دیگر علمی و ادبی و هنری و همچنین در مورد شعر و ترانه و سرود و تصنیف موضوع بندهای ۱ و ۲ ماده دوم قانون دو نسخه کامل خطی یا ماشین شده یا چاپ شده یا فتوکپی اثر. ب - در مورد اثر سمعی و بصری به منظور اجرا در صحنه های نمایش یا پرده سینما یا پخش از رادیو و تلویزیون موضوع بند ۳ ماده دوم قانون دو نسخه از اثر به هر ترتیبی که برای اجرا نوشته یا ضبط یا نشر شده است پ - در مورد اثر موسیقی موضوع بند ۴ ماده دوم قانون دو نسخه اصل یا فتوکپی یا خطی از نت اثر در صورتی که نت داشته باشد به انضمام گفتار آن اگر باشد به علاوه دو نسخه اثر روی صفحه یا نوار. ت - در مورد نقاشی و تصویر و طرح و نقش و نقشه جغرافیایی ابتکاری و نوشته و خطهای تزئینی و هر گونه اثر تزئینی و اثر تجسمی موضوع بند ۵ ماده دوم قانون ۱ - دو نسخه عکس رنگی از اصل اثر مشروط بر این که ابعاد عکس از ۲۴ \* ۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند. ۲ - تعیین آن که اثر منطبق با کدام یک از آثار مذکور در بند ۵ ماده دوم قانون می باشد. ۳ - شرح و توصیف کافی برای شناسایی و تشخیص اثر. ث - در مورد پیکره (مجسمه موضوع بند ۶ ماده دوم قانون - دو نسخه عکس رنگی اثر به ابعاد ۲۴ \* ۱۸ سانتیمتر با ذکر مواد و مصالحی که در ساختن پیکره به کار رفته و تعیین ابعاد و اندازه حقیقی و وزن آن ج - در مورد اثر معماری موضوع بند ۷ ماده دوم قانون دو نسخه نقشه کامل همراه نقشه های تفصیلی و اجرایی اثر مربوط به طرح اصلی بنا و تزئینات آن و جزئیات اثر منحصر در مواردی که ثبت آن مورد تقاضاست با شرح و توصیف کامل تا حدی که شناسایی اثر در کلیات و جزئیات مورد نظر درخواست کننده ممکن باشد در صورتی که درخواست ثبت مربوط و منحصر به قسمتی از بنا یا ساختمان یا تزئینات آن باشد باید روی نقشه های اصلی به طور وضوح مشخص شود و در مورد تزئینات طرح آن باید رنگی باشد. چ - در مورد اثر عکاسی موضوع بند ۸ ماده دوم قانون دو نمونه کامل از اثر که حداکثر ابعاد آن از ۲۴ \* ۱۸ سانتیمتر تجاوز نکند. ح - در مورد اثر ابتکاری مربوط به هنرهای دستی یا صنعتی و نقشه قالبی و گلیم موضوع بند ۹ ماده دوم قانون دو قطعه عکس رنگی یا دو نسخه کپی از اثر به اندازه ۲۴ \* ۱۸ سانتیمتر. خ - در مورد اثر ابتکاری که بر پایه فرهنگ عامه یا میراث فرهنگی و هنری ملی پدید آمده باشد و همچنین اثر فنی که جنبه ابداع و ابتکار داشته باشد موضوع بندهای ۱۰ و ۱۱ ماده دوم قانون نظر به این که اثر پس از پدید آمدن به صورت یکی از آثار مندرج در ماده دوم یا ترکیبی از آنها خواهد بود درخواست کننده ثبت باتوجه به نوع اثر و ارتباط آن با یک یا چند نوع از آثار مذکور در ماده دوم قانون باید اطلاعات و مدارک خاص همان نوع یا انواع را تسلیم کند. د - در مورد آثار سینمایی یک نسخه کامل از اثر با ذکر

نام و مشخصات تبصره - در کلیه مواد مذکور در فصل اول و این فصل در صورتی که متقاضی توضیحات خاصی را برای معرفی اثر و چگونگی پیدایش آن لازم بداند می تواند در برگ جداگانه ای درج و همراه اظهارنامه تسلیم کند. ذ - در مورد نرم افزارهای چند رسانه ای دو نسخه کامل از نمونه نرم افزار تولید شده با ذکر نام و مشخصات و ویژگیهای اثر.

### فصل سوم - مرجع ثبت و اقدامات ثبتی ( ماده ۳ تا ۷ )

ماده سوم - درخواست کننده اثر باید درخواست نامه ثبت را به ترتیب مندرج در فصل اول و دوم این آیین نامه تنظیم و در مرکز به وزارت فرهنگ و هنر و در شهرستانها به ادارات فرهنگ و هنر یا نماینده تعیین شده از طرف وزارت فرهنگ و هنر تسلیم و رسید اخذ کند. تبصره - درخواست کننده ثبت آثار نرم افزارهای چند رسانه ای درخواست نامه ثبت را به ترتیب مندرج در فصل های اول و دوم این آیین نامه به همراه دو نسخه کامل از نمونه مورد نظر به دبیرخانه شورای عالی داده ورزی تحویل می دهد. ثبت اثر از نظر فنی توسط شورای یاد شده و از نظر محتوایی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی انجام می شود. دبیرخانه شورای مزبور موظف است قبل از ثبت اثر نظر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را دریافت نماید. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است ظرف سه ماه از دریافت استعلام دبیرخانه شورای عالی داده ورزی نظر خود را به آن دبیرخانه اعلام نماید. ماده چهارم - مراجع دریافت درخواست نامه ثبت اثر کلیه درخواست نامه ها به واحد امور مولفان و مصنفان و هنرمندان در وزارت فرهنگ و هنر ارسال خواهند نمود. واحد مزبور به درخواست نامه های رسیده ظرف مدت سه ماه رسیدگی و اگر درخواست نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم تنظیم شده باشد و اثر قبلا به ثبت نرسیده باشد آنها را در دفتر مخصوص ثبت اثرها ثبت نموده و گواهی نامه ثبت اثر را با قید روز و ساعت تسلیم درخواست به نام درخواست کننده صادر و به وی تسلیم و رسید اخذ کند. در صورتی که درخواست نامه مطابق مقررات فصل اول و دوم بالا تنظیم نشده باشد موارد نقص یا ایراد نکند درخواست ثبت بلا اقدام خواهد ماند. ماده پنجم - وزارت فرهنگ و هنر مکلف درخواست کننده اقدام به رفع نقص یا ایراد نکند درخواست ثبت بلا اقدام خواهد ماند. ماده پنجم - وزارت فرهنگ و هنر مکلف است در آخر هر ماه فهرستی از کلیه آثار ثبت شده در همان ماه را در روزنامه رسمی کشور و یکی از روزنامه های کثیرالانتشار روزانه تهران برای اطلاع عموم آگهی کند. فهرست مزبور در هر مورد به طور اختصار شامل نام درخواست کننده و تاریخ ثبت و نوع اثر و معرفی موضوع آن خواهد بود. قبول درخواست ثبت اثر و همچنین ثبت آن مانع اعتراض و ادعای حق از ناحیه دیگر اشخاص نخواهد بود. ماده ششم - درخواست کننده می تواند قبل یا بعد از ثبت اثر تقاضای تغییر و اصلاح و تکمیل یا ابطال آن را بنماید. در این صورت وزارت فرهنگ و هنر به نحو مذکور در ماده پنجم آگهی خواهد داد. ماده هفتم - هزینه آگهی ثبت اثر و موارد تغییر، اصلاح، تکمیل و یا ابطال آن به عهده درخواست کننده و ذی نفع خواهد بود.

### قانون هیات منصفه - مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ (ماده ۱۵ تا ۱۵)

مصوب ۲۴/۱۲/۱۳۸۲ ماده ۱- رسیدگی به جرایم سیاسی و مطبوعاتی علنی است و با حضور هیات منصفه در دادگاه صالحه صورت می گیرد. هیات منصفه در دادگاه های تحت نظر قوه قضاییه طبق این قانون تشکیل می گردد. ماده ۲- اعضای هیات منصفه از بین اصناف و گروههای مختلف اجتماعی نظیر روحانیون، اساتید دانشگاه، دانشجویان، پزشکان، مهندسان، کارگران، کشاورزان، نویسندگان، روزنامه نگاران، معلمان، وکلای دادگستری، کارمندان، هنرمندان، پیشه وران و تجار برای مدت چهار سال انتخاب می گردند. ماده ۳- انتخاب اعضای اصلی و علی البدل هیات منصفه هر استان از بین اقشار و صنوف مختلف از طریق اعلام عمومی و جمع آوری تقاضاهای داوطلبان عضویت در هیات منصفه به قید قرعه و به صورت علنی خواهد بود. هیات منصفه هر استان در اولین جلسه خود یکی از اعضا را برای مدت دو سال به عنوان دبیر هیات منصفه انتخاب خواهد کرد. دبیر، مسوولیت اداره دبیرخانه

را به عهده دارد. حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره مسوولیت دبیر، دبیر جدید به وسیله هیات منصفه استان انتخاب خواهد شد. امور اجرایی این ماده در هر استان زیر نظر رییس قوه قضاییه یا فردی که ایشان تعیین می کند و با حضور رییس شورای اسلامی استان و دو نفر از نمایندگان آن استان به انتخاب مجلس به عنوان ناظر انجام می شود. قرعه کشی با حضور حداقل دو نفر از ناظرین معتبر است. ماده ۴- اعضا هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند: ۱- تابعیت جمهوری اسلامی ایران. ۲- مسلمان بودن. ۳- التزام عملی به قانون اساسی. ۴- حداقل سی سال سن. ۵- عدم محرومیت از فعالیتهای اجتماعی. ۶- داشتن حداقل مدرک دیپلم متوسطه یا معادل آن در علوم حوزوی. ماده ۵- تعداد اعضا هیات منصفه در استان تهران پانصد نفر و در استانهای با جمعیت بیش از یک میلیون نفر، دویست و پنجاه نفر و در استانهای با جمعیت کمتر از یک میلیون نفر، یکصد و پنجاه نفر می باشد. تبصره ۱- پس از تعیین دو سوم اعضا، هیات منصفه رسمیت می یابد. تبصره ۲- حداقل سه ماه قبل از پایان دوره هیات منصفه برای انتخاب هیات منصفه جدید اقدام خواهد شد. ترتیب انجام امور باید به نحوی باشد که حداقل یک ماه قبل از اتمام دوره هیات منصفه، اعضا هیات منصفه بعدی مشخص شده باشند. ماده ۶- هیات منصفه هر محکمه براساس قرعه در تهران بیست و یک نفر و در سایر مراکز استانها چهارده نفر انتخاب می شوند. دبیر هیات منصفه ده روز قبل از زمان برگزاری دادگاه با دعوت از نمایندگان دادگستری و شورای شهر مرکز استان و وکیل یا نماینده متهم و شاکی قرعه کشی را انجام می دهد. حضور نمایندگان دادگستری و شورای شهر در مراسم قرعه کشی الزامی است. تبصره ۱- در ترکیب هیات منصفه هر محکمه از یک صنف یا گروه اجتماعی نباید بیش از دو نفر از طریق قرعه کشی انتخاب شوند. تبصره ۲- در صورتی که به تشخیص دادگاه رسیدگی به اتهام فوریت داشته باشد و امکان رسیدگی نیز فراهم باشد، رعایت ده روز مذکور در این ماده الزامی نیست. و دبیر هیات منصفه موظف است ضمن همکاری با قاضی مربوطه اعضا هیات منصفه دادگاه را در موعد مقرر معرفی نماید. ماده ۷- در تهران دادگاه با حضور حداقل یازده نفر و در استانها با حضور نه نفر از اعضا هیات منصفه تشکیل شده و رسمیت خواهد یافت. ملاک تصمیم گیری هیات منصفه آرا اکثریت حاضران خواهد بود. اعضا هیات منصفه موظفند تا پایان جلسات دادگاهها حضور داشته باشند. ماده ۸- دبیرخانه هیات منصفه زیر نظر هیات منصفه انجام وظیفه می کند و بودجه آن از محل کمکهای اهدایی تامین خواهد شد. ماده ۹- چنانچه هر یک از اعضای هیات منصفه بدون عذر موجه در چهار جلسه متوالی یا شش جلسه متناوب در دادگاه حاضر نشوند و یا به همین ترتیب از شرکت در اتخاذ تصمیمات خودداری کنند با حکم همان دادگاه به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می شوند. تبصره - هر یک از اعضای هیات منصفه که با عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حاضر شود موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی، مراتب معذوریت خود را به طور کتبی و مستدل به استحضار دادگاه برساند. در صورتی که سبب عذر بعدا حادث گردد باید در اولین فرصت ممکن مراتب به اطلاع دادگاه رسانده شود. در غیراین صورت عذر وی غیرموجه محسوب می گردد. عذر موجه در قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب - در امور کیفری - مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی احصا شده است. ماده ۱۰- اعضای هیات منصفه بعد از انتخاب در جلسه ای در برابر قرآن کریم به خداوند متعال سوگند یاد می کنند که بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی، گروهی و با رعایت صداقت، تقوی و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه کنند. ماده ۱۱- رد صلاحیت اعضا هیات منصفه مطابق قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری مصوب ۲۸/۶/۱۳۷۸ کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی همانند رد صلاحیت قضات خواهد بود. ماده ۱۲- هرگاه در حین محاکمه، اعضای هیات منصفه سوالی داشته باشند مراتب را کتبا جهت طرح، تسلیم رییس دادگاه می کنند. ماده ۱۳- پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضا هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند: الف - متهم بزهکار است یا خیر؟ ب - در صورت بزهکاری، آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ تبصره - پس از اعلام نظر هیات منصفه، دادگاه در خصوص مجرمیت یا برایت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به

صدور رای می نماید. ماده ۱۴- با تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر ملغی می گردد. ماده ۱۵- آیین نامه اجرایی این قانون از زمان تصویب ظرف مدت سه ماه به وسیله وزارتخانه های دادگستری ، کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد. قانون فوق مشتمل بر پانزده ماده و شش تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و چهارم اسفند ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱/۱۳۸۳ به تایید شورای نگهبان رسیده است. رییس مجلس شورای اسلامی - مهدی کروبی

## قانون مطبوعات مصوب سال ۶۴ و اصلاح آن - مصوب سال ۱۳۷۹

### فصل اول - تعریف مطبوعات ( ماده ۱ )

مصوب سال ۱۳۷۹ (ن والقلم و مایسترون .... سوگند به قلم و آنچه می نویسند. قرآن کریم نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه محل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند. تفصیل آن را قانون معین می کند. قانون اساسی اصل ۲ فصل اول - تعریف مطبوعات ماده ۱ - مطبوعات در این قانون عبارتند از نشریاتی که به طور منظم با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف در زمینه های گوناگون خبری ، انتقادی ، اجتماعی ، سیاسی ، اقتصادی ، کشاورزی ، فرهنگی ، دینی ، علمی ، فنی ، نظامی ، هنری ، ورزشی و نظایر اینها منتشر می شوند. تبصره ۱ - انتشار فوق العاده اختصاص به نشریه ای دارد که به طور مرتب انتشار می یابد. تبصره ۲ - نشریه ای که بدون اخذ پروانه از هیات نظارت بر مطبوعات منتشر گردد از شمول قانون مطبوعات خارج بوده و تابع قوانین عمومی است تبصره ۳ - کلیه نشریات الکترونیکی مشمول مواد این قانون است

### فصل دوم - رسالت مطبوعات ( ماده ۲ )

ماده ۲ - رسالتی که مطبوعات در نظام جمهوری اسلامی بر عهده دارد عبارت است از: الف - روشن ساختن افکار عمومی و بالابردن سطح معلومات و دانش مردم در یک یا چند زمینه مورد اشاره در ماده یک ب - پیشبرد اهدافی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی بیان شده است ج - تلاش برای نفی مرزبندی های کاذب و تفرقه انگیز و قراردادن افشار مختلف جامعه در مقابل یکدیگر مانند دسته بندی مردم براساس نژاد ، زبان ، رسوم ، سنن محلی و ... د - مبارزه با مظاهر فرهنگ استعماری ( اسراف ، تبذیر ، لغو ، تجمل پرستی ، اشاعه فحشا و ...) و ترویج و تبلیغ فرهنگ اصیل اسلامی و گسترش فضایل اخلاقی ه - حفظ و تحکیم سیاست نه شرقی ، نه غربی تبصره - هر یک از مطبوعات باید حداقل در تحقق یکی از موارد فوق الذکر سهمیم و با موارد دیگر به هیچ وجه در تضاد نبوده و در مسیر جمهوری اسلامی باشد.

### فصل سوم - حقوق مطبوعات ( ماده ۳ تا ۵ )

ماده ۳ - مطبوعات حق دارند نظرات ، انتقادات سازنده ، پیشنهادها ، توضیحات مردم و مسوولین ربا رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج و به اطلاع عموم برسانند. تبصره - انتقاد سازنده مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین ، تحقیر و تخریب می باشد. ماده ۴ - هیچ مقام دولتی و غیردولتی حق ندارد برای چاپ مطلب یا مقاله ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا به سانسور و کنترل نشریات مبادرت کند. ماده ۵ - کسب و انتشار اخبار داخلی و خارجی که به منظور افزایش آگاهی عمومی و حفظ مصالح جامعه باشد با رعایت این قانون حق قانونی مطبوعات است تبصره ۱ - متخلف از مواد (۴) و (۵) به شرط

داشتن شاکی به حکم دادگاه به انفصال خدمت از شش ماه تا دو سال و در صورت تکرار به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم خواهد شد. تبصره ۲- مصوبات شورای عالی امنیت ملی برای مطبوعات لازم الاتباع است در صورت تخلف، دادگاه می تواند نشریه متخلف را موقتا تا دو ماه توقیف و پرونده را خارج از نوبت رسیدگی نماید. تبصره ۳- مطالب اختصاصی نشریات اگر به نام پدیدآورنده اثر (به نام اصلی یا مستعار) منتشر شود به نام او و در غیر این صورت به نام نشریه، مشمول قانون حمایت از حقوق مولفان و مصنفان و هنرمندان می باشد.

#### فصل چهارم - حدود مطبوعات ( ماده ۶ تا ۷ )

ماده ۶- نشریات جز در موارد اخلاص به مبانی و احکام اسلام و حقوق عمومی و خصوصی که در این فصل مشخص می شوند، آزادند: ۱- نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند. ۲- اشاعه فحشا و منکرات و انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ۳- تبلیغ و ترویج اسراف و تبذیر. ۴- ایجاد اختلاف مابین اقشار جامعه به ویژه از طریق طرح مسایل نژادی و قومی ۵- استفاده ابزاری از افراد (اعم از زن و مرد) در تصاویر و محتوا و تحقیر و توهین به جنس زن، تبلیغ تشریفات و تجملات نامشروع و غیرقانونی ۶- تحریص و تشویق افراد و گروهها به ارتکاب اعمالی علیه امنیت حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل یا خارج ۷- فاش نمودن و انتشار اسناد و دستورها و مسایل محرمانه، اسرار نیروهای مسلح جمهوری اسلامی، نقشه و استحکامات نظامی، انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و محاکم غیرعلنی دادگستری و تحقیقات مراجع قضایی بدون مجوز قانونی ۸- اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن و همچنین اهانت به مقام معظم رهبری و مراجع مسلم تقلید. ۹- افترا به مقامات، نهادها، ارگانها و هر یک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد. ۱۰- سرقتهای ادبی و همچنین نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروههای منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی به نحوی که تبلیغ از آنها باشد). (حدود موارد فوق را آیین نامه مشخص می کند) ۱۱- پخش شایعات و مطالب خلاف واقع و یا تحریف مطالب دیگران ۱۲- انتشار مطالب علیه اصول قانون اساسی تبصره ۱- سرقت ادبی عبارت است از نسبت دادن عمدی تمام یا بخش قابل توجهی از آثار و نوشته های دیگران به خود یا غیر ولو به صورت ترجمه تبصره ۲- متخلف از موارد مندرج در این ماده مستوجب مجازات های مقرر در ماده ۶۹۸ قانون مجازات اسلامی خواهد بود و در صورت اصرار مستوجب تشدید مجازات و لغو پروانه می باشد. ماده ۷- موارد ذیل ممنوع و جرم محسوب می شود: الف- چاپ و انتشار نشریه ای که پروانه برای آن صادر نشده یا پروانه آن لغو گردیده و یا به دستور دادگاه به طور موقت یا دائم تعطیل گردیده است ب- انتشار نشریه به گونه ای که اکثر مطالب آن مغایر باشد با آنچه که متقاضی به نوع آن متعهد شده است ج- انتشار نشریه به نحوی که با نشریات موجود یا نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده اند از نظر نام علامت و شکل اشتباه شود. د- انتشار نشریه بدون ذکر نام صاحب امتیاز و مدیر مسوول و نشانی اداره نشریه و چاپخانه آن تبصره - مراکز نشر، چاپ، توزیع و فروش نشریات، مجاز به چاپ و انتشار و عرضه مطبوعات و نشریاتی که از سوی دادگاه صالح یا هیات نظارت مغایر با اصول مندرج در این قانون تشخیص داده شود، نمی باشند.

#### فصل پنجم - شرایط متقاضی و مراحل صدور پروانه ( ماده ۸ تا ۲۲ )

ماده ۸- انتشار نشریه توسط اشخاص حقیقی یا حقوقی با سرمایه ایرانی و اخذ پروانه از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی آزاد است استفاده نشریات از کمک خارجی مستقیم یا غیرمستقیم ممنوع و جرم محسوب می گردد. تبصره ۱- مطبوعاتی که از طرف



سازمانهای آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر منتشر می شود می تواند با سرمایه و مسوولیت اشخاص غیرایرانی در چهار چوب قوانین مربوطه به خارجیان مقیم ایران و موافقت وزارتین ارشاد و امور خارجه منتشر شوند. تبصره ۲ - کمکهای اشخاص حقیقی یا حقوقی خارجی غیردولتی که با نظارت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و وزارت امور خارجه دریافت گردد مشمول این ماده نخواهد بود. تبصره ۳ - واگذاری امتیاز نشریه به غیر اعم از قطعی شرطی اجاره و امثال آن ممنوع است و جرم محسوب می شود مگر در صورت درخواست کتبی صاحب امتیاز و تصویب هیات نظارت ماده ۹ - الف - شخص حقیقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط زیر باشد: ۱ - تابعیت ایران ۲ - دارا بودن حداقل ۲۵ سال سن ۳ - عدم حجر و ورشکستگی به ثقل و تقصیر. ۴ - عدم اشتغال به فساد اخلاق و سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب محرومیت از حقوق اجتماعی باشد. ۵ - داشتن صلاحیت علمی در حد لیسانس و یا پایان سطح در علوم حوزه ای به تشخیص هیات نظارت موضوع ماده ۱۰ این قانون ۶ - پای بندی و التزام عملی به قانون اساسی ب - اشخاص حقوقی متقاضی امتیاز باید دارای شرایط ذیل باشند: ۱ - مراحل قانونی ثبت شخصیت حقوقی طی شده باشد و در اساسنامه و یا قانون تشکیل خود مجاز به انتشار نشریه باشد. ۲ - زمینه فعالیت نشریه مرتبط با زمینه فعالیت شخص حقوقی بوده و محدوده جغرافیایی انتشار آن همان محدوده جغرافیایی شخصیت حقوقی باشد. تبصره ۱ - متقاضی امتیاز نشریه موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان مدیر مسوول واجد شرایط مندرج در این ماده معرفی نماید. تبصره ۲ - برای نشریات داخلی یک سازمان ، موسسه و شرکت دولتی یا خصوصی که فقط برای استفاده کارکنان منتشر و رایگان در اختیار آنان قرار می گیرد تنها اجازه وزارت ارشاد اسلامی با رعایت ماده ۲ این قانون کافی است تبصره ۳ - با یک پروانه نمی توان بیش از یک نشریه منتشر کرد. تبصره ۴ - صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی نشریه مسوول است و مسوولیت یکایک مطالبی که در نشریه به چاپ می رسد و دیگر امور در رابطه با نشریه به عهده مدیر مسوول خواهد بود. تبصره ۵ - نخست وزیران استانداران امرای ارتش و شهربانی ژاندارمری روسای سازمانهای دولتی ، مدیران عامل و روسای هیات مدیره شرکتها و بانکهای دولتی و کلیه شرکتها و موسساتی که شمول حکم در مورد آن مستلزم ذکر نام است ، نمایندگان مجلسین ، سفرا ، فرمانداران ، شهرداران ، روسای انجمنهای شهر و شهرستان تهران و مراکز استانها، اعضای ساواک روسای دفاتر رستخیز در تهران و مراکز استانها و شهرستانها و وابستگان به رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل مذکور بوده و همچنین کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات ، رادیو و تلویزیون یا سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده اند، از انتشار نشریه و هر گونه فعالیت مطبوعاتی محرومند. تبصره ۶ - هیات نظارت موظف است جهت بررسی صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول از مراجع ذی صلاح (وزارت اطلاعات و دادگستری و نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران استعلام نماید. مراجع مذکور موظفند حداکثر تا دو ماه نظر خود را همراه مستندات و مدارک معتبر به هیات نظارت اعلام نمایند. در صورت عدم پاسخ از سوی مراجع مذکور و فقدان دلیل دیگر صلاحیت آنان تایید شده تلقی می گردد. تبصره ۷ - مسوولیت مقالات و مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسوول است ولی این مسوولیت نافی مسوولیت نویسنده و سایر اشخاصی که در ارتکاب جرم دخالت داشته باشند نخواهد بود. تبصره ۸ - اعضا و هواداران گروههای ضد انقلاب و یا گروههای غیرقانونی و محکومین دادگاههای انقلاب اسلامی که به جرم اعمال ضدانقلابی و یا علیه امنیت داخلی و خارجی محکومیت یافته اند و همچنین کسانی که علیه نظام جمهوری اسلامی ایران فعالیت و یا تبلیغ می کنند حق هیچ گونه فعالیت مطبوعاتی و قبول سمت در نشریات را ندارند. ماده ۱۰ - اعضای هیات نظارت بر مطبوعات که از افراد مسلمان و صاحب صلاحیت علمی و اخلاقی لازم و مومن به انقلاب اسلامی می باشند، عبارتند از: الف - یکی از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه ب - وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی یا نماینده تام الاختیار وی ج - یکی از نمایندگان مجلس شورای اسلامی به انتخاب مجلس د - یکی از اساتید دانشگاه به انتخاب وزیر فرهنگ و آموزش عالی ه - یکی از مدیران مسوول مطبوعات به انتخاب آنان و - یکی از اساتید حوزه علمیه به انتخاب شورای عالی حوزه علمیه ق م ز - یکی از اعضای

شورای عالی انقلاب فرهنگی به انتخاب آن شورا. تبصره ۱- این هیات ظرف دو ماه پس از تصویب این قانون در دوره اول و دوره‌های بعد ظرف یک ماه قبل از اتمام مدت مقرر برای مدت دو سال به دعوت وزیر ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود. تبصره ۲- تصمیمات هیات نظارت قطعی است این امر مانع شکایت و اقامه دعوی افراد ذی نفع در محاکم نخواهد بود. تبصره ۳- دبیرخانه هیات نظارت با امکانات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تشکیل می‌شود وزیر نظر آن هیات انجام وظیفه می‌نماید. تبصره ۴- وزارت ارشاد اسلامی مسوول دعوت و برگزاری جلسه انتخابات موضوع بند (ه) این ماده است و مرجع تشخیص صلاحیت نامزدهای انتخابات مزبور براساس شرایط مندرج در صدر این ماده هیات سه نفری مرکب از افراد بندهای الف و ب و ج می‌باشند، این قانون از تاریخ تصویب لازم الاجرا خواهد بود. تبصره ۵- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی ریاست هیات نظارت بر مطبوعات را بر عهده خواهد داشت و پاسخگوی عملکرد هیات مذکور در مجلس و دیگر مراجع ذی صلاح خواهد بود. ماده ۱۱- رسیدگی به درخواست صدور پروانه و تشخیص صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول به عهده هیات نظارت بر مطبوعات است تبصره- در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در ماده (۹) این قانون را فاقد شود، به تشخیص هیات نظارت مقرر در ماده (۱۰) و با رعایت تبصره های آن پروانه نشریه لغو می‌شود. ماده ۱۲- وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است تخلف نشریات را راسا یا به تقاضای حداقل دو نفر از اعضای هیات نظارت ظرف مدت یک ماه مورد بررسی قرار داده و در صورت لزوم به طور مستقیم و یا از طریق هیات نظارت مراتب را جهت پیگرد قانونی به دادگاه صالح تقدیم نماید. تبصره- در مورد تخلفات موضوع ماده (۶) به جز بند (۳) و (۴) و بند (ب)، (ج) و (د) ماده (۷) هیات نظارت می‌تواند نشریه را توقیف نماید و در صورت توقیف موظف است ظرف یک هفته پرونده را جهت رسیدگی به دادگاه ارسال نماید. ماده ۱۳- هیات نظارت مکلف است ظرف مدت سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا جهت امتیاز یک نشریه درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسوول با رعایت شرایط مقرر در این قانون رسیدگی های لازم را انجام داده و مراتب رد یا قبول تقاضا را با ذکر دلایل و شواهد جهت اجرا به وزیر ارشاد گزارش نماید، و وزارت ارشاد اسلامی موظف است حداکثر ظرف ۲ ماه از تاریخ موافقت هیات نظارت برای متقاضی پروانه انتشار صادر کند. ماده ۱۴- در صورتی که مدیر مسوول شرایط مندرج در ماده ۹ را فاقد گردد، یا فوت شود و یا استعفا دهد، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف ۳ ماه شخص دیگری را که واجد شرایط باشد به وزارت ارشاد اسلامی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می‌شود، تا زمانی که صلاحیت مدیر به تایید نرسیده است مسوولیت‌های مدیر به عهده صاحب امتیاز است ماده ۱۵- اعلام نظر هیات نظارت مبنی بر تایید یا عدم تایید مدیر مسوول جدید، حداکثر سه ماه از تاریخ معرفی توسط وزارت ارشاد اسلامی خواهد بود. ماده ۱۶- صاحب امتیاز موظف است ظرف شش ماه پس از صدور پروانه نشریه مربوطه را منتشر کند و در غیر این صورت با یک بار اخطار کتبی و دادن فرصت پانزده روز دیگر در صورت عدم عذر موجه اعتبار پروانه از بین می‌رود، عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه (به تشخیص هیات نظارت باشد، موجب لغو پروانه خواهد بود. تبصره- نشریه‌ای که سالانه منتشر می‌شود (سالنامه از ماده فوق مستثنی بوده و در صورت عدم نشر ظرف یک سال بدون عذر موجه پروانه صاحب امتیاز لغو خواهد شد. ماده ۱۷- پروانه‌هایی که بر طبق مقررات سابق برای نشریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است مشروط بر اینکه ظرف سه ماه از تاریخ اجرای این قانون صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود، با این قانون اقدام نماید. ماده ۱۸- در هر شماره باید نام صاحب امتیاز، مدیر مسوول، نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه در آن به چاپ می‌رسد و نیز زمینه فعالیت و ترتیب انتشار نوع نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی، هنری و غیره) در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود، چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می‌باشند. ماده ۱۹- نشریات در چاپ آگهی های تجارتي که مشتمل بر تعریف و تمجید کالا یا خدماتی که از طرف یکی از مراکز تحقیقاتی کشور که برحسب قوانین رسمیت داشته باشند، تایید گردد با رعایت ماده ۱۲ آیین نامه تاسیس و نظارت بر نحوه کار و فعالیت کانونهای آگهی تبلیغاتی و بندهای مربوطه مجاز می‌باشند. تبصره- در مواردی که طبق این ماده

مطبوعات مجاز به درج آگهی های مشتمل بر تعریف و تشویق از کالا و خدمات هستند، متن این تعریف و تشویق نمی تواند از متن تقدیرنامه رسمی مراکز قانونی مذکور در این ماده فراتر رود. ماده ۲۰ - هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی خود را در آن ثبت کند و بیلابن سالانه در آمد و مخارج را به وزارت ارشاد اسلامی بفرستد، وزارت ارشاد اسلامی هر وقت لازم بداند، دفاتر مالی موسسات را بازرسی می نماید. تبصره - کلیه مطبوعات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اطلاع دهند. ماده ۲۱ - مدیران مسوول نشریات موظفند از هر شماره نشریه دو نسخه به هریک از مراجع زیر به طور مرتب و رایگان ارسال نمایند: الف - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ب - مجلس شورای اسلامی ج - دادگستری مرکز استان محل نشر. ماده ۲۲ - ورود مطبوعات به کشور و نیز خروج آن براساس موازین شرعی و قانون اساسی نظام جمهوری اسلامی است ضوابط ورود و خروج آن ظرف شش ماه توسط وزارت ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب مجلس شورای اسلامی خواهد رسید.

### فصل ششم - جرایم ( ماده ۲۳ تا ۳۵ )

ماده ۲۳ - هرگاه در مطبوعات مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع و یا انتقاد نسبت به شخص (اعم از حقیقی یا حقوقی) مشاهده شود، ذی نفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد و نشریه مزبور موظف است این گونه توضیحات و پاسخها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشر می شود، در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است مجانی به چاپ برساند، به شرط آن که جواب از دو برابر اصل تجاوز نکند و متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. تبصره ۱ - اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور، مطالب یا توضیحات مجددی چاپ کند، حق پاسخگویی مجدد برای معترض باقی است درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم عدم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود. تبصره ۲ - پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج گردد به شرط آن که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه، پاسخ به دفتر نشریه تسلیم و رسید دریافت شده باشد. تبصره ۳ - در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد، شاکی می تواند به دادگستری شکایت کند و رییس دادگستری در صورت احراز صحت شکایت جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می کند و هر گاه این اخطار موثر واقع نشود، پرونده را پس از دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن حداکثر از ده روز تجاوز نخواهد کرد، به دادگاه ارسال می کند. تبصره ۴ - اقدامات موضوع این ماده و تبصره های آن نافی اختیارات شاکی در جهت شکایت به مراجع قضایی نمی باشد. ماده ۲۴ - اشخاصی که اسناد و دستوره های محرمانه نظامی و اسرار ارتش و سپاه و یا نقشه های قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ یا صلح به وسیله یکی از مطبوعات فاش و منتشر کنند به دادگاه تحویل تا برابر مقررات رسیدگی شود. ماده ۲۵ - هر کس به وسیله مطبوعات مردم را صریحا به ارتکاب جرم یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا سیاست خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شود، به مجازات معاونت همان جرم محکوم و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد. ماده ۲۶ - هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن اهانت کند، در صورتی که به ارتداد منجر شود حکم ارتداد در حق وی صادر و اجرا و اگر به ارتداد نینجامد طبق نظر حاکم شرع براساس قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد. ماده ۲۷ - هر گاه در نشریه ای به رهبر جمهوری اسلامی ایران و یا مراجع مسلم تقلید اهانت شود، پروانه آن نشریه لغو و مدیر مسوول و نویسنده مطلب به محاکم صالحه معرفی و مجازات خواهد شد. تبصره - رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۲۴ و ۲۵ و ۲۶ و ۲۷ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۲۸ - انتشار عکسها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی ممنوع و موجب تعزیر شرعی است و اصرار بر آن موجب تشدید تعزیر و لغو پروانه خواهد بود. ماده ۲۹ - انتشار مذاکرات غیر علنی مجلس شورای اسلامی و مذاکرات غیرعلنی

محاكم دادگستری یا تحقیقات مراجع اطلاعاتی و قضایی که طبق قانون افشای آن مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف طبق نظر حاکم شرع و قانون تعزیرات با وی رفتار خواهد شد. ماده ۳۰- انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبتهای توهین آمیز و نظائر آن نسبت به اشخاص ممنوع است مدیر مسوول جهت مجازات به محاکم قضایی معرفی می گردد و تعقیب جرایم مذکور موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله ای که باشد متوقف خواهد شد. تبصره ۱- در موارد فوق شاکی (اعم از حقیقی یا حقوقی می تواند برای مطالبه خسارتی که از نشر مطالب مذکور بر او وارد آمده به دادگاه صالحه شکایت نموده و دادگاه نیز مکلف است نسبت به آن رسیدگی و حکم متناسب صادر نماید. تبصره ۲- هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی بوده ولی عرفاً هتاکی به بازماندگان وی به حساب آید هر یک از ورثه قانونی می تواند از نظر جزایی یا حقوقی طبق ماده و تبصره فوق اقامه دعوی نماید. ماده ۳۱- انتشار مطالبی که مشتمل بر تهدید به هتک شرف و یا حیثیت و یا افشای اسرار شخصی باشد ممنوع است و مدیر مسوول به محاکم قضایی معرفی و با وی طبق قانون تعزیرات رفتار خواهد شد. تبصره- در مورد مواد ۳۰ و ۳۱ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف رییس دادگاه باید قبل از ختم تحقیقات حکم توقیف نشریه را صادر کند. این توقیف شامل اولین شماره بعد از ابلاغ می شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رأی دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می شود. ماده ۳۲- هر کس در نشریه ای خود را برخلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسوول معرفی کند یا بدون داشتن پروانه به انتشار نشریه مبادرت نماید، طبق نظر حاکم شرع با وی رفتار خواهد شد. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسوولی که سمتهای مزبور را طبق قانون از دست داده اند نیز می شود. ماده ۳۳- الف- هر گاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوری که برای خواننده امکان اشتباه باشد، از انتشار آن جلوگیری و مرتکب به حبس تعزیری شصت و یک روز تا سه ماه و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال محکوم می شود. تعقیب جرم و مجازات منوط به شکایت شاکی خصوصی است ب- پس از توقیف یک نشریه انتشار هر نوع نشریه دیگر به جای نشریه توقیف شده به نحوی که بانشریه مذکور از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد. مرتکب به مجازات حبس تعزیری از سه ماه تا شش ماه و جزای نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم می شود. ماده ۳۴- رسیدگی به جرایم مطبوعاتی با توجه به قوانین مربوط به صلاحیت ذاتی می تواند در محاکم عمومی یا انقلاب یا سایر مراجع قضایی باشد. در هر صورت علنی بودن و حضور هیات منصفه الزامی است تبصره- به جرایم مطبوعاتی در محاکم صالح مراکز استانها رسیدگی می شود. ماده ۳۵- تخلف از مقررات این قانون جرم است و چنانچه در قانون مجازات اسلامی و این قانون برای آن مجازات تعیین نشده باشد متخلف به یکی از مجازات های ذیل محکوم می شود: الف- جزای نقدی از یک میلیون تا بیست میلیون ریال ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و حداکثر تا یک سال در مورد سایر نشریات تبصره- دادگاه می تواند در جرایم مطبوعاتی مجازات حبس و شلاق را به یکی از مجازاتهای ذیل تبدیل نماید: الف- جزای نقدی از دو میلیون تا پنجاه میلیون ریال ب- تعطیل نشریه حداکثر تا شش ماه در مورد روزنامه ها و تا یک سال در مورد سایر نشریات ج- محرومیت از مسوولیتهای مطبوعاتی حداکثر تا پنج سال

### فصل هفتم - هیات منصفه مطبوعات ( ماده ۳۶ تا ۴۴ )

ماده ۳۶- انتخاب هیات منصفه به طریق ذیل خواهد بود: هر دو سال یک بار در مهر ماه جهت تعیین اعضای هیات منصفه در تهران به دعوت وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی و با حضور وی و رییس کل دادگستری استان، رییس شورای شهر، رییس سازمان تبلیغات و نماینده شورای سیاستگذاری ائمه جمعه سراسر کشور و در مراکز استان به دعوت مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان و با

حضور وی و رییس کل دادگستری استان ، رییس شورای شهر مرکز استان رییس سازمان تبلیغات و امام جمعه مرکز استان یا نماینده وی تشکیل می شود. هیات مذکور در تهران (۲۱) نفر و در سایر استانها (۱۴) نفر از افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروههای مختلف اجتماعی (روحانیون ، اساتید دانشگاه ، پزشکان ، مهندسان ، نویسندگان و روزنامه نگاران و کلاهی دادگستری ، دبیران و آموزگاران ، اصناف ، کارمندان ، کارگران ، کشاورزان ، هنرمندان و بسیجیان به عنوان اعضای هیات منصفه انتخاب می کند.

تبصره ۱ - چنانچه مفاد موضوع این ماده در مهلت مقرر انجام نشود، رییس کل دادگستری مکلف می باشد نسبت به دعوت از افراد یاد شده و انتخاب هیات منصفه اقدام نماید. تبصره ۲ - چنانچه به هر دلیلی اعضای هیات منصفه به ده نفر یا کمتر برسد، هیات مذکور در این ماده موظف است ظرف یک ماه تشکیل جلسه داده و نسبت به تکمیل اعضای هیات منصفه اقدام نماید. ماده ۳۷ -

اعضای هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند: ۱ - داشتن حداقل سی سال سن و تاهل ۲ - نداشتن سابقه محکومیت موثر کیفری ۳ - اشتغال به امانت صداقت و حسن شهرت ۴ - صلاحیت علمی و آشنایی با مسایل فرهنگی و مطبوعاتی ماده ۳۸ - پس از انتخاب اعضای هیات منصفه موضوع ماده (۳۶) این قانون مراتب توسط رییس کل دادگستری استان به اعضا ابلاغ می گردد. دادگاه رسیدگی کننده به جرایم مطبوعاتی ، حداقل یک هفته قبل از زمان رسیدگی از تمامی اعضای هیات منصفه دعوت می کند تا در جلسه محاکمه حضور یابند. دادگاه با حضور حداقل هفت نفر از اعضای هیات منصفه رسمیت خواهد یافت اکثریت آرا حاضران ملاک تصمیم گیری هیات منصفه خواهد بود، اعضای هیات موظفند تا پایان جلسات دادگاه حضور داشته باشند. تبصره ۱ -

تصمیمات هیاتهای نظارت و منصفه با اکثریت مطلق عده حاضر معتبر خواهد بود. تبصره ۲ - چنانچه در دو جلسه رسیدگی به یک پرونده جرم مطبوعاتی ، هیات منصفه به حدنصاب نرسد، دادگاه در جلسه سوم با حضور افراد حاضر حداقل به تعداد پنج نفر رسیدگی می نماید. تبصره ۳ - دبیرخانه هیات منصفه با بودجه و امکانات قوه قضاییه تشکیل و زیر نظر هیات منصفه انجام وظیفه می نماید. ماده ۳۹ - هر یک از اعضای هیات منصفه چنانچه بدون عذر موجه در دو جلسه متوالی یا پنج جلسه متناوب دادگاه حاضر نشود یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند با حکم دادگاه رسیدگی کننده به دو سال محرومیت از عضویت در هیات منصفه محکوم می شود. رای دادگاه قطعی است تبصره - هر یک از اعضای هیات منصفه به علت وجود عذر موجه نتواند در جلسه دادگاه حضور یابد موظف است دو روز قبل از جلسه دادرسی عذر خود را کتبا و به طور مستدل به استحضار دادگاه برساند ، در غیر این صورت عذر وی غیر موجه محسوب می گردد مگر عذرهایی که در این فاصله تا جلسه دادگاه حادث شده باشد در هر حال موظف است عذر خود را به دادگاه اعلام نماید. عذر موجه همان است که در آیین دادرسی احصا گردیده است ماده ۴۰ - اعضای هیات منصفه در ابتدای اولین جلسه حضور خود در دادگاه به خداوند متعال و د برابر قرآن کریم سوگند یاد می کنند بدون در نظر گرفتن گرایشهای شخصی یا گروهی و با رعایت صداقت ، تقوی و امانت داری در راه احقاق حق و ابطال باطل انجام وظیفه نمایند.

ماده ۴۱ - موارد رد اعضای هیات منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است ماده ۴۲ - هرگاه در حین محاکمه ، اعضای هیات منصفه سوالاتی داشته باشند ، مراتب را کتبا جهت طرح ، تسلیم رییس دادگاه می نمایند. ماده ۴۳ - پس از اعلام ختم رسیدگی بلافاصله اعضای هیات منصفه به شور پرداخته و نظر کتبی خود را در دو مورد زیر به دادگاه اعلام می دارند:

الف - متهم بزهکار است یا خیر؟ ب - در صورت بزهکاری آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ تبصره ۱ - پس از اعلام نظر هیات منصفه دادگاه در خصوص مجرمیت یا برائت متهم اتخاذ تصمیم نموده و طبق قانون مبادرت به صدور رای می نماید. تبصره ۲ - در صورتی که تصمیم هیات منصفه بر بزهکاری باشد دادگاه می تواند پس از رسیدگی رای بر برائت صادر کند. تبصره ۳ - در صورتی که رای دادگاه مبنی بر مجرمیت باشد، رای صادره طبق مقررات قانونی قابل تجدیدنظرخواهی است در رسیدگی مرحله تجدیدنظر حضور هیات منصفه لازم نیست تبصره ۴ - حضور هیات منصفه در تحقیقات مقدماتی و صدور قرارهای قانونی لازم نیست ماده ۴۴ - هرگاه حکم دادگاه مبنی بر برائت یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورتی که قبلا توقیف

شده باشد بی درنگ رفع توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن بلامانع می باشد.

### فصل هشتم - موارد متفرقه ( ماده ۴۵ تا ۴۸ )

ماده ۴۵ - نظارت دقیق بر عملکرد جراید و انجام رسالت مطبوعاتی آنان بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است این امر مانع از انجام وظایف مستقیم هیات نظارت نخواهد بود. ماده ۴۶ - صاحب امتیاز و مدیر مسوول موظفند کلیه کارکنان نشریه را بیمه نمایند تا در صورتی که به حکم دادگاه یا رأی هیات نظارت یا به هر دلیل دیگر نشریه تعطیل گردید، تا زمان اشتغال مجدد طبق مقررات قانون کار حقوق قانونی آنان پرداخت شود. ماده ۴۷ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف حداکثر شش ماه توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۴۸ - این قانون از جمله در مورد نحوه تشکیل هیات نظارت و هیات منصفه از تاریخ تصویب لازم الاجرا است و نیز از تاریخ تصویب ، کلیه قوانین مغایر با آن از جمله لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۲۵/۵/۱۳۵۸ شورای انقلاب لغو می گردد.

### قانون ترجمه و تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی - مصوب دیماه ۱۳۵۲ - ( ماده ۱ تا ۱۲ )

مصوب دیماه ۱۳۵۲ ماده ۱ - حق تکثیر یا تجدید چاپ و بهره برداری و نشر و پخش هر ترجمه‌ای با مترجم یا وارث قانونی او است مدت استفاده از این حقوق که به وراثت منتقل می شود از تاریخ مرگ مترجم سی سال است حقوق مذکور در این ماده قابل انتقال به غیر است و انتقال گیرنده از نظر استفاده از این حقوق قائم مقام انتقال دهنده برای استفاده از بقیه مدت از این حق خواهد بود. ذکر نام مترجم در تمام موارد استفاده الزامی است ماده ۲ - تکثیر کتب و نشریات به همان زبان و شکلی که چاپ شده به قصد فروش یا بهره برداری مادی از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب حق ممنوع است ماده ۳ - نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر آثار صوتی که بر روی صفحه یا نوار یا هر وسیله دیگر ضبط شده است بدون اجازه صاحبان حق یا تولیدکنندگان انحصاری یا قائم مقام قانونی آنان برای فروش ممنوع است حکم مذکور در این ماده شامل نسخه برداری یا ضبط یا تکثیر از برنامه های رادیو و تلویزیون یا هر گونه پخش دیگر نیز خواهد بود. ماده ۴ - صفحات یا نوارهای موسیقی و صوتی در صورتی حمایت می شود که در روی هر نسخه یا جلد آن علامت بین المللی پ لاتین در داخل دایره و تاریخ انتشار و نام و نشانی تولیدکننده و نماینده انحصاری و علامت تجارتي ذکر شده باشد. ماده ۵ - تکثیر و نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون به منظور استفاده در کارهای مربوط به آموزش یا تحقیقات علمی مجاز خواهد بود مشروط بر این که جنبه انتفاعی نداشته باشد و اجازه نسخه برداری از آنها قبلا به تصویب وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی رسیده باشد. تبصره - نسخه برداری از کتب و نشریات و آثار صوتی موضوع مواد دو و سه این قانون در صورتی که برای استفاده شخصی و خصوصی باشد، بلامانع است ماده ۶ - در مورد تکثیر کتب و نشریات و آثار صوتی حمایتهای مذکور در این قانون به شرط وجود عهدنامه یا معامله متقابل نسبت به اتباع سایر کشورها نیز جاری است ماده ۷ - اشخاصی که عالما و عامدا مرتکب یکی از اعمال زیر شوند علاوه بر تادیه خسارات شاکی خصوصی به حبس جنحه‌ای از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد: ۱ - کسانی که خلاف مقررات مواد یک و دو و سه این قانون عمل کنند. ۲ - کسانی که اشیای مذکور در ماده ۳ را که به طور غیرمجاز در خارج تهیه شده به کشور وارد یا صادر کنند. ماده ۸ - هرگاه متخلف از این قانون شخص حقوقی باشد علاوه بر تعقیب جزایی شخص حقیقی مسوول که جرم ناشی از تصمیم او باشد خسارات شاکی خصوصی از اموال شخص حقوقی جبران خواهد شد. در صورتی که اموال شخص حقوقی به تنهایی تکافو نکند مابه التفاوت از اموال شخص حقیقی مسوول جبران می شود. ماده ۹ - مراجع قضایی مکلفند ضمن رسیدگی به شکایت شاکی خصوصی به تقاضای او نسبت به جلوگیری از نشر و پخش و عرضه کتب و نشریات و آثار صوتی



امنیتی تبصره ۲- وزارت ارشاد اسلامی مجاز است در زمینه‌های علمی و فنی (با تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی و در زمینه‌های فرهنگی در صورت تشخیص اجازه انتشار یک نشریه در هر رشته و در صورت ضرورت بیش از یک نشریه از محل اعتبارات مربوط به دستگاه ذی ربط را بدهد. تبصره ۳- بهای نشریات و جزوات فوق با جلب نظر وزارتخانه‌ها و موسسات مذکور با احتساب هزینه‌های مربوط به مواد اولیه، دستمزد، پرسنل شاغل و هزینه‌های چاپ پس از وصول به حساب درآمد عمومی کشور واریز خواهد شد. تبصره ۴- وزارت ارشاد اسلامی موظف است نسبت به عملکرد وزارتخانه‌ها، سازمانها، نهادهای مذکور در این قانون نظارت کامل داشته با مشاهده تخلف جهت تعقیب قانونی مورد یا موارد را به مراجع صالحه قضایی احاله داده و نتیجه را از طریق کمیسیون ارشاد اسلامی مجلس به اطلاع نمایندگان مجلس برساند. تبصره ۵- هرگونه هزینه و تخلف از این قانون در حکم تصرف غیر مجاز در اموال دولتی می‌باشد. تبصره ۶- وزارت ارشاد اسلامی مکلف است آیین‌نامه اجرایی این قانون را ظرف ۴ ماه پس از ابلاغ تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند.

### قانون ممنوعیت به کارگیری اسامی، عناوین و اصطلاحات بیگانه ( ماده واحده )

ماده واحده - به منظور حفظ قوت و اصالت زبان فارسی به عنوان یکی از ارکان هویت ملی ایران و زبان دوم عالم اسلام و معارف و فرهنگ اسلامی دستگاههای قانونگذاری، اجرایی و قضایی کشور و سازمانها، شرکتها و موسسات دولتی و کلیه شرکتهایی که شمول قوانین و مقررات عمومی بر آنها مستلزم ذکر نام است و تمامی شرکتها، سازمانها و نهادهای مذکور در بند (د) تبصره (۲۲) قانون برنامه دوم توسعه موظفند از به کار بردن کلمات و واژه‌های بیگانه در گزارشها و مکاتبات سخنرانی‌ها، مصاحبه‌های رسمی خودداری کنند و همچنین استفاده از این واژه‌ها بر روی کلیه تولیدات داخلی اعم از بخشهای دولتی و غیردولتی که در داخل کشور عرضه می‌شود ممنوع است تبصره ۱- فرهنگستان زبان و ادب فارسی باید بر اساس اصول و ضوابط مصوب خود برای واژه‌های مورد نیاز با اولویت واژه‌هایی که کاربرد عمومی دارند راسا یا با همکاری مراکز علمی واژه‌گزینی و یا واژه‌سازی کند و هر شش ماه یکبار گزارش فعالیت‌های خود را به کمیسیون ارشاد و هنر اسلامی و وسایل ارتباط جمعی و حسب مورد سایر کمیسیونهای مجلس شورای اسلامی تقدیم نماید. تبصره ۲- واژه‌هایی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی وضع معادل فارسی را برای آنها ضروری نمی‌داند و نیز کلماتی که هنوز واژه فارسی معادل آنها از سوی فرهنگستان به تصویب نرسیده است از شمول این قانون مستثنی هستند. تبصره ۳- فرهنگستانهای علوم و علوم پزشکی و دستگاه‌های آموزشی و پژوهشی، دانشگاهها و دیگر سازمانهای علمی و فرهنگی مکلفند در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی اقدام کنند و واژه‌های پیشنهادی خود را به تصویب فرهنگستان زبان و ادب فارسی برسانند. تبصره ۴- در مواردی که فرهنگستان زبان و ادب فارسی در زمینه واژه‌گزینی و واژه‌سازی تخصصی خواستار همکاری دستگاهها و مراکز علمی، آموزشی صنعتی و فرهنگی باشد، این دستگاهها و مراکز موظفند با فرهنگستان همکاری کنند. تبصره ۵- کارخانه‌ها، کارگاه‌ها و اماکن تولیدی و خدماتی و تجاری موظفند ظرف مدت دو سال از تاریخ ابلاغ این قانون اسامی تولیدات و ظرف مدت یک سال نام اماکن خود را به نامها و واژه‌های غیربیگانه برگردانند. تبصره ۶- چاپخانه‌ها، مراکز طبع و نشر، روزنامه‌ها و سایر مطبوعات مکلف به رعایت این قانون هستند و در صورت تخلف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موظف است مطابق تبصره هشتم همین قانون با آنها رفتار کند. تبصره ۷- صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران موظف است از به کارگیری واژه‌های نامانوس بیگانه خودداری کند و ضوابط دستوری زبان فارسی معیار را رعایت نماید، سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و کلیه دستگاههای مذکور در ماده واحده موظفند واژه‌های مصوب فرهنگستان زبان و ادب فارسی را پس از ابلاغ در تمامی موارد به کار ببرند. تبصره ۸- تولید و توزیع کنندگان کالاها و صاحبان مراکز کسب و پیشه در صورت تخلف از این قانون به ترتیب به مجازات‌های زیر محکوم خواهند شد: الف- اخطار کتبی توسط وزارت فرهنگ و ارشاد



اسلامی ب - تعویض علایم و نشانه‌ها و تغییر اسامی و عناوین پس از اعلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی توسط وزارت کشور یا دستگاه‌های ذی ربط با هزینه متخلف ج - تعطیل موقت محل کار. د - لغو پروانه کار. تبصره ۹ - نیروی انتظامی موظف است از نصب و استفاده از علایم به زبان و خط بیگانه توسط مراکز تولید، توزیع و صنوف جلوگیری نماید. تبصره ۱۰ - آیین نامه اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه پس از تصویب با پیشنهاد کمیسیون فرهنگی دولت به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و ده تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ چهاردهم آذرماه یک هزار و سیصد و هفتاد و پنج مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۸/۹/۱۳۷۵ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### لایحه قانونی مطبوعات - مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱

#### فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ( ماده ۱ تا ۱۲ )

مصوب ۱۱/۱۱/۱۳۳۱ فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ماده ۱ - روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین بر طبق اجازه نامه طبع و نشر گردد. ماده ۲ - هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس کند باید از وزارت کشور اجازه تحصیل نماید. ماده ۳ - درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد: الف - ایرانی باشد. ب - سن او از ۳۰ سال کمتر نباشد. ج - سابقه محکومیت جنایی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد. د - سواد خواندن و نوشتن فارسی به قدر کفایت داشته باشد. تبصره - در صورتی که موسس یا مدیر روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف یا بند ج) این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از درجه اعتبار ساقط می گردد. ماده ۴ - درخواست کننده اجازه ، علاوه بر مدارک لازمه اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستان ها به فرماندار محل تسلیم خواهد نمود. ۱ - نام و نام خانوادگی موسس و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد. ۲ - محل اداره روزنامه یا مجله ۳ - نام و نشانی چاپخانه‌ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می شود. ۴ - نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه ۵ - عده نسخه هایی که از هر شماره چاپ می شود. ۶ - روش روزنامه یا مجله تبصره - هرگونه تغییری که نسبت به موارد فوق پیش آید مدیر موظف است در ظرف یک هفته به اطلاع وزارت کشور و فرماندار محل برساند. ماده ۵ - درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله هیاتی مرکب از مدیر کل وزارت کشور ، رییس اداره نگارش وزارت فرهنگ و دادستان شهرستان تهران یا نماینده او رسیدگی می شود و نسبت به درخواست هایی که واجد شرایط قانونی باشد اجازه نامه از طرف وزارت کشور صادر خواهد گردید. تبصره ۱ - مدت اعتبار اجازه نامه ها برای شروع انتشار شش ماه است تبصره ۲ - وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه ها و مجلاتی که اجازه آنها صادر شده است با مشخصات هر یک مرتباً ثبت می شود. صدور اجازه به اسامی مکرر یا نامناسب و مستهجن ممنوع است و به هیچ کس برای انتشار روزنامه یا مجله بیش از یک اجازه داده نخواهد شد. ماده ۶ - مدیر هر روزنامه یا مجله باید برای اداره خود دفاتر محاسباتی پلمپ شده برطبق قانون تجارت تهیه نماید که کلیه مخارج و درآمد اداره منظم در آن ثبت گردد و بیلان سالیانه درآمد و مخارج خود را به گواهی دادستان یا نماینده او رسانیده و در اولین شماره ماه سوم سال بعد برای اطلاع عامه انتشار دهد. دادستان شهرستان یا نماینده او موظف است لااقل شش ماه یکبار دفاتر مزبور را بازرسی و امضاء نماید. ماده ۷ - هر روزنامه و یا مجله ممکن است علاوه بر موسس ، مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد، در این صورت مدیر و سردبیر باید واجد شرایط مقرر در ماده سوم باشد. ماده ۸ - در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی

موسس و در صورتی که مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد نام و نام خانوادگی مدیر و سردبیر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای که در آن به طبع می‌رسد قید شود. در مورد کتب و رسالات نیز نام مولف یا مترجم و ناشر و همچنین نام و نشانی چاپخانه ای که در آن به چاپ رسیده پشت کتاب یا رساله باید چاپ شود. تبصره - مدیر هر روزنامه یا مجله مکلف است یک نسخه از روزنامه یا مجله خود را برای دادستان شهرستانی که روزنامه یا مجله در آن حوزه چاپ می‌شود مستقیماً و یا به وسیله پست سفارشی دو قبضه فرستاده و رسید بگیرد. ماده ۹ - وزارتخانه ها و موسسات دولتی و بنگاه‌هایی که دارای شخصیت حقوقی هستند در صورتی که بخواهند نشریه مرتبی داشته باشند باید مدیر واجد شرایط معرفی کنند. ماده ۱۰ - اجازه‌نامه روزنامه ها و مجلاتی که تا تاریخ تصویب این لایحه یک سال تمام مرتب منتشر شده باشند به قوت خود باقی هستند وزارت فرهنگ مکلف است در ظرف یک ماه از تصویب این لایحه قانونی فهرست آنها را با اطلاعات لازمه نسبت به هر یک با دقت تهیه و به وزارت کشور بفرستد. مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که یک سال تمام منتشر نشده اند می‌توانند در ظرف یکماه از تاریخ اجرای این لایحه قانونی درخواست خود را بر طبق مواد ۳ و ۴ به وزارت کشور تسلیم نمایند و وزارت کشور مکلف است در ظرف ۲ ماه تکلیف این درخواست‌ها را معلوم نماید. مدیران روزنامه‌ها و مجلاتی که بر طبق این ماده عمل نکنند و یا درخواست آنان با مواد ۳ و ۴ منطبق نباشد، اجازه نامه آنان برای انتشار روزنامه یا مجله از درجه اعتبار ساقط است ماده ۱۱ - هیچ کس نمی‌تواند اجازه نامه روزنامه یا مجله خود را به دیگری واگذار کند، مگر این که آن شخص واجد شرایط مقرر شده و انتقال به تصدیق وزارت کشور برسد. ماده ۱۲ - در صورت فوت موسس چنانچه در میان وراثت کسی واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراثت و یا قایم مقام قانونی آنان در صورت تقاضا اجازه به نام او صادر می‌شود والا وراثت می‌تواند با معرفی مدیر واجد شرایط و تصویب وزارت کشور آن روزنامه یا مجله را منتشر نمایند.

### فصل دوم - حق جوابگویی آیین نامه های مطبوعاتی ( ماده ۱۳ تا ۱۴ )

ماده ۱۳ - موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هرگاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار مخالف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتبا برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحات و جواب‌ها را که بیش از میزان مطلب اصلی نباید باشد در همان صفحه و با حروفی که مطلب اصلی را چاپ کرده مجانا و بلا تاخیر به طبع برساند و نسبت به زاید بر آن میزان جواب دهنده حق الطبع معمولی را خواهد پرداخت همین تکلیف شامل روزنامه ها و مجلاتی که مطالب مشتمل بر تهمت و افترا یا با اخبار مخالف واقع از مطبوعات دیگر نقل نمایند خواهد بود. در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب، مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جواب‌های مجدد برای معترض محفوظ خواهد بود. ماده ۱۴ - وزارتخانه های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه های طبع کتب و رسالات و اعلانات و کتاب‌فروشی‌ها و توزیع جراید و روزنامه فروش‌ها و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آیین نامه های لازم را تهیه و به هیئت وزیران پیشنهاد نمایند در این آیین نامه ها برای توزیع و فروش روزنامه ها و مجلات و رسالاتی که به زبان‌های خارجی یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

### فصل سوم جرایم مطبوعاتی ( ماده ۱۵ تا ۲۹ )

ماده ۱۵ - اشخاصی که به وسیله نشر مقالات و یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه

تا سه سال محکوم می‌شوند: الف - کسانی که مردم را صریحا تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند. ب - کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند. در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرایم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف و ب) به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون همان جرم پیش بینی شده است ماده ۱۶ - اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۷ - هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به سه ماه تا یک سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. ماده ۱۸ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله یا کتاب مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثر بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی یا پرداخت دو هزار تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۱۹ - هر کس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در مواد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحا تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از ۵ هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۲۰ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله به مقام سلطنت یا شخص شاه توهین کند به مجازات مندرج در بند یک ماده (۸۱) قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود. ماده ۲۱ - هر کس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکوره نسبت به ایران معامله متقابل شود. ماده ۲۲ - در جرایمی که ذیلا ذکر می‌شود: الف - انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه ب - انتشار صور قبیحه ج - انتشار آگهی‌ها یا عکس‌هایی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانونا انتشار آنها ممنوع است مرتکب به تادیبه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۳ - هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبتهای توهین آمیز درزندگی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از نویسندگان یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا ۶ ماه حبس تادیبی و یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد. تبصره - در موارد فوق شاکی می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارد آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارات را تعیین و مورد حکم قرار دهد. تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکوره در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاک یا بازاریان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید. ماده ۲۴ - هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشا سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۵ - هر کس به وسیله مطبوعات به وزرا یا معاونین وزارتخانه‌ها و یا به یکی از مستخدمین دولت اعم از قضایی و اداری و لشکری و اعضا دیوان محاسبات و نمایندگان مجلس و روسا و اعضا انجمن‌های شهرداری یا ایالتی و ولایتی یا نسبت به اعضا هیات منصفه و یا اعضا اطاق بازرگانی و یا مقامات رسمی دیگر به سبب انجام وظایف محوله به آنان اهانت نماید و یا آنان را در انجام وظایفشان مورد تهمت و افترا قرار دهد به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. در مورد این ماده و همچنین در مورد ماده ۲۳ پس از شروع تحقیقات قانونی دادستان به متهم اخطار خواهد کرد مادام که تحت تعقیب کیفری است از نشر هر

نوع مطلب مربوط به اهانت و یا افترا درباره شاکی خودداری نماید در صورتی که متهم به اخطار دادستان ترتیب اثر ندهد دادستان می تواند امر به توقیف روزنامه یا مجله صادر کند. متهم نیز می تواند از این دستور دادستان به دادگاه شهرستان محل شکایت نماید. دادستان موظف است فوراً پرونده را به دادگاه بفرستد و دادگاه باید در ظرف ۳ روز پس از وصول پرونده به شکایت رسیدگی و رای مقتضی صادر کند. چنانچه دادگاه نظر دادستان را تایید نماید دیگر آن روزنامه یا مجله تا زمانی که متهم تحت تعقیب کیفری است قابل انتشار نخواهد بود. تبصره - افترا و تهمت مذکور در این ماده بدون شکایت شاکی خصوصی قابل تعقیب است در صورتی که اسناد دهنده صحت امور منتسبه را در دادگاه ثابت نماید از مجازات معاف است متهم باید پس از تعقیب منتهی در ظرف ده روز مدارک و شهود خود را برای اثبات نسبت هایی که داده است تسلیم و معرفی نماید در صورتی که متهم دلایل اثبات اسناد خود را به دادسرا بدهد. دلایل اواخذ و ضمیمه پرونده شده پس از صدور قرار مقتضی به دادگاه جنایی ارسال می گردد تا ضمن رسیدگی به اتهام متهم بدلائل تقدیمی او نیز رسیدگی شود. ماده ۲۶ - هر کس به وسیله مطبوعات به اقلیت های مذهبی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا ۵ هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۷ - هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یا کلیشه روزنامه دیگر تقلید نماید که سو استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا ۵ هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد. شاکی خصوصی می تواند خسارات خود را مطالبه نماید دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند. ماده ۲۸ - در کلیه جرایم مذکور در مواد فوق مدیر یا نویسنده مورد تعقیب قرار خواهد گرفت ولی هرگاه نویسنده معروف و مقیم ایران باشد مدیر از تعقیب معاف است و اگر مدیر از معرفی نویسنده عاجز باشد یا خودداری کند و یا نویسنده قابل تعقیب جزایی نباشد خود مدیر تعقیب و مجازات خواهد شد. ماده ۲۹ - در کلیه موارد مذکور در مواد فوق آنجا که جرم جنبه هتک حرمت یا توهین و یا افترا نسبت به اشخاص دارد تعقیب مرتکب منوط به شکایت شاکی خصوصی یا نماینده قانونی او است و در صورت استرداد شکایت تعقیب موقوف خواهد شد.

### فصل چهارم - تخلفات ( ماده ۳۰ تا ۳۳ )

ماده ۳۰ - هر کس بر خلاف مواد ۲ یا ۱۰ یا ۱۱ یا ۱۲ و تبصره ۱ ماده پنجم این لایحه قانونی مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند به پرداخت دوهزار تا ده هزار ریال محکوم می شود. تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه و یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی مرتکب به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود. ماده ۳۱ - هر کس برخلاف ماده شش یا هشت یا سیزده این لایحه قانونی اقدام کند به پرداخت یک هزار تا پنج هزار ریال یا دو ماه تا شش ماه حبس تادیبی محکوم می شود. ماده ۳۲ - مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۸ مراعات نشده باشد قابل انتشار نیست و در صورت اقدام به انتشار از طرف مامورین انتظامی جمع آوری و ضبط خواهد شد. در صورتی که نام چاپخانه و یا سایر نام های مذکور در ماده ۸ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به حداکثر مجازات مذکوره در ماده ۳۱ محکوم می شود همین مجازات درباره مدیر آن چاپخانه هائی که ماده ۸ را رعایت نکنند اعمال می شود. ماده ۳۳ - نشریه ای که مشمول ماده اول این لایحه قانونی نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است

### قانون محل دفاتر روزنامه و مجله ( ماده واحده )

ماده واحده - تاسیس دفاتر مطبوعات موضوع ماده (۱) قانون مطبوعات مصوبه ۲۲/۱۲/۱۳۶۴ و نیز فعالیت شغلی صاحبان روزنامه ها و مجله ها در واحد مسکونی مستقل و یا مجتمعی که به طورک امل در اختیار روزنامه و مجله قرار گیرد و همچنین ساختمان های

اداری و تجاری و استیجاری بلامانع است تبصره - آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی ظرف سه ماه تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده و یک تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سیزدهم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۳/۲/۱۳۷۷ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ ( ماده ۱ تا ۱۱ )

مصوب بهمن ماه ۱۳۷۳ ماده ۱ - به موجب این قانون ورود ، توزیع و استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره جز در مواردی که قانون تعیین کرده است ممنوع می باشد. ماده ۲ - وزارت کشور موظف است با استفاده از نیروهای انتظامی و یا نیروی مقاومت بسیج در اسرع وقت نسبت به جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره اقدام نماید. تبصره - مهلت جمع آوری تجهیزات موجود دریافت از ماهواره از تاریخ تصویب این قانون یک ماه می باشد. بعد از انقضای مهلت مذکور استفاده کنندگان به مجازاتهای تصریح شده در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۳ - وزارت کشور موظف است با هماهنگی وزارت اطلاعات با وسایل ممکن نسبت به جلوگیری از ورود و توزیع تجهیزاتی که صرفاً برای دریافت از ماهواره مورد استفاده قرار می گیرد اقدام نماید و ضمن توقیف وسایل فوق عاملین آن را با وسایل توقیفی به مراجع صالحه قضایی معرفی نماید. نحوه هماهنگی در آیین نامه اجرایی مشخص خواهد شد. تبصره - کلیه کالاهای ضبط و مصادره شده موضوع این قانون جهت توسعه پوشش رادیو و تلویزیونی کشور در اختیار سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۴ - کلیه دستگاههای فرهنگی کشور موظفند اثرات مخرب استفاده از برنامه های منحرف کننده را در جامعه تبیین نمایند. ماده ۵ - سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی (موسسه رسانه های تصویری می توانند نسبت به ضبط و پخش آن دسته از برنامه های ماهواره که مغایر با ارزشها و مبانی فرهنگ اسلامی و ملی نباشد اقدام نمایند. ماده ۶ - دستگاههای صدا و سیما، پست و تلگراف و تلفن و سازمانهای وابسته از شمول این قانون مستثنی می باشند. تبصره - صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به منظور واردات فرستنده ها، تجهیزات تولید و پخش و لوازم یدکی متعلق به آنها ، مواد اولیه تولید فیلم و سریال از اخذ مجوز ورود و گواهی عدم ساخت وزارتخانه ها و سازمان های دولتی نظیر وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن ، صنایع و بازرگانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سفارش وزارت بازرگانی معاف می باشد. ماده ۷ - دستگاهها و سازمانهایی که برای انجام وظایف قانونی خویش لازم است از تجهیزات دریافت از ماهواره استفاده نمایند باید مجوز لازم را از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با هماهنگی وزارتخانه های اطلاعات و پست و تلگراف و تلفن کسب نمایند. ماده ۸ - وارد کنندگان ، تولید کنندگان و توزیع کنندگان تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه توسط دادگاه ها به مجازات ده تا یکصد میلیون ریال محکوم می گردند. ماده ۹ - استفاده کنندگان از تجهیزات دریافت از ماهواره علاوه بر ضبط و مصادره اموال مکشوفه به مجازات نقدی از یک میلیون تا سه میلیون ریال محکوم می گردند. الف - حمل ، نگهداری ، نصب و تعمیر تجهیزات دریافت از ماهواره ممنوع و مرتکبین به مجازات نقدی از یک تا پنج میلیون ریال محکوم می گردند. ب - وجوه دریافتی بابت مجازات مواد ۸ و ۹ این قانون به خزانه واریز و صد در صد (۱۰۰٪) آن جهت تامین هزینه های اجرای این قانون و مقابله با تهاجم فرهنگی در اختیار وزارتخانه های کشور و فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران قرار داده می شود تا در حدود اعتبارات مصوب بودجه سالانه کل کشور به مصرف برسد. ماده ۱۰ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی با همکاری وزارت پست و تلگراف و تلفن و سازمان های ذیربط موظفند با استفاده از اهرم های حقوقی و بین المللی در جهت حراست از مرزهای فرهنگی کشور و حفظ کیان خانواده علیه برنامه های مخرب و مبتذل ماهواره اقدام لازم را انجام دهند. تبصره - نشر آگهی های تبلیغاتی از طرق مختلف توسط مطبوعات ، صدا و سیما یا تبلیغات شهری که متضمن جواز استفاده از برنامه

های ماهواره می باشد ممنوع است ماده ۱۱ - دولت موظف است ظرف مدت یک ماه از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه اجرایی آنرا تهیه و تصویب نماید.

### قانون هیات منصفه مصوبه دهم خردادماه ۱۳۱۰ ( ماده ۱ تا ۱۴ )

ماده ۱ - رسیدگی به جرم های سیاسی و مطبوعاتی در دیوان جنایی و با حضور هیات منصفه به عمل خواهد آمد. ماده ۲ - جرمی که به وسیله کتاب یا مطبوعات مرتب انتشار واقع شود جرم مطبوعاتی است تبصره - مقصود از مطبوعات مرتب انتشار جریده یا مجله یا مطبوع دیگری است که بنای آن منتشر شدن در ایام و اوقات معینه باشد از قبیل روزنامه یا مجله و امثال آن ماده ۳ - جرم های ذیل جرم مطبوعاتی نبوده و محاکم آن بدون حضور هیات منصفه به عمل خواهد آمد: ۱ - جرم هایی که به وسیله بیانیه یا هر قسم مطبوعات دیگر که به نحو مرتب منتشر نمی شود، به استثنای کتاب وقوع یابد. ۲ - جرم هایی که به وسیله انتشار اعلان به عمل آید ولو این که اعلان در جریده یا مجله یا سایر مطبوعات مرتب انتشار منتشر گردد. ۳ - توهین به پادشاه مملکت ۴ - توهین به روسای ممالک خارجه یا نمایندگان سیاسی آنها در ایران ۵ - اسناد توهین آمیز یا افترا به فردی از نمایندگان ملت یا وزرا و معاونین آنها یا روسا و مستخدمین دربار سلطنتی نسبت به فردی از مأمورین دولتی یا ادارات ، مجلس یا مامورین بلدی و یا نسبت به اعضای انجمن های بلدی و یا اعضا منصفه و یا اعضا اطاق تجارت و یا اعضا انجمن های نظارت انتخابات و یا هیاتی از اشخاص فوق الذکر مشروط بر این که آن اسناد یا افترا به مقام یا شغل اشخاص مذکور ارتباطی نداشته باشد. ۶ - اسناد توهین آمیز یا افترا نسبت به افراد. ۷ - فحش و ناسزا نسبت به هر کس که باشد. ماده ۴ - اعضا هیات منصفه باید دارای شرایط ذیل باشند: ۱ - تابعیت ایران ۲ - خط و سواد فارسی باندازه کافی ۳ - معروفیت و سکونت در محلی که هیات منصفه باید در آنجا تشکیل شود. ۴ - لااقل سی سال سن ۵ - عدم استخدام دولتی یا بلدی با عدم استخدام در ادارات مجلس ۶ - عدم محکوم بجنحه و جنایت ماده ۵ - در نیمه اول بهمن ماه هر سال وزیر عدلیه عده اشخاصی را که در مقرر هر محکمه استیناف برای عضویت هیات منصفه در ظرف سال بعد لازم است معین و اعلان می نماید عده مزبور از پنجاه نفر کمتر نخواهد بود. ماده ۶ - اعضا هیات منصفه به طریق ذیل معین می شوند. در مقرر هر محکمه استیناف حاکم محل و رئیس استیناف و رئیس محکمه بدایت و رئیس انجمن بلدی و رئیس اطاق تجارت در نقاطی که اطاق تجارت تشکیل شده باشد عده را که برای عضویت هیات منصفه در طرف سال لازم است و وزیر عدلیه مطابق ماده فوق معین نموده در اسفند ماه هر سال از میان اشخاصی که دارای شرایط مقرر در این قانون می باشند برای سال بعد معین می کنند. در هر موقعی که تشکیل هیات منصفه لازم باشد محکمه استیناف در جلسه علنی و با حضور مدعی العموم استیناف پنج نفر را به سمت عضو اصلی و پنج نفر را به سمت عضویت علی البدل از میان اشخاصی که به طریق فوق معین شده اند به حکم قرعه انتخاب می کند تا در حین رسیدگی به جرمی که هیات منصفه در مورد آن تشکیل می شود حضور داشته باشد. ماده ۷ - اعضا هیات منصفه باید مادام که اعلان ختم محاکمه نشده است در تمام مدت جلسه محکمه حضور داشته باشند و اگر یک یا چند نفر از اعضا اصلی هیات منصفه حاضر نباشند یک یا چند نفر از اعضا علی البدل به حکم قرعه قایم مقام آنها می شوند. ماده ۸ - پس از اعلام رای محکمه در صورتی که دایر به مجازات متهم باشد هیات منصفه بلافاصله به اطاق مشاوره رفته و عقیده خود را اگر مبنی بر عدم تقصیر یا بر وجود موجبات تخفیف باشد با ذکر دلایل کتبا اظهار خواهند نمود. ماده ۹ - اظهار عقیده هیات منصفه بر بی تقصیری متهم موجب اعاده محاکمه است مگر این که آخرین هیات منصفه که اظهار عقیده کرده متهم را بی تقصیر ندانسته باشد. در مورد فوق اعاده محاکمه به تقاضای وزیر عدلیه به عمل خواهد آمد و وزیر عدلیه مکلف آن تقاضا است ماده ۱۰ - هر گاه هیات منصفه موجباتی برای تخفیف مجازات ذکر کرده باشد وزیر عدلیه در صورت قطعیت حکم محکومیت مطابق قانون استدعای تخفیف خواهد کرد، مگر این که آخرین هیات منصفه که اظهار عقیده کرده قایل به وجود موجبات تخفیف نشده باشد. ماده ۱۱ - محاکمه وزرا راجع به تقصیرات

سیاسی در محکمه منصفه که به طریق ذیل تشکیل می شود به عمل خواهد آمد. هیات منصفه دیوان تمیز عده را مساوی یا عده خود با حضور مدعی العموم کل از میان اشخاصی که به طریق مذکور در قسمت اول ماده ۶ این قانون تعیین شده اند به حکم قرعه برای عضویت اصلی هیات منصفه و به همان عده از اشخاص برای عضویت علی البدل معین خواهد کرد. محکمه منصفه از هیات عمومی دیوان تمیز وعده مساوی یا آن از اعضا هیات منصفه تشکیل شده و مطابق مقررات اصول محاکمات جزایی رسیدگی می نماید پس از اعلان ختم محاکمه بلافاصله مشاوره نموده ، رای خود را دایر به تبریه یا مجرمیت متهم و تشخیص جرم خواهد داد ولی صدور حکم فقط با هیات عمومی دیوان عالی تمیز خواهد بود. در صورت تساوی آرا رای بر له متهم به منزله رای اکثریت بوده و حکم بر طبق آن صادر می شود. حکم محکمه منصفه قطعی است ماده ۱۲ - کسی که به سمت عضویت اصلی یا علی البدل هیات منصفه معین گردید نمی تواند بدون عذر موجه از قبول آن استنکاف نموده و یا به تکلیف مقرر در ماده ۷ راجع به حضور در تمام مدت جلسه محاکمه عمل نکند. متخلف به حکم محکمه حاکمه به تادیبه یک الی ۵ تومان محکوم خواهد شد. این حکم را محکمه رأسا و یا به تقاضای مدعی العموم صادر می کند تشخیص موجه یا غیرموجه بودن عذر با محکمه حاکمه است ماده ۱۳ - برای سال ۱۳۱۰ وزیر عدلیه وظیفه مقرر در ماده ۵ را تا نیمه خرداد ماه و اشخاص مذکور در ماده ۶ وظیفه مقرر در آن ماده را در ظرف تیر ماه انجام خواهند داد. ماده ۱۴ - ماده ۹ و ۱۰ قانون محاکمه وزرا و هیات منصفه مصوب ۱۶ تیر ماه ۱۳۰۷ و تبصره های آن دو ماده فسخ و این قانون از دهم خرداد ماه ۱۳۱۰ به موقع اجرا گذارده می شود. نظر به ماده ۵ و ماده ۱۳ قانون هیات منصفه مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰/۳/۱۸ مقرر می دارد: ماده ۱ - عده اشخاصی که در سال ۱۳۱۰ برای عضویت هیات منصفه لازم است به طریق ذیل معین می گردد: ۱ - برای ناصری - همدان - اصفهان - هر یک پنجاه نفر ۲ - برای مشهد - شیراز - کرمان هر یک ۷۵ نفر ۳ - برای تبریز و طهران ۱۰۰ نفر ماده ۲ - رییس استیناف هر یک از نقاط مذکور فوق باید در ظرف پنج روز اول تیرماه ۳۱۰ برای انجام وظیفه که به موجب ماده شش قانون هیات منصفه مصوب ۲۹ اردیبهشت ۱۳۱۰ به عهده او می باشد اقدام نموده به اشخاص و یا مقامات مربوطه اطلاع دهد تا کسانی که موافق قانون مزبور واجد شرایط عضویت هیات منصفه می باشد و به عده که فوقا برای مقرر استیناف معین شده است قبل از آخر هر ماه معین کنند و اسامی آنها اعلان گردد. داور - مهر وزارت عدلیه اعظم

### قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت های غیر مجاز می نمایند - مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲

مصوب بهمن ماه ۱۳۷۲ ماده ۱ - هر شخصی که مبادرت به هر گونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیر مجاز به جای آثار مجاز نماید و یا موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن برحسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه به صاحبان اثر به جریمه نقدی از دو میلیون ریال تا بیست میلیون ریال محکوم می شود. تبصره - در مرحله تشخیص عمل ارتكابی دادگاه می تواند نظر کارشناسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد. ماده ۲ - هر گونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع تکثیر و عرضه نوارهای صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. متخلفین از این امر به جریمه نقدی از یک میلیون تا ده میلیون ریال محکوم خواهند شد. تبصره ۱ - نیروهای انتظامی موظفند ضمن ممانعت از فعالیت این گونه افراد و مراکز نسبت به پلمپ این گونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضایی اقدام نمایند. تبصره ۲ - در خصوص شخصیت های حقوقی ، بالاترین مقام اجرایی تصمیم گیر مسوول خواهد بود. ماده ۳ - عوامل تولید ، توزیع ، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیر مجاز اعم از این که عوامل مذکور مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته باشند و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای محصول حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازات های مشروحه ذیل محکوم خواهند شد: الف - عوامل اصلی تولید ، تکثیر و توزیع

عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون ریال جریمه نقدی و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون ریال محکوم خواهند شد و در هر حال چنانچه از مصادیق افساد فی الارض شناخته شود به مجازات آن محکوم می گردند. تبصره ۱ - عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از: تهیه کننده ( سرمایه گذار ) ، کارگران ، فیلمبردار ، بازیگران نقش های اصلی تبصره ۲ - تعداد نوار بیش از ( ده نسخه ) به عنوان ( عمده ) تلقی می گردد. تبصره ۳ - سایر عوامل تولید ، تکثیر و توزیع موضوع بند (الف) به مجازات شلاق تا ۷۴ ضربه و یا جزای نقدی از یک میلیون تا پنجاه میلیون ریال محکوم می شوند. تبصره ۴ - تکثیر و توزیع کنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه (موضوع بند (الف) حسب مورد به جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال یا ۳۰ تا ۷۴ ضربه شلاق محکوم خواهند شد. تبصره ۵ - آثار سمعی و بصری ( مستهجن ) به آثاری گفته می شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد. ب - تهیه و توزیع و تکثیر کنندگان نوارها و دیسکتهای شو و نمایشهای مبتذل در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون ریال تا ده میلیون ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون ریال تا سی میلیون ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس یا ده میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوط بنا به مراتب به عنوان تعزیر محکوم می شوند. تبصره ۱ - آثار سمعی و بصری ( مبتذل ) به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنه ها و صور قبیحه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه گیری کند. تبصره ۲ - دارندگان نوارها و دیسکت های مستهجن و مبتذل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار تا پنج میلیون ریال و نیز ضبط تجهیزات و نوارها محکوم خواهند شد. ضمناً لازم است نوارها و دیسکتهای مکشوفه امحا گردد. تبصره ۳ - استفاده از صغار برای نگهداری ، نمایش عرضه فروش و تکثیر نوارهای غیر مجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازات های مقرر برای عامل خواهد بود. ماده ۴ - رسیدگی به جرایم مشروحه موضوع این قانون در صلاحیت دادگاههای انقلاب است ماده ۵ - کلیه وسایل و تجهیزات مربوطه که براساس این قانون از محکومین ضبط می گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل می شود در خصوص وسایل و تجهیزات تحصیل شده از سوی مراجع ذی صلاح در شهرستانها نیز به همین نحو عمل می شود.

### لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۴

#### فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ( ماده ۱ تا ۸ )

نقل از شماره ۳۰۷۳-۷/۶/۳۴-۷/۶/۳۴ روزنامه رسمی فصل اول تعریف و تاسیس روزنامه و مجله ماده ۱ - روزنامه یا مجله نشریه ایست که برای روشن ساختن افکار مردم در زمینه های مختلف اجتماعی و سیاسی یا علمی و فنی و یا ادبی و ترقی دادن سطح معلومات عامه و نشر اخبار و اطلاعات و مطالب عام المنفعه و انتقاد و صلاح اندیشی در امور عمومی به طور منظم و در مواقع معین طبع و نشر گردد. تبصره - نشر فوق العاده اختصاص به روزنامه ها و مجله هایی دارد که به طور مرتب منتشر می شود. ماده ۲ - هر کس بخواهد روزنامه یا مجله تاسیس نماید از وزارت کشور اجازه بگیرد. ماده ۳ - درخواست کننده اجازه باید دارای شرایط ذیل باشد: الف - ایرانی باشد. ب - سن او از سی سال کمتر نباشد. ج - سابقه محکومیت جنایی و یا محکومیت جنحه که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد نداشته و محجور نباشد. د - لااقل لیسانس باشد و یا از فضلا و دانشمندانی باشد که مراتب فضل و دانش آنها از نظر روزنامه نگاری از طرف شورای عالی فرهنگ گواهی شده باشد. ه - معروف به درستی و امانت و دارای حسن شهرت و صلاحیت اخلاقی برای روزنامه نگاری باشد. و - توانایی مالی اداره کردن حداقل سه ماه نشریه مورد تقاضا را داشته باشد. تشخیص این موضوع به عهده



کمیسیون مندرج در ماده ۵ می‌باشد. تبصره ۱- برای اجرای مفاد بند (ه) در تهران کمیسیونی مندرج در ماده (۵) مراتب را از وزارت کشور استعلام و رسیدگی می‌نماید و در شهرستان ها کمیسیونی مرکب از استاندار یا فرماندار محل و دادستان شهرستان یا نماینده او و رییس فرهنگ محل و دو نفر از نمایندگان انجمن شهر و در صورت نبودن انجمن دو نفر از معتمدین محل (بر طبق دعوت استاندار یا فرماندار) به اطلاعات مکتسبه رسیدگی و اظهار نظر می‌نماید. تبصره ۲- در صورتی که موسس روزنامه یا مجله فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف یا بند (ج این ماده بشود اجازه انتشار روزنامه یا مجله او از طرف وزارت کشور لغو می‌گردد و چنانچه فاقد شرط مندرج در بند این ماده بشود در تهران کمیسیون مندرج در ماده (۵) و در شهرستان ها به کمیسیون مندرج در تبصره یک موضوع ارجاع و چنانچه رای کمیسیون مبنی بر لغو امتیاز باشد محکوم علیه می‌تواند به دادگاه استان محل شکایت نماید. حکم دادگاه استان در این مورد قطعی است تبصره ۳- امتیازاتی که تا این تاریخ برای روزنامه ها و مجلات داده شده به قوت خود باقی است، به شرط اینکه در چهار سال اخیر لااقل یک سال مرتباً منتشر شده باشد و صلاحیت اخلاقی صاحب امتیاز مورد تصویب کمیسیون مندرج در ماده ۵ این قانون واقع گردد نظر این کمیسیون در این مورد قطعی است تبصره ۴- مدیر یا سر دبیر روزنامه یا مجله باید واجد شرایط مذکور در بندهای (الف)، (ب)، (ج)، (د) و (ه) باشد و در صورتی که فاقد یکی از شرایط مذکور در بند (الف یا (ج یا (ه) این ماده بشود نسبت به وی طبق تبصره ۲ همین ماده عمل خواهد شد. تبصره ۵- مستخدمین دولت و بنگاه هایی که با سرمایه دولت تشکیل شده یا می‌شود و همچنین مستخدمین شهرداری ها مادامی که شاغل خدمت می‌باشند، حق داشتن امتیاز و انتشار روزنامه یا مجله نخواهند داشت مگر مجله علمی- ادبی- فنی و هنری ماده ۴- درخواست کننده امتیاز علاوه بر مدارک لازم اظهارنامه ای شامل اطلاعات ذیل در تهران به وزارت کشور و در شهرستان ها به فرمانداری محل تسلیم خواهد نمود. ۱- نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و همچنین نام و نام خانوادگی مدیر و یا سردبیر اگر مدیر و سردبیر جداگانه داشته باشد با ذکر نشانی کامل منزل ۲- محل اداره روزنامه یا مجله ۳- نام و نشانی چاپخانه ای که روزنامه یا مجله در آن چاپ می‌شود. ۴- نام روزنامه یا مجله و ترتیب چاپ آن که یومیه است یا هفتگی یا ماهانه ۵- عده نسخه هایی که از هر شماره چاپ می‌شود. ۶- روش روزنامه یا مجله تبصره ۱- هرگونه تغییری که صاحب امتیاز بخواهد نسبت به موارد ۱- ۴ و ۶ بدهد باید قبلاً موافقت وزارت کشور را جلب نماید. تبصره ۲- محل اداره روزنامه یا مجله از لحاظ تخلف و جرایم مطبوعاتی اقامتگاه قانونی صاحب امتیاز شناخته می‌شود و هرگونه اظهار و احضار و ابلاغ به محل مذکور قانونی است ماده ۵- درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله کمیسیون مطبوعات رسیدگی می‌شود و اعضاء این کمیسیون به قرار ذیل است ۱- نماینده عالی رتبه وزارت کشور. ۲- نماینده عالی رتبه وزارت فرهنگ ۳- دادستان استان ۴- یکنفر استاد دانشگاه به انتخاب رییس دانشگاه برای مدت ۲ سال ۵- یک نفر روزنامه نگار که لااقل پنج سال مرتب روزنامه منتشر کرده باشد، به انتخاب وزارت کشور (بعد از تشکیل انجمن روزنامه نگاران که از طرف دولت به رسمیت شناخته شده باشد انتخاب یک نفر روزنامه نویس به عهده انجمن مزبور خواهد بود) تبصره ۱- درخواست های تاسیس روزنامه یا مجله به وسیله کمیسیون مزبور مورد رسیدگی واقع خواهد شد این کمیسیون پس از تشخیص واجد بودن شرایط مذکور در ماده ۳ و تحقیق صلاحیت اخلاقی از هر طریق که مقتضی بداند، تقاضا را قبول یا رد می‌نماید نسبت به درخواست هایی که مورد موافقت واقع می‌شود وزارت کشور امتیاز انتشار روزنامه یا مجله را خواهد داد. کمیسیون مکلف است حداکثر در ظرف سه ماه تصمیم خود را دایر بر رد یا قبول درخواست به متقاضی اعلام نماید و در صورت رد تقاضا متقاضی می‌تواند به دادگاه استان مرکز شکایت کند و رای دادگاه استان قطعی است تبصره ۲- مدت اعتبار امتیاز روزنامه یا مجله برای شروع انتشار شش ماه است و اگر بعد از انتشار تا یک سال منتشر نگردد امتیاز روزنامه و مجله ملغی است تبصره ۳- وزارت کشور دفتری ترتیب خواهد داد که در آن نام روزنامه و مجلاتی که امتیاز آنها صادر شده است با مشخصات هر یک ثبت نماید. تبصره ۴- کمیسیون مطبوعات اسامی مکرر و نامناسب و مستهجن را رد خواهد کرد و همچنین نسبت به موارد درخواست می‌تواند توضیحات

کاملی بخواهد و مدارک لازم را مطالبه نماید تقاضا کننده اجازه نمی‌تواند نام روزنامه‌هایی که سابقاً منتشر گردیده برای نشریه خود بدون موافقت صاحب امتیاز انتخاب نماید. تبصره ۵- برای انتشار روزنامه و مجله بیش از یک امتیاز به کسی داده نخواهد شد ولی صاحبان امتیاز روزنامه‌های یومیه مرتب‌الانتشار می‌توانند مجله هفتگی و ماهانه و سالانه به همان نام منتشر نمایند. مجلات هفتگی نیز می‌توانند مجله ماهانه و سالانه به همان نام منتشر نمایند. ماده ۶- در هر شماره روزنامه و مجله باید نام و نام خانوادگی صاحب امتیاز و سردبیر مدیر (در صورتی که سردبیر و مدیر داشته باشد) و همچنین محل اداره نشریه و نام و نشانی چاپخانه‌ای که در آن به طبع می‌رسد قید شود. تبصره - مدیران روزنامه‌ها و مجلات مکلفند از هر شماره نشریه خود اعم از روزنامه و مجله یک نسخه به دادستان شهرستان و یک نسخه به فرماندار محل (در مرکز به اداره مطبوعات وزارت کشور) و یک نسخه به فرهنگ محل (در مرکز به اداره کل نگارش وزارت فرهنگ و یک نسخه به کتابخانه ملی تهران و کتابخانه مجلسین به محض انتشار تسلیم نماید. ماده ۷- واگذار کردن امتیاز روزنامه یا مجله به دیگری به شرط اینکه شخصی که امتیاز به او واگذار می‌شود در صورتی که واجد شرایط باشد با موافقت کمیسیون منظور در ماده ۵ مانعی ندارد. ماده ۸- در صورت فوت صاحب امتیاز چنانچه در میان وراثت کسی متقاضی نشر روزنامه یا مجله و واجد شرایط باشد با موافقت کتبی سایر وراثت یا قایم مقام قانونی آنان امتیاز نامه به نام او صادر می‌شود والا- نام روزنامه یا مجله برای وراثت قانونی تا زمانی که واجد شرایط در بین آنان پیدا شود محفوظ خواهد بود. وراثت قانونی می‌تواند طبق ماده (۷) عمل نمایند.

### فصل دوم - حق جوابگویی - آیین نامه‌های مطبوعاتی ( ماده ۹ تا ۱۰ )

ماده ۹- موسسات دولتی و عمومی و همچنین افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها هر گاه در روزنامه یا مجله مطالبی مشتمل بر تهمت و افترا یا اخبار برخلاف واقع نسبت به خود مشاهده کردند حق دارند جواب آن مطالب را کتبا برای روزنامه یا مجله بفرستند و آن روزنامه یا مجله مکلف است این گونه توضیحات و جواب‌ها را در همان صفحه و با حروفی که مطالب اصلی را چاپ کرده مجانا به طبع برساند، مشروط بر اینکه جواب ازدو برابر اصل مطلب تجاوز ننماید و متضمن توهین به کسی نباشد. در صورتی که روزنامه یا مجله علاوه بر جواب مذکور مطالب و یا توضیحات مجددی چاپ نماید حق جوابگویی مجدد به طریق مذکور در فوق برای معترض محفوظ خواهد بود. ماده ۱۰- وزارتخانه‌های کشور و فرهنگ و دادگستری مکلفند برای تنظیم امور چاپخانه‌ها و اعلانات و توزیع جراید و روزنامه‌های فروشی و همچنین نسبت به شرایط حقوق و امتیازات خبرنگاران و مخبرین عکاس آیین نامه‌های لازم را تهیه و به هیات وزیران پیشنهاد نمایند. در آیین نامه‌ها برای توزیع و فروش روزنامه و مجلاتی که به زبان‌های خارجی و یا به زبان فارسی در خارج مملکت چاپ شده است مقررات لازم باید پیش بینی شود.

### فصل سوم - جرایم ( ماده ۱۱ تا ۲۵ )

ماده ۱۱- کسانی که به وسیله نشر مقالات یا جعل اخبار در مطبوعات مرتکب به یکی از جرایم ذیل شوند به حبس تادیبی از ۶ ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. الف- کسانی که مردم را صریحاً تحریص و تشویق به خرابکاری و آتش‌سوزی و قتل و غارت و سرقت نمایند. ب- کسانی که افسران و افراد ارتش را به نافرمانی و عدم انقیاد احکام نظامی ترغیب و تشویق کنند. در موارد مذکور در این ماده چنانچه تحریص و ترغیب موثر واقع شود و جرایم منظور اتفاق افتد اشخاص مذکور در بند (الف) و (ب) به مجازاتی محکوم خواهند شد که در قانون مجازات عمومی برای معاون جرم پیش بینی شده است ماده ۱۲- اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله مطبوعات فاش و منتشر کنند به حبس مجرد از دو تا

پنج سال محکوم خواهند شد و چنانچه در زمان جنگ نباشد به شش ماه تا دو سال محکوم می‌شوند. ماده ۱۳ - هر کس مقاله‌ای مضر به اساس دین حنیف اسلام انتشار دهد به یک سال تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. ماده ۱۴ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی و یا خارجی مملکت که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود به یک ماه تا سه ماه حبس تادیبی به علاوه به پرداخت دو هزار ریال تا بیست هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۱۵ - هر کس به وسیله مطبوعات از جرایم مذکور در موارد فوق و یا مرتکبین آن اعمال به نحوی از انحا تقدیر و تمجید کند به جریمه نقدی از پنج هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم می‌شود. ماده ۱۶ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر به مقام سلطنت یا شخص شاه یا ملکه یا به ولیعهد توهین کند به مجازات از یک تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شود. تبصره - مجازات توهین به خاندان سلطنت (پدر - مادر - اولاد - برادر و خواهر پادشاه از سه ماه تا یک سال حبس تادیبی خواهد بود. ماده ۱۷ - هر گاه در روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه دیگر مقالات یا مطالب توهین آمیز و یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت خواه به نحو انشا یا به طور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و مراجع مسلم تقلید درج شود، مدیر روزنامه یا نویسنده هر دو مسئول و هر یک از یک سال تا سه سال به حبس تادیبی محکوم خواهد شد و رسیدگی به این اتهام تابع شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۱۸ - هر کس به وسیله مطبوعات نسبت به رئیس یا نماینده سیاسی مملکت خارجی که با ایران روابط دوستانه دارد توهین نماید طبق بند دوم ماده ۸۱ قانون مجازات عمومی محکوم می‌شود مشروط بر این که در آن مملکت نیز در موارد مذکور نسبت به ایران معامله متقابله شود. ماده ۱۹ - در جرایمی که ذیلا ذکر می‌شود. الف - انتشار مقالات مضر به عفت عمومی و یا مضر به اخلاق حسنه ب - انتشار صور قبیحه ج - انتشار آگهی ها و یا عکس هایی مخالف اخلاق حسنه و آداب و رسوم ملی د - انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری و یا انتشار تحقیقات و تصمیمات مراجع قضایی که قانونا انتشار آنها ممنوع است مرتکب به تادیبه یک هزار تا ده هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۰ - هر یک از افراد مردم اعم از مأمورین رسمی یا غیر آنها که در روزنامه یا مجله یا هر نوع نشریه دیگر مندرجاتی مشتمل بر تهمت و افترا و یا فحش و الفاظ رکیکه و یا نسبت های توهین آمیز در زندگانی خصوصی و یا هتک شرف و ناموس و امثال آن نسبت به خود مشاهده نماید می‌تواند از نویسنده یا ناشر آن به دادسرا یا به دادگاه محل اقامت خود شکایت نماید مرتکب به دو ماه تا شش ماه حبس تادیبی یا از ده هزار تا پنجاه هزار ریال جریمه نقدی محکوم خواهد شد و در صورت استرداد شکایت شاکی خصوصی تعقیب موقوف خواهد شد. تبصره ۱ - در موارد فوق شاکی نیز می‌تواند برای مطالبه خسارات مادی و معنوی که از نشر مطالب مزبور بر او وارده آمده به دادگاه حقوقی دادخواست تقدیم نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن رسیدگی و مبلغ خسارت را تعیین و مورد حکم قرار دهد. تبصره ۲ - هرگاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به اموات ولی به قصد هتاک یا بازماندگان آنان باشد هر یک از ورثه قانونی می‌تواند بر طبق ماده و تبصره فوق شکایت نماید. ماده ۲۱ - هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف و حیثیت یا افشا سری نماید در صورتی که ثابت شود این تهدید برای استفاده مادی یا تقاضای انجام امری یا خودداری از انجام امری بوده است به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال و به پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۲۲ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله و یا نشریه ، هیات وزرا یا هیات نمایندگان یکی از مجلسین یا هیات قضات را مورد افترا و توهین قرار دهد بدون شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب قرار خواهد گرفت و چنانچه توهین و افترا به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا یکی از قضات یا یکی از مستخدمین دولت اعم از اداری لشکری و اعضا دیوان محاسبات یا افراد عادی باشد ، با شکایت شاکی خصوصی مورد تعقیب واقع خواهد شد. چنانچه اسناد دهنده در بازپرسی نتوانست دلایل و مدارک کافی برای توجه اتهام به وزیر یا معاون یا نمایندگان مجلسین یا قضات ارایه دهد متهم طبق ماده ۱۶۳ قانون مجازات عمومی مجازات خواهد شد و در مورد سایر افراد به

استناد ماده ۲۶۹ مفتری مجازات خواهد شد. مادام که متهم در مراحل بازپرسی و دادگاه مورد تعقیب است روزنامه مزبور حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی توهین و افترا مطلبی نشر دهد. گذشت شاکی خصوصی در مورد توهین به وزیر یا معاون یا یکی از نمایندگان مجلسین یا مستخدمین دولت و اعضا دیوان محاسبات و افراد عادی موجب عدم تعقیب و مجازات متهم خواهد شد. ماده ۲۳ - هر کس به وسیله مطبوعات به اقلیت های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف و یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی و یا مذهبی تحریص کند به یک ماه تا شش ماه حبس تادیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۴ - هر کس در انتشار روزنامه یا مجله خود از نام یاسرلوحه روزنامه دیگر تقلید نماید که سو استفاده محسوب شود به تقاضای شاکی خصوصی از پانصد تا پنج هزار ریال جزای نقدی و تعطیل روزنامه یا مجله محکوم خواهد شد و شاکی خصوصی می تواند خسارت خود را مطالبه نماید و دادگاه مکلف است نسبت به آن نیز رسیدگی کند. تبصره - روزنامه هایی که بر طبق مقررات این قانون توقیف بشوند نمی توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند. در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله ای که به جای روزنامه یا مجله توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند، به حبس تادیبی از یک ماه تا ۳ ماه و جریمه نقدی از یک هزار تا ده هزار ریال محکوم می شوند و امتیاز آنان نیز باطل می گردد. ماده ۲۵ - در کلیه جرایم مذکوره در مواد فوق طبق اصل بیستم متمم قانون اساسی رفتار خواهد شد.

#### فصل چهارم تخلفات ( ماده ۲۶ تا ۲۹ )

ماده ۲۶ - هر صاحب امتیاز بر خلاف مواد ۲ یا ۶ یا ۷ یا ۸ یا ۹ یا تبصره یک ماده ۴ و تبصره ۳ ماده پنجم این قانون مبادرت به انتشار روزنامه یا مجله کند، به پرداخت ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم می شود و در صورتی که قادر پرداخت جریمه نباشد به نظردادگاه به حبس تادیبی از پانزده روز تا دو ماه محکوم خواهد شد. تبصره - در موارد فوق فرماندار محل دستور تعطیل روزنامه یا مجله را می دهد و مراتب را برای تعقیب قانونی به دادستان شهرستان اعلام خواهد نمود. ماده ۲۷ - مطبوعاتی که در آن دستور ماده ۶ مراعات نشده باشد از یک تا سه هزار ریال محکوم می شود و در صورتی که نام چاپخانه یا سایر نام های مذکور در ماده ۶ برخلاف واقع چاپ شده باشد مرتکب به مجازات ۲ تا ۶ ماه حبس تادیبی محکوم می شود. تبصره - دارندگان امتیاز روزنامه و مجله ای که به جهتی از جهات مندرجه در این قانون امتیاز آنها لغو شده باشد حق ندارند به هیچ عنوان خود را روزنامه نگار معرفی کنند و در صورت تخلف به حبس تادیبی از ۲ تا ۶ ماه محکوم خواهند شد. ماده ۲۸ - نشریه ای که مشمول ماده اول این قانون نباشد تعریف روزنامه یا مجله بر آن صدق نمی کند و تابع قوانین عمومی است ماده ۲۹ - به تخلفات و جرایم مندرجه در این فصل در دادگاه جنحه و خارج از نوبت رسیدگی می شود.

#### فصل پنجم - دادرسی مطبوعات - هیات منصفه ( ماده ۳۰ تا ۴۲ )

ماده ۳۰ - جرم مطبوعاتی عبارتست از توهین و افترا به وسیله روزنامه یا مجله یا نشریه از لحاظ ارتباط با مقام و یا شغل رسمی با رویه اداری یا اجتماعی و یا سیاسی به شخص یا اشخاص - انتقاد از روش سیاسی و اداری به وسیله روزنامه - مجله یا نشریه نسبت به مسئولین و متصدیان امور دولتی و اشخاص نامبرده در ماده ۲۲ که از لحاظ مصالح عمومی صورت می گیرد جرم محسوب نمی شود. ذکر جملات توهین آمیز و افترا و هتک حیثیت و شرف یا ناموس و فحش و ناسزا به شخص و یا بستگان شخص، جرم مطبوعاتی محسوب نشده و بر طبق مقررات عمومی قانون جزا و این قانون قابل تعقیب خواهد بود. ماده ۳۱ - به جرایم مطبوعاتی و

همچنین به جرایم سیاسی غیرمطبوعاتی بر طبق اصل هفتاد و نهم متمم قانون اساسی در دادگاه جنایی دادگستری با حضور هیات منصفه رسیدگی می‌شود و جرایم غیر مطبوعاتی در دادگاه جنحه مورد رسیدگی قرار خواهد گرفت ماده ۳۲ - مرجع شکایات مطبوعاتی دادسرای شهرستان هر محل است و دادرهای مزبور پرونده را برای رسیدگی به دادگاه جنایی ارسال خواهند داشت ماده ۳۳ - انتخاب هیات منصفه و ترتیب شرکت اعضا آن در رای دادگاه به طریق ذیل خواهد بود: الف - هر دو سال یکبار در بهمن ماه در تهران و در مراکزی که دارای دادگاه استان است هیاتی مرکب از فرماندار و رییس دادگستری و رییس انجمن شهر (و در صورتی که انجمن شهر وجود نداشته باشد شهردار) و نماینده فرهنگ به دعوت فرماندار تشکیل می‌شود. هیات مزبور در تهران صورتی از هفتاد و پنج نفر طبقات سه گانه ذیل ۱ - علما و دانشمندان و نویسندگان و دبیران و آموزگاران و وکلای دادگستری و سردفتران ۲ - بازرگانان و ملاکین و کشاورزان ۳ - کارگران و اصناف و پیشه وران جز از هر نقطه فهرستی مشتمل بر بیست و پنج نفر تهیه می‌کند اشخاص منظور در صورت ها باید علاوه بر داشتن حسن سابقه واجد شرایط انتخاب شدن برای نمایندگان مجلسین شورای ملی بوده و در مقر دادگاه مقیم باشند پس از تنظیم صورت ها از هر طبقه دوازده نفر با قرعه برای عضویت هیات منصفه انتخاب می‌شود و فرماندار مراتب را کتبا به کلیه ۳۶ نفری که برای عضویت هیات منصفه انتخاب شده‌اند ابلاغ می‌نماید که رد یا قبولی خود را در ظرف سه روز اعلام دارند. عدم اعلام رد در حکم قبولی است و اگر یک یا چند نفر از قبول این سمت خودداری کنند، هیات مزبور کسری هر طبقه را تا میزان ۷۵ نفر از خارج تکمیل و به جای افراد مستعفی با قرعه از میان افراد همان طبقه انتخاب می‌نماید سپس فرماندار آنان را به وسیله رییس دادگاه استان به دادگاه جنایی محل معرفی می‌کند. رییس دادگاه استان تا نیمه اسفند ماه همان سال صورت اعضا هیات منصفه را باید در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار اعلان نماید و برای سایر مراکز استانها عده اعضا هیات منصفه ۱۸ نفر مقرر می‌شود که به همان ترتیب مذکور در فوق (با این تفاوت که از هر یک از طبقات سه گانه در بدو امر شش نفر در فهرست منظور می‌شود) انتخاب و معرفی خواهند گشت ب - در مورد هر محاکمه مطبوعاتی و یا سیاسی دادگاه جنایی در جلسه مقدماتی خود با حضور دادستان استان یا نماینده و سه نفر از اعضا هیات منصفه را از هر طبقه یک نفر به سمت عضو اصلی و سه نفر را به همان ترتیب به سمت عضو علی البدل با قرعه انتخاب و دعوت می‌نماید. کلیه اعضا هیات منصفه اعم از اصلی و علی البدل که در جلسه دادرسی شرکت نموده‌اند باید از ابتدای دادرسی تا ختم آن در تمام جلسات حضور داشته باشند و چنانچه یک یا چند نفر از اعضا اصلی غایب و یا قانونا از شرکت ممنوع باشند و عده اعضا علی البدل که حضور یافته‌اند زاید بر عده غایبین و یا معذورین باشد به میزان احتیاج از اعضا علی البدل با قرعه به جای کسری اعضا اصلی انتخاب خواهند شد و در هر حال با حضور سه نفر از اعضا اصلی یا علی البدل خواه ابلاغ به سایرین شده یا نشده باشد دادگاه قابل تشکیل است ماده ۳۴ - دادگاه جنایی برای رسیدگی به جرایم مطبوعاتی مرکب از سه نفر دادرسی و با حضور هیات منصفه تشکیل می‌شود و مطابق مقررات آیین دادرسی کیفری رسیدگی می‌نماید پس از اعلام ختم دادرسی بلافاصله دادرسان دادگاه با اعضا هیات منصفه متفقا به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل الف - آیا متهم گناهکار است ب - در صورت تقصیر آیا مستحق تخفیف می‌باشد یا خیر؟ رای می‌دهند در صورت تساوی آرا رای رییس دادگاه با هر طرف که باشد قاطع است رییس دادگاه فوراً بر طبق این رای موجها و با ذکر دلایل به انشا حکم مبادرت می‌ورزد. چنانچه حکم بر محکومیت متهم صادر گردد محکوم علیه می‌تواند در مدت دو روز از تاریخ ابلاغ تقاضای فرجام نماید ولی اگر حکم مبنی بر برائت باشد قابل رسیدگی فرجامی نیست و نیز در صورتی که متهم تبریه و یا به مجازاتی محکوم شود که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد از روزنامه یا مجله در صورتی که قبلا توقیف شده باشد بلافاصله و خودبخود رفع توقیف خواهد شد. تبصره - هرگاه در حین محاکمه اعضا هیات منصفه سوالاتی داشته باشند سوال خود را کتبا به دادگاه خواهند داد که به وسیله رییس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۵ - موارد رد اعضا هیات منصفه و شرایط آن همان است که قانونا در مورد قضات پیش‌بینی شده است ماده ۳۶ - هرگاه جلسه رسیدگی خواه در ابتدا یا اثنا دادرسی به واسطه عدم

حضور یک یا چند نفر از اعضا هیات منصفه تشکیل نشود، رییس دادگاه جنایی در جلسه علنی از بین قضات حاضر شعب دادگاه استان در تهران و از بین کلیه قضات حاضر در مرکز استان در خارج از تهران عده هیات منصفه را به حکم قرعه تعیین یا تکمیل نموده با شرکت آنان به موضوع رسیدگی خواهد کرد. قضاتی که به عنوان هیات منصفه به حکم قرعه انتخاب می‌شوند صرفاً جنبه عضویت هیات منصفه را دارند و در صورت عدم حضور یا عدم شرکت در رای متخلف محسوب شده و تحت تعقیب انتظامی قرار خواهند گرفت ماده ۳۷- هر یک از اعضا دیگر هیات منصفه که به حکم قرعه معین شده‌اند، چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکمه حاضر نشوند و یا از شرکت در رای خودداری کنند به حکم دادگاهی که موضوع در آن مطرح است برای مرتبه اول محکوم به پرداخت مبلغی از هزار تا ده هزار ریال خواهند شد و در صورت تکرار علاوه بر پرداخت وجه از بعضی یا تمام حقوق مذکور ذیل از شش ماه تا دو سال به تشخیص همان دادگاه محروم خواهند شد. الف- حق استخدام در ادارات دولتی و شهرداری ها و بنگاه ها و شرکت هایی که لاقبل نصف سرمایه آنها متعلق به دولت باشد. ب- حق انتشار روزنامه و مجله و انتخاب شدن در انجمن شهر و شرکت در انجمن های نظارت انتخابات مجلسین ماده ۳۸- هیچ روزنامه و یا مجله‌ای را قبل از صدور حکم دادگاه نمی‌توان توقیف یا تعطیل کرد مگر در مواردی که در این قانون ذکر شده و موارد اتهامات زیر: ۱- آنجا که مضر به اساس دین اسلام باشد. ۲- آنجا که هتک احترام از مقام سلطنت شده باشد. ۳- آنجا که نقشه طرح حرکت قشون یا دیگر از اسرار نظامی مکشوف شده باشد. ۴- آنجا که دعوت به عصیان در مقابل قوای رسمی مملکتی و موجب هیجان کلی و اختلال امنیت عمومی شده باشد. ۵- آنجا که انتشار مقالات مضر به عفت عمومی با اشاعه صور قبیحه بر ضد عفت و عمصت عمومی باشد. در موارد فوق دادستان شهرستان رأسا و یا بنابر تقاضای فرماندار محل دستور توقیف روزنامه یا مجله و ضبط اوراق انتشار یافته را خواهد داد و در ظرف مدت بیست و چهار ساعت پرونده امر را به دادگاه جنایی خواهد فرستاد. دادگاه جنایی در جلسه فوق العاده در مدتی که بیش از سه روز نباشد نظر خود را نسبت به رد یا قبول تقاضای دادستان اعلام خواهد کرد. در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه یا مجله موافقت نماید بازپرس و دادستان مکلفند در ظرف یک هفته نظر نهایی خود را نسبت به اصل موضوع اعلام دارند و دادگاه باید با تهیه مقدمات قانونی خارج از نوبت نسبت به اصل موضوع رسیدگی نماید. تبصره- روزنامه هایی که بر طبق این ماده توقیف می‌شوند نمی‌توانند به اسامی دیگر و با همان سبک و اسلوب منتشر شوند و در صورت تخلف از این ماده روزنامه یا مجله‌ای که به جای روزنامه توقیف شده انتشار یافته است نیز به ترتیب فوق توقیف می‌شود و کسانی که روزنامه یا مجله خود را به جای روزنامه یا مجله توقیف شده منتشر نمایند به حبس تادیبی از یک ماه تا سه ماه و جریمه نقدی از پانصد تا پنج هزار ریال محکوم می‌شوند و امتیاز آنان نیز باطل می‌گردد. ماده ۳۹- در صورتی که دادگاه با توقیف روزنامه موافقت نکند بلافاصله از روزنامه رفع توقیف خواهد شد. ماده ۴۰- در جرایم مطبوعاتی دادگاه خارج از نوبت رسیدگی می‌نماید و مهلتی که برای قرائت پرونده به وکیل مدافع و خود متهم داده می‌شود بیش از سه روز نخواهد بود و این مدت با تقاضای متهم یک دفعه و برای سه روز قابل تمدید می‌باشد و از تاریخ انقضا مهلت تا تشکیل جلسه مقدماتی نیز نباید بیش از سه روز فاصله باشد و فاصله جلسه مقدماتی تا جلسه دادرسی حداکثر نباید بیش از ده روز باشد و تنفس در این محاکمات زاید بر دو از ده ساعت نخواهد بود و شاکی خصوصی و متهم هر کدام بیش از سه نفر وکیل مدافع نمی‌توانند تعیین نمایند ولی دادگاه در صورت حضور یک وکیل از هر یک طرفین دعوی رسیدگی می‌کند. ماده ۴۱- قانون مطبوعات مصوب محرم ۱۳۲۶ و کلیه قوانین و مقرراتی که با این مواد مغایرت داشته باشد لغو می‌شوند. ماده ۴۲- وزارتخانه‌های کشور- دادگستری مأمور اجرا این لایحه قانونی هستند. به موجب قانون تمدید تبصره قانون الغا کلیه لوایح مصوب آقای دکتر مصدق ناشیه از اختیارات لایحه قانونی مربوط به مطبوعات که در تاریخ دهم مرداد ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار به تصویب کمیسیون‌های مشترک مجلسین رسیده موقتا قابل اجرا می‌باشد. رییس مجلس سنا- سیدحسن تقی‌زاده رییس مجلس شورای ملی- رضا حکمت اصل لایحه قانونی در دفتر نخست وزیر است از طرف نخست وزیر

## لایحه قانونی مطبوعات - ۱۳۵۸ ( ماده ۱ تا ۳۸ )

مصوب ۲۵/۵/۵۸ ماده ۱- از لحاظ این قانون مطبوعات عبارت از نشریاتی است که به طور منظم و در مواقع معین با نام ثابت و تاریخ و شماره ردیف چاپ منتشر می شود و اخبار و اطلاعات و دیدگاه های گوناگون در زمینه های اجتماعی و اقتصادی و سیاسی و دینی و علمی و فرهنگی و هنری را به آگاهی عمومی می رساند و از این راه به روشن ساختن افکار عمومی و بالا بردن سطح دانش در رشته خاص کمک می کند. ماده ۲- انتشار نشریه تنها به مسیولیت اشخاص حقیقی و با سرمایه ایرانی آزاد است ، خواه وسیله نشر افکار و آرمان های گروه یا جمعیت یا حزب خاص باشد یا به نشر اخبار و عقاید عمومی بپردازد، متقاضی انتشار نشریه باید واجد شرایط زیر باشد: ۱- تابعیت ایران ۲- نداشتن محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ۳- عدم حجر و ورشکستگی به تقلب و تقصیر و محروم نبودن از حقوق اجتماعی ۴- دارا بودن تقوای سیاسی و صلاحیت اخلاقی ۵- داشتن حداقل گواهینامه لیسانس یا صلاحیت علمی کافی به تشخیص کمیسیون مندرج در ماده ۴ این قانون تبصره ۳- نخست وزیران ، وزیران ، استانداران ، امرای ارتش و شهرداری و ژاندارمری ، روسای سازمان های دولتی ، مدیران عامل و روسای هیات مدیره شرکت ها و بانک های دولتی و کلیه شرکت ها و موسساتی که شمول حکم در مورد آنها مستلزم ذکر نام است نمایندگان مجلسین (به استثنای آنهایی که به دستور رهبر انقلاب استعفا کرده اند) و سفرا و شهرداران تهران ، نمایندگان انجمن های شهر و شهرستان تهران ، اعضای ساواک ، وابستگان نزدیک رژیم سابق که در فاصله زمانی پانزدهم خرداد ۱۳۴۲ تا ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ در مشاغل نامبرده خدمت کرده اند و کسانی که در این مدت از طریق مطبوعات ، رادیو تلویزیون یا سخنرانی در اجتماعات خدمتگزار تبلیغاتی رژیم گذشته بوده اند ، از انتشار نشریه محرومند. ماده ۳- متقاضیان پروانه انتشار باید تقاضانامه ای شامل اطلاعات زیر در تهران به وزارت ارشاد ملی و در شهرستان ها به اداره ارشاد ملی محل تسلیم کنند و در صورتی که در شهرستان مورد نظر اداره ارشاد ملی وجود نداشته باشد تقاضانامه به اداره ارشاد ملی مرکز استان مربوط داده می شود. ۱- مشخصات کامل درخواست کننده ۲- مشخصات کامل مدیر مسیول ۳- نام نشریه و علامت ( آرم ) آن در صورتی که علامت داشته باشد. ۴- محل اداره نشریه ۵- ترتیب انتشار نشریه (روزانه - هفتگی - ماهانه و غیره ۶- نوع نشریه و موضوع سیاسی و اصول فکری و اعتقادی آن ۷- زبان نشریه تبصره ۱- به متقاضی واجد شرایط پروانه انتشار داده می شود. تبصره ۲- محل اداره نشریه مندرج در تقاضانامه از لحاظ اجرای مقررات این قانون در حکم اقامتگاه قانونی متقاضی یا مدیر مسیول است و هرگونه ابلاغ به محل مذکور قانونی است تبصره ۳- احزاب و جمعیت ها و موسساتی که به ثبت رسیده باشند می توانند درخواست پروانه انتشار کنند مشروط بر این که مدیر واجد شرایطی را معرفی کنند تا طبق مقررات این قانون مسیولیت های قانونی را عهده دار گردد. ماده ۴- رسیدگی به درخواست صدور پروانه و صلاحیت متقاضی با کمیسیونی مرکب از اشخاص ذیصلاح و مومن به انقلاب اسلامی ایران به شرح زیر است ۱- نماینده ای از ناشران مطبوعات ۲- نماینده نویسندگان مطبوعات ۳- یکی از مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رییس آن دیوان ۴- یکی از اساتید دانشگاه تهران به انتخاب رییس شورای دانشگاه ۵- یکی از اساتید حوزه علمیه قم به معرفی هیات مدرسین این حوزه ۶- یکی از وکلای پایه یک دادگستری به انتخاب کانون وکلای ۷- معاون یا مدیر کل مطبوعاتی وزارت ارشاد ملی به عنوان دبیر کمیسیون و بدون داشتن حق رای کمیسیون پس از رسیدگی های لازم نظر خود را جهت اخذ تصمیم نهایی به وزیر ارشاد ملی اعلام می کند. تبصره ۱- در صورت اختلاف نظر میان وزیر ارشاد ملی و کمیسیون ، متقاضی می تواند به دادگاه استان شکایت کند. رای دادگاه استان قطعی و غیر قابل فرجام است تبصره ۲- ترتیب انتخاب نمایندگان ناشران و نویسندگان ناشران به موجب آیین نامه ای خواهد بود که به تصویب هیات وزیران می رسد. تبصره ۳- تا زمانی که کمیسیون مقرر در این قانون تشکیل نشده است وظایف آن به عهده کمیسیون موقتی متشکل از وزیر ارشاد ملی ، یکی از مستشاران دیوان عالی کشور به انتخاب رییس آن دیوان ، نماینده شورای انقلاب اسلامی ایران

است ماده ۵- درخواست کننده پروانه شخصی را به عنوان مدیرمسئول به وزارت ارشاد ملی معرفی می کند، مدیر مسئول باید علاوه بر داشتن شرایط مندرج در ماده ۲ حداقل دارای صلاحیت علمی و حرفه‌ای به تایید کمیسیون مقرر در ماده ۴ یا وزارت ارشاد ملی به ترتیب مندرج در تبصره ۳ ماده مذکور باشد. درخواست کننده پروانه در صورت دارا بودن شرایط فوق خود می تواند مدیر مسئول هم باشد. تبصره - در صورتی که نشریه علاوه بر مدیر مسئول دارای سردبیر جداگانه باشد، رعایت شرایط لازم برای مدیر مسئول نشریه برای سردبیر هم الزامی است ماده ۶- دارندگان پروانه انتشار نشریه می توانند با همان نام بیش از یک نشریه انتشار دهند. مشروط بر این که برای هر نشریه مدیر مسئول جداگانه ای معرفی کنند. ماده ۷- وزارت ارشاد ملی مکلف است ظرف سه ماه از تاریخ دریافت تقاضا درباره صلاحیت متقاضی و مدیر مسئول و سردبیر با رعایت شرایط مقرر در این قانون، رسیدگی های لازم را انجام دهد و مراتب رد یا قبول تقاضا را اعلام کند. نسبت به درخواست هایی که مورد موافقت واقع می شود وزارت ارشاد ملی با رعایت تبصره ۳ ماده ۴ ظرف یک ماه از تاریخ موافقت، پروانه انتشار نشریه را خواهد داد. ماده ۸- هر نوع تغییر و تبدیل در پروانه انتشار نشریه و همچنین انتقال آن، موکول به موافقت وزارت ارشاد ملی با رعایت مقررات این قانون است ماده ۹- در صورتی که مدیر مسئول نشریه شرایط موضوع بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ ماده ۲ این قانون را فاقد گردد یا فوت شود یا استعفا دهد، صاحب پروانه مکلف است حداکثر ظرف یک ماه شخص واجد شرایط دیگری را به وزارت ارشاد ملی معرفی کند، در غیر این صورت از انتشار نشریه او جلوگیری می شود. تا زمانی که صلاحیت مدیر مسئول جدید به تایید نرسیده است صاحب پروانه عهده دار انجام مسئولیت های مدیر مسئول نیز خواهد بود. ماده ۱۰- در صورتی که صاحب پروانه یکی از شرایط مقرر در بندهای ۱ و ۲ و ۳ و ۴ این قانون را فاقد شود به تشخیص کمیسیون مقرر در ماده ۴ و با رعایت تبصره های آن، پروانه نشریه لغو می شود. تبصره ۱- در مورد مواد ۷ و ۹ و ۱۰ ذینفع می تواند از تصمیم وزارت ارشاد ملی بدادگاه استان شکایت کند رای دادگاه استان قطعی و غیر قابل فرجام است تبصره ۲- هر گاه صاحب پروانه فوت شود با موافقت کتبی اکثریت وراث یا قایم مقام قانونی آنان پروانه به نام درخواست کننده ای که واجد شرایط قانونی باشد به ترتیب مقرر در این قانون صادر می شود. تبصره ۳- حق استفاده از نام نشریه متعلق به وراث است و در صورت انتقال کسب موافقت وزارت ارشاد ملی ضروریست ماده ۱۱- صاحب پروانه موظف است ظرف ۶ ماه پس از صدور پروانه نشریه مربوط را منتشر کند و در غیر این صورت اعتبار پروانه از بین می رود. عدم انتشار منظم نشریه در یک سال نیز اگر بدون عذر موجه باشد موجب لغو پروانه می شود. تبصره ۱- امتیاز نامه هایی که بر طبق مقررات سابق برایشیاریات کنونی صادر شده است به اعتبار خود باقی است مشروط بر این که ظرف ۳ ماه صاحب امتیاز برای تطبیق وضع خود با این قانون و گرفتن پروانه جدید اقدام کند. دارندگان امتیاز نامه هایی که در رژیم گذشته در ازای واگذاری امتیاز خود به دولت از آن رژیم پول گرفته اند به شرطی می توانند از مفاد این تبصره استفاده کنند که وجوه دریافتی مزبور را به بیت المال برگردانند. تبصره ۲- نام و نشانی و سایر مشخصات نشریاتی که برای آنها پروانه صادر می شود در دفتر مخصوصی که از طرف وزارت ارشاد ملی تهیه و تنظیم می گردد با ذکر تاریخ به ترتیب ثبت خواهد شد. ماده ۱۲- در هر شماره باید نام دارنده پروانه و مدیر مسئول و سردبیر و نشانی اداره و چاپخانه ای که نشریه در آن به چاپ می رسد و نیز روش نشریه (دینی، علمی، سیاسی، اقتصادی، ادبی و هنری در صفحه معین و محل ثابت اعلان شود. چاپخانه ها نیز مکلف به رعایت مفاد این ماده می باشند. تبصره - نشریات مکلفند همه ماهه تیراژ فروش ماهیانه خود را کتبا به وزارت ارشاد ملی اطلاع دهند. ماده ۱۳- هر روزنامه یا مجله باید دفاتر محاسباتی پلمپ شده بر طبق قانون تجارت تهیه و کلیه مخارج و درآمد خود را در آن ثبت کند و بیلان سالانه در آمد و مخارج را به وزارت ارشاد ملی بفرستد. وزارت ارشاد ملی مجاز است هر وقت لازم بداند دفاتر مالی این موسسات را بازرسی کند. ماده ۱۴- مدیران مسئول مطبوعات در تهران و شهرستان ها مکلفند از هر شماره نشریه خود دو نسخه به کتابخانه ملی، کتابخانه مجلس شورای ملی، دادستان شهرستان و وزارت ارشاد ملی ( اداره مطبوعات داخلی و مرکز جمع آوری اسناد و مدارک به طور مرتب ارسال دارند. ماده ۱۵- هر گاه در مطبوعات



مطالبی مشتمل بر توهین یا افترا یا خلاف واقع نسبت به شخص ( اعم از حقیقی یا حقوقی ) مشاهده شود ذینفع حق دارد پاسخ آن را ظرف یک ماه کتبا برای همان نشریه بفرستد. نشریه مزبور مکلف است این گونه توضیحات و پاسخ ها را در یکی از دو شماره ای که پس از وصول پاسخ منتشر می شود در همان صفحه و ستون و با همان حروف که اصل مطلب منتشر شده است ، مجانی به چاپ رساند به شرط آن که جواب از دو برابر اصل مطلب تجاوز نکند و نیز متضمن توهین و افترا به کسی نباشد. اگر نشریه علاوه بر پاسخ مذکور مطالب با توضیحات مجددی چاپ کند حق پاسخگویی مجدد برای معترضین باقی است درج قسمتی از پاسخ به صورتی که آن را ناقص یا نامفهوم سازد و همچنین افزودن مطالبی به آن در حکم درج است و متن پاسخ باید در یک شماره درج شود. پاسخ نامزدهای انتخاباتی در جریان انتخابات باید در اولین شماره نشریه درج شود به شرط آن که حداقل شش ساعت پیش از زیر چاپ رفتن نشریه به دفتر آن تسلیم و رسید دریافت شده باشد. ماده ۱۶ - در صورتی که نشریه از درج پاسخ امتناع ورزد یا پاسخ را منتشر نسازد شاکی می تواند به دادستان شهرستان شکایت کند. دادستان شهرستان در صورت احراز صحت شکایت شاکی جهت نشر پاسخ به نشریه اخطار می کند و هر گاه این اخطار موثر واقع نشود پرونده را به دادگاه جهت صدور دستور توقیف موقت نشریه که مدت آن از یک هفته تجاوز نخواهد کرد ارسال می کند. ماده ۱۷ - مسیولیت مقالات یا مطالبی که در نشریه منتشر می شود به عهده مدیر مسیول است در صورتی که مقالات یا مطالب مذکور مضر به منافع اشخاص بوده و منتهی به شکایت شود، مدیر مسیول باید نویسنده مقاله یا مطلب را معرفی کند و پاسخگویی آن باشد مگر این که ثابت شود مدیر مسئول به تمام وظایف و مسئولیت های متعارف عمل کرده باشد که در این صورت مسیولیت متوجه کسی است که در این باب تقصیر کرده باشد. ماده ۱۸ - اشخاصی که دستورهای محرمانه نظامی و اسرار ارتش و یا نقشه قلاع و استحکامات نظامی را در زمان جنگ به وسیله روزنامه یا مجله فاش و منتشر کنند به حبس از ۱ تا ۳ سال و چنانچه زمان جنگ نباشد به ۶ ماه تا یک سال محکوم خواهند شد. ماده ۱۹ - هر کس به وسیله روزنامه یا مجله مردم را صریحا به ارتکاب جنحه یا جنایتی بر ضد امنیت داخلی یا خارجی کشور که در قانون مجازات عمومی پیش بینی شده است تحریص و تشویق نماید در صورتی که اثری بر آن مترتب شده باشد به مجازات معاونت همان جرایم محکوم خواهد شد و در صورتی که اثری بر آن مترتب نشود از ۳ تا ۶ ماه حبس جنحه ای یا به پرداخت مبلغ یک صد هزار ریال تا سی صد هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. ماده ۲۰ - هر کس به وسیله مطبوعات به دین مبین اسلام و مقدسات آن یا سایر مذاهب رسمی کشور اهانت کند به شش ماه تا ۲ سال حبس جنحه ای محکوم می شود. ماده ۲۱ - هر گاه در روزنامه یا مجله یا هر گونه نشریه دیگر مقالات با مطالب توهین آمیز یا افترا و یا برخلاف واقع و حقیقت خواه به نحو انشا یا به طور نقل نسبت به مراجع مسلم تقلید درج شود مدیر روزنامه و نویسنده هر دو مسئول و هر یک از ۱ تا ۳ سال حبس جنحه ای محکوم خواهند شد. ماده ۲۲ - هر گاه در نشریه ای به رهبر انقلاب اسلامی ایران اهانت شود آن نشریه به تعطیل از یک ماه تا شش ماه محکوم می گردد. تبصره - رسیدگی به جرایم موضوع مواد ۱۹ و ۲۰ و ۲۱ و ۲۲ تابع شکایت مدعی خصوصی نیست ماده ۲۳ - انتشار عکس ها و تصاویر و مطالب خلاف عفت عمومی و همچنین انتشار مذاکرات سری محاکم دادگستری یا تحقیقات مراجع قضایی که طبق قانون افشا آنها مجاز نیست ممنوع است و در صورت تخلف نشریه به مدت ۱ الی ۳ ماه توقیف و مرتکب به ۳ تا ۶ ماه حبس جنحه ای یا به پرداخت مبلغ دو صد هزار ریال تا یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم می شود. ماده ۲۴ - انتشار هر نوع مطلب یا خبر مشتمل بر تهمت یا افترا یا فحش و الفاظ رکیک یا نسبت های توهین آمیز و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است مرتکب به حبس جنحه ای از ۳ ماه تا ۱ سال محکوم خواهد شد و تعقیب جرایم مزبور موقوف به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت تعقیب در هر مرحله موقوف خواهد شد. تبصره ۱ - در موارد فوق شاکی ( اعم از شخص حقیقی یا حقوقی ) می تواند خسارت مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند. تبصره ۲ - هر گاه انتشار مطالب مذکور در ماده فوق راجع به شخص متوفی باشد هر یک از ورثه می تواند از نظر جزایی یا حقوقی اقامه دعوی کند. ماده ۲۵ - هر کس به وسیله مطبوعات دیگری را تهدید به هتک شرف یا حیثیت یا افشا اسرار

شخصی کند به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال و به پرداخت جزای نقدی از ۲۰ هزار تا یک صد هزار ریال محکوم می شود. تبصره - در مورد مواد ۲۴ و ۲۵ تا زمانی که پرونده در مرحله تحقیق و رسیدگی است نشریه مورد شکایت حق ندارد نسبت به مورد رسیدگی مطلبی نشر دهد، در صورت تخلف، دادستان شهرستان می تواند قبل از ختم تحقیقات از دادگاه جنحه تقاضا کند که حکم توقیف نشریه را صادر کند، دادگاه به طور خارج از نوبت و فوق العاده بدون حضور نماینده دادرسی به موضوع رسیدگی نموده و حکم به توقیف سه شماره نشریه صادر می کند و این توقیف شامل اولین شماره نشریه بعد از ابلاغ حکم می شود و در صورت تکرار تا موقع صدور رای دادگاه از انتشار نشریه جلوگیری می شود. ماده ۲۶ - هر کس در نشریه ای خود را بر خلاف واقع صاحب پروانه انتشار یا مدیر مسیول یا سردبیر معرفی کند یا بدون داشتن پروانه مبادرت به انتشار نشریه نماید، به حبس جنحه ای از ۳ ماه تا ۶ ماه محکوم می شود. مقررات این ماده شامل دارندگان پروانه و مدیران مسئول و خبرنگاران و سردبیرانی که سمت های مزبور را طبق قانون از دست داده اند نیز می شود. ماده ۲۷ - هرگاه در انتشار نشریه نام یا علامت نشریه دیگری ولو با تغییرات جزئی تقلید شود به طوریکه برای خواننده امکان اشتباه باشد از انتشار نشریه جلوگیری و مرتکب به مجازات حبس جنحه ای از ۶۱ روز تا ۳ ماه و به جزای نقدی از یک صد هزار ریال تا سی صد هزار ریال محکوم می شود. تعقیب جرم منوط به شکایت شاکی خصوصی است ماده ۲۸ - پس از توقیف یک نشریه، انتشار هر نوع نشریه دیگر به نحوی که با نشریه توقیف شده از نظر نام، علامت و شکل مشتبه شود ممنوع است و نشریه جدید بلافاصله توقیف می گردد. مرتکب به مجازات جنحه ای از سه ماه تا ۶ ماه محکوم می شود. ماده ۲۹ - هر مقام دولتی که برای چاپ مطلب یا مقاله ای در صدد اعمال فشار بر مطبوعات برآید و یا مبادرت به سانسور و کنترل نشریات کند علاوه بر انفصال ابد از مشاغل دولتی به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم می شود. مفاد این حکم شامل اعلامیه های رسمی، دولت یا وزارتخانه ها نخواهد بود. ماده ۳۰ - به جرایم ارتكابی به وسیله مطبوعات در دادگاه جنایی و با حضور هیات منصفه رسیدگی می شود. توضیح تا قبل از تصویب طرح اصلاحی قانون مطبوعات مصوب ۱۳۷۹ مواد ۳۱ تا ۴۰ نسخ ضمنی و صریح نشده و لازم الاجرا بود. ماده ۳۱ - انتخاب هیات منصفه بطریق ذیل خواهد بود: هر دو سال یکبار در مهرماه جهت تعیین اعضای هیات منصفه در تهران به دعوت وزیر ارشاد ملی هیاتی با حضور رئیس دادگاه های شهرستان و رئیس انجمن شهر (در صورتی که انجمن شهر نباشد شهردار) و در مرکز استان ها به دعوت استاندار هیاتی مرکب از رئیس دادگستری و رئیس انجمن شهر (در صورتی که انجمن شهر نباشد وزارت ارشاد، ۷ وزارت ارشاد ملی تشکیل می شود. هیات مذکور مجموعاً ۱۴ نفر افراد مورد اعتماد عمومی را از بین گروه های مختلف اجتماعی روحانیون، اساتید دانشگاه ها، پزشکان، نویسندگان، روزنامه نگاران، وکلای دادگستری، دبیران، آموزگاران، سردفتران، اصناف، پیشه وران، کارگران و کشاورزان)، ۷ نفر اصلی و ۷ نفر علی البدل انتخاب می کند. هیات منصفه، ۷ هیات منصفه باید دارای شرایط زیر باشند: داشتن لااقل سی سال سن محکومیت کیفری، ۷ محکومیت کیفری موثر معروفیت به امانت و صداقت و حسن شهرت وزیر ارشاد، ۷ وزیر هیات منصفه، ۷ هیات منصفه را برای رئیس کل دادگاه های استان ارسال می دارد. ماده ۳۴ - در هر محاکمه مطبوعاتی، دادگاه جنایی در جلسه دادستان، ۷ دادستان یا نماینده او از ۱۴ نفر اعضا هیات منصفه، ۷ هیات منصفه دعوت می کند که در جلسات محاکمات حضور بهم هیات منصفه، ۷ هیات منصفه رسمیت خواهد داشت هیات منصفه موظفند که در جلسات دادگاه تا ختم جلسات آن حضور یابند. هیات منصفه، ۷ هیات منصفه چنانچه بدون عذر موجه در جلسات محاکم حاضر نشود و یا از شرکت در اتخاذ تصمیم خودداری کند به حکم دادگاهی که نسبت به موضوع هیات منصفه، ۷ هیات منصفه محکوم می شود. هیات منصفه، ۷ هیات منصفه همان است که طبق قانون در مورد رد قضات پیش بینی شده است هیات منصفه، ۷ هیات منصفه سوالاتی داشته باشند سوال خود را کتبا به دادگاه خواهند داد که به وسیله رئیس دادگاه مطرح گردد. ماده ۳۸ - برای رسیدگی به جرایم مندرج در این لایحه قانونی هیات منصفه تشکیل می شود و مطابق مقررات عمومی رسیدگی می کند و هیات منصفه، ۷ هیات منصفه به شور پرداخته درباره دو مطلب ذیل بزهکار، ۷ بزهکار

است بزهکار ، ۷ بزهکار بودن آیا مستحق تخفیف است یا خیر؟ هیات منصفه ، ۷ هیات منصفه را کتبا به دادگاه اعلام می نمایند و سپس دادگاه براساس تصمیم مذکور رای صادر بزهکار ، ۷ بزهکاری باشد تطبیق عمل انتسابی با قانون و تعیین میزان مجازات و تصمیم گیری درباره سایر جهات قانونی اتهام با دادگاه می باشد. هر گاه رای دادگاه بر مجرمیت باشد در حدود مقررات قانونی برائت ، ۷ برایت باشد غیرقابل فرجام می باشد. برائت ، ۷ برائت و یا محکومیتی باشد که مستلزم سلب حقوق اجتماعی نباشد، از نشریه در صورت توقیف ، ۷ توقیف خواهد شد و انتشار مجدد آن مانعی ندارد. وزارت ارشاد، ۷ وزارت ارشاد ملی است که در آنها سعی خواهد شد جز آنچه مربوط به اعمال حاکمیت دولت است اجرای این قانون به سازمان های صنفی واگذار شود.

### آیین نامه محل تاسیس دفاتر مطبوعات ( ماده ۱ تا ۶

ماده ۱ - دفتر مطبوعات مکانی است که دارنده پروانه رسمی انتشار نشریه برای فعالیت های مطبوعاتی بر اساس تعریفی که از نشریات در قانون مطبوعات شده یا می شود از آن استفاده می نماید. تبصره ۱ - تشخیص محل مناسب برای استقرار دفتر مطبوعات بر عهده وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی است تبصره ۲ - متقاضی باید برای اخذ مجوز تاسیس ، رونوشت سند مالکیت یا اجاره نامه ملک مورد نظر را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی ارائه نماید. ماده ۲ - مقصود از فعالیت شغلی مقرر در قانون ، کلیه فعالیت هایی است که قبل از مرحله چاپ هر نشریه صورت می گیرد، فعالیت بخش های مختلف مانند هیات تحریریه ، سرویس های خبر و گزارش ، آگهی و خدمات نصب و احداث سامانه های ارتباطی و خبررسانی ، بایگانی مطبوعات ، کتابخانه ، همچنین نصب سامانه های رایانه ای انجام عملیات فنی لیتوگرافی برای تهیه فیلم و کپی زینک ، حروفچینی و صفحه بندی از جمله مصادیق این فعالیت هاست ماده ۳ - تاسیس دفتر مطبوعات در واحدهای مسکونی مستقل ، اداری و تجاری مجاز است تبصره - تاسیس دفتر چند نشریه در یک واحد مسکونی مستقل یا مجتمعی که به طور کامل در اختیار مطبوعات باشد بلامانع است ماده ۴ - نصب تابلوهای راهنما به منظور مشخص نمودن دفتر مطبوعات الزامی است به طوری که به وسیله آن محل دفتر به سادگی قابل شناسایی باشد. ماده ۵ - انجام هر نوع فعالیت غیر مطبوعاتی در محل دفاتر ممنوع است تبصره ۱ - در استان تهران وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و در سایر استانها ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان در خصوص رعایت مقررات قانون یاد شده و این آیین نامه ملزم به بازرسی از دفاتر مطبوعات هستند. تبصره ۲ - تخلف از مقررات این ماده موجب تذکر کتبی از سوی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در تهران و ادارات کل فرهنگ و ارشاد اسلامی سایر استانها به صاحب امتیاز نشریه است و در صورت تکرار تخلف ، مراتب به مراجع ذی صلاح اعلام می شود. ماده ۶ - در صورت توقف فعالیت نشریه به حکم دادگاه یا تصمیم هیات نظارت بر مطبوعات یا هر دلیل دیگر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی موضوع را به مراجع ذی صلاح اعلام می کند تا نسبت به ممانعت از فعالیت مطبوعاتی در دفاتر یاد شده اقدام نمایند.

### آیین نامه هیات منصفه - مصوب ۱۳۷۴

در اجرای قانون مصوب ۲۰/۵/۵۸ شورای انقلاب آیین نامه زیر در جلسه مورخ ۶/۹/۱۳۷۴ هیات منصفه به تصویب رسید: ماده ۱ - هیات منصفه در اولین جلسه هر دوره از میان خود یک رییس ، دو نایب رییس و دو منشی انتخاب میکند. ماده ۲ - هیات ریسه مسئولیت تشکیل و اداره جلسات و اعلام رای هیات منصفه را به ترتیبی که در این آیین نامه آمده بر عهده خواهد داشت ماده ۳ - شروع مذاکرات ، اخذ رای و اعلام رای نهایی و ختم جلسه توسط رییس جلسه صورت خواهد گرفت ماده ۴ - صورت جلسه توسط منشی تهیه و به امضا اعضا حاضر خواهد رسید. ماده ۵ - اعلام عمومی نظرات و نتایج مذاکرات هیات منصفه با شور قبلی توسط فردی که برای هر مورد انتخاب میشود صورت میگیرد. ماده ۶ - جلسات هیات هر دو هفته یک بار روزهای دوشنبه از ساعت ۱۰ صبح در

محل دادگستری تهران منعقد میگردد. تبصره - برگزاری جلسه اضطراری و یا در خارج از محل دادگستری با تصویب هیات ریسه انجام میگردد. ماده ۷ - هیات منصفه به منظور انجام امور اداری و مکاتبات اقدام به تشکیل دبیرخانه در محل دادگستری تهران مینماید. تبصره - مسیول دبیرخانه توسط هیات منصفه انتخاب و با حکم رئیس هیات منصوب خواهد گردید. ماده ۸ - دبیرخانه موظف است خلاصه پرونده هایی را که قرار است در هر جلسه مطرح شود حداقل سه روز قبل در اختیار اعضا قرار دهد. ماده ۹ - نگهداری و ضبط اسناد و سوابق جلسات ، دعوت از اعضا و هماهنگی آنان برای شرکت در جلسات بر عهده مسئول دبیرخانه است

### آیین نامه اجرایی قانون ( ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ) - ( ماده ۱ تا ۱۴ )

مصوب فروردین ماه ۱۳۷۴ هیات وزیران ماده ۱ - مجوز استفاده از تجهیزات دریافت از ماهواره توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی بانظرخواهی از وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن (برای صلاحیت های فنی و اطلاعات (برای صلاحیتهای امنیتی صادر خواهد شد. وزارتخانه های پست و تلگراف و تلفن و اطلاعات موظفند حداکثر ظرف پانزده روز از زمان تقاضا ، نسبت به درخواست های واصل شده اعلام نظر نمایند پس از پایان مهلت تعیین شده در صورت عدم اعلام نظر دستگاه های فوق ، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مجاز به ارائه مجوز خواهد بود. ماده ۲ - وزارت امور خارجه مشخصات و اسامی نمایندگان گیهای سیاسی و کنسولی کشورهای خارجی و سازمانهای بین المللی را که براساس حقوق بین الملل از شمول مفاد این قانون مستثنی هستند به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام می کند. ماده ۳ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به طور مستمر اسامی و مشخصات استفاده کنندگان مجاز از تجهیزات دریافت از ماهواره و تغییرات آنها را به وزارت کشور اعلام می نماید تا وزارت کشور نسبت به جمع آوری تجهیزات استفاده کنندگان غیرمجاز و معرفی آنان به مراجع قضایی اقدام کند. ماده ۴ - شرکتهای تولید کننده و سازنده داخلی چنانچه حسب نیازها و سفارش سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن براساس قراردادهای منعقد شده مبادرت به تولید و ساخت تجهیزات موضوع قانون در مدت قرارداد نمایند از شمول ممنوعیت های مندرج در مواد (۸) و (۹) قانون خارج بوده و وزارت کشور متعرض آنها نخواهد شد. وزارت کشور مکلف است ضمن تدوین دستورالعمل لازم ، ترتیبی اتخاذ نماید تا مأمورین انتظامی در مقام اجرای مواد (۸) و (۹) قانون متعرض مأمورین و متصدیان حمل و نقل ، انبارها و مراکز نصب و تعمیر و نگهداری سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران و وزارت پست و تلگراف و تلفن نگردند و همکاری ها و هماهنگی های لازم را معمول نمایند. ماده ۵ - دستگاه های فرهنگی کشور برای تحقق مفاد ماده (۴) قانون و به منظور تبیین اثرات مخرب استفاده از برنامه های ماهواره ای و نیز سایر دستگاه های اجرایی برای تحقق ماده (۱۰) قانون موظفند با وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران حسب مورد همکاری نمایند. کلیه دستگاه های فرهنگی کشور مکلفند قبل از تصویب بودجه سالانه کل کشور ، طرحهای لازم پیشنهادی خود را جهت مقابله با تهاجم فرهنگی و تبیین اثرات مخرب برنامه های منحرف کننده ماهواره به سازمان برنامه و بودجه ارائه کنند تا در بودجه سالانه آنان منظور گردد. ماده ۶ - وزارت کشور جهت جمع آوری تجهیزات دریافت از ماهواره با توجه به وظایف نیروی انتظامی اقدام خواهد نمود و حسب مورد می تواند از نیروی مقاومت بسیج استفاده نماید. ماده ۷ - کسانی که پس از انقضای مهلت مقرر در قانون به صورت داوطلبانه ، تجهیزات خود را تحویل دهند ، مشمول مقررات مربوط به کیفیات مخففه در مجازات ها خواهند بود. ماده ۸ - در اجرای ماده (۳) قانون ، وزارت اطلاعات از طریق تعیین رابط ، اخبار لازم را در اختیار وزارت کشور قرار خواهد داد. وزارت کشور با همکاری وزارت خانه های اطلاعات ، فرهنگ و ارشاد اسلامی و پست و تلگراف و تلفن و گمرک ایران با توجه به اخبار و اطلاعات واصل شده و راهکارهای ارائه شده توسط دستگاه های مزبور اقدامات اجرایی لازم را معمول خواهد داشت بدین منظور ستادی متشکل از نمایندگان دستگاه های مزبور در وزارت کشور مستقر خواهد گردید. ماده ۹ - وزارت کشور مکلف است در قبال توقیف تجهیزات

موضوع قانون صورت جلسه‌ای تنظیم و نسخه‌ای از آن را جهت اجرای تبصره ماده (۳) قانون به سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران ارسال نماید. ماده ۱۰ - تجهیزات موضوع قانون که به طور داوطلبانه به وزارت کشور تحویل داده می‌شود یا حسب مورد توسط وزارت کشور و مرجع صلاحیت دار قضایی ضبط و مصادره می‌شود، ماهانه طی صورت جلسه‌ای با امضای نمایندگان وزارت کشور، مرجع ذی ربط قضایی و سازمان صدا و سیما به مراکز استانی سازمان صدا و سیما تحویل داده خواهد شد. ماده ۱۱ - تعریف تجهیزات مشمول قانون برعهده وزارت پست و تلگراف و تلفن است وزارت پست و تلگراف و تلفن موظف است ظرف یک ماه نسبت به ارائه تعاریف مربوط اقدام نماید. تبصره - تشخیص تجهیزات فنی مشمول قانون در مبادی ورودی و سایر نقاط کشور براساس قوانین و مقررات جاری کشور، برعهده دستگاه‌های ذی ربط خواهد بود. ماده ۱۲ - در اجرای تبصره ماده (۶) قانون، صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران به منظور واردات فرستنده‌ها، تجهیزات تولید و پخش و لوازم یدکی متعلق به آنها، مواد اولیه تولید فیلم و سریال از اخذ مجوز ورود و گواهی عدم ساخت وزارتخانه‌ها و سازمان‌های دولتی نظیر وزارتخانه‌های پست و تلگراف و تلفن، صنایع و بازرگانی و گواهی سازمان انرژی اتمی و ثبت سفارش وزارت بازرگانی معاف است ماده ۱۳ - وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در اجرای تبصره ماده (۱۰) قانون مجازند به تناسب مسئولیتهای خود دستورالعمل‌های لازم را برای تعیین آگهیهای تبلیغاتی غیرمجاز تدوین و بنا به حوزه صلاحیت خود، رأساً و به طور جداگانه به ناشرین و مطبوعات و بنگاههای تبلیغاتی همچنین واحدهای داخلی و تابع خود ابلاغ نمایند. ماده ۱۴ - دستگاهها و سازمانها می‌توانند با ذکر دلایل توجیهی به امضای بالاترین مقام اجرایی خود برای استفاده از تجهیزات گیرنده برنامه‌های تلویزیونی ماهواره ای از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی درخواست مجوز کنند. تبصره - مسئول واحد استفاده کننده از تجهیزات در برابر هر گونه استفاده غیرقانونی از آن پاسخگو خواهد بود. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دوره‌های توجیهی مناسب را برای آموزش و آمادگی این مسئولان برگزار می‌کند. تایید صلاحیت مسئولان منوط به موفقیت در این دوره‌ها است

### آیین‌نامه اجرایی قانون مطبوعات - مصوب اسفندماه ۱۳۶۴

#### فصل اول - تعریف و مشخصات مطبوعات - ( ماده ۱ تا ۱۰ )

ماده ۱ - مطبوعات به لحاظ زمان انتشار منظم می‌توانند با یکی از فواصل زمانی زیر منتشر شوند: روزی یکبار (روزنامه - هفته‌ای یکبار (هفته نامه - دو هفته یکبار - ماهی یکبار (ماهنامه - دو ماه یکبار - سه ماه یکبار (فصل نامه - شش ماه یکبار - سالی یکبار (سالنامه . ماده ۲ - در نامگذاری نشریه باید از کلماتی استفاده شود که با نشریات موجود و یا با نشریاتی که به طور موقت یا دائم تعطیل شده‌اند اشتباه نشود و موجب تداعی نام آنها نباشد. همچنین نام نشریه نباید از کلمات نامانوس باشد و یا ایجاد شبهه وابستگی به ارگان‌ها یا سازمان‌های دولتی بنماید. ماده ۳ - انتخاب روش‌هایی غیر از موارد ذکر شده در ماده یک قانون مطبوعات می‌بایست متناسب با رسالت مطبوعات باشد. ماده ۴ - انتشار فوق العاده، ویژه‌نامه و دیگر ضمایم با همان نام نشریه و منطبق با سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار با رعایت سایر ضوابط قانون مطبوعات مجاز می‌باشد. تبصره - انتشار موارد مذکور به طور منظم مجاز نیست ماده ۵ - ترجمه تمام یا قسمتی از مطالب مطبوعات دارای پروانه انتشار و انتشار منظم آن به صورت جداگانه با رعایت سایر مشخصات مندرج در پروانه انتشار از جانب صاحب نشریه بلامانع می‌باشد. ماده ۶ - تکثیر مطبوعات موجود به همان زبان و شکلی که چاپ شده، از طریق چاپ افست یا عکسبرداری یا طرق مشابه بدون اجازه صاحب امتیاز ممنوع می‌باشد. ماده ۷ - مطالب نشریه باید مطابق و متناسب با روش‌های مندرج در پروانه انتشار باشد و نشریه مجاز به درج مطالب و مقالات خارج از روش‌های مذکور که تاثیر (در) خط مشی کلی نشریه بگذارد، نمی‌باشد. ماده ۸ - روزنامه‌ها و هفته‌نامه‌های محلی موظفند ضمن رعایت ماده

۲ قانون مطبوعات و متناسب با روش درخواستی مطالبی پیرامون مسایل اجتماعی و فرهنگی محل انتشار نشریه جهت بالا بردن سطح آگاهی های مردم درج نمایند. ماده ۹ - نقل مطالب از مطبوعات و احزاب و گروه های منحرف و مخالف اسلام (داخلی و خارجی به منظور تحقیق ، نقد و رد مطالب در صورتی که تبلیغ محسوب نشود بلامانع است ماده ۱۰ - هرگونه تغییر در مشخصات مندرج در پروانه انتشار نشریه از قبیل تغییر نام ، روش ، ترتیب و محل انتشار نشریه و یا تغییر در شکل نشریه بدون اطلاع و تصویب هیات نظارت بر مطبوعات ممنوع می باشد.

### فصل دوم - شرایط صدور پروانه و مجوز انتشار نشریه ( ماده ۱۱ تا ۲۱ )

ماده ۱۱ - متقاضیان پروانه انتشار نشریه می بایست تقاضانامه خود را به همراه فرم تکمیل شده پرسشنامه ای که حاوی مشخصات فردی ، سوابق اجتماعی - سیاسی - فرهنگی و شغلی و تعهدات قانونی باشد ، به انضمام مدارک به شرح زیر در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل نمایند: ۱ - چهار قطعه عکس ۴ \* ۲۶ - دو برگ فتوکپی شناسنامه از تمام صفحات ۳ - یک برگ گواهی عدم سابقه محکومیت کیفری براساس موازین اسلامی که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد ۴ - یک برگ فتوکپی آخرین مدرک تحصیلی که به تایید مراکز ذی صلاح رسیده باشد ماده ۱۲ - چنانچه متقاضی پروانه انتشار نشریه شخص حقوقی باشد ، تقاضای صدور پروانه همراه با معرفی فرد واجد شرایط به عنوان مدیر مسئول باید از سوی بالاترین مقام مسئول باشد. در صورت موافقت پروانه انتشار به نام مرکز درخواست کننده صادر خواهد شد. ماده ۱۳ - احزاب ، سازمان ها ، و جمعیت های سیاسی و اقلیت های دینی در صورتی می توانند تقاضای صدور پروانه انتشار نشریه نمایند که اجازه فعالیت قانونی را دارا باشند. ماده ۱۴ - وزارت ارشاد اسلامی جهت صدور مجوز انتشار مطبوعات سازمان های آزادی بخش اسلامی کشورهای دیگر در چهار چوب مقررات مربوط به خارجیان مقیم ایران با استعلام نظر از مراکز ذیربط و اخذ مدارک لازم و نیز موافقت وزارت امور خارجه بررسی لازم را به عمل آورده و پس از موافقت رأساً اقدام می نماید. ماده ۱۵ - انتشار نشریه داخلی یک سازمان ، موسسه و شرکت دولتی یا خصوصی منوط به کسب مجوز از وزارت ارشاد اسلامی و با رعایت ضوابط به شرح زیر می باشد: ۱ - درخواست انتشار نشریه و معرفی مدیر مسوول پیشنهادی از سوی بالاترین مقام مسئول آن مرکز باشد. ۲ - مطالب و اخبار عمدتاً در ارتباط با اهداف و شرح وظایف مرکز درخواست کننده و فقط برای استفاده کارکنان باشد. ۳ - دارای چاپ ساده و حداکثر ۲ رنگ برای جلد باشد. ۴ - تعداد صفحات از ۴۸ صفحه تجاوز نماید. ۵ - رایگان باشد. تبصره ۱ - (حذف شد ۲۹/۶/۱۳۶۶) تبصره ۲ - صدور مجوز انتشار نشریات دولتی با رعایت سایر قوانین مربوطه خواهد بود. ماده ۱۶ - (حذف شد ۲۹/۶/۱۳۶۶) ماده ۱۷ - وزارت ارشاد اسلامی برای صاحب امتیاز ، پروانه انتشار و برای مدیر مسوول ، کارت مدیر مسوولی صادر می نماید. ماده ۱۸ - وزارت ارشاد اسلامی می تواند جهت اجرای ماده ۱۱ قانون مطبوعات ، تحقیقات لازم را به عمل آورده و در اختیار هیات نظارت بر مطبوعات قرار دهد. وزارتخانه ها و ارگان های ذیربط موظفند همکاری های لازم را به عمل آورند. ماده ۱۹ - متقاضیانی که صلاحیت انتشار نشریه توسط آنان براساس بند ۴ و یا تبصره ۵ ماده ۹ قانون مطبوعات مورد تایید هیات نظارت بر مطبوعات قرار نگرفته است ، نمی توانند مجدداً تقاضای انتشار نشریه نمایند. ماده ۲۰ - تاریخ رسمی ثبت تقاضای پروانه انتشار نشریه زمانی است که کلیه مدارک مورد نیاز ، از سوی متقاضی ارائه شده باشد. ماده ۲۱ - (اصلاحی ۲۹/۶/۱۳۶۶) در صورت فوت صاحب امتیاز ، وراث قانونی واجد شرایط وی ، در تقاضای صدور امتیاز نشریه مورث خود حق تقدم دارند مگر این که فاقد شرایط لازم باشند. چنانچه ورثه در مهلت قانونی مذکور در ماده ۱۶ قانون مطبوعات از تقاضای انتقال امتیاز خودداری کنند و یا پس از صدور امتیاز اقدام به انتشار نشریه نمایند ، پروانه انتشار لغو می گردد.

**فصل سوم - مواردی که مطبوعات ( صاحبان پروانه و مدیران مسئول ) موظف به رعایت آن می‌باشند ( ماده ۲۲ تا**

ماده ۲۲ - مطبوعاتی که به شکل روزنامه ای منتشر می‌شوند مکلف به درج نام به طور کامل ، ترتیب و تاریخ انتشار ، شماره ردیف و مسلسل و شماره صفحه در بالای تمام صفحات و نیز قیمت در صفحه اول می‌باشند. همچنین مطبوعاتی که به شکل مجله‌ای منتشر می‌شوند موظف به درج نام به طور کامل ، ترتیب و تاریخ انتشار ، شماره ردیف مسلسل ، تعداد صفحات و قیمت بر روی جلد و نیز قید شماره هر صفحه در تمام صفحات می‌باشند. تبصره - اضافه کردن هر گونه کلمه و یا عبارت به نام و یا آرم نشریه به جز آنچه که در پروانه انتشار و یا مجوز چاپ نشریه ذکر شده است ممنوع می‌باشد. ماده ۲۳ - هر یک از مطبوعات موظف به داشتن محلی به‌عنوان دفتر نشریه می‌باشند. صاحب پروانه نشریه موظف است نشانی محل دفتر نشریه را پس از اخذ پروانه انتشار کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید. تبصره - صاحب امتیاز نشریه موظف است در صورت تغییر نشانی محل دفتر نشریه ، مراتب را کتبا ظرف مدت ۴۸ ساعت در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه اطلاع دهد. ماده ۲۴ - کلیه مکاتبات مطبوعات با امضا صاحب پروانه یا مدیر مسوول نشریه و شخص دیگری که قبلا از طرف مدیر مسئول کتبا معرفی شده باشد معتبر می‌باشد. مکاتبات شخص معرفی شده در مواردی که قانون مطبوعات و آیین نامه اجرایی آن را از وظایف صاحب پروانه و یا مدیر مسئول شناخته است ، اعتبار ندارد. ماده ۲۵ - کلیه مطبوعات باید شمارگان خود را در هر شماره نشریه درج کنند و تعداد نسخ برگشتی را هر ماه به تفکیک محل توزیع به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی اعلام نمایند. مراکز چاپ نیز موظف به درج شمارگان نشریات چاپ شده می‌باشند. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مکلف است موارد تخلف را به طور رسمی اعلام و با متخلف بر طبق مقررات رفتار نماید. ماده ۲۶ - مدیر مسوول نشریه موظف است نام چاپخانه طرف قرارداد چاپ نشریه را کتبا به وزارت ارشاد اسلامی اعلام نماید. ماده ۲۷ - مدیران چاپخانه ها می‌بایست همزمان با خروج هر شماره نشریه از چاپخانه دو نسخه در تهران به وزارت ارشاد اسلامی و در شهرستان ها به ادارات ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل و بر گه اعلام وصول دریافت دارند. تبصره - ناشران نشریات داخلی سازمان ها و موسسات نیز باید دو نسخه از نشریه خود را به محض انتشار به وزارت ارشاد اسلامی یا اداره ارشاد اسلامی استان مربوطه تحویل دهند و برگ وصول دریافت دارند. ماده ۲۸ - در صورت لغو پروانه انتشار نشریه با اعلام کتبی از سوی وزارت ارشاد اسلامی ، صاحب پروانه موظف است مدارک دریافتی از قبیل پروانه انتشار ، کارت مدیر مسئولی و کارت های خبرنگاری را ظرف مدت ۱۰ روز مسترد نماید. با سواستفاده کنندگان از این مدارک برابر قانون رفتار خواهد شد.

**فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۲۹ تا ۳۰ )**

ماده ۲۹- وزارت ارشاد اسلامی در بررسی نشریات تخصصی از همکاری مراکز ذی صلاح استفاده می‌نماید. ماده ۳۰- وزارت ارشاد اسلامی سه ماه قبل از اتمام دوره هیات نظارت بر مطبوعات ، ضمن درج آگهی در نشریات کثیرالانتشار ، دعوتنامه ای به منظور اعلام نامزدی به مدیران مسوول مطبوعات ارسال نموده و پس از تایید صلاحیت نامزدها توسط هیات جدید مندرج در تبصره ۴ ماده ۱۰ قانون مطبوعات ، مجددا از کلیه مدیران مسوول جهت برگزاری انتخابات دعوت می‌نماید. جلسه با حضور اکثریت مطلق مدیران مسوول رسمیت می‌یابد و اخذ رای با ورقه و به صورت مخفی خواهد بود و نماینده انتخابی می‌بایست اکثریت مطلق آرا حاضران را بدست آورد. تبصره ۱ - چنانچه در مرحله اول اکثریت حاضر نشوند جلسه پس از دو هفته تشکیل و با رای اکثریت حاضران نسبت به انتخاب نماینده مدیران مسوول اقدام می‌شود. تبصره ۲ - حق رای مدیر مسوول قابل تفویض نمی‌باشد. تبصره ۳ - هر مدیر مسوول حتی اگر مدیر مسوولی چند نشریه را به عهده داشته باشد دارای یک‌رای خواهد بود. تبصره ۴ - فقط مدیران مسوول نشریات در

حال انتشار حق رای خواهند داشت

## آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران - مصوب ۱۳۵۴

### فصل اول - تعریف نویسنده مطبوعاتی و خبرنگار ( ماده ۱ تا ۳ )

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۲/۶/۱۳۵۴ بنا به پیشنهاد شماره ۶۷۱/۲۲ مورخ ۲۶/۴/۱۳۵۴ وزارت اطلاعات و جهانگردی و به استناد ماده ۶ قانون تاسیس وزارت اطلاعات و جهانگردی آیین نامه نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران را به شرح زیر تصویب نمودند:

فصل اول - تعریف نویسنده مطبوعاتی و خبرنگار ماده ۱ - نویسنده مطبوعاتی شخصی است که به طور حرفه‌ای، به کار نویسندگی یا ترجمه در روزنامه‌ها یا مجلات مشغول و دارای پروانه از وزارت اطلاعات و جهانگردی باشد. ماده ۲ - خبرنگار نماینده روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا موسسه‌ای است که به موجب پروانه صادره از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی به این سمت شناخته شده است. ماده ۳ - خبرنگاران به سه دسته به شرح زیر تقسیم می‌شوند: الف - خبرنگار سیاسی ب - خبرنگار امور اجتماعی ( اقتصادی، قضایی، جنایی، هنری، فرهنگی، آموزشی، ادبی، ورزشی). پ - خبرنگار عکاس که به کار عکسبرداری و یا فیلمبرداری اشتغال خواهد داشت تبصره - امور مربوط به خبرنگاران، عکاسان، نویسندگان و مترجمان نشریه‌های ارتش شاهنشاهی تابع مقررات مربوط خواهد بود.

### فصل دوم - شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۴ تا ۶ )

ماده ۴ - نویسندگان مطبوعاتی مشمول این آیین نامه باید حایز شرایط زیر باشند: الف - داشتن بیست سال تمام سن ب - دارا بودن دانشنامه لیسانس یا صلاحیت علمی و نویسندگی مورد تایید وزارت اطلاعات و جهانگردی پ - داشتن حسن شهرت ت - نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ث - ارایه معرفی نامه از طرف روزنامه یا مجله مربوط ماده ۵ - خبرنگاران مشمول این آیین نامه باید واجد شرایط زیر باشند: الف - تابعیت ایران ب - داشتن بیست سال تمام سن برای خبرنگاران امور اجتماعی و عکاس و بیست و پنج سال تمام سن برای خبرنگار سیاسی پ - دارا بودن دانشنامه لیسانس یا مدارک تحصیلی معادل آن برای خبرنگار سیاسی و داشتن تحصیلات دیپلم کامل دبیرستان و یا مدارک تحصیلی معادل آن برای خبرنگاران امور اجتماعی و عکاس ت - داشتن حسن شهرت ث - نداشتن سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ج - آشنایی به یکی از زبانهای خارجی برای خبرنگار سیاسی و همچنین خبرنگار مطبوعات داخلی در خارج از کشور. چ - ارایه معرفی نامه از طرف روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا موسسه مربوط ماده ۶ - احراز و تایید صلاحیت نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران با وزارت اطلاعات و جهانگردی می‌باشد. تبصره ۱ - در صورتی که نویسنده مطبوعاتی فاقد یکی از شرایط مذکور در بندهای (پ) و (ت) ماده چهار بشود و یا خبرنگاری فاقد یکی از شرایط مذکور در بندهای (الف) و (ت) و (ث) ماده پنج بشود پروانه او با رعایت ماده ۱۷ این آیین نامه از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی لغو می‌شود. تبصره ۲ - نویسندگان مطبوعاتی که سابقه کار آنان مورد تایید وزارت اطلاعات و جهانگردی باشد و همچنین خبرنگارانی که پیش از تاریخ تصویب این آیین نامه دارای پنج سال سابقه خبرنگاری باشند به ترتیب از شرایط بند (ب) ماده چهار و بند (پ) ماده پنج معاف خواهند بود.

### فصل سوم - مدت اعتبار پروانه‌های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۷ تا ۱۲ )



ماده ۷- مدت اعتبار پروانه نویسندگان مطبوعاتی دائمی است و نیاز به تمدید ندارد. ماده ۸- مدت اعتبار پروانه خبرنگاری دو سال تمام از تاریخ صدور است و پس از انقضای مدت مذکور، چنانچه از طرف روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا موسسه مربوط تقاضای تمدید شود به مدت دو سال دیگر تمدید می شود. ماده ۹- در صورتی که دارنده امتیاز یا مدیر روزنامه، مجله و مدیر خبرگزاری و یا موسسه مربوط تقاضای لغو پروانه نویسنده یا خبرنگاری را بنماید، وزارت اطلاعات و جهانگردی به موضوع رسیدگی و نسبت به لغو یا ابقای اعتبار پروانه شخص مورد نظر تصمیم مقتضی اتخاذ خواهد کرد. ماده ۱۰- پروانه های موضوع این آیین نامه در هر استان یا فرمانداری کل پس از احراز صلاحیت توسط وزارت اطلاعات و جهانگردی از طریق اداره اطلاعات و جهانگردی هر استان یا فرمانداری کل صادر یا تمدید خواهد شد و مراتب ضمن ارسال رونوشت پروانه صادره به وسیله اداره مذکور به وزارت اطلاعات و جهانگردی اعلام خواهد گردید. تبصره- در شهرستانهایی که اداره اطلاعات و جهانگردی وجود ندارد وزارت اطلاعات و جهانگردی می تواند تمام یا قسمتی از وظایف مقرر در این آیین نامه را به استانداران، فرمانداران کل یا فرمانداران محول نماید تا به نمایندگی وزارت اطلاعات و جهانگردی اقدامات لازم را معمول دارند. ماده ۱۱- روزنامه، مجله، خبرگزاری و یا موسسه مربوط در صورت موافقت با ادامه کار هر یک از خبرنگاران خود مکلف است دو ماه قبل از انقضای مدت اعتبار پروانه صادره، تقاضای تمدید نماید. ماده ۱۲- پروانه خبرنگارانی که به استناد آیین نامه شماره ۳۲۰۵۶ مورخ ۱۵/۱۲/۱۳۴۳ هیات وزیران صادر گردیده تا پایان مدت اعتبار به قوت خود باقی است

#### فصل چهارم - وظایف نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران ( ماده ۱۳ تا ۱۶ )

ماده ۱۳- نویسنده مطبوعاتی مکلف به رعایت قوانین و مقررات موضوعه است ماده ۱۴- خبرنگار مکلف است الف- اطلاعات صحیح در اختیار موسسه خود قرار دهد. ب- هنگام شرکت در مراسم پروانه خبرنگاری خود را همراه داشته باشد. پ- در پیرامون رشته خود که در پروانه خبرنگاری منعکس است فعالیت کند. ماده ۱۵- نقل و نشر اخبار از مقامات انتظامی و نظامی و عکسبرداری از موسسات نظامی و مکان هایی که با امنیت عمومی ارتباط دارد، بدون تحصیل اجازه قبلی از مقامات مربوط ممنوع است ماده ۱۶- خبرنگار باید در مصاحبه هایی که به عمل می آید و نیز در نقل و قول مقامات رسمی رعایت امانت را بنماید و از تحریف مطالب ممنوع است

#### فصل پنجم - مقررات مختلف ( ماده ۱۷ تا ۱۹ )

ماده ۱۷- وزارت اطلاعات و جهانگردی می تواند پروانه های نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگارانی را که مرتکب یکی از تخلفات مشروحه زیر بشوند، پس از رسیدگی برای بار اول به مدت سه ماه و بار دوم ششماه و در صورت تکرار برای همیشه لغو نماید: الف- تهیه مطالب دروغ و تنظیم خبرهای نادرست با علم به نادرستی آنها و مواردی که به موجب قانون مجازات عمومی نشر اکاذیب تلقی شود. ب- افشای هر مطلبی که برخلاف قانون مطبوعات باشد. تبصره ۱- نویسنده مطبوعاتی و خبرنگاری که پروانه وی به استناد ماده لغو می شود از نویسندگی و خبرنگاری در کلیه روزنامه ها و مجلات، خبرگزاری ها و موسسات یا سازمانهای کشور محروم خواهد بود. تبصره ۲- در صورتی که نویسنده مطبوعاتی یا خبرنگاری به سبب تهیه مطالب خلاف قانون یا تنظیم خبرهای نادرست و نشر اکاذیب تحت تعقیب قرار گیرد از تاریخ صدور کیفرخواست، پروانه او از طرف وزارت اطلاعات و جهانگردی توقیف و در صورت براءت مسترد والا ابطال خواهد شد. ماده ۱۸- موسسات مطبوعاتی و خبرگزاریها مکلفند فهرست مشخصات و شرایط کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران خود را حسب مورد به وزارت اطلاعات و جهانگردی یا به اداره اطلاعات

و جهانگردی محل ارسال دارند و هر گونه تغییرات بعدی فهرست مذکور را بلافاصله به همان مراجع اعلام نمایند. ماده ۱۹ -  
 مأموران انتظامی مکلفند حسب اعلام وزارت اطلاعات و جهانگردی محل ، از کار نویسندگان مطبوعاتی و خبرنگاران بدون پروانه  
 و یا کسانی که پروانه آنان لغو یا مدت اعتبار آن منقضی شده است جلوگیری نمایند و پروانه های غیر مجاز را ضبط و به وزارت  
 اطلاعات و جهانگردی ارسال دارند.

### اصلاح آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۹/۱/۱۳۸۳ با توجه به نظر رییس مجلس شورای اسلامی ، موضوع نامه شماره ۶۹۲۶۳/۶۰۲۵ ه/ب مورخ  
 مورخ ۳۰/۹/۱۳۸۲ تصویب نمود: آیین نامه اجرایی قانون مطبوعات، مصوب ۱۳۶۴ و اصلاحات بعدی آن ، موضوع تصویب نامه  
 شماره ۳۲۱۸۷/ت/۳۳۰۳۷ ه مورخ ۶/۷/۱۳۸۱ به شرح ذیل اصلاح می شود: الف - عبارت ( و به قصد تشویش اذهان عمومی صورت  
 گرفته باشد ) از تبصره (۱) ماده (۹) حذف می گردد. ب - عبارت ( جز در مواردی که انتشار مطلب علیه قانون اساسی باشد ) بعد از  
 عبارت ( نقدهای علمی ) در تبصره (۲) ماده (۹) اضافه می گردد. ج - عبارت ( جز در موارد مصرح در قانون و مواردی که در  
 حوزه اختیارات و مسئولیت های هیئت نظارت باشد ) بعد از عبارت ( سایر موارد ) در ماده (۱۰) اضافه می گردد. د - عبارت ( با  
 درخواست کتبی صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن و تصویب هیئت نظارت ) جایگزین عبارت ( صاحب امتیاز و مدیر مسئول آن )  
 در ماده (۱۱) می گردد. ه - عبارت ( جنبه استمرار داشته و ) از متن ماده (۳۳) حذف می گردد. و - متن ذیل جایگزین تبصره ماده  
 (۳۵) می گردد: تبصره - در صورتی که رییس دادگاه حضور در برخی از موارد را ضروری بداند با تصمیم اکثریت اعضای هیئت  
 منصفه رییس دادگاه صرفاً برای همان موضوع در جلسه حاضر خواهد شد. معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

### آیین نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی - مصوب ۱۳۸۴

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۲۵/۲/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد شماره ۳۱۳۷۲/۱ مورخ ۱۶/۱۲/۱۳۸۲ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و به  
 استناد بندهای (۱۵) و (۲۲) ماده (۲) قانون اهداف و وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی - مصوب ۱۳۶۵ - آیین نامه تأسیس و  
 نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی را به شرح زیر تصویب نمود: آیین نامه تأسیس و نحوه فعالیت خبرگزاریهای غیردولتی ماده ۱-  
 به منظور کمک به توسعه دسترسی همگانی به اطلاعات، روشن ساختن افکار عمومی، ارتقای سطح معلومات و دانش مردم،  
 خبرگزاریهای غیردولتی که در این آیین نامه از این پس به اختصار «خبرگزاری» نامیده می شوند، می توانند براساس مفاد این  
 آیین نامه تأسیس گردند. ماده ۲- خبرگزاری مؤسسه ای است که با سرمایه غیردولتی به وسیله اشخاص حقیقی و حقوقی تأسیس شده  
 و مجاز است در زمینه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی نسبت به جمع آوری، پردازش و انتشار خبر، تحلیل، مصاحبه و  
 گزارش در قالب نوشتار، صدا و تصویر در حوزه های داخلی و خارجی فعالیت کند. ماده ۳- خبرگزاری در انتشار اخبار و اطلاعات به  
 جز در موارد زیر آزاد است، ۱- اشاعه فحشا و منکرات از طریق آرایه تصاویر یا مطالب ضد اخلاقی و مستهجن. ۲- ترویج و اشاعه  
 مطالب و موضوعات کفرآمیز و الحادی. ۳- توهین به مقدسات، اصول و مبانی دین اسلام و سایر ادیان. ۴- اهانت به مقام معظم  
 رهبری و مراجع مسلم تقلید. ۵- هرگونه توهین و افترا به اشخاص حقیقی و حقوقی. ۶- ایجاد اختلاف میان اقشار جامعه به ویژه از  
 طریق مسائل و اختلافات مذهبی، نژادی و قومی. ۷- اطلاعات مربوط به حریم خصوصی افراد. ۸- ترغیب و تشویق به اقدام علیه  
 امنیت ملی شامل دعوت به شورش و آشوب علیه نظام و تجزیه کشور و دعوت به فعالیتهای تروریستی. ۹- افشای اسناد و اطلاعات  
 طبقه بندی شده رسمی کشور. ۱۰- نقل مطالب از کتب، مطبوعات و پایگاههای اطلاع رسانی احزاب و گروههای ضد انقلاب و  
 محارب به نحوی که تبلیغ آنها باشد. تبصره ۱- مقدسات عبارتند از: ۱- معصومین و پیامبران (ص). ۲- کتابهای آسمانی. ۳- احکام

ضروری دینی. تبصره ۲- در صورت تخلف از موازین یادشده موارد توسط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی کتباً به هیئت نظارت موضوع ماده (۱۳) این آیین نامه اعلام و در صورت تشخیص هیئت، پرونده به مرجع قضایی ارجاع می شود. هیئت در صورت لزوم می تواند نسبت به توقف فعالیت خبرگزاری تا صدور تصمیم دادگاه اقدام نماید. ماده ۴- مصوبات شورای عالی امنیت ملی در خصوص انتشار اخبار پس از ابلاغ رسمی برای خبرگزاری لازماً اتباع است. ماده ۵- در صورت عدم رعایت موازین اخلاقی یا مذهبی به جز موارد مندرج در ماده (۳) این آیین نامه، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می تواند به شرح زیر اقدام نماید. الف - بار اول تذکر کتبی. ب - بار دوم اخطار کتبی. پ - بار سوم ارجاع موضوع به هیئت نظارت برای اتخاذ تصمیم لازم. تبصره ۱- هیئت نظارت می تواند فعالیت های خبرگزاری را حداکثر تا سه روز متوقف نماید. تبصره ۲- خبرگزاری در صورت تکرار تخلفات مشمول تبصره (۲) ماده (۳) می شود. ماده ۶- خبرگزاری موظف است پاسخ یا توضیح اشخاص حقیقی یا حقوقی در خصوص مطالب مندرج در ارتباط با آنها را حداکثر ظرف ۲۴ ساعت پس از دریافت، منتشر نماید. ماده ۷- واگذاری امتیاز خبرگزاری به غیر، ممنوع است مگر با اجازه وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ماده ۸- شرایط متقاضی (صاحب امتیاز) و مراحل صدور مجوز تأسیس خبرگزاری به شرح زیر می باشد: الف - شرایط متقاضی حقیقی عبارتست از: ۱- تابعیت ایرانی. ۲- حداقل ۳۰ سال سن. ۳- داشتن حسن شهرت. ۴- التزام به قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. ۵- عدم حجر و ورشکستگی به ثقل و تقصیر. ۶- عدم عضویت در گروه های غیرقانونی و عدم سابقه محکومیت کیفری که موجب سلب حقوق اجتماعی باشد. ۷- داشتن کارت پایان خدمت وظیفه یا معافیت دایم برای آقایان. ۸- داشتن حداقل مدرک کارشناسی یا مدرک معادل در علوم حوزوی به تأیید مراجع ذی ربط. ۹- دارا بودن حداقل پنج سال سابقه مدیریت اطلاع رسانی یا مدیرمسئولی یا سردبیری نشریات به تأیید وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی. ب - شرایط متقاضی حقوقی به شرح زیر می باشد: ۱- تابعیت ایرانی. ۲- اتمام مراحل قانونی ثبت شرکت یا مؤسسه. ۳- در اساسنامه مؤسسه یا شرکت فعالیت اطلاع رسانی به عنوان فعالیت مجاز پیش بینی شده باشد. ۴- مدیرعامل و اعضای هیئت مدیره مؤسسه یا شرکت باید واجد شرایط بخش (الف) این ماده باشند. ماده ۹- در صورتی که صاحب امتیاز به تشخیص وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی یکی از شرایط مقرر در این ماده را از دست بدهد، مجوز خبرگزاری لغو می گردد. ماده ۱۰- صاحب امتیاز در قبال خط مشی کلی، فعالیتها و مطالبی که از طریق خبرگزاری انتشار می یابد، مسئول است. تبصره - در صورتی که صاحب امتیاز شخص حقوقی است مدیرعامل (یا یکی از اعضای هیئت مدیره) که کتباً به (وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی) معرفی می شود مسئولیت فوق را به عهده خواهد داشت. ماده ۱۱- صاحب امتیاز موظف است خود یا شخص دیگری را به عنوان سردبیر واجد شرایط به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی نماید. تبصره - سردبیر معرفی شده باید دارای شرایط مندرج در بند (الف) ماده (۸) این آیین نامه باشد. ماده ۱۲- در صورت فوت یا استعفای سردبیر یا از دست دادن یکی از شرایط مندرج در تبصره ماده (۱۱) این آیین نامه، صاحب امتیاز موظف است حداکثر ظرف دو ماه شخص واجد شرایط دیگری را به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی معرفی کند. چنانچه ظرف مهلت مقرر سردبیر معرفی نشود، فعالیت خبرگزاری به حالت تعلیق درآمده و پس از یک سال مجوز خبرگزاری لغو می شود. ماده ۱۳- رسیدگی به صلاحیت متقاضی و سردبیر پیشنهادی، صدور مجوز و نظارت بر فعالیت های خبرگزاری بر عهده هیئت نظارت خواهد بود. تبصره - هیئت نظارت برای تعیین صلاحیت، حسب مورد از وزارت اطلاعات، وزارت دادگستری و نیروی انتظامی استعلام می نماید. ماده ۱۴- اعضای « هیئت نظارت بر خبرگزاری های غیردولتی » عبارتند از: ۱- وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان رییس. ۲- معاون ذی ربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی به عنوان نایب رییس. ۳- مدیرعامل سازمان خبرگزاری جمهوری اسلامی. ۴- یک نفر از مدیران خبرگزاری های غیردولتی به انتخاب خود آنان. ۵- یک نفر از اساتید حقوق به انتخاب وزیر علوم، تحقیقات و فناوری. ۶- دو نفر صاحب نظر در حوزه اطلاعات و ارتباطات به انتخاب شورای عالی اطلاع رسانی. تبصره ۱- مدت مسؤلیت اعضای انتخابی دو سال بوده و انتخاب مجدد آنها بلامانع است. تبصره ۲- دبیرخانه هیئت در حوزه معاونت ذی ربط وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی مستقر

خواهد بود. ماده ۱۵- صاحب امتیاز خبرگزاری موظف است حداکثر ظرف یک سال پس از اخذ مجوز فعالیت خود را آغاز کند، در غیر این صورت مجوز صادره لغو خواهد شد. ماده ۱۶- هر گونه فعالیت تحت عنوان خبرگزاری به استثنای خبرگزاریهایی که به موجب قوانین خاص تأسیس شده یا می شوند، صرفاً در چارچوب این آیین نامه مجاز است. تبصره - خبرگزاریهایی که تا قبل از تصویب و ابلاغ این آیین نامه بر اساس قوانین مربوط فعالیت داشته اند، موظفند حداکثر ظرف شش ماه نسبت به تطبیق شرایط خود با مفاد این آیین نامه اقدام نمایند. در غیر این صورت مجوز آنها لغو خواهد شد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند - مصوب ۲۵/۱۰/۱۳۸۶

جناب آقای دکتر محمود احمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند که با عنوان طرح یک فوریتی اصلاح قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۶/۱۰/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۷۵۱۸۰ ۶/۱۱/۱۳۸۶ وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۶۷۵۱۳/۶۳۶ مورخ ۲۵/۱۰/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرای ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می نمایند ماده ۱- هر شخص حقیقی یا حقوقی که مبادرت به هر گونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز به جای آثار مجاز نماید و یا با تکثیر بدون مجوز آثار مجاز، موجب تضییع حقوق صاحبان اثر شود، اعم از جعل برچسب رسمی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی الصاق شده بر روی نوار و لوحهای فشرده صوتی و تصویری (CD) و یا تعویض نوار یا محتوای داخل کاست نوار دارای برچسب و نظایر آن، بر حسب مورد علاوه بر مجازات جعل و پرداخت خسارت وارده در جایی که تضییع حق موجب خسارت مالی است در صورت مطالبه صاحبان اثر خسارت وارده را جبران می کند و در هر حال به جریمه نقدی از دو میلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می شود. تبصره - در مرحله تشخیص عمل ارتكابی دادگاه می تواند نظر کارشناسی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی را ملاک عمل قرار دهد. ماده ۲- هر گونه فعالیت تجاری در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه آثار، نوارها و لوحهای فشرده صوتی و تصویری نیاز به اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی دارد. متخلفان از این امر به جریمه نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می شوند. تبصره ۱- نیروی انتظامی موظف است ضمن ممانعت از فعالیت این گونه اشخاص و مراکز نسبت به پلمپ این گونه مراکز و دستگیری افراد طبق موازین قضائی اقدام نماید. تبصره ۲- در خصوص شخصیت‌های حقوقی، بالاترین مقام اجرائی تصمیم گیرنده مسؤول خواهد بود. ماده ۳- عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری غیرمجاز اعم از این که مجوز فعالیت از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی داشته و یا بدون مجوز باشند با توجه به محتوای اثر حسب مورد علاوه بر ابطال مجوز به یکی از مجازاتهای مشروحه ذیل محکوم خواهند شد: الف - عوامل اصلی تکثیر و توزیع عمده آثار سمعی و بصری مستهجن در مرتبه اول به یک تا سه سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و یکصد میلیون (۱۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جریمه نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت هفت سال و در صورت تکرار به دو تا پنج سال حبس و ضبط تجهیزات مربوطه و دویست میلیون (۲۰۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و محرومیت اجتماعی به مدت ده سال محکوم می شوند. چنانچه عوامل فوق‌الذکر یا افراد زیر از مصادیق مفسد فی الارض شناخته شوند، به مجازات آن

محکوم می گردند. ۱- تولیدکنندگان آثار مستهجن با عنف و اکراه. ۲- تولیدکنندگان آثار مستهجن برای سوءاستفاده جنسی از دیگران. ۳- عوامل اصلی در تولید آثار مستهجن. تبصره ۱- عوامل اصلی تولید آثار سمعی و بصری عبارت هستند از تهیه کننده (سرمایه گذار)، کارگران، فیلمبردار، بازیگران نقشهای اصلی. تبصره ۲- تعداد نوار یا لوح فشرده و مانند آن بیش از « ده نسخه» به عنوان « عمده» تلقی می گردد. تبصره ۳- سایر عوامل تولید، تکثیر و توزیع موضوع بند « الف» چنانچه از مصادیق افساد فی الارض نباشند به مجازات شلاق از سی تا هفتاد و چهار ضربه و جزای نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و محرومیت اجتماعی از دو تا پنج سال محکوم می شوند. تبصره ۴- تکثیر و توزیع کنندگان آثار سمعی و بصری کمتر از ده نسخه حسب مورد به جریمه نقدی از یک میلیون (۱.۰۰۰.۰۰۰) تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال و سی تا هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم خواهند شد. تبصره ۵- آثار سمعی و بصری « مستهجن» به آثاری گفته می شود که محتوای آنها نمایش برهنگی زن و مرد و یا اندام تناسلی و یا نمایش آمیزش جنسی باشد. تبصره ۶- چنانچه تولید، تکثیر، توزیع و یا داشتن آثار مستهجن از مصادیق افساد فی الارض نباشد مجازات مفسد فی الارض ندارد. ب- تهیه و توزیع و تکثیر کنندگان نوارها و دیسکتهای و لوحهای فشرده شو و نمایشهای مبتذل چنانچه از مصادیق افساد فی الارض نباشند در مرتبه اول به سه ماه تا یک سال حبس و یا دو میلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در مرتبه دوم به تحمل یک سال تا سه سال حبس و یا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا سی میلیون (۳۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به سه تا ده سال حبس و یا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوطه بنا به مراتب به عنوان تعزیر محکوم می شوند. تبصره ۱- آثار سمعی و بصری « مبتذل» به آثاری اطلاق می گردد که دارای صحنهها و صورقیححه بوده و مضمون مخالف شریعت و اخلاق اسلامی را تبلیغ و نتیجه گیری کند. تبصره ۲- دارندگان نوارها و دیسکتهای و لوحهای فشرده مستهجن و مبتذل موضوع این قانون به جزای نقدی از پانصد هزار (۵۰۰.۰۰۰) ریال تا پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال و نیز ضبط تجهیزات محکوم می شوند و نوارها و دیسکتهای و لوحهای فشرده مکشوفه امحاء می گردد. تبصره ۳- استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه، فروش و تکثیر نوارها و لوحهای فشرده غیرمجاز موضوع این قانون موجب اعمال حداکثر مجازاتهای مقرر برای عامل خواهد بود. ج- عوامل تهیه، تکثیر و توزیع نوارها و لوحهای فشرده سمعی و بصری که برابر قانون باید دارای پروانه و مجوز عرضه و فروش باشند در صورت نداشتن پروانه نمایش و مجوز عرضه و فروش ولو آنکه فاقد صحنههای مستهجن و مبتذل باشد، به دو میلیون (۲.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و در صورت تکرار به پنج میلیون (۵.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا پنجاه میلیون (۵۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال جزای نقدی و ضبط کلیه تجهیزات مربوط به عنوان تعزیر محکوم می شوند. ماده ۴- هر کس با سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری، وی را تهدید به افشاء و انتشار آثار مزبور نماید و از این طریق با وی زنا نماید به مجازات زنا به عنف محکوم می شود ولی اگر عمل ارتكابی غیر از زنا و مشمول حد باشد حد مزبور بر وی جاری می گردد و در صورتی که مشمول تعزیر باشد به حداکثر مجازات تعزیری محکوم خواهد شد. ماده ۵- مرتکبان جرائم زیر به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می شوند: الف- وسیله تهدید قراردادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، اخاذی، جلوگیری از احقاق حق یا هر منظور نامشروع و غیرقانونی دیگر. ب- تهیه فیلم یا عکس از محلهایی که اختصاصی بانوان بوده و آنها فاقد پوشش مناسب می باشند مانند حمامها و استخرها و یا تکثیر و توزیع آن. ج- تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی و اختصاصی دیگران و تکثیر و توزیع آن. ماده ۶- رابطه زوجیت مانع از اعمال مجازات مرتکب جرم تکثیر، انتشار و یا توزیع عمده اثر مستهجن نمی باشد. ماده ۷- زیان دیده از جرائم مذکور در این قانون حق مطالبه ضرر و زیان را دارد. دادگاه با احراز مکره بودن بزه دیده موضوع صدر ماده (۴)، ضمن صدور حکم کیفری، مرتکب را به پرداخت ارش البکاره، مهرالمثل یا هر دو (حسب مورد) محکوم می نماید. بزه دیده می تواند دعوی مطالبه هزینه درمان و ضرر و

زیان وارده را در دادگاه کیفری صالحه یا دادگاه محل اقامت خود اقامه نماید. ماده ۸- مأموران صلاحیتدار و ضابطان دادگستری، مدیران، کارکنان بخشهای دولتی، عمومی، خصوصی و قضائی که بنا بر اقتضاء شغلی آثار مستهجن در اختیار آنها قرار می‌گیرد، چنانچه با سوء نیت یا برای استفاده مالی مبادرت به انتشار آنها نموده و از مصادیق مفسد فی الارض نباشند، به دو تا پنج سال حبس و ده سال محرومیت از حقوق اجتماعی و هفتاد و چهار ضربه شلاق محکوم می‌شوند. در صورتی که موارد یادشده در اثر سهل‌انگاری افساء گردد، مسامحه‌کننده به مجازات تا یک سال حبس و مجازات نقدی از ده میلیون (۱۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال تا بیست میلیون (۲۰.۰۰۰.۰۰۰) ریال محکوم می‌شود. ماده ۹- اماکن کسب، تولید و توزیع انواع آثار مستهجن (در صورت اطلاع قبلی مالک) به مدت شش ماه و در مورد آثار مبتذل به مدت سه ماه پلمپ می‌شود. در صورت براءت متهم یا صدور قرار منع تعقیب، از ملک رفع توقیف می‌شود. این دستور ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مرجع قضائی ذیصلاح می‌باشد. ماده ۱۰- انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی و سایتهای کامپیوتری یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر از مصادیق تکثیر و انتشار محسوب و مرتکب حسب مورد به مجازات مقرر در این قانون محکوم می‌شود. ماده ۱۱- رسیدگی به جرائم مشروحه موضوع این قانون در صلاحیت دادگاههای انقلاب است. ماده ۱۲- کلیه وسایل و تجهیزات مربوطه که براساس این قانون از محکومان ضبط می‌گردد به وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تحویل می‌شود و درخصوص وسایل و تجهیزات تحویل شده از سوی مراجع ذیصلاح در شهرستانها نیز به همین نحو عمل می‌شود. ماده ۱۳- از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین مغایر با آن از جمله قانون نحوه مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت‌های غیرمجاز می‌نمایند مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۷۲ ملغی‌الاثراً می‌باشد. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماده و دوازده تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ شانزدهم دی ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۹/۱۰/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

## ۶- هوایی، دریایی و مرزی

### قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما - مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵

#### ماده واحده

مصوب ۲۱/۲/۱۳۵۵ ماده واحده - کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما مورخ ۱۴ سپتامبر ۱۹۶۳ (۲۳ شهریور ۱۳۴۲) مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می‌شود.

#### کنوانسیون راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما

#### فصل اول - قلمرو اجرای کنوانسیون ( ماده ۱ تا ۲ )

دول طرفین این کنوانسیون در موارد ذیل موافقت نمودند: فصل اول - قلمرو اجرای کنوانسیون ماده ۱ - ۱ مقررات کنوانسیون حاضر در موارد زیر مجری خواهد بود: الف - در مورد جرایم موضوع قوانین جزایی . ب - در مورد اعمالی که متضمن ارتكاب جرم بوده و یا نباشد ولی سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به مخاطره اندازد و یا سبب اختلال نظم و آرامش داخلی هواپیما گردد. ۲ - به استثنای موارد مذکور در فصل سوم - مقررات کنوانسیون حاضر در مورد جرایم و اعمال ارتكابی توسط یک فرد در داخل یک هواپیما ثبت شده نزد یکی از دول متعاقد - هنگامی که هواپیما در پرواز بوده یا در سطح دریاهای آزاد و یا منطقه ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد قرار گرفته باشد - مجری خواهد بود. ۳ - از لحاظ این کنوانسیون یک هواپیما از زمانی که

نیروی موتوری آن به منظور پرواز به کار می‌افتد تا زمانی که عمل فرود آمدن آن پایان یابد در حال پرواز تلقی می‌شود. ۴- این کنوانسیون در مورد هواپیماهایی که به منظوره‌های نظامی یا گمرکی یا پلیسی به کار می‌روند مجرا نخواهد بود. ماده ۲- با ملحوظ داشتن مقررات ماده ۴ و به جز مواردی که سلامت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن ایجاب کند - هیچ یک از مقررات این کنوانسیون به نحوی تفسیر نخواهد شد که به منزله اجازه یا تکلیف به انجام اقداماتی در مورد تخلف از قوانین جزایی ناظر بر جرایم سیاسی و یا بزه های مبتنی بر تبعیضات نژادی و یا مذهبی - تلقی گردد.

### فصل دوم - صلاحیت ( ماده ۳ تا ۴ )

ماده ۳- ۱ دولت ثبت کننده هواپیما - برای رسیدگی به جرایم و اعمال ارتكابی در هواپیما صالح می‌باشد. ۲- هر یک از دول متعاقد - اقدامات لازم را برای احراز صلاحیت خود به عنوان دولت ثبت کننده در مورد رسیدگی به جرایم ارتكابی در هواپیمایی که نزد او به ثبت رسیده است معمول خواهد داشت ۳- این کنوانسیون به هیچ یک از صلاحیتهای جزایی که به موجب قوانین داخلی اعمال می‌گردد خللی وارد نمی‌کند. ماده ۴- دولت متعاهدی که دولت ثبت کننده هواپیما نباشد نمی‌تواند به منظور اعمال صلاحیت جزایی خود در مورد جرم ارتكابی در داخل هواپیما در امر پرواز آن مداخله نماید مگر در موارد مشروحه ذیل الف - جرم در سرزمین آن دولت اثراتی ایجاد کند. ب - جرم توسط یا علیه یکی از اتباع آن دولت یا مقیمین دائمی آن ارتكاب یافته باشد. ج - جرم امنیت آن دولت را به مخاطره اندازد. د - جرم ناقض قواعد یا مقررات جاری آن دولت ناظر به پرواز و یا مانور هواپیما باشد. ه - اعمال صلاحیت - برای رعایت تعهدات ناشی از یک موافقتنامه چندجانبه بین‌المللی برای آن دولت ضروری

### فصل سوم - اختیارات فرمانده هواپیما ( ماده ۵ تا ۱۰ )

ماده ۵- ۱ مقررات این فصل در مورد جرایم و اعمالی که توسط شخصی در هواپیمای در حال پرواز - چه بر فراز فضای هوایی دولت ثبت کننده چه بر فراز دریاهای آزاد یا بر فراز منطقه ای که متعلق به هیچ یک از دول نباشد ارتكاب یافته یا شروع به ارتكاب آن شده - جاری نخواهد بود مگر اینکه آخرین نقطه برخاست یا اولین نقطه مورد نظر برای فرود بعدی در سرزمین دولتی غیر از دولت ثبت کننده باشد و یا هواپیما متعاقباً در فضای هوایی دولتی غیر از دولت ثبت کننده پرواز کند و شخص مذکور هنوز سوار هواپیما باشد. ۲- علیرغم مفاد بند ۳ ماده ۱ از لحاظ این فصل هواپیما از زمانی که کلیه درهای خارجی آن پس از سوار شدن مسافین بسته شد تا زمانی که مجدداً به منظور پیاده شدن مسافین باز گردد در حال پرواز تلقی می‌شود. در صورت فرود اجباری - مقررات این فصل همچنان در مورد جرایم و اعمال ارتكابی در هواپیما تا زمانی که مقامات صالح یک دولت مسئولیت هواپیما و سرنشینان و محمولات آن را به عهده بگیرند - جاری خواهد بود. ماده ۶- ۱ هرگاه فرمانده هواپیما - با داشتن دلایل موجه معتقد گردد که شخصی در هواپیما مرتکب یکی از جرایم یا اعمال مندرج در بند ۱ ماده ۱ شده یا در شرف ارتكاب آن می‌باشد می‌تواند به جهات زیر در مورد این شخص تدابیر لازم از جمله تدابیر تضيیعی اتخاذ نماید: الف - برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ب - حفظ نظم و ترتیب در هواپیما ج - تسلیم کردن شخص مورد نظر به مقامات صالح یا پیاده کردن او طبق مقررات این فصل ۲- فرمانده هواپیما می‌تواند برای اجرای تدابیر تضيیعی که مجاز به اتخاذ آن بوده در مورد هر شخص همکاری سایر خدمه هواپیما را خواستار شده یا اجازه دهد همچنین بدون الزام مسافین همکاری آنان را خواستار شده یا اجازه دهد. هر یک از خدمه هواپیما یا مسافین همچنین می‌تواند بدون داشتن چنین اجازه ای با داشتن دلایل موجه فوراً اقدامات احتیاطی معقولی را که معتقد است برای حفظ سلامت هواپیما یا سرنشینان و یا محمولات آن ضروری است معمول دارد. ماده ۷- ۱ تدابیر تضيیعی که به

موجب ماده ۶ درباره شخصی اتخاذ می گردد بعد از نقطه ای که هواپیما در آن فرود می آید ادامه نخواهد یافت مگر آنکه الف - این نقطه در سرزمین دولت غیر متعاهدی واقع باشد و مقامات آن دولت اجازه پیاده کردن شخص مذکور را ندهند و یا اینکه به موجب شق ج بند ۱ ماده ۶ این تدابیر برای تحویل آن شخص به مقامات صالح اتخاذ شده باشد. ب - هواپیما مجبور به فرود اجباری شود و فرمانده هواپیما قادر به تحویل شخص مذکور به مقامات صالحه نباشد. ج - شخص مذکور با ادامه مسافرت با شرایط تضییعی موافقت نماید. ۲ - فرمانده هواپیما مکلف است در صورتی که طبق مقررات ماده ۶ تدابیر تضییعی درباره شخصی اتخاذ نموده - در کمترین مدت و در صورت امکان قبل از فرود آمدن در سرزمین یک دولت مراتب و دلایل تدابیر خود را به مقامات آن دولت اعلام دارد. ماده ۸ - ۱ فرمانده هواپیما می تواند - تا جایی که برای اجرای مفاد شقوق الف و ب بند ۱ ماده ۶ لازم باشد در سرزمین هر دولتی که هواپیما در آن فرود می آید هر شخصی را که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد در هواپیما مرتکب یک عمل پیش بینی شده در شق ب بند ۱ ماده ۱ را گردیده یا در شرف ارتکاب آن بوده است پیاده کند. ۲ - فرمانده هواپیما جریان و دلایل این پیاده کردن را به مقامات صالح دولتی که در آن شخصی را طبق مقررات این ماده پیاده می کند گزارش خواهد نمود. ماده ۹ - ۱ فرمانده هواپیما می تواند هر شخصی را که با داشتن دلایل موجه معتقد باشد در هواپیما مرتکب جرمی شده که به نظر او طبق قوانین جزایی دولت ثبت کننده هواپیما از جرایم شدید به شمار می رود به مقامات صالح هر دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین آن فرود می آید تحویل دهد. ۲ - فرمانده هواپیما باید در اولین فرصت ممکن در صورت امکان قبل از فرود آمدن هواپیما در سرزمین یکی از دول متعاهد این مراتب را که شخصی در هواپیما است که فرمانده قصد دارد او را به موجب بند قبلی تحویل دهد با ذکر دلایل به مقامات صالح دولت مزبور اعلام دارد. ۳ - فرمانده هواپیما مدارک و اطلاعاتی را که به موجب قوانین دولت ثبت کننده هواپیما صحیحاً در اختیار دارد به مقامات صالح دولتی که شخص مظنون را به موجب مقررات این ماده تحویل می دهد تسلیم خواهد نمود. ماده ۱۰ - در مورد تدابیری که براساس این کنوانسیون اتخاذ می گردد در هیچ یک از مراحل رسیدگی به دعوی خسارت شخصی که تدابیر متخذه متوجه او بوده مسئولیتی متوجه فرمانده هواپیما یا خدمه یا مسافری یا مالک یا بهره بردار هواپیما و یا شخصی که به حساب او پرواز انجام شده است نخواهد بود.

#### فصل چهارم - تصرف غیر قانونی هواپیما ( ماده ۱۱ )

ماده ۱۱ - ۱ هرگاه شخصی داخل هواپیما از طریق غیر قانونی و با توسل به زور یا تهدید به زور مرتکب عمل مداخله و تصرف و یا اعمال کنترل هواپیمای در حال پرواز بشود و یا هرگاه چنین عملی در شرف وقوع باشد دول متعاهد برای حفظ و یا بازگرداندن کنترل هواپیما به فرمانده قانونی آن کلیه تدابیر مقتضی را اتخاذ خواهند نمود. ۲ - در موارد مشروح در بند قبل دولت متعاهدی که هواپیما در سرزمین او فرود می آید به مسافری و خدمه به محض امکان اجازه ادامه مسافرت خواهد داد و هواپیما و محمولات آن را در اختیار اشخاصی که قانوناً حق تصرف آن را دارند می گذارد.

#### فصل پنجم - اختیارات و وظایف دول ( ماده ۱۲ تا ۱۵ )

ماده ۱۲ - هریک از دول متعاهد به فرمانده هواپیمای به ثبت رسیده نزد دولت متعاهد دیگر اجازه خواهد داد که به موجب مفاد بند ۱ ماده ۸ هر فردی را که صلاح بداند پیاده کند. ماده ۱۳ - ۱ طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ هریک از دول متعاهد مکلف است شخصی را که فرمانده هواپیما تحویل می دهد تحویل گیرد. ۲ - هرگاه اوضاع و احوال را مقتضی تشخیص دهد هریک از دول متعاهد اشخاص مظنون به ارتکاب اعمال مذکور در بند ۱ ماده ۱۱ و هر شخص دیگری را که تحویل گرفته باشد به منظور تامین حضور او



بازداشت خواهد نمود یا اقدامات دیگری را معمول خواهد داشت این بازداشت یا اقدامات باید منطبق با قوانین آن دولت بوده و نمی‌تواند بیش از زمانی که برای شروع تعقیب جزایی یا تشریفات استرداد لازم باشد ادامه یابد. ۳- هر شخصی که در اجرای مقررات بند فوق بازداشت گردد می‌تواند بلافاصله با نزدیکترین نماینده ذی صلاحیت دولت متبوع خود تماس حاصل نماید و برای این کار همه نوع تسهیلات درباره او معمول خواهد گردید. ۴- هر دولت متعاقد که شخصی را به موجب بند ۱ ماده ۹ تحویل می‌گیرد یا هواپیمایی که یکی از اعمال پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ در آن واقع شده در سرزمین او فرود می‌آید بلافاصله تحقیقات مقدماتی جهت روشن شدن جریان امر انجام خواهد داد. ۵- وقتی که دولتی به موجب مفاد این ماده شخصی را بازداشت نمود بلافاصله مراتب بازداشت و اوضاع و احوال موجه را به دولت ثبت کننده و به دولت متبوع بازداشت شده و در صورت لزوم به هر دولت ذی نفع دیگری اعلام خواهد کرد. دولتی که تحقیقات مقدماتی را به موجب بند ۴ این ماده به عمل می‌آورد نتیجه را به دول مذکور گزارش کرده و نظر خود را درباره اعمال صلاحیت اعلام خواهد نمود. ماده ۱۴ - ۱- هرگاه شخصی که به استناد بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده نتواند یا نخواهد مسافرت خود را ادامه دهد دولتی که هواپیما به سرزمین آن فرود آمده در صورتی که نخواهد به او اجازه ورود دهد و این شخص جز اتباع و یا مقیم دائمی آن دولت نباشد می‌تواند او را به سرزمین دولتی که تابع یا مقیم دائمی آن است و یا به دولتی که مسافرت هوایی از سرزمین آن آغاز شده است بازگرداند. ۲- پیاده شدن یا تحویل گرفتن یا بازداشت کردن و سایر اقداماتی که در بند ۲ ماده ۱۳ پیش‌بینی شده و همچنین بازگردانیدن شخص مورد نظر از نظر قوانین مربوط به ورود و اقامت یک دولت متعاقد به منزله اجازه ورود یا پذیرش به سرزمین این دولت تلقی نخواهد شد و هیچ یک از مواد این کنوانسیون ناقض قوانین دول متعاقد در مورد اخراج و طرد اشخاص نخواهد بود. ماده ۱۵ - ۱- با وجود ماده ۱۴ اشخاصی که به موجب بند ۱ ماده ۸ پیاده یا طبق بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا پس از ارتکاب جرم پیش‌بینی شده در بند ۱ ماده ۱۱ پیاده گردیده‌اند می‌توانند هرگاه مایل به ادامه سفر خود باشند در اولین فرصت ممکن به جانب مقصد مورد نظر خود حرکت نمایند مگر اینکه حضور آنان طبق قوانین دولتی که هواپیما در سرزمین آن فرود آمده برای استرداد یا تعقیب جزایی ضروری باشد. ۲- با وجود قوانین مربوط به ورود و پذیرش و استرداد و اخراج، هریک از دول متعاقد که در سرزمین آن، شخصی طبق مقررات بند ۱ ماده ۸ پیاده و یا طبق مقررات بند ۱ ماده ۹ تحویل و یا به علت ظن به ارتکاب یکی از جرایم موضوع بند ۱ ماده ۱۱ پیاده شده باشد، این شخص را از حقوقی که از حقوق اتباع خود برای تامین و حمایت در موارد مشابه کمتر نباشد برخوردار خواهد نمود.

### فصل ششم - سایر مقررات ( ماده ۱۶ تا ۱۸ )

ماده ۱۶ - ۱ جرایم ارتكابی در هواپیمای ثبت شده نزد یک دولت متعاقد از لحاظ استرداد در حکم این است که این جرایم هم در محل وقوع آن و هم در سرزمین دولت ثبت کننده ارتكاب یافته‌اند. ۲- هیچ یک از مقررات این کنوانسیون نباید در حکم الزامی بودن استرداد، تعبیر و تلقی گردد. ماده ۱۷- به مناسبت اقدامات تحقیقی یا بازداشت یا هنگام اعمال صلاحیت به هر نحو دیگر در مورد جرمی که در داخل هواپیما ارتكاب یافته دول متعاقد سلامت و سایر مصالح هوانوردی را ملحوظ خواهند داشت و به نحوی اقدام خواهند نمود که از تاخیر غیر ضروری برای هواپیما و مسافری و خدمه و محمولات آن جلوگیری شود. ماده ۱۸ - هرگاه دول متعاقد مشترکا به برقراری سازمانهای حمل و نقل هوایی و یا نمایندگی‌های عملیاتی بین‌المللی مبادرت نمایند که هواپیماهای مورد بهره برداری آن نزد دولت مشخصی به ثبت نرسیده باشد، دول مذکور در اجرای مفاد این کنوانسیون برحسب مورد ولدی الاقتصا یکی از دولتهای شریک را به عنوان دولت ثبت کننده معرفی خواهند نمود و این مورد را به اطلاع سازمان بین‌المللی هواپیمایی کشوری خواهند رسانید و این سازمان به نوبه خود مراتب را به اطلاع کلیه دول طرف این کنوانسیون خواهد

رسانید.

### فصل هفتم - مقررات نهایی ( ماده ۱۹ تا ۲۶ )

ماده ۱۹ - این کنوانسیون تا تاریخی که به موجب مقررات ماده ۲۱ لازم الاجرا گردد برای امضای کلیه دولی که تا آن تاریخ به عضویت سازمان ملل متحد و یا یکی از سازمانهای تخصصی در آمده‌اند مفتوح خواهد بود. ماده ۲۰ - ۱ - این کنوانسیون طبق مقررات قانون اساسی هر یک از دول امضا کننده به تصویب خواهد رسید. ۲ - اسناد تصویب به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری تسلیم خواهد شد. ماده ۲۱ - ۱ - پس از آنکه دوازده دولت اسناد تصویب خود را تسلیم نمودند کنوانسیون نود روز بعد از تاریخ تسلیم دوازدهمین سند تصویب بین دول مذکور به مرحله اجرا در می آید. از آن پس در مورد دولی که آن را تصویب می نماید ، کنوانسیون نود روز پس از تسلیم اسناد تصویب لازم الاجرا خواهد بود. ۲ - به محض لازم الاجرا شدن - کنوانسیون حاضر توسط سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری نزد دبیر کل سازمان ملل متحد به ثبت خواهد رسید. ماده ۲۲ - ۱ - کنوانسیون حاضر پس از لازم الاجرا شدن برای الحاق کلیه دول عضو سازمان ملل متحد یا عضو یکی از سازمان های تخصصی مفتوح خواهد بود. ۲ - الحاق یا تسلیم سند الحاق به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری انجام می گیرد و نود روز پس از تاریخ تسلیم اعتبار خواهد یافت ماده ۲۳ - ۱ - هر یک از دول عضو می تواند فسخ این کنوانسیون را کتبا به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری اعلام نماید. ۲ - فسخ شش ماه پس از وصول اعلامیه فسخ به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری تحقق خواهد یافت ماده ۲۴ - ۱ - اختلافات بین دول متعاقد در مورد تفسیر و اجرای این کنوانسیون که از طریق مذاکره حل نشود - بنابر تقاضا و پیشنهاد یکی از طرفین به داوری ارجاع خواهد گردید و هر گاه ظرف شش ماه پس از تقاضای داوری طرفها نتوانند نسبت به ترتیب داوری به توافق برسند، هر یک از طرفین می تواند اختلاف را از طریق دادخواستی که با رعایت اساسنامه دیوان بین المللی دادگستری تنظیم شده باشد، به دیوان مذکور ارجاع نماید. ۲ - هر یک از دول می تواند در موقع امضا یا تصویب یا الحاق به این کنوانسیون اعلام نماید که خود را نسبت به مقررات بند فوق متعهد نمی داند. سایر دول متعاقد نسبت به هر دولت متعاقد دیگری که چنین قید را نسبت به مفاد بند فوق نموده باشد متعهد نخواهد بود. ۳ - هر یک از دول متعاقد که نسبت به رعایت مقررات بند فوق قید نموده باشد می تواند در هر موقع با ارسال اعلامیه ای به سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری قید خود را پس بگیرد. ماده ۲۵ - به جز آن چه در ماده ۲۴ مقرر گردیده ، قید دیگری به کنوانسیون حاضر پذیرفته نیست ماده ۲۶ - سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری مراتب زیر را به اطلاع عموم دول عضو سازمان ملل متحد یا هر یک از سازمان های تخصصی خواهد رسانید: الف - امضا کنوانسیون حاضر و تاریخ امضا . ب - تسلیم اسناد تصویب یا الحاق با ذکر تاریخ ج - تاریخ لازم الاجرا شدن کنوانسیون حاضر با توجه به مفاد بند ۱ ماده ۲۱ د - وصول اعلامیه فسخ با ذکر تاریخ ه - وصول اعلامیه ها یا اخطاریه های موضوع ماده ۲۴ با قید تاریخ بنا به مراتب فوق امضا کنندگان تام الاختیار زیر این کنوانسیون را امضا نمودند. این کنوانسیون در تاریخ چهاردهم ماه سپتامبر سال یک هزار و نهصد و شصت و سه میلادی در شهر توکیو در سه متن اصلی به زبانهای انگلیسی و فرانسه و اسپانیولی تهیه و تنظیم گردیده است این کنوانسیون در سازمان بین المللی هواپیمایی کشوری تودیع گردیده و برابر ماده ۱۹ برای امضا مفتوح می باشد و سازمان رونوشت مصدق کنوانسیون را برای کلیه دول عضو سازمان ملل متحد و هر یک از سازمانهای تخصصی ارسال خواهد داشت کنوانسیون فوق مشتمل بر یک مقدمه و بیست و شش ماده منضم به قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون توکیو راجع به جرایم و برخی اعمال ارتكابی دیگر در هواپیما می باشد.

قانون گذرنامه - مصوب اسفندماه ۱۳۵۱ با اصلاحات بعدی

**فصل اول - کلیات ( ماده ۱ تا ۶ )**

ماده ۱ - گذرنامه سندی است که از طرف مأموران صلاحیت دار دولت جمهوری اسلامی ایران مذکور در این قانون برای مسافرت اتباع ایران به خارج و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران داده می شود. ماده ۲ - اتباع ایران برای خروج از کشور و یا اقامت در خارج و یا مسافرت از خارج به ایران باید تحصیل گذرنامه نمایند. صدور گذرنامه منوط به ارایه اسنادی است که هویت و تابعیت ایرانی تقاضا کننده را ثابت نماید. اسناد مزبور به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۳ - خروج از کشور بدون ارایه گذرنامه یا مدارک مسافرت مذکور در این قانون ممنوع است ماده ۴ - ورود به کشور و یا خروج از آن فقط از نقاطی که بنا به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تعیین و آگهی خواهد شد ، مجاز است ماده ۵ - بازرسی گذرنامه و مدارک مسافرت و رسیدگی به آنها در مرز با شهربانی کل کشور و در نقاطی که شهربانی نباشد به عهده ژاندارمری کل کشور است مأموران مربوط مکلفند از ورود افرادی که فاقد گذرنامه یا مدارک لازم برای ورود به ایران باشند جلوگیری نمایند. تبصره - در مواردی که افرادی فاقد گذرنامه و یا مدارک مسافرت برای مراجعت به ایران باشند در صورتی که تابعیت ایرانی و یا ایرانی بودن آنان محرز شود با رعایت ماده ۲۰ این قانون مکلفند برگ بازگشت به ایران را از مأموریت های سیاسی و یا کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارجه دریافت نمایند. ضوابط تشخیص و ایرانی بودن این قبیل اشخاص به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۶ - برگ مسافرت موضوع ماده ۹ و همچنین برگ بازگشت موضوع ماده ۲۰ و پروانه های گذر موضوع مواد ۲۹ و ۳۰ از نظر این قانون در حکم گذرنامه است

**فصل دوم - انواع گذرنامه ( ۷ تا ۹ )**

ماده ۷ - گذرنامه بر سه قسم است الف - گذرنامه سیاسی ب - گذرنامه خدمت ( اعم از فردی یا جمعی ) ج - گذرنامه عادی ( اعم از فردی یا جمعی ) تبصره - مشخصات انواع گذرنامه ها از لحاظ رنگ و شکل و قطع و تعداد اوراق و نظایر آن همچنین سازمان تهیه کننده آنها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می گردد. ماده ۸ - از تاریخ تصویب این قانون گذرنامه های تحصیلی به تدریج به گذرنامه های عادی تبدیل خواهد شد. ماده ۹ - وزارت امور خارجه می تواند در موارد لزوم با موافقت وزیر امور خارجه برای کسانی که به مأموریت های خاص اعزام می شوند به جای گذرنامه برگ مسافرت انفرادی و یا دسته جمعی صادر نماید. مشخصات برگهای مذکور در آیین نامه اجرایی قانون تعیین خواهد شد.

**فصل سوم - گذرنامه های سیاسی و خدمت ( ماده ۱۰ تا ۱۳ )**

ماده ۱۰ - برای شخصیتهای زیر گذرنامه سیاسی صادر می شود: ۱ - رهبر. ۲ - رئیس جمهور. ۳ - رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام ، رئیس مجلس شورای اسلامی ، رئیس قوه قضاییه ، معاون اول رئیس جمهور ، اعضای شورای نگهبان ، تولیت آستان قدس رضوی ، وزیر دولت جمهوری اسلامی ایران و معاونان رئیس جمهور. ۴ - نمایندگان مجلس شورای اسلامی و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام ، اعضای شورای عالی امنیت ملی ، نمایندگان مجلس خبرگان رهبری و اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی ۵ - رئیس دیوانعالی کشور ، دادستان کل کشور ، رئیس دیوان عدالت اداری ، رئیس و دادستان دیوان محاسبات ، معاونان رئیس قوه قضاییه ، رئیس سازمان بازرسی کل کشور ، رئیس دفتر مقام معظم رهبری ، رئیس کل بانک مرکزی و رئیس سازمان صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران ۶ - رئیس ستاد کل نیروهای مسلح ، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ، رئیس ستاد مشترک ارتش جمهوری اسلامی ایران و جانشینان ایشان ، فرماندهان نیروهای سه گانه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش

جمهوری اسلامی ایران ، فرماندهی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، فرماندهان حفاظت اطلاعات نیروهای یاد شده ۷ - نمایندگان مستقیم مقام معظم رهبری با معرفی رییس دفتر ایشان ، نمایندگان ویژه رییس جمهوری یا معاون اول رییس جمهور به معرفی دفتر ایشان ، نمایندگان ویژه هیات وزیران جهت مأموریت های خاص به معرفی دفتر هیات دولت و روسای دفاتر روسای قوای سه گانه و مجمع تشخیص مصلحت نظام ۸ - روسای بنیاد مستضعفان و جانبازان ، سازمان تبلیغات اسلامی ، بنیاد شهید انقلاب اسلامی ، جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران ، کمیته ملی المپیک جمهوری اسلامی ایران و استانداران کشور و شهردار تهران ۹ - روسای جمهور سابق ، نخست وزیران سابق ، معاونان اول سابق رییس جمهور ، روسای سابق مجلس شورای اسلامی ، روسای سابق قوه قضاییه ، اعضای سابق شورای عالی قضایی با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه ۱۰ - مشاوران مقام معظم رهبری و معاونان دفتر معظم له با معرفی رییس دفتر ایشان ، معاونان و مشاوران رییس جمهوری ، معاونان معاون اول رییس جمهور ، دبیر شورای عالی امنیت ملی و روسا و دبیران کمیته های شورای مزبور ، معاونان وزرا ، روسای دفاتر تخصصی تحت سرپرستی بلافصل رییس جمهور. ۱۱ - شخصیت های عالی مقام علمی ، دینی ، فرهنگی و روسای فرهنگستان ها با موافقت رییس جمهور. ۱۲ - روسای دیوان عالی کشور ، دادستان کل کشور و سایر مقامات مندرج در جز ۵ و اعضای شورای عالی قضایی ، وزرا و نمایندگان مجلس شورای اسلامی و مجلس خبرگان و معاونان ریاست جمهوری و رییس قوه قضاییه که بعد از پیروزی انقلاب اسلامی عهده دار مناصب فوق بوده اند و روسای سابق نمایندگی های سیاسی و کنسولی و بین المللی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه ۱۳ - سفرا ، مدیران کل و معاونان آنان و روسای ادارات وزارت امور خارجه ، مأموران ثابت سیاسی و کنسولی ۱۴ - مأموران رمز و مخبرات و کسانی که به نمایندگی از دولت جمهوری اسلامی ایران مقامی را در موسسات و نهادهای بین المللی عهده دار می شوند ، پیک های سیاسی و کسانی که به مأموریت موقت سیاسی و کنسولی اعزام می شوند با موافقت وزیر امور خارجه ۱۵ - رییس ، معاونان و مدیران کل منطقه ای سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی ، رایزنان و وابستگان فرهنگی که در پوشش وزارت امور خارجه به خارج از کشور اعزام می شوند. ۱۶ - مدیران کل مدارس خارج از کشور و دفتر همکاری های علمی و بین المللی و سرپرستی های مدارس خارج از کشور به پیشنهاد وزیر آموزش و پرورش ۱۷ - در غیر موارد یاد شده در بالا - برای انجام مأموریت های خاص سیاسی حسب ضرورت ، با تشخیص وزیر امور خارجه تبصره ۱ - همسران مشمولین بندهای ۱ و ۲ و ۳ این ماده می توانند از گذرنامه سیاسی جداگانه استفاده نمایند. تبصره ۲ - نام همسران افراد موصوف در بندهای ۴ تا ۱۴ این ماده در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند به تقاضای دارنده گذرنامه در گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و تفکیک گذرنامه و صدور گذرنامه سیاسی جهت آنان با موافقت وزیر امور خارجه امکان پذیر خواهد بود. تبصره ۳ - نام فرزندان ذکور کمتر از ۱۸ سال مشمولین این ماده و فرزندان اناث آنان تا هنگام ازدواج در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند ، به تقاضای دارنده در گذرنامه سیاسی ثبت و از همان گذرنامه استفاده خواهند نمود و در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امور خارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه خدمت یا عادی صادر خواهد شد. تبصره ۴ - همپرازان مقامات مندرج در این ماده (بر طبق قانون نظام هماهنگ پرداخت اعم از شاغل و سابق با معرفی بالاترین مقام دستگاه مربوطه از گذرنامه سیاسی استفاده خواهند نمود. ماده ۱۱ - برای اشخاص زیر گذرنامه خدمت صادر می گردد: ۱ - اشخاصی که به عنوان همراه با رهبر یا یکی از اعضای شورای رهبری به خارج از کشور مسافرت می نمایند. ۲ - اشخاصی که به عنوان همراه در ارتباط با مأموریت با ریاست جمهوری یا معاون اول رییس جمهور به خارج از کشور مسافرت می نمایند با معرفی مقام مربوطه ۳ - اشخاصی که به موجب تصویب نامه هیات وزیران برای انجام مأموریت به خارج از کشور اعزام می شوند ، با معرفی دفتر هیات دولت ۴ - کارمندان وزارتخانه ها و سازمانها و ارگانهای وابسته به دولت و ارگانهای نظامی که به خارج از کشور اعزام می گردند با معرفی وزیر مربوطه و ذکر علت مأموریت ۵ - مأموران اداری و فنی وزارت امور خارجه و همسران آنها با موافقت وزیر

امور خارجه تبصره ۱ - نام همسر و فرزندان کمتر از ۱۸ سال مشمولین این ماده در صورتی که همراه دارنده گذرنامه باشند به تقاضای دارنده گذرنامه خدمت در همان گذرنامه ثبت می‌شود. تبصره ۲ - نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج نمی‌توانند برای همسر و فرزندان همراه ، گذرنامه خدمت جداگانه صادر نمایند ولی در صورت نیاز به تفکیک پس از استعلام از وزارت امور خارجه و در صورت موافقت طبق مقررات این قانون برای آنها گذرنامه عادی صادر خواهد شد. ماده ۱۲ - صدور گذرنامه سیاسی و خدمت به عهده وزارت امور خارجه است ماده ۱۳ - مدت اعتبار گذرنامه سیاسی و خدمت یک سال است مگر در مورد مأموران ثابت دولت در نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور که اعتبار گذرنامه تا خاتمه مدت مأموریت آنان خواهد بود. تبصره ۱ - تمدید مدت گذرنامه‌های سیاسی و خدمت طبق مقررات این قانون با موافقت وزارت امور خارجه در مرکز توسط اداره گذرنامه و رواید و در خارج از کشور توسط نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران انجام خواهد شد. تبصره ۲ - کلیه دارندگان گذرنامه‌های سیاسی و خدمت در موقع ورود به کشور باید گذرنامه خود را به وزارت امور خارجه تحویل دهند.

### فصل چهارم - گذرنامه عادی ( ماده ۱۴ تا ۲۰ )

ماده ۱۴ - صدور گذرنامه عادی در ایران به عهده شهربانی کل کشور و در خارج از ایران با مأمورین کنسولی کشور جمهوری اسلامی ایران یا مأموران سیاسی عهده دار امور کنسولی خواهد بود. مقررات مربوط به ترتیب صدور و تمدید و تجدید و اصلاح گذرنامه به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۵ - محصلینی که برای تحصیل عازم خارج از کشور می‌باشند با رعایت قانون وظیفه عمومی در مورد تحصیلات غیر دانشگاهی از طرف وزارت آموزش و پرورش و در مورد تحصیلات دانشگاهی از طرف وزارت علوم و آموزش عالی به شهربانی کشور معرفی می‌شوند. شغل آنها در گذرنامه محصل ذکر می‌گردد و از پرداخت کلیه وجوه مربوط به صدور گذرنامه معاف می‌باشند. این معافیت شامل محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان تدریجا به گذرنامه عادی تبدیل خواهد شد نیز می‌باشد محصلینی که گذرنامه تحصیلی آنان به گذرنامه عادی تبدیل می‌شود از مقررات معافیت تحصیلی احضار به خدمت زیر پرچم استفاده خواهند کرد. ماده ۱۶ - به اشخاص زیر هیچ نوع گذرنامه برای خروج از کشور داده نمی‌شود: ۱ - کسانی که به موجب اعلام کتبی مقامات قضایی حق خروج از کشور را ندارند. ۲ - کسانی که در خارج از ایران به سبب تکدی و یا ولگردی و یا ارتکاب سرقت و کلاهبرداری و یا به هر عنوان دیگر دارای سوء شهرت باشند. ۳ - کسانی که مسافرت آنها به خارج از کشور به تشخیص مقامات قضایی مخالف مصالح جمهوری اسلامی ایران باشد. تبصره ۱ - رسیدگی و تشخیص افراد مذکور در بند ۲ این ماده به عهده کمیسیونی مرکب از نمایندگان ۱ - وزارت امور خارجه ۲ - وزارت دادگستری ۳ - وزارت کشور. ۴ - شهربانی جمهوری اسلامی ایران ۵ - وزارت اطلاعات که به دعوت وزارت کشور تشکیل خواهد شد ، می‌باشد. تبصره ۲ - از تاریخ تصویب این ماده واحده ، ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ و تبصره و بندهای آن و همچنین لایحه قانونی اصلاح ماده ۱۶ قانون گذرنامه مصوب ۴/۱۲/۱۳۵۸ شورای انقلاب نسخ می‌شود. ماده ۱۷ - دولت می‌تواند از صدور گذرنامه و خروج بدهکاران قطعی مالیاتی و اجرای دادگستری و ثبت اسناد و متخلفین از انجام تعهدات ارزی طبق ضوابط و مقرراتی که در آیین نامه تعیین می‌شود جلوگیری نماید. ماده ۱۸ - برای اشخاص زیر با رعایت شرایط مندرج در این ماده گذرنامه صادر می‌شود: ۱ - اشخاصی که کمتر از هجده سال تمام دارند و کسانی که تحت ولایت و یا قیمومت می‌باشند با اجازه کتبی ولی یا قیم آنان الف - بیماران با معرفی شورای عالی پزشکی ب - افرادی که یکی از والدین یا قیم قانونی آنها مقیم خارج از کشور باشد. ج - همسر و فرزندان کارکنان دولت جمهوری اسلامی ایران با تایید بالاترین مقام وزارتخانه ، نهاد یا سازمان دولتی د - گروههای کارآموزی و یا گردش علمی و یا شرکت در سمینارها و مسابقات علمی و فرهنگی و تیم های ورزشی با معرفی بالاترین مقام ارگان و نهاد

مربوطه ه - جانبازان و مجروحین انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی با معرفی بالاترین مقام نهاد مربوطه در مرکز یا امضای مجاز معرفی شده توسط مقام مذکور برای معالجه و - همسر و فرزندان کسانی که برای فرصتهای مطالعاتی بیش از شش ماه اعزام شده یا می شوند و نیز همسر و فرزندان دانشجویان شاغل به تحصیل در خارج از کشور با تایید وزارت فرهنگ و آموزش عالی یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ز - کسانی که با پروانه گذر زیارتی عازم مسافرت خارج از کشور می باشند. تبصره ۱ - افراد مزبور به جز موارد فوق الذکر در مواقع اضطراری با تشخیص کمیسیونی مرکب از نمایندگان وزارت خانه های کشور، اطلاعات، امور خارجه و شهربانی و نماینده دادستانی کل کشور که به دعوت وزارت کشور و در محل این وزارت خانه تشکیل می گردد، مجاز به خروج انفرادی خواهند بود. متقاضیان این تبصره مکلفند مدارک مربوط را به اداره گذرنامه تحویل و از آن طریق به کمیسیون مزبور ارسال گردد. تبصره ۲ - صدور گذرنامه و اجازه خروج از کشور برای افراد کمتر از هیجده سال که والدین آنها فوت شده یا به حکم دادگاه محجور تشخیص داده شوند و به اتفاق قیم یا سرپرست قانونی خود قصد خروج از کشور را دارند، بلامانع می باشد. تبصره ۳ - صدور، تمدید، تفکیک و تجدید گذرنامه برای افراد کمتر از هیجده سال به وسیله نمایندگی های جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به جز در موارد استثنا در بندهای این قانون ممنوع می باشد. تبصره ۴ - افرادی که ولی آنها فوت شده و طبق حکم دادگاه به حد رشد رسیده و یا به ولی یا قیم دسترسی ندارند و دارای شرایط فوق الذکر باشند می توانند با ارایه موافقت دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه، گذرنامه و اجازه خروج دریافت دارند. ۲ - مشمولین وظیفه عمومی با اجازه کتبی اداره وظیفه عمومی ۳ - زنان شوهردار ولو کمتر از ۱۸ سال تمام با موافقت کتبی شوهر و در موارد اضطراری اجازه دادستان شهرستان محل درخواست گذرنامه که مکلف است نظر خود را اعم از قبول درخواست یا رد آن حداکثر ظرف سه روز اعلام دارد کافی است زنانی که با شوهر خود مقیم خارج هستند و زنانی که شوهر خارجی اختیار کرده و به تابعیت ایرانی باقی مانده اند از شرط این بند مستثنی می باشند. ماده ۱۹ - در صورتی که موانع صدور گذرنامه بعد از صدور آن حادث شود یا کسانی که به موجب ماده ۱۸ صدور گذرنامه موکول به اجازه آنان است از اجازه خود عدول کنند از خروج دارنده گذرنامه جلوگیری و گذرنامه تا رفع مانع ضبط خواهد شد. ماده ۲۰ - به ایرانیانی که به کشور مراجعت می کنند و فاقد گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه باشند و یا اینکه مدت اعتبار آن اسناد منقضی شده باشد به شرط آنکه تابعیت ایرانی آنها مسلم باشد بازگشت که فقط برای بازگشت به ایران معتبر است داده می شود. تبصره - برگ بازگشت از طرف مقامات سیاسی و کنسولی جمهوری اسلامی ایران در خارج از کشور به طور رایگان صادر می شود و در مرز از دارنده آن اخذ می گردد.

### فصل پنجم - همراهمان ( ماده ۲۱ تا ۲۳ )

ماده ۲۱ - نام اطفال کمتر از ۱۸ سال تمام که همراه هریک از والدین یا جد یا جده پدری یا مادری یا زن پدر یا شوهر مادر و یا خواهر و برادر خود مسافرت می نمایند در صورت درخواست ولی یا قیم آنها برحسب مورد در گذرنامه اشخاص مذکور ثبت خواهد گردید. ماده ۲۲ - نام نوزادانی که از زنان ایرانی مقیم خارج هنگام توقف مادر در ایران متولد می شوند در گذرنامه مادر ثبت می شود و در این مورد نیازی به جلب موافقت پدر نیست و همچنین در مواردی که در خارج از ایران شوهر ایرانی در کشور محل تولد نوزاد حاضر نباشد. تبصره - اطفال موضوع بند ۴ ماده ۹۷۶ و موضوع ماده ۹۷۸ قانون مدنی مادام که تحت ولایت یا حضانت پدر یا مادر خود هستند می توانند به معیت والدین خود با گذرنامه خارجی آنان به خارج از کشور مسافرت نمایند. ماده ۲۳ - برای یک خانواده که باهم مسافرت می کنند در صورت تقاضا یک گذرنامه صادر می شود و نام زن و اولاد کمتر از ۱۸ سال در آن ثبت خواهد شد. هیچ یک از همراهمان مستقلاً حق استفاده از گذرنامه را ندارد و در صورتی که بخواهد از دارنده گذرنامه جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید.

**فصل ششم - اعتبار گذرنامه عادی ( ماده ۲۴ تا ۲۷ )**

ماده ۲۴ - گذرنامه برای مسافرت به کلیه کشورها اعتبار دارد مگر به کشورهایی که دولت در موارد مقتضی مسافرت اتباع ایران را به آن کشورها ممنوع و یا محدود نموده باشد. در صورتی که بعد از صدور گذرنامه محدودیتی مقرر شود وجوه پرداختی کسانی که از مسافرت محروم شوند به آنها مسترد می گردد. نحوه اجرای مفاد این ماده ضمن آیین نامه اجرایی این قانون معین خواهد شد. ماده ۲۵ - مدت اعتبار گذرنامه جدید از تاریخ صدور پنج سال است و فقط برای مدت پنج سال دیگر قابل تمدید می باشد. تبصره - گذرنامه هایی که تا تاریخ تصویب این قانون سه سال آنها خاتمه نیافته تا پایان مدت مذکور معتبر خواهد بود. ماده ۲۶ - حذف گردیده است ماده ۲۷ - در صورتی که گذرنامه غیر قابل استفاده و یا مفقود شود پس از رسیدگی لازم که نحوه آن در آیین نامه تعیین خواهد شد گذرنامه دیگری با اخذ هزینه های صدور صادر می شود. هرگاه قابل استفاده نبودن یا مفقود شدن گذرنامه ناشی از عمل متصدیان مسئول باشد برای بقیه مدت اعتبار ، گذرنامه جدید بدون دریافت هزینه های صدور صادر خواهد شد.

**فصل هفتم - گذرنامه جمعی ( ماده ۲۸ )**

ماده ۲۸ - گذرنامه جمعی اعم از خدمت یا عادی فقط در ایران و برای گروه های زیر صادر می شود: این نوع گذرنامه ها به نام رییس گروه صادر و نام و مشخصات همراهان در برگ ضمیمه آن درج خواهد گردید. ۱ - افسران - درجه داران - افراد و به طور کلی کارکنان مشمول قانون استخدام نیروهای مسلح که به طور جمعی و به منظور انجام مأموریت عازم خارج از کشور باشند. ۲ - گروه های ورزشی که به منظور انجام مسابقات عازم خارج از کشور هستند به معرفی سازمان تربیت بدنی ایران ۳ - گروه های پیشاهنگی به معرفی سازمان پیشاهنگی ۴ - دانشجویان و دانش آموزان و معلمان و استادان که برای مطالعات آموزشی و فرهنگی به معرفی وزارتخانه های مربوط به خارج می روند. ۵ - گروه های هنری که توسط وزارت فرهنگ و هنر یا وزارت اطلاعات معرفی می شوند. ۶ - گروه های معرفی شده از طرف سازمان های دولتی و یا وابسته به دولت یا جمعیت هلال احمر ایران ۷ - گروه های کاری برای کارآموزی یا کسب مهارت فنی با تایید و معرفی وزارت کار و امور اجتماعی تبصره ۱ - هر یک از اعضای گروه های فوق که هنگام مسافرت از گروه خود جدا شود باید گذرنامه جداگانه تحصیل نماید. تبصره ۲ - حداقل تعداد افرادی که می توانند از گذرنامه جمعی استفاده نمایند پنج نفر و حداکثر چهار نفر خواهد بود. تبصره ۳ - صدور گذرنامه جمعی در صورتی که به منظور انجام مأموریتی به خرج سازمان های دولتی یا جمعیت هلال احمر ایران باشد مجانی است و در غیر این صورت علاوه بر هزینه صدور یک گذرنامه از هر نفر ده درصد هزینه صدور اخذ خواهد شد. تبصره ۴ - اعتبار گذرنامه جمعی یک سال است و در صورت موافقت سازمان مربوط حداکثر یک سال دیگر تمدید می شود.

**فصل هشتم - پروانه گذر ( ماده ۲۹ تا ۳۰ )**

ماده ۲۹ - در موارد زیر به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران به جای گذرنامه پروانه گذر صادر می شود: ۱ - برای تشریف به مکه معظمه و عتبات مقدسه ۲ - برای کارکنان وسایط نقلیه آبی و هوایی و زمینی ۳ - برای رفت و آمد اتباع دولت جمهوری اسلامی ایران که در نقاط مرزی کشور و نقاط واقع در سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان ( دریای مکران ) سکونت دارند به مناطق مرزی مجاور و نواحی جنوبی خلیج فارس تبصره ۱ - مشخصات و ترتیب صدور و مدت اعتبار و مرجع صدور پروانه های گذر مذکور در این ماده و هزینه صدور آنها به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۲ -

حدود مناطق مرزی و سواحل و همچنین نقاط مرزی مجاور و نواحی جنوبی خلیج فارس به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. ماده ۳۰ - شهربانی کشور برحسب اعلام وزارت امور خارجه به کسانی که ترک تابعیت ایران را نموده‌اند پروانه گذر خواهد داد و این پروانه فقط برای خروج از ایران معتبر است

### فصل نهم - برگ گذر بیگانگان ( ماده ۳۱ تا ۳۲ )

ماده ۳۱ - شهربانی کشور می‌تواند با موافقت وزارت اطلاعات و تایید وزارت امور خارجه برای بیگانگان بدون تابعیت یا خارجیانی که به جهاتی قادر به تحصیل گذرنامه از کشور متبوع خود نیستند برگ گذر بیگانگان صادر نماید این برگ دلیل تابعیت ایرانی دارنده یا همراهان او محسوب نمی‌شود. تبصره ۱ - مشخصات برگ گذر بیگانگان از لحاظ رنگ و شکل و قطع و غیره به موجب آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. تبصره ۲ - نام فرزندان کمتر از ۱۸ سال این قبیل افراد در برگ گذر والدین همچنین نام زن در برگ شوهر به شرط آنکه واجد شرایط مذکور در این ماده باشند ثبت می‌شود و استفاده جداگانه از این برگ به وسیله همراهان ممنوع است ماده ۳۲ - مدت اعتبار برگ گذر بیگانگان برای مراجعت به ایران از تاریخ صدور یک سال است و دارنده آن برای هر بار خروج از کشور باید تحصیل اجازه نماید.

### فصل دهم - آیین نامه های اجرایی ( ماده ۳۳ )

ماده ۳۳ - آیین نامه های مربوط به جوهی که از متقاضیان گذرنامه و یا اسناد در حکم گذرنامه و یا برگ گذر بیگانگان طبق مقررات باید دریافت شود و سایر آیین نامه های اجرایی این قانون توسط وزارتخانه های امور خارجه ، کشور و دادگستری تهیه و پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارده خواهد شد و تا تصویب آیین نامه های مزبور مقررات فعلی قابل اجرا است

### فصل یازدهم - مجازاتها ( ماده ۳۴ تا ۴۳ )

ماده ۳۴ - هر ایرانی که بدون گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه از کشور خارج شود ، به حبس از یک تا سه سال یا پرداخت جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم خواهد شد. ماده ۳۵ - هر ایرانی که از نقاط غیر مجاز وارد کشور شده یا از کشور خارج شود به دو ماه تا یک سال حبس و یا جریمه نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال محکوم می‌گردد. ماده ۳۵ مکرر - هر ایرانی که بدون داشتن گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه بخواهد از مرز غیر مجاز خارج شود و به هنگام عبور دستگیر گردد ، به یک ماه تا یک سال حبس یا پنجاه هزار ریال تا سیصد هزار ریال جزای نقدی محکوم خواهد شد و چنانچه مرتکب دارای گذرنامه و یا اسناد در حکم گذرنامه باشد ، به حبس از یک ماه تا شش ماه یا جزای نقدی از پنجاه هزار ریال تا دو صد هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره - کسانی که به تبع اغنام و احشام با سو نیت مرتکب عبور غیر مجاز از مرز شده باشند ، به مجازات فوق محکوم می‌گردند و صاحب اغنام و احشام که عبور از مرز با علم و اطلاع یا به دستور او بوده ، برای مدت پنج سال از سکونت در نوار مرزی محروم می‌شود. ماده ۳۶ - هر ایرانی که کشوری که مسافرت به آنجا طبق ماده ۲۴ این قانون ممنوع و یا محدود شده سفر نماید به حبس جنحه‌ای از یک ماه تا سه ماه و یا پرداخت غرامت از یک هزار ریال تا ده هزار ریال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود. ماده ۳۷ - هر کس برای دریافت گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه به نام خود یا نام دیگری اسناد و مدارک خلاف واقع یا متعلق به غیر را عالماً عامداً به مراجع مربوط تسلیم نماید به حبس جنحه ای از دو ماه تا شش ماه محکوم می‌شود و در صورتی که عمل او منجر به صدور گذرنامه شود به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۳۸ -



هرکس از گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه متعلق به دیگری برای ورود به کشور یا خروج از آن استفاده نماید به حبس جنحه ای از دو ماه تا یک سال محکوم می شود. ماده ۳۹- هر مستخدم دولت اعم از لشگری و کشوری بدون رعایت قوانین مربوط در اجرای وظیفه خود عالماً عامداً گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه بدهد به حبس جنحه ای از دو ماه تا یک سال محکوم می شود. ماده ۴۰- هر مستخدم و مأمور دولت اعم از کشوری و لشگری که برای عبور غیر مجاز اشخاص به خارج از کشور به نحوی از انحاء مساعدت و یا تسهیل وسیله نماید به حبس جنحه ای از شش ماه تا دو سال محکوم خواهد شد. ماده ۴۱- هرکس برای تحصیل گذرنامه یا اسناد در حکم گذرنامه عالماً عامداً و به قصد تقلب هرگونه اطلاع مربوط به خود و همراهان را که در صدور گذرنامه موثر است برخلاف واقع در پرسشنامه ذکر نماید به شرط استفاده از گذرنامه به حبس جنحه ای از دو ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد. ماده ۴۲- از تاریخ اجرای این قانون- قانون گذرنامه مصوب سال ۱۳۱۱ و آیین نامه های مربوط به آن و مواد ۱۰۷ و ۱۰۸ قانون جزا و همچنین قوانین مربوط به گذرنامه تحصیلی و سایر قوانینی که بامواد این قانون مغایرت دارد در آن قسمت که مغایر است لغو می گردد.

### مواد جزایی از لایحه قانونی اصلاح قانون تاسیس شرکت راه آهن شهری تهران و حومه - مصوب ۱۳۵۹/۴/۱۵ شورا

ماده ۱- به دولت اجازه داده می شود به منظور احداث راه آهن شهری و تاسیسات مربوط و بهره برداری از آن شرکتی به نام راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) تاسیس نماید. شرکت دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و طبق اصول بازرگانی و مقررات این قانون و اساسنامه مربوط اداره می شود. تبصره ۱- شرکت می تواند به منظور اجرای طرح راه آهن شهری تهران و حومه و تامین نیازمندی های خود از زیر اراضی و املاک محدوده قانونی شهر و حومه بدون هیچ گونه پرداختی استفاده نماید و در مواردی که برای انجام امور فنی و اجرایی ورود به منازل و محلهای کسب و اماکن عمومی ضروری تشخیص داده شود با اخطار کتبی ۴۸ ساعته به محلهای مزبور وارد و در صورت ممانعت با حضور نماینده دادستان شهرستان نسبت به اجرای موارد فوق اقدام نماید. در صورتی که بر اثر عملیات اجرایی مترو خسارتی به مستحدثات اشخاص وارد شود میزان خسارت وارده (طبق ماده ۵۰ قانون برنامه و بودجه کشور مصوب اسفندماه ۱۳۵۱) قابل پرداخت می باشد. تبصره ۲- مقررات مواد ۹ و ۱۰ و ۱۳ قانون ایمنی راه ها و راه آهن مصوب تیرماه ۱۳۴۹ و همچنین قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن مصوب سال ۱۳۲۰ و ملحقات آن در مورد راه آهن شهری تهران و حومه اجرا خواهد شد. وظایف و اختیارات وزارت راه و راه آهن دولتی ایران در قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن در این مورد به عهده راه آهن شهری تهران و حومه (مترو) خواهد بود.

### مواد مرتبط با امور جزایی از قانون هواپیمایی کشوری - مصوب تیرماه ۱۳۲۸ (ماده ۱ تا ۳۵)

ماده ۱- منظور از هواپیما که در این قانون ذکر می شود وسیله نقلیه ای است که بتواند در نتیجه عکس العمل هوا خود را در فضا نگاه دارد. ماده ۲- این قانون مربوط به هواپیماهای کشوری است و شامل هواپیماهای نظامی نمی باشد. ماده ۱۴- هیچ کس نمی تواند هواپیمایی را براند یا به سمت عضو هیات رانندگی در هواپیما به هر نوع عمل مربوط به راندن هواپیما اقدام یا کمک نماید یا تعلیم خلبانی دهد مگر این که گواهینامه فنی که مدت اعتبار آن منقضی نشده دارا باشد. ماده ۱۵- مرجع صدور هرگونه اجازه نامه مربوط به امور هواپیمایی کشوری و گواهینامه مربوط به متخصصین فنی هواپیمایی کشوری و پروانه مربوط به بهره برداری هوایی اداره کل هواپیمایی کشوری می باشد. ماده ۱۶- اداره کل هواپیمایی کشوری می تواند در موارد تخلف از مقررات این قانون و آیین نامه های اجرایی آن صرف نظر از تعقیبات جزایی هرگونه اجازه نامه یا گواهینامه متخلف را لغو یا موقتاً توقیف نموده یا اختیارات مندرجه در آن را محدود سازد و همچنین پرواز هواپیماهای متخلف را در صورتی که محتمل خطر برای

سرنشینان هواپیما یا اشخاص یا حیوانات روی زمین یا حدوث خسارتی برای اموال اعم از منقول یا غیرمنقول باشد ممنوع سازد. ماده ۱۸ - در صورتی که دارنده پروانه بهره برداری هوایی یا سایر پروانه های مربوط به امور هواپیمایی کشوری شرایطی را که برای تحصیل پروانه لازم بوده فاقد شود یا از انجام تعهداتی که به موجب مندرجات پروانه به عهده گرفته تخلف نماید اداره کل هواپیمایی کشوری می تواند طبق نظر شورای عالی هواپیمایی کشوری بر حسب درجه اهمیت تخلف و تکرار آن پروانه او را لغو یا موقتاً توقیف نموده یا اختیارات مندرجه در آن را محدود سازد. ماده ۲۱ - دولت می تواند به پیشنهاد اداره کل هواپیمایی کشوری با صدور تصویب نامه ایجاد هر گونه ساختمان یا مانع دیگری را در فاصله معینی از حدود یک فرودگاه یا تاسیسات مربوط به تامین بی خطری پرواز هواپیماها ممنوع یا محدود سازد مگر در صورتی که ساختمان یا مانع مزبور موجب خطری به پرواز هواپیماها نگردیده و مورد موافقت اداره کل هواپیمایی کشوری قرار گرفته باشد. چنانچه خسارتی مستقیماً و منحصرراً در نتیجه این ممنوعیت یا محدودیت به کسی وارد گردد باید از طرف اداره کل هواپیمایی کشوری جبران شود. در صورتی که ساختمان یا مانع دیگری که مطابق این ماده ممنوع یا محدود شده باشد در اطراف یک فرودگاه کشوری یا تاسیسات مربوط به تامین بی خطری پرواز هواپیماها قبل از اجرای این قانون موجود بوده دولت می تواند مطابق ماده ۱۹ برای برداشتن یا محدود ساختن آن اقدام نماید. ماده ۲۳ - هر کس به قصد ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن علامت هوایی تقلبی به کار برد به نحوی که بتوان آن را علامت حقیقی مخصوص هواپیمایی تلقی نمود یا علامت هواپیمایی موجود را غیرقابل استفاده سازد یا مانعی در مقابل هواپیما ایجاد یا اطلاع غلط دهد یا هر گونه عملی به منظور ایجاد خطر برای هواپیما یا سرنشینان آن انجام بدهد به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد و در صورتی که از عمل او قتل یا جرح واقع شود مرتکب به مجازاتی که به نفس جرم مقرر است نیز محکوم خواهد گردید و مجازات اشد قابل اجراست ماده ۲۴ - هر کس عالماً هواپیمایی را که دارای علائم ثبت و تابعیت معقول باشد براند و همچنین هر کس عالماً هواپیمایی را که بدون حق، علامت تابعیت ایران به آن نصب شده در خارج از ایران براند به حبس جنحه‌ای از شش ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۵ - هر کس عالماً هواپیمایی را که فاقد علائم ثبت و تابعیت بوده براند به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۲۶ - در مواردی که پرواز هواپیما بر فراز ایران مشروط به تحصیل اجازه قبلی از دولت است هر کس عمداً بدون داشتن اجازه هواپیمایی را بر فراز ایران براند و همچنین در مواردی که مطابق مقررات این قانون پرواز هواپیما بر فراز قسمتی از خاک کشور ممنوع یا محدود یا مقید به شرایط خاصی باشد عمداً هواپیما بر فراز مناطق ممنوعه براند یا بدون رعایت محدودیت ها یا شرایط مقرر پرواز کند به جزای نقدی از دو هزار تا بیست هزار ریال یا به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد و اگر به موجب قوانین دیگری مجازات شدیدتری برای این عمل مقرر شده باشد مجازات اشد قابل اجراست ماده ۲۷ - هر کس با هواپیمای خارجی به قصد حمل و نقل بازرگانی از یک نقطه کشور به یک نقطه دیگر آن، مسافر و بار و محمولات پستی یا یکی از آنها را حمل کند به جزای نقدی از دو هزار تا بیست هزار ریال یا به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا یک سال یا به هر دو مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۲۸ - اشخاص زیر به جزای نقدی از یک هزار تا ده هزار ریال یا به حبس جنحه‌ای از دو ماه تا شش ماه یا به هر دو مجازات محکوم خواهند شد: الف - هر کس بدون داشتن پروانه بهره برداری هوایی به تصدی حمل و نقل بازرگانی هوایی اشخاص یا اشیا مبادرت ورزد. ب - هر کس بدون داشتن اجازه نامه از اداره کل هواپیمایی کشوری به هر نوع پرواز بازرگانی دیگر یا تاسیس و دایر نمودن آموزشگاه به منظور تعلیم و تربیت متخصصین فنی هواپیمایی عمل نماید. ج - هر کس بدون داشتن گواهینامه فنی هواپیمایی را براند یا با سمت عضو هیات رانندگی در هواپیما به هر نوع عمل مربوط به راندن هواپیما اقدام یا کمک نماید یا تعلیم خلبانی دهد. د - هر کس هواپیمایی را براند که فاقد گواهینامه قابلیت پرواز بوده یا مدت اعتبار گواهینامه مزبور منقضی شده باشد. ماده ۳۰ - مقررات جزایی ایران نسبت به جرایمی که داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود وقتی اجرا می شود که متهم در ایران دستگیر شده

باشد و متهم تبعه خارجی برای تعقیب به کشور خارجی رد نشده یا در موردی که متهم به علت ارتکاب آن جرم به ایران مسترد شده باشد. ماده ۳۱- به جنحه و جنایاتی که در داخل هواپیمای خارجی حین پرواز ارتکاب شود در صورت وجود یکی از شرایط ذیل محاکم ایران رسیدگی خواهند کرد: الف- جرم محل انتظامات یا امنیت عمومی ایران باشد. ب- متهم یا مجنی علیه تبعه ایران باشد. ج- هواپیما بعد از وقوع جرم در ایران فرود آید. در هر یک از موارد بالا رسیدگی در دادگاه محلی که هواپیما فرود آمده یا دادگاه محلی که متهم دستگیر شود به عمل خواهد آمد. ماده ۳۲- در مواردی که جنحه یا جنایاتی داخل یک هواپیما که بر فراز ایران پرواز می کند یا داخل یک هواپیمای ایرانی در خارج از ایران ارتکاب شود فرمانده هواپیما مکلف است تا زمانی که مداخله مامورین صلاحیت دار میسر باشد طبق مقررات قانون اصول محاکمات جزایی تفتیشات و تحقیقات مقدماتی به عمل آورده دلایل و مدارک جرم را جمع آوری و تامین نماید و در صورت لزوم می تواند موقتا مظنونین به ارتکاب جرم را توقیف کند مسافری و اعضای هیات رانندگی را تفتیش و اشیایی را که ممکن است دلیل جرم باشد توقیف نماید. در مورد این ماده فرمانده هواپیما برای تفتیش جرم و تحقیقات مقدماتی از ضابطین دادگستری محسوب می شود و کلیه وظایفی را که به موجب فصل دوم قانون اصول محاکمات جزایی برای کمیسرها شهرهای مقرر است عهده دار می باشد. ماده ۳۳- در مورد ماده ۳۲ پس از فرود آمدن هواپیما فرمانده هواپیما باید گزارش کتبی راجع به موضوع جرم و اقدامات مقدماتی که به عمل آورده است تنظیم و به اداره کل هواپیمایی کشوری ارسال دارد. به علاوه در صورتی که هواپیما در ایران فرود آید فرمانده هواپیما مکلف است فوراً وقوع جرم و نتیجه تفتیشات و تحقیقات و اقداماتی را که به عمل آورده به دادستان محل فرود آمدن هواپیما یا قائم مقام او اطلاع داده متهم یا مظنون را با دلایل و مدارک جرم به دادستان یا بازپرس تسلیم و از مداخله خودداری کند و در موردی که هواپیمای ایرانی بعد از وقوع جرم در خارج از ایران فرود آید فرمانده هواپیما باید مراتب را به اطلاع کنسول ایران که در حوزه او هواپیما فرود آمده رسانیده و از او کسب تکلیف کند. ماده ۳۴- تخلف از مقررات آیین نامه های اجرای احکام این قانون موجب کیفرهایی است که حداکثر آن نباید از ده هزار ریال جزای نقدی و دو ماه حبس جنحه ای تجاوز نماید میزان مجازات هر یک از انواع تخلفات در آیین نامه ای که به پیشنهاد وزارتین دادگستری و راه به تصویب هیات وزیران رسیده باشد تعیین خواهد شد. ماده ۳۵- رسیدگی به جرایم مذکور در این قانون در مراحل کیفری و دادگاه های صلاحیت دار فوراً و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد.

### قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان

#### فصل اول - دریای سرزمینی ( ماده ۱ تا ۱۱ )

ماده ۱- حاکمیت جمهوری اسلامی ایران خارج از قلمرو خشکی و آبهای داخلی و جزایر خود در خلیج فارس، تنگه هرمز و دریای عمان بر منطقه ای از آبهای متصل به خط مبدا که دریای سرزمینی نامیده می شود نیز حاکمیت دارد. این حاکمیت همچنین شامل فضای فوقانی، بستر و زیر بستر دریای سرزمینی می باشد. ماده ۲- حد خارجی عرض دریای سرزمینی از خط مبدا ۱۲ (دوازده مایل دریایی) می باشد. مایل دریایی برابر ۱۸۵۲ متر است جزایر متعلق به ایران اعم از اینکه داخل و یا خارج دریای سرزمینی باشند، طبق این قانون دارای دریای سرزمینی مخصوص به خود هستند. ماده ۳- خط مبدا: محاسبه خط مبدا دریای سرزمینی در خلیج فارس و دریای عمان همان است که در تصویب نامه هیات وزیران به شماره ۶۷-۲۵۰/۲ مورخ ۳۱/۴/۱۳۵۲ تعیین گردیده است ( مصوبه مذکور ضمیمه این قانون می باشد ) در سایر مناطق و جزایر ملاک حد پست ترین جزر آب در امتداد ساحل خواهد بود. آب های واقع بین خط مبدا دریای سرزمینی و قلمرو خشکی و همچنین آبهای واقع بین جزایر متعلقه به ایران که فاصله آنها از یکدیگر از دو برابر عرض دریای سرزمینی تجاوز نکند، جزو آبهای داخلی محسوب و تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران می باشد. ماده ۴-

تحدید حدود: در مواردی که دریای سرزمینی ایران با دریای سرزمینی دول مجاور و یا مقابل تداخل پیدا کند مادامی که ترتیب دیگری بین طرفین توافق نشده باشد، حد فاصل بین دریای سرزمینی ایران و آن کشور خط منصفی است که کلیه نقاط آن از نزدیک ترین نقاط خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد. ماده ۵- عبور بی ضرر: عبور شناورهای خارجی به استثنای موارد مندرج در ماده (۹)، از دریای سرزمینی ایران مادامی که محل نظم، آرامش و امنیت کشور نباشد تابع اصل عبور بی ضرر است عبور به جز در موارد اضطراری باید با سرعت متعارف و پیوسته انجام گیرد. ماده ۶- شرایط عبور بی ضرر: عبور شناورهای خارجی در صورت مبادرت به هر یک از اقدامات زیر بی ضرر تلقی نشده و برحسب مورد مشمول مقررات جزایی و مدنی خواهد بود. الف - هر گونه تهدید یا استفاده از زور علیه حاکمیت، تمامیت ارضی و استقلال جمهوری اسلامی ایران یا اقدام به هر نحو دیگری که ناقض اصول حقوق بین الملل باشد. ب - اقدام به تمرین یا مانور با هر نوع سلاح ج - جمع آوری هر گونه اطلاعاتی که به زیان امنیت ملی، امور دفاعی یا منافع اقتصادی کشور باشد. د - هر گونه تبلیغاتی که منظور از آن لطمه زدن به امنیت ملی، امور دفاعی و یا منافع اقتصادی کشور باشد. ه - پرواز و فرود و انتقال هر نوع هواپیما و هلیکوپتر و ادوات نظامی و نیرو به واحدهای شناوردیگر و ساحل و - نقل و انتقال افراد، بارگیری یا تخلیه هر نوع کالا و پول برخلاف قوانین و مقررات جمهوری اسلامی ایران ز - ایجاد هر گونه آلودگی محیط زیست دریایی برخلاف مقررات جمهوری اسلامی ایران ح - هر گونه فعالیت صیادی و بهره برداری از منابع دریایی ط - انجام هر گونه پژوهش علمی، نقشه برداری، لرزه نگاری و نمونه برداری ی - ایجاد اختلال در سیستمهای ارتباطی یا سایر تاسیسات کشور. ک - انجام هر نوع فعالیت دیگری که لازمه عبور کشتی نباشد. ماده ۷- مقررات تکمیلی - به منظور حفظ مصالح کشور و حسن اجرای عبور بی ضرر، دولت جمهوری اسلامی ایران برحسب مورد مقررات ضروری دیگر را وضع خواهد کرد. ماده ۸- تعلیق عبور بی ضرر: به منظور دفاع از امنیت و بنا به مصالح عالی کشور، دولت جمهوری اسلامی ایران می تواند عبور و توقف کلیه شناورهای خارجی را در قسمت هایی از دریای سرزمینی به حالت تعلیق درآورد. ماده ۹ - مستثنیات عبور بی ضرر: عبور شناورهای جنگی، زیردریایی ها، شناورهای با سوخت هسته ای و هر نوع وسیله غوطه ور دیگر و همچنین شناورها و زیردریایی های حامل مواد اتمی یا خطرناک و یا زیان آور برای حفاظت محیط زیست و شناورهای تحقیقاتی خارجی از دریای سرزمینی منوط به موافقت قبلی مقامات صالحه جمهوری اسلامی ایران خواهد بود. زیردریایی ها باید در سطح آب و با پرچم برافراشته عبور نمایند. ماده ۱۰ - صلاحیت کیفری تعقیب، رسیدگی و مجازات جرایم ارتكابی در کشتی های در حال عبور از دریای سرزمینی در موارد زیر در صلاحیت مراجع قضایی جمهوری اسلامی ایران می باشد: الف - چنانچه اثرات و عواقب جرم متوجه جمهوری اسلامی ایران گردد. ب - چنانچه جرم ارتكابی محل صلح و نظم و آرامش داخلی و یا نظم عمومی دریای سرزمینی باشد. ج - چنانچه فرمانده کشتی یا نماینده دیپلماتیک یا کنسولی دولت صاحب پرچم کشتی تقاضای کمک و رسیدگی نماید. د - چنانچه رسیدگی و تعقیب برای مبارزه با قاچاق مواد مخدر و روان گردان ضروری باشد. ماده ۱۱ - صلاحیت مدنی مقامات ذی صلاح دولت جمهوری اسلامی ایران می توانند در موارد زیر به منظور اجرای قرار تامین و یا احکام محکومیت، نسبت به متوقف کردن، تغییر مسیر و یات وقیف کشتی و بازداشت سرنشینان آن اقدام نمایند: الف - کشتی از آبهای داخلی ایران خارج و در دریای سرزمینی در حرکت باشد. ب - کشتی در دریای سرزمینی ایران متوقف باشد. ج - کشتی در حال عبور از دریای سرزمینی باشد مشروط بر اینکه منشا قرار تامین و یا حکم محکومیت، تعهدات و یا الزامات ناشی از مسئولیت مدنی همان کشتی باشد.

### فصل دوم - منطقه نظارت ( ماده ۱۲ تا ۱۳ )

ماده ۱۲ - تعریف منطقه نظارت منطقه ای است در مجاورت دریای سرزمینی که حد خارجی آن از خط مبدا ۲۴ مایل دریایی می باشد. ماده ۱۳ - صلاحیت مدنی و کیفری به منظور پیشگیری از نقض قوانین و مقررات کشور از جمله مقررات امنیتی، گمرکی،

دریایی، مالی، مهاجرتی، بهداشتی، زیست محیطی و تعقیب و مجازات متخلفین، دولت جمهوری اسلامی ایران در منطقه نظارت اقدامات لازم را معمول خواهد داشت

### فصل سوم - منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره ( ماده ۱۴ تا ۲۱ )

ماده ۱۴ - حقوق حاکمه و صلاحیت در منطقه انحصاری اقتصادی حقوق حاکمه و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در ماورای دریای سرزمینی که منطقه انحصاری اقتصادی نامیده می شود به شرح زیر اعمال می گردد: الف - اکتشاف و بهره برداری و حفاظت و اداره کلیه منابع طبیعی جاندار و بی جان بستر و زیر بستر دریا و آبهای روی آن و انجام سایر فعالیتهای اقتصادی مرتبط با بهره برداری از آب، باد و جریانهای دریایی جهت تولید انرژی حقوق مذکور در این منطقه انحصاری است ب - وضع و اجرای قوانین و مقررات مناسب به ویژه در زمینه فعالیتهای زیر: ۱ - احداث و استفاده از جزایر مصنوعی و سایر تاسیسات و بناها و تعبیه کابل و لوله های زیردریایی و تعیین حریم های امنیتی و ایمنی مربوط ۲ - انجام هر گونه پژوهش ۳ - حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی ج - اعمال حقوق حاکمه که به موجب معاهدات بین المللی و منطقه ای تفویض شده است ماده ۱۵ - حقوق حاکمه و صلاحیت در فلات قاره حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران نسبت به فلات قاره که دنباله طبیعی قلمرو خشکی و شامل بستر و زیر بستر مناطق دریایی مجاور و ماورای دریای سرزمینی ایران می باشد نیز طبق مفاد ماده (۱۴) برحسب مورد اعمال می گردد. ماده ۱۶ - فعالیت ها و اقدامات ممنوعه انجام فعالیتهای و تمرینات نظامی بیگانه، جمع آوری اطلاعات و هر گونه عملی که با منافع و حقوق جمهوری اسلامی ایران در منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره منافات داشته باشد ممنوع است ماده ۱۷ - فعالیت، کاوش و تحقیقات علمی: انجام هر گونه فعالیت جهت دستیابی به اشیای مغروق، کاوش و تحقیقات علمی در منطقه انحصاری - اقتصادی و فلات قاره منوط به اجازه مقامات ذی ربط جمهوری اسلامی ایران می باشد. ماده ۱۸ - حفظ محیط زیست و منابع طبیعی دولت جمهوری اسلامی ایران جهت حفاظت و حمایت از محیط زیست دریایی و استفاده مطلوب از منابع جاندار و سایر ذخایر منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اقدامات لازم را معمول خواهد داشت ماده ۱۹ - تحدید حدود: حدود منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره جمهوری اسلامی ایران مادامی که به موجب موافقت نامه های دوجانبه تعیین نشده باشد منطبق بر خطی خواهد بود که کلیه نقاط آن از نزدیکترین نقاط خطوط مبدا طرفین به یک فاصله باشد. ماده ۲۰ - صلاحیتهای کیفری و مدنی جمهوری اسلامی ایران صلاحیتهای کیفری و مدنی خود را درباره متخلفین از مقررات منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اعمال و برحسب مورد نسبت به بازرسی و یا توقیف آنها اقدام خواهد کرد. ماده ۲۱ - حق تعقیب فوری: دولت جمهوری اسلامی ایران حق تعقیب فوری متخلفین از مقررات مربوط به آبهای داخلی، دریای سرزمینی، منطقه نظارت، منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره رادر مناطق مزبور و دریای آزاد، برای خود محفوظ می دارد.

### فصل چهارم - مواد نهایی ( ماده ۲۲ تا ۲۳ )

ماده ۲۲ - آیین نامه های اجرایی هیات وزیران حدود اختیارات و مسئولیت های وزارتخانه ها و سازمان های مجری این قانون را تعیین خواهد نمود. وزارتخانه ها و سازمانهای مزبور مکلفند ظرف یک سال از تاریخ تصویب این قانون آیین نامه های اجرایی لازم را تهیه و به تصویب هیات وزیران برسانند. مادامی که آیین نامه های اجرایی جدید به تصویب نرسیده اند، آیین نامه ها و نظامنامه های موجود معتبر خواهند بود. ماده ۲۳ - از تاریخ تصویب این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن لغو می گردد. قانون فوق مشتمل بر بیست و سه ماده در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ سی و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و دو مجلس

شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۲/۲/۱۳۷۲ به تایید شورای نگهبان رسیده است

### قانون الحاق دولت ایران به کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری

ماده واحده - کنوانسیون جلوگیری از اعمال غیر قانونی علیه امنیت هواپیمایی کشوری مشتمل بر یک مقدمه و شانزده ماده که در تاریخ ۲۳ سپتامبر ۱۹۷۱ (اول مهرماه ۱۳۵۰) در مونترال منعقد گردیده است تصویب و اجازه تسلیم اسناد الحاق آن داده می شود.

### قانون اصلاح قانون ایمنی راهها و راه آهن - مصوب تیرماه ۴۹ و اصلاحیه سال ۷۹

ماده ۱ - متون زیر به عنوان تبصره های (۳)، (۴)، (۵) و (۶) قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ افزوده می شود:

تبصره ۳ - دادگاه با درخواست وزارت راه و ترابری در خصوص میزان خسارت و هزینه ها، خارج از نوبت به موضوع رسیدگی و رای مقتضی صادر خواهد نمود. تبصره ۴ - مأموران مربوط در وزارت راه و ترابری و راه آهن و مأموران نیروی انتظامی موظفند ضمن مراقبت به محض مشاهده وقوع تجاوز به راهها و راه آهن و حریم آنها مراتب را به مراجع صالح جهت اقدام لازم اطلاع دهند. مأمور یا مسئول یاد شده در صورت تسامح به مجازات مربوط محکوم خواهد شد. تبصره ۵ - برداشت شن و ماسه از بستر رودخانه حداقل تا شعاع پانصد متر (۵۰۰ متر) از بالا - دست و یک کیلومتر از پایین دست پل ها ممنوع است و متخلفان به مجازات مربوط محکوم خواهند شد. ماده ۲ - متن زیر به عنوان ماده (۷) به قانون یاد شده اضافه و شماره مواد بعدی به ترتیب به (۸) تا (۱۶) اصلاح می گردد. ماده ۷ - ریختن زباله، نخاله، مصالح ساختمانی، روغن موتور و نظایر آن و یا نصب و استقرار تابلو یا هر شیئی دیگر در راهها و راه آهن و حریم قانونی آنها در داخل یا خارج از محدوده قانونی شهرها و همچنین هرگونه عملیات که موجب اختلال در امر تردد وسایل نقلیه می شود و نیز ایجاد راه دسترسی ممنوع است تبصره ۱ - مرتکبان جرایم بالا علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم و چنانچه تخریبی صورت نگرفته باشد مرتکب یا مرتکبین، حسب مورد ضمن رفع موانع و رفع تجاوز و جبران خسارت وارده به یک ماه تا شش ماه حبس و یا پرداخت جزای نقدی از پانصد هزار (۵۰۰/۰۰۰) تا پنج میلیون (۵/۰۰۰/۰۰۰) ریال محکوم خواهند شد. در مورد اخیر با جبران خسارت تعقیب موقوف خواهد شد. تبصره ۲ - ایجاد راه دسترسی به حریم و گذرگاه مناسب، درختکاری و عبور دادن تاسیسات از عرض راه و راه آهن و نصب تابلو در حریم آنها با اجازه وزارت راه و ترابری مجاز است در موارد اضطراری به منظور ترمیم تاسیسات عمومی که از عرض راه عبور نموده است دستگاه مربوط با کسب موافقت وزارت راه و ترابری و ضمن رعایت کلیه نکات ایمنی اقدام خواهد نمود. تبصره ۳ - وزارت راه و ترابری مکلف است نسبت به برآورد هزینه و خسارت وارده به راهها و حریم آنها و ابنیه فنی و علایم و تاسیسات و تجهیزات ایمنی که در اثر برخورد وسایل نقلیه و یا عبور بارهای ترافیکی و لوله های آب، گاز، فاضلاب و کابل برق و مخبرات و غیره و هرگونه عملیاتی که منجر به بروز هزینه و خسارت گردد، اقدام و مبالغ دریافتی را به حساب خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) آن را به منظور ایمن سازی راهها به مصرف برساند. ماده ۳ - متن زیر به عنوان تبصره (۲) به ماده (۱۲) قانون یاد شده افزوده می شود و تبصره ذیل آن به تبصره (۱) تغییر می یابد: تبصره ۲ - حسب درخواست شرکت راه آهن جمهوری اسلامی ایران، مرجع قضایی صالح دستورالزام را مبنی بر همکاری و نظارت مأموران نیروی انتظامی با آن شرکت جهت ایجاد نظم به منظور انسداد محل های تردد غیرمجاز صادر می کند. ماده ۴ - ماده (۱۴) قانون یاد شده به صورت زیر اصلاح می شود: ماده ۱۴ - وزارت راه و ترابری مکلف است هنگام ایجاد راههای جدید و راه آهن، گذرگاه های ضروری و مجاری لازم را در نظر گرفته و موجبات ارتباط دو طرف راه احدائی را به نحو مقتضی فراهم کند. وزارت پست و تلگراف و تلفن در مورد فراهم نمودن امکانات ارتباطی و وزارت نیرو در مورد تامین روشنایی راهها مکلفند حسب اعلام وزارت راه و ترابری و در چهارچوب مقررات موجود اقدام کنند. ماده ۵ - متن زیر و تبصره های آن به عنوان ماده (۱۷)

به قانون یاد شده افزوده می‌شود: ماده ۱۷ - ایجاد هرگونه ساختمان و دیوارکشی و تاسیسات به شعاع صد (۱۰۰) متر از انتهای حریم و راهها و حریم راه آهن های کشور و در طول کنار گذرهایی که وزارت راه و ترابری احداث نموده یا می‌نماید و یا مسئولیت نگهداری آنها به عهده دارد بدون کسب مجوز از وزارت مذکور ممنوع می‌باشد. وزارت راه و ترابری موظف است در مورد متخلفان برابر تبصره (۱) ماده (۶) قانون ایمنی راهها و راه آهن اقدام کند. با تصویب این ماده تبصره ذیل ماده (۱۵) لغو می‌گردد. تبصره ۱ - وزارت راه و ترابری مکلف است نوع کاربری زمینهای اطراف راهها و راه آهن های کشور به عمق صد (۱۰۰) متر را بعد از حریم قانونی آنها تهیه و به تصویب هیات وزیران برساند و از متقاضیانی که برحسب ضرورت وفق ماده (۱۵) همین قانون نیاز به احداث مستحدثاتی در حد فاصل فوق را داشته باشند جوهری را براساس آیین نامه ای که به تایید هیات وزیران می‌رسد اخذ و به حساب خزانه واریز و صددرصد (۱۰۰٪) آن را به منظور ایمن سازی راهها به مصرف برساند. تبصره ۲ - نظارت بر امر ساخت و ساز در حاشیه راهها و راه آهن ها تا شعاع صد (۱۰۰) متر از منتهی الیه حریم قانونی آنها توسط وزارت مذکور اعمال می‌شود. به وزارت یاد شده اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد هماهنگی براساس موارد موضوع تبصره (۱) همین ماده نسبت به صدور مجوز ایجاد مستحدثات به متقاضیان اقدام نماید. بدیهی است متقاضیان باید سایر مجوزهای لازم را از مراجع مربوط اخذ نمایند. تبصره ۳ - ایجاد تاسیسات عمومی نظیر خطوط آب، برق، فاضلاب، نفت، گاز، مخابرات و نظایر آنها با رعایت مسایل فنی و ایمنی مربوط به هر یک، تابع آیین نامه ای است که ظرف سه ماه از تصویب این قانون به پیشنهاد وزیر راه و ترابری به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۶ - متن زیر به عنوان ماده (۱۸) به قانون ایمنی راهها و راه آهن افزوده می‌شود: ماده ۱۸ - وزارت جهادسازندگی همچنان عهده‌دار وظایف مربوط به برنامه‌ریزی، احداث، نگهداری و مرمت راههای روستایی بوده و با متجاوزین به حریم راههای روستایی برابر ماده (۶) همین قانون و تبصره های ذیل آن اقدام خواهد نمود. ماده ۷ - متن زیر به عنوان ماده (۱۹) به قانون یاد شده اضافه می‌شود: ماده ۱۹ - وزارتخانه‌های راه و ترابری و جهادسازندگی مکلفند علایم افقی و عمودی و تجهیزات ایمنی لازم را در طول هر یک از راههای مربوط مشخص و در محل‌های موردنیاز نصب و اجرا نمایند. تبصره - وزارتخانه‌های مذکور مکلفند برای انجام عملیات احداث و مرمت و یا نگهداری راههای مربوط علایم ایمنی لازم را نصب نمایند چنانچه بر اثر کوتاهی در بکار بردن علائم یاد شده خسارتی به اشخاص (حقیقی یا حقوقی) وارد شود هر یک از وزارتخانه های یاد شده حسب مورد موظف است از مطالبات پیمانکار یا اعتبارات جاری و عمرانی وزارتخانه، خسارت وارده را پرداخت نماید و چنانچه مأموران دولت یا پیمانکاران مرتکب تقصیر شده باشند، دولت خسارت پرداخت شده را از آنها استیفا خواهد نمود. ضمناً در کلیه مواد مربوط به قانون ایمنی راهها و راه آهن مصوب ۷/۴/۱۳۴۹ و اصلاحات بعدی آن عبارت ذیل جایگزین می‌گردد: - به جای کلمه (شاهراه) عبارت (آزاد راه) جایگزین می‌شود. - به جای عبارت (وزارت راه) عبارت (وزارت راه و ترابری) جایگزین می‌گردد. - به جای عبارت (معاونین راهداری و حمل و نقل جاده‌ای) عبارت (معاونین راهداری و حمل و نقل جاده‌ای و پایانه ها) جایگزین می‌شود. - به جای عبارت (کمیسیونهای راه و دارایی مجلسین) عبارت (کمیسیون مسکن و شهرسازی و راه و ترابری و کمیسیون امور اقتصادی و دارایی و تعاون مجلس شورای اسلامی) جایگزین می‌گردد.

### قانون تشدید مجازات کبوترپرانی - خردادماه ۱۳۵۱

ماده واحده - به منظور تامین حفاظت پرواز هواپیماها هر کس در شعاع چهل کیلومتری فرودگاهها و همچنین در مناطقی که از طرف وزارت جنگ ممنوعه اعلام گردد مبادرت به کبوترپرانی نماید به سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - وزارت جنگ محل فرودگاهها و نقاط ممنوع را وسیله یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز به اطلاع عموم می‌رساند و پس از انقضا پانزده روز از تاریخ انتشار آگهی اقدام به کبوترپرانی مستوجب مجازات مذکور در این قانون خواهد بود. تبصره ۲ -

نگهداری و پرورش کبوتر در حدود و مناطق مذکور در این ماده منوط به تحصیل پروانه است که در حوزه استحفاظی شهربانی از طرف شهربانی کشور و در حوزه استحفاظی ژاندارمری از طرف ژاندارمری کشور صادر می‌شود. شرایط و ترتیب صدور پروانه به موجب آیین نامه ای که از طرف وزارت کشور تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید تعیین می‌شود. هر کس بدون پروانه مبادرت به نگهداری و پرورش کبوتر در حدود و مناطق مزبور نماید به حبس جنحه ای تا شش ماه محکوم می‌شود. فرودگاهها و مناطق ممنوعه موضوع قانون تشدید مجازات کبوترپرانی در آگهی وزارت جنگ چون به موجب قانون تشدید مجازات کبوترپرانی مصوب پانزدهم خردادماه ۱۳۵۱ شمسی به منظور تامین حفاظت پرواز هواپیماها با انقضا پانزده روز از تاریخ اعلام محل فرودگاه ها و مناطق ممنوعه از طرف وزارت جنگ هر کس در شعاع چهل کیلومتری فرودگاهها و همچنین در مناطقی که از طرف وزارت جنگ ممنوعه اعلام گردد مبادرت به کبوترپرانی نماید به سه سال حبس تادیبی محکوم خواهد شد لذا در اجرای تبصره ذیل قانون مزبور مناطق و فرودگاه های مشروحه زیر به عنوان فرودگاه ها و مناطق ممنوعه به اطلاع عموم می‌رسد: مهرآباد - قلعه مرغی - دوشان تپه - شیراز - نوشهر - بوشهر - وحدتی - شاهرخی (نوژه) - رامسر - چالوس - کیش بندرعباس - کوشک نصرتاباد - (میدان تیراندازی هوا به زمین تبریز - جاسک - اهواز - آبادان - اصفهان - مشهد - قم - زاهدان - اراک - قزوین - زنجان - مراغه (ارومیه - اردبیل - رضاییه - خوی - شاهپور (سلماس) - خرم آباد - کرمانشاه - یزد - سنندج - مهاباد - بیرجند - کرمان - رشت - بابل - همدان - گرگان

#### قانون مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرزهای کشور - مصوب ۱۴/۷/۱۳۶۷

ماده ۱ - هر کس دیگری را به طور غیرمجاز از مرز عبور دهد و یا موجبات عبور غیرمجاز دیگران را تسهیل یا فراهم نماید، مجرم و به یکی از کیفر های ذیل محکوم خواهد شد: الف - در صورتی که عمل عبوردهنده مخل امنیت باشد چنانچه در حد محاربه و افساد فی الارض نباشد به حبس از دو تا ده سال محکوم خواهد شد. ب - چنانچه شخص عبور داده شده از افراد ممنوع الخروج یا ممنوع الورود یا قاچاقچی باشد مرتکب به دو تا هشت سال حبس و جریمه نقدی از ۲۵۰۰۰۰۰ تا ۱۰۰۰۰۰۰۰ ریال محکوم خواهد شد. ج - چنانچه فرد عبور داده شده محکوم به کیفر یا متهم به جرمی باشد که رسیدگی آن در صلاحیت دادگاه کیفری ۱ باشد، مرتکب به مجازات دو تا چهار سال حبس محکوم خواهد شد. د - در صورتی که فرد عبور داده شده غیربالغ باشد، مرتکب به حبس از سه تا پنج سال محکوم خواهد شد. ه - در صورتی که عمل مرتکب غیر از موارد فوق باشد، مرتکب به حبس از یک تا سه سال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که عبوردهنده از کارکنان دولت و موسسات وابسته به دولت باشد و باسو استفاده از سمت خود مرتکب این عمل شده باشد، علاوه بر مجازات های فوق به انفصال دائم از خدمات دولتی محکوم می‌گردد. تبصره ۲ - علاوه بر مجازات های مقرر کلیه اموالی که از این طریق به دست آمده است طبق بند ۳ ماده ۵ قانون مجازات های اسلامی و قانون نحوه اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی مصوب مجلس شورای اسلامی عمل خواهد شد. ماده ۲ - قانون تشدید مجازات عبوردهندگان اشخاص غیرمجاز از مرز مصوب ۱۳۳۴ و اصلاحات بعدی و قوانین مغایر با ماده و تبصره های فوق ملغی است

#### قانون کیفر بزه های مربوط به راه آهن - مصوب فروردین ماه ۱۳۲۰ ( ماده ۱ تا ۲۴ )

ماده ۱ - هر کس خاک ریز، خاک بر، پل، تونل، دیوار، سد، ابنیه، بالاست، تراورس، ریل، پیچ و مهر ریل، اتصالی ریل، علائم خطر، تیرهای تلفن و تلگراف و سیمهای آن و وسایل نقلیه راه آهن را خراب کند و به طور کلی عملی نماید که موجب خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگری شود به حبس با اعمال شاقه از پنج تا پانزده سال محکوم می‌شود و اگر در نتیجه حادثه یک یا چند نفر کشته شوند مرتکب محکوم به اعدام خواهد شد. هرگاه عمل منتهی به یکی از حادثه های مذکور نگردد در



غیر موارد خرابی پل ، تونل و سد مرتکب به دو سال تا هفت سال حبس مجرد و در مورد پل و تونل و سد از چهار سال تا ده سال حبس با اعمال شاقه محکوم می شود. ماده ۲- هرکس در غیر مورد مذکور در ماده یک در متعلقات راه آهن عملی نماید که بیم خروج قطار از خط یا تصادم یا حادثه مهم دیگر برود مرتکب به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم می شود و هرگاه عمل مذکور برای حرکت قطار فقط ایجاد مانعی نماید و به طور کلی اسباب اختلال حرکت قطار را فراهم کند مرتکب به حبس تادیبی تا دو سال محکوم می شود. ماده ۳- هرگاه بزه های مذکور در ماده یک و دو در اثر توطئه و تبانی دو نفر یا بیشتر انجام یابد یک ثلث از کیفری که قطع نظر از تبانی برای مرتکب منظور می شود به کیفر مرتکب افزوده خواهد شد جز در مورد اعدام که مرتکب به همان کیفر محکوم می شود. ماده ۴- هرگاه برای ارتکاب بزه های مذکوره در ماده یک جمعیتی از سه تن به بالا تشکیل شود ، تشکیل دهندگان و محرکین فقط برای همین عمل به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می شوند. کسی که عضو این جمعیت شده باشد فقط برای همین عمل به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. هرگاه از جمعیت مزبور دست کم سه تن مسلح باشند محرکین و تشکیل دهندگان ، هر یک به حبس با اعمال شاقه از سه سال تا پنج سال محکوم می شوند و کسی که عضو این جمعیت شده باشد به دو سال تا سه سال حبس مجرد محکوم می گردد. ماده ۵- هر یک از شرکت کنندگان که جمعیت مذکور در مواد فوق را منحل یا موجبات انحلال آن را فراهم سازند یا از جز توطئه کنندگان و عضویت جمعیت خارج شوند یا از وقوع بزه یا توطئه یا تشکیل جمعیت برای ارتکاب بزه مانع شوند یا وجود جمعیت و تصمیمات آن را به مأمورین دولت افشا کنند از کیفر معاف خواهند بود مشروط بر اینکه پیش از تعقیب و پیش از وقوع بزه که جمعیت برای ارتکاب آن تشکیل شده اقدامات مزبور به عمل آمده باشد. ماده ۶- هرکس اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را از روی بی مبالاتی یا غفلت انجام دهد در مواردی که کیفر بزه عمدی اعدام یا حبس با اعمال شاقه است به حبس تادیبی از یک سال تا سه سال و به تادیبه غرامت از دویست تا ده هزار ریال محکوم می شود. در مواردی که برای بزه عمدی حبس مجرد مقرر شده کیفر مرتکب حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال و تادیبه غرامت از صد تا هزار ریال می باشد. ماده ۷- هرکس وسایل نقلیه راه آهن را ضایع یا خراب کند به طوری که از خاصیت بهره برداری بیندازد در صورتی که وسایل نقلیه از قبیل لکوموتیو یا اتوموتوریس باشد به حبس مجرد از دو تا پنج سال محکوم می شود و در مورد سایر وسایل نقلیه راه آهن کیفر مرتکب حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال خواهد بود مگر این که عمل مشمول عنوان شدیدتری باشد که در آن صورت مرتکب به کیفر همان بزه محکوم می گردد. ماده ۸- مسافری که بدون جهت علامات موجوده در واگنها را از قبیل ترمز خطر و غیره بکار برد و قطار بایستد به تادیبه غرامت از دویست تا پانصد ریال ملزم خواهد شد. ماده ۹- مسافری که به تجهیزات واگن از قبیل چراغ- توری های پنجره ، شیشه ، پرده - جایگاه جامدان زبانی وارد آورد به پرداخت خسارات طبق تعرفه راه آهن مصوب وزارت راه ملزم خواهد شد. برای خسارتی که قابل پیش بینی در تعرفه نبوده با رعایت اینکه مقدار خسارت از یکصد ریال تجاوز نکند طبق تشخیص اداره راه آهن ملزم خواهد شد در صورتی که عمل مشمول عناوین کیفری باشد به کیفر مقرر برای آن عمل نیز در مراجع صالحه محکوم می شود. ماده ۱۰- وجوه مذکور در ماده ۸ به تشخیص رییس قطار و وجوه مذکور در ماده ۹ مطابق تعرفه یا تشخیص راه آهن به حسب مورد در مقابل قبض رسمی اداری دریافت می گردد. در صورتی که وارد کننده خسارات اعتراضی داشته باشد می تواند پس از پرداخت وجه تا مدت شش ماه به یکی از دادگاههای شهرستان خط سیر مراجعه نماید. هرگاه وارد کننده خسارت از پرداخت این وجوه امتناع نماید چنانچه مالی همراه داشته باشد رییس قطار حق دارد به میزان خسارت مورد مطالبه از مال او بازداشت نموده و طبق آیین نامه مصوب وزارت راه و وزارت دادگستری خسارت راه آهن را از آن استیفا نماید. نسبت به بازداشت مال نیز وارد کننده خسارات از تاریخ بازداشت آن به شرح بالا حق شکایت خواهد داشت هرگاه دارایی ممتنع کفایت خسارت وارده را ندهد یا دارایی نداشته باشد و نتواند تضمین کافی بدهد چنانچه راه آهن مقتضی بداند می تواند صورت مجلس تنظیم و با خود او تحت مراقبت مأمورین به نزدیکترین دادگاه مقصد ممتنع بفرستد. دادگاه در این قبیل موارد

خارج از نوبت رسیدگی خواهد کرد. ماده ۱۱ - حمل مواد زود اشتعال و قابل احتراق و انفجار بدون اطلاع اداره راه آهن ممنوع است و مسافری که بدون اطلاع راه آهن مواد مزبور را در جامه دان ها و اثاثیه خود در واگنها حمل کند یا آنها را جزو اثاثیه خود به قسمت حمل و نقل (توشه بسپارد و همچنین هرکس بدون استحضار راه آهن مواد مزبور را برای حمل به وسیله واگنهای باری تحویل نماید محکوم به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال خواهد گردید. در صورتی که عمل مزبور منجر به حریق یا حادثه دیگری گردد که جرم شدیدتری شناخته شده باشد مرتکب به کیفر آن بزه محکوم خواهد شد. ماده ۱۲ - هرگاه کسی باعث تضييع یا تلف مالی بشود که برای حمل به راه آهن سپرده شده است درقبال بنگاه راه آهن مسئول خساراتی است که از این جهت به راه آهن وارد شده باشد. ماده ۱۳ - (اصلاحی ۷/۴/۱۳۴۹) هرکس در حریم راه آهن بدون اجازه کتبی بنگاه راه آهن ساختمان یا حفریات و به طور کلی هر دخل و تصرفی نماید علاوه بر اجبار به اعاده محل به صورت اولیه محکوم به تادیه غرامت از پانصد تا پنج هزار ریال خواهد شد آنچه پیش از اجرای این قانون داخل در حریم بوده در صورتی که راه آهن اجازه ابقای آن را ندهد مالک آن ملزم است که آن را از حریم راه آهن بردارد و اگر امتناع نماید راه آهن آن را برخواهد داشت و یا در صورت موافقت راه آهن به بهای عادلانه به راه آهن واگذار می شود. حریم راه آهن عبارت از ۱۷ متر فاصله به هر یک از دو طرف محور خط می باشد و تجاوز به محدوده ایستگاهها در حکم تجاوز به حریم خط آهن می باشد. ماده ۱۴ - نگاهداری و چراندن دام در حریم راه آهن ممنوع است و راه آهن مسئول خسارت وارده که از تلف آنها حاصل می شود نخواهد بود. اگر از این راه خساراتی به راه آهن وارد شود مالکین دامها در قبال راه آهن مسئول خواهند بود. ماده ۱۵ - تا مسافت کمتر از پنجاه متر از خط آهن ساختن بناهایی که دارای سقف پوشالی باشد و خرمن نمودن کاه و علف و انبار نمودن مواد زود احتراق و زود اشتعال ممنوع است و متخلفین محکوم به تادیه غرامت از دویست تا دو هزار ریال خواهند شد. ماده ۱۶ - هر یک از کارمندان راه آهن که متصدی راندن یا وظیفه دار تشکیل یا حرکت قطار می باشند لکوموتیو - واگن - در زین یا هرگونه وسیله نقلیه را که می داند معیوب است و در صورت سیرموجب مخاطره خواهند شد به راه اندازد و یا به مناسبت وظیفه مانع تشکیل قطار و حرکت آن نشود به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می شود همین کیفر درباره کارمندانی که از معیوب بودن وسایل نقلیه مطلع و برحسب وظیفه مکلف به آگاه ساختن مقامات مربوطه بوده و آن مقامات را مسبوق نساخته اند اعمال می گردد. ماده ۱۷ - رییس قطار - راننده - ترمزبانان و سوزن بانان که برخلاف مقررات در موقع حرکت قطار تارسیدن آن به مقصد یا در موقع حرکت و ورود قطار به ایستگاه محل خدمت خود را ترک و یا وظیفه خود را انجام ندهند به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال محکوم می شوند. ماده ۱۸ - متصدیان حفظ ساختمان و بناهای مربوطه به راه آهن یا آلات فنی آن که مسئول نگاهداری خط و نظارت ساختمانها و بطور کلی مأمور حفظ اموال راه آهن اعم از فنی و غیرفنی می باشند اگر وظیفه خود را ترک کنند محکوم به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه خواهند شد. هرگاه بزه های مذکور در این ماده و دو ماده پیش منتهی به تصادم یا خروج قطار از خط و یا حادثه مهم دیگری بشود مرتکب به دو تا سه سال حبس مجرد محکوم خواهد شد و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود به حبس با اعمال شاقه از سه تا ده سال محکوم می گردد. در مورد این ماده و ماده ۱۷ در قسمتی که کیفر مرتکب، حبس تادیبی مقرر شده است تعقیب بزه منوط به درخواست بنگاه راه آهن می باشد. ماده ۱۹ - اگر مأمورین راه آهن از امر مافوق خود که برای احتراز از خطر و حادثه راه آهن صادر شده تخلف کنند به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه محکوم خواهند شد و چنانچه این تخلف منجر به حادثه راه آهن شود مرتکب به دو تا سه سال حبس مجرد محکوم می شود و اگر در نتیجه حادثه کسی کشته شود کیفر مرتکب حبس با اعمال شاقه است از سه تا ده سال ماده ۲۰ - هرگاه کارمند راه آهن از ساختمانها - تجهیزات - کارخانجات - تاسیسات ثابت و وسایط نقلیه و غیر آن نقشه - عکس یا اطلاعاتی را که جنبه سری دارند و افشای آن برخلاف مصالح راه آهن و یا مصالح عمومی کشور باشد به کسی بدهد و یا کسی را برای به دست آوردن چنین اسناد و مدارک کمک نماید در صورتی که عمل بزه شدیدتری نباشد به حبس

مجرد از دو تا پنج سال محکوم می‌شود. ماده ۲۱ - چنانچه کارکنان لکوموتیو اعم از راننده یا آتشکار و همچنین سایر کارمندان راه آهن که مسئول تامین آمد و شد قطار هستند در غیر مورد مذکور در ماده ۶ مرتکب بی‌مبالا-تی یا غفلت بشوند که منجر به زیان دولت بشود علاوه بر جبران خسارت به حبس تادیبی از یک ماه تا یک سال محکوم می‌شوند. تبصره (الحاقی ۷/۴/۱۳۴۹) - تعقیب متهم در دادگستری موکول به شکایت راه آهن خواهد بود. ماده ۲۲ - کدخدایان و دهبانانی که به امر مقامات مربوطه مواظبت قسمتی از راه آهن به عهده آنها واگذار شده هرگاه در انجام ماموریت خود بی‌مبالا-تی و یا غفلتی بنمایند که موجب شود کسی به راه آهن خرابی وارد نماید به سه ماه تا سه سال حبس تادیبی محکوم می‌شوند. ماده ۲۳ - هرگاه اعمال مذکور در این قانون منتهی به نتایج قابل کیفری گردد که در این قانون پیش بینی نشده است مقررات سایر قوانین کیفری مجرا خواهد بود. ماده ۲۴ - وزارت راه می‌تواند ضمن آیین نامه ای که بموجب ماده ۴ قانون سازمان بنگاه راه آهن دولتی ایران مصوب ۱۲ مرداد ۱۳۱۴ اختیار تنظیم آن داده شده از نظر انتظام و انضباط کارهای راه آهن برای تخلف کارمندان راه آهن از مقررات یا دستورهای روسای مافوق در موارد لزوم از یک روز تا بیست روز حبس انضباطی پیش بینی نموده و آن آیین نامه را پس از تصویب هیات وزیران به موقع اجرا گذارد طرز رسیدگی و مرجع شایسته نیز در آیین نامه مذکور معین خواهد شد.

### آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه - مصوب ۱۸/۷/۱۳۶۳ هیات وزیران ( ماده ۱ تا ۱۴ )

هیات وزیران در جلسه مورخ ۱۸/۷/۶۳ بنا بر پیشنهاد شماره ۲۵۹۹۶/م وزارت کشور آیین نامه اجرایی بند ۳ ماده ۲۹ قانون گذرنامه مصوب ۱۳۵۱ را به شرح ذیل تصویب نمودند: ماده ۱ - پروانه گذر طبق قانون گذرنامه (بند ۳ ماده ۲۹) به سکنه مرزی اعم از خاکی و آبی که تابعیت ایرانی داشته باشند داده می‌شود. ماده ۲ - حدود مناطق مرزی و نواحی جنوبی خلیج فارس و دریای عمان به پیشنهاد وزارت کشور و تصویب هیات وزیران تعیین خواهد شد. ماده ۳ - پروانه گذر دارای مشخصات به نمونه پیوست صادر می‌شود. ماده ۴ - مدت اعتبار پروانه گذر از تاریخ صدور به مدت ۱۵ روز می‌باشد و حداکثر در سال دومرتبه صادر می‌شود. ماده ۵ - مدت سکونت در مرز به منظور صدور پروانه گذر باید از پنج سال کمتر نباشد در موارد ضروری با تایید شورای تامین شهرستان صادر می‌شود. ماده ۶ - برای مرزنشینان با رعایت معاهدات بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت های همجوار پروانه گذر صادر می‌گردد. ماده ۷ - صدور پروانه گذر به عهده ژاندارمری (مرزبانی می‌باشد. ماده ۸ - پروانه گذر برای هر فرد جداگانه صادر می‌گردد. تبصره - همسر رسمی و فرزندان که به سن قانونی نرسیده‌اند تابع شخص مرزنشین هستند. ماده ۹ - صدور پروانه گذر با رعایت مواد ۱۶ و ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ قانون گذرنامه انجام می‌گیرد و فقط برای محلی که مسافرت به آن در پروانه گذر تصریح می‌شود معتبر است ماده ۱۰ - افرادی که دارای پروانه گذر می‌باشند از محلهای تعیین شده (در پروانه گذر) باید خارج واز همان محل وارد ایران شوند. تبصره - افرادی که دارای پروانه گذر هستند از وسیله نقلیه (شخصی - عمومی فقط تا محل تعیین شده می‌توانند استفاده کنند. ماده ۱۱ - افرادی که دارای پروانه گذر هستند می‌توانند به میزان دو هزار تومان وجه نقد و اجناس سوغات با خود حمل نمایند ( اجناسی که از طرف دولت صدور آن مجاز اعلام گردیده است ماده ۱۲ - نیروهای مسلح - نظامی و انتظامی مشمول این پروانه گذر نمی‌شوند. ماده ۱۳ - در صورت فقدان یا غیرقابل استفاده شدن، المثنی در همان سال صادر نخواهد شد. ماده ۱۴ - جعل و سواستفاده از پروانه گذر تعقیب قانونی دارد.

### ۷- منابع و محیط زیست

### قانون شکار و صید - مصوب خردادماه ۱۳۴۶ با اصلاحات بعدی ( ماده ۱ تا ۳۳ )

ماده ۱- برای حفظ و حمایت و تکثیر جانوران وحشی سازمان شکاربانی و نظارت بر صید تشکیل میشود. سازمان مزبور دارای شخصیت حقوقی بوده و زیر نظر شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید است ماده ۲- لغو شده است ماده ۳- شورای عالی دارای وظایف و اختیارات زیر است الف- تصویب بودجه و مقررات استخدامی سازمان ب- تعیین محدودیت ها و ممنوعیت های زمانی و مکانی شکار و صید و حدود پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و قرق های اختصاصی. پ- تعیین انواع اسلحه و وسایل ممنوع شکار و صید. ت- تعیین انواع جانوران وحشی و حیوانات حمایت شده و حفاظت شده و در معرض خطر انقراض و جانوران زیان کار. ث و ج- لغو شده است چ- تعیین بهای جانوران وحشی از لحاظ مطالبه ضرر و زیان ماده ۴- مصوبات شورای عالی در حدود وظایف و اختیارات مذکور در این ماده بیست روز پس از درج در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و روزنامه رسمی کشور لازم الاجراست سازمان موظف است بلافاصله مصوبات شورای عالی را به وسیله رادیو و آگهی و سایر وسایل به اطلاع اهالی برساند. ماده ۵- لغو شده است ماده ۶- وظایف سازمان به قرار زیر است الف- اجرای مصوبات شورای عالی در حدود مقررات ماده ۳ این قانون ب- تنظیم و اجرای مقررات شکار و صید براساس هدفهای مندرج در این قانون پ- حفظ و نگاهداری شکارگاه ها و فضای حیاتی جانوران وحشی و حمایت آنها در برابر گرسنگی و تشنگی و صید و شکار بی رویه و عوامل حوادث نامساعد جوی و طبیعی مانند حریق جنگل و مراتع و سیل و طغیان رودخانه ها و بیماری های واگیر و مسمومیت نباتی و امثال آن ت- فراهم آوردن موجبات و محیط مساعد جهت تکثیر و پرورش جانوران وحشی. ث- کوشش در اصلاح نژاد جانوران وحشی. ج- بررسی و تحقیقات علمی درباره جانوران وحشی. چ- ایجاد پارکهای ملی و مناطق حفاظت شده و موزه های حیوان شناسی. ح- تشویق اشخاص حقیقی و حقوقی به تاسیس باغات وحش و آبگیرها و حوضچه ها جهت پرورش ماهی و پرندگان شکاری از طریق راهنمایی های فنی. خ- تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور برانگیختن حس حیوان دوستی و حفاظت منابع طبیعی در کشور و تجهیز و تنویر افکار عمومی در این زمینه د- همکاری با سازمانهای مربوط به جنگل و مرتع و خاک و آب به منظور حفظ منابع طبیعی کشور. ذ- همکاری با سازمان های مشابه خارجی و بین المللی به منظور حفظ و حمایت جانوران وحشی و مهاجر در حدود تعهدات متقابل ماده ۷- خرید و فروش، تکثیر و پرورش و صدور و ورود حیوانات وحشی و اجزای آنها که غیربومی ایران بوده و از خارج به کشور وارد شده و یا از قبل در کشور تکثیر و پرورش یافته اند با کسب پروانه و یا اجازه از سازمان مجاز میباشد. ورود و صدور آن دسته از جانوران وحشی و اجزای آنها که در فهرست کنوانسیون تجارت بین المللی گونه های در معرض خطر انقراض ثبت شده اند با رعایت مقررات کنوانسیون مذکور صورت میگیرد سازمان میتواند گونه هایی که برخلاف مقررات کنوانسیون به کشور وارد شده اند ضبط و در صورت لزوم با هزینه واردکننده به کشور مبدأ عودت دهد. ماده ۸- سازمان میتواند در موارد زیر برحسب مورد پروانه و یا اجازه رایگان صادر نماید: الف- جمع آوری نمونه های جانوران وحشی به منظور انجام تحقیقات و مطالعات علمی و آموزشی و یا انجام فعالیت های مورد نیاز موزه تاریخ طبیعی و نمایشگاه های تندیس آرای. ب- دفع آن دسته از جانوران وحشی که به مزارع و باغ ها آسیب میرسانند. ج- صید برخی از گونه های آبریان توسط ساکنان مناطق محروم در مواردی که سازمان صدور پروانه رایگان در آن مناطق ضروری بداند. د- تقدیر از کسانی که به تشخیص رییس سازمان، خدمات موثری در مورد حفاظت از حیات وحش و حمایت از اهداف سازمان به عمل آورده اند. تبصره- وظایف و اختیاراتی که در این قانون برای سازمان حفاظت محیط زیست منظور شده منافی با اختیارات و وظایف شرکت سهامی شیلات ایران نمیشد. ماده ۹- چنانچه مأموران سازمان و میرشکاران و یا صاحبان مزارع و باغ ها در حدود مجوزهای صادر شده نتوانند از دفع خسارت یا صدماتی که از ناحیه جانوران وحشی به افراد، مزارع و باغها وارد میشود جلوگیری به عمل آورند جبران خسارات وارد شده از محل درآمدهای حاصل از اجرای قانون تامین خواهد شد همچنین سازمان میتواند جهت پیشگیری از این خسارت نسبت به محصور نمودن زیستگاه های حفاظت شده جانوران وحشی از محل درآمدهای مذکور اقدام نماید. ماده ۱۰- هر کس مرتکب اعمال زیر

شود به جزای نقدی از یکصد هزار (۰۰۰/۱۰۰) تا یک میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱) ریال یا حبس از یک ماه تا شش ماه محکوم میشود:

الف - شکار و صید جانوران وحشی عادی بدون پروانه ب - شکار و صید بیش از میزان مندرج در پروانه و یا خلاف مقررات و خارج از محلهای مندرج در پروانه ج - حمل ، عرضه ، فروش و صدور جانوران وحشی زنده یا کشته و اجزای آنها بدون کسب پروانه و یا مجوز از سازمان د - از بین بردن رستنی ها از جمله قطع درختان ، خارزنی ، بوته کنی و تعلیف غیر مجاز در مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش و تجاوز و تخریب در این مناطق ماده ۱۱ - هر کس مرتکب اعمال زیر شود به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار (۰۰۰/۵۰۰/۱) ریال تا سه میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۳) ریال یا حبس از ۹۱ روز تا ۶ ماه محکوم میشود: الف - شکار و صید در فصول و ساعات ممنوع مقرر. ب - مبادرت به شکار و صید در مناطق ممنوع و یا خلاف محدودیتها و ممنوعیت هایی که سازمان در حدود اختیارات قانونی خود تعیین و آگهی کرده است و شکار غیر مجاز در قرقهای اختصاصی. ج - شکار و صید با وسایل و از طرق غیر مجاز و یا شکار با استفاده از اسلحه دیگران د - تخریب چشمه ها و آبشخور حیوانات در مناطق حفاظت شده و پناهگاههای حیات وحش ه - اقدام به صدور و ورود حیوانات وحشی موضوع ماده (۷) این قانون به صورت غیر مجاز. ماده ۱۲ - هر کس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از سه ماه تا سه سال و یا به جزای نقدی از یک میلیون و پانصد هزار (۰۰۰/۵۰۰/۱) ریال تا هجده میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۱۸) ریال محکوم میشود: الف - شکار و صید جانوران وحشی حمایت شده بدون داشتن پروانه ویژه ب - شکار و صید در مناطق حفاظت شده و پناهگاه های حیات وحش بدون تحصیل پروانه ویژه و صید غیر مجاز در رودخانه های حفاظت شده ج - از بین بردن رستنیها و تعلیف و تخریب در پارکهای ملی و آثار طبیعی ملی و هرگونه تجاوز و فعالیت غیر مجاز در این گونه مناطق د - آلوده نمودن آب رودخانه ها ، دریاچه ها و تالابهای حفاظت شده ، چشمه ها و آبشخورها به موادی که باعث آلودگی آب و از بین رفتن آبزیان شود. ماده ۱۳ - هر کس مرتکب اعمال زیر شود به مجازات حبس از نود و یک روز تا سه سال یا جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار (۰۰۰/۸۰۰/۱) ریال تا بیست میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۲۰) ریال و در صورت تکرار به هر دو مجازات محکوم میشود: الف - شکار جانوران وحشی کمیاب و در معرض خطر انقراض از قبیل جیبیر ، گورخر ، گوزن زرد ایرانی ، یوزپلنگ ، تمساح ( کروکودیل ) ، هوبره و میش مرغ ب - شکار در پارک های ملی. ج - شکار ، صید و یا کشتار جانوران وحشی با استفاده از سموم و مواد منفجره و امثال آن و شکار به صورت تعقیب با استفاده از وسیله نقلیه موتوری و همچنین کشتار آنان به طریق جرگه و محاصره دسته جمعی . د - مبادرت به اقداماتی که موجب آلودگی آب دریای خزر و خلیج فارس و دریای عمان با مواد غیر نفتی را فراهم آورده و باعث مرگ و میر آبزیان یا به خطر افتادن محیط زیست آنان شود. ه - ایجاد یا فراهم کردن مقدمات آتش سوزی در پارکهای ملی و آثار طبیعی ملی و مناطق حفاظت شده یا پناهگاه های حیات وحش بر اثر بی مبالائی یا عدم رعایت مقررات محیط زیست و یا تخلف از نظامات دولتی. تبصره ۱ - در صورت ایجاد آتش سوزی عمدی در پارک های ملی و آثار طبیعی ملی ، مرتکب به مجازات های مقرر در ماده (۶۷۵) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهد شد. تبصره ۲ - هر کس مبادرت به زنده گیری ، شکار ، خرید ، فروش ، حمل ، نگهداری و صدور پرندگان شکاری از قبیل شاهین ، بحری ، بالابان و دلپچه کند علاوه بر محکومیت به حداکثر مجازات حبس مقرر در این ماده به جزای نقدی از یک میلیون و هشتصد هزار (۰۰۰/۸۰۰/۱) ریال تا بیست میلیون (۰۰۰/۰۰۰/۲۰) ریال محکوم خواهد شد. ماده ۱۴ - وسایل شکار و صید از قبیل تفنگ ، فشنگ ، نورافکن ، دوربین چشمی ، تور و قلاب ماهیگیری و سایر ادوات ارتکاب جرم که مرتکبان اعمال یادشده بالا به همراه دارند و همچنین موتورسیکلت هایی که مرتکبان اعمال بالا به طور مستقیم برای شکار مورد استفاده قرار میدهند توسط سازمان توقیف و این وسایل تا خاتمه رسیدگی و صدور حکم قطعی زیر نظر سازمان به صورت امانی نگهداری شده و دادگاه پس از صدور حکم نسبت به اموال یاد شده تعیین تکلیف میکند. ماده ۱۵ - شروع به شکار جانوران وحشی برخلاف مقررات این قانون قابل تعقیب و مجازات میباشد و مرتکب به حداقل مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۱۶ - در صورت تکرار جرایم پیش بینی شده در مواد ۱۱

و ۱۲ و ۱۳ این قانون مرتکب به اشد مجازات محکوم خواهد شد. ماده ۱۷ - وجوه حاصله از جرایم مذکور در این قانون جز درآمد دولت محسوب و به خزانه‌داری کل پرداخت میشود. حیواناتی که برخلاف مقررات این قانون شکار یا صید شده باشند متعلق به سازمان شکاربانی خواهند بود. ماده ۱۸ - در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم برحسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته میشود. ماده ۱۹ - مأمورین شکاربانی که از طرف سازمان شکاربانی مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر میشوند در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون در ردیف ضابطین دادگستری محسوب میشوند. ماده ۲۰ - در صورتی که گزارش مأمور سازمان برخلاف واقع باشد مأمور مزبور به دو برابر کیفر جرمی که موضوع گزارش بوده محکوم خواهد شد. در مواردی که مأمور شکاربانی با اطلاع از وقوع جرایم مذکور در این قانون از جریان امر به مقام مسوول گزارش ندهد برحسب مورد به حداکثر مجازات مقرر محکوم خواهد شد. ماده ۲۱ - هرگاه مأمورین سازمان خود مرتکب جرایم مندرج در این قانون شوند و یا در ارتکاب جرم مشارکت یا معاونت داشته باشند برحسب مورد به حداکثر مجازات مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۲۲ - در مورد جرایم مذکور در این قانون هرگاه عمل ارتكابی طبق سایر قوانین مستلزم مجازات شدیدتری باشد مرتکب به مجازات اشد محکوم خواهد شد. ماده ۲۳ - سازمان برای حفظ نسل و بررسی های علمی و پیش گیری از سرایت امراض عمومی و نظایر آن در موارد اقتضا اقدام لازم به عمل خواهد آورد. ماده ۲۴ - در مواردی که بنابر مقتضیات حفظ نسل و حمایت جانوران وحشی قطع اشجار و رستنی ها ضرورت داشته باشد سازمان شکاربانی با موافقت سازمان جنگلبانی اقدام خواهد نمود. ماده ۲۵ - جنگلهایی را که تا تاریخ تصویب این قانون بهره برداری از آنها به وسیله سازمان جنگلبانی به عمل میاید و یا با انعقاد قراردادهای لازم و طبق طرح های جنگلداری بهره برداری از آنها به اشخاص حقیقی یا حقوقی واگذار شده است تا انقضای مدت اجرای طرح نمیتوان به مناطق حفاظت شده یا پارک ملی اختصاص داد. ماده ۲۶ - سازمان جنگلبانی ایران موظف است قبل از واگذاری طرحهای بهره برداری نظر سازمان رادر مورد اجرای طرحهای مزبور از لحاظ تعیین منطقه حفاظت شده یا پارک ملی خواستار شود ولی پس از اعلام نظر نمیتوان در محدوده جنگلی که طرح آن مورد توافق قرار گرفته مناطق حفاظت شده یا پارک ملی اعلام کرد. ماده ۲۷ - در مواردی که سازمان شکاربانی بخواهد جنگلهای قابل بهره برداری را به عنوان مناطق حفاظت شده و یا پارک ملی اعلام کند باید قبلا- موافقت سازمان جنگلبانی را جلب نماید. ماده ۲۸ - آیین نامه های اجرایی این قانون توسط سازمان تهیه و به تصویب هیات وزیران میرسد. آیین نامه های مزبور از جمله شامل موضوعات زیر خواهد بود: الف - تعاریف شکار و صید حیوانات حمایت شده و جانوران زیان کار و پارک ملی و منطقه حفاظت شده و قرق سلطنتی و قرق اختصاصی. ب - تعیین مقررات مربوط به پارک ملی و منطقه حفاظت شده و قرق اختصاصی. پ - تعیین مقررات منع یا محدودیت خرید و فروش و عرضه و نگاهداری جانوران وحشی و همچنین تکثیر و پرورش و واردات و صادرات آنها با همکاری سازمانهای مربوط در حدود قوانین کشور. ت - تعیین نحوه همکاری وزارتخانه ها و سایر سازمانهای وابسته به دولت با سازمان ث - تعیین انواع پروانه های مذکور در ماده ۷ این قانون و شرایط صدور آن ماده ۲۹ - امور مربوط به صید در رودخانه هایی که به دریای خزر میریزد تا مسافتی از مصب هریک از رودخانه ها که به پیشنهاد شرکت سهامی شیلات ایران و تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست تعیین میگردد و همچنین امور مربوط به صید در آبهای خلیج فارس و دریای عمان و مرداب بندر انزلی از شمول این مقررات مربوط به صید آبزیان مندرج در این قانون مستثنی است شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب وظایف مربوط را طبق قوانین و مقررات خود عهده دار خواهند بود. ماده ۳۰ - وجوه حاصل از اجرای قانون شکار و صید غیر از درآمد ناشی از بهای پروانه های شکار و صید و ضرر و زیان که به موجب بند (الف) ماده (۴۵) قانون وصول برخی از درآمدهای دولت هزینه خواهد شد به حساب خاصی نزد خزانه داری کل واریز میشود. سازمان برنامه و بودجه موظف است همه ساله معادل هفتاد درصد (۷۰٪) آن را به طور جداگانه در بودجه سازمان منظور

کند تا صرف حفاظت از حیات وحش ، کنترل مناطق تحت نظارت سازمان و تامین هزینه‌های مربوط به اجرای ماده (۹) قانون شکار و صید - مصوب ۱۳۴۶ - و اصلاحیه بعدی آن شود. ماده ۳۱- قانون صید و شکار مصوب اسفند ۱۳۳۵ ملغی است ماده ۳۲ - از تاریخ تصویب این قانون مستخدمین سازمان حفاظت محیط زیست از لحاظ استخدامی تابع قانون استخدام کشوری خواهند بود. تبصره ۱ - نحوه اجرای ضوابط قانون استخدام کشوری و تبدیل وضع استخدامی مستخدمین فعلی سازمان حفاظت محیط زیست با قانون استخدام کشوری و ترتیب احتساب سوابق خدمتanan از لحاظ بازنشستگی و وظیفه و همچنین نحوه محاسبه و واریز کسور بازنشستگی گذشته آنان طبق آیین نامه‌ای خواهد بود که توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و پس از تایید سازمان امور اداری و استخدامی کشور به تصویب هیات وزیران میرسد. تبصره ۲ - سازمان بیمه های اجتماعی موظف است کلیه وجوهی را که بابت ۵/۳ درصد حق بیمه کارکنان فعلی سازمان حفاظت محیط زیست بابت اشتغال در سازمان مزبور یا سازمان شکاربانی و نظارت بر صید سابق دریافت داشته است به صندوق بازنشستگی کشوری واریز کند. مستمری کارکنان یا وراث آنها که به وسیله سازمان بیمه های اجتماعی پرداخت میگردد کماکان توسط سازمان مذکور پرداخت خواهد شد.

### قانون حفاظت و بهره برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران - مصوب شهریور ماه ۷۴ ( ماده ۱ تا ۲۳ )

ماده ۱ - منابع آبی آب های تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران ثروت ملی کشور بوده ، حفظ و حراست آن از وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران می باشد. مدیریت حفاظت و بهره برداری این منابع در جهت تامین منافع ملی کشور براساس این قانون و مقررات اجرایی آن اعمال می گردد. ماده ۲ - قلمرو اجرایی این قانون و مقررات اجرایی آن ، به جز مواردی که در این قانون تصریح شده است کلیه آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اعم از آبهای داخلی و مرزی و دریایی می باشد. ماده ۳ - شرکت سهامی شیلات ایران به منظور افزایش کمی و کیفی تولید محصولات آبی حمایت از اشخاص حقیقی و حقوقی فعال در بخش شیلات و آبزیان و مدیریت توسعه و بهره برداری منابع موجود اقدامات زیر را انجام می دهد: ۱ - انجام تحقیقات علمی و کاربردی پیرامون موضوعات مرتبط با آبزیان از قبیل حیات ، گونه های قابل بهره برداری ، محیط زیست ، میزان منابع ، حفاظت و مدیریت ذخایر موجود در آبهای موضوع ماده ۲ این قانون ۲ - انجام تحقیقات و اقدامات لازم پیرامون صید و نحوه بهره برداری ، تکثیر و پرورش آبزیان و عمل آوری محصولات آبی ۳ - انجام اقدامات مربوط به مدیریت صید و اعمال مقررات مربوط به آن ، حفاظت منابع ، بازسازی ذخایر موجود ، بهسازی محیط زیست آبزیان و آبی دار کردن اقتصادی آبهای موضوع ماده ۲ این قانون ۴ - تاسیس ، توسعه ، نگهداری و مدیریت بنادر صیادی با رعایت وظایف سایر ارگانها. ۵ - هدایت و نظارت بر کلیه فعالیت های صیادی ، تکثیر و پرورش آبزیان ، عمل آوری ، صادرات و واردات آبزیان توسط اشخاص حقیقی و حقوقی ۶ - تشویق و حمایت فعالیتهای صید و صیادی ، تولید و پرورش آبزیان و صنایع تبدیلی آبزیان از طریق انجام مطالعات ، ارایه آموزش و ترویج و خدمات فنی و مشاوره ای تبصره - وظایف و اختیارات شرکت سهامی شیلات ایران در این قانون نافی وظایف و اختیارات سازمان حفاظت محیط زیست نخواهد بود. ماده ۴ - صید و فرآورده های عمل آوری شده بر روی شناورهای صیادی در آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران در حکم تولیدات داخلی محسوب می گردد و صدور آن تابع مقررات صادرات و واردات کشور می باشد. ماده ۵ - ثبت شناور ماهیگیری توسط سازمان بنادر و کشتیرانی منوط به موافقت کتبی شرکت سهامی شیلات ایران می باشد. ماده ۶ - هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نمی تواند بدون کسب پروانه معتبر مبادرت به بهره برداری آبزیان در آبهای موضوع ماده ۲ این قانون نماید شرایط صدور ، تعلیق ، ابطال ، مدت اعتبار و نحوه تمدید و انتقال کلی یا جزئی و میزان تعرفه پروانه صید براساس آیین نامه اجرایی این قانون تعیین می گردد. ماده ۷ - میزان تعرفه مربوط به شناورهای خارجی که وفق ضوابط مقرر در این قانون اقدام به فعالیت های صیادی در آبهای تحت حاکمیت و صلاحیت جمهوری اسلامی ایران می نمایند

به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی و تصویب هیات وزیران تعیین می‌گردد. ماده ۸- تعاونیها، اتحادیه‌ها و شرکتهای مرتبط با صید و پرورش آبزیان با رعایت قوانین و مقررات وزارت تعاون و با موافقت و نظارت شیلات تاسیس می‌شود. ماده ۹- بنادر صیادی تحت سرپرستی و نظارت شیلات اداره خواهد شد. تبصره ۱- ارایه خدمات و اداره تاسیسات بندری حسب مورد می‌تواند به شرکتهای تعاونی یا خصوصی واگذار شود. تبصره ۲- شیلات مجاز است بابت حق ورود، پهلوگیری و توقف شناورها در بنادر صیادی مبالغی را براساس تعرفه‌هایی که به تصویب هیات وزیران می‌رسد، دریافت دارد. ماده ۱۰- به منظور حمایت از صیادان ساحلی فعالیت شناورهای صید صنعتی در داخل آبهای ساحلی جمهوری اسلامی ایران ممنوع می‌باشد. ماده ۱۱- به منظور حمایت از فعالیتهای صید و صیادی الف- شیلات می‌تواند مالکان شناورهای صید صنعتی ایرانی و خارجی را ملزم به بیمه نمودن شناورهای خود نزد بیمه گران ایرانی یا دارای نمایندگی در ایران برای جبران خسارت احتمالی وارده از جانب این شناورها در محدوده آبهای ساحلی به شناورهای صید ساحلی بنماید. ب- صندوق بیمه محصولات کشاورزی مکلف است نسبت به بیمه نمودن محصولات صید شده و سایر شرکتهای بیمه نسبت به بیمه نمودن ابزار و آلات صید اقدام نماید. ج- شرکت سهامی شیلات ایران هنگام صدور پروانه صید و صیادی برای کلیه شناورها موظف است قبلاً بیمه نامه شناور و ابزار و ادوات را دریافت نماید. ماده ۱۲- حمل و استفاده از ابزار و ادوات صیادی غیر مجاز و همچنین موادی از قبیل مواد منفجره، سمی و یا برقی که باعث ضعف، بیماری و یا مرگ آبزیان شوند ممنوع می‌باشد. ماده ۱۳- شناورهای صیادی خارجی مجاز به صید در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون نمی‌باشند مگر براساس شرایط مندرج در موافقتنامه‌های منعقد مابین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت صاحب پرچم صید شناورهای صیادی خارجی برای شرکتهای ایرانی که با موافقت شیلات و براساس مقررات مندرج در این قانون و سایر قوانین موضوعه جمهوری اسلامی ایران نسبت به انعقاد قرارداد با صاحبان شناورهای صیادی خارجی اقدام نموده‌اند، مجاز می‌باشد. ماده ۱۴- طرح مدیریت ذخایر آبهای مندرج در ماده (۲) این قانون با هدف شناسایی و معرفی ذخایر قابل بهره برداری براساس مطالعات و تحقیقات علمی شیلات تهیه می‌گردد. این طرح باید دربرگیرنده شرایط زمانی، مکانی، مقداری، روشی، گونه‌ای و ابزاری صید آبزیان باشد به نحوی که بهره‌برداری پایدار از منابع آبی را تضمین نماید. تبصره- شیلات مکلف است پروانه صید را براساس طرح فوق صادر نماید. ماده ۱۵- شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند علائم، اسامی، حروف و شماره‌هایی که طبق ضوابط مندرج در مقررات اجرایی این قانون شناسایی و تعیین هویت آنها را ممکن می‌سازد به‌طور دایم در معرض دید قرار دهند. ماده ۱۶- شناورهای صیادی مجاز به فعالیت در آبهای موضوع ماده (۲) این قانون و همچنین شناورهای صیادی ایرانی فعال در خارج از آبهای موضوع ماده (۲) این قانون مکلفند داده‌های آمار و اطلاعات مربوط به صید انجام شده را در اوراق چاپی و در مدت‌زمان معینی که در مقررات اجرایی تعیین می‌شود به شرکت سهامی شیلات ایران انتقال دهند. ماده ۱۷- انجام هرگونه فعالیت تکثیر و پرورش آبزیان با کسب مجوز از شرکت سهامی شیلات ایران توسط اشخاص حقیقی و حقوقی که دارای شرایط مندرج در این قانون و مقررات اجرایی آن هستند، مجاز می‌باشد. ماده ۱۸- چنانچه ایجاد مزارع و تاسیسات تکثیر و پرورش آبزیان باعث خسارت به منابع آبی شود، صدور مجوز تکثیر و پرورش ممنوع خواهد بود. در صورتی که تاسیسات تکثیر و پرورش در معرض آلودگی یا بیماریهای مسری باشند، شیلات موظف است دستور اتخاذ تدابیر حفاظتی لازم را صادر نماید. ماده ۱۹- اقدامات موضوع ماده (۳) شرکت سهامی شیلات ایران در آبهای داخلی (پشت سدها یا رودخانه‌ها) باید با هماهنگی قبلی وزارت نیرو منطبق با برنامه‌های استفاده از آب صورت گیرد. آبی‌دار کردن آبهای مورد استفاده برای شرب یا آبهایی که برای مصارف کشاورزی باید طبق برنامه تامین آب در زمان معین رها شده و به مصرف برسد صرفاً پس از هماهنگی و کسب مجوز از وزارت نیرو میسر می‌باشد. ماده ۲۰- ضوابط مربوط به ساخت تاسیسات عمل آوری و انجام هرگونه فعالیت عمل آوری و کنترل و نظارت بر فعالیتهای این موسسات توسط شرکت شیلات تعیین می‌گردد. ماده ۲۱- بازرسی و کشف جرایم در اجرای این قانون و آیین نامه



اجرای آن از طریق نیروی انتظامی به عنوان ضابط قوه قضاییه انجام می شود. تبصره - حدود اختیارات و شرح وظایف مأمورین نیروی انتظامی در اجرای این قانون با توجه به مقررات نیروی انتظامی تعیین خواهد شد. ماده ۲۲ - الف - هر شناور صیادی خارجی که بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون اقدام به انجام فعالیت صیادی در آبهای مذکور در ماده ۲ این قانون بنماید به پرداخت جزای نقدی از دو میلیون ریال تا یکصد میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی محکوم می گردد. علاوه بر مجازات فوق الذکر دادگاه می تواند شناور صیادی، آلات و ادوات صید و سایر ابزار موجود در شناور را نیز مصادره نماید. ب - مرتکبین جرایم ذیل ۱ - انجام فعالیت صیادی اشخاص ایرانی بدون کسب پروانه لازم پیش بینی شده در این قانون ۲ - انتقال غیر مجاز محصولات صیادی از شناور به شناورهای غیر مجاز. ۳ - عرضه و انتقال آبریان به منظور تکثیر و پرورش آنها بدون داشتن گواهی بهداشتی ۴ - فروش آلات و ادوات صیادی غیر مجاز. ۵ - تغییر مسیر، ایجاد موانع فیزیکی و احداث هرگونه تاسیسات غیر مجاز در رودخانه هایی که به عنوان مسیر مهاجرت یا تکثیر طبیعی آبریان تعیین شده اند. ۶ - ایجاد هرگونه آلودگی یا انتشار بیماریهای مسری و تخلیه فاضلابهای صنعتی و هرگونه مواد آلاینده که باعث خسارت به منابع آبرزی شود. با حکم محاکم قضایی محکوم به پرداخت جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع تخلف، ظرفیت شناور، میزان و نوع صید) برای موارد ۱، ۲، ۳ و یا یک تا پنج میلیون ریال برای سایر موارد می شود. به علاوه دادگاه می تواند محصولات صیادی و پرورشی و یا حاصل فروش آنها و آلات و ادوات صید و سایر ابزار و مواد به کار رفته در ارتکاب جرایم را مصادره نماید و واحد آلاینده را نیز تا رفع نقص از ادامه کار بازدارد. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند دادگاه علاوه بر مجازات مقرر، آلات و ادوات صید و سایر ابزار و ادوات به کار رفته در ارتکاب جرایم مذکور را مصادره می نماید. ج - شرکت سهامی شیلات ایران می تواند صیادانی را که مرتکب یک یا تمام جرایم زیر شده باشند به دادگاه معرفی نماید. دادگاه نسبت به مراتب و درجات جرم مرتکبین را به پرداخت جزای نقدی از یک میلیون ریال تا ده میلیون ریال و مصادره محصولات صیادی و ابزار و آلات صید محکوم می نماید: ۱ - صید در مناطق یا فصول ممنوعه ۲ - صید گونه هایی که صید آنها ممنوع اعلام شده است ۳ - صید گونه هایی که برای آنها اجازه لازم دریافت نشده است ۴ - فعالیت شناورهای صیادی صنعتی در مناطق صید ساحلی ۵ - صید با آلات و ادوات و مواد غیر مجاز و یا نگاهداری این گونه آلات و ادوات و مواد در شناور بدون کسب مجوز از شیلات ۶ - حمل و نگهداری محصولات صید شده غیر مجاز در شناور. ۷ - عدم ارسال اطلاعات مربوط به ماده ۱۶ این قانون و یا ارایه اطلاعات غیر واقعی مربوط به صید و فعالیت های تکثیر و پرورش انجام شده و به ترتیب مقرر در این قانون و مقررات اجرایی آن ۸ - عدم رعایت مقررات مربوط به در معرض دید قرار دادن علائم، اسامی، حروف و شماره هایی که شناسایی یا تعیین هویت شناور را ممکن می سازد. د - صید، عمل آوری، عرضه، فروش، حمل و نقل، نگهداری، واردات و صادرات انواع ماهی های خاویاری و خاویار بدون اجازه شیلات ممنوع است و مرتکب یا مرتکبین به جزای نقدی تا سه برابر ارزش محصول (متناسب با نوع و میزان صید) و حبس (از) یک تا سه ماه محکوم می شوند. در صورت تکرار جرایم مقرر در این بند دادگاه مرتکب یا مرتکبین را علاوه بر جزای نقدی مقرر به نود و یک روز تا شش ماه حبس تعزیری محکوم می نماید. ماده ۲۳ - آیین نامه های اجرایی مورد نیاز این قانون ظرف مدت سه ماه به پیشنهاد وزارت جهاد سازندگی با هماهنگی سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد.

### قانون حفظ و حمایت از منابع طبیعی و ذخایر جنگلی کشور - مصوب مهرماه ۱۳۷۱ (مواد ۱ تا ۳)

ماده ۱ - از تاریخ تصویب این قانون گونه های درختانی از قبیل شمشاد، زربین، سرخدار، سورخمره ای، سفید پلت، حرا و چنندل، ارس، فندق، زیتون طبیعی، بنه (پسته وحشی)، گون، ششم، گردو (جنگلی) و بادام وحشی (بادامک) در سراسر کشور جز ذخایر جنگلی محسوب و قطع آنها ممنوع می باشد. تبصره ۱ - وزارت جهاد سازندگی موظف است مناطق استقرار گونه های یاد شده

را مشخص و حفاظت نموده و متخلفین را به مراجع قضایی معرفی نماید. تبصره ۲- در مواردی که قطع این گونه ها بر اساس طرح مصوب و بنابر ضرورت و مسایل فنی و توسعه گونه‌های دیگر لازم باشد با تایید وزارت جهاد سازندگی مجاز خواهد بود. تبصره ۳ - متخلفین از این قانون برای بار اول علاوه بر پرداخت خسارتی که حسب مورد توسط کارشناسان مربوطه وزارت جهاد سازندگی ارزیابی خواهد گردید به حبس از یکماه تا ششماه و پرداخت جزای نقدی برای هر اصله درخت معادل یک برابر و نیم قیمت روز آن و در صورت تکرار به اشد مجازات محکوم می‌شوند. تبصره ۴- اجازه داده می‌شود که هر ساله معادل ۳۰ درصد از درآمد حاصل از دریافت جرایم و فروش مواد بازداشتی ناشی از اجرای این قانون که از متخلفین مربوطه اخذ و به حسابی که توسط خزانه به همین منظور افتتاح می‌گردد. واریز و جهت پرداخت حق الکشف به مأمورین کاشف سازمان جنگلها و مراتع کشور و مخبرین و مأمورین انتظامی در اختیار سازمان مزبور قرار داده شود تا برابر آیین نامه نسبت به تقسیم آن اقدام نماید. سازمان برنامه و بودجه مکلف است هر ساله ضمن لایحه بودجه اعتبار مربوط به ۳۰ درصد درآمد حاصل موضوع این تبصره را در ردیف جداگانه پیشنهاد و منظور نماید. تبصره ۵- در صورت همکاری کارگزاران و مأمورین سازمان جنگلها و مراتع با متخلفین، به تناسب جرم به اشد مجازات مقرر در قوانین و مقررات مربوطه محکوم می‌شوند. ماده ۲- تشخیص منابع ملی و مستثنیات ماده ۲ قانون ملی شدن جنگلها و مراتع با رعایت تعاریف مذکور در قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع با وزارت جهاد سازندگی است که شش ماه پس از اخطار کتبی یا آگهی به وسیله روزنامه های کثیرالانتشار مرکز و یکی از روزنامه های محلی و سایر وسایل معمول و مناسب محلی، ادارات ثبت موظفند پس از انقضای مهلت مقرر در صورت نبودن معترض حسب اعلام وزارت جهادسازندگی نسبت به صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلام ایران اقدام نمایند. تبصره ۱- معترضین می‌توانند پس از اخطار یا آگهی وزارت جهادسازندگی اعتراضات خود را با ارایه ادله مثبتة جهت رسیدگی به هیأت مذکور در قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۷ مجلس شورای اسلامی تسلیم نمایند. صدور سند مالکیت به نام دولت جمهوری اسلامی ایران مانع مراجعه معترض به هیأت مذکور نخواهد بود. تبصره ۲- عبارت وزارت کشاورزی در ذیل ماده واحده قانون تعیین تکلیف اراضی اختلافی موضوع اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع مصوب ۲۲/۶/۱۳۶۷ و تبصره ۶ ذیل آن به وزارت جهادسازندگی تغییر یافته و کمیسیون موضوع ماده واحده همچنان به اعتراضات رسیده به اجرای ماده ۵۶ قانون جنگلها و مراتع رسیدگی می‌نماید. ماده ۳- آیین نامه های اجرایی این قانون ظرف مدت دو ماه توسط وزارت جهاد سازندگی تهیه و به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید.

### قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب خرداد ماه ۱۳۵۳ ( ماده ۱ تا ۲۱ )

ماده ۱- حفاظت و بهبود سازی محیط زیست و پیشگیری و ممانعت از هر نوع آلودگی و هر اقدام مخربی که موجب برهم خوردن تعادل و تناسب محیط زیست می‌شود، همچنین کلیه امور مربوط به جانوران وحشی و آبزیان آبهای داخلی از وظایف سازمان حفاظت محیط زیست است سازمان حفاظت محیط زیست که در این قانون سازمان نامیده می‌شود وابسته به نخست وزیر و دارای شخصیت حقوقی و استقلال مالی است و زیر نظر شورای عالی حفاظت محیط زیست انجام وظیفه می‌کند. تبصره ۱- شرکت سهامی شیلات ایران و شرکت سهامی شیلات جنوب به موجب قوانین و مقررات مربوط به خود عمل خواهند کرد. ماده ۲- ریاست شورای عالی حفاظت محیط زیست با رییس جمهور است و اعضای آن عبارتند از: وزیرای کشاورزی، کشور، صنایع، مسکن و شهرسازی، جهاد سازندگی، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، رییس سازمان برنامه و بودجه، رییس سازمان حفاظت محیط زیست و چهار نفر از اشخاص یا مقامات ذی صلاح که بنا به پیشنهاد رییس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب رییس جمهور برای مدت سه سال منصوب می‌شوند. تبصره - در موارد لزوم بر حسب مورد به پیشنهاد رییس سازمان حفاظت محیط زیست و تصویب

رییس جمهور از سایر وزرا برای حضور در جلسات شورای عالی دعوت به عمل می آید. وزارایی که بدین نحو به جلسات دعوت می شوند در تصمیم گیری شورا حق رای دارند. ماده ۳ - شورای عالی حفاظت محیط زیست علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای شورای عالی شکاربانی و نظارت بر صید مقرر بوده دارای وظایف و اختیارات زیر است الف - تعیین مناطقی تحت عنوان پارک ملی - آثار طبیعی ملی - پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده و تصویب حدود دقیق این مناطق با رعایت نکات زیر: ۱ - مفاد ماده ۲۷ قانون شکار و صید مصوب خرداد ماه ۱۳۴۶ همچنین قوانین و مقررات مربوط به سازمان جنگلها و مراتع ۲ - کسب موافقت وزیر کشاورزی و منابع طبیعی در مورد مناطقی که با اجازه یا توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور در آنها طرح جنگلداری یا مرتع داری به موقع عمل گذارده شده یا می شود. ۳ - کسب موافقت وزیر اقتصاد در مورد مناطقی که طرحهای اکتشاف و بهره برداری از مواد معدنی مربوط اجرا می گردد. صدور هر گونه پروانه اکتشاف و بهره برداری از مواد معدنی برای مناطقی که تحت عنوان پارک ملی - آثار طبیعی ملی - پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده تعیین گردیده اند موکول به موافقت شورای عالی محیط زیست می باشد. تبصره - تعریف مناطق و تعیین ضوابط و مقررات مربوط به مناطق مذکور در این بند به موجب آیین نامه اجرایی این قانون خواهد بود. ب - تعیین انواع و مدت اعتبار و بهای پروانه های موضوع ماده ۸ این قانون ج - موافقت با اعطای جایزه به اشخاص طبق آیین نامه اجرایی این قانون ماده ۴ - هر نوع ممنوعیت و محدودیت و مقرراتی که برای مناطق مذکور در بند (الف ماده ۳ این قانون برقرار می گردد نباید با حق مالکیت یا حق انتفاع اشخاصی که در داخل این مناطق قانونا دارا هستند مغایر باشد. ماده ۵ - رییس سازمان حفاظت محیط زیست توسط رییس جمهور انتخاب و سمت دبیر شورای عالی حفاظت محیط زیست را نیز برعهده دارد. ماده ۶ - سازمان علاوه بر وظایف و اختیاراتی که در قانون شکار و صید برای سازمان شکاربانی و نظارت بر صید مقرر بوده دارای وظایف و اختیارات زیر است الف - انجام دادن تحقیقات و بررسی های علمی و اقتصادی در زمینه حفاظت و بهبود و بهسازی محیط زیست و جلوگیری از آلودگی و برهم خوردن تعادل محیط زیست از جمله موارد ذیل ۱ - طرق حفظ تعادل اکولوژیک طبیعی (حفظ مناسبات محیط زیست ۲ - تغییراتی که تاسیسات و مستحذات مختلف در وضع فیزیکی و شیمیایی و بیولوژیک خاک ، آب و هوا ایجاد می نماید و این تغییرات سبب دگرگونی وضع طبیعی می گردند. مانند تغییر و تخریب مسیر رودخانه ها ، تخریب جنگلها و مراتع دگرگونی اکولوژی دریاها به هم خوردن زهکشی طبیعی آبها و دگرگونی و انهدام تالابها. ۳ - استفاده از سموم کشاورزی یا مواد مصرفی زیان آور به محیط زیست ۴ - طرز جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست ۵ - حفظ محیط زیست از نظر ظواهر طبیعت و طرق زیباسازی آن ب - پیشنهاد ضوابط به منظور مراقبت و جلوگیری از آلودگی آب ، هوا ، خاک ، پخش فضولات اعم از زباله و مواد زاید کارخانجات و به طور کلی عواملی که موثر بر روی محیط می باشند. ج - هرگونه اقدام مقتضی به منظور بهبود و بهسازی محیط زیست در حدود قوانین مملکتی با حفظ حقوق اشخاص د - تنظیم و اجرای برنامه های آموزشی به منظور تنویر و هدایت افکار عمومی در زمینه حفظ و بهسازی محیط زیست ه - ایجاد باغهای وحش و موزه تاریخ طبیعی و - برقراری هرگونه محدودیت و ممنوعیت موقتی زمانی - مکانی - نوعی - طریقی و کمی شکار و صید و اعلام آن طبق مقررات ماده ۴ قانون شکار و صید. ز - همکاری با سازمانهای مشابه خارجی و بین المللی به منظور حفظ محیط زیست در حدود تعهدات متقابل ماده ۷ - هرگاه اجرای هر یک از طرحهای عمرانی و یا بهره برداری از آنها به تشخیص سازمان با قانون و مقررات مربوط به حفاظت محیط زیست مغایرت داشته باشد. ماده ۸ - مبادرت به هرگونه شکار و صید و پرورش و تکثیر و نگاهداری و خرید و فروش جانوران وحشی و اجزا آن و استفاده و سیاحت از مناطق مذکور در بند (الف ماده ۳ این قانون مستلزم تحصیل پروانه یا اجازه از سازمان می باشد ، در هر یک از موارد فوق که ضرورت ایجاد نماید سازمان می تواند با تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست اجاز یا پروانه رایگان صادر نماید. تبصره - در مواردی که صدور پروانه های موضوع این ماده همچنین صدور پروانه صادرات و واردات جانوران وحشی و اجزا آنها به موجب قوانین

مربوط به وزارتخانه ها یا سازمانهای دیگری محول گردیده مرجع صادر کننده پروانه با جلب موافقت سازمان اقدام خواهد کرد.

ماده ۹- اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلوده ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که زیان آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. تبصره - استعمال سموم به منظور مبارزه با آفات نباتی و جانوران و حشرات موزی با رعایت قوانین و مقررات وزارت کشاورزی و منابع طبیعی مشمول این ماده نخواهد بود ولی در صورتی که استفاده از سموم برای مقاصد بالا- مغایر با بهسازی محیط زیست باشد سازمان ضرورت تجدید نظر در مقررات مربوط و جایگزینی مواد و طرق دیگری را برای دفع آفات توصیه خواهد نمود. ماده ۱۰- مقررات جلوگیری از آلودگی یا تخریب محیط زیست و جلوگیری از پخش و ایجاد صداهای زیان آور به محیط زیست و همچنین ضوابط تعیین معیار و میزان آلودگی موضوع ماده ۹ این قانون و محدودیت و ممنوعیت های مربوط به حفظ و بهبود و بهسازی محیط زیست به موجب آیین نامه هایی خواهد بود که به تصویب کمیسیون های کشاورزی و منابع طبیعی و بهداری و دادگستری مجلسین برسد. ماده ۱۱- سازمان با توجه به مقررات و ضوابط مندرج در آیین نامه های مذکور در ماده ۱۰ کارخانجات و کارگاه هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می نماید مشخص و مراتب را کتبا با ذکر دلایل بر حسب مورد به صاحبان یا مسولان آنها اخطار می نماید که ظرف مدت معینی نسبت به رفع موجبات آلودگی مبادرت یا از کار و فعالیت خودداری کنند. در صورتی که در مهلت مقرر اقدام نمایند به دستور سازمان از کار و فعالیت آنها ممانعت به عمل خواهد آمد. در صورتی که اشخاص ذی نفع نسبت به اخطار یا دستور سازمان معترض باشند می توانند به دادگاه شهرستان محل شکایت نمایند دادگاه فوراً و خارج از نوبت به موضوع رسیدگی می کند و در صورتی که اعتراض را وارد تشخیص دهد رای به ابطال اخطار یا رفع ممانعت خواهد داد. رای دادگاه قطعی است تبصره - رییس سازمان می تواند در مورد منابع و عواملی که خطرات فوری در بر داشته باشند بدون اخطار قبلی دستور ممانعت از ادامه کار و فعالیت آنها را بدهد. ماده ۱۲- صاحبان یا مسولان کارخانجات و کارگاه های موضوع ماده ۱۱ مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. در صورت تخلف به حبس جنحه ای از شصت و یک روز تا یک سال و یا پرداخت جزای نقدی از پنج هزار و یک تا پنجاه هزار ریال یا به هردو مجازات محکوم خواهند شد. ماده ۱۳- کسانی که از مقررات و ضوابط مذکور در آیین نامه های موضوع ماده ۱۰ تخلف نمایند بر حسب مورد که در آیین نامه های مزبور تعیین خواهد شد به جزای نقدی از پانصد ریال تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهند شد. ماده ۱۴- در مورد جرایم مذکور در این قانون سازمان حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می شود. ماده ۱۵- مامورین سازمان که از طرف سازمان مأمور کشف و تعقیب جرایم فوق الذکر می شوند در صورتی که وظایف ضابطین دادگستری را در کلاس مخصوص زیر نظر دادستان شهرستان تعلیم گرفته باشند از لحاظ اجرای این قانون و قانون شکار و صید در ردیف ضابطین دادگستری محسوب می شوند. تبصره - در مواردی که سازمان های دیگر به موجب قوانین مربوط مأمور تعقیب جرایم مذکور در این قانون باشند سازمان نظر خود را به آن سازمان ها اعلام خواهد کرد. ماده ۱۶- کلیه عرصه و اعیان املاک متعلق به دولت واقع در محدوده مناطق مذکور در بند الف ماده ۳ همچنین کلیه تالابهای متعلق به دولت در اختیار سازمان قرار خواهد داشت و سازمان در بهره برداری از تالابها (به استثنای مرداب بندر انزلی و املاک مذکور قایم مقام قانونی موسسات یا سازمانهای مربوط می باشد ولی حق واگذاری عین آنها را ندارد. تبصره ۱- در صورتی که استفاده از منابع مذکور مستلزم قطع درخت باشد سازمان جنگلها و مراتع کشور طبق طرح سازمان رأساً عمل خواهد نمود. تبصره ۲- نحوه واگذاری منافع املاک مذکور در این ماده در آیین نامه اجرایی این قانون تعیین خواهد شد. ماده ۱۷- در صورتی که عرصه و اعیان املاک واقع در محدوده مناطق مذکور در بند (الف) ماده ۳ این قانون مورد نیاز باشد سازمان می تواند طبق مقررات قانون خرید اراضی و

ابنیه و تاسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب آذرماه ۱۳۴۷ خریداری و تصرف نماید. ماده ۱۸ - سازمان دارای گاردی خواهد بود با لباس متحدالشکل و تجهیزات لازم ماده ۱۹ - مناطقی از کشور که مقررات مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این قانون در آنها اجرا خواهد شد از طرف سازمان با رعایت شرایط و ضوابطی که در آیین نامه اجرایی این قانون مقرر می گردد تعیین و پس از تصویب شورای عالی اعلام می شود. ماده ۲۰ - سازمان می تواند با تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست قسمتی از وظایف و اختیارات خود را نسبت به اجرای مواد ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ این قانون در محدوده شهرها و هر یک از مناطق کشور ضمن تعیین حدود بر حسب مورد به شهرداری های مربوط یا هر سازمان دولتی ذی ربط محول نماید ، در این صورت شهرداریها و سازمانهای مذکور مسوول اجرای آن خواهند بود. ماده ۲۱ - آیین نامه اجرایی این قانون به استثنای آیین نامه های مذکور در ماده ۱۰ پس از تایید شورای عالی حفاظت محیط زیست به تصویب هیات وزیران می رسد.

### لایحه قانونی حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها - مصوب خرداد ماه ۱۳۵۹ شورای انقلاب ( ماده ۱ تا ۸ )

ماده ۱ - به منظور حفظ و گسترش فضای سبز و جلوگیری از قطع بی رویه درختان ، قطع هر نوع درخت در معابر ، میادین ، بزرگراهها و پارک ها ، باغات و محلهایی که به صورت باغ شناخته شوند در محدوده قانونی و حریم شهرها بدون اجازه شهرداری ممنوع است ضوابط مربوط به چگونگی اجرای این ماده پس از تهیه توسط شهرداری و تصویب شورای شهر قابل اجراء است ماده ۲ - شهرداری ها در محدوده قانونی و حریم شهرها مکلفند ظرف مدت یک سال شناسنامه ای شامل تعداد و نوع و محیط و سن تقریبی درختان محلهای مشمول این قانون را تنظیم کنند و این شناسنامه هر پنج سال یک بار قابل تجدید و سند اجرای این قانون می باشد. تبصره - شهرداریها مکلفند درختان معابر ، میادین ، بزرگراهها و پارکها را پس از تنظیم مشخصات آنان پلاک کوبی کنند. ماده ۳ - مأموران شهرداریها بر حسب مورد می توانند برای تنظیم یا تطبیق برگ شناسایی درختان با در دست داشتن معرفی نامه و نمایندگی دادستانی وارد محلهای مشمول این قانون بشوند. ماده ۴ - از تاریخ اجرای این قانون اعم از اینکه شناسنامه موضوع ماده ۲ تنظیم و ابلاغ شده باشد یا نه قطع درختان مشمول قانون ممنوع است مگر با تحصیل اجازه از شهرداری طبق مقررات و ضوابط مربوط تبصره ۱ - اراضی مشجر و اماکن مسکونی و محلهای کسب و پیشه و تجارت که مساحت آن از پانصد مترمربع تجاوز نکند از شمول این قانون مستثنی است تفکیک قطعات اراضی مشجر و باغات بزرگتر از پانصد متر مربع با رعایت مقررات شهرسازی مجاز است ولی قطع درخت در قطعات تفکیک شده به هر مساحت که باشد بدون تحصیل اجازه طبق مقررات این قانون ممنوع است تبصره ۲ - در پروانه های ساختمانی که براساس طرح جامع و یا هادی شهرها از طرف شهرداری ها صادر می شود تعداد درختی که در اثر ساختمان باید قطع شود تعیین و قید خواهد شد. در صورتی که پس از دریافت پروانه و قطع درخت ظرف مدت مندرج در پروانه بدون عذر موجه اقدام به ساختمان نشود مرتکب مشمول مجازاتهای مقرر در این قانون خواهد بود. تبصره ۳ - مالکین باغات و محلهایی که به صورت باغ شناخته شوند مکلفند به ازای درختهایی که اجازه قطع آنان از طرف شهرداری صادر می شود به تعداد دو برابر در همان محل و یا هر محلی که شهرداری تعیین خواهد کرد بر طبق ضوابط و دستورالعمل های موجود در فصل مناسب غرس نمایند. تبصره ۴ - کاشت و حفاظت و آبیاری درختان معابر ، میادین ، بزرگراه ها و پارک های عمومی از اهم وظایف شهرداریها می باشد. ماده ۵ - ضوابط مربوط به خزانه و جابه جا کردن - جانشین ساختن و قطع درختان که ملازمه با بهره برداری از نهالستان ها ، قلمستان ها و باغات و موارد دیگر دارد به موجب آیین نامه های اجرایی این قانون تعیین خواهد گردید. ماده ۶ - هر کس عالما و عامدا و برخلاف مقررات این قانون مرتکب قطع و یا موجبات از بین رفتن درختان مشمول آن قانون را فراهم سازد به حبس جنحه ای تا سه سال و پرداخت جزای نقدی بر حسب نوع و محیط ، سن درخت و موقعیت آن از یک هزار ریال تا یکصد هزار ریال محکوم خواهد شد. تبصره ۱ - در صورتی که قطع درخت از طرف مالکین به نحوی باشد که باغی را از بین ببرد و از

زمین آن به صورت تفکیک و خانه سازی استفاده کند همه زمین به نفع شهرداری ضبط می شود و به مصرف خدمات عمومی شهر و محرومین می رسد. تبصره ۲ - مجازاتهای مذکور در این ماده قابل تعلیق و یا تبدیل به جزای نقدی نبوده و احکام صادره فقط قابل پژوهش خواهد بود. ماده ۷ - گزارش مأموران شهرداری های مامور اجرای این قانون که قبلا با وظایف ضابطین دادگستری آشنا شده اند به منزله گزارش ضابطین دادگستری است ماده ۸ - هر کس اعم از مأموران مجری این قانون و یا سایر اشخاص عالما جرایم مذکور در این قانون را به خلاف حقیقت به کسی نسبت دهد و یا گزارش خلاف واقع بدهد به مجازات حبس جنحه ای تا سه سال محکوم می شود مگر اینکه در قوانین جزایی مجازات شدیدتری پیش بینی شده باشد که در این صورت به مجازات اشد محکوم خواهد شد. مقررات تبصره ذیل ماده ۶ در این مورد نیز لازم الرعایه است

### قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۴

#### فصل اول - کلیات ( ماده ۱ تا ۳ )

ماده ۱ - جهت تحقق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و به منظور پاک سازی و حفاظت هوا از آلودگی ها کلیه دستگاه ها و موسسات و کلیه اشخاص حقیقی و حقوقی موظفند مقررات و سیاستهای مقرر در این قانون را رعایت نمایند. ماده ۲ - اقدام به هر عملی که موجبات آلودگی هوا را فراهم نماید ممنوع است منظور از آلودگی هوا عبارت است از وجود و پخش یک یا چند آلوده کننده اعم از جامد ، مایع ، گاز ، تشعشع پرتوزا و غیر پرتوزا در هوای آزاد به مقدار و مدتی که کیفیت آن را به طوری که زیان آور برای انسان و یا سایر موجودات زنده و یا گیاهان و یا آثار و ابنیه باشد تغییر دهد. ماده ۳ - منابع آلوده کننده هوا که تحت مقررات این قانون قرار دارند به سه دسته زیر طبقه بندی می شوند: الف - وسایل نقلیه موتوری ب - کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها ج - منابع تجاری و خانگی و منابع متفرقه

#### فصل دوم - وسایل نقلیه موتوری ( ماده ۴ تا ۱۱ )

ماده ۴ - استفاده از وسایل نقلیه موتوری که بیش از حد مجاز مقرر دود و آلوده کننده های دیگر واردهای آزاد نمایند ممنوع است حد مجاز خروجی وسایل نقلیه موتوری توسط سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارت صنایع تعیین و به تصویب شورای عالی حفاظت محیط زیست می رسد. ماده ۵ - هر وسیله نقلیه موتوری که به کار گرفته می شود باید دارای گواهینامه مخصوص مبنی بر رعایت حد مجاز خروجی آلوده کننده های هوا باشد. دارندگان وسایل نقلیه موتوری مکلفند همه ساله وسایل نقلیه خود را در مراکز مورد تایید سازمان حفاظت محیط زیست که توسط شهرداری ها ایجاد می گردد تحت آزمایش و معاینه قرار داده و گواهینامه مبنی بر رعایت حد مجاز آلودگی را دریافت نمایند. در غیر این صورت از تردد وسایل نقلیه فاقد گواهینامه مذکور به ترتیبی که در این نامه اجرایی این قانون تعیین می شود جلوگیری خواهد شد. تبصره ۱ - هزینه انجام آزمایش و معاینه وسایل نقلیه موتوری از دارندگان وسایل نقلیه مذکور طبق تعرفه ای که توسط وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران می رسد اخذ خواهد شد. تبصره ۲ - تاریخ شروع اجرای این ماده و تبصره های آن حداکثر یک سال پس از تصویب این قانون تعیین می شود و سازمان حفاظت محیط زیست و شهرداری و سایر دستگاههای ذیربط موظفند ظرف مدت مذکور امکانات لازم جهت اجرای این ماده را فراهم کنند. ماده ۶ - شهرداریها ، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران ، وزارتخانه ها و سازمان های ذی ربط موظفند نحوه تردد وسایل نقلیه موتوری و سیستم حمل و نقل شهری را به صورتی طراحی و سامان دهند که ضمن کاهش آلودگی هوا جوابگوی سفرهای روزانه شهری باشد. تبصره - آیین نامه اجرایی این ماده که در برگیرنده ساعات و محدوده مجاز



آلودگی یا تعطیل کار و فعالیت خود تا رفع آلودگی اقدام نمایند. تبصره ۱- در صورتی که صاحب یا مسوول کارخانه و کارگاهی که موجبات آلودگی هوا را فراهم می نماید با دلایل قابل قبول سازمان اثبات نماید که ظرف مهلت تعیین شده رفع آلودگی عملی نمی باشد سازمان می تواند برای یک بار مهلت اضافی مناسب در مورد این گونه کارخانجات و کارگاهها قایل شود. تبصره ۲- سازمان حفاظت محیط زیست موظف است استانداردهای هوای پاک و استانداردهای الوده کننده های حاصل از کارخانجات و کارگاهها که به هر طریق وارد هوای آزاد می گردند را برای هر منطقه و با توجه به کیفیت هوا و مناسبات زیست محیطی آن مناطق تهیه نموده و در اختیار متقاضیان و صاحبان کارخانجات و کارگاهها قرار دهد. حد مجاز (استانداردهای محیط زیست این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۱۶- در صورتی که صاحبان و مسوولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاه های آلوده کننده ظرف مهلت تعیین شده مبادرت به رفع آلودگی یا ممانعت از کار و فعالیت کارخانه و کارگاه مربوط نمایند، در پایان مهلت مقرر به درخواست سازمان حفاظت محیط زیست و دستور مرجع قضایی ذی ربط محل که بلافاصله توسط مأمورین انتظامی به مورد اجرا گذاشته می شود از کار و فعالیت کارخانجات و کارگاههای آلوده کننده جلوگیری به عمل خواهد آمد. ادامه کار یا فعالیت کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای مزبور منوط به صدور اجازه سازمان حفاظت محیط زیست و یا رای دادگاه صلاحیتدار خواهد بود. تبصره- در صورتی که صاحبان و مسوولان کارخانجات و کارگاهها و نیروگاههای آلوده کننده پس از ابلاغ سازمان حفاظت محیط زیست از فعالیت و ادامه کار کارخانجات و کارگاه های مربوط ممانعت به عمل نیاورده و یا پس از تعطیل کارخانجات و کارگاههای مذکور رأساً و بدون کسب اجازه از سازمان یا بدون صدور رای دادگاه صالحه، مبادرت به بازگشایی و ادامه فعالیت آنها بنمایند برحسب مورد به مجازاتهای مقرر در این قانون و سایر مقررات مربوط به عدم رعایت دستورات مراجع قانونی و قضایی محکوم خواهند شد و چنانچه مدیران و مسوولان مذکور اداره و تصدی کارخانجات و کارگاههای دولتی یا وابسته به دولت را بر عهده داشته باشند موضوع در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری وزارتخانه یا دستگاه متبوع مدیر یا مسوول نیز مطرح و حکم مقتضی صادر خواهد گردید. ماده ۱۷- در مواقع اضطراری و یا شرایط جوی نامناسب، رییس سازمان حفاظت محیط زیست می تواند کارخانجات و کارگاه هایی را که فعالیت آنها خطرات فوری در برداشته باشد با اخطار سریع خواستار توقف فعالیت آنها گردد و در صورت استنکاف به حکم رییس دادگاه محل تا رفع موجبات خطر تعطیل نماید. ماده ۱۸- در مواردی که کاهش یا از بین بردن آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و یا کارگاهها از طریق دیگر به جز انتقال یک یا برخی از آنها به نقاط مناسب امکان پذیر نبوده و یا فعالیت کارخانجات و کارگاه های مذکور در مناطق مسکونی سلامت ساکنان آن مناطق را به خطر بیندازد سازمان حفاظت محیط زیست با همکاری وزارتخانه ها و دیگر دستگاه های دولتی ذی ربط طرح انتقال کارخانجات و کارگاه های مذکور را به نقاط مناسب ( ترجیحاً شهرک ها و قطبهای صنعتی ) تهیه و به هیات وزیران ارایه می نماید. دولت در صورت صلاحدید و موافقت حسب مورد اقدام خواهد نمود. ماده ۱۹- قطب ها و شهرک ها و مجتمع های صنعتی و نیروگاهها و واحدهای تولیدی مکلفند حداقل ۱۰ درصد از فضای شهرک ها و یا مجموعه فضای تخصیص داده شده جهت احداث واحدهای تولیدی و خدماتی را به ایجاد فضای سبز و مشجر و کشت درختان مناسب منطقه اختصاص دهند. بهره برداری از واحدهای صنعتی و تولیدی مذکور منوط به رعایت این ماده و ایجاد فضای سبز مناسب می باشد. وزارتخانه های صنعتی موظف به نظارت بر حسن اجرای این ماده می باشند. ماده ۲۰- کارخانجات و کارگاه ها و نیروگاه ها و کوره های آجرپزی و آهک پزی موظف به استفاده از سوخت و سیستم های احتراقی مناسب قابل دسترسی به نحوی که موجبات کاهش آلودگی هوا را فراهم نمایند هستند. تبصره- وزارت نفت موظف است در برنامه ریزی گازرسانی و سوخت رسانی خود تامین سوخت مناطق صنعتی و مراکز استقرار کارخانجات و کارگاه ها و کوره های آجرپزی مجاور شهرهای بزرگ رادر اولویت قرار دهد. ماده ۲۱- آیین نامه اجرایی این فصل و همچنین ضوابط مربوط به محدودیت استقرار صنایع در مجاورت شهرها توسط



سازمان حفاظت محیط زیست با مشارکت وزارتخانه های ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

### فصل چهارم - منابع تجاری ، خانگی و منابع متفرقه ( ماده ۲۲ تا ۲۷ )

ماده ۲۲ - پخش و انتشار هر نوع مواد آلوده کننده هوا بیش از حد مجاز از منابع تجاری ، خانگی و متفرقه در هوای آزاد ممنوع است منابع تجاری ، خانگی و متفرقه از جهت نوع و میزان آلودگی توسط سازمان حفاظت محیط زیست مشخص و طبقه بندی شده و حد مجاز موضوع این ماده توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۳ - کلیه منابع آلوده کننده از قبیل حمامها ، نانواییها ، هتلها و رستورانها و غیره مکلفند ضمن اتخاذ تدابیر لازم جهت جلوگیری از انتشار دود و دوده و سایر مواد آلوده کننده در هوای آزاد ، از سوخت مناسب ترجیحا گاز شهری که موجب کاهش آلودگی هوا می شود استفاده نمایند. وزارت نفت موظف است در برنامه سوخت رسانی شهرهای بزرگ ، تامین سوخت مناسب و گازرسانی منابع تجاری و واحدهای خدمات عمومی را در اولویت قرار دهد. ماده ۲۴ - سوزاندن و انباشتن زباله های شهری و خانگی و هرگونه نخاله در معابر عمومی و فضای باز ممنوع می باشد. ماده ۲۵ - وزارتین مسکن و شهرسازی و کشور موظفند هنگام تهیه طرحهای هادی و جامع و بهسازی شهرها به نحوی برنامه ریزی نمایند که فصل جداگانه ای از مطالعات طرح را به بررسی مسایل زیست محیطی اختصاص دهند و به گونه ای که طراحی شهرها و شهرک ها و مجتمعهای مسکونی از نظر فضای سبز و باز ، همجواری کاربری ها ، شبکه معابر و حمل و نقل ، ضوابط تراکم ساختمانی و غیره با معیارهای زیست محیطی مورد تایید سازمان متناسب باشد. تبصره - نقشه های شهرها ، شهرک های مسکونی ، قطب ها و شهرک ها و مجتمعهای صنعتی ، اداری ، کشاورزی و غیره موکول به رعایت ضوابط و مقررات حفاظت محیط زیست می باشد. ماده ۲۶ - آیین نامه اجرایی موضوع ماده ۲۵ این قانون مشترکا توسط وزارت مسکن و شهرسازی ، وزارت کشور و سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۲۷ - ایجاد هرگونه آلودگی صوتی بیش از حد مجاز ممنوع می باشد. آیین نامه جلوگیری از آلودگی صوتی توسط سازمان حفاظت محیط زیست تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید.

### فصل پنجم - مجازاتها ( ماده ۲۸ تا ۳۲ )

ماده ۲۸ - افرادی که با وسایل نقلیه موتوری آلوده کننده غیر مجاز تردد می نمایند و همچنین کسانی که محدودیت ها و ممنوعیت های موضوع ماده ۷ این قانون را رعایت نمایند به حکم دادگاه صالح به جزای نقدی از پنج هزار ریال تا یکصد هزار ریال بنابر تعداد سیلندر ، حجم موتور ، میزان آلودگی و دفعات تکرار جرم محکوم خواهند شد ضمنا از تردد وسایل نقلیه آلوده کننده مذکور تا رفع موجبات آلودگی جلوگیری به عمل خواهد آمد. ماده ۲۹ - صاحبان و مسئولین کارخانجات و کارگاه های آلوده کننده که برخلاف مواد ۱۴ و ۱۶ و ۱۷ این قانون عمل نمایند برای بار اول به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا یک میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از دو ماه تا شش ماه و جزای نقدی از هفتصد هزار ریال تا دو میلیون ریال محکوم می شوند. تبصره ۱ - صاحبان و مسوولان این گونه کارخانجات و کارگاه های آلوده کننده علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالحه می باشند. تبصره ۲ - در مورد جرائم مقرر در این قانون علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوقی سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می باشد. ماده ۳۰ - کسانی که از انجام بازرسی مأموران سازمان حفاظت محیط زیست برای نمونه برداری و تعیین میزان آلودگی ناشی از فعالیت کارخانجات و کارگاه ها ، منابع تجاری ، بهداشتی و خدمات و اماکن عمومی ممانعت به

عمل آورده و یا اسناد و مدارک و اطلاعات مورد نیاز سازمان را در اختیار ایشان نگذارند و یا اسناد و مدارک و اطلاعات خلاف واقع ارائه نمایند برحسب مورد و اهمیت موضوع به جزای نقدی از پانصد هزار ریال تا پنج میلیون ریال و در صورت تکرار به حبس تعزیری از یک ماه تا سه ماه و جزای نقدی مذکور محکوم خواهند شد. تبصره - در صورتی که مأموران سازمان حفاظت محیط زیست در جرایم موضوع این ماده همکاری یا مشارکت داشته یا گزارش خلاف واقع ارائه نمایند علاوه بر محکومیت در هیات های رسیدگی به تخلفات اداری به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم خواهند شد. ماده ۳۱ - صاحبان و مسولان منابع تجاری و اماکن عمومی که برخلاف ماده ۲۴ این قانون موجبات آلودگی هوا را فراهم نمایند پس از هر بار اخطار و پایان مهلت مقرر به جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پانصد هزار ریال و در صورت تکرار از سیصد هزار ریال تا دو میلیون ریال جزای نقدی محکوم خواهند شد. ماده ۳۲ - مسولین آلودگی حاصل از منابع متفرقه و منابع خانگی و همچنین عاملین آلودگی صوتی به جزای نقدی از سی هزار ریال تا سیصد هزار ریال و در صورت تکرار از یکصد هزار ریال تا یک میلیون ریال محکوم خواهند شد.

### فصل ششم - مقررات مختلف ( ماده ۳۳ تا ۳۶ )

ماده ۳۳ - سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران موظف است با همکاری سازمان حفاظت محیط زیست ، برنامه های مناسب جهت تنویر افکار عمومی ، آموزش و قوانین و مقررات مسایل حفاظت محیط زیست را تنظیم و به مورد اجرا بگذارد. ماده ۳۴ - درآمدهای حاصل از اجرای این قانون پس از وصول بلافاصله به حساب خزانه واریز گردیده و معادل پنجاه درصد (۵۰٪) وجوه واریزی در هر سال و حداکثر تا سقف یک میلیارد ریال جهت اجرای این قانون به صورت ردیف جداگانه در لایحه بودجه هر سال منظور و در اختیار سازمان حفاظت محیط زیست و معادل بیست درصد (۲۰٪) تا سقف چهارصد میلیون ریال در اختیار نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران قرار می گیرد. ماده ۳۵ - آیین نامه های اجرایی این قانون علاوه بر مواردی که در هر یک از مواد قانون نسبت به آن تعیین تکلیف شده است حداکثر ظرف سه ماه پس از تصویب این قانون توسط سازمان حفاظت محیط زیست و بر حسب مورد با مشارکت یا همکاری دستگاههای ذی ربط تهیه و به تصویب هیات وزیران خواهد رسید. ماده ۳۶ - از تاریخ ابلاغ این قانون کلیه قوانین و مقررات مغایر با آن در زمینه جلوگیری از آلودگی هوا لغو می گردد.

### آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی

ماده ۱ - به منظور حفظ حقوق افراد جامعه و تامین سلامت آنها در برابر زیان ها و بیماری های ناشی از استعمال دخانیات ، استعمال هر نوع سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن مسقف به هر نحو ممنوع است تبصره ۱ - اماکن عمومی مسقف به محلهایی اطلاق می شود که محل استفاده و مراجعه عمومی مردم می باشد از قبیل اماکن متبرکه و مقدسه ، مساجد ، مصلی ها ، کارخانجات ، بیمارستان ها ، درمانگاه ها ، مطب ها ، سالنهای نمایش ، سینماها ، سالن مهمانخانه ها ( هتلها ) و مهمانسراها و میهمان پذیر ها ، خوراک سراها ( رستوران ها ) ، گنجینه ها ( موزه ها ) ، پایانه ها ( ترمینال ها ) ، فروشگاههای بزرگ ، اماکن فرهنگی و فرهنگسراها ، کتابخانه های عمومی ، ورزشگاه ها ، مدارس ، دانشگاه ها و مراکز آموزشی و پژوهشی ، وسایل نقلیه عمومی ، موسسات و سازمان های دولتی و عمومی ، نهادهای انقلاب اسلامی ، بانکها ، شرکتهای دولتی و شهرداری ها. تبصره ۲ - مسولان اماکن عمومی موظفند تابلوی ممنوعیت مصرف دخانیات را به تعداد مناسب در محلهایی که قابل رویت باشد نصب نمایند و ممنوعیت استعمال دخانیات در اماکن عمومی را یادآور شوند. ماده ۲ - وزارتخانه های بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی ، فرهنگ و ارشاد اسلامی و سازمان صداوسیما و سایر دستگاههای فرهنگی و شهرداریها موظفند به منظور جلوگیری از اعتیاد جوانان و تبیین زیانهای جانی ، بهداشتی ، اجتماعی و مالی ناشی از مصرف دخانیات از هر گونه اقدامی که موجب تبلیغ ، تشویق یا تحریک افراد به استعمال

یا مصرف بیشتر دخانیات شود، جلوگیری نموده و نسبت به تهیه برنامه های منظم و منسجم فرهنگی و تبلیغی مناسب در زمینه تبیین مضرات و تقبیح مصرف مواد دخانی برای همگان به ویژه جوانان اقدام نمایند و همچنین برای حسن اجرای این قانون اقدامات لازم را به عمل آورند. هیات وزیران هر شش ماه یک بار گزارش چگونگی اجرای این قانون را از سازمانهای مربوط دریافت خواهد کرد. تبصره ۱- شرکت دخانیات ایران موظف است هشدارهای لازم مربوط به مضرات سیگار را در روی بسته های سیگار اعلام نماید. تبصره ۲- تبلیغ و هرگونه اقدامی که به ترتیب مقرر در آیین نامه اجرایی این قانون منجر به تشویق عموم به مصرف دخانیات شود، ممنوع است ماده ۳- سازمان صدا و سیما و وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، شهرداری ها و مطبوعات باید ترتیبی اتخاذ نمایند که در کارها و انتشارات خود، فیلم ها و سریال های تولیدی، تبلیغ دخانیات به طور مستقیم یا غیرمستقیم صورت نگیرد و شخصیت های مثبت فیلم ها استعمال دخانیات ننمایند.

### قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۴

حضرت حجت‌الاسلام والمسلمین جناب آقای سید محمدخاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع که از سوی دولت به شماره ۴۳۹۴۸/۲۵۰۴۶ مورخ ۷/۸/۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۲۱/۲/۱۳۸۴ مجلس عیناً تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال میگردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۱۴۴۳۲/۱۳۸۴/۱۹/۳ وزارت جهاد کشاورزی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۷۵۵۶۰/۱۲۶ مورخ ۹/۳/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ میگردد. رئیس جمهور - سید محمدخاتمی قانون الحاق یک تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ماده واحده - متن ذیل به عنوان تبصره به ماده (۲) قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۲۵/۵/۱۳۴۶ و اصلاحات بعدی آن - الحاق میگردد. تبصره - جنگلهای دست کاشت و یا جنگلها و مراتعی که در اجرای وظیفه احیاء و توسعه منابع طبیعی از قبیل طرحهای جنگلداری، مرتعداری، بیابانزدائی، طرحهای مدیریت منابع طبیعی و یا طرحهایی که با مشارکت اشخاص حقیقی و حقوقی برای توسعه منابع جدید ایجاد میشوند و همچنین پارکهای جنگلی و خزانههای تولید نهال و بذر جنگلی و مرتعی (نهالستانهای عمومی، ایستگاههای تولید بذر و نهال) در محدوده منابع طبیعی یادشده در حکم منابع مذکور در این ماده میباشد. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و یکم اردیبهشت ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۴/۳/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

### اصلاح تبصره ماده (۱) آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی - مصوب ۱

هیئت وزیران در جلسه مورخ ۱۲/۴/۱۳۸۴ بنا به پیشنهاد سازمان میراث فرهنگی و گردشگری و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران تصویب نمود: در تبصره ماده (۱) آیین نامه ممنوعیت استعمال و عرضه سیگار و سایر مواد دخانی در اماکن عمومی، موضوع تصویب نامه شماره ۷۵۰۲۴/ت/۱۷۴۴۶-ه مورخ ۱۵/۱۰/۱۳۷۶ واژه «شامل» به عبارت «از قبیل» اصلاح می گردد. معاون اول رئیس جمهور - محمدرضا عارف

### قانون اصلاح ماده ۳۳ اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶

قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب جلسه علنی مورخ ۱/۴/۱۳۸۲ که با عنوان طرح یک فوریتی « لغو سند مالکیت و یا قرارداد واگذاری زمینهای ملی اعم از منابع طبیعی سازمان یا اراضی و زمینهایی که توسط دولت به افراد حقیقی و حقوقی و نهادها و ارگانها جهت اجرا طرحی واگذار شده و آن طرح در تاریخ مقرر در قرارداد اجرا نشده » به مجلس شورای اسلامی تقدیم و مطابق اصل یکصد و دوازدهم (۱۱۲) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مجمع تشخیص مصلحت نظام ارسال گردیده بود با تأیید آن مجمع جهت اجرا به دولت ابلاغ شد. شماره ۹۱۶۲۰ ۱۴/۶/۱۳۸۶ وزارت جهاد کشاورزی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول تیر ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و پس از ارجاع به مجمع تشخیص مصلحت نظام در جلسه مورخ ۹/۴/۱۳۸۶ مجمع تشخیص مصلحت نظام به تصویب رسیده و طی نامه شماره ۶۴۳۹۲ مورخ ۱/۵/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. رئیس‌جمهور - محمود احمدی‌نژاد قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع ماده واحد - ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۴/۳/۱۳۵۴ به شرح ذیل اصلاح و شش تبصره به آن الحاق می‌گردد: ماده ۳۳- به منظور نظارت بر اجرا طرحهای کشاورزی و دامپروری و سایر طرحهای غیرکشاورزی مندرج در ماده (۳۱) این قانون و همچنین اراضی واگذاری برای اجرا طرحهای موضوع مواد (۳۱) و (۳۲) آئین‌نامه اجرائی لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیا اراضی در حکومت جمهوری اسلامی ایران مصوب ۳۱/۲/۱۳۵۹ شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران و تشخیص تعلل یا تخلف و عذر موجه مجریان طرحها از مفاد قرارداد و تعیین درصد عملیات انجام شده طرحهای مزبور در هر استان هیأت سه نفره نظارت با حکم وزیر جهاد کشاورزی، مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیرکل منابع طبیعی و یک نفر کارشناس در رشته مربوط به طرح تشکیل می‌گردد و در موارد خلاف بین نسبت به فسخ یا تمدید و تعیین مهلت و یا استرداد زمین تصمیم‌گیری خواهد شد. تصمیمات هیأت با اکثریت آرا معتبر بوده و آرا صادره این هیأت حداکثر ظرف مدت سه ماه قابل اعتراض در مراجع قضائی ذی صلاح خواهد بود. تبصره ۱- متن قرارداد در آئین‌نامه اجرائی، موضوع تبصره (۶) مشخص و پس از تصویب هیأت وزیران تمام قراردادهای فی‌مابین وزارت جهاد کشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی از تاریخ تصویب این قانون برابر متن قرارداد مصوب منعقد خواهد شد و اقدامات بعدی وزارت جهاد کشاورزی و دریافت‌کنندگان اراضی تابع مفاد این قرارداد خواهد بود. تبصره ۲- کلیه واگذاری‌های صورت گرفته بعد از سال ۱۳۶۵ که منجر به صدور سند قطعی گردیده است و وزرا وقت با استفاده از اختیارات خود مستقیماً و بدون طی گردش کار کمیسیون‌های واگذاری در استانها دستور انتقال سند را داده‌اند و در صورتی که واگذاری بدون وجود طرح مصوب بوده و یا طرح مصوب بدون عذر موجه اجرا نشده یا اجرا طرح به میزان کمتر از چهل درصد (۴۰٪) بوده و یا تبدیل و تغییر کاربری غیرمجاز و غیرمتجانس با طرح مصوب بوده باشد، به موجب درخواست و اقامه دعوی از سوی وزارت جهاد کشاورزی در شعبه یا شعب ویژه ای که توسط قوه قضائیه در مرکز به همین منظور تشکیل می‌گردد بدون اخذ هزینه دادرسی، رسیدگی و نسبت به فسخ واگذاری و تبدیل آن به اجاره، تمدید و تعیین مهلت برای اجرا طرح یا دریافت بهای روز اراضی و واریز به حساب درآمد عمومی و یا استرداد زمین با توافق طرفین تصمیم‌گیری و رأی صادر می‌نماید. رأی صادره قطعی و غیرقابل تجدیدنظرخواهی می‌باشد. مهلت اقامه دعوی موضوع این تبصره از سوی وزارت جهاد کشاورزی تا پایان شهریور ماه سال ۱۳۸۷ می‌باشد. واگذاری‌های صورت گرفته به دولت اعم از واگذاری‌های مستقیم جهت مصارف وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی و غیرمستقیم جهت مصارف شهرکهای صنعتی، شهرکهای مسکونی و اراضی واگذار شده جهت تعاونی‌های مسکن یا بخش خصوصی و غیردولتی برای امور عام‌المنفعه تا سال ۱۳۷۳، با رعایت تبصره‌های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ مشمول بررسی مجدد نمی‌باشد. تبصره ۳-

وزارت جهاد کشاورزی مکلف است رأی قاضی و تصمیم نهایی هیأت مبنی بر فسخ، واگذاری و یا استرداد زمین را به ادارات ثبت محل و یا دفتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند ابلاغ نماید و دستگاههای مذکور مکلفند ظرف حداکثر یک ماه پس از اعلام مراتب نسبت به اصلاح اسناد صادره و در صورت انتقال زمین نسبت به صدور دفترچه مالکیت به نام دولت به نمایندگی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور اقدام نمایند. تبصره ۴- در صورتی که مجری طرح وجهی بابت خرید اراضی به حساب دولت واریز و یا هزینه‌هایی در راستای اجرا طرح نموده باشد به هنگام تقویم، بهای روز با أخذ نظر کارشناسی محاسبه خواهد شد و دولت مکلف است حداکثر تا پایان سال مالی بعد نسبت به تأمین اعتبار و استرداد آنها اقدام نماید. تبصره ۵- واگذاری اراضی موضوع تبصره (۴) ماده (۳۱) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع مصوب ۱۴/۳/۱۳۵۴ در مناطق مذکور در بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مناطق چهارگانه تحت حفاظت مصوب ۲۸/۳/۱۳۵۳ ممنوع بوده و نسبت به استرداد زمین اقدام خواهد شد. تبصره ۶- آئین نامه اجرائی این قانون توسط رئیس قوه قضائیه و وزیر جهاد کشاورزی تهیه و ظرف سه ماه به تصویب هیأت وزیران خواهد رسید. قانون فوق مشتمل بر ماده واحده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ اول تیرماه یک هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۹/۴/۱۳۸۶ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام موافق با مصلحت نظام تشخیص داده شد.

### آیین نامه اجرائی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور - مصوب ۱۳۸۷

#### فصل اول - کلیات، تعاریف و اصطلاحات ( ماده ۱ )

وزیران عضو کمیسیون امور زیربنایی، صنعت و محیط زیست در جلسه مورخ ۲۵/۱/۱۳۸۷ بنا به پیشنهادها شماره ۳۷۲۳۱/۰۲۰ مورخ ۱۷/۱۰/۱۳۸۶ وزارت جهاد کشاورزی و شماره ۱۰۸۰۷/۸۶/۱ مورخ ۲۰/۱۰/۱۳۸۶ قوه قضائیه و به استناد تبصره (۶) الحاقی ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶ - و با رعایت تصویب نامه شماره ۱۶۴۰۸۲/ت۳۷۳-هـ مورخ ۱۰/۱۰/۱۳۸۶، آیین نامه اجرائی قانون یادشده را به شرح زیر تصویب نمودند: ۱۳۸۷/۲/۱۵ شماره ۲۰۱۴۴/ت۳۹۰۲۸-ک وزارت جهاد کشاورزی - وزارت مسکن و شهرسازی آیین نامه اجرائی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع کشور فصل اول - کلیات، تعاریف و اصطلاحات ماده ۱- در این آیین نامه غیر از اصطلاحات « اراضی دولتی، پارک جنگلی، پروانه چرا، جنگل و بیشه‌های طبیعی، جنگل دست کاشت عمومی، حریم قانونی تأسیسات دولتی، طرح مرتعداری، مرتع و نهالستان عمومی » که تعاریف آنان طبق قانون ملی شدن جنگلهای کشور - مصوب ۱۳۴۱- قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۴۶- و اصلاحات بعدی آن، لایحه قانونی اصلاح لایحه قانونی واگذاری و احیای اراضی - مصوب ۱۳۵۹- شورای انقلاب و آیین نامه‌های مربوط می‌باشند، اصطلاحات زیر در معانی مشروح مربوط به کار می‌روند: الف - قانون: قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶ - ب - هیئت نظارت: هیئت نظارت موضوع ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگلها و مراتع - مصوب ۱۳۸۶ - ج - عوامل نظارتی: گروهی از کارشناسان منتخب اعضای هیئت نظارت که به منظور بازدید و تهیه گزارش لازم از اراضی واگذار شده در چارچوب وظایف محول شده انتخاب و حکم آنان توسط رئیس هیئت نظارت صادر می‌شود. د - درصد عملیات انجام شده طرح: میزان پیشرفت فیزیکی انجام شده مطابق طرح مصوب در اراضی مورد واگذاری که درصد و مبنای محاسبه آن براساس زمان بندی طرح و تطبیق عملیات اجرایی و بازدید از طرح تعیین می‌گردد. ه - طرح مصوب: طرح مدونی که توسط اشخاص حقیقی و حقوقی تهیه و به تصویب دستگاههای متولی رسیده باشد و در زمان واگذاری، مصوبه مراجع ذیربط (کارگروه شهرسازی

و معماری استان یا کمیسیون ماده (۱۳) آیین نامه نحوه احداث بنا و تأسیسات در خارج از محدوده و حریم شهرها) را داشته باشد. و - کمیسیون‌های واگذاری: مراجعی که طبق ضوابط و مقررات، طرح‌های مصوب دستگاه‌های متولی مربوط به اشخاص حقیقی و حقوقی را به منظور واگذاری اراضی ملی و دولتی بررسی و نظر خود را در مورد واگذاری یا عدم واگذاری اعلام می‌نمایند. ز - عذر موجه: وضعیت و حالتی که منجر به تعطیلی دائم یا موقت طرح مصوب گردیده و یا موجبات تأخیر در اجرای آن را فراهم نموده باشد و مجری طرح یا عوامل اجرایی وی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در حدوث آن هیچ نقشی نداشته باشند. ح - تعلل: مسامحه و قصور مجری یا مجریان در اجرای تعهدات قانونی یا قراردادی در راستای اجرای به موقع طرح مصوب. ط - تخلف: عدم رعایت قوانین و مقررات و شرایط مندرج در قرارداد واگذاری زمین. ی - خلاف بین: تعلل و تخلف آشکار و عذر ناموجه مجری طرح که بنا بر تشخیص هیئت نظارت قابل اغماض نبوده و موجبات تمدید و تعیین مهلت برای اجرا و یا فسخ قرارداد و یا استرداد زمین را فراهم می‌نماید. ک - عرصه‌های ملی و دولتی قابل واگذاری: اراضی منابع ملی، موات و دولتی قابل واگذاری و بلاعارض که دارای استعداد تولید اقتصادی و بهره‌برداری محصولات بخش‌های مختلف کشاورزی و غیر کشاورزی می‌باشد. ل - تبدیل و تغییر کاربری غیرمتجانس: تبدیل و تغییر کاربری‌هایی که در ماهیت، با اهداف طرح مصوب مغایرت داشته باشد. م - واگذاری برای امور عام‌المنفعه: واگذاری‌های صورت گرفته به بخش خصوصی و مؤسسات غیردولتی که در زمان واگذاری، غیرانتفاعی بودن فعالیت آنها در اساسنامه قید شده باشد. ن - مناطق چهارگانه تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست: مناطق موضوع بند (الف) ماده (۳) قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست - مصوب ۱۳۵۳ - که توسط شورای عالی حفاظت محیط زیست (سابق) و مرجع جایگزین آن، به عنوان مناطق پارک ملی، آثار طبیعی ملی، پناهگاه حیات وحش و منطقه حفاظت شده با رعایت نکات مندرج در ذیل بند «الف» ماده یادشده تعیین و حدود آن تصویب شده باشد.

### فصل دوم - نحوه نظارت ( ماده ۱ تا ۱۱ )

ماده ۲- به منظور نظارت بر اجرای طرح‌های کشاورزی و دامپروری و سایر طرح‌های غیر کشاورزی موضوع قانون و تشخیص تعلل یا تخلف و عذر موجه مجریان طرح‌ها و تعیین درصد عملیات انجام شده طرح‌های یادشده در هر استان هیئت نظارت با حکم وزیر جهاد کشاورزی مرکب از رئیس سازمان جهاد کشاورزی، مدیر کل منابع طبیعی و یک نفر کارشناس در رشته مرتبط با طرح تشکیل می‌گردد. تبصره ۱- کارشناس در رشته مرتبط با کلیه طرح‌های غیر کشاورزی و همچنین کلیه طرح‌هایی که در محدوده و حریم شهرها واقع شده یا می‌شوند ظرف یک ماه از تاریخ درخواست وزارت جهاد کشاورزی توسط وزارت مسکن و شهرسازی برای صدور حکم معرفی می‌گردد. تبصره ۲- وزیر جهاد کشاورزی می‌تواند با حفظ مسئولیت خود، صدور احکام کارشناسان مرتبط با طرح را به رئیس سازمان جهاد کشاورزی تفویض نماید. ماده ۳- دبیرخانه هیئت نظارت در سازمان جهاد کشاورزی مستقر و رئیس سازمان جهاد کشاورزی به عنوان رئیس هیئت نظارت و مسئول حقوقی سازمان یادشده به عنوان دبیر هیئت نظارت می‌باشد. انجام کلیه امور مربوط به تشکیل جلسه، دعوت از اعضا، ابلاغ آرا و سایر موارد مرتبط به عهده دبیر هیئت نظارت خواهد بود. تبصره - دبیر هیئت نظارت موظف است کلیه گزارش‌های رسیده را ثبت و در کوتاهترین زمان ممکن پس از بررسی و تکمیل به ترتیب نوبت در دستور کار هیئت نظارت قرار دهد. ماده ۴- هیئت نظارت موظف است توسط عوامل نظارتی به صورت مستمر از طرح‌های واگذار شده بازدید و با بررسی سوابق و طرح مصوب و مفاد قرارداد، بر نحوه اجرای طرح براساس زمان‌بندی اجرایی و کیفیت اجرای طرح و پیشرفت کار نظارت لازم را معمول نماید. تبصره ۱- گزارش پرونده‌های مربوط به واگذاری اراضی ملی و دولتی حسب مورد توسط مدیر امور اراضی یا مدیر کل منابع طبیعی هر استان به دبیرخانه هیئت نظارت ارائه می‌گردد. تبصره ۲- دستگاه اجرایی و واحد صادرکننده جواز تأسیس یا موافقت اصولی موظف است نظارت لازم بر اجرای طرح مصوب را تا مرحله بهره‌برداری رسیدن طرح

معمول و گزارش پیشرفت فیزیکی طرحها را در مدت اجرا، به دبیرخانه هیئت نظارت منعکس نماید. تبصره ۳- دبیر هیئت نظارت موظف است براساس نظر هیئت نظارت نسبت به صدور اخطاریه (از طریق پست سفارشی) در دو نوبت به فاصله پانزده روز اقدام و در صورت عدم توجه مجری یا مجریان طرحها به اخطاریه‌های صادرشده مراتب را در دستور کار هیئت نظارت قرار دهد. تبصره ۴- اختیارات هیئت نظارت نافی نظارت عمومی سازمانهای جهاد کشاورزی و ادارات کل منابع طبیعی نمی‌باشد و مراجع یادشده حسب مورد موظفند در چارچوب قراردادهای منعقد شده با مجریان طرحها نسبت به اعمال نظارت در قالب زمان بندی اجرای طرحها وظایف محول شده را پیگیری و اقدام نمایند. ماده ۵- هیئت نظارت ضمن بررسی گزارش دبیرخانه و در صورت لزوم بازدید از محل اجرای طرح، در موارد خلاف بین ظرف یک ماه رأی خود را طی صورت جلسه‌ای مبنی بر تمدید و تعیین مهلت، فسخ یا استرداد زمین اعلام می‌نماید. ماده ۶- دبیر هیئت نظارت موظف است پس از صدور رأی هیئت نظارت ظرف ده روز نسبت به ابلاغ کتبی رأی به مجری طرح به نشانی مندرج در قرارداد به نحو مقتضی اقدام نماید. آرای صادر شده هیئت نظارت ظرف سه ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در مراجع قضایی صالح می‌باشد، در صورت انقضای مدت و عدم اعتراض، رأی صادر شده قطعی و لازم الاجراست. تبصره - دعوت از طرف قرارداد و حضور وی در جلسات هیئت نظارت بلامانع است. ماده ۷- با قطعیت رأی صادر شده هیئت نظارت به دلیل انقضای مدت اعتراض و یا صدور رأی قطعی از مرجع قضایی حسب مورد با توجه به مفاد رأی به شرح ذیل اقدام می‌گردد:

الف - در صورتی که رأی صادر شده توسط هیئت نظارت، ناظر به فسخ و یا استرداد زمین باشد، مراتب توسط دبیر هیئت نظارت به دفترخانه اسناد رسمی مربوط جهت اجرا ابلاغ و از طریق دایره اجرای ثبت محل وقوع ملک نسبت به خلع ید متصرف اقدام خواهد شد. ب - چنانچه رأی صادر شده توسط هیئت نظارت، ناظر بر تمدید قرارداد اجاره و تعیین مهلت برای اجرای طرح باشد، مراتب حسب مورد توسط دبیر هیئت نظارت برای اجرا به مدیریت امور اراضی یا اداره کل منابع طبیعی و طرف قرارداد ابلاغ می‌گردد. ج - احکام صادرشده از سوی مراجع قضایی موضوع قانون پس از قطعیت به هیئت نظارت جهت اجرا ابلاغ می‌گردد. تبصره - در هر صورت چنانچه آرای قطعی صادرشده توسط هیئت نظارت و یا مرجع قضایی صالح ناظر به فسخ و واگذاری و استرداد زمین باشد، مراتب از سوی دبیر هیئت نظارت به ادارات ثبت اسناد و املاک محل و یا دفاتر اسناد رسمی تنظیم کننده سند ابلاغ و دستگامهای مذکور مکلفند ظرف یک ماه پس از اعلام مراتب، نسبت به اصلاح اسناد صادرشده و در صورت انتقال زمین نسبت به صدور دفترچه مالکیت به نام دولت با نمایندگی سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور و در صورت وقوع زمین در محدوده و حریم شهر و شهرک با نمایندگی وزارت مسکن و شهرسازی (سازمان ملی زمین و مسکن) اقدام نمایند. ماده ۸- متن قرارداد اجاره موضوع تبصره یک قانون به شرح نمونه پیوست که تأییدشده به مهر پیوست تصویب نامه هیئت وزیران می‌باشد و از تاریخ تصویب قانون تمام قراردادهای موضوع قانون، بین وزارت جهاد کشاورزی و دریافت کنندگان اراضی برابر آن منعقد خواهد شد. تمدید قراردادهای واگذاری قبلی نیز پس از پایان مدت، تابع مفاد قرارداد نمونه پیوست می‌باشد. تبصره - در مواردی که هیئت نظارت در چارچوب مفاد قانون رأی به تمدید قرارداد صادر نماید، مرجع واگذاری نسبت به تمدید آن برابر نمونه قرارداد پیوست اقدام می‌نماید. ماده ۹- پس از ابلاغ رأی هیئت نظارت مبنی بر فسخ و یا استرداد زمین، سازمان جهاد کشاورزی ظرف ده روز اقدام به تأمین دلیل از طریق دادگاه محل خواهد نمود و چنانچه مستأجر یا مجری طرح وجهی را بابت خرید اراضی به حساب دولت واریز و یا هزینه‌هایی در عرصه مورد اجاره، اعیانی، ابنیه و مستحدثاتی در راستای اجرای طرح ایجاد کرده باشد، نسبت به تقویم و ارزیابی با هزینه ایشان به شرح ذیل اقدام خواهد شد: الف - تقویم اعیانی، ابنیه و مستحدثات براساس قیمت کارشناسی روز بدون لحاظ ارزش افزوده ناشی از افزایش قیمت زمین توسط کارشناس رسمی دادگستری انجام گرفته و پس از کسر حقوق قانونی دولت و مطالبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری تسهیلات دهنده، از محل ردیفی که در بودجه سالانه قابل پیش بینی است، پرداخت می‌گردد. ب - در صورت اعتراض به نظریه کارشناسی وفق قانون آیین دادرسی مدنی عمل خواهد شد. تبصره ۱- پس از ابلاغ رأی هیئت نظارت به

نشانی مندرج در قرارداد و عدم مراجعه مستأجر در مهلت مقرر، سازمان جهاد کشاورزی موظف است به شرح موارد فوق نسبت به تأمین دلیل و تقویم اعیانی، ابنیه و مستحدثات اقدام و مبلغ مورد تقویم را به حساب سپرده سازمان یادشده واریز نماید. در صورت عدم دسترسی به مستأجر اولیه به منظور اطلاع وی برای دریافت بهای تودیع شده اعیانی، سازمان جهاد کشاورزی با هزینه وی از محل وجوه یادشده نسبت به درج آگهی برای دو نوبت به فاصله پانزده روز در یکی از جراید کثیرالانتشار سراسری یا محلی اقدام خواهد نمود. تبصره ۲- با فسخ و استرداد مورد واگذاری تا زمان واگذاری مجدد به مجری بعدی (مطابق قوانین و مقررات)، سازمان جهاد کشاورزی استان به منظور حفاظت و نگهداری آن، قرارداد امانی یا پیمانی حفاظت و نگهداری منعقد می نماید. ماده ۱۰- چنانچه محکوم علیه ادله خود را دایر بر عدم ابلاغ صحیح رأی تقدیم هیئت نظارت نماید، موضوع توسط هیئت نظارت بررسی و در صورت پذیرش ادعا، رأی به وی ابلاغ و آثار قانونی ابلاغ از این تاریخ جاری می گردد. ماده ۱۱- نمایندگی دولت و اعمال کلیه وظایف و اختیارات مندرج در قانون و این آئین نامه نسبت به واگذاریهای انجام شده که در زمان واگذاری در خارج از حریم و محدوده شهرها و شهرک ها واقع و سپس در داخل محدوده و حریم های مذکور واقع شده یا می شود، به عهده وزارت مسکن و شهرسازی بوده و وزارتخانه های جهاد کشاورزی و مسکن و شهرسازی مکلفند نحوه تعیین تکلیف این گونه واگذاریها را اعم از مواردی که طرح مصوب اجرا و به بهره برداری رسیده و یا به دلیل اعمال مقررات این آیین نامه منجر به فسخ و استرداد زمین می گردد، طی شیوه نامه ای تهیه و ابلاغ می نمایند.

#### فصل سوم - نحوه رسیدگی به پرونده های واگذاری اراضی موضوع تبصره (۲) قانون ( ماده ۱۲ تا ۱۶ )

ماده ۱۲- در اجرای تبصره (۲) قانون، قوه قضاییه ظرف یک ماه پس از ابلاغ این آیین نامه نسبت به تشکیل شعبه و یا شعب ویژه مرکب از سه نفر از قضات به انتخاب رییس قوه قضاییه اقدام می نماید. تبصره ۱- شعبه یا شعب مذکور در تهران مستقر و جلسات هر شعبه با حضور کلیه اعضا رسمیت یافته و نظر اکثریت مناط اعتبار آرا می باشد. تبصره ۲- قضات شعبه ویژه می توانند در صورت اقتضا با هزینه وزارت جهاد کشاورزی از نظرات کارشناسان هیئتهای کارشناسی استفاده نمایند. تبصره ۳- رسیدگی در شعبه یادشده بدون پرداخت هزینه دادرسی است و رأی صادرشده قطعی و غیرقابل تجدیدنظر می باشد. ماده ۱۳- وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) موظف است تا پایان شهریور سال ۱۳۸۷ در مورد واگذاری های صورت گرفته بعد از سال ۱۳۶۵ که منجر به صدور سند قطعی گردیده در صورت وجود یکی از شرایط ذیل: الف - واگذاری هایی که وزرای وقت جهادسازندگی و کشاورزی با استفاده از اختیارات خود به طور مستقیم و بدون طی گردش کمیسیون های واگذاری در استانها دستور انتقال سند را داده اند. ب - واگذاری بدون وجود طرح مصوب. ج - عدم اجرای طرح مصوب بدون عذر موجه. د - اجرای طرح به میزان کمتر از چهل درصد. ه - تبدیل و تغییر کاربری غیرمجاز و غیرمتجانس با طرح مصوب. نسبت به اقامه دعوی در شعبه یا شعب ویژه اقدام نماید و شعبه رسیدگی کننده به موجب درخواست و دعوای اقامه شده نسبت به یکی از شقوق: - فسخ واگذاری قطعی و تبدیل آن به اجاره. - تمدید و تعیین مهلت برای اجرای طرح. - دریافت بهای روز اراضی و واریز به حساب درآمد عمومی. - استرداد زمین با توافق طرفین. تصمیم گیری و رأی قطعی صادر می نماید. تبصره - کلیه واگذاریهایی که در محدوده مناطق چهارگانه تحت حفاظت سازمان حفاظت محیط زیست موضوع تبصره (۵) قانون انجام گرفته است به خواسته ابطال اسناد صادرشده و استرداد زمین در شعب ویژه موضوع تبصره (۲) قانون بدون توجه به شرایط یادشده در تبصره یادشده رسیدگی می شود. ماده ۱۴- وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) موظف است درخواست موضوع تبصره (۲) قانون را در قالب فرم های دادخواست به خواسته « تعیین تکلیف اراضی واگذارشده » از حیث اعلام فسخ و واگذاری و تبدیل آن به اجاره یا تمدید قرارداد و تعیین مهلت برای اجرای طرح یا دریافت بهای روز اراضی و واریز آن به حساب درآمد عمومی و یا استرداد زمین در صورت توافق با مجری طرح



تقدیم نماید. تبصره ۱- وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) ضمن تعیین دقیق خواسته و تقویم آن در درخواست اولیه با توجه به جریان پرونده و مباحث طرح شده در جلسا ترسیدگی از حیث اعلام آمادگی و یا عدم آمادگی مجری برای اجرای طرح و یا تمدید قرارداد اجاره و یا امکان استرداد زمین و یا عدم امکان آن به دلیل تعاقب ایادی می تواند موضوع درخواست خود را در قالب یکی دیگر از موارد مندرج در ماده فوق تا قبل از اعلام ختم دادرسی تغییر داده و به صورت کتبی به دادگاه اعلام نماید. تبصره ۲- در خصوص آن دسته از زمینهایی که قبل از تصویب مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام دریافت کنندگان اولیه پس از انتقال سند مالکیت از سوی وزارت جهاد کشاورزی به نام آنها نسبت به فروش و نقل و انتقال رسمی آن به اشخاص ثالث اقدام نموده باشند، ارزش زمین به قیمت روز زمان انتقال محاسبه و از دریافت کننده اولیه دریافت خواهد شد. ماده ۱۵- در مورد اراضی واگذار شده جهت تعاونی های مسکن یا بخش خصوصی و غیردولتی برای امور عام المنفعه تا سال ۱۳۷۳ در صورتی که تبصره های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه سال ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ نسبت به این واگذاریها اجرا نگردیده باشد، به شرح ذیل اقدام می گردد: الف - وزارت جهاد کشاورزی (سازمان جنگلها، مراتع و آبخیزداری کشور) فهرست کلیه واگذاری های قسمت اخیر تبصره (۲) قانون را به وزارت مسکن و شهرسازی اعلام تا نسبت به اعمال تبصره های (۵۴) و (۴۶) قوانین بودجه سالهای ۱۳۷۵ تا ۱۳۷۸ در مورد اراضی واگذار شده به تعاونی های مسکن اعم از بخش خصوصی و دولتی اقدام نماید. ب - واگذاری های صورت گرفته به دولت (وزارتخانه ها، مؤسسات دولتی و شرکتهای دولتی) مشمول رسیدگی مجدد نمی باشند. ماده ۱۶- در عرصه های موضوع تبصره (۵) قانون و نیز در عرصه هایی که به موجب رأی قضات شعبه ویژه منجر به فسخ واگذاری توأم با استرداد زمین می گردد، مواد (۷)، (۹) و (۱۱) این آیین نامه که به نحوی با تبصره (۲) قانون نیز مرتبط می باشد حسب مورد متناسب با موضوع توسط شعب ویژه، قابل اعمال بوده و مورد حکم قرار خواهد گرفت.

### فصل چهارم - سایر مقررات ( ماده ۱۷ تا ۲۱ )

ماده ۱۷- وزارت جهاد کشاورزی موظف است اعتبارات مورد نیاز را برای اجرای قانون، شامل بهای اراضی، اعیانی، ابنیه و مستحقات بر روی اراضی موضوع تبصره (۴) قانون و سایر موارد، تجهیزات مورد نیاز، حق الزحمه هیئت های نظارتی و عوامل اجرایی، هزینه ها و دستمزد کارشناسی را در یک ردیف جداگانه در بودجه سالانه خود پیش بینی و به معاونت برنامه ریزی و نظارت راهبردی رییس جمهور پیشنهاد نماید. ماده ۱۸- وزارت جهاد کشاورزی مکلف است به منظور تشکیل به موقع هیئت های نظارت، جمع آوری آمار و اطلاعات، ارزیابی عملکرد و برنامه ریزی و نظارت بر اجرای صحیح این آیین نامه، نسبت به ایجاد بانک اطلاعات و تهیه نرم افزار مربوط اقدام نماید. ماده ۱۹- وزارت جهاد کشاورزی مجاز است در چارچوب قانون و این آیین نامه نسبت به تنظیم و ابلاغ دستورالعمل های مربوط اقدام نماید. ماده ۲۰- کلیه دستگاه های اجرایی موظف به همکاری با وزارت جهاد کشاورزی در اجرای قانون و آیین نامه اجرایی مربوط می باشند. نیروی انتظامی موظف است در صورت درخواست وزارت جهاد کشاورزی همکاری لازم را برای اعزام نیروی کادری خود جهت همراهی عوامل نظارتی در بازدید از اراضی واگذار شده موضوع این آیین نامه معمول و گزارش مرجع انتظامی دایر بر ممانعت متصرفان یا مالکان یا مستأجران از انجام وظایف عوامل نظارتی، اماره عدم اجرای طرح می باشد. ماده ۲۱- کلیه آیین نامه ها و دستورالعمل های مغایر با این آیین نامه اجرایی ملغی الاثر اعلام می گردد. این تصویب نامه در تاریخ ۱۱/۲/۱۳۸۷ به تأیید مقام محترم ریاست جمهوری رسیده است.

پیوست

بسمه تعالی قرارداد اجاره این قرارداد به استناد تبصره (۱) ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره برداری از جنگل ها و مراتع -

مصوب ۱۳۸۶- و در اجرای ماده (۸) آئین نامه اجرایی قانون برای اجرای طرح ..... که در تاریخ ..... مورد تصویب کمیسیون مربوط قرار گرفته با شرایط ذیل منعقد می گردد: ماده ۱- موجر: وزارت جهاد کشاورزی با نمایندگی آقای / خانم ..... فرزند ..... شماره شناسنامه..... صادره از شماره ملی..... به موجب معرفی نامه شماره ..... مورخ ..... به نشانی ..... :  
 ماده ۲- مستأجر: الف - شرکت ..... یا شرکت ها: نام شرکت ..... شماره ثبت ..... مرکز اصلی شرکت ..... با نمایندگی آقای / خانم ..... فرزند ..... شماره شناسنامه..... صادره از ..... شماره ملی..... که بر طبق اساسنامه شرکت حق امضای این قرارداد را دارا می باشد. به نشانی: ب - شخص یا اشخاص حقیقی: نام و نام خانوادگی ..... فرزند ..... شماره شناسنامه..... صادره از ..... متولد ..... شماره ملی..... به نشانی: ..... ماده ۳- مورد اجاره: قطعه زمینی است به مساحت ..... مترمربع شش دانگ/هکتار/قسمتی از اراضی ملی/دولتی تحت پلاک شماره ..... فرعی از ..... اصلی واقع در روستای ..... بخش ..... استان..... با حدود اربعه ذیل: شمالاً: شرقاً: جنوباً: غرباً: با ابعاد مشخص طبق نقشه پیوست که جزء لاینفک این قرارداد می باشد و پس از امضای این قرارداد با تنظیم صورت جلسه ای به تصرف قانونی مستأجر در خواهد آمد. ماده ۴- مدت اجاره: مدت اجاره ..... سال هجری شمسی از تاریخ امضای سند اجاره است و پس از انقضای مدت اجاره در صورت اجرای کامل طرح مصوب، چنانچه موجر قابلیت ادامه فعالیت طرح را تأیید نماید، قرارداد اجاره به مدت و با اجاره بهایی که توسط کمیسیون مربوط تعیین می گردد قابل تمدید خواهد بود و استمرار اجاره منوط به تنظیم قرارداد اجاره جدید می باشد. تبصره ۱- اجرای کامل طرح به هیچ عنوان الزامی برای موجر دایر بر انتقال عرصه به صورت کلی یا جزئی به مستأجر ایجاد نخواهد کرد. تبصره ۲- در صورتی که مستأجر قصد استفاده از تسهیلات مؤسسه اعتباری را برای اجرای طرح داشته باشد و مؤسسه اعتباری عامل، براساس قوانین و مقررات مربوط و ارایه گزارش توجیهی مدت اجاره را کافی نداند، مدت قرارداد اجاره بنا به درخواست مستأجر و تأیید کمیسیون ذی ربط و با رعایت ضوابط و مقررات مربوط اصلاح خواهد شد. ماده ۵- اجاره بها: اجاره بهای سالیانه به طور مقطوع مبلغ ..... (به حروف) ریال می باشد که بنا به تشخیص کمیسیون مربوط، تعیین گردیده است و این مبلغ حداکثر هر سه /پنج سال یکبار تعدیل می گردد و اجاره بهای تعدیل شده توسط موجر قطعی است و براساس آن قبوض اقساطی از سوی دفترخانه عامل صادر می گردد. ماده ۶- موعد پرداخت اجاره بها: مستأجر متعهد است اجاره بهای سال اول را حداکثر تا یک سال بعد از تنظیم قرارداد به شماره حساب ..... خزانه داری کل نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز و اصل رسید بانکی را برای دریافت قبض اقساطی مربوط به موجر تسلیم کند و اجاره بهای سالهای بعد را نیز به ترتیب مذکور در سررسید قبوض اقساطی بپردازد. ماده ۷- شرایط ضمن عقد: - مستأجر یا مستأجران (اعم از شخص حقیقی و حقوقی) به هیچ نحو از انجا، بدون اخذ موافقت کتبی موجر، حق واگذاری تمام یا قسمتی از منافع عین مستأجره را به صورت جزئی یا کلی، تحت هر عنوانی اعم از قطعی، شرطی، رهنی، صلح حقوق، مشارکت، وکالت و غیره ندارد و هر قراردادی که برخلاف این ماده با هر شخص حقیقی یا حقوقی تنظیم و مبادله شود، باطل و برای موجر حق فسخ اجاره را ایجاد می نماید. در فرض واگذاری زمین به چند مستأجر ممنوعیت موضوع این بند شامل انتقال قدرالسهم هر یک از

مستأجران به یکدیگر نیز خواهد بود. - مستأجر مکلف است اقساط اجاره بها را در سررسید قبوض اقساطی به موجر بپردازد و در صورت عدم پرداخت یا تأخیر بیش از دو ماه در پرداخت اقساط، موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. تحقق و اعمال این حق منوط به صدور و ابلاغ اخطاریه از طرف موجر نخواهد بود. - مستأجر حق تبدیل و تغییر کاربری، تفکیک و افزای اراضی مورد اجاره را ندارد مگر با رعایت مقررات مربوط و موافقت کتبی وزارت جهاد کشاورزی، در غیر این صورت موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. - در صورتی که مستأجر در طول مدت اجاره نسبت به انتقال عین مستأجره به هر نحو به صورت کتبی یا شفاهی و در قالب اسناد عادی و یا رسمی مبادرت نماید طبق قوانین جزایی قابل پیگرد و تعقیب کیفری می باشد. - چنانچه معادن مندرج در قوانین مربوط در مورد اجاره وجود داشته باشد و یا کشف شود و دولت استخراج آن را مجاز و لازم بداند و عمل بهره‌برداری از معادن مانع اجرای تمام یا قسمتی از طرح شود، موجر می تواند عقد اجاره را فسخ و یا محدوده مورد احتیاج را از مورد اجاره خارج نماید، در این صورت عقد اجاره نسبت به بقیه اراضی با تنظیم قرارداد اصلاحی استمرار می یابد و چنانچه در اجرای این اقدام خسارتی متوجه مستأجر شود خسارات وارد شده براساس نظریه کارشناس رسمی دادگستری به انتخاب مؤجر تعیین می گردد و هزینه کارشناسی بر عهده دستگاه ذی ربط می باشد. - مستأجر مکلف است در صورت کشف آثار و ابنیه باستانی در عین مستأجره مراتب را بلافاصله به موجر و مراجع ذی ربط اطلاع دهد و کلیه قوانین مربوط به آثار و ابنیه باستانی مکشوفه در مورد اجاره را اجرا کند و در صورتی که طبق مقررات مربوط و با تأیید موجر ادامه بهره‌برداری مستأجر از عین مستأجره به لحاظ قانونی متعذر باشد، مکلف است عین مستأجره را رفع تصرف و به موجر تحویل نماید، در این صورت حقوق مکتسبه بهره‌بردار و خسارت وارد شده و دستمزد کارشناسی با رعایت قسمت آخر از بند ۵ همین ماده تعیین و از سوی دستگاه اجرایی ذی ربط قابل پرداخت می باشد. تخلف از این بند موجب فسخ قرارداد می گردد. - مستأجر مکلف است ضمن حفاظت فیزیکی و مراقبت از عین مستأجره، حریم رودخانه‌ها و مجاری سیلاب و حقوق ارتفاقی اشخاص از لحاظ عبور انهار و قنوات و راههای دسترسی و غیره را طبق قوانین موضوعه و عرف محل مراعات نماید و در صورت تخلف مسئول خسارات وارد شده به دولت و اشخاص خواهد بود. - خسارات وارد شده ناشی از تخلف مستأجر از مفاد این قرارداد از طرف موجر قابل مطالبه است. - مستأجر متعهد است طرح توجیه فنی و اقتصادی و طرحهای تفصیلی و برنامه اجرایی را که مورد تأیید مراجع تصویب کننده طرح قرار گرفته و پیوست لاینفک این قرارداد می باشد به نحو کامل و طبق برنامه زمان بندی در مواعد مندرج در طرح مصوب اجرا و گزارش اقدامات انجام شده را برای موجر ارسال نماید و در صورت استنکاف و تخلف، موجر با تعیین ضرب الاجل متناسب که با جلب نظر مرجع فنی ناظر بر اجرای طرح یا نظر کارشناس منتخب موجر تعیین می شود به مستأجر اخطار می نماید که به تعهدات خود عمل نماید و با انقضای مدت تعیین شده و ادامه استنکاف، موجر حق فسخ قرارداد را خواهد داشت. - نمایندگان موجر که حکم مأموریت بازدید طرح را دارند با ارایه کارت شناسایی و حکم مربوط می توانند به محدوده مورد اجاره وارد شوند و مراحل مختلف عملیات اجرای طرح اعم از آماده سازی و بهره‌برداری از اراضی موضوع این قرارداد را نظارت نمایند و مستأجر حق ممانعت را نداشته و باید اطلاعات مرتبط با طرح را در اختیار نمایندگان موجر بگذارد. در صورتی که مستأجر مانع از ورود و بازدید مأموران مذکور شود و یا اطلاعات مرتبط با طرح را در اختیار آنان قرار ندهد، موجر با ارسال اخطاریه موعده مجددی برای بازدید و تسلیم اطلاعات مرتبط با طرح تعیین خواهد کرد و در صورت استنکاف مجدد، موجر حق فسخ اجاره را خواهد داشت. - مستأجر مکلف است ظرف یک ماه قبل از انقضای مدت اجاره با حضور در محل اداره موجر نسبت به تسلیم درخواست تمدید قرارداد اجاره اقدام نماید و در صورت عدم مراجعه مستأجر و یا عدم تمدید قرارداد اجاره و یا فسخ قرارداد اجاره ظرف سه ماه از تاریخ انقضای مدت اجاره یا از تاریخ فسخ، از مورد اجاره رفع ید نماید و با همان مساحت و حدود که در ابتدای اجاره تحویل گرفته است، به موجر مسترد نماید. در صورت تأخیر در تخلیه و تحویل عرصه ظرف مهلت مذکور، معادل دو برابر اجاره بهای مقرر به ازای هر روز به عنوان وجه التزام بر عهده مستأجر خواهد بود

و به علاوه موجر می تواند با صدور اجرائیه نسبت به خلع ید از مستأجر اقدام و مطالبات خود و خسارات وارد شده را از محل تأسیسات و ماشین آلات و سایر اموال منقول و غیرمنقول بلامعارض مستأجر که در مورد اجاره موجود است براساس ارزیابی کارشناس منتخب خود با منظور داشتن هزینه کارشناسی که بر عهده مستأجر است، استیفا نماید که در صورت عدم پرداخت، به کل بدهی مستأجر اضافه می گردد. تشخیص و تعیین میزان بدهی مستأجر منحصرأً با موجر است و مستأجر به موجب همین قرارداد اجاره، تشخیص مذکور را مورد قبول قرار داده و ملزم به پرداخت مبالغ مورد مطالبه گردید و حق هر گونه ایراد و اعتراض و ادعایی را از خود سلب و ساقط کرد. تبصره ۱- در صورتی که جهت اجرای طرح های عمرانی ملی یا استانی مصوب نیاز به تمام یا قسمتی از عرصه موضوع این قرارداد باشد، با اعلام کتبی موجر به مستأجر طی مهلت سه ماهه نسبت به برآورد کارشناسی هزینه های صورت گرفته توسط کارشناس رسمی دادگستری به انتخاب موجر و پرداخت آن از سوی مجری طرح عمرانی اقدام و قرارداد اصلاح و یا فسخ می گردد. تبصره ۲- مستأجر نمی تواند با تمسک به اجرای بخشی از طرح و بهره برداری از آن صدور سند مالکیت نسبت به آن بخش و یا اصلاح قرارداد و تجزیه عرصه عین مستأجره را تقاضا نماید. تبصره ۳- با توجه به تبصره (۸) ماده (۱) قانون تسهیل اعطای تسهیلات بانکی و کاهش هزینه های طرح و تسریع در اجرای طرح های تولیدی و افزایش منابع مالی و کارایی بانکها، این قرارداد به عنوان اسناد قابل قبول نزد بانکها پذیرفته می شود و مؤسسه اعتباری می تواند با رعایت بند (۱) ماده (۷) این قرارداد معادل حقوق ناشی از این قرارداد برای مجری طرح را به عنوان وثیقه بپذیرد. موجر به موجب این قرارداد متعهد و موظف گردید در اجرای قرارداد تسهیلات اعطایی بنا به درخواست بانک و یا مؤسسه مالی، اعتباری ذی نفع، این مؤسسات و یا اشخاص معرفی شده از طرف آنها را به عنوان جانشین مجری طرح موضوع قرارداد واگذاری زمین شناخته و بپذیرد و کلیه حقوق و تعهدات ناشی از قرارداد را به بانک یا مؤسسه مالی و اعتباری ذی نفع و یا اشخاص معرفی شده منتقل نماید. همچنین موجر موظف است بنا به تقاضای مؤسسه اعتباری و یا بانک عامل در صورت تغییر یا تعویض در نوع قرارداد اعطای تسهیلات با توجه به عقود مورد عمل بانک یا مؤسسه مذکور برای تفویض اختیار، موافقت خود را با تبدیل تعهد مستأجر به بانک اعلام و در اسرع وقت به دفترخانه اسناد رسمی معرفی شده مراجعه نماید. - در صورتی که به تشخیص موجر، مستأجر و شریک او که با رعایت بند (۱) ماده (۷) این قرارداد مشارکت وی ایجاد شده است، متفقاً یا منفرداً بر خلاف تعهدات مندرج در این قرارداد عمل نموده و یا طرح خود را در موعد مقرر اجرا نکند و از اراضی مورد اجاره بهره برداری ننماید، موجر می تواند نسبت به فسخ قرارداد و خلع ید و جایگزین نمودن شخص یا اشخاص دیگر اقدام نماید. در صورتی که مستأجر هزینه هایی در راستای اجرای طرح نموده باشد به هنگام تقویم، بهای روز براساس ماده (۹) آئین نامه اجرایی قانون اصلاح ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور با اخذ نظر کارشناسی محاسبه خواهد شد و موجر مکلف است پس از کسر حقوق قانونی دولت و مطالبات بانکها و مؤسسات مالی و اعتباری حداکثر تا پایان سال مالی بعد نسبت به تأمین اعتبار و استرداد آنها اقدام نماید. - مستأجر و یا شرکای ایشان به تنهایی یا به اتفاق بدون موافقت موجر حق ندارند اعیان را تحت هر عنوان اعم از بیع یا صلح یا وکالت و یا وصیت و نظایر آن به غیر واگذار و یا حقی نسبت به آن برای دیگری قایل شوند و تغییراتی در طرح و مستحقات به عمل آورده و یا تأسیسات غیرمتناسب با طرح ایجاد نمایند و در صورت تخلف، موجر می تواند قرارداد اجاره را فسخ نماید. - در تمامی مواردی که برای موجر به موجب این قرارداد حق فسخ ایجاد شده است، موجر می تواند بدون نیاز به حضور مستأجر در دفترخانه عامل ظرف دو ماه نسبت به اعمال حق فسخ اقدام نماید. تبصره - تجویز فسخ قرارداد توسط موجر در موارد خلاف بین موضوع ماده (۳۳) اصلاحی قانون حفاظت و بهره برداری از جنگلها و مراتع کشور منوط به احراز و اعلام هیئت نظارت موضوع ماده مذکور می باشد. - در مواردی که موجر با اختیارات حاصل از این قرارداد اقدام به فسخ آن نماید و در مراجع اداری، ثبتی و دفاتر اسناد رسمی نیاز به اخذ امضای مستأجر باشد، موجر وکالت در امضا از ناحیه مشارالیه را دارد. ماده ۸- هر نوع اخطار یا اعلامیه ای که بر طبق این قرارداد لازم است از طرف موجر نسبت به مستأجر به عمل

آید، به وسیله پست سفارشی دو قبضه به نشانی مذکور در این قرارداد ارسال خواهد شد و تاریخ تأییدیه پستی آن. تاریخ ابلاغ می‌باشد. در صورتی که بانک یا مؤسسات اعتباری در قرارداد مذکور مشارکت داشته باشند، نسخه‌ای از اخطاریه یا اعلامیه به مستأجر، به بانک یا مؤسسات اعتباری و ام‌دهنده نیز ارسال می‌گردد. در صورت فسخ و ابطال قرارداد واگذاری زمین به منظور رعایت حقوق مؤسسه اعتباری و معرفی مجری جدید مراتب به مرجع مذکور ابلاغ می‌گردد. تبصره - اقامتگاه مستأجر طبق این قرارداد نشانی مندرج در ماده (۱) می‌باشد و در صورت تغییر، مستأجر مکلف است مراتب را به طور کتبی به ماجر اطلاع دهد، در غیر این صورت کلیه اخطارها، ابلاغ‌ها و مکاتبات موضوع این قرارداد به نشانی مذکور در ماده (۱) ارسال و معتبر خواهد بود. ماده ۹- این قرارداد در ۹ ماده و ۷ تبصره و ۱۵ بند در ..... نسخه تنظیم گردید که همگی از اعتبار یکسان برخوردار می‌باشند. .... ۳ ۴ ۵ ۸ ۱۱ ۱۳ ۱۴ ۲۱ ۲۶ ۷ ۹ ۱۰ ۱۲ ۱۵ امضای ماجر امضای مستأجر معاون اول رییس جمهور - پرویز داودی

## ۸- زندان و عفو

### آیین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور

#### بخش یک کلیات

#### فصل اول - تعاریف ( ماده ۱ تا ۱۹ )

ماده ۱ - سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است که مستقیماً زیر نظر رییس قوه قضاییه انجام وظیفه می‌نماید و اختصاراً در این آیین‌نامه سازمان نامیده می‌شود. ماده ۲ - سازمان همه ساله در موعد مقرر بودجه خود را در ردیف مستقل پیش بینی نموده و پس از موافقت رییس قوه قضاییه ضمن ارسال به سازمان مدیریت و برنامه ریزی، برای تصویب نیز پیگیری و اقدامات لازم را انجام خواهد داد. ماده ۳- زندان محلی است که در آن محکومین قطعی با معرفی مقامات ذی صلاح قضایی و قانونی برای مدت معین یا بطور دائم به منظور اصلاح و تربیت و تحمل کیفر نگهداری می‌شوند. ماده ۴ - بازداشتگاه محل نگهداری متهمینی است که با قرار کتبی مقامات صلاحیتدار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند. تبصره ۱ - تا زمانی که بازداشتگاههای موضوع این ماده ایجاد نشده است، در طبقه بندی داخل زندانها محل جداگانه‌ای برای نگهداری متهمین تحت قرار در نظر گرفته می‌شود. تبصره ۲ - با اجرای طرح ساماندهی منطقه‌ای زندانهای کشور، محکومین به حبس های کوتاه مدت که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود در بازداشتگاه نگهداری خواهند شد. ماده ۵ - زندانها به شرح مواد آتی به زندان بسته، زندان نیمه باز، زندان باز و مجتمع‌های حرفه آموزی و کار درمانی ( اردوگاه ) تقسیم می‌شوند. ماده ۶ - زندان بسته، زندانی است محصور که با برجهای دیده بانی در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل باشد. تبصره - در این نوع زندان، محکومین شبها در خوابگاههای اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای و تفریحی استفاده می‌نمایند و یا در کارگاه های داخل زندان به کار گمارده می‌شوند. ماده ۷ - زندان نیمه باز، زندانی است محصور که در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب باشد و در آن زندانیان به طور گروهی با تعداد کافی مأمور مراقب بدون اسلحه به کار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار مجدداً به آسایشگاه های خود عودت داده می‌شوند. ماده ۸ - زندانیان زیر در زندان نیمه باز نگهداری می‌شوند: الف - محکومین جرایم غیر عمدی ب - محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر

حبس می کنند. ج - محکومین مالی ، موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی د- محکومین به حبس در جرایم عمدی با شرایط زیر: ۱- محکومین به حبس تعزیری تا دو سال ۲- محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱۱۰ از مدت محکومیت در زندان بسته ۳- محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد به شرط تحمل ۲ سال از مدت محکومیت در زندان بسته ماده ۹- زندان باز ، زندانی است بدون حفاظت و مأمور مراقب که زندانی مدت محکومیت خود را در آن با اشتغال به کار یا خدمت می گذراند و حق خروج از زندان را نداشته و شبها را در نزدیکترین آسایشگاهی که به همین منظور تعیین شده است استراحت می نماید. ماده ۱۰- زندانیان زیر در زندان باز نگهداری می شوند: الف - محکومین جرایم غیر عمدی ب - محکومین به جزای نقدی که به لحاظ عجز از پرداخت جزای نقدی تحمل کیفر حبس می کنند. ج - محکومین مالی ، موضوع ماده ۲ قانون نحوه اجرای محکومیت های مالی د - محکومین به حبس در جرایم عمدی با شرایط زیر: ۱- محکومین به حبس های تعزیری تا دو سال پس از گذراندن ۱۴ از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ۲- محکومین به حبس بیش از دو سال تا ۱۵ سال به شرط تحمل ۱۵ از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ۳- محکومین به حبس بیش از ۱۵ سال و حبس ابد به شرط تحمل ۴ سال از مدت محکومیت در یکی از زندانهای بسته یا نیمه باز. ماده ۱۱- رییس زندانهای باز و نیمه باز یا هر یک از موسسات محل کار زندانیان باید به طریق مقتضی طرز اخلاق و رفتار و نظم و ترتیب کار محکومین را کنترل نمایند. ماده ۱۲ - روسای زندانهای باز و نیمه باز و موسسات محل کار زندانیان موظفند پس از ورود زندانیان آنان را با برنامه های خاص زندان و موسسات آشنا نمایند. ماده ۱۳- زندانیان زندانهای باز و نیمه باز که در موسسات کار ، اشتغال می یابند در تمامی ساعات اشتغال ، حق خروج از محل کار را نداشته و پس از خروج از آسایشگاه باید مستقیماً به محل کار رفته و به موقع نیز مراجعت نمایند. زمان ورود و خروج آنان در محل کار دقیقاً باید ثبت شود. تبصره ۱ - مأموران زندان موظفند ، طرز رفتار و اخلاق و نظم و ترتیب کار زندانیان را برابر مقررات سازمان کنترل نموده و تخلفات آنان را سریعاً به اطلاع رییس زندان و محل کار مربوطه برسانند. تبصره ۲ - در هر مورد که زندانی مقررات مربوطه را رعایت ننماید و یا صلاحیت جهت کار یا نگهداری در محل های مذکور را نداشته باشد ، با نظر رییس زندان به زندان بسته اعزام تا حسب مورد تصمیم نهایی از سوی مراجع قضایی یا شورای طبقه بندی و انضباطی مربوطه اتخاذ گردد و مراتب به قاضی ناظر زندان جهت اطلاع اعلام خواهد شد. ماده ۱۴- مجتمع حرفه آموزی و کار درمانی (اردوگاه مرکزی است برای نگهداری متهمین و محکومین جرایم مواد مخدر و اعتیاد. ماده ۱۵- زندانیان طبق تصمیم شورای طبقه بندی به منظور اشتغال به کار یا حرفه آموزی به موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی زیر اعزام می شوند: ۱- موسسات داخل زندان ( این موسسات ممکن است در مالکیت زندان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا موسسات خیریه یا تعاونی ها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنان باشد ) تبصره ۱ - موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی با توجه به وضعیت ساختمان و کیفیت حفاظت آنها به پیشنهاد رییس موسسه و تشخیص رییس سازمان می تواند به عنوان زندان باز و یا نیمه باز تلقی گردد. ۲- موسسات خارج از زندان که نوعی زندان باز می باشند. ( این موسسات ممکن است در مالکیت زندان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا موسسات خیریه یا تعاونی ها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنها باشد). تبصره ۲ - موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان باید حتی الامکان واجد محل های کافی جهت نمازخانه ، کتابخانه ، وسایل ارتباط جمعی ، خوابگاه ، غذاخوری ، محلی جهت ملاقات زندانیان و سایر زمینه های تفریحات سالم باشند. ماده ۱۶ - مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی موسساتی هستند که در آنجا متهمین و محکومین قبل و بعد ، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می دهد به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می شوند. ماده ۱۷ - موسسات صنعتی ، کشاورزی ، خدماتی و نظایر آن موسساتی هستند که تحت نظارت سازمان با امکانات لازم از طریق سرمایه گذاری دولت یا مشارکت بخش خصوصی و تعاونی به منظور اشتغال و آموزش فنی حرفه ای و نیل به خود کفایی با هدف اصلاح و تربیت

زندانیان تاسیس می شوند. تبصره - دستورالعمل ویژه این بخش با نظر حوزه معاونت امور اشتغال ، خودکفایی و حرفه آموزی تهیه و پس از تایید رییس سازمان ابلاغ خواهد شد. ماده ۱۸ - ادارات مراقبت بعد از خروج مراکز هستند که حمایت از زندانیان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می گیرند. ماده ۱۹ - کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح ، تربیت و آموزش نگهداری می شوند.

### فصل دوم - وظایف سازمان و مسوولین زندان ، بازداشتگاه و سایر مراکز وابسته به سازمان ( ماده ۲۰ تا ۴۱ )

ماده ۲۰ - وظایف سازمان به شرح زیر می باشد: الف - اجرای مجازات حبس طبق مقررات مربوطه ( سازمان درخصوص اجرای سایر مجازاتها تکلیفی ندارد. ) ب - اداره کلیه امور زندانها ، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی کشور و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی ج - ایجاد زندانها ، بازداشتگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر موسسات لازم برای نگهداری ، بازپروری ، حرفه آموزی و اشتغال به کار متهمین و محکومین د - انجام تحقیقات و پژوهش های علمی به منظور بهبود شیوه ها و خدمات زندانبانی ه - تعیین خط مشی ، اداره و نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به زندانها و موسسات و مراکز وابسته به آن و - تهیه پیش نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و پیشنهاد آن به مراجع ذی ربط ز - ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور انجام امور فرهنگی و تربیتی اعم از اصلاح ، ارشاد و آموزش زندانیان ح - انجام خدمات مشاوره ای و نیز کمک و مساعدت به منظور حل مشکلات زندانیان و خانواده آنان ط - جذب هر گونه کمک از قبیل کمکهای مردمی ، موسسات خیریه و... و برنامه ریزی در جهت به کارگیری صحیح این گونه کمکها باهدف بهبود امور زندانها و مساعدت به زندانیان و یا خانواده آنان ی - سیاستگذاری و برنامه ریزی کلیه امور مربوط به اشتغال و حرفه آموزی زندانیان و خودکفایی زندانها و موسسات وابسته ک - تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز جهت شناخت روشهای پیشگیری از وقوع جرایم و بررسی علل و انگیزه های ارتکاب آن و ارائه به روسای قوای سه گانه ( ارائه آمار و اطلاعات به سایر مراجع اداری و مراکز علمی با موافقت رییس سازمان بلامانع است ) ل - تهیه و پیشنهاد اسامی محکومین واجد شرایط آزادی مشروط و ارائه آن به قاضی ناظر زندان م - تهیه و پیشنهاد اسامی محکومین واجد شرایط عفو و ارائه آن به هیأت عفو. ن - برنامه ریزی برای مراقبت بعد از خروج زندانی با همکاری دستگاههای ذی ربط ماده ۲۱ - سازمان می تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی لازم رأسا اقدام نماید. ماده ۲۲ - استانداردهای مورد نیاز در خصوص تشکیلات اعم از تعداد کارمندان و مأموران مراقب و انتظامی و مربیان مذهبی و متخصصین در زندانها و موسسات و مراکز وابسته به سازمان به تناسب موقعیت و احتیاجات محل و آمار شناور زندانیان توسط سازمان تعیین و به تصویب سازمان مدیریت و برنامه ریزی خواهد رسید. ماده ۲۳ - در هر زندان ، بازداشتگاه و یا سایر مراکز وابسته به سازمان عنداللزوم واحد آمار و رایانه تشکیل می گردد تا کلیه آمار مورد نیاز را ثبت نماید. تبصره - مسوول آمار واحد مذکور موظف است اطلاعات جمع آوری شده را طبق دستورالعمل های صادره تهیه و به مقام مافوق ارائه نماید. ماده ۲۴ - تاسیس ، احداث و اداره کلیه زندانها و بازداشتگاه ها و سایر موسسات و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها منحصر در اختیار سازمان می باشد. مراجع قضایی ، اجرایی ، اطلاعاتی ، انتظامی و نظامی از داشتن زندان و بازداشتگاه اختصاصی ممنوع می باشند. تبصره - بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین نامه خارج است ماده ۲۵ - انتظامات و حفاظت فیزیکی از زندانها و بازداشتگاه ها و سایر مراکز وابسته به عهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهد شد. تبصره - نیروهای فوق تحت امر رییس سازمان بوده و وی می تواند اختیارات خود را رأسا یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان ، به مدیران کل استانها و روسای زندانها واگذار نماید. ماده ۲۶ - وظایف روسای زندان ها ، بازداشتگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر

مؤسسات و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از: الف - اجرای قوانین مربوطه و مقررات این آیین نامه در زندان ها و دیگر مراکز وابسته و نظارت بر حسن اجرای آن ب - اجرای تصمیمات شورای طبقه بندی با رعایت مقررات مربوطه ج - محافظت و مراقبت کامل از زندان و زندانی از طریق عوامل در اختیار و پیش بینی تمهیدات لازم برای جلوگیری از فرار زندانیان و همچنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با زندانیان د - اهتمام و اقدام در جهت تهذیب ، اصلاح و تربیت زندانیان و نیز تامین بهداشت ، تغذیه ، تربیت بدنی و تفریحات سالم آنان در محیط زندان یا موسسه یا مراکز وابسته ه - اجرای برنامه های آموزش علمی ، مذهبی و فنی حرفه ای زندانیان با همکاری سازمانهای مربوط و - اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی زندانیان و رسیدگی مقدماتی به تقاضای آنان و اعلام به مقامات مسوول ز - همکاری و مساعدت در اجرای برنامه های انجمن حمایت از زندانیان ، ستاد مردمی رسیدگی به امور دیه ، مراکز مراقبت بعد از خروج و مؤسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته ح - مراقبت در اجرای برنامه روزانه و دو نوبت سرشماری از زندانیان و گزارش اتفاقات و آمار روزانه به مقامات مافوق برابر دستورالعمل های صادره ط - گزارش نتایج حاصله از اجرای برنامه های محوله به مقامات بالاتر برابر دستورالعمل های صادره ی - تهیه برنامه و بودجه سالیانه واحد تحت سرپرستی و ارائه آن به مدیر کل استان ک - انجام سایر وظایف پیش بینی شده در این آیین نامه ماده ۲۷ - رییس زندان یا موسسه و مراکز وابسته شخصا و در غیاب وی مسوول مربوطه به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده ، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش در صورت لزوم ، مراتب را در اسرع وقت به مقامات بالاتر گزارش نماید. ماده ۲۸ - معاون زندان بر حسب وظیفه و عنوان اختصاصی ( هر یک از معاونت ها ) و بر اساس درجه زندان در انجام تکالیف مقرر با رییس زندان همکاری و معاضدت نموده و دستورهای قانونی او را به مورد اجرا می گذارد و در غیاب رییس زندان یکی از معاونین به پیشنهاد وی و تصویب مدیر کل استان مسئولیت امور را به عهده خواهد داشت ماده ۲۹ - وظایف فرمانده قرارگاه زندان به شرح زیر است ۱- نظارت بر امور حفاظت فیزیکی زندان و تایید لوحه نگهبانی ، گشت و کنترل و تایید لوحه پاسداری ۲- نظارت بر حضور و غیاب پرسنل انتظامی زندان و اقدام لازم در این خصوص ۳- بازدید و بررسی وضع ظاهری کارکنان حاضر به خدمت در هنگام برگزاری مراسم صبحگاه و انجام وظیفه و ارائه آموزشها و تذکرات ضروری به آنها. ۴- نظارت در تمرین پرسنل نسبت به طرحهای دفاعی و امنیتی زندان با پرسنل ۵- بازدید از اماکن زندان و اسلحه و مهمات و تجهیزات و نظارت بر امر نظافت و نگهداری آنها. ۶- نظارت بر نحوه اعزام و انتقال زندانیان به مراجع قضایی و دیگر مراجع ۷- نظارت ، بررسی ، هدایت و راهنمایی مسوول نگهبانی و افسر آموزش و یگان عملیات و سایر عوامل کشیک و گشت در انجام وظایف محوله ۸- ابلاغ دستورات مقامات مافوق و بخشنامه های اداری و انتظامی به مأمورین مربوط و نظارت بر حسن اجرای آنها. ۹- عهده دار شدن امور در غیاب مسوول امور انتظامی ۱۰- تدوین ، ارائه و پیشنهاد طرحها و دستورالعمل های لازم در زمینه هر یک از موارد فوق در جهت بهبود امور جاری و تسهیل و تسریع کار برابر مقررات ۱۱- جلوگیری از وقوع هر گونه بی نظمی و نظارت بر تحقیقات اولیه و تشکیل پرونده و اعزام متهم یا متهمین به مراجع قضایی در وقت قانونی ۱۲- ارائه گزارش لازم از وقایع اتفاقیه به مقام مافوق . ۱۳- انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۰ - وظایف افسر نگهبان عبارت است از: ۱- حضور به موقع در محل خدمت و مطالعه مندرجات ۲۴ ساعت گذشته دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه به منظور پیگیری و اجرای دستورهای صادره از سوی مقام مافوق و اطلاع از وقایع مربوطه ۲- کنترل عوامل نگهبانی ، نظارت بر تحویل اسلحه و مهمات به آنان ، تطبیق نام آنان با لوحه نگهبانی ، اعلام پرسنل غایب به مقام مافوق و ثبت اسامی و مأمورین حاضر در دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه ۳- نظارت بر امور کمک افسر نگهبان مبنی بر اعزام به موقع عوامل نگهبانی به محل مأموریت ۴- تحویل و تحول امور نگهبانی با توجه به وقعات روز قبل ۵- تنظیم و ثبت وقعات و گزارشهای نهایی به صورت صحیح و بدون خط خوردگی و تراشیدگی و الحاق برابر دستورالعمل های صادره ۶- رسیدگی به پرونده های متشکله باقیمانده از نگهبانی قبل جهت تکمیل و به جریان انداختن و آماده نمودن آنها برای



ارسال به مراجع قضایی ۷- نظارت بر انجام وظیفه مأمورین اطلاعات درب ورودی و راهنمایی مراجعه کنندگان و نگهداری اشیای ممنوعه ارباب رجوع ۸- بازدید از عوامل نگهداری و اماکن انتظامی در طول مدت خدمت ۹- تقدیم گزارش از وضعیت حفاظت فیزیکی زندان در زمینه مشکلات، نواقص، ایرادات و نارسایی ها به فرمانده انتظامی در مدت نگهداری ۱۰- نظارت بر امور محوله داخلی بین پوسته دوم زندان مانند نظافت کلیه اماکن انتظامی، اطمینان از عدم وجود اشکال در ساختمان و تاسیسات ۱۱- تعیین افراد جیره بگیر، امور رفاهی مأمورینی که به طور شبانه روزی در زندان به سر می‌برند، وضعیت ظاهری و شئون اسلامی، رعایت موارد انضباطی و جلوگیری از حرکات یا اعمال سو مأمورین و نظارت بر اجرای برنامه های دسته جمعی از جمله نماز جماعت، سخنرانی و اجرای دستورات انضباطی و تنبیهی در مورد هر یک از کارکنان و ارائه گزارش نواقص، معایب مشهود در هر مورد به مقام بالاتر. ۱۲- اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه ۱۳- اعمال نظارت لازم بر بازرسی بدنی از زندانیان، ملاقات کنندگان و بازرسی دقیق وسایط نقلیه و سایر تجهیزات در هنگام ورود و خروج از زندان بدون استثناء. ۱۴- هدایت و نظارت کمک نگهبان در انجام وظایف و امور محوله ۱۵- ارائه گزارش سوانح و حوادث غیر مترقبه حادث شده به مقام مافوق در اسرع وقت ۱۶- اجرای کامل مقررات و آیین نامه های مربوطه و نظارت کامل در حسن جریان امور انتظامی و سرکشی و بازدید مرتب از اماکن مختلف پستی و ارتباط آنان با یکدیگر و به طور کلی برقراری نظم و آرامش در محدوده فیزیکی تحت مسوولیت و اعمال مراقبت دایم در مورد جلوگیری از ورود هر گونه سلاح سرد و گرم به زندان ۱۷- آمارگیری از کارکنان تحت امر به منظور آگاهی بر تعداد کارکنان موجود، غایب، در حال مرخصی، بیمار، فراری، منتسب و غیره و تنظیم آمار لازم و درج آن در دفتر نگهداری ۱۸- انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۱- مسوول بازدید و کنترل ورود و خروج افراد و وسایل موظف است علاوه بر امور محوله، اقدامات زیر را انجام دهد: ۱- بازرسی دقیق از وسایط نقلیه و اشیایی که به هر نحو به زندان وارد و یا خارج می‌شوند و جلوگیری از ورود و خروج اشیای ممنوعه ۲- بازرسی بدنی از زندانیان و مراجعین به هنگام ورود یا خروج از زندان و جلوگیری از ورود و خروج اشیای ممنوعه ۳- اجرای مقررات مربوط به ورود اشخاص به زندان ۴- تنظیم و ثبت دفتر ورود و خروج به زندان ۵- ارائه گزارش موارد تخلفات زندانی و ارباب رجوع و معرفی آنان به مسوول مربوطه ۶- کنترل ورود و خروج خودروها از حیث ثبت تاریخ و ساعت و شماره خودرو با نام راننده مربوطه و گرفتن کارت شناسایی معتبر از راننده و در مواقع ضروری گرفتن کارت ماشین ۷- تحویل تعرفه ملاقات (برگه ملاقات و تطبیق امضای ملاقات شونده با برگه ملاقات قبل از ورود به سالن ملاقات ۸- آموزش و راهنمایی کارکنان تحت مسوولیت در مواقع ضروری ماده ۳۲- وظایف سایر مسوولین و کارکنان در زندانها، بازداشتگاه ها، موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر موسسات و مراکز وابسته بر اساس شرح وظایف پست سازمانی مصوب خواهد بود. ماده ۳۳- ترک نگهداری، صحبت کردن در موقع نگهداری، خوابیدن و نشستن و خارج شدن از محوطه پاسگاه، غذا خوردن، استعمال دخانیات، انجام حرکاتی که باعث انصراف خاطر آنان از خدمت و مراقبت از زندانیان در تکالیف مقرر آنان شود ممنوع می‌باشد. نگهبانان باید طبق آیین نامه داخلی همیشه مجهز و ملبس به لباس رسمی و تمیز و مرتب بوده، مواقعی که در داخل زندانها مأموریت داشته باشند بدون اسلحه انجام وظیفه نمایند. اسلحه، مهمات و تجهیزات زندان باید در پوشش خارج بند در جای امن و مستحکم نگهداری شود. هنگامی که نگهبانان زندانی را طبق دستور رسمی و کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی برای محاکمه یا بازپرسی یا انتقال به زندان یا محل دیگر، از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشند و در طول راه حق توقف و مذاکره و حرف زدن با متهم و دیگران را ندارند و مکلفند زندانی را برابر مقررات مربوط تحت مراقبت کامل از جای خلوت مستقیماً به مرجع احضار کننده بدرقه نموده پس از انجام کار او را بلافاصله و به همان نحو مستقیماً به زندان عودت داده به افسر نگهبان خارج تحویل نمایند. نگهبانان به هنگام نگهداری، بدرقه و حفاظت زندانیان از ادای احترامات معاف خواهند بود. اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با به کار بردن تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود

سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هر گاه باز هم توقف ننمود، با رعایت اطراف وجوانب و توجه به این که باعث قتل یا جرح کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچاری با نشانه گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید. هر گاه نگهبان بدون اجازه رسمی و کتبی مقامات مربوط از بازداشت هر زندانی، اطلاعی به خارج از زندان داده یا اطلاعات و پیامها و نوشته‌ها یا اجناس و اشیایی از طرف زندانیان به خارج برساند یا از خارج برای آنان بیاورد به نسبت اهمیت تخلف تحت تعقیب قرار خواهد گرفت نگهبان در مواقعی که خلافی از یک نفر زندانی مشاهده نماید بدون این که حق داشته باشد او را مجازات یا حتی ملامت کند بایستی مراتب را با ذکر جزئیات امر کتبا به افسر نگهبان گزارش دهد چنانچه در مقام رسیدگی خلاف گزارش وی ثابت شود مواخذه خواهد شد. تبصره - تخلف از مقررات ماده فوق علاوه بر تعقیب قانونی موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده ۳۴ - رییس دفتر زندان مکلف است در حسن جریان کلیه امور مربوط به دبیرخانه و یا بایگانی و تقویم و ابلاغ و اجرای احکام، نظارت کامل داشته و مراقبت نماید تا کارهای جاری بدون وقفه و تاخیر و به موقع انجام شده، پاسخ نامه های رسیده در اسرع وقت تهیه و به مقصد ارسال شود، کلیه نامه ها و احکام و قرارهای رسیده در دفاتر مربوطه ثبت، پس از ابلاغ به زندانیان و اجرای مفاد آن در پرونده مربوطه به هر زندانی درج و بایگانی گردد. بدیهی است نتیجه اجرای حکم را به مرجع قضایی مربوطه ارسال خواهد نمود. دفاتر داخلی هر زندان عبارتند از: دفتر نامه‌ها و احکام و قرارها - دفتر ثبت اسامی زندانیان - دفتر حضور و غیاب زندانیان - دفتر تقویم و احتساب محکومیت ها با تعیین تاریخ دقیق آزادی زندانیان - دفتر ثبت اسامی زندانیان پیشینه دار - دفتر ثبت احضاریه ها - دفتر آزادی زندانیان - دفتر ورود و خروج زندانیان - دفتر ملاقات تبصره ۱ - نظارت کامل در اجرای محکومیت های نقدی زندانیان در زندانها از وظایف خاصه مسوول اجرای احکام هر زندان می باشد. تبصره ۲ - زندانهایی که مجهز به سیستم رایانه می باشند کلیه اقدامات دفتری فوق از طریق رایانه انجام می گیرد. ماده ۳۵ - مسوول شعبه اموال و انبار که صاحب جمع اموال زندان شناخته می شود مکلف است طبق مقررات آیین نامه مربوط در محافظت و نگهداری اثاثیه و اموال دولتی و لوازم و اشیاء و اسناد متعلق به زندانیان مراقبت و اهتمام شایسته به عمل آورده و وظایف مشروح زیر را انجام دهد: - پیش بینی و اقدام بموقع و لازم در تهیه و تدارک اثاثیه و ملزومات و مایحتاج داخلی زندان از قبیل لباس و پوشاک مأمورین و زندانیان، تامین احتیاجات مربوط به سوخت و روشنایی و استحمام و نظافت و بهداشت زندانیان و امکان زندان و هر گونه ضروریات دیگر. - جلوگیری از تفریط و تضییع و حیف و میل اموال و اثاثیه دولتی و لوازم شخصی زندانیان و اشیایی که به طور امانت می سپارند. - تهیه و تنظیم دفاتر مربوط به ثبت نامه های اداری - وصول و تحویل اموال و ملزومات و اشیای دولتی، نوشت افزار اداری، ملبوسات دولتی زندانیان و مأموران زندان - ثبت اموال و اثاثیه دولتی بر طبق نمونه رسمی و منطبق با مقررات این نامه اموال دولتی - ثبت درخواستهای مربوط به تهیه اشیای و لوازم مورد احتیاج - ثبت البسه و لوازم شخصی و اسناد عادی و قیمتی زندانیان و هر چیزی که زندانی موقع ورود به زندان با خود دارد، در دفاتر مربوطه - تفکیک و نگهداری کیسه های محتوی لباس و اشیای زندانیان به ترتیب شماره ردیف ( لباس و لوازم شخصی هر زندانی به محض ورود او به زندان باید به وسیله متصدی انبار نظیف و ضد عفونی شده در کیسه مخصوص با ذکر شماره در برگ صورت مجلس تنظیمی تحویل و تحول که یک نسخه آن با قبض انبار به زندانی تسلیم می شود لفاف شده و در حفظ و حراست آن از گزند موش و بید و آفات دیگر دقت و مراقبت کافی به عمل آید) - تنظیم اسناد و درخواست رسمی برای تهیه و تدارک اجناس مورد لزوم به امضاء و گزارش رییس زندان و مقامات مالی مربوط - مراقبت در نظافت و حفاظت کامل اموال دولتی و امکانات زندانیان - دقت و مراقبت کافی در تحویل صحیح و سالم امانات زندانیان در موقع آزادی یا انتقال آنان و ارسال صورت مجلس تنظیمی با امضای زندانی به دفتر زندان ماده ۳۶ - ادارات و دوایر و شعب مددکاری و خدمات اجتماعی در جهت شناخت شخصیت زندانیان و کشف و حل معضلات و مشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان تحقیقات و اقدامات لازم را نموده و یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط در پرونده شخصیت زندانی به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره

متبوع خود تسلیم می نماید. مدد کاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد زندانی برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم به عمل آورند. ماده ۳۷- وظایف مسوولان فرهنگی و تربیتی زندانها (به منظور تحقق اهداف اصلاحی و تربیتی به شرح زیر می باشد: الف- ایجاد ارتباط میان مسوولان زندانها با سازمانها و دوائر دولتی و موسسات خصوصی و مراکز و شخصیت‌های علمی و مذهبی واجتماعی ب- تنظیم برنامه بازدید از زندانها و موسسات دیگر با رعایت مقررات پیش بینی شده در این آیین نامه. ج- برنامه ریزی به منظور موعظه مذهبی و تعلیم مبانی عقیدتی و دینی و اخلاقی در جهت تهذیب و تزکیه نفس زندانیان د- اقدامات لازم در جهت حل مشکلات روحی و تسکین درونی و ایجاد امید به اصلاح و زندگی صحیح اجتماعی در زندانیان ه- اجرای برنامه‌های عبادی از جمله نماز، آموزش قرآن و سایر برنامه‌های فرهنگی و مذهبی و- اجرای برنامه‌های آموزشی، هنری، حرفه آموزی، ورزشی و رفتاری زندانیان ز- نشر فرهنگ کتابخوانی و هماهنگی های لازم به منظور ایجاد کتابخانه و تامین کتب و نشریات مجاز. ح- جلب مشارکتهای مردمی در اجرای برنامه‌های فرهنگی و تربیتی و ایجاد نمایشگاه های مربوطه تبصره- روسای زندانها مکلفند در جهت اجرای وظایف فوق ضمن همکاری های لازم موانع احتمالی را برطرف نمایند. ماده ۳۸- روانشناسان زندان موظفند با همکاری مددکاران و بخش معاونت امور فرهنگی و تربیتی و ملاحظه پرونده شخصیتی زندانیان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاری های روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم برای ایجاد سازگاری و عنداللزوم درمان آنان به عمل آورند. ماده ۳۹- مسوول بهداری زندان موظف است با همکاری متخصصین مربوطه از قبیل روانپزشک، پزشک و یا روانشناس نسبت به بستری کردن بیماران روانی به منظور معالجه آنان اقدام نموده در صورتی که عارضه بیماری مشارالیه منجر به جنون یا اختلال مشاعر تشخیص داده شود مراتب را در اسرع وقت از طریق رییس زندان به پزشکی قانونی جهت اعلام نظر و اطلاع به مقامات قضایی گزارش نموده و عندالاقضا برای انتقال و معالجه آنان در یک موسسه درمانی و تامینی تدابیر شایسته قانونی را اتخاذ نماید. ماده ۴۰- مراقبین موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی موظفند ضمن اجرای دستوراتی که از طرف رییس موسسه به آنان ابلاغ می شود، در روز حداقل دوبار صبح و عصر از زندانیان سرشماری و حضور و غیاب به عمل آورده و ضمن گشت، زندانیان مشغول به کار را تحت نظر گرفته و از هر گونه تماس آنان با افراد خارج و یا خروجشان از محوطه موسسه یا فرار آنان جلوگیری کنند و در صورت بروز حادثه یا مشاهده هر گونه تخلف فوراً طبق مقررات این آیین نامه اقدام و مراتب را به رییس موسسه گزارش نمایند. ماده ۴۱- محکومان در طول اقامت در زندان و یا موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و یا اقامت در موسسات اقدامات تامینی و تربیتی از حیث تحولات حاصله در خصوصیات اخلاقی و مذهبی و تشخیص سلامت بدنی و روحی تحت مراقبت و بررسی متخصصین زندان یا موسسه مربوطه قرار خواهند داشت تبصره- انجام اقدامات مقرر در این ماده در بازداشتگاه ها نیز حسب مقدمات اعمال خواهد شد.

### بخش دوم - مقررات عمومی

#### فصل اول - پذیرش تشخیص و طبقه بندی ( ماده ۴۲ تا ۶۵ )

ماده ۴۲- در هر زندان یا موسسه صنعتی، کشاورزی و خدماتی هر ماه یک بار کمیسیونی با مسئولیت رییس زندان، موسسه و یا نماینده وی و با شرکت متخصصین روانشناسی، مددکاری، فرهنگی، تربیتی و در صورت لزوم کارشناسان ذی صلاح دیگر تشکیل و خلاصه نظرات کمیسیون مزبور نسبت به زندانی در پرونده شخصیت او منعکس می گردد. تبصره- روسای زندانها و موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی مکلف هستند در صورت درخواست مقامات قضایی ذی ربط، مستخرجه ای از پرونده شخصیت

زندانی را تهیه و ارسال دارند. ماده ۴۳- واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش ، بررسی و شناخت شخصیت زندانیان که زیر نظر مسئول مربوطه انجام وظیفه می نماید. تبصره - در صورت لزوم واحد پذیرش و تشخیص به صورت جداگانه خواهد بود.

ماده ۴۴- پذیرش زندانی از زمانی آغاز می گردد که متهم یا محکوم به موجب برگ رسمی به امضا و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم ، متضمن مشخصات کامل متهم یا محکوم (شهرت - نام - نام پدر - سن - شماره شناسنامه - شغل - نوع جرم و اتهام یا محکومیت - نوع و میزان مجازات - شماره قرار یا حکم - تاریخ شروع بازداشت وسیله مأمور شناخته شده قبلی که باید کارت شناسایی رسمی ملصق به عکس خود را ارائه دهد به بازداشتگاه یازندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می گردد. تبصره ۱ - عدم ذکر نام و نام خانوادگی ، نام پدر ، نوع اتهام ، شماره قرار و نیز عدم مهر و امضای مقام قضایی و قانونی ، موجب عدم پذیرش زندانی خواهد بود مگر در مواردی که به ولگردی یا بی هویتی و امثال آن تصریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی به هر نحو ممکن مشخصات دقیق وی را به دستاورده و در سوابق ثبت کند. تبصره ۲ - سازمان موظف است فهرست مقامات صلاحیتدار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمین یا محکومین به زندان می باشند به ادارات کل زندانها اعلام نماید. ماده ۴۵ - از هر زندانی به محض ورود در قسمت پذیرش و تشخیص توسط مأمورین نیروی انتظامی انگشت نگاری و عکاسی به عمل می آید و پس از تنظیم دو برگ انگشت نگاری ( یک برگ برای زندان و یک برگ برای ارسال به مراکز اسناد قانونی برای تعیین پیشینه با ذکر شماره عکس زندانی به انضمام مدارک رسمی نسبت به تحویل زندانی اقدام می گردد و علاوه بر شماره کلاسه دفاتر ثبت کل و ثبت قرارها و محکومیت ها ذکر شماره عکس نیز در کلیه مکاتبات مربوط به بازداشتی ها و محکومان الزامی است تبصره ۱ - هر زندانی مکلف است هنگام ورود مشخصات صحیح و کامل خود را به واحد پذیرش اعلام نماید و در صورت ارائه مشخصات غلط طبق مقررات این آیین نامه تنبیه انضباطی خواهد شد. اعلام مشخصات صحیح به مرجع بازداشت کننده نیز الزامی است تبصره ۲ - زندانی هنگام ورود باید حداقل یک نفر را معرفی نماید که در صورت بروز هر گونه اتفاقی برای وی در اسرع وقت به فرد مذکور اطلاع داده شود. ماده ۴۶ - در زندانها باید دفاتر ثبت کل حاوی نکات زیر ، صفحه بندی و به امضا و مهر رییس زندان رسیده و مشخصات زندانی به محض ورود و قبل از تحویل او به زندان به شرح زیر در آن ثبت شود (ذکر هویت کامل متهم یا محکوم ، شامل نام و نام خانوادگی کنونی و قبلی ، نام مستعار ، لقب ، نام پدر و مادر ، وضع خانوادگی ، جنسیت ، مذهب ، تابعیت ، شغل ، سن ، وضعیت تاهل ، میزان سواد ، پیشینه کیفری ، شماره عکس ، علایم مخصوص بدنی ، نوع اتهام یا محکومیت ، نوع قرار یا مجازات ، مدت محکومیت ، تاریخ شروع بازداشت ، تاریخ آزادی از زندان ، شماره قرار یا حکم ، مرجع صدور قرار یا حکم ، نشانی دایم ، شماره تلفن ، شماره و محل صدور شناسنامه ) صحت انطباق مشخصات فوق با زندانی معرفی شده باید در ذیل معرفی نامه به وسیله مأمور مراقب و آورنده نامه زندانی تایید و پس از ثبت مراتب در دفتر ثبت کل صحت آن به امضای زندانی معرفی شده در ستون آخر دفتر مذکور گواهی شود. ماده ۴۷ - پس از ثبت مشخصات کامل زندانی در دفاتر (دفاتر مذکور در ماده ۳۳) برای هر زندانی به ترتیب شماره دایمی عکس پرونده تشکیل می گردد و کارت شناسایی ملصق به عکس همچنین کارت بایگانی به ترتیب حروف الفبا تهیه و در ردیف مربوطه نگهداری می گردد. ماده ۴۸ - شماره مکاتبات اداری درباره زندانی به این شرح خواهد بود: متهمان (شماره ردیف ، شماره عکس ، بزه مورد اتهام ، شماره مربوط به نوع بزه ، شماره ترتیب دفتر ثبت کل ، علامت ممیزه زندان ) محکومان (شماره ردیف ، شماره عکس ، بزه مورد حکم ، شماره مربوط به نوع بزه مورد محکومیت ، شماره ترتیب دفتر ثبت کل ، علامت ممیزه زندان ) ماده ۴۹ - کلیه پرونده های زندانیان اعم از متهم یا محکوم بایستی ملصق به عکس و حاوی برگ انگشت نگاری و شرح حال و خلاصه پیشینه شخصی ، خانوادگی ، اجتماعی و کیفری آنها به امضای مسئول بایگانی زندان باشد. ماده ۵۰ - برای هر زندانی کارت شناسایی ملصق به عکس شامل مشخصات کامل به شرح مندرج در ماده ۴۴ تهیه و در هر گونه نقل و انتقالی به عنوان معرف و مبین مشخصات زندانی مورد استناد و استفاده لازم قرار

می‌گیرد. ماده ۵۱- رییس زندان یا جانشین او مکلف است هر روز اول وقت اداری از زندانیان تازه وارد بازدید نموده و الزام اجرای مقررات و مراعات نظم و انضباط را در محیط بازداشتگاه و زندان به آنان تفهیم و دفترچه راهنمای مقررات و وظایف زندانیان را بین آنها توزیع نماید. ماده ۵۲- در صورت فقدان منع قانونی، هر زندانی می‌تواند در اسرع وقت به وسایل ممکن به یکی از نزدیکان مورد اعتماد خود اطلاع دهد که در زندان حضور یافته نسبت به تحویل اشیا و لوازم شخصی او با حضور خود زندانی اقدام نماید، در هر نوبت صورتمجلس تحویل و تحول بایستی در دفاتر نگهداری و انبار زندان یا بازداشتگاه و پرونده زندانی ثبت شود. ماده ۵۳- هر گاه زندانی کتبا تقاضا نماید که اشیا و لوازم شخصی خود را به وسیله پست سفارشی یا به وسیله مطمئن دیگر برای یکبار بستگان خویش ارسال دارد نسبت به بسته بندی و لاک و مهر آن با تنظیم صورتمجلس به امضای خود زندانی و مسئول امور نگهداری و انباردار حاوی مشخصات و جزئیات و تعداد محتویات بسته اقدام می‌گردد. هزینه بسته بندی و حمل آن به عهده زندانی می‌باشد. ماده ۵۴- در صورتی که زندانی نتواند شخص مطمئن را برای تحویل دادن اسناد و اشیا و لوازم شخصی و قیمتی خود معرفی نماید، تعیین تکلیف و محل و نحوه سپردن و نگهداری آن در محلی غیر از زندان از قبیل صندوق امانات پستی یا یکی از بانکها و غیره موکول به تقاضای کتبی زندانی خواهد بود. هزینه نگهداری به عهده زندانی است ماده ۵۵- هنگام انتقال زندانی به زندان دیگر باید تشریفات تحویل و تحول و بسته بندی لوازم و اشیا دیگر او با تنظیم صورتمجلس و ثبت مراتب در دفاتر نگهداری و انبار کاملاً انجام شده و یک نسخه از صورتمجلس به همراه زندانی به زندان مقصد ارسال شود. ماده ۵۶- زندانیان مجاز هستند در زندان فقط از لوازم و اشیا شخصی زیر استفاده نمایند در غیر این صورت طبق نظر شورای انضباطی با آنها برخورد خواهد شد. کتاب و نشریات مجاز، خمیر دندان و مسواک غیر فلزی، جای صابون غیر فلزی، صابون و شامپو، ابر حمام، شانه غیر فلزی، دو عدد حوله کوچک، دو جفت جوراب، لباس زیر بنا به ضرورت بهداشتی، نوشت افزار (کاغذ، پاکت، مداد، خودکار) عینک طبی و لوازم بهداشتی دیگر با اجازه بهداری زندان، ناخن گیر فاقد چاقو، ماشین اصلاح دستی، رادیو یک موج باطری دار. ماده ۵۷- به استثنای لوازم مذکور در ماده فوق نگهداری و استفاده از اشیا دیگر موکول به پیشنهاد رییس زندان و تصویب مدیر کل استان می‌باشد. ماده ۵۸- زندانی حق آوردن لوازم و ابزار کار از کارگاه و آموزشگاه رابه داخل زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده ۵۹- در هر زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت زندانیان و طبقه بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می‌گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده شخصیتی زندانی به شرح مواد بعدی به عهده این قسمت است ماده ۶۰- محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشهای پزشکی، روانپزشکی، آزمونهای روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی، معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان از جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می‌گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرمهای تنظیمی که بر اساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می‌شود در خصوص سوابق زندگی تحقیقات لازم به عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم ازدوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیط های مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرفه‌ای و غیره را با اظهار نظر خود تهیه می‌نمایند. در انقضای مدت اقامت زندانی در قسمت پذیرش و تشخیص، کلیه گزارشهای متخصصین در پرونده او متمرکز می‌شوند تا در شورای طبقه بندی مطرح شود. ماده ۶۱- در هر زندان شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه بندی زندانیان تشکیل می‌شود: مسئولین واحدهای قضایی، فرهنگی، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوطه، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می‌نماید با انتخاب رییس زندان تبصره ۱- قاضی ناظر زندان می‌تواند در جلسات شورای طبقه بندی شرکت نماید. تبصره ۲- شورای طبقه بندی در اتخاذ تصمیمات مربوط به زندانیان حتی الامکان نظر واحد حفاظت و اطلاعات زندان را اخذ می‌نماید. تبصره ۳- انتخاب رییس شورا و تایید مصوبات آن به عهده رییس زندان است ماده ۶۲- شورای طبقه بندی در موارد زیر اتخاذ تصمیم می‌نماید: الف- تعیین و تقسیم محل استقرار زندانیان ب- اشتغال یا عدم اشتغال به کار زندانیان در مراکز اشتغال داخل و یا

خارج زندان ج - اظهار نظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو زندانیان با رعایت مقررات مربوطه تبصره ۱ - اشتغال به کار زندانیان در خارج از محوطه زندان مستلزم کسب موافقت مرجع قضایی مربوطه خواهد بود. تبصره ۲ - نقل و انتقال زندانی در داخل زندان در اختیار رییس زندان می باشد. ماده ۶۳ - شورای طبقه بندی هفته ای یک بار تشکیل و با حضور اکثریت اعضای رسمیت می یابد ، تصمیمات شورا با اکثریت آرا قطعی و قابل اجراست در صورت لزوم به دعوت رییس زندان جلسه فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۶۴ - مدیر کل استان یا رییس زندان با تصویب شورای طبقه بندی و به منظور تشویق زندانیان پیشنهاد عفو یا آزادی مشروط آنها را به مراجع مندرج در بندهای ل و م ماده ۲۰ این آیین نامه تقدیم می دارند. تبصره - اشتغال به کار زندانیان در صورت عدم ممنوعیت در حکم ، پس از تصویب شورای طبقه بندی خواهد بود. ماده ۶۵ - زندانیان حسب سابقه ، سن ، جنسیت ، نوع جرم ، تابعیت ، مدت مجازات ، وضع جسمانی و روانی و چگونگی شخصیت و استعداد به یکی از قسمتهای زندان یا موسسات تامینی و تربیتی معرفی می گردند. تبصره - زندانیان زن می توانند اطفال خو را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. روسای زندانها می توانند در هر زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ سال تا ۶ سال در محل مجزا (مهدکودک اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا موسسات نگهداری اطفال مبادرت نمایند.

### فصل دوم - امور داخلی ، برنامه های روزانه ، تغذیه و بهداشت ( ماده ۶۶ تا ۱۱۷ )

ماده ۶۶ - در صورت امکان به هر زندانی یک اتاق با وسایل لازم داده می شود و هر گاه زندانیان به طور دسته جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بخصوص به هنگام خواب به عمل آورده و مخصوصا در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره آنان اعمال گردد. ماده ۶۷ - لوازم آسایشگاه برای هر زندانی عبارت است از: تختخواب ، تشک ، بالش ، دوتخته پتو ، ملحفه برای پتو و تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه زندانی ممنوع است ماده ۶۸ - زندانیان مکلفند در حفظ و نگهداری و نظافت کامل لوازم زندان مراقبتهای لازم به عمل آورند. ماده ۶۹ - زندانی به هیچ وجه حق روشن کردن آتش و استفاده از چراغ های خوراک پزی و نگهداری نفت و بنزین و وسایل برقی و سایر مواد محترقه را در داخل زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده ۷۰ - برنامه روزانه زندانها و بازداشتگاهها بایستی بدون تبعیض و استثنا درباره کلیه زندانیان یکسان به مورد اجرا گذاشته شود. برنامه زندانها و بازداشتگاه ها به شرح زیر است اذان صبح ، بیدار باش و تا طلوع آفتاب انجام فرایض دینی و استحمام و نظافت آسایشگاه و انجام امور شخصی ، طلوع آفتاب ورزش اجباری صبحگاهی ، صرف صبحانه و سپس شرکت در کلاس ها یا کارگاه ها ، ظهر تا ۲ بعدازظهر انجام فرایض دینی و صرف نهار و استراحت ، ۲ بعدازظهر به بعد شرکت در کلاسها یا کارگاهها ، مغرب بجای آوردن فرایض دینی شام و ساعت ۲۲ خاموشی تبصره - در صورتی که تلویزیون برنامه آموزشی مفیدی برای زندانیان داشته باشد ریاست زندان می تواند خاموشی را تا پایان برنامه تلویزیون به تاخیر اندازد. ماده ۷۱ - بیماران و افراد سالخورده با صدور گواهی معذوریت از طرف پزشک زندان و تایید آن توسط مسئول بهداشتی برای مدتی که در گواهی تصریح می گردد از اجرای برنامه های روزانه معاف خواهند بود. ماده ۷۲ - در موقع امتحانات بنا به ضرورت ، برای مطالعه و به منظور تشویق زندانیان با کسب اجازه کتبی از مسئول زندان ، استفاده از روشنائی با رعایت سکوت کامل بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران مجاز می باشد. ماده ۷۳ - پس از خاموشی باید در محوطه زندان سکوت کامل برقرار باشد. همچنین در موقع کار و تحصیل و گردش و ورزش و تفریحات سالم و انجام وظایف جاری رعایت نزاکت و ادب و احترام و متانت در گفتار و کردار و رفتار در همه جا و تمام ساعات شبانه روز الزامی است ماده ۷۴ - فریاد زدن ، آواز خواندن با صدای بلند ، جر و بحث و گفتگو های تند که مخل امنیت زندان گردد ، مشاجره و ارتکاب هر عمل فردی یا دسته جمعی که نظم و

آرامش داخل زندان را مختل سازد ، صحبت و اشاره کردن به هر نحوی از انجا از پنجره های زندان با خارج مطلقاً ممنوع است ماده ۷۵- بازدید بدنی و لوازم همراه زندانیان هنگام ورود و خروج به زندان و آسایشگاه به هر علتی ، الزامی است ماده ۷۶- زندانیان باید مطابق موازین اسلامی تحت نظارت مراقبین مسئول امور تربیتی زندان بوده و از آنان حداقل روزی دو نوبت صبحها قبل از شروع ورزش و شبها موقع ورود به آسایشگاه سرشماری به عمل آید. ماده ۷۷- محل کار و آسایشگاه و اشیای زندانی مطابق دستورریس زندان یا جانشین او بازرسی می شود. تمرد یا مقاومت در برابر مأموران بازرسی و سرپیچی از اجرای دستور آنها موجب تنبیهات انضباطی متمرّد خواهد شد. ماده ۷۸- برای حفظ آرامش و امنیت داخل زندان و بازداشتگاه باید حداقل ماهی یکبار کلیه اماکن و لوازم و اشیای زندانیان به وسیله گروهی با انتخاب رییس زندان یا جانشین او و تحت تعلیم و نظارت آنان بازرسی شود و با تنظیم صورتمجلس گزارش کار به طور مرتب در پوشه مخصوص بازرسی زندان یا بازداشتگاه بایگانی شود. ماده ۷۹- میخ زدن یا نوشتن روی دیوارهای زندان یا بازداشتگاه ، ترسیم و نقاشی و الصاق عکس و هر گونه نوشته ای در آسایشگاه ممنوع است مگر در موارد خاص با اجازه رییس زندان ماده ۸۰- دست زدن زندانیان به سیم کشی و تغییر محل لوازم الکتریکی یا تعویض آن به وسیله زندانیان در زندان و بازداشتگاه به کلی ممنوع است ماده ۸۱- زندانی باید هر روز صبح قبل از خروج از آسایشگاه نسبت به نظافت اطاق و لوازم آن و مرتب کردن رختخواب خود اقدام نماید. آویزان کردن لباس و لوازم شخصی در آسایشگاه ممنوع است بدین منظور اشکافهای مخصوص تهیه و در اختیار زندانیان قرار می گیرد. ماده ۸۲- استعمال دخانیات در اماکن مسقف مطلقاً ممنوع است ، مسئولین مربوطه در زندان مکلفند تمهیدات لازم جهت ترک سیگار را فراهم نمایند. ماده ۸۳- زندانیان مجاز به نگهداری و همراه داشتن پول در زندان نمی باشند و جهت رفع نیازمندی ها و احتیاجاتشان مسئولین زندان مکلفند با استفاده از روشهای قابل اجرا تمهیداتی را فراهم نموده تا زندانیان بتوانند از محل موجودی خود نسبت به خرید از فروشگاهها و تهیه سایر مایحتاج خود اقدام نمایند. دستورالعمل موضوع این ماده از سوی سازمان به اداره کل زندانها ابلاغ خواهد شد. تبصره - در صورت کشف وجوه نقدی و اوراق بهادار چنانچه زندانی ، از وجه نقد استفاده های نامشروع ، از قبیل قماربازی و دادن رشوه نماید ، وجوه مذکور توقیف و مراتب طی گزارشی به مرجع قضایی ارسال می گردد و چنانچه استفاده های نامشروع از آن به عمل نیامده باشد ضمن طرح موضوع در شورای انضباطی وجوه مزبور به حساب وی منظور گردیده و در مورد اوراق بهادار حسب مورد تصمیم قانونی اتخاذ می گردد. ماده ۸۴- در صورت کشف اشیای ممنوعه چنانچه صرف نگهداری آنها جرم باشد ، موضوع طی گزارشی به مرجع قضایی جهت اتخاذ تصمیم ارسال می گردد و در غیر این صورت ضمن طرح در شورای انضباطی تا پایان مدت حبس اشیای مذکور توقیف و نگهداری و یا طی صورتجلسه تحویل خانواده زندانی می شود. ماده ۸۵- مواد مذکور دو ماده فوق در سه نسخه صورتجلسه شده یک نسخه نزد مرجع قضایی مربوطه و یک نسخه در پرونده زندانی بایگانی و نسخه دیگر به زندانی تحویل می گردد. ماده ۸۶- پوشیدن لباس مخصوص زندانی ، برای زندانیان الزامی نیست مگر به تشخیص رییس زندان تبصره - در مواردی که پوشیدن لباس مخصوص زندانی الزامی باشد ، رنگ و شکل لباس زندانیان در سراسر کشور متحدالشکل بوده و بر حسب فصول و مناطق مختلف و چگونگی و میزان آن از سوی سازمان تعیین خواهد شد. در اینگونه موارد زندانیان می توانند با کسب اجازه از رییس زندان بر حسب ضرورت پزشکی و بهداشتی از البسه زیر شخصی و یا لباس اضافی و کراست طبی استفاده نمایند و این عمل نباید وضع شکل لباس مخصوص زندان را تغییر دهد. ماده ۸۷- به تشخیص دایره مددکاری از سوی زندان سالیانه به زندانیان نیازمند به میزان مناسب لباس داده شده و مایحتاج بهداشتی ضروری زندانیان نسوان نیز تامین می شود. تبصره - استفاده از بند شلوار و کمربند و نظایر آن بجز (هنگام شرکت در برنامه های ورزشی که از سوی سازمان مجاز تشخیص داده می شود ممنوع می باشد. ماده ۸۸- برنامه غذایی زندانیان به تناسب فصول سال به وسیله مدیر کل هر استان تصویب و به زندانها ابلاغ می گردد. ادارات مالی و تدارکاتی و انبارهای زندان بر طبق برنامه تنظیمی نسبت به تامین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه و دقت در مرغوبیت نوع آن اقدام می نمایند. تبصره -

مدیران کل استانها می‌بایست با توجه به شرایط و احتیاجات اقلیمی هر محل نسبت به تغییرات برنامه غذایی در محدوده اعتبار مصوب اقدام نمایند. ماده ۸۹- غذای روزانه در سه وعده به ترتیب زیر به زندانیان داده می‌شود: صبحانه، نهار، شام و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامین های کافی باشد طبق برنامه‌های غذایی مصوب و متناسب با شرایط آب و هوا در هر محل با چای و آب آشامیدنی سالم در اختیار زندانیان گذارده می‌شود. در تهیه وسایل ضروری برای جلوگیری از فساد مواد اولیه خواروبار و در نظیف ظروف و محوطه آشپزخانه از طرف مسئولان مربوطه اهتمام کافی و مستمر به عمل آید. تبصره ۱- زندانیان باید غذای خود را در صورت امکان در سالن غذاخوری زندان صرف نمایند. تبصره ۲- زندانیان بیمار طبق برنامه و نظریه پزشک معالج در مدتی که برای آنان تعیین شده است از غذای مخصوص بهداری استفاده خواهند نمود. ماده ۹۰- برنامه روزانه زندانیان و برنامه غذایی آنان در ماه مبارک رمضان از سوی سازمان اعلام خواهد شد. ماده ۹۱- حداقل برنامه غذایی عبارت است از: نان و پنیر و چای برای صبحانه و نهار یا شام، سبزیجات تازه یا خشک، برنج، سیب زمینی، پیاز، حبوبات، انواع لبنیات، تخم مرغ و میوه فصل می‌باشد و در هر هفته حداقل سه بار به زندانیان نهار یا شام با گوشت داده می‌شود. تبصره - نوع غذا برای کلیه زندانیان هر زندان یکسان طبخ و توزیع می‌گردد. ماده ۹۲- لوازم غذاخوری برای هر زندانی عبارت است از: بشقاب - کاسه - لیوان و قاشق (در صورت امکان از جنس ملامین) ماده ۹۳- نظافت آشپزخانه، سالن غذاخوری، شستشو و خشک کردن ظروف و لوازم آنها بدون تبعیض و استثنا طبق برنامه زندان به عهده کلیه زندانیان می‌باشد. ماده ۹۴- در داخل زندانها به اندازه احتیاج با سرمایه بنگاه تعاون، حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور و یا زندان، فروشگاه های لازم تاسیس و رییس زندان از نظر حفاظت و مسئولیتی که به عهده دارد بر آنها نظارت خواهد داشت تبصره ۱- تعیین اجناس و مواد مجاز برای فروش در فروشگاههای زندان با توجه به ضرورت حفظ بهداشت و امنیت داخلی زندان با رییس زندان و تعیین نرخ حسب مورد با بنگاه تعاون، حرفه آموزی و صنایع زندانیان کشور یا زندان است تبصره ۲- اجناس و لوازم فروشگاه های زندان باید به قیمت عادلانه روز بوده و در صورت وجود اجناس تعاونی الزاما قیمت تعاونی فروخته شود. تبصره ۳- صورت ریز مواد و اجناس موجود به نرخ عادلانه به امضای مسئول فروشگاههای زندان در تابلویی که به همین منظور در مدخل فروشگاه نصب می‌گردد درج و در معرض دید مشتریان گذارده می‌شود. تبصره ۴- روسای زندانها مکلفند نظارت کامل بر نرخ اجناس داشته باشند و چنانچه تخلفی صورت گیرد متخلفین را به مراجع مربوطه معرفی نمایند. ماده ۹۵- زندانیان و ملاقات کنندگان می‌توانند اقلام مورد نیاز خود را از فروشگاههای داخل زندان تهیه نمایند. مگر این که زندانی به علت تنبیه انضباطی یا دستور پزشک از این امر منع گردیده باشد. تبصره - فروش لوازم تجملی و مواد محرکه و دارو و وسایل برقی در فروشگاههای زندان ممنوع است ماده ۹۶- وضع اماکن زندان عموما و آسایشگاه زندانیان خصوصا باید منطبق با اصول بهداشتی باشد. ماده ۹۷- نظافت داخل آسایشگاه، راهروها، حیاط هواخوری، سرویس ها، سالن اجتماعات، نمازخانه، کتابخانه، کارگاه ها و موسسات صنعتی، کشاورزی و خدمات و امثال آن تحت برنامه ریزی و نظارت زندان به عهده زندانیان است اجیر کردن زندانی توسط زندانی دیگر به هر نحو ممنوع است تبصره - با زندانیان بیمار و سالخوردگان و کسانی که قادر به انجام کارهایی از قبیل موضوع ماده فوق نباشند وفق ماده ۷۱ رفتار خواهد شد. ماده ۹۸- بهداری زندان مکلف است حداقل ماهی یکبار نسبت به تست پزشکی کلیه زندانیان اقدام نماید. ماده ۹۹- حتی الامکان باید ترتیبی اتخاذ شود که احتیاجات درمانی و بهداشتی زندانیان بیمار در داخل زندان تامین شود تا به انتقال زندانی به خارج از زندان نیازی نباشد. معهذا در موارد ضروری خروج زندانی از زندان برای معالجه بایستی با تایید بهداری زندان و اجازه رییس زندان و موافقت قاضی ناظر زندان باشد. در موارد فوری زندانی بیمار به دستور پزشک یا بهداری زندان و اجازه رییس زندان یا جانشین او به بیمارستان اعزام می‌گردد و مراتب باید در اسرع وقت کتبا به مرجع قضایی ذی صلاح گزارش شود. تبصره - مراجع قضایی و مسئولین زندانها موظفند وضع زندانیان بیمار صعب العلاج یا غیر قابل علاج را رسیدگی و حسب مورد مطابق مقررات به آنان مرخصی اعطا یا با رعایت سایر مقررات مربوطه از



طریق عفو یا آزادی مشروط موجبات آزادی آنان را فراهم نمایند. ماده ۱۰۰ - هزینه درمان عوارض و بیماریهایی که ضرورت یافوریت درمان ندارند و یا در اثر تقصیر ناشی شده است ، به عده زندانی و یا مقصر می باشد. ماده ۱۰۱ - کلیه اماکن زندان باید حداقل ماهی یکبار ضد عفونی شود مگر این که به علت ظهور حشرات یا بروز اپیدمی و اشاعه ویروس ، بیماریهای موسمی و محلی ایجاب نماید زودتر از موعد مقرر نسبت به گندزدایی لوازم مربوطه و سمپاشی اطاقها در محوطه زندان اقدام شود. ماده ۱۰۲ - در کارگاهها و اماکنی که زندانیان در آن به کار اشتغال دارند پنجره ها باید به اندازه کافی وسیع باشد تا نور و هوای آزاد به قدر کافی داخل شود و در صورت لزوم برای کار و مطالعه آنها نور مصنوعی فراهم گردد. مجاری فاضلاب همیشه باید باز باشد و در رفع عفونت و آلودگی در محوطه و اماکن زندانها مراقبت و اقدام لازم و دایم به عمل آید. ماده ۱۰۳ - در هر زندان باید وسایل استحمام زندانیان فراهم بوده و زندانی به محض ورود به زندان استحمام نماید. ماده ۱۰۴ - گرمابه و مستراح و دستشویی زندان باید همیشه تمیز و نظیف باشد و به اندازه کافی دوش سرد و گرم در دسترس زندانیان گذاشته شود تا بتوانند با توجه به فصول سال حداقل در هفته یکبار استحمام نمایند. ماده ۱۰۵ - تراشیدن موی سر زندانی الزامی نیست ، مگر به موجب رای مرجع قضایی و یا در جرایم معینه ابلاغی از سوی سازمان ماده ۱۰۶ - بهداری زندان مکلف است برای پیشگیری از سرایت بیماری های واگیردار مانند بیماریهای آمیزشی و سل و غیره اقدام و با استفاده از همکاری و کمکهای مالی و فنی وزارتخانه ها و موسسات و انجمنها نسبت به تهیه محل و دارو برای درمان کامل بیماران مذکور و همچنین معتادان مواد مخدر یا الکل اقدام نماید. ماده ۱۰۷ - بهداری زندان موظف است از زندانی تازه وارد معاینات کامل پزشکی به عمل آورده در صورت لزوم با انجام آزمایشهای تشخیصی طبی برنامه ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوطه اقدام و کلیه اقدامات پزشکی در پرونده زندانی درج گردد. ماده ۱۰۸ - هر گاه زندانی تازه وارد نسخه یا دارویی همراه داشته باشد اخذ و در اختیار بهداری زندان قرار می گیرد تا به تجویز پزشک به او داده شود و هر گاه دارو جنبه حیاتی برای زندانی دارد بایستی فوراً پس از معاینه و تجویز پزشک در اختیار وی قرار گیرد. ماده ۱۰۹ - هر زندانی به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهداری زندان اطلاع داده و با اخذ معرفی نامه به بهداری زندان اعزام و دارو و دستوره های لازم پزشکی را دریافت می دارد. ماده ۱۱۰ - زندانی باید در حضور پزشک یا پزشکیار و یا سایر مسئولین داروی مورد احتیاج را مصرف نماید. نگهداری دارو در آسایشگاه ممنوع است ، مگر در مواقع ضروری و با تشخیص پزشک ماده ۱۱۱ - با تشخیص پزشک بهداری زندان در صورت ضرورت ، زندانی بیمار در بیمارستان زندان بستری خواهد شد. گواهی تشخیص ضرورت کتبا باید در پرونده بیمار قید گردد. ماده ۱۱۲ - زندانیان مبتلا به بیماریهای روانی ، واگیردار و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. ماده ۱۱۳ - سازمان می تواند در صورت لزوم نسبت به بیمه درمانی زندانیان و یا انعقاد قرارداد با وزارت بهداشت ، درمان و آموزش پزشکی اقدام نماید. ماده ۱۱۴ - معاینه و عنداللزوم معالجه زندانیان بیمار به عهده زندان است تبصره - در صورت نیاز زندانیان بی بضاعت ، به زندان مصنوعی ، عصا ، اعضای مصنوعی ، صندلی چرخدار و عینک ، انجمن حمایت از زندانیان مکلف به تامین آن می باشد. ماده ۱۱۵ - تمارض زندانیان به هر نحو از انحا به تشخیص پزشک زندان موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده ۱۱۶ - رییس بهداری زندان موظف است همه روزه اول وقتاز کلیه زندانیان بیمار که در بیمارستان زندان بستری هستند عیادت نموده و پس از پرسش از وضعیت آنان و حصول اطمینان از حسن مراقبت پزشکان و پرستاران نسبت به معالجه و تغذیه صحیح بیماران نظارت کامل و مستمری به عمل آورد. تبصره - رییس بهداری هر زندان باید پزشک باشد و در مراکزی که این امکان وجود ندارد ، فرد مطلع و آشنا به مسایل پزشکی عهده دار این مسئولیت خواهد بود. ماده ۱۱۷ - در صورت فوت زندانی ، رییس زندان مکلف است مراتب را فوراً به مرجع قضایی محل و پزشک قانونی و قاضی ناظر زندان اعلام و پس از صدور مجوز از سوی مرجع قضایی مربوطه جنازه را حسب مورد به بستگان او تحویل و یا پس از تشییع ، دفن نموده و وجوه و لوازم شخصی او با نظر

قاضی ناظر زندان بر طبق صورت مجلس و رعایت نکات لازم به ورثه قانونی وی تحویل و رسید اخذ گردد. هر گاه متوفی بدون وارث باشد باید در اسرع وقت با نظر مقام قضایی ذی صلاح نسبت به تعیین تکلیف لوازم شخصی او در زندان اقدام شود و در صورت امکان تجهیز متوفی با اذن اولیا باشد.

### فصل سوم - اشتغال و حرفه آموزی ( ماده ۱۱۸ تا ۱۳۰ )

ماده ۱۱۸ - سازمان با هدف فراگیر نمودن برنامه‌های اصلاحی و تربیتی و به منظور کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی زندانیان و خانواده آنان و نیل به خودکفایی می‌تواند از محل جذب کمکهای مردمی و موسسات خیریه یا درآمد حاصل از موسسات صنعتی، کشاورزی، خدماتی و فرهنگی و بودجه مصوب اعتبار لازم را تامین و هزینه نماید. ماده ۱۱۹ - سازمان می‌تواند در جهت ایجاد اشتغال برای زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و یا کمکهای دولتی و یا از طریق دریافت وام یا با مشارکت بانکها و ارگانهای دولتی، تعاونی‌ها و یا بخش خصوصی اقدام نماید. ماده ۱۲۰ - زندانیان داوطلب پس از آزمایشهای لازم و تشخیص استعداد و ذوق و تخصص آنها با کسب نظر شورای طبقه بندی و رعایت مقررات این آیین نامه در کارگاههای داخل زندان یا موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج زندان به کار گمارده می‌شوند. ماده ۱۲۱ - زندانیان باید به حرفه‌هایی که مستلزم دیدن دوره‌های تعلیماتی برای کسب مهارت و تخصص می‌باشد و از طرف سازمان ابلاغ می‌شود به کار گمارده شوند تا در طول زمان بتوانند با طی مراحل مختلف آموزشی به اخذ گواهینامه مهارت فنی در رشته مخصوص نایل گردند. ماده ۱۲۲ - زندانیان می‌توانند با موافقت رییس زندان در ساعات بیکاری و فراغت در آسایشگاه خود به کارهای دستی اشتغال داشته باشند. مواد اولیه این نوع کارها منحصر از طریق فروشگاه زندان در اختیار آنان گذاشته می‌شود. تبصره ۱ - هر گاه زندانی نتواند با سرمایه خود اقدام به تهیه مواد اولیه و لوازم مربوطه نماید، این مواد و لوازم از طریق زندان یا انجمن حمایت از زندانیان تهیه و در اختیار وی گذارده خواهد شد. در این صورت پس از کسر هزینه تهیه لوازم اولیه یک چهارم از سود حاصله به عنوان سهم سرمایه برداشت و به حساب صندوق زندان یا انجمن حمایت از زندانیان واریز و بقیه به حساب زندانی منظور می‌گردد. تبصره ۲ - زندانی مجاز است کاردستی خود را پس از قیمت گذاری توسط زندان و یا با استفاده از نظر خبره به هر نحو که خود می‌داند به زندان یا به اشخاص دیگر واگذار یا به فروش برساند. در صورت فروش یا واگذاری به غیر قیمت فروش نباید از قیمت تعیین شده توسط زندان کمتر باشد. ماده ۱۲۳ - ساعات کار و استراحت زندانیان در موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی داخل یا خارج زندان با توجه به موقعیت محل و نوع و کیفیت کار و با رعایت فصل دوم از بخش دو این آیین نامه از طرف رییس کارگاه یا موسسه مربوطه با هماهنگی رییس زندان تعیین و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۲۴ - مزد روزانه زندانیان به تناسب درجه مهارت و کاردانی هر یک از آنان و میزان و نوع کاری که انجام می‌دهند به وسیله مدیرکل استان تعیین می‌شود. ماده ۱۲۵ - مزد ماهیانه کار زندانی به شرح زیر تقسیم می‌گردد: ۱- پنجاه درصد (۵۰٪) به حساب بانکی سرپرست موقت عائله تحت تکفل زندانی واریز گردد. ۲- بیست و پنج درصد (۲۵٪) به حساب زندانی واریز می‌شود که در موقع آزادی به او پرداخت گردد. ۳- بیست درصد (۲۰٪) به حساب خود زندانی برای مخارج ضروری پرداخت می‌شود. ۴- پنج درصد (۵٪) برای جبران خسارت و حوادث ناشی از کار براساس قرارداد فی مابین سازمان و زندانیان شاغل اختصاص داده خواهد شد. تبصره - در صورتی که زندانی فاقد عائله تحت تکفل باشد مبلغ ۵۰٪ دستمزد مذکور در بند (۱) نیز به حساب زندانی واریز می‌گردد. ماده ۱۲۶ - در موقع انتقال زندانی به زندان یا موسسه دیگر در اسرع وقت کلیه مطالبات او پس از تسویه حساب کامل به محل زندان جدید حواله و منتقل می‌شود. ماده ۱۲۷ - موسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی مکلفند: الف - در صورت بروز حوادث ناشی از کار هزینه خسارت وارده به زندانیان را از محل پنج درصد

(۵٪) موضوع بند ۴ ماده ۱۲۵ پرداخت نمایند. ب - کلیه مقررات ایمنی ، حفاظتی ، بهداشتی را طبق ضوابط قانونی رعایت نمایند. ج - دفاتر رسمی زیر را در کلیه کارگاهها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی به هر شکل که اداره می شود تنظیم نمایند: ۱- دفتر روزانه ۲ - دفتر کل ۳- دفتر در آمد ۴ - دفتر اموال ۵ - دفتر سفارشات ۶ - دفتر صندوق ۷ - دفتر دستمزد زندانیان ۸ - دفتر انبار ۹- دفتر حساب در آمد و هزینه شخصی زندانیان به منظور تعیین و اعلام موجودی هفتگی پس انداز قابل پرداخت آنان به فروشگاههای زندان تبصره ۱ - پرداخت موجودی حساب پس انداز هنگام آزادی به شرط آن که منع قانونی نداشته باشد پس از تسویه حساب از کلیه قسمتهای زندان بلامانع است تبصره ۲ - در صورت رایانه ای شدن واحد مربوطه مندرجات دفاتر مزبور به رایانه منتقل خواهد شد. ماده ۱۲۸ - نحوه اداره کارگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی به شرح ذیل خواهد بود: الف - مسئولیت اداره امور کارگاه ها و موسسات صنعتی ، کشاورزی و خدماتی از حیث نوع و میزان تولید ، کیفیت و کمیت کار ، خرید و فروش و معاملات و انعقاد و انجام قراردادها و مسایل فنی و تخصصی و سایر موارد از این قبیل بر عهده مدیریت کارگاه یا موسسات می باشد. ب - مسئولیت امور انتظامی و امنیتی و در اختیار قرار دادن کارگران ، نحوه و کیفیت اعزام آنان به کارگاه و نیازهای فرهنگی و بهداشتی زندانیان بر عهده رییس زندان می باشد. ماده ۱۲۹ - استفاده از زندانیان در امور نگهداری و انتظامی و اداری زندان و دیگر دستگاهها ممنوع است ماده ۱۳۰ - انجام امور خدماتی داخل بندها و اندرگاهها و موسسات صنعتی ، خدماتی و کشاورزی و همچنین کارگاه ها به طور نوبتی بدون تبعیض توسط زندانیان انجام می گیرد. تبصره - اگر زندانی بدون عذر موجه از انجام وظایف محوله در داخل زندان و موسسات وابسته خودداری نماید تخلف و به تشخیص شورای انضباطی موجب تنبیه انضباطی است

#### فصل چهارم - فعالیتهای آموزشی ، فرهنگی و تربیتی ( ماده ۱۳۱ تا ۱۵۲ )

ماده ۱۳۱ - به منظور سواد آموزی و ارتقای سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت زندانیان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهای نهفته آنان در کلیه زندانها از طریق وزارتخانه های مربوطه و موسسات آموزشی ، علمی و فنی ، حرفه ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمانهای خیریه و نهضت سواد آموزی ، تحت نظر واحدهای مربوط در زندان ، آموزش فنی ، حرفه ای و مذهبی داده می شود. ماده ۱۳۲ - زندانیان در مدت اقامت خود در زندان با توجه به مدت محکومیت شان و کیفیت و نوع برنامه های آموزش علمی ، دینی و فنی حرفه ای پیش بینی شده در زندان ها به فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی ، دینی و حرفه ای اشتغال خواهند داشت تبصره - شرکت افراد بیسواد کمتر از شصت سال در کلاسهای سوادآموزی اجباری است ، عدم شرکت در کلاسهای مزبور می تواند موجب محرومیت از امتیازات گردد. ماده ۱۳۳ - تدریس در آموزشگاههای علمی و فنی حرفه ای زندانها با همکاری وزارتخانه ها و سازمانها و موسسات آموزش علمی و فنی حرفه ای وسیله مربیان علمی حرفه ای و طبق برنامه تنظیمی توسط واحدهای مربوطه در زندان انجام می گیرد. ماده ۱۳۴ - آزمون سالیانه باید مطابق برنامه رسمی دستگاه های مربوط در داخل زندانها به عمل آید و به محصل هر کلاس گواهینامه رسمی بدون اشاره به زندانی بودن او با انجام تشریفات خاص که جنبه تشویق به تحصیل داشته باشد اعطا می گردد. ماده ۱۳۵ - به منظور کمک به بازسازی اجتماعی زندانیان و جذب کامل آنها در محیط اجتماعی ، سازمان مکلف است وسایل تحصیل ابتدایی ، راهنمایی ، متوسطه و عالی و دوره های تخصصی ، علمی و فنی ، حرفه ای را برای علاقه مندان به ادامه تحصیل از طرق اجرای برنامه های عادی یا مکاتبه ای با رعایت مقررات مربوط از طریق وزارتخانه ها و موسسات ذی ربط در داخل زندان فراهم نماید. ماده ۱۳۶ - پرداخت هزینه های مربوطه به تحصیلات عالی از طریق برنامه های عادی یا مکاتبه ای با خود زندانی است زندان مکلف است به هزینه زندانی کتب و وسایل لازم را تهیه و در اختیار او قرار دهد. تبصره - در صورتی که زندانی به جهت عدم بضاعت قادر به پرداخت هزینه های مذکور در این ماده نباشد پرداخت هزینه ها از طریق انجمن

حمایت از زندانیان صورت می‌گیرد. ماده ۱۳۷ - امتحانات نهایی ابتدایی ، راهنمایی ، متوسطه و عالی با نظارت مستقیم وزارتخانه‌ها و موسسات مربوطه در داخل زندان انجام می‌شود. ماده ۱۳۸ - زندانی با موافقت رییس زندان به عنوان فعالیت های فردی و ممتاز علاوه بر اجرای برنامه های تحصیلی می‌تواند مطالعات دانشگاهی ، فنی ، حرفه‌ای و تحقیقاتی خود را شخصا در زندان انجام دهد و وسایل و لوازم مورد نیاز خود را با رعایت نظامات داخلی زندانها به هزینه شخصی خود و در صورت امکان به هزینه دولت از طریق مسئولین برنامه‌های آموزشی زندان تدارک نماید. ماده ۱۳۹ - در هر زندان با جلب کمک و همکاری وزارتخانه ها و سازمان ها و موسسات کتابخانه مجهزی با توجه به تعداد زندانیان تاسیس و کتب علمی مذهبی ، اخلاقی و فنی در حد نیاز برای مطالعه زندانیان تهیه می‌شود. زندانیان می‌توانند در ساعات مقرر در کتابخانه به مطالعه پرداخته و با اجازه مسئولین کتابخانه به طور امانت از کتابخانه کتاب اخذ نموده ، سپس با رعایت نظافت کامل وبدون عیب و نقص آن را عینا به کتابخانه مسترد نمایند. ماده ۱۴۰ - هر زندانی که نسبت به حفظ نظافت و یا اعاده به موقع کتاب به کتابخانه مسامحه نماید با نظر مسئول کتابخانه و موافقت رییس زندان از عهده غرامت مربوطه برخوردار آید. ماده ۱۴۱ - استفاده از مجلات و روزنامه‌های مجاز در داخل زندان بلامانع است ماده ۱۴۲ - با جلب کمک و همکاری نهادهای ذی ربط در زندان وسایل آموزشی سمعی بصری لازم جهت زندانیان تدارک و تامین می‌گردد. ماده ۱۴۳ - هنگام پذیرش زندانی دین رسمی او در بر گه پرسشنامه درج و به منظور تقویت و تحکیم مبانی دینی زندانیان و اجرای آداب و مراسم دینی آنان با جلب کمک وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی از طریق مسئولین مربوطه زندان (در زندان محل وسیله و تسهیلات لازم جهت انجام فرایض دینی آنها فراهم می‌گردد. ماده ۱۴۴ - هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد می‌تواند در آسایشگاه عمومی یا انفرادی خود یک جلد کتاب آسمانی ، کتاب دعا ، سجاده و مهر نماز جهت اجرای فرایض دینی خود نگهداری نماید. ماده ۱۴۵ - هر زندانی که دارای یکی از ادیان رسمی کشور باشد در صورت لزوم می‌تواند تقاضا نماید تا پس از موافقت رییس زندان نماینده مذهبی او در زندان حضور یافته در اجرای آداب و مسایل مذهبی او را هدایت و ارشاد نماید. ماده ۱۴۶ - در هر زندان در صورت امکان وسایل و امکانات ورزشی و تربیت بدنی از قبیل تامین کادر مربیان ورزشی و تدارک سالن سرپوشیده و زمین و وسایل لازم برای ورزش های فردی و گروهی فراهم می‌گردد. ماده ۱۴۷ - به منظور سلامت جسم و روح زندانیان ، اجرای برنامه‌های ورزش صبحگاهی در زندانها برای زندانیانی که قادر به انجام ورزش می‌باشند ، اجباری است و طبق برنامه ای که برای آنان تنظیم می‌شود باید حداقل روزانه نیم ساعت در هوای آزاد ورزش نمایند. ماده ۱۴۸ - زندانی می‌تواند به پیشنهاد رییس زندان و موافقت مدیر کل مربوطه و مقامات قضایی با اجرای تشریفات قانونی و انتظامی در مسابقات ورزشی و فعالیت های فرهنگی و مذهبی خارج از زندان شرکت نماید. تبصره - شرکت در مسابقات خارج از کشور از شمول این ماده مستثنی است ماده ۱۴۹ - به منظور پرورش افکار و استعدادهای هنری و ارتقای سطح معلومات زندانیان به پیشنهاد معاونت امور فرهنگی و تربیتی موافقت رییس زندان و با جلب کمک و همکاریهای وزارتخانه ها و موسسات و سازمانهای ذی ربط ، در زندانها برنامه‌های نمایش ماهانه ترتیب داده می‌شود. زندانیانی در نمایشهای ماهانه‌ای شرکت خواهند کرد که رییس زندان از طرز کار و رفتار آنان رضایت داشته و صلاحیت اخلاقی آنها را شورای طبقه بندی تایید نماید. همچنین به منظور پرورش روح و جسم زندانیان با پیشنهاد رییس زندان و موافقت مدیر کل و تصویب شورای طبقه بندی و موافقت مقامات قضایی مربوطه ، زندانیانی که دارای حسن رفتار بوده و مقررات زندان را کاملا اجرا می‌نمایند ، حداقل ماهی یکبار به نماز جمعه یا تفریحگاههای عمومی شهر که از سوی زندان به این کار اختصاص داده شده اعزام خواهند شد. بدیهی است حفاظت از زندانیان در چنین مواردی با رعایت مفاد این آیین نامه به عهده مأمورین انتظامی زندان خواهد بود و در صورت لزوم از سایر نیروهای انتظامی محل استفاده خواهد شد. ماده ۱۵۰ - نمایش فیلمهای آموزنده و اخلاقی تحت نظر معاونت فرهنگی و تربیتی در زندان با جلب کمک و همکاری ادارات و سازمانهای مربوطه با رعایت ماده قبل بلامانع است ماده ۱۵۱ - زندانیان می‌توانند در ساعات فراغت خود با رعایت نظم و ترتیب طبق برنامه تنظیمی از

برنامه های رادیو ، تلویزیون استفاده نمایند. ماده ۱۵۲ - متهمین واجد صلاحیت می توانند با صلاحدید مسئولین زندان از برنامه آموزشی ، حرفه ای ، تفریحی و ورزشی استفاده نمایند مگر این که به لحاظ عدم شایستگی اخلاقی و نوع و اهمیت جرم ارتكابی و یا دستور قضایی ، اجتماع آنان با سایر متهمان و محکومان به مصلحت نباشد.

### فصل پنجم - روابط عمومی ( ماده ۱۵۳ تا ۱۶۰ )

ماده ۱۵۳ - زندانیان می توانند از اخبار کشور از طریق وسایل ارتباط جمعی مجاز در داخل زندان مانند رادیو ، تلویزیون و حداقل یک روزنامه کثیرالانتشار اطلاع حاصل نمایند. ماده ۱۵۴ - در صورت امکان در هر زندان می بایست زیر نظر واحد فرهنگی نشریه ماهانه منتشر و اطلاعات مربوط به فعالیتهای اصلاحی و ارشادی زندانیان و مقررات انتظامی زندان با درج مقالاتی که به وسیله مربیان یا زندانیان تهیه می شود در آن منعکس گردد. زندانی حق ندارد در ضمن مقالات خود کمک های مادی یا انجام خدمتی را از مردم طلب نماید و مطالب مندرج در نشریه داخلی زندان باید صرفا واجد جنبه های اخلاقی ، تربیتی ، علمی ، تفریحی و سرگرم کننده باشد. ماده ۱۵۵ - اجازه بازدید از زندان به دستور کتبی مدیر کل زندانها علاوه بر مقامات رسمی کشور فقط به کسانی داده می شود که در رشته های مربوط به علوم مذهبی ، اجتماعی ، اخلاقی ، تربیتی ، جزایی و علوم اداره زندانها تدریس یا تحقیق می نمایند یا آنهایی که در انجمنهای خیریه به فعالیت های مذهبی ، اجتماعی و اصلاح زندانیان عضویت دارند. ماده ۱۵۶ - مقامات مجاز برای ورود به زندانها و موسسات تامینی و تربیتی عبارتند از: رییس قوه قضاییه ، رییس دیوان عالی کشور ، دادستان کل کشور ، وزیر دادگستری ، رییس سازمان و معاونین او ، مدیران کل سازمان ، بازرسان اعزامی رییس قوه قضاییه ، مأموران دفاتر بازرسی و حفاظت اطلاعات سازمان ، بازرسان سازمان بازرسی کل کشور طبق ابلاغ صادره ، روسای دادگستری ، قضات ناظر زندان در حوزه قضایی مربوطه ، روسای دادگاهها در ارتباط با پرونده های مطروحه نزد آنان تبصره ۱ - اشخاص زیر با اطلاع و اجازه رییس زندان و رعایت سایر مقررات این آیین نامه در حدود وظایف و مشاغل خود و در صورت نیاز می توانند وارد زندان شوند: مدیر عامل و رییس هیات مدیره و کارکنان و مددکاران انجمن حمایت از زندانیان شهرستان محل ، دانشجویان و محققین با معرفی نامه رسمی از دانشکده یا موسسه مربوطه تبصره ۲ - ورود و خروج عوامل اطلاعاتی وزارت اطلاعات جهت انجام امور محوله پس از معرفی و هماهنگی لازم با سازمان صرفا در حدود قانون و مقررات تشکیل وزارت اطلاعات خواهد بود. تبصره ۳ - ورود با سلاح گرم یا سرد به داخل زندانها به طور کلی ممنوع است و تخلف از آن بر حسب مورد موجب تعقیب انتظامی یا اداری خواهد بود. ماده ۱۵۷ - عکسبرداری ، رد و بدل کردن اشیا ، نامه ، حمل ضبط صوت ، دوربین عکاسی ، مواد ممنوعه و نظایر این قبیل اعمال برای بازدید کنندگان در مواقع بازدید ممنوع می باشد. ماده ۱۵۸ - بازدید کنندگان باید قبلا اجازه مخصوص به امضای رییس زندان اخذ و به هنگام ورود برگ شناسایی و اجازه کتبی خود را به مسئول امور نگهداری زندان ارائه دهند ، ساعت ورود و مشخصات کامل و علت بازدید و ساعت خروج آنها باید در دفتر مخصوص بازدید کنندگان ثبت گردد. هر گاه بازدید کننده نظرات اصلاحی یا انتقادی داشته باشد نتیجه مشاهدات و استنباطات خود را در دفتر مزبور منعکس می نماید در این صورت مراتب باید از طریق اداره کل به سازمان گزارش شود تا از این گونه همکاری ها و راهنمایی ها در بهبود وضع زندانها حداکثر استفاده به عمل آید. ماده ۱۵۹ - تهیه فیلم و خبر و انتشار شرح احوال و عکس زندانیان به طوری که باعث شناسایی ، هتک حیثیت و رسوایی آنان نشود و یا خود کتبا به آنها رضایت دهند ، با اجازه معاونت امور فرهنگی و تربیتی سازمان مجاز خواهد بود. ماده ۱۶۰ - انجام عقد نکاح و طلاق و تنظیم هر گونه سند معامله و قرارداد یا تعهدی که یک طرف آن زندانی باشد بایستی با اجازه مقام قضایی مربوطه یا قاضی ناظر زندان انجام و در صورت لزوم در زندان به وسیله یکی از سردفتران اسناد رسمی با شرایط عادلانه تر از سایر دفاتر اسناد

رسمی انجام پذیرد تا موجب تضییع حقوق زندانی یا اشخاص حقیقی و حقوقی دیگر نشود.

### فصل ششم - تخلفات و تنبیهات داخل زندان ( ماده ۱۶۱ تا ۱۷۳ )

ماده ۱۶۱ - اعتراض ، شکایات و تقاضای ملاقات به صورت دسته جمعی و اعتصاب زندانیان به کلی ممنوع است اما هر زندانی می تواند شفاها یا کتبا تقاضای ملاقات با رییس زندان را بنماید و اگر شکایت یا اعتراضی دارد آن را در صندوقهای مربوطه بیندازد و به همین منظور صندوق هایی در محلهای مناسب نصب و حداقل هفته ای یک بار تخلیه خواهد شد. تبصره - به گزارشات غیر مربوط به زندان ، یا بدون امضا و مشخصات نویسنده ترتیب اثر داده نخواهد شد. ماده ۱۶۲ - هر زندانی باید به محض اطلاع از وقوع حوادث و پیشامد های سو احتمالی و اعمالی که تحقق آن محل نظم داخلی زندان می گردد ، مراتب را فوراً به مسئول امور نگهبانی یا به هر یک از مقامات مسئول زندان گزارش دهد. ماده ۱۶۳ - تند خویی ، دشنام ، ادای الفاظ رکیک یا تنبیه بدنی زندانیان و اعمال تنبیهات خشن و مشقت بار و موهن در زندانها به کلی ممنوع است ماده ۱۶۴ - استفاده از دستبند برای زندانی جهت کنترل و جلوگیری از خودزنی و ایذا و آزار دیگران یا ایراد خسارت به اموال با دستور رییس زندان و در غیاب وی بالاترین مقام مسئول در زندان مجاز می باشد. تبصره - استفاده از پابند فقط در صورتی مجاز است که به وسیله دستبند یا تمهیدات دیگر نتوان زندانی را کنترل کرد. ماده ۱۶۵ - در هنگام شورش زندانیان ، کارکنان زندانها نهایت سعی خود را در برقراری آرامش و جلوگیری از بروز خونریزی یا ایراد خسارت به افراد و اموال خواهند نمود و عنداللزوم از امکانات انتظامی محل استمداد نموده ، جلوی گسترش شورش را گرفته و متخلفین را حسب مورد به دستگاه قضایی و شورای انضباطی زندان معرفی خواهند کرد. ماده ۱۶۶ - کلیه زندانیان اعم از محکومین و متهمین مکلف به حسن رفتار و سلوک با یکدیگر و اطاعت از دستورات مأمورین زندان و رعایت کلیه مقررات داخلی زندان هستند و در صورت تخلف حسب مورد در شورای انضباطی مطرح و تصمیمات متخذه درباره آنها اجرا خواهد شد. ماده ۱۶۷ - هرگاه زندانیان با یکدیگر اختلافی داشته باشند بایستی موضوع را به اطلاع مأمور مراقب بند رساننده تا رییس اندرزگاه را در جریان امر قرار دهد و رییس اندرزگاه موظف است به طریق مقتضی رفع اختلاف نماید و هر گاه موفق به حل اختلاف نشود جریان را به رییس زندان گزارش خواهد کرد تا رییس زندان حسب مورد اقدام لازم به عمل آورد. تبصره - زد و خورد در زندان ، خود زنی ، اقدام به خودکشی یا تهدید به انجام آن و هر نوع عملی که طبق مقررات خلاف محسوب می شود ممنوع بوده و مختلف طبق نظر شورای انضباطی تنبیه و حسب مورد به مراجع قضایی معرفی خواهد شد. ماده ۱۶۸ - به منظور رسیدگی به تخلفات زندانیان ، شورای انضباطی با ترکیب اعضای ذیل تشکیل می گردد: مسئولین واحدهای قضایی و فرهنگی و انتظامی ، حفاظت اطلاعات ، رییس اندرزگاه مربوطه و یک نفر مددکار با انتخاب رییس زندان تصمیمات متخذه با اکثریت آرا معتبر است ماده ۱۶۹ - تنبیهات انضباطی عبارتند از: ۱- توبیخ کتبی با درج در پرونده شخصیتی زندانی ۲- محرومیت از ملاقات حداکثر تا یک ماه ۳- محرومیت از مرخصی تا ۶ ماه ۴- زندان انفرادی تا یک ماه ۵- تغییر زندان با رعایت مقررات مربوطه ۶- عدم پیشنهاد عفو و آزادی مشروط حداکثر تا یک سال تبصره - مرجع تجدید نظر خواهی مجازاتهای مقرر در بندهای ۴ و ۵ و ۶ هیأتی مرکب از رییس و قاضی ناظر زندان و یک نفر به انتخاب مدیر کل زندانهای استان مربوطه است که بلافاصله رسیدگی نموده و نظر اکثریت لازم الاجرا خواهد بود. ماده ۱۷۰ - شورای انضباطی پس از اتخاذ تصمیم می تواند تنبیهات مقرر را به اکثریت آرا کلا یا جزئا به مدت شش ماه تعلیق نماید هرگاه در این مدت زندانی مرتکب تخلف یا جرمی نشود اجرای تنبیهات مذکور کان لم یکن می گردد در غیر این صورت علاوه بر مجازات تخلف یا جرم ارتكابی اخیر ، تنبیهات مقرر در شورای انضباطی نیز به مورد اجرا گذارده خواهد شد. ماده ۱۷۱ - آرای شورای انضباطی در خصوص تنبیه زندانیان به دستور رییس زندان یا جانشین او اجرا و

صورت مجلس حاکی از ذکر نوع تنبیه و اجرای آن تنظیم و در پرونده زندانی درج و بایگانی می‌گردد. هر گاه زندانی متخلف از تاریخ آخرین تخلف خود به مدت یکسال مرتکب تخلف یا جرم دیگری نشود و از خود مستمرا حسن اخلاق و رفتار نشان دهد آثار تبعی تنبیه مقرر منتفی و در غیر این صورت در مواقع عفو و بخشودگی در جدول رفتار زندانی به عنوان امتیاز منفی منظور و مورد نظر قرار خواهد گرفت ماده ۱۷۲ - هر گاه اعمال ارتكابی زندانی علاوه بر تخلف انضباطی واجد وصف جزایی یا حقوقی باشد، ضمن محکومیت به تنبیهات مندرج در آیین نامه مراتب به مرجع قضایی محل جهت اتخاذ تصمیم قانونی گزارش می‌شود و توسط رییس یا معاونت قضایی زندان تا حصول نتیجه پیگیری خواهد شد. ماده ۱۷۳ - زندانی مکلف است کلیه خساراتی را که به زندان و موسسات وابسته وارد می‌کند جبران نماید و در صورت عمدی بودن یا عدم جبران طبق مقررات قانونی به مراجع قضایی معرفی می‌گردد. همچنین در صورتی که وجه خسارت تا مبلغ پانصد هزار ریال باشد رییس زندان یا جانشین او می‌تواند وجه مذکور را از حساب یا وجوه مربوط به زندانی برداشت نموده و موضوع را کتبا به زندانی ابلاغ نماید.

### آیین نامه مراکز مراقبت بعد از خروج - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۷۸

ماده ۱ - در اجرای بند ح از ماده ۲ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و در راستای اصلاح و تربیت زندانیان با هدف پیشگیری از وقوع جرم از طریق حمایت مادی و معنوی از زندانیان آزاد شده واجد شرایط (که از این پس در این آیین نامه مددجو نامیده می‌شود) و فراهم نمودن زمینه مساعد جهت بازگشت آنان به یک زندگی سالم اجتماعی، اداره مراقبت بعد از خروج در مرکز هر استان و در صورت نیاز در شهرستانها با تصویب ریاست سازمان تحت نظارت اداره کل زندانهای استان مربوطه ایجاد می‌گردد. ماده ۲ - روسای ادارات مراقبت بعد از خروج از میان افراد آشنا به مسایل زندانیان یا دارای تحصیلات عالی مرتبط، با پیشنهاد مدیر کل زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی استان و تایید رییس سازمان با حکم مدیر کل مربوطه منصوب می‌گردد. ماده ۳ - اهم وظایف اداره مراقبت بعد از خروج عبارتند از: الف ایجاد زمینه لازم جهت کارآموزی، اشتغال، ازدواج، ادامه تحصیل، تامین مسکن، اعطای تسهیلات وام بانکی و نظایر آن برای مددجویان ب ارایه خدمات به مددجویان در امور آموزش، بهداشت و درمان، اجتماعی و حقوقی، فرهنگی و مذهبی و ... ج نظارت بر رفتار مددجویان در مراحل اولیه آزادی و ارتقای سطح دانش و فرهنگ، تربیت و اعتقادات مذهبی آنان از طریق برقراری اردوهای مناسب و ... د: جذب کمکهای مردمی و انجمنها و موسسات خیریه به منظور مساعدت در وضع مددجویان و خانواده آنان ه - استفاده از پزشکان، مددکاران اجتماعی، مربیان اصلاح و تربیت، صاحبان تخصص و حرف و امثال آن ظ - تاسیس صندوق حمایت از مددجویان که اساسنامه آن توسط دفتر قوانین و مقررات سازمان تهیه و به تصویب رییس سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور خواهد رسید. و - احداث و تهیه اماکن و تاسیسات و امکانات متناسب و مورد نیاز. تبصره - دستگاههای اجرایی کشور و سایر ارگانها و نهادها مکلفند هرگونه همکاری لازم را در جهت انجام وظایف فوق معمول دارند. ماده ۴ - اداره مراقبت بعد از خروج جهت انجام وظایف محوله از واحدهای زیر تشکیل می‌گردد: الف واحد پذیرش و تحقیقات ب واحد خدمات اجتماعی که دارای بخشهای زیر می‌باشد: ۱ - بخش آموزش، حرفه آموزی و اشتغال ۲ - بخش ارایه تسهیلات (اعطا وام، تامین مسکن، ازدواج و ...) ۳ - بخش بهداشت و درمان ۴ - بخش خدمات مشاوره‌ای و ... ج واحد روابط عمومی د: واحد طرح و برنامه ه واحد بازرگانی و پشتیبانی ماده ۵ - به منظور انجام وظایف و ارایه خدمات مذکور در این آیین نامه ادارات زندانها و ... مکلفند با هماهنگی قضات ناظر زندان اسامی زندانیان واجد شرایط (را) حسب تشخیص شورای طبقه بندی زندان یک ماه قبل از آزادی به همراه خلاصه پرونده های قضایی و مددکاری با شرح پیشنهاد و نیازمندیها طی فرم مخصوصی که از طرف اداره کل اقدامات تأمینی تهیه و ابلاغ می‌گردد به اداره مراقبت بعد از خروج مربوطه اعلام نمایند. ماده ۶ - کلیه اقدامات اداره مراقبت بعد از

خروج باید در جهت اصلاح و تربیت و فراهم آوردن زندگی سالم اجتماعی و بهبود وضعیت اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و ... مددجویان برنامه ریزی و صورت پذیرد. ماده ۷- اداره مراقبت بعد از خروج در جهت تمرکززدایی در شهرهای بزرگ و مراکز استان می تواند به متقاضیان کار در شهرستانهای کوچک و روستاها کمک ویژه و در صورت لزوم با تصویب مدیرکل زندانهای استان مربوطه کمک بلا عوض اعطا نماید. ماده ۸- اداره مراقبت بعد از خروج در فرصتهای مقتضی ارزیابی لازم از وضعیت و رفتار و شخصیت مددجو را به عمل آورده و نتیجه را جهت اتخاذ تصمیم مقتضی و اقدام لازم در پرونده مربوطه منعکس می نماید. ماده ۹- در صورتی که مددجو در مظان اعتیاد باشد اداره مراقبت بعد از خروج مجاز است با موافقت مددجو آزمایش لازم را جهت اقدام مقتضی به عمل آورد. ماده ۱۰- ادارات مراقبت بعد از خروج می توانند به منظور حمایت از مددجویان و ایجاد تسهیلات در فروش تولیدات آنان نسبت به ایجاد فروشگاه ها، نمایشگاهها و بازاریابی و انجام سایر امور بازرگانی اقدام نمایند. ماده ۱۱- اداره مراقبت بعد از خروج موظف است در پایان هر سال نتایج عملکرد خود را مکتوب و از طریق مدیرکل استان مربوطه به ریاست سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ارایه نماید. آیین نامه مراقبت از زندانیان بعد از خروج، در یازده ماده و یک تبصره تصویب می شود. رییس قوه قضاییه

### آیین نامه اجرایی قانون اصلاح و تربیت - مصوب مهرماه ۱۳۴۷

#### فصل اول - سازمان قانون اصلاح و تربیت ( مواد ۱ تا ۱۰ )

ماده ۱- قانون اصلاح و تربیت مرکزی است که نگاهداری، تهذیب و تربیت اطفالی را که برحسب مقررات قانون دادگاه اطفال بزهکار مصوب ۱۳۳۸ به آن سپرده می شود برعهده خواهد داشت ماده ۲- قانون اصلاح و تربیت دارای سه قسمت است الف - قسمت نگهداری موقت ب - قسمت اصلاح و تربیت ج - زندان هر یک از قسمتهای مذکور از یکدیگر مجزا بوده و در هر قسمت اطفال برحسب سن با رعایت تبصره ذیل ماده ۲۳ قانون دادگاه اطفال و سابقه ارتکاب جرم و حتی الامکان از نظر نوع جرم و درجه تربیت پذیری طبقه بندی خواهند شد. به علاوه قسمتی که دختران در آن نگاهداری می شوند از پسران مجزا خواهد بود. ماده ۳- قسمت نگهداری موقت اختصاص به اطفالی خواهد داشت که از طرف دادگاه هنوز درباره آنها اخذ تصمیم به عمل نیامده است اطفالی که طبق ماده ۲۰ قانون دادگاه اطفال بزهکار به این قسمت از قانون اعزام خواهند شد تا زمانی که اعلام رفع توقیف از طرف دادگاه به عمل نیامده است در آنجا خواهند ماند. در مورد اطفالی که دادگاه برای جلوگیری از تبانی و یا سایر جهات قانونی نگهداری انفرادی آنها را لازم می داند در این قسمت تا دستور ثانوی دادگاه، به طور انفرادی نگهداری خواهند شد. ماده ۴- در مدت توقیف طفل در قسمت نگاهداری موقت از نظر اجرای ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار به وسیله مددکاران اجتماعی قانون درباره سوابق خانوادگی، اجتماعی و خصوصیات اخلاقی طفل تحقیقات لازم به عمل خواهد آمد و از نظر وضع جسمانی، روانی، میزان قوه درسی و استعداد حرفه ای به وسیله متخصصین قانون مورد معاینه قرار خواهند گرفت مجموعه سوابق جمع آوری شده در شورایی با حضور مدیر قانون و متخصصینی که از طفل معاینه به عمل آورده اند بررسی خواهد شد و گزارش نهایی که متضمن خصوصیات واقعی شخصیت طفل و تدابیر پیشنهادی درباره وی خواهد بود در دو نسخه تنظیم می گردد که یک نسخه از آن به دادگاه اطفال ارسال خواهد شد و نسخه دیگر در پرونده وی در قانون باقی خواهد ماند. در این پرونده تصمیمات دادگاه و گزارشهای واصله مربوط به طفل و نتیجه تحقیقات و معایناتی که از طرف مددکاران اجتماعی و متخصصین تهیه می شود نگاهداری خواهد شد پرونده مزبور شامل دو قسمت قضایی و اجتماعی خواهد بود. ماده ۵- در قسمت اصلاح و تربیت، اطفالی نگاهداری خواهند شد که از طرف دادگاه به موجب بند ۲ ماده ۱۷ و بند ۳ ماده ۱۸ اعزام شده و یا به موجب ماده ۲۶ قانون ۱۳۳۸



دستور مجدد انتقال آنها به قسمت اصلاح و تربیت داده شده باشد. ماده ۶- در قسمت زندان ، اطفالی نگاهداری می شوند که از طرف دادگاه طبق بند ۴ ماده ۱۸ تصمیم اعزام به آن قسمت درباره آنها اتخاذ شده باشد. ماده ۷- در هر یک از قسمت های مذکور در ماده ۲ این آیین نامه اطفال برحسب استعداد ، سن ، درجه معلومات طبق برنامه ای که با رعایت مواد ۱۵ و ۱۶ این آیین نامه تنظیم می شود مورد تعلیم و تربیت قرار خواهند گرفت برنامه آموزش حرفه ای به نحوی باید اجرا شود که حتی الامکان خللی به تحصیلات عادی اطفال وارد نیاید. ماده ۸- ترتیب نگاهداری اطفال در قسمت زندان از لحاظ صرف غذا ، خواب ، تعلیمات اخلاقی و حرفه ای به طوری است که در قسمت اصلاح و تربیت به عمل می آید ولی مدیر کانون می تواند برحسب روحیه اطفال و نوع بزه ارتكابی ، آنان را از لحاظ صرف غذا یا خواب یا تعلیمات اخلاقی و حرفه ای و اجرا تدابیر تربیتی و تهنیدی به دسته هایی تقسیم نموده و معاشرت هر دسته را با دسته دیگر ممنوع بدارد. ماده ۹- روز و ساعت ورود و خروج اطفال در دفتر کانون و پرونده آنها ثبت و منعکس خواهد شد و در بدو ورود اشیایی را که اطفال همراه خواهند داشت به بایگانی که برای نگاهداری آنها اختصاص داده شده ضمن ثبت مشخصات اشیای مزبور سپرده پس از پایان دوره توقف هنگام خروج از کانون به آنها مسترد و یا در مقابل اخذ رسید به والدین آنها داده خواهد شد. ماده ۱۰- اطفالی که به کانون اصلاح و تربیت اعزام می شوند موظف هستند که طبق برنامه کانون در هفته ۳۶ ساعت در کلاسهای درسی یا در کارگاه های فنی و حرفه ای به تحصیل یا کارآموزی اشتغال داشته باشند و روزی یک ساعت ورزش نمایند.

### فصل دوم - وظایف مسئولین کانون اصلاح و تربیت

ماده ۱۱- کانون اصلاح و تربیت در هر حوزه دارای یک نفر مدیر و برای هر یک از قسمتهای آموزش ، نگاهداری موقت و اصلاح و تربیت و زندان ، دارای یک نفر مسئول خواهد بود و تعداد کافی پزشک ، روان پزشک ، روان شناس متخصص ، مددکار اجتماعی ، مربی ، آموزگار و آموزگار تعلیمات حرفه ای ، کارمند دفتری ، پزشک و مراقب تربیتی و انتظامی در اختیار خواهد داشت تبصره - مدیر مسئول کانون اصلاح و تربیت در صورت نیاز می تواند با تصویب وزارت دادگستری تا سه نفر معاون داشته باشد. ماده ۱۲- مدیر کانون عهده دار اداره کلیه امور مربوط به کانون بوده و موظف است تصمیمات دادگاه اطفال را به موقع اجرا گذاشته و نسبت به اجرای برنامه های ورزشی ، تربیت اخلاقی ، آموزش علمی ، تعلیم حرفه به اطفال و وضع غذا ، بهداشت و خواب آنان مراقبت به عمل آورد. ماده ۱۳- مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است حداقل هر سه ماه یک بار گزارش کاملی از وضع رفتار و اخلاق هر طفل و پیشرفت هایی که حاصل کرده است به رییس دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است بدهد و رییس دادگاه در صورت تجدید نظر در تصمیمات قبلی اجرای تصمیمات مجدد را به کانون اعلام خواهد داشت تبصره - مدیر کانون می تواند قبل از مدت مذکور فوق هر گاه تغییرات محسوسی در وضع تربیتی طفل ایجاد شده باشد مراتب را به دادگاه اطفال اعلام نماید. ماده ۱۴- در مواردی که بر اثر بیماری یا اختلال در وضع مزاجی یا روانی طفل نگاهداری و معالجه وی در کانون اصلاح و تربیت میسر نباشد مدیر کانون مراتب را به قاضی دادگاه اطلاع خواهد داد و با موافقت او طفل را به یکی از موسسات پزشکی یا طبی - تربیتی اعزام خواهد داشت مدتی که طفل در آن موسسه بستری خواهد بود جز مدت توقف وی در کانون محسوب خواهد شد. ماده ۱۵- آموزگاران و مربیان عهده دار تدریس ، تعلیم ، تربیت و تهذیب اخلاقی اطفال هستند و طبق برنامه ای که از طرف مدیر کانون با جلب نظر متخصصین مربوط و تایید اداره خدمات اجتماعی و تصویب وزارت دادگستری تنظیم می شود عمل خواهند نمود. تبصره - هر مربی ، تربیت و راهنمایی یک گروه از اطفال را در کانون برعهده خواهد داشت و با معاونت و همکاری مراقبین تربیتی و انتظامی نسبت به اصلاح و تهذیب اخلاق آنان اقدام خواهد کرد و مراقبین تربیتی هر گروه موظفند هر گونه تغییر اخلاقی و یا دگرگونی در طرز رفتار اطفال را به اطلاع مربی گروه برسانند. ماده ۱۶- آموزگاران تعلیمات

حرفه‌ای عهده‌دار آموختن حرفه به اطفال و اداره کارگاه‌های کانون بوده و طبق برنامه‌ای که از طرف مدیر کانون به کمک متخصصین و پس از کسب نظر اداره خدمات اجتماعی و تصمیم وزارت دادگستری تهیه می‌شود، اقدام خواهند نمود. ماده ۱۷ - به منظور حفظ نظم، اجرای اقدامات تربیتی، مراقبت و راهنمایی اطفال در کانون اصلاح و تربیت مأمورین مخصوصی به نام مراقب تربیتی و انتظامی در هر یک از قسمتهای کانون انجام وظیفه خواهند کرد. مراقبت انتظامی داخل کانون به وسیله مراقبین تربیتی داخلی و مراقبت خارج آن به وسیله مراقبین خارجی کانون به عمل خواهد آمد. مراقبین تربیتی و انتظامی کانون اصلاح و تربیت به دو درجه تقسیم می‌شوند: - مراقبین تربیتی و انتظامی درجه یک که حداقل تحصیلات آنان دارا بودن گواهی نامه کامل متوسطه (یا معادل آن خواهد بود). - مراقبین تربیتی و انتظامی که از بین دارندگان کارنامه قبولی سوم متوسطه و ششم ابتدایی (یا معادل آنها) انتخاب خواهند شد. دارندگان کارنامه قبولی سوم متوسطه اولویت خواهند داشت سن مراقبین تربیتی در هر حال در بدو استخدام نباید از ۲۰ سال کمتر باشد به علاوه باید متاهل بوده و از نظر اخلاق و سلامتی جسمانی و روانی صلاحیت آنان محرز شده باشد. برای مراقبت خارجی و حفاظت محوطه داخلی کانون اصلاح و تربیت و بدرقه اطفال و موارد دیگری که ضروری باشد ممکن است از افراد کادر پلیس عمومی استفاده شود که از حیث مسئولیت و انجام وظیفه تابع این آیین نامه خواهند بود. کسانی که دوره اختصاصی پلیس را دیده باشند حق تقدم خواهند داشت تبصره - کلیه مراقبین تربیتی و انتظامی موظف هستند که قبل از شروع خدمت در کانونهای اصلاح و تربیت یک دوره آموزش تخصصی و کارآموزی عملی را که چگونگی آن از طرف وزارت دادگستری تعیین خواهد شد بگذرانند. ماده ۱۸ - از طرف مدیر کانون یک نفر سرپرست برای مراقبین داخلی و یک نفر برای مراقبین خارج کانون تعیین خواهد شد. تبصره - چنانچه مراقبین خارجی از افراد کادر انتظامی پلیس باشند سرپرست آنها از طرف سازمان انتظامی مربوط تعیین و در اختیار مدیر کانون قرار خواهد گرفت ماده ۱۹ - مراقبین تربیتی و انتظامی باید به طور کشیک در تمام شبانه روز اطفال را مورد مراقبت کامل قرار داده و در موقع تغییر پست، گزارش اتفاقات و اطلاعات پست خود را از طریق مراقبین ارشد به مسئول قسمت انتظامات بدهند. ماده ۲۰ - مراقبین تربیتی و انتظامی و مراقبین تربیتی و انتظامی ارشد موظف هستند که تحت نظارت مسئول قسمت انتظامات وظایف خود را چه از نظر مراقبت قسمت‌های مختلف کانون و اجرای برنامه‌های روزانه و چه هنگام بدرقه با نهایت دقت انجام دهند. چنانچه مراقبین در امرحفاظت مسامحه کرده و یا وسایل فرار طفلی را به نحوی از انجا فراهم سازند طبق مقررات قانون کیفر همگانی تعقیب و مجازات خواهند شد. ماده ۲۱ - مسئولین تربیتی، مراقبین داخلی، آموزگاران و آموزگاران تعلیمات حرفه‌ای برحسب وظایفی که از نظر تربیت، مراقبت و یا آموزش اطفال برعهده دارند موظفند وضع اخلاق، رفتار، پیشرفت‌های درسی و طرز کار اطفال را در کارگاه‌های کانون به طور مرتب یادداشت نموده و چگونگی را لااقل ماهی یک بار طی گزارشی برای مدیر کانون ارسال دارند. گزارشها هر ماه در شورای مذکور در ماده ۴ مورد بررسی قرار خواهد گرفت و چنانچه از نظر اقدامات مراقبتی، تربیتی، علمی یا آموزش فنی و حرفه‌ای تجدیدنظر در وضع هر یک از اطفال لازم باشد نسبت به آنها اخذ تصمیم به عمل خواهد آمد. ماده ۲۲ - اطفالی که در کانون اصلاح و تربیت به تحصیل یا کارآموزی اشتغال دارند از طرف مدیر کانون ممکن است جهت شرکت در امتحانات اخذ گواهی نامه رسمی به مراجع مربوط معرفی شوند. تبصره - در گواهی نامه این اطفال محل آموزش یا کارآموزی قید نخواهد شد. ماده ۲۳ - نظارت کامل در امور کانونهای اصلاح و تربیت در کشور از وظایف اداره خدمات اجتماعی وزارت دادگستری و برعهده تشکیلات وابسته به آن خواهد بود. ماده ۲۴ - کانونهای اصلاح و تربیت موظفند هر شش ماه یک بار گزارش کاملی از وضع کانون و اقداماتی که ظرف این مدت به عمل آورده‌اند به اداره خدمات اجتماعی ارسال و طرقتی را که برای بهبود وضع کانون در نظر دارند پیشنهاد نمایند. گزارش‌های رسیده در شورایی که از این نظر در اداره خدمات اجتماعی تشکیل خواهد گردید مطرح شده و طرقتی را که موثر برای بهبود وضع هر یک از کانونها تشخیص دهند پس از تصویب وزارت دادگستری برای اجرا ابلاغ خواهند نمود. تبصره - اداره خدمات اجتماعی وزارت دادگستری

در صورت اقتضا می‌تواند به درخواست والدین یا سرپرست طفل و یا مدیر کانون اصلاح و تربیت با جلب موافقت دادگاه نسبت به انتقال طفل از کانون اصلاح و تربیت یک شهرستان به کانون محل دیگر اقدام نماید.

### فصل سوم - مقررات انضباطی، تشویقی و پایان دوره نگهداری اطفال ( ماده ۲۵ تا ۳۱ )

ماده ۲۵- اطفالی که مقررات کانون را نقض نمایند و یا برخلاف شرایط انضباطی آن رفتار کنند برحسب مورد از طرف مدیر کانون مشمول تصمیمات انضباطی زیر خواهند شد: - سرزنش و نصیحت - توبیخ - محرومیت از ملاقات تا پانزده روز. - محرومیت از مکاتبه - محرومیت از خرید از پنج روز تا یک ماه - محرومیت از حضور در سینما و تالار سخنرانی - نگاهداری انفرادی از یک تا پانزده روز. - تقاضای اجرای ماده ۲۶ قانون ۱۳۳۸ از دادگاه چنانچه اطفال در مدت توقف خود در کانون اصلاح و تربیت مرتکب جرمی شوند فوراً مراتب از طرف مدیر کانون به دادگاه اعلام و در پرونده شخصی وی منعکس خواهد شد. ماده ۲۶- از اطفالی که به کانون اصلاح و تربیت اعزام می‌شوند فقط والدین، خویشان نزدیک، سرپرست قانونی و وکلای اطفال پس از ارایه مدرک شناسایی می‌توانند ملاقات نمایند. تبصره - مدیر کانون می‌تواند ملاقات کسانی را که از نظر تهذیب و تربیت طفل موثر بداند به طور استثنا اجازه دهد و در مواردی که ملاقات بعضی از افراد خانواده طفل را مضر به حال وی تشخیص دهد منع نماید و در هر حال مراتب در پرونده طفل درج خواهد شد. ماده ۲۷- مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است که به محض اتمام دوره توقف طفل در کانون نسبت به آزادی وی اقدام نماید و در صورت فوت طفل مراتب را باید فوراً به دادسرا و رییس دادگاهی که او را اعزام داشته است اعلام نماید. ماده ۲۸- مدیر کانون اصلاح و تربیت موظف است پانزده روز قبل از تاریخ مقرر برای آزادی اطفالی که به حکم دادگاه در کانون نگهداری می‌شوند مراتب را به اطلاع انجمن حمایت زندانیان برساند تا بخش مربوط به اطفال در انجمن مزبور طفل را تحت مراقبت قرار داده و تسهیلات لازم را از نظر وضع شغلی و تحصیلی و استقرار مجدد وی در اجتماع فراهم سازد. ماده ۲۹- در مورد اطفالی که مدت توقف آنها در قسمت اصلاح و تربیت و یا زندان بیش از شش ماه باشد در آخرین ماه توقف چنانچه مدیر کانون رفتار و وضع روحی و اخلاقی طفل را مناسب تشخیص دهد می‌تواند با اطلاع و پس از تایید قاضی دادگاهی که طفل را به کانون اعزام داشته است موافقت نماید که طفل روزها در خارج نزد کارفرمای مورد اعتماد کار کرده یا در آموزشگاهی که مورد موافقت کانون باشد تحصیل نماید و شبها به کانون مراجعت نماید. تبصره - مدیر کانون در این باره با کارفرمای مربوط قراردادی منعقد خواهد نمود و در نحوه کار، تحصیل و حضور و غیاب اطفال به وسیله مددکاران اجتماعی یا نمایندگانی که از این نظر تعیین می‌شوند نظارت خواهد داشت در صورت نقض مقررات این ماده به وسیله طفل مراتب فوراً جهت اتخاذ تصمیم مجدد به دادگاه مربوط اعلام خواهد شد. ماده ۳۰- به اطفالی که در تمام مدت توقف در کانون اصلاح و تربیت حسن رفتار نشان داده و کار آنها در کارگاهها رضایت بخش باشد به تشخیص مدیر کانون پاداش مناسبی پرداخت خواهد شد به علاوه مدیر کانون اختیار دارد در قبایل خدماتی که اطفال با رعایت قانون کار از نظر سن، داوطلبانه در کانون انجام می‌دهند حق الزحمه مناسبی پرداخت نماید. هرگونه پرداخت پاداش و حق الزحمه به اطفال در دفتر مخصوصی ثبت و در پرونده آنان منعکس خواهد شد. ماده ۳۱- اطفالی که طبق بند ۴ ماده ۱۸ به زندان کانون اصلاح و تربیت سپرده می‌شوند تا سن ۲۰ سال تمام در آنجا نگاهداری خواهند شد سپس برحسب مورد تا پایان مدت تصمیم دادگاه به قسمتی در کانون که به این دسته از نوجوانان اختصاص داده می‌شود منتقل خواهند گردید.

### فصل چهارم - مقررات مربوط به مشاورین دادگاههای اطفال و مددکاران اجتماعی ( ماده ۳۲ تا ۴۰ )

ماده ۳۲ - حق الزحمه هر یک از مشاورین دادگاه برای هر جلسه حضور از سیصد الی پانصد ریال خواهد بود که به تناسب کار از طرف رییس دادگاه اطفال معین می شود. ماده ۳۳ - چنانچه مشاورین بدون عذر موجه در جلسات دادگاه حاضر نشوند و یا در انجام وظیفه قصور نمایند دادگاه می تواند درخواست عزل آنها را از این سمت و تعیین جانشین آنها را بنماید - در صورت عزل یا استعفا یا فوت مشاورین ، جانشین آنها به ترتیب و برای مدت مقرر در قانون انتخاب خواهد شد. ماده ۳۴ - اشخاص زیر نمی توانند به عنوان مشاور انتخاب شوند: ۱ - کسانی که مشهور به فساد اخلاق باشند. ۲ - متجاهرین به استعمال مسکرات و معتادین به مواد افیونی و مخدره ۳ - اشخاصی که دارای سابقه محکومیت به جنحه و جنایت باشند. ۴ - کسانی که سن آنها کمتر از ۳۵ سال باشد. ۵ - کسانی که مجرد باشند. ماده ۳۵ - تحقیقاتی که با توجه به تبصره ذیل ماده ۷ قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار درباره سوابق طفل به عمل خواهد آمد ممکن است به وسیله مددکاران اجتماعی کانونهای اصلاح و تربیت یا مددکاران اجتماعی که در دادگاههای اطفال انجام وظیفه می نمایند انجام شود. ماده ۳۶ - مددکاران اجتماعی قبل از ورود به خدمت موظفند سوگند یاد کنند که در انجام وظایفی که برعهده دارند کمال صداقت و امانت را منظور داشته هنگام تحقیقات و در تهیه و تنظیم پرسشنامه ها هرگز برخلاف حقیقت و راستی چیزی ننویسند و آنچه را که در حین انجام وظیفه از زندگی خصوصی اشخاص مطلع می شوند جز در جهت انجام وظیفه ای که برعهده آنها محول شده است تحت هیچ عنوانی در خارج فاش نسازند. ماده ۳۷ - حق الزحمه مددکاران اجتماعی در صورتی که مستخدم رسمی یا پیمانی باشند طبق مقررات قانون استخدام کشوری خواهد بود و در صورتی که خدمت مددکاران مستمر نبوده و اتفاقی باشد برحسب مورد و میزان کاری که انجام می دهند دستمزد آنها به وسیله رییس دادگاه معین خواهد شد و برای هر مورد بیش از سه هزار ریال نخواهد بود. ماده ۳۸ - کارکنان و مسئولین فعلی دارالتادیب ها تا زمانی که از طرف وزارت دادگستری وسایل انتخاب و استخدام مدیران ، مسئولین ، کارمندان دفتری ، مربیان ، معلمان حرفه ای و مراقبین انتظامی کانونهای اصلاح و تربیت فراهم نشده تحت تعلیمات وزارت دادگستری وظایف خود را انجام خواهند داد. ماده ۳۹ - آیین نامه مصوب ۲۴/۷/۴۵ وزیر دادگستری در خصوص اجرای قانون تشکیل دادگاه اطفال بزهکار از تاریخ لازم الاجرا شدن این آیین نامه ملغی است ماده ۴۰ - این آیین نامه ده روز پس از درج در روزنامه رسمی قابل اجرا خواهد بود.

### آیین نامه انجمنهای حمایت زندانیان - مصوب اسفندماه ۱۳۶۰

#### فصل اول - تشکیلات ( ماده ۱ تا ۳ )

ماده ۱ - انجمن حمایت از زندانیان برای اجرای وظایفی که به موجب اساسنامه بر عهده دارد دارای دفتری خواهد بود که تحت نظر مدیر عامل انجمن انجام وظیفه خواهد کرد. ماده ۲ - دفتر انجمن دارای چهار قسمت به ترتیب زیر خواهد بود: ۱ - قسمت اداری ۲ - قسمت مالی ۳ - قسمت اجتماعی ۴ - قسمت اجرایی قسمت اداری کلیه امور اداری را مانند بایگانی ، ثبت نامه های وارده ، ارسال مراسلات ، انجام مکاتبات و سایر امور دفتری دیگر از این قبیل را بر عهده خواهد داشت قسمت مالی عهده دار کلیه امور حسابداری انجمن ، تنظیم دفاتر مالی ، حوالجات ، پرداختها ، دریافتها و ثبت اموال و نگاهداری آنها ، تنظیم ترازنامه و سایر امور مالی خواهد بود. قسمت اجتماعی کلیه امور مدد کاری انجمن را در زندانها ، اقدامات حمایتی و کمکی که درباره زندانیان و خانواده آنان به عمل خواهد آمد ، اشتغال زندانیان بعد از خروج و سایر اقدامات اجتماعی را که از وظایف انجمن ناشی می شود بر عهده خواهد داشت قسمت اجرایی انجام کلیه اموری که جنبه اجرایی دارند بر عهده خواهد داشت مانند ایجاد کارگاههای صنعتی و کشاورزی و تاسیسات بهداشتی و آموزشی در زندان ها ، کمک به ایجاد کانونهای اصلاح و تربیت ، مراکز مراقبت بعد از خروج و سایر موسساتی که انجمن طبق اساسنامه می تواند نسبت به تشکیل و ایجاد آن اقدام کند. ماده ۳ - انجمن برای هر یک از قسمتهای فوق

می تواند کارمندان موظف داشته باشد که با توجه به تخصص آنان و نیاز انجمن استخدام و یا از طرف دادگستری به صورت مأمور خدمت در انجمن انجام وظیفه خواهند کرد.

### فصل دوم - اختیارات و وظایف مدیر عامل ، مسئولین دفتری و متصدیان ( ماده ۴ تا ۱۴ )

ماده ۴ - مدیر عامل مسئول اجرای تصمیمات هیات مدیره است ماده ۵ - صدور مجوز پرداخت در کلیه هزینه های انجمن و کمکهای نقدی و غیر نقدی به زندانیان و خانواده آنان با دو امضای رییس هیات مدیره و مدیر عامل انجمن خواهد بود. تبصره - در صورت غیبت رییس هیات مدیره مجوز پرداختها با مدیر عامل و یک نفر از اعضای هیات مدیره خواهد بود. ماده ۶ - اخذ اعانات و یا وجوه و اشیا و اموالی که از طرف افراد خیر یا موسسات عمومی و خصوصی به انجمن اهدا می شود به عهده مدیر عامل خواهد بود. مدیر عامل موظف است قبل از دریافت ، هیات مدیره را از چگونگی آن مطلع نماید این وجوه و اعانات بعد از دریافت با ذکر مشخصات باید در دفاتر مربوط درج و منعکس گردد. ماده ۷ - در اجرای ماده ۶ اساسنامه انجمن حمایت زندانیان هیات مدیره می تواند برای تمرکز وجوهی که از فعالیتهای اختصاصی خود و یا از طریق کمک اشخاص خیر و واقفین حاصل می شود حساب جاری مخصوصی نزد یکی از بانکها با امضای ریاست هیات مدیره و مدیر عامل مفتوح و وجوه مذکور را طبق نظریه هیات مدیره در موارد لازم و مخصوص هزینه نمایند. ماده ۸ - خرید هر گونه مواد اولیه برای موسساتی که از سرمایه انجمن ایجاد می شود و فروش مصنوعات و محصولات حاصله از آن و نظارت بر اداره این گونه موسسات از وظایف مدیر عامل خواهد بود. ماده ۹ - انجام کلیه وظایفی که برای مدیر عامل انجمن پیش بینی شده است در صورت غیبت مدیر عامل برعهده قائم مقام وی خواهد بود. ماده ۱۰ - انجمن می تواند برای تصدی هر یک از قسمتهای اداری ، مالی ، اجتماعی و اجرایی یک نفر مسئول داشته باشد. ماده ۱۱ - مدد کاران اجتماعی در قسمت اجتماعی انجام وظیفه خواهند کرد. امور مدد کاری به وسیله مدد کاران اجتماعی یا کارمندانی که به این منظور از طرف انجمن معین می شود انجام خواهد شد. ماده ۱۲ - مدد کاران اجتماعی موظف هستند که برای خانواده هر زندانی که تحت پوشش حمایتی انجمن قرار می گیرد و حمایت وی به آنان ارجاع می شود پرونده جداگانه تشکیل دهند پرونده مدد کاری برای خانواده هر زندانی باید شامل خلاصه گزارشی باشد از وضع و مشخصات زندانی ، تعداد عائله تحت تکفل وی ، شرح و نتیجه بازدید منزل و اقداماتی که در جهت کمک و ارشاد زندانی و خانواده وی به عمل آمده است به علاوه اقدامات و کمکهایی که متدرجا انجام می شود باید با ذکر موضوع و تاریخ در پرونده مددجو درج گردد. ماده ۱۳ - زندانیانی که پس از ترخیص از نظر اشتغال و استقرار اجتماعی تحت پوشش حمایتی انجمن قرار می گیرند باید سرپرستی هر یک از آنان به یک نفر مدد کار اجتماعی یا داوطلب عضو انجمن سپرده شود ، مدد کاران و داوطلبان موظفند نتیجه اقداماتی را که در این باره به عمل خواهند آورد در آخر هر ماه به مدیر عامل گزارش نمایند. ماده ۱۴ - مدد کاران اجتماعی در اجرای وظایفی که به موجب اساسنامه از طرف انجمن به آنان محول می شود می توانند با زندانیانی که تحت پوشش حمایتی انجمن قرار دارند ملاقات نمایند و از نظر هماهنگی با مدد کاری اجتماعی زندانها در جلسات مشورتی که به دعوت قسمت اجتماعی انجمن و با حضور مدد کاران اجتماعی زندان تشکیل می شود شرکت نمایند.

### موارد متفرقه ( ماده ۱۵ تا ۱۹ )

ماده ۱۵ - انجمن می تواند با تصویب هیات مدیره عضویت انجمنهای بین المللی را بپذیرد و حق عضویت بپردازد. ماده ۱۶ - انجمن حمایت زندانیان مرکز می تواند در مواقع لزوم به انجمنهای شهرستانها کمک کند. ماده ۱۷ - انجمن می تواند نسبت به ایجاد

کارگاهها و موسساتی که در اساسنامه پیش بینی شده است اقدام کند و به موسسات و بنگاه هایی که به منظور کمک به اشتغال زندانیان تشکیل می شود مساعدت نماید. ماده ۱۸ - اعضای انتخابی هیات مدیره و اعضای که به سبب سمت در هیات مدیره حضور دارند مکلفند در تمامی جلسات که با دعوت قبلی اعلام می شود حضور پیدا نمایند. عدم حضور در سه جلسه متوالی بدون اطلاع قبلی و عذر موجه موجب اعلام اعتذار عضو به مقام انتخاب کننده خواهد بود. ماده ۱۹ - این آیین نامه به استناد اختیار حاصل از قانون واگذاری اداره زندانها و اصلاحیه آن در ۱۹ ماده و یک تبصره در تاریخ ۱۱ اسفند ماه ۱۳۶۰ در دویست و هجدهمین اجلاس شورای عالی قضایی به تصویب رسید و طبق مقررات ماده ۲ قانون مدنی قابل اجرا می باشد و آیین نامه انجمن حمایت زندانیان مصوب ۲۷۹۶ - ۲۲/۲/۱۳۳۶ هیات وزیران ملغی است

### آیین نامه کمیسیون عفو و بخشودگی - مصوب آذرماه ۱۳۷۳

#### فصل اول - تشکیلات و روش کار ( ماده ۱ تا ۷ )

ماده ۱ - کمیسیون عفو و بخشودگی از پنج نفر اشخاص آشنا به احکام شرع انور و قانون و تشکیلات قوه قضاییه تشکیل می گردد که توسط رییس محترم قوه قضاییه به محضر مقام معظم رهبری مد ظله العالی پیشنهاد شده و پس از تایید معظم له از سوی رییس محترم قوه قضاییه برای سه سال انتخاب می شوند. تبصره ۱ - اعضا از بین خود یک نفر را به عنوان رییس و یک نفر را به عنوان دبیر انتخاب می نمایند. تبصره ۲ - جلسات کمیسیون با حضور حداقل سه نفر از اعضا رسمیت خواهد یافت و اتخاذ تصمیم با اکثریت اعضا حاضر در جلسه خواهد بود. ماده ۲ - کمیسیون عفو و بخشودگی در حد نیاز و تشخیص در مراکز استانها و شهرستانها هیاتی مرکب از رییس دادگستری، قاضی تحقیق زندان و رییس زندان را برای بررسی وضعیت متقاضیان عفو و اعلام نظر به کمیسیون تشکیل خواهد داد ریاست هیات با رییس دادگستری خواهد بود. تقاضاهای رسیده به کمیسیون عفو از ناحیه محکومین و خانواده آنان جهت بررسی و اعلام نظر به کمیسیون عفو، به روسای هیاتهای مذکور در این ماده ارسال خواهد شد. ماده ۳ - هیاتهای مذکور پس از انجام تحقیقات لازم و اخذ نظریه اداره اطلاعات در رابطه با گروهکها و محکومین امنیتی و نظریه ستاد مواد مخدر در رابطه با محکومین مواد مخدر، نظر سازمان قضایی نیروهای مسلح در رابطه با محکومین نظامی، گزارش کاملی از وضعیت محکومین استان را به طور مستدل و مستند همراه با جمع بندی و پیشنهاد به کمیسیون عفو و بخشودگی ارسال می نمایند. ماده ۴ - کمیسیون عفو به طور مرتب تشکیل جلسه داده و پیشنهادات واصله از هیاتها را بررسی و در صورت تصویب فهرست اسامی این قبیل محکومین توسط رییس کمیسیون عفو تقدیم ریاست محترم قوه قضاییه خواهد شد. ماده ۵ - ریاست قوه قضاییه در صورت تایید مصوبات کمیسیون عفو فهرست اسامی مورد تصویب کمیسیون را حداقل پانزده روز قبل از یکی از مناسبت های مقرر به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و نتیجه را جهت اجرا به ریاست کمیسیون عفو اعلام می نمایند. ماده ۶ - ریاست کمیسیون عفو بلافاصله پس از دریافت فرمان عفو فهرست اسامی عفو شدگان را به اداره عفو و بخشودگی جهت ابلاغ به دادرهای مجری حکم ارسال می دارد. ماده ۷ - کمیسیون عفو در اجرای منویات مقام معظم رهبری و رسیدگی دقیق و تامین مصالح فردی و اجتماعی محکومین و جلوگیری از سو استفاده های احتمالی و اینکه اعمال عفو، اجرای کیفر را بی هدف جلوه ندهد و درک واقعی و عمیق مسایل مبتلی به محکومین و خانواده آنان و اطلاع از موقعیت های اجتماعی و سیاسی و بافت مناطق و احراز ضرورت یا عدم ضرورت اعمال عفو در نقاط مختلف کشور، موظف است در موارد لازم به شهرستانها و استانها عزیمت و با همکاری هیاتهای مذکور در ماده ۲ وضعیت محکومین را بررسی و اعلام نظر نماید. تبصره - هزینه های کمیسیون و فوق العاده اعضا و کارکنان و هیات ها و تهیه امکانات از قبیل اتومبیل و... از محل بودجه خارج از شمول محاسبات عمومی که ریاست محترم قوه قضاییه در اختیار ریاست

کمیسیون عفو قرار خواهند داد تا مین خواهد شد ، ترتیب و نحوه پرداخت طبق دستور العملی خواهد بود که به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه می‌رسد.

### فصل دوم - مناسبت‌های عفو و بخشودگی ( ماده ۸

ماده ۸- مناسبت‌های عفو و بخشودگی به شرح زیر می‌باشد: ۱- مبعث حضرت رسول اکرم (ص ۲۷ رجب ۲- ولادت حضرت رسول اکرم (ص ۱۷ ربیع‌الاول ۳- ولادت حضرت امیرالمومنین (ع ۱۳ رجب ۴- ولادت حضرت امام حسین (ع ۳ شعبان ۵- ولادت حضرت قائم (عج ۱۵ شعبان ۶- عید سعید فطر اول شوال ۷- عید سعید قربان ۱۰ ذی‌الحجه ۸- عید سعید غدیر ۱۸ ذی‌الحجه ۹- سالروز پیروزی شکوهمند انقلاب اسلامی ۲۲ بهمن ۱۰- سالروز جمهوری اسلامی ۱۲ فروردین ۱۱- عید نوروز اول فروردین تبصره - در صورت لزوم ریاست قوه قضائیه با کسب نظر از مقام معظم رهبری می‌تواند دستور تشکیل کمیسیون را به مناسبت‌های دیگر به رییس کمیسیون بدهد.

### فصل سوم - شرایط و سیاست‌های عفو و تخفیف در مجازاتها ( ماده ۹ تا ۱۵ )

ماده ۹- در پیشنهادات عفو و تخفیف مجازاتها ، رعایت شرایط و نکات زیر برای کمیسیون عفو و بخشودگی لازم الاتباع می‌باشد:

۱- اصلاح مجرم و توجه به شخصیت محکوم و خانواده وی ۲- توجه به ضرورتها و مصالح اجتماعی ، سیاسی ، جغرافیایی ۳- مستثنی نمودن حق الناس از شمول عفو ، خصوصا قتل‌های عمد. ۴- شمول عفو نسبت به محکومینی که به علت عجز از پرداخت جزای نقدی در زندان به سر می‌برند خصوصا برای محکومینی که تا سقف یک میلیون ریال جزای نقدی محکوم شده و به لحاظ ناتوانی از پرداخت آن زندانی هستند. ۵- توجه به سوابق اجتماعی محکوم و لحاظ نمودن سوابق کیفری وی از جهت تکرار جرم و همچنین تعدد جرم ۶- اخذ نظر صریح مسوولین و مراجع ذی ربط در خصوص محکومین از قبیل وزارت اطلاعات ، سازمان قضایی و... ۷- مستثنا نمودن جرایم خاص از قبیل جاسوسی ، ارتشا ، زنای به عنف ، آدم ربایی ، سرقت مسلحانه از شمول عفو و بخشودگی ۸- تنافی نداشتن عفو اعطایی با امر قضا یا کیفیتی که احکام صادره بی مفهوم و بی معنا جلوه ننماید. ۹- سری بودن تمام مراحل عفو. ۱۰- توجه به رهنمودها و تدابیر و منویات رهبر معظم انقلاب اسلامی در مقاطع اعطای عفو. فصل چهارم - موارد شمول عفو و تخفیف ماده ۱۰- تقاضا و پیشنهاد عفو و تخفیف برای محکومیت‌های ذیل پذیرفته می‌شود: ۱- کلیه محکومیت‌های اعدام (به استثنا قصاص نفس) حبس و جزای نقدی و شلاق که از ناحیه مراجع قضایی ( دادگاه های عمومی ، انقلاب ، نظامی ، ویژه روحانیت ) و قانونی صادر شده است ۲- کلیه محکومیت‌های محرومیت از حقوق اجتماعی و یا اقامت و یا ممنوعیت از اقامت در محل معین ۳- کلیه محکومیت‌های تکمیلی و تبعی صادره از مراجع قضایی و قانونی ۴- کلیه محکومیت‌های اضافی خدمت سربازی و یا تنزیل درجه پرسنل نیروهای مسلح تبصره ۱- در مورد احکام اعدام (به استثنای قصاص نفس چنانچه پس از صدور حکم قطعی محکوم به اعدام و یا خانواده وی درخواست عفو نماید حسب مورد رییس هیات یا دادستان موظف به ارسال تقاضای محکوم علیه و پرونده مربوط با اظهار نظر صریح به ریاست کمیسیون عفو می‌باشند ، کمیسیون عفو فوراً در وقت فوق العاده و حداکثر تا دو ماه از تاریخ دریافت تقاضا در خصوص مورد رسیدگی نموده و اعلام نظر می‌نماید ، اجرای حکم تا اعلام نتیجه به وسیله رییس کمیسیون عفو به تاخیر خواهد افتاد. تبصره ۲- در صورت موافقت با عفو محکوم به اعدام کمیسیون حق ندارد بیش از دو درجه تخفیف برای وی منظور و مجازات را کمتر از پانزده سال حبس تعیین نماید مگر بنا به فرمان مقام معظم رهبری تبصره ۳- برای محکومانی که تقاضای عفو آنان از طرف کمیسیون عفو رد شده است ، پیشنهاد مجدد عفو در صورتی بلامانع است که علت رد

منتفی شده باشد. ماده ۱۱- اداره عفو و بخشودگی موظف است که پیشنهادات و تقاضاها را به ترتیب تاریخ وصول، ثبت و به کمیسیون ارسال دارد. تبصره- ریاست کمیسیون می‌تواند در صورت تشخیص ضرورت پرونده‌هایی را خارج از نوبت در کمیسیون مطرح نمایند. ماده ۱۲- در خصوص دستورات ریاست کمیسیون جهت تکمیل تقاضا و پیشنهادات یا هرگونه اطلاعاتی که برای اتخاذ تصمیم کمیسیون ضرورت دارد کلیه مراجع قانونی موظف به ارسال پاسخ به کمیسیون عفو می‌باشد. ماده ۱۳- در پیشنهاد عفو یا تخفیف مجازات، امور زیر درج می‌شود: ۱- مشخصات محکوم علیه شامل نام و نام خانوادگی، شهرت، نام پدر، سن، تاهل، سواد، اولاد و تابعیت ۲- تاریخ شروع به اجرای مجازات و مدتی که محکوم علیه قبل از شروع به اجرا در زندان بوده است ۳- تعداد عایله محکوم علیه و وضع معیشت آنها. ۴- میزان تاثیر مجازات در روحیه محکوم علیه ۵- رونوشت کیفرخواست، دادنامه قطعی مورد اجرا، سوابق کیفری ۶- مدارک لازم مبنی بر رضایت شاکی و یا مدعی خصوصی ۷- موجبات پیشنهاد عفو به شرح ماده ۱۰. ماده ۱۴- مقررات این آیین نامه نافی اختیارات قانونی ریاست قوه قضاییه نخواهد بود. ماده ۱۵- این آیین نامه در ۱۵ ماده و ۸ تبصره در تاریخ ۱۹/۹/۱۳۷۳ توسط ریاست قوه قضاییه به محضر مقام معظم رهبری پیشنهاد و مورد تصویب معظم له قرار گرفت

### قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به ( سازمان زندانها و اقدامات نام

ماده ۱- از تاریخ تصویب این قانون شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور که در این قانون سازمان نامیده می‌شود، تبدیل می‌گردد. این سازمان زیر نظر شورای عالی قضایی انجام وظیفه خواهد کرد. ماده ۲- وظایف سازمان به شرح زیر است الف- اداره کلیه امور مربوط به زندانها، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تامینی و تربیتی کشور و موسسات صنعتی و کشاورزی و خدماتی وابسته به آنها. ب- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم در زمینه اصلاح و ارشاد و آموزش زندانیان و اشتغال و حرفه آموزی آنها. ج- کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی خانواده زندانیان د- جذب کمکهای مردمی و موسسات خیریه ه- برنامه ریزی جهت اشتغال زندانیان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و نیز سرمایه های دولتی، بانکها، تعاونیها، بخش خصوصی و تلاش در جهت خودکفایی زندانها. و- تهیه آمار و اطلاعات لازم به منظور استفاده در مطالعات مربوط به جرم شناسی و ارایه آن به شورای عالی قضایی و کمیسیون امور قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی ز- تهیه فهرست اسامی زندانیان محکوم واجد شرایط عفو یا تخفیف مجازات و ارایه آن به دیوان عالی کشور و همچنین پیشنهاد آزادی مشروط به مقامات قضایی مربوط ح- برنامه ریزی برای مراقبت بعد از خروج با همکاری دستگاههای ذی ربط ماده ۳- رییس سازمان به پیشنهاد دادستان کل کشور و با تصویب شورای عالی قضایی برای دوسال منصوب می‌شود و نصب مجدد وی بلامانع است عزل رییس سازمان با شورای عالی قضایی خواهد بود. ماده ۴- بودجه سازمان در ردیف مستقل همه ساله در بودجه کل کشور منظور خواهد شد. ماده ۵- کلیه داراییها و اموال منقول و غیرمنقول که تا تاریخ تصویب این قانون مربوط به اداره زندانها و امور زندانیان است از قبیل انبارها، ساختمانها، وسایل نقلیه، ملزومات و تجهیزات و بیمارستانها و درمانگاهها از طرف دادستانی کل کشور، شهربانی جمهوری اسلامی ایران، کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و ارتش جمهوری اسلامی ایران و وزارت اطلاعات همراه با اعتبارات مربوط در بودجه کل کشور به این سازمان منتقل می‌شود. رییس سازمان و رییس دستگاه مربوط حسب مورد ظرف سه ماه تحویل و تحوهای مربوط به این ماده را انجام خواهند داد و در موارد اختلاف، نظر دادستان کل کشور قطعی خواهد بود. تبصره- تا زمانی که نقل و انتقال و تفکیک اماکن مربوط به زندانها صورت نگرفته است دستگاههای مذکور در این ماده موظفند امور زندانها را کماکان با همکاری و نظارت سازمان اداره نمایند. ماده ۶- انتظامات و حفاظت زندانها و بازداشتگاهها با سازمان است سازمان موظف است نیروهای مورد نیاز خود را از بین نیروهای نظامی و انتظامی موجود با هماهنگی مسئولین مربوط گزینش نماید. نیروهای مذکور پس از گزینش با اعتبارات مربوط به سازمان منتقل



می‌شوند. تبصره - نیروهای نظامی و انتظامی اداری و خدماتی کنونی که در زندانها استقرار دارند تا زمانی که مورد نیاز سازمان باشند به عنوان مأمور به خدمت در اختیار سازمان باقی خواهند ماند. ماده ۷ - تشکیلات سازمان توسط وزیر دادگستری و سازمان امور اداری و استخدامی کشور و رییس سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی قضایی خواهد رسید. ماده ۸ - کلیه اختیارات شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تامینی و تربیتی کشور مصرح در لایحه قانونی واگذاری اداره امور زندانها به وزارت دادگستری مصوب ۱۳/۶/۵۸ شورای انقلاب اسلامی و لایحه قانونی الحاقی به آن مصوب ۲۳/۲/۵۹ شورای انقلاب به سازمان واگذار می‌شود. ماده ۹ - آیین نامه اجرایی این قانون توسط وزیر دادگستری و رییس سازمان تهیه و به تصویب شورای عالی قضایی می‌رسد. ماده ۱۰ - از تاریخ اجرای این قانون ، کلیه قوانین و مقررات و آیین نامه های مغایر با آن لغو می‌گردد.

### آیین نامه سجل قضایی - مصوب اردیبهشت ماه ۱۳۲۱ هیات وزیران ( مواد ۱ تا ۳۰ )

ماده ۱ - در مرکز هر شهرستان تحت نظر دادستان دفتر سجل قضایی تشکیل میشود در این دفتر باید مستخرجه امور مذکور در ماده (۴) راجع به کسانی که شناسنامه آنها در آن شهرستان صادر شده جمع آوری و حفظ گردد. ماده ۲ - مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشخاص زیر در اداره فنی وزارت دادگستری نگاهداری میشود: الف - اشخاصی که شناسنامه آنها در کشورهای دیگر صادر شده ب - اتباع ایران که شناسنامه آنها در کشورهای بیگانه صادر شده است ج - اشخاصی که صدور شناسنامه آنها معلوم نیست د - اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران ه - اشخاصی که تابعیت معینی ندارند و در خارجه متولد شده‌اند هر چند بعدا تابعیت ایران تحصیل کرده باشند. تبصره - احکام مقامات قضایی کشورهای بیگانه راجع به محکومیت اتباع ایران یا محکومیت کسانی که قبلا تابعیت ایران را داشته‌اند و یا بیگانگان و یا کسانی که تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیمند در صورتی در برگ سجل قضایی قید میشود که موضوع محکومیت به موجب قانون ایران نیز بزه شناخته شده باشد. ماده ۳ - اداره فنی وزارت دادگستری نسبت به کلیه دفاتر سجل قضایی نظارت تام داشته و همیشه باید مراقب حسن جریان آنها باشد. ماده ۴ - در سجل قضایی باید مستخرجه امور زیر به طور خلاصه قید شود: الف - در امور کیفری. احکام قطعی قابل اجرا محکومیت به کیفرهای جنحه و جنایت و تاریخ شروع کیفر و ختم آن و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی احکام محکومیت را الغا نموده است تصمیم راجع به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبدیل کیفر. ب - در امور مدنی. احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا الغای آن ج - در امور بازرگانی. احکامی که به موجب آن تاجر ورشکسته اعلام شده و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت میدهد. د - در امور اداری ۱ - تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغای آن ۲ - سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند. ۳ - محکومین قطعی به انفصال ابد از خدمات دولتی در دادگاه عالی انتظامی و دادگاههای اداری. ماده ۵ - برگ سجل قضایی پس از انقضای نود سال از تاریخ ولادت شخصی که سجل قضایی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از بین برده میشود. ماده ۶ - راجع به محکومیتهای به دو ماده حبس تادیبی یا کمتر خواه متضمن کیفر نقدی باشد یا نه و نیز محکومیت های به کیفر نقدی که جز جنحه‌های مذکور در ماده ۱۹ قانون کیفر عمومی نمیباشد برگ سجل کیفری تنظیم نمیشود. تبصره - موقعی که غرامت نقدی به حبس تبدیل میشود غیر از مواردی که در ماده ۱۹ اصلاحی قانون کیفر عمومی پیش بینی شده برگ سجل قضایی تنظیم نمیشود هر چند مدت حبس بیش از دو ماه باشد. ماده ۷ - برای اطفالی که طبق مواد ۳۵ و ۳۶ قانون کیفر عمومی محکوم میشوند برگ سجل کیفری تنظیم نخواهد شد. ماده ۸ - در مورد محکومینی که مورد عفو عمومی واقع میشوند سجل کیفری تنظیم نخواهد شد و در مورد محکومینی که طبق ماده ۵۵ قانون کیفر عمومی مورد عفو واقع میگردند طبق مواد ۵۶، ۵۷ و ۵۸ کیفر عمومی رفتار خواهد شد. ماده ۹ - هر کس میتواند از برگ سجل قضایی مربوط به خود بدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد. ماده ۱۰ - برگهای سجل قضایی بر سه قسم است

برگ شماره (۱) و برگ شماره (۲) و برگ شماره (۳) ماده ۱۱ - در برگ شماره (۱) باید مستخرجه احکام و تصمیمات مذکور در ماده ۴ در ظرف مدت پانزده روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود. این مستخرجه شامل نکات زیر خواهد بود: الف - نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر محکوم در صورتی که محکوم زن باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و عکس محکوم در حدود امکان ب - شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن ج - تاریخ و محل تولد. خ - محل اقامت دائمی یا موقتی. د - تاهل وعده اولاد. ر - کار. ز - تابعیت ص - علامات مشخصه محکوم ض - موضوع حکم یا تصمیم ط - تاریخ عملی که منجر به صدور حکم یا تصمیم شده با قید روز و ماه و سال ظ - شماره و تاریخ حکم یا تصمیم ع - دادگاه یا مقام صادرکننده حکم یا تصمیم غ - تصریح به قطعیت حکم یا تصمیم ف - مواد قانونی که مستند حکم یا تصمیم واقع شده است ق - مدت حبس و میزان جزای نقدی و محرومیت از کلیه یا بعضی از حقوق اجتماعی. در صورت تعلیق کیفر این نکته باید قید گردد. ک - ذکر احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت در حکم محکومیت ل - تاریخ شروع و ختم اجرای کیفر. ماده ۱۲ - مدیر دفتر دادسرای استان در امور جنایی و مدیر دفتر دیوان عالی کشور در امور مربوط به محاکمه وزرا و مدیر دفتر دادسرای شهرستان در امور جنحه و مدنی و مدیر دفتر دادگاه صادر کننده حکم در امور بازرگانی و مقام صلاحیتدار در امور اداری از برگ شماره (۱) سه نسخه تهیه نموده نزد دادستان شهرستان مربوط میفرستد دادستان نیز پس از دقت و بازرسی کامل آنها را امضا نموده یک نسخه به اداره فنی و یک نسخه به دفتر دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه میفرستد و نسخه سوم در دفتر سجل قضایی دادسرا بایگانی میشود. ماده ۱۳ - هرگاه معلوم شود که شناسنامه از محلی که معرفی شده صادر نگردیده برگ سجل قضایی نزد دادستان شهرستان ارسال کننده اعاده میگردد تا نسبت به محل صدور شناسنامه محکوم تحقیق و بازرسی بیشتری به عمل آید و اگر تحقیقات به نتیجه نرسید برگ نامبرده باید به اداره فنی برای بایگانی فرستاده شود. ماده ۱۴ - متصدی دفتر سجل قضایی محل صدور شناسنامه محکوم یا اداره فنی در مواردی که محل صدور شناسنامه معلوم نگردیده موظف هستند در صورتی که محکوم دارای پیشینه محکومیت تعلیقی است و مدت قانونی منقضی نگردیده خلاصه آن را برای اطلاع دادستان شهرستان محل صدور حکم بفرستند تا حکم تعلیقی نیز اجرا گردد. ماده ۱۵ - برگهای سجل قضایی باید با رعایت نام محکوم به ترتیب الفبا تنظیم گردد. برای اتباع کشورهای بیگانه برگ سجل کیفری قضایی جداگانه و به ترتیب الفبا تنظیم میشود. ماده ۱۶ - کلیه برگ های سجل قضایی باید به ترتیب تاریخ در پرونده نگاهداری گردد. ماده ۱۷ - نسبت به اتباع کشورهای بیگانه در صورت وجود قرارداد تعاون قضایی دایره سجل قضایی اداره فنی باید رونوشتی از برگ شماره (۲) را تهیه نموده به وسایل مقتضی به کشور متبوع شخص محکوم ارسال دارد. ماده ۱۸ - برگ شماره (۲) عبارت از برگی است که شامل کلیه مندرجات برگ شماره (۱) باشد. ماده ۱۹ - برگ شماره (۲) به مقامات زیر در صورت تقاضای آنان داده میشود. ۱ - دادگاه ها و دادسراها و ادارات تصفیه ۲ - شهربانی ها. ۳ - نیروهای زمینی و دریایی و هوایی موقع احضار طبقات یا استخدام افراد. ۴ - بنگاه های عام المنفعه ۵ - مراجع صلاحیت دار برای رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات ۶ - ادارات دولتی در موقع تقاضای استخدام اشخاص و تعقیب انتظامی کارمندان و قبول تقاضای مزایده و مناقصه و اجازه باز کردن مدارس غیردولتی و اعطای نشان و مدال ماده ۲۰ - درخواست برگ شماره (۲) باید حاوی نکات زیر باشد: ۱ - نام و نام خانوادگی شخص مورد درخواست ۲ - تاریخ تولد و محل صدور شناسنامه و شماره آن ماده ۲۱ - برگ شماره (۳) عین برگ شماره (۲) است سواى نکات زیر که در آن قید نمیشوند: ۱ - محکومیت هایی که در نتیجه عفو یا اعاده حیثیت زائل شده ۲ - محکومیت های تعلیقی در صورتی که محکوم در ظرف پنج سال از تاریخ قطعیت حکم محکومیت جدیدی به جنحه که موجب حبس باشد یا جنایت پیدا نکرده باشد. ۳ - ورشکستگی که به موجب حکم دادگاه بی تقصیر اعلام شده یا قرارداد ارفاقی او را دادگاه تصدیق کرده باشد. ۴ - محکومیتی که در نتیجه اعاده دادرسی الغا شده ۵ - محکومیت به بزه هایی که به علت قانونی ساقط شده باشد. ماده ۲۲ - برگ سجل قضایی شماره (۳) فقط به شخص محکوم داده میشود. ماده ۲۳ - برگ شماره

(۱) کاغذ سفید و برگ شماره (۲) کاغذ زرد و برگ شماره (۳) کاغذ آبی خواهد بود. ماده ۲۴ - درخواست کننده در تهران به اداره فنی و در شهرستانها به دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه رجوع نموده و باید منتهی در ظرف (۳) روز برگ مذکور در ماده ۲۲ به او داده شود. تبصره - در مواردی که محل صدور شناسنامه درخواست کننده معلوم نیست باید منحصرأ به اداره فنی مراجعه شود. ماده ۲۵ - کسانی که گواهی نداشتن پیشینه بد درخواست مینمایند میتوانند منحصرأ از اداره فنیوزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند این تصدیق باید در اسرع اوقات به درخواست کننده داده شود. تصدیق مزبور از تاریخ ۱۵ بهمن ۱۳۱۸ در استان یک و دو و از تاریخ ۲۰ اردیبهشت ۱۳۲۰ در سایر استانها که آیین نامه سجل قضایی قابل اجرا بوده داده میشود و تصدیقات قبل از تاریخهای مزبور را دادسرای مربوطه خواهد داد. ماده ۲۶ - هرگاه اشتباهی در تنظیم برگ سجل کیفری رخ دهد دادسرای تنظیم کننده برگ یا دادسرای محل صدور شناسنامه باید به اداره فنی اطلاع دهد تا دایره سجل قضایی آن اداره اقدام به اصلاح آن نماید پس از اصلاح برگ اشتباه شده اداره فنی به دادسرای تنظیم کننده برگ و دادسرای محل صدور شناسنامه دستور اصلاح برگهای بایگانی شده در آنجا را خواهد داد. ماده ۲۷ - دادستان ارتش در تهران موظف است نسبت به محکومیتهای جنحه و جنایات دادگاه های ارتش (اعم از نظامی و کشوری و امنیه کلیه استانها و شهرستانها برگ سجل قضایی شماره یک به رنگ سفید مطابق ماده چهار (بند الف و ماده (۱۱) در سه نسخه تنظیم نموده یک نسخه را بایگانی و دو نسخه دیگر را مستقیماً به اداره فنی وزارت دادگستری ارسال دارد و اداره فنی نیز یک نسخه آن را نگهداشته نسخه دیگر را به دادسرای محل صدور شناسنامه محکوم میفرستد و اگر محل صدور شناسنامه معلوم نباشد آن را نیز در اداره فنی نگاهداری خواهد نمود. ماده ۲۸ - کسانی که پیشینه خدمت در ارتش داشته و درخواست نداشتن پیشینه بد بنمایند میتوانند از اداره فنی وزارت دادگستری یا دادسرای شهرستان محل صدور شناسنامه خود تصدیق عدم محکومیت بخواهند و این تصدیق باید به اسرع اوقات به درخواست کننده داده شود و در صورتی که محل صدور شناسنامه درخواست کننده معلوم نباشد باید به اداره فنی مراجعه شود تصدیق مزبور از تاریخ اجرای این آیین نامه داده میشود و قبل از تاریخ مزبور تصدیق عدم محکومیت باید به وسیله دادرسی ارتش داده شود. ماده ۲۹ - مفاد ماده ۷ در مورد نظامی ها نیز قابل اجرا است ماده ۳۰ - آیین نامه مصوب دیماه ۱۳۱۸ ملغی است

### اصلاحیه مواد ۲۰۶ و ۲۱۵ آیین نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور مصوب ۱۳۸۰/۴/۲۶

۱ - در ماده ۲۰۶ آیین نامه (اصلاحی ۱۱/۴/۱۳۸۱) عبارت (رییس یا قاضی ناظر زندان به عبارت (رییس دادگستری شهرستان یا قاضی ناظر زندان و در صورت تشکیل دادسرا، دادستان عمومی و انقلاب یا دادیار ناظر زندان و در مورد محکومین سازمان قضایی نیروهای مسلح، دادستان نظامی) اصلاح می شود. ۲ - در ماده ۲۱۵ آیین نامه (اصلاحی ۱۱/۴/۱۳۸۱ و ۱۳/۸/۱۳۸۱) به جای عبارت ( مگر با تشخیص رییس کل دادگستری استان ) عبارت (مگر با موافقت رییس حوزه قضایی و در جایی که دادسرا تشکیل شده، با دادستان شهرستان مربوط و در مورد محکومین سازمان قضایی نیروهای مسلح، با دادستان نظامی) به کار برده شود. مدیر کل حقوقی و تدوین قوانین قوه قضائیه - غلامرضا شهری

### بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگس

با احترام، تصویر بخشنامه شماره ۷۰/۸۴/۱ مورخ ۹/۱/۱۳۸۴ ریاست محترم قوه قضائیه به منظور رعایت مفاد آن جهت اطلاع به پیوست ارسال می گردد. مستشار دیوانعالی کشور و مدیر کل دبیرخانه قوه قضائیه - خسرو حکیمی بخشنامه به مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ضابطین دادگستری در اجرای ماده ۱۹ دستورالعمل اجرایی بند

۱۵ ماده واحده « قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی » مصوب ۱۵/۲/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی مبنی بر: « کلیه مراجع قضائی، انتظامی، اطلاعاتی، ضابطان قوه قضائیه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی و سایر دستگاههای ذربط مشمول مقررات این دستورالعمل بوده و مکلف به رعایت و همکاری در اجرای آن‌اند. » اقتضاء دارد به نحو مقتضی به واحدهای تابع ابلاغ نمایند با هیأت‌های نظارت بر حسن اجرای قانون و بازرسان اعزامی مربوط از مرکز و استان، همکاری لازم به عمل آورند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی شاهرودی

### آئیننامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراماً؛ به پیوست یک نسخه تصویر آئین‌نامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور که در تاریخ ۲۰/۹/۱۳۸۴ به تأیید و تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده، جهت درج در روزنامه رسمی ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه آئیننامه اجرایی سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور در اجرای ماده ۹ قانون تبدیل شورای سرپرستی زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور (مصوب ۶/۱۱/۱۳۶۴) آئین‌نامه اجرایی قانون یاد شده به شرح زیر تصویب می‌گردد: بخش نخست: امور کلی فصل نخست: تعریف‌ها و واژه‌شناسی ماده ۱- سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور، سازمانی است مستقل که بطور مستقیم زیر نظر رییس قوه قضائیه انجام وظیفه می‌نماید و به اختصار در این آئین‌نامه سازمان نامیده می‌شود. ماده ۲- همه ساله در موعد مقرر بودجه سازمان در ردیف مستقل پیش‌بینی می‌شود و پس از موافقت رییس قوه قضائیه برای تصویب به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارسال می‌گردد. ماده ۳- زندان محلی است که در آن محکومانی که حکم آنان قطعی شده است با معرفی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی و قانونی برای مدت معین یا به طور دائم به منظور تحمل کیفر، با هدف حرفه‌آموزی، بازپروری و بازسازی نگهداری می‌شوند. ماده ۴- بازداشتگاه، محل نگهداری متهمانی است که با قرار کتبی مقام‌های صلاحیت‌دار قضایی تا اتخاذ تصمیم نهایی به آنجا معرفی می‌شوند. تبصره ۱- تا هنگامی که بازداشتگاه‌های موضوع این ماده ایجاد نشده است، در زندانها محل جداگانه‌ای طبقه‌بندی شده‌ای برای نگهداری متهمان تحت قرار در نظر گرفته می‌شود و نگهداری متهمان با محکومان در یک مکان ممنوع است. تبصره ۲- با اجرای طرح ساماندهی منطقه‌ای زندانهای کشور، که از سوی سازمان تعیین و ابلاغ می‌شود می‌توان محکومان به حبسهای کوتاه مدت تا ۶ ماه را در بازداشتگاه نگهداری کرد. ماده ۵- زندانها به زندان بسته، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال که خود شامل مؤسسه‌های حرفه‌آموزی و کار درمانی (اردوگاه) است، تقسیم می‌شوند. تبصره - مؤسسه اعم از زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال، و سایر مؤسسه‌های تخصصی یا مراکزی است که در این آئین‌نامه، نام آنها ذکر شده است. ماده ۶- زندان بسته، زندانی است محصور که با برج‌های دیده‌بانی در پوشش داخلی و خارجی دارای حفاظت کامل باشد. تبصره - در این نوع زندان، محکومان شبها در خوابگاه‌های اختصاصی یا گروهی نگهداری و روزها از برنامه‌های آموزشی و فنی حرفه‌ای، و تفریحی استفاده می‌نمایند و در کارگاه‌های داخل زندان به کار گمارده می‌شوند. ماده ۷- مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکانی است که می‌تواند محصور و در پوشش خارجی دارای حفاظت مناسب یا نامحصور و بدون حفاظت و مأمور انتظامی و یا در حالتی بینابین باشد که در آن محکومان بطور گروهی بکار اعزام می‌گردند و پس از خاتمه کار دوباره به آسایشگاه‌های خود بازگشت داده می‌شوند. تبصره - سازمان می‌تواند برنامه‌های حرفه‌آموزی، آموزش و اصلاح را در مورد متهمان نیز اجرا نماید. ماده ۸- کلیه محکومان با توجه به نوع و میزان محکومیت، پیشینه کیفری، شخصیت، اخلاق و رفتار بر اساس تصمیم شورای طبقه‌بندی، حسب مورد در زندانهای بسته یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال نگهداری می‌شوند، مگر آنکه مقام قضایی صادر کننده حکم در رای صادره محل خاصی را برای نگهداری محکوم تعیین نموده باشد. تبصره - محکومانی که در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مرتکب

تخلف کردند با نظر شورای انضباطی به زندان بسته منتقل خواهند شد. ماده ۹- ریسان مراکز حرفه آموزی و اشتغال باید به شیوه‌های مقتضی طرز اخلاق و رفتار و نظم و ترتیب کار محکومان را کنترل نمایند. تبصره - کارکنان مراکز حرفه آموزی و اشتغال موظفند، طرز رفتار و اخلاق و نظم و ترتیب کار محکومان را برابر مقررات سازمان کنترل نموده و تخلف‌های آنان را به سرعت به اطلاع رییس مؤسسه مربوط برسانند. در اینصورت رییس مرکز ظرف مدت بیست و چهار ساعت مراتب را جهت اتخاذ تصمیم به شورای انضباطی منعکس خواهد کرد. ماده ۱۰- ریسان مراکز حرفه آموزی و اشتغال موظفند پس از ورود محکومان، آنان را با برنامه‌ریزی آموزشی و حرفه آموزی مؤسسه‌ها آشنا نمایند. ماده ۱۱- محکومانی که در مراکز حرفه آموزی، اشتغال می‌یابند در تمامی ساعات‌های کار و حرفه‌آموزی، حق خروج از محل کار را نداشته و پس از خروج از آسایشگاه باید بطور مستقیم به محل کار رفته و به موقع نیز مراجعت نمایند. زمان ورود و خروج آنان در محل کار به دقت باید ثبت شود. تبصره - در هر مورد که محکوم مقررات مربوط را رعایت ننماید و یا صلاحیت حرفه آموزی و کار در محل‌های یاد شده را نداشته باشد با نظر رییس مرکز به زندان بسته اعزام گشته تا حسب مورد تصمیم نهایی از سوی شورای طبقه‌بندی و انضباطی مربوط اتخاذ گردیده و مراتب به قاضی ناظر زندان جهت اطلاع اعلام گردد. ماده ۱۲- مؤسسه کاردرمانی (اردوگاه)، مرکزی است برای نگهداری متهمان و محکومان جرایم مواد مخدر و اعتیاد. ماده ۱۳- محکومان بنابر تصمیم شورای طبقه‌بندی به منظور اشتغال به کار یا حرفه آموزی به مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی زیر اعزام می‌شوند: ۱- مؤسسه‌های درون زندان (این مؤسسه‌ها ممکن است در مالکیت زندان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا مؤسسه‌های خیریه یا تعاونیها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنان باشد). ۲- مؤسسه‌های خارج از سازمان (این مؤسسه‌ها ممکن است در مالکیت سازمان باشد یا به سایر سازمانهای دولتی یا غیردولتی یا عام‌المنفعه یا مؤسسه‌های خیریه یا تعاونیها یا بخش خصوصی تعلق داشته و زندان مجاز به استفاده از آنها باشد). تبصره ۱- مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی با توجه به وضعیت ساختمان و کیفیت حفاظت آنها به پیشنهاد رییس مؤسسه و تشخیص رییس سازمان می‌توانند بعنوان مراکز حرفه آموزی و اشتغال تلقی گردند. تبصره ۲- مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از سازمان باید دست کم واجد محل‌های کافی، جهت نمازخانه، کتابخانه، وسایل ارتباط جمعی، خوابگاه، غذاخوری، محلی برای ملاقات محکومان و سایر زمینه‌های تفریحات سالم باشند. ماده ۱۴- مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی مؤسسه‌هایی هستند که در آنجا متهمان و محکومان قبل و بعد، یا ضمن اجرای مجازات یا مستقل از آن تا رفع حالتی که آنها را در آینده در مظان ارتکاب جرم قرار می‌دهد، به حکم یا قرار کتبی مراجع قضایی نگهداری می‌شوند. ماده ۱۵- مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و نظایر آن مؤسسه‌هایی هستند که تحت نظارت سازمان با امکانات لازم از راه سرمایه‌گذاری دولت یا مشارکت بخش خصوصی و تعاونی به منظور اشتغال و آموزش فنی حرفه‌ای و نیل به خودکفایی با هدف بازپروری محکومان تاسیس می‌شوند. تبصره - دستورالعمل ویژه این بخش با نظر حوزه معاونت امور اشتغال، خودکفایی و حرفه آموزی تهیه و پس از تایید رییس سازمان ابلاغ خواهد شد. ماده ۱۶- اداره‌های مراقبت بعد از خروج مراکزی هستند که حمایت محکومان آزاد شده و واجد شرایط را بر عهده می‌گیرند. ماده ۱۷- کانون اصلاح و تربیت مرکزی است که اطفال و نوجوانان بزهکار کمتر از ۱۸ سال تمام در آنجا برای اصلاح، تربیت و آموزش نگهداری می‌شوند. فصل دوم - وظایف سازمان و مسئولان اداره کننده و ناظر زندان، بازداشتگاهها، مراکز حرفه آموزی و اشتغال و سایر مراکز وابسته به سازمان ماده ۱۸- وظایف سازمان به شرح زیر می‌باشد: الف - نگهداری متهمان تحت قرار و محکومان به حبس، بنا بر دستور کتبی مقام‌های قضایی و به موجب مقررات و قوانین مربوط؛ ب - اداره‌ی کلیه امور زندان‌ها مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاهها و مراکز اقدامات تأمینی و تربیتی کشور و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته؛ ج - ایجاد مراکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌های لازم برای نگهداری، بازپروری، حرفه آموزی و اشتغال به کار متهمان و محکومان؛ د - انجام تحقیقات و پژوهشهای نوین کیفر شناسانه به

منظور بهبود شیوه‌ها و خدمات زندانبانی؛ هـ- تعیین خط مشی، اداره و نظارت بر اجرای کلیه امور مربوط به زندان‌ها و مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به آن؛ و- تهیه پیش‌نویس قوانین و مقررات مورد نیاز و پیشنهاد آن به مراجع صلاحیت‌دار؛ ز- ایجاد امکانات و تسهیلات لازم و مناسب به منظور تصدی امور بازپروری نظیر اصلاح، ارشاد، آموزش و بازسازی محکومان؛ ح- انجام خدمات مشاوره‌ای و نیز کمک و مساعدت به منظور حل مشکلات محکومان و خانواده آنان؛ ط- جذب هرگونه کمک از قبیل کمکهای مردمی، مؤسسه‌های خیریه برنامه‌ریزی در جهت به کارگیری صحیح اینگونه کمکها با هدف بهبود امور زندان‌ها و مساعدت به محکومان و یا خانواده آنان؛ ی- سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی کلیه امور مربوط به، اشتغال و حرفه‌آموزی محکومان و خودکفایی مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و مؤسسه‌های وابسته؛ ک- تهیه آمار و اطلاعات مورد نیاز از محکومان و متهمان تحت نظارت به‌روشنی علمی به منظور استفاده در امور اجرایی، سیاست‌گذاری‌ها و مطالعات کیفرشناسانه و انتشار آنها بصورت سالنامه‌ی آماری کیفری؛ ل- تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط آزادی مشروط و ارایه آن به‌قاضیان ناظر زندان؛ م- تهیه و پیشنهاد اسامی محکومان واجد شرایط عفو و ارایه آن به هیات عفو. ن- برنامه‌ریزی برای مراقبت بعد از خروج محکومان با همکاری دستگاه‌های مربوط؛ ص- آموزش کارکنان همسو با موازین کیفرشناسی نوین و سیاست‌های توسعه قضایی قوه قضاییه. ماده ۱۹- سازمان می‌تواند با ایجاد تشکیلات مناسب نسبت به انجام تحقیقات و مطالعات علمی کیفرشناسانه لازم را اقدام نماید. تبصره ۱- کلیه پژوهش‌های سازمان باید همساز با مبانی نوین کیفرشناسی بوده، نتیجه آن برای سازمان و بهینه‌سازی اداره امور کاربرد عملی داشته باشد. تبصره ۲- منظور از کیفرشناسی نوین؛ مطالعه، تحقیق، ارزیابی و بررسی روش‌های علمی اجرایی است که به فایده‌مندی فردی و اجتماعی شیوه‌های اجرای کیفرها، می‌پردازد. ماده ۲۰- استانداردهای موردنیاز در مورد تشکیلات اعم از تعداد کارمندان، مربیان تربیتی، مأموران انتظامی و مربیان مذهبی و متخصصان در زندان‌ها و مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان به تناسب موقعیت و احتیاجهای محل و آمار شناور محکومان توسط سازمان تعیین و به تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی خواهد رسید. ماده ۲۱- در هر مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان، بازداشتگاه و یا سایر مراکز وابسته به سازمان در صورت ضرورت، واحد آمار و رایانه تشکیل می‌گردد تا کلیه آمار موردنیاز را ثبت نماید. تبصره - مسئول واحد یاد شده موظف است اطلاعات جمع‌آوری شده را بنا بر دستورالعمل‌های صادر شده تهیه و به مقام مافوق ارایه نماید. ماده ۲۲- تاسیس، احداث و اداره کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان و نیز تغییر محل آنها بطور انحصاری در اختیار سازمان می‌باشد. مراجع قضایی، اجرایی، اطلاعاتی، نظامی و انتظامی از داشتن زندان و بازداشتگاههای اختصاصی ممنوع می‌باشند. تبصره: بازداشتگاههای انضباطی نیروهای مسلح از شمول این آیین‌نامه خارج است. ماده ۲۳- انتظامات و حفاظت فیزیکی از مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها و بازداشتگاهها و سایر مراکز وابسته بعهده سازمان است که توسط یگان انتظامی و نیروهای انتظامی تحت امر اعمال خواهد شد. تبصره - نیروهای یاد شده تحت امر رییس سازمان بوده و وی می‌تواند اختیارات خود را راساً اعمال نموده یا با تفویض به معاون انتظامی سازمان، به مدیران کل استانها و رییسان زندان‌ها واگذار نماید. ماده ۲۴- وظایف رییسان، زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، زندان‌ها، بازداشتگاهها، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته به سازمان عبارت است از: الف- اجرای قوانین، مقررات و آیین‌نامه‌های وضع شده؛ ب- اجرای تصمیم‌های شورای طبقه‌بندی با رعایت مقررات مربوط؛ ج- محافظت و مراقبت کامل از زندان‌ها مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال محکومان و متهمان بوسیله عوامل در اختیار و پیش‌بینی تمهیدهای لازم برای جلوگیری از فرار آنان و همچنین مراقبت در نحوه رفتار مأموران با محکومان و متهمان؛ د- آموزش توجیهی، هدایت و نظارت بر یگان حفاظت زندان و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال؛ ه- برنامه‌ریزی و اهتمام و اقدام در جهت تهذیب، اصلاح و تربیت محکومان و نیز تأمین بهداشت، تغذیه، تربیت بدنی و تفریح‌های سالم آنان در محیط زندان یا مراکز وابسته؛ و- اجرای برنامه‌های آموزش حرفه‌ای، فنی، کشاورزی، خدماتی، علمی و مذهبی با همکاری

سازمانهای مربوط؛ ز - اعمال نظارت و بازرسی مداوم و کسب اطلاعات لازم از وضعیت عمومی و فردی محکومان و متهمان و رسیدگی مقدماتی به تقاضای آنان و اعلام به مقامهای مسئول؛ ح - همکاری و مساعدت در اجرای برنامه‌های انجمن حمایت از زندانیان، ستاد مردمی رسیدگی به امور دینه، مراکز مراقبت بعد از خروج و مؤسسه‌های صنعتی کشاورزی و خدماتی و سایر مراکز وابسته؛ ط - مراقبت در اجرای برنامه روزانه و دو نوبت سرشماری از محکومان و متهمان و گزارش اتفاقات و آمار روزانه به مقامهای بالاتر برابر دستورالعمل‌های صادر شده؛ ی - گزارش نتایج حاصله از اجرای برنامه‌های محوله به مقامهای بالاتر برابر دستورالعمل‌های صادر شده؛ ک - تهیه برنامه و بودجه سالیانه واحد تحت سرپرستی و ارایه آن به مدیر کل استان؛ ل - انجام سایر وظایف پیش‌بینی شده در این آیین‌نامه. ماده ۲۵- رییس زندان یا مراکز وابسته شخصاً و در غیاب وی مسئول مربوط به محض اطلاع از وقوع حادثه باید در محل حاضر شده، ضمن اتخاذ تدابیر لازم و عاجل برای برقراری نظم و آرامش، در صورت لزوم مراتب را در اسرع وقت به مقامهای بالاتر گزارش نماید رونوشت آن نیز برای دادستان یا قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد. ماده ۲۶- حفاظت از زندان‌ها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال، استقرار نظم و تأمین امنیت آنها با استفاده از طرحها، عوامل و موانع حفاظت فیزیکی و برخورد مناسب و مقابله لازم با هرگونه اخلاص نظم، اغتشاش، شورش و اقدام‌های مخل امنیت مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال بوسیله‌ی یگان حفاظت تحت نظارت و هدایت رییس مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان انجام می‌گیرد. ماده ۲۷- مدیران و رییسان زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال موظفند فهرست متهمان تحت قرار در زندان تحت مدیریت خویش را که حداکثر یک ماه از تاریخ صدور قرار آنان سپری شده، هر ماه تهیه کرده و به منظور تعیین تکلیف نهایی در اختیار مراجع قضایی مربوط قرار دهند. ماده ۲۸- معاون زندان برحسب وظیفه و عنوان اختصاصی (هر یک از معاونتها) و بر اساس درجه زندان یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال در انجام تکالیف مقرر با زندان همکاری و معاضدت نموده و دستورهای قانونی او را به مورد اجرا می‌گذارد و در غیاب رییس یکی از معاونان به پیشنهاد وی و تصویب مدیر کل استان مسئولیت امور را بر عهده خواهد داشت. ماده ۲۹- وظایف فرمانده قرارگاه زندان به شرح زیر است: ۱- نظارت بر امور حفاظت فیزیکی زندان و تأیید لوحه نگهبانی، گشت و کنترل و تأیید لوحه پاسداری؛ ۲- نظارت بر حضور و غیاب پرسنل انتظامی زندان و اقدام لازم در این خصوص؛ ۳- بازدید و بررسی وضع ظاهری کارکنان حاضر به خدمت در هنگام برگزاری مراسم صبحگاه و انجام وظیفه و ارائه آموزشها و تذکرات ضروری به آنها؛ ۴- نظارت در تمرین پرسنل نسبت به طرحهای دفاعی و امنیتی زندان با پرسنل؛ ۵- بازدید از اماکن زندان و اسلحه و مهمات و تجهیزات و نظارت بر امر نظافت و نگهداری آنها؛ ۶- نظارت بر نحوه اعزام و انتقال زندانیان به مراجع قضائی و دیگر مراجع؛ ۷- نظارت، بررسی، هدایت و راهنمایی مسئول نگهبانی و افسر آموزش و یگان عملیات و سایر عوامل کشیک و گشت در انجام وظایف محوله؛ ۸- ابلاغ دستورات مقامات مافوق و بخشنامه‌های اداری و انتظامی به مأمورین مربوط و نظارت بر حسن اجرای آنها؛ ۹- عهده‌دار شدن امور در غیاب مسئول امور انتظامی؛ ۱۰- تدوین، ارائه و پیشنهاد طرحها و دستورالعمل‌های لازم در زمینه هر یک از موارد فوق در جهت بهبود امور جاری و تسهیل و تسریع کار برابر مقررات؛ ۱۱- جلوگیری از وقوع هرگونه بی‌نظمی و نظارت بر تحقیقات اولیه و تشکیل پرونده و اعزام متهم یا متهمین به مراجع قضایی در وقت قانونی؛ ۱۲- ارائه گزارش لازم از وقایع اتفاقیه به مقام مافوق؛ ۱۳- انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۰- وظایف افسر نگهبان عبارت است از: ۱- حضور به موقع در محل خدمت و مطالعه مندرجات ۲۴ ساعت گذشته دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه به منظور پیگیری و اجرای دستورهای صادره از سوی مقام مافوق و اطلاع از وقایع مربوط. ۲- کنترل عوامل نگهبانی، نظارت بر تحویل اسلحه و مهمات به آنان، تطبیق نام آنان با لوحه نگهبانی، اعلام پرسنل غایب به مقام مافوق و ثبت اسامی و مأمورین حاضر در دفتر ثبت وقایع و خدمات روزانه؛ ۳- نظارت بر امور کمک افسر نگهبان مبنی بر اعزام به موقع عوامل نگهبانی به محل مأموریت؛ ۴- تحویل و تحول امور نگهبانی با توجه به وقعات روز قبل؛ ۵- تنظیم و ثبت وقعات و گزارشهای نهایی به صورت صحیح و بدون خط خوردگی و تراشیدگی و الحاق برابر دستورالعملهای صادره؛ ۶- رسیدگی به پرونده‌های

متشکله باقیمانده از نگهداری قبل جهت تکمیل و به جریان انداختن و آماده نمودن آنها برای ارسال به مراجع قضایی؛ ۷- نظارت بر انجام وظیفه مأمورین اطلاعات درب ورودی و راهنمایی مراجعه کنندگان و نگهداری اشیاء ممنوعه ارباب رجوع؛ ۸- بازدید از عوامل نگهداری و اماکن انتظامی در طول مدت خدمت؛ ۹- تقدیم گزارش از وضعیت حفاظت فیزیکی زندان در زمینه مشکلات، نواقص، ایرادات و نارسائیهها به فرمانده انتظامی در مدت نگهداری؛ ۱۰- نظارت بر امور محوله داخلی بین پوسته دوم زندان مانند نظافت کلیه اماکن انتظامی، اطمینان از عدم وجود اشکال در ساختمان و تأسیسات؛ ۱۱- تعیین افراد جیره بگیر، امور رفاهی مأمورینی که بطور شبانه روزی در زندان بسر می‌برند، وضعیت ظاهری و شئون اسلامی، رعایت موارد انضباطی و جلوگیری از حرکات یا اعمال سوء مأمورین و نظارت بر اجرای برنامه‌های دسته‌جمعی از جمله نماز جماعت، سخنرانی و اجرای دستورات انضباطی و تنبیهی در مورد هریک از کارکنان و ارائه گزارش نواقص، معایب مشهود در هر مورد به مقام بالاتر؛ ۱۲- اجرای مراسم صبحگاه و شامگاه؛ ۱۳- اعمال نظارت لازم بر بازرسی بدنی از زندانیان، ملاقات کنندگان و بازرسی دقیق وسائط نقلیه و سایر تجهیزات در هنگام ورود و خروج از زندان بدون استثناء. ۱۴- هدایت و نظارت کمک نگهبان در انجام وظایف و امور محوله؛ ۱۵- ارائه گزارش سوانح و حوادث غیر مترقبه حادث شده به مقام مافوق در اسرع وقت؛ ۱۶- اجرای کامل مقررات و آئین‌نامه‌های مربوطه و نظارت کامل در حُسن جریان امور انتظامی و سرکشی و بازدید مرتب از اماکن مختلف پستی و ارتباط آنان با یکدیگر و بطور کلی برقراری نظم و آرامش در محدوده فیزیکی تحت مسئولیت و اعمال مراقب دائم در مورد جلوگیری از ورود هرگونه سلاح سرد و گرم به زندان؛ ۱۷- آمارگیری از کارکنان تحت امر بمنظور آگاهی بر تعداد کارکنان موجود، غائب، در حال مرخصی، بیمار، فراری، منتسب و غیره و تنظیم آمار لازم و درج آن در دفتر نگهداری؛ ۱۸- انجام سایر امور محوله طبق دستور. ماده ۳۱- مسئول بازدید و کنترل ورود و خروج افراد و وسایل موظف است علاوه بر امور محوله، اقدامات زیر را انجام دهد: ۱- بازرسی دقیق از وسائط نقلیه و اشیائی که به هر نحو به زندان وارد و یا خارج می‌شوند و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه؛ ۲- بازرسی بدنی از زندانیان و مراجعین به هنگام ورود یا خروج از زندان و جلوگیری از ورود و خروج اشیاء ممنوعه؛ ۳- اجرای مقررات مربوط به ورود اشخاص به زندان؛ ۴- تنظیم و ثبت دفتر ورود و خروج به زندان؛ ۵- ارائه گزارش موارد تخلفات زندانی و ارباب رجوع و معرفی آنان به مسئول مربوط؛ ۶- کنترل ورود و خروج خودروها از حیث ثبت تاریخ و ساعت و شماره خودرو با نام راننده مربوط و گرفتن کارت شناسایی معتبر از راننده و در مواقع ضروری گرفتن کارت ماشین. ماده ۳۲- وظایف سایر مسئولین و کارکنان در زندانها، بازداشتگاهها، مؤسسات صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسات و مراکز وابسته بر اساس شرح وظائف پست سازمانی مصوب خواهد بود. ماده ۳۳- ترک نگهداری، صحبت کردن در موقع نگهداری، خوابیدن و نشستن و خارج شدن از محوطه پاسگاه، غذا خوردن، استعمال دخانیات، انجام حرکاتی که باعث انصراف خاطر آنان از خدمت و مراقبت از زندانیان در تکالیف مقرر آنان شود ممنوع می‌باشد. نگهداران باید طبق آئین‌نامه داخلی همیشه مجهز و ملبس به لباس رسمی و تمیز و مرتب بوده، مواقعی که در داخل زندانها مأموریت داشته باشند بدون اسلحه انجام وظیفه نمایند. اسلحه، مهمات و تجهیزات زندان باید در پوشش خارج بند در جای امن و مستحکم نگهداری شود. هنگامی که نگهداران زندانی را طبق دستور رسمی و کتبی مقامات صلاحیتدار قانونی برای محاکمه یا بازپرسی یا انتقال به زندان یا محل دیگر از زندان خارج می‌نمایند باید مسلح باشند و در طول راه حق توقف و مذاکره و حرف زدن با متهم و دیگران را ندارند و مکلفند زندانی را برابر مقررات مربوط تحت مراقبت کامل از جای خلوت مستقیماً به مرجع احضار کننده بدرقه نموده پس از انجام کار او را بلافاصله و به همان نحو مستقیماً به زندان عودت داده به افسر نگهبان خارج تحویل نمایند. نگهداران به هنگام نگهداری، بدرقه و حفاظت زندانیان از ادای احترامات معاف خواهند بود. اگر زندانی مبادرت به فرار نماید نگهبان موظف است ضمن استمداد از اطرافیان با تمام توان او را تعقیب نموده و چنانچه با بکار بردن تلاشهای ممکن موفق به دستگیری او نشود سه مرتبه با صدای بلند و رسا ایست داده هرگاه باز هم توقف نمود، با رعایت اطراف و جوانب و توجه به اینکه باعث قتل یا جرح



کسی نگردد با استفاده از اسلحه و خالی کردن تیر هوایی و در مقام ناچاری با نشانه‌گیری ساق پای زندانی از فرار او جلوگیری نماید. هرگاه نگهبان بدون اجازه رسمی و کتبی مقامات مربوط از بازداشت هر زندانی، اطلاعی به‌خارج از زندان داده یا اطلاعات و پیامها و نوشته‌ها یا اجناس و اشیائی از طرف زندانیان به خارج برساند یا از خارج برای آنان بیاورد به نسبت اهمیت تخلف تحت تعقیب قرار خواهد گرفت. نگهبان در مواقعی که خلافی از یکنفر زندانی مشاهده نماید بدون اینکه حق داشته باشد او را مجازات یا حتی ملامت کند بایستی مراتب را با ذکر جزئیات امر کتباً به افسر نگهبان گزارش دهد چنانچه در مقام رسیدگی خلاف گزارش وی ثابت شود مؤاخذه خواهد شد. تبصره - تخلف از مقررات ماده فوق علاوه بر تعقیب قانونی موجب تنبیه انضباطی خواهد بود.

ماده ۳۴- در هر زندان مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا با توجه به نوع آن به تعداد کافی پست سازمانی جهت انجام امور مربوط در نظر گرفته خواهد شد. شرح وظایف هر یک از مشاغل توسط مسئولان مربوط در ستاد مرکزی تصویب و به مسئولان زندانها مراکز حرفه آموزی و اشتغال و جهت ابلاغ به متصدیان مشاغل ابلاغ خواهد شد. تبصره - مسئول هر واحد موظف است شرح وظایف مشاغل تحت سرپرستی خویش را مطالعه و به متصدیان مشاغل ابلاغ نماید. افزون بر آن ضمن ارایه آموزشهای لازم به کارکنان برای اجرای شرح وظایف یک نسخه از شرح وظایف هر فرد را در محل کار وی و در جایی که توسط مراجعان به راحتی دیده می‌شود نصب نماید. ماده ۳۵- وظایف سایر مسئولان و کارکنان سازمان و مراکز حرفه آموزی و اشتغال، بازداشتگاهها، مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و سایر مؤسسه‌ها و مراکز وابسته بر اساس شرح وظایف پست سازمانی مصوب خواهد بود. تبصره ۱- مسوولان پست‌های مصوب با توجه به امکانات و نیروی انسانی بر اساس تخصص‌های مربوط به پست مورد تصدی منصوب خواهند شد، رئیس سازمان به منظور پیاده شدن راهبرد توسعه قضایی، اصل تخصص‌گرایی را در انتصاب‌ها ملاک قرار خواهد داد.

تبصره ۲- کلیه مسئولان بازرسی سازمان خواه در ستاد و خواه در استان‌ها باید از میان حقوقدانان مسلط به حقوق زندانیان انتخاب شوند. تبصره ۳- به منظور فراهم شدن زمینه‌های نهادینه سازی سیاست‌های نوین کیفری و فایده‌مندسازی شیوه‌های اجرای کیفر سلب آزادی، ترجیحاً ریسان مراکز آموزشی و پژوهشی سازمان و مسئولان واحدهای آموزش و پژوهش این مراکز از میان متخصصان کیفرشناسی انتخاب خواهند شد. ماده ۳۶- رئیس دفتر زندان مکلف است در حُسن جریان کلیه امور مربوط به دبیرخانه و یا بایگانی و تقویم و ابلاغ و اجرای احکام، نظارت کامل داشته و مراقبت نماید تا کارهای جاری بدون وقفه و تاخیر و به موقع انجام شده، پاسخ نامه‌های رسیده در اسرع وقت تهیه و به مقصد ارسال شود، کلیه نامه‌ها و احکام و قرارهای رسیده در دفاتر مربوط ثبت، پس از ابلاغ به محکومان و اجرای مفاد آن در پرونده مربوط به هر محکوم درج و بایگانی گردد. بدیهی است نتیجه اجرای حکم را به مرجع قضایی مربوط ارسال خواهد نمود. دفاتر داخلی مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان عبارتند از: دفتر نامه‌ها و احکام و قرارها، دفتر ثبت اسامی محکومان، دفتر حضور و غیاب محکومان، دفتر ثبت تقویم و احتساب محکومیت‌ها با تعیین تاریخ دقیق آزادی محکومان، دفتر ثبت اسامی محکومان پیشینه‌دار، دفتر ثبت احضاریه، دفتر آزادی محکومان، دفتر ورود و خروج محکومان، دفتر ملاقات. تبصره - نظارت کامل در اجرای محکومیت‌های حبس بدل از جزای نقدی محکومان نیز در زندانها یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال، از وظایف ذاتی مسئول اجرای احکام هر مؤسسه یا زندان که زیر نظر مسؤول مربوط انجام می‌شود. ماده ۳۷- مسؤول شعبه اموال و انبار که صاحب جمع اموال مؤسسه یا زندان شناخته می‌شود مکلف است طبق مقررات آیین‌نامه مربوط در محافظت و نگهداری اثاثیه و اموال دولتی و لوازم و اشیاء و اسناد متعلق به محکومان مراقبت و اهتمام شایسته بعمل آورده و وظایف مشروح زیر را انجام دهد: - پیش بینی و اقدام به موقع و لازم در تهیه و تدارک اثاثیه و ملزومات و مایحتاج داخل مؤسسه یا زندان از قبیل لباس و پوشاک ماموران و محکومان، تأمین احتیاج‌های مربوط به سوخت و روشنایی و استحمام و نظافت و بهداشت محکومان و مکانهای زندان و هرگونه ضرورت‌های دیگر؛ - جلوگیری از تفریط و تزییع و حیف و میل اموال و اثاثیه دولتی و لوازم شخصی محکومان و اشیایی که به طور امانت می‌سپارند؛ - تهیه و تنظیم دفاتر مربوط به ثبت نامه‌های اداری؛ - وصول و تحویل اموال و لوازم

و اشیاء دولتی، نوشت افزار اداری، البسه دولتی محکومان و ماموران مؤسسه یا زندان؛ - ثبت اموال و اثاثیه دولتی بنابر نمونه رسمی و منطبق با مقررات آیین نامه اموال دولتی؛ - ثبت درخواستهای مربوط به تهیه اشیاء و لوازم مورد احتیاج؛ - ثبت البسه و لوازم شخصی و اسناد عادی و قیمتی محکومان و هر چیزی که محکوم موقع ورود به مؤسسه یا زندان با خود دارد در دفاتر مربوط؛ - تفکیک و نگهداری کیسه های محتوی لباس و اشیاء محکومان به ترتیب شماره ردیف (لباس و لوازم شخصی هر محکوم به محض ورود او به مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان باید بوسیله متصدی انبار نظیف و ضد عفونی شده در کیسه مخصوص با ذکر شماره در برگ صورت مجلس تنظیمی تحویل و تحول که یک نسخه آن با قبض انبار به محکوم تسلیم می شود لفاف شده و در حفظ و حراست آن از گزند موش و بید و آفات دیگر دقت و مراقبت کافی بعمل می آید)؛ - تنظیم اسناد و درخواست رسمی برای تهیه و تدارک اجناس مورد لزوم و امضاء و گزارش رییس مؤسسه یا زندان و مقام های مالی مربوط؛ - مراقبت در نظافت و حفاظت کامل اموال دولتی و امکانات محکومان؛ دقت و مراقبت کافی در تحویل صحیح و سالم امانت های محکومان به هنگام آزادی یا انتقال آنان و ارسال صورت مجلس تنظیمی با امضاء محکوم به دفتر مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان. ماده ۳۸- اداره ها و واحدهای مددکاری و خدمات اجتماعی در جهت شناخت شخصیت محکومان و کشف و حل معضلات و مشکلات شخصی و خانوادگی و اجتماعی آنان با کسب نظر روان شناس، تحقیقات و اقدام لازم را نموده، یک نسخه از تحقیقات را جهت ضبط در پرونده شخصیت محکوم به رییس زندان و نسخه دیگر را جهت اقدام لازم به اداره متبوع خود تسلیم می نماید. مددکاران باید با ابراز شفقت و جلب اعتماد محکوم برای بازگشت آنان به زندگی عادی و سالم اجتماعی اقدام و اهتمام لازم بعمل آورند. تبصره - مدیران کل استان ها مکلفند هر سال بودجه ای را ترجیحاً با جلب کمک های مردمی و مؤسسه های خیریه به منظور زندان زدایی و بصورت تنخواه در اختیار واحدهای مددکاری هر ندامتگاه قرار دهند؛ واحدهای مددکاری، ضمن تلاش برای جلب رضایت شاکی، بدهی های مالی تا سقف دو میلیون ریال را از بودجه در اختیار پرداخت نموده؛ تا بدینوسیله موجبات جلب رضایت شاکیان و آزادی محکومان مالی یا بهره مندی آنان از آزادی مشروط را فراهم کنند. ماده ۳۹- از تاریخ تصویب این آیین نامه واحدهای فرهنگی - تربیتی زندان ها و مراکز حرفه آموزی و اشتغال به « واحد بازپروری » تغییر نام می یابند. مسؤولان واحدهای بازپروری مکلفند کلیه اقدام ها، فعالیت ها، برنامه ها و امکانات مادی و معنوی واحد خود را به سوی بازپروری و بازسازی محکومان هدفمند سازند به نحوی که نتیجه اقدام های آنان کاهش ماهانه و سالانه میزان تکرار بزه و افزایش میزان خروجی محکومان باشد. افزون بر وظایف مقرر در پست های مصوب، مسؤولان واحدهای بازپروری موظفند: ۱- برای کلیه فعالیت های خود به منظور بازپروری برنامه ریزی نموده؛ ضمن تعریف و تعیین اهداف عینی و اختصاصی خود؛ هم سو با بازپروری نسبت به مافی که موثر در اصلاح، بازپروری و بازسازی محکومان با جامعه و نیز کاهش میزان بازگشت محکومان به زندان است اقدام نمایند. ۲- کلیه برنامه ها و اقدام های بازپرورانه واحدهای خود را با محیط زندان یا مراکز محل خدمت، شرایط اقلیمی، فرهنگی و بومی و ویژگی های مردم شناسانه ی محکومان همساز و همگرا گردانند. ۳- آثار برنامه ها و فعالیت های اجرا شده واحد خود بر محکومان و تأثیر پیشرفت آن بر کاهش میزان تکرار بزه را مورد ارزیابی ماهانه و سالانه قرار دهند و ضمن اصلاح، تعدیل یا حذف برنامه های نامناسب؛ برنامه های نوین بازپرورانه جایگزین آن نموده، گزارش های ماهانه و سالانه خود را به رییس زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال محل خدمت و شورای طبقه بندی به منظور اتخاذ تصمیم های بهتر و مناسب تر ارسال نمایند. تبصره - گزارش های سالانه یاد شده هر سال توسط مدیران کل استان های مربوط به منظور بهینه سازی تصمیم گیری ها و برنامه ریزی ها به معاونت بازپروری سازمان تسلیم خواهند شد. معاونت یاد شده مکلف به مطالعه کارشناسانه، برنامه ریزی و ابلاغ برنامه های بهینه ساخته به واحدهای بازپروری می باشد. ماده ۴۰- روانشناسان زندان و مراکز حرفه آموزی و اشتغال موظفند با همکاری مددکاران و بخش معاونت بازپروری و ملاحظه پرونده شخصیتی محکومان ضمن بررسی ناسازگاری و ناهنجاری های روانی آنان مراتب را به شورای طبقه بندی اعلام و اقدام لازم را برای ایجاد سازگاری و در صورت لزوم

درمان آنان بعمل آورند. ماده ۴۱- مسئول بهداری مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان موظف است با همکاری متخصصان مربوط چون روانپزشک، پزشک و یا روانشناس نسبت به بستری کردن بیماران روانی به منظور معالجه آنان اقدام نموده در صورتیکه بیماری افراد یاد شده منجر به جنون یا اختلال مشاعر تشخیص داده شود مراتب را در اسرع وقت بوسیله رییس مؤسسه یا زندان به پزشکی قانونی جهت اعلام نظر و اطلاع به مقام‌های قضایی گزارش نموده و در صورت نیاز برای انتقال و معالجه آنان در یک مؤسسه درمانی و تامینی تدابیر شایسته قانونی را اتخاذ نماید. ماده ۴۲- مریمان زندان‌ها، مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، صنعتی، کشاورزی و خدماتی موظفند ضمن اجرای دستورهایی که از طرف رییس مؤسسه به آنان ابلاغ می‌شود، در روز دست کم دو بار صبح و عصر از محکومان و متهمان سرشماری و حضور و غیاب بعمل آورده و ضمن گشت، افراد مشغول بکار را تحت نظر گرفته و از هرگونه تماس آنان با افراد خارج و یا خروجشان از محوطه مؤسسه یا فرار آنان جلوگیری کنند و در صورت بروز حادثه یا مشاهده هرگونه تخلف فوری بنا بر مقررات این آیین‌نامه اقدام نموده، مراتب را به رییس زندان یا مراکز مربوط گزارش نمایند.

تبصره ۱- شرح وظایف مریمان بر اساس ویژگی‌های مؤسسه یا زندان محل خدمت و متناسب با آن، متفاوت خواهد بود و شورای برنامه‌ریزی سازمان مکلف است در تعریف شرح وظایف مریمان تفاوت‌های مؤسسه‌ای را رعایت کند. تبصره ۲- اعزام و بدرقه محکومان و متهمان بوسیله نیروهای مربی ممنوع است. در موارد اضطراری یا در مورد محکومان و متهمان زن؛ این امر به همراهی دیگر ضابطان انجام خواهد شد. ماده ۴۳- متهمان و محکومان در طول اقامت در مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال یا زندان و یا مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و یا اقامت در مؤسسه‌های اقدامات تامینی و تربیتی از حیث تحولات حاصله در ویژگی‌های اخلاقی و مذهبی و تشخیص سلامت بدنی و روحی تحت مراقبت و بررسی متخصصان زندان یا مؤسسه مربوط قرار خواهند داشت. تبصره - اقدام‌های مقرر در این ماده در بازداشتگاهها نیز اعمال خواهد شد. ماده ۴۴- به منظور توسعه و ترویج مبانی و موازین حقوق شهروندی در زندان‌ها، بازداشتگاهها و مؤسسه‌های تحت نظر سازمان، رعایت موازین حقوق اسلامی و انسانی، تسهیل روند زندان‌زدایی و بازسازی محکومان با جامعه دفتری به نام « دفتر حمایت از حقوق شهروندی زندانیان » زیر نظر بررسی سازمان و با تعداد لازم کارشناس، تشکیل می‌شود. وظایف این دفتر به شرح زیر است: ۱- مطالعه، بررسی و پیگیری موارد نقض حقوق شهروندی در زندانها، بازداشتگاهها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و اعلام آن به رئیس سازمان؛ ۲- مطالعه پرونده‌های قضایی افراد تحت قرار و تذکر گذشت موعدهای قانونی به قاضیان ناظر و مقامهای قضایی مربوط؛ ۳- تهیه کتابچه‌های در مورد حقوق و تکالیف قانونی محکومان و متهمان و تفهیم ماهانه این حقوق و تکالیف به افراد تازه وارد؛ ۴- همکاری مستمر و نظاممند با هیأت نظارت بر اجرای قانون احترام به آزادیهای مشروع و حفظ حقوق شهروندی، ستاد حقوق بشر قوهقضاییه و سایر نهادهای حقوق بشری پس از هماهنگی بازرس سازمان؛ ۵- نظارت برحُسن اجرای این آییننامه و سایر اموری که به این دفتر به موجب قانون ارجاع میشود. تبصره ۱- مسؤول دفتر، از میان حقوقدانان آگاه به موازین حقوق شهروندی توسط رئیس سازمان انتخاب میشود.

تبصره ۲- مسؤول دفتر موظف است از وضعیت حقوق شهروندی مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندانها بطور ماهیانه به رییس سازمان گزارش دهد. تبصره ۳- گزارش سالیانه حقوق شهروندی سازمان بوسیله مسؤول دفتر تهیه گشته از طریق رییس سازمان تسلیم رییس قوهقضاییه خواهد شد. تبصره ۴- در کلیه ادارهای کل استانی واحد حمایت از حقوق شهروندی زندانیان تأسیس خواهد شد. ماده ۴۵- افزون بر نظارت بر حُسن اجرای قوانین و مقررات مربوط به زندان‌ها و مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و سایر وظایفی که به موجب دیگر مقررات بر عهده قاضیان ناظر زندان گذارده شده است، وظایف آنان با رعایت مقررات این آیین‌نامه عبارت است از: ۱- اعمال نظارت بر امور محکومان از حیث پیشبرد اهداف بازپرورانه و اتخاذ تدابیر مناسب به منظور فردی‌سازی هر چه بیشتر کیفرها؛ ۲- شرکت در شورای طبقه‌بندی، ملاحظه پرونده شخصیت محکوم و اتخاذ تصمیم در مورد شیوه اعمال کیفر؛ ۳- اعلام تخلف‌های آیین‌نامه‌ای و قانونی محکومان و متهمان به مراجع قضایی مربوط؛ در مواردی که متضمن جرم باشد؛ ۴- صدور

مجوز به منظور ملاقات نمایندگان سیاسی و کنسولی اتباع خارجی که در حال تحمل کیفر یا بازداشت‌اند؛ ۵ - اعطای مرخصی به محکومان با ملاحظه پیشرفت‌های بازپرورانه و مقررات آیین‌نامه؛ ۶ - مطالعه پرونده افراد تحت قرار بازداشت موقت یا کسب اطلاع از پرونده آنان بوسیله دفتر حمایت از حقوق شهروندی سازمان یا طرق دیگر و اعلام مراتب گذشت مدت‌های قانونی موضوع بند ط ماده ۳ قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب (مصوب ۲۸/۷/۱۳۸۱) صرفاً جهت اطلاع به مراجع یاد شده؛ ۷ - صدور مجوز قانونی به منظور ملاقات و کیلان و مشاوران حقوقی با موکلان خود؛ ۸ - برگزاری جلسه‌های هفتگی پرسش و پاسخ با محکومان یا متهمان به منظور حل مشکلات قانونی بر آمده از نحوه اجرای کیفرها و پاسخ‌گویی به مشکلات حقوقی آنان؛ ماده ۴۶ - در هر زندان، مرکز حرفه‌آموزی و اشتغال، یا مؤسسه صنعتی، کشاورزی و خدماتی هر یک ماه یک بار کمیسیونی با مسئولیت رییس زندان، مؤسسه و یا نماینده وی و با شرکت متخصصان روانشناسی، مددکاری، فرهنگی، تربیتی و در صورت لزوم کارشناس صلاحیت‌دار دیگر تشکیل و خلاصه دیدگاه‌های کمیسیون یاد شده نسبت به محکوم در پرونده شخصیت او منعکس و رونوشت نظر کمیسیون برای قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد. بخش دوم: مقررات عمومی فصل نخست - پذیرش، تشخیص و طبقه‌بندی ماده ۴۷ - واحد پذیرش و تشخیص محلی است برای پذیرش، بررسی و شناخت شخصیت محکومان و متهمان که زیر نظر مسئول مربوط انجام وظیفه می‌نماید. ماده ۴۸ - پذیرش از هنگامی آغاز می‌گردد که متهم یا محکوم به موجب برگ رسمی به امضاء و مهر مقام قضایی صادر کننده قرار یا حکم، متضمن مشخصات کامل متهم یا محکوم (شهرت - نام - نام پدر - سن - شماره شناسنامه - شماره ملی - کدپستی - شغل - نوع جرم و اتهام یا محکومیت - نوع و میزان مجازات - شماره قرار یا حکم - تاریخ شروع بازداشت) وسیله مأمور شناخته شده قبلی که باید کارت شناسایی رسمی ملصق به عکس خود را ارایه دهد به مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال، بازداشتگاه، زندان یا سایر مراکز وابسته تحویل می‌گردد. تبصره ۱ - عدم ذکر نام و نام خانوادگی، نام پدر، نوع اتهام، شماره قرار و نیز عدم مهر و امضای مقام قضایی و قانونی موجب عدم پذیرش فرد خواهد بود مگر در مواردیکه به ولگردی یا بی‌هویتی و امثال آن تصریح گردد که در این صورت زندان و مرجع قضایی بایستی به هر نحو ممکن مشخصات دقیق وی را به دست آورده و در سوابق ثبت کند. تبصره ۲ - سازمان موظف است فهرست مقام‌های صلاحیت‌دار قانونی را که بر اساس سایر قوانین موضوعه مجاز به معرفی متهمان یا محکومان به زندان می‌باشند به اداره‌های کل زندان‌ها اعلام نماید. ماده ۴۹ - از هر محکوم به محض ورود در قسمت پذیرش و تشخیص توسط ماموران نیروی انتظامی انگشت‌نگاری و عکاسی به عمل می‌آید و پس از تنظیم دو برگ انگشت‌نگاری (یگ برگ برای زندان و یک برگ برای ارسال به مراکز اسناد قانونی) برای تعیین پیشینه با ذکر شماره عکس محکوم به انضمام مدارک رسمی نسبت به تحویل زندانی اقدام می‌گردد و افزون بر شماره کلاسه دفاتر ثبت کل و ثبت قرارها و محکومیت‌ها ذکر شماره عکس نیز در کلیه مکاتبه‌های مربوط بازداشتی‌ها و محکومان الزامی است. تبصره ۱ - هر محکوم یا متهم مکلف است هنگام ورود مشخصات صحیح و کامل، کدپستی و کد ملی خود را به واحد پذیرش اعلام نماید و در صورت ارایه مشخصات غلط بنابر مقررات این آیین‌نامه تنبیه انضباطی خواهد شد، مسوولان زندان‌ها یا مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال مکلف‌اند پس از احراز هویت واقعی مراتب را به مراجع قضایی مربوط اعلام نمایند. تبصره ۲ - محکوم یا متهم هنگام ورود باید دست کم یک نفر را معرفی نماید که در صورت بروز هرگونه اتفاقی برای وی در اسرع وقت به فرد یاد شده اطلاع داده شود. ماده ۵۰ - در زندان‌ها مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و باید دفاتر ثبت کل حاوی نکات زیر، صفحه‌بندی و به امضاء و مهر رییس زندان رسیده و مشخصات محکوم و متهم به محض ورود و پیش از تحویل او به زندان بشرح زیر در آن ثبت شود (ذکر هویت کامل متهم یا محکوم، شامل: نام و نام خانوادگی کنونی و پیشین، نام مستعار، لقب، نام پدر و مادر، وضع شرایط و ویژگی‌های خانوادگی، جنسیت، مذهب، تابعیت، شغل، سن، وضعیت تاهل، میزان سواد، پیشینه کیفری، شماره عکس، علایم مخصوص بدنی، نوع اتهام یا محکومیت، نوع قرار یا مجازات، مدت محکومیت، تاریخ شروع بازداشت، تاریخ آزادی از زندان، شماره قرار یا حکم، مرجع

صدور قرار یا حکم، نشانی دائم، شماره تلفن و شماره و محل صدور شناسنامه) صحت انطباق مشخصات یاد شده با محکوم معرفی شده باید در زیر معرفی نامه بوسیله مامور و آورنده نامه محکوم یا متهم تایید و پس از ثبت مراتب در دفتر ثبت کل صحت آن به امضاء محکوم معرفی شده در ستون آخر دفتر یاد شده گواهی شود. ماده ۵۱- پس از ثبت مشخصات کامل محکوم یا متهم در دفاتر (دفاتر ذکر شده در ماده ۳۷) برای هر فرد به ترتیب شماره دائمی عکس پرونده تشکیل می گردد و کارت شناسایی ملصق به عکس همچنین کارت بایگانی به ترتیب حروف الفبا تهیه و در ردیف مربوط نگهداری می گردد. ماده ۵۲- شماره مکاتبه های اداری درباره محکوم یا متهم به این شرح خواهد بود: متهم: (شماره ردیف، شماره عکس، بزه مورد اتهام، شماره مربوط به نوع بزه مورد اتهام در مورد محکومیت، شماره ترتیب دفتر ثبت کل، علامت ممیزه زندان). محکوم: (شماره ردیف، شماره عکس، بزه مورد اتهام، شماره مربوط به نوع بزه مورد اتهام در مورد محکومیت، شماره ترتیب دفتر ثبت کل، علامت ممیزه زندان). ماده ۵۳- کلیه پرونده های محکومان و متهمان، بایستی ملصق به عکس و حاوی برگ انگشت نگاری و شرح حال و خلاصه پیشینه شخصی، خانوادگی، اجتماعی و کیفری آنها به امضاء مسئول بایگانی زندان باشد. ماده ۵۴- برای هر محکوم کارت شناسایی ملصق به عکس شامل مشخصات کامل به شرح مندرج در ماده ۴۹ تهیه و در هر گونه نقل و انتقالی به عنوان معرف و مبین مشخصات محکوم مورد استناد و استفاده لازم قرار می گیرد. ماده ۵۵- رییس زندان مراکز حرفه آموزی و اشتغال، یا جانشین آنها مکلف است هر روز اول وقت اداری از محکومان و متهمان تازه وارد بازدید نموده و الزام اجرای مقررات و مراعات نظم و انضباط را در محیط بازداشتگاه، مراکز حرفه آموزی و اشتغال و زندان به آنان تفهیم نموده و دفترچه راهنمای مقررات و حقوق وظایف آنان را میان آنها توزیع نماید. ماده ۵۶- در صورت فقدان منع قانونی، هر محکوم می تواند در اسرع وقت به وسایل ممکن به یکی از نزدیکان مورد اعتماد خود اطلاع دهد که در زندان حضور یافته، نسبت به تحویل اشیاء و لوازم شخصی او با حضور خود محکوم اقدام نماید، در هر نوبت صورتمجلس تحویل و تحول بایستی در دفاتر نگهبانی و انبار زندان یا بازداشتگاه و پرونده محکوم ثبت شود. ماده ۵۷- هر گاه محکوم بطور کتبی تقاضا نماید که اشیاء و لوازم شخصی خود را به وسیله پست سفارشی یا به وسیله مطمئن دیگر برای یکی از بستگان خویش ارسال دارد نسبت به بسته بندی و لا-ک و مهر آن با تنظیم صورتمجلس به امضای خود محکوم و مسئول امور نگهبانی و انباردار حاوی مشخصات و جزئیات و تعداد محتویات بسته اقدام می گردد. هزینه بسته بندی و حمل آن بعهده محکوم می باشد. ماده ۵۸- در صورتیکه محکوم یا متهم نتواند شخص مطمئن را برای تحویل دادن اسناد و اشیاء و لوازم شخصی و قیمتی خود معرفی نماید، تعیین تکلیف و محل و نحوه سپردن و نگهداری آن در محلی غیر از مؤسسه یا زندان از قبیل صندوق امانات پستی یا یکی از بانکها و غیره موکول به تقاضای کتبی وی خواهد بود. هزینه نگهداری به عهده محکوم یا متهم است. ماده ۵۹- هنگام انتقال محکوم یا متهم به زندان دیگر باید تشریفات تحویل و تحول و بسته بندی لوازم و اشیاء دیگر او با تنظیم صورتمجلس و ثبت مراتب در دفاتر نگهبانی و انبار به طور کامل انجام شده و یک نسخه از صورتمجلس به همراه وی به مؤسسه یا زندان مقصد ارسال شود. ماده ۶۰- محکومان یا متهمان مجازند در مؤسسه یا زندان تنها از لوازم و اشیاء شخصی زیر استفاده نمایند در غیر اینصورت بنا بر نظر شورای انضباطی با آنها برخورد خواهد شد. کتاب و نشریات مجاز، خمیر دندان و مسواک غیر فلزی، جای صابون غیر فلزی، صابون و شامپو، ابر حمام، شانه غیر فلزی، دو عدد حوله کوچک، دو جفت جوراب، لباس زیر بنا به ضرورت بهداشتی، نوشت افزار (کاغذ، پاکت، مداد، خودکار) عینک طبی و لوازم بهداشتی دیگر با اجازه بهداری، زندان، ناخن گیر فاقد چاقو، ماشین اصلاح دستی، رادیو یک موج باطری دار. ماده ۶۱- به استثناء لوازم ذکر شده در ماده یاد شده نگهداری و استفاده از اشیاء دیگر موکول به پیشنهاد رییس مؤسسه یا زندان و تصویب مدیرکل استان می باشد. (این اشیاء در هنگام ورود با ذکر مشخصات کامل در دو نسخه صورتمجلسه شده که یک نسخه در اختیار آورنده و نسخه دیگر در پرونده محکوم یا متهم ضبط می گردد). ماده ۶۲- محکوم یا متهم حق آوردن لوازم و ابزار کار از کارگاه و آموزشگاه را به داخل مؤسسه یا زندان یا

بازداشتگاه ندارد. ماده ۶۳ - در هر مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا زندان قسمتی به نام تشخیص به منظور شناخت شخصیت محکومان و متهمان و طبقه بندی آنان با استفاده از خدمات کارشناسان متخصص تشکیل می گردد که تهیه و تنظیم و نگهداری پرونده شخصیتی آنان به شرح مواد بعدی بعهدہ این قسمت است. ماده ۶۴ - محکومان حداکثر دو ماه در قسمت پذیرش و تشخیص تحت آزمایشگاههای پزشکی، روانپزشکی، آزمونهای روانشناسی و شناخت شخصیت و استعداد قرار گرفته و میزان سلامت جسمی و روانی معلومات و اطلاعات مذهبی و علمی و فنی آنان را در جهت شناخت شخصیت بررسی و تعیین می گردد. مددکاران اجتماعی طبق فرمهای تنظیمی که براساس موازین اسلامی از سوی سازمان تهیه می شود در مورد پیشینه زندگی تحقیقات لازم به عمل آورده گزارش کاملی از گذشته محکوم یا متهم از دوران طفولیت تا زمان تنظیم گزارش در محیطهای مختلف خانوادگی، تحصیلی، محلی، حرفه‌ای و غیره را با اظهار نظر خود تهیه می نماید. در انقضای مدت اقامت آنان در قسمت پذیرش و تشخیص کلیه گزارشهای متخصصان در پرونده او متمرکز می شوند تا در شورای طبقه بندی مطرح شود. ماده ۶۵ - در هر زندان، مرکز حرفه آموزی و اشتغال یا، شورایی با ترکیب زیر به نام شورای طبقه بندی تشکیل می شود: قاضی ناظر زندان به عنوان رئیس شورا؛ رییس زندان یا مرکز مربوط به عنوان دبیر شورا مسئولان واحدهای قضایی، بازپروری، انتظامی، رییس اندرزگاه مربوط، یک نفر روانشناس و یک نفر مددکار که در قسمت تشخیص فعالیت می نمایند با انتخاب رییس مرکز یا زندان. تبصره ۱- شورای طبقه بندی در اتخاذ تصمیمهای مربوط به محکومان یا متهمان در صورت نیاز نظر واحد حفاظت و اطلاعات را اخذ می نماید. تبصره ۲- در زندان یا مراکزی که دارای قاضیان ناظر متعدد باشد، انتخاب قاضی ناظر رییس شورا بر عهده دادستان است. تبصره ۳- در صورت عدم حضور سایر قاضیان ناظر در جلسات شورا؛ مصوبات شورای طبقه بندی بایستی به استحضار آنان برسد. ماده ۶۶ - شورای طبقه بندی در موارد زیر اتخاذ تصمیم می نماید: الف - تعیین و تقسیم محل استقرار محکومان و متهمان؛ ب - اشتغال یا عدم اشتغال به کار محکومان در مراکز اشتغال داخل و خارج از مؤسسه یا زندان؛ ج - اظهار نظر در زمینه احراز شرایط آزادی مشروط و عفو محکومان با رعایت مقررات مربوط. تبصره - نقل و انتقال محکوم یا متهم در داخل در اختیار رییس مؤسسه یا زندان می باشد. ماده ۶۷ - شورای طبقه بندی دست کم هفته‌ای یک بار تشکیل و با حضور اکثریت اعضا رسمیت می یابد، تصمیمهای شورا با اکثریت آراء قطعی قابل اجرا است در صورت لزوم به دعوت رییس مؤسسه یا زندان جلسه فوق العاده تشکیل خواهد شد. ماده ۶۸ - مدیر کل استان یا رییس زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال با تصویب شورای طبقه بندی و به منظور تشویق محکومان، پیشنهاد عفو یا آزادی مشروط آنها را با توجه به علاقه‌ی محکومان و پیشرفت آنان در اشتغال و رعایت مواد مربوط در این آیین نامه تقدیم می دارند. تبصره - اشتغال به کار کلیه محکومان در صورت عدم ممنوعیت در حکم، با تصویب شورای طبقه بندی و در صورت نیاز پس از گذارندن یک دوره حرفه آموزی و آموزش، بلامانع است. ماده ۶۹ - محکومان حسب پیشینه، سن، جنس، تابعیت، نوع جرم، مدت مجازات وضع جسمانی و روانی، چگونگی شخصیت و استعداد و میزان تحصیلات و تخصص به یکی از قسمتهای مراکز حرفه آموزی و اشتغال، زندان یا مؤسسه‌های تأمینی و تربیتی معرفی می گردند. تبصره ۱- محکومان و متهمان زن می توانند اطفال خود را تا سن دو سال تمام به همراه داشته باشند. رییسان و مراکز حرفه آموزی و اشتغال می توانند در هر مؤسسه یا زندان نسبت به تفکیک و جداسازی اطفال ۲ تا ۶ سال در محل مجزا (مهد کودک) اقدام و یا نسبت به انتقال اطفال موصوف به بهزیستی یا مؤسسه‌های نگهداری اطفال مبادرت نمایند. تبصره ۲- محکومان معرفی شده به زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال که وضعیت ظاهری آنها حکایت از بیماریهای روانی و جسمانی دارد، باید پیش از پذیرش توسط پزشک معتمد مورد معاینه قرار گرفته و در صورت نیاز به مراقبت‌های پزشکی و بیمارستانی، مراتب به قاضی مربوط اعلام گردد. فصل دوم - امور داخلی، برنامه ریزی روزانه، تغذیه و بهداشت ماده ۷۰ - در صورت امکان به محکوم یک اتاق با وسایل لازم داده می شود و هر گاه محکومان بطور دسته جمعی نگهداری شوند باید منتهای کوشش و دقت را در انتخاب افراد یک گروه از حیث تناسب سن و جهات دیگر بویژه به هنگام خواب

به عمل آورده و در شب بازدید و نظارت بیشتری درباره آنان اعمال گردد. برای محکومانی که حسب دستور مقام‌های قضایی صلاحیت‌دار می‌بایست بطور جداگانه نگهداری شوند باید اتاقی با امکانات لازم در نظر گرفته شود. ماده ۷۱- لوازم آسایشگاه برای هر محکوم عبارت است از: تختخواب، تشک، بالش، دو تخته پتو، ملحفه برای پتو، تشک و بالش (تغییر محل این لوازم در آسایشگاه به دلخواه محکوم ممنوع است). ماده ۷۲- محکومان مکلفند در حفظ و نگهداری و نظافت کامل لوازم مؤسسه یا زندان مراقبتهای لازم را به عمل آورند. ماده ۷۳- محکومان به هیچ وجه حق روشن کردن آتش و استفاده از چراغهای خوراک‌پزی و نگهداری نفت و بنزین و وسایل برقی و سایر مواد محترقه را در داخل مؤسسه، زندان یا بازداشتگاه ندارد. ماده ۷۴- برنامه روزانه مؤسسه‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاهها بایستی بدون تبعیض و استثناء درباره کلیه محکومان یکسان به مورد اجرا گذارده شود. برنامه مؤسسه‌ها، زندان‌ها و بازداشتگاهها به شرح زیر است: اذان صبح، بیدارباش و تا طلوع آفتاب، انجام امور واجب مذهبی، استحمام، نظافت آسایشگاه، امور شخصی، طلوع آفتاب، ورزش صبحگاهی، صرف صبحانه و سپس شرکت در کلاسها یا کارگاهها، از ظهر تا ۲ بعد از ظهر انجام امور واجب مذهبی، صرف نهار و استراحت، ۲ بعد از ظهر و پس از آن شرکت در کلاسها و کارگاهها، مغرب بجای آوردن امور واجب مذهبی، شام و ساعت خاموشی. تبصره - در صورتی که تلویزیون برنامه آموزشی مفیدی برای محکومان داشته باشد ریاست مؤسسه یا زندان می‌تواند خاموشی را تا پایان برنامه تلویزیون به تاخیر اندازد. ماده ۷۵- بیماران و افراد سالخورده با صدور گواهی معذوریت از طرف پزشک زندان و تایید آن توسط مسئول بهداشتی برای مدتی که در گواهی تصریح می‌گردد از اجرای برنامه‌های روزانه معاف خواهند بود. ماده ۷۶- در موقع امتحانها و بنا به ضرورت، برای مطالعه و به منظور تشویق محکومان با کسب اجازه کتبی از مسئول مؤسسه یا زندان، استفاد از روشنایی با رعایت سکوت کامل بدون ایجاد مزاحمت برای دیگران مجاز می‌باشد. ماده ۷۷- پس از خاموشی باید در محوطه مؤسسه یا زندان سکوت کامل برقرار باشد. همچنین در موقع کار، تحصیل، گردش، ورزش، تفریحات سالم و انجام وظایف جاری رعایت نزاکت، ادب، احترام و متانت در گفتار، کردار و رفتار در همه جا و تمام ساعات‌های شبانه‌روز الزامی است. ماده ۷۸- فریاد زدن، آواز خواندن با صدای بلند، جر و بحث و گفتگوهای تند که مخل امنیت مؤسسه یا زندان گردد، مشاجره و ارتکاب هر عمل فردی یا دسته‌جمعی که نظم و آرامش داخل مؤسسه یا زندان را مختل سازد، صحبت و اشاره کردن به هر نحوی از انحاء از پنجره‌های زندان با خارج بطور مطلق ممنوع است. ماده ۷۹- بازدید بدنی و لوازم همراه محکومان هنگام ورود و خروج به مؤسسه یا زندان و آسایشگاه به هر علتی الزامی است. ماده ۸۰- متهمان و محکومان باید بر اساس موازین اسلامی تحت نظارت مریان مسئول امور تربیتی زندان بوده و از آنان دست کم روزی دو نوبت صبحها پیش از شروع ورزش و شبها هنگام ورود به آسایشگاه سرشماری به عمل آید. ماده ۸۱- محل کار و آسایشگاه و اشیاء محکوم یا متهم بر اساس دستور رییس زندان یا جانشین او بازرسی می‌شود. تمرد یا مقاومت در برابر ماموران بازرسی و سرپیچی از اجرای دستورهای آنها موجب تنبیه‌های انضباطی متمرّد خواهد شد. ماده ۸۲- برای حفظ آرامش و امنیت داخل مؤسسه یا زندان و بازداشتگاه باید دست کم ماهی یکبار کلیه اماکن و لوازم و اشیاء محکومان بوسیله گروهی با انتخاب رییس مؤسسه یا زندان یا جانشین او و تحت تعلیم و نظارت آنان بازرسی شود و با تنظیم صورتمجلس گزارش کار بطور مرتب در پوشه مخصوص بازرسی مؤسسه یا زندان یا بازداشتگاه بایگانی شود. ماده ۸۳- میخ زدن یا نوشتن روی دیوارهای مؤسسه یا زندان یا بازداشتگاه، ترسیم و نقاشی و الصاق عکس و هر گونه نوشته‌ای در آسایشگاه ممنوع است مگر در موارد خاص با اجازه رییس مؤسسه یا زندان. ماده ۸۴- دست زدن متهمان یا محکومان به سیم‌کشی و تغییر محل لوازم الکتریکی یا تعویض آن به وسیله آنان در مؤسسه یا زندان و بازداشتگاه به کلی ممنوع است. ماده ۸۵- متهم یا محکوم باید هر روز صبح پیش از خروج از آسایشگاه نسبت به نظافت اتاق و لوازم آن و مرتب کردن رختخواب خود اقدام نماید. آویزان کردن لباس و لوازم شخصی در آسایشگاه ممنوع است بدین منظور اشکافهایی مخصوص تهیه و در اختیار محکومان قرار می‌گیرد. ماده ۸۶- استعمال دخانیات در مکانهای سقف‌دار بطور مطلق ممنوع است، مسئولان مربوط در

مؤسسه یا زندان مکلفند تمهیدهای لازم به منظور ترک سیگار را فراهم نمایند. ماده ۸۷- متهمان و محکومان مجاز به نگهداری و همراه داشتن پول در زندان نمی‌باشند و به منظور رفع نیازمندیها و احتیاجهایشان، مسئولان زندان مکلفند با استفاده از روشهای قابل اجرا تمهیدهایی را فراهم نموده تا محکومان بتوانند از محل موجودی خود نسبت به خرید از فروشگاهها و تهیه سایر کالاهای موردنیاز خود اقدام نمایند. دستورالعمل موضوع این ماده از سوی سازمان به اداره‌های کل زندانها ابلاغ خواهد شد. تبصره: در صورت کشف وجوه نقدی و اوراق بهادار چنانچه محکوم، از وجه نقد استفاده‌های نامشروع از قبیل قماربازی و دادن رشوه نماید، وجوه یادشده توقیف و مراتب طی گزارشی به قاضی ناظر زندان ارسال می‌گردد و چنانچه استفاده‌های نامشروع از آن بعمل نیامده باشد ضمن طرح موضوع در شورای انضباطی وجوه یاد شده به حساب وی منظور گردیده و در مورد اوراق بهادار حسب مورد تصمیم قانونی اتخاذ می‌گردد. ماده ۸۸- در صورت کشف اشیاء ممنوعه چنانچه صرف نگهداری آنها جرم باشد، موضوع طی گزارشی به قاضی ناظر به منظور اتخاذ تصمیم ارسال می‌گردد و در غیر اینصورت ضمن طرح در شورای انضباطی تا پایان مدت حبس اشیاء یاد شده توقیف و نگهداری و یا طی صورتجلسه تحویل خانواده محکوم می‌شود. ماده ۸۹- مواد ذکر شده در دو ماده پیش در سه نسخه صورتجلسه شده یک نسخه نزد قاضی ناظر و یک نسخه در پرونده محکوم بایگانی و نسخه دیگر به محکوم تحویل می‌گردد. ماده ۹۰- پوشیدن لباس ویژه محکوم، برای محکومان الزامی نیست مگر به تشخیص سازمان زندانها. ماده ۹۱- به تشخیص دایره مددکاری از سوی زندان سالیانه به متهمان و محکومان نیازمند به میزان مناسب لباس داده شده و نیازمندی‌های بهداشتی ضروری متهمان و محکومان زن نیز تأمین می‌شود. تبصره- استفاده از بند شلوار و کمر بند و نظایر آن بجز شرکت در برنامه‌های ورزشی که از سوی سازمان مجاز تشخیص داده می‌شود ممنوع می‌باشد. ماده ۹۲- برنامه غذایی متهمان و محکومان به تناسب فصل‌های سال به وسیله مدیر کل هر استان تصویب و به زندانها ابلاغ می‌گردد. اداره‌های مالی و تدارکاتی و انبارهای زندان بر اساس برنامه تنظیمی نسبت به تأمین اعتبار و تهیه و تحویل مواد اولیه و دقت در مرغوبیت نوع آن اقدام می‌نمایند. تبصره- مدیران کل استانها می‌بایست با توجه به شرایط و احتیاجهای اقلیمی هر محل نسبت به تغییرات برنامه غذایی در محدوده اعتبار مصوب اقدام نمایند. ماده ۹۳- غذای روزانه در سه وعده به ترتیب زیر به متهمان و محکومان داده می‌شود. صبحانه، نهار، شام و اغذیه لازم که دارای کالری و ویتامینهای کافی باشد براساس برنامه‌های غذایی مصوب و متناسب با شرایط آب و هوا در هر محل با چای یا آب آشامیدنی سالم در اختیار محکومان گذارده می‌شود. در تهیه وسایل ضروری برای جلوگیری از فساد اولیه خواروبار و در تنظیف ظروف و محوطه آشپزخانه از طرف مسئولان مربوطه اهتمام کافی و مستمر به عمل آید. تبصره ۱- متهمان و محکومان باید غذای خود را در صورت امکان در سالن غذاخوری زندان صرف نمایند. تبصره ۲- متهمان و محکومان بیمار طبق برنامه و نظریه پزشک معالج در مدتی که برای آنان تعیین شده است از غذای مخصوص بهداشتی استفاده خواهند نمود. ماده ۹۴- برنامه روزانه متهمان و محکومان و برنامه غذایی آنان در ماه مبارک رمضان از سوی سازمان اعلام خواهد شد. ماده ۹۵- حداقل برنامه غذایی عبارت است از: نان و پنیر و چای برای صبحانه و نهار یا شام، سبزیجات تازه یا خشک، برنج، سیب‌زمینی، پیاز، حبوبات، انواع لبنیات، تخم‌مرغ و میوه فصل می‌باشد و در هر هفته حداقل سه بار به محکومان نهار و شام با گوشت داده می‌شود. تبصره- نوع غذا برای کلیه محکومان هر زندان یکسان طبخ و توزیع می‌گردد. ماده ۹۶- لوازم غذاخوری برای هر محکوم عبارت است از: بشقاب - کاسه - لیوان و قاشق (در صورت امکان از جنس ملامین). ماده ۹۷- نظافت آشپزخانه، سالن غذاخوری، شستشو و خشک کردن ظروف و لوازم آنها بدون تبعیض و استثناء بر اساس برنامه مؤسسه یا زندان به عهده کلیه محکومان می‌باشد. ماده ۹۸- در داخل مؤسسه یا زندانها به اندازه احتیاج با سرمایه بنگاه تعاون، حرفه‌آموزی و صنایع زندانیان کشور و یا زندان، فروشگاههای لازم تاسیس و رییس مؤسسه یا زندان از نظر حفاظت و مسئولیتی که به عهده دارد بر آنها نظارت خواهد داشت. تبصره ۱- تعیین اجناس و مواد مجاز برای فروش در فروشگاههای زندان با توجه به ضرورت حفظ بهداشت و امنیت داخلی با رییس زندان و نرخ آنها بر اساس قیمت عادلانه‌ی روز



خواهد بود. تبصره ۲- اجناس و لوازم فروشگاههای زندان نباید بیش از قیمت عادلانه روز بوده و در صورت وجود اجناس تعاونی الزاماً با قیمت تعاونی فروخته می‌شود. تبصره ۳- صورت ریز مواد و اجناس موجود به نرخ عادلانه به امضای مسئول فروشگاههای مؤسسه یا زندان در تابلویی که به همین منظور در مدخل فروشگاه نصب می‌گردد درج و در معرض دید مشتریان گذارده می‌شود. تبصره ۴- ریسان زندانها مکلفند نظارت کامل بر نرخ اجناس داشته باشند و چنانچه تخلفی صورت گیرد متخلفان را به مراجع مربوط معرفی می‌نمایند. ماده ۹۹- محکومان و ملاقات کنندگان می‌توانند اقلام مورد نیاز خود را از فروشگاههای داخل مؤسسه یا زندان تهیه نمایند؛ مگر اینکه محکوم به علت تنبیه انضباطی یا دستور پزشک از این امر منع گردیده باشد. تبصره - فروش لوازم تجملی و مواد محرکه و دارو و وسایل برقی در فروشگاههای مؤسسه یا زندان ممنوع است. ماده ۱۰۰- وضع اماکن مؤسسه یا زندان عموماً و آسایشگاه محکومان بویژه باید بر اساس اصول بهداشتی باشد. ماده ۱۰۱- نظافت داخل آسایشگاه، راهروها، حیاط هواخوری، سرویسها، سالن اجتماعات، نمازخانه، کتابخانه، کارگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی و امثال آن تحت برنامه‌ریزی و نظارت به عهده محکومان است. اجیر کردن محکوم توسط محکومی دیگر به هر نحو ممنوع است. تبصره - با محکومان بیمار و سالخورده‌گان و کسانی که قادر به انجام کارهایی چون موضوع ماده پیش نباشند بر اساس ماده ۷۶ رفتار خواهد شد. ماده ۱۰۲- بهداری مؤسسه یا زندان مکلف است دست کم ماهی یکبار نسبت به تست پزشکی کلیه محکومان اقدام نماید. ماده ۱۰۳- تا جایی که امکانپذیر است باید ترتیبی اتخاذ شود که احتیاج‌های درمانی و بهداشتی محکومان بیمار در داخل مؤسسه یا زندان تأمین شود تا به انتقال محکوم به خارج از مؤسسه یا زندان نیازی نباشد. با این همه در موارد ضروری خروج محکوم از زندان برای معالجه بایستی با تأیید بهداری زندان و اجازه رییس مؤسسه یا زندان و موافقت قاضی ناظر باشد. در موارد فوری محکومی بیمار به دستور پزشک یا بهداری زندان و اجازه رییس مؤسسه یا زندان یا جانشین او به بیمارستان اعزام می‌گردد و مراتب باید در اسرع وقت به صورت کتبی به قاضی ناظر گزارش شود. تبصره - قاضی ناظر و مسئولان مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندانها موظفند وضع محکومان بیمار صعب‌العلاج یا غیرقابل علاج را رسیدگی کرده، حسب مورد بر اساس مقررات قانون آئین دادرسی کیفری اقدام کنند. ماده ۱۰۴- هزینه درمان عوارض و بیماریهایی که ضرورت یا فوریت درمان ندارند و یا در اثر تقصیر ناشی شده است به عهده محکوم و یا مقصر است. ماده ۱۰۵- کلیه اماکن زندانها و اماکن وابسته باید دست کم ماهی یکبار ضدعفونی شود مگر اینکه به علت ظهور حشره‌ها یا بروز اپیدمی و اشاعه ویروس، بیماریهای موسمی و محلی ایجاب نماید زودتر از موعد مقرر نسبت به گندزدائی لوازم مربوط و سمپاشی اتاقها در محوطه زندان اقدام شود. ماده ۱۰۶- در کارگاهها و اماکنی که محکومان در آن اشتغال به کار دارند پنجره‌ها باید به اندازه کافی وسیع باشد تا نور و هوای آزاد به مقدار کافی داخل شود و در صورت لزوم برای کار و مطالعه آنها نور مصنوعی فراهم گردد. مجاری فاضلاب همیشه باید باز باشد و در رفع عفونت و آلودگی در محوطه و مکانهای زندانها مراقبت و اقدام لازم و دائم به عمل آید. ماده ۱۰۷- در هر مؤسسه یا زندان باید وسایل استحمام محکومان فراهم بوده، محکوم به محض ورود به مؤسسه یا زندان استحمام نماید. ماده ۱۰۸- گرمابه و مستراح و دستشویی زندان باید همیشه تمیز و نظیف باشد و به اندازه کافی دوش سرد و گرم در دسترس محکومان گذاشته شود تا بتوانند با توجه به فصل‌های سال در هفته یکبار استحمام نمایند. ماده ۱۰۹- تراشیدن موی سر محکوم الزامی نیست، ولی به لحاظ رعایت مسائل بهداشتی کوتاه کردن موی سر آنان در حد متعارف الزامی است. ماده ۱۱۰- بهداری مؤسسه یا زندان مکلف است برای پیشگیری از سرایت بیماریهای واگیر مانند بیماریهای آمیزشی، سل و نظایر آن وارد عمل شده، با استفاده از همکاری و کمکهای مالی و فنی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌ها و انجمنها نسبت به تهیه محل و دارو برای درمان کامل بیماران یاد شده و همچنین معتادان مواد مخدر یا الکل اقدام نماید. ماده ۱۱۱- بهداری مؤسسه یا زندان موظف است از محکوم تازه وارد معاینه‌های کامل پزشکی به عمل آورده، در صورت لزوم با انجام آزمایشهای تشخیصی طبی برنامه‌ریزی و حسب مورد نسبت به درمان یا معرفی وی به مراکز مربوط اقدام نماید کلیه اقدامهای

پزشکی باید در پرونده محکوم درج گردد. ماده ۱۱۲- هرگاه محکومی تازه وارد نسخه یا داروئی همراه داشته باشد اخذ و در اختیار بهداری زندان قرار می گیرد تا به تجویز پزشک به او داده شود و هرگاه دارو جنبه حیاتی برای وی دارد بایستی فوراً پس از معاینه و تجویز پزشک در اختیار وی قرار گیرد. ماده ۱۱۳- محکوم به محض احساس کسالت جریان را به مسئول امور نگهداری زندان اطلاع داده و با اخذ معرفی نامه به بهداری مؤسسه یا زندان اعزام و دارو و دستورهای لازم پزشکی را دریافت می دارد. ماده ۱۱۴- محکوم باید در حضور پزشک یا پزشکیار و یا سایر مسئولان داروی مورداحتیاج را مصرف نماید. نگهداری دارو در آسایشگاه جز به هنگام ضرورت، ممنوع است. تبصره - تشخیص هنگام ضرورت به عهده پزشک زندان یا مؤسسه‌ی محل گذران محکومیت می باشد. ماده ۱۱۵- با تشخیص پزشک بهداری مؤسسه یا زندان در صورت ضرورت، محکوم بیمار در بیمارستان زندان بستری خواهد شد گواهی تشخیص ضرورت باید بطور کتبی در پرونده بیمار قید گردد. ماده ۱۱۶- محکومان مبتلا به بیماریهای روانی، واگیر و پرخطر باید با لحاظ نظر پزشک متخصص و نیز سیاستهای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به صورت مجزا نگهداری و معالجه شوند. تبصره - افزون بر بیماریهای روانی؛ در صورتی که بیماری شخص جزء بیماریهای خاص باشد؛ رییس زندان مکلف است پیشنهاد عفو او را با رعایت سایر قوانین با قاضی ناظر، یا کمیسیون عفو و بخشودگی تسلیم نماید. ماده ۱۱۷- سازمان می تواند در صورت لزوم نسبت به بیمه درمانی محکومان و یا انعقاد قرارداد با وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی اقدام نماید. ماده ۱۱۸- معاینه و در صورت نیاز معالجه محکومان بیمار به عهده اداره زندان یا مراکز حرفه آموزی و اشتغال است. تبصره - در صورت نیاز محکومان بی بضاعت، به دندان مصنوعی، عصا، اعضای مصنوعی، صندلی چرخدار و عینک انجمن حمایت از زندانیان مکلف به تأمین آن می باشد. ماده ۱۱۹- تمارض محکومان به تشخیص پزشک زندان موجب تنبیه انضباطی خواهد بود. ماده ۱۲۰- رییس بهداری زندان موظف است همه روزه اول وقت از کلیه محکومان بیمار که در بیمارستان زندان بستری هستند عیادت نماید و پس از پرسش از وضعیت آنان و حصول اطمینان از حسن مراقبت پزشکان و پرستاران نسبت به معالجه و تغذیه صحیح بیماران نظارت کامل و مستمری بعمل آورد. تبصره: رییس بهداری هر زندان باید پزشک باشد و در مراکزی که این امکان وجود ندارد، فرد مطلع و آشنا به مسائل پزشکی عهده دار این مسئولیت خواهد بود. ماده ۱۲۱- در صورت فوت محکوم، رییس زندان مکلف است مراتب را فوری به پزشک قانونی، قاضی ناظر و مرجع قضایی محل اعلام داشته، پس از صدور مجوز از سوی مرجع قضایی مربوط جنازه را حسب مورد به بستگان او تحویل داده یا پس از تشییع، دفن نموده و وجوه و لوازم شخصی او با نظر قاضی ناظر براساس صورتمجلس و رعایت نکات لازم به ورثه قانونی وی تحویل و رسید اخذ گردد. هرگاه متوفی بدون وارث باشد باید در اسرع وقت با نظر مقام قضایی صلاحیت دار نسبت به تعیین تکلیف لوازم شخصی او در زندان اقدام شود و در صورت امکان تجهیز متوفی با اذن اولیاء باشد. فصل سوم - اشتغال و حرفه آموزی ماده ۱۲۲- سازمان به منظور توسعه برنامه های بازپرورانه، کاهش آسیب ها و نارسایی های نظام زندان، کمک به رفع مشکلات مادی و معنوی محکومان و خانواده آنان و نیل به خودکفایی باید از محل درآمدهای بنگاه تعاون و حرفه آموزی، جذب کمکهای مردمی و مؤسسه های خیریه یا درآمد حاصل از مؤسسه های صنعتی، کشاورزی، خدماتی و فرهنگی تحت نظارت و بودجه مصوب اعتبار لازم را به منظور حرفه آموزی و اشتغال محکومان تأمین و هزینه نماید. ماده ۱۲۳- سازمان می تواند در جهت ایجاد اشتغال برای محکومان داوطلب کار با استفاده از امکانات سازمان و یا کمکهای دولتی و یا از رهگذر دریافت وام یا با مشارکت بانکها و نهادهای دولتی، تعاونیها و یا بخش خصوصی اقدام نماید. ماده ۱۲۴- محکومان و متهمان داوطلب پس از آزمایشهای لازم و تشخیص استعداد و ذوق و تخصص آنها با کسب نظر شورای طبقه بندی و رعایت مقررات این آئین نامه در کارگاههای داخل زندان، مراکز حرفه آموزی و اشتغال یا مؤسسه های صنعتی، کشاورزی و خدماتی خارج از زندان بکار گمارده می شوند. تبصره ۱- اعزام محکومان داوطلب کار به محیطهای اشتغال داخل یا خارج از زندان از اختیارات ذاتی رییس زندانها و سایر مراکز وابسته به سازمان بوده و آنان می توانند راساً بدان اقدام نمایند. این اقدام نیاز به اخذ

تأمین ندارد. تبصره ۲- شورای طبقه‌بندی یا مقامات قضایی صالح می‌توانند به منظور بازگشت زندانیانی که برای اشتغال، حرفه‌آموزی یا مرخصی به مکان‌های خارج از زندان اعزام می‌شوند وثیقه و یا تعهد مناسبی در قالب قراردادهای مدنی یا تأمین‌های مذکور در مقررات آئین دادرسی کیفری را از محکومان، متهمان و یا اشخاص ثالث معرفی شده از سوی ایشان اخذ نمایند. در این صورت ادارات ثبت محل مکلفند نسبت به بازداشت وثیقه مدنی ارسالی از شورای طبقه‌بندی اقدام لازم را معمول دارند. ماده ۱۲۵- تقاضاهای مرخصی واصله به این شورا باید حداکثر ظرف مدت سه روز رسیدگی شوند. ماده ۱۲۶- محکومان و متهمان باید به حرفه‌هایی که مستلزم دیدن دوره‌های تعلیماتی برای کسب مهارت و تخصص می‌باشد و از طرف سازمان ابلایغ می‌شود بکار گمارده شوند تا در طول زمان بتوانند با طی مراحل مختلف آموزشی به اخذ گواهینامه مهارت فنی در رشته مخصوص نائل گردند. تبصره - سازمان مکلف است این قبیل حرفه‌آموزان را نزد شرکت‌های بیمه در قبال حوادث ناشی از کار، بیمه نماید. ماده ۱۲۷- محکومان و متهمان می‌توانند با موافقت رییس زندان در ساعات‌های بیکاری و فراغت در آسایشگاه خود به کارهای دستی اشتغال داشته باشند. مواد اولیه این نوع کارها بطور انحصاری بوسیله فروشگاه مرکز یا زندان در اختیار آنان گذاشته می‌شود. تبصره ۱- هرگاه محکوم نتواند با سرمایه خود اقدام به تهیه مواد اولیه و لوازم مربوطه نماید، این مواد و لوازم بوسیله زندان یا انجمن حمایت زندانیان تهیه و در اختیار وی گذارده خواهد شد. در این صورت پس از کسر هزینه تهیه لوازم اولیه یک چهارم از سود حاصله به عنوان سهم سرمایه برداشت و به حساب صندوق مرکز یا زندان یا انجمن حمایت از محکومان واریز و بقیه به حساب محکوم منظور می‌گردد. تبصره ۲- محکوم مجاز است کار دستی خود را پس از قیمت‌گذاری توسط زندان و با استفاده از نظر خبره به هر نحو که خود می‌داند به مؤسسه یا زندان یا به اشخاص دیگر واگذار یا به فروش برساند. در صورت فروش یا واگذاری به غیر قیمت فروش نباید از قیمت تعیین شده توسط زندان کمتر باشد. ماده ۱۲۸- ساعات‌های کار و استراحت محکومان در مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی داخل و خارج از زندان با توجه به موقعیت محل و نوع و کیفیت کار و با رعایت فصل دوم از بخش دو این آیین‌نامه از طرف رییس کارگاه یا مؤسسه مربوط با هماهنگی رییس زندان تعیین و به مورد اجرا گذاشته می‌شود. ماده ۱۲۹- مزد روزانه محکومان به تناسب درجه مهارت و کاردانی هریک از آنان و میزان و نوع کاری که انجام می‌دهند بصورت کارمزدی بوسیله مدیرکل استان تعیین می‌شود. ماده ۱۳۰- مزد ماهیانه کار محکوم به شرح زیر تقسیم می‌گردد: ۱- پنجاه درصد (۵۰٪) به حساب بانکی سرپرست موقت عائله تحت تکفل محکوم واریز می‌گردد. ۲- بیست و پنج درصد (۲۵٪) به حساب محکوم واریز می‌شود که در موقع آزادی به او پرداخت گردد. ۳- بیست درصد (۲۰٪) به حساب خود محکوم برای مخارج ضروری پرداخت می‌شود. ۴- پنج درصد (۵٪) برای جبران خسارت و حوادث ناشی از کار بر اساس قرارداد میان سازمان و محکومان شاغل اختصاص داده خواهد شد. تبصره: در صورتی که محکوم فاقد عائله تحت تکفل باشد مبلغ ۵۰٪ دستمزد ذکر شده در بند (۱) نیز به حساب خود وی واریز می‌گردد. ماده ۱۳۱- به هنگام انتقال محکوم به زندان یا مؤسسه دیگر در اسرع وقت کلیه مطالبات او پس از تسویه حساب کامل به محل مؤسسه یا زندان جدید حواله و منتقل می‌شود. ماده ۱۳۲- مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی مکلفند: الف - در صورت بروز حوادث ناشی از کار هزینه خسارت وارده به محکومان را از محل پنج درصد (۵٪) موضوع بند ۴ ماده ۱۳۰ پرداخت نمایند؛ ب - کلیه مقررات ایمنی، حفاظتی، بهداشتی را بر اساس ضوابط قانونی رعایت نمایند؛ ج - دفاتر رسمی قانونی مالی متناسب با اصول سیستم حسابداری استاندارد و پذیرفته شده جامعه حسابداران رسمی تنظیم نمایند؛ تبصره ۱: پرداخت موجودی حساب پس‌انداز هنگام آزادی به شرط آنکه منع قانونی نداشته باشد پس از تسویه حساب کلیه قسمتهای زندان بلامانع است. تبصره ۲: در صورت رایانه‌ای شدن واحد مربوط مندرجات دفاتر یاد شده به رایانه منتقل خواهد شد. ماده ۱۳۳- نحوه اداره کارگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی به شرح زیر خواهد بود: الف - مسئولیت اداره امور کارگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، کشاورزی و خدماتی از حیث نوع و میزان تولید، کیفیت و کمیت کار، خرید و فروش و معاملات و انعقاد و انجام قراردادها و

مسایل فنی و تخصصی و سایر موارد از این قبیل برعهده مدیریت کارگاه یا مؤسسه‌ها می‌باشد. ب - مسئولیت امور انتظامی و امنیتی و در اختیار قرار دادن کارگران، نحوه و کیفیت اعزام آنان به کارگاه و نیازهای فرهنگی، بهداشتی محکومان بر عهده سازمان می‌باشد. ماده ۱۳۴ - استفاده از محکومان در امور نگهداری و انتظامی و اداری مؤسسه یا زندان و دیگر دستگاهها ممنوع است. ماده ۱۳۵ - انجام امور خدماتی داخل بندها و اندرزگاهها و مؤسسه‌های صنعتی، خدماتی و کشاورزی و همچنین کارگاهها بطور نوبتی بدون تبعیض توسط محکومان انجام می‌گیرد. تبصره - اگر محکوم بدون عذر موجه از انجام وظایف محوله در داخل زندان و مؤسسه‌های وابسته خودداری نماید کوتاهی وی تخلف به‌شماره آمده، به تشخیص شورای انضباطی تنبیه خواهد شد. فصل چهارم - برنامه‌های بازپرورانه ماده ۱۳۶ - به منظور سوادآموزی، ارتقاء سطح معلومات و جلوگیری از اتلاف وقت محکومان و همچنین تقویت اراده و پرورش فکر و استعدادهاى نهفته آنان در کلیه مراکز حرفه‌آموزی و اشتغال و زندان‌ها از رهگذر وزارتخانه‌های مربوط و مؤسسه‌های آموزشی، علمی و فنی، حرفه‌ای و دولتی یا وابسته به دولت و یا سازمانهای خیریه و نهضت سوادآموزی و با همکاری آنان، تحت نظر واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان، آموزش فنی، حرفه‌ای و مذهبی داده می‌شود. ماده ۱۳۷ - محکومان در مدت اقامت خود در مؤسسه یا زندان با توجه به مدت محکومیتشان و کیفیت و نوع برنامه‌های آموزش علمی، دینی و فنی، حرفه‌ای پیش‌بینی شده در زندان‌ها به فراگیری سواد و ادامه تحصیلات علمی، دینی و حرفه‌ای اشتغال خواهند داشت. تبصره: شرکت افراد بی‌سواد کمتر از شصت سال در کلاسهای سوادآموزی اجباری است، عدم شرکت در کلاسهای یاد شده می‌تواند موجب محرومیت از امتیازها گردد. ماده ۱۳۸ - تدریس در آموزشگاههای علمی و فنی حرفه‌ای زندان‌ها با همکاری وزارتخانه‌ها و سازمانها و مؤسسه‌های آموزش عالی و فنی حرفه‌ای به وسیله مربیان علمی و فنی حرفه‌ای و بر اساس برنامه تنظیمی توسط واحدهای مربوط در مؤسسه یا زندان انجام می‌گردد. ماده ۱۳۹ - آزمون سالیانه باید بر اساس برنامه رسمی دستگاههای مربوط در داخل زندان‌ها بعمل آید و به محصل هر کلاس گواهینامه رسمی بدون اشاره به محکوم بودن او با انجام تشریفات خاص که جنبه تشویق به تحصیل داشته باشد اعطاء می‌گردد. ماده ۱۴۰ - به منظور کمک به بازسازی اجتماعی محکومان و جذب کامل آنها در محیط اجتماعی، سازمان مکلف است وسایل تحصیلی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی و دوره‌های تخصصی، علمی و فنی حرفه‌ای را برای علاقه‌مندان به ادامه تحصیل با اجرای برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای و رعایت مقررات مربوط بوسیله وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مربوط و با همکاری آنان در داخل مؤسسه یا زندان فراهم نماید. ماده ۱۴۱ - پرداخت هزینه‌های مربوط به تحصیلات عالی از رهگذر برنامه‌های عادی یا مکاتبه‌ای با خود محکوم است سازمان مکلف است به هزینه محکوم کتابها و وسایل لازم را تهیه کرده، در اختیار او قرار دهد. تبصره: در صورتی که محکوم به جهت عدم بضاعت قادر به پرداخت هزینه‌های ذکر شده در این ماده نباشد پرداخت هزینه‌ها بوسیله انجمن حمایت از زندانیان صورت می‌گیرد. ماده ۱۴۲ - امتحانهای نهایی ابتدایی، راهنمایی، متوسطه و عالی با نظارت مستقیم وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های مربوط در داخل مؤسسه یا زندان انجام می‌شود. ماده ۱۴۳ - محکوم با موافقت رییس زندان

### آیین‌نامه سجل قضایی - مصوب ۱۳۸۴

احتراما: به پیوست یک نسخه آیین‌نامه سجل قضایی که در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ به تصویب ریاست محترم قوه قضائیه رسیده است جهت اجرا و ابلاغ به کلیه واحدهای تابعه آن استان ارسال می‌گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه آیین‌نامه سجل قضایی - مصوب ۱۳۸۴ ماده ۱ - در دادسرای هر شهرستان دفتر سجل قضایی تشکیل و مستقر می‌شود. مسؤل این دفتر از میان قضات دادسرای عمومی و انقلاب به انتخاب دادستان و با تأیید و پیشنهاد مدیرکل عفو و بخشودگی و سجل قضایی از سوی رییس قوه قضائیه، منصوب خواهد شد. این دفتر در انجام تکالیف خود به شرح مواد آتی تابع اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی

است و دادستان بر نحوه انجام وظیفه آن نظارت دارد. تبصره ۱- این دفتر مستخرجه امور ذکر شده در ماده ۳ را در مورد کسانی که شناسنامه آنان در آن شهرستان صادر شده جمع آوری و حفظ خواهد نمود. تبصره ۲- در دادگاههای عمومی بخش، ورقه‌های سجل قضائی به وسیله رئیس یا دادرس علی‌البدل تنظیم و به دفتر سجل قضائی دادرسی عمومی و انقلاب شهرستانی که بخش مذکور تابع آنست ارسال می‌شود. ماده ۲- مستخرجه احکام و تصمیمات مربوط به اشخاص زیر در اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی واقع در تهران نگاهداری می‌شود: ۱- اشخاصی که شناسنامه آنها در کشور ایران صادر شده باشد؛ ۲- اتباع ایرانی که شناسنامه آنان در کشورهای بیگانه صادر شده است؛ ۳- اشخاصی که صدور شناسنامه آنها معلوم نیست؛ ۴- اتباع کشورهای بیگانه ساکن ایران؛ ۵- اشخاصی که تابعیت معینی ندارند و در خارج از ایران متولد شده‌اند، هر چند که پس از آن تابعیت ایران را تحصیل کرده باشند. تبصره - احکام مقامات قضائی کشورهای بیگانه راجع به محکومیت اتباع ایرانی یا محکومیت کسانی که پیش از این تابعیت ایران را داشته‌اند و یا بیگانگان و یا کسانی که تابعیت معینی ندارند و در خاک ایران مقیم هستند، در صورتی در برگ سجل قضائی قید می‌شود که موضوع محکومیت، به موجب قانون ایران، بزه شناخته شده باشد. ماده ۳- سجل قضائی چهار نوع است: کیفری، مدنی، بازرگانی و اداری که موارد زیر بطور اختصار در آن درج می‌شود: الف - در امور کیفری: ۱- محکومیت‌های کیفری قطعی و قابل اجراء و تاریخ شروع و ختم آنها و احکامی که در نتیجه اعاده دادرسی، آزادی مشروط یا تعلیق اجراء مجازات به ترتیب، احکام محکومیت را الغاء یا منتفی کرده است؛ ۲- حکم لغو تعلیق اجراء مجازات و حکم اجراء بقیه محکومیت بلحاظ تخلف از ترتیبات و شرایط آزادی مشروط؛ (موضوع تبصره ماده ۲۹ و تبصره ۳ ماده ۳۸ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰). ۳- تصمیم مربوط به اعاده حیثیت و عفو عمومی یا بخشودگی و تخفیف و تبدیل کیفر. ب - در امور مدنی: احکام قطعی راجع به اعلام حجر یا رفع حجر. ج - در امور بازرگانی: احکام ورشکستگی تاجر و احکام مربوط به قرارداد ارفاقی و احکامی که حکم ورشکستگی را گسیخته و یا به ورشکسته اعاده حیثیت می‌دهد. د - در امور اداری: ۱- تصمیمات قطعی اداری راجع به اخراج بیگانه از کشور و الغاء آن؛ ۲- سلب تابعیت ایرانی از بیگانگانی که تابعیت ایران را تحصیل کرده‌اند و کسانی که ایرانی‌الاصل هستند؛ ۳- محکومیت به انفصال دائم از خدمات دولتی و دستگاههای مشمول قانون رسیدگی به تخلفات اداری، در دادگاههای عمومی و انقلاب، نظامی، ویژه روحانیت، تجدیدنظر، دادگاه و محکمه عالی انتظامی قضات، دیوان عالی کشور و هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری و محرومیت از تصدی سمتهای خاص و مدیریتی و محکومیت به اخراج از دستگاه متبوع. ماده ۴- برگ سجل قضائی پس از انقضاء ۷۰ سال از تاریخ ولادت شخصی که سجل قضائی به نام او صادر شده یا پس از اطلاع رسمی از مرگ او از میان برده می‌شود و مراتب در دفتر سجل قضائی مربوط نیز قید می‌گردد. ماده ۵- برای افراد کمتر از ۱۸ سال که محکومیت کیفری پیدا می‌کنند برگ سجل قضایی تنظیم نخواهد شد. ماده ۶- محکومیت محکومانی که مورد عفو و بخشودگی قرار می‌گیرند در صورتی که زوال آثار محکومیت به مجازات در عفو تصریح شده باشد، از سجل قضایی آنان محو می‌شود. ماده ۷- هر کس می‌تواند از برگ سجل قضائی مربوط به خود بدون ذکر دلیل رونوشت بخواهد. ماده ۸- برگهای سجل قضائی بر دو قسم است. برگ شماره ۱ و برگ شماره ۲. ماده ۹- در برگ شماره ۱ باید مستخرجه احکام و تصمیم‌های ذکر شده در ماده ۳ در ظرف مدت ۱۵ روز از تاریخ قطعیت حکم و تصمیم قید شود این مستخرجه شامل نکات زیر خواهد بود: ۱- نام و نام خانوادگی محکوم و همچنین نام و نام خانوادگی پدر و مادر او؛ در صورتی که محکوم زن و از نام خانوادگی همسر خود استفاده کرده باشد نام خانوادگی زمان دوشیزگی و در صورت امکان عکس وی؛ ۲- کد ملی و شماره شناسنامه و تاریخ و محل صدور آن و شماره گذرنامه و هویت غیرواقعی یا اسم مستعار شخص محکوم. ۳- تاریخ و محل تولد محکوم. ۴- محل اقامت دائمی یا موقتی او. ۵- تأهل و تعداد اولاد او. ۶- شغل محکوم. ۷- تابعیت او. ۸- علامات مشخصه محکوم؛ ۹- موضوع حکم یا تصمیم؛ ۱۰- تاریخ عملی که منجر به صدور حکم یا تصمیم شده با قید روز، ماه و سال؛ ۱۱- شماره و تاریخ حکم یا تصمیم؛ ۱۲- دادگاه یا مقام صادرکننده حکم یا تصمیم؛ ۱۳-

تصریح به قطعیت حکم یا تصمیم؛ ۱۴- مواد قانونی که مستند حکم یا تصمیم واقع شده است؛ ۱۵- مدت حبس و میزان جزای نقدی و محرومیت از تمام یا برخی از حقوق اجتماعی و در صورت تعلیق کیفر این نکته نیز باید قید شود؛ ۱۶- ذکر احتساب یا عدم احتساب مدت بازداشت در حکم محکومیت؛ ۱۷- تاریخ شروع و ختم اجرای کیفر؛ ۱۸- تغییراتی که در شناسنامه ذکر شده است؛ تبصره - چنانچه به هر طریق احکام قطعیت یافته موجب تبرئه متهم گردد از سجل قضایی متهم حذف می گردد. ماده ۱۰- مدیران دفاتر دادگاهها در امور کیفری، مدنی، بازرگانی و مسئول هماهنگی هیأت‌های بدوی رسیدگی به تخلفات اداری مکلفند از برگ شماره ۱ چهار نسخه تهیه نمایند و به دفتر سجل قضائی مربوط ارسال دارند که یک نسخه در همان محل بایگانی و یک نسخه به دفتر سجل قضائی محل صدور شناسنامه محکوم و یک نسخه به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی در تهران و یک نسخه به اداره تشخیص هویت مرکز استان محل صدور شناسنامه محکوم ارسال گردد. ماده ۱۱- هرگاه معلوم شود که شناسنامه از محلی که اعلام شده، صادر نشده است، برگ سجل قضائی، به دفتر سجل قضائی ارسال کننده اعاده می گردد تا نسبت به تعیین محل صدور شناسنامه محکوم، تحقیق و بررسی بیشتری بعمل آید، در صورت حصول نتیجه، برگ سجل قضائی به دفتر سجل قضائی مربوط ارسال و اگر تحقیقات به نتیجه نرسیده برگ ذکر شده به اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی در تهران فرستاده می شود و صدور گواهی عدم سوء پیشینه برای این گونه افراد، منوط به احراز هویت واقعی آنان خواهد بود، تحقیق و بررسی در این خصوص به عهده اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی است. ماده ۱۲- در مواردی که محکوم دارای پیشینه محکومیت تعلیقی است و مدت تعلیق مجازات منقضی نگردیده است، متصدی دفتر سجل قضائی محل صدور شناسنامه و در صورتی که محل صدور شناسنامه معلوم نباشد، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی مکلف است مراتب را به دادستان مجری حکم اطلاع دهد تا در صورت لزوم نسبت به لغو حکم تعلیق مجازات اقدام نماید. ماده ۱۳- به منظور اجرای مقررات این آئین نامه و حفظ و نگهداری پیشینه و اطلاعات مربوط به محکومان دادگاهها و تنظیم سجل قضائی و فهرست اسامی و مشخصات مشمولان عفو و تخفیف مجازات و سهولت انجام امور قضائی و اداری، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی و دفاتر سجل قضائی مراکز استانها و شهرستانها، به تدریج به سیستم رایانه‌ای مجهز خواهند شد. تبصره - برگهای سجل قضائی به ترتیب حروف الفبا و براساس حرف اول نام خانوادگی محکوم تنظیم می شود. برای اتباع کشورهای بیگانه برگ سجل قضائی جداگانه به ترتیب یادشده تنظیم می گردد. ماده ۱۴- تمامی برگهای سجل قضائی باید به ترتیب تاریخ در پرونده نگاهداری گردد. ماده ۱۵- نسبت به اتباع کشورهای بیگانه در صورت وجود قرارداد معاضدت قضایی، اداره کل عفو و بخشودگی و سجل قضایی باید رونوشتی از برگ شماره ۱ را تهیه نموده و از طریق اداره کل امور حقوقی و اسناد و امور مترجمان قوه قضائیه و وزارت امور خارجه به کشور متبوع شخص محکوم ارسال دارد. ماده ۱۶- درخواست تقاضاکننده برگ شماره ۱ باید حاوی نکات زیر باشد: ۱- نام و نام خانوادگی، نام پدر شخص مورد درخواست؛ ۲- تاریخ تولد، محل صدور شناسنامه و شماره آن و کد ملی؛ ۳- شماره گذرنامه برای اتباع بیگانه؛ ماده ۱۷- برگ شماره ۱ به مقامات زیر در صورت تقاضای آنان داده می شود: ۱- شخص محکوم؛ ۲- دادگاهها، دادرها، اداره‌های تصفیه و بخشهای ستادی قوه قضائیه؛ ۳- نیروی انتظامی؛ ۴- نیروی مسلح جمهوری اسلامی ایران؛ ۵- مراجع صلاحیتدار برای تعیین صلاحیت و رسیدگی به شکایات مربوط به انتخابات؛ ۶- بنگاههای عام‌المنفعه؛ ۷- اداره‌های دولتی به هنگام تقاضای استخدام اشخاص و تعقیب انضباطی و انتظامی کارمندان و قبول تقاضای مزایده و مناقصه و اجازه بازکردن مدارس غیردولتی و اعطای نشان و مدال؛ ۸- تمامی مراجعی که براساس قانون مجاز به استعلام از پیشینه افراد می باشند. ماده ۱۸- برگ شماره ۲ همانند برگ شماره ۱ است به جز نکات زیر که در آن قید نمی شود: ۱- محکومیت‌هایی که در نتیجه عفو یا اعاده حیثیت زائل شده است؛ ۲- محکومیت‌های تعلیقی قطعیت یافته در صورتی که محکوم در ظرف مدت تعلیق حکم، محکومیت قطعی جدیدی پیدا نکرده باشد؛ ۳- ورشکستگی که به موجب حکم دادگاه بی‌تقصیر اعلام شده یا قرارداد ارفاقی آنان را دادگاه تصدیق کرده باشد؛ ۴- محکومیت به بزه‌هایی که به علت

قانونی ساقط شده باشد. ماده ۱۹- درخواست کننده برگ سجد قضائی شماره ۲ می تواند به دفاتر سجد قضائی مستقر در محل سکونت یا محل صدور شناسنامه مراجعه نماید. تبصره ۱- در مواردی که محل صدور شناسنامه درخواست کننده معلوم نیست باید بطور انحصاری به اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی مراجعه شود. تبصره ۲- درخواست کنندگان خارج از کشور از طریق نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران در کشور محل اقامت مراجعه می نمایند. ماده ۲۰- متقاضیان اخذ گواهی عدم سوء پیشینه در داخل کشور و متقاضیان خارج از کشور، به ترتیب می توانند به اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی، یا دفتر سجد قضایی محل صدور شناسنامه خود و نمایندگیهای جمهوری اسلامی ایران مراجعه نمایند. ماده ۲۱- رئیس سازمان قضائی نیروهای مسلح یا یکی از معاونان او موظف است نسبت به احکام محکومیت دادگاههای نظامی تمامی استانها و شهرستانها برگ سجد قضایی شماره ۱ را مطابق بند الف ماده ۳ و ماده ۹ در چهار نسخه تنظیم و یک نسخه را بایگانی نماید و سه نسخه دیگر را بطور مستقیم به اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی ارسال دارد. این اداره نیز نسخه اول آن را نگهداشته و نسخه دوم را به دفتر سجد قضائی محل صدور شناسنامه محکوم و نسخه سوم را به اداره کل تشخیص هویت ناجا ارسال می دارد. اگر محل صدور شناسنامه معلوم نباشد نسخه دوم نیز در اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی نگهداری خواهد شد. ماده ۲۲- چنانچه متقاضی صدور گواهی عدم سوء پیشینه، محکومیت مؤثر کیفری نداشته باشد گواهی عدم سوء پیشینه صادر می شود. چنانچه مراجع ذکر شده در ماده ۱۷ برگ شماره ۱ را درخواست نمایند در اینصورت تمامی محکومیتها صرفنظر از نوع آنها اعلام خواهد شد. ماده ۲۳- به منظور بهره برداری از اطلاعات جمع آوری و ذخیره شده در اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی و دفاتر وابسته به آن در شهرستانها، این اداره کل مکلف است ضمن رعایت اسرار محکومان پس از تصویب رئیس قوه قضائیه و همکاری دانشکده های حقوق و مؤسسه های حقوق جزا و جرم شناسی و سازمانهای وابسته به قوه قضائیه و سایر نهادهای مربوط با بررسی و مطالعه مستخرجه ها و پرسش نامه های ارسالی از واحدهای اجرای احکام دادرسیها نسبت به طبقه بندی جرائم ارتكابی از حیث نوع جرم، علل ارتكاب جرم، سن و جنسیت مجرمان، وضعیت خانوادگی و اقتصادی و تحصیلی آنان و نظایر آن، اقدام نموده و اطلاعات حاصل شده را به منظور اتخاذ تدابیر پیشگیرانه و مبارزه با علل یا عوامل ارتكاب جرم و تهیه و تدوین قوانین متناسب در اختیار قوه قضائیه و نهادهای دولتی و مؤسسه های مربوط بگذارد. ماده ۲۴- هرگاه اشتباهی در تنظیم برگ سجد قضایی رخ دهد دادرسی تنظیم کننده برگ یا دادرسی محل صدور شناسنامه باید به اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی اطلاع دهد تا دایره سجد قضایی آن اداره اقدام به اصلاح آن نماید پس از اصلاح برگ اشتباه شده اداره کل عفو و بخشودگی و سجد قضایی به دادرسی تنظیم کننده برگ و دادرسی محل صدور شناسنامه دستور اصلاح برگهای بایگانی شده در آنجا را خواهد داد. ماده ۲۵- این آئین نامه در ۲۵ ماده و ۷ تبصره در تاریخ ۲/۱۱/۱۳۸۴ به تصویب رئیس قوه قضائیه رسیده است و مقررات پیشین از جمله آیین نامه مصوب ۱۹/۲/۱۳۲۱ ملغی است.

### اصلاحیه آئین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۴

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور احتراماً: پیرو نامه شماره ۱۲۴۴۰/۸۴/۱ - ۲۳/۹/۱۳۸۴ بدینوسیله اصلاحات حروفچینی انجام شده در خصوص آئین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور جهت درج در روزنامه رسمی به پیوست ارسال می گردد. رئیس حوزه ریاست قوه قضائیه - عبدالرضا ایزدپناه اصلاحیه آئین نامه سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور ۱- در ابتدای تبصره ماده ۵ «مؤسسه» به «مؤسسه ی کیفری» تبدیل شود. ۲- در صدر ماده ۲۴ پس از واژه ریسان، واژه « زندانها» و ویرگولهای قبل و بعد این واژه حذف شوند. ۳- در جمله آخر بند ۱۶ ماده ۳۰ واژه « مراقب» به « مراقبت» تبدیل شود. ۴- در بند نخست ماده ۳۹ واژه « مافی» به « تدابیری» تبدیل شود. ۵- در جمله ی آخر صدر ماده ۴۴ واژه « پرسی» به « ریسی» تبدیل شود. ۶-

در بند ۴ ماده ۴۴، واژه « بازرس » به « با رییس » تبدیل شود. ۷- در صدر ماده ۵۰ پس از واژه زندان‌ها حرف « واو » اضافه و پس از واژه اشتغال حرف « واو » حذف شود. ۸- در جمله دوم تبصره ماده ۱۱۶ پیش از قاضی ناظر، واژه « با » به « به » تبدیل گردد. ۹- در متن ماده ۲۱۳ شماره ماده ذکر شده در متن از ۱۲۵ به ۱۲۴ تغییر یابد. ۱۰- در متن ماده ۲۱۴ عدد « ۲۱۴ » به « ۲۱۳ » تبدیل شود. ۱۱- در متن ماده ۲۲۲، پیش از واژه ۲۲۱ ویرگول حذف گشته و « واو » اضافه شود. ۱۲- در متن ماده ۲۲۲ عدد « ۲۲۲ » اخیر حذف شود. ۱۳- در صدر ماده ۲۳۲ پس از واژه « رییسان » واژه « زندان‌ها » اضافه شود. ۱۴- در یک جمله مانده به آخرین جمله تبصره ۲ ماده ۲۳۵ واژه « آیین‌نامه » به « ماده » تبدیل شود. ۱۵- در ذیل تبصره ۲ ماده ۲۳۵، پس از عبارت « فرم مربوط به ماده ۲۲۸ » عدد « ۲۲۸ » به « ۲۳۵ » تغییر یابد. ۱۶- در عنوان بخش چهارم پس از عبارت « آماده‌سازی برای خروج از زندان » « واو » اضافه شود.

### بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور - مصوب ۱۳۸۶/۱۱/۱۰

مدیرعامل محترم روزنامه رسمی کشور تصویر بخشنامه شماره ۱۱۴۲۵/۸۶/۱ - ۱۰/۱۱/۱۳۸۶ ریاست محترم قوه قضائیه جهت اطلاع به پیوست ارسال می‌گردد. بخشنامه به واحدهای قضایی و سازمان زندانها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور به منظور تسهیل اجرای وظایف هیأت قضایی ویژه اعزامی به استانها برای بازرسی محاکم و زندانها و نیز تعیین تکلیف زندانیانی که واجد شرایط آزادی بوده و رفع مشکلات احتمالی سایرین مقرر می‌دارد: ۱- نمونه تنظیمی پیوست تکثیر و در اختیار زندان قرار گیرد تا بین متقاضیان توزیع و پس از تکمیل بخشهای مرتبط با زندان و زندانی و صدور دستور هیأت، در مرجع قضایی مربوط مورد اقدام مناسب قرار گیرد و نتیجه به صورت ماهیانه به حوزه ریاست قوه قضائیه ارسال شود. ۲- در زندانهایی که تا کنون شورای حل اختلاف ایجاد نشده است حداکثر تا پایان ماه جاری با تمهیدات لازم نسبت به تشکیل شورا و فراهم کردن موجبات فعالیت و ارائه آمار عملکرد آن به هیأت مزبور اقدام شود. ۳- پس از صدور قرار تأمین و اعزام متهم به زندان، در صورت ارسال پرونده به دادگاه یا مراجع قضایی دیگر، مراتب در هر مرحله به زندان اعلام شود. مدیران زندانها نیز علاوه بر انعکاس تغییر محل نگهداری زندانی به مرجع قضایی مربوط در موارد احضار زندانیان، آنان را در زمان مقرر و بدون تعلل و تأخیر به مراجع قضایی احضارکننده اعزام و معرفی نمایند. ۴- علاوه بر تأکید در اخذ تأمین‌های متناسب و از جمله استفاده از قراردادهای التزام به حضور با قول شرف و التزام به حضور با تعیین وجه التزام به ویژه در خصوص کارکنان دولت و مدیران شرکتهای و کارخانجات و اشخاص معروف به صلاح و اعتبار در میان مردم و پرهیز از رویه‌های سخت‌گیرانه و غیرمعارف، در اجرای بخشنامه‌های شماره ۴۷/۸۰/۱ - ۷/۱/۱۳۸۰ و ۶۹۳۳/۷۸/۱ - ۱۹/۷/۱۳۷۸ از حیث اعمال تعلیق اجرای مجازاتها در محکومیت‌های تعزیری و بازدارنده و همچنین صدور حکم آزادی‌های مشروط در موارد پیشنهادی و با وجود شرایط برخوردار از آنها، اهتمام بیشتری به عمل آید. ۵- رؤسای کل دادگستری‌ها با بررسی عملکرد قضات دادسراها در صدر قراردادهای تأمین در صورت مشاهده رویه‌های سخت‌گیرانه و عدم پذیرش کفیل و وثیقه مراتب را به حوزه ریاست قوه قضائیه جهت بررسی اعلام نمایند. رؤسای واحدهای قضایی و سازمان زندانها در قسمت‌های مرتبط بر حسن اجرای بخشنامه و همکاری‌های مؤثر با هیأت مذکور نظارت و مساعی لازم معمول دارند. رئیس قوه قضائیه - سید محمود هاشمی‌شاهرودی

### ۹- مقررات مختلفه

### ماده واحده مربوط به تغییر و اصلاح مجازاتهای خلافی - مصوب ۱۳۵۳

نظر به حکم مقرر در ماده ۱۲ قانون مجازات عمومی مصوب خرداد ۱۳۵۲ با اختیار حاصل از ماده ۲۷۶ قانون مزبور وزارت



دادگستری و وزارت کشور ماده واحده زیر را تصویب می نمایند: ماده واحده - برای کلیه جرایم خلافی موضوع آیین نامه هایی که به استناد ماده ۲۷۶ قانون مجازات عمومی تصویب شده است به ترتیب زیر تعیین مجازات می شود: ۱ - در مواردی که مجازات جرم خلافی فقط حبس تکدیری است به جای هر روز حبس تکدیری از یکصد ریال تا پانصد ریال جزای نقدی تعیین می شود. ۲ - در مواردی که مجازات جرم خلافی فقط جزای نقدی (گرامت یا جریمه نقدی است به ترتیب زیر عمل خواهد شد: الف - در صورتی که حداکثر جزای نقدی بیشتر از پنجاه ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا پانصد ریال تعیین می شود. ب - در صورتی که حداکثر جزای نقدی کمتر از پنجاه و یک ریال و بیشتر از یکصد ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا یکهزار ریال تعیین می شود. ج - در صورتی که حداکثر جزای نقدی کمتر از یکصد و یک ریال نباشد جزای نقدی از دویست ریال تا دو هزار ریال تعیین می شود. ۳ - در مواردی که مجازات حبس تکدیری توأم با جزای نقدی باشد به جای هر یک از آنها به ترتیب مذکور در بندهای ۱ و ۲ این ماده جزای نقدی تعیین و با هم جمع خواهد شد و مجموع آن در هر حال نباید از پنج هزار ریال تجاوز کند.

### قانون مبارزه با قاچاق انسان

حضرت حجت الاسلام والمسلمین جناب آقای سیدمحمد خاتمی ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه مبارزه با قاچاق انسان که از سوی دولت به شماره ۴۷۸/۲۶۸۶۲ مورخ ۱۱/۱/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی تقدیم و دو فوریت آن در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۷/۲/۱۳۸۳ تصویب شده بود در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۲۸/۴/۱۳۸۳ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسید به لحاظ انقضای مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و عدم وصول پاسخ شورای نگهبان، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رییس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۳۰۲۸۸ ۴/۶/۱۳۸۳ وزارت دادگستری قانون مبارزه با قاچاق انسان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و بدون رایبه نظر از سوی شورای نگهبان در مهلت مقرر در اصل نود و چهارم قانون اساسی طی نامه شماره ۴۲۳۹۹/۴۵ مورخ ۲۵/۵/۱۳۸۳ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجرا ابلاغ می گردد. رییس جمهور - سیدمحمد خاتمی قانون مبارزه با قاچاق انسان ماده ۱- قاچاق انسان عبارتست از: الف - خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد از مرزهای کشور با اجبار و اکراه یا تهدید یا خدعه و نیرنگ و یا با سوء استفاده از قدرت یا موقعیت خود یا سوء استفاده از وضعیت فرد یا افراد یاد شده، به قصد فحشا یا برداشت اعضا و جوارح، بردگی و ازدواج. ب - تحویل گرفتن یا انتقال دادن یا مخفی نمودن یا فراهم ساختن موجبات اخفا فرد یا افراد موضوع بند (الف) این ماده پس از عبور از مرز با همان مقصود. ماده ۲- اعمال زیر در حکم (قاچاق انسان) محسوب می شود: الف - تشکیل یا اداره دسته یا گروه که هدف آن انجام امور موضوع ماده (۱) این قانون باشد. ب - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال مجاز یا غیرمجاز فرد یا افراد به طور سازمان یافته برای فحشا یا سایر مقاصد موضوع ماده (۱) این قانون هر چند با رضایت آنان باشد. ج - عبور دادن (خارج یا وارد ساختن و یا ترانزیت)، حمل یا انتقال غیرمجاز افراد به قصد فحشا هر چند با رضایت آنان باشد. ماده ۳- چنانچه عمل مرتکب (قاچاق انسان) از مصادیق مندرج در قانون مجازات اسلامی باشد مطابق مجازات های مقرر در قانون یادشده و در غیراین صورت به حبس از دو تا ده سال و پرداخت جزای نقدی معادل دو برابر وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است، محکوم می شود. تبصره ۱- چنانچه فرد قاچاق شده کمتر از هجده سال تمام داشته باشد و عمل ارتكابی از مصادیق محاربه و افساد فی الارض نباشد، مرتکب به حداکثر مجازات مقرر در این ماده محکوم می شود. تبصره ۲- کسی که شروع به ارتكاب جرایم موضوع این قانون نماید لیکن نتیجه منظور بدون اراده وی محقق نگردد، به شش ماه تا دو سال حبس

محکوم می گردد. تبصره ۳- مجازات معاونت در جرم (قاچاق انسان) به میزان دو تا پنج سال حبس حسب مورد و نیز جزای نقدی معادل وجوه یا اموال حاصل از بزه یا وجوه و اموالی که از طرف بزه دیده یا شخص ثالث وعده پرداخت آن به مرتکب داده شده است ، خواهد بود. ماده ۴- هرگاه کارکنان دولت یا موسسات، شرکتها و سازمانهای وابسته به دولت و نیروهای مسلح یا موسسات و نهادهای عمومی غیردولتی یا نهادهای انقلاب اسلامی یا به طور کلی کارکنان قوای سه گانه به نحوی از انحا در جرایم موضوع این قانون دخالت داشته باشند ، علاوه بر مجازات های مقرر در این قانون، باتوجه به نقش مجرم به انفصال موقت یا دایم از خدمات محکوم خواهند شد. ماده ۵- چنانچه موسسات و شرکتهای خصوصی به قصد ارتکاب جرایم موضوع این قانون ، ولو بانام و عنوان دیگری تشکیل شده باشند، علاوه بر اعمال مجازات های مقرر ، پروانه فعالیت یا مجوز مربوط ابطال و موسسه و شرکت به دستور مقام قضایی تعطیل خواهد گردید. ماده ۶- چنانچه (قاچاق انسان) توأم با ارتکاب جرایم دیگری تحقق یابد، مرتکب یا مرتکبان علاوه بر مجازات مقرر در این قانون ، به مجازات های مربوط به آن عناوین نیز محکوم خواهند شد. ماده ۷- هر تبعه ایرانی که در خارج از قلمرو حاکمیت ایران مرتکب یکی از جرایم موضوع این قانون گردد، مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۸- تمامی اشیا ، اسباب و وسایط نقلیه ای که عالما و عامدا به امر (قاچاق انسان) اختصاص داده شده اند به نفع دولت ضبط خواهد شد. قانون فوق مشتمل بر هشت ماده و سه تبصره در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ بیست و هشتم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و سه مجلس شورای اسلامی تصویب و نظر شورای نگهبان در مهلت مقرر موضوع اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران واصل نگردید. رییس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل

### قانون راجع به حفظ آثار ملی - مصوب آبان ماه ۱۳۰۹ ( ماده ۱ تا ۲۰ )

ماده ۱- کلیه آثار صنعتی و ابنیه و اماکنی را که تا اختتام دوره سلسله زندیه در مملکت ایران احداث شده اعم از منقول و غیرمنقول با رعایت ماده ۱۳ این قانون می توان جز آثار ملی ایران محسوب داشت و در تحت حفاظت و نظارت دولت می باشد. ماده ۲- دولت مکلف است از کلیه آثار ملی ایران که فعلا معلوم و مشخص است و حیثیت تاریخی یا علمی یا صنعتی خاصی دارد فهرستی ترتیب داده و بعدها هم هر چه از این آثار مکشوف شود ضمیمه فهرست مزبور بنماید. فهرست مزبور بعد از تنظیم طبع شده و به اطلاع عامه خواهد رسید. ماده ۳- ثبت مال در فهرست آثار ملی پس از تشخیص و اجازه کتبی وزارت معارف خواهد بود ولکن ثبت مالی که مالک خاصی داشته باشد باید قبلا به مالک اخطار شود و قطعی نمی شود مگر پس از آن که به مالک اخطار و به اعتراض او اگر داشته باشد رسیدگی شود و وظایف مقرر در این قانون راجع به آثار ملی فقط پس از قطعی شدن ثبت بر عهده مالک تعلق خواهد گرفت ماده ۴- مالک مال غیرمنقولی که مطابق این قانون از آثار ملی می توان محسوب داشت و همچنین هر کسی که بر وجود چنین مالی پی ببرد باید به نزدیکترین اداره مربوطه از ادارات دولتی اطلاع بدهد تا در صورتی که مقامات صالحه مقرر در نظامنامه اجرایی این قانون تصدیق نمودند که از آثار ملی است در فهرست آثار ملی ثبت بشود. ماده ۵- اشخاصی که مالک یا متصرف مالی باشند که در فهرست آثار ملی ثبت شده باشد می توانند حق مالکیت یا تصرف خود را حفظ کنند ولکن نباید دولت را از اقداماتی که برای حفاظت آثار ملی لازم می داند ممانعت نمایند. در صورتی که عملیات دولت برای حفاظت مستلزم مخارجی شود دولت از مالک مطالبه عوض نخواهد نمود و اقدامات مزبور مالکیت مالک را متزلزل نخواهد کرد. ماده ۶- عملیات مفصله ذیل ممنوع و مرتکبین آن به موجب حکم محکمه قضایی به ادای پنجاه تومان الی هزار تومان جزای نقدی محکوم خواهند شد و به علاوه معادل خسارتی که به واسطه عمل خود بر آثار ملی وارد ساخته اند می توان از ایشان اخذ نمود: الف - منهدم کردن یا خرابی وارد آوردن به آثار ملی و مستور ساختن روی آنها به اندود و یا رنگ و رسم کردن نقوش و خطوط بر آنها. ب - اقدام به عملیاتی در مجاورت آثار ملی که سبب تزلزل بنیان یا به تغییر صورت آنها شود. ج - تملک و معامله بدون اجازه دولت نسبت به مصالح و

مواد متعلق به ابنیه مذکوره در فهرست آثار ملی اقدام به مرمت و تجدید بنایی از آثار ملی که در تصرف اشخاص باشد باید با اجازه و تحت نظر دولت واقع شود و الا مجازات های سابق الذکر ممکن است به مرتکب تعلق گیرد. ماده ۷- اموال منقوله که از آثار ملی محسوب و مالک خصوصی داشته باشد باید در فهرست جداگانه به ترتیبی که در ماده ۳ مقرر است ثبت شود. ماده ۸- برای هر مال منقولی که در فهرست آثار ملی ثبت شده باید یک معرفی نامه در دو نسخه تنظیم شود که وصف اصل و منشا و کیفیت اکتشاف آن را معلوم کند و به یک یا چندین عکس از آن منضم باشد. یک نسخه از این معرفی نامه در دفتر آثار ملی دولت مضبوط و یک نسخه دیگر مجاناً به مالک مال داده می شود و در هر قسم نقل و انتقال آن مال باید آن نسخه معرفی نامه همراه باشد و آثاری که بر ثبت مال در فهرست آثار ملی مترتب می گردد در تغییر ایادی نسبت به آن مال منفک نخواهد شد. ماده ۹- با توجه به قانون مجازات اسلامی نسخ شده است ماده ۱۰- هر کس اموال منقوله که مطابق این قانون از آثار ملی محسوب تواند شد بر حسب تصادف و اتفاق به دست آورد اگرچه در ملک خود او باشد باید هر چه زودتر به وزارت معارف یا نمایندگان او اطلاع بدهد. هرگاه مقامات مربوطه دولتی اموال مزبوره را قابل ثبت در فهرست آثار ملی دانستند نصف آن اموال به کاشف واگذار یا قیمت عادلانه آن به تصدیق اهل خبره به او داده می شود و نسبت به نصف دیگر دولت اختیار دارد که ضبط یا بلاعوض به کاشف واگذار کند. ماده ۱۱- حفر اراضی و کاوش برای استخراج آثار ملی منحصر حق دولت است و دولت مختار است که به این حق مستقیماً عمل کند یا به موسسات علمی یا به اشخاص یا شرکتهای واگذار نماید- واگذاری این حق از طرف دولت به موجب اجازه نامه مخصوص باید باشد که محل کاوش و حدود و مدت آن را تعیین نماید و نیز دولت حق دارد در هر مکان که آثار و علایمی ببیند و مقتضی بداند برای کشف و تعیین نوع و کیفیت آثار ملی اقدامات اکتشافیه بنماید. ماده ۱۲- حفاری اگر فقط برای کشف آثار ملی و تحقیقات علمی باشد، حفاری علمی و اگر برای خرید و فروش اشیای عتیقه باشد حفاری تجارته است اجازه حفاری علمی فقط به موسسات علمی داده می شود. در ابنیه و اموال غیر منقوله که در فهرست آثار ملی ثبت شده حفاری تجارته ممنوع است ماده ۱۳- حفاری در اراضی که مالک خصوصی دارد گذشته از اجازه دولت استرضای مالک را نیز لازم دارد. در محلهایی که در فهرست آثار ملی ثبت شده یا دولت پس از اقدامات اکتشافیه آنها را در فهرست ثبت کند مالک حق امتناع از اجازه حفاری ندارد و فقط می تواند حقی مطالبه کند و ماخذ تعیین این حق ضعف اجرت المثل زمینی است که مالک به واسطه حفر از استفاده آن محروم می گردد به علاوه خسارته که به مالک وارد می شود و مخارجی که بعد از حفاری برای اعاده زمین به حالت اولیه باید نمود. ماده ۱۴- در ضمن عملیات حفاری علمی یا تجارته آنچه در یک محل و یک موسم کشف شود اگر مستقیماً توسط دولت کشف شده تماماً متعلق به دولت است و اگر دیگری کشف کرده باشد دولت تا ده فقره از اشیایی که حیثیت تاریخی و صنعتی دارد می تواند انتخاب و تملک و از بقیه نصف را مجاناً به کاشف واگذار و نصف دیگر را ضبط کند، هرگاه کلیه اشیا زاید بر ده فقره نبوده و دولت همه را ضبط کند مخارجی را که حفرکننده متحمل شده است به او می پردازد. ابنیه و اجزای ابنیه از تقسیم فوق مستثنی است و دولت می تواند تمام را متصرف شود. تبصره- مقصود از یک موسم یک دوره عملی است که مدت آن از یک سال بیشتر نباشد. ماده ۱۵- اشیایی که در نتیجه حفاری علمی کشف شود آنچه سهم دولت باشد باید در مجموعه ها و موزه های دولتی ضبط شود و فروش آنها جایز نیست و آنچه سهم کاشف باشد متعلق به خود اوست اشیایی که از حفاری تجارته حاصل شده باشد دولت از قسمتی که به خود او تعلق می گیرد هرچه قابل موزه باشد ضبط و بقیه را به هر نحو مقتضی بداند نقل و انتقال می دهد فروش این اموال از طرف دولت به مزایده خواهد بود. ماده ۱۶- متخلفین از ماده ۱۰ و همچنین کسانی که بدون اجازه و اطلاع دولت حفاری کنند ولو در ملک خودشان باشد و کسانی که اموال آثار ملی را به طور قاچاق از مملکت خارج کنند محکوم به بیست تومان الی دو هزار تومان جزای نقدی خواهند شد و اشیای مکتشفه هم برای دولت ضبط می شود. حفر اراضی و عملیات نظیر آن در صورتی که به قصد کشف آثار عتیقه واقع نشده باشد مستوجب مجازات سابق الذکر نخواهد بود. ماده ۱۷- کسانی که بخواهند تجارت

اشیای عتیقه را کسب خود قرار دهند باید از دولت تحصیل اجازه کرده باشند و همچنین خارج کردن آنها از مملکت به اجازه دولت باید باشد و اگر کسی بدون اجازه دولت درصدد خارج کردن اشیایی که در فهرست آثار ملی ثبت شده برآید اشیای مزبور ضبط دولت می‌شود. نسبت به اشیایی که بر طبق ماده ۱۰ و ۱۴ این قانون سهم کاشف شده اگر در فهرست آثار ملی ثبت نشده، دولت از دادن جواز صدور امتناع نخواهد نمود و اگر در فهرست مزبور ثبت شده مشمول مقررات ماده هیجدهم خواهد بود. ماده ۱۸ - اشیایی که از آثار ملی محسوب است هرگاه بخواهند تقاضای جواز صدور نمایند دولت حق دارد از اجازه صدور امتناع نموده و به قیمتی که صادرکننده برای صدور جواز در تقاضانامه خوداظهار کرده اکتفا نماید و اگر مالک از فروش به قیمت اظهار شده امتناع نمود جواز صدور داده نخواهد شد و هرگاه اجازه صدور داده شد معادل صدی پنج از قیمت عادلانه آن به تقویم مقوم دولتی حق صدور اخذ می‌شود. اگر بین صاحب مال و مقوم اختلاف شود کمیسیون مخصوصی که تشکیل آن در نظامنامه اجرایی این قانون پیش بینی می‌شود رفع اختلاف خواهد نمود. حق صدور مذکور در این ماده غیر از حقوق گمرکی است که بر طبق تعرفه گمرکی از این اشیا ماخوذ می‌گردد. صدور اشیایی که از حفاری علمی با اجازه دولت حاصل شده و سهم کاشف باشد در هر حال جایز و از پرداخت هرگونه حقوق و عوارض معاف است ماده ۱۹ - برای تعیین شرایط تجارت اشیای عتیقه و همچنین اجرای کلیه مقررات این قانون نظامنامه مخصوصی تهیه شده و به تصویب هیات وزرا خواهد رسید. ماده ۲۰ - اجازه‌هایی که تاکنون برای حفاری داده شده در صورت عدم موافقت با این قانون از درجه اعتبار ساقط است

### لایحه قانونی مجازات اخلال در امر کشاورزی و دامداری - مصوب آذرماه ۱۳۵۸ ( ماده ۱ تا ۵

به منظور حفظ نظم و نسق زراعت و جلوگیری از اخلال در کاشت و داشت و برداشت محصولات کشاورزی و دامی و در نتیجه ممانعت از تعطیل یا توقف کشاورزی کشور لایحه قانونی مجازات اخلال کنندگان در نظم و امنیت در امر کشاورزی و دامداری مشتمل بر پنج ماده به شرح زیر تصویب می‌گردد: ماده ۱ - هرکس بدون مجوز قانونی اقدام به تصرف اراضی مزروعی و باغات و قلمستان‌ها و اراضی و مراتع ملی شده و جنگلهای ملی و امثال آنها و منابع آب و موسسات کشاورزی و تاسیسات دامداری و واحدهای کشت و صنعت واقع در محدوده و یا خارج از محدوده شهرها و روستاها بنماید اعم از اینکه اراضی مزبور زراعت شده و یا در حال آیش باشد و نیز هرکس با صحنه سازی از قبیل پی کنی - دیوارکشی - کرت بندی - نهرکشی - غرس اشجار - زراعت و امثال آنها به تهیه آثار تصرف در اراضی متصرفی دیگری به منظور متصرف و ذی حق معرفی کردن خود اقدام نماید به حبس جنحه ای از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود و به علاوه دادگاه می‌تواند مرتکب را به اقامت اجباری از سه ماه تا یک سال در یکی از نقاطی که وزارت دادگستری تعیین خواهد نمود محکوم نماید. تبصره - هرگاه شاکی خصوصی نسبت به جرم متهم یا محکوم گذشت نماید تعقیب در هر حال متوقف و مجازات معلق می‌گردد. ماده ۲ - هرگاه جرم در روستا به وسیله غیر ساکنان آن روستا صورت گیرد و مرتکبین از دو نفر بیشتر باشند مجازات مرتکبین از سه ماه تا سه سال حبس جنحه ای به علاوه اقامت اجباری از یک تا سه سال در یکی از نقاطی که وزارت دادگستری تعیین می‌کند خواهد بود. ماده ۳ - رسیدگی به جرایم فوق در دادرهای عمومی و خارج از نوبت به عمل خواهد آمد و در صورت وجود دلایل کافی بر توجه اتهام قرار بازداشت موقت متهم صادر خواهد شد. ماده ۴ - هرگاه اعمال مذکور قبل از تصویب این قانون واقع شده باشد و موضوع در هیاتهای مندرج در قوانین مصوب ۱۴/۱ و ۲/۵/۵۸ مطرح شده باشد اعم از اینکه به صدور حکم منتهی شده یا نشده باشد هرگاه مرتکب ظرف ده روز از تاریخ اجرای این قانون ملک را به متصرف قبلی تحویل ننماید مشمول مقررات این قانون خواهد بود. ماده ۵ - در مورد مواد ۱ و ۴ تعقیب کیفری منوط به شکایت متضرر از جرم است و در صورت گذشت حسب مورد تعقیب یا اجرای مجازات موقوف می‌گردد.

### قانون راجع به مجازات اخلالگران در صنایع نفت ایران - مصوب مهر ماه ۱۳۳۶ ( ماده ۱ تا ۱۸

ماده ۱- هر کس عمدا و به قصد سو هریک از واحدهای عمده صنعت نفت را از قبیل چاهها یا مراکز جدا کردن نفت از گاز یا مراکز جمع آوری نفت یا دستگاههای تصفیه یا مخازن نفت یا مراکز بارگیری یا اسکله های عمده یا تلمبه خانه ها یا کشتیهای حامل نفت یا مراکز تولید نیرو یا ادارات یا انبارهای صنایع نفت را آتش بزند و یا به هر وسیله دیگر منهدم کند به مجازات اعدام محکوم می شود. ماده ۲- هر کس عمدا و به قصد سو عملی کند که منجر به سوختن یا انهدام تمام یا قسمتی از هریک از ماشینها یا آلات و ادوات مربوط به اکتشاف یا تولید یا تصفیه یا باربری یا توزیع نفت خام و فرآورده های نفتی یا ابنیه یا وسایط نقلیه یا وسایل بندری و ارتباطات و مخبرات متعلق به صنایع نفت بشود به حبس موقت با اعمال شاقه از سه سال تا پانزده سال محکوم خواهد شد. ماده ۳- هر کس به منظور خرابکاری ( سابوتاژ ) عملی کند که بدون آنکه منتهی به انهدام یکی از واحدهای مذکور در ماده ۱ گردد و موجب تعطیل تمام یا قسمتی از آنها بشود به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. تبصره - چنانچه عمل مذکور در این ماده موجب از کار افتادن ماشین و غیر آن نشود ولیکن باعث تعطیل کار گردد مرتکب به حبس تادیبی از سه ماه تا سه سال محکوم خواهد شد. ماده ۴- هرگاه هر یک از اعمال مذکور در مواد ۲ و ۳ موجب هلاک نفس شود مرتکب محکوم به اعدام خواهد گردید. ماده ۵- هر کس نقشه ها یا دفاتر یا اسنادی را که تخریب و یا از بین بردن آنها ممکن است موجب اختلال صنایع نفت گردد به هر نحو تخریب کند و یا از بین ببرد محکوم به حبس تادیبی از سه ماه تا دو سال خواهد شد. ماده ۶- هر کس مواعی برای اجرای وظایف تاسیسات آتش نشانی صنایع نفت ایجاد نماید و یا به منظور جلوگیری از خاموش کردن آتش وسایل آتش نشانی را از محل حریق و یا از ادارات آتش نشانی دور کرده یا به هر نحو از کار بیندازد محکوم به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال خواهد شد. ماده ۷- هر کس به قصد سو مواد منفجره در هر قسمت از ابنیه یا معابر یا دستگاهها و یا تاسیسات صنایع نفت بگذارد به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۸- هر کس یکی از اعمال مذکور در مواد ۱ و ۲ را بدون سو قصد ولی بر اثر بی مبالا-تی یا غفلت مرتکب شود چنانچه عمل ارتكابی موجب هلاک نفس شود محکوم به یک سال الی سه سال حبس تادیبی و در صورتی که موجب تخریب یا تعطیل قسمتی از مراکز عملیات صنایع نفت شود محکوم به شش ماه تا دو سال حبس تادیبی خواهد شد چنانچه بی مبالا-تی یا غفلت موجب خرابی هرگونه اشیا و آلات و ادوات متعلق به صنایع نفت بشود مرتکب محکوم به حبس تادیبی از یک ماه تا شش ماه و نیز جبران خسارتی که از عمل او ناشی شده خواهد گردید. تبصره - منظور از بی مبالا-تی اقدام به امری است که مرتکب نمی بایست به آن مبادرت نموده باشد و منظور از غفلت خودداری از امری است که مرتکب می بایست به آن اقدام نموده باشد اعم از اینکه منشا بی مبالا-تی یا غفلت عدم اطلاع و عدم مهارت یا عدم تجربه یا عدم رعایت قانون یا مقررات یا اوامر یا نظامات یا عرف و عادت باشد. ماده ۹- هر کس مواد محترقه یا منفجره یا اشیا دیگری را که خطرناک بودن آن اعلام شده باشد به داخل محوطه های ممنوع ببرد برای همین عمل محکوم به پرداخت جریمه از یک هزار ریال الی ده هزار ریال خواهد گردید. ماده ۱۰- هر کس عمدا یا به منظور ایجاد وحشت یا اختلال در کار صنایع نفت علا-یم مخصوص اعلام خطر را بدون وجود خطر به کار بیندازد و یا اکاذیبی به منظور فوق اشاعه دهد به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۱- هر یک از کارکنان صنایع نفت که متصدی حفظ ساختمانها یا تاسیسات یا مراقبت دستگاهها و ماشینهای حساس باشد چنانچه پست خود را ترک کند به حبس تادیبی از سه ماه تا شش ماه محکوم خواهد شد و چنانچه ترک پست موجب بروز یکی از حوادث مندرج در مواد ۱ و ۲ گردد و مرتکب واقف بر وجود این خطر بوده باشد به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۲- هریک از مهندسین و کارکنان صنایع نفت که مسئول تعیین و سفارش لوازم و مصالح فنی باشد چنانچه مشخصات مواد و مصالح را عمدا در پیشنهادها و سفارشها ذکر نکند و یا به طرز ناقص و غلط ذکر کند یا با فروشنده یا تهیه کننده مصالح موضعه ای کند که بالنتیجه مصالح نامناسب یا ناقص یا معیوب تحویل شود به حبس تادیبی از سه ماه

تا شش ماه محکوم خواهد شد چنانچه در نتیجه ناقص بودن مصالح یکی از حوادث مندرج در ماده ۱ و ۲ رخ دهد مرتکب به حبس مجرد از دو سال تا ده سال محکوم خواهد شد. ماده ۱۳ - حکم موارد شروع به جرم و شرکا و معاونین جرم بر طبق مقررات قانون مجازات عمومی خواهد بود. ماده ۱۴ - هرگاه جرایم مذکور در این قانون به وسیله تبانی انجام گرفته و عمل منجر به یکی از حوادث مذکور در این قانون شود روسا و آمرین جمعیت به حداکثر مجازات های مقرر در این قانون محکوم خواهند شد. ماده ۱۵ - هرگاه به منظور ارتکاب جرایم مذکور در مواد ۱ و ۲ جمعیتی از سه نفر به بالا تشکیل شود ولی جرمی واقع نگردد تشکیل دهندگان و محرکین برای همین عمل به حبس تادیبی از شش ماه تا دو سال و اعضای جمعیت به حبس تادیبی از سه ماه تا یک سال محکوم خواهند شد و چنانچه یکی یا بیشتر از آنها برای اجرای توطئه حامل اسلحه باشند مجازات تشکیل دهنده و محرک حبس مجرد از دو تا چهار سال و مجازات اعضای جمعیت حبس تادیبی از یک سال تا سه سال خواهد بود. هر یک از اعضای این قبیل دسته ها که قبل از وقوع جرم مقامات صلاحیت دار را از جریان توطئه آگاه سازد از مجازات معاف خواهد بود. ماده ۱۶ - نسبت به جرایم مذکور در این قانون چنانچه عمل مرتکب بر طبق قوانین دیگر مشمول مجازات بیشتری باشد حکم مجازات اشد به موقع اجرا گذاشته خواهد شد. ماده ۱۷ - با توجه به قانون دادرسی نیروهای مسلح و قانون مجازات جرایم نیروهای مسلح منسوخ است ماده ۱۸ - هرگاه کارکنان صنایع نفت مرتکب اعمال مذکور در این قانون شوند (جز در مواردی که حکم خاص دارد) به حداکثر مجازات مقرر در این قانون مجازات خواهند شد.

### قانون مجازات افشای سوالات امتحانی - مصوب خردادماه ۱۳۴۹

ماده واحده هرکس سوالات امتحانات نهایی و یا سوالات امتحانات مسابقه ورودی موسسات آموزشی را افشا کند اعم از اینکه مورد استفاده قرار گرفته یا نگرفته باشد به حبس تادیبی از شش ماه تا سه سال محکوم می شود و در صورتی که مرتکب از کارکنان دولت باشد علاوه بر مجازات مذکور به انفصال ابد از خدمات دولتی محکوم می گردد

### تصویب نامه راجع به ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳ - مصوب ۱

هیات وزیران در جلسه مورخ ۲۸/۳/۱۳۸۲ بنا به پیشنهاد شماره ۱۲۰۹۸ مورخ ۱۱/۳/۱۳۸۲ معاونت حقوقی و امور مجلس رییس جمهور و به استناد ماده (۸) قانون مجازات انتشار و افشای اسناد محرمانه و سری دولتی - مصوب ۱۳۵۳ - تصویب نمود: ماده (۴) آیین نامه طرز نگاهداری اسناد سری و محرمانه دولتی و طبقه بندی ونحوه مشخص نمودن نوع اسناد و اطلاعات مصوب ۱/۱۰/۱۳۵۴ هیئت وزیران به شرح زیر اصلاح می شود: «ماده ۴- برای تغییر طبقه یک سند یا خروج آن از طبقات چهارگانه، هر یک از سازمان ها به مقتضای وظایف و طبع کار خود دستورالعملی تهیه خواهد کرد. اگر تغییر طبقه یا خروج از طبقات به سندی مربوط باشد که از سازمانی به سازمان دیگر فرستاده شده است، اتخاذ تصمیم بر عهده سازمان ارسال کننده سند خواهد بود.» معاون اول رییس جمهور - محمدرضا عارف

### قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری - مصوب ۱۳۸۴

جناب آقای دکتر محموداحمدی نژاد ریاست محترم جمهوری اسلامی ایران لایحه رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری که با عنوان لایحه نحوه رسیدگی به موارد تخلف در آزمونهای ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور از سوی دولت به شماره ۲۵۲۷/۲۷۷۱۳ مورخ ۲۴/۱/۱۳۸۲ به مجلس شورای اسلامی تقدیم و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۶/۷/۱۳۸۴ مجلس با اصلاحاتی تصویب و به تأیید شورای نگهبان رسید، در اجرای اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون

اساسی جمهوری اسلامی ایران به پیوست ارسال می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حداد عادل شماره ۴۴۲۷۹/۱۳۸۴/۱۶/۸ وزارت علوم، تحقیقات و فناوری قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری که در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ششم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۴۸۴۹۴/۱۱۹ مورخ ۲۷/۷/۱۳۸۴ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون رسیدگی به تخلفات و جرایم در آزمونهای سراسری ماده ۱- منظور از « آزمون سراسری» در این قانون عبارت است از کلیه آزمونهایی که جنبه ملی و همگانی دارد و توسط وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا وزارت آموزش و پرورش یا دانشگاه آزاد اسلامی برگزار می گردد از قبیل آزمون ورودی دانشگاهها و مؤسسات آموزش عالی کشور. ماده ۲- هیأت های بدوی و هیأت تجدیدنظر برابر ضوابط این قانون رسیدگی به تخلفات در آزمونها را بر عهده دارند. ماده ۳- هیأت های بدوی رسیدگی به تخلفات در آزمونها با حکم و مسؤولیت بالاترین مقام اجرایی دستگاه برگزارکننده آزمون و با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱- معاون ذی ربط دستگاه (رئیس هیأت بدوی). ۲- مسؤول اجرایی آزمونهای دستگاه ذی ربط. ۳- مدیر کل حقوقی دستگاه ذی ربط. ۴- دو نفر حقوقدان به انتخاب بالاترین مقام اجرایی دستگاه برگزارکننده آزمون. ماده ۴- هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات در آزمونها با ترکیب زیر تشکیل می گردد: ۱- رئیس سازمان سنجش آموزش کشور به عنوان رئیس هیأت. ۲- یکی از معاونین یا مدیران کل وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی با معرفی وزیر. ۳- یکی از معاونین یا مدیران کل وزارت آموزش و پرورش با معرفی وزیر. ۴- یکی از معاونین یا مدیران کل دانشگاه آزاد اسلامی با معرفی رئیس دانشگاه. ۵- یک نفر حقوقدان با معرفی قوه قضائیه. ماده ۵- تخلفات و جرایم در این قانون مشتمل بر موارد زیر است: الف- ارتکاب هرگونه عملی که موجب بی نظمی در برگزاری آزمون گردد یا همراه داشتن هرگونه وسیله غیرمجاز از قبیل وسایل ارتباط الکترونیکی و دستگاههای حافظه دار. ب- ارتکاب هرگونه عمل خلاف مقررات که آزمون داوطلب را از نظر علمی خدشه دار سازد از قبیل: ۱- ارائه مدرک یا گواهی مجعول یا تصویر گواهی مجعول برای شرکت در آزمون. ۲- تبانی با داوطلبان یا افراد خارج از حوزه امتحانی یا دست اندرکاران آزمون از قبیل عوامل اجرایی و طراحان سؤال برای تخلف در آزمون. ۳- ثبت نام در آزمون با هویت مجعول یا شرکت در جلسه آزمون به جای داوطلب اصلی. ج- استفاده از هرگونه وسیله غیرمجاز از قبیل وسایل ارتباط الکترونیکی و دستگاههای حافظه دار. د- کمک به داوطلب خارج از ضوابط برگزاری آزمون جهت پاسخ به سؤالات. ه- دسترسی غیرمجاز به اطلاعات مربوط به داوطلبان یا استفاده غیرمجاز از آنها. و- هرگونه تغییر غیرمجاز سؤالات، اوراق و پاسخنامه های داوطلبان یا سایر مدارک و دفاتر مربوط به آزمون. ز- افشای سؤالات آزمون یا تلاش در جهت دستیابی و افشای آن یا شرکت یا معاونت در این امر قبل یا حین برگزاری آزمون به هر نحو. ح- خرید یا فروش سؤالات آزمون یا پاسخ آنها یا شرکت یا معاونت در این امر قبل یا حین برگزاری آزمون اعم از اینکه سؤالات یا پاسخ آنها واقعی یا غیرواقعی باشد. ماده ۶- هیأت های رسیدگی به تخلفات، صلاحیت صدور حکم به مجازاتهای زیر را درباره متخلفان دارند: الف- در مورد مشمولان بند (الف) ماده (۵): اخطار کتبی با درج در پرونده داوطلب و اعلام به مراجع ذی ربط یا محرومیت از گزینش در آزمون همان سال. ب- در مورد مشمولان بند (ب) یا بند (ج) ماده (۵): محرومیت از گزینش علمی در آزمون همان سال و ابطال قبولی داوطلب در همان سال و محرومیت از شرکت در آزمون از یک تا ده سال بعد. تبصره - آراء هیأت های بدوی جز در مورد مشمولان بند (الف) ماده (۶) این قانون قابل تجدیدنظرخواهی در هیأت تجدیدنظر رسیدگی به تخلفات در آزمونها می باشد. ماده ۷- در مورد مشمولان بندهای (د)، (ه)، (و)، (ز) و (ح) ماده (۵) هیأت های رسیدگی متهم را برای رسیدگی و اعمال جزای نقدی از ده میلیون (۱۰۰۰۰۰۰۰) ریال تا یک میلیارد (۱۰۰۰۰۰۰۰۰) ریال یا حبس از یک تا پنج سال یا هر دو مجازات به محاکم دادگستری معرفی می نمایند. ماده ۸- ارتکاب هر یک از اعمال موضوع ماده (۵) چنانچه در قالب عضویت در یک گروه یا

شبکه باشد موجب تشدید مجازات می شود و تشکیل دهنده و سرکرده گروه یا شبکه به حداکثر مجازات محکوم می گردد. مجازات هر یک از اعضاء که در ارتکاب تخلفات و جرایم فوق دخالتی نداشته باشند حسب مورد حداقل مجازات ذکر شده برای مرتکب می باشد. ماده ۹- رسیدگی در هیأت های رسیدگی به تخلفات در آزمون ها مانع از رسیدگی برابر سایر قوانین جزائی یا رسیدگی در هیأت های رسیدگی به تخلفات اداری یا هیأت های انتظامی اعضای هیأت علمی یا کمیته های انضباطی دانشجویان نیست و مرتکب علاوه بر مجازات مندرج در مواد (۶) و (۷) این قانون به مجازات مقرر در سایر قوانین و مقررات محکوم می گردد. ماده ۱۰- در صورت محکومیت قطعی فردی به یکی از مجازاتهای مندرج در این قانون، به استثنای مجازات مندرج در بند (الف) ماده (۶)، هیأت رسیدگی به تخلفات در آزمون ها، قبولی وی در آزمون را ابطال می نماید. در این صورت مؤسسه آموزشی مربوط از صدور و اعطای هرگونه گواهی یا مدرک به وی خودداری خواهد نمود و چنانچه گواهی فارغ التحصیلی به وی اعطاء شده باشد وزارت علوم، تحقیقات و فناوری یا وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی یا وزارت آموزش و پرورش یا دانشگاه آزاد اسلامی ملزم به ابطال آن گواهی می باشند. ماده ۱۱- چنانچه با بررسی های فنی و علمی، بین نمرات و رتبه اکتسابی داوطلبی و سوابق تحصیلی وی مغایرتهای غیر متعارف مشهود و اساسی از قبیل عدم تطابق معدل دیپلم و دوره پیش دانشگاهی با رتبه و نمره اکتسابی در آزمون وجود داشته باشد، با تأیید هیأت های بدوی رسیدگی به تخلفات در آزمون ها از داوطلب در یک یا چند درس عمومی و اختصاصی امتحان مجدد به عمل می آید. تعیین وضعیت نهایی آزمون این داوطلب، براساس نتایج حاصل از امتحان مجدد بر عهده هیأت های بدوی می باشد. ماده ۱۲- هر مؤسسه یا آموزشگاه علمی و آموزشی که برای افزایش آمادگی داوطلبان شرکت در آزمون های مورد بحث این قانون فعالیت می کند چنانچه در تخلفات ماده (۵) مشارکت داشته باشد مجوز تأسیس آن لغو می شود و مدیران مسؤول آنها علاوه بر محرومیت دائمی از تأسیس و اداره این گونه مراکز به مجازات های پیش بینی شده در این قانون و سایر قوانین محکوم می شوند و چنانچه مؤسسه یا آموزشگاه فاقد مجوز باشد مجازات مدیران مسؤول آنها حداکثر مجازات مندرج در ماده (۶) می باشد. تبصره - در مورد آموزشگاههایی که فاقد مجوز باشند علاوه بر اقدام مراجع قانونی ذی ربط مدعی العموم نیز می تواند راساً نسبت به اعلام جرم و پیگیری تخلفات آنان اقدام نماید. ماده ۱۳- آئین نامه اجرایی این قانون ظرف دو ماه با پیشنهاد وزارتخانه های علوم، تحقیقات و فناوری، بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، آموزش و پرورش و دانشگاه آزاد اسلامی تهیه شده و به تصویب هیأت وزیران می رسد. تبصره - ابلاغ رای در مراحل بدوی و تجدیدنظر و نیز موارد رسیدگی در محل تجدیدنظر تابع قانون آئین دادرسی مدنی می باشد. قانون فوق مشتمل بر سیزده ماه و سه تبصره در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ششم مهرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و چهار مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۲۰/۷/۱۳۸۴ به تأیید شورای نگهبان رسید. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل

### قانون مبارزه با پولشویی - مصوب ۲۴/۱۱/۱۳۸۶

عطف به نامه شماره ۳۲۱۵۶/۲۷۱۴۹ مورخ ۶/۷/۱۳۸۱ در اجراء اصل یکصد و بیست و سوم (۱۲۳) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانون مبارزه با پولشویی که با عنوان لایحه مبارزه با جرم پولشویی به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود، با تصویب در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ ۲/۱۱/۱۳۸۶ و تأیید شورای محترم نگهبان، به پیوست ابلاغ می گردد. رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل شماره ۱۹۲۷۸۸ ۷/۱۲/۱۳۸۶ وزارت امور اقتصادی و دارایی قانون مبارزه با پولشویی که در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ دوم بهمن ماه یکهزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسیده و طی نامه شماره ۱۸۳۴۹۷/۲۵۸ مورخ ۲۴/۱۱/۱۳۸۶ مجلس شورای اسلامی واصل گردیده است، به پیوست جهت اجراء ابلاغ می گردد. رئیس جمهور - محمود احمدی نژاد قانون مبارزه با پولشویی ماده ۱- اصل بر صحت و اصالت معاملات



تجاری موضوع ماده (۲) قانون تجارت است، مگر آن که براساس مفاد این قانون خلاف آن به اثبات برسد. استیلای اشخاص بر اموال و دارایی اگر توأم با ادعای مالکیت شود، دال بر ملکیت است. ماده ۲- جرم پولشویی عبارت است از: الف - تحصیل، تملک، نگهداری یا استفاده از عواید حاصل از فعالیت‌های غیرقانونی با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه ارتکاب جرم به دست آمده باشد. ب - تبدیل، مبادله یا انتقال عوایدی به منظور پنهان کردن منشأ غیرقانونی آن با علم به این که به طور مستقیم یا غیرمستقیم ناشی از ارتکاب جرم بوده یا کمک به مرتکب به نحوی که وی مشمول آثار و تبعات قانونی ارتکاب آن جرم نگردد. ج - اخفاء یا پنهان یا کتمان کردن ماهیت واقعی، منشأ، منبع، محل، نقل و انتقال، جابه‌جایی یا مالکیت عوایدی که به طور مستقیم یا غیرمستقیم در نتیجه جرم تحصیل شده باشد. ماده ۳- عواید حاصل از جرم به معنای هر نوع مالی است که به طور مستقیم یا غیرمستقیم از فعالیت‌های مجرمانه به دست آمده باشد. ماده ۴- به منظور هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط در امر جمع‌آوری، پردازش و تحلیل اخبار، اسناد و مدارک، اطلاعات و گزارش‌های اصله، تهیه سیستم‌های اطلاعاتی هوشمند، شناسایی معاملات مشکوک و به منظور مقابله با جرم پولشویی شورای عالی مبارزه با پولشویی به ریاست و مسؤلیت وزیر امور اقتصادی و دارایی و با عضویت وزراء بازرگانی، اطلاعات، کشور و رئیس بانک مرکزی با وظایف ذیل تشکیل می‌گردد: ۱- جمع‌آوری و کسب اخبار و اطلاعات مرتبط و تجزیه و تحلیل و طبقه‌بندی فنی و تخصصی آنها در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد طبق مقررات. ۲- تهیه و پیشنهاد آئین‌نامه‌های لازم درخصوص اجراء قانون به هیأت‌وزیران. ۳- هماهنگ کردن دستگاه‌های ذی‌ربط و پیگیری اجراء کامل قانون در کشور. ۴- ارزیابی گزارش‌های دریافتی و ارسال به قوه قضائیه در مواردی که به احتمال قوی صحت دارد و یا محتمل آن از اهمیت برخوردار است. ۵- تبادل تجارب و اطلاعات با سازمان‌های مشابه در سایر کشورها در چهارچوب مفاد ماده (۱۱). تبصره ۱- دبیرخانه شورای عالی در وزارت امور اقتصادی و دارایی خواهد بود. تبصره ۲- ساختار و تشکیلات اجرائی شورا متناسب با وظایف قانونی آن با پیشنهاد شورا به تصویب هیأت‌وزیران خواهد رسید. تبصره ۳- کلیه آئین‌نامه‌های اجرائی شورای فوق‌الذکر پس از تصویب هیأت‌وزیران برای تمامی اشخاص حقیقی و حقوقی ذی‌ربط لازم‌الاجراء خواهد بود. متخلف از این امر به تشخیص مراجع اداری و قضائی حسب مورد به دو تا پنج سال انفسال از خدمت مربوط محکوم خواهد شد. ماده ۵- کلیه اشخاص حقوقی از جمله بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، بانکها، مؤسسات مالی و اعتباری، بیمه‌ها، بیمه مرکزی، صندوقهای قرض‌الحسنه، بنیادها و مؤسسات خیریه و شهرداریها مکلفند آئین‌نامه‌های مصوب هیأت‌وزیران در اجراء این قانون را به مورد اجراء گذارند. ماده ۶ - دفاتر اسناد رسمی، وکلای دادگستری، حساب‌برسان، حسابداران، کارشناسان رسمی دادگستری و بازرسان قانونی مکلفند اطلاعات مورد نیاز در اجراء این قانون را که هیأت‌وزیران مصوب می‌کند، حسب درخواست شورای عالی مبارزه با پولشویی، ارائه نمایند. ماده ۷- اشخاص، نهادها و دستگاه‌های مشمول این قانون (موضوع مواد ۵ و ۶) برحسب نوع فعالیت و ساختار سازمانی خود مکلف به رعایت موارد زیر هستند: الف - احراز هویت ارباب رجوع و در صورت اقدام توسط نماینده یا وکیل، احراز سمت و هویت نماینده و وکیل و اصیل در مواردی که قرینه‌ای بر تخلف وجود دارد. تبصره - تصویب این قانون ناقض مواردی که در سایر قوانین و مقررات احراز هویت الزامی شده است، نمی‌باشد. ب - ارائه اطلاعات، گزارشها، اسناد و مدارک مربوط به موضوع این قانون به شورای عالی مبارزه با پولشویی در چهارچوب آئین‌نامه مصوب هیأت‌وزیران. ج - گزارش معاملات و عملیات مشکوک به مرجع ذی‌صلاحی که شورای عالی مبارزه با پولشویی تعیین می‌کند. د - نگهداری سوابق مربوط به شناسایی ارباب رجوع، سوابق حسابها، عملیات و معاملات به مدتی که در آئین‌نامه اجرائی تعیین می‌شود. ه - تدوین معیارهای کنترل داخلی و آموزش مدیران و کارکنان به منظور رعایت مفاد این قانون و آئین‌نامه‌های اجرائی آن. ماده ۸- اطلاعات و اسناد گردآوری شده در اجراء این قانون، صرفاً در جهت اهداف تعیین شده در قانون مبارزه با پولشویی و جرائم منشأ آن مورد استفاده قرار خواهد گرفت، افشاء اطلاعات یا استفاده از آن به نفع خود یا دیگری به طور مستقیم یا غیرمستقیم توسط مأموران دولتی یا سایر اشخاص مقرر در این قانون ممنوع بوده و

متخلف به مجازات مندرج در قانون مجازات انتشار و افشاء اسناد محرمانه و سری دولتی مصوب ۲۹/۱۱/۱۳۵۳، محکوم خواهد شد. ماده ۹- مرتکبین جرم پولشویی علاوه بر استرداد درآمد و عواید حاصل از ارتکاب جرم مشتمل بر اصل و منافع حاصل (و اگر موجود نباشد، مثل یا قیمت آن) به جزای نقدی به میزان یک چهارم عواید حاصل از جرم محکوم می شوند که باید به حساب درآمد عمومی نزد بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران واریز گردد. تبصره ۱- چنانچه عواید حاصل به اموال دیگری تبدیل یا تغییر یافته باشد، همان اموال ضبط خواهد شد. تبصره ۲- صدور و اجراء حکم ضبط دارایی و منافع حاصل از آن در صورتی است که متهم به لحاظ جرم منشأ، مشمول این حکم قرار نگرفته باشد. تبصره ۳- مرتکبین جرم منشأ، در صورت ارتکاب جرم پولشویی، علاوه بر مجازاتهای مقرر مربوط به جرم ارتكابی، به مجازاتهای پیش بینی شده در این قانون نیز محکوم خواهند شد. ماده ۱۰- کلیه اموری که در اجراء این قانون نیاز به اقدام یا مجوز قضائی دارد باید طبق مقررات انجام پذیرد. قوه قضائیه موظف است طبق مقررات همکاری نماید. ماده ۱۱- شعبی از دادگاههای عمومی در تهران و در صورت نیاز در مراکز استانها به امر رسیدگی به جرم پولشویی و جرائم مرتبط اختصاص می یابد. اختصاصی بودن شعبه مانع رسیدگی به سایر جرائم نمی باشد. ماده ۱۲- در مواردی که بین دولت جمهوری اسلامی ایران و سایر کشورها قانون معاضدت قضایی و اطلاعاتی در امر مبارزه با پولشویی تصویب شده باشد، همکاری طبق شرایط مندرج در توافقنامه صورت خواهد گرفت. قانون فوق مشتمل بر دوازده ماده و هفت تبصره در جلسه علنی روز سه شنبه مورخ دوم بهمن ماه یک هزار و سیصد و هشتاد و شش مجلس شورای اسلامی تصویب و در تاریخ ۱۷/۱۱/۱۳۸۶ به تأیید شورای نگهبان رسید.

رئیس مجلس شورای اسلامی - غلامعلی حدادعادل